فرهنگنامه موضوعی

صحیفه سجادیه

جلدهای ۱-۳

سید احمد سجادی

مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

فرهنگنامه موضوعی صحیفه سجادیه

نویسنده:

سید احمد سجادی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فرهنگنامه موضوعی صحیفه سجادیه

مشخصات کتاب

سرشناسه : سجادی، سیداحمد، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ نامه موضوعی صحیفه سجادیه/ سیداحمد سجادی، با همکاری جمعی از محققان ؛ پژوهش مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان.

مشخصات نشر : اصفهان: حوزه علمیه اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۳ ج.

شابک : ۶۰۰۰۰۰ ریال: دوره:۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۷-۹ ؛ ج. ۹۷۸:۱-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۴-۸ ؛ ج. ۹۷۸:۲-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۵-۵ ؛ ج. ۹۷۸:۳-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۶-۲

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ قبلی: موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا (س) ، ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ سوم.

یادداشت : فروست پشت جلد: مجموعه منشورات؛ ۱۲،۱۱

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج.۱.آ-خ.-ج.۲.د-گ.-

موضوع : علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق . صحیفه سجادیه -- فهرست مطالب

موضوع : علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق . صحیفه سجادیه

موضوع : دعاها

شناسه افزوده : حوزه علمیه اصفهان. مرکز تحقیقات رایانه ای

رده بندی کنگره : BP۲۶۷/۱/ع ۸ص ۳۰۷۵ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۳۰۹۲۸

جلد ۱

اشاره

ص: ۱

سر آغاز

بسم الله الرحمن الرحیم

اول: صحیفه مبارکه سجادیه، یکی از عظیم ترین و درخشان ترین اخترهای فروزان معنویت اسلامی است و فروغ بی پایان و ابدی این کتاب مقدس، برای همیشه چراغ راه همه معنویت خواهان و حق طلبان خواهد بود.

البته در یک نگاه، شاید این معنا به نظر برسد که صحیفه سجادیه، منحصراً به معنویت دینی و اسلامی اختصاص دارد و کتاب نیایشی است که مشام جان های شیفته معنویت را از عطر پاکت راز و نیاز و دعا و گفتگو با حق تعالی، انباشته و معطر میگرداند. ورای این نگاه اولیه، اما، حقیقتی بزرگ نهفته است. اگر امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام در این کتاب مقدس بر معنویت و امور معنوی، آن هم در قالب و شکل مناجات تأکید می ورزند، از آن جهت است که در این اثر بی بدیل، بر گرایش ها و نگرشهایی تکیه می شود که در بیرون از متن و زمینه معنوی، نمی توان آن را به درستی درک کرد.

بی تردید در صحیفه سجادیه، تعالیمی بلند و عمیق ارائه می شود که در بسیاری از سطوح، از امور کلامی الهیاتی - در عام ترین معنای این اصطلاح - گرفته تا امور اجتماعی و سیاسی، و از امور فرهنگی و علمی گرفته تا امور اقتصادی و معیشتی نیز کاربرد دارد. از این رو اگر چه در محتوای عمیق صحیفه سجادیه، معنویتی بی پایان و قداستی ژرف نهفته است و با صورت و محتوای نیایشی، بر درونی ترین و معنوی ترین بعد اسلام تأکید می رود، ولی در عین حال، امام سجاد البته به کزات از بیرونی ترین ابعاد اسلام نیز در عام ترین معنای آن سخن میگویند. تحلیل مفصل هر یک از سطوح و ابعاد مختلفی که در صحیفه مبارکه سجادیه از آن به تصریح یا اشارت سخن رفته است، نیازمند پژوهشهایی پر برگ و بار است. دوم: پژوهش حاضر -که یکی از برنامه های صحیفه پژوهی مرکز تحقیقات رایانهای حوزه علمیه اصفهان بوده و پیشنهاد آن از چند سال پیش مطرح و سپس کار عملیاتی آن به وسیله محققان محترم آن مرکز آغاز گردیده بود و اینک در آغاز سالی که به نام مبارک پیامبر اعظم و نبی مکرم و رسول خاتم غیبی مزین گردیده و در ایام ولادت با سعادت آن حضرت، به زیور طبع آراسته می شود - گامی

برای ارائه و تبیین هرچه بهتر سطوح و ابعاد گوناگون و چه بسا ناشناخته یا کمتر شناخته صحیفه سجادیه است.

ص : ۵

در این فرهنگ واره موضوعی –که قریب به یازده هزار موضوع اصلی و فرعی را در بردارد – تلاش شده است تا زوایای مختلف تعالیم بلند این کتاب مقدس، از متن کلام امام همام زین العابدین علیه السلام، استخراج گردیده و بر اساس ساختار درختی، تنظیم و تبویب گردد.

به دیگر بیان، تمامی موضوعات این فرهنگ واره از منطوق کلمات و بیانات امام سجاد علیه السلام استخراج گردیده و هیچ چهارچوبه ذهنی خاصی برای محتوای کتاب، از پیش تعیین نگردیده است. از این رو بر خلاف بسیاری از فرهنگ های موضوعی که پیرامون کتابهای مقدس اسلامی نگاشته شده، موضوعات طرح شده، در فضای تعیینی ذهن محققان گرفتار نیامده، بلکه به صورت کاملاً عینی و تجربی، متن بیانات امام علیه السلام مورد توجه قرار داده شده و موضوعات کلی و جزئی و اصلی و فرعی، از متن کلمات آن حضرت استخراج گردیده است.

این کار در سطح خود، یک پژوهشی ویژه و نو به شمار می رود و امید است مورد قبول ارباب فضل و صحیفه پژوهان و همه دانشیان ارادتمند به آستان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام واقع گردد.

سوم: خداوند کارساز بنده نواز را، سپاس بی حد و قیاس می گزاریم که توفیق انجام این اقدام پژوهشی را به مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان و محققان آن عنایت فرمود. نیز از الطاف بزرگ امام زین العابدین و سید الساجدین علیه السلام، سپاسگزاریم که مددکار پژوهشگران و دست اندرکاران این طرح بوده اند.

این قلم نیز بر خود فرض می داند که از یکایک محققان و متصدیانی که اتمام این کار، مرهون اهتمام و تلاش وافر آنهاست، به ویژه حجهالاسلام والمسلین سید احمد سجادی صمیمانه تقدیر و تشکر نماید.

امید است این خدمت به آستان صحیفه مبارکه سجادیه، مورد قبول و پذیرش امام همام علی بن الحسین علیهماالسلام قرار گیرد. ان شاء الله.

و آخر دعوانا آن الحمدلله رب العالمین و صلین الله علی سید نا محمد و آله الطاهرین.

عید سعید هفدهم ربیع الاول ۱۴۲۷ قمری – بیست و هفتم فروردین ۱۳۸۵ شمسی.

حوزه علمیه اصفهان

دفتر حضرت آیه الله العظمی مظاهری

محمّد حسن مظاهری

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

صحیفه مبارکه سجادیه، اثر و یادگار سیدالساجدین حضرت امام علی بن الحسین علیهماالسلام است و در بردارنده پنجاه و چهار دعا میباشد که آن حضرت در جلسه ای نورانی آن را برای دو فرزند برومندشان، حضرت امام باقر علیه السلام و زید بن علی علیهماالسلام نقل کرده و هر دو را امر به کتابت و محافظت از این اثر بی بدیل و سترگ نموده است.

پیشوای بزرگ شیعیان، حضرت امام صادق علیه السلام - که در سنین کودکی در این جلسه نورانی حضور داشته است-، فرزندش اسماعیل را به حفظ و حراست از این کتاب گران مایه فرمان داده و از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام (محمد و ابراهیم که فرزندان عبدالله بن حسن بودند) می خواهد هیچ یک، این کتاب بی بدیل را از مدینه خارج نکنند. چرا که خوف آن می رود با کشته شدن آن دو، کتاب نیز از بین برود.

اوامر امام صادق علیه السلام بر حراست از این اثر باقی و جاودانه امام سجاد علیه السلام از یک طرف، و از منظری دیگر، مفاهیم بی مانند آن که در قالب مناجات نامه با خالق بی همتاست، عالمان و اندیشمندان شیعی را بر آن داشت تا هر یک به نوبه خود بر محافظت و نگهبانی از «زبور آل محمد صلی الله علیه و آله»، سخت بکوشند.

نمونه های این تلاشی را میتوان در طول قرن های متمادی در روایت، درایت، قرائت، تدریس، استنساخ نسخ و مراقبت در تصحیح، کتابت و نقل آن و نگارش ده ها تعلیقه، حاشیه، ترجمه و شرح که بر این مناجات نامه شیعی نگاشته شده، یافت و علاوه بر آن بعضی از اندیشمندان و محدثین، بر این کتاب گرانقدر مستدرکاتی نگاشته اند که با اسناد و طرق مختلف به دعاهای سقط شده اشاره کرده و دعاهای دیگر منسوب به امام سجاد علیه السلام را نیز ذکر

نموده اند.

بزرگانی همچون شیخ حر عاملی، میرزا عبدالله افندی، میرزا حسین نوری طبرسی، حسین محسن امین عاملی و شیخ محمد صالح مازندرانی-رحمه الله علیهم اجمعین- به جمع آوری دعاهای امام زین العابدین علیه السلام از میان متون کتاب های حدیثی پرداخته و به نگارش کتابهایی با عنوان «الصحیفه الثانیه» تا «الصحیفه السادسه» پرداخته اند.

در سال های اخیر نیز با استفاده از صحیفه کامله سجادیه و مستدرکات پنجگانه. اثر جدید. به نام «الصحیفه السجادیه الجامعه» ارانه گردید که در آن، دعاهای صحیفه به ۲۷۰ دعا افزایش داده شده و به شکل نموداری، سلسله اسناد دعاها. در پایان کتاب آمده است.

تمامی این تلاش ها، اولاً به آن خاطر است که حفظ احادیث و کلمات نورانی ائمه معصومین علیهم السلام و رساندن آنها به دیگران، در بین مسلمانان - خاصه مکتب حقه تشیع-، جایگاهی ویژه و بس رفیع داشته است و بزرگان در نقل و تصحیح آن اهتمامی خاص نموده اند و حتی در این مسیر، هر که را لایق نقل حدیث می یافتند، اجازه روایت حدیث اعطا می کردند. و ثانیاً دعا و نیایش، بخش جدایی ناپذیر از فرهنگ اسلامی است که به شکلی زیبا و دقیق و در آوازی مناجات گونه، به تفهیم و تعلیم بسیاری از معارف دینی پرداخته است. از این رو دعاهای منسوب و مأثور از ائمه معصومین علیهم السلام خصوصاً حضرت سید الساجدین علیه السلام، یکی از ذخایر عظیم و پر ارج فرهنگ ناب مکتب تشیع می باشد.

جای بسی تأسف آست که در زمان حاضر تصور عامه مردم از دعاهای روایت شده از ائمه معصومین علیهم السلام، تنها خواندن و زمزمه نمودن آن است و تلاشی در جهت فهم آن و درک معانی آنچه بر زبان جاری می سازند، نمی نمایند. حتی برخی از اندیشمندان دینی نیز به کتاب های دعایی و صحیفه مبارکه سجادیه، به دید یکی از عمیق ترین مأخذ معارف الهی نظر نکرده و در مباحث مطروحه: به جملات و فرازهای آن ارجاعی نداشته اند و از این رو ستمی

بس عظیم به بخش وسیعی از معارف منحصر به فرد فرهنگ آل البیت علیهم السلام رفته است.

در بررسی اجمالی که از چند کتاب موضوعی حدیث که در سالهای اخیر نگاشته شده به عمل آمد، مشخص گردید ارجاعات و استنادات به صحیفه سجادیه، بسیار کم است. در کتابی که ۱۷۷۰ روایت، حدیث و گفتار ائمه معصومین علیهمالسلام، به صورت موضوعی بیان شده، فقط پانزده ارجاع به صحیفه سجادیه وجود داشت (کمتر از یک درصد). در کتاب دیگری که ۴۷۹ گفتار معصوم را بیان کرده بود، فقط دو بار به صحیفه سجادیه مراجعه شده بود (کمتر از نیم درصد). و این در حالیست که در بسیاری از موضوعات، می توان از فرازهای صحیفه سجادیه نیز استفاده برد. ولی نویسندگان آن کتاب ها به دلیل عدم موضوع بندی جامع بر صحیفه مبارکه سجادیه، نتوانسته اند از آن استفاده موضوعی نمایند.

لذا ضروری است اندیشمندان حوزه دین و عالمان بلند همت، دعا را نه فقط به عنوان زمزمه ای عارفانه، بلکه به عنوان منبعی غنی در القای ظریف ترین معارف الهی، به مردم معرفی کرده، به تبیین و تفسیر این کلمات آسمانی بپردازند.

در این مسیر نخستین گام برای زدودن غبار غربت از دعاهای روح افزای معصومین علیهم السلام خصوصاً صحیفه سجادیه، تهیه معاجم و فرهنگ نامه هایی برای تسریع در دستیابی به محتوا و مضامین فرازهای ادعیه است.

نباید از نظر دور داشت که صحیفه سجادیه دارای دو شأنیت است: اول آنکه در جمع احادیث شیعی قرار گرفته و به آن نگاهی روایی شده و همانند دیگر روایات مأثوره، دارای سلسله اسناد و اجازات است و بزرگان اخبار آن را در کتاب های روایی خود آورده اند و بعضاً به شرح بعضی از لغات آن در همان کتاب پرداخته اند.(۱) برخی عالمان نیز به نقل اسناد صحیفه

---

۱ - ۱) علامه بزرگوار مجلسی خانه درصد فحه ۵۹ جلد ۱۱۰ بحارالانوار، به نقل اسناد صحیفه پرداخته و میگوید:«روایات صحیفه با بیش از آن است که به شمارش آید.» مرتضی زبیدی حنفی که از عالمان بنام قرن دوازده هجری می باشد نیز در صفحه ۴۸۰ جلد ۴ کتاب «اتحاف السادهالمت قین» با سندی خاص، به نقلیدعای چهل و هفتم صحیفه پرداخته است.

پرداخته، در سلسله اسناد آن همانند دیگر روایات نقد و بررسی کرده و راویان آن را توثیق نموده اند. تمامی این تلاش ها حکایت از آن دارد که صحیفه را به صورت یک روایت، همانند دیگر روایات دیده اند.

دومین شأنیت صحیفه سجادیه آن است که دعاهای این کتاب در جمع دعاهای پربار و زیبای شیعی قرار دارد و بزرگان بدان نگاهی مناجاتی کرده و آن را راهی برای راز و نیاز با خالق بیهمتا برشمرده اند.(۱)

ولی متأشفانه با آنکه صحیفه دارای دو شأنیت است، نه موضوع نگاری جامعی بر دعاهای مأثوره از ائمه معصومین طالقان از جمله صحیفه سجادیه صورت گرفته و نه برای تمامی روایات و احادیث روایت شده و کتاب های روایی، نمایه زنی شده است. البته از دیر زمان عالمان دینی در تدوین کتاب های حدیثی به دسته بندی و تبویب دست ورزیده اند که اولین اثر آن را می توان کتاب شریف «کافی» اثر باقی ثقهالاسلام ابی جعفر محمّد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۸ هـ. ق) دانست و از آن پس نیز مؤلفان، عموماً کتابهای خود را در فصل ها و عنوان هایی هر چند محدود، تدوین می نمودند. به تدریج هر چه زمان می گذشت و احساس نیاز به موضوع بندی احادیث تقویت می شد، نویسندگان در تدوین احادیث و روایات از

عنوان، فصل و باب های بیشتری در تنظیم کتاب های -خورد استفاده کردند.(۲)

---

۱ – ۱)شهید ثانی در کتاب «ا للمعه الدمشقیه»، در اعمال روزعرفه، خواندن دعای چهل هفتم صحیفه را سفارش کردهاست. محقق بحراز ی نیز در صفحه ۳۹۰جلد ۱۶ کتاب «الحدائق الناضره» میگوید:«مستحب است در روزعرفه دعا خواندن و بهتراست دعای عرفه امام حسین ایالا و دعای عرفه امام سجاد ایالا هر صحیفه کامله، خوانده شود.
۲ – ۲)نگاهی به کتاب فقهی «تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه» نوشته شیخ ابی جعفر محم ادبن حسن طوسی (م ۴۶۰ ه. ق) و کتاب «وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه» تألیف شیخ محمدبن حسن حر عاملی (م ۱۱۰۴ ه ق) بازگوی این حقیقت است که کتاب او لکه در قرن پنجم تألیف شده، دارای ۳۹۵ باب است. درحالی که کتاب دو مکه در اواخرقرن یازدهم نگارش یافته، دارای ۷۰۸۱ باب می باشد.

اما این روش، هرگز نتوانست همه آنچه را که در لابهلای متون حدیث و دعاهای ائمه معصومین علیهم السلام بود، در مقابل دیدگان محققین قرار دهد. چون در بسیاری از احادیث و روایات، چندین موضوع مطرح شده که باید در چندین باب و فصل قرار میگرفت یا حداقل به آن ارجاع داده می شد، در حالی که تنها در یک فصل از یک باب، آن روایت وارد شده و چنانچه دعاها آورده می شد، فقط به عنوان ادعیه و در کتاب مزار ذکر می گردید.

تلاش برخی از نویسندگان کتاب های حدیثی از این بالاتر رفته و کتاب هایی به صورت موضوعی و دارای زیر موضوع های متعدد و وابسته به یکدیگر با ذکر آیات قرآن، احادیث و فرازهایی از بعضی دعاها، به همراه ترجمه فارسی و آدرس منبع، نگاشته شد. از آن جمله می توان به کتاب هایی نظیر «میزان الحکمه» و «آثار الصادقین» اشاره کرد. در اینگونه کتاب ها به گوشه هایی از صحیفه سجادیه و فرازهایی از آن در موضوعات مختلف اشاره شده است. ولی نویسندگان اینگونه کتاب ها نیز اولاً بسیاری از احادیث ائمه معصومین علیهم السلام و فرازهای صحیفه سجادیه را ذکر ننموده اند و ثانیاً بنا نداشته اند به تمامی معانی و مفاهیم حدیثی که ذکر نموده اند، توجه داشته باشند و آن روایت را در موضوعات متعدد ذکر نمایند. چرا که این خود، امری غیرممکن است و از طرفی نیز هر مفهوم و عبارت ممکن است چندین احتمال معنایی داشته باشد و نگارندگان این کتاب ها، بنایی بر عنوان بندی تمامی محتوای حدیث و فرازهای دعاهای صحیفه سجادیه نداشته اند.

با نگارش کتاب های معجم لفظی(1) برای صحیفه مبارکه سجادیه و بعضی از کتابهای حدیث، روش جدیدی برای تکمیل اطلاعات و تسهیل و دقت در دسترسی به مضامین و

---

۱ – ۱) شاید این نام برگرفته ازا حادیثی باشد که از حروف الفبا به «معجم» یادکرده. همانند احادیث «من لا یحضره الفقیه»، ج۴، ص ۱۳ او «تهذیب الاحکام»، ج ۱۰، ص ۲۶۳.

اطلاعات آن کتاب، عرضه شد که این کار در رساندن محقق به موضوعات، بسیار با اهمیت، مفید و ارزنده بود.

امروزه ما به وسیله رایانه، کامل ترین معاجم لفظی از قرآن و کتابهای حدیثی از جمله نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را در اختیار داریم که با توجه به آنکه شکل کلمات برای محققان اهمیت ویژه ای دارد از روشهای کارگشا و کم نقص محسوب می شود و با توجه به اینکه زمان زیادی از ارائه آن نمی گذرد، برای تأمین قسمتی از نیاز محققان، هنوز جایگزینی مناسب برای آن یافت نشده است. علاوه بر آنکه بعضی از این معجم ها به چاپ رسیده، بسیاری از برنامه های رایانه ای نیز وجود دارند که دارای معجم و امکان جستجوی لفظی با دقت بسیار بالا می باشند.

دیگر روشی که در سده های اخیر جهت تسریع در دستیابی به محتوا، مورد توجه و اهتمام دانشمندان قرار گرفته، فهرست نگاری موضوعی، یا تهیه کشف المطالب است. اکنون پژوهشگران اسلامی فهرست نگاری های متعددی بر قرآن و کتاب های حدیثی تألیف کرده اند. پس از نگارش کشف المطالب ها و کشف الایاتهای بسیاری بر قرآن کریم، موضوع نگاری های متعددی بر نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و بعضی از کتاب های حدیثی صورت گرفته است. از آن جمله می توان به «خورشید بی غروب نهج البلاغه»،(۱) «الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه»(۲) و «الدلیل الی موضوعات الصحیفه السجادیه»(۳) اشاره کرد.

در این روش ابتدا نویسنده، چهارچوبی ذهنی برای محتوای کتاب می سازد و تلاش میکند، محتوای کتاب را در این چهارچوب پیش ساخته جای داده و سپس برخی از این

۱- ۱) نوشته عبدالمجید معادیخواه، سال ۱۳۷۲، ده جلد.

۲- ۲)نوشته علی انصاری، سال ۱۳۵۷، یک جلد.

۳- ۳) نوشته محمد دحسین مظفر، سال ۱۳۶۲، یک جلد.

محتواها را موضوع و برخی را زیر موضوع موضوعات قرار می دهد. این روش گرچه مخاطب را با موضوعات و زیر موضوع های کتاب آشنا می کند، ولی در بعضی از موارد هیچ ارتباطی بین متن و موضوع خود ساخته ذهنی مؤلف نمی بینیم و از طرفی بسیاری از محتوای منطوقی و مفهومی متن در قالب موضوع، ارائه نشده است. یعنی از جهتی، جامع تمامی موضوعات کتاب نبوده و از سوی دیگر، بسیاری از موضوعات، با اصل کتاب مطابقت نمی کند و از این مشکل تر آنکه، موضوعات در چهارچوبه زمان و مکان نویسنده گرفتار آمده و مؤلف با توجه به مباحثی که در جامعه مطرح است، به موضوع نگاری متن پرداخته و سعی دارد اینگونه القا کند که این مطالب در کتاب وجود دارد.(۱)

جدیداً بعضی از نویسندگان فرهنگ نامه های موضوعی، بر این باورند که نبایستی در مفاهیم کتاب سیر نمود و در چهارچوب ذهنی خود اسیر گشت و یا با توجه به موقعیت زمانی و مکانی به موضوع نگاری پرداخت، بلکه موضوعات می باید از منطوق کلمات استخراج شود.

در این روش، مؤلف بدون هیچ پیش فرض ذهنی و طرح قبلی، مستقیماً به صورت تجربی و عینی به سراغ متن رفته و با استفاده از واژه های متن و در بعضی از موارد ایجاد رابطه میان کلمات، به ساخت موضوع می پردازد و سپس موضوعات را به ترتیب الفبایی، منظم کرده، مجموعه اطلاعات هر موضوع که از این یک واژه خاصی برگرفته شده است را در زیر یکدیگر نوشته و زیر موضوعاتی را پدید می آورد و سپس با واژه های کمکی و تکمیلی، مجموعه اطلاعاتی را به صورت شکل یافته، فراهم نموده، به کاربران و پژوهشگران عرضه می دارد.

این روش هر چند از اعمال سلیقه کمتری برخوردار است و محققان ارجمندی نیز قرآن و

۱- همچون موضوعاتی که اخیراً یکی از موضوع نگاران بر کتاب شریف نهج البلاغه، نگاشته و آن کتاب را حاوی موضوعاتی همچون «فوتوریسم»، «فورمالیسم»، «فیزیوئومی»، «فیزیولوژی» و ... دانسته است.

صحیفه جامعه سجادیه را اینگونه موضوع یابی نموده اند،(۱) ولی این روش برای کسانی که با زبان عربی آشنایی دارند، مفید می باشد. زیرا موضوعات، برخاسته از متن عربی است و افراد بیگانه با آن زبان، قادر به بهره برداری از آن نیستند و چنانچه نویسنده موضوعات را ترجمه نماید، به منظور خود که استفاده از منطوقی کلمات است، دست نیافته است. زیرا در ترجمه موضوعات و زیر موضوعات باز چهارچوبه ذهنیت مترجم کارساز است و موضوعات اسیر ذهن و زمان نگارش میگردد و از طرفی سردرگمی مراجعه کننده غیر آشنا به زبان عربی را به دنبال دارد. چرا که او به دنبال همه واژه های به کار رفته در آن موضوع است و با ترجمه آن نمی تواند تمامی موضوعاتی که بدان معنا است، یکجا بیابد. و از طرفی در این فرهنگها، هر چند کلمات همان کتاب به کار رفته، اما موضوعات ساخته شده معادل نیز فراوان بوده و مؤلف از زبان فارسی و عربی به صورت ادغامی بهره گرفته است.

اشکال دیگری که به روش فرهنگ نویسی آنان وارد است این است که نویسندگان محترم این گونه فرهنگ واره ها بنا بر آن داشته اند که از منطوق و عین کلمات به سراغ جملات آن کتاب رفته، به موضوعات دسترسی یابند. در حالی که به تأویل، تفسیر و همچنین در مورد فرهنگ نامه های قرآنی، به شأن نزول بعضی از آیات نیز توجه کرده اند و برخی موضوعات را با توجه به تفسیر، تأویل و شأن نزول ساخته اند، که این کار حتی از کسانی که با توجه به چهارچوبه ذهن خود به ایجاد موضوع میپردازند نیز سر نزده است.

با توجه به مطالبی که گذشت، نیاز به موضوع نگاری صحیفه مبارکه سجادیه، بیشتر احساس

می شد. زیرا پیرامون قرآن کریم حداقل ده ها کشف المطالب و کشف الایات با تمامی محشنات

ص : ۱۴

۱- ۱) «فرهنگ موضوعی قرآن مجید » اثر خرمشاهی وفانی /انتشارات فرهنگ معاصر سال ۱۳۶۴. «نمایه نامه موضوعی صحیفه سجادی ه» اثر مصطفی درایتی .

و کاستیها موجود بود(۱) و پیرامون کتاب شریف نهج البلاغه نیز فرهنگ نامه های متعددی وجود داشت.(۲) اما در مورد کتاب گران بار صحیفه مبارکه سجادیه، تنها اثر مهمی که به عنوان فرهنگ نامه موضوعی نگاشته شده بود، کتاب «الدلیل الی موضوعات الصحیفه السجادیه» است که مؤلفب آن، فارغ از واژه ها و الفاظ موجود در صحیفه سجادیه، به بررسی آن پرداخته و هر آنچه را که به عنوان موضوعی قابل طرح یافته، در ۳۲۸ صفحه، ۱۹ موضوع و ۱۹۷ زیر موضوع گرد آورده است. موضوعاتی که نویسنده برگزیده، عبارت اند از: توحید، نبوت، امامت، معاد، اسلام، ملائکه، اخلاق، طاعات، ذکر و دعا، سیاست، اقتصاد، انسان، هستی، جامعه، علم، زمان، تاریخ، سلامتی و امور نظامی. با بررسی دقیق این موضوعات، به این نتیجه میرسیم که اکثر این موضوعات، عناوینی است ساخته مؤلف، که این عنوان ها در صحیفه کامله سجادیه به چشم نمی خورد. زیژموضوعات نیز تابع هیچ مشخصه ای نیست و نویسنده محترم آن، در بسیاری از موارد سلیقه ای عمل کرده است.

کتاب «نمایه نامه موضوعی صحیفه سجادیه» که در دو جلد انتشار یافته، علی رغم محشناتی که دارد، به موضوع نگاری صحیفه مبارکه سجادیه که شامل ۵۴ دعاست نپرداخته، بلکه صحیفه جامعه سجادیه، که دارای ۲۷۰ دعا می باشد را موضوع نگاری نموده است. این فرهنگ دارای ۷۵۰۰ مدخل اصلی و ۳۵۰۰ مدخل ارجاعی بوده و قابل تطابق و استفاده برای صحیفه کامله سجادیه نیست. چرا که صحیفه جامعه در بسیاری از موارد، از جمله در شماره دعاها با صحیفه کامله پنجاه و چهار دعایی اختلاف دارد. به طور مثال، دعاهای یکم تا دهم صحیفه کامله، در صحیفه جامعه به شماره های ۱، ۹، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۳۰،

۳۲ آمده است.

۱- ۱) بنگرید به « کتابشناسی جهانی قرآن کریم»/خانه کتاب قم/۱۳۸۲، ج ۱، صص ۳۸-۱۴.
۲- ۲) بنگرید به «امام علی در آینه قلم»/ج ۱، صص ۵۵۷- ۵۵۰.

احساس نیاز به وجود فرهنگ واره ای جامع برای صحیفه کامله سجادیه (با توجه به اینکه موضوع نگاری دعا و مناجات از ویژگی و حساسیت خاصی برخوردار است)، ما را بر آن داشت تا با سبکی جدید به موضوع نگاری صحیفه مبارکه سجادیه بپردازیم. طی سالهای اخیر در مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، اقدامات پژوهشی و تحقیقی متعددی چه به شکل نرم افزار رایانه ای و چه به صورت مکتوب، برنامه ریزی شده که تاکنون برخی از آنان به مرحله تولید رسیده و برخی دیگر در حال تکمیل می باشد.

یکی از این برنامه ها که به شکل مکتوب ارائه میگردد، فرهنگ نامه موضوعی صحیفه سجادیه است. در تدوین و تنظیم این فرهنگ نامه در مرحله اول، صحیفه سجادیه ای که توشط مرحوم حجهالاسلام سید علی نقی فیض الاسلام قدس سره تصحیح و فرازبندی شده بود را به عنوان متن اصلی انتخاب کرده، بدون هیچ قالب پیش ساخته ذهنی یا خارجی، به اصل متن صحیفه مراجعه و کلمه به کلمه متن را بررسی نمودیم و پس از گزینش واژه هایی که دارای بار موضوعی خاصی بود، با استفاده از رایانه، آنها را به صورت الفبایی و معجمی، مرتب نمودیم. با بررسی دقیقی کلمات انتخاب شده، به این نتیجه رسیدیم که واژههای انتخابی بر دو قسم هستند: یک قسم کلماتی بودند که علاوه بر دارا بودن بار موضوعی، در متن محور سخن و یا مطلبی بودند که بدون شک این واژه ها در ترکیب موضوعی قرار میگرفتند. نظیر موضوعات «آب»، «آتش»، «آسمان» و.... قسم دوم واژه هایی بودند که بار موضوعی داشتند، اما محور سخن یا مطلبی نبودند. در اینجا کلماتی که می توانست محقق را در رساندن به مطالب یاری دهد، ذکر نمودیم. همچون موضوعات «رسیدن»، «روگردانی»، «روی آوری»، «همانند» و.... سپس واژه هایی را که علی رغم داشتن بار موضوعی، نمیتوانست در راستای منظور محقق نقش آفرینی نماید، ذکر نکردیم. نظیر موضوعات «آبشخور»، «سقالبها»، «معوذتین» و.... زیرا بر این باور بودیم که چنین موضوعاتی برای مراجعه کننده نه تنها مفید

نخواهد بود، بلکه ممکن است گیج کننده و ملالآور باشد. (البته چنین مواردی نسبت به کل موضوعات مطرح شده، بسیار نادر بود.) در این میان به کلماتی برخوردیم که محور سخن نبودند و در بعضی فرازهای دعا، دارای بار موضوعی و در برخی از جملات، فاقد بار موضوعی بودند که با بررسیهای دقیق، مواردی که دارای بار موضوعی بود، ذکر شده و از فرازهایی که کلمه در آن فاقد بار موضوعی بود، چشم پوشی شد. زیرا فرهنگ نامه موضوعی باید هدایتگر به واژه هایی باشد که راهنمای موضوع بحث در متن قرار گیرد و مراجعه کننده را به مطلبی در اطراف آن موضوع، راهنمایی کند و چنانچه او به دنبال همه واژه های به کار رفته در تمامی فرازهای دعا است، باید برای رفع نیاز خود به معجم لفظی صحیفه مبارکه سجادیه مراجعه کند نه به فرهنگ نامه موضوعی که بنای خود را بیان موضوع قرار داده نه بیان تمامی الفاظ به کار رفته در صحیفه سجادیه.

سپس آن واژه ها را (با توجه به جمله ای که آن واژه در آن به کار رفته بود،) ترجمه کردیم. توجه به جمله ای که آن کلمه عربی در آن به کار رفته، به این خاطر است که بعضی از کلمات دعا در زبان فارسی، معانی متعددی دارد و یا از کلمات مترادفی است که دارای مصادیق متعدد است و باید دید، منظور امام علیه السلام از این کلمه در این فراز چه بوده است. البته در بسیاری از موارد به شرح نیز مراجعه می شد. در این میان کلماتی بودند که می توانست به مصادیق متعدد، تطبیق یابد و یا به چند معنی ترجمه شود و شارحین و مترجمین صحیفه سجادیه، به تمامی آن معانی و یا مصادیق، آن فراز را ترجمه و تطبیق کرده بودند. لذا ما آن کلمه را در تمامی آن معانی و مصادیق در ذیل موضوعات متعدد ذکر کرده، به مقتضای موضوع، آن کلمه را ترجمه نمودیم. به عنوان مثال از کلمه «جازیاً» در عبارت «کفی بک جازیا»، (۱) در موضوع «پاداش» و همچنین در موضوع «کیفر» استفاده کردیم و یا از واژه «کلفتنی» در عبارت «اللهم

۱- ۱) بخشی از فراز سوم دعای پنجاهم.

ائلی کلفتی من نفیی ما آنت آمللف به منی»،(۱) در موضوعات «تکلیف» و «گماشتن» بهره بردیم. نیز موضوعات استخراج شده را پس از ترجمه فارسی، به صورت الفبایی چینش نمودیم و موفق به تفکیک مناسب موضوعات از یکدیگر شدیم. مثلا موضوعات «عفو»، «آمرزش» و «گذشت» (علی رغم تشابه معنای ظاهر) در سه موضوع جداگانه، به تناسب عبارت عربی فراز و نیز لحاظ نمودن ترجمه در آن، قرار گرفت. در این هنگام متوجه واژه هایی که دارای معنای یکسان (و یا مشابه) بود شده، تمامی آنها را با در نظر گرفتن مشخصه هایی خاص، یک موضوع دانسته و تحبت موضوعی واحد قرار دادیم. مثلا کلماتی که به «حتمی» ، «لازم»، «لزوم»، «واجب» و «وجوب» ترجمه شده بود، تحت موضوع «واجب» در نظر گرفته شد.

در این میان واژه هایی وجود داشت که احتمال وجود معانی متعدد از آن بعید نبود. مانند موضوع «مژده» که واژه های معادل «بشارت»، «تبشیر» و «نوید» از آن استنباط و به موضوع «مژده)) ارجاع داده شد. همچنین در این فرهنگ، موضوعاتی داشتیم که جهت تکمیل بحث، ارجاع آنها به دیگر موضوعات مشابه، خالی از لطف نبود. پس با چنین ارجاعاتی نیز، موضوعات ارجاعی پدید آوردیم.

حال قطع نظر از موضوعات ارجاعی، سایر موضوعات هر یک دارای فرازهای متعددی از دعاهای مختلف بود. در بعضی موارد، تعدد فرازها چنان بود که رجوع به آنها، جز سردرگمی در میان انبوه فرازها، چیز دیگری نداشت. لذا بر آن شدیم، جهت تسهیل در فهم و نجات از سردرگمی، برای هر یک از فرازها، عنوانی برخاسته از منطوق فراز قرار دهیم. توجه به این نکته ضروریست که این عناوین (که در فرهنگنامه موضوعی، بر اساس شماره دعا و فراز، تحت موضوعات قرار دارند)، به عنوان زیر موضوع نیستند، بلکه بر اساس تسهیل در فهم موضوعی فراز در نظر گرفته شده اند. به همین دلیل، این عناوین که بیشترین حجم

۱- ۱) قسمتی از اولین فراز دعای بیست و دوم.

فرهنگ نامه را به خود اختصاص داده اند، بر اساس ترتیب الفبایی چینش نشده و تنها موضوعات دارای چینش الفبایی اند.

سپس جهت سهولت دستیابی مراجعه کننده به دعاها و فرازهایی که عناوین از آنها استخراج شده، به چینش فرازهای تقطیع شده، بر اساس ترتیب عددی دعا و نیز شماره فراز، اقدام نمودیم.

از آنجایی که مراجعه کنندگان به چنین فرهنگ نامه هایی، عموماً فارسی زبان هستند، جهت تسهیل در فهم مراجعین، تمامی دعاهای صحیفه سجادیه ترجمه شد و ترجمه هر فراز و عبارت تقطیع شده، در زیر فراز مربوطه قرار گرفت تا معنای فراز دعا، در دسترس و مفهوم عنوان استنباطی از آن فراز، کاملا مشخص و واضح گردد.

با توجه به اینکه در برخی موارد از واژه های زبان عربی در زبان فارسی، معانی مختلفی استنباط می شود و ما قائل به از دست ندادن موضوعات و عناوین در حد توان بودیم، لذا با توجه به موضوعات، ترجمه های متفاوتی از لغات برداشت کرده و به تناسب موضوع، از آن بهره جستیم. نظیر عبارت «لا تفتفی» که در جمله «ولا تفتنی بالسعه»(۱)، به عبارت «گمراهم نکن» و نیز «آزمایشم نکن» ترجمه شده و یا واژه «المانی» که در عبارت «آنا الجانی علی نفسه»،(۲) به کلمات گنهکار» و در جایی دیگر به «جنایتکار، ترجمه گردیده است.

در پایان چینش موضوعات و فرازهای دعاها، (پایان جلد سوم) دعاهای صحیفه سجادیه به همراه ترجمه آن قرار داده شد تا مراجعه کننده برای پی بردن به قبل و بعد هر عبارت و فراز تقطیع شده که همراه با موضوعات ذکر گردیده، ناچار به مراجعه به چاپهای دیگر صحیفه

(که چه بسا فراز بندی نشده) نباشد.

در این فرهنگ، بیش از ۹۰۰ موضوع اصلی وجود دارد و تعداد ۷۹۴ موضوع ارجاعی

ص : ۱۹

۱- ۱) بخشی از فراز بیست و دوم دعای بیست.

۲- ۲)فراز هشتادودوم از دعای چهل وهفتم.

تعبیه گردیده است. در زیرساخت موضوعات اصلی آن، عناوینی برای فرازهای دعا نگاشته شده که تعداد آن عناوین نیز ۹۲۲۶ عنوان می باشد.

نظر به اینکه فرهنگنامه حاضر، علی رغم دقت و تلاش انجام شده، خالی از عیب نیست، لذا نقادی اهل فن، در بهتر طی نمودن این مسیر، قطعا کارگشا و مثمر ثمر خواهد بود.

در پایان، خداوند منان را حمد و سپاس میگوییم که توفیق عطا فرمود تا در حول محور صحیفه مبارکه سجادیه، این اقدام پژوهشی انجام و آن را به پیشگاه حضرت امام سجاد علیه السلام تقدیم داریم.

همچنین از عنایات ویژه مرجع عالیقدر و زعیم حوزه علمیه اصفهان، حضرت آیه الله العظمی مظاهری «مدظل به العالی» - که تأسیس مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، از برکات وجودی معظم له است - سپاس گزاری و قدردانی می نماییم.

در تدوین فرهنگ نامه ای که پیش روی دارید، شش تن از پژوهشگران مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، برای به دست آوردن سبکی موضوع نگا ری ادعیه و ترتیب آن، و استخراج موضوعات و عناوین، و همچنین تقطیع و عنوان نگاری فرازها و نیز ترتیب چینش آنها و ویرایش متن، مساعدت های فراوانی نمودند که بر خود لازم می دانم از تک تک آنان تشکر نمایم.

اللهم لک الحمد بدیع السماوات و الارض

سید احمد سجادی

مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان

فروردین ماه ۱۳۸۵

ص : ۲۰

آ

آب

شناساندن سنجش آب ها، به فرشتگان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ عَرَّفْتَهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که وزن آب ها رابه آنان شناسانده ای.۱۶و۱۱و۱۰/۳

فرشتگان ساکن آب

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ سُكَّانِ الْهَوَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الْمَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و ساکنان هوا و زمین و آب.۲۳و۱۱و۱۰/۳

آغاز نمودن بندگان، از آبی ناچیز

اللَّهُمَّ وَ إِنَّکَ... مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا

خداوندا و تو از آب ناچیز آغازمان نموده ای.

۵/۹

آشامیدن آب خاکسترآلود، تا پایان عمر

يَا إِلَهِي لَوْ... شَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من، اگر در مدّت زندگی ام، آب خاکسترآلود بنوشم، باز هم با آن همه سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

فرشتگان و آب رسانی سودمند، به بندگان

وَ أَشْهِدْ مَلَائِكَتَکَ... بِسَقْيٍ مِنْکَ نَافِعٍ...

و فرشتگانت را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز.۲/۱۹

آب رساندنی سودمند، با فراوانیِ دائم

أَشْهِدْ مَلَائِكَتَکَ الْکِرَامَ السَّفَرَهَ. بِسَقْيٍ مِنْکَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غُزْرُهُ، وَاسِعٍ دِرَرُهُ، وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ

فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود - که فراوانی اش همیشگی، جاری شدنش بسیار، سخت، تند و شتابان باشد - آماده ساز.۲/۱۹

نتایج آب دادن خداوند، به بندگان

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْيًا تُسِيلُ مِنْهُ الظِّرَابَ، وَ تَمْلَأُ مِنْهُ الْجِبَابَ، وَ تُفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهَارَ، وَ تُنْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ، وَ تُرْخِصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِی جَمِيعِ الْأَمْصَارِ، وَ تَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَ الْخَلْقَ، وَ تُکْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَ تُنْبِتُ لَنَا بِهِ الزَّرْعَ، وَ تُدِرُّ بِهِ الضَّرْعَ، وَ تَزِيدُنَا بِهِ قُوَّهً إِلَی قُوَّتِنَا

خداوندا ما را با بارانی که از آن تپه ها را

ص : ۲۱

جاری گردانی و چاه ها را از آن پر کنی و رودخانه ها را با آن روان سازی و درخت ها را به وسیله آن برویانی و با آن قیمت ها را - در همه شهرهای بزرگ - ارزان کنی و چهارپایان و سایر آفریدگان را به وسیله آن سرِ پا بداری و روزی های پاکیزه را با آن برایمان کامل گردانی و کشت ها را به وسیله اش برایمان برویانی و پستان حیوان را با آن پر (شیر) سازی و به وسیله آن نیرویی بر نیروی ما بیفزایی، سیراب نما.۵/۱۹

شور نگرداندن آب ابرها

اللَّهُمَّ... لَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أُجَاجًا

خداوندا آب آن (ابر) را بر ما شور و تلخ نگردان.۶/۱۹

درآمیختن آب های مشرکان، به وبا

اللَّهُمَّ وَ امْزُجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ

خداوندا و آب هایشان را به وبا درآمیز.

۱۲/۲۷

آبی پست و بی ارزش

وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِينًا مِنْ صُلْبٍ... إِلَی رَحِمٍ ضَيِّقَةٍ...

و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی به سوی رحمی تنگ، سرازیر نمودی.

۲۳/۳۲

آب جوش و ساکنان دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ... تَسقِی أَهْلَهَا حَمِيـمًا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که اهلش را آب جوشان می نوشاند.۳۰و۲۹/۳۲

زایل نمودن خشکی شهرها، با آب (باران)

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ مَحْلَ بِلَادِنَا بِسُقْيَاكَ

خداوندا خشکسالیِ شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز.۴/۳۶

دشمن، و نوشاندن آبی تلخ به بنده

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ... یُجَرِّعَنِی زُعَاقَ مَرَارَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که آب بسیار تلخِ زهرآگین را جرعه جرعه به من نوشاند.۴/۴۹

آباد

آباد گشتن، با بندگی خدا

وَ اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ، وَ تَفَرُّدِی بِالتَّهَجُّدِ لَکَ، وَ تَجَرُّدِی بِسُکُونِی إِلَیْکَ، وَ إِنْزَالِ حَوَائِجِی بِکَ، وَ مُنَازَلَتِی إِیَّاکَ فِی فَکَاکِ رَقَبَتِی مِنْ نَارِکَ، وَ إِجَارَتِی مِمَّا فِیهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و تنها بودنم به شب زنده داری برای تو، و کوشش کردنم برای خو گرفتن با تو و درخواست نمودن حاجت هایم از تو و رجوع کردن پیاپی من بر آزاد

ساختنم از آتشت و حفظ نمودنم از عذابت که سزاوارش [دوزخیان]، در آن به سر می برد، آباد گردان.۱۲۳/۴۷

آبرو

ریختن آبروی دیگران

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِی مِنْ... شَتْمِ عِرْضٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از آبروریزی، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

حفظ نمودن آبروی بنده، با توانگری

وَ صُنْ وَجْهِی بِالْیَسَارِ

و آبرویم را با توانگری حفظ کن.۲۶/۲۰

حفظ آبروی جنگجو

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِیًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً، فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ...

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا آبرویش را در نبود او نگهداشت؛ پس وی را هم سنگ و هم گون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

وامی آبروبَرنده

وَ هَبْ لِیَ الْعَافِیَةَ مِنْ دَیْنٍ تُخْلِقُ بِهِ وَجْهِی

و مرا معاف دار، از وامی که با آن آبرویم را ببری.۱/۳۰

آبرومندترین پیامبر

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِیَّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَى آلِهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِیِّینَ مِنْکَ مَجْلِسًا... وَ أَوْجَهَهُمْ عِنْدَکَ جَاهًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود و آبرومندترین آنان نزد خود قرار ده.۱۸/۴۲

حفظ آبروی بنده، از درخواست نمودن از جهانیان

وَ صُنْ وَجْهِی عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِینَ

و آبرویم را از درخواست به سوی احدی از جهانیان، حفظ کن.۱۳۱/۴۷

آبروی بنده، آماج تیرهای حسودان

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... جَعَلَ عِرْضِی غَرَضًا لِمَرَامِیهِ

و چه بسیار حسودی که آبروی مرا هدف تیرهای خود قرار داد.

۹/۴۹

آتش

رهاندن تابعین، از همیشه ماندن در آتش دوزخ

تُعَافِيَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَهُ مِنْ مَحْذُورَاتِهَا، وَ كَبَهِ النَّارِ وَ طُولِ الْخُلُودِ فِيهَا

ایشان را از آنچه که به وجودآورنده آزمایش هایی از امور ترسناک و سختی آتش و همیشه ماندن در آتش است، عافیت بخشی.

۱۸/۴

آتش دوزخ، سرانجام دعوت شیطان

وَ أَنَا حِينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ... مُنْتَهَى دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ

و من در همان هنگام باور دارم که پایان دعوت او به سوی آتش است.۲۴/۱۶

آتش دوزخ، جزای معصیت کار

وَ إِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِی حِينَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ... فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِی بِاسْتِحْقَاقٍ... إِذْ كَانَ جَزَائِی مِنْكَ فِی أَوَّلِ مَا عَصَيْتُكَ النَّارَ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست. زیرا کیفر من در نخستین گناهی که کردم، آتش بود.۳۱/۱۶

خاموش کردن آتش دشمنی

حَلِّنِی بِحِلْيَهِ الصَّالِحِينَ... فِی... إِطْفَاءِ النَّائِرَهِ

مرا در فرونشاندن (آتش) کینه، به زینت شایستگان بیارا.۱۰/۲۰

آتش دوزخ، (ابزاری برای) وعده عذاب الهی

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ... تَوَعَّدْتَ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاكَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن هر که را از خوشنودی تو روی گرداند، وعده عذاب داده ای.۲۹/۳۲

آتش دوزخ (ابزار) سخت گیری بر نافرمان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ تَغَلَّظْتَ بِهَا عَلَی مَنْ عَصَاکَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سخت گرفتی.

۲۹/۳۲

زنهارخواهی جهت دوری از آتش دوزخ

وَ أَسْتَهْدِیکَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا، وَ أَخَّرَ عَنْهَا

و از تو راهنمایی می خواهم، برای آنچه از آن (آتش) دور سازد و عقب گرداَند.۳۱/۳۲

وَ أَجِرْنِی مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِکَ

و مرا به بسیاری رحمتت از آن (آتش) ایمن ساز.۳۲/۳۲

درخواست برای آزادی از آتش دوزخ

وَ اعْمُرْ لَيْلِی بِإِيقَاظِی فِيهِ لِعِبَادَتِکَ... وَ مُنَازَلَتِی إِيَّاکَ فِی فَكَاكِ رَقَبَتِی مِنْ نَارِکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و رجوع کردن پیاپی من بر آزاد ساختنم از آتشت، آباد گردان.۱۲۳/۴۷

ویژگی های آتش دوزخ:

أ. سختی اش

وَ تُعَافِيَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَحْذُورَاتِهَا، وَ كَبَّهِ النَّارِ

و ایشان را از آنچه که به وجودآورنده آزمایش هایی از امور ترسناک و سختی آتش است، عافیت بخشی.۱۸/۴

ب. شکنجه آن

وَ قِنِی (بِرَحْمَتِکَ) عَذَابَ النَّارِ

و مرا به رحمت خود از عذاب آتش، حفظ فرما.۳۰/۲۰

وَ أَعِذْنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ

و ما را از شکنجه آتش پناه ده.

۱۲/۲۵

وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ

و از شکنجه آتش نگاهمان دار.

۱۳/۲۵

ج. روی هم غلطیدن پاره های آن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضَهَا بَعْضٌ، وَ يَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که پاره هایش یکدیگر را می خورد و برخی بر برخی دیگر حمله می برد.۲۹/۳۲

د. تاریک و نزدیک بودنش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَهٌ... وَ بَعِیدُهَا قَرِیبٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که نورش تاریکی، و دورش نزدیک است.**۲۹/۳۲**

ه_. دردناک بودن آن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... هَیِّنُهَا أَلِیمٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که آسایشش دردناک است.**۲۹/۳۲**

و. پوساننده استخوان بودنش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ تَذَرُ الْعِظَامَ رَمِی_مًا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که استخوان ها را می پوساند.

۳۰و۲۹/۳۲

ز. ناتوانی اش از سبک کردن خود

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... لَا تَقْدِرُ عَلَی التَّخْفِیفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَ اسْتَسْلَمَ إِلَیْهَا

خداونـدا، همانا به تو پناه می آورم از آتشـی که قادر بر سـبک کردن (شـعله ها) از کسـی که برایش فروتنی نماید و تسـلیم او گردد، نیست. **۳۰و۲۹/۳۲**

ح. دیدار آن، با دوزخیان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَی سُکَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَیْهَا مِنْ أَلِیمِ النَّکَالِ وَ شَدِیدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.

۳۰و۲۹/۳۲

ط. نامهربان بودنش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ لَا تُبْقِی عَلَی مَنْ تَضَرَّعَ إِلَیْهَا، وَ لَا تَرْحَمُ مَنِ اسْتَعْطَفَهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که بر زاری کنندگانش مهربان نیست و به مهرجویانش رحم نمی کند. **۳۰و۲۹/۳۲**

ی. گرمی آن

...فَکَیْفَ تَسْتَطِیعُ حَرَّ نَارِکَ

...پس چگونه گرمای آتشت را توانایی دارد؟ **۵/۵۰**

آخِرِ پایان

آخرت

محبوبیّت عمل برای آخرت، نزد تابعین

وَ تُحَبِّبَ إِلَیْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ

و عمل برای آخرت را در نظرشان محبوب کنی. **۱۶/۴**

عامل کامل گرداندن نیکی دنیا و آخرت، برای بنده

نَبِّهْنِی لِذِکْرِکَ فِی أَوْقَاتِ الْغَفْلَهِ، وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ فِی أَیَّامِ الْمُهْلَهِ... أَکْمِلْ لِی بِهَا خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

مرا در اوقـات غفلت، برای یـاد خود بیـدار کن. و در روزهـای مهلتِ عمرم، به طـاعت خود بگمـار. و بـدین وسـیله، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل نما. **۲۹/۲۰**

درخواست عطای حسنه، در دنیا وآخرت

وَ آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً

و در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی، عطایمان کن.۱۳/۲۵، ۳۰/۲۰

خدا دانا به صلاح بنده، در امر دنیا و آخرت

اللَّهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ مَا یُصْلِحُنِی مِنْ أَمْرِ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی.۱۰/۲۲

ص : ۲۶

نگهداری بنده از خطا، در دنیا و آخرت

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ...

و مرا خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده.۱۳/۲۲

جدایی نینداختن بین بنده و تندرستی، در دنیا و آخرت

وَ لَا تُفَرِّقْ بَیْنِی وَ بَیْنَ عَافِیَتِکَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

و در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی نینداز.۱/۲۳

تندرستی دنیا و آخرت

عَافِنِی عَافِیَهً... تُوَلِّدُ فِی بَدَنِی الْعَافِیَهَ، عَافِیَهَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

به من عافیت ده. عافیتی که در جسمم عافیت زاید، عافیت دنیا و آخرت.۲/۲۳

اصلاح حال بنده، در دنیا و آخرت

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِکُلِّ مَا یُصْلِحُنِی فِی دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی...

و هر چه در دنیایم و آخرتم به صلاحم است، بر من ارزانی دار.۹/۲۵

درخواست برای دنیا و آخرت، از خدا

وَ أَعْطِ جَمِیعَ الْمُسْلِمِینَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی فِی عَاجِلِ الدُّنْیَا وَ آجِلِ الْآخِرَهِ

و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، در دنیای کنونی و آخرت آینده ببخش.۱۲/۲۵

نزدیکی زمان رحلت به سوی آخرت

وَ دَنَا مِنَّا إِلَی الْآخِرَهِ رَحِیلٌ وَ انْطِلَاقٌ

و کوچ کردن و رفتن ما به جهان دیگر نزدیک شود.۱۳/۴۲

درخواست محل رسوایی نبودنِ آخرت

وَ إِذْ لَمْ تُقِمْنِی مَقَامَ فَضِیحَهٍ فِی دُنْیَاکَ فَلَا تُقِمْنِی مِثْلَهُ فِی آخِرَتِکَ

و آن زمان که مرا در دنیایت در مقام رسوایی به پا نداشتی، پس مانند آن در آخرتت مرا (در مقام رسوایی) به پا ندار.۱۲۰/۴۷

اعطای خیری از دنیا و آخرت، به مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ خَیْرٍ... أَوْ تُعْطِیهِمْ بِهِ خَیْرًا مِنْ خَیْرِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می نمایی، یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

امید نداشتن به غیر خدا، برای امر دنیا و آخرت

فَإِنِّی... لَا أَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِی وَ دُنْیَایَ سِوَاکَ

پس به درستی که برای کار آخرت و دنیایم به احدی جز تو امید ندارم.۴/۴۸

پیوسته ساختن فضل خدا در دنیا، به نیکی آخرت

وَ زِدْنِی مِنْ فَضْلِکَ وَ سَعَهِ مَا عِنْدَکَ... وَ صِلْ ذَلِکَ بِخَیْرِ الْآخِرَهِ وَ نَعِیمِهَا

و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا. و آن را به خیر آخرت و نعمت فراوانش پیوسته گردان.۲۸/۴۸

محروم نساختن بنده، از خیر دنیا و آخرت

إِلَهِی فَلَا تَحْرِمْنِی خَیْرَ الْآخِرَهِ وَ الْأُولَی لِقِلَّهِ شُکْرِی

خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی بهره نگردان.۱۳/۵۱

مهربانی خدا، در دنیا و آخرت

یَا رَحْمَانَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ رَحِیمَهُمَا

ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو.۱/۵۴

آدم انسان

آدم علیه السلام

گماشتن راهنما، از زمان آدم علیه السلام تا محمّد صلی الله علیه و آله

وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ...

و برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمّد – که درود خدا بر او و خاندانش باد – .۲/۴

آذوقه

رساندن آذوقه به مرزداران اسلام

وَ وَاتِرْ بَیْنَ مِیَرِهِمْ

و آذوقه یشان را پیاپی برسان.۲/۲۷

آذوقه های مشرکان،در دورترین سرزمین

وَ اجْعَلْ مِیَرَهُمْ فِی أَحَصِّ أَرْضِکَ وَ أَبْعَدِهَا عَنْهُمْ

و آذوقه هایشان را در بی برکت ترین و دورترین (نقاط) زمین خود قرار ده.۱۲/۲۷

آرا احکام

آراستگی

نفْس بنده، و آراستن حاجت خواهی از

ص : ۲۸

حاجتمند

اللَّهُمَّ وَ لِی إِلَیْکَ حَاجَهٌ قَدْ... سَوَّلَتْ لِی نَفْسِی رَفْعَهَا إِلَی مَنْ یَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَیْکَ

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده برایم می آراید.۱۵/۱۳

شیطان و آراستن باطل

اللَّهُمَّ وَ مَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ

خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان.۷/۱۷

آراستن بنده، به زیور شایستگان

وَ حَلِّنِی بِحِلْیَهِ الصَّالِحِینَ

و مرا به زینت شایستگان بیارا.۱۰/۲۰

آراستن مجلس والدین، به فرزندان

وَ زَیِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِی

و مجلس مرا به وسیله ایشان آراسته نما.

۴/۲۵

آراسته شدن خطا، با اندیشه بد

وَ سَوَّلَ لِیَ الْخَطَاءَ خَاطِرُ السُّوءِ فَفَرَّطْتُ

و اندیشه بدْ خطا را برای من آراست، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم.۱۶/۳۲

آراستن اوقات ماه رمضان، به طاعت بنده

وَ زَیِّنْ أَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَکَ

و اوقاتش را به طاعت ما برای خود، زینت ده.

۱۷/۴۴

آراستن مناجات بندگان

وَ زَیِّنْ لِیَ التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِکَ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ

و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیارا.۱۱۰/۴۷

آراستن بنده، به زیور پرهیزکاران

وَ حَلِّنِی حِلْیَهَ الْمُتَّقِینَ

و مرا به زیور پرهیزکاران بیارای.۱۲۷/۴۷

آراستگی باغ های بهشت

وَ جَاوِرْ بِیَ الْأَطْیَبِینَ مِنْ أَوْلِیَائِکَ فِی الْجِنَانِ الَّتِی زَیَّنْتَهَا لِأَصْفِیَائِکَ

و در باغ هایی که آنها را برای برگزیدگانت آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستانتْ همسایه گردان.۱۲۸/۴۷

آرام آهسته و نیز آرامش

آرامش آسایش

شب و آرام گرفتن از حرکات خسته کننده

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّیْلَ لِیَسْکُنُوا فِیهِ مِنْ حَرَکَاتِ التَّعَبِ وَ نَهَضَاتِ النَّصَبِ

ص : ۲۹

پس شب را برای آنان آفرید تا از حرکت های خسته کننده و جنبش های سخت بیاسایند.۵/۶

دربر کردن جامه راحت و آرامِ شب

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ... وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ

پس شب را برای آنان آفرید و آن را پوشش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر کنند.

۵/۶

وارد شدن موجوداتِ آرام، در صبح

وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاؤُهَا وَ أَرْضُهَا، وَ مَا بَثَثْتَ فِي كُلٍّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا، سَاكِنُهُ وَ مُتَحَرِّكُهُ...

و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش، و آنچه در این دو پراکنده ساختی، از آرام و جنبنده و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

آرام گرفتن، به فضل الهی

فَضْلُكَ آنَسَنِي

فضل تو مرا آرام نمود.۲۵/۱۳

نبودِ آرامش دهنده ای برای ترس بنده، از دیدار خدا

أَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفِ لِقَائِكَ. فَلَا مُسَكِّنَ لِرَوْعَتِي

به ترس دیدارت نزدیک گشته ام و آرامش دهنده ای برای ترسم ندارم.۱/۲۱

آرامش دل بنده، به خدا و نیکان خلق

...بَلِ اجْعَلْ سُكُونَ قَلْبِي وَ أُنْسَ نَفْسِي وَ اسْتِغْنَائِي وَ كِفَايَتِي بِكَ وَ بِخِيَارِ خَلْقِكَ

...بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.

۱۲/۲۱

سبب دریافتن آرامش دل

وَ ارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ... حَتَّى أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِينَةَ النَّفْسِ مِنِّي بِمَا

يَجِبُ لَکَ فِیما یَحْدُثُ فِی حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ

و هنگـامی که در شـکر به نعمت هـایی که به من ارزانی داشـته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسـیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.

۱۱/۲۲

تهی ساختن دل دشمنان، از آرامش

اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمَنَهِ

خداوندا، دل هایشان را از آرامش تهی دار.

۱۱/۲۷

مرگ، آرامشگاه نیکوکاران

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَی

وَشْكِ اللَّحَاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَأْنَسَنَا الَّذِى نَأْنَسُ بِهِ

و از اعمـال شایسـته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسـیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی که مرگ برای ما محل انسـی باشد که به آن انس گیریم.۳/۴۰

آرام گیرندگان در سایه (حمایت) قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَسْكُنُ فِى ظِلِّ جَنَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که در سایه بال (حمایت) آن ساکن می شوند.۷/۴۲

گورها، آرامگاه مردگان

وَ كَانَتِ الْقُبُورُ هِىَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ

و گورها تا هنگام قیامت، جایگاه (آرامگاه) ماندن باشد.۱۳/۴۲

آرام گرفتن در استراحتگاهی نزد خدا

اجْعَلْ لِى عِنْدَكَ مَقِيلًا آوِى إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا

برایم نزد خود استراحتگاهی که آسوده خاطر در آن آرام گیرم، قرار ده.۱۲۹/۴۷

آرام ساختن دل بنده، به آنچه نزد خداست

وَ اجْعَلْ قَلْبِى وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ

و دلم را به آنچه نزد توست، مطمئن (و آرام) گردان.

۱۳۰/۴۷

فراهم نمودن آرامش، برای بنده

وَ اجْمَعْ لِىَ... الطُّمَأْنِينَهَ

و آرامش را برایم فراهم ساز.۱۳۰/۴۷

آرام نگرفتن کینه دشمن

فَرَدَدْتَهُ لَمْ یَشْفِ غَیْظَهُ، وَ لَمْ یَسْکَنْ غَلِیلُهُ

پس در حالی که خشمش را بهبودی نداده و کینه اش قرار نگرفته بود، او را بازگرداندی.

۶/۴۹

آرمیدن رگ ها و بی خبری تن

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُکُونِ عُرُوقِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که تن او به خاطر آرامش رگ هایش، غافل مانده.۸/۵۲

آرایش آراستگی

آرزو

آرزوی دراز

وَ نَعُوذُ بِکَ أَنْ... نَمُدَّ فِی آمَالِنَا

و پناه می بریم به تو از اینکه آرزوهایمان را دراز کنیم.۵/۸

اعتماد به آرزوهای شیطان

ص : ۳۱

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ... مِنَ الثِّقَهِ بِأَمَانِیِّهِ

خداوندا ما از اطمینان به آرزوهای او به تو پناه می بریم.۱/۱۷

تبدیل آرزوی القا شده شیطان، به ذکر عظمت الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ فِی رُوعِی مِنَ الَّتمَنِّی... ذِکْرًا لِعَظَمَتِکَ...

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو در دل من می افکند، یاد بزرگی ات را قرار ده.۱۳/۲۰

پابرجایی آرزوی بنده، در امید به رحمت الهی

وَ حَقِّقْ فِی رَجَاءِ رَحْمَتِکَ أَمَلِی

و آرزویی را که در امید به رحمتت دارم تحقّق بخش.۲۸/۲۰

جز خدا راهی به آرزوها نیافتن

اللَّهُمَّ إِنَّکَ إِنْ... مَنَعْتَنِی فَضْلَکَ الْجَسِیمَ... لَمْ أَجِدِ السَّبِیلَ إِلَی شَیْءٍ مِنْ أَمَلِی غَیْرَکَ

خداوندا اگر فضل بزرگت را از من بازداری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

آرزو، و خلف وعده شیطان درباره آن

وَ إِنْ مَنَّانَا أَخْلَفَنَا

و اگر ما را آرزومند گرداند، خلف وعده کند.

۷/۲۵

آزمودن بندگان، به آرزوی دراز

اللَّهُمَّ إِنَّکَ ابْتَلَیْتَنَا... فِی آجَالِنَا بِطُولِ الْأَمَلِ

خداوندا همانا تو ما را در مدّت زندگی هایمانْ به آرزوی دراز، آزمودی.۱/۲۹

آرزو، سبب طمع در عمرِ کهنسالان

وَ طَمِعْنَا بِآمَالِنَا فِی أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِینَ

و با آرزوهایمان، در عمرهای کهنسالان، طمع کردیم.۱/۲۹

آرزومندی نسبت به خداوند

فَأَقْبَلَ نَحْوَکَ مُوءَمِّلًا لَکَ

پس (با آرزوی) امیدوارانه به تو، به سویت روی آورده.۸/۳۱

کردار اندک و آرزوی بزرگ

وَ أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِیفُ عَمَلًا، الْجَسِیمُ أَمَلًا

و من بنده ای هستم که عملش ضعیف و آرزویش بزرگ است.۹/۳۲

بریده شدن رشته آرزوهای بنده، جز عفو الهی

وَ تَقَطَّعَتْ عَنِّی عِصَمُ الْآمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِکَ

و رشته های آرزو از من بریده، جز بخشایشت که به آن چنگ زده ام.۹/۳۲

در زمره ناامیدترین گروهِ آرزومند

وَ لَا أَكُنْ... أَقْنَطَ وُفُودِكَ الْآمِلِينَ

و مبادا من از ناامیدترین گروه های آرزومندت باشم. ۱۵/۳۲

عطای آرزوی بنده

وَ هَبْ لِي أَمَلِي

و آرزویم را به من ببخش.۱۶/۳۷

بازداشتن بندگان، از آرزوی دراز داشتن

وَ اكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ...

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن.۱/۴۰

عامل بازداشته نشدن بندگان از کار، به سبب آرزو

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ... حَتَّى... تَقْفُوَ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاؤُوا بِنُورِهِ، وَ لَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز، تا ما را در پی کسانی گردانی که از نور آن، روشنی جستند و آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد.۹/۴۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و آرزومندی بهترین خیر و

بخشش الهی

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَ فَضْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی.۲۱/۴۲

نزدیک بودن آرزوها، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ قَرُبَتْ فِيهِ الْآمَالُ

درود بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک شد.

۲۵/۴۵

آرزوها و رسیدن به پایان کرم خدا

انْصَرَفَتِ الْآمَالُ دُونَ مَدَی کَرَمِکَ بِالْحَاجَاتِ

آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرمت، با حاجت ها برآورده شده است.۱۲/۴۶

محروم نماندن آرزومندان، از خدا

لَا یَخِیبُ مِنْکَ الْآمِلُونَ

آرزومندان از (درگاه) تو بی بهره نمی شوند.

۱۵/۴۶

انعام آمرزش، به آرزومند خدا

وَ امْنُنْ عَلَیَّ – بِمَا لَا یَتَعَاظَمُکَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَی مَنْ أَمَّلَکَ – مِنْ غُفْرَانِکَ

و به من ارزانی دار آنچه بر تو گران نیست و به

کسی که آرزومند توست، به خاطر آمرزشت ارزانی می داری.۷۰/۴۷

ناامید نگرداندن بنده، از آرزومندی به خدا

وَ لَا تُوءْیِسْنِی مِنَ الْأَمَلِ فِیکَ فَیَغْلِبَ عَلَیَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِکَ

و از آرزومندی به خود ناامیدم نکن، که ناامیدی از رحمتت بر من چیره شود.۱۰۱/۴۷

آرزومند عفو الهی

فَلَوْ لَا الْمَوَاقِفُ الَّتِی أُوءَمِّلُ مِنْ عَفْوِکَ الَّذِی شَمِلَ کُلَّ شَیْءٍ لَأَلْقَیْتُ بِیَدِی

پس اگر جایگاهی که از بخشایشت آرزومندم نبود، خود را هلاک می ساختم.۳/۵۰

آرزوی دراز، سبب اشتغال به کار بیهوده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِیَهٌ لِطُولِ أَمَلِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که نفس او به خاطر آرزوهای درازش، به بیهوده کاری مشغول شده.

۸/۵۲

چیره گشتن آرزو، بر بنده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنْ قَدْ غَلَبَ عَلَیْهِ الْأَمَلُ

پس - ای مولای من - از تو درخواست

می کنم، درخواست کسی که آرزو بر او چیره گشته است. ۹و۸/۵۲

آرمان آرزو

آز حرص و نیز طمع

آزاد

عامل آزاد شدن از آتش دردناک خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شده، به جوار ارجمند خدا، واصل شویم.۱۵و۱۰/۱

آزاد نمودن گردن های بندگان، از عذاب الهی

...وَ أَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنْ نَقِمَتِکَ

و گردن های ما را از عذابت آزاد کن.۲/۵

آزاد کردن گردن بنده، با عفو خدا

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِی قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به گذشت خود آن را آزاد کن.۲۹/۱۶

بنده، آزادشده رحمت خداوند

وَ اجْعَلْنِی... عَتِیقَ رَحْمَتِکَ

و مرا آزادگردیده رحمتت قرار ده.۳۳/۱۶

آزادی از قید عدالت خدا، با احسان او

فَأَصْبَحَ... عَتِیقَ صُنْعِکَ مِنْ وَثَاقِ عَدْلِکَ

پس به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است.۱۰/۳۹

عفو الهی، آزادکننده بنده، در شب های رمضان

وَ إِذَا کَانَ لَکَ فِی کُلِّ لَیْلَهٍ مِنْ لَیَالِی شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ یُعْتِقُهَا عَفْوُکَ... فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْکَ الرِّقَابِ

و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می کند، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده.

۱۴/۴۴

کثرت آزادشدگان خدا، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا أَکْثَرَ عُتَقَاءَ اللَّهِ فِیکَ

درود بر تو. چه بسیار است آزادشدگان (از عذاب) خدا در تو!.۳۰/۴۵

درخواست، جهت آزاد شدن از آتش

وَ اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ... وَ مُنَازَلَتِی إِیَّاکَ فِی فَکَاکِ رَقَبَتِی مِنْ نَارِکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و رجوع کردن پیاپی من بر آزاد ساختنم از آتشت، آباد گردان.۱۲۳/۴۷

آزار

آزار رساندن به والدین

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًی... فَاجْعَلْهُ حِطَّهً لِذُنُوبِهِمَا، وَ عُلُوًّا فِی دَرَجَاتِهِمَا، وَ زِیَادَهً فِی حَسَنَاتِهِمَا

خداونـدا و هر آزاری که از من به آنـان رسـیده، پس آن را سـبب ریزش گناهانشـان و بلنـدی درجـات ایشـان و افزایش نیکی هایشان قرار ده.۸/۲۴

بر گرداندن آزار و زیان ابرها، از بندگان

أَنْزِلْ عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَائِبِ وَ بَرَكَتَهَا، وَ اصْرِفْ عَنَّا أَذَاهَا وَ مَضَرَّتَهَا

سود و برکت این ابرها را بر ما فرود آور و آزار و زیانشان را از ما برگردان.۲/۳۶

بازداشتن بنده، از آزار مسلمانان ومؤمنان

وَ امْنَعْنِی عَنْ أَذَى كُلِّ مُوءْمِنٍ وَ مُوءْمِنَهٍ، وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَهٍ

و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن با ایمان و به هر مرد و زن مسلمان بازدار.۱/۳۹

جبران اذیّت و آزار بنده، به دیگران

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عَبِيدِکَ أَدْرَکَهُ مِنِّی دَرَکٌ، أَوْ مَسَّهُ مِنْ نَاحِیَتِی أَذًی... أَرْضِهِ عَنِّی مِنْ وُجْدِکَ، وَ أَوْفِهِ حَقَّهُ مِنْ عِنْدِکَ

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که ناروایی از من به او رسیده یا از ناحیه من به او آزاری رسیده، او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان و حقّ او را به تمامی از نزد خودت بپرداز.

۴/۳۹

آزار رساندن حسود، با نیش زبانش

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... سَلَقَنِی بِحَدِّ لِسَانِهِ

و چه بسیار حسودی که با زبان تیزش مرا آزرد.۹/۴۹

آزرم شرم

آزمایش

آزمودن فرمانبری بندگان

ثُمَّ أَمَرَنَا لِیَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا

سپس ما را فرمان داد تا اطاعت پذیریمان را بیازماید. ۲۱/۱

رومّان، آزمایش کننده اهل قبور

...وَ رُومَانَ فَتَّانِ الْقُبُورِ

...و رومانْ آزمایش کننده (مردگان) قبرها.

۱۸/۳

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و آزمایش الهی

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً... وَ الَّذِینَ أَبْلَوُا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِی نَصْرِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد و آنان که در یاری او از آزمایش خوب برآمدند...۳/۴

رهایی یافتن تابعین، از عواقب آزمایش

تُعَافِيَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَهُ مِنْ مَحْذُورَاتِهَا...

ایشان را از آنچه که به وجودآورنده آزمایش هایی از امور ترسناک است، عافیت بخشی.۱۸/۴

آزمودن اخبار (اعمال و کردار) بندگان

بِکُلِّ ذَلِکَ... یَبْلُو أَخْبَارَهُمْ

بدین گونه اخبار آنها را می آزماید.۷/۶

آزمودن بندگان، با بدگمانی در روزی

اللَّهُمَّ إِنَّکَ ابْتَلَیْتَنَا فِی أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمانْ به بدگمانی، آزمودی.۱/۲۹

آزمودن بندگان، به آرزوی دراز

اللَّهُمَّ إِنَّکَ ابْتَلَیْتَنَا... فِی آجَالِنَا بِطُولِ الْأَمَلِ حَتَّی... طَمِعْنَا بِآمَالِنَا فِی أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِینَ

خداوندا همانا تو ما را در مدّت زندگی هایمانْ به آرزوی دراز، آزمودی. تا جایی که با آرزوهایمان،

در عمرهای کهنسالان، طمع کردیم.۱/۲۹

خلوت، و آزمایش الهی

وَ لَا تُحْبِطْ... خَلَوَاتِی بِمَا يَعْرِضُ لِی مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِکَ

و تنهایی هایم را با آزمایش های فسادانگیزت که برایم آشکار می شود، باطل نکن.۱۳۱/۴۷

آزمایش های گمراه کننده

وَ نَجِّنِی مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ

و مرا از آزمایش های گمراه کننده نجات ده.

۸/۵۴

درخواستِ آزمایش نشدن به:

أ. ناامیدی از عدل الهی

اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنِّی بِالْقُنُوطِ مِنْ إِنْصَافِکَ

خداوندا مرا به ناامیدی از عدلت آزمایش نکن.۱۲/۱۴

ب. آسودگی به سبب نادانی (به کیفر)

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنْهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْکَارِکَ

خداوندا او (ستمگر) را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن.۱۲/۱۴

ج. نگاه کردن (چشم به راه بودن)

وَ لَا تَفْتِنِّی بِالنَّظَرِ

و مرا به نگاه کردن (چشم به راه بودن)، آزمایش نکن.۳/۲۰

د. یاری خواستن از غیر خدا

وَ لَا تَفْتِنِّی بِالِاسْتِعَانَهِ بِغَيْرِکَ إِذَا اضْطُرِرْتُ

و مرا به یاری خواستن از دیگران به وقت درماندگی ام آزمایش نکن.

۱۲/۲۰

هـ. فروتنی در مقابل غیر خدا

وَ لَا تَفْتِنِّی... بِالْخُضُوعِ لِسُوءَالِ غَیْرِکَ إِذَا افْتَقَرْتُ

و مرا به فروتنی برای درخواست از دیگران به هنگام نیازم، آزمایش نکن.

۱۲/۲۰

و. زاری نزد غیر خدا

لَا تَفْتِنِّی... بِالتَّضَرُّعِ إِلَی مَنْ دُونَکَ إِذَا رَهِبْتُ

مرا به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن.۱۲/۲۰

ز. آنچه (دارایی) به (ثروتمندان) داده

وَ لَا تَفْتِنِّی بِمَا أَعْطَیْتَهُمْ

و مرا به آنچه به آنان (دنیاداران) عطا کردی، آزمایش نکن.۲/۳۵

ح. آنچه از بنده بازداشته

وَ لَا تَفْتِنْهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِی...

و آنان را به آنچه از من منع داشتی، دچار آزمون نساز.۲/۳۵

آزمودن آزمایش

آسان

آسان گرداندن راه رستاخیز، بر بندگان

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... یُسَهِّلُ عَلَیْنَا بِهِ سَبِیلَ الْمَبْعَثِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن راه رستاخیز را بر ما آسان سازد.۱۲و۱۰/۱

امّت پیامبر صلی الله علیه و آله و مکلّف شدن به کارهای آسان

وَ لَمْ یُجَشِّمْنَا إِلَّا یُسْرًا

و ما را جز به کار آسان نگماشته.۲۳/۱

آسان نمودن اندوه تابعین، در هنگام جان کندن

وَ تُهَوِّنَ عَلَیْهِمْ کُلَّ کَرْبٍ یَحُلُّ بِهِمْ یَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا

و در آن روز که جان ها از تن بیرون رود، هر اندوهی را بر ایشان آسان گردانی.۱۷/۴

آسان نمودن زحمت بنده، بر نویسندگان اعمال

اللَّهُمَّ یَسِّرْ عَلَی الْکِرَامِ الْکَاتِبِینَ مَؤُونَتَنَا

خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز.۱۵/۶

عامل آسان شدن کارهای دشوار

ذَلَّتْ لِقُدْرَتِکَ الصِّعَابُ

سختی ها به توانایی تو آسان شد.۲/۷

نبودِ آسان کننده ای، برای آنچه خدا دشوار نموده

وَ لَا مُیَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ

و برای آنچه دشوار کردی، آسان کننده ای نیست. ۷/۷

آسان بودن خواسته ها و حاجت ها، برای خدا

...وَ ذَلِکَ عَلَیْکَ یَسِیرٌ

...و (برآوردن) آن (حوائج) بر تو آسان است.

۱۳/۲۱، ۱۶/۱۲

...وَ هُوَ عَلَیْکَ یَسِیرٌ

...و آن بر تو آسان است.۳۰/۳۱

فَأَسْأَلُکَ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ وَ هَوَانِ مَا سَأَلْتُکَ عَلَیْکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از تو می خواهم به بخشش و کرمت و آسانی آنچه درخواست نمودم بر تو، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱/۴۸

وَ تَوَلَّ قَضَاءَ کُلِّ حَاجَةٍ هِیَ لِی بِقُدْرَتِکَ عَلَیْهَا، وَ تَیْسِیرِ ذَلِکَ عَلَیْکَ

و برآوردن هر درخواستی را برای من، به

قدرتی که بر آن داری و آسان بودن آن بر تو، به عهده گیر.۴/۴۸

یاری بنده، با آسان ساختن دشواری ها

تَوَلَّنِی... بِتَیْسِیرِکَ لِیَ الْعَسِیرَ

با آسان کردن سختی برای من یاری ام فرما.

۲۳/۱۳

آسان نساختن ستم ستمگر، به بنده

وَ لَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِی

و ستم کردن او را بر من آسان نگردان.

۷/۱۴

آسانی اندوه و پیشامد غضب الهی

وَ کُلُّ مَرْزِئَهٍ سَوَاءٌ مَعَ مَوْجِدَتِکَ

و هر گرفتاری ای با غضب تو هموارشدنی است. ۹/۱۴

آسان بودن راهنمایی بنده، برای خدا

وَ لَا أَضِلَّنَّ وَ قَدْ أَمْکَنْتُکَ هِدَایَتِی

و (چنان کن که) گمراه نگردم، در حالی که می توانی هدایتم کنی.۱۴/۲۰

راهی آسان، به سوی محبّت خدا

وَ انْهَجْ لِی إِلَی مَحَبَّتِکَ سَبِیلًا سَهْلَهً

و راهی آسان به سوی محبّتت، برایم هموار گردان. ۲۹/۲۰

روا نمودن درخواست بنده، در سختی یا آسانی

وَ لَا تَجْعَلْنِی نَاسِیًا لِذِکْرِکَ فِیما أَوْلَیْتَنِی... فِی... شِدَّهٍ أَوْ رَخَاءٍ

و مرا فراموشکارِ یادت در آنچه به من عطا نمودی، قرار نده، در تنگی باشم یا فراخی.

۸/۲۱

عبارت قرآن و آسان شدن سختی زبان ها

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِیَ أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَرْعَاهُ حَقَّ رِعَایَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش آسان کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

ماه نو، ماه آسانی

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ... یُسْرٍ لَا یُمَازِجُهُ عُسْرٌ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه آسانیِ نیامیخته با دشواری قرار دهد.۵و۴/۴۳

آسانی راه خدا

هَدَیْتَنَا لِدِینِکَ الَّذِی اصْطَفَیْتَ... وَ سَبِیلِکَ الَّذِی سَهَّلْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی و به راهت که

آن را آسان نمودی، هدایت کردی.۱۹/۴۵

ناامیدی (مغرور به کرم خدا)، از به آسانی رهایی یافتن

وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَهِ الْمَـخْرَجِ...

و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن!

۲۰/۴۶

گشایشی آسان، برای ولیّ خدا

وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا

و برای او پیروزی به آسانی بگشای.۶۱/۴۷

آنچه بنده از خدا می خواهد بر او آسان گرداند:

أ. عفوش

فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَکَ بِمَنِّکَ

پس به منّت خود، بخشایشت را بر ما آسان گردان.۲/۱۰

ب. آنچه بر بنده فرود آورده

وَ يَسِّرْ لِی مَا أَحْلَلْتَ بِی

و آنچه بر من وارد نموده ای، برایم آسان کن. ۶/۱۵

ج. راه های رسیدن به خوشنودی اش

سَهِّلْ إِلَی بُلُوغِ رِضَاکَ سُبُلِی

راه هایم را برای رسیدن به خوشنودی ات، آسان فرما.۲۸/۲۰

د. راه به دست آوردن روزی

وَ أَسْأَلُکَ فِی أَنْ تُسَهِّلَ إِلَی رِزْقِی سَبِیلًا

و از تو درخواست می کنم که راهی آسان برای روزی ام، (فراهم) نمایی.۲۸/۳۲

هـ. آنچه از قضای الهی دشوار می داند

وَ سَهِّلْ عَلَيْنَا مَا نَسْتَصْعِبُ مِنْ حُكْمِكَ

و آنچه از حکمت که سخت می شماریم، بر ما آسان گردان.۴/۳۳

و. سختی جان کندن

وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرْبَ السِّيَاقِ، وَ جَهْدَ الْأَنِينِ، وَ تَرَادُفَ الْحَشَارِجِ...

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن و سختی ناله و خرناسه های پی درپی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان.

۱۳/۴۲

ز. راه خیرات

وَ سَهِّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَ الْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ، وَ الْمُشَاحَّةَ فِيهَا عَلَى مَا أَرَدْتَ

و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن به آنها را از جهتی که فرمان داده ای و رقابت در آنها را آنگونه که تو خواسته ای،

برای من آسان گردان.۹۴/۴۷

آسایش آرامش

روانه ساختن تابعین، به آسایشگاه متّقین

وَ تُصَیِّرَهُمْ إِلَی أَمْنٍ مِنْ مَقِیلِ الْمُتَّقِینَ

و آنها را به جایگاهی آسوده که استراحتگاه پرهیزکاران است روانه کنی.۱۹/۴

خواب، (مایه) آسایش و نشاط بندگان

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّیْلَ... وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا لِیَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ، فَیَکُونَ ذَلِکَ لَهُمْ جَمَامًا وَ قُوَّةً

پس شب را برای آنان آفرید و آن را پوشش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر کنند، که خواب برای آنان نشاط و نیروآور است.۵/۶

روانه شدن به سوی آسایش فرج

وَ یَا مَنْ یُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَـخْرَجُ إِلَی رَوْحِ الْفَرَجِ

و ای کسی که رهایی و رفتن به سوی آسایشی فراخ، از او درخواست می شود.۱/۷

رهایی یافتن از اندوه، با رفتن به سوی آسایش

وَ اجْعَلْ... خَلَاصِی مِنْ کَرْبِی إِلَی رَوْحِکَ

و رهایی از گرفتاریم را به بخشایشت قرار ده.

۶/۱۵

عطای خاطری آسوده، به بنده

وَ امْنَحْنِی حُسْنَ الدَّعَهِ

و آسودگی خاطر به من عطا فرما.۲۲/۲۰

آرزو نمودن آسایشی بهتر از آسایش خلق

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّی لَا أَرَی نِعْمَهً مِنْ نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ فِی... سَعَهٍ أَوْ رَخَاءٍ إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِی أَفْضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنْکَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت در گشایش یا رفاه داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.

۱۲/۲۲

هنگام آسایش، خدا را از روی اخلاص خواندن

وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ یَدْعُوکَ مُخْلِصًا فِی الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُخْلِصِینَ الْمُضْطَرِّینَ لَکَ فِی الدُّعَاءِ

و مرا از کسانی قرار ده که هنگام رفاه تو را خالصانه می خوانند. خواندن خالصانِ بیچاره، در نیایش برای تو.۱۴/۲۲

کامیاب نمودن بنده، از شیرینی آسایش

وَ أَوْجِدْنِی... حَلَاوَهَ رَحْمَتِکَ وَ رَوْحِکَ وَ رَیْحَانِکَ

و مرا از شیرینی رحمتت و آسودگی و آسایش کامیاب گردان.۱۲۵/۴۷

ص : ۴۱

فراهم ساختن آسایش، در زندگی

وَ اجْمَعْ لِیَ الْغِنَی وَ الْعَفَافَ وَ الدَّعَهَ...

و بی نیازی و پاکدامنی و آسایش را، برایم فراهم ساز.۱۳۰/۴۷

شتاب خدا، به آسایش محمّد صلی الله علیه و آله وآل او

وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ وَ الرَّوْحَ... لَهُمْ

و در فرج و آسایش آنان، شتاب فرما.

۱۱/۴۸

آستان درگاه

آسمان

اهل آسمان ها، پیرو جبرئیل

جِبْرِیلُ الْأَمِینُ عَلَی وَحْیِکَ، الْمُطَاعُ فِی أَهْلِ سَمَاوَاتِکَ

جبرئیل امین وحی توست، فرمانروا در میان اهل آسمان هایت است.۴/۳

فرشتگان ساکن آسمان ها

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُکَّانِ سَمَاوَاتِکَ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند، و در آسمان هایت ساکنند.

۶/۳

جای دادن فرشتگان، در درون طبقه های آسمان ها

وَ أَسْکَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِکَ

و آنها را در دل طبقه های آسمان هایت، سکونت داده ای.۱۱/۳

وارد شدن آسمان، در صبح

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلَّهَا بِجُمْلَتِهَا لَکَ: سَمَاوءُهَا وَ أَرْضُهَا

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

گواه گرفتن آسمان و ساکنان آن

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَکَ وَ أَرْضَکَ وَ مَنْ أَسْکَنْتَهُمَا مِنْ مَلائِکَتِکَ وَ سَائِرِ خَلْقِکَ

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را شاهد می گیرم. ۲۱/۶

چشم نینداختن به اطراف آسمان، از شرمندگی

يَا إِلَهِی لَوْ... ذَکَرْتُکَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ حَتَّى يَکِلَّ لِسَانِی، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِی إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْکَ مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَيِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَيِّئَاتِی

ای خدای من اگر در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، سپس از شرمندگی

تو، چشم از کرانه های آسمان برندارم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

روزی دادن به بندگانْ از برکات آسمان ها و زمین

اللَّهُمَّ... ارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا ما را از برکات آسمان ها و زمین روزی عطا فرما.۷/۱۹

عدم اذن بارش، به آسمان دشمنان مرزداران اسلام

...لَا تَأْذَنْ لِسَمَائِهِمْ فِي قَطْرٍ

آسمانشان را در باریدن، اذن نده.۶/۲۷

روزیِ بندگان، در آسمان

...وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ

و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است.۴/۲۹

سوگند به پروردگار آسمان

ثُمَّ قُلْتَ: فَوَ رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...

سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین...»۵/۲۹

شنواندن گفتار خود، به آسمان و ساکنان آن

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّي بِسُوءِ أَثَرِي... لَكِنْ لِتَسْمَعَ سَمَاوءُكَ وَ مَنْ فِيهَا...

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمانت و هر که در آن است، بشنود.۲۶/۳۱

درودی پُرکننده زمین و آسمان

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... صَلَاةً... تَمْلَأُ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که آسمان و زمین را پر کند.۳۴/۳۲

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ... مِلْءَ سَمَاوَاتِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ

پروردگار من، بر ایشان به گنجایش آسمان هایت و آنچه در بالای آنهاست، درود فرست. ۵۹/۴۷

سپاسی پُرکننده زمین و آسمان

فَلَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَمْلَأُ أَرْضَهُ وَ سَمَاءَهُ

پس سپاس تو راست، سپاسی که زمین و آسمانش را پر سازد.۶/۳۶

خدا، پدیدآورنده آسمان ها

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ بَدِیعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا سپاس برای توست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین.۲/۴۷

اللَّهُمَّ... بَدِیعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا، پدیدآورنده آسمان ها و زمین.

۲/۴۸

سُبْحَانَکَ... فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ

پاک و منزّهی! آفریننده آسمان.۳۱/۴۷

پوشیده نبودن چیزی در آسمان و زمین، بر خداوند

وَ أَنْتَ لَا تَخْفَی عَلَیْکَ خَافِیَهٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ

و تویی که هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست.۳/۵۰

یَا اَللَّهُ الَّذِی لَا یَخْفَی عَلَیْهِ شَیْءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ

ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست.۱/۵۲

آسودگی آسایش

آسیاب

به گردش درآوردن آسیاب عذاب

وَ أَدِرْ رَحَی نَقِمَتِکَ عَلَی الْمُلْحِدِینَ

و آسیاب کیفرت را برای ملحدان به گردش درآور.۳/۳۶

آشامیدن

بی نیاز بودن فرشتگان، از خوردنی و

آشامیدنی

وَ أَغْنَیْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِیسِکَ

و آنان را به ذکر تقدیس خود، از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای.۱۱/۳

آشامیدن آب خاکسترآلود، تا پایان عمر

يَا إِلَهِی لَوْ... شَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من، اگر در مدّت زندگی ام آب خاکسترآلود بنوشم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

گواراتر از آشامیدن تشنه

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا... أَثْلَجَ لِصَدْرِی مِنْ شَرْبَهِ الظَّمْآنِ...

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده. ۵/۲۴

گوناگونی آشامیدنی های بهشت

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِیهَا مِنْ... الْأَنْهَارِ الْمُطَّرِدَهِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَهِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای، از جوی هایی که به نوشیدنی های گوناگون روان شده، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

زیادی آشامیدنی مادر، خوراک جنین

ص : ۴۴

جَعَلْتَ لِی قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرَیْتَهُ لِأَمَتِکَ الَّتِی أَسْکَنْتَنِی جَوْفَهَا

از زیادی خوردنی و آشامیدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی.۲۴/۳۲

آب جوش، آشامیدنی ساکنان آتش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَسقِی أَهْلَهَا حَمِیـمًا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که اهلش را آب جوشان می نوشاند.۳۰و۲۹/۳۲

ویژگی آشامیدنی ساکنان آتش

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِی یُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْئِدَهَ سُکَّانِهَا، وَ یَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ

و از آشامیدنی اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می کند و دل هایشان را برمی کَنَد، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

منع آشامیدنی ها، در ماه رمضان

وَ حَجَرَ فِیهِ الْمَطَاعِمَ وَ الْمَشَارِبَ إِکْرَامًا

و از جهت گرامی داشتش، خوردنی ها و آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود.۴/۴۴

نوشاندن طاعت خدا، به دل بنده

وَ أَشْرِبْ قَلْبِی عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَکَ

و دلم را هنگام غفلتِ عقل ها، به طاعت خود

سیراب کن.۱۳۰/۴۷

آشتی

توفیق آشتی کردن بنده، با دشمنش

وَ وَفِّقْنَا لِأَنْ... نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَی مَنْ عُودِیَ فِیکَ وَ لَکَ

و ما را توفیق ده که با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی شده.۱۰/۴۴

آشفتگی

عدم آشفتگی پیروان صحابه، در پیروی از آثار اصحاب

وَ لَمْ یَخْتَلِجْهُمْ شَکٌّ فِی قَفْوِ آثَارِهِمْ

و تردیدی ایشان را از پیروی نشانه های آنها آشفته نساخت.۱۱/۴

عدم آشفتگی پیروان صحابه، در اقتدا به نشانه های هدایت صحابه

وَ لَمْ یَخْتَلِجْهُمْ شَکٌّ فِی... الِاْئْتِـمَامِ بِهِدَایَهِ مَنَارِهِمْ

و تردیدی ایشان را از اقتدا به چراغ هدایت آنها آشفته نساخت.۱۱/۴

دور ساختن آشفتگی شکّ، از بنده

ص : ۴۵

فَأَزِحْ عَنَّا رَيْبَ الِارْتِيَابِ

پس آشفتگیِ تردید را از ما دور گردان.

۲/۳۳

آشکار

آشکار بودن نعمت های خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ عَلَی مَا... أَسْبَغَ عَلَیْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَهِ، لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ یَحْمَدُوهُ

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر نعمت های آشکار که برای آنها تمام کرده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

مَا أَفْشَی فِینَا نِعْمَتَکَ

چه آشکار است در (جمع) ما نعمت تو!

۱۸/۴۵

آشکار گشتن دشمنی خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله ، با او

وَ کَاشَفَ فِی الدُّعَاءِ إِلَیْکَ حَامَّتَهُ

و در دعوت به سوی تو با خویشانش، آشکارا به ستیز پرداخت.۶/۲

آشکار بودن درون اخبار، بر خدا

وَ یَا مَنْ تَظْهَرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ

و ای کسی که اخبار پنهانی نزد او آشکار است. ۶/۵

آشکار نکردن زشتی های بنده

وَ لَمْ تُبْدِ سَوْءَاتِهَا لِمَنْ یَلْتَمِسُ مَعَایِبِی مِنْ جِیرَتِی...

و بدی های مرا پیش همسایگانم - که در جستجوی عیب های من می باشند - آشکار نکردی.

۲۱/۱۶

آشکارا یافتن مژده الهی

وَ اكْتُبْ لِی أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ، وَ بَشِّرْنِی بِذَلِكَ فِی الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ بُشْرَی أَعْرِفُهَا، وَ عَرِّفْنِی فِيهِ عَلَامَةً أَتَبَيَّنُهَا

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و هم اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم و در آن مرا از نشانه ای آگاه کن که آن را آشکارا بیابم.۳۳/۱۶

آشکار ساختن راهی به سوی محبّت خدا

وَ انْهَجْ لِی إِلَی مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً

و راهی آسان به سوی محبّتت، برایم هموار گردان. ۲۹/۲۰

آشکار شدن دوستی بنده، نسبت به همسایگان

ص : ۴۶

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَسِرُّ لَهُمْ بِالْغَیْبِ مَوَدَّهً

و خداوندا مرا بر آن دار که در نبودشان دوستی را، آشکار سازم.۳/۲۶

آشکار ساختن اموری، در برابر چشمان مرزداران اسلام

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِیهَا مِنْ مَسَاکِنِ الْخُلْدِ وَ مَنَازِلِ الْکَرَامَهِ وَ الْحُورِ الْحِسَانِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای، از خانه های همیشگی و سراهای کرامت و حوریان زیباروی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.

۴/۲۷

آشکار نمودن راز خود، برای خدا

وَ أَبَثَّکَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا

و با خضوع، از رازهایش - آنچه را که خود به آن داناتری - برایت آشکار کرده.۹/۳۱

توبه از گناهان پنهان و آشکار

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا مِنْ... بَوَاطِنِ سَیِّئَاتِی وَ ظَوَاهِرِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان پنهان و آشکارم، به درگاهت توبه می کنم.۱۴/۳۱

آشکار ساختن پشیمانی خود، برای خدا

فَمَا کُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی... لَکِنْ

لِتَسْمَعَ سَمَاوءُکَ وَ مَنْ فِیهَا وَ أَرْضُکَ وَ مَنْ عَلَیْهَا مَا أَظْهَرْتُ لَکَ مِنَ النَّدَمِ

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمانت و هر که در آن است و زمینت و هر که بر روی آن است، پشیمانی ای که به پیشگاهت آشکار نمودم را بشنود. ۲۶/۳۱

آشکار بودن هر پوشیده ای، بر خدا

وَ انْکَشَفَ کُلُّ مَسْتُورٍ دُونَ خُبْرِکَ

و هر پوشیده ای نزد آگاهی تو، آشکار است.

۱۱/۳۲

توانایی خدا، بر آشکار ساختن بدی ها و خطاهای بندگان

کَمْ... سَیِّئَهٍ اکْتَسَبْنَاهَا، وَ خَطِیئَهٍ ارْتَکَبْنَاهَا کُنْتَ... الْقَادِرَ عَلَی إِعْلَانِهَا فَوْقَ الْقَادِرِینَ

چه بسیار بدی ای که آن را کسب کردیم و خطایی که مرتکب شدیم، (و) تو بیشتر از همه قدرتمندان بر آشکار کردنش قادر بودی.۲/۳۴

آشکار بودن کرم خدا، در رفتار با نافرمان

فَسُبْحَانَکَ مَا أَبْیَنَ کَرَمَکَ فِی مُعَامَلَهِ مَنْ أَطَاعَکَ أَوْ عَصَاکَ....

پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی

ص : ۴۷

کرده است.۱۰/۳۷

آشکار گشتن عیب مؤمن، بر بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ عَیْبِ مُوءْمِنٍ ظَهَرَ لِی فَلَمْ أَسْتُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از عیب مؤمنی که برای من آشکار شد، پس آن را نپوشاندم.

۱/۳۸

آشکار نکردن حال بنده، در پیش چشم بزرگان

وَ لَا تُعْلِنْ عَلَی عُیُونِ الْمَلَإِ خَبَرِی

و حال (و چگونگی) مرا در پیش چشم بزرگان، علنی نکن.۲/۴۱

آشکار نساختن راز

وَ لَا تُبْرِزْ مَکْتُومِی، وَ لَا تَکْشِفْ مَسْتُورِی

و رازم را آشکار مکن و (عیب) پوشیده ام را نمایان نساز.۲/۴۱

آشکار شدن احکام، به واسطه قرآن

جَعَلْتَهُ... قُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْکَامِکَ...

آن را قرآنی قرار دادی که با آن راه های احکامت را روشن ساختی.۲و۱/۴۲

پناه بردن به دلیل های آشکار قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَفْزَعُ إِلَی الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوضَحَاتِ بَیِّنَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه و دلایل روشنش قرار می دهند.۴/۴۲

آشکار گشتن راه خوشنودی خدا

اللَّهُمَّ وَ کَمَا... أَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَیْکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و چنان که به وسیله خاندانش، راه های خوشنودی به سوی خود را آشکار ساختی، پس بر محمّد و خاندانش درود

فرست.۸/۴۲

عامل آشکار ساختن آراستگی ظاهری بندگان

وَ أَدِمْ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا

و با قرآنْ ظاهرِ نیک ما را آشکار ساز.

۱۱/۴۲

آشکار شدن فرشته مرگ

وَ تَجَلَّی مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُیُوبِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد.۱۳/۴۲

آشکار ساختن مبهمات

آمَنْتُ بِمَنْ... أَوْضَحَ بِکَ الْبُهَمَ

ایمان آوردم به کسی که با تو مبهمات را واضح نمود.۲/۴۳

نشانه های آشکار قرآن

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ، هُدًی لِلنَّاسِ، وَ بَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَی وَ الْفُرْقَانِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حقّ از باطل) است.۳/۴۴

آشکار گرداندن فضیلت ماه رمضان

فَأَبَانَ فَضِیلَتَهُ عَلَی سَائِرِ الشُّهُورِ

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها آشکار ساخت.

۴/۴۴

قرار دادن وقتی آشکار، برای ماه رمضان

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَیِّنًا لَا یُجِیزُ جَلَّ وَ عَزَّ أَنْ یُقَدَّمَ قَبْلَهُ

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود.۴/۴۴

آمرزش گناهان آشکار و نهان

اغْفِرْ لَنَا مَا خَفِیَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَ مَا عَلَنَ

گناهان پنهان و آشکار ما را بیامرز.۴۸/۴۵

(قرآن)، آشکارسازنده حقّ

مَا... أَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانَکَ

چه آشکارکننده حقّ است کتاب فرق گذار (قرآن) تو!۲۲/۴۷

مطابق بودن ظاهر سپاس الهی، با نهانش

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفْقٌ لِبَاطِنِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد.۴۳و۳۶/۴۷

آشکار ساختن (گناهان)، در برابر خداوند

أَنَا الَّذِی اسْتَخْفَی مِنْ عِبَادِکَ وَ بَارَزَکَ

منم آنکه (گناهم را) از بندگانت پنهان کرده و نزد تو آشکار نمودم.۷۹/۴۷

توبه و باقی نماندن گناهان آشکار و پنهان

وَ تُبْ عَلَیَّ تَوْبَهً نَصُوحًا... لَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِیَهً وَ لَا سَرِیرَهً

و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن (گناهان) آشکار و نهان را وانگذاری.۱۲۶/۴۷

روزِ آشکار گشتن پنهانی ها

وَ لَا تُهْلِکْنِی یَوْمَ تُبْلَی السَّرَائِرُ

و در روزی که پنهان ها آشکار می شود هلاکم نکن. ۱۲۹/۴۷

آنچه برای بنده آشکار می شود

ص : ۴۹

...ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَا لَکَ

...سپس دعا کن آنچه را برایت آشکار شد.

۲۸/۴۸

زمان آشکار گشتن چاپلوسی ستمگر

...وَ هُوَ یُظْهِرُ لِی بَشَاشَهَ الْمَلَقِ

...در حالی که چاپلوسانه برایم خوش رویی می کرد.۷/۴۹

آشکار ساختن عذر بنده

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِی... أَظْهِرْ فِیهَا عُذْرِی

خداوندا خواسته من این است. عذرم را در آن آشکار فرما.۷/۵۴

آغاز

ابتدایی بودن نعمت های خدا

...وَ إِذْ کُلُّ نِعَمِکَ ابْتِدَاءٌ

...و چون همه نعمت های تو ابتدا است.

۳/۱۲

مِنَّتُکَ ابْتِدَاءٌ

بخشش تو ابتدا(یی و بدون مقدّمه) است.

۴/۴۵

خداوندِ آغازکننده (آفریننده)

إِنَّکَ الْمَنَّانُ الْحَمِیدُ الْمُبْدِئُ الْمُعِیدُ الْفَعَّالُ لِمَا تُرِیدُ

به درستی که تو بسیار نعمت دهنده، ستوده، آغازگر، بازگرداننده، انجام دهنده هر چه بخواهی می باشی. ۱۸/۲۷

بندگی خدا، از آغاز تا پایان ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَ بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ مِنِ ابْتِدَائِهِ إِلَی وَقْتِ فَنَائِهِ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداونـدا، همانـا من از تو می خواهم به حقّ این ماه و به حقّ کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بنـدگی کرده انـد، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱۲/۴۴

آنچه خدا آن را آغاز می کند:

أ. آفرینش بندگان، از آب بی ارزش

اللَّهُمَّ وَ إِنَّکَ... مِنْ مَاءٍ مَهِینٍ ابْتَدَأْتَنَا

خداوندا و تو از آب ناچیز آغازمان نموده ای. ۵/۹

ب. نعمت های بزرگ

فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی ابْتِدَائِکَ بِالنِّعَمِ الْجِسَامِ

پس سپاس تو را که نعمت های بزرگ را آغاز نمودی.۲۸/۳۲

ج. یاری کردن بنده

فَابْتَدَأْتَنِی بِنَصْرِکَ

پس به یاری کردنم آغاز نمودی.۶/۴۹

د. بخشش پیش از درخواست

وَ لَمْ تُسْأَلْ فَابْتَدَأْتَ

و از تو درخواست نشد، پس به بخشش آغاز نمودی.۱۴/۴۹

هـ. نیکی و احسان به بنده

لَكِنَّكَ ابْتَدَأْتَنِی بِالْإِحْسَانِ

ولی تو احسانت را در حقّ من آغاز نمودی.۲/۵۱

آفت

نرساندن آفتی در ابرها، به بندگان

وَ لَا تُصِبْنَا فِيهَا بِآفَةٍ

و در آنها آفتی به ما نرسان.۲/۳۶

نفرستادن آفتی، بر روزیِ بندگان

وَ لَا تُرْسِلْ عَلَى مَعَايِشِنَا عَاهَةً

و زیانی بر معیشت ما نفرست.۲/۳۶

آفت، و فرورفتن زبان در باطل

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِی الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا آفَةٍ مُخْرِسًا

و قرآن را بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از آفتی باشد قرار ده.۱۰/۴۲

ماه نو، ماه ایمنی از آفات

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْآفَاتِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه ایمنی از آفت ها قرار دهد.۵و۴/۴۳

آفتاب

ناتوانی بشر، از (تحمّل) گرمی آفتاب

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ، الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ حَرَّ شَمْسِکَ

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتابت را ندارد.۵/۵۰

آفریدگار

خدا، آفریدگارِ:

أ. شب و روز

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ اللَّیْلَ وَ النَّهَارَ بِقُوَّتِهِ

سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید.۱/۶

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّیْلَ لِیَسْکُنُوا فِیهِ مِنْ حَرَکَاتِ التَّعَبِ وَ نَهَضَاتِ النَّصَبِ

ص : ۵۱

پس شب را برای آنان آفرید تا از حرکت های خسته کننده و جنبش های سخت بیاسایند. ۵/۶

وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا...

و روز را برای ایشان روشن گر آفرید.

۶/۶

ب. بندگان

فَإِنَّکَ خَلَقْتَنَا وَ أَمَرْتَنَا وَ نَهَيْتَنَا

همانا تو ما را آفریدی و امر و نهی نموده ای. ۶/۲۵

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... خَالِقِی وَ خَالِقَکَ... أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از خدایی که آفریننده من و آفریننده تو است، درخواست می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد.۴/۴۳

ج. ماه

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... خَالِقِی وَ خَالِقَکَ... أَنْ يَجْعَلَکَ هِلَالَ بَرَکَهٍ

پس از خدایی که آفریننده من و آفریننده تو است، درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد.۴/۴۳

د. هر آفریده ای

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ... خَالِقَ کُلِّ مَخْلُوقٍ

خداوندا سپاس برای توست، آفریدگار آفریدگان. ۲/۴۷

هـ. آسمان ها و زمین

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا سپاس برای توست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین.۲/۴۷

سُبْحَانَکَ... فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ

پاک و منزّهی! آفریننده آسمان.۳۱/۴۷

اللَّهُمَّ... بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا، پدیدآورنده آسمان ها و زمین.

۲/۴۸

و. جان ها

سُبْحَانَکَ... بَارِئَ النَّسَمَاتِ

پاک و منزّهی! پدیدآورنده جان ها.

۳۱/۴۷

ز. حمد

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ

سپاس برای توست. سپاسی که آنچه از سپاس ها آفریدی را گرد آورد.۴۶و۳۶/۴۷

ح. درود

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً... تُنْشِئُ مَعَ ذَلِکَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْکَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا

پروردگـار من، بر او و خانـدانش درود فرست، درودی که بـا آن درودهای دیگر پدیـد آوری، که درودهای گذشـته را با آن چندین برابر کنی. ۵۵/۴۷

آفریدگان

زندگی در بین آفریدگان سپاس گزار خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعَمَّرُ بِهِ فِيمَنْ حَمِدَهُ مِنْ خَلْقِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، بین آفریدگان سپاس گزارش، عمر طولانی نماییم.

۱۱و۱۰/۱

درود خدا، بر فرشتگان ناظر بر خلق

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِينَ... مَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ

...پس درود فرسـت بر ایشـان و بر روحانیّـان از فرشـتگانت و بر گروه هـای فرشـتگانی کـه هر کـدام از آنـان بر خلق مشغولند.۲۳و۲۰و۱۱و۱۰/۳

گواه گرفتن آفریدگان

وَ أُشْهِدُ... سَائِرِ خَلْقِكَ...

و سایر آفریدگانت را شاهد می گیرم.۲۱/۶

محمّد صلی الله علیه و آله برگزیده خدا از بین آفریدگان

وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ و خِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ

و همانا محمّد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین آفریدگانت است.۲۲/۶

وَ صَلِّ عَلَى خِيَرَتِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ...

خداوندا و بر برگزیده ات از آفریدگان خود، درود فرست.۵/۳۴

وَ صَلِّ عَلَى... مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ الصِّفْوَهِ مِنْ بَرِيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ

و بر محمّد و خانواده او که از آفریدگان پاک تو هستند، درود فرست.۵/۳۴

بِحَقِّ مَنِ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِکَ... تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ آنکه او را از آفریـدگانت برگزیده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسـی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ... خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمّد انتخاب شده خود از آفریدگانت درود فرستی.

۳/۴۸

درود فرستادن خدا، بر بعضی آفریدگانش

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، أَکْثَرَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود

ص : ۵۳

فرست بیش از آنچه بر کسی از آفریدگانت فرستادی.۲۳/۶

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ

خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست، همانند برترین درودی که پیش از او بر کسی از آفریدگانت فرستادی.۳۰/۲۰

سبب ستایش خدا، توسّط آفریدگان

وَ يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ

ای آنکه با گذشت نیک، آفریدگانش را به سپاس خود واداشته است.۱۰/۱۲

بی نیازی خدا، از آفریدگانش

تَمَدَّحْتَ بِالْغَنَاءِ عَنْ خَلْقِكَ وَ أَنْتَ أَهْلُ الْغِنَى عَنْهُمْ

خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای و خود شایسته بی نیازی از آنهایی.۱۱/۱۳

روی آوردن به آفریدگان، برای حاجت خود

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ... فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده. ۱۴/۱۳

نعمت خدا، بر مخلوقات

وَ أَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعَمِكَ سَهْمًا

و تو آنی که برای هر آفریده ای در نعمت هایت بهره ای مقرر داشته ای.

۶/۱۶

وَ فَشَتْ نِعْمَتُكَ فِي جَمِيعِ الْمَـخْلُوقِينَ

و نعمتت در همه آفریدگان پراکنده است.

۱۴/۳۹

گنجیدن همه آفریدگان، در قدرت خدا

وَ أَنْتَ الَّذِی اتَّسَعَ الْخَلَائِقُ کُلَّهُمْ فِی وُسْعِهِ

و تویی آنکه همه آفریدگان در گستره قدرتش گنجیده اند. ۱۰/۱۶

آب، موجب سرِ پا داشتن آفریدگان

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَ الْخَلْقَ

خداوندا ما را با بارانی که چهارپایان و سایر آفریدگان را به وسیله آن سرِ پا بداری، سیراب نما. ۵/۱۹

پوشاندن (جامه) وحشت از بدکاران خَلق به بنده

وَ أَلْبِسْ قَلْبِیَ الْوَحْشَهَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِکَ

و دلم را به وحشت از بدکاران خلقت بپوشان.

۱۱/۲۱

واگذاری امور بنده، به خدا و نیکان خلق

...بَلِ اجْعَلْ... کِفَایَتِی بِکَ وَ بِخِیَارِ خَلْقِکَ

...بلکه کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.۱۲/۲۱

واگذار نکردن بنده، به خلق خدا

وَ لَا تَكِلْنِی إِلَی خَلْقِكَ

و مرا به خلقت وانگذار.۲/۲۲

نتیجه واگذاری کار بنده، به خلق

إِنْ وَكَلْتَنِی إِلَی خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِی

اگر مرا به آفریدگانت واگذاری، با من ترش رویی کنند.۳/۲۲

ادا نمودن (حقِّ) آفریدگان خدا

وَ اقْضِ عَنِّی كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ... لِخَلْقٍ مِنْ خَلْقِكَ...

و مرا به انجام آنچه برای آفریده ای از آفریدگانت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده.۶/۲۲

رشک نبردن به هیچ یک از آفریدگان

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتَّی لَا أَحْسُدَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا به هیچ یک از آفریدگانت حسد نبرم.۱۲/۲۲

واجب گرداندن حقّی (برای امّت اسلام) ، بر خلق

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا أَوْجَبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَی الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه به سبب او برای ما حقّی بر خلق واجب نمودی.

۴/۲۴

فضل خداوند به همه آفریدگان

وَ أَخَذَ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ

و با همه آفریدگانش با فضل رفتار کرد.

۱/۳۵

رشک بردن به آفریدگان

وَ لَا تَفْتِنِّی بِمَا أَعْطَیْتَهُمْ... فَأَحْسُدَ خَلْقَکَ

و مرا به آنچه به آنان (دنیاداران) عطا کردی، آزمایش نکن، که بر آفریدگانت حسد برم.۲/۳۵

اعتراف آفریدگان، به ستمکار نبودن خدا

فَکُلُّ الْبَرِیَّهِ مُعْتَرِفَهٌ بِأَنَّکَ غَیْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ

پس همه آفریدگان اعتراف می کنند که تو هر که را عقوبت نمودی، ستمگر نیستی.۸/۳۷

آماده سازی کیفرهایی، برای مخلوقات

وَ لَقَدْ کَانَ یَسْتَحِقُّ فِی أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْیَانِکَ کُلَّ مَا أَعْدَدْتَ لِجَمِیعِ خَلْقِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ

و حال آنکه او در آغاز که همّت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.۱۴/۳۷

ماه، آفریده ای فرمانبردار

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ

ای آفریده فرمانبردار.۱/۴۳

راهنمایی آفریده ای، توسّط آفریده دیگر

وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِى دَلَلْتَ عَلَيْهِ عِبَادَكَ مِنْكَ كَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ...

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد.۱۷/۴۵

فرمانبری همه مخلوقات، از خدا

وَ انْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ

و همه آفریدگانت برای تسلیم در برابر تو، گردن نهاده اند.۲۶/۴۷

سپاسی که آفریده ای مانند آن، خدا را سپاس نگزارده باشد

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَمْ يَحْمَدْكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ آفریده ای مانند آن، تو را ستایش نکرده باشد.۴۴و۳۶/۴۷

درودِ انواع آفریدگان خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً... تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةِ

كُلِّ مَنْ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درود هر که آفریده ای و ایجاد نموده ای از انواع آفریدگانت را دربرگیرد.

۵۴/۴۷

عزیز گرداندن بنده، در نزد آفریدگان

وَ أَعِزَّنِى عِنْدَ خَلْقِكَ

و مرا در نزد آفریدگانت عزیز دار.۱۱۸/۴۷

مضحکه آفریدگان خدا نشدن

وَ لَا تَتَّخِذْنِی هُزُوًا لِخَلْقِکَ

و مرا سبب خنده آفریدگانت قرار نده.

۱۲۴/۴۷

رفتن به سوی مخلوق، به امید صله و عطای او

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ وَ تَعَبَّأَ وَ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوَفَادَهٍ إِلَی مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ نَوَافِلِهِ...

خداوندا، هر کسی خود را مهیّا و آماده می کند و ساز و برگ تهیه می نماید تا بر مخلوقی وارد شود، بدین امید که به صله و عطای او نائل شود.

۵/۴۸

ناامیدی از شفاعت مخلوقی جز محمّد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

فَإِنِّی لَمْ آتِکَ ثِقَةً مِنِّی بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ سَلَامُکَ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعتِ آفریده ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو نیامده ام، جز شفاعت محمّد و خانواده او – که درود تو بر او و بر ایشان باد – .۶/۴۸

ترسوترین، افتاده ترین و خوارترین خلق خدا

سُبْحَانَکَ أَخْشَی خَلْقِکَ لَکَ أَعْلَمُهُمْ بِکَ، وَ أَخْضَعُهُمْ لَکَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِکَ، وَ أَهْوَنُهُمْ عَلَیْکَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ یَعْبُدُ غَیْرَکَ

پاک و منزّهی! ترسنده ترین آفریدگانت از تو، آگاه ترین آنها به (کبریایی) توست. و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست. و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد.۲/۵۲

مرگ، مقدّر برای همه مخلوقات

سُبْحَانَکَ قَضَیْتَ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِکَ الْمَوْتَ

پاک و منزّهی! مرگ را برای همه آفریدگانت رقم زده ای.۵/۵۲

واجب بودن حقّ خدا، بر همه مخلوقات

إِلَهِی أَسْأَلُکَ بِحَقِّکَ الْوَاجِبِ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن حقّ واجب خود که بر همه آفریدگانت داری، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

زایل شدن نام بنده، از میان آفریدگان

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی إِذَا... امَّحَی مِنَ الْمَخْلُوقِینَ ذِکْرِی

مولای من! هنگامی که یادم از میان آفریدگان محو گردد، به من رحم کن.۵/۵۳

رها نساختن دین خدا، در اثر ترس از آفریدگان

وَ اسْتَعْمِلْنِی فِی مَرْضَاتِکَ عَمَلًا لَا أَتْرُکُ مَعَهُ شَیْئًا مِنْ دِینِکَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

و مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.۶/۵۴

آفرینش

صرف روزهای بنده، در آنچه برای آن آفریده شده

وَ اسْتَفْرِغْ أَیَّامِی فِیما خَلَقْتَنِی لَهُ

و سراسر روزهایم را در آنچه مرا برای آن

ص : ۵۷

آفریدی صرف نما.۳/۲۰

آفرینشی دیگر برای (جنین)

ثُمَّ أَنْشَأْتَنِی خَلْقًا آخَرَ کَمَا شِئْتَ

آنگاه مرا آنچنانکه خواستی، آفرینشی دیگر دادی.۲۳/۳۲

عدم دفع زیان از خدا، با آفرینش انسان

أَسْتَوْهِبُکَ - یَا إِلَهِی - نَفْسِیَ الَّتِی لَمْ تَخْلُقْهَا لِتمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی.۷/۳۹

هدف از آفرینش انسان

...لَکِنْ أَنْشَأْتَهَا إِثْبَاتًا لِقُدْرَتِکَ عَلَی مِثْلِهَا

...بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود.۷/۳۹

متّهم نبودن خدا در آفرینش

...لِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَیْرُ مُتَّهَمٍ عَلَی خَلْقِکَ

...برای اینکه تو به آن داناتری و در آفریدنت متّهم نیستی.۹/۴۸

ویژگی های آفرینش انسان:

أ. برگزیدن نیکویی های آفرینش، در

خلقت او

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ

و سپاس خدایی را که زیبایی های آفرینش را برای ما برگزید.۱۷/۱

ب. آفرینش او از ناتوانی

اللَّهُمَّ وَ إِنَّکَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا

خداوندا و تو ما را از ناتوانی آفریده ای.

۵/۹

ج. نعمت دادن به او، پیش و پس از آفرینشش

اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُکَ الَّذِی أَنْعَمْتَ عَلَیْهِ قَبْلَ خَلْقِکَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِکَ إِیَّاهُ

خداوندا و من آن بنده تو هستم که پیش از آفرینشت و پس از آفرینشت، او را نعمت داده ای. ۶۷/۴۷

د. درست اندام بودنش

اللَّهُمَّ إِنَّکَ خَلَقْتَنِی سَوِیًّا

خداوندا، تو مرا بی عیب و نقص آفریدی. ۱/۵۰

ویژگی های آفرینش:

أ. با قوّت و قدرت

ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا

به قدرت خویش آفریدگان را بی هیچ نمونه ای آفرید.۳/۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ اللَّیْلَ وَ النَّهَارَ بِقُوَّتِهِ

سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید.۱/۶

ب. با هدف

...لَکِنْ أَنْشَأْتَهَا إِثْبَاتًا لِقُدْرَتِکَ عَلَی مِثْلِهَا، وَ احْتِجَاجًا بِهَا عَلَی شَکْلِهَا

...بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود و بدین سبب بر (آفرینش) شبیه آن، دلیل آوردی.۷/۳۹

ج. بی اصل و بنیاد

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِی أَنْشَأْتَ الْأَشْیَاءَ مِنْ غَیْرِ سِنْخٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که اشیا را بدون هیچ اصلی آفریدی.

۱۲/۴۷

د. بدون مانند و نمونه

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِی... ابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا احْتِذَاءٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که نوپیداها را بدون پیروی (از الگویی)

پدید آوردی.۱۲/۴۷

أَنْتَ الَّذِی ابْتَدَأَ، وَ اخْتَرَعَ

تویی آنکه بدون نمونه آفرید و اختراع نمود. ۲۱/۴۷

هـ. به اندازه معلوم

أَنْتَ الَّذِی قَدَّرْتَ کُلَّ شَیْءٍ تَقْدِیرًا

تویی آنکه هر چیزی را اندازه معلوم زدی.

۱۳/۴۷

أَنْتَ الَّذِی... قَدَّرْتَ کُلَّ شَیْءٍ تَقْدِیرًا

تویی آنکه هر چیز را به اندازه معلوم ایجاد نموده ای.۱۷/۴۷

و. بدون شریک، وزیر، شاهد و ناظر

أَنْتَ الَّذِی لَمْ یُعِنْکَ عَلَی خَلْقِکَ شَرِیکٌ، وَ لَمْ یُوَازِرْکَ فِی أَمْرِکَ وَزِیرٌ، وَ لَمْ یَکُنْ لَکَ مُشَاهِدٌ وَ لَا نَظِیرٌ

تویی آنکه در آفریدنت، شریکی یاری ات نداد و در کارت، وزیری تو را کمک نکرده و برای تو بیننده و مانندی نبوده است.

۱۴/۴۷

ز. نیک بودن

أَنْتَ الَّذِی... أَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ

تویی آنکه آفرینش آنچه را که آفرید، نیک گرداند.۲۱/۴۷

ح. بدون ابزار

أَنْتَ الَّذِی... ابْتَدَعَ

تویی آنکه تازه آفرید.۲۱/۴۷

ط. پنهان نبودن آفریده، بر خدا

یَا اَللَّهُ الَّذِی لَا یَخْفَی عَلَیْهِ شَیْءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ، وَ کَیْفَ یَخْفَی عَلَیْکَ یَا إِلَهِی مَا أَنْتَ خَلَقْتَهُ؟

ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست. و چگونه آنچه را که خود آن را آفریده ای – ای خدای من – بر تو پنهان باشد؟ ۱/۵۲

ی. احاطه بر آفریده

وَ کَیْفَ لَا تُحْصِی مَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ؟

و چگونه آنچه را که خود ساخته ای، شمار آن را ندانی؟۱/۵۲

آقا سیّد

آگاهی

نفخه صور، آگاهی دهنده مردگان

إِسْرَافِیلُ... الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ، وَ حُلُولَ الْأَمْرِ، فَیُنَبِّهُ بِالنَّفْخَهِ صَرْعَی رَهَائِنِ الْقُبُورِ

اسرافیل، همان که منتظر اجازه و رسیدن فرمان توست، تا با دمیدنِ مردگانِ گروِ گورها را

بیدار کند.۲/۳

آگاه گشتن بنده، از غفلت خویش

انْتَبَهْتُ بِتَذْکِیرِکَ لِی مِنْ غَفْلَتِی

با یادآوری تو، از غفلتم آگاه شدم.۱۶/۱۳

بیماری، عامل آگاهی بنده به توبه

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا، وَ النِّعَمِ الَّتِی أَتْحَفْتَنِی بِهَا... تَنْبِیهًا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَهِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی و نعمت هایی را به من هدیه نمودی تا برای فراگرفتن توبه آگاهی باشد.۴/۱۵

اندک بودن آگاهی بنده، از تهدید خدا به کیفرش

...بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی... أَقَلُّ لِوَعِیدِکَ انْتِبَاهًا وَ ارْتِقَابًا مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

...بلکه من – ای خدای من – نسبت به تهدیدهایت کم هوشیارتر و نامراقب تر از آنم که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.۲۷/۱۶

آگاه گرداندن بنده، در اوقات غفلت

وَ نَبِّهْنِی لِذِکْرِکَ فِی أَوْقَاتِ الْغَفْلَهِ

و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. ۲۹/۲۰

آگاهی خدا، از مشرکان بی نام و نشان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْکِ، الَّذِینَ تَخْفَی أَسْمَاؤُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ... وَ قَدْ... أَشْرَفْتَ عَلَیْهِمْ بِقُدْرَتِکَ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و دیگر امّت های مشرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است و به توانایی ات بر آنان اشراف داری.

۹/۲۷

آگاهی خداوند، از کارهای پنهان

اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَی خَفَایَا الْأَعْمَالِ عِلْمُکَ

خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است. ۱۱/۳۲

آشکار بودن هر پوشیده ای، در برابر آگاهی خدا

وَ انْکَشَفَ کُلُّ مَسْتُورٍ دُونَ خُبْرِکَ

و هر پوشیده ای نزد آگاهی تو، آشکار است.

۱۱/۳۲

عافیت بخشیدن خدا، پس از آگاهی اش

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی... مُعَافَاتِکَ بَعْدَ خُبْرِکَ

خداوندا سپاس تو را، بر عافیت بخشی ات پس از آگاهی ات.۱/۳۴

آگاه ساختن بندگان، از فرمان الهی

کَمْ... أَمْرٍ قَدْ وَقَفْتَنَا عَلَیْهِ فَتَعَدَّیْنَاهُ

چه بسیار امری که ما را بر آن آگاه کردی، پس ما از آن تعدّی نمودیم.۲/۳۴

آگاه نساختن ستمگر، به ارتکاب هایش

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّی... لَا تَقِفْهُ عَلَی مَا ارْتَکَبَ فِیَّ

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند، او را به خاطر آنچه درباره من انجام داد، آگاه نکن.

۲/۳۹

آگاه گرداندن بنده، از اوقات، واجبات و شرایط نماز

وَ قِفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِى حَدَّدْتَ، وَ فُرُوضِهَا الَّتِى فَرَضْتَ، وَ وَظَائِفِهَا الَّتِى وَظَّفْتَ، وَ أَوْقَاتِهَا الَّتِى وَقَّتَّ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و واجباتش که واجب کردی و وظایف آن که معین نمودی و اوقاتش که تعیین گرداندی، آگاه فرما.۸/۴۴

خبیر و آگاه بودن خداوند

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. قدیم آگاه.۷/۴۷

پوشاندن آنچه خدا از بنده آگاه است

تَغَمَّدْنِی فِیما اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی...

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان.

۱۱۹/۴۷

آگاه گرداندن بنده، از اجابت دعا

لَا تُهْلِکْنِی یَا إِلَهِی غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِیبَ لِی، وَ تُعَرِّفَنِی الْإِجَابَةَ فِی دُعَائِی

ای خدای من، مرا اندوهگین نمیران، تا اینکه اجابتم کنی و از روا شدن دعایم آگاهم نمایی.

۱۴/۴۸

آل خاندان

آلات ابزار

آلودگی چرکی

آماده

آمادگی برای پس از مرگ

وَ تُحَبِّبَ إِلَیْهِمُ... الِاسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ

و آمادگی برای بعد از مرگ را در نظرشان محبوب کنی۱۶/۴

آماده ساختن کیفرها

صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا... أَعْدَدْتَ لِخَصْمِی مِنْ جَزَائِکَ وَ عِقَابِکَ

نمونه مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار.۱۵/۱۴

وَ لَقَدْ کَانَ یَسْتَحِقُّ فِی أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْیَانِکَ کُلَّ مَا أَعْدَدْتَ لِجَمِیعِ خَلْقِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ

و حال آنکه او در آغاز که همّت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می

شد.۱۴/۳۷

آماده سازی بندگان، برای (دور کردن) شیطان

اللَّهُمَّ... بَصِّرْنَا مَا نُكَايِدُهُ بِهِ، وَ أَلْهِمْنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ

خداوندا ما را به راه فریب دادنش، آگاه کن. و آنچه برای (دور ساختن) او باید آماده سازیم، به ما الهام فرما.۷/۱۷

آماده ساختن فرشتگان، جهت آب رسانی

أَشْهِدْ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ. بِسَقْيٍ مِنْكَ نَافِعٍ

فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز.۲/۱۹

آماده نمودن اموری در بهشت، برای بنده

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِنِ الْخُلْدِ وَ مَنَازِلِ الْكَرَامَةِ وَ الْحُورِ الْحِسَانِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از خانه های همیشگی و سراهای کرامت و حوریان

زیباروی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.

۴/۲۷

آماده نمودن کار، برای جنگجویان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ... فَلَقِّهِ الْيُسْرَ وَ هَيِّئْ لَهُ الْأَمْرَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد، پس او را با آسانی روبرو کن و کارش را آماده ساز.۱۳/۲۷

آماده بودن کرامت الهی، در آخرت

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ... إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ أَعْدَدْتَ لَهُ مِنْ كَرَامَتِكَ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای و از بزرگی ات برایش آماده کرده ای، برسد.۱۶/۲۷

آماده ساختن پاداش بنده، قبل از طاعت

وَ أَعْدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ

و تو پاداششان را آماده نموده ای، پیش از آنکه در طاعتت وارد شوند.۷/۳۷

جایگاه هایی آماده، برای دوستان خدا

جَلِّلْنِي شَرَائِفَ نِحَلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّهِ لِأَحِبَّائِكَ

در مکان هایی که برای دوستانت آماده کرده ای، به عطاهای والایت مرا بپوشان.۱۲۸/۴۷

آمادگی رفتن به سوی مخلوق، به امید عطا

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَ تَعَبَّأَ وَ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوَفَادَهٍ إِلَى مَخْلُوقٍ... فَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتِ الْيَوْمَ تَهْيِئَتِي وَ تَعْبِئَتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي

خداوندا، هر کسی خود را مهیّا و آماده می کند و ساز و برگ تهیه می نماید تا بر مخلوقی وارد شود. پس ای سرور من، امروز مهیّا و آماده گشته و ساز و برگ تهیه نموده تا به سوی تو آیم.

آمادگی رفتن به سوی خدا، به امید عفو و احسانش

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَ تَعَبَّأَ وَ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوَفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ طَلَبَ نَيْلِهِ وَ جَائِزَتِهِ، فَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتِ الْيَوْمَ تَهْيِئَتِي وَ تَعْبِئَتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ عَفْوِكَ وَ رِفْدِكَ وَ طَلَبَ نَيْلِكَ وَ جَائِزَتِكَ

خداوندا، هر کسی خود را مهیّا و آماده می کند و ساز و برگ تهیه می نماید تا بر مخلوقی وارد شود، بدین امید که به صله و عطا و درخواستِ

بخشـش و احسان او نائل شود. پس ای سـرور من، امروز مهیّا و آماده گشـته و ساز و برگ تهیه نموده تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش و صله و درخواستِ بخشش و احسان تو نائل شوم.۵/۴۸

آمدن

قصد آمدن به درگاه خدا

فَهَا أَنَا ذَا أَوءُمُّکَ بِالْوِفَادَهِ

پس اینک منم که آهنگ آمدن به درگاه تو را نمودم. ۲۵/۴۶

حالتِ آمدن بنده، به درگاه خدا

إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... أَتَیْتُکَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِی أَمَرْتَ أَنْ تُوءْتَی مِنْهَا

همانـا گرچه من کارهای شایسـته ای را که آنها پیش فرسـتاده انـد، پیش نفرسـتادم، ولی از همان درهایی که فرمان داده ای از آنها وارد شوند، نزد تو آمده ام. ۷۲/۴۷

أَتَیْتُکَ مُقِرًّا بِالْجُرْمِ وَ الْإِسَاءَهِ إِلَی نَفْسِی، أَتَیْتُکَ أَرْجُو عَظِیمَ عَفْوِکَ

به درگـاه تو آمـده ام، در حـالی که اقرار به گناه و بـدی بر خود دارم. به درگاه تو آمـده ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم.

۷/۴۸

آمرزش عفو و نیز گذشت

طواف آمرزش جویان، به گرد خداوند

یَا أَعْطَفَ مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ

ای مهربانی که آمرزش خواهان گرد او می گردند. ۹/۱۲

طلب آمرزش الهی

...وَ اغْفِرْ ذَنْبِی

...و گناهم را بیامرز.۱۶/۱۲

وَ اغْفِرْ لِی

و مرا بیامرز.۲۶/۴۸، ۱۵/۳۲

رَبَّنَا... اغْفِرْ لَنَا

پروردگارا، ما را بیامرز.۱۱/۴۵

أَسْتَغْفِرُکَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِی

برای گناهان گذشته ام از تو آمرزش می خواهم.

۲۶/۴۸

إِلَهِی... فَاسْتَغْفَرْتُ فَأَقَلْتَ

خدای من پس آمرزش خواستم و تو درگذشتی.

۱/۴۹

أَسْأَلُکَ أَنْ تَعْفُوَ عَنِّی، وَ تَغْفِرَ لِی

از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی ام.

۷/۵۱

اغْفِرْ لِی مَا تَعْلَمُ مِنْ ذُنُوبِی

گناهانی را که از من می دانی، بیامرز.۱۳/۵۱

خداوند، اهل آمرزش

إِنَّکَ... أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ

زیرا تو سزاواری که بیامرزی.۱۶/۱۲

أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّهَ لَکَ، وَ أَنَّکَ... أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ

می دانم دلیل روشن از آنِ توست و سزاواری که بیامرزی.۱۱۶/۴۷

آمرزش بنده و عدم شایستگی او

وَ إِنْ کُنْتَ تَغْفِرُ لِی حِینَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَکَ... فَإِنَّ ذَلِکَ غَیْرُ وَاجِبٍ لِی بِاسْتِحْقَاقٍ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست.۳۱/۱۶

اللَّهُمَّ... إِلَی عَفْوِکَ قَصَدْتُ... وَ لَیْسَ عِنْدِی مَا یُوجِبُ لِی مَغْفِرَتَکَ، وَ لَا فِی عَمَلِی مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَکَ

خداوندا به سوی بخشایش تو آهنگ نموده ام. در حالی که آنچه موجب آمرزیدن تو گردد، در من نیست و در عملم چیزی که سزاوار عفو تو شوم وجود ندارد.۱۵/۲۰

لَا یَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ

هیچ کس در حدّی نیست که به سبب استحقاقش آمرزشت را ایجاب کند.۴/۳۷

چشاندن شیرینی آمرزش، به بنده

وَ أَذِقْنِی حَلَاوَهَ الْمَغْفِرَهِ

و شیرینی آمرزش را به من بچشان.۳۳/۱۶

آمرزش والدین، به سبب مهربانی به فرزند

وَ اغْفِرْ لَهُمَا بِبِرِّهِمَا بِی مَغْفِرَهً حَتْـماً

و ایشان را به خاطر نیکی یشان بر من، آمرزشی حتمی عنایت کن.۱۴/۲۴

آمرزش فرزند، به سبب دعا به والدین

وَ اغْفِرْ لِی بِدُعَائِی لَهُمَا...

و مرا به (برکت) دعایم برای آنان، بیامرز.

۱۴/۲۴

آمرزش والدین و شفاعتشان در حقّ فرزند

اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِیَّ

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان.۱۵/۲۴

آمرزش فرزند و شفاعتش در حقّ والدین

اللَّهُمَّ... وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لِی فَشَفِّعْنِی فِیهِمَا

خداوندا و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما.۱۵/۲۴

گرد آمدن والدین و فرزندان، در محلّ آمرزش

اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِیَّ، وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لِی فَشَفِّعْنِی فِیهِمَا حَتَّی نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِکَ فِی

دَارِ کَرَامَتِکَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو و محل آمرزش و رحمتت گرد آییم.۱۵/۲۴

بزرگ نبودن آمرزش گناه بزرگ، بر خدا

...لِأَنَّکَ الرَّبُّ الْکَرِیمُ الَّذِی لَا یَتَعَاظَمُهُ غُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِیمِ

...زیرا تویی پروردگار کریمی، که آمرزش گناه بزرگ در نظر تو بزرگ نیست.۱۰/۳۱

رو آوردن خدا به بنده، با آمرزش

وَ الْقَنِی بِمَغْفِرَتِکَ کَمَا لَقِیتُکَ بِإِقْرَارِی

و با آمرزش خود به من روآور، همچنان که من با اقرارم به تو رو آوردم.۱۲/۳۱

آمرزش آنچه خدا از بنده می داند

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَاغْفِرْ لِی مَا عَلِمْتَ

خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری. پس آنچه (گناه) از من می دانی، بیامرز.

۱۷/۳۱

درخواست آمرزش، سبب ریختن گناهان

وَ إِنْ یَکُنِ الِاسْتِغْفَارُ حِطَّهً لِلذُّنُوبِ فَإِنِّی لَکَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِینَ

و اگر درخواست آمرزشْ سبب ریختن گناهان است، پس من به درگاه تو از آمرزش خواهانم.

۲۸/۳۱

اعتماد کردن به خدا، برای آمرزش خود

وَ وَثِقْتُ بِکَ رَبِّ فِی الْمَغْفِرَهِ لِی، وَ أَنْتَ أَوْلَی مَنْ وُثِقَ بِهِ

و پروردگار من، در آمرزش – برای خود – به تو اعتماد نمودم و تو سزاوارترین کسی هستی که به او اعتماد شد.۲۲/۳۲

احسان الهی و آمرزش گناهان

لَا یَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ... فَمَنْ غَفَرْتَ لَهُ فَبِطَوْلِکَ

هیچ کس در حدّی نیست که به سبب استحقاقش آمرزشت را ایجاب کند. پس هر کس را آمرزیدی، از احسان توست.۵و۴/۳۷

عدم سخت گیری، در ابزار رسیدن به آمرزش

وَ لَمْ تَحْمِلْهُ عَلَی الْمُنَاقَشَاتِ فِی الْآلَاتِ الَّتِی تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَی مَغْفِرَتِکَ

و از او نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها، به آمرزش تو نائل شد، حسابکشی سخت نکردی.

۱۳/۳۷

طلب آمرزش برای دیگران

ص : ۶۶

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّی مَا حَظَرْتَ عَلَیْهِ... فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّی

خداونـدا و هر بنـده ای که به من آسـیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسـته بودی، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز.

۲/۳۹

مرگ، دری از درهای آمرزش خدا

وَ اجْعَلْهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِکَ

و آن را دری از درهای آمرزشت قرار ده.

۴/۴۰

کامل ساختن کرامت بنده، با آمرزش

وَ أَکْمِلْ کَرَامَتِی بِغُفْرَانِکَ

و به آمرزشت، کرامت مرا کامل گردان.

۴/۴۱

آمرزش گناهان پنهان و آشکار بنده

وَ اغْفِرْ لَنَا مَا خَفِیَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَ مَا عَلَنَ

و گناهان پنهان و آشکار ما را بیامرز.

۴۸/۴۵

آمرزش خواهان و عذاب الهی

وَ لا یَشْقَی بِنَقِمَتِکَ الْمُسْتَغْفِرُونَ

و آمرزش خواهان به کیفرت تیره بخت نمی شوند. ۱۵/۴۶

انعام آمرزش، به بنده

وَ امْنُنْ عَلَيَّ - بِمَا لَا يَتَعَاظَمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَى مَنْ أَمَّلَكَ - مِنْ غُفْرَانِكَ

و به من ارزانی دار آنچه بر تو گران نیست و به کسی که آمرزش تو را آرزو می کند ارزانی می داری.

۷۰/۴۷

توبه کننده و طلب آمرزش

تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ... عَاذَ بِاسْتِغْفَارِکَ تَائِبًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال توبه، پناه به آمرزش خواستن از تو آورده.۸۶/۴۷

طلب آمرزش، در عید قربان و روز جمعه

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَ لَهُمْ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما و ایشان را بیامرزی.۳/۴۸

اطمینان بنده، به آمرزش الهی

إِنِّی بِمَغْفِرَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ أَوْثَقُ مِنِّی بِعَمَلِی، وَ لَمَغْفِرَتُکَ وَ رَحْمَتُکَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِی

همانا اطمینانم به آمرزش و رحمت تو، از (اطمینانم به) عملم بیشتر است و آمرزش و رحمت تو، از گناهانم وسیع تر است.۴/۴۸

گشایش دادن به بنده، با آمرزش

وَ تَوَسَّعْ عَلَيَّ بِمَغْفِرَتِکَ

و به آمرزشتْ به من گشایش ده.۸/۴۸

رحمت الهی و آمرزش بنده

وَ إِنْ تَغْفِرْ فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

و اگر بیامرزی، پس تو بخشاینده ترین بخشایندگانی. ۱۴/۵۱

آمرزنده

خدا، آمرزنده (گناهان) بزرگ

إِنَّکَ أَنْتَ... الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ

به درستی که تو آمرزنده برای (گناه) بزرگ هستی. ۲۴/۶

خداوند، آمرزنده بنده گریان

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِی... غَافِرٌ لِمَنْ بَکَاکَ فَأُسْرِعَ فِی الْبُکَاءِ؟

ای خدای من آیا تو گریه کننده ات را می آمرزی تا من در گریستن شتاب نمایم؟

۱۵/۱۶

آمرزنده بودن خداوند

إِنَّکَ... غَفُورٌ...

همانا تو آمرزنده ای.۱۲/۲۵

خدا، بهترین آمرزنده

إِنَّکَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ

به درستی که تو بهترین آمرزندگانی.

۱۵/۳۲

إِنَّکَ أَنْتَ... خَيْرُ الْغَافِرِينَ

همانا تو بهترين آمرزندگانی.۶۵/۴۷

خدا، آمرزنده همه گناهان

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

به درستی که خدا همه گناهان را می آمرزد.

۲/۵۰

نيافتن آمرزنده ای جز خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... سُوءَالَ مَنْ لَا يَجِدُ... لِذَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَکَ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که بخشاينده ای برای گناهانش جز تو نمی يابد.۳/۵۴

آموختن

آموختن نادانسته های مرزداران، به آنان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَرِّفْهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَ عَلِّمْهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنچه را نمی شناسند، به آنان بشناسان و آنچه نمی دانند، به ايشان بياموز.۳/۲۷

آموختن روش نیکو (در معیشت)، به بنده

اللَّهُمَّ... عَلِّمْنِی حُسْنَ التَّقْدِیرِ

خداوندا روش نیکو را به من بیاموز.۳/۳۰

آموختن ستایش، به بنده

وَ تُكَافِئُ مَنْ حَمِدَكَ وَ أَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَكَ

و هر که تو را سپاس گزارد، جزا دهی و حال آنکه سپاس گزاری را تو به او آموخته ای.۷/۴۵

آموخته علم

آمیختن

آمیختگی کارها

وَ وَفِّقْنِی إِذَا اشْتَكَلَتْ عَلَیَّ الْأُمُورُ لِأَهْدَاهَا

و آنگاه که کارها بر من درهم گشت، به راست ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

آمیختگی آب های مشرکان، به وبا

اللَّهُمَّ وَ امْزُجْ مِیَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ

خداوندا و آب هایشان را به وبا درآمیز.

۱۲/۲۷

آمیخته شدن خوراک مشرکان، با بیماری

اللَّهُمَّ وَ امْزُجْ... أَطْعِمَتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ

خداوندا و خوردنی هایشان را به امراضْ درآمیز. ۱۲/۲۷

جامی آمیخته به زهر مرگ

وَ تَجَلَّی مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُیُوبِ... وَ دَافَ لَهَا مِنْ ذُعَافِ الْمَوْتِ كَأْسًا مَسْمُومَةَ الْمَذَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ - که چشیدن آن زهرآلود است - آمیخته سازد.۱۳/۴۲

نیامیختن آسانی، با دشواری

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ... یُسْرٍ لَا یُمَازِجُهُ عُسْرٌ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه آسانیِ نیامیخته با دشواری قرار دهد.۵و۴/۴۳

نیامیختن عطای خدا، با منّت

إِنْ أَعْطَيْتَ لَمْ تَشُبْ عَطَاءَكَ بِمَنٍّ

اگر عطا کنی، عطایت را با منّت نیامیخته ای.

۵/۴۵

نیامیختن کارهای نیک، با معصیت

لَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِی بِمَا یَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِیَتِکَ

کارهای نیک مرا با درآمیختن به نافرمانی ات، باطل نکن.۱۳۱/۴۷

آمیختن لبه تیغ، با زهرهای کشنده

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ... شَحَذَ لِی ظُبَةَ مُدْیَتِهِ... وَ دَافَ لِی

قَوَاتِلَ سُمُومِهِ

پس چه بسیار دشمنی که لبه تیغش را برای من تیز نمود و آن را برای من با زهرهای کشنده اش درهم آمیخت.۴/۴۹

آوازه شهرت

آوازه ای نیک، در بین آیندگان

وَ اجْعَلْ لِی... ذِكْرًا نَامِیًا فِی الْآخِرِینَ

و برای من آوازه نیک در آیندگان قرار ده.

۱۲۷/۴۷

آویختن

حضرت محمّد صلی الله علیه و آله ، آویختنْگاهِ اصحاب

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً... الَّذِینَ هَجَرَتْهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد و آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله هایشان از آنها دوری نمودند...۶و۳/۴

آویختن به عصمت قرآن

وَ لا تَنَالُ أَیْدِی الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَهِ عِصْمَتِهِ

و هر که به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد.۳/۴۲

آهسته

صدای آهسته، در برابر والدین

اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِی

خداوندا، صدایم را برای ایشان آهسته ساز.

۶/۲۴

آیات

دلالت آیات قرآن، به رحمت خداوند

إِنَّ ذَلِکَ... لَا یَؤُودُکَ فِی جَزِیلِ هِبَاتِکَ الَّتِی دَلَّتْ عَلَیْهَا آیَاتُکَ

بدرستی که این در برابر بخشش های بسیارت که نشانه هایت بر آن دلالت دارد بر تو سنگین نمی باشد. ۳۴/۱۶

گردن نهادن در برابر آیات محکم قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَدِینُ لَکَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِیمِ لِمُـحْکَمِ آیَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند.

۴/۴۲

محمّد صلی الله علیه و آله ، رساننده آیات قرآن

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِکَ، وَ أَدَّی مِنْ آیَاتِکَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را

ابلاغ نمود و آیه هایت را رساند، پاداش ده.۲۲/۴۲

تلاوت آیات قرآن و هراس بنده

اجْعَلْ... رَهْبَتِی عِنْد تِلَاوَهِ آیَاتِکَ

هول مرا هنگام تلاوت آیات خود، قرار ده.

۱۲۲/۴۷

آیندگان

داشتن نام نیک، در بین آیندگان

وَ اجْعَلْ لِی... ذِکْرًا نَامِیًا فِی الْآخِرِینَ

و برای من آوازه نیک در آیندگان قرار ده.

۱۲۷/۴۷

دشمنانِ جانشینان خدا، از پیشینیان و آیندگان

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ

خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان لعنت کن.۱۰/۴۸

آینده

رسیدن به (سود) آینده

وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِیَبْتَغُوا فِیهِ مِنْ فَضْلِهِ... وَ یَسْرَحُوا فِی أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِیهِ نَیْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْیَاهُمْ، وَ دَرَکُ الْآجِلِ فِی أُخْرَاهُمْ

و روز را برای ایشان روشن گر آفرید تا در آن فضل او را طلب کنند و در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود کنونی از دنیا و یافتن سود آینده در آخرت.۶/۶

عطا نمودن خواسته ها، در آینده

وَ أَعْطِ جَمِیعَ الْمُسْلِمِینَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی فِی عَاجِلِ الدُّنْیَا وَ آجِلِ الْآخِرَهِ

و به همه مردان و زنـان مسـلمان و مردان و زنـان با ایمان، مانـنـدِ آنچه برای خود و فرزنـدانم از تو درخواست نمودم، در دنیای کنونی و آخرت آینده ببخش.۱۲/۲۵

رساندن عمرها، به ماه رمضان آینده

وَ ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ

و عمر ما - که در پیش روی ماست - را، به ماه رمضان آینده برسان.۴۶/۴۵

آیین دین

ص : ۷۱

الف

ابتدا آغاز

ابتکار اختراع

ابتهال دعا

ابر

فرشتگانِ سرعت دهنده ابرها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ الَّذِينَ... زَوَاجِرِ السَّحَابِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که حرکت دهندگان ابرند.۱۳و۱۱و۱۰/۳

به شنا درآمدن ابر خروشان

وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَهُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

و آنگاه که با خروش او (فرشته)، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد.۱۴/۳

باران فراوان ابر

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ

خداوندا ما را از باران سیراب نما و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر، بر ما بگستران.۱/۱۹

بیان ویژگی های ابرِ (مطلوب)

...سَحَابًا مُتَرَاكِمًا هَنِيئًا مَرِيئًا طَبَقًا مُجَلْجَلًا، غَيْرَ مُلِثٍّ وَدْقُهُ، وَ لَا خُلَّبٍ بَرْقُهُ

...ابری درهم فشرده، گوارا، خوش، فراگیر، غرّنده. نه ابری پیوسته بارانی و نه ابری جهنده و بی باران. ۳/۱۹

کنار رفتن ابرهای کوری (گمراهی)، از مقابل (دیدگان) بنده

...حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى، وَ تَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَائِبُ الْعَمَى... فَرَأَى كَبِيرَ عِصْيَانِهِ كَبِيرًا

...امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد و ابرهای کوری از مقابلش کنار رفت، پس گناه بزرگش را بزرگ

دانست.۷/۳۱

ابر، نشانه ای از خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ آيَتَانِ مِنْ آيَاتِكَ

خداوندا همانا این دو (ابر و آذرخش)، دو نشانه از نشانه های تو هستند.۱/۳۶

ص : ۷۳

ابر، خدمت گزار خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّ... هَذَيْنِ عَوْنَانِ مِنْ أَعْوَانِکَ

خداوندا همانا این دو، دو خدمت گزار از خدمت گزاران تو هستند.۱/۳۶

رخت بلا نپوشاندن بر بندگان، به وسیله ابر

اللَّهُمَّ... لَا تُلْبِسْنَا بِهِمَا لِبَاسَ الْبَلَاءِ

خداوندا به سبب آن دو (ابر و آذرخش)، جامه بلا بر ما نپوشان.۱/۳۶

ابر، شتابنده به فرمانبری خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ... يَبْتَدِرَانِ طَاعَتَکَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ أَوْ نَقِمَةٍ ضَارَّةٍ

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار، به طاعتت می شتابند.

۱/۳۶

فرستادن سود و برکت ابرها، برای بندگان

وَ أَنْزِلْ عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَائِبِ وَ بَرَکَتَهَا

و سود و برکت این ابرها را بر ما فرود آور.

۲/۳۶

برداشتن زیان ابرها، از بندگان

وَ اصْرِفْ عَنَّا أَذَاهَا وَ مَضَرَّتَهَا

و آزار و زیانشان را از ما برگردان.۲/۳۶

نفرستادن بیماری، به وسیله ابرها

وَ لَا تُصِبْنَا فِيهَا بِآفَةٍ

و در آنها آفتی به ما نرسان.۲/۳۶

ابرهای کیفر

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كُنْتَ بَعَثْتَهَا نِقْمَةً وَ أَرْسَلْتَهَا سَخْطَةً فَإِنَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ

خداونـــدا و اگر آن (ابرهـــا) را برای کیفر برانگیخته ای و از روی خشم فرســتاده ای، پس مــا از خشــمت، از تــو امــان می خواهیم.۳/۳۶

وَ كَمْ مِنْ سَحَائِبِ مَكْرُوهٍ جَلَّيْتَهَا عَنِّي، وَ سَحَائِبِ نِعَمٍ أَمْطَرْتَهَا عَلَيَّ

و چه بسیار ابرهای مصیبت باری که از من برطرف نمودی و ابرهای نعمت افزایی که بر من باراندی. ۱۱/۴۹

دور نمودن ابرهای ناخوشایند، از بنده

وَ كَمْ مِنْ سَحَائِبِ مَكْرُوهٍ جَلَّيْتَهَا عَنِّي

و چه بسیار ابرهای مصیبت باری که از من برطرف نمودی.۱۱/۴۹

فرستادن ابرهای نعمت، بر بنده

وَ كَمْ مِنْ... سَحَائِبِ نِعَمٍ أَمْطَرْتَهَا

و چه بسیار ابرهای نعمت افزایی که بر من باراندی.

۱۱/۴۹

ابراهیم

ابراهیم علیه السلام و آل او، از برگزیدگان خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... كَصَلَوَاتِكَ... عَلَى أَصْفِيَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ

خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. مانند درودهایی که بر برگزیدگانت: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی.۱۱/۴۸

درود، برکات، و تحیّات خدا بر ابراهیم علیه السلام و آل او

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... كَصَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ تَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ

خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. مانند درودها و برکت ها و تحیّت هایی که بر برگزیدگانت: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی.

۱۱/۴۸

ابزار

ابزار بسط، در (بدن) انسان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى رَكَّبَ فِينَا آلَاتِ الْبَسْطِ

و سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را در ما به هم پیوست.۲۰/۱

ابزار قبض، در (تن) انسان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى... جَعَلَ لَنَا أَدَوَاتِ الْقَبْضِ

و سپاس خدای را که افزارهای قبض و در هم کشیدن را برای ما قرار داد.۲۰/۱

ابزار رسیدن به آمرزش الهی

وَ لَمْ تَحْمِلْهُ عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ فِى الْآلَاتِ الَّتِى تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَى مَغْفِرَتِكَ

و از او نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها، به آمرزش تو نائل شد، حسابکشی سخت نکردی.

۱۳/۳۷

ابطال

ابطال مکر و حیله شیطان

اللَّهُمَّ... وَ أَبْطِلْ کَیْدَهُ

خداوندا و فریبش را باطل فرما.۱۳/۱۷

ابلیس شیطان

ابهام شکّ

اتّصال پیوستگی

اتقان استواری

اتّهام تهمت

اثبات

اثبات قدرت خدا، در آفریدن

ص : ۷۵

...لَكِنْ أَنْشَأْتَهَا إِثْبَاتًا لِقُدْرَتِكَ عَلَى مِثْلِهَا

...بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود.۷/۳۹

اثر نشانه

اجابت

نزدیکی به پیامبر صلی الله علیه و آله ، با اجابت (دین خدا)

وَ قَرَّبَ الْأَقْصَيْنَ عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ

و دورتران را بر اثر پذیرفتنشان – برای تو – نزدیک نمود.۱۰/۲

وعده خدا، به اجابت بیچارگان

سُبْحَانَكَ نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ أَوْجَبْتَ إِجَابَتَهُمْ

پاک و منزّهی تو! ما درماندگانیم که اجابت آنها را واجب گردانده ای.۴/۱۰

اللَّهُمَّ... عَرِّفْنِي مَا وَعَدْتَ مِنْ إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ

خداوندا اجابتی که بیچارگان را وعده داده ای، به من بشناسان.۱۲/۱۴

خدا و اجابت نمودن هر که او را خوانده

إِنَّكَ... مُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ

به درستی که تو برای هر که تو را صدا زند، اجابت کننده ای. ۵/۱۱

خداوند، ضمانت کننده اجابت دعا

يَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ

ای آنکه روا شدن خواسته ها را برای ایشان ضمانت کرده است.۱۰/۱۲

وَ اقْضِ لِي حَوَائِجِي، وَ لَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَ قَدْ ضَمِنْتَهَا لِي

و حاجت هایم را برآور و اجابت (دعا) را از من دریغ نکن، که خود آن را ضمانت کرده ای.

۹/۲۵

طلب اجابت دعا

وَ أَنْجِحْ طَلِبَتِی... آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ

و درخواستم را برآور. بپذیر، پروردگار جهانیان.۱۶/۱۲

آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ

اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

۱۲/۴۸، ۴/۴۱، ۴/۲۶، ۱۶/۱۴

وَ اسْمَعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ... آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ

و آنچه خواسته ایم بشنو. پروردگار جهانیان اجابت فرما.۱۶/۱۷

وَ أَنْجِحْ مَطْلَبِی

و مطلبم را برآور.۴/۲۱

...آمِینَ

(این دعا را) اجابت فرما.۳/۲۵

وَ اقْضِ لِی حَوَائِجِی...

و حاجت هایم را برآور.۹/۲۵

وَ اسْتَجِبْ دُعَائِی

و دعایم را مستجاب کن.۲۵/۴۶

وَ اسْتَجِبْ لِی جَمِیعَ مَا سَأَلْتُکَ وَ طَلَبْتُ إِلَیْکَ

و همه آنچه را که از تو خواسته ام و طلب کرده ام، برایم مستجاب فرما.۲۸/۴۸

غیر خدا را سبب برآوردن حاجت قرار دادن

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَکَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.

۱۴/۱۳

خداوندِ اجابت کننده

کُنْ لِدُعَائِی مُجِیبًا

درخواستم را اجابت کن.۲۱/۱۳

إِنَّکَ... مُجِیبٌ...

همانا تو اجابت کننده ای.۱۲/۲۵

یاری نمودن بنده، با برآوردن حاجتش

وَ تَوَلَّنِی بِنُجْحِ طَلِبَتِی وَ قَضَاءِ حَاجَتِی

و به برآورده گشتن خواسته ام و روا شدن حاجتم مرا یاری فرما.۲۳/۱۳

سبب اجابت دعای بندگان

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اجْعَلْ ذَلِکَ عَوْنًا لِی وَ سَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِی

و بر محمّد و خاندانش درود فرست و آن را کمکی برای من و وسیله روا شدن حاجتم قرار ده.

۲۴/۱۳

وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ... صَلَاةً... یُسْتَجَابُ لَهَا دُعَاوءُنَا

و بر او و خاندانش درود فرست، درودی که دعای ما به سبب آن مستجاب گردد.۵۶/۴۵

پیوند دادن دعای بنده، به اجابت

صِلْ دُعَائِی بِالْإِجَابَهِ

درخواست مرا به روا شدن متّصل گردان.

۱۱/۱۴

اجابت نکردن دعوت شیطان

وَ لَا نَسْتَجِیبُ لَهُ إِذَا دَعَانَا

و هرگاه که (شیطان) ما را فراخواند، پاسخش ندهیم. ۱۴/۱۷

اجابت درخواست بنده، به قدرت الهی

اللَّهُمَّ فَأَطْلِبْنِی بِقُدْرَتِکَ مَا أَطْلُبُ

خداوندا پس به قدرت خویش، آنچه طلب می کنم، برایم برآور.۲۵/۲۰

ناامید نگشتن، از اجابت الهی

وَ لَا تَجْعَلْنِی... آیِسًا مِنْ إِجَابَتِکَ لِی وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّی

و مرا ناامید از اجابتت – گرچه دیر شود – قرار نده.۸/۲۱

وعده اجابت

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُکَ... مُتَنَجِّزًا وَعْدَکَ فِیما وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَهِ، إِذْ تَقُولُ: ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ

خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده ام، در حالی که وفا به وعده ای را که پیرامون اجابت داده ای، خواستارم. زیرا که می فرمایی: «مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.»۱۱/۳۱

وَ قُلْتَ: ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ

و فرمودی: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.»۱۵/۴۵

أَدْعُوکَ فَتُجِیبُنِی وَ إِنْ کُنْتُ بَطِیئًا حِینَ تَدْعُونِی

تو را می خوانم، پس مرا اجابت می کنی و اگر چه هنگامی که مرا می خوانی، کُند هستم.

۱۱/۵۱

درود اجابت کنندگان ، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً... تَشْتَمِلُ عَلَی صَلَوَاتِ عِبَادِکَ مِنْ جِنِّکَ وَ إِنْسِکَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای بندگانت از جن و اِنست و اجابت کنندگان دعوتت را شامل شود.

۵۴/۴۷

پذیرفتن اجابت حاجت بنده، از جانب خدا

وَ تَوَلَّ قَضَاءَ کُلِّ حَاجَهٍ هِیَ لِی بِقُدْرَتِکَ عَلَیْهَا

و برآوردن هر درخواستی را برای من، به قدرتی که بر آن داری، به عهده گیر.۴/۴۸

تأخیر مرگ، تا زمان اجابت دعا

لَا تُهْلِکْنِی یَا إِلَهِی غَمًّا حَتَّی تَسْتَجِیبَ لِی، وَ تُعَرِّفَنِی الْإِجَابَهَ فِی دُعَائِی

ای خدای من، مرا اندوهگین نمیران، تا اینکه اجابتم کنی و از روا شدن دعایم آگاهم نمایی.

۱۴/۴۸

اعتماد بنده، به اجابت سریع الهی

فَنَادَیْتُکَ... وَاثِقًا بِسُرْعَهِ إِجَابَتِکَ

پس تو را خواندم، در حالی که به اجابت سریع تو اطمینان داشتم.۱۰/۴۹

اجابت دعا، هنگام اضطرار

أَنْتَ الَّذِی أَجَبْتَ عِنْدَ الِاضْطِرَارِ دَعْوَتِی

تویی که هنگام بیچارگی، دعایم را اجابت نمودی. ۴/۵۱

اجازه اذن

عدم اجازه الهی، در پیش انداختن زمان ماه رمضان

ص : ۷۸

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيِّنًا لَا يُجِيزُ جَلَّ وَ عَزَّ أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ...

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود.۴/۴۴

اجتماع

اجتماع با پیامبران، در بهشت

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُضَامُّ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِی دَارِ الْمُقَامَهِ الَّتِی لَا تَزُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است.۱۶و۱۰/۱

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و گرد آوردن مردم، بر (دین) خدا

...وَ بِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ عَلَيْکَ

و مردمان را بر تو گرد آوردند.۷/۴

اجتماع آفریدگان، تحت اراده خدا

...وَ تَضُمُّنَا مَشِيَّتُکَ

و اراده توست که ما را جمع می کند.۱۰/۶

گرد آمدنِ (خوی های زشت)

أَتُوبُ إِلَيْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... مُشْفِقٍ مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که از آنچه بر او گرد آمده، ترسان است.۱۲/۱۲

رستاخیز، محل گرد آمدن دشمنان

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتِ الْخِيَرَهُ لِی عِنْدَکَ فِی... تَرْكِ الِانْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِی إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَ مَجْمَعِ الْخَصْمِ... أَيِّدْنِی مِنْکَ بِنِيَّهٍ صَادِقَهٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در به کیفر نرسیدن ستمگرم تا روز رستاخیر و محل جمع شدن دشمنان می باشد، پس مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.۱۴/۱۴

گرد نیامدن با دوری گزیننده از خدا

وَ لَا تَبْتَلِيَنِّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبَادَتِکَ... وَ لَا مُجَامَعَهِ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْکَ

و مرا به سستی در عبادتت و گرد آمدن با کسی که از تو دوری نموده، گرفتار نساز.۱۱/۲۰

گرد آمدن والدین و فرزندان، در محل آمرزش

اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِیَّ، وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لِی فَشَفِّعْنِی فِیهِمَا حَتَّی نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِکَ فِی دَارِ کَرَامَتِکَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر

آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو و محل آمرزش و رحمتت گرد آییم.۱۵/۲۴

گرد آمدن مشرکان علیه مسلمانان

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِکِینَ بِالْمُشْرِکِینَ... وَ ثَبِّطْهُمْ بِالْفُرْقَهِ عَنِ الِاحْتِشَادِ عَلَیْهِمْ

خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان و با تفرقه افکنی میان آنان، از گرد آمدن بر ضدّ مسلمانان بازشان دار.۱۰/۲۷

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ... أَحْزَنَهُ تَحَزُّبُ أَهْلِ الشِّرْکِ عَلَیْهِمْ، فَنَوَی غَزْوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداوندا و هر مسلمانی که اجتماع مشرکان بر ضدّ ایشان، اندوهگینش نمود، از این رو قصد جنگ کرد، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

عامل گردآورنده کارهای پراکنده بندگان

وَ اجْمَعْ بِهِ مُنْتَشَرَ أُمُورِنَا

و با آن (قرآن) کارهای پراکنده ما را گرد آور.

۱۱/۴۲

گرد آوردن بندگان، در گروه پیامبر صلی الله علیه و آله (در قیامت)

وَ احْشُرْنَا فِی زُمْرَتِهِ

و ما را در گروه او محشور کن.۲۰/۴۲

عید فطر، روز اجتماع مسلمانان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا – الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُوءْمِنِینَ عِیدًا وَ سُرُورًا، وَ لِأَهْلِ مِلَّتِکَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشَدًا –

خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عید و شادی و برای اهل دینتْ محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.

۵۲/۴۵

درودی گردآورنده درود آفریدگان

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً... تَجْتَمِعُ عَلَی صَلَاهِ کُلِّ مَنْ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درود هر که آفریده ای و ایجاد نموده ای از انواع آفریدگانت را دربر گیرد.

۵۴/۴۷

اجتماع مسلمانان، در روز عید قربان و جمعه

وَ الْمُسْلِمُونَ فِیهِ مُجْتَمِعُونَ فِی أَقْطَارِ أَرْضِکَ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند. ۱/۴۸

اجتناب دوری

اجر پاداش

ص : ۸۰

اجرا انجام دادن

اجرا نمودن درخواست بنده، از خدا

وَ اسْتَجِبْ لِی جَمِیعَ مَا سَأَلْتُکَ... وَ أَمْضِهِ

و همه آنچه را که از تو خواسته ام، برایم مستجاب فرما و آن را اجرا کن.۲۸/۴۸

اجمال

نزول اجمالی قرآن، بر محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد -، بدون تفصیل و شرح نازل کردی.۵/۴۲

احتجاج حجّت

احترام حرمت

احتیاج نیاز

احسان نیکی

احصا شمار

احضار فراخوانی

احکام فرمان

نظارت خدا به (رفتار) بندگان، در مورد

احکامش

وَ یَنْظُرُ کَیْفَ هُمْ فِی أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَ مَنَازِلِ فُرُوضِهِ، وَ مَوَاقِعِ أَحْکَامِهِ

و می نگرد آنها در اوقات طاعت و جاهای واجبات و موارد احکامش چگونه اند.۷/۶

تجاوز نمودن، از احکام و حدود الهی

وَ تَعَدَّيْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِكَ إِلَى حُرُمَاتٍ انْتَهَكْتُهَا

و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام ها را دریده ام.۱۸/۳۲

وَ أَبَيْتُ إِلَّا... تَعَدِّيًا لِحُدُودِكَ

و من جز تعدّی از حدود تو کاری نداشته ام.

۱۴/۴۹

آشکار شدن راه های احکام الهی

وَ جَعَلْتَهُ... قُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ

و آن را قرآنی قرار دادی که با آن راه های احکامت را روشن ساختی.۲و۱/۴۲

بازداشتن بندگان، از تجاوز نمودن از احکام

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النِّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ... لَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سُخْطِكَ وَ تَعَدِّي حُدُودِكَ ذَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از حدودت باشد.۱۲/۴۲

حدود و احکام نماز

وَ قِفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِی حَدَّدْتَ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی، آگاه فرما.۸/۴۴

انجام دستورات ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... قَامَ بِحُدُودِهِ حَقَّ قِيَامِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس حدودش را آن طوری که حقّش بوده به پا داشته؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

به پا داشتن احکام و حدود الهی

وَ أَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ...

و کتاب خود و احکامت را به وسیله او به پا دار. ۶۲/۴۷

احیا

پیامبر صلی الله علیه و آله و احیای دین خدا

وَ قَطَعَ فِی إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ

و در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

۸/۲

اخبار آگاهی

آشکار بودن درون اخبار، بر خدا

يَا مَنْ تَظْهَرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ

ای کسی که اخبار پنهانی نزد او آشکار است.

۶/۵

آزمودن اخبار (اعمال) بندگان

بِكُلِّ ذَلِكَ... يَبْلُو أَخْبَارَهُمْ

بدین گونه اخبار آنها را می آزماید.۷/۶

روزِ آشکار گشتن اخبار بندگان

يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ

روزی که اخبار بندگانت را آشکار می کنی...

۴/۱۱

پنهان نبودن اخبار دادخواهان، از خدا

يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ

ای کسی که خبرهای دادخواهان بر او پنهان نیست. ۱/۱۴

اختراع آفرینش، آفریدگار و نیز آفریدگان

اختراع و ایجاد خلق

وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَی مَشِیَّتِهِ اخْتِرَاعًا

و ایشان (آفریدگان) را به خواست خود از هیچ، به وجود آورد.۳/۱

بدعت گذاران و اختراع اندیشه

أَکْمِلْ ذَلِکَ لِی بِدَوَامِ الطَّاعَهِ... وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدَعِ، وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْیِ الْمُخْتَرَعِ

این (اوصاف) را برای من با اطاعت همیشگی و فروگذاردن اهل بدعت و هر که به رأی ساختگی خود عمل می کند، کامل گردان.۱۰/۲۰

خدا، مخترع و آفریننده

أَنْتَ الَّذِی ابْتَدَأَ، وَ اخْتَرَعَ

تویی آنکه بدون نمونه آفرید و اختراع نمود.

۲۱/۴۷

اختصاص

اختصاص فرشتگان، به خدا

...وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ

...و گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای.۱۱/۳

اختصاص بهترین ها، برای محمّد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ، وَ أَهْلِ بَیْتِهِ

الطَّاهِرِینَ، وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ وَ سَلَامِکَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و بر خاندان پاکش درود فرست و ایشان را به برترین رحمت ها و برکات و سلام خویش، اختصاص ده.

۱/۲۴

اختصاص والدین، به کرامت الهی

وَ اخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالِدَیَّ بِالْکَرَامَهِ لَدَیْکَ

و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامتِ نزد خود اختصاص ده.۲/۲۴

اختصاص والدین، به برترین امور

وَ اخْصُصْ أَبَوَیَّ بِأَفْضَلِ مَا خَصَصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ وَ أُمَّهَاتِهِمْ

و پدر و مادر مرا به برترین چیزی که پدران و مادران بندگان با ایمانت را به آن امتیاز داده ای، اختصاص ده.۱۲/۲۴

اختصاص خدا، به دعای بنده

أَنْتَ الْمَ_خْصُوصُ قَبْلَ کُلِّ مَدْعُوٍّ بِدَعْوَتِی

تویی مخصوص به خواندن من، پیش از آنکه کسی را بخوانم.۹/۲۸

اختصاص اسلام، به امّت محمّد صلی الله علیه و آله

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... اخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ

و سپاس خدای را که ما را به آئین خویش

ص : ۸۳

اختصاص داد.۲/۴۴

اختصاص داشتن نیکی الهی، به بندگان

مَا... أَخَصَّنَا بِبِرِّکَ

چه مخصوص گشته است نیکی ات به ما!.

۱۸/۴۵

اختصاص دادن درجه رفیع، به ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِکَ... فِی الدَّرَجِهِ الرَّفِیعَهِ الَّتِی اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا

خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینانت است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی.۹/۴۸

اختلاط آمیختن

اختیار

برگزیدن نیکویی های آفرینش، برای بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ

و سپاس خدایی را که زیبایی های آفرینش را برای ما برگزید.۱۷/۱

وانگذاشتن بندگان، به اختیار خود

وَ لَا تُخَلِّ فِی ذَلِکَ بَیْنَ نُفُوسِنَا وَ اخْتِیَارِهَا

و در آنگاه، نفوس ما را به اختیار خود

وامگذار. ۴/۹

اختیار باطل، مگر به توفیق الهی

...فَإِنَّهَا مُخْتَارَهٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَفَّقْتَ

...چون آن (نفس) باطل را برمی گزیند مگر تو توفیق دهی. ۴/۹

اطمینان به آنچه خدا اختیار نموده

...وَ اجْعَلْ ذَلِکَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِی بِمَا قَضَیْتَ، وَ ثِقَتِی بِمَا تَخَیَّرْتَ

...و آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدّر نمودی و اعتمادم به آنچه انتخاب کرده ای قرار ده.

۱۵/۱۴

الهام شناخت اختیار، به بندگان

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ الِاخْتِیَارِ

و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما.

۲/۳۳

ناتوانی در شناخت اختیار خداوند

وَ لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم.

۳/۳۳

عدم برگزیدن ناپسند الهی

أَلْهِمْنَا الِانْقِیَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَیْنَا مِنْ مَشِیَّتِکَ حَتَّی... لَا

نَتَخَيَّرَ مَا كَرِهْتَ

گردن نِهی بر خواسته ات را – كه بر ما وارد ساختی – به ما الهام فرما، تا آنچه را ناپسند داشته ای، اختيار نكنيم.۵/۳۳

ماه رمضان، از جمله كارهای برگزيده، از جانب خداوند

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا تِلْكَ الْوَظَائِفِ... شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِی اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ

خداوندا و تو از كارهای برگزيده، ماه رمضان را قرار دادی. همان كه آن را از بقيه ماه ها مخصوص داشتی.۲۰/۴۵

برگزيدگان خدا:

أ. محمّد صلی الله عليه و آله

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... نَجِيبِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَفِيِّكَ مِنْ عِبَادِكَ

خداوندا بر محمّد – برگزيده از آفريدگانت و دوست تو از بندگانت – درود فرست.۳/۲

وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ و خِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ

و همانا محمّد بنده تو و فرستاده ات و برگزيده تو از بين آفريدگانت است.۲۲/۶

وَ صَلِّ عَلَى خِيَرَتِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ: مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ...

خداوندا و بر برگزيده ات از آفريدگان خود؛ محمّد و خانواده او درود فرست.

۵/۳۴

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُنْتَجَبِ الْمُصْطَفَى... أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد كه برگزيده و اختيار شده اند، برترين درودهايت را بفرست.۵۰/۴۷

بِحَقِّ مَنِ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ بِمَنِ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ... تَغَمَّدْنِی فِی يَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ آنكه او را از آفريدگانت برگزيده ای و آنكه برای خودت پسنديده ای، در اين روز، مرا بپوشان، با همان چيزی كه پوشاندی با آن، كسی را كه با حال بيزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صِفْوَتِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

خداونـدا، از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده و فرسـتاده و دوست و برگزیده و انتخاب شده خود از آفریدگانت، درود فرستی.

۳/۴۸

صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَی

درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است باد.**۹/۵۴**

ب. اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

صَلِّ عَلَی خِیَرَتِکَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِکَ، مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ

خداوندا بر برگزیده ات از آفریدگان خود؛ محمّد و خانواده او درود فرست.۵/۳۴

رَبِّ صَلِّ عَلَی أَطَائِبِ أَهْلِ بَیْتِهِ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی.۵۶/۴۷

ج. پیامبران

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِکَ... أَفْضَلَ مَا جَزَیْتَ أَحَدًا مِنْ... أَنْبِیَائِکَ الْمُرْسَلِینَ الْمُصْطَفَیْنَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از پیامبران فرستاده شده برگزیده ات دادی. ۲۲/۴۲

د. بندگان شایسته و نیکوکار

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ... مِنْ مَلَکٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ... عَبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَصْتَهُ، أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ کسانی که در آن (ماه)، تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرّب ساختی،

یا بنده صالحی که او را برگزیدی، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱۲/۴۴

هـ. دین اسلام

هَدَیْتَنَا لِدِینِکَ الَّذِی اصْطَفَیْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی هدایت کردی. ۱۹/۴۵

و. ماه رمضان

وَ تَخَیَّرْتَهُ مِنْ جَمِیعِ الْأَزْمِنَهِ وَ الدُّهُورِ

و از همه زمان ها و روزگارها برتری اش دادی. ۲۰/۴۵

ز. امّت محمّد صلی الله علیه و آله

ثُمَّ آثَرْتَنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ، وَ اصْطَفَيْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمِلَلِ

سپس ما را بر بقیه امّت ها به وسیله آن (ماه)، برتری دادی و به فضیلت آن ما را - نه اهل آئین های دیگر را - برگزیدی.۲۱/۴۵

ح. جایگاه امامت

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِکَ وَ أَصْفِيَائِکَ...

خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینان و برگزیدگانت است.۹/۴۸

انعام خداوند به برگزیدگانش:

أ. بهشتی آراسته

وَ جَاوِرْ بِیَ الْأَطْیَبِینَ مِنْ أَوْلِیَائِکَ فِی الْجِنَانِ الَّتِی زَیَّنْتَهَا لِأَصْفِیَائِکَ

و در باغ هایی که آنها را برای برگزیدگانت آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستانتْ همسایه گردان.۱۲۸/۴۷

ب. درود، برکات و تحیّات

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... كَصَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ تَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ

خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. مانند درودها و برکت ها و تحیّت هایی که بر برگزیدگانت: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی.۱۱/۴۸

اخگر آتش

اخلاص

اخلاص در توحید و یگانگی خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... دَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِی تَوْحِيدِهِ

و سپاس خدای را که ما را به اخلاص در یگانگی اش راهنمایی نمود.۱۰/۱

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِكَ مَنْ... أَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر

که به یگانگی ات اخلاص ورزید، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

خالص گرداندن توبه

وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ

و خالصانه برای تو توبه می کند.۸/۱۲

از روی اخلاص رفتار نمودن

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ غَشَّنِی بِالنُّصْحِ

و مرا توفیق ده تا با آنکه با من نادرستی نموده، از سرِ اخلاص برخورد کنم.۹/۲۰

خدا را از روی اخلاص خواندن

وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ یَدْعُوکَ مُخْلِصًا فِی الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُـخْلِصِینَ الْمُضْطَرِّینَ لَکَ فِی الدُّعَاءِ

و مرا از کسانی قرار ده که هنگام رفاه تو را خالصانه می خوانند. خواندن خالصانِ بیچاره، در نیایش برای تو.۱۴/۲۲

محبّت به همسایگان، از روی اخلاص

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أُحِبُّ بَقَاءَ النِّعْمَهِ عِنْدَهُمْ نُصْحًا

و خداوندا مرا بر آن دار که از سرِ اخلاص، بقای نعمت را نزدشان دوست بدارم.۳/۲۶

خالص گرداندن خود، با پیوستن به خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی أَخْلَصْتُ بِانْقِطَاعِی إِلَیْکَ

خداوندا همانا من خالصانه از دیگران دل

بریده و به تو پیوسته ام.۱/۲۸

الهام نمودن اطمینان خالص، به بندگان

وَ أَلْهِمْنَا ثِقَهً خَالِصَهً تُعْفِینَا بِهَا مِنْ شِدَّهِ النَّصَبِ

و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری.۲/۲۹

با اخلاص، خدا را قصد کردن

وَ قَصَدَکَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصًا

و از سَر اخلاصْ با ترس، آهنگ تو نمود.

۸/۳۱

یقین و باور مخلصان

وَ أَیِّدْنَا بِیَقِینِ الْمُـخْلِصِینَ

و ما را به یقینِ اهل اخلاص، توانا فرما.

۲/۳۳

خالص گرداندن کردار از ریا وشهرت طلبی

ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِکَ کُلَّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَاءِینَ، وَ سُمْعَهِ الْمُسْمِعِینَ

سپس همه آن را از خودنمایی ریاکاران و شهرت جویی شهرت طلبان، خالص گردان.

۷/۴۴

خالص گرداندن دارایی ها

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ

و ما را توفیق ده، که دارایی هایمان را از مظالم

خالص گردانیم.۱۰/۴۴

خالص گرداندن بندگان، از بدی ها

وَ اسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاخِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقَضِيَ عَنَّا وَ قَدْ... أَخْلَصْتَنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

و با گذشتن روزهایش، سختی هایمان را از ما بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که در آن از بدی ها خالصمان نموده ای.۱۵/۴۴

اخلاق

پناه بردن به خدا، از تندخویی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... شَكَاسَهِ الْخُلْقِ

خداوندا به تو پناه می برم از بدخلقی.۱/۸

خصلت های بازدارنده بنده، از طلب درخواست از خدا

اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلَالٌ ثَلَاثٌ... يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتَ بِهِ. فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ، وَ نَهْيٌ نَهَيْتَنِي عَنْهُ. فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَ نِعْمَهٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ. فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا

خداوندا سه خصلت مرا از درخواست از تو بازمی دارد. بازمی دارد مرا، امری که به آن فرمان دادی و من در انجام آن کندی کردم، و کاری که مرا از آن بازداشتی و من به سوی آن شتافتم و نعمتی که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی

کردم. ۲و۱/۱۲

خصلت ترغیب کننده بنده، به درخواست از خدا

اللَّهُمَّ... تَحْدُونِی عَلَیْهَا خَلَّهٌ وَاحِدَهٌ... یَحْدُونِی عَلَی مَسْأَلَتِکَ تَفَضُّلُکَ عَلَی مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَیْکَ

خداوندا یک خصلت مرا بر آن (درخواست از تو) می راند. وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضّل تو به آنکه رو به تو آورَد.۳و۱/۱۲

وانگذاشتن بنده، در خوی زشت

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَهً تُعَابُ مِنِّی إِلَّا أَصْلَحْتَهَا

خداوندا مرا در خصلتی عیبناک وانگذار، مگر آنکه اصلاحش نمایی.۶/۲۰

وانگذاشتن بنده، در خوی پسندیده ناتمام

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... أُکْرُومَهً فِیَّ نَاقِصَهً إِلَّا أَتْمَمْتَهَا

خداوندا مرا در خوی پسندیده ای که در من ناقص باشد وامگذار، مگر آنکه کاملش فرمایی.

۶/۲۰

نرم نمودن اخلاق فرزند، در برابر والدین

وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِیکَتِی

و خویم را برایشان نرم نما.۶/۲۴

سالم داشتن اخلاق فرزند، برای والدین

وَ أَصِحَّ لِی أَبْدَانَهُمْ وَ أَدْیَانَهُمْ وَ أَخْلَاقَهُمْ

و بدن و دین و اخلاقشان را برای من سالم بدار. ۲/۲۵

همسایگان و اخلاق نیک الهی

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ...

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت توفیق ده.۲/۲۶

بخشیدن اخلاق نیکوکاران، به بندگان

وَ هَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ

و زیبایی خوهای نیکوکاران را به ما ببخش.

۹/۴۲

دور گرداندن اخلاق پست، از بندگان

وَ جَنِّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَهَ وَ مَدَانِیَ الْأَخْلَاقِ

و با آن (قرآن)، ما را از خوی های نکوهیده و اخلاق پست، دور کن.۱۲/۴۲

حسود، و نسبت دادن خصلت های خود، به دیگران

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... قَلَّدَنِی خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِیهِ

و چه بسیار حسودی که ویژگی هایی را که همیشه در خود او بود، به من نسبت داد.۹/۴۹

ادا انجام دادن

ناتوانی بشر، از ادای سپاس الهی

ص : ۸۹

فَکَیْفَ نُطِیقُ حَمْدَهُ؟ أَمْ مَتَی نُوءَدِّی شُکْرَهُ؟

پس چگونه سپاس او را به جا آوریم یا چه زمان توانیم شکرش گزاریم؟۱۹/۱

ادای حقّ بنده، بی کم و کاست

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا عَبْدٍ مِنْ عَبِیدِکَ أَدْرَکَهُ مِنِّی دَرَکٌ... أَوْفِهِ حَقَّهُ مِنْ عِنْدِکَ

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که ناروایی از من به او رسیده، حقّ او را به تمامی از نزد خودت بپرداز.۴/۳۹

ادای نماز، بر طبق سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] قرار داد - به جا آورده اند.۹/۴۴

ادای حقّ ماه رمضان

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ... لَزِمَنَا لَهُ... الْحَقُّ الْمَقْضِیُّ

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که بر ما لازم است برای او، حقّ ادا نماییم.۲۳/۴۵

ادای اندکی (از عبادات)، در ماه رمضان

أَدَّیْنَا فِیهِ قَلِیلًا مِنْ کَثِیرٍ

در آن اندکی از بسیار را انجام دادیم.۴۴/۴۵

ادات ابزار

ادب

ادب آموختن والدین، به فرزندان

وَ أَعِنِّی عَلَی تَرْبِیَتِهِمْ وَ تَأْدِیبِهِمْ

و مرا بر تربیت و ادب آموختن ایشان یاری نما. ۵/۲۵

ادراک دریافت

اذن اجازه

اسرافیل، منتظر اذن و دستور خداوند

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست.۲/۳

بارش و رویش، به اذن خدا

لَا تَأْذَنْ لِسَمَائِهِمْ فِی قَطْرٍ، وَ لَا لِأَرْضِهِمْ فِی نَبَاتٍ

آسمانشان را در باریدن و زمینشان را در رو‌ییدن، اذن نده.۶/۲۷

فرود آمدن فرشتگان در شب قدر، به اذن الهی

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند.۵/۴۴

اذیّت آزار

اراده خواسته، قصد و نیز میل

وجود، به اراده خداوند

وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَی مَشِیَّتِهِ اخْتِرَاعًا

و ایشان (آفریدگان) را به خواست خود از هیچ، به وجود آورد.۳/۱

مخلوقات، در راه اراده خدا

سَلَکَ بِهِمْ طَرِیقَ إِرَادَتِهِ

آنها را در راهی که می خواست روان ساخت.

۴/۱

اراده پیامبر صلی الله علیه و آله از هجرت نمودن

إِرَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِینِکَ

با این خواسته که دین تو را عزّت دهد.

۱۶/۲

گرد آمدن بندگان، تحت اراده خدا

وَ تَضُمُّنَا مَشِیَّتُکَ

و اراده توست که ما را جمع می کند.۱۰/۶

به کار گرفتن اشیا، به اراده خداوند

وَ مَضَتْ عَلَی إِرَادَتِکَ الْأَشْیَاءُ

و اشیاء بر وفق اراده تو تحقق یافته اند.

۲/۷

فرمان برداری اشیا، به اراده خداوند

فَهِیَ بِمَشِیَّتِکَ دُونَ قَوْلِکَ مُوءْتَمِرَهٌ

پس آن اشیا به خواست تو بدون سخنت فرمانبردارند.۳/۷

اراده خدا، بر عفو یا کیفر بندگان

اللَّهُمَّ إِنْ تَشَأْ تَعْفُ عَنَّا فَبِفَضْلِکَ، وَ إِنْ تَشَأْ تُعَذِّبْنَا فَبِعَدْلِکَ

خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست و اگر بخواهی ما را عذاب کنی، از عدالت توست.۱/۱۰

شبیه ترین چیزها به اراده الهی

وَ أَشْبَهُ الْأَشْیَاءِ بِمَشِیَّتِکَ... رَحْمَهُ مَنِ اسْتَرْحَمَکَ، وَ غَوْثُ مَنِ اسْتَغَاثَ بِکَ

و شبیه ترین چیزها به اراده ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته و کمک به کسی است که از تو کمکی طلبیده.۵/۱۰

فعل خدا، بر اساس اراده او

إِنَّکَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَ تَحْکُمُ مَا تُرِیدُ

بدرستی که تو آنچه می خواهی انجام می دهی و آنچه اراده نمایی حکم می کنی.۳۴/۱۶

إِنَّکَ... الْفَعَّالُ لِمَا تُرِیدُ

به درستی که تو انجام دهنده هر چه بخواهی می باشی.۱۸/۲۷

تَفْعَلُ مَا تُرِیدُ

آنچه بخواهی انجام دهی.۶/۳۳، ۳۳/۳۲

تَقْضِی بِمَا أَرَدْتَ فِیمَنْ أَرَدْتَ

به آنچه خواستی، بر هر کس خواستی، فرمان می رانی.۵/۳۶

إِنَّکَ فَعَّالٌ لِمَا تُرِیدُ

به درستی که تو هر آنچه را که بخواهی، به جا می آوری.۱۹/۴۴

کاستن برخی نیکی های بنده، به اراده الهی

فَأَدِّهِ عَنِّی مِنْ جَزِیلِ عَطِیَّتِکَ وَ کَثِیرِ مَا عِنْدَکَ... حَتَّی لَا یَبْقَی عَلَیَّ شَیْءٌ مِنْهُ تُرِیدُ أَنْ تُقَاصَّنِی بِهِ مِنْ حَسَنَاتِی... یَوْمَ أَلْقَاکَ

پس آن را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا کن. تا چیزی از آن بر من نمانَد که بخواهی به سبب آن از نیکی هایم بکاهی، در روزی که تو را دیدار می کنم.۷/۲۲

مانعی در برابر اراده قصدکننده جهاد

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا مانعی در راه اراده اش ایجاد شد؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.

۱۷/۲۷

توبه نمودن از امور مخالف اراده الهی

إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ مِنْ کُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَکَ

همانا من از هر چه مخالف خواسته تو، به درگاهت توبه می کنم.۲۲/۳۱

آفرینش انسان، به اراده خداوند

أَنْشَأْتَنِی خَلْقًا آخَرَ کَمَا شِئْتَ

مرا آنچنانکه خواستی، آفرینشی دیگر دادی.

۲۳/۳۲

شتاب ماه، به سوی اراده خدا

وَ امْتَهَنَکَ بِالزِّیَادَهِ وَ النُّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ... فِی کُلِّ ذَلِکَ أَنْتَ لَهُ مُطِیعٌ، وَ إِلَی إِرَادَتِهِ سَرِیعٌ

و تو را با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، به خدمت گرفت. و در همه آن حالات، تو مطیع او هستی و به سوی خواسته اش، شتابنده ای.۲/۴۳

نزول فرشتگان در شب قدر، بر هر که خدا بخواهد

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ... عَلَی مَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

در آن فرشتگان و روح، به فرمان پروردگارشان بر هر یک از بندگانش که بخواهد، برای هر کاری فرود می آیند.۵/۴۴

عدم اراده خداوند، بر رسوایی بندگان

تَسْتُرُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی.۸/۴۵

عدم اراده الهی، بر محروم نمودن بنده

تَجُودُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ

می بخشی بر کسی که اگر می خواستی، محرومش می کردی.۸/۴۵

اراده خدا، بر سود بردن بندگان

تُرِیدُ رِبْحَهُمْ فِی مُتَاجَرَتِهِمْ لَکَ

می خواهی در تجارت کردنشان با تو، سود برند. ۱۲/۴۵

اراده خدا، بر چندین برابر نمودن

اللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ

خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند. ۱۳/۴۵

اراده خدا و به سختی نیفتادن او

إِنَّکَ غَیْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِیدُ

به درستی که تو آنچه بخواهی، برایت سخت

و دشوار نیست.۲۵/۴۶

حتمی بودن آنچه خدا اراده کرده

أَنْتَ الَّذِی أَرَدْتَ فَکَانَ حَتْـمًا مَا أَرَدْتَ

تویی آنکه اراده کردی و اراده ات حتمی شد.

۱۵/۴۷

اراده و عزم الهی

سُبْحَانَکَ... إِرَادَتُکَ عَزْمٌ

پاک و منزّهی! اراده ات حتمی است.

۲۹/۴۷

عدم وجود بازگرداننده مشیّت الهی

سُبْحَانَکَ لَا رَادَّ لِمَشِیَّتِکَ

پاک و منزّهی! برای مشیّت تو بازگرداننده ای نیست.۳۰/۴۷

اراده خدا، بر پاک گرداندن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرِّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِیرًا بِإِرَادَتِکَ

به خواست خویش، آنان را از پلیدی و آلودگی پاک نمودی.۵۶/۴۷

راه خیر و اراده الهی

وَ سَهِّلْ لِی مَسْلَکَ الْخَیْرَاتِ إِلَیْکَ... وَ الْمُشَاحَّهَ فِیهَا عَلَی مَا أَرَدْتَ

و راه خیرات به سوی خود و رقابت در آنها را

آنگونه که تو خواسته ای، برای من آسان گردان.

۹۴/۴۷

برآورده شدن خواسته های بنده

فَأَحْيِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که آنچه می خواهم فراهم گردد.۱۱۷/۴۷

اراده خدا، بر تباهی یا گرفتاری قومی

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَنَجِّنِي مِنْهَا لِوَاذًا بِكَ

و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فروفرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات ده.۱۲۰/۴۷

متّهم نبودن خدا، در اراده و خواستش

...لِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مُتَّهَمٍ عَلَى خَلْقِكَ وَ لَا لِإِرَادَتِكَ

...برای اینکه تو به آن داناتری و در آفریدنت و اراده ات متّهم نیستی.۹/۴۸

تدبیر قطعی و اراده الهی

لَا يُجَاوَزُ الْمَـحْتُومُ مِنْ تَدْبِيرِكَ كَيْفَ شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ

از تدبیر قطعی تو، به هر گونه و هر زمان که بخواهی نمی توان درگذشت.۹/۴۸

برنگشتن به امور ناپسند، به خواست خدا

فَإِنِّي لَنْ أَعُودَ لِشَيْءٍ كَرِهْتَهُ مِنِّي إِنْ شِئْتَ ذَلِكَ

پس به درستی که اگر تو بخواهی، من هرگز به چیزی که آن را از من نپسندیده ای، برنمی گردم.

۲۷/۴۸

خدا را اراده نمودن

إِلَهِي مَا وَجَدْتُكَ... مُنْقَبِضًا حِينَ أَرَدْتُكَ

خدای من، هنگامی که قصد تو نمودم، تو را درهم کشیده ندیدم.۵/۵۱

خواستِ هر حاجتی، از خدا

وَ أَسْأَلُکَ کُلَّمَا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِی

و هر حاجتی که می خواهم، از تو درخواست می کنم.۱۱/۵۱

ارتش لشکر

ارتکاب

ارتکاب گناه و بد جدا شدن روز، از بنده

وَ اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِکَابِ جَرِیرَهٍ، أَوِ اقْتِرَافِ صَغِیرَهٍ أَوْ کَبِیرَهٍ

و از بدیِ جدایی از آن (روز)، بر اثر انجام گناهی یا مرتکب شدن گناه صغیره یا کبیره، حفظمان کن.۱۳/۶

اعتراف به ارتکاب گناهان بزرگ

هَلْ یُنْجِینِی مِنْکَ اعْتِرَافِی لَکَ بِقَبِیحِ مَا ارْتَکَبْتُ؟

آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه (گناهی که) مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟۶/۱۲

وَ هَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ... مُعْتَرِفًا بِعَظِیمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ، وَ جَلِیلٍ مِنَ الْخَطَایَا اجْتَرَمْتُهُ

و اینک منم در پیشگاه تو، اعتراف کننده به بزرگی گناهانی که زیر بار آن رفته ام و به سترگیِ خطاهایی که مرتکب آن شده ام.۶۹/۴۷

مرتکب نواهی الهی شدن

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... نَهَیْتَنِی فَرَکِبْتُ

خداوندا همانا تو مرا نهی نمودی، پس مرتکب شدم.۱۶/۳۲

ارتکاب گناه و خطا، و پرده پوشی خداوند

وَ تَعَدَّیْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِکَ إِلَی حُرُمَاتٍ انْتَهَکْتُهَا، وَ کَبَائِرِ ذُنُوبٍ اجْتَرَحْتُهَا

و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام ها را دریده ام و گناهان بزرگی انجام داده ام.

۱۸/۳۲

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... وَاعِظًا لَنَا، وَ زَاجِرًا عَنْ... اقْتِرَافِ الْخَطِیئَهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی، برای ما پنددهنده و بازدارنده از خطاکاری قرار ده.۳/۳۴

ارتکاب کار زشت و رسوا ننمودن آن، از جانب خدا

فَکُلُّنَا قَدِ اقْتَرَفَ الْعَائِبَهَ فَلَمْ تَشْهَرْهُ، وَ ارْتَکَبَ الْفَاحِشَهَ فَلَمْ تَفْضَحْهُ

چرا که هر کدام از ما کار ناپسند انجام داد، او را مشهور (در بدکاری) نکردی و کردار زشت به جا آورد، پس او را رسوا ننمودی.۱/۳۴

ارتکاب خطا و آگاهی خدا از آن

کَمْ... خَطِیئَهٍ ارْتَکَبْنَاهَا کُنْتَ الْمُطَّلِعَ عَلَیْهَا

چه بسیار خطایی که مرتکب شدیم، (و) تو بر آن مطّلع بودی.۲/۳۴

عدم شتاب الهی، در کیفر مرتکبِ نواهی

فَأَمَّا الْعَاصِی أَمْرَکَ وَ الْمُوَاقِعُ نَهْیَکَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنَقِمَتِکَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی.

۱۴/۳۷

مرتکب خطا شدن فردی، در مورد بنده

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّی مَا حَظَرْتَ عَلَیْهِ... لَا تَقِفْهُ عَلَی مَا ارْتَکَبَ فِیَّ

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی، او را به خاطر آنچه درباره من انجام داد، سرزنش نکن.۲/۳۹

تاوان نگرفتن خدا، از مرتکب گناه

ص : ۹۵

وَ لَا تُقَاصَّنِی بِمَا اجْتَرَحْتُ

و مرا به خاطر آنچه انجام دادم، تقاص نکن.

۲/۴۱

ارتکاب گناه در ماه رمضان و پرده پوشی خدا

اللَّهُمَّ وَ مَا أَلْمَمْنَا بِهِ فِی شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ، أَوْ وَاقَعْنَا فِیهِ مِنْ ذَنْبٍ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِکَ، وَ اعْفُ عَنَّا بِعَفْوِکَ

خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم یا گناهی که در آن انجام دادیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان و به عفو خود از ما درگذر.

۴۷/۴۵

زندگی پاکیزه و عدم ارتکاب نواهی

فَأَحْیِنِی حَیَاةً طَیِّبَةً... مِنْ حَیْثُ... لَا أَرْتَکِبُ مَا نَهَیْتَ عَنْهُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار. در صورتی که آنچه را نهی نموده ای، مرتکب نشوم.

۱۱۷/۴۷

ارتکاب به خشم آورنده خدا

وَ لَا حَجَزَنِی ذَلِکَ عَنِ ارْتِکَابِ مَسَاخِطِکَ

و آن مرا از ارتکاب آنچه تو را به خشم می آورَد، جلوگیری ننمود.۱۳/۴۹

عوامل بازدارنده بنده، از ارتکاب گناه:

أ. قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِجَوَارِحِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْآثَامِ زَاجِرًا

و قرآن را مانع برای اندام های ما از انجام گناهان، قرار ده.۱۰/۴۲

ب. ملکه عصمت

وَ هَبْ لِی عِصْمَهً... تَقْطَعُنِی عَنْ رُکُوبِ مَحَارِمِکَ

و به من عصمتی بخش که از انجام دادن حرامت بازم دارد.۱۱۱/۴۷

ارث میراث

ارحام خویشان

ارزان

آب، ارزان کننده قیمت ها

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تُرْخِصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِی جَمِیعِ الْأَمْصَارِ

خداوندا ما را با بارانی که با آن قیمت ها را – در همه شهرهای بزرگ – ارزان کنی، سیراب نما.

۵/۱۹

ارکان

محافظت از ارکان نماز

ص : ۹۶

وَ أَنْزِلْنَا فِيهَا مَنْزِلَهَ... الْحَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که ارکانش را محافظت نموده اند.۹/۴۴

ارمغان

بیماری، ارمغان الهی

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی، أَیُّ الْحَالَیْنِ أَحَقُّ بِالشُّکْرِ لَکَ؟... أَ وَقْتُ الصِّحَّهِ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا، وَ النِّعَمِ الَّتِی أَتْحَفْتَنِی بِهَا

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ آیا وقت تندرستی یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی و نعمت هایی را به من هدیه نمودی؟

۴-۲/۱۵

ارمغان کوچک به خدای بزرگ

یَا مَنْ یَجْتَبِی صَغِیرَ مَا یُتْحَفُ بِهِ

ای کسی که تحفه خردی را که به او داده می شود، برمی گزیند.۶/۴۶

درخواست ارمغانی از خداوند

أَتْحِفْنِی بِتُحْفَهٍ مِنْ تُحَفَاتِکَ

تحفه ای از تحفه هایت را به من ارمغان ده.

۱۲۵/۴۷

اسارت

اسیر نمودن مشرکان و دشمنان

أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِکَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِینَ حَتَّی یَکْشِفُوهُمْ إِلَی مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِی أَرْضِکَ وَ أَسْرًا

آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند.۸/۲۷

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند.۹/۲۷

فَإِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَهِ، وَ قَضَیْتَ لَهُ بِالشَّهَادَهِ فَبَعْدَ... أَنْ یَجْهَدَ بِهِمُ الْأَسْرُ...

پس اگر (زندگی اش را) برای او به خوش بختی پایان دادی و شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که با اسیری، ایشان (دشمن) را به سختی افکنده است.۱۵/۲۷

بنده، اسیر رنج و سختی خود

فَأَنَا الْأَسِیرُ بِبَلِیَّتِی

...از این رو من اسیر بلای خود هستم.

۱/۵۳

اسباب ابزار

ص : ۹۷

استجابت اجابت

استحباب مستحب

استحقاق شایستگی

استخوان

از جا کنده شدن استخوان پشت، با رکوع بسیار

يَا إِلَهِی لَوْ... رَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ صُلْبِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِی

ای خدای من اگر برای تو رکوع کنم تا استخوان پشتم کَنده شود، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

خشک گرداندن استخوان های صلب مردان دشمن

يَبِّسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ

صلب (تیره کمر) مردانشان را خشک نما.

۶/۲۷

درهم و تنگ بودن استخوان های صلب

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِينًا مِنْ صُلْبٍ مُتَضَايِقِ الْعِظَامِ، حَرِجِ الْمَسَالِكِ إِلَى رَحِمٍ ضَيِّقَةٍ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده و

راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ، سرازیر نمودی.

۲۳/۳۲

پوسیدن استخوان ها، با آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ تَذَرُ الْعِظَامَ رَمِيماً

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که استخوان ها را می پوساند.۳۰و۲۹/۳۲

رسیدن جان ها، به استخوان های بالای سینه

وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا... تَرَادُفَ الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّرَاقِيَ

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، خرناسه های پی درپی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسد.۱۳/۴۲

ضعف استخوان بنده و ناتوانی از (تحمّل) آتش دوزخ

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ، الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِكَ؟

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی

آفتاب را ندارد، پس چگونه گرمای آتشت را توانایی دارد؟ ۵/۵۰

استطاعت توانایی

استعانت یاری

استعجاب شگفتی

استعلا برتری

استعمار آبادانی

استعمال گماشتن

استغاثه فریادرسی

استغنا بی نیازی

استغفار آمرزش و نیز توبه

استقامت استواری

استکبار تکبّر

استکبار ورزیدن در فرمانبری خدا

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... اسْتِکْبارِ الطَّاعَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از بزرگ شمردن طاعت و بندگی.۲و۱/۸

استکبار نورزیدن بنده و محبوبیّت او نزد خدا

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ... أَحَبَّ

عِبَادِکَ إِلَیْکَ مَنْ تَرَکَ الِاسْتِکْبارَ عَلَیْکَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است که بر تو گردنکشی نکند.۱۳و۱۲/۱۲

بیزاری جستن از استکبار

وَ أَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ

و من از گردنکشی بر تو سخت بیزارم.

۱۴/۱۲

استکبار نامیده شدن ترک عبادت

فَسَمَّيْتَ دُعَاءَكَ عِبَادَةً، وَ تَرْكَهُ اسْتِكْبَارًا

پس دعا کردن را عبادت و ترک آن را استکبار نامیدی. ۱۵/۴۵

وارد دوزخ گشتن مستکبران

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

همانا کسانی که از عبادت من کبر می ورزند، به زودی با خواری داخل جهنّم خواهند شد.

۱۵/۴۵

معصیت و استکبار

نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ... لَا اسْتِكْبَارًا عَلَيْكَ

او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت

مخالفت نموده، به نهیت شتافت. نه از روی گردنکشی کردن بر تو.۶۸/۴۷

استماع شنیدن

استماع نوای قرآن

وَ جَعَلْتَهُ... شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهَمِ التَّصْدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ

و آن را شفایی برای کسی که با فهم و تصدیق به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، قرار دادی.

۳/۴۲

استمرار همیشگی

استنصار یاری

استواری

استواری کتاب خدا

فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ...

پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده است.۹/۱

وَ قَدْ قُلْتَ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه بندگانت را می پذیری.

۱۵/۳۱

استوار گرداندن اندام کردارها، در بنده

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... أَثْبَتَ فِينَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ

و سپاس خدای را که اعضای (کار و) کردارها را در ما ثابت ساخت.۲۰/۱

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، و استوار نمودن پیامبری او

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَ الَّذِينَ أَبْلَوُا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... وَ قَاتَلُوا الْآبَاءَ وَ الْأَبْنَاءَ فِي تَثْبِيتِ

نُبُوَّتِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که همراهانی نیکو بودند و آنان که در یاری او از آزمایش خوب برآمدند، و در پایدار ساختن نبوّت او با پدران و فرزندانشان جنگیدند...۴و۳/۴

پایدارترین افراد، به احکام الهی

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَقْوَمَهُمْ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شرَائِعِکَ

و ما را از پایدارترین آنها به آئینی که مقدر نموده ای قرار ده.۲۰/۶

پایداری و استقامت، در راه راست

فَأَیِّدْنَا بِتَوْفِیقِکَ، وَ سَدِّدْنَا بِتَسْدِیدِکَ

پس ما را به توفیق خود توانایی ده و به راه راست خود ثابت قدم گردان.۶/۹

وَفِّقْنِی لِطَاعَهِ مَنْ سَدَّدَنِی

مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم

گرداْند، توفیق ده.۸/۲۰

أَیِّدْنِی بِتَوْفِیقِکَ وَ تَسْدِیدِکَ

مرا به توفیق و راهنمایی ات به راه راست، نیرو ده.۱۱۳/۴۷

پایداری در راه راست و برگشتن از لغزش

وَ رَجَعْتُ وَ نَکَصْتُ بِتَسْدِیدِکَ عَنْ عَثْرَتِی

و با استواری اتْ برگشته و از لغزشم دست برداشتم.۱۶/۱۳

استواریِ سست و شکننده

اللَّهُمَّ... انْقُضْ مَا أَبْرَمَ

خداوندا آنچه (شیطان) استوار نمود، درهم شکن. ۱۲/۱۷

پابرجایی یقین

اللَّهُمَّ... صَحِّحْ بِمَا عِنْدَکَ یَقِینِی

خداوندا یقینم را به آنچه نزد توست درست گردان.۲/۲۰

در زمره استوارکاران

وَ اجْعَلْنِی مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ

و مرا از درستکاران قرار ده.۱۸/۲۰

پابرجایی آرزوی بنده

حَقِّقْ فِی رَجَاءِ رَحْمَتِکَ أَمَلِی

آرزویی را که در امید به رحمتت دارم تحقّق

بخش.۲۸/۲۰

استوار ساختن بازوی والدین، به وسیله فرزندان

اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضُدِی

خداوندا بازوی مرا به وسیله آنان محکم گردان.۴/۲۵

پابرجا قرار دادن فرزندان، برای (کمک به) والدین

وَ اجْعَلْهُمْ... مُسْتَقِیمِینَ لِی

و آنان را به راه من مستقیم قرار ده.۴/۲۵

استوار ساختن مرزهای مسلمانان

اللَّهُمَّ... حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِینَ بِعِزَّتِکَ

خداوندا به عزّت خود، مرزهای مسلمانان را استوار فرما.۱/۲۷

محکم گرداندن حومه مرزداران اسلام

وَ امْنَعْ حَوْمَتَهُمْ

و حومه آنان را نفوذناپذیر کن.۲/۲۷

استوار نمودن شهرهای مسلمانان

اللَّهُمَّ وَ قَوِّ بِذَلِکَ مِحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَ حَصِّنْ بِهِ دِیَارَهُمْ

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوّت بخش و شهرهایشان را استوار ساز.۷/۲۷

پابرجایی در قصد طاعت الهی

اللَّهُمَّ وَ ثَبِّتْ فِی طَاعَتِکَ نِیَّتِی

خداوندا و نیّت مرا در فرمانبرداریت، ثابت بدار. ۱۳/۳۱

شفاعتی استوار

فَیَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَهٍ... أَوْ شَفَاعَهٍ أَوْکَدُ عِنْدَکَ مِنْ شَفَاعَتِی

پس دعایی از او به من رسد، یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است.۲۷/۳۱

ثابت و پابرجا گشتن اندام جنین

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ حَتَّی انْتَهَیْتَ بِی إِلَی تَمَامِ الصُّورَهِ، وَ أَثْبَتَّ فِیَّ الْجَوَارِحَ

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. تا اینکه مرا به صورت کامل رساندی و در من اندام ها را پابرجا کردی.۲۳/۳۲

استواری آیات قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَدِینُ لَکَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِیمِ لِمُـحْکَمِ آیَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند.

۴/۴۲

ناتوانی کوه های استوار از فهم قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا... حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِی ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِی عَلَی صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با محکمیشان از تحمّل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی.

۱۰/۴۲

عامل پابرجایی آراستگی ظاهر بندگان

أَدِمْ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا

با قرآن ظاهرِ نیک ما را آشکار ساز.۱۱/۴۲

پا بر جا گرداندن گام های بندگان، هنگام گذشتن از پل دوزخ

ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ یَوْمَ الْمَـجَازِ عَلَیْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا

هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن (قرآن)، پابرجا گردان.۱۵/۴۲

ثابت و پابرجا ساختن بنده، بر توبه خالص

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهً نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشَّکِّ وَ الِارْتِیَابِ، فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا... وَ ثَبِّتْنَا عَلَیْهَا

خداوندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک باشد. پس آن را

از ما بپذیر و ما را بر آن ثابت گردان.۵۲/۴۵

پایداری سلطنت خداوند

حُجَّتُکَ قَائِمَهٌ لَا تُدْحَضُ، وَ سُلْطَانُکَ ثَابِتٌ لَا یَزُولُ

حجّت تو پابرجاست که باطل نمی شود و سلطنت تو ثابت و بی زوال است.۱۹/۴۶

محکم و استوار گرداندن پشت ولیّ خدا

وَ اشْدُدْ أَزْرَهُ

و پشتش را محکم ساز.۶۱/۴۷

استوار ساختن پشت بنده، به قوّت الهی

وَ شَدَدْتَ أَزْرِی بِقُوَّتِکَ

و به توانایی ات پشتم را نیرومند ساختی.

۶/۴۹

استهزا مسخره

اسرار راز

اسراف

پناه بردن به خدا، از اقدام بر اسراف

نَعُوذُ بِکَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ

پناه می بریم به تو از انجام اسراف.۷/۸

بازداشتن بنده، از اسراف

وَ امْنَعْنِی مِنَ السَّرَفِ

و مرا از اسرافکاری بازدار.۲۳/۲۰

وَ احْجُبْنِی عَنِ السَّرَفِ

و مرا از اسراف باز دار.۳/۳۰

خواب آلودگیِ اسرافکاران

نَبِّهْنِی مِنْ... سِنَهِ الْمُسْرِفِینَ

مرا از خواب آلودگی اسراف کاران، بیدار فرما.

۹۱/۴۷

ناامید نشدن اسراف کنندگانِ به خود، از رحمت الهی

یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ

ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید.۲/۵۰

اسراف بر خود و خوار گشتن

أَنَا بِإِسْرَافِی عَلَی نَفْسِی ذَلِیلٌ

من به خاطر زیاده روی بر خود، خوار گشته ام.

۷/۵۲

اسرافیل

اسرافیل، صاحب صور ومنتظر فرمان الهی

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست.۲/۳

اسکان

اسکان فرشتگان، در درون طبقه های آسمان

وَ أَسْكَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِکَ

و آنها را در دل طبقه های آسمان هایت، سکونت داده ای.۱۱/۳

اسکان شیطان، در سینه ها

أَسْكَنْتَهُ صُدُورَنَا

او (شیطان) را در سینه های ما جا دادی.

۶/۲۵

اسکان جنین، در رحِم مادر

...الَّتِی أَسْكَنْتَنِی جَوْفَهَا، وَ أَوْدَعْتَنِی قَرَارَ رَحِمِهَا

...همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی و مرا در قرارگاه رحم او سپردی.

۲۴/۳۲

اسلام

توفیق حفظ و نگهداری اسلام

وَ وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ حِيَاطَهِ الْإِسْلَامِ

و ما را برای انجام نیکی و حفظ اسلام، توفیق ده. ۱۸/۶

جزای مسلمانِ نگران اسلام

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را

در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

ماه نو، ماه اسلام (فرمانبری)

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ... سَلَامَةٍ وَ إِسْلَامٍ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سلامت و اسلام قرار دهد.۵و۴/۴۳

رمضان، ماه اسلام (اطاعت)

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَ شَهْرَ الطَّهُورِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه اسلام و ماه پاکی را، (یکی) از آن راه ها قرار داد.۳/۴۴

اسم نام

ص : ۱۰۴

اسیری اسارت

اشتباه خطا و نیز لغزش

اشتیاق شوق

اشک

غرق گشتن گونه های تائب، در اشک

غَرِقَتْ دُمُوعُهُ خَدَّيْهِ

دو گونه اش غرق اشک شده.۹/۱۲

روان شدن اشک بنده، از ترس خداوند

قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي، فَيْضَ دَمْعِي مِنْ خِيفَتِكَ

ای خدای من، ریزش اشکم را از ترس خود می بینی. ۱۹/۱۶

اصحاب

ویژگی های اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَ الَّذِينَ أَبْلَوُا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ، وَ كَانَفُوهُ، وَ أَسْرَعُوا إِلَى وِفَادَتِهِ، وَ سَابَقُوا إِلَى دَعْوَتِهِ، وَ اسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَاتِهِ. وَ فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَ قَاتَلُوا الْآبَاءَ وَ الْأَبْنَاءَ فِي تَثْبِيتِ نُبُوَّتِهِ، وَ انْتَصَرُوا بِهِ. وَ مَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِ، يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ. وَ الَّذِينَ هَجَرَتْهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ، وَ انْتَفَتْ مِنْهُمُ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ

قَرَابَتِهِ.

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که همراهانی نیکو بودند و آنان که در یاری او از آزمایش خوب برآمدند و به وی کمک رساندند و به سوی پیامش شتافتند و به سوی دعوتش پیشی گرفتند و هنگامی که دلیل رسالت های خود را به گوششان رساند اجابت کردند، و در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند و در پایدار ساختن نبوّت او با پدران و فرزندانشان جنگیدند، و به همراه او پیروز شدند، و آنها که محبّت او را در دل پرورانده، در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند، و آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله هایشان از آنها دوری نمودند و آنگاه که در سایه خویشی او ساکن شدند خویشاوندان، آنها را بیگانه دانستند...۶-۳/۴

درخواست هایی از خدا، برای اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و بیان علّت درخواست ها

فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَکُوا لَکَ وَ فِیکَ، وَ أَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِکَ، وَ بِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ عَلَیْکَ، وَ کَانُوا مَعَ رَسُولِکَ دُعَاةً لَکَ إِلَیْکَ. وَ اشْکُرْهُمْ عَلَی هَجْرِهِمْ فِیکَ دِیَارَ قَوْمِهِمْ، وَ خُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَهِ الْمَعَاشِ إِلَی ضِیقِهِ، وَ مَنْ کَثَّرْتَ فِی إِعْزَازِ دِینِکَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ.

پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها

کردند برای آنان از نظر دور ندار و به خوشنودی خود ایشان را خوشنود ساز که مردمان را بر تو گرد آوردند و برای تو با پیامبرت دعوت کننده به سوی تو بوده اند. و ایشان را به خاطر آنکه در راه تو از شهرهای خویشان هجرت کردند و از زندگی راحت به سختی افتادند و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند پاداش عنایت کن.۸و۷/۴

پیروان نیکوکار اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَيْرَ جَزَائِكَ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعینِ نیکوکارِ ایشان برسان.۹/۴

ویژگی های پیروان اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

الَّذِينَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ، وَ تَحَرَّوْا وِجْهَتَهُمْ، وَ مَضَوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ. لَمْ يَثْنِهِمْ رَيْبٌ فِي بَصِيرَتِهِمْ، وَ لَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ، وَ الْإِئْتِمَامِ بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ. مُكَانِفِينَ وَ مُوَازِرِينَ لَهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ، وَ يَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ، يَتَّفِقُونَ عَلَيْهِمْ، وَ لَا يَتَّهِمُونَهُمْ فِيما أَدَّوْا إِلَيْهِمْ.

آنان که راه ایشان را قصد نمودند و به سوی جهت آنها روآوردند و به روش آنها رفتار نمودند. آنان که عقیده اشان را شکّی برنگرداند و تردیدی ایشان را از پیروی نشانه های آنها و اقتدا به چراغ هدایت ایشان آشفته نساخت. در حالی که بر

ایشان یاری کننده و کمک دهنده می باشند، دین آنان را پیروی می کنند، به راهنمایی آنها راه می یابند، با ایشان موافقت دارند و به آنچه آنها رساندند، تهمت نمی زنند.۱۲-۱۰/۴

قرار دادن اصحابی برای مجاهد مسلمان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ... فَلَقِّهِ الْيُسْرَ... وَ تَخَيَّرْ لَهُ الْأَصْحَابَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد، پس او را با آسانی روبرو کن و برای او یارانی برگزین.۱۳/۲۷

اصحاب یمین

وَ انْظِمْنِي فِي أَصْحَابِ الْيَمِينِ

و مرا در جماعت یاران دست راست درآور.

۴/۴۱

اصحاب و یاران رمضان

اجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلٍ وَ أَصْحَابٍ

ما را برای ماه مان از بهترین خویشان و یاران قرار ده.۱۴/۴۴

اصرار

پناه بردن به خدا، از اصرار بر گناه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... الْإِصْرَارِ عَلَى الْمَأْثَمِ

خداوندا به تو پناه می برم از پافشاری بر گناه.

۲و۱/۸

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ أَنْ أُصِرَّ

و از اصرار (بر گناه) به تو پناه می برم.

۱۴/۱۲

دور گرداندن بندگان، از اصرار (بر گناه)

أَزِلْنَا عَنْ مَکْرُوهِکَ مِنَ الْإِصْرَارِ

ما را از اصرار بر آنچه ناپسند توست، دور بدار. ۱/۹

أَنَّ أَحَبَّ عِبَادِکَ إِلَيْکَ مَنْ... جَانَبَ الْإِصْرَارَ

همانا محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است که پافشاری (بر گناه) را ترک کند.۱۳/۱۲

پافشاری و اصرار بر ستم

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنْهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْکَارِکَ، فَيُصِرَّ عَلَى ظُلْمِی

خداوندا او (ستمگر) را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کند. ۱۲/۱۴

میراندن بندگان، و عدم اصرار (بر گناه)

أَمِتْنَا... تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَ لَا مُصِرِّينَ

ما را توبه کنندگانِ غیر گنهکار و اصرارنکننده، بمیران.۵/۴۰

ناامید نگشتن اصرارکنندگانِ به درگاه خدا

وَ يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ الْمُلِحِّينَ عَلَيْهِ

و ای کسی که اصرارکنندگانِ خود را ناامید نمی کند.۴/۴۶

اصلاح

اصلاح حال بندگان، در پرتو آفرینش شب و روز

بِکُلِّ ذَلِکَ یُصْلِحُ شَأْنَهُمْ

بدین گونه حالِ ایشان را اصلاح می نماید.

۷/۶

توبه و اصلاح تباهی های بندگان

یَا مَنِ اسْتَصْلَحَ فَاسِدَهُمْ بِالتَّوْبَهِ

ای آنکه فاسد ایشان را با توبهْ اصلاح کرده است. ۱۰/۱۲

دور بودن از اصلاح نفس

...مَنْ أَبْعَدُ مِنِّی مِنِ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ

کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد؟۲۳/۱۶

اصلاح گنهکاران

إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی طَمَعًا فِی رَأْفَتِکَ الَّتِی بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِینَ

تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش

می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست - .۲۸/۱۶

اصلاح نمودن بنده، با تندرستی

وَ اسْتَصْلِحْنِی بِالْعَافِیَهِ

و صلاحم را با تندرستی بخواه.۳۳/۱۶

اصلاح نمودن گیاه شکسته (پژمرده)، با باران

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَیْثًا... تَجْبُرُ بِهِ الْمَهِیضَ

خداوندا ما را از بارانی که به وسیله آن گیاه پژمرده را اصلاح کنی، سیراب گردان.۴/۱۹

خداوند اصلاح کننده آنچه تباه شده

اللَّهُمَّ... اسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِکَ مَا فَسَدَ مِنِّی

خداوندا امور تباهم را به توانایی خود، اصلاح نما.۲/۲۰

عِنْدَکَ... لِمَا فَسَدَ صَلَاحٌ

اصلاح آنچه تباه شده، نزد توست.۲۰/۲۰

خدا و اصلاح هر خوی زشتی، در بنده

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّی إِلَّا أَصْلَحْتَهَا

خداوندا مرا در خصلتی عیبناک وانگذار، مگر آنکه اصلاحش نمایی.۶/۲۰

اصلاح فساد در بین مردم

حَلِّنِی بِحِلْیَهِ الصَّالِحِینَ... فِی... إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَیْنِ

مرا در اصلاح بین مردم، به زینت شایستگان بیارا.۱۰/۲۰

به جا گذاشتن امور مسبّب اصلاح نفس بنده

اللَّهُمَّ... أَبْقِ لِنَفْسِی مِنْ نَفْسِی مَا یُصْلِحُهَا

خداوندا از من برایم، آنچه را که اصلاحم نماید، باقی گذار.۱۹/۲۰

اصلاح بنده، به کرم و بخشش خدا

أَصْلِحْنِی بِکَرَمِکَ

به کرم خویش، مرا اصلاح فرما.۲۱/۲۰

دانایی خدا و اصلاح امر دنیا و آخرت بنده

اللَّهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ مَا یُصْلِحُنِی مِنْ أَمْرِ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی.۱۰/۲۲

اصلاح نمودن فرزندان، برای والدین

اللَّهُمَّ وَ مُنَّ عَلَیَّ... بِإِصْلَاحِهِمْ لِی

خداوندا و بر من به اصلاح نمودن ایشان (فرزندانم) برای من، منّت گذار.۱/۲۵

اصلاح بنده، در دنیا و آخرت

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِكَلِّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي

و هر چه در دنيايم و آخرتم به صلاحم است، بر من ارزانى دار.۹/۲۵

قرار دادن بنده، در زمره اصلاحگران

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ

و مرا در همه آن (امور)، از شايسته كاران قرار ده.۱۰/۲۵

خدا، اصلاح كننده كردار تبهكاران

يَا... مُسْتَصْلِحَ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ

اى خواهان اصلاح عمل تبهكاران.۵/۴۰

اصلاحِ حال دوستداران ائمه عليهم السلام

وَ أَصْلِحْ لَهُمْ شُؤُونَهُمْ

و احوالشان را براى آنها اصلاح نما.۶۵/۴۷

دست نيافتن به اصلاح نفس، بدون احسان خداوند

وَ لَوْ لَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَ سُبُوغُ نَعْمَائِكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ... إِصْلَاحَ نَفْسِي

و اگر احسان تو به من و فراوانى نعمت هايت بر من نبود، هيچگاه اصلاح خويش را نمى يافتم.

۲/۵۱

اضطراب تپش

اضطرار بيچارگى

اطاعت فرمانبرى

اطراف

درود بر فرشتگان اطراف آسمان ها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِينَ عَلَى أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَـمَامِ وَعْدِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود.۱۲و۱۱و۱۰/۳

چشم نینداختن به اطراف آسمان

يَا إِلَهِی لَوْ... ذَكَرْتُکَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ حَتَّى یَكِلَّ لِسَانِی، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِی إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْکَ مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَيِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَيِّئَاتِی

ای خدای من اگر در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، سپس از شرمندگی تو، چشم از کرانه های آسمان برندارم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

روان بودن ابرها، در اطراف زمین

وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَکَ بِغَيْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ، الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِکَ، الْمُونِقِ فِی جَمِيعِ الْآفَاقِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گیاهِ چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.۱/۱۹

مشرکان و دست درازی به نواحی مسلمین

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ

خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان و از چیرگی به نواحی مسلمانان، بازدار.۱۰/۲۷

اطلاع آگاهی

اطمینان آرامش

اعتدال میانه روی

اعتراف

سود و نجات در اعتراف به بدی ها

فَهَلْ يَنْفَعُنِي، يَا إِلَهِي، إِقْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتُ؟ وَ هَلْ يُنْجِينِي مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ بِقَبِيحِ مَا ارْتَكَبْتُ؟

ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟ و آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟ ۶/۱۲

تبدیل القائات شیطان، به اعتراف به نیکی خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي... اعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان در دل من می افکند، اعتراف به نیکی ات را قرار ده.

۱۳/۲۰

اعتراف نمودن دشمن، به وحدانیّت خدا

أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَ أَسْرًا، أَوْ يُقِرُّوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند، یا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی شریک هستی، اقرار نمایند.

۸/۲۷

روی آوری بنده به خدا، با اقرار

وَ الْقَنِی بِمَغْفِرَتِکَ کَمَا لَقِیتُکَ بِإِقْرَارِی

و با آمرزش خود به من روآور، همچنان که من با اقرارم به تو رو آوردم.۱۲/۳۱

جایگاهی برای اقرارکننده، نزد خدا

فَهَذَا... مَحَلُّ الْمُعْتَرِفِ لَکَ

پس اینْ محل اعتراف کننده برای توست.

۱۵/۳۲

اقرار همگان، به ناتوانی خود

وَ کُلٌّ مُقِرٌّ عَلَی نَفْسِهِ بِالتَّقْصِیرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْتَ

و همگی به تقصیر خود در ادای آنچه تو شایسته آنی، اقرار دارند.۸/۳۷

مقام امامان علیهم السلام ، و اعتراف دوستان ایشان به آن

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی أَوْلِیَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِینَ بِمَقَامِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که اعتراف کنندگان به مقام ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

بیان حال بنده، پس از اعتراف

...وَ أَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقَلِّینَ، وَ أَذَلُّ الْأَذَلِّینَ، وَ مِثْلُ الذَّرَّهِ أَوْ دُونَهَا

...و من بعد از این، کمترین کمتران و خوارترین خواران و مانند ذرّه ای یا کمتر از آنم.

۷۵/۴۷

وارد شدن در صبحگاه و شامگاه، در حال اعتراف به گناه

اللَّهُمَّ إِنِّی أُصْبِحُ وَ أُمْسِی... مُعْتَرِفًا بِذَنْبِی، مُقِرًّا بِخَطَایَایَ

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که به گناهم اعتراف دارم و به خطاهایم اقرار می کنم.۷/۵۲

درخواست از خداوند، همراه با اعتراف به خطاها

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنِ اسْتَکْثَرَ ذُنُوبَهُ، وَ اعْتَرَفَ بِخَطِیئَتِهِ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که گناهانش را بسیار دانسته، و به خطایش اعتراف نموده است.

۸/۵۲و۹

اعتراف و اقرارهای بنده به:

أ. بی بهره نبودن از احسان الهی، در همه حالات

مُقِرٌّ لَکَ بِأَنِّی... لَمْ أَخْلُ فِی الْحَالَاتِ کُلِّهَا مِنِ امْتِنَانِکَ

اقرار می کنم به اینکه در همه حال از احسان تو بی بهره نبوده ام.۵/۱۲

ب. فرمان نبردن از خدا، جز خودداری از معصیت

مُقِرٌّ لَکَ بِأَنِّی لَمْ أَسْتَسْلِمْ وَقْتَ إِحْسَانِکَ إِلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنْ عِصْیَانِکَ

اقرار می کنم به اینکه هنگام احسانت، جز با خودداری از معصیت تو، فرمان نبرده ام.

۵/۱۲

ج. ناتوانی و بیچارگی خویش

أَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِی وَ قِلَّهِ حِیلَتِی

به ضعف قوّتم و کمی چاره اندیشی ام اعتراف دارم.۷/۲۱

د. گناه و بدکرداری خویش

اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ إِقْرَارًا بِالْإِسَاءَهِ، وَ اعْتِرَافًا بِالْإِضَاعَهِ

خداوندا، پس سپاس برای توست، در حالی که به بدکرداری، اقرارکننده و به سهل انگاری، اعتراف کننده ایم.۴۵/۴۵

وَ هَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ... مُعْتَرِفًا بِعَظِیمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ، وَ جَلِیلٍ مِنَ الْخَطَایَا اجْتَرَمْتُهُ

و اینک منم در پیشگاه تو، اعتراف کننده به بزرگی گناهانی که زیر بار آن رفته ام و به سترگیِ خطاهایی که مرتکب آن شده ام.

۶۹/۴۷

أَنَا... الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ

منم اعتراف کننده خطاکار لغزشکار.

۷۶/۴۷

أَتَیْتُکَ مُقِرًّا بِالْجُرْمِ وَ الْإِسَاءَهِ إِلَی نَفْسِی

به درگاه تو آمده ام، در حالی که اقرار به گناه و بدی بر خود دارم.۷/۴۸

فَأَنَا الْمُقِرُّ بِذَنْبِی، الْمُعْتَرِفُ بِخَطِیئَتِی

زیرا من به گناه خود، اقرار داشته و به

خطای خویش، اعتراف می کنم.۴/۵۳

هـ. نیک بودن قضا و قدر الهی

وَ هَبْ لِیَ الثِّقَهَ لِأُقِرَّ مَعَهَا بِأَنَّ قَضَاءَکَ لَمْ یَجْرِ إِلَّا بِالْخِیَرَهِ

و به من اعتمادی بخش تا به اینکه قضای تو جز به نیکی جاری نگشته، اعتراف کنم.

۳/۳۵

و. ستمکار نبودن خدا

فَکُلُّ الْبَرِیَّهِ مُعْتَرِفَهٌ بِأَنَّکَ غَیْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ

پس همه آفریدگان اعتراف می کنند که تو هر که را عقوبت نمودی، ستمگر نیستی.

۸/۳۷

ز. بیّنات (محکمات) و متشابهات قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَفْزَعُ إِلَی الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوضَحَاتِ بَیِّنَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه و دلایل روشنش قرار می دهند.۴/۴۲

ح. از جانب خدا بودن قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست.

۶/۴۲

ط. درماندگی (در سپاس گزاری خدا)

وَ قُصَارَایَ الْإِقْرَارُ بِالْحُسُورِ

و نهایت تلاش من اقرار به درماندگی است.۲۴/۴۶

ی. عنایت خدا، به او

وَ أَوْزِعْنِی أَنْ... أَعْتَرِفَ بِمَا أَسْدَیْتَهُ إِلَیَّ

و به من الهام کن که به آنچه به من عنایت نموده ای، اعتراف نمایم.۱۱۴/۴۷

ک. فراوانی نعمت های الهی

هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده است.۱۵/۴۹

اعتزال تنهایی

اعتقاد

تابعین و اعتقاد به امید داشتن به خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ... صَلَاةً... تَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَی اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَکَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به خود برانگیزی.۱۵و۱۴و۱۳/۴

اعتقاد و تسلیم در برابر آیات قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَدِینُ لَکَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِیمِ لِمُـحْکَمِ آیَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند.

۴/۴۲

اعتماد

اعتماد به خداوند

أَوْفَدْتُ عَلَيْكَ رَجَائِی بِالثِّقَهِ بِکَ

با اعتماد به تو، امیدم را به سوی تو فرستادم.

۱۸/۱۳

وَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ ثِقَةً بِكَ

با اعتماد به تو، خواهشش را به سوی تو گردانده است.۸/۳۱

وَ بِكَ أَثِقُ

و به تو اعتماد می کنم.۱۱/۵۲

فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ ثِقَتِی وَ رَجَائِی فِی الْأُمُورِ كُلِّهَا

پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی.۸/۵۴

اعتماد بنده به آنچه خدا برایش برگزیده

وَ اجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِی بِمَا قَضَيْتَ، وَ ثِقَتِی بِمَا تَخَيَّرْتَ

...و آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدّر

نمودی و اعتمادم به آنچه انتخاب کرده ای قرار ده.

۱۵/۱۴

اعتماد به آرزوهای شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ... مِنَ الثِّقَهِ بِأَمَانِیِّهِ

خداوندا ما از اطمینان به آرزوهای او به تو پناه می بریم.۱/۱۷

خواب غفلت، سبب اعتماد به شیطان

اللَّهُمَّ... أَیْقِظْنَا عَنْ سِنَهِ الْغَفْلَهِ بِالرُّکُونِ إِلَیْهِ

خداوندا ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان.

۷/۱۷

اعتماد بنده، به فضل الهی

اللَّهُمَّ... بِفَضْلِکَ وَثِقْتُ

خداوندا به احسان تو اعتماد کرده ام.

۱۵/۲۰

الهامِ اعتماد و اطمینان خالص، به بنده

أَلْهِمْنَا ثِقَهً خَالِصَهً تُعْفِینَا بِهَا مِنْ شِدَّهِ النَّصَبِ

اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری.۲/۲۹

خدا، سزاوارترین مورد اعتماد

أَنْتَ أَوْلَی مَنْ وُثِقَ بِهِ

تو سزاوارترین کسی هستی که به او اعتماد

شد.۲۲/۳۲

اعتماد نمودن بنده به خدا، در آمرزش

وَ وَثِقْتُ بِکَ رَبِّ فِی الْمَغْفِرَهِ لِی

و پروردگار من، در آمرزش - برای خود - به تو اعتماد نمودم.۲۲/۳۲

اعتماد نکردن بنده، به رازپوشی همسایه و خویشاوند

لَمْ أَثِقْ بِهِمْ رَبِّ فِی السِّتْرِ عَلَیَّ

پروردگار من، در رازپوشی بر من، به آنها اعتماد ندارم.۲۲/۳۲

استوار نبودن اعتماد بنده، به روزی دادن خداوند

فَغَذَوْتَنِی بِفَضْلِکَ غِذَاءَ الْبَرِّ اللَّطِیفِ... وَ لَا تَتَأَکَّدُ مَعَ ذَلِکَ ثِقَتِی

پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربانْ خوراک دادی. و با این همه اعتمادم به تو محکم نمی شود.۲۶/۳۲

بخشیدن اعتماد به بنده و اقرار او به نیکی قضای الهی

وَ هَبْ لِیَ الثِّقَهَ لِأُقِرَّ مَعَهَا بِأَنَّ قَضَاءَکَ لَمْ یَجْرِ إِلَّا بِالْخِیَرَهِ

و به من اعتمادی بخش تا به اینکه قضای تو

جز به نیکی جاری نگشته، اعتراف کنم.۳/۳۵

اعتماد خدا، به دوام ملک خود

أَمْهَلْتَهُمْ ثِقَةً بِدَوَامِ مُلْكِكَ

از آن جهت مهلتشان داده ای که به دوام پادشاهی خود اعتماد داری.۱۷/۴۶

اعتماد به گذشت الهی، سبب نافرمانی بنده

فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ... وَاثِقًا بِتَجَاوُزِكَ

پس با علم به تهدیدت و اعتماد به گذشتت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد.۶۸/۴۷

اعتماد به آنچه نزد خداست

ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ... وَ الثِّقَةِ بِمَا عِنْدَكَ

سپس بازگشت به سوی تو و اعتماد به آنچه نزد توست را، در پی آن روانه ساخته ام.۷۳/۴۷

وَ اجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ

و دلم را به آنچه نزد توست، مطمئن قرار ده.

۱۳۰/۴۷

اعتماد بنده به آمرزش الهی، بیش از اعتمادش به کردار خویش

إِنِّي بِمَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ أَوْثَقُ مِنِّي بِعَمَلِي

همانا اطمینانم به آمرزش و رحمت تو، از (اطمینانم به) عملم بیشتر است.۴/۴۸

عدم اعتماد به اعمال شایسته خود

فَإِنِّي لَمْ آتِكَ ثِقَةً مِنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم، به درگاه تو نیامده ام.۶/۴۸

اعتماد به اجابت سریع الهی

فَنَادَیْتُکَ یَا إِلَهِی مُسْتَغِیثًا بِکَ، وَاثِقًا بِسُرْعَهِ إِجَابَتِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که از تو یاری خواسته و به اجابت سریع تو اطمینان داشتم.۱۰/۴۹

اعراض روگردانی

اعضا اندام و نیز بدن

اعلی علّیین

سپاسی بالارونده، تا اعلی علّیین

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَی أَعْلَی عِلِّیِّینَ

سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود.۱۳و۱۰/۱

اغراق

اغراق در ستایش خداوند

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی... إِغْرَاقًا فِی الثَّنَاءِ

ص : ۱۱۵

عَلَیْکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته، ثنای فراوانت را قرار ده.۱۳/۲۰

اغماض گذشت

افتادن

افتادگان در گروی گورها و دمیدن در صور

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ... فَیُنَبِّهُ بِالنَّفْخَهِ صَرْعَی رَهَائِنِ الْقُبُورِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست، تا با دمیدنْ مردگانِ گروِ گورها را بیدار کند.۲/۳

دفع آنچه بنده در آن افتاده

أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَی... دَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِیهِ

و تو بر برطرف کردن آنچه در آن افتاده ام توانایی.۱۰/۷

شرمندگی تائب، از آنچه در آن افتاده

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... خَالِصِ الْحَیَاءِ مِمَّا وَقَعَ فِیهِ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که از آنچه در آن افتاده،

سخت شرمنده است.۱۲/۱۲

بازگشت بنده از افتادن

وَ اجْعَلْ... مُتَحَوَّلِی عَنْ صَرْعَتِی إِلَی تَجَاوُزِکَ

و بازگشت از به زمین افتادنم را به گذشت خود قرار ده.۶/۱۵

افتادن در پیشگاه خدا

هَا أَنَا ذَا یَا رَبِّ مَطْرُوحٌ بَیْنَ یَدَیْکَ

ای پروردگار من اینک منم که در پیش روی تو افتاده ام.۱۳/۱۶

گریستن بسیار، تا افتادن پلک ها

یَا إِلَهِی لَوْ بَکَیْتُ إِلَیْکَ حَتَّی تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَیْنَیَّ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

بلند کردن بنده، از افتادنْگاه های گناهان

وَ ارْفَعْنِی عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ کَمَا وَضَعْتُ لَکَ نَفْسِی

و مرا از افتادنْگاه های گناهان، بلند گردان، چنانکه خود را برای تو فروافکنده ام.۱۲/۳۱

به زمین انداختن بنده، توسّط شیطان

ص : ۱۱۶

فَأَوْقَعَنِی وَ قَدْ هَرَبْتُ إِلَیْکَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُوبِقَهٍ

پس در حالی که از گناهان کوچکِ هلاکت بار به سویت می گریختم، مرا بر زمین زد.۱۳/۳۲

افتادن در لغزش ها و پشیمان شدن

وَ اجْعَلْ نَدَامَتِی عَلَی مَا وَقَعْتُ فِیهِ مِنَ الزَّلَّاتِ... تَوْبَهً تُوجِبُ لِی مَحَبَّتَکَ

و پشیمانی ام را از لغزش هایی که در آن افتاده ام، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد. ۳/۳۸

افتادنْ گاه های خطاکاران

اجْعَلْنِی أُسْوَهَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِکَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِینَ

مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی.۱۰/۳۹

افتادن از چشم حفظ و نگهداری خداوند

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِکَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده.۱۰۴/۴۷

افتادنی همچون افتادن پرت شوندگان (در عذاب)

لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِکَ... بَلْ خُذْ بِیَدِی مِنْ سَقْطَهِ الْمُتَرَدِّینَ

مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از سقوط پرت شدگان، دستم را بگیر (نجاتم ده).

۱۰۴/۴۷

دستگیری خداوند، از افتادگان

کَمْ مِنْ... صَرْعَهٍ أَنْعَشْتَ

چه بسیار به زمین خوردن هایی که بلند کردی.

۱۲/۴۹

درگذشتن خدا از لغزش بنده، هنگام افتادن (در گناه)

أَنْتَ الَّذِی... أَقَلْتَ عِنْدَ الْعِثَارِ زَلَّتِی

تویی که هنگام (به گناه) افتادن، از لغزشم درگذشتی. ۴/۵۱

افتادن بنده، با تمام رخسارش

مَوْلَایَ ارْحَمْ کَبْوَتِی لِحُرِّ وَجْهِی

مولای من! بر به رو افتادنم با تمام رخسارم، رحم کن.۴/۵۳

افترا تهمت

افراد مردم

افراط

افراط در خواهش نفس

ص : ۱۱۷

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... إِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از زیاده روی شهوت. ۱/۸

افراط نکردن خدا، در کیفر گنهکاران

وَ أَنْتَ الَّذِی لَا یُفْرِطُ فِی عِقَابِ مَنْ عَصَاهُ

و تویی آنکه در کیفر گناهکاران زیاده روی نمی کند. ۱۲/۱۶

افروختن

چراغ افروختن، از چراغ قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَسْتَصْبِحُ بِمِصْبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که از نور چراغ آن، روشنی می افروزند.۷/۴۲

افزار ابزار

افزایش

نبودِ افزاینده ای، برای هر که خدا از او کاسته

لَا یَزِیدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ

از کسانی که (خدا) کاسته، افزاینده ای نمی افزاید.۵/۱

نبودِ کاهنده ای، برای هر که خدا به او

فراوانی داده

لَا یَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ

از کسی که (خدا) به او فراوانی داده، کاهنده ای نمی کاهد.۵/۱

سپاسی چندین برابر هریک از نعمت های الهی

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... مَکَانَ کُلِّ وَاحِدَهٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَهً أَبَدًا سَرْمَدًا

پس سپاس او را، به جای هر یک از آنها به شماره چندین برابر، همیشه و جاوید.۲۷/۱

فزونی بخشیدن امّت اسلام

كَثَّرَنَا بِمَنِّهِ عَلَى مَنْ قَلَّ

ما را با احسان خود، بر کسانی که اندک بودند، فزونی بخشید.۲/۲

تبدیل بدی ها، به چندین برابرش از خوبی ها

يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ

ای تبدیل کننده بدی ها به چندین برابر آن از خوبی ها.۲۶/۲

درودی فزاینده کرامت و تقرّب فرشتگان

وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ وَ طَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ

و بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر کرامتشان و پاکی ای بر پاکیشان بیفزاید.۲۵/۳

اقرار به افزایش گناهان خود

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِیلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُسْتَخِفِّ بِحُرْمَهِ رَبِّهِ. الَّذِی عَظُمَتْ ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده و حرمت پروردگارش را سبک شمرده، سخن می گویم. آنکه گناهانش بزرگ و رو به فزونی است.۸و۷/۱۲

درودی فزاینده، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاهً دَائِمَهً نَامِیَهً

بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی پیوسته و فزاینده.۲۴/۱۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... عَدَدَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی مَنْ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ، وَ أَضْعَافَ ذَلِکَ کُلِّهِ بِالْأَضْعَافِ الَّتِی لَا یُحْصِیهَا غَیْرُکَ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده ای، و چندین برابر همه آن به چندین برابر که جز تو شمار آنها را نداند.۱۹/۴۴

صَلِّ عَلَیْهِ صَلَاهً نَامِیَهً لَا تَکُونُ صَلَاهٌ أَنْمَی مِنْهَا

بر او درود فرست، درود فراوانی که درودی فراوان تر از آن نباشد.۵۱/۴۷

وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ، صَلَاهً... تُنْشِئُ مَعَ ذَلِکَ

صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْکَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَ تَزِیدُهَا عَلَی کُرُورِ الْأَیَّامِ زِیَادَهً فِی تَضَاعِیفَ لَا یَعُدُّهَا غَیْرُکَ

و بر او و بر خاندانش درود فرست، درودی که با آن درودهای دیگر پدید آوری، که درودهای گذشته را با آن چندین برابر کنی و آن را با گذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چندین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند.۵۵/۴۷

افزایش بدی های بنده، در قیامت

هُوَ، یَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَیْتَهُ عَلَیَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِی، فَأَدِّهِ عَنِّی مِنْ جَزِیلِ عَطِیَّتِکَ وَ کَثِیرِ مَا عِنْدَکَ... حَتَّی لَا یَبْقَی عَلَیَّ شَیْءٌ مِنْهُ تُرِیدُ أَنْ تُقَاصَّنِی بِهِ مِنْ حَسَنَاتِی، أَوْ تُضَاعِفَ بِهِ مِنْ سَیِّئَاتِی یَوْمَ أَلْقَاکَ یَا رَبِّ

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا کن. تا چیزی از آن بر من نمانَد که بخواهی به سبب آن از نیکی

هایم بکاهی، یا بر بدی هایم بیفزایی، در روزی که تو را دیدار می کنم. ای پروردگار من.۷/۲۲

دادن تندرستی فزاینده، به بنده

عَافِنِی عَافِیَهً کَافِیَهً شَافِیَهً عَالِیَهً نَامِیَهً

به من عافیت ده. عافیتی کافی، بهبودی بخش، عالی و روزافزون.۲/۲۳

ص : ۱۱۹

افزایش حسنات والدین

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًی... فَاجْعَلْهُ... زِیَادَهً فِی حَسَنَاتِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده، پس آن را سبب افزایش نیکی هایشان قرار ده.

۸/۲۴

افزایش عمر فرزندان، برای والدین

إِلَهِی... زِدْ لِی فِی آجَالِهِمْ

خداوندا در مدّت عمرشان برایم بیفزا.

۲/۲۵

افزودن شماره (تبار)، به وسیله فرزندان

اللَّهُمَّ... کَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِی

خداوندا تعداد مرا به وسیله آنها (فرزندانم) بیفزا. ۴/۲۵

افزایش بینش همسایگان، نسبت به حقّ امام علیه السلام

...وَ زِدْهُمْ بَصِیرَهً فِی حَقِّی، وَ مَعْرِفَهً بِفَضْلِی حَتَّی یَسْعَدُوا بِی وَ أَسْعَدَ بِهِمْ

و بر حق بینی و فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزا. تا آنان به وسیله من، نیک بخت شوند و من به وسیله آنها، نیک بخت گردم.۴/۲۶

بازداشتن بنده، از زیاده روی

وَ احْجُبْنِی عَنِ السَّرَفِ وَ الِازْدِیَادِ

و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار.۳/۳۰

افزودن هدایت الهی

وَ زِدْنِی مِنْ هُدَاکَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَی التَّوْفِیقِ فِی عَمَلِی

و هدایت خود را برایم بیفزا، که با آن به توفیق در عملم برسم.۱۶/۳۷

به خدمت گماشتن ماه، با فزونی و کاستی (نور او)

وَ امْتَهَنَکَ بِالزِّیَادَهِ وَ النُّقْصَانِ

و تو را با فزونی و کاستی، به خدمت گرفت.

۲/۴۳

رستگاری بنده و افزونی یافتن از خدا

تُرِیدُ... فَوْزَهُمْ بِالْوِفَادَهِ عَلَیْکَ، وَ الزِّیَادَهِ مِنْکَ

می خواهی در آمدن به سوی تو و افزونی یافتن از جانب تو، رستگار شوند.۱۲/۴۵

خدا و افزودن بها در داد و ستد با بندگان

أَنْتَ الَّذِی زِدْتَ فِی السَّوْمِ عَلَی نَفْسِکَ لِعِبَادِکَ

تویی آنکه در داد و ستد با بندگانت، در بهای آن بر خود افزوده ای.۱۲/۴۵

اراده خدا، بر افزودن

اللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ

خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر

می کند. ۱۳/۴۵

وام دادن به خدا و افزایش آن

مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیرَةً

کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟.۱۳/۴۵

نزول آیاتِ بیانگر افزایش حسنات

وَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِی الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِیفِ الْحَسَنَاتِ

و مانندهای آن (آیه هایی) که از افزایش های نیکی ها در قرآن فروفرستادی.۱۳/۴۵

سپاس الهی و افزایش

لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ

اگر شکر گزارید، شما را فزونی دهم.۱۴/۴۵

صدقه دادن، جهت افزایش نعمت های الهی

تَصَدَّقُوا لَکَ طَلَبًا لِمَزِیدِکَ

جهت طلبِ افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند.۱۶/۴۵

افزایش ایمان، در ماه رمضان

وَ ضَاعَفْتَ فِیهِ مِنَ الْإِیمَانِ

و ایمان را در آن، چندین برابر نمودی.

۲۰/۴۵

افزایش گنجینه های الهی

إِنَّ خَزَائِنَکَ لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِیضُ

همانا گنجینه های تو کم نمی شود، بلکه فزونی می یابد. ۵۰/۴۵

عطایی افزون و چند برابر

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَی هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَایَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ، وَ أَعْطِنَا أَضْعَافَهُ مِنْ فَضْلِکَ

خداونـدا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش و از فضلت، چندین برابر آن را به ما عطا فرما.۵۰/۴۵

خداوند، افزایش دهنده نیکی ها

یَا مَنْ یُثْمِرُ الْحَسَنَهَ حَتَّی یُنْمِیَهَا

ای کسی که نیکی را بارور می کند، تا آن را بیفزاید. ۱۱/۴۶

سپاسی افزاینده خوشنودی خداوند

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یَزِیدُ عَلَی رِضَاکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که بر خوشنودی ات بیفزاید.۳۵/۴۷

افزایش های پی درپی (حمد)

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَتَضَاعَفُ عَلَی کُرُورِ الْأَزْمِنَهِ، وَ یَتَزَایَدُ أَضْعَافًا مُتَرَادِفَهً

سپاس برای توست. سپاسی که با گردش زمان ها، چندین برابر شود و پیوسته، چندین برابر افزایش یابد.۳۹و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... تَصِلُهُ بِمَزِیدٍ بَعْدَ مَزِیدٍ طَوْلًا مِنْکَ

سپاس برای توست. سپاسی که تو آن را از روی احسانت، با افزونی پی درپی پیوند دهی.

۴۸و۳۶/۴۷

سپاسی فزونی گیرنده، بر نوش_ته های نویسندگان

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... یَزِیدُ عَلَی مَا أَحْصَتْهُ فِی کِتَابِکَ الْکَتَبَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده اند، افزونی یابد.۴۰و۳۶/۴۷

حمد و افزایش (نعمت)

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوجِبُ بِکَرَمِکَ الْمَزِیدَ بِوُفُورِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گرداند.

۴۸و۳۶/۴۷

درودی فزاینده خوشنودی خداوند

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تُرْضِیهِ وَ تَزِیدُ عَلَی رِضَاهُ، وَ صَلِّ عَلَیْهِ صَلَاهً تُرْضِیکَ و تَزِیدُ عَلَی رِضَاکَ لَهُ وَ صَلِّ عَلَیْهِ صَلَاهً لَا تَرْضَی لَهُ إِلَّا بِهَا

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که خوشنودش سازد و بر خوشنودی اش بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که تو را خوشنود کند و بر خوشنودی ات برای او بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که برای او جز به آن راضی نشوی.۵۲/۴۷

درودهای فزاینده، بر دوستان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی أَوْلِیَائِهِمُ... الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَکَاتِ الزَّاکِیَاتِ النَّامِیَاتِ الْغَادِیَاتِ الرَّائِحَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای مبارک، پاک، فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست.

۶۴/۴۷

افزایش فقر و نیاز بنده، به درگاه خدا

وَ زِدْنِی إِلَیْکَ فَاقَةً وَ فَقْرًا

و بر فقر و نیازم به درگاهت بیفزا.۱۱۸/۴۷

افزودن فضل الهی

وَ زِدْنِی مِنْ فَضْلِکَ وَ سَعَهِ مَا عِنْدَکَ

و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا.۲۸/۴۸

عدم افزایش ملک خدا، با عذاب بنده

ص : ۱۲۲

لَيْسَ عَذَابِى مِمَّا يَزِيدُ فِى مُلْكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ، وَ لَوْ أَنَّ عَذَابِى مِمَّا يَزِيدُ فِى مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ

عذاب من، چیزی نیست که ذرّه ای بر پادشاهی تو بیفزاید. و اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم.۶/۵۰

افزودن افزایش

افزون افزایش

افسار مهار

افسوس حسرت

افشا

(توفیق) فاش کردن خیر و نیکی

حَلِّنِی بِحِلْیَهِ الصَّالِحِینَ... فِی... إِفْشَاءِ الْعَارِفَهِ

مرا در آشکار کردن نیکی، به زینت شایستگان بیارا.۱۰/۲۰

افکندن پرت کردن

افکندن خود در:

أ. اختیار خداوند

أَغْنِنَا إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَیْنَ یَدَیْکَ

چون خویش را در پیشگاه تو افکنده ایم،

بی نیازمان گردان.۵/۱۰

ب. درّه های فساد و تباهی

تَقَحَّمْتُ أَوْدِیَهَ الْهَلَاكِ، وَ حَلَلْتُ شِعَابَ تَلَفٍ

در وادی های هلاکت رفتم و به درّه های نابودی وارد شدم.۲/۴۹

ج. محرّمات

أَبَيْتُ إِلَّا تَقَحُّمًا لِحُرُمَاتِکَ

من جز وارد شدن در حرام های تو کاری نداشته ام. ۱۴/۴۹

اقامت ماندن

اقتدا پیروی

اقتدا به نشانه های هدایت و رستگاری اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

لَمْ یَخْتَلِجْهُمْ شَکٌّ فِی قَفْوِ آثَارِهِمْ، وَ الِاْئْتِـمَامِ بِهِدَایَهِ مَنَارِهِمْ

تردیدی ایشان را از پیروی نشانه های آنها و اقتدا به چراغ هدایت ایشان آشفته نساخت.

۱۱/۴

اقتدا نمودن به روشنایی قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَقْتَدِی بِتَبَلُّجِ إِسْفَارِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به درخشش

روشنایی آن اقتدا می کنند.۷/۴۲

اقتدا به امامت ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الْمُوءْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که اقتداکنندگان به امامت ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

اقدام

اقدام بر تکلّف و کار با مشقّت

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ... تَعَاطِی الْكُلْفَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از انجام دادن کارِ با مشقّت. ۲و۱/۸

اقدام به اسراف

نَعُوذُ بِکَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ

پناه می بریم به تو از انجام اسراف.۷/۸

بیماری و اقدام به توبه

فَمَا أَدْرِی... أَیُّ الْحَالَیْنِ أَحَقُّ بِالشُّکْرِ لَکَ؟... أَ وَقْتُ الصِّحَّهِ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا... تَنْبِیهًا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَهِ

نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ آیا وقت تندرستی یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا برای فراگرفتن توبه آگاهی باشد؟۴-۲/۱۵

اقدام بنده به بدی، زمان قرار گرفتن بین دعوت خدا و شیطان

وَ مَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى السُّوءِ مِنِّی؟ حِینَ أَقِفُ بَیْنَ دَعْوَتِکَ وَ دَعْوَهِ الشَّیْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم؟۲۳/۱۶

اقدام نکردن جز به نگه دارنده از کیفر الهی

وَ أَعِنَّا عَلَى صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّى... لَا نَتَعَاطَى إِلَّا الَّذِی یَقِی مِنْ عِقَابِکَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا جز آنچه از کیفر تو نگاه دارد، انجام ندهیم.۷و۶/۴۴

اقدام به عبادتی شایسته خداوند

فَإِذَا بَلَّغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَهِ

پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما.۴۶/۴۵

اقدام به نافرمانی خدا، با علم به تهدید او

فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ

پس با علم به تهدیدت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد.۶۸/۴۷

ص : ۱۲۴

علّت اقدام به نواهی و گناهان:

أ. غرور

تَعَاطَی مَا نَهَیْتَ عَنْهُ تَغْرِیرًا

با غرور، آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده.۶/۳۱

ب. جرأت در برابر خدا

أَنَا الَّذِی أَقْدَمَ عَلَیْکَ مُجْتَرِئًا

منم آنکه از روی جرأت، در برابر تو (به گناه) اقدام نمود.۷۷/۴۷

اقرار اعتراف

اکنون

پارسایی در فراخی (زندگی) کنونی

وَ تُزَهِّدَهُمْ فِی سَعَهِ الْعَاجِلِ

و در گشادگی دنیا آنان را بی میل نمایی.

۱۶/۴

گردش در زمین، برای رسیدن به سود کنونی دنیا

یَسْرَحُوا فِی أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِیهِ نَیْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْیَاهُمْ

در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود

کنونی از دنیا.۶/۶

بشارت ایمنی از خشم خدا، (در دنیای) کنونی

وَ اکْتُبْ لِی أَمَانًا مِنْ سُخْطِکَ، وَ بَشِّرْنِی بِذَلِکَ فِی الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و هم اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن مژده ده.

۳۳/۱۶

عطای درخواست بنده، در دنیای کنونی

أَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُوءْمِنِينَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی فِی عَاجِلِ الدُّنْیَا وَ آجِلِ الْآخِرَهِ

به همه مردان و زنـان مسـلمان و مردان و زنـان بـا ایمـان،ماننـدِ آنچه برای خود و فرزنـدانم از تو درخواست نمودم، در دنیـای کنونی و آخرت آینده ببخش. ۱۲/۲۵

الحاح اصرار

الحاد کفر

عذاب خدا، بر ملحدان و کفّار

أَدِرْ رَحَی نَقِمَتِکَ عَلَی الْمُلْحِدِینَ

آسیاب کیفرت را برای ملحدان به گردش

ص : ۱۲۵

درآور. ۳/۳۶

دور گرداندن بندگان از الحاد و کج روی در:

أ. امر خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... جَنَّبَنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَ الشَّكِّ فِي أَمْرِهِ

و سپاس خدای را که ما را از کج روی و شک در امر خود، دور ساخت.۱۰/۱

ب. توحید

جَنِّبْنَا الْإِلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ

ما را از کجروی در یگانگی ات دور گردان.

۱۳/۴۴

الطاف لطف

الفت انس و نیز دوستی

القا آموختن

القائات شیطان، به بنده

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّي وَ التَّظَنِّي وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو و خیال بافی و رشک، در دل من می افکند، یاد

بزرگی ات را قرار ده.۱۳/۲۰

الهام

الهام شکرگزاری، به بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... أَلْهَمَنَا مِنْ شُكْرِهِ

و سپاس خدای را که شکرش را به ما الهام نمود. ۱۰/۱

فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی... إِلْهَامِکَ الشُّکْرَ عَلَی الْإِحْسَانِ وَ الْإِنْعَامِ

پس سپاس تو را که شکرگزاری بر نیکی کردن و نعمت دادنت را به من الهام کردی.۲۸/۳۲

تَشْکُرُ مَنْ شَکَرَکَ، وَ أَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُکْرَکَ

هر که تو را شکر کرد، قدردانی کنی و حال آنکه شکرگزاری را تو به او الهام کرده ای.۶/۴۵

الهام نمودن دانش قرآن، به پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُکَمَّلًا

و علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی.۵/۴۲

الهام نمودن شکرگزاری، به ولیّ خدا

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِیِّکَ شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیْهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِیهِ

خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما و مانند آن (شکر)

را در نعمت، به ما الهام نما.۶۱/۴۷

آنچه بندگان از خدا می خواهند که به ایشان الهام نماید:

أ. وسایل دور ساختن شیطان

اللَّهُمَّ... أَلْهِمْنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ

خداوندا آنچه برای (دور ساختن) او باید آماده سازیم، به ما الهام فرما.۷/۱۷

ب. پرهیزکاری

وَ أَلْهِمْنِی التَّقْوَی

و پرهیزکاری در دلم افکن.۱۶/۲۰

ج. دانستن آنچه درباره والدین، واجب است

وَ أَلْهِمْنِی عِلْمَ مَا یَجِبُ لَهُمَا عَلَیَّ إِلْهَامًا

و آموختن آنچه را که در حقّ آنان بر من واجب است، به من الهام کن.۳/۲۴

د. اطمینان خالص و پاک

أَلْهِمْنَا ثِقَةً خَالِصَةً

اطمینانی خالص در دلمان بینداز.

۲/۲۹

هـ. شناخت (امر) خیر

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ الِاخْتِیَارِ

و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما.

۲/۳۳

و. فرمانبری نسبت به مشیّت الهی

أَلْهِمْنَا الِانْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِکَ

گردن نِهی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما.۵/۳۳

ز. سپاس گزاری از نعمت و عطای خدا

وَ أَوْزِعْنَا فِيهِ شُکْرَ نِعْمَتِکَ

و در آن (ماه) شکر نعمتت را به ما الهام کن.۷/۴۳

وَ أَوْزِعْنِی أَنْ أُثْنِیَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ

و به من الهام کن که به خاطر آنچه به من داده ای، ثنا (ی تو را) گویم.۱۱۴/۴۷

ح. شناخت برتری و حرمت ماه رمضان

أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ

شناختِ فضیلتش، و بزرگ داشتِ احترامش را به ما الهام کن.۶/۴۴

امام پیشوا و نیز ولیّ

امامت

اقتدا به امامت (ائمه علیهم السلام)

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الْمُوءْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که اقتداکنندگان به امامت ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

امانت دار

غصب کردن رتبه امانت داران

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِکَ وَ أَصْفِیَائِکَ وَ مَوَاضِعَ أُمَنَائِکَ فِی الدَّرَجِهِ الرَّفِیعَهِ الَّتِی اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدِ ابْتَزُّوهَا

خداونـدا، به درستی که این مقـام، برای جانشـینان و برگزیـدگانت و جایگاه امانت دارانت است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی، (و دشمنان آن را) ربودند.۹/۴۸

امانت داران الهی:

أ. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ أَمِینِکَ عَلَی وَحْیِکَ

خداوندا بر محمّد – امین وحیت – درود فرست.۳/۲

ب. جبرئیل

جِبْرِیلُ الْأَمِینُ عَلَی وَحْیِکَ

جبرئیل امین وحی توست.۴/۳

ج. فرشتگان

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ مِنْ

دُونِهِمْ مِنْ... أَهْلِ الْأَمَانَهِ عَلَی رِسَالَاتِکَ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند و بر رساندن پیام هایت امانت دارند.۶/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ الْمُوءْتَمَنِینَ عَلَی وَحْیِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که بر وحی تو امانت دارند.۱۰/۳

امّت

بی بهره بودن امّت های گذشته، از وجود محمّد صلی الله علیه و آله

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِیَهِ

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد، نه بر امّت های گذشته.۱/۲

شفاعت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله درحقّ مؤمنان امّتش

وَ عَرِّفْهُ فِی أَهْلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ أُمَّتِهِ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَهِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ

و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش

ص : ۱۲۸

و مؤمنان امّتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.۲۵/۲

حضرت محمّد صلی الله علیه و آله ، پنددهنده به امّتش

أَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا

او را به نصیحت کردن امّتش دستور دادی، پس آنها را نصیحت کرد.۲۲/۶

پاداش الهی به پیامبران، از جانب امّت آنها

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ وَ أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و از طرف ما بهترین و گرامی ترین پاداشی را که به پیامبرانت از جانب امّتش دادی، به او پاداش ده.۲۳/۶

درخواست اسارت و کشته شدن امّت های مشرک

اللَّهُمَّ اغْزُ بِكُلِّ نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ بِإِزَائِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ... حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَ أَسْرًا... اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْكِ

خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در

زمینت برانند. خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و دیگر امّت های مشرک.۹و۸/۲۷

برگزیدن امّت محمّد صلی الله علیه و آله ، بر همه امّت ها

ثُمَّ آثَرْتَنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ

سپس ما را بر بقیه امّت ها به وسیله آن (ماه)، برتری دادی.۲۱/۴۵

امتحان آزمایش

امتناع بازداشتن

امداد یاری

امر فرمان

امن ایمنی

امنیّت ایمنی

امید آرزو، اعتماد و نیز انتظار

امید اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، به تجارتی کسادناپذیر

وَ مَنْ کَانُوا مُنْطَوِینَ عَلَی مَحَبَّتِهِ، یَرْجُونَ تِجَارَهً لَنْ تَبُورَ فِی مَوَدَّتِهِ

و آنها که محبّت او را در دل پرورانده، در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند.

۵/۴

ص : ۱۲۹

امید نیکو به خداوند

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً... تَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به خود برانگیزی.۱۵و۱۴و۱۳/۴

امید به آمرزش الهی

فَإِنَّكَ... مَرْجُوٌّ لِلْمَغْفِرَهِ

همانا برای آمرزش، امیدواری به توست.

۱۵/۱۲

امید و اعتماد به خداوند

فَقَصَدْتُكَ، يَا إِلَهِي بِالرَّغْبَهِ، وَ أَوْفَدْتُ عَلَيْكَ رَجَائِي بِالثِّقَهِ بِكَ

پس ای خدای من از روی میلْ آهنگ تو کرده و با اعتماد به تو امیدم را به سوی تو فرستادم.

۱۸/۱۳

قطع نشدن امید بنده، از خدا

وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي عَنْكَ

و از خود ناامیدم نکن.۲۲/۱۳

امیدواری به رحمت الهی

إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِي... رَجَاءً لِرَحْمَتِكَ

تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش

می کنم، چون امیدواری به رحمت تو می باشد.

۲۸/۱۶

قطع امید شیطان، از بنده

اللَّهُمَّ... اقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا

خداوندا امیدش را از ما قطع کن.۹/۱۷

محرومیّت بنده و امیدگاه بودن خداوند

أَنْتَ مُنْتَجَعِی إِنْ حُرِمْتُ

اگر نامید گردم، امید من به توست.

۲۰/۲۰

پابرجایی آرزوی بنده و امید به رحمت الهی

اللَّهُمَّ... حَقِّقْ فِی رَجَاءِ رَحْمَتِکَ أَمَلِی

خداوندا آرزویی را که در امید به رحمتت دارم تحقّق بخش.۲۸/۲۰

امید به داشتن نعمتی، بهتر از نعمت خلق

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّی لَا أَرَی نِعْمَهً مِنْ نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِی أَفْضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنْکَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.۱۲/۲۲

ص : ۱۳۰

شریک نشدن کسی با خدا، در امید بنده

لَا يَشْرَكُكَ أَحَدٌ فِي رَجَائِي

هیچ کس در امید من، با تو شریک نیست.

۹/۲۸

نگذشتن امید امیدواران، از خدا

يَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرَّاجِينَ

ای کسی که امید امیدواران، از او نمی گذرد.

۲/۳۱

خدا، سزاوارترین امیدگاه بنده

وَ أَنْتَ أَوْلَى مَنْ رَجَاهُ

و تو سزاوارترین کسی هستی که به او امید است.۲۰/۳۲

عطا نمودن آنچه بنده به آن امید دارد

فَأَعْطِنِي يَا رَبِّ مَا رَجَوْتُ

پس ای پروردگار من، آنچه را امید دارم، به من عطا کن.۲۰/۳۲

ناامیدی از نجات، استوارتر از امید به رهایی

تَفْعَلُ ذَلِكَ يَا إِلَهِي... بِمَنْ يَأْسُهُ مِنَ النَّجَاةِ أَوْكَدُ مِنْ رَجَائِهِ لِلْخَلَاصِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ناامیدی اش از نجات، محکم تر از امیدش به

رهایی است.۱۲/۳۹

توبه نصوح، و امید به زدوده شدن بدی ها

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید.

۱۰/۴۵

رمضان، مایه امید

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ... مَرْجُوٍّ آلَمَ فِرَاقُهُ

درود بر تو مایه امیدی که فراقش رنج آور بود.

۲۶/۴۵

نااميد نگشتن اصرارکنندگانِ به درگاه خدا

وَ يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ الْمُلِحِّينَ عَلَيْهِ

و ای کسی که اصرارکنندگانِ خود را نااميد نمی کند. ۴/۴۶

اميد به عفو خداوند

فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِکَ، رَاجِيًا لِعَفْوِکَ

پس با علم به تهدیدت و امیدواری به بخشایشت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد.۶۸/۴۷

أَتَيْتُکَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِکَ الَّذِی عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ

به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم، بخشایشی که با آن از (تقصیر)

خطاکاران گذشتی.۷/۴۸

ناامید نشدن از خدا

وَ شَفَعْتُهُ بِرَجَائِکَ الَّذِی قَلَّ مَا یَخِیبُ عَلَیْهِ رَاجِیکَ

و آن را جفت امید به تو کردم. همان (امیدی) که با وجود آن، امیدوار به تو کمتر ناامید می شود.

۷۳/۴۷

جز به خدا امید نداشتن

فَإِنِّی... لَا أَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِی وَ دُنْیَایَ سِوَاکَ

پس به درستی که برای کار آخرت و دنیایم به احدی جز تو امید ندارم.۴/۴۸

إِلَهِی لَمْ تَفْضَحْنِی بِسَرِیرَتِی... فَلَا أَدْعُو سِوَاکَ، وَ لَا أَرْجُو غَیْرَکَ

خدای من، به (ناپاکی) درونم مرا رسوا نکردی. پس جز تو را نمی خوانم و به جز تو امیدوار نیستم.۱۱/۵۱

روز عید قربان و جمعه، و امید به عفو الهی

فَإِلَیْکَ یَا مَوْلَایَ کَانَتِ الْیَوْمَ تَهْیِئَتِی... رَجَاءَ عَفْوِکَ

پس ای سرور من، امروز مهیّا گشته تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش تو نائل شوم.

۵/۴۸

ناامید نکردن امید بنده، در روز قربان و جمعه

لَا تُخَیِّبِ الْیَوْمَ ذَلِکَ مِنْ رَجَائِی

امروز این امید مرا ناامید نکن.۶/۴۸

به خدا امید داشتن

وَ إِیَّاکَ أَرْجُو

و فقط به تو امیدوارم.۱۱/۵۲

فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ ثِقَتِی وَ رَجَائِی فِی الْأُمُورِ کُلِّهَا

پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی.۸/۵۴

امید به غیر خدا

مَنْ أَصْبَحَ لَهُ ثِقَهٌ أَوْ رَجَاءٌ غَیْرُکَ

هر کس صبح کرد، در حالی که اعتماد یا امیدش به جز تو بود.۸/۵۴

امین امانت دار

انابه توبه

انانیّت تکبّر

انباشته متراکم

انتخاب اختیار

انتظار

خدا، در انتظار بازگشت بندگان

...وَ انْتَظَرَ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا

...و به مهربانی اش از روی بردباری، بازگشت

ص : ۱۳۲

ما را انتظار کشید.۲۱/۱

اسرافیل، در انتظار فرمان خدا

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ، وَ حُلُولَ الْأَمْرِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه و رسیدن فرمان توست.۲/۳

از روی ملاطفت نبودنِ انتظار خدا

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا... وَ لَا انْتِظَارُکَ مُدَارَاةً

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است و به تأخیر انداختنت نه از روی نرمی کردن است.

۲۲/۴۶

در انتظار ایّام (دولت) ائمّه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِیَائِهِمُ... الْمُنْتَظِرِینَ أَیَّامَهُمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که منتظران روزهای (دولت) ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

انتظار ستمگر، و فرصت مناسب شکار

وَ کَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِی بِمَکَایِدِهِ... وَ أَضْبَأَ إِلَیَّ إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِیدَتِهِ انْتِظَارًا لِانْتِهَازِ الْفُرْصَهِ لِفَرِیسَتِهِ

و چه بسیار ستمگری که با نیرنگ هایش به من ستم کرد و همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در کمین من نشست.

۷/۴۹

انتقال جابه جایی

انتقال یابنده بودنِ همه در صفات، جز خدا

وَ مَنْ سِوَاکَ... مُتَنَقِّلٌ فِی الصِّفَاتِ

و غیر تو، در صفاتش دگرگون می باشد.

۱۱/۲۸

یاری الهی، در حرکت و انتقال

لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ

هیچ حرکت و نیرویی نیست، مگر به یاری خداوند بلندمرتبه بزرگ.۲۵/۴۶

انتقام کینه

عدم شتاب خداوند، در انتقام گرفتن

...لَمْ یُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ

...در سرکوب ما عجله ننمود.۲۱/۱

وَ اسْتُرْنِی بِسِتْرِکَ کَمَا تَأَنَّیْتَنِی عَنِ الِانْتِقَامِ مِنِّی

و مرا با پوشش خود بپوشان، آنگونه که در انتقام از من درنگ فرمودی.۱۲/۳۱

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَیْسَ... فِی نَقِمَتِکَ عَجَلَهٌ

دانسته ام که در انتقام تو شتاب، نیست.

۱۵/۴۸

خیر بنده، در انتقام نگرفتن از ستمگر

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتِ الْخِيَرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي وَ تَرْكِ الِانْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَ مَجْمَعِ الْخَصْمِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَيِّدْنِي مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقّم و به کیفر نرسیدن ستمگرم تا روز رستاخیر و محل جمع شدن دشمنان می باشد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.۱۴/۱۴

درآمدن به درگاه انتقام الهی، توسّط شیطان

...وَ أَخْرَجَنِي إِلَى فِنَاءِ نَقِمَتِكَ طَرِيدًا

...و مرا رانده شده، به سوی درگاه انتقامت درآورد. ۱۳/۳۲

علّت شتاب نکردن خدا، در انتقام

فَأَمَّا الْعَاصِي أَمْرَكَ وَ الْمُوَاقِعُ نَهْيَكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنَقِمَتِكَ لِكَيْ يَسْتَبْدِلَ بِحَالِهِ فِي مَعْصِيَتِكَ حَالَ الْإِنَابَةِ إِلَى طَاعَتِكَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی، تا حال خود را در نافرمانی ات به حال طاعتت عوض کند.

۱۴/۳۷

عدم توانایی تحمّل انتقام الهی

فَإِنَّ قُوَّتِي لَا تَسْتَقِلُّ بِنَقِمَتِكَ

پس به درستی که نیروی من تاب انتقام تو را ندارد.۵/۳۹

انتقام گرفتن (از دشمنان خدا)، برای خدا

وَ لَا تَتَّخِذْنِي هُزُوًا لِخَلْقِكَ... وَ لَا مُمْتَهَنًا إِلَّا بِالِانْتِقَامِ لَكَ

و مرا سبب خنده آفریدگانت قرار نده و جز برای انتقام گرفتن برای تو، خدمت گزارم نگردان.

۱۲۴/۴۷

نشانه انتقام خدا نگشتن

لَا تَجْعَلْنِي... لِنَقِمَتِكَ نَصَبًا

مرا نشانه انتقام خود نگردان.۱۶/۴۸

بینایی خدا به ناتوانی بنده، از انتقام گرفتن

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی... عَجْزِی عَنِ الِانْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِی بِمُحَارَبَتِهِ

ای خدای من، پس تو عجزم را از انتقام گرفتن از کسی که قصد جنگ با من نموده، مشاهده کردی.

۵/۴۹

پناهنده شدن به پناهگاه انتقام الهی

فَنَادَیْتُکَ یَا إِلَهِی... عَالِمًا أَنَّهُ... لَا یَفْزَعُ مَنْ لَجَأَ إِلَی

ص : ۱۳۴

مَعْقِلِ انْتِصَارِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به پناهگاه انتقام تو پناهنده شود، هراسی ندارد.۱۰/۴۹

انتها پایان

انجام دادن اجرا و نیز اقدام

مورد سؤال واقع نشدن خدا، از آنچه انجام می دهد

لَا یُسْأَلُ عَمَّا یَفْعَلُ وَ هُمْ یُسْأَلُونَ

از آنچه او انجام می دهد، بازخواست نشود و ایشان (آفریدگان) بازخواست شوند.۷/۱

لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ

تو از آنچه انجام می دهی، بازخواست نخواهی شد.۱۳/۴۹

خدا، انجام دهنده آنچه بخواهد

إِنَّکَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ

همانا تو آنچه می خواهی انجام می دهی.

۳۴/۱۶

إِنَّکَ... الْفَعَّالُ لِمَا تُرِیدُ

به درستی که تو انجام دهنده هر چه بخواهی می باشی.۱۸/۲۷

إِنَّکَ فَعَّالٌ لِمَا تُرِیدُ

به درستی که تو هر آنچه را که بخواهی، به جا می آوری.۱۹/۴۴

انجام خدمت گزاریِ والدین

وَ لَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِیفَهَ خِدْمَتِهِمَا

و من وظیفه خدمت گزاری ایشان را انجام نداده ام.۱۱/۲۴

انحراف کجی

انداختن افکندن

اندازه تقدیر

اندازه گیری

شناساندن اندازه آب ها، به فرشتگان

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ عَرَّفْتَهُمْ مَثَاقِیلَ الْمِیَاهِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که وزن آب ها را به آنان شناسانده ای.۱۶و۱۱و۱۰/۳

به اندازه ذرّه ای به پادشاهی خدا نیفزودنِ عذاب بنده

وَ لَیْسَ عَذَابِی مِمَّا یَزِیدُ فِی مُلْکِکَ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ

و عذاب من، چیزی نیست که ذرّه ای بر پادشاهی تو بیفزاید.۶/۵۰

ص : ۱۳۵

اندام بدن

استوار گرداندن اندام کردارها، در بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... أَثْبَتَ فِینَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ

و سپاس خدای را که اعضای (کار و) کردارها را در ما ثابت ساخت.۲۰/۱

فرونبردن اندام های بندگان، در معصیت خدا

لَا تَجْعَلْ لِشَیْ‏ءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوذًا فِی مَعْصِیَتِکَ

اعضای ما را در نافرمانی ات نفوذناپذیر کن.

۶/۹

حرکت اندام، در مسیر جلب پاداش الهی

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَ حَرَکَاتِ أَعْضَائِنَا وَ لَمحاتِ أَعْیُنِنَا، وَ لَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ

و رازهای دل هایمان و جنبش های اعضایمان و نگاه های زیرچشمی دیدگانمان و سخنان زبان هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده.۷/۹

اندام ها در مسیر طاعت خداوند

وَ اشْغَلْ... جَوَارِحَنَا بِطَاعَتِکَ عَنْ کُلِّ طَاعَةٍ

و اعضای ما را به اطاعت خود از هر اطاعتی مشغول ساز.۱/۱۱

رنج نبردن اندام، در ثبت برخی اعمال

پاکیزه

فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَکَّرَ فِیهِ... وَ لَا جَارِحَةٌ تَکَلَّفَتْهُ

در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که نه دلی در آن اندیشیده و نه اندامی آن را با مشقّت انجام داده. ۵/۱۵

لرزش اندام بنده از شکوه خداوند

قَدْ تَرَی یَا إِلَهِی... انْتِقَاضَ جَوَارِحِی مِنْ هَیْبَتِکَ

ای خدای من، ناتوانی اندامم را از هیبت خود می بینی.۱۹/۱۶

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ... اضْطِرَابَ أَرْکَانِی مِنْ هَیْبَتِکَ

خداوندا، پس به لرزش اندامم از شکوهت، رحم فرما.۲۳/۳۱

سنگین نگرداندن اندام بنده

وَ وَفِّقْنِی لِلنُّفُوذِ فِیما تُبَصِّرُنِی مِنْ عِلْمِهِ حَتَّی... لَا تَثْقُلَ أَرْکَانِی عَنِ الْحُفُوفِ فِیما أَلْهَمْتَنِیهِ

و مرا برای انجام به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا اعضایم از انجامِ آنچه آن را به من الهام فرموده ای، سنگین نشود.۳/۲۴

سالم داشتن اندام فرزندان

عَافِهِمْ فِی أَنْفُسِهِمْ وَ فِی جَوَارِحِهِمْ

آنان را در جان و اعضا تندرستی ده.۲/۲۵

ص : ۱۳۶

سست نمودن اندام دشمن، از جنگ

أَوْهِنْ أَرْكَانَهُمْ عَنْ مُنَازَلَهِ الرِّجَالِ

اندامشان را از جنگیدن با مردان سست گردان. ۱۱/۲۷

سالم ماندن اندام، از کیفر الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهً تَسْلَمُ بِهَا کُلُّ جَارِحَهٍ عَلَی حِیَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِکَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم مانَد.۲۲/۳۱

ثابت نمودن اندام، در تن بنده

أَثْبَتَّ فِیَّ الْجَوَارِحَ کَمَا نَعَتَّ فِی کِتَابِکَ...

در من اندام ها را پابرجا کردی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی.۲۳/۳۲

عامل بازدارنده اندام، از ارتکاب گناه

اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِجَوَارِحِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْآثَامِ زَاجِرًا

قرآن را مانع برای اندام های ما از انجام گناهان، قرار ده.۱۰/۴۲

روزه و بازداشتن اندام از گناهان

أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِیهِ بِمَا یُرْضِیکَ

ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان

و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما.۶/۴۴

از هم پاشیدن اندام

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی... حَالِی إِذَا... تَفَرَّقَتْ أَعْضَائِی

مولای من! بر حال من، هنگامی که اعضایم گسسته شود، رحم کن.۶/۵۳

اندرز پند

اندک

فزونی بخشیدن امّت مسلمانان، بر کسانی که اندک اند

وَ کَثَّرَنَا بِمَنِّهِ عَلَی مَنْ قَلَّ

و ما را با احسان خود، بر کسانی که اندک بودند، فزونی بخشید.۲/۲

اندک بودن درخواست بسیار بنده، نزد خدا

وَ عَلِمْتُ أَنَّ کَثِیرَ مَا أَسْأَلُکَ یَسِیرٌ فِی وُجْدِکَ

و دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است.۱۹/۱۳

اندک بودن هر ناپسندی، در برابر خشم خدا

ص : ۱۳۷

فَكَلَّ مَكْرُوهٍ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ

پس هر ناپسندی در مقابل خشم تو اندک است.۹/۱۴

اندک نبودن آنچه پایانش همیشگی است

وَ غَيْرُ قَلِيلٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْبَقَاءُ

و آنچه فرجامش بقاست، کم نیست.۳/۱۸

کم و ناگوار بودن بخشش خویشان

إِنْ أَلْجَأْتَنِي إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي، وَ إِنْ أَعْطَوْا أَعْطَوْا قَلِيلًا نَكِدًا

اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند.

۳/۲۲

اندک دانستن نیکوکاری خود، درباره والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيَّ وَ بِرِّي بِهِمَا أَقَرَّ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْنَانِ... حَتَّى... أَسْتَقِلَّ بِرِّي بِهِمَا وَ إِنْ كَثُرَ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا نیکی خود را درباره ایشان - اگرچه بسیار باشد - اندک بدانم.۵/۲۴

بسیار شمردن نیکویی اندک والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيَّ وَ بِرِّي بِهِمَا أَقَرَّ لِعَيْنِي مِنْ

رَقْدَةِ الْوَسْنَانِ... حَتَّى... أَسْتَكْثِرَ بِرَّهُمَا بِي وَ إِنْ قَلَّ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا نیکی ایشان را درباره خود - اگرچه اندک باشد - بسیار شمارم.۵/۲۴

اندک نمایی دشمن، در چشم مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِي عَيْنِهِ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما.۱۵/۲۷

اندکیِ طاعت بنده، از خدا

قَلَّ عِنْدِی مَا أَعْتَدُّ بِهِ مِنْ طَاعَتِکَ

طاعتی که به شمار آورم، نزد من کم است.

۱۰/۳۲

خدا، پاداش دهنده سپاس اندک

إِنَّکَ... الْقَابِلُ یَسِیرَ الْحَمْدِ، الشَّاکِرُ قَلِیلَ الشُّکْرِ

همانا تو قبول کننده سپاس اندک، (و) پاداش دهنده شکر کم، هستی.۷/۳۶

پاداش خداوند، به طاعت کم

وَ تُثِیبُ عَلَی قَلِیلِ مَا تُطَاعُ فِیهِ

و بر اندکْ طاعتی که از تو شود، پاداش می دهی.۶/۳۷

جزای خداوند، به عمل اندک

ص : ۱۳۸

تَشْكُرُ يَسِيرَ مَا شَكَرْتَهُ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی.

۶/۳۷

يَا مَنْ... يَشْكُرُ يَسِيرَ مَا يُعْمَلُ لَهُ

ای کسی که اندک عملی را که برای او انجام می شود، سپاس می دارد.۶/۴۶

يَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَ يُجَازِي بِالْجَلِيلِ

ای کسی که (عمل) کم را سپاس می گذارد و پاداش بزرگ می دهد.۷/۴۶

خوشنودی خدا، به کمتر از استحقاقش

فَجَمِيعُ مَا أَخَّرْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ... تَرْكٌ مِنْ حَقِّكَ، وَ رِضًى بِدُونِ وَاجِبِكَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای، ترک کردن حقّ خود و راضی شدن به کمتر از شایستگی خودت بوده است.۱۵/۳۷

اندکِ نیکی های بنده، در بین بدی هایش

تَفْعَلْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ... لَا أَنْ يَكُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقِلَّهِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک است.

۱۲/۳۹

ادای اندکی (از عبادات)، در ماه رمضان

وَ أَدَّيْنَا فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ

و در آن اندکی از بسیار را انجام دادیم.

۴۴/۴۵

احسان فراوان خداوند و شکر اندک بنده

إِحْسَانُکَ أَکْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْکَرَ عَلَی أَقَلِّهِ

احسان تو افزون تر از آنست که بر کمترین آن شکر توان کرد.۲۳و۲۲/۴۶

کمترین کمتران بودن بنده، پس از اعتراف

وَ أَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقَلِّینَ

و من بعد از این، کمترین کمترانم.۷۵/۴۷

اندک بودن قدر و منزلت بنده

فَارْحَمْنِی اللَّهُمَّ فَإِنِّی امْرُؤٌ حَقِیرٌ، وَ خَطَرِی یَسِیرٌ

پس خداوندا، بر من رحم کن. زیرا من فردی حقیرم، و منزلتم اندک است.۶/۵۰

اندک شمردن کردار خود

اللَّهُمَّ إِنِّی أُصْبِحُ وَ أُمْسِی مُسْتَقِلًّا لِعَمَلِی

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم.

۷/۵۲

اندک بودن اندیشه بنده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... فِکْرُهُ قَلِیلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَیْهِ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که اندیشه اش برای آنچه به سوی آن بازمی گردد، اندک است.۸/۵۲

اندوخته ذخیره

اندوه

آسان نمودن اندوه جان کندن

وَ تُهَوِّنَ عَلَیْهِمْ کُلَّ کَرْبٍ یَحُلُّ بِهِمْ یَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا

و در آن روز که جان ها از تن بیرون رود، هر اندوهی را بر ایشان آسان گردانی.۱۷/۴

وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَی أَنْفُسِنَا کَرْبَ السِّیَاقِ

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن را بر ما آسان گردان.۱۳/۴۲

شکست دادن تسلّط غم و اندوه

وَ اکْسِرْ عَنِّی سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِکَ

و به توانایی ات سلطه غم و اندوه را بر من بشکن.۸/۷

غم و اندوه، بازدارنده عمل به واجبات و مستحبّات

وَ لَا تَشْغَلْنِی بِالِاهْتِـمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِکَ، وَ اسْتِعْمَالِ سُنَّتِکَ

و مرا به سبب غم و اندوه از رعایت واجبات و انجام سنّت خود بازمدار.۹/۷

توانایی خداوند، بر دفع اندوه بنده

وَ امْتَلَأْتُ بِحَمْلِ مَا حَدَثَ عَلَیَّ هَمًّا، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَی کَشْفِ مَا مُنِیتُ بِهِ

و از آنچه برایم رخ داده از غم و اندوه پر گشته ام و تو بر دفع آنچه به آن گرفتار شده ام توانایی.۱۰/۷

رهایی یافتن از اندوه

وَ اجْعَلْ... خَلَاصِی مِنْ کَرْبِی إِلَی رَوْحِکَ

و رهایی از اندوهم را به بخشایشت قرار ده.

۶/۱۵

خدا، شادی هر اندوهگین

وَ یَا فَرَجَ کُلِّ مَکْرُوبٍ کَئِیبٍ

و ای گشایش دهنده هر دلتنگ اندوهگین.

۴/۱۶

خدا، یاور بنده اندوهگین

اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِی إِنْ حَزِنْتُ

خداوندا اگر اندوهگین شوم، مایه دلخوشی ام تویی. ۲۰/۲۰

ص : ۱۴۰

غم های سخت بنده و فریادرسی خداوند

وَ بِکَ اسْتِغَاثَتِی إِنْ کَرِثْتُ

و اگر اندوه مرا فراگیرد، از تو فریادرسی خواهم. ۲۰/۲۰

اندوهگین نشدن بنده، از منع الهی

وَ اجْعَلْ ثَنَائِی عَلَیْکَ... حَتَّی... لَا أَحْزَنَ عَلَی مَا مَنَعْتَنِی فِیهَا

و ستایش مرا ویژه خودت قرار ده. تا به آنچه مرا از آن بازداشته ای، غمگین نگردم.۹/۲۱

روزی بنده نمودنِ اندوه کیفر

وَ ارْزُقْنِی خَوْفَ غَمِّ الْوَعِیدِ

و ترسِ اندوهِ وعده ها(ی عذاب) را روزی ام فرما.۹/۲۲

رهاندن مجاهد، از غمِ تنهایی

وَ أَجِرْهُ مِنْ غَمِّ الْوَحْشَهِ

و او را از اندوه تنهایی حفظ کن.۱۳/۲۷

پاداش اندوهگینی مسلمان، از گرد آمدن مشرکان

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ... أَحْزَنَهُ تَحَزُّبُ أَهْلِ الشِّرْکِ عَلَیْهِمْ... فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداوندا و هر مسلمانی که اجتماع مشرکان بر ضدّ ایشان، اندوهگینش نمود، پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

پناه بردن به خدا، از اندوه قرض

وَ أَعُوذُ بِکَ، یَا رَبِّ، مِنْ هَمِّ الدَّیْنِ وَ فِکْرِهِ

و به تو پناه می برم – ای پروردگارم – از اندوه و اندیشه وام.۲/۳۰

نجات از اندوه، در روز رستاخیز

وَ نَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَهِ...

و ما را به وسیله آن (قرآن)، در روز رستاخیز از هر اندوهی نجات ده.۱۵/۴۲

اندوهناك شدن روزه داران، از رفتن ماه رمضان

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ... غَمَّنَا وَ أَوْحَشَنَا انْصِرَافُهُ عَنَّا

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که رفتنش از (میان) ما، اندوهگین و بیمناکمان می سازد.۲۳/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ... مَحْزُونٍ عَلَيْهِ قَبْلَ فَوْتِهِ

درود بر تو که پیش از از دست رفتنش، بر آن اندوه خورند.۳۸/۴۵

پناه بردن به خدا، از اندوه عقاب

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ... حَتَّى نَجِدَ... كَأْبَهَ مَا نَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ

خداوندا ترسِ کیفرِ هشدارداده شده را روزی ما گردان. تا اندوه آنچه از آن به تو پناه می بریم، دریابیم. ۵۳/۴۵

اندوهگین نمیراندن بنده

وَ لَا تُهْلِكْنِي يَا إِلَهِي غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي

و ای خدای من، مرا اندوهگین نمیران، تا اینکه اجابتم کنی.۱۴/۴۸

خدا، دورکننده غم و اندوه

وَ نَفِّسْنِي

و اندوهم را برطرف کن.۱۶/۴۸

وَ افْرُجْ هَمِّي، وَ اكْشِفْ غَمِّي

و اندوه مرا برطرف کن و غمم را بزدا.

۱/۵۴

غصّه و اندوه، گلوگیر حسود

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بِي بِغُصَّتِهِ

و چه بسیار حسودی که به خاطر من اندوهش گلوگیر او شد.۹/۴۹

خداوند، بردارنده پرده های اندوه

وَ كَمْ مِنْ... غَوَاشِي كُرُبَاتٍ كَشَفْتَهَا

و چه بسیار پرده های اندوه که برداشتی.

۱۱/۴۹

شِکوه نمودن به خدا، از بسیاری اندوه ها

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي... كَثْرَةَ هُمُومِي

ای خدای من، از بسیاری اندوه هایم، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

اندیشه

ناتوانی اندیشه ها، از توصیف خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِی... عَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِینَ

سپاس خدای را، همان که پندارهای وصف کنندگان از وصفش عاجز است.۲و۱/۱

نیندیشیدن درباره اعمال پاکیزه ثبت شده، هنگام بیماری

وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَکَّرَ فِیهِ

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که دلی در آن نیندیشیده.۵/۱۵

تفکّر در قدرت الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ فِی رُوعِی... تَفَکُّرًا فِی قُدْرَتِکَ

خداوندا به جای آنچه شیطان در دل من می افکند، اندیشه در قدرتت را قرار ده.۱۳/۲۰

ص : ۱۴۲

اندیشه در مالی فتنه انگیز

وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ

و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن.۴/۲۷

وام و پراکندگی فکر بنده

وَ هَبْ لِيَ الْعَافِيَهَ مِنْ دَيْنٍ... يَتَشَعَّبُ لَهُ فِكْرِی

و مرا معاف دار، از وامی که فکرم برای آن پریشان گردد.۱/۳۰

اندیشه قرض

وَ أَعُوذُ بِکَ، يَا رَبِّ، مِنْ هَمِّ الدَّيْنِ وَ فِكْرِهِ

و به تو پناه می برم – ای پروردگارم – از اندوه و اندیشه وام.۲/۳۰

اندیشیدن در مخالفت با پروردگار

وَ فَكَّرَ فِيما خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ

و در آنچه با آن پروردگارش را مخالفت کرده، اندیشید. ۷/۳۱

توبه از اندیشه بد

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَيْکَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَکَ، أَوْ زَالَ عَنْ مَحَبَّتِکَ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِی، وَ لَحَظَاتِ عَيْنِی

خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته تو یا دور از دوستی توست؛ از اندیشه های دلم و نگاه های چشمم، به درگاهت توبه می کنم.۲۲/۳۱

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْکَ... مِنْ كُلِّ... خاطِرِ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ

خداوندا ما از هر اندیشه بدی که در دل داشته ایم، به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

اندیشه در کبریایی خداوند

وَ حَارَتْ فِی كِبْرِيَائِکَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ

و تصوّرهای دقیق در بزرگواری ات سرگردان گشته. ۷/۳۲

آراسته شدن خطا، با اندیشه بد

وَ سَوَّلَ لِیَ الْخَطَاءَ خَاطِرُ السُّوءِ فَفَرَّطْتُ

و اندیشه بدْ خطا را برای من آراست، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم.۱۶/۳۲

قرآن، حافظ بندگان از خطور اندیشه های وسوسه انگیز

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا... مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا

قرآن را نگهبان ما، از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد، قرار ده.۱۰/۴۲

وَ احْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّهِ ضَمَائِرِنَا

و با آن خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار.۱۱/۴۲

راهنمایی خداوند، و رسیدن اندیشه ها به

حقایق

وَ أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِکَ مِنْ غَیْبِکَ... عَلَی مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ... لَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ

و تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی، اندیشه هایشان به آن نمی رسید.

۱۴/۴۵

درماندن اندیشه ها، از ادراک ذات خدا

أَنْتَ الَّذِی قَصُرَتِ الْأَوْهَامُ عَنْ ذَاتِیَّتِکَ

تویی آنکه اندیشه ها از حقیقت ذات تو قاصرند. ۱۸/۴۷

کمین گرفتن دشمن، و تفکّر ننمودن بنده درباره آن

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی... وَحْدَتِی فِی کَثِیرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِی، وَ أَرْصَدَ لِی بِالْبَلَاءِ فِیما لَمْ أُعْمِلْ فِیهِ فِکْرِی

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیانِ) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده و برای گرفتار ساختنم در آنچه درباره آن نیندیشیده ام، در کمین نشسته، مشاهده کردی.

۵/۴۹

اندیشیدن ستمگر و دام او

وَ رَدَدْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ، فَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِیلًا فِی رِبَقِ حِبَالَتِهِ الَّتِی کَانَ یُقَدِّرُ أَنْ یَرَانِی فِیهَا

و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی، تا پس از آن همه گردن کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، درآمد.۸/۴۹

اندیشه اندک بنده، نسبت به آخرت

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُؤَالَ مَنْ... فِکْرُهُ قَلِیلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَیْهِ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که اندیشه اش برای آنچه به سوی آن بازمی گردد، اندک است.۸/۵۲

انذار

بیم داشتن از انذار الهی

اجْعَلْ... حَذَرِی مِنْ إِعْذَارِکَ وَ إِنْذَارِکَ

بیم مرا از مهلت دادن ها و ترساندنهایت، قرار ده. ۱۲۲/۴۷

انزوا تنهایی

اُنس

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، از محل انسش

وَ هَاجَرَ إِلَی... مَحَلِّ النَّأْیِ عَنْ... مَأْنَسِ نَفْسِهِ

و از جای انس گرفتنش، به محل دور هجرت نمود.۱۶/۲

ص : ۱۴۴

انس گرفتن مرزداران اسلام، با یکدیگر

وَ أَلِّفْ جَمْعَهُمْ

و جمعشان را الفت ده.۲/۲۷

انس گرفتن با:

أ. خداوند

یَا أُنْسَ کُلِّ مُسْتَوْحِشٍ غَرِیبٍ

ای آرامِ دل هر وحشت زده دور از وطن.

۴/۱۶

وَ هَبْ لِیَ الْأُنْسَ بِکَ

و انس با خودت را به من ببخش.

۱۱/۲۱

...بَلِ اجْعَلْ سُکُونَ قَلْبِی وَ أُنْسَ نَفْسِی وَ اسْتِغْنَائِی وَ کِفَایَتِی بِکَ

...بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود قرار ده.

۱۲/۲۱

وَ اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ... وَ تَجَرُّدِی بِسُکُونِی إِلَیْکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و کوشش کردنم برای خو گرفتن با تو، آباد گردان.۱۲۳/۴۷

ب. دوستان خدا و پیروان او

هَبْ لِیَ الْأُنْسَ بِکَ وَ بِأَوْلِیَائِکَ وَ أَهْلِ طَاعَتِکَ

انس با خودت و دوستانت و فرمانبرانت را به من ببخش.۱۱/۲۱

ج. نیکان خلق

...بَلِ اجْعَلْ سُکونَ قَلْبِی وَ أَنْسَ نَفْسِی وَ اسْتِغْنَائِی وَ کِفَایَتِی بِکَ وَ بِخِیَارِ خَلْقِکَ

...بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.۱۲/۲۱

د. مرگ

وَ آنِسْنَا بِهِ قَادِمًا

و ما را به آن تازه وارد (مرگ)، انس ده.

۴/۴۰

هـ. قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده.۱۰/۴۲

و. رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ أَلِیفٍ آنَسَ مُقْبِلًا فَسَرَّ

درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت.۲۷/۴۵

انسان

پناه بردن به خدا، از شرّ هر جنّ و انس

ص : ۱۴۵

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِکَ وَ لِأَهْلِ بَیْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ

و من و فرزندانم را از شرّ هر جنّ و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند، پناه ده.۶/۲۳

درود جنّ و انس، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً... تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِکَ مِنْ جِنِّکَ وَ إِنْسِکَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای بندگانت از جن و اِنست و اجابت کنندگان دعوتت را شامل شود.

۵۴/۴۷

انسانیّت

حدود انسانیّت و مرز حیوانیّت

وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِکَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِیَّهِ إِلَى حَدِّ الْبَهِیمِیَّهِ

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رومی آوردند.۹/۱

انصاف عدل

انفاق

اثر و نتیجه انفاق

وَ أَصِبْ بِی سَبِیلَ الْهِدَایَهِ لِلْبِرِّ فِیما أُنْفِقُ مِنْهُ

و مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان.۲۳/۲۰

انفاق در راه های خیر

وَ وَجِّهْ فِی أَبْوَابِ الْبِرِّ إِنْفَاقِی

و انفاق نمودنم را در مسیرهای خیر قرار ده.

۳/۳۰

انفاق کنندگان اموال، در راه خدا

وَ قُلْتَ: مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ، وَ اللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ

و فرمودی: «داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.»۱۳/۴۵

انقضا گذشته

انقطاع بریدن

انقیاد فرمانبری

انکار

ائمه علیهم السلام ، گواه بر منکران (دین)

ص : ۱۴۶

جَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ

ما را بر کسانی که انکار کرده اند، شاهد گرداند.

۲/۲

نزدیکان محمّد صلی الله علیه و آله و انکار خداوند

وَ أَقْصَى الْأَدْنَيْنَ عَلَى جُحُودِهِمْ

و نزدیکان را بر اثر انکارشان، دور نمود.

۹/۲

انکار کردار شیطان

اللَّهُمَّ وَ أَشْرِبْ قُلُوبَنَا إِنْكَارَ عَمَلِهِ

خداوندا و دل های ما را از انکار او سیراب ساز.۸/۱۷

منکر احسان الهی

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِيطًا... كَالْمُنْكِرِ فَضْلَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ...

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده. مانند انکارکننده بسیاری فضل تو به خودش.

۷و ۶/۳۱

کیفر بنده و انکار نکردن عدل الهی

لَا يُنْكِرُ يَا إِلَهِي عَدْلَكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ

ای خدای من، اگر او را عقوبت دهی، عدل تو را انکار نمی کند.۱۰/۳۱

بنده و عدم انکار شایستگی کیفر الهی

إِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي تَفْعَلْهُ بِمَنْ لَا يَجْحَدُ اسْتِحْقَاقَ عُقُوبَتِكَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که شایستگی عقوبت تو را انکار نمی

کند.۱۱/۳۹

اوّل

اوّل بودن خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ

سپاس خدای را، اوّلی که پیش از او اوّلی نبوده است.۱/۱

عَزَّ سُلْطَانُكَ عِزًّا لَا حَدَّ لَهُ بِأَوَّلِيَّةٍ

فرمانروایی تو، چنان با عزّت است، که حدّی برای اوّلش نیست.۴/۳۲

كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِي أَوَّلِيَّتِكَ

چنین است که تو خدایی هستی که در اوّلیتِ خود اوّلی.۸/۳۲

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. نخستین پیش از هر کس.۹/۴۷

اوّلین درخواست کننده از خدا

فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَيْكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَ هُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنْعَ

ص : ۱۴۷

پس من اوّلین روآورنده نیستم که به تو روآورده و به او بخشش کردی، با اینکه سزاوار منع است.۲۰/۱۳

آتش، جزای اوّلین معصیت

وَ إِنْ کُنْتَ تَغْفِرُ لِی حِینَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَکَ... فَإِنَّ ذَلِکَ غَیْرُ وَاجِبٍ لِی بِاسْتِحْقَاقٍ... إِذْ کَانَ جَزَائِی مِنْکَ فِی أَوَّلِ مَا عَصَیْتُکَ النَّارَ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست. زیرا کیفر من در نخستین گناهی که کردم، آتش بود.۳۱/۱۶

اوّلین توبه کننده

وَ إِنْ یَکُنِ التَّرْکُ لِمَعْصِیَتِکَ إِنَابَةً فَأَنَا أَوَّلُ الْمُنِیبِینَ

و اگر ترک معصیت تو، بازگشت است، پس من نخستین بازگشت کننده ام.۲۸/۳۱

سزاواری همه کیفرها، با اوّلین معصیت

وَ لَقَدْ کَانَ یَسْتَحِقُّ فِی أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْیَانِکَ کُلَّ مَا أَعْدَدْتَ لِجَمِیعِ خَلْقِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ

و حال آنکه او در آغاز که همّت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.

۱۴/۳۷

درخواست دوام (نعمت) اوّل

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ

سپاس برای توست. سپاسی که دوام اوّلین، به وسیله آن درخواست گردد.۳۸و۳۶/۴۷

درودی با آغازی بی حدّ، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِی أَوَّلِهَا

پروردگار من، بر او و بر آنها درود فرست، درودی که مرزی در اوّلش نباشد.۵۸/۴۷

جفت کردن اوایل نعمت های الهی، با اواخر آنها

وَ اشْفَعْ لِی أَوَائِلَ مِنَنِکَ بِأَوَاخِرِهَا

و برای من اولین نعمت هایت را، با آخِرین آن توأم ساز.۱۲۱/۴۷

اولی الارحام خویشان

اولی الامر پیشوا

اهانت

تغییر معاشرتِ اهانت آمیز، به معاشرت نیک

أَبْدِلْنِی... مِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِینَ کَرَمَ الْعِشْرَهِ

درباره من اهانت معاشران را به معاشرتِ نیک مبدّل فرما.۷/۲۰

ص : ۱۴۸

اهتمام کوشش

مورد اهتمام خدا قرار گرفتن

وَ بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ عُنِیتَ بِهِ

و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای.۱۰۵/۴۷

اهل خویشان

اهل بیت علیهم السلام

درود خداوند، بر محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

خداوندا بر محمّد و بر خانواده پاک و پاکیزه او درود فرست.۱۵/۱۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ

خداوندا بر محمّد و بر خاندان پاکش درود فرست.۱/۲۴

فَإِنِّی لَمْ آتِکَ ثِقَةً مِنِّی بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَهِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَهَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ سَلَامُکَ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعتِ آفریده ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو

نیامده ام، جز شفاعت محمّد و خانواده او - که درود تو بر او و بر ایشان باد - .۶/۴۸

برپایی جنگ علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّيَّتِی... مِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِکَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ

و من و فرزندانم را از شرّ هر جنّ و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند، پناه ده.۶/۲۳

درود خداوند، بر پاکیزه تران اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ...

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست.۵۶/۴۷

امید به شفاعت محمّد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

فَإِنِّی لَمْ آتِکَ ثِقَهً مِنِّی بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَهِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَهَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ سَلَامُکَ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعتِ آفریده ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو نیامده ام، جز شفاعت محمّد و خانواده او - که

درود تو بر او و بر ایشان باد – .۶/۴۸

ایجاد اختراع

ایستادن قیام

در ملک خدا بودنِ هر ایستاده ای

وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ... مُقِيمُهُ وَ شَاخِصُهُ

و صبح کردند همه چیز از ثابت و رونده و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

ایستادن به درگاه خدا

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي وَاقِفٌ بِبَابِ عِزِّكَ وُقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الذَّلِيلِ

پس ای خدای من، به درگاه عزّت تو همچون فرمانبری خوار، ایستاده ام.۴/۱۲

...فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَقِيٍّ

...پس با دلی پاک و پاکیزه به سوی تو برخاسته. ۸/۱۲

إِلَهِي... لَا تَجْبَهْنِي بِالرَّدِّ وَ قَدِ انْتَصَبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ

خدای من در حالی که در پیشگاه تو ایستاده ام دست رد بر پیشانی ام نزن.۱۷/۱۶

ایستادن بنده، بین دعوت خدا و شیطان

وَ مَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى السُّوءِ مِنِّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ

دَعْوَتِكَ وَ دَعْوَةِ الشَّيْطَانِ...

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم؟۲۳/۱۶

ایستادن در برابر خدا، تا ورم کردن پاها

يَا إِلَهِي لَوْ... قُمْتُ لَكَ حَتَّى تَتَنَشَّرَ قَدَمَایَ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنقدر در برابر تو بایستم تا پاهایم ورم کند، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم

نیستم.۳۰/۱۶

ایستادن در برابر خدا، با زاری

فَمَثَلَ بَیْنَ یَدَیْکَ مُتَضَرِّعًا

پس زاری کنان در پیشگاهت ایستاده است.

۹/۳۱

به پا ایستادن بنده، با امید به خدا و ترس از او

فَتَلَقَّاکَ بِنَفْسٍ خَاشِعَهٍ... وَاقِفًا بَیْنَ الرَّغْبَهِ إِلَیْکَ وَ الرَّهْبَهِ مِنْکَ

پس با وجودی فروتنْ پیش روی توست، در حالی که میان (دو راهیِ) میل به تو و ترس از تو ایستاده است.۱۹/۳۲

ایستادگی بر احکام خدا

ص : ۱۵۰

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... قَامَ بِحُدُودِهِ حَقَّ قِيَامِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

خداوندا و هر کس حدودش را آن طوری که حقّش بوده به پا داشته؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

ایمان

حقیقت ایمان و علاقه به پیامبران

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ... عِنْدَ... الِاشْتِیَاقِ إِلَی الْمُرْسَلِینَ بِحَقَائِقِ الْإِیمَانِ... فَاذْکُرْهُمْ مِنْکَ بِمَغْفِرَهٍ وَ رِضْوَانٍ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پیامبران، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.۲و۱/۴

طلب آمرزش، برای برادران ایمانی

الَّذِینَ یَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِینَ سَبَقُونَا بِالْإِیمَانِ...

همانها که می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را، که در ایمان، بر ما پیش قدم شدند بیامرز.

۹/۴

کامل ترین ایمان

بَلِّغْ بِإِیمَانِی أَکْمَلَ الْإِیمَانِ

ایمان مرا به کامل ترین ایمان برسان.۱/۲۰

به خدا ایمان آوردن

آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِکَ الظُّلَمَ

ایمان آوردم به کسی که به وسیله تو ظلمت ها را نورانی ساخت.۲/۴۳

آمَنْتُ بِکَ

به تو ایمان آوردم.۶/۵۲

وَ بِکَ أُومِنُ

و تنها به تو ایمان دارم.۱۱/۵۲

ماه نو، ماه ایمان

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ أَمْنٍ وَ إِيمَانٍ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه ایمنی و ایمان قرار دهد.۵و۴/۴۳

ماه رمضان، و ایمانی چند برابر

وَ ضَاعَفْتَ فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ

و ایمان را در آن، چندین برابر نمودی.

۲۰/۴۵

قرار گرفتن در زمره اهل ایمان

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِكَ

خداوندا و مرا از یکتاپرستان و ایمان آورندگان به خود قرار ده.۱۲/۴۸

ایمان آورندگان

شفاعت محمّد صلی الله علیه و آله ، برای مؤمنان

وَ عَرِّفْهُ فِی أَهْلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ أُمَّتِهِ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَهِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ

و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امّتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.۲۵/۲

پناه بردن مؤمنان، به خدا

وَ أَعِذْنِی مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ وَ جَمِیعَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ

و مرا و همه مردان و زنان با ایمان را به رحمتت از آنچه گفته شد پناه ده.۱۰/۸

وَ أَعِذْنَا... وَ جَمِیعَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَذْنَا مِنْهُ

و ما و همه مردان و زنان با ایمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده.۱۵/۱۷

مردان و زنان مؤمن، در پناهگاه الهی

اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَوْلَادَنَا وَ أَهَالِیَنَا وَ ذَوِی أَرْحَامِنَا وَ قَرَابَاتِنَا وَ جِیرَانَنَا مِنَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِنْهُ فِی حِرْزٍ حَارِزٍ، وَ حِصْنٍ حَافِظٍ، وَ كَهْفٍ مَانِعٍ

پدران، مادران، فرزندان، خانواده، خویشان، نزدیکان و همسایگان ما از مردان و زنان باایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده

و پناهگاهی بازدارنده قرار ده.۱۰/۱۷

درخواست قرار گرفتن در مراتب مؤمنان

...وَ صَیِّرْنَا بِذَلِكَ فِی دَرَجَاتِ الصَّالِحِینَ وَ مَرَاتِبِ الْمُوءْمِنِینَ

...و به وسیله آن ما را در مرتبه های نیکوکاران و جایگاه های اهل ایمان قرار ده.

۱۶/۱۷

تبدیل غیبت کردن از مؤمن، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِی مِنْ... اغْتِیَابِ مُوءْمِنٍ غَائِبٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از غیبت مؤمن غائب، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

درجه و مقام والدین مؤمنان

وَ اخْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ مَا خَصَصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أُمَّهَاتِهِمْ

و پدر و مادر مرا به برترین چیزی که پدران و مادران بندگان با ایمانت را به آن امتیاز داده ای، اختصاص ده.۱۲/۲۴

طلب درخواست از خداوند، برای تمامی مؤمنان

ص : ۱۵۲

وَ أَعْطِ جَمِيعَ... الْمُوءْمِنِينَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی...

و به همه مردان و زنان با ایمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، ببخش.۱۲/۲۵

عذرخواهی از ادا نکردن حقّ مؤمن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ حَقِّ ذِی حَقٍّ لَزِمَنِی لِمُوءْمِنٍ فَلَمْ أُوَفِّرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از حقِّ لازم حقدار مؤمنی که تمامش را ادا نکردم.۱/۳۸

عذرخواهی از نپوشاندن عیب مؤمن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ عَیْبِ مُوءْمِنٍ ظَهَرَ لِی فَلَمْ أَسْتُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از عیب مؤمنی که برای من آشکار شد، پس آن را نپوشاندم.

۱/۳۸

بنده، و آزار نرساندنش به فرد مؤمن

وَ امْنَعْنِی عَنْ أَذَی کُلِّ مُوءْمِنٍ وَ مُوءْمِنَهٍ

و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن با ایمان بازدار.۱/۳۹

قرار دادن محبّت بنده، در دل های اهل ایمان

وَ اجْعَلْ لَنَا فِی صُدُورِ الْمُوءْمِنِینَ وُدًّا

و دوستی ما را در سینه های مؤمنان، قرار ده.

۱۶/۴۲

خوار نگرداندن پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان، در روز قیامت

...یَوْمَ لَا یُخْزِی اللَّهُ النَّبِیَّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ

...روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند.۱۱/۴۵

شُکوه رمضان، در دل های مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا کَانَ... أَهْيَبَکَ فِی صُدُورِ الْمُوءْمِنِینَ

درود بر تو. چه با هیبت بودی، در سینه های مؤمنان!. ۳۲/۴۵

روز فطر، روز عید و سرور مؤمنان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْکَ فِی يَوْمِ فِطْرِنَا - الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُوءْمِنِینَ عِيدًا وَ سُرُورًا

خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عید و شادی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم. ۵۲/۴۵

امام علیه السلام ، پناه مؤمنان

فَهُوَ عِصْمَهُ اللَّائِذِینَ، وَ کَهْفُ الْمُوءْمِنِینَ

پس او نگهدارنده پناهندگان و پناهگاه مؤمنان است.۶۰/۴۷

ص : ۱۵۳

بر کندن کینه مؤمنان، از سینه بنده

وَ انْزَعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِی لِلْمُوءْمِنِینَ

و کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه ام بر کن.

۱۲۷/۴۷

تقسیم خیر بین مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ خَیْرٍ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

شریک بودن در دعای مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِکَنَا فِی صَالِحِ مَنْ دَعَاکَ فِی هَذَا الْیَوْمِ مِنْ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی.۳/۴۸

توکّلِ مؤمنان

أَسْأَلُکَ... تَوَکُّلَ الْمُوءْمِنِینَ عَلَیْکَ

توکّل مؤمنان بر تو را، از تو درخواست می نمایم.۵/۵۴

ایمنی

روانه ساختن تابعین، به جایگاهی امن

وَ تُصَیِّرَهُمْ إِلَی أَمْنٍ مِنْ مَقِیلِ الْمُتَّقِینَ

و آنها را به جایگاهی آسوده که استراحتگاه پرهیزکاران است روانه کنی.۱۹/۴

ستمگر، و ایمنی از کیفر

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنْهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْکَارِکَ

خداوندا او را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن. ۱۲/۱۴

بخشیدن ایمنیِ روز معاد، به بنده

وَ هَبْ لِی أَمْنَ یَوْمِ الْمَعَادِ

و مرا آسایشِ روز بازگشت ببخش.۲۰/۲۰

وَ اکْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ یَوْمَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ فِی نُشُورِنَا

و با آن (قرآن)، ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سربرمی آوریم، به جامه های امان بپوشان.۱۱/۴۲

عدم وجود ایمن کننده ای، هنگام ترس از خدا

وَ مَنْ یُوءْمِنُنِی مِنْکَ وَ أَنْتَ أَخَفْتَنِی؟

و چه کسی مرا از تو امان بخشد، در حالی که تو مرا ترسانده ای؟۲/۲۱

غالب ایمنی دهنده مغلوب

لَا یُوءْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَی مَغْلُوبٍ

شکست خورده را جز پیروز، امان نمی بخشد.

۳/۲۱

هنگام ایمنی و دریافت آرامش دل

...حَتَّی أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِینَهَ النَّفْسِ مِنِّی بِمَا یَجِبُ لَکَ فِیما یَحْدُثُ فِی حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ...

...تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.۱۱/۲۲

ایمن گشتن دشمن، از ظلم بنده

وَ ارْزُقْنِی... الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ... مُوءْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ، حَتَّی یَأْمَنَ عَدُوِّی مِنْ ظُلْمِی وَ جَوْرِی

و مرا در حال خوشنودی وخشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم. تا دشمنم از ظلم و ستم من ایمن باشد.۱۳/۲۲

ایمنی، منّت خدا بر بنده

امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ وَ الْأَمْنِ...

با تندرستی و ایمنی بر من منّت گذار.

۳/۲۳

شیطان، ایمن سازنده بندگان از کیفر الهی

یُوءْمِنُنَا عِقَابَکَ، وَ یُخَوِّفُنَا بِغَیْرِکَ

(شیطان) ما را از کیفر تو ایمنی می دهد و از غیر تو می ترساند.۶/۲۵

ایمنی بنده، در پرتو عفو الهی

وَ قَدْ أَوْجَلَتْنِی خَطَایَایَ فَلْیُوءْمِنِّی عَفْوُکَ

و خطاهایم مرا ترسانده، پس باید بخشایشت مرا ایمن گرداند.۲۵/۳۱

نبود پناه دهنده ای برای ایمن ساختن بنده، در برابر خدا

وَ لَا خَفِيرٌ يُوءْمِنُنِي عَلَيْکَ

و نه پناه دهنده ای هست که برایم از تو امان گیرد. ۱۴/۳۲

بردن بنده در راه های ایمن شدگان

وَ وَجِّهْنِي فِي مَسَالِكِ الْآمِنِينَ

و مرا به سوی راه های ایمن شدگان بفرست.

۴/۴۱

ماه نو، هلال ایمنی از آفات

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَکَ... هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْآفَاتِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه ایمنی از آفت ها قرار دهد.۵و۴/۴۳

از خدا ایمن گشتن و از بندگان ترسیدن

أَنَا الَّذِی هَابَ عِبَادَکَ وَ أَمِنَکَ

منم آنکه از بندگانت ترسیده و از تو آسوده خاطر بودم.۸۰/۴۷

طلب ایمنی از:

أ. خشم خداوند

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکُونُ... أَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که ایمنی از خشمش باشد.۲۹و۲۷/۱

وَ اکْتُبْ لِی أَمَانًا مِنْ سُخْطِکَ

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس.

۳۳/۱۶

ب. نفْس

وَ آمِنْ خَوْفَ نَفْسِی

و ترس وجودم را ایمنی ده.۱۶/۱۲

ج. گناهان

وَ آمَنَ مِنَ السَّیِّئَاتِ فَرَقًا وَ خَوْفًا

و از نواهی از روی ترس و بیم ایمن بمانم.

۸/۲۲

د. شرّ و بدی

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ جَمِیعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی اش ایمن

سازی.

۸و۷/۲۳

هـ. سخت گیری های دردناك خداوند

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهً تَسْلَمُ بِهَا کُلُّ جَارِحَهٍ عَلَی حِیَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِکَ، وَ تَأْمَنُ مِمَا یَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِیمِ سَطَوَاتِکَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم ماند و از قهرهای دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد.۲۲/۳۱

و. آنچه بنده از آن می ترسد

وَ آمِنِّی مَا حَذِرْتُ

و از آنچه ترسیده ام، مرا ایمنی ده.

۲۰/۳۲

ز. بدی آرزو

وَ آمِنَّا مِنْ شُرُورِهِ

و ما را از شرورش ایمن ساز.۲/۴۰

ح. آفات

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْآفَاتِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه ایمنی از آفت ها قرار دهد.

۵و۴/۴۳

ط. عذاب الهی

وَ أَسْأَلُکَ أَمْنًا مِنْ عَذَابِکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ آمِنِّی

و ایمنی از عذابت را از تو می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا ایمن ساز.۱۹/۴۸

ی. عقاب الهی

وَ آمَنُ بِهِ مِنْ عِقَابِکَ

و به وسیله آن، از کیفرت ایمن گردم.

۱۷/۴۹

ص : ۱۵۷

ب

باد

فرشتگان زمامدار خزانه های باد

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ الْقُوَّامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيَاحِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و زمامداران بر گنجینه بادها.۱۵و۱۱و۱۰/۳

باد گرم

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا

خداوندا سایه آن (ابر) را بر ما گرم و سوزان قرار نده.۶/۱۹

بادیه بیابان

باران

فرشتگان، خزانه دار باران

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ الَّذِينَ... خُزَّانِ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السَّحَابِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که خزانه داران باران و حرکت دهندگان ابرند.۱۳و۱۱و۱۰/۳

فرشتگانِ فرود آمده با دانه های باران

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ الْهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرودآمدگان به همراه قطره های نازل شده باران.۱۵و۱۱و۱۰/۳

فرشتگان آشنا با پیمانه های باران

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِينَ عَرَّفْتَهُمْ... كَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که پیمانه باران های شدید و رگبارهای

متراکم را به آنان شناسانده ای.۱۶و۱۱و۱۰/۳

رحمت الهی و باران فراوان

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ...

و رحمتت را با بارانِ فراوان، بر ما بگستران.

۱/۱۹

ص : ۱۵۹

سیراب گرداندن بندگان، به باران

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ

خداوندا ما را از باران سیراب نما.۱/۱۹

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا...

خداوندا ما را از بارانی ثمربخش سیراب گردان.۴/۱۹

درخواست همیشگی نبودن باران ابر

وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَ تُوَسِّعُ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتَرَاكِمًا... غَيْرَ مُلِثٍّ وَدْقُهُ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده، نه ابری پیوسته بارانی.۳و۱/۱۹

آب رسانی سودمند، با بارانی سخت و تند

وَ أَشْهِدْ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ. بِسَقْيٍ مِنْكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غُزْرُهُ، وَاسِعٍ دِرَرُهُ، وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود - که فراوانی اش همیشگی، جاری شدنش بسیار، سخت، تند و شتابان باشد - آماده ساز.۲/۱۹

عذاب نگرداندن ریزش باران، بر بندگان

اللَّهُمَّ... لَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا

خداوندا باریدنش را بر ما تیر بلا قرار نده.

۶/۱۹

فرمان ریزش باران ندادن، به آسمان

لَا تَأْذَنْ لِسَمَائِهِمْ فِي قَطْرٍ

آسمانشان را در باریدن، اذن نده.۶/۲۷

نباراندن باران زیان آور، بر بندگان

فَلَا تُمْطِرْنَا بِهِمَا مَطَرَ السَّوْءِ

پس به سبب آن دو (ابر و آذرخش)، باران زیانبار بر ما نباران.۱/۳۶

باراندن ابرهای نعمت، بر بنده

وَ كَمْ مِنْ... سَحَائِبِ نِعَمٍ أَمْطَرْتَهَا عَلَيَّ

و چه بسیار ابرهای نعمت افزایی که بر من باراندی.۱۱/۴۹

بارز آشکار

بارو قلعه

بارور

بارور نمودن نیکی ها، از جانب خداوند

وَ يَا مَنْ يُثْمِرُ الْحَسَنَةَ حَتَّى يُنْمِيَهَا

و ای کسی که نیکی را بارور می کند، تا آن را بیفزاید.۱۱/۴۶

باریک

باریک گشتن گردن بنده، با گناهان

ص : ۱۶۰

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِی قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده.۲۹/۱۶

بازداشتن

عدم بازداشتن بندگان، از معرفت حمد خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ عَلَی مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِنَنِهِ الْمُتَتَابِعَهِ... لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ یَحْمَدُوهُ...

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر بخشش های پی درپی که به ایشان داده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

سپاسی جلوگیر از معصیت

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکُونُ... حَاجِزًا عَنْ مَعْصِیَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که مانعی از معصیتش باشد.۲۹و۲۷/۱

بازداشتن تابعین، از مکر شیطان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ... صَلَاهً... تَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ کَیْدِ الشَّیْطَانِ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که

به سبب آن آنان را از حیله شیطان بازداری.

۱۴و۱۳/۴

عطای الهی و منع منع کنندگان

اللَّهُمَّ... مَنْ أَعْطَیْتَ لَمْ یَنْقُصْهُ مَنْعُ الْمَانِعِینَ

خداوندا هر که را تو عطا فرمودی، جلوگیری کردن منع کنندگان از او نکاست.۱۲/۵

ناامید نساختن بندگان، با منع نمودن ایشان

وَ لَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِکَ

و به منع خویش، ما را ناامید مکن.۳/۱۰

خصلت های بازدارنده بنده، از طلب درخواست از خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّهُ یَحْجُبُنِی عَنْ مَسْأَلَتِکَ خِلَالٌ ثَلَاثٌ... یَحْجُبُنِی أَمْرٌ أَمَرْتَ بِهِ. فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ، وَ نَهْیٌ نَهَیْتَنِی عَنْهُ. فَأَسْرَعْتُ إِلَیْهِ، وَ نِعْمَهٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَیَّ. فَقَصَّرْتُ فِی شُکْرِهَا

خداوندا سه خصلت مرا از درخواست از تو بازمی دارد. بازمی دارد مرا، امری که به آن فرمان دادی و من در انجام آن کندی کردم، و کاری که مرا از آن بازداشتی و من به سوی آن شتافتم و نعمتی که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی کردم.۲و۱/۱۲

سزاوار منع بودن بنده و عطای خدا به او

ص : ۱۶۱

فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَيْکَ فَأَعْطَيْتَهُ وَ هُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنْعَ

پس من اوّلین روآورنده نیستم که به تو روآورده و به او بخشش کردی، با اینکه سزاوار منع است.۲۰/۱۳

تَسْتُرُ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ، وَ تَجُودُ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ، وَ كِلَاهُمَا أَهْلٌ مِنْکَ لِلْفَضِيحَهِ وَ الْمَنْعِ...

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی، و می بخشی بر کسی که اگر می خواستی، محرومش می کردی. و حال آنکه هر دو از جانب تو سزاوار رسوایی و محرومیّتند.

۸/۴۵

منع الهی، از هتک حرمت دیگران

قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِی، مَا... انْتَهَکَهُ مِنِّی مِمَّا حَجَزْتَ عَلَيْهِ

ای خدای من، تو می دانی از من حرمت هایی شکسته که تو ممنوع کرده ای.۵/۱۴

طلب بازداشتن ستمگر از ستم

وَ خُذْ ظَالِمِی وَ عَدُوِّی عَنْ ظُلْمِی بِقُوَّتِکَ

و ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار.۶/۱۴

بخشش خدا، افزون تر از منع او

وَ أَنْتَ الَّذِی عَطَاوءُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنْعِهِ

و تویی آنکه عطا و بخشش او بیش از محروم

نمودنش است.۹/۱۶

بازداشتن شیطان از حرص، نسبت به بندگان

وَ ادْرَأْهُ عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا

و او (شیطان) را از حریص بودن به ما باز دار.

۹/۱۷

پناهگاه بازدارنده از شیطان

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا... مِنْهُ فِی... کَهْفٍ مَانِعٍ

و پدرانمان را، از (شرّ) او در پناهگاهی بازدارنده قرار ده.۱۰/۱۷

بازداشتن شیطان، از تصمیم خود

اللَّهُمَّ... ثَبِّطْهُ إِذَا عَزَمَ

خداوندا هر تصمیمی (شیطان) گرفت، از اقدامش بازدار.۱۲/۱۷

منع الهی از رحمت خویش

وَ لَا تَفْتِنِّی بِالِاسْتِعَانَهِ بِغَیْرِکَ إِذَا اضْطُرِرْتُ... فَأَسْتَحِقَّ بِذَلِکَ خِذْلَانَکَ وَ مَنْعَکَ وَ إِعْرَاضَکَ

و مرا به یاری خواستن از دیگران به وقت درماندگی ام، آزمایش نکن. تا به سبب آن، سزاوار خواری و بی بهرگی و روی گرداندن تو شوم.

۱۲/۲۰

توانایی خدا بر بازداشتن بنده (از ستم)

ص : ۱۶۲

وَ لَا أَظْلِمَنَّ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّی

و (چنان کن که) بر کسی ستم نکنم، در حالی که تو قادری بازم داری.۱۴/۲۰

به دست خدا بودنِ عطا و منع

أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِیُّ الْإِعْطَاءِ وَ الْمَنْعِ

تو عهده دار بخشیدن و بازداشتنی، نه آنها.

۲۶/۲۰

بازداشتن فضل خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ إِنْ... مَنَعْتَنِی فَضْلَکَ الْجَسِیمَ... لَمْ أَجِدِ السَّبِیلَ إِلَی شَیْءٍ مِنْ أَمَلِی غَیْرَکَ

خداوندا اگر فضل بزرگت را از من بازداری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

اندوهگین نشدن، با بازدارندگی خدا

وَ اجْعَلْ ثَنَائِی عَلَیْکَ... حَتَّی... لَا أَحْزَنَ عَلَی مَا مَنَعْتَنِی فِیهَا

و ستایش مرا ویژه خودت قرار ده. تا به آنچه مرا از آن بازداشته ای، غمگین نگردم.۹/۲۱

بازنداشتن روزی بنده، از او

فَلَا تَحْظُرْ عَلَیَّ رِزْقِی

پس روزی ام را از من بازمدار.۲/۲۲

بازداشتن شرّ بدخواهان، از بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ ادْرَأْ عَنِّی شَرَّهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و شرش را از من بازدار.۷/۲۳

شیطان، بازدارنده از قصد عمل صالح

إِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبَّطَنَا عَنْهُ

چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، (شیطان) ما را از آن بازدارد.۷/۲۵

دعا، سبب بازداشتن شیطان از بنده

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِکَ حَتَّی تَحْبِسَهُ عَنَّا بِکَثْرَهِ الدُّعَاءِ لَکَ...

خداوندا با سلطه خود، تسلّط او را از ما دور کن، تا اینکه با دعای زیاد ما، او را از ما بازداری.

۸/۲۵

بازنداشتن بنده، از دعا

وَ لَا تَمْنَعْنِی الْإِجَابَهَ وَ قَدْ ضَمِنْتَهَا لِی، وَ لَا تَحْجُبْ دُعَائِی عَنْکَ وَ قَدْ أَمَرْتَنِی بِهِ

و اجابت (دعا) را از من دریغ نکن، که خود آن را ضمانت کرده ای و دعایم را از خود بازندار، که خود مرا به آن امر فرموده ای.۹/۲۵

منع نشدن از جانب خدا، با توکّل بر او

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ الْمُصْلِحِینَ بِسُوءَالِی إِیَّاکَ، الْمُنْجِحِینَ بِالطَّلَبِ إِلَیْکَ غَیْرِ الْمَمْنُوعِینَ بِالتَّوَکُّلِ عَلَیْکَ

و مرا در همه آن (امور) به خاطر درخواستم

از تو، از شایسته کارانی قرار ده که با درخواست از تو، کامیاب شدند. که با توکّل بر تو، (از لطف) بازداشته نشدند.۱۰/۲۵

درآمدن مانعی بین بندگان و گناهان

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُ_حَالِ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به قدرت تو میان آنها و گناهان فاصله افتاده، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

جلوگیری از فقر و نیازمندی

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... سَدِّ خَلَّتِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در برطرف کردن کم و کاستشان، توفیق ده.۲/۲۶

بازداشتن دست دشمنان مرزداران اسلام، از گشودن

وَ اقْبِضْ أَیْدِیَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ

و دست هایشان را از گشودن بازدار.۵/۲۷

بازداشتن مشرکان، از گرد آمدنشان علیه مسلمانان

وَ ثَبِّطْهُمْ بِالْفُرْقَهِ عَنِ الِاحْتِشَادِ عَلَیْهِمْ

و با تفرقه افکنی میان آنان، از گرد آمدن بر ضدّ مسلمانان بازشان دار.۱۰/۲۷

بازداشتن قلعه های زمین، از مشرکان

وَ امْنَعْ حُصُونَهَا مِنْهُمْ

و پناهگاه های آن (زمین) را از آنها بازدار.

۱۲/۲۷

پیش آمدن مانعی برای جهاد مسلمان

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداونـدا و هر مسـلمانی که امر اسـلام او را نگران ساخت، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا مانعی در راه اراده اش ایجاد شد؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

عصمتی بازدارنده (از گناهان)

وَ تَوَلَّنِی بِعِصْمَهٍ مَانِعَهٍ

و به نگهداری بازدارنده، سرپرستی ام کن.

۱۹/۳۱

عدم وجود محلّ بازدارنده بنده، از خدا

وَ لَا حِصْنٌ يَحْجُبُنِی عَنْکَ

و نه جای استواری است که مرا از تو بازدارد.

۱۴/۳۲

ص : ۱۶۴

عامل بازدارنده از بدخویی

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... وَاعِظًا لَنَا، وَ زَاجِرًا عَنْ سُوءِ الْخُلُقِ، وَ اقْتِرَافِ الْخَطِیئَهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی، برای ما پنددهنده و بازدارنده از بدخویی و خطاکاری، قرار ده.

۳/۳۴

آزمایش و بازداشته شدن توسّط خداوند

وَ لَا تَفْتِنْهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِی...

و آنان را به آنچه از من منع داشتی، دچار آزمون نساز.۲/۳۵

سپاس از خدا، برای بازداشته هایش از بنده

وَ اجْعَلْ شُکْرِی لَکَ عَلَی مَا زَوَیْتَ عَنِّی أَوْفَرَ مِنْ شُکْرِی إِیَّاکَ عَلَی مَا خَوَّلْتَنِی

و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی بیش از شکرم به آنچه به من مرحمت کردی، قرار ده.

۳/۳۵

عدم (توانایی) امتناع و بازداشتن غلبه الهی

وَ لَا بِأَحَدٍ عَنْ سَطْوَتِکَ امْتِنَاعٌ

و هیچ کس از غلبه ات امتناع نتواند کرد.

۵/۳۶

شکرگزاری، و توانایی خودداری از آن

تَشْکُرُ یَسِیرَ مَا شَکَرْتَهُ... حَتَّی کَأَنَّ شُکْرَ عِبَادِکَ الَّذِی أَوْجَبْتَ عَلَیْهِ ثَوَابَهُمْ... أَمْرٌ مَلَکُوا اسْتِطَاعَهَ الِامْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَکَ فَکَافَیْتَهُمْ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت - که پاداش آنها را لازم گردانـدی - کاری است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای.۶/۳۷

منع الهی بر ریختنِ آبروی دیگران

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ... انْتَهَکَ مِنِّی مَا حَجَزْتَ عَلَیْهِ... فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّی

خداوندا و هر بنده ای که آبرویی از من برد که بر او ممنوع ساخته بودی، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز.**۲/۳۹**

بازنداشتن فضل الهی، از بندگان

...لِأَنَّکَ الرَّبُّ الْعَظِیمُ الَّذِی لَا یَمْنَعُ أَحَدًا فَضْلَهُ

...زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که فضل خود را از کسی بازنمی دارد.**۱۳/۳۹**

عامل بازدارنده گام ها، از رفتن به سوی گناه

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَی الْمَعَاصِی حَابِسًا

ص : ۱۶۵

و قرآن را نگهدار گام های ما از حرکت به سوی گناهان، قرار ده.۱۰/۴۲

عامل بازدارنده اندام، از انجام گناه

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِجَوَارِحِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْآثَامِ زَاجِرًا

و قرآن را مانع برای اندام های ما از انجام گناهان، قرار ده.۱۰/۴۲

بازدارنده بودن مَثَل های قرآن (از گناه)

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلَمِ اللَّيَالِي مُونِسًا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ...

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را به دل های ما برسانی.۱۰/۴۲

قرآن، بازدارنده از تجاوز از احکام الهی

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النِّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ... لَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سُخْطِكَ وَ تَعَدِّي حُدُودِكَ ذَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از حدودت باشد.

۱۲/۴۲

منع خوردنی و آشامیدنی، در ماه رمضان

وَ حَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَ الْمَشَارِبَ إِكْرَامًا

و از جهت گرامی داشتش، خوردنی ها و آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود.۴/۴۴

روزه و بازداشتن اندام از گناهان

أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ

ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان، یاری فرما.۶/۴۴

نرفتن به سوی منع شده ها (در ماه رمضان)

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ... حَتَّى... لَا نَخْطُوَ بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَحْجُورٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان، یاری فرما. تا با پاهایمان به سوی هیچ حرامی نرویم.۷و۶/۴۴

از روی ستم نبودن بازدارندگی خدا

إِنْ مَنَعْتَ لَمْ یَکُنْ مَنْعُکَ تَعَدِّیًا

اگر منع کنی، منع داشتنت از روی ستم نیست.

۵/۴۵

بازایستادن از نهی امام علیه السلام

وَ أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوَامِرِهِ، وَ الِانْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْیِهِ

و فرمان دادی که به امرهای او امتثال کنند و از نهی های او بازایستند.۶۰/۴۷

منع نمودن خدا و بازنایستادن بنده

زَجَرْتَهُ فَلَمْ یَنْزَجِرْ

او را بازداشتی، پس بازنایستاد.۶۸/۴۷

بازداشته نشدن بنده از خدا، توسّط مانعی

وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ... مُوقِنًا أَنَّهُ... لَا يَمْنَعُنِی مِنْكَ مَانِعٌ

و اینک منم در پیشگاه تو، باوردارنده به اینکه هیچ بازدارنده ای مرا از (بلای) تو بازنمی دارد.

۶۹/۴۷

بازنداشتن و برنگرداندن نازپروردگان

فَيَا مَنْ... لَا يَنْدَهُ الْمُتْرَفِينَ

پس ای آنکه نازپروردگان را نمی رانی.

۷۵/۴۷

بازداشتن بنده، از قصد نمودن آنچه نزد خداست

وَ أَعِذْنِی مِمَّا... يَصُدُّنِی عَمَّا أُحَاوِلُ لَدَيْكَ

و از چیزی که مرا از آنچه نزد تو می خواهم، بازم می دارد، مرا نگهدار.۹۳/۴۷

مانعی بین بنده و سود او

وَ أَعِذْنِی مِمَّا... يَحُولُ بَيْنِی وَ بَيْنَ حَظِّی مِنْكَ

و از چیزی که میان من و بهره ام از تو، مانع می شود، مرا نگهدار.۹۳/۴۷

ایجاد مانعی بین بنده و خواهش نفسش

وَ حُلْ بَيْنِی وَ بَيْنَ عَدُوٍّ يُضِلُّنِی، وَ هَوًى يُوبِقُنِی، وَ مَنْقَصَةٍ تَرْهَقُنِی

و میان من و دشمنی که مرا گمراه می کند، و

خواهش نفس که مرا هلاک می گرداند، و نقیصه ای که مرا فرامی گیرد، جدایی انداز.۹۹/۴۷

بازایستادن از بدی های زشت

وَ أَشْعِرْ قَلْبِیَ الِازْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ

و دلم را به خودداری از بدی های زشت، بپوشان.۱۰۷/۴۷

دوستی دنیا، منع کننده از آنچه نزد خداست

وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیا دَنِیَّهٍ، تَنْهَی عَمَّا عِنْدَکَ

و دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد را از دلم بَر کن.۱۰۹/۴۷

بازداشته نشدن آمرزش الهی، از گنهکاران

ثُمَّ لَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلَی عَظِیمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ

سپس اصرار بسیارِ آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازنداشت.۷/۴۸

مانع و جلوگیرِ خدا نبودنِ هیچ کس

وَ إِنْ أَهْلَکْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَعْرِضُ لَکَ فِی عَبْدِکَ

و اگر مرا نابود کنی، پس کیست آنکه درباره بنده ات معترض تو شود؟.۱۵/۴۸

بازداشته نشدن خدا، از اتمام احسانش

لَمْ تَمْنَعْکَ إِسَاءَتِی عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِکَ

بدکرداری من تو را از تمام نمودن احسانت بازنداشت.۱۳/۴۹

امتناع خداوند و امتناع بنده

أَبَیْتَ یَا مَوْلَایَ إِلَّا إِحْسَانًا وَ امْتِنَانًا وَ تَطَوُّلًا وَ إِنْعَامًا، وَ أَبَیْتُ إِلَّا تَقَحُّمًا لِحُرُمَاتِکَ

تو ای مولای من، جز احسان و بخشش و لطف و انعام کاری نکرده ای و من هم جز وارد شدن در حرام های تو کاری نداشته ام.۱۴/۴۹

منع قضا و قدر ترسناک الهی، از بنده

وَ مَنَعْتَ مِنِّی مَحْذُورَ الْقَضَاءِ

و مقدّراتی که موجب ترس است را از من بازداشتی. ۲/۵۱

عدم توانایی بنده، بر منع قدرت الهی

وَ لَا یَمْتَنِعُ مِنْکَ مَنْ کَذَّبَ بِقُدْرَتِکَ

و کسی که قدرت تو را تکذیب نمود، نمی تواند خود را از تو بازدارد.۳/۵۲

خدا، بازدارنده بنده از:

أ. ستم

وَ احْجُبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِی عَظَمَتِکَ

و ما را از کج روی در عظمت خود بازدار.

۱/۵

ب. اسراف و زیاده روی

وَ امْنَعْنِی مِنَ السَّرَفِ

و مرا از اسرافکاری بازدار.۲۳/۲۰

وَ احْجُبْنِی عَنِ السَّرَفِ وَ الِازْدِیَادِ

و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار.

۳/۳۰

ج. گناهان

وَ احْصُرْنِی عَنِ الذُّنُوبِ

و از گناهان بازم دار.۵/۲۲

أَسْتَعْصِمُکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اعْصِمْنِی

از تو می خواهم که مرا (از گناه) بازداری، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا (از گناه) باز دار.۲۷/۴۸

د. آزار رساندن به مؤمنان

وَ امْنَعْنِی عَنْ أَذَی کُلِّ مُوءْمِنٍ وَ مُوءْمِنَهٍ، وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَهٍ

و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن با ایمان و به هر مرد و زن مسلمان بازدار.

۱/۳۹

هـ. آرزوی دراز

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ

و ما را از آرزوی دراز بازدار.۱/۴۰

و. در دل گذراندن اندیشه های بد

وَ احْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّهِ ضَمَائِرِنَا

و با آن (قرآن)، خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار.۱۱/۴۲

ز. درخواست آنچه نزد فاسقان است

وَ ذُبَّنِی عَنِ الْتِمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِینَ

و مرا از طلبیدنِ آنچه نزد فاسقان است، باز دار.۱۳۱/۴۷

ح. سختی

فَحَصَّنْتَنِی مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِکَ

پس تو به قدرت خویش، مرا از سختی و نیروی او بازداشتی.۱۰/۴۹

بازگرداندن بازگشت

بازگشت

بازگشت تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، در حال خواهان و ترسان بودن از خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاهً... تَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَکَ... لِتَرُدَّهُمْ إِلَى الرَّغْبَهِ إِلَيْکَ وَ الرَّهْبَهِ مِنْکَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به

خود برانگیزی. بدین جهت که آنان را به درخواست سوی خود و ترس از خویش بازگردانی.

۱۶-۱۳/۴

عدم بازگرداننده ای، برای آنچه خدا به بنده رسانَد

فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ

پس برای آنچه به من رساندی، بازگرداننده ای نیست.۷/۷

عدم وجود بازگرداننده ای، برای آنچه خدا متوجّه ساخته

وَ لَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ

و برای آنچه بر من فرستادی، دورکننده ای نیست.۷/۷

پناه بردن به خدا، از بدی بازگشت

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنَ... سُوءِ الْمَآبِ

و پناه می بریم به تو از بدی سرنوشت.۹/۸

شادمان برگشتن نویسندگان نیکی ها، از نزد بندگان

وَ یَتَوَلَّی کُتَّابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِینَ بِمَا کَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا

و نویسندگان خوبی ها – به سبب آنچه از نیکی های ما نوشته اند – شادمان برگردند.۲/۱۱

ص : ۱۶۹

بازگشت از به سر درآمدن (در گناه)

رَجَعْتُ وَ نَكَصْتُ بِتَسْدِيدِكَ عَنْ عَثْرَتِي

با راهنمایی تو برگشته و از لغزشم دست برداشتم. ۱۶/۱۳

ناامید برنگرداندن بنده، از درگاه خدا

فَأَسْأَلُكَ... أَن لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا

پس از تو می خواهم مرا ناامید برنگردانی.

۲۵/۱۳

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَيْكَ رَبِّ... دَاعِيًا فَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که خواهانم، به سوی تو گریخته ام، پس مرا ناامید برنگردان.۸/۵۱

بازگشت از گناه را، روزی بنده نمودن

وَ ارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَهِ

و نیکی بازگشت از گناه را روزی ام فرما.

۳۳/۱۶

بازگرداندن آنچه از دست رفته، با باران

وَ تَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ

و با آن آنچه را که از دست رفته، برگردانی.

۳/۱۹

بازگشت گیاه (سبز پیشین)، با باران

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا... تَرُدُّ بِهِ النَّهِيضَ

خداوندا ما را از بارانی که با آن گیاه رونده را بازگردانی، سیراب گردان.۴/۱۹

بازنگرداندن دعا و درخواست بنده، به خودش

وَ لَا تَرُدَّ دُعَائِی عَلَیَّ رَدًّا

و دعایم را به خودم بازنگردان.۲۲/۲۰

بازگرداندن بدخواه، از بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز.۷/۲۳

برگرداندن مکر و فریب شیطان، از بنده

وَ إِلَّا تَصْرِفْ عَنَّا کَیْدَهُ یُضِلَّنَا

و اگر فریب او را از ما بازنداری، گمراهمان کند.۷/۲۵

وَ أَتَضَرَّعُ إِلَیْکَ فِی صَرْفِ کَیْدِهِ عَنِّی

و به درگاه تو زاری می کنم، تا فریبش را از من بازگردانی.۲۷/۳۲

خدا، بازگرداننده همگان (در قیامت)

إِنَّکَ الْمَنَّانُ الْحَمِیدُ الْمُبْدِئُ الْمُعِیدُ...

به درستی که تو بسیار نعمت دهنده، ستوده، آغازگر، (و) بازگرداننده هستی.۱۸/۲۷

در دل نگذراندن بازگشت به گناه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهَ مَنْ... لَا یُضْمِرُ أَنْ یَعُودَ فِی خَطِیئَهٍ

خداوندا من به درگاهت توبه می کنم، توبه کسی که قصد بازگشت به خطا را ندارد.۱۴/۳۱

بازنگشتن به امر ناپسند

وَ لَکَ یَا رَبِّ شَرْطِی أَلَّا أَعُودَ فِی مَکْرُوهِکَ

و ای پروردگار من، با تو قرار می گذارم، در کاری که ناپسند توست، برنگردم.۱۶/۳۱

توبه و بازگشت به گناه و خطای خویش

اللَّهُمَّ أَیُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَیْکَ وَ هُوَ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِی ذَنْبِهِ وَ خَطِیئَتِهِ، فَإِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَکُونَ کَذَلِکَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین باشم.۲۰/۳۱

بازنگرداندن بنده، به ناامیدی از رحمت الهی

وَ لَا تَرْجِعْنِی مَرْجِعَ الْخَیْبَهِ مِنْ رَحْمَتِکَ

و مرا به ناامیدی از رحمتت بازنگردان.

۲۹/۳۱

بازگشتی گرامی

وَ اخْتِمْ لَنَا بِالَّتِی هِیَ أَحْمَدُ عَاقِبَهً، وَ أَکْرَمُ مَصِیرًا

و کار ما را به آنچه عاقبتش ستوده تر و سرانجامش گرامی تر است، ختم کن.۶/۳۳

بازگرداندن زیان ابرها، از بندگان

وَ اصْرِفْ عَنَّا أَذَاهَا وَ مَضَرَّتَهَا

و آزار و زیانشان را از ما برگردان.۲/۳۶

دیر شمردن بازگشت به سوی خدا

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْکَ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم.۳/۴۰

خوار نکردن بنده، با برگرداندنش از (درگاه) خدا

وَ لَا تَسُمْنِی بِالرَّدِّ عَنْکَ

و با دست رد زدن بر سینه ام، مرا خوار نساز.

۱/۴۱

بازگشت بنده، نزد آنکه از بنده دوری گزیده

وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرَنَا

ما را در آن ماه توفیق ده، که به کسی که از ما دوری نموده، بازگردیم.۱۰/۴۴

برگشتن بنده از حقّ و بازگرداندن او به حقّ

ص : ۱۷۱

وَ إِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدِّلْنَا

و اگر در آن (ماه) کجروی کرده ایم، پس ما را بازگردان.۱۶/۴۴

ترس دل ها، از بازگشت به سوی خدا

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ... الَّذِینَ یُوءْتُونَ مَا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَهٌ، أَنَّهُمْ إِلَی رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که آنچه را بخشیدند، در حالی می بخشند که دل هایشان از بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است.

۱۸/۴۴

رمضان و بازگشت بدی ها، از بندگان

کَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِکَ عَنَّا

چه بسیار بدی ها که به سبب تو، از ما برطرف شد!.۳۹/۴۵

بازگشت به طاعت و فرمانبری خداوند

وَ اجْعَلْنَا عِنْدَکَ مِنَ التَّوَّابِینَ الَّذِینَ... قَبِلْتَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَهَ طَاعَتِکَ

و ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که بازگشت به طاعتت را از آنان پذیرفته ای.

۵۴/۴۵

کرم الهی و برگشتن آرزوها با خواسته ها

انْصَرَفَتِ الْآمَالُ دُونَ مَدَی کَرَمِکَ بِالْحَاجَاتِ

آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرمت، با

حاجت ها برآورده شده است.۱۲/۴۶

بازگشت بندگان، به فرمان الهی

وَ إِنَّمَا تَأَنَّیتَ بِهِمْ لِیَفِیئُوا إِلَی أَمْرِکَ

و همانا از این رو با آنان درنگ کرده ای، تا به فرمان تو بازگردند.۱۷/۴۶

عذاب همیشگی در صورت برگشتن از خدا

فَالْوَیْلُ الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَحَ عَنْکَ

پس افسوس همیشگی، برای کسیست که از تو برگشته.۱۹/۴۶

بازگشت پی درپی (مغرور به کرم خدا)، در کیفر الهی

وَ مَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِی عِقَابِکَ

و چه طولانی است پی درپی بازگشتنش، در کیفرت!۲۰/۴۶

نبودِ بازگرداننده ای برای مشیّت الهی

سُبْحَانَکَ لَا رَادَّ لِمَشِیَّتِکَ

پاک و منزّهی! برای مشیّت تو بازگرداننده ای نیست.۳۰/۴۷

بی زیان گشتن بازگشت بنده (به قیامت)

وَ اجْعَلْ... کَرَّتِی غَیْرَ خَاسِرَهٍ

و بازگشتنم (به قیامت) را بی زیان قرار ده.

۱۲۶/۴۷

خداوند، تنها بازگرداننده بدی از بنده

فَإِنِّی... لَمْ یَصْرِفْ عَنِّی سُوءًا قَطُّ أَحَدٌ غَیْرُکَ

پس به درستی که هیچ کس جز تو بدی ای را از من برنگردانده است.۴/۴۸

برنگشتن بنده به ناپسند الهی

فَإِنِّی لَنْ أَعُودَ لِشَیْءٍ کَرِهْتَهُ مِنِّی إِنْ شِئْتَ ذَلِکَ

پس به درستی که اگر تو بخواهی، من هرگز به چیزی که آن را از من نپسندیده ای، برنمی گردم.

۲۷/۴۸

شناخت نسبت به آنچه (گناهانی که) خدا برگردانده

ثُمَّ عَرَفْتُ مَا أَصْدَرْتَ إِذْ عَرَّفْتَنِیهِ

سپس چون آگاهم کردی، آنچه را برگردانده بودی شناختم.۱/۴۹

بازگرداندن نشانه گیری دشمن، به خودش

وَ جَعَلْتَ مَا سَدَّدَهُ مَرْدُودًا عَلَیْهِ

و آنچه آن را نشانه گرفته بود، بر خودش برگرداندی.۶/۴۹

برگرداندن دشمن و عدم بهبودی خشمش

فَرَدَدْتَهُ لَمْ یَشْفِ غَیْظَهُ، وَ لَمْ یَسْکُنْ غَلِیلُهُ

پس در حالی که خشمش را بهبودی نداده و کینه اش قرار نگرفته بود، او را بازگرداندی.۶/۴۹

بازگرداندن ستمگر، در پرتگاه گودالش

رَدَدْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ

او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی.۸/۴۹

بازگرداندن سختی بلا، از بنده

وَ صَرَفْتَ عَنِّی جَهْدَ الْبَلَاءِ

و سختی گرفتاری را از من دور کردی.۲/۵۱

إِلَهِی فَکَمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَدْ صَرَفْتَ عَنِّی

خدای من، پس چه بسیار بلاهای سختی که از من برگرداندی!۳/۵۱

ناتوانی از بازگرداندن فرمان الهی

وَ لَیْسَ یَسْتَطِیعُ مَنْ کَرِهَ قَضَاءَکَ أَنْ یَرُدَّ أَمْرَکَ

و کسی که حکم تو را نپسندید، نمی تواند فرمانت را بازگرداند.۳/۵۲

اندک بودن اندیشه بنده، نسبت به آنچه به سویش بازمی گردد

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... فِکْرُهُ قَلِیلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَیْهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که اندیشه اش برای آنچه به سوی آن بازمی گردد، اندک است.۸/۵۲

بازگشت بنده، در میان یاران خدا

وَ اجْعَلْ... فِی أَحِبَّائِکَ مَصْدَرِی

و بازگشتم را در میان یارانت، قرار ده.۷/۵۳

بازگشت بندگان به سوی:

أ. خوشنودکننده خداوند

فَمِلْ بِنَا إِلَی مَا یُرْضِیکَ عَنَّا

پس ما را به آن کار که تو را از ما خوشنود می سازد برگردان.۳/۹

ب. گذشت الهی

وَ اجْعَلْ... مُتَحَوَّلِی عَنْ صَرْعَتِی إِلَی تَجَاوُزِکَ

و بازگشت از به زمین افتادنم را به گذشت خود، قرار ده.۶/۱۵

ج. آنچه خداوند دوست دارد

وَ اصْرِفْنِی بِقُدْرَتِکَ إِلَی مَا أَحْبَبْتَ

و به قدرت خود، مرا به آنچه دوست داری، بازگردان.۱۷/۳۱

د. خداوند

إِلَیْکَ الْمَصِیرُ

بازگشت (همه) به سوی توست.۷/۳۶

وَ اُمُورُهُمْ آئِلَةٌ إِلَی أَمْرِکَ

و کردارشان به فرمان تو بازمی گردد.

۱۸/۴۶

وَ أَکْرِمْ مِنْ عِنْدِکَ مُنْصَرَفِی، وَ إِلَیْکَ مُنْقَلَبِی

و رفتنم را از نزدت و بازگشتم را به

سویت، گرامی دار.۲۵/۴۶

وَ کُلٌّ صَائِرٌ إِلَیْکَ

و همه به سوی تو برگشت کننده اند.

۵/۵۲

ه_. حکم خداوند

کُلُّهُمْ صَائِرُونَ، إِلَی حُکْمِکَ

همه ایشان به حکم تو می رسند.۱۸/۴۶

و. بسیاریِ کرامت و رحمت خداوند

إِلَهِی أَسْأَلُکَ بِحَقِّکَ الْوَاجِبِ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِکَ... أَنْ تُثْنِیَنِی بِالْکَثِیرِ مِنْ کَرَامَتِکَ بِرَحْمَتِکَ

خدای من، به آن حقّ واجب خود که بر همه آفریدگانت داری، از تو می خواهم که با رحمت خویش مرا به بسیاریِ بخشش خود بازگردانی. ۱۰/۵۲

بازماندن

بازماندن چشم ها، از دیدن خدا

وَ یَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْیَتِهِ الْأَبْصَارُ

و ای کسی که چشم ها از دیدن او ناتوان است.

۴/۵

بازو

استوار نمودن بازوی والدین، به وسیله

فرزندان

اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضُدِی

خداوندا بازوی مرا به وسیله آنان محکم گردان.۴/۲۵

توانایی بخشیدن به بازوی ولیّ خدا

وَ قَوِّ عَضُدَهُ

و بازویش را قوّت ده.۶۱/۴۷

باطل

پناه بردن به خدا، از اختیار نمودن باطل

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... إِیثَارِ الْبَاطِلِ عَلَی الْحَقِّ

خداوندا به تو پناه می برم از برتری دادن باطل بر حق.۲و۱/۸

نفْس و اختیار نمودن باطل

وَ لَا تُخَلِّ فِی ذَلِکَ بَیْنَ نُفُوسِنَا وَ اخْتِیَارِهَا، فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَفَّقْتَ

و در آنگاه، نفوس ما را به اختیار خود وامگذار، چون آن باطل را برمی گزیند مگر تو توفیق دهی.۴/۹

فرورفتن در باطل و نادرستی

وَ مَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا فِی الْبَاطِلِ... مِنِّی حِینَ أَقِفُ بَیْنَ دَعْوَتِکَ وَ دَعْوَهِ الشَّیْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ...

و چه کسی از من در نادرستی فرورونده تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم؟۲۳/۱۶

بی باکی در باطل

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی... أَشَدُّ فِی الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من – ای خدای من – در انجام باطل گستاخ تر از آنم که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

باطل آرایی شیطان، برای بندگان

اللَّهُمَّ وَ مَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ

خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان.۷/۱۷

تبدیل گواهی باطل بنده، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... أَوْ شَهَادَهِ بَاطِلٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت یا گواهی نادرست، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

شیطان و نمایاندن باطل، به صورت حقّ

وَ لَوْ لاَ أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ

و اگر او (شیطان)، باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی داد، هیچ گمراهیْ از راه تو گمراه نمی شد.۹/۳۷

عامل بازدارنده زبان ها، از فرو رفتن در باطل

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِی الْبَاطِلِ مِنْ غَیْرِ مَا آفَهٍ مُخْرِسًا

و قرآن را بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، قرار ده.

۱۰/۴۲

باطل نشدن برهان الهی

وَ لَمْ یَدْحَضْ لِتَرْکِ مُعَاجَلَتِهِمْ بُرْهَانُکَ

و از جهت شتاب نکردن در عذاب آنان، برهان تو باطل نشده است.۱۸/۴۶

پابرجایی حجّت الهی و باطل نشدن آن

حُجَّتُکَ قَائِمَهٌ لَا تُدْحَضُ

حجّت تو پابرجاست که باطل نمی شود.

۱۹/۴۶

باطن درون

باغ

تابعین و باغ های بهشتی

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ... صَلَاهً... تَفْسَحُ لَهُمْ فِی رِیَاضِ جَنَّتِکَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که در باغ های بهشتت بر ایشان وسعت دهی.

۱۳/۴و۱۴

بالا بلند

بامداد صبح

باور یقین

بخت بدبختی و نیز خوش بختی

بخشایش آمرزش و نیز عفو

بخشش کرم

بخشش نعمت های پی درپی، به بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ عَلَی مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِنَنِهِ الْمُتَتَابِعَهِ، وَ أَسْبَغَ عَلَیْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَهِ، لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ یَحْمَدُوهُ...

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر بخشش های پی درپی که به ایشان داده و نعمت های آشکار که برای آنها تمام کرده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.۸/۱

بخشش الهی و بی نیازی از دیگران

ص : ۱۷۶

اللَّهُمَّ أَغْنِنَا عَنْ هِبَهِ الْوَهَّابِينَ بِهِبَتِکَ... حَتَّی لَا نَرْغَبَ إِلَی أَحَدٍ مَعَ بَذْلِکَ

خداوندا ما را با عطای خود، از بخشش بخشندگان بی نیاز کن، تا با بخشش تو از دیگران درخواست نکنیم.۷/۵

وَ أَغْنِنَا عَنْ غَیْرِکَ بِإِرْفَادِکَ

و به یاری خود ما را از غیر خود بی نیاز گردان.

۱۳/۵

بخشندگی دیگران

وَ إِنَّمَا یُعْطِی الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَتِکَ

و به درستی که بخشندگان از زیادی عطای تو می بخشند.۱۱/۵

نبودن خیری برای بندگان، جز آنچه خدا عطا نموده

لَیْسَ لَنَا... مِنَ الْخَیْرِ إِلَّا مَا أَعْطَیْتَ

برای ما از خیر، چیزی جز آنچه تو بخشیدی نیست. ۱۱/۶

شاکرترین بندگان، نسبت به عطای الهی

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَشْکَرَهُمْ لِمَا أَوْلَیْتَ مِنْ نِعَمِکَ

و ما را از شکرگزارترین آنان بر نعمتی که ارزانی داشته ای قرار ده.۲۰/۶

شیرینی بخشش الهی

وَ أَذِقْنِی حَلَاوَهَ الصُّنْعِ فِیما سَأَلْتُ

و شیرینی احسانت را در آنچه درخواست نمودم به من بچشان.۸/۷

عدم وجود منّت، در بخشش های الهی

وَ یَا مَنْ لَا یُکَدِّرُ عَطَایَاهُ بِالِامْتِنَانِ

و ای آنکه با منّت گذاشتن، بخشش هایش را تیره نمی سازد.۴/۱۳

إِنْ أَعْطَيْتَ لَمْ تَشُبْ عَطَاءَکَ بِمَنٍّ

اگر عطا کنی، عطایت را با منّت نیامیخته ای.

۵/۴۵

عطایا و بخشش های الهی

وَ عَلِمْتُ... أَنَّ يَدَکَ بِالْعَطَايَا أَعْلَى مِنْ کُلِّ يَدٍ

و دانستم که دستِ عطای تو از هر دستی بالاتر است.۱۹/۱۳

وَ أَجْزِلْ لِی قِسَمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِکَ

و سهم مرا از بخشش ها به لطف خود فراوان کن.۱۲۹/۴۷

وَ وَفِّرْ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِکَ

و نصیب مرا از احسان، به فضل خود فراوان گردان.۱۲۹/۴۷

بخشنده بودن خداوند

إِنَّکَ... الْوَهَّابُ الْکَرِيمُ

همانا تویی بسیار بخشنده که عطایت تمام

ص : ۱۷۷

نمی شود.۷/۱۵

خداوند، عطاکننده نعمت های بزرگ

إِنَّکَ... الْمُتَطَوِّلُ بِالِامْتِنَانِ

همانا تویی که بدون استحقاق نعمت بزرگ می بخشی.۷/۱۵

إِنَّکَ... الْوَهَّابُ لِعَظِیمِ النِّعَمِ

همانا تو بخشنده نعمت های عظیمی.۷/۳۶

افزونی بخشش خداوند، نسبت به منع او

وَ أَنْتَ الَّذِی عَطَاؤُهُ أَکْثَرُ مِنْ مَنْعِهِ

و تویی آنکه عطا و بخشش او بیش از محروم نمودنش است.۹/۱۶

نیافتن عطاکننده ای، جز خدا

إِلَهِی لَا تُخَیِّبْ مَنْ لَا یَجِدُ مُعْطِیًا غَیْرَکَ

خدای من کسی را که جز تو بخشنده ای نمی یابد ناامید نکن.۱۶/۱۶

توفیقِ با بخششْ پاداش دادن بنده، به محروم کننده اش

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أُثِیبَ مَنْ حَرَمَنِی بِالْبَذْلِ

و مرا توفیق ده تا به آنکه محرومم نموده، با بخشش پاداش دهم.۹/۲۰

ترک بخشش، به غیر مستحق

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... تَرْکِ... الْإِفْضَالِ عَلَی غَیْرِ الْمُسْتَحِقِّ

و زیور پرهیزکاران را در احسان نکردن به کسی که شایسته احسان نیست، به من بپوشان.

۱۰/۲۰

به دست خدا بودن بخشش و منع

أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَ الْمَنْعِ

تو عهده دار بخشیدن و بازداشتنی، نه آنها.

۲۶/۲۰

بنده و ستایش نمودن از شخص عطاکننده

وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِی بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِکَ... فَأَفْتَتِنَ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِی

و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا کرده، گرفتار شوم.

۲۶/۲۰

طلب عطا و بخشش، از افراد پست

صُنْ وَجْهِی بِالْیَسَارِ، وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِی بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِکَ، وَ أَسْتَعْطِیَ شِرَارَ خَلْقِکَ

آبرویم را با توانگری حفظ کن و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم و از آفریدگان بدت، عطا طلبم. ۲۶/۲۰

عطای کمِ خویشان، به بنده

وَ إِنْ أَلْجَأْتَنِی إِلَی قَرَابَتِی حَرَمُونِی، وَ إِنْ أَعْطَوْا أَعْطَوْا قَلِیلًا نَکِدًا

و اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند.

۳/۲۲

عطای الهی، و فروگذاری تکلیف از بنده

فَأَدِّهِ عَنِّی مِنْ جَزِیلِ عَطِیَّتِکَ وَ کَثِیرِ مَا عِنْدَکَ

پس آن (تکلیف) را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا کن.۷/۲۲

فرزند و بخشش به والدین

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّیَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ قَوْلٍ... فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم.۹/۲۴

درخواست عطای الهی، برای مؤمنان

وَ أَعْطِ جَمِیعَ الْمُسْلِمِینَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی...

و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، ببخش.۱۲/۲۵

عطا فرمودن خواسته های بندگان

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِیعَ ذَلِکَ بِتَوْفِیقِکَ وَ رَحْمَتِکَ

خداوندا به توفیق و رحمتت همه آن (درخواست ها) را به ما عطا فرما.۱۲/۲۵

سودرسانی همسایگان، با بخشش فراوان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... الْعَوْدِ عَلَیْهِمْ بِالْجِدَهِ وَ الْإِفْضَالِ

و آنان را برای به پا داشتن سنّتت و فراگیری آداب نیکویت در رسیدگی با ثروت و بخشش فراوان به آنان، توفیق ده.۲/۲۶

همسایگان و عطای قبل از درخواست

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... إِعْطَاءِ مَا یَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است پیش از درخواست آنان، توفیق ده.

۲/۲۶

فراوان گرداندن عطایای مرزداران اسلام

اللَّهُمَّ... أَسْبِغْ عَطَایَاهُمْ مِنْ جِدَتِکَ

خداوندا از دارایی خویش، بخشش های آنان را فراوان ساز.۱/۲۷

رو گرداندن بنده از نیازمند به بخشش خداوند

وَ صَرَفْتُ وَجْهِی عَمَّنْ یَحْتَاجُ إِلَی رِفْدِکَ

ص : ۱۷۹

و از آنکه نیازمند عطای توست، رو گرداندم.

۳/۲۸

آنچه از مال دنیا، به بنده ارزانی شده

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا... بُلْغَهً إِلَی جِوَارِکَ...

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، وسیله رسیدن به جوار خود قرار ده.

۶/۳۰

خداوند، عطاکننده و بخشنده ترین کس

وَ أَنْتَ... أَعْطَی مَنْ رُغِبَ إِلَیْهِ

و تو بخشنده ترین کسی می باشی که از او درخواست شد.۲۲/۳۲

إِنَّکَ تُفِیدُ الْکَرِیمَهَ، وَ تُعْطِی الْجَسِیمَهَ

به درستی که تو عطای گرانمایه می دهی و (نعمت) بزرگ می بخشی.۶/۳۳

خداوند، عطاکننده حسنه و نیکی

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... تُعْطِی الْحَسَنَهَ

خداوندا همانا تو نیکی عطا می کنی.

۳۳/۳۲

آزمایش الهی و عطای او (به ثروتمندان)

لَا تَفْتِنِّی بِمَا أَعْطَیْتَهُمْ

مرا به آنچه به آنان (دنیاداران) عطا کردی، آزمایش نکن.۲/۳۵

سپاس گزاری از خدا، برای بخشش های او

وَ اجْعَلْ شُکْرِی لَکَ عَلَی مَا زَوَیْتَ عَنِّی أَوْفَرَ مِنْ شُکْرِی إِیَّاکَ عَلَی مَا خَوَّلْتَنِی

و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی بیش از شکرم به آنچه به من مرحمت کردی، قرار ده.

۳/۳۵

وَ لَکَ الشُّکْرُ عَلَی مَا خَوَّلْتَنَا مِنَ النَّعْمَاءِ...

و شکر تو راست، بر آنچه از نعمت هایت که به ما بخشیدی.۶/۳۶

إِلَهِی أَحْمَدُکَ... عَلَی... جَزِیلِ عَطَائِکَ عِنْدِی

خدای من، تو را سپاس گزارم بر بسیاری عطاها و بخشش هایت درباره من.۱/۵۱

عطا و بخشش خداوند، به فرمانبر و گنهکار

أَعْطَیْتَ کُلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ یَجِبْ لَهُ

هر یک از آن دو (فرمانبر و گنهکار) را چیزی عطا کرده ای که برایش لازم نبود.۱۱/۳۷

بالاترین عطایای تقرّب جویان

وَ اجْعَلْ مَا سَمَحْتُ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ، وَ تَبَرَّعْتُ بِهِ مِنَ الصَّدَقَهِ عَلَیْهِمْ... أَعْلَی صِلَاتِ الْمُتَقَرِّبِینَ

و گذشت از ایشان را که من کردم، و بخششی که بی هیچ عوضی به آنان دادم، بالاترین بخشش های تقرّب جویان قرار ده.۲/۳۹

عطای دین، به بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی حَبَانَا بِدِینِهِ

و سپاس خدای را که دین خود را به ما هدیه کرد.۲/۴۴

نیکی کردن به خویشان، با صله و بخشش

وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَ الصِّلَهِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم.۱۰/۴۴

دل جویی از همسایگان، با عطا و احسان

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نَتَعَاهَدَ جِیرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَ الْعَطِیَّهِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم.۱۰/۴۴

عدم پشیمانی خداوند، از عطا و بخشش

وَ یَا مَنْ لَا یَنْدَمُ عَلَی الْعَطَاءِ

و ای کسی که بر عطا (و بخشش) پشیمان نمی شود.۲/۴۵

بخشش خدا و (توانایی او بر) منع نمودن

وَ تَجُودُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ

و می بخشی بر کسی که اگر می خواستی، محرومش می کردی.۸/۴۵

پوشاندن بندگان، به نعمت و بخشش

یَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَی عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَ الْفَضْلِ، وَ غَمَرَهُمْ

بِالْمَنِّ وَ الطَّوْلِ

ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای و با بخشش و نعمت، ایشان را پوشانده ای.۱۸/۴۵

بخشندگی خداوند و فضل او

وَ أَنْتَ... الْجَوَادُ بِمَا سُئِلْتَ مِنْ فَضْلِكَ

و تو بخشنده هر آنچیزی هستی که از فضلت درخواست گردد.۲۱/۴۵

إِنَّکَ... أَعْطَی مَنْ سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ

به درستی که تو بخشنده تر کسی هستی که از فضل او درخواست شده.۵۶/۴۵

گوارا بودن عطا و بخشش خداوند

إِنَّ عَطَاءَکَ لَلْعَطَاءُ الْمُهَنَّا

به درستی که عطای تو، عطایی گواراست.

۵۰/۴۵

عطایی چند برابر

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَی هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَایَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ، وَ أَعْطِنَا أَضْعَافَهُ مِنْ فَضْلِکَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش و از فضلت، چندین برابر آن را به ما عطا فرما.۵۰/۴۵

زیاد شدن جود و بخشش الهی

ص : ۱۸۱

وَ امْتَلَأَتْ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْعِيَهُ الطَّلِبَاتِ

و ظرف خواسته ها با زیادی جودت، پر گشته است.۱۲/۴۶

روا بودن جود و بخشش خداوند، برای درخواست کنندگان

وَ جُودُکَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِینَ

و بخشش تو برای درخواست کنندگان، روا است.۱۴/۴۶

ناامید نگشتن از عطا و بخشش خداوند

وَ لَا یَیْأَسُ مِنْ عَطَائِکَ الْمُتَعَرِّضُونَ

و آنان که به تو پرداختند، از عطایت مأیوس نمی گردند.۱۵/۴۶

درخواست عطا و بخشش نیکو، از خدا

وَ أَسْأَلُکَ حُسْنَ الرِّفَادَهِ

و پذیرایی نیکو از تو می خواهم.۲۵/۴۶

خدا، بخشنده ای با توانگری بسیار

سُبْحَانَکَ مِنْ... جَوَادٍ مَا أَوْسَعَکَ

پاک و منزّهی! ای بخشنده که بسیار توانگری!

۲۴/۴۷

فراوانی بخشش های الهی، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحَلِکَ وَ کَرَامَتِکَ، وَ تُکْمِلُ لَهُمُ الْأَشْیَاءَ مِنْ عَطَایَاکَ وَ نَوَافِلِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامتت را برای ایشان بسیار سازی و چیزهایی از عطاها و بخشش هایت را برای آنها کامل گردانی.۵۷/۴۷

بسیاری بخشش الهی، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمُ عَرَفَهَ یَوْمٌ... أَجْزَلْتَ فِیهِ عَطِیَّتَکَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که عطایت را در آن فراوان نموده ای.۶۶/۴۷

بخشش به بنده تسلیم شونده خدا

وَ جُدْ عَلَیَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ – عَلَی مَنْ أَلْقَی بِیَدِهِ إِلَیْکَ – مِنْ عَفْوِکَ

و به من ببخش همان چیزی را که به کسی که به خاطر عفوت تسلیم تو گردیده است می بخشی.

۷۰/۴۷

عدم بخشش الهی، در صورت عدم طاقت بنده

وَ لَا تَمْنَحْنِی بِمَا لَا طَاقَهَ لِی بِهِ فَتَبْهَظَنِی مِمَّا تُحَمِّلُنِیهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِکَ

و آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از بار گران دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی.۱۰۲/۴۷

ص : ۱۸۲

پی درپی رساندن بخشش خدا، به بنده

وَ ظَاهِرْ لَدَیَّ فَضْلَکَ وَ طَوْلَکَ

و فضل و بخشش خود را بر من پوسته گردان.

۱۱۲/۴۷

ستایش الهی و عطای او

وَ أَوْزِعْنِی أَنْ أُثْنِیَ بِمَا أَوْلَیْتَنِیهِ

و به من الهام کن که به خاطر آنچه به من داده ای، ثنا (ی تو را) گویم.۱۱۴/۴۷

مواهب و بخشش های خداوند، به بنده

وَ سُقْ کَرَائِمَ مَوَاهِبِکَ إِلَیَّ

و بخشش های گرامی ات را به سوی من روان فرما.۱۲۸/۴۷

عطایای بزرگ الهی (در بهشت)

جَلِّلْنِی شَرَائِفَ نِحَلِکَ فِی الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّهِ لِأَحِبَّائِکَ

در مکان هایی که برای دوستانت آماده کرده ای، به عطاهای والایت مرا بپوشان.۱۲۸/۴۷

درخواست از خدا، به سبب بخشش او

فَأَسْأَلُکَ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از تو می خواهم به بخشش و کرمت، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱/۴۸

عطا نمودن نیکی دنیا و آخرت، به بندگان

أَسْأَلُکَ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ خَیْرٍ... أَوْ تُعْطِیهِمْ بِهِ خَیْرًا مِنْ خَیْرِ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می نمایی، یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

درخواست بخشش و عطای خداوند

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ... لِوَفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ طَلَبَ نَيْلِهِ وَ جَائِزَتِهِ، فَإِلَيْكَ يَا مَوْلَایَ كَانَتِ الْيَوْمَ تَهْيِئَتِی... رَجَاءَ عَفْوِكَ وَ رِفْدِكَ وَ طَلَبَ نَيْلِكَ وَ جَائِزَتِكَ

خداوندا، هر کسی خود را مهیّا می کند تا بر مخلوقی وارد شود، بدین امید که به صله و عطا و درخواستِ بخشش و احسان او نائل شود. پس ای سرور من، امروز مهیّا گشته تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش و صله و درخواستِ بخشش و احسان تو نائل شوم.۵/۴۸

عطای الهی، و کم نشدن از (گنجینه) خدا

يَا مَنْ... لَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ

ای کسی که هیچ بخششی، (گنج های) او را نمی کاهد.۶/۴۸

ص : ۱۸۳

عطای الهی، و نیک بختی بنده

وَ أَسْعِدْنِی بِمَا تُعْطِینِی مِنْهُ

و مرا به آنچه از آن عطا می کنی، نیک بخت گردان.۲۸/۴۸

عطای نیکوی الهی

وَ أَبْلَيْتَ الْجَمِيلَ فَعَصَيْتُ

و عطای نیکو نمودی، پس نافرمانی کردم.

۱/۴۹

درخواست از خداوند و عطای او

وَ لَقَدْ سُئِلْتَ فَأَعْطَيْتَ، وَ لَمْ تُسْأَلْ فَابْتَدَأْتَ

و چون از تو درخواست شد، پس عطا کردی و درخواست نشد، پس به بخشش آغاز نمودی.

۱۴/۴۹

بخشنده یافتن خدا، نسبت به خواسته ها

...بَلْ وَجَدْتُكَ... لِمَطَالِبِی مُعْطِيًا

...بلکه تو را برای خواسته هایم، بخشنده یافتم.۵/۵۱

توکّل و اعتماد بر جود و بخشش خدا

وَ عَلَى جُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَتَّكِلُ

و تنها بر بخشش و بزرگواری تو دل می بندم.

۱۱/۵۲

بخشش خداوند، در دنیا و آخرت

يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ رَحِيمَهُمَا

ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو.۱/۵۴

از خدا درخواست نمودنِ بخششِ:

أ. رحمت و گشایش بی رنج

وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً وَ فَرَجًا هَنِیئًا

و از جانب خویش رحمت و گشایشِ گوارا به من ببخش.۸/۷

ب. آسودگی روز معاد

وَ هَبْ لِی أَمْنَ یَوْمِ الْمَعَادِ

و مرا آسایشِ روز بازگشت ببخش.

۲۰/۲۰

ج. راهنمایی حقیقی

وَ امْنَحْنِی حُسْنَ الْإِرْشَادِ

و خوب ارشاد کردن را به من عطا نما.

۲۰/۲۰

وَ هَبْ لِی صِدْقَ الْهِدَایَهِ

و مرا هدایت راستین ببخش.۲۲/۲۰

د. زندگی آسوده

وَ امْنَحْنِی حُسْنَ الدَّعَهِ

و زندگیِ آسوده نیکو به من عطا فرما.

۲۲/۲۰

هـ. توان و نیرو

وَ هَبْ لِی قُوَّةً أَحْتَمِلُ بِهَا جَمِیعَ مَرْضَاتِکَ

و به من نیرویی عنایت کن تا بتوانم همه خوشنودی ات را حمل کنم.۱۱/۲۱

و. خو گرفتن باخدا، دوستان و پیروان او

هَبْ لِیَ الْأُنْسَ بِکَ وَ بِأَوْلِیَائِکَ وَ أَهْلِ طَاعَتِکَ

انس با خودت و دوستانت و فرمانبرانت را به من ببخش.۱۱/۲۱

ز. نور هدایت

وَ هَبْ لِی نُورًا أَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ

و مرا نوری بخش که با آن در بین مردم راه روم.۸/۲۲

ح. تندرستی

وَ هَبْ لِی عَافِیَتَکَ

و عافیت را به من ببخش.۱/۲۳

ط. فرزند پسر

وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُکُورًا

و از نزد خود افزون بر ایشان، پسران دیگری به من ببخش.۵/۲۵

ی. همه درخواست ها

اللَّهُمَّ أَعْطِنِی کُلَّ سُؤْلِی

خداوندا همه خواسته هایم را به من عطا کن.۹/۲۵

ک. حسنه و نیکی در دنیا و آخرت

وَ آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً، وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً

و ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عطا کن.۱۳/۲۵

ل. یقین صادق

وَ هَبْ لَنَا یَقِینًا صَادِقًا...

و ما را یقینی راستین ببخش.۲/۲۹

م. آنچه بنده به آن امیدوار است

فَأَعْطِنِی یَا رَبِّ مَا رَجَوْتُ

پس ای پروردگار من، آنچه را امید دارم، به من عطا کن.۲۰/۳۲

ن. آرزو

وَ هَبْ لِی أَمَلِی

و آرزویم را به من ببخش.۱۶/۳۷

س. چیزی که بخشیدن آن، از خدا نمی کاهد

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْهِبُکَ – یَا إِلَهِی – مَا لَا یُنْقِصُکَ بَذْلُهُ

خداوندا، ای خدای من، همانا من از تو

بخششی می خواهم که بخشیدن آن از تو چیزی نمی کاهد.۶/۳۹

ع. خوی های نیکوکاران

وَ هَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ

و زیبایی خوهای نیکوکاران را به ما ببخش.۹/۴۲

ف. سلطنتی پیروزمند، به ولیّش

وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطَانًا نَصِیرًا

و او را از جانب خود، سلطنتی پیروزمند عطا فرما.۶۱/۴۷

ص. مهربانی ولیّ خدا

وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ

و محبّت او را به ما روا دار.۶۳/۴۷

ق. عصمت

وَ هَبْ لِی عِصْمَةً تُدْنِینِی مِنْ خَشْیَتِکَ

و به من عصمتی بخش که مرا به ترس از تو نزدیک کند.۱۱۱/۴۷

ر. گشایش و فرج

وَ هَبْ لَنَا یَا إِلَهِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجًا

و ما را – ای خدای من – از جانب خود گشایش ده.۱۳/۴۸

ش. رحمت و توفیق همیشگی الهی

فَهَبْ لِی یَا إِلَهِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ دَوَامِ تَوْفِیقِکَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَی رِضْوَانِکَ

پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم.۱۷/۴۹

ت. توکّل و اعتماد صادق

وَ هَبْ لِی صِدْقَ التَّوَکُّلِ عَلَیْکَ

و توکّل راستین به خود را، به من ارزانی دار.۴/۵۴

بخیل

بخیل نیافتن خدا، هنگام درخواست از او

إِلَهِی مَا وَجَدْتُکَ بَخِیلًا حِینَ سَأَلْتُکَ

خدای من، هنگامی که از تو درخواست نمودم، تو را بخیل نیافتم.۵/۵۱

بدبختی

نافرمانی خدا و بدبخت شدن

فَالْهَالِکُ مِنَّا مَنْ هَلَکَ عَلَیْهِ

پس بدبخت از ما کسی است که به خاطر

نافرمانی او هلاک شود.۲۴/۱

بدترین بدبختی

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنَ... أَشْقَی الشَّقَاءِ

و پناه می بریم به تو از بدترین تیره بختی.

۹/۸

وَ الشَّقَاءُ الْأَشْقَی لِمَنِ اغْتَرَّ بِکَ

و بدبخت ترین بدبختی برای کسیست که به تو مغرور گشته.۱۹/۴۶

سبب بدبخت گشتن نیک بختی خواه

وَ لَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِکَ، فَتَکُونَ قَدْ أَشْقَیْتَ مَنِ اسْتَسْعَدَ بِکَ

و به منع خویش، ما را ناامید مکن. وگرنه کسی که از تو نیک بختی خواسته، بدبخت کرده ای.۳/۱۰

روی آوردن بدبخت، به درگاه الهی

فَتَکُونَ قَدْ أَشْقَیْتَ مَنِ اسْتَسْعَدَ بِکَ... فَإِلَی مَنْ حِینَئِذٍ مُنْقَلَبُنَا عَنْکَ؟ وَ إِلَی أَیْنَ مَذْهَبُنَا عَنْ بَابِکَ؟

...وگرنه کسی که از تو نیک بختی خواسته، بدبخت کرده ای. پس در این هنگام از جانب تو به چه کسی رو آوریم؟ و از درِ خانه تو به کجا رویم؟

۳/۱۰و۴

بدبخت شدن، به سبب دوست داشتنی ها

فَلَا تَجْعَلْ حَظِّی مِنْ رَحْمَتِکَ مَا عَجَّلْتَ لِی مِنْ عَافِیَتِکَ، فَأَکُونَ قَدْ شَقِیتُ بِمَا أَحْبَبْتُ...

پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده که به سبب آنچه دوست دارم، بدبخت شوم.۱/۱۸

بدبختی و به هلاکت افتادن

وَ مَنْ أَشْقَی مِمَّنْ هَلَکَ عَلَیْکَ؟

و شقی تر از کسی که بر اثر نافرمانی ات به هلاکت افتاده، کیست؟۱۶/۳۷

بدبختی و مهمانی مرگ

وَ لَا تُشْقِنَا بِضِیَافَتِهِ

و در پذیرایی از او ما را به شقاوت میفکن.

۴/۴۰

بدبختی، و نعمت الهی

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا... یَشْقَی بِنِعْمَتِکَ شَقِیُّهُمْ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد.۹/۴۵

محرومیّت بدبختان، از شناخت وقت ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِی... وَفَّقْتَنَا بِمَنِّکَ لَهُ حِینَ

ص : ۱۸۷

جَهِلَ الْأَشْقِيَاءُ وَقْتَهُ، وَ حُرِمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ

خداونـدا، همانـا مـا اهـل این مـاه هسـتیم، که مـا را برای آن به وسـیله نعمتت، توفیق دادی، آنگـاه که تیره بختـان، وقت آن را نشناختند و بر اثر شقاوتشان، از فضل آن ماهْ محروم گشتند.

۴۳/۴۵

عدم بدبختی آمرزش خواهان

وَ لا يَشْقَى بِنَقِمَتِکَ الْمُسْتَغْفِرُونَ

و آمرزش خواهان به کیفرت تیره بخت نمی شوند.۱۵/۴۶

لایق بدبختی بودن

مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَهِ خَذَلْتَهُ لَهَا

هر که از شقاوتمندان باشد، او را از آن جهت خوار می کنی.۱۷/۴۶

بدبختان، و جرأت نمودن به (نافرمانی) خدا

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِي... مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْمُتَجَرِّينَ عَلَيْکَ

خود را در جایگاه بدبختانی که بر تو جرأت یافته اند، واداشته ام.۲/۵۳

بدر

روز جنگ بدر و لشکری از فرشتگان

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِکَتِکَ بِبَأْسٍ مِنْ بَأْسِکَ کَفِعْلِکَ يَوْمَ بَدْرٍ

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر.

۱۱/۲۷

بدرفتاری بدی

مبدّل شدن بدرفتاری خویشاوندان، به خوش رفتاری

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ عُقُوقِ ذَوِی الْأَرْحَامِ الْمَبَرَّهَ

و درباره من بدرفتاری خویشان را به نیکوکاری مبدّل فرما.۷/۲۰

بدرفتاری با والدین

وَ لَا تَجْعَلْنِی فِی أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ

و مرا از بدرفتاری کنندگان با پدران و مادران قرار نده.۱۱/۲۴

بدخویی و بدخُلقی

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... زَاجِرًا عَنْ سُوءِ الْخُلُقِ

پس آن عیب ها که پوشاندی، بازدارنده از بدخویی قرار ده.۳/۳۴

بدرود وداع

ص : ۱۸۸

بدعت

توفیق ترک بدعت ها

وَ وَفِّقْنَا فِی یَوْمِنَا هَذَا وَ لَیْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِی جَمِیعِ أَیَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ مُجَانَبَهِ الْبِدَعِ

و در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و ترک بدعت ها، توفیق ده.

۱۸/۶

واگذاشتن بدعت گزاران

أَکْمِلْ ذَلِکَ لِی بِدَوَامِ الطَّاعَهِ... وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدَعِ

این (اوصاف) را برای من با اطاعت همیشگی و فروگذاردن اهل بدعت، کامل گردان.۱۰/۲۰

بدگمانی گمان

بدن اندام

مشقّت های وارده بر بدن پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ عَرَّضَ فِیکَ لِلْمَکْرُوهِ بَدَنَهُ

و به خاطر تو، بدنش را در معرض سختی قرار داد.۵/۲

بیرون شدن جان ها، از بدن ها

وَ تُهَوِّنَ عَلَیْهِمْ کُلَّ کَرْبٍ یَحُلُّ بِهِمْ یَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا

و در آن روز که جان ها از تن بیرون رود، هر

اندوهی را بر ایشان آسان گردانی.۱۷/۴

آسایش بدن، در سپاس گزاری از نعمت الهی

وَ اجْعَلْ... فَرَاغَ أَبْدَانِنَا فِی شُکْرِ نِعْمَتِکَ

و آسایش تن هایمان را در سپاس گزاری نعمت خود قرار ده.۱۴/۵

سلامت پیشین بدن و بیماری کنونی آن

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِیهِ مِنْ سَلَامَهِ بَدَنِی، وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا أَحْدَثْتَ بِی مِنْ عِلَّهٍ فِی جَسَدِی

خداوندا ترا سپاس بر تندرستی تنم که همواره از آن برخوردار هستم. و تو را سپاس بر بیماری ای که در جسمم پدید آوردی.۱/۱۵

به کار بردن بدن، در آنچه خدا از بنده می پذیرد

وَ اسْتَعْمِلْ بَدَنِی فِیما تَقْبَلُهُ مِنِّی

و بدنم را در آنچه از من می پذیری به کار گیر.

۹/۲۱

ضعف بدن، از انجام واجبات

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ... وَ إِنْ ضَعُفَ عَنْ ذَلِکَ بَدَنِی

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب

نموده ای، توفیق ده و گرچه بدنم از (انجام) آن ناتوان باشد.۶/۲۲

تندرستی در بدن بنده

وَ عَافِنِی... عَافِیَهً تُوَلِّدُ فِی بَدَنِی الْعَافِیَهَ، عَافِیَهَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ

و به من عافیت ده. عافیتی که در جسمم عافیت زایَد، عافیت دنیا و آخرت.۲/۲۳

سلامتی در جسم و دین

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ وَ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَهِ فِی دِینِی وَ بَدَنِی

و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم بر من منّت گذار.۳/۲۳

سلامت بدن فرزندان

وَ أَصِحَّ لِی أَبْدَانَهُمْ...

و بدنشان را برای من سالم بدار.۲/۲۵

بدن های دشمنان و تواناییشان

اللَّهُمَّ أَخْلِ... أَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّهِ

خداوندا، تن هایشان را از قوّت تهی دار.

۱۱/۲۷

بدن و عمر بنده، در راه طاعت الهی

وَ أَسْأَلُکَ... أَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِی وَ عُمْرِی فِی سَبِیلِ طَاعَتِکَ

و از تو درخواست می کنم که آنچه از جسم و عمرم سپری شده در راه طاعتت قرار دهی.۲۸/۳۲

عدم دگرگونی جسم بنده

وَ لَا تُبَدِّلْ لِی جِسْمًا

و تنم را دگرگون نکن.۱۲۴/۴۷

جسم بنده، سپاس گزار خداوند

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند.۶/۵۱

آرمیدن رگ ها و غافل بودن بدن

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُکُونِ عُرُوقِهِ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که تن او به خاطر آرامش رگ هایش، غافل مانده.۸/۵۲

عافیت تن بنده و حاجت خواهی از خدا

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِی... عَافِ فِیهَا جَسَدِی

خداوندا خواسته من این است. تنم را در آن عافیت بخش.۷/۵۴

بدی

جزا دادن به بدی کردار بنده

ص : ۱۹۰

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاوءُوا بِمَا عَمِلُوا

تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد.

۷/۶، ۶/۱

خداوند، تبدیل کننده بدی ها به خوبی ها

يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ

ای تبدیل کننده بدی ها به چندین برابر آن از خوبی ها.۸/۲۴، ۲۶/۲

بدی دام های شیطان

وَ اكْفِنَا... شَرَّ مَصَايِدِ الشَّيْطَانِ

و ما را از شرّ دام های شیطان نگهدار.۱۰/۵

توفیق دوری از بدی

وَ وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ، وَ هِجْرَانِ الشَّرِّ

و ما را برای انجام نیکی و ترک بدی، توفیق ده.۱۸/۶

بدرفتاری با زیردستان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... سُوءِ الْوِلَايَهِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا

خداوندا به تو پناه می برم از بدرفتاری با زیردستان.۳و۱/۸

بدی بازگشت (به دوزخ)

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنَ... سُوءِ الْمَآبِ

و پناه می بریم به تو از بدی سرنوشت.۹/۸

سبب باقی نماندن کار بدِ بنده

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... وَ لَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ، حَتَّى... لَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَهٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ

و رازهـای دل هایمان و سـخنان زبان هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار بـدی که به وسـیله آن مسـتوجب عذاب تو شویم برای ما نماند.۷/۹

فرشتگان نویسنده بدی ها و عدم ذکر بدی

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُـغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَـلَامَهٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَهٌ... حَتَّى يَنْصَـرِفَ عَنَّا كُتَّابُ السَّيِّئَاتِ بِصَـحِيفَهٍ خَالِيَهٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا

و اگر برای ما فراغت از کار مقـدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. تا نویسـندگان بدی ها با نامه ای خالی از کردار زشت از نزد ما بازگردند.۲/۱۱

اعتراف به بدی و بدکرداری

فَهَلْ يَنْفَعُنِى، يَا إِلَهِى، إِقْرَارِى عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتُ؟

ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟۶/۱۲

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ إِقْرَارًا بِالْإِسَاءَهِ

خداوندا، پس سپاس برای توست، در حالی که به بدکرداری، اقرارکننده ایم.۴۵/۴۵

أَنَا الْمُسِیءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ

منم بدکارِ اعتراف کننده خطاکار لغزشکار.

۷۶/۴۷

أَتَیْتُکَ مُقِرًّا بِالْجُرْمِ وَ الْإِسَاءَهِ إِلَی نَفْسِی

به درگاه تو آمده ام، در حالی که اقرار به گناه و بدی بر خود دارم.۷/۴۸

پناه دادن بنده، از آنچه بدکرداران از آن ترسانند

وَ أَجِرْنِی مِمَّا یَخَافُهُ أَهْلُ الْإِسَاءَهِ

و از آنچه بدکاران وحشت دارند پناهم ده.

۱۵/۱۲

بدرفتاری ستمگر، با بنده

وَ أَبْدِلْنِی بِسُوءِ صَنِیعِهِ بِی رَحْمَتَکَ

و به جای بدرفتاری اش، رحمتت را به من عطا کن.۹/۱۴

پناه بردن به خدا، از خواهش بد

وَ أَعِذْنِی مِنْ سُوءِ الرَّغْبَهِ...

و از خواهش بد پناهم ده.۱۵/۱۴

سبب پاکی بنده، از بدی ها

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی، أَیُّ الْحَالَیْنِ أَحَقُّ بِالشُّکْرِ لَکَ؟... أَ وَقْتُ الصِّحَّهِ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا... تَطْهِیرًا لِمَا انْغَمَسْتُ فِیهِ مِنَ السَّیِّئَاتِ

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ آیا وقت تندرستی یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا از بدی هایی که در آن فرورفته ام پاکم سازد؟۴-۲/۱۵

شرمندگی از خدا، به سبب بدرفتاری

...كُلَّ ذَلِكَ حَيَاءٌ مِنْكَ لِسُوءِ عَمَلِی

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم.۲۰/۱۶

بدی بنده و همسایگان او

...وَ لَمْ تُبْدِ سَوْءَاتِهَا لِمَنْ یَلْتَمِسُ مَعَایِبِی مِنْ جِیرَتِی

و بدی های مرا پیش همسایگانم - که در جستجوی عیب های من می باشند - آشکار نکردی.

۲۱/۱۶

مهربانی های خدا و بدی های بنده

ثُمَّ لَمْ یَنْهَنِی ذَلِکَ عَنْ أَنْ جَرَیْتُ إِلَی سُوءِ مَا عَهِدْتَ مِنِّی

آن همه (عنایت) مرا از شتافتن به سوی بدی - که تو از من می دانی - بازنداشت.۲۲/۱۶

اقدام به بدی، هنگام ایستادن بین دعوت خدا و شیطان

وَ مَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَی السُّوءِ مِنِّی حِینَ أَقِفُ بَیْنَ

دَعْوَتِکَ وَ دَعْوَهِ الشَّیْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ...

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم؟۲۳/۱۶

بازداشتن خود، از بدی های خوارکننده

وَ لَیسَ ذَلِکَ مِنْ کَرَمِی عَلَیْکَ، بَلْ تَأَنِّیا مِنْکَ لِی... لِأَنْ... أُقْلِعَ عَنْ سَیِّئَاتِیَ الْمُـخْلِقَهِ

و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از بردباری تو بر من است. برای اینکه از بدی های - خوارکننده ام - جدا شوم.۲۶/۱۶

از بین بردن (محو) بدی های بنده

یَا إِلَهِی لَوْ بَکَیْتُ إِلَیْکَ حَتَّی تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَیْنَیَّ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

بدی جایگاه بنده

فَارْحَمْ... سُوءَ مَوْقِفِی

پس بر بدی جایگاهم رحم کن.۳۲/۱۶

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِکَ یَرْحَمُنِی لِسُوءِ مَوْقِفِی

شاید برخی از آنها به رحمتتْ بر بدی جایگاهم، به من رحم کند.۲۷/۳۱

چشم پوشی از بدی

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أُغْضِیَ عَنِ السَّیِّئَهِ

و مرا توفیق ده تا از بدی (دیگران) چشم پوشی کنم.۹/۲۰

بخشش طلبیدن، از مردمان بدکردار

لَا تَبْتَذِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ أَسْتَعْطِيَ شِرَارَ خَلْقِكَ

شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. و از آفریدگان بدت، عطا طلبم.۲۶/۲۰

وحشت از بدکاران خَلق

وَ أَلْبِسْ قَلْبِيَ الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ

و دلم را به وحشت از بدکاران خلقت بپوشان.

۱۱/۲۱

سبب نیفزودن بر بدی های بنده در قیامت

هُوَ، يَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِي، فَأَدِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلِ عَطِيَّتِكَ وَ كَثِيرِ مَا عِنْدَكَ... حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ... تُضَاعِفَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي يَوْمَ أَلْقَاكَ

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا

ص : ۱۹۳

کن. تا چیزی از آن بر من نمانَد که بخواهی به سبب آن بر بدی هایم بیفزایی، در روزی که تو را دیدار می کنم.۷/۲۲

سبب ایمن و آسوده شدن از بدی ها

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی حَتَّی... آمَنَ مِنَ السَّیِّئَاتِ فَرَقًا وَ خَوْفًا

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا از بدی ها، از روی ترس و بیم ایمن بمانم.۸/۲۲

پناه بردن به خدا، از شرّ و بدی اموری

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ، وَ مِنْ شَرِّ السَّامَّهِ وَ الْهَامَّهِ و الْعَامَّهِ وَ اللَّامَّهِ، وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ... وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا

و من و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده و از شرّ جانور زهردار نکشنده و جانور زهردار کشنده و سایر جانوران و چشم زخم و از شرّ هر شیطانِ سرکش و از شرّ هر جنبنده ای که زلفش در اختیار توست، پناه ده.۶/۲۳

دفع بدی بدخواه، از بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ ادْرَأْ عَنِّی شَرَّهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و شرش را از من بازدار.۷/۲۳

ایمن فرمودن بنده، از بدی بدخواه

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ جَمِیعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی اش ایمن سازی.۸و۷/۲۳

همسایگان بدکردار

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ أَجْزِی بِالْإِحْسَانِ مُسِیئَهُمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که بدکارشان را به نیکی پاداش دهم.۳/۲۶

درخواست بخشش بدی کردار خود، از خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی... أَسْتَوْهِبُکَ سُوءَ فِعْلِی

خداوندا، به درستی که من از زشتی کردارم، از تو بخشش می طلبم.۲۱/۳۱

گفتار بنده و بدکرداری او

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست.۲۶/۳۱

بدی بنده و دشوار نبودن عفو او بر خدا

وَ لَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِكَ وَ إِنْ أَسَاءَ

و گذشت از بنده ات گر چه بد کرده، بر تو دشوار نیست.۱۰/۳۲

ص : ۱۹۴

بدی کردار بنده و خشم خداوند

...وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْيِى سَخْطَتَکَ

...و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم.

۱۳/۳۲

اندیشه بد و آراستن نادرستی برای بنده

وَ سَوَّلَ لِیَ الْخَطَاءَ خَاطِرُ السُّوءِ فَفَرَّطْتُ

و اندیشه بدْ خطا را برای من آراست، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم.۱۶/۳۲

بدی مجاورت و همسایگی شیطان، با بنده

فَأَنَا أَشْكُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِی

پس از بدهمسایگی او با من، به تو شکایت می کنم.۲۷/۳۲

اکتساب بدی های بسیار

كَمْ... سَيِّئَةٍ اكْتَسَبْنَاهَا... كُنْتَ الْمُطَّلِعَ عَلَيْهَا

چه بسیار بدی ای که آن را کسب کردیم، (و) تو بر آن مطّلع بودی.۲/۳۴

بنده و نپذیرفتن عذرخواهی بدکردار

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَيْکَ... مِنْ مُسِیءٍ اعْتَذَرَ إِلَیَّ فَلَمْ أَعْذِرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از بدکرداری که از من عذرخواهی کرد، پس عذر او را نپذیرفتم.۱/۳۸

قصد بنده، بر به جا نیاوردن بدی

وَ اجْعَلْ... عَزْمِی عَلَی تَرْکِ مَا يَعْرِضُ لِی مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَةً تُوجِبُ لِی مَحَبَّتَکَ

و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گرداند.۳/۳۸

بسیاری رحمت خدا، به بدکاران

فَكَمْ قَدْ لَحِقَتْ رَحْمَتُكَ بِالْمُسِيئِينَ

پس چه بسیار رحمتت که به بدکاران رسید.

۹/۳۹

اندک بودن نیکی های بنده، در مقابل بدی هایش

تَفْعَلْ ذَلِكَ يَا إِلَهِی بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ... لَا أَنْ يَكُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقِلَّهِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک است.

۱۲/۳۹

بدی های آرزو

وَ آمِنَّا مِنْ شُرُورِهِ

و ما را از شرورش ایمن ساز.۲/۴۰

ص : ۱۹۵

ماه نو، ماه سلامتی از بدی ها

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ... سَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سلامتی از بدی ها قرار دهد.۵و۴/۴۳

خالص گشتن از بدی ها، در ماه رمضان

وَ اسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاخِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقَضِيَ عَنَّا وَ قَدْ... أَخْلَصْتَنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

و با گذشتن روزهایش سختی هایمان را از ما بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که در آن از بدی ها خالصمان نموده ای.۱۵/۴۴

زدودن بدی ها، از بندگان

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید.

۱۰/۴۵

همانندی کیفر، با کار بد بنده

وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا

و هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده نمی شود.۱۲/۴۵

برگرداندن بدی ها از بنده، به سبب ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِكَ عَنَّا

درود بر تو. چه بسیار بدی ها که به سبب تو، از ما برطرف شد!.۳۹/۴۵

خروج از بدی ها، با پایان ماه رمضان

وَ أَخْرِجْنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا

و با بیرون رفتنش، ما را از بدی هایمان بیرون بر.۴۹/۴۵

توبه از کار بد و اندیشه بد

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا... مِنْ کُلِّ... سُوءٍ أَسْلَفْنَاهُ، أَوْ خَاطِرِ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ

خداونـدا ما در روزِ فطرمان از هر بـدی ای که در گذشـته انجام داده ایم یا اندیشه بدی که در دل داشـته ایم، به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

درگذشتن خدا، از بدی

وَ یَا مَنْ... یَتَجَاوَزُ عَنِ السَّیِّئَهِ حَتَّی یُعَفِّیَهَا

و ای کسی که از بدی درمی گذرد، تا آن را محو کند.۱۱/۴۶

عادت خدا، احسان به بدکاران

عَادَتُکَ الْإِحْسَانُ إِلَی الْمُسِیئِینَ

عادت تو احسان به بدکاران است.۱۶/۴۶

عدم شتاب خدا، در کیفر بدکاران

ص : ۱۹۶

فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ

پس ای آنکه بر (کیفر) بدکاران شتاب نمی کنی.

۷۵/۴۷

بازایستادن از بدی ها

أَشْعِرْ قَلْبِيَ الِازْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ

دلم را به خودداری از بدی های زشت بپوشان.

۱۰۷/۴۷

نجات از بدی و فتنه

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَنَجِّنِي مِنْهَا لِوَاذًا بِكَ

و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فروفرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات ده.۱۲۰/۴۷

برگرداندن بدی، از بنده

فَإِنِّي... لَمْ يَصْرِفْ عَنِّي سُوءًا قَطُّ أَحَدٌ غَيْرُكَ

پس به درستی که هیچ کس جز تو بدی ای را از من برنگردانده است.۴/۴۸

گریزگاه بدکار

وَ إِلَيْكَ مَفَرُّ الْمُسِيءِ

و گریزگاه بدکار به سوی توست.۳/۴۹

بدکرداری بنده و احسان خداوند

لَمْ تَمْنَعْكَ إِسَاءَتِي عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ

بدکرداری من تو را از تمام نمودن احسانت

بازنداشت.۱۳/۴۹

وَ عُدْ... بِإِحْسَانِکَ عَلَی إِسَاءَتِی

و با احسانت بر بدکرداری ام تلافی کن.

۴/۵۳

پناه دادن بنده، از شرّ آنچه از آن پناه طلبد

وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِهِمَا أَنْ تُعِیذَنِی مِنْ شَرِّ کَذَا وَ کَذَا

و به وسیله آنان، به درگاهت رومی آورم که مرا از شرّ این و آن پناه دهی.۱۶/۴۹

بدی آنچه نوشته شده و گذشته

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کِتَابٍ قَدْ خَلَا

و از بدی آنچه نوشته شده و گذشته، به تو پناه می برم.۵/۵۴

بذل بخشش

برّ نیکی

برآوردن حاجت اجابت

برابر

عدم برابری رتبه کسی، با پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ... إِلَی الدَّرَجِهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ حَتَّی لَا یُسَاوَی فِی مَنْزِلَهٍ

خداوندا، او را به بالاترین درجه از بهشتت

بالا بر. تا آنکه کسی در منزلت با او یکسان نباشد.

۲۴و۲۳/۲

عدم برابری هیچ فرشته مقرّب و پیامبر مرسلی، با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ... إِلَى الدَّرَجِهِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِکَ حَتَّى... لَا يُوَازِيَهُ لَدَيْکَ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ، وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ

خداونـدا، او را به بالاـترین درجه از بهشـتت بالاـ بر. تـا آنکه نزد تو هیـچ فرشـته مقرّبی و پیـامبر فرسـتاده شـده ای با او برابری نکند.۲۴و۲۳/۲

یکسان بودن حال بنده، در خشم و رضا

وَ ارْزُقْنِي... الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ... فِي حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ

و مرا در حـال خوشـنودی وخشم، خویشـتن داری از لغزش هـا، روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشـنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم.۱۳/۲۲

عدم برابری طاقت بنده، با خشم الهی

وَ إِنَّ طَاقَتِي لَا تَنْهَضُ بِسُخْطِکَ

و همانا طاقت من، با خشم تو برابری نمی کند.

۵/۳۹

عدم همسانی در پاداشِ (عمل)

وَ يَا مَنْ لَا يُكَافِئُ عَبْدَهُ عَلَى السَّوَاءِ

و ای کسی که بنده خود را همسان (عملش) جزا نمی دهد.۳/۴۵

عدم برابری دیگر روزهای سال، با روزهای ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ الْأَيَّامُ

درود بر تو ماهی که روزها(ی دیگر) با آن برابری نمی کند.۳۳/۴۵

سپاسی برابر با لطف و احسان خدا، از او

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یُوَازِی صُنْعَکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که با لطف تو، برابری کند.۳۴/۴۷

سپاسی برابر با عرش الهی، از خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوازِنُ عَرْشَکَ الْمَـجِیدَ وَ یُعَادِلُ کُرْسِیَّکَ الرَّفِیعَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عرش بزرگ تو همسنگ باشد، و با کرسی بلندپایه ات برابری نماید.۴۱و۳۶/۴۷

برادران

برادران پیشی گیرنده در ایمان

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِینَ سَبَقُونَا بِالْإِیمَانِ...

پروردگارا! ما و برادرانمان را، که در ایمان، بر

ما پیش قدم شدند بیامرز.۹/۴

درخواست پناه دادن برادران، از خدا

وَ أَعِذْنَا وَ أَهَالِيَنَا وَ إِخْوَانَنَا... مِمَّا اسْتَعَذْنَا مِنْهُ

و ما و خویشاوندان و برادرانمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده.۱۵/۱۷

براندازی

براندازی شوکت دشمن

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ... تَحْصُدُ بِهِ شَوْكَتَهُمْ

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت بفرست. تا بدین سبب، سختی و صلابتشان را براندازی.

۱۱/۲۷

برانگیختن

برانگیختن آفریدگان، در طریق دوستی خدا

وَ بَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ

و آنها را در راه دوستی به خود، برانگیخت.

۴/۱

برانگیخته شدن حرص و آز

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحِرْصِ

خداوندا به تو پناه می برم از برانگیخته شدن حرص.۱/۸

برانگیخته شدن بنده، با درخواست ازخدا

وَ يَحْدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفَضُّلُكَ عَلَى مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ

و وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضّل تو به آنکه رو به تو آورَد.۳/۱۲

برانگیختن لشکری از فرشتگان الهی

وَ ابْعَثْ عَلَیْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِکَتِکَ...

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت بفرست.

۱۱/۲۷

برانگیختن ابرها برای عذاب

اللَّهُمَّ وَ إِنْ کُنْتَ بَعَثْتَهَا نِقْمَهً وَ أَرْسَلْتَهَا سَخْطَهً فَإِنَّا نَسْتَجِیرُکَ مِنْ غَضَبِکَ

خداوندا و اگر آن (ابرها) را برای کیفر برانگیخته ای و از روی خشم فرستاده ای، پس ما از خشمت، از تو امان می خواهیم.۳/۳۶

برانگیخته شدن بندگان، از قبور

وَ نَوِّرْ بِهِ قَبْلَ الْبَعْثِ سُدَفَ قُبُورِنَا

و پیش از برانگیخته شدن، تاریکی قبرهایمان را با آن (قرآن)، روشن ساز.۱۵/۴۲

برانگیخته شدن بندگان، برای دیدار خدا

وَ لَا تُخْزِنِی یَوْمَ تَبْعَثُنِی لِلِقَائِکَ

و روزی که مرا برای دیدارت برمی انگیزی، خوارم نساز.۱۱۴/۴۷

برپا داشتن

برپا داشتن راهنما، برای مردمان هر زمان

فِی کُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِیهِ رَسُولًا، وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا...

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی و برای اهل آن راهنمایی گماشتی...۲/۴

خدا، به پادارنده عدالت

أَنِّی أَشْهَدُ أَنَّکَ... قَائِمٌ بِالْقِسْطِ

همانا من شهادت می دهم که تو برپادارنده عدلی.۲۱/۶

برپا داشتن سنّت الهی

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ

و آنان را برای به پا داشتن سنّتت توفیق ده.

۲/۲۶

اقامه قرآن، در ساعات شبانه روز

وَ اقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِینَ قَامُوا لَکَ بِهِ آنَاءَ اللَّیْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ...

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند.

۹/۴۲

عدم عذر و بهانه، با برپا داشتن راهنما

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِکَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَهِ الدَّلِیلِ

پس – بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما – عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!۱۱/۴۵

به پا داشتن امام علیه السلام ، به عنوان نشانه ای برای بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَیَّدْتَ دِینَکَ فِی کُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی.۶۰/۴۷

به پا داشتن کتاب و احکام الهی

وَ أَقِمْ بِهِ کِتَابَکَ وَ حُدُودَکَ وَ شَرَائِعَکَ وَ سُنَنَ رَسُولِکَ

و کتاب خود و احکامت و قوانینت و روش های پیامبرت را، به وسیله او (ولیّ خود) به پا دار.

۶۲/۴۷

برج قلعه

ص : ۲۰۰

برتری

برتری دادن انسان، بر همه آفریدگان

جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَهِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ

با دادن قدرت به ما، (ما را) بر همه آفریدگان برتری داد.۱۸/۱

سپاسی برتر از هر سپاس

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ...

و سپاس خدای را، سپاسی که بر سایر سپاس ها برتری یابد.۲۶و۲۵/۱

برتری پروردگار، بر همه آفریدگانش

حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبِّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ

...سپاسی که بر سایر سپاس ها، برتری یابد، همانند برتری پروردگارمان، بر همه آفریدگانش.

۲۶/۱

برترین همراه

وَ اجْعَلْهُ... أَفْضَلَ صَاحِبٍ صَحِبْنَاهُ

و آن (روز) را برترین همراهی که با آن همراه شده ایم قرار ده.۱۹/۶

پناه بردن به خدا، از برتری دادن باطل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... إِيثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ

خداوندا به تو پناه می برم از برتری دادن باطل بر حق.۲و۱/۸

برترین یقین

اللَّهُمَّ... اجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ

خداوندا یقینم را برترین یقین قرار ده.

۱/۲۰

برترین راه

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِیَ الطَّرِیقَهَ الْمُثْلَی

خداوندا مرا به بهترین راه ببر.۱۷/۲۰

برترین درودها، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ

خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست، همانند برترین درودی که پیش از او بر کسی از آفریدگانت فرستادی.۳۰/۲۰

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّنَا وَ آلِهِ كَمَا صَلَّیْتَ عَلَی مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِینَ... وَ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ، صَلَاهً تَبْلُغُنَا بَرَكَتُهَا

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. همچنانکه بر فرشتگان مقرّبت درود فرستادی. و برتر از آن ای پروردگار جهانیان، درودی که برکت آن به ما رسد.۵۶/۴۵

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد برترین درودهایت را بفرست.

۵۰/۴۷

برترین را برای خود آرزو نمودن

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّی لَا أَرَی نِعْمَهً مِنْ نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ فِی دِینٍ أَوْ دُنْیا... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِی أَفْضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنْکَ...

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت در دین یا دنیا داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.

۱۲/۲۲

برتری دادن رضای خدا، بر غیر رضای او

وَ ارْزُقْنِی... الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ... مُؤْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیاءِ وَ الْأَعْدَاءِ

و مرا در حال خوشنودی وخشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم.۱۳/۲۲

برترین رحمت ها، نیکی ها، و درودها

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ، وَ أَهْلِ بَیتِهِ الطَّاهِرِینَ، وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ وَ سَلَامِکَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و بر خاندان پاکش درود فرست و ایشان را به برترین رحمت ها و برکات و سلام خویش، اختصاص ده.

۱/۲۴

برتری دادن مِیل والدین، به میل خود

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَینِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّی أُوثِرَ عَلَی هَوَایَ هَوَاهُمَا

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا میل ایشان را بر میل خود برتری دهم.

۵/۲۴

اختصاص والدین، به برترین امور

وَ اخْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ مَا خَصَصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُوءْمِنِينَ وَ أُمَّهَاتِهِمْ

و پدر و مادر مرا به برترين چيزى كه پدران و مادران بندگان با ايمانت را به آن امتياز داده اى، اختصاص ده.۱۲/۲۴

همسايگان و دوستان آشنا به حقّ ائمه عليهم السلام ، و برترين يارى الهى

وَ تَوَلَّنِى فِى جِيرَانِى وَ مَوَالِيَّ الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَايَتِكَ

و مرا درباره همسايگانم و دوستانم كه دانا به حقّ ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترين

وجه یاری فرما.۱/۲۶

افزایش معرفت همسایگان ائمه علیهم السلام ، به برتری ایشان

وَ زِدْهُمْ... مَعْرِفَةً بِفَضْلِی...

و بر فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزا.

۴/۲۶

برتری اعمال مستحبّی

وَ لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِفَضْلِ نَافِلَهٍ...

و من هیچ گاه با فضیلتِ (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی جویم.۱۸/۳۲

گمان برتر بودن ثروتمند

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ... أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرْوَهٍ فَضْلًا

و مرا از اینکه به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما.۴/۳۵

برتری ندادن نیازمند درخواست کننده، بر خود

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ ذِی فَاقَهٍ سَأَلَنِی فَلَمْ أُوثِرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از نیازمندی که از من درخواست کرد، پس او را بر خود برتری ندادم.۱/۳۸

برتری قرآن، بر هر سخن خداوند

وَ فَضَّلْتَهُ عَلَی کُلِّ حَدِیثٍ قَصَصْتَهُ

و آن را بر هر سخنی که حکایت کرده ای، برتری دادی.۱/۴۲

برتری آل محمّد صلی الله علیه و آله

وَ فَضَّلْتَنَا عَلَی مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ

و ما را بر کسی که به علم آن نادان بود، برتری بخشیدی.۵/۴۲

شناساندن برتری قرآن، به امّت مسلمان

اللَّهُمَّ فَكَمَا... عَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَ فَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

خداوندا، پس همچنان که به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمّد که با آن سخن راند، درود فرست.۶/۴۲

رساندن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به برترین فضل الهی

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَ فَضْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی.۲۱/۴۲

برترین پاداش الهی، برای محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِكَ... أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را

ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود دادی.۲۲/۴۲

سبب برتری ماه رمضان، بر دیگر ماه ها

فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرُمَاتِ الْمَوْفُورَهِ

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به حرمت های فراوان آشکار ساخت.۴/۴۴

برتری های آشکار ماه رمضان

فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ... الْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَهِ

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به فضایل مشهور آشکار ساخت.۴/۴۴

برتری شبی از شب های ماه رمضان

ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَهً وَاحِدَهً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِى أَلْفِ شَهْرٍ

آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد.۵/۴۴

الهام برتری ماه رمضان، بر امّت اسلام

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ فَضْلِهِ...

و شناختِ فضیلتش را به ما الهام کن.

۶/۴۴

سبب برتری ماه رمضان، بر همه اوقات سال

وَ آثَرْتَهُ عَلَى كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَهِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ النُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

برتری امّت مسلمان، بر دیگر امّت ها

ثُمَّ آثَرْتَنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ، وَ اصْطَفَيْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمِلَلِ

سپس مـا را بر بقیـه امّت هـا بـه وسـیله آن (مـاه)، برتری دادی و بـه فضـیلت آن مـا را - نـه اهـل آئیـن هـای دیگر را - برگزیدی.۲۱/۴۵

أَنْتَ وَلِيُّ مَا آثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ

تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن، برتری دادی.۴۴/۴۵

سودمند گشتن به برترین سودها

وَ قَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ... وَ أَرْبَحَنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و ما را به برترین سودهای جهانیان، سودمند نمود.۲۲/۴۵

درود بر فضل و برتری ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى فَضْلِكَ الَّذِي حُرِمْنَاهُ

درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم

شدیم.۴۲/۴۵

سپاسی که تنها خدا برتری آن را شناسد

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا یَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاکَ فَضْلَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که احدی جز تو، فضیلت آن را نداند.۴۴و۳۶/۴۷

رحمت الهی و برتری دادن بنده

إِلَهِی أَحْمَدُکَ... عَلَی مَا فَضَّلْتَنِی بِهِ مِنْ رَحْمَتِکَ

خدای من، تو را سپاس گزارم بر رحمتت که مرا به وسیله آن برتری دادی.۱/۵۱

برخاستن قیام

بردباری

بردباری خدا، و منتظر بازگشت بندگان بودنش

وَ انْتَظَرَ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا

و به مهربانی اش از روی بردباری، بازگشت ما را انتظار کشید.۲۱/۱

شگفت از بردباری خدا

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِکَ أَنَاتُکَ عَنِّی

و شگفت تر از آن بردباری تو با من است.

۲۶/۱۶

بردباری خدا و فضل او

وَ حَلُمْتَ عَنِّی بِتَفَضُّلِکَ فَلَمْ تُغَیِّرْ نِعْمَتَکَ عَلَیَّ

و به فضل خود درباره من بردباری نمودی و نعمتت را بر من تغییر ندادی.۳۲/۱۶

به رنج نیفتادن خداوند، در بردباری اش

إِنَّ ذَلِکَ... لَا یَتَصَعَّدُکَ فِی أَنَاتِکَ

بدرستی که این در برابر بردباری ات دشوار نیست.۳۴/۱۶

بردباری خداوند، با عصیان گران

وَ تَلَقَّیْتَ مَنْ عَصَاکَ بِالْحِلْمِ

و با کسی که نافرمانی ات را نموده، با بردباری رفتار می کنی.۹/۴۵

حلیم و بردبار بودن خدا

وَ عَائِدَةً مِنْ عَطْفِکَ یَا حَلِیمُ

و (این همه) سودی از مهربانی توست، ای بردبار!.۹/۴۵

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ

معبودی جز تو نیست، بردبارِ بزرگوار.

۲/۴۸

بردباری خدا، نسبت به دشمنش

وَ حِلْمُکَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاکَ

و حلمت به کسی که با تو دشمنی نموده،

پرداخته است.۱۶/۴۶

قدرت و بردباری خدا

تَغَمَّدْنِی فِیما اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی بِمَا یَتَغَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَی الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می پوشاند قادر بر سختگیری، (و) اگر بردباری اش نبود (خطاها را ظاهر می کرد).

۱۱۹/۴۷

خشم و بردباری خداوند

اللَّهُمَّ لَیْسَ یَرُدُّ غَضَبَکَ إِلَّا حِلْمُکَ

خداوندا، غضب تو را جز بردباری ات دور نمی سازد.۱۳/۴۸

نادانی بنده و بردباری خداوند

وَ عُدْ بِحِلْمِکَ عَلَی جَهْلِی

و با بردباری ات بر نادانی ام تلافی کن.

۴/۵۳

بردگی اسارت

بردن

عامل بازدارنده گام های بنده، از بردن او به سوی گناه

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَی الْمَعَاصِی حَابِسًا

و قرآن را نگهدار گام های ما از حرکت به سوی گناهان، قرار ده.۱۰/۴۲

بردن آلودگی خطایا، از بنده

وَ أَذْهِبْ عَنِّی دَرَنَ الْخَطَایَا

و آلودگیِ خطاها را از من ببَر.۱۱۲/۴۷

از خدا درخواست نمودنِ بردن بنده به سوی:

أ. راه اراده و خواست خدا

ثُمَّ سَلَکَ بِهِمْ طَرِیقَ إِرَادَتِهِ

سپس آنها را در راهی که می خواست روان ساخت.۴/۱

ب. راه حق

وَ اسْلُکْ بِنَا سَبِیلَ الْحَقِّ بِإِرْشَادِکَ

و به راهنمایی خود ما را به راه حق رهسپار ساز.۱۳/۵

ج. راه پرهیزکاری

وَ اسْلُکْ بِنَا مِنَ التُّقَی خِلَافَ سَبِیلِهِ مِنَ الرَّدَی

و برخلاف راه هلاکت بار او (شیطان)، ما را به راه پرهیزکاری ببَر.۵/۱۷

ص : ۲۰۶

د. بهترین راه

اللَّهُمَّ اسْلُکْ بِیَ الطَّرِیقَهَ الْمُثْلَی

خداوندا مرا به بهترین راه ببر.۱۷/۲۰

هـ. راه پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ اسْلُکْ بِنَا سَبِیلَهُ

و ما را به راه او ببر.۲۰/۴۲

برزخ

سپاسی روشن کننده تاریکی های برزخ

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یُضِیءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، تاریکی های برزخ را برای ما روشن نماید.۱۲و۱۰/۱

برطرف کردن

خدا و برطرف کردن دشواری ها

...وَ لَا یَنْکَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا کَشَفْتَ

و از آنها جز آنچه تو برطرف کنی، برطرف نمی شود.۴/۷

برطرف ساختن نیازمندی بندگان

فَاجْبُرْ فَاقَتَنَا بِوُسْعِکَ

پس نیاز ما را به توانگری خود برطرف کن.

۳/۱۰

برطرف ساختن گرفتاری رنج دیدگان

سُبْحَانَکَ نَحْنُ... أَهْلُ السُّوءِ الَّذِینَ وَعَدْتَ الْکَشْفَ عَنْهُمْ

پاک و منزّهی تو! ما گرفتارانیم که رفع گرفتاری آنها را وعده داده ای.۴/۱۰

برطرف کردن احتیاج از خود، به وسیله خدا

فَمَنْ... رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِکَ فَقَدْ طَلَبَ حاجَتَهُ فِی مَظَانِّهَا

پس هر که برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواهد، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده.۱۳/۱۳

خدا، برطرف کننده اندوه هر اندوهگین

وَ یَا فَرَجَ کُلِّ مَکْرُوبٍ کَئِیبٍ

و ای گشایش دهنده هر دلتنگ اندوهگین.

۴/۱۶

بار سنگینِ برطرف نشدنی

وَ إِنْ یَکُنْ مَا ظَلِلْتُ فِیهِ، أَوْ بِتُّ فِیهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِیَهِ بَیْنَ یَدَیْ بَلَاءٍ لَا یَنْقَطِعُ، وَ وِزْرٍ لَا یَرْتَفِعُ فَقَدِّمْ لِی مَا أَخَّرْتَ

و اگر این تندرستی، که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد و گناهی که برداشته

نمی شود باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز.۲/۱۸

خدا، برطرف کننده ابرهای مصیبت بار

وَ کَمْ مِنْ سَحائِبِ مَکْرُوهٍ جَلَّیْتَهَا عَنِّی

و چه بسیار ابرهای مصیبت باری که از من برطرف نمودی.۱۱/۴۹

خدا، برطرف کننده اندوه پناهنده به او

وَ تُفَرِّجُ عَمَّنْ لَاذَ بِکَ

و غم و اندوه را از کسی که به تو پناه آورده، برطرف می کنی.۱۲/۵۱

خدا، برطرف کننده غم و اندوه

یَا فَارِجَ الْهَمِّ، وَ کَاشِفَ الْغَمِّ

ای برطرف کننده اندوه و ازبین برنده غم.

۱/۵۴

برطرف ساختن غم و اندوه بنده

وَ افْرُجْ هَمِّی، وَ اکْشِفْ غَمِّی

و اندوه مرا برطرف کن و غمم را بزدا.

۱/۵۴

برف

درود بر فرشتگان همراه برف

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ مُشَیِّعِی الثَّلْجِ وَ الْبَرَدِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّـان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و همراهی کنندگان برف و تگرگ.۱۵و۱۱و۱۰/۳

برق

درخشش شعله های برق ها و خروش ابرها

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ یُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِیفَهُ السَّحَابِ الْتمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای رانَدنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد.۱۴و۱۱و۱۰/۳

فریبنده نبودن برق ابر

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَ تُوَسِّعُ بِهِ فِی الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتَرَاکِمًا... غَیْرَ مُلِثٍّ وَدْقُهُ، وَ لَا خُلَّبٍ بَرْقُهُ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده، نه ابری پیوسته بارانی و نه ابری جهنده و

بی باران.۳و۱/۱۹

برق، نشانه ای از نشانه های خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ آيَتَانِ مِنْ آيَاتِکَ

خداوندا همانا این دو (ابر و آذرخش)، دو نشانه از نشانه های تو هستند.۱/۳۶

برق، خدمت گزار و شتابان در فرمان خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ... عَوْنَانِ مِنْ أَعْوَانِکَ، يَبْتَدِرَانِ طَاعَتَکَ...

خداوندا همانا این دو (ابر و آذرخش)، دو خدمت گزار از خدمت گزاران تو هستند، که به طاعتت می شتابند.۱/۳۶

برکت

محمّد صلی الله علیه و آله ، کلید برکت

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... مِفْتَاحِ الْبَرَکَهِ

خداوندا بر محمّد – کلید برکت – درود فرست.۳/۲

برکات آسمان ها و زمین

اللَّهُمَّ... ارْزُقْنَا مِنْ بَرَکَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا ما را از برکات آسمان ها و زمین روزی عطا فرما.۷/۱۹

برکت در دارایی

وَ وَفِّرْ مَلَکَتِی بِالْبَرَکَهِ فِيهِ

و دارایی ام را با برکت، افزون ساز.۲۳/۲۰

برکت دادن خدا، به رزق و نعمتش

وَ بَارِکْ لِی فِيما رَزَقْتَنِی وَ فِيما خَوَّلْتَنِی وَ فِيما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ

و برایم در آنچه روزی ام نمودی، و به من ارزانی داشته ای، و به من نعمت داده ای، برکت ده.

۵/۲۲

برکات خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِيَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ، صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُکَ وَ بَرَکَاتُکَ عَلَيْهِ وَ عَلَی آلِهِ

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت - که درودهایت بر او و رحمتت و برکاتت بر او و بر خاندانش باد - .

۴/۲۳

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَی آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

و درود و رحمت و برکات فزاینده خداوند، بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.

۲۲/۴۲

بهترین برکات خدا، بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ، وَ أَهْلِ بَيْتِهِ

الطَّاهِرِينَ، وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ وَ سَلَامِکَ

خداونـدا بر محمّـد بنده خود و فرسـتاده ات و بر خاندان پاکش درود فرست و ایشان را به برترین رحمت ها و برکات و سـلام خویش، اختصاص ده.

۱/۲۴

برکت ابرها

وَ أَنْزِلْ عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَائِبِ وَ بَرَكَتَهَا

و سود و برکت این ابرها را بر ما فرود آور.

۲/۳۶

پر خیر و برکت بودن خدا

فَتَبَارَكْتَ أَنْ تُوصَفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ

پس والاتر (پر خیر و برکت تر) از آنی که جز به احسان وصف شوی.۱۶/۳۷

يَا إِلَهِي تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ...

ای خدای مبارک و والای من...۸/۴۹

فَتَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ

پس تو مبارک و برتری.۵/۵۲

مبارک گرداندنِ فرود در قبر

وَ بَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبِلَى

و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) را برای ما مبارک گردان.۱۴/۴۲

مبارک گرداندنِ طول ماندن بنده، در بین

طبقات خاک

وَ بَارِکْ لَنَا فِی... طُولِ الْمُقَامَهِ بَیْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَی

و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما مبارک گردان.۱۴/۴۲

ماه نو، ماه برکت

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ هِلَالَ بَرَکَهٍ...

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد.۴/۴۳

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ... یُمْنٍ لَا نَکَدَ مَعَهُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه برکتی بی گرفتاری با آن، قرار دهد.۵و۴/۴۳

ادامه برکت شب قدر، تا طلوع فجر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَکَهِ إِلَی طُلُوعِ الْفَجْرِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده دم دوام دارد.۵/۴۴

بابرکت بودن نام خدا

فَقُلْتَ تَبَارَکَ اسْمُکَ...

پس تو که نامت مبارک است، فرمودی...

۱۰/۴۵

فَقُلْتَ تَبَارَکَ اسْمُکَ وَ تَعَالَیْتَ...

پس تو که نامت مبارک و بلندمرتبه است، فرمودی...۱۲/۴۵

برکات و نیکی های ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا وَفَدْتَ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ

درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی. ۳۶/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ... وَ عَلَى مَاضٍ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُلِبْنَاهُ

درود بر تو و بر نیکی های گذشته ات که از دست دادیم.۴۲/۴۵

برکت روز عید فطر

وَ بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَ فِطْرِنَا

و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان.

۴۸/۴۵

رسیدن برکت صلوات خدا، به بندگان

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ... صَلَاةً تَبْلُغُنَا بَرَكَتُهَا

و بر او و خاندانش درود فرست، درودی که برکت آن به ما رسد.۵۶/۴۵

کامل ترین برکات الهی، برای محمّد صلی الله علیه و آله

وَ بَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ

و کامل ترین برکت هایت را بر او روان ساز.

۵۰/۴۷

درودهای با برکت، بر دوستان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای مبارک بفرست.۶۴/۴۷

ازبین برنده برکات

وَ طَوِّقْنِی طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا... یَذْهَبُ بِالْبَرَکَاتِ

و طوقِ دست برداشتن از آنچه برکت ها را از بین می برد، به گردنم انداز.۱۰۶/۴۷

عید قربان و روز جمعه، روزهای با برکت

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمٌ مُبَارَکٌ مَیْمُونٌ

خداوندا این روزیست مبارک و خجسته.

۱/۴۸

تقسیم برکت، بین مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ خَیْرٍ أَوْ عَافِیهٍ أَوْ بَرَکَهٍ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداوندا، ای پروردگار ما، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی یا عافیت یا برکت قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

تقدیری مبارک و نیک

وَ خِرْ لِی فِیما تَقْضِی مِنْهُ، وَ بَارِکْ لِی فِی ذَلِکَ

و به من در آنچه از آن برایم حکم می کنی، خیر ده و آن را برای من مبارک کن.۲۸/۴۸

برکناری

برکناری از شمار دوستان شیطان

وَ اعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ

و ما را از شمار دوستانش برکنار فرما.

۱۴/۱۷

برکناری خودنمایی، از جنگجوی مسلمان

وَ اَعْزِلْ عَنْهُ الرِّيَاءَ

و خودنمایی را از او دور کن.۱۴/۲۷

برکناری قدرت از بنده

وَ لَوْ تَكِلْنِي يَا رَبِّ فِي تِلْكَ الْحَالَاتِ إِلَى حَوْلِي، أَوْ تَضْطَرُّنِي إِلَى قُوَّتِي لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّي مُعْتَزِلًا

و ای پروردگار من، اگر مرا در آن احوال به توانایی خودم وامی گذاردی یا مرا ناگزیر می ساختی، به نیروی خود پناه برم؛ همانا توان از من کناره می گرفت.۲۵/۳۲

برگزیدن اختیار

برگشتن بازگشت

برندگی تیزی

برهان حجّت

بریدن

سپاسی قطع نشدنی، از خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که مدّتش نامقطوع می باشد.۲۸و۲۷/۱

قطع نشدن درخواست های نیازمندان، از خدا

وَ یَا مَنْ لَا تَنْقَطِعُ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمحْتَاجِینَ

و ای آنکه درخواست های نیازمندان از او قطع نمی گردد.۹/۱۳

قطع نکردن امید بنده، از خدا

وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِی عَنْکَ

و از خود ناامیدم نکن.۲۲/۱۳

نالیدن با آواز بلند، تا قطع شدن صدا

یَا إِلَهِی لَوْ... انْتَحَبْتُ حَتَّی یَنْقَطِعَ صَوْتِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر چنان شیون کنم تا صدایم قطع شود، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

بلا و گرفتاری قطع نشدنی

وَ إِنْ یَکُنْ مَا ظَلِلْتُ فِیهِ، أَوْ بِتُّ فِیهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِیَهِ بَیْنَ یَدَیْ بَلَاءٍ لَا یَنْقَطِعُ... فَقَدِّمْ لِی مَا أَخَّرْتَ...

و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از

گرفتاری ای که قطع نمی گردد باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز.۲/۱۸

پیوستن بنده، به فرد بریده از او

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أُکَافِیَ مَنْ قَطَعَنِی بِالصِّلَهِ

و مرا توفیق ده تا کسی را که از من جدا شده به پیوستن مکافات دهم.۹/۲۰

بریده شدن رشته اتّصال الهی، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ إِنْ... قَطَعْتَ عَنِّی سَبَبَکَ لَمْ أَجِدِ السَّبِیلَ إِلَی شَیْءٍ مِنْ أَمَلِی غَیْرَکَ

خداوندا اگر رشته (رحمت) خود را از من ببری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.۵/۲۱

درودی قطع نشدنی، بر محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ... صَلَاهً...لَا یَنْقَطِعُ عَدَدُهَا

خداوندا بر محمّد درود فرست، درودی که شماره اش قطع نگردد.۱۸/۲۷

بریدن از دیگری و پیوستن به خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی أَخْلَصْتُ بِانْقِطَاعِی إِلَیْکَ

خداوندا همانا من خالصانه از دیگران دل بریده و به تو پیوسته ام.۱/۲۸

قطع اهتمام بنده، به رزق ضمانت شده

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ... قَاطِعًا

لِاهْتِـمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ

و وعـده هـای آشـکاری را که در وحی خود بیـان نموده ای، موجب قطع اهتمـام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده.

۳/۲۹

بریده شدن رشته های آرزوها

وَ تَقَطَّعَتْ عَنِّی عِصَمُ الْآمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِکَ

و رشته های آرزو از من بریده، جز بخشایشت که به آن چنگ زده ام.۹/۳۲

عدم قطع احسان الهی، از بندگان

وَ لَا تَقْطَعْ عَنْ کَافَّتِنَا مَادَّهَ بِرِّکَ

و اصل احسانت را از جمع ما قطع نساز.

۴/۳۶

بریده شدن گفتار بنده

وَ انْقَطَعَتْ مَقَالَتِی

و گفتارم قطع گردیده.۱/۵۳

بریده شدن نشان و اثر بنده، از دنیا

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْیَا أَثَرِی

مولای من! هنگامی که اثرم از دنیا قطع شود، به من رحم کن.۵/۵۳

درخواست قطع و بریده شدنِ:

ص : ۲۱۳

أ. نشانه پای شیطان، از بندگان

وَ اقْطَعْ عَنَّا إِثْرَهُ

و اثرش را از ما قطع کن.۴/۱۷

ب. امید شیطان، از بندگان

اللَّهُمَّ... اقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا

خداوندا امیدش را از ما قطع کن.

۹/۱۷

ج. کمک به دشمنان مرزداران اسلام

وَ اقْطَعْ عَنْهُمُ الْمَدَدَ

و کمک رسانی را از ایشان قطع کن.

۵/۲۷

د. نسل چهارپایان دشمنان

وَ اقْطَعْ نَسْلَ دَوَابِّهِمْ وَ أَنْعَامِهِمْ

و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن.۶/۲۷

هـ. ریشه دشمنان

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ بِبَأْسٍ مِنْ بَأْسِكَ كَفِعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ، تَقْطَعُ بِهِ دَابِرَهُمْ

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر. تا بدین سبب، ایشان را ریشه کن سازی.

۱۱/۲۷

و. نیازمندی بنده به دنیا

وَ اقْطَعْ مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِی

و نیازم را از دنیا قطع کن.۴/۵۴

بزرگان

فاش نساختن حال بنده، نزد بزرگان

وَ لَا تُعْلِنْ عَلَی عُيُونِ الْمَلَإِ خَبَرِی

و حال (و چگونگی) مرا در پیش چشم بزرگان، علنی نکن.۲/۴۱

بزرگداشت بزرگی

بزرگواری بزرگی

بزرگی

بزرگواری خدا و همراهی اش با گنهکاران

...وَ لَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ، بَلْ تَأَنَّانَا بِرَحْمَتِهِ تَكَرُّمًا

...و در سرکوب ما عجله ننمود. بلکه به رحمتش از روی کرامت، به ما مهلت داد.۲۱/۱

بزرگی احسان و فضل الهی، بر بندگان

وَ جَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا، وَ جَسُمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا

و احسانش بر ما بزرگ و فضلش بر ما تمام است.

۲۲/۱

فرشتگان، و تعظیم و بزرگداشت خدا

وَ الَّذِینَ... لَا یَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِیمِکَ سَهْوُ الْغَفَلَاتِ...

و همانها که فراموشیِ غفلت ها، آنها را از تعظیم تو جدا نمی سازد...۷/۳

فروتنی فرشتگان، در پیشگاه عظمت خدا

الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِکَ وَ جَلَالِ کِبْرِیَائِکَ

(آنان) در پیشگاه با عظمت، بزرگ و بلند توْ فروتنند.۸/۳

شگفتی های عظمت خدا

یَا مَنْ لَا تَنْقَضِی عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ

ای کسی که شگفتی های بزرگی او پایانی ندارد.

۱/۵

بازداشتن بندگان، از ستم در عظمت خدا

وَ احْجُبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِی عَظَمَتِکَ

و ما را از کج روی در عظمت خود بازدار.

۱/۵

سلامتی دل ها و یاد عظمت و بزرگی خدا

وَ اجْعَلْ سَلَامَهَ قُلُوبِنَا فِی ذِکْرِ عَظَمَتِکَ

و سلامتی دل های ما را در یاد بزرگی خود قرار ده.۱۴/۵

خدا، بخشنده نعمت بزرگ

إِنَّکَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِیمِ

به درستی که تو بسیار بخشنده نعمتِ بزرگ هستی. ۲۴/۶

خدا، آمرزنده گناه بزرگ

إِنَّکَ أَنْتَ... الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ

به درستی که تو آمرزنده برای (گناه) بزرگ هستی. ۲۴/۶

عرش بزرگ الهی

يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

ای صاحب عرش و تخت بزرگ.۱۰/۷

بزرگ داشتن طاعت و بندگی

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... اسْتِکْبَارِ الطَّاعَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از بزرگ شمردن طاعت و بندگی.۲و۱/۸

بزرگواری خداوند و سزاوارترین کارها

وَ أَوْلَی الْأُمُورِ بِکَ فِی عَظَمَتِکَ رَحْمَهُ مَنِ اسْتَرْحَمَکَ

و سزاوارترین کارها به بزرگواری ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته.۵/۱۰

بزرگی یاد خدا، برای یادکنندگان

يَا مَنْ ذِکْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاکِرِينَ

ای که یاد او برای یادکنندگان بزرگی است.

۱/۱۱

خدا، صاحب عظمت و بزرگواری

إِنَّکَ... ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

همانا تویی دارای بزرگواری و احترام.

۷/۱۵

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ... ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

خداوندا سپاس برای توست، دارای بزرگواری و کرم.۲/۴۷

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَـجْدِ، وَ الْکِبْرِيَاءِ وَ الْحَمْدِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایشی.

۱۱/۴۷

سُبْحَانَکَ مِنْ... رَفِيعٍ مَا أَرْفَعَکَ ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَـجْدِ وَ الْکِبْرِيَاءِ وَ الْحَمْدِ

پاک و منزّهی! ای بلندمرتبه که بسیار بلندمرتبه ای! تویی دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایش.۲۴/۴۷

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

معبودی جز تو نیست، دارای بزرگواری و احترام.۲/۴۸

يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

ای دارای بزرگواری و کرم، بر محمّد و خاندانش درود فرست.۲۸/۴۸

تَجَاوَزْ عَنِّی يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

از من درگذر، ای دارای بزرگی و کرم.۷/۵۰

يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ أَسْأَلُکَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ

ای صاحب عظمت و کرامت! از تو عملی را درخواست می کنم که به سبب آن هر کسی را که آن را انجام دهد، دوست داری.۳/۵۴

لرزش اندام بنده، از شکوه و بزرگی خدا

قَدْ تَرَی یَا إِلَهِی... انْتِقَاضَ جَوَارِحِی مِنْ هَیْبَتِکَ

ای خدای من، ناتوانی اندامم را از هیبت خود می بینی.۱۹/۱۶

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ... اضْطِرَابَ أَرْکَانِی مِنْ هَیْبَتِکَ

خداوندا، پس به لرزش اندامم از شکوهت، رحم فرما.۲۳/۳۱

مبدّل ساختن القائات شیطانی، به ذکر عظمت الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ فِی رُوعِی... ذِکْرًا لِعَظَمَتِکَ

خداوندا به جای آنچه شیطان در دل من می افکند، یاد بزرگی ات را قرار ده.۱۳/۲۰

تبدیل سخن زشت، به بزرگ دانستن خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... ذَهَابًا فِی تَمْجِیدِکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، اقدام به

بزرگ دانستنت را قرار ده.۱۳/۲۰

به پا داشتن بنده، به عظمت الهی

وَ بِعَظَمَتِکَ فَانْعَشْنِی

و به عظمت خویش به پایم دار.۴/۲۲

بزرگ و عظیم بودن خداوند

إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ

به درستی که تو ستوده بزرگواری.

۱۱/۴۸، ۱۴/۲۲

...لِأَنَّکَ الرَّبُّ الْعَظِیمُ

...زیرا تو پروردگار بزرگی هستی.۱۳/۳۹

وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ

و هیچ حرکت و نیرویی نیست، مگر به یاری خداوند بلندمرتبه بزرگ.۲۵/۴۶

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْعَظِیمُ الْمُتَعَظِّمُ، الْکَبِیرُ الْمُتَکَبِّرُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. عظیم در نهایت عظمت، بزرگ در نهایت بزرگی.

۴/۴۷

یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ

ای بزرگ، ای بزرگ.۸/۴۸

پناه بردن به خدا، از شرّ هر کوچک و بزرگ

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ صَغِیرٍ وَ کَبِیرٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر کوچک و بزرگی پناه ده.۶/۲۳

پناه بردن به خدا، از شرّ هر بزرگوار و پست

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ شَرِیفٍ وَ وَضِیعٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر بلندمرتبه و فرومایه ای پناه ده.۶/۲۳

درهم شکستن بزرگی بدخواهِ بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تَکْسِرَ جَبَرُوتَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا بزرگی اش را بشکنی.۸و۷/۲۳

بزرگی و شرافت مسلمانان، به واسطه حضرت محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، کَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه ما را به وسیله او شرافت دادی.۴/۲۴

والدین، بزرگ ترین نعمت الهی بر فرزند

فَهُمَا... أَعْظَمُ مِنَّةً لَدَیَّ مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ

پس نعمتشان نزد من بزرگ تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم.۱۰/۲۴

بردن شوکت و بزرگی دشمنان اسلام

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ... تَحْصُدُ بِهِ شَوْكَتَهُمْ

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را بفرست. تا بدین سبب، سختی و صلابتشان را براندازی.

۱۱/۲۷

بزرگ دیدن گناه بزرگ خود

فَرَأَى كَبِيرَ عِصْيَانِهِ كَبِيرًا وَ جَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا

پس گناه بزرگش را بزرگ و ناسازگاری سترگش را سترگ دانست.۷/۳۱

بزرگ نشمردن عفو خداوند، (نسبت به سعه رحمتش)

وَ لَا يَسْتَعْظِمُ عَفْوَكَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَ رَحِمْتَهُ

و اگر از او گذشتی و به او رحم آوردی، گذشتت را بزرگ نشمارد.۱۰/۳۱

بزرگ نبودن آمرزش گناه بزرگ، نزد خدا

...لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَتَعَاظَمُهُ غُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ

...زیرا تویی پروردگار کریمی، که آمرزش گناه بزرگ در نظر تو بزرگ نیست.۱۰/۳۱

کبریایی خدا و سرگردانی اندیشه ها در آن

وَ حَارَتْ فِي كِبْرِيَائِكَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ

و تصوّرهای دقیق در بزرگواری ات سرگردان گشته.۷/۳۲

طاعت خدا و بزرگوار شدن

فَإِنَّ الشَّرِيفَ مَنْ شَرَّفَتْهُ طَاعَتُكَ

پس به درستی که شرافتمند کسی است که اطاعت تو شریفش گرداند.۴/۳۵

بزرگواری خدا، در رفتار با فرمانبردار و گنهکار

فَسُبْحَانَکَ مَا أَبْیَنَ کَرَمَکَ فِی مُعَامَلَهِ مَنْ أَطَاعَکَ أَوْ عَصَاکَ...

پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است.۱۰/۳۷

بزرگی و شرافت آل محمّد صلی الله علیه و آله

وَ قَوَّیْتَنَا عَلَیْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ یُطِقْ حَمْلَهُ

و ما را بر (دریافت) آن قوّت دادی، تا بدین سبب بر کسی که طاقت تحمّل آن را نداشت، رفعت بخشی.۵/۴۲

شناخت بزرگی و برتری قرآن

اللَّهُمَّ فَکَمَا... عَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِکَ شَرَفَهُ وَ فَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ الْخَطِیبِ بِهِ

خداوندا، پس همچنان که به رحمت خود

شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمّد که با آن سخن راند، درود فرست.۶/۴۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگ ترین منزلت در قیامت

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِیَّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِیِّینَ مِنْکَ مَجْلِسًا... وَ أَجَلَّهُمْ عِنْدَکَ قَدْرًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود و بزرگوارترین آنها نزد خود، قرار ده.۱۸/۴۲

بزرگ گرداندن برهان محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و برهان او را عظمت بخش.۱۹/۴۲

بزرگی فضل خدا

إِنَّکَ ذُو رَحْمَهٍ وَاسِعَهٍ، وَ فَضْلٍ کَرِیمٍ

به درستی که تو دارای رحمت گسترده و فضل بزرگ هستی.۲۱/۴۲

بزرگداشت رمضان و حرام کردن حلال ها، در آن

فَحَرَّمَ فِیهِ مَا أَحَلَّ فِی غَیْرِهِ إِعْظَامًا

پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد.۴/۴۴

شناخت بزرگداشت حرمت ماه رمضان

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ

و شناختِ فضیلتش، و بزرگ داشتِ احترامش را به ما الهام کن.۶/۴۴

کوتاهی در بزرگداشت خدا

وَ جَنِّبْنَا... التَّقْصِیرَ فِی تَمْجِیدِکَ

و ما را از کوتاهی در بزرگ داشتنت دور گردان.

۱۳/۴۴

بزرگ گرداندن شب قدر

وَ أَجْلَلْتَ فِيهِ مِنْ لَيْلَهِ الْقَدْرِ (الَّتِی هِیَ) خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی.۲۰/۴۵

رمضان، بزرگ ترین ماه خدا

السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَکْبَرَ

درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه خدا.۲۳/۴۵

بزرگ بودن احترام و گرامیداشت رمضان

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا

درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود.۲۶/۴۵

بزرگی ماه رمضان، در دل های مؤمنان

ص : ۲۱۹

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا کَانَ... أَهْيَبَکَ فِی صُدُورِ الْمُوءْمِنِينَ

درود بر تو. چه با هيبت بودی، در سينه های مؤمنان!.۳۲/۴۵

بزرگی دادن (به امّت اسلام)، به وسيله ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِی شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا، همانا ما اهل اين ماه هستيم، که ما را به وسيله آن شرافت دادی.۴۳/۴۵

عمل اندک بنده و پاداش بزرگ خداوند

وَ يَا مَنْ يَشْکُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَ يُجَازِی بِالْجَلِيلِ

و ای کسی که (عمل) کم را سپاس می گذارد و پاداش بزرگ می دهد.۷/۴۶

خدا و بزرگ ترين بزرگی

فَلَکَ... الْجَلَالُ الْأَمْجَدُ فَوْقَ کُلِّ جَلَالٍ

پس بزرگ ترين بزرگی بر فوق هر بزرگی برای توست.۱۲/۴۶

خرد بودن هر بزرگی، در برابر خدا

کُلُّ جَلِيلٍ عِنْدَکَ صَغِيرٌ

هر بزرگی نزد تو کوچک است.۱۳/۴۶

خواری هر بزرگواری، در برابر بزرگواری خدا

وَ کُلُّ شَرِيفٍ فِی جَنْبِ شَرَفِکَ حَقِيرٌ

و هر بزرگواری در کنار بزرگواری ات حقير است.۱۳/۴۶

دليل خدا، بزرگ تر از توصيف شدن

حُجَّتُکَ أَجَلُّ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِکُلِّهَا

حجّت تو بزرگ تر از آنست که به همه آن وصف شود.۲۳/۴۶

بزرگی خدا و حقیقت آن

وَ مَجْدُکَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ یُحَدَّ بِکُنْهِهِ

و بزرگی تو بالاتر از آنست که حقیقت آن به حدّی درآید.۲۳/۴۶

درمانده شدن از بزرگداشت خدا

وَ فَهَّهَنِیَ الْإِمْسَاکُ عَنْ تَمْجِیدِکَ

و خودداریْ (از سخن)، مرا از بزرگ داشتن تو درمانده کرده.۲۴/۴۶

بی مانندی خدا، در عظمت و بزرگی

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْعَظِیمُ الْمُتَعَظِّمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. عظیم در نهایت عظمت.۴/۴۷

بزرگی مرتبه خداوند

سُبْحَانَکَ! مَا أَجَلَّ شَأْنَکَ

پاک و منزّهی! چه بزرگ است شأن تو!

۲۲/۴۷

سُبْحَانَکَ مَا أَعْظَمَ شَأْنَکَ

پاک و منزّهی! چه بزرگست مرتبه تو!۴/۵۲

فروتنی برای عظمت خداوند

وَ خَشَعَ لِعَظَمَتِکَ مَا دُونَ عَرْشِکَ

و آنچه زیر عرش تو است، برای بزرگی تو خاشع شد.۲۶/۴۷

سپاسی همسنگ عرش بزرگ خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوازِنُ عَرْشَکَ الْمَـجِیدَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عرش بزرگ تو همسنگ باشد.۴۱و۳۶/۴۷

سپاسی شایسته بزرگی ذات خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَجِبُ لِکَرَمِ وَجْهِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که سزاوار ذاتِ کریم تو باشد.۴۹و۳۶/۴۷

سپاسی برابر با غلبه عظمت خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... یُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که با غلبه بزرگی ات برابر باشد.۴۹و۳۶/۴۷

بزرگداشت روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمُ عَرَفَهَ یَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ کَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای.۶۶/۴۷

اقرار بنده، به گناهان بزرگ

هَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ... مُعْتَرِفًا بِعَظِیمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ، وَ جَلِیلٍ مِنَ الْخَطَایَا اجْتَرَمْتُهُ

اینک منم در پیشگاه تو، اعتراف کننده به بزرگی گناهانی که زیر بار آن رفته ام و به سترگیِ خطاهایی که مرتکب آن شده

ام.۶۹/۴۷

بزرگ نبودن انعام آمرزش، به بنده

وَ امْنُنْ عَلَيَّ - بِمَا لَا يَتَعَاظَمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَى مَنْ أَمَّلَكَ - مِنْ غُفْرَانِكَ

و به من ارزانی دار آنچه بر تو گران نیست و به کسی که آمرزش تو را آرزو می کند ارزانی می داری.

۷۰/۴۷

عامل رهایی از گرفتار شدن به گناهان بزرگ

وَ هَبْ لِي عِصْمَةً... تَفُكَّنِي مِنْ أَسْرِ الْعَظَائِمِ

و به من عصمتی بخش که از بند گناهان بزرگ رهایم سازد.۱۱۱/۴۷

توبه و گناهان کوچک و بزرگ

وَ تُبْ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً

و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاری.

۱۲۶/۴۷

پوشاندن بنده، به عطایای بزرگ

جَلِّلْنِی شَرَائِفَ نِحَلِکَ فِی الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّهِ لِأَحِبَّائِکَ

در مکان هایی که برای دوستانت آماده کرده ای، به عطاهای والایت مرا بپوشان.۱۲۸/۴۷

بنده را با گناهان بزرگ نسنجیدن

وَ لَا تُقَایِسْنِی بِعَظِیماتِ الْجَرَائِرِ

و مرا با گناهان بزرگ مَسَنج.۱۲۹/۴۷

اصرار ورزیدن بر گناه بزرگ

ثُمَّ لَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلَی عَظِیمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ

سپس اصرار بسیارِ آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازنداشت.۷/۴۸

بزرگی گذشت الهی

أَتَیْتُکَ أَرْجُو عَظِیمَ عَفْوِکَ الَّذِی عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِینَ

به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم، بخشایشی که با آن از (تقصیر) خطاکاران گذشتی.۷/۴۸

فَیَا مَنْ... عَفْوُهُ عَظِیمٌ

پس ای کسی که گذشتش بزرگ است.۸/۴۸

برتری بزرگ خداوند

وَ قَدْ تَعَالَیْتَ یَا إِلَهِی عَنْ ذَلِکَ عُلُوًّا کَبِیرًا

و تو - ای خدای من - از این (امور) برتر و والاتری.۱۵/۴۸

بزرگی سلطنت خداوند

لَکِنْ سُلْطَانُکَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ... مِنْ أَنْ تَزِیدَ فِیهِ طَاعَهُ الْمُطِیعِینَ

ولی خداوندا، سلطنت تو بزرگ تر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید.۶/۵۰

نزد بنده بودنِ احسان بزرگ الهی

وَ کَمْ مِنْ صَنِیعَهٍ کَرِیمَهٍ لَکَ عِنْدِی

و چه بسیار نیکیِ بزرگ، که برای تو نزد من است!۳/۵۱

سوگند به اسم بزرگ خدا

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ... وَ بِجَلَالِ وَجْهِکَ الْکَرِیمِ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به نام بزرگت و به بزرگی ذات بزرگوارت، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

بزرگ گرداندن رغبت بنده، نسبت به حاجتش

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِی فَأَعْظِمْ فِیهَا رَغْبَتِی

خداوندا خواسته من این است. پس رغبت

مرا در آن افزون گردان.۷/۵۴

بستر

گستردن بسترهای کرامت الهی، برای بنده

أَفْرِشْنِی مِهَادَ كَرَامَتِكَ

بسترهای کرامتت را برای من بگستر.۱/۴۱

بستن

بستن درِ نیازمندی بنده، به سوی بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ

و سپاس خدایی را که درِ نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست.۱۹/۱

نبودِ گشاینده، برای آنچه خداوند بسته

وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ، وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ

و برای آنچه بستی، گشاینده ای و برای آنچه گشودی، بستنده ای نیست.۷/۷

خدا، گشاینده آنچه شیطان ببندد

اللَّهُمَّ... افْتُقْ مَا رَتَقَ

خداوندا آنچه (شیطان) بست، بگشا.۱۲/۱۷

بستن زبان دشمنان، از گفتار

وَ اخْزِمْ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ

و زبان هایشان را از گفتن ببند.۵/۲۷

بسط گسترش

بسیاری فراوانی

بشارت مژده

بشر انسان

بشره پوست

بغض کینه

بقا

بندگان گذشته و باقی مانده

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَ الْبَاقِينَ...

پس سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما و بر همه بندگانش - گذشتگان و باقی ماندگان - دارد.۲۷/۱

عفو الهی، در (زیان) ماندگارتر

اللَّهُمَّ وَ مَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَ اجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است و بازگشت را در آنکه دوامش طولانی است قرار ده.

۲/۹

ص : ۲۲۳

پایانی باقی

وَ غَيْرُ قَلِيلٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْبَقَاءُ

و آنچه فرجامش بقاست، کم نیست.۳/۱۸

باقی نماندن (تکلیفی)، بر عهده بنده

هُوَ، يَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِي، فَأَدِّهِ عَنِّي... حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ تُقَاصَّنِي بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از جانب من ادا کن. تا چیزی از آن بر من نمانَد که بخواهی به سبب آن از نیکی هایم بکاهی.۷/۲۲

حجّ و عمره، و باقی و زنده بودن بنده

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ... أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي...

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره، همیشه تا هنگامی که زنده ام.۴/۲۳

باقی ماندن فرزندانِ والدین

اللَّهُمَّ وَ مُنَّ عَلَيَّ بِبَقَاءِ وُلْدِي

خداوندا و بر من به بقای فرزندانم منّت گذار.

۱/۲۵

بقای نعمتِ همسایگان

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أُحِبُّ بَقَاءَ النِّعْمَهِ عِنْدَهُمْ نُصْحًا

و خداوندا مرا بر آن دار که خیرخواهانه بقای نعمت را نزدشان دوست بدارم.۳/۲۶

بقای گنجینه های خداوند

وَ مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَهِ فَاذْخَرْهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيَهِ

و آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما.۵/۳۰

توبه و سلامتی در آنچه (از زندگی) باقی مانده

فَاجْعَلْ تَوْبَتِی هَذِهِ... تَوْبَهً مُوجِبَهً لِمحْوِ مَا سَلَفَ، وَ السَّلَامَهِ فِیما بَقِیَ

پس این توبه ام را توبه ای سبب محو آنچه گذشته و سلامتی در آنچه مانده است، قرار ده.

۲۰/۳۱

بقای عزّت الهی

اللَّهُمَّ یَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِی عَلَی مَرِّ الدُّهُورِ

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها، ماندگار است.۳و۱/۳۲

آخرت، سرای هستی و بقا

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ...

ص : ۲۲۴

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

بقای سپاس گزاری از خدا

فَلَکَ الْحَمْدُ... مَا بَقِیَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ تُحْمَدُ بِهِ، وَ مَعْنًی یَنْصَرِفُ إِلَیْهِ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که برای ستایش کلمه ای که با آن ستایش شوی باقی ماند و مقصودی که به آن بازگردد، وجود داشته باشد.

۱۷/۴۵

درودی پیوند خورده به بقای الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً... یَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا بِبَقَائِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که اتّصالش به بقای تو پیوند خورد.۵۳/۴۷

توبه و باقی نگذاشتن گناهان

وَ تُبْ عَلَیَّ تَوْبَةً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِیرَةً وَ لَا کَبِیرَةً

و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاری.۱۲۶/۴۷

(انجام) حجّ و عمره، در باقی مانده عمر

وَ اجْعَلْ بَاقِیَ عُمْرِی فِی الْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ ابْتِغَاءَ وَجْهِکَ

و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حجّ و عمره قرار ده.۱۳۳/۴۷

بلا گرفتاری

بلند

بالا رفتن سپاس بنده، به اعلی علّیین

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَی أَعْلَی عِلِّیِّینَ...

سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود.۱۳و۱۰/۱

بلند گردیدن «کلمه اللّه»

...عَلَتْ کَلِمَتُکَ، وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ

...سخن تو بلند گردید، اگر چه مشرکان نمی پسندیدند.۲۲/۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و بالاترین مقام بهشت

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا کَدَحَ فِیکَ إِلَی الدَّرَجِهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر.۲۳/۲

میکائیل، بلندمرتبه در نزد خدا

ص : ۲۲۵

مِيكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ، وَ الْمَكَانِ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ

میکائیل نزد تو دارای مقام والا است، و از اطاعتت جایگاهی بلند دارد.۳/۳

در ملک خدا بودنِ آنچه در هوا بالا رود

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاوءُهَا وَ أَرْضُهَا... وَ مَا عَلَا فِی الْهَوَاءِ

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش و آنچه در هوا بالا رفته و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

بالاتر بودن دست خدا از هر دستی، در بخشش

وَ عَلِمْتُ... أَنَّ يَدَكَ بِالْعَطَايَا أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ

و دانستم که دستِ عطای تو از هر دستی بالاتر است.۱۹/۱۳

بالاتر بودن بخشش خدا، از کیفرش

وَ أَنْتَ الَّذِی عَفْوُهُ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ

و تویی آنکه بخشایش او از کیفرش برتر است.

۷/۱۶

دادن تندرستی بالاتر، به بنده

عَافِنِی عَافِيَةً... عَالِيَةً... عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ

به من عافیت ده. عافیتی عالی، عافیت دنیا و

آخرت.۲/۲۳

سبب بلندی درجات والدین

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًى... فَاجْعَلْهُ... عُلُوًّا فِی دَرَجَاتِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده، پس آن را سبب بلندی درجات ایشان قرار ده.

۸/۲۴

والاترین درود

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاهً عَالِیَهً عَلَى الصَّلَوَاتِ، مُشْرِفَهً فَوْقَ التَّحِیَّاتِ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست، درودی بالای همه درودها و مشرف بر همه تحیّت ها.۱۸/۲۷

بلندی خواستن و پست شدن

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَهَ مِنْ سِوَاکَ فَافْتَقَرُوا، وَ حَاوَلُوا الِارْتِفَاعَ فَاتَّضَعُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند و بلندی خواستند و پست گشتند.۶/۲۸

والایی و بلندمرتبگی خداوند

لَکَ یَا إِلَهِی... دَرَجَهُ الْعُلُوِّ وَ الرِّفْعَهِ

خداوندا درجه والایی و بلندی، از آنِ توست.

۱۰/۲۸

ص : ۲۲۶

...تَبَارَکَ اسْمُکَ وَ تَعَالَیْتَ

...نامت مبارک و بلندمرتبه است.۱۲/۴۵

وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ

و هیچ حرکت و نیرویی نیست، مگر به یاری خداوند بلندمرتبه بزرگ.۲۵/۴۶

یَا إِلَهِی تَبَارَکْتَ وَ تَعَالَیْتَ...

ای خدای مبارک و والای من...۸/۴۹

فَتَبَارَکْتَ وَ تَعَالَیْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ

پس تو مبارک و برتری. جز تو معبودی نیست. یگانه ای هستی که برای تو شریکی نمی باشد.

۵/۵۲

خدا والاتر از داشتن همتا

فَتَعَالَیْتَ عَنِ الْأَشْبَاهِ وَ الْأَضْدَادِ

پس تو از داشتن مانندها و همتاها برتر بودی.

۱۲/۲۸

بلندپایه بودن پادشاهی خدا

وَ اسْتَعْلَى مُلْکُکَ عُلُوًّا سَقَطَتِ الْأَشْیَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ

و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود.

۵/۳۲

بالاترین عطایای تقرّب جویان

وَ اجْعَلْ مَا سَمَحْتُ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ، وَ تَبَرَّعْتُ بِهِ مِنَ الصَّدَقَهِ عَلَیْهِمْ... أَعْلَى صِلَاتِ الْمُتَقَرِّبِینَ

و گذشت از ایشان را که من کردم، و بخششی که بی هیچ عوضی به آنان دادم، بالاترین بخشش های تقرّب جویان قرار

ده.۲/۳۹

بالایی ذکر خدا

تَعَالَی ذِکْرُکَ عَنِ الْمَذْکُورِینَ

یاد تو از یادشدگان برتر است.۱۴/۳۹

خوشنودی خدا و بلندمرتبه نمودن بنده

شَرِّفْ دَرَجَتِی بِرِضْوَانِکَ

درجه مرا به خوشنودیت، شرافت ده.

۴/۴۱

بالا بردن درجه و مرتبه محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و درجه اش را رفیع گردان.۱۹/۴۲

سزاواران بالاترین مرتبه

وَ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِیعَ الْأَعْلَی بِرَحْمَتِکَ

و ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحقّ بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده.

۱۲/۴۴

بلندترین بلندی

فَلَکَ الْعُلُوُّ الْأَعْلَی فَوْقَ کُلِّ عَالٍ، وَ الْجَلَالُ الْأَمْجَدُ فَوْقَ کُلِّ جَلَالٍ

پس بلندترین بلندی بر فوق هر بلندی، و بزرگ ترین بزرگی بر فوق هر بزرگی برای توست.

۱۲/۴۶

بالاتر بودن بزرگی خداوند، از به حدّی (پایانی) درآمدن حقیقتش

وَ مَجْدُکَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ یُحَدَّ بِکُنْهِهِ

و بزرگی تو بالاتر از آنست که حقیقت آن به حدّی درآید.۲۳/۴۶

بلندمرتبه بودن خدا، در منتهای بلندی

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِیُّ الْمُتَعَالِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بلندمرتبه در نهایت بلندیِ مرتبه.۵/۴۷

خداوند، نزدیک و بلندمرتبه

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِی فِی عُلُوِّهِ، وَ الْعَالِی فِی دُنُوِّهِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. با وجود بلندی خودْ نزدیک، و با وجود نزدیکی خودْ بلندی.۱۰/۴۷

شگفت از بلندی منزلت خداوند

سُبْحَانَکَ! مَا... أَسْنَی فِی الْأَمَاکِنِ مَکَانَکَ

پاک و منزّهی! چه بلند است در مکان ها، مکان (منزلت) تو!۲۲/۴۷

سُبْحَانَکَ مِنْ... رَفِیعٍ مَا أَرْفَعَکَ

پاک و منزّهی! ای بلندمرتبه که بسیار بلندمرتبه ای!۲۴/۴۷

کرسی بلندپایه خداوند

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... یُعَادِلُ کُرْسِیَّکَ الرَّفِیعَ

سپاس برای توست. سپاسی که با کرسی بلندپایه ات برابری نماید.۴۱و۳۶/۴۷

درخواست از خدا و بلندی خواهی

سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ الْحَقِیرِ الذَّلِیلِ الْبَائِسِ... لَا مُتَعَالِیًا بِدَالَّهِ الْمُطِیعِینَ

از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال. نه از روی بلندی خواهیْ به گستاخی و اعتمادِ فرمانبران.۷۴/۴۷

درخواست از خدا و بلندپروازی

سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ الْحَقِیرِ الذَّلِیلِ الْبَائِسِ... لَا مُسْتَطِیلًا بِتَکَبُّرِ الْمُتَکَبِّرِینَ

از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال، نه از روی برتری جستنْ (و بلند پروازی) به تکبّر متکبّران.۷۴/۴۷

بلندمرتبه گشتن، در میان بندگان

ص : ۲۲۸

وَ ارْفَعْنِی بَیْنَ عِبَادِکَ

و مرا در میان بندگانت سربلند فرما.

۱۱۸/۴۷

داشتن درجه ای بلند، در درگاه خدا

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ خَیْرٍ... أَوْ تَرْفَعُ لَهُمْ عِنْدَکَ دَرَجَهً... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداونـدا، ای پروردگار ما، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بنـدگان با ایمانت، نیکی قسـمت می نمایی، یا درجه ای را که از ایشان نزد خود بالا می بری، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

برتری و بلندمرتبگی خداوند

وَ قَدْ تَعَالَیْتَ یَا إِلَهِی عَنْ ذَلِکَ عُلُوًّا کَبِیرًا

و تو – ای خدای من – از این (امور) برتر و والاتری.۱۵/۴۸

بلند مرتبه گردیدن توسّط خدا، و پست نشدن

إِلَهِی إِنْ رَفَعْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَضَعُنِی

خدای من، اگر تو مرا بلندمرتبه گردانی، پس کیست آنکه مرا پست نماید؟.۱۵/۴۸

بلند مرتبه نشدن بنده، در صورت پست شدنش از جانب خدا

إِنْ وَضَعْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَرْفَعُنِی

اگر مرا پست کنی، پس کیست آنکه بلندمرتبه ام گرداند؟.۱۵/۴۸

منزلت بلندپایه محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَإِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِالْمُـحَمَّدِیَّهِ الرَّفِیعَهِ

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی، به سوی تو نزدیکی می جویم.۱۶/۴۹

بند

ایمن ساختن بنده از بندها و دام ها

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ جَمِیعِ... حَبَائِلِهِ وَ مَصَایِدِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه بندها و دام های او ایمن سازی.۸و۷/۲۳

کندن بندِ دل دشمنان

وَ اخْلَعْ وَثَائِقَ أَفْئِدَتِهِمْ

و رگ های دلشان را بکن.۵/۲۷

آزاد شدن از بند عدالت خدا، با احسان او

فَأَصْبَحَ... عَتِیقَ صُنْعِکَ مِنْ وَثَاقِ عَدْلِکَ

پس به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است.۱۰/۳۹

درآمدن دشمن، در بند دام

وَ رَدَدْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ، فَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِیلًا فِی رِبَقِ حِبَالَتِهِ الَّتِی كَانَ یُقَدِّرُ أَنْ یَرَانِی فِیهَا

و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی، تا پس از آن همه گردن کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، درآمد.۸/۴۹

بندگان

رفتار خدا با بنده

وَ افْعَلْ بِی فِعْلَ عَزِیزٍ تَضَرَّعَ إِلَیْهِ عَبْدٌ ذَلِیلٌ فَرَحِمَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما.۲۴/۳۱

کردار اندک و آرزوی بزرگ بنده

أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِیفُ عَمَلًا، الْجَسِیمُ أَمَلًا

من بنده ای هستم که عملش ضعیف و آرزویش بزرگ است.۹/۳۲

دشوار نبودن عفو بنده، بر خدا

لَنْ یَضِیقَ عَلَیْكَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِكَ وَ إِنْ أَسَاءَ

گذشت از بنده ات گر چه بد کرده، بر تو دشوار نیست.۱۰/۳۲

ناتوانی شاکرترین بندگان، از شکر خدا

فَأَشْكَرُ عِبَادِكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ

پس شکرگزارترین بندگانت از شکر تو، عاجز است.۳/۳۷

کوتاهی عابدترین بندگان، از اطاعت خدا

أَعْبَدُهُمْ مُقَصِّرٌ عَنْ طَاعَتِكَ

عابدترین آنان از اطاعتتْ مقصر است.۳/۳۷

لزوم پاداش الهی، بر سپاس گزاری بندگان

تَشْکُرُ یَسِیرَ مَا شَکَرْتَهُ... حَتَّی کَأَنَّ شُکْرَ عِبَادِکَ الَّذِی أَوْجَبْتَ عَلَیْهِ ثَوَابَهُمْ... أَمْرٌ مَلَکُوا اسْتِطَاعَةَ الِامْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَکَ فَکَافَیْتَهُمْ

انـدک کاری را که پـذیرفتی، جزا می دهی. تا اینکه گویا شـکر گزاری بنـدگانت - که پاداش آنها را لازم گردانـدی - کاری است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای.۶/۳۷

دعا در حقّ بنده

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّی مَا حَظَرْتَ عَلَیْهِ، وَ انْتَهَکَ مِنِّی مَا حَجَزْتَ عَلَیْهِ... فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّی

خداونـدا و هر بنده ای که به من آسـیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسـته بودی و آبرویی از من برد که بر او ممنوع ساخته بودی، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز.

۲/۳۹

ص : ۲۳۰

خوشنود ساختن بنده و ادای حقّش، از جانب خدا

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عَبِيدِكَ أَدْرَكَهُ مِنِّی دَرَكٌ... أَرْضِهِ عَنِّی مِنْ وُجْدِكَ، وَ أَوْفِهِ حَقَّهُ مِنْ عِنْدِكَ

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که نارواییی از من به او رسیده، او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان و حقّ او را به تمامی از نزد خودت بپرداز.۴/۳۹

شرح کتاب الهی، برای بندگان

وَ جَعَلْتَهُ... كِتَابًا فَصَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا

و آن را کتابی قرار دادی که برای بندگانت با تفصیل بیان نمودی.۲و۱/۴۲

محمّد صلی الله علیه و آله ، بنده خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

خداوندا بر محمّد بنده خود درود فرست.

۱۷/۴۲

وَ أَنْزِلْنَا فِيهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّينَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود – به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] قرار داد – به جا آورده اند.۹/۴۴

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده خود درود فرستی.۳/۴۸

پند دادن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به بندگان

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا... نَصَحَ لِعِبَادِكَ

خداوندا او را به سبب اینکه بندگانت را نصیحت کرد، پاداش ده.۲۲/۴۲

شب قدر و فرود آمدن فرشتگان بر بندگان

تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا... عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

در آن فرشتگان و روح، بر هر یک از بندگانش که بخواهد، فرود می آیند.۵/۴۴

کوشش در بندگی خدا، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ مِنِ ابْتِدَائِهِ إِلَی وَقْتِ فَنَائِهِ: مِنْ مَلَکٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ... عَبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَصْتَهُ، أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرّب ساختی، یا بنده صالحی که او را برگزیدی، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱۲/۴۴

در زمره بندگان صالح قرار گرفتن

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده.۱۸/۴۴

ص : ۲۳۱

خدا و جزای بنده

وَ يَا مَنْ لَا يُكَافِئُ عَبْدَهُ عَلَى السَّوَاءِ

و ای کسی که بنده خود را همسان (عملش) جزا نمی دهد.۳/۴۵

گشودن دری به سوی عفو الهی، برای بندگان

أَنْتَ الَّذِی فَتَحْتَ لِعِبَادِکَ بَابًا إِلَی عَفْوِکَ

تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده ای.۱۰/۴۵

خدا، و داد و ستد با بندگان

أَنْتَ الَّذِی زِدْتَ فِی السَّوْمِ عَلَی نَفْسِکَ لِعِبَادِکَ

تویی آنکه در داد و ستد با بندگانت، در بهای آن بر خود افزوده ای.۱۲/۴۵

بندگان و راهنمایی خداوند

وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَی مِثْلِ الَّذِی دَلَلْتَ عَلَیْهِ عِبَادَکَ مِنْکَ کَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد.

۱۷/۴۵

نیکی و فزونی خداوند، بر بندگان

یَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَی عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَ الْفَضْلِ

ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای.۱۸/۴۵

درود خدا، بر بندگان صالحش

وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

رحم بندگان و رحم الهی

يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ

ای کسی که رحم می کند، به آنکه بندگان به او رحم نمی کنند.۱/۴۶

درودی دربرگیرنده درودهای بندگان

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً... تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جِنِّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای بندگانت از جن و اِنست و اجابت کنندگان دعوتت را شامل شود.

۵۴/۴۷

حجّت های خدا بر بندگان

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ... حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را حجّت های خویش بر بندگانت قرار دادی.۵۶/۴۷

ص : ۲۳۲

امامان، علامت (راهنما) برای بندگان

أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِکَ

او را نشانه برای بندگانت به پا داشتی.۶۰/۴۷

روز عرفه و احسان الهی بر بندگان

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَهَ يَوْمٌ... تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِکَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که به وسیله آن بر بندگانت تفضّل کرده ای.۶۶/۴۷

نعمت الهی به بنده، پیش و پس از آفرینش او

اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُکَ الَّذِی أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِکَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِکَ إِيَّاهُ

خداوندا و من آن بنده تو هستم که پیش از آفرینشت و پس از آفرینشت، او را نعمت داده ای.

۶۷/۴۷

نعمت های خدا به بندگان

كَانَ أَحَقَّ عِبَادِکَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَلَّا يَفْعَلَ

حال آنکه با آن عنایت هایی که به او داشته ای، سزاوارترین بندگانت بود که نافرمانی ات را نکند.

۶۸/۴۷

بنده، و آشکار نمودن (گناهان) نزد خدا

أَنَا الَّذِی اسْتَخْفَى مِنْ عِبَادِکَ وَ بَارَزَکَ

منم آنکه (گناهم را) از بندگانت پنهان کرده و

نزد تو آشکار نمودم.۷۹/۴۷

ترس داشتن از بندگان خدا

أَنَا الَّذِی هَابَ عِبَادَکَ وَ أَمِنَکَ

منم آنکه از بندگانت ترسیده و از تو آسوده خاطر بودم.۸۰/۴۷

بلندمرتبه ساختن بنده، در میان بندگان

وَ ارْفَعْنِی بَیْنَ عِبَادِکَ

و مرا در میان بندگانت سربلند فرما.۱۱۸/۴۷

تقسیم خیر، تندرستی، برکت و هدایت بین بندگان مؤمن

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ خَیْرٍ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

شریک شدن در دعای بندگان با ایمان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِکَنَا فِی صَالِحِ مَنْ دَعَاکَ فِی هَذَا الْیَوْمِ مِنْ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی.۳/۴۸

زنده گشتن بندگان مرده

وَ هَبْ لَنَا يَا إِلَهِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجًا بِالْقُدْرَهِ الَّتِی بِهَا تُحْیِی أَمْوَاتَ الْعِبَادِ

و ما را – ای خدای من – از جانب خود به توانایی ای که با آن بندگان مرده را زنده می کنی، گشایش ده.۱۳/۴۸

بندگان، و هلاکت الهی

إِنْ أَهْلَکْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَعْرِضُ لَکَ فِی عَبْدِکَ

اگر مرا نابود کنی، پس کیست آنکه درباره بنده ات معترض تو شود؟.۱۵/۴۸

خدا و بشارت به بندگان

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ، وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَکَ أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

بندگی عبادت

بنیان

بنیان انسان، بر وهن و سستی

اللَّهُمَّ وَ إِنَّکَ... عَلَی الْوَهْنِ بَنَیْتَنَا

خداوندا و تو ما را بر سستی بنا نهاده ای.

۵/۹

بلند ساختن بنیان محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ شَرِّفْ بُنْیَانَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بنیاد او را شرافت ده.۱۹/۴۲

افعال خدا، بر بنیان احسان

أَنَّکَ بَنَیْتَ أَفْعَالَکَ عَلَی التَّفَضُّلِ

همانا تو کارهایت را بر تفضّل قرار داده ای.

۸/۴۵

بها

عدم فروش نعمت ها، به ازای قیمت ها

يَا مَنْ لَا يَبِيعُ نِعَمَهُ بِالْأَثْمَانِ

ای که نعمت هایش رابه بها نمی فروشد.۳/۱۳

ارزان ساختن نرخ ها، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْيًا... تُرْخِصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِی جَمِيعِ الْأَمْصَارِ

خداوندا ما را با بارانی که با آن قیمت ها را - در همه شهرهای بزرگ - ارزان کنی، سیراب نما.

۵/۱۹

خدا و افزودن بها در داد و ستد با بندگان

أَنْتَ الَّذِی زِدْتَ فِی السَّوْمِ عَلَی نَفْسِکَ لِعِبَادِکَ

تویی آنکه در داد و ستد با بندگانت، در بهای آن بر خود افزوده ای.۱۲/۴۵

بهانه

جای بهانه نگذاشتن، برای بندگان

...وَ لَمْ یَدَعْ لِأَحَدٍ مِنَّا حُجَّةً وَ لَا عُذْرًا

...و برای احدی از ما، برهان و عذری به جا ننهاده.۲۳/۱

بدبختی، و بسیاری عذر

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا... یَشْقَی بِنِعْمَتِکَ شَقِیُّهُمْ إِلَّا عَنْ طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَیْهِ، وَ بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّهِ عَلَیْهِ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او و پس از حجّت های پیاپی آوردن بر او.۹/۴۵

بهانه نداشتن غافل، بعد از به پا داشتن راهنما

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِکَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَهِ الدَّلِیلِ

پس – بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما – عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!۱۱/۴۵

گناهکار بودن، و ناتوانی از عذر آوردن

أَسْأَلُکَ أَنْ... تَغْفِرَ لِی فَلَسْتُ بَرِیئًا فَأَعْتَذِرَ

از تو می خواهم که بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم.۷/۵۱

بهبودی

بهبودی یافتن بنده، با خشم بر ستمگر

أَعْدِنِی عَلَیْهِ عَدْوَی حَاضِرَهً، تَکُونُ مِنْ غَیْظِی بِهِ شِفَاءً

مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد.۸/۱۴

دادن تندرستی بهبودی دهنده، به بنده

عَافِنِی عَافِیَهً کَافِیَهً شَافِیَهً...

به من عافیت ده. عافیتی کافی و بهبودی بخش.

۲/۲۳

قرآن، شفا و بهبودی

وَ جَعَلْتَهُ... شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهَمِ التَّصْدِیقِ إِلَی اسْتِمَاعِهِ

و آن را شفایی برای کسی که با فهم و تصدیق

ص : ۲۳۵

به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، قرار دادی.

۳/۴۲

خشم بهبودی نیافته دشمن

فَرَدَدْتَهُ لَمْ يَشْفِ غَيْظَهُ، وَ لَمْ يَسْكُنْ غَلِيلُهُ

پس در حالی که خشمش را بهبودی نداده و کینه اش قرار نگرفته بود، او را بازگرداندی.

۶/۴۹

به پا خاستن قیام

به پایان بردن انجام دادن

بهتر

رساندن بهترین پاداش الهی، به تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَيْرَ جَزَائِكَ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعینِ نیکوکارِ ایشان برسان.۹/۴

بهترین زمان بودنِ هر روز از زندگی

وَ اجْعَلْهُ... خَيْرَ وَقْتٍ ظَلِلْنَا فِيهِ

و آن (روز) را بهترین زمانی که در آن به سر برده ایم قرار ده.۱۹/۶

خدا، بهترین کسی که از او یاری خواسته

شود

أَعِنِّي يَا خَيْرَ مَنِ اسْتُعِينَ بِهِ

مرا یاری ده. ای بهترین کسی که به وسیله او یاری خواسته شده.۱۱/۲۴

خدا، بهترین آمرزندگان

إِنَّکَ خَیْرُ الْغَافِرِینَ

به درستی که تو بهترین آمرزندگانی.

۱۵/۳۲

إِنَّکَ أَنْتَ... خَیْرُ الْغَافِرِینَ

همانا تو بهترین آمرزندگانی.۶۵/۴۷

خداوند، بهترین روزی دهندگان

إِنَّکَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ

به درستی که تو بهترین روزی دهندگانی.

۲۸/۳۲

خدا، بهترین پناه دهندگان

...یَا خَیْرَ الْمُ_جِیرِینَ

...ای بهترین پناه دهندگان.۳۲/۳۲

قبرها، بهترین منزل ها

اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْیَا خَیْرَ مَنَازِلِنَا

قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه های ما قرار ده.۱۴/۴۲

رساندن پیامبر صلی الله علیه و آله به بهترین نیکی و خیر

ص : ۲۳۶

الهی

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا یَأْمُلُ مِنْ خَیْرِکَ وَ فَضْلِکَ وَ کَرَامَتِکَ

خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرست. درودی که بـا آن او را بـه برتریـن خیر و فضـل و کرامـتی کـه آرزو دارد، برسانی.۲۱/۴۲

در زمره بهترین اصحاب ماه رمضان بودن

اجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَیْرِ أَهْلٍ وَ أَصْحَابٍ

ما را برای ماه مان از بهترین خویشان و یاران قرار ده.۱۴/۴۴

شب قدر، بهتر از هزار ماه

وَ أَجْلَلْتَ فِیهِ مِنْ لَیْلَهِ الْقَدْرِ (الَّتِی هِیَ) خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی.۲۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی لَیْلَهِ الْقَدْرِ الَّتِی هِیَ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه.۴۰/۴۵

رمضان، بهترین ماه

السَّلَامُ عَلَیْکَ... یَا خَیْرَ شَهْرٍ فِی الْأَیَّامِ وَ السَّاعَاتِ

درود بر تو، ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها.۲۴/۴۵

روز عید فطر، بهترین روزها

بَارِکْ لَنَا فِی یَوْمِ عِیدِنَا وَ فِطْرِنَا، وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَیْرِ یَوْمٍ مَرَّ عَلَیْنَا

برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان. و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده.۴۸/۴۵

خدا، بهترین نعمت دهندگان

إِنَّکَ خَیْرُ الْمُنْعِمِینَ

به درستی که تو بهترین نعمت دهندگانی.

۱۳۲/۴۷

مقدّر نمودن بهترین عاقبت امور، برای بنده

فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ ثِقَتِی وَ رَجَائِی فِی الْأُمُورِ کُلِّهَا، فَاقْضِ لِی بِخَیْرِهَا عَاقِبَةً

پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی. پس آنچه سرانجامش بهترین است را برایم مقدّر فرما.۸/۵۴

بهت زدگی سرگردانی

به جا آوردن ادا و نیز انجام دادن

به دست آوردن کسب

ص : ۲۳۷

به دوش کشیدن

به دوش کشیدن معصیت

وَ کَثُرَ عَلَیَّ مَا أَبُوءُ بِهِ مِنْ مَعْصِیَتِکَ

و معصیتت که بر دوش کشم، بر من زیاد است.

۱۰/۳۲

بهروزی خوش بختی

بهره

بهره مندی از نسیمِ (خوشِ) زندگی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... مَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَیَاهِ

و سپاس خدای را که ما را به نسیم های زندگی بهره مند ساخت.۲۰/۱

قرار دادن بهره ای در رحمت الهی، برای بندگان

اجْعَلْ لَنَا نَصِیبًا فِی رَحْمَتِکَ

از رحمت خود برای ما بهره ای قرار ده.

۳/۵

صبح و بهره مندی از روشنی روز

اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ، وَ مَتَّعْتَنَا بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی و با آن ما را از روشنی روز

بهره مند گرداندی.۸/۶

بهره ای از بندگان خدا، برای بنده

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِی کُلِّ سَاعَهٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظًّا مِنْ عِبَادِکَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، بهره ای از بندگانت قرار ده.۱۶/۶

بهره ای از سپاس گزاری خدا، برای بنده

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِی کُلِّ سَاعَهٍ مِنْ سَاعَاتِهِ... نَصِیبًا مِنْ شُکْرِکَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، سهمی از سپاس گزاری ات قرار ده.

۱۶/۶

بهره ای برای هر آفریده، در نعمت های الهی

...جَعَلْتَ لِکُلِّ مَخْلُوقٍ فِی نِعَمِکَ سَهْمًا

برای هر آفریده ای در نعمت هایت بهره ای مقرر داشته ای.۶/۱۶

غفلت بنده، نسبت به بهره خود

مَنْ أَغْفَلُ مِنِّی عَنْ حَظِّهِ؟

چه کسی از بهره خود فراموشکارتر از من است؟۲۳/۱۶

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا... الْمُغْفِلُ حَظَّ نَفْسِی

اگر کیفر کنی، این من هستم که واگذارنده بهره خویشم.۱۴/۵۱

بهره مندی از رستگاری

أَمْتِعْنَا مِنَ الْهُدَى بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ

ما را به اندازه گمراهی او (شیطان)، از رستگاری ات بهره مند گردان.۵/۱۷

رحمت الهی و بهره بنده

فَلَا تَجْعَلْ حَظِّی مِنْ رَحْمَتِکَ مَا عَجَّلْتَ لِی مِنْ عَافِیَتِکَ

پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده.۱/۱۸

بهره مند گرداندن بنده، به میانه روی

مَتِّعْنِی بِالِاقْتِصَادِ

مرا به میانه روی، بهره مند گردان.۱۸/۲۰

نعمت بهره بردن از فرزندان

اللَّهُمَّ وَ مُنَّ عَلَیَّ... بِإِمْتَاعِی بِهِمْ

خداوندا و بر من به بهره مندی ام از آنان، منّت گذار.۱/۲۵

کامل ترین بهره های همسایگان

وَ اجْعَلْ لِی أَوْفَی الْحُظُوظِ فِیما عِنْدَهُمْ

و از آنچه ایشان (همسایگان) دارند، کامل ترین بهره ها را برای من قرار ده.۴/۲۶

آسوده خاطرِ بنده، از بهره اش نزد خدا

فَغَذَوْتَنِی بِفَضْلِکَ غِذَاءَ الْبَرِّ اللَّطِیفِ... لَا تَتَأَکَّدُ مَعَ ذَلِکَ ثِقَتِی فَأَتَفَرَّغَ لِمَا هُوَ أَحْظَی لِی عِنْدَکَ

پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربانْ خوراک دادی. با این همه اعتمادم به تو محکم نمی شود، تا برای آنچه که برای من نزد تو بهره دهنده تر است آسوده خاطر شوم.۲۶/۳۲

خوشنود ساختن بنده، نسبت به بهره اش

وَ أَسْأَلُکَ... أَنْ تُرْضِیَنِی بِحِصَّتِی فِیما قَسَمْتَ لِی

و از تو درخواست می کنم که مرا به بهره ام در آنچه برایم قسمت کرده ای، راضی نمایی.۲۸/۳۲

بهره مندی از ثروتی همیشگی

مَتِّعْنَا بِثَرْوَهٍ لَا تَنْفَدُ

ما را به ثروتی که نابود نشود، بهره مند نما.

۵/۳۵

بهره بندگان، در ترغیب الهی

أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِکَ مِنْ غَیْبِکَ وَ تَرْغِیبِکَ الَّذِی فِیهِ حَظُّهُمْ عَلَی مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِکْهُ أَبْصَارُهُمْ

تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود، و با ترغیب نمودنت که بهره آنان را دربر دارد، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی، دیدگانشان آن را درنمی یافت.

۱۴/۴۵

ص : ۲۳۹

بهره مندترين افراد، از ماه رمضان

اجْعَلْنَا مِنْ... أَجْزَلِهِمْ قِسْمًا فِيهِ، وَ أَوْفَرِهِمْ حَظًّا مِنْهُ

و ما را از پرنصيب ترين آنان در آن ماه و از بهره مندترين ايشان از آن قرار ده.۴۹/۴۵

نعمت الهى، و بهره محمّد صلى الله عليه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحَلِكَ وَ كَرَامَتِكَ... وَ تُوَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَ فَوَائِدِكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودى كه با آن بخشش و كرامتت را براى ايشان بسيار سازى و بهره ى آنان را از نعمت ها و سودهايت فراوان گردانى.۵۷/۴۷

بهره اى از خوشنودى خدا

اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ

در اين روز براى من نصيبى قرار ده كه با آن به بهره اى ويژه از خوشنودى ات برسم.۷۱/۴۷

مانعى بين بنده و بهره او

أَعِذْنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِّي مِنْكَ

از چيزى كه مرا از تو دور مى كند و ميان من و بهره ام از تو، مانع مى شود، مرا نگهدار.۹۳/۴۷

بهره هايى از عطاى الهى

أَجْزِلْ لِي قِسَمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ

سهم مرا از بخشش ها به لطف خود فراوان كن.۱۲۹/۴۷

فراوانى بهره بنده

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست مى نمايم كه هرگاه ميان بندگان با ايمانت، نيكى قسمت مى نمايى، بهره و نصيب مرا از آن زياد گردان.۲/۴۸

تباه كردن بهره خود

وَ إِلَيْكَ... مَفْزَعُ الْمُضَيِّعِ لِحَظِّ نَفْسِهِ الْمُلْتَجِئِ

و پناهگاه آنکه بهره اش را تباه کرده و پناهنده گشته، به سوی توست.۳/۴۹

احسان الهی و بهره بنده

لَوْ لَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَ سُبُوغُ نَعْمَائِكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّي

اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم.

۲/۵۱

بهشت

سپاس الهی و راهی به سوی بهشت

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... طَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که راهی به سوی بهشتش باشد.۲۹و۲۷/۱

پیامبر صلی الله علیه و آله و بالاترین مقام بهشت

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجِهِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر.۲۳/۲

تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، و باغ های بهشت

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاهً... تَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که در باغ های بهشت بر ایشان وسعت دهی.

۱۴و۱۳/۴

بهشت، سرانجام دعوت خدا

أَنَا حِينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَى دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّهِ

من در همان هنگام باور دارم که فرجام دعوت تو به سوی بهشت است.۲۴/۱۶

جایگاهی در بهشت

وَ اجْعَلْ فِي جَنَّتِكَ مَثْوَايَ

و سرای مرا در بهشتت مقرّر گردان.۱۱/۲۱

بهشت، در برابر چشمان مرزداران اسلام

وَ اجْعَلِ الْجَنَّهَ نَصْبَ أَعْيُنِهِمْ

و بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده.

۴/۲۷

رابطه دارایی دنیوی، با بهشت

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِي مِنْ مَتَاعِهَا... ذَرِيعَهً إِلَى جَنَّتِكَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله دست یابی به بهشتت قرار ده.۶/۳۰

فرود آمدن در میان بهشت

أَحْلِلْنِی بُحْبُوحَهَ جَنَّتِکَ

مرا در میان بهشتت جای ده.۱/۴۱

قرآن، پیشوایی به سوی بهشت

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْکُفْرِ وَ دَوَاعِی النِّفَاقِ حَتَّی یَکُونَ لَنَا فِی الْقِیَامَهِ إِلَی رِضْوَانِکَ وَ جِنَانِکَ قَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در قیامت جلودار ما به سوی خوشنودی تو و بهشت هایت باشد.

۱۲/۴۲

میراث بران بهشت

وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ الَّذِینَ یَرِثُونَ

الْفِرْدَوْسَ...

و ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که بهشت را ارث می برند.۱۸/۴۴

توبه نصوح و درآمدن در بهشت ها

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَى رَبُّكُم أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است.۱۰/۴۵

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ، راه بهشت

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ... وَ جَعَلْتَهُمُ... الْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنها را راهی به سوی بهشتت قرار دادی.۵۶/۴۷

کامیاب گشتن بنده، از بهشت

أَوْجِدْنِى... جَنَّهِ نَعِيمِكَ

مرا از بهشت پر نعمتت، کامیاب گردان.

۱۲۵/۴۷

همسایگی در بهشت

وَ جَاوِرْ بِىَ الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِى الْجِنَانِ

و در بهشت ها، مرا با پاک ترین دوستانتْ

همسایه گردان.۱۲۸/۴۷

آراستن بهشت، برای برگزیدگان خدا

جَاوِرْ بِىَ الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِى الْجِنَانِ الَّتِى زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ

در بهشت هایی که آنها را برای برگزیدگانت آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستانتْ همسایه گردان.۱۲۸/۴۷

به هم پیوستگی

به هم پیوستگی استخوان های پشت

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِینًا مِنْ صُلْبٍ مُتَضَایِقِ الْعِظَامِ، حَرِجِ الْمَسَالِکِ إِلَی رَحِمٍ ضَیِّقَهٍ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده و راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ، سرازیر نمودی.۲۳/۳۲

بیابان

تنها ماندن در بیابان خشم الهی

...فَأَصْحَرَنِی لِغَضَبِکَ فَرِیدًا

...پس مرا تنها در بیابان خشمت رها نمود.

۱۳/۳۲

ص : ۲۴۲

بی ارزشی پستی

بیان

بیان احکام الهی، (به وسیله پیامبرانش)

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَقْوَمَهُمْ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شرَائِعِکَ

و ما را از پایدارترین آنها به آئینی که مقدر نموده ای قرار ده.۲۰/۶

بیان وعده و نوید الهی، در وحی

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ... قَاطِعًا لِاهْتِـمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ...

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده.۳/۲۹

زبان بنده و نیکو بیان نمودن قرآن

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِیَ أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَرْعَاهُ حَقَّ رِعَایَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

پیامبر صلی الله علیه و آله ، بیان کننده فرمان خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ... کَمَا... صَدَعَ بِأَمْرِکَ

خداوندا بر محمّد درود فرست. همچنانکه

فرمانت را با صدای رسا بیان کرد.۱۷/۴۲

گویا نشدن زبان، جز به آنچه خدا بیان فرموده

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَّلْتَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا زبان هایمان جز به آنچه تو بیان کرده ای، سخن نگوید.۷و۶/۴۴

بیان دلیل ها، از جانب خداوند

فَقَدْ... أَبْلَيْتَ الْأَعْذَارَ

پس به تحقیق عذرها را، بیان نموده ای.

۲۱/۴۶

عدم عجز الهی، از بیان و سخن فصیح

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ یُعْیِکَ بُرْهَانٌ وَ لَا بَیَانٌ

تویی آنکه دلیل روشن و سخن آشکاری، تو را عاجز نکرده است.۱۶/۴۷

بی باکی

بی باکی بنده، در باطل و نادرستی

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی... أَشَدُّ فِی الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من - ای خدای من - در انجام باطل

ص : ۲۴۳

گستاخ تر از آنم که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.۲۷/۱۶

بی پروا

دست رد نزدن خدا، بر پیشانی بی پروایان

يَا مَنْ لَا يَجْبَهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَّهِ عَلَيْهِ

ای کسی که دست رد بر پیشانی بی پروایان نمی زند.۵/۴۶

علوّ و بلندی خواهی، به بی پروایی و ناز

سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ... لَا مُتَعَالِيًا بِدَالَّهِ الْمُطِيعِينَ

از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال، نه از روی بلندی خواهیْ به بی پروایی و گستاخیِ فرمانبران.۷۴/۴۷

بی تاب

رفتن ماه رمضان و بی تابی دوستان

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ أَلِيفٍ... أَوْحَشَ مُنْقَضِيًا فَمَضَّ

درود بر تو همدمی که چون سپری شد، بیمناک ساخت و بی تاب گرداند.۲۷/۴۵

گرمی آفتاب و جان بی تاب بنده

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ

الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ، الَّتِی لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِکَ

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتابت را ندارد.۵/۵۰

جان و استخوان بی تاب بنده، و گرمی آتش دوزخ

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ، الَّتِی لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِکَ، فَکَيْفَ تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِکَ؟

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و

این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتاب را ندارد، پس چگونه گرمای آتشت را توانایی دارد؟۵/۵۰

بیت المعمور

فرشتگانِ طواف کننده بیت المعمور

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ

قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ الطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و طواف کنندگان بیت المعمور.۱۸و۱۱و۱۰/۳

بیچارگی

اقرار به بیچارگی و اضطرار خویش

سُبْحَانَکَ نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِینَ أَوْجَبْتَ إِجَابَتَهُمْ

پاک و منزّهی تو! ما درماندگانیم که اجابت آنها را واجب گردانده ای.۴/۱۰

خدا و اجابت دعای بیچارگان

سُبْحَانَکَ نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِینَ أَوْجَبْتَ إِجَابَتَهُمْ

پاک و منزّهی تو! ما درماندگانیم که اجابت آنها را واجب گردانده ای.۴/۱۰

عَرِّفْنِی مَا وَعَدْتَ مِنْ إِجَابَهِ الْمُضْطَرِّینَ

اجابتی که بیچارگان را وعده داده ای، به من بشناسان.۱۲/۱۴

أَنْتَ الَّذِی أَجَبْتَ عِنْدَ الِاضْطِرَارِ دَعْوَتِی

تویی که هنگام بیچارگی، دعایم را اجابت نمودی.۴/۵۱

بیچارگان و ذکر احسان الهی

یَا مَنْ إِلَی ذِکْرِ إِحْسَانِهِ یَفْزَعُ الْمُضْطَرُّونَ

ای کسی که بیچارگان به یاد نیکی اش پناه

می برند.۲/۱۶

هنگام بیچارگی و یاری طلبیدن از غیرخدا

لَا تَفْتِنِّی بِالِاسْتِعَانَهِ بِغَیْرِکَ إِذَا اضْطُرِرْتُ

مرا به یاری خواستن از دیگران به وقت درماندگی ام، آزمایش نکن.۱۲/۲۰

خواندن خدا، در حال اضطرار و بیچارگی

أَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِی وَ قِلَّهِ حِیلَتِی

به ضعف قوّتم و کمی چاره اندیشی ام اعتراف دارم.۷/۲۱

دَعَوْتُکَ یَا رَبِّ... مُضْطَرًّا إِلَیْکَ

تو را خواندم - ای پروردگار من - در حالی که بیچاره درگاه تو هستم.۹/۵۱

در هنگام خوشی و بیچارگی، خدا را خواندن

وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ یَدْعُوکَ مُخْلِصًا فِی الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُـخْلِصِینَ الْمُضْطَرِّینَ لَکَ فِی الدُّعَاءِ

و مرا از کسانی قرار ده که هنگام رفاه تو را خالصانه می خوانند. خواندن خالصانِ بیچاره، در نیایش برای تو.۱۴/۲۲

خدا، بینا به بیچارگی بنده

...فَقَدْ تَرَی ضَعْفِی وَ قِلَّهَ حِیلَتِی وَ تَضَرُّعِی إِلَیْکَ

...زیرا ناتوانی و بیچارگی و زاری ام را به

درگاه خود می بینی.۱۶/۴۸

بیچارگی بنده و رحم الهی

مَوْلَایَ... ارْحَمْ... قِلَّهَ حِیلَتِی

مولای من! بر بیچارگی ام رحم کن.۴/۵۳

بی خبری غفلت

بی خوابی

بی خوابیِ ناشی از وام

أَعُوذُ بِکَ، یَا رَبِّ، مِنْ... شُغْلِ الدَّیْنِ وَ سَهَرِهِ

به تو پناه می برم – ای پروردگارم – از کار قرض و بی خوابی اش.۲/۳۰

بیداری

اطاعت خدا و سستی بیداری بنده

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی... أَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِکَ تَیَقُّظًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من – ای خدای من – بیداری ام هنگام طاعتت سست تر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

بیداری برای بندگی خدا

اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ

شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، آباد گردان.۱۲۳/۴۷

از خدا درخواست نمودنِ بیداری از:

أ. خواب غفلت

اللَّهُمَّ... أَيْقِظْنَا عَنْ سِنَهِ الْغَفْلَهِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ

خداوندا ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان.۷/۱۷

ب. خواب بی خبران

نَبِّهْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْغَافِلِینَ

مرا از خواب غافلان، بیدار فرما.

۹۱/۴۷

ج. خواب آلودگی اسرافکاران

نَبِّهْنِی مِنْ... سِنَهِ الْمُسْرِفِینَ

مرا از خواب آلودگی اسراف کاران، بیدار فرما.۹۱/۴۷

د. چرت زدن خوارشدگان

نَبِّهْنِی مِنْ... نَعْسَهِ الْمَـخْذُولِینَ

مرا از چرت خوارشدگان، بیدار فرما.

۹۱/۴۷

بیراهه

بیراهه نرفتن زبانه ترازوی عدل قرآن

وَ جَعَلْتَهُ... مِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ

و آن را ترازوی عدلی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود، قرار دادی.۳/۴۲

بیزاری

بیزاری جستن از سرکشی نمودن نزد خدا

أَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ

من از گردنکشی بر تو سخت بیزارم.

۱۴/۱۲

بیزاری شیطان، از بنده

...وَ تَوَلَّى الْبَرَاءَةَ مِنِّي

...و از من بیزاری جست.۱۳/۳۲

بیزاری از گناه

تَغَمَّدْنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

بیزاری از پرستش گرِ غیر خدا

بَرِئْتُ مِمَّنْ عَبَدَ سِوَاكَ

از هر که جز تو را پرستید، بیزاری جستم.

۶/۵۲

بیگانه

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و بیگانه پنداشته شدن توسّط خویشانشان

وَ الَّذِینَ... انْتَفَتْ مِنْهُمُ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَکَنُوا فِی ظِلِّ قَرَابَتِهِ

و آنان که چون در سایه خویشی او ساکن شدند خویشاوندان، آنها را بیگانه دانستند.

۶/۴

بیم ترس

بیماری

سپاس گزاری از خدا، برای بیماری

وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا أَحْدَثْتَ بِی مِنْ عِلَّهٍ فِی جَسَدِی

و تو را سپاس بر بیماری ای که در جسمم پدید آوردی.۱/۱۵

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ فِی الْیُسْرِ وَ الْعُسْرِ وَ الصِّحَّهِ وَ السَّقَمِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در آسانی و سختی و تندرستی و بیماری به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق

را روزی ام فرما.۱۱/۲۲

رهاندن بنده (از گناهان)، هنگام بیماری

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی، أَیُّ الْحَالَیْنِ أَحَقُّ بِالشُّکْرِ لَکَ؟... أَ وَقْتُ الصِّحَّهِ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ آیا وقت تندرستی یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی؟۴-۲/۱۵

خروج از بیماری، با عفو و بخشایش الهی

وَ اجْعَلْ مَخْرَجِی عَنْ عِلَّتِی إِلَی عَفْوِکَ

و بیرون شدنم از بیماری را به عفو و گذشتت قرار ده.۶/۱۵

توفیق عیادت از همسایگان بیمار

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... عِیَادَهِ مَرِیضِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّتت و فراگیری آداب نیکویت در عیادت بیمارشان، توفیق ده.

۲/۲۶

آمیخته شدن خوراک مشرکان، با بیماری

اللَّهُمَّ وَ امْزُجْ مِیَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ، وَ أَطْعِمَتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ

خداوندا و آب هایشان را به وبا و خوردنی هایشان را به امراضْ درآمیز.۱۲/۲۷

دچار بیماری مهلک نشدن، با ابرها

وَ لَا تُصِبْنَا فِیهَا بِآفَهٍ

و در آنها آفتی به ما نرسان.۲/۳۶

بینایی

بازماندن دیده ها، از دیدن خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِی قَصُرَتْ عَنْ رُوءْیَتِهِ أَبْصَارُ النَّاظِرِینَ

سپاس خدای را، همان که چشم های بینندگان از دیدنش قاصر است.۲و۱/۱

وَ یَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُوءْیَتِهِ الْأَبْصَارُ...

و ای کسی که چشم ها از دیدن او ناتوان است.

۴/۵

خشوع و بینایی

...الْخُشَّعُ الْأَبْصَارِ فَلَا یَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَیْکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ...

(آنان که) دیدگان را به زیر افکنده و قصد نگریستن سوی تو را ندارند، پس بر ایشان درود فرست.۱۰و۸/۳

بینایی تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و شکّ

لَمْ یَثْنِهِمْ رَیْبٌ فِی بَصِیرَتِهِمْ

آنان که عقیده اشان را شکّی برنگرداند.۱۱/۴

بیناکننده بودن روز، برای بندگان

وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِيَبْتَغُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ

و روز را برای ایشان روشن گر آفرید تا در آن فضل او را طلب کنند.۶/۶

بینایی به جاهای به دست آمدن روزی

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ... وَ بَصَّرْتَنَا مِنْ مَطَالِبِ الْأَقْوَاتِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی، و ما را از جایی که بتوان روزی به دست آورد بینا نمودی.۸/۶

بینایی بندگان و فریفتن شیطان، توسّط آنها

اللَّهُمَّ... بَصِّرْنَا مَا نُكَايِدُهُ بِهِ

خداوندا ما را به راه فریب دادنش، آگاه کن.

۷/۱۷

منّت گذاشتن بر بنده و (ایجاد) بینایی در دلش

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الْبَصِيرَهِ فِي قَلْبِي

و با تندرستی و بینایی در دلم بر من منّت گذار.۳/۲۳

دانایی و بینایی

وَ وَفِّقْنِي لِلنُّفُوذِ فِيما تُبَصِّرُنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى لَا يَفُوتَنِي

اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عَلَّمْتَنِيهِ

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا انجام دادن آنچه به من آموختی، از دستم نرود.۳/۲۴

فرزندان بنده، در زمره بینایان (راه حقّ)

وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتْقِيَاءَ بُصَرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ

و آنان را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود قرار ده.۳/۲۵

افزایش بینایی همسایگان امام علیه السلام ، در حقّ او

وَ زِدْهُمْ بَصِیرَةً فِی حَقِّی

و بر حق بینی آنان نسبت به من بیفزا.۴/۲۶

بینا ساختن مرزداران اسلام

وَ بَصِّرْهُمْ مَا لَا یُبْصِرُونَ

و به آنچه بینایی ندارند، بینایشان ساز.

۳/۲۷

استوار ساختن بینایی بنده، در عبادت خدا

وَ أَحْکِمْ فِی عِبَادَتِکَ بَصِیرَتِی

و بینش مرا در بندگی ات، استوار گردان.

۱۳/۳۱

بینا ساختن بندگان، به تقرّب نزد خدا

ص : ۲۴۹

وَ بَصَّرْتَنَا الزُّلْفَهَ لَدَيْکَ وَ الْوُصُولَ إِلَى كَرَامَتِکَ

و ما را به (راه) نزدیکی نزد خودت و رسیدن به کرامتت، بینا نمودی.۱۹/۴۵

بینا و بصیر بودن خداوند

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. شنوای بینا.۷/۴۷

بینوایی

رحم نمودن به بینوایی بنده

فَارْحَمْ... شِدَّهَ مَسْكَنَتِي

پس بر شدّت نیازم رحم کن.۳۲/۱۶

ارْحَمْ... مَسْكَنَتِي وَ قِلَّهَ حِيلَتِي

بر نیازمندی ام و بیچارگی ام رحم کن.۴/۵۳

زاری به درگاه خدا، هنگام بینوایی

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي... أَتَضَرَّعُ إِلَيْکَ عِنْدَ الْمَسْكَنَهِ

خداوندا مرا چنانم کن که هنگام تهی دستی، به درگاه تو زاری کنم.۱۲/۲۰

مسکین و بینوای درگاه خدا بودن

فَإِنِّي عَبْدُکَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ...

پس به درستی که من بنده بینوا و زار توام.

۷/۲۱

دَعَوْتُکَ يَا رَبِّ مِسْكِينًا، مُسْتَكِينًا... إِلَيْکَ

تو را خواندم - ای پروردگار من - در حالی که بینوا و فروتنِ درگاه تو هستم.۹/۵۱

روز جمعه، و فرود آوردن بینوایی خود به درگاه خدا

اللَّهُمَّ... بِکَ أَنْزَلْتُ الْیَوْمَ فَقْرِی وَ فَاقَتِی وَ مَسْکَنَتِی

خداوندا، در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم.۴/۴۸

تغییر بینوایی و مسکنت بنده

وَ کَمْ مِنْ... مَسْکَنَهٍ حَوَّلْتَ

و چه بسیار نیازمندی هایی را که تغییر دادی.

۱۲/۴۹

بی نیازی توانگری

بی نیاز بودن فرشتگان، از خوردنی و آشامیدنی

وَ أَغْنَیْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِیسِکَ

و آنان را به ذکر تقدیس خود، از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای.۱۱/۳

بی نیازی بی نیازان، به قوّه الهی

اللَّهُمَّ إِنَّمَا یَکْتَفِی الْمُکْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِکَ

خداوندا به درستی که بی نیازان به فزونی

نیروی تو بی نیاز می شوند.۱۱/۵

درخواستِ بی نیاز گشتن

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْفِنَا

پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را بی نیاز گردان.۱۱/۵

وَ أَغْنِنِی وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ فِی رِزْقِكَ

و مرا بی نیاز گردان و روزی ات را بر من بگستر.

۳/۲۰

وَ أَسْتَكْفِيكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْفِنِی

و از تو کفایت می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا کفایت کن.۲۳/۴۸

بی نیاز شدن با گواهی خداوند (از گواهی دیگران)

اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا

خداوندا من تو را گواه می گیرم و گواهی تو کافی است.۲۱/۶

خدا، بی نیاز بی نیازان

يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ

ای بی نیازترین بی نیازان.۳/۱۰

نیاز به خدا و بی نیازی به وسیله او

وَ يَا مَنْ يُسْتَغْنَى بِهِ وَ لَا يُسْتَغْنَى عَنْهُ

و ای که به او بی نیاز می گردند و از او بی نیاز

نمی شوند.۵/۱۳

خدا و بی نیازی از آفریدگانش

تَمَدَّحْتَ بِالْغَنَاءِ عَنْ خَلْقِکَ

خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای.

۱۱/۱۳

شایسته بودن خدا، به بی نیازی از بندگان

تَمَدَّحْتَ بِالْغَنَاءِ عَنْ خَلْقِکَ وَ أَنْتَ أَهْلُ الْغِنَی عَنْهُمْ

خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای و خود شایسته بی نیازی از آنهایی.۱۱/۱۳

نفْس، و جلوه گری حاجت خواهی از آنکه از خدا بی نیاز نیست

سَوَّلَتْ لِی نَفْسِی رَفْعَهَا إِلَی مَنْ یَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَیْکَ، وَ لَا یَسْتَغْنِی فِی طَلِبَاتِهِ عَنْکَ، وَ هِیَ زَلَّهٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِینَ

نفس من رفع آن (حاجت) را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده و در خواسته هایش از تو بی نیاز نیست، برایم می آراید. و این لغزشی از لغزش های خطاکاران است.

۱۵/۱۳

پرسش از خدا، درباره بی نیاز شدن

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی... مُغْنٍ مَنْ شَکَا إِلَیْکَ، فَقْرَهُ تَوَکُّلًا؟

ای خدای من آیا تو هر کس را که از تهی دستی اش با توکّل، به سوی تو شکایت کرد،

بی نیاز می سازی؟۱۵/۱۶

بی نیاز نشدن بنده، جز به وسیله خداوند

إِلَهِی... لَا تَخْذُلْ مَنْ لَا یَسْتَغْنِی عَنْکَ بِأَحَدٍ دُونَکَ

خدای من کسی را که از غیر تو بی نیاز نمی گردد، خوار نگردان.۱۶/۱۶

بی نیازی از کاری که بنده را از عبادت بازمی دارد

وَ اکْفِنِی مَا یَشْغَلُنِی الِاهْتِـمَامُ بِهِ

و مرا از آنچه اهتمام به آن مشغولم می سازد کفایت کن.۳/۲۰

بی نیازی بنده، به واسطه خداوند

وَ لَا أَفْتَقِرَنَّ وَ مِنْ عِنْدِکَ وُسْعِی

و (چنان کن که) فقیر نگردم، در حالی که دارایی ام از نزد تو می باشد.۱۴/۲۰

...بَلِ اجْعَلْ... اسْتِغْنَائِی وَ كِفَايَتِی بِکَ وَ بِخِيَارِ خَلْقِکَ

...بلکه بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.۱۲/۲۱

تاج بی نیازی

وَ تَوِّجْنِی بِالْكِفَايَهِ

و تاج بی نیازی بر سرم گذار.۲۲/۲۰

بی نیازی از کسب روزی، با رنج

وَ اكْفِنِی مَؤُونَهَ الِاكْتِسَابِ

و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از من بردار.۲۴/۲۰

خدا، بی نیازکننده ناتوان

اللَّهُمَّ يَا كَافِیَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ

خداوندا ای کفایت کننده (شخص) تنهای ناتوان.۱/۲۱

درخواست از خدا، در حال نیازمندی و بی نیازی

وَ لَا تَجْعَلْنِی... آیِسًا مِنْ إِجَابَتِکَ لِی... فِی سَرَّاءَ کُنْتُ أَوْ ضَرَّاءَ... أَوْ فَقْرٍ أَوْ غِنًی

و مرا ناامید از اجابتت قرار نده، در خوشی باشم یا سختی، یا تهی دستی یا ثروت.۸/۲۱

تندرستیِ بی نیازکننده

وَ عَافِنِی عَافِیَهً کَافِیَهً...

و به من عافیت ده. عافیتی کافی.۲/۲۳

بی نیاز نمودن والدین، به وسیله فرزندان

وَ أَعِنِّی بِهِمْ عَلَی حَاجَتِی

و در برآمدن نیازم به وسیله آنان یاری ام ده.

۴/۲۵

به بی نیازی خدا، از فقر توانگر گشتن

ص : ۲۵۲

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُغْنَیْنَ مِنَ الْفَقْرِ بِغِنَاکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به توانگری تو از فقر به بی نیازی رسیده اند، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

بی نیاز نبودن از فضل الهی

وَ قَلَبْتُ مَسْأَلَتِی عَمَّنْ لَمْ یَسْتَغْنِ عَنْ فَضْلِکَ

و درخواستم را از آنکه از فضلت بی نیاز نبود، بازگرداندم.۴/۲۸

توانایی کافی و بی نیازکننده

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ... لَا اسْتِمْسَاکَ بِی عَنِ الْخَطَایَا إِلَّا عَنْ قُوَّتِکَ، فَقَوِّنِی بِقُوَّةٍ کَافِیَةٍ

خداوندا جز به قدرت تو، خودداری از گناهان برایم ممکن نیست. پس با قوّتِ کافی، مرا قوی ساز.۱۹/۳۱

رفتار خدا با بنده، مانند توانگر بی نیازکننده فقیر

وَ افْعَلْ بِی فِعْلَ... غَنِیٍّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِیرٌ فَنَعَشَهُ

و با من همانند توانگری که بنده بینوایی پیش او آمده، پس او را بی نیاز کرده، رفتار نما.

۲۴/۳۱

بی نیاز نبودن جنین

وَ لَمْ أَسْتَغْنِ عَنْ غِیَاثِ فَضْلِکَ

و از فریادرسی فضلت بی نیاز نبودم.۲۴/۳۲

بی نیاز شدن، به وسیله خداوند

فَإِنَّ الْغَنِیَّ مَنْ أَغْنَیْتَ

پس همانا توانگر کسی است که تو توانگر ساختی.۴/۳۶

خدا، بی نیازکننده ترین کس

إِنَّکَ... أَکْفَى مَنْ تُوُکِّلَ عَلَيْهِ

به درستی که تو بی نیازکننده تر کسی هستی که بر او اعتماد شده.۵۶/۴۵

بی نیاز ساختن بنده، از فرد بی نیاز از او

وَ أَغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي

و از کسی که از من بی نیاز است، بی نیازم گردان.۱۱۸/۴۷

فراهم نمودن بی نیازی، برای بنده

وَ اجْمَعْ لِيَ الْغِنَى...

و بی نیازی را برایم فراهم ساز.۱۳۰/۴۷

بی نیازی خدا، از بنده

وَ تَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِکَ عَلَيْهَا... وَ بِفَقْرِي إِلَيْکَ، وَ غِنَاكَ عَنِّي

و برآوردن هر درخواستی را برای من، به قدرتی که بر آن داری و به نیازمندی من به تو و به بی نیازی تو از من، به عهده گیر.۴/۴۸

ص : ۲۵۳

بی نیازی خدا، از هر جزادهنده و حسابگر

وَ كَفَى بِكَ جَازِيًا، وَ كَفَى بِكَ حَسِيبًا

و از هر جزادهنده و حسابگری، بی نیازی.

۳/۵۰

روزی بنده نمودنِ بی نیازی در کارها

وَ رَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكِفَايَةَ

و بی نیازی را در همه کارهایم به من روزی دادی.۲/۵۱

اسباب بی نیازی:

أ. فضل الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ

و سپاس خدای را که ما را به فضل خود، بی نیاز گردانْد.۲۰/۱

فَبِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ، فَأَغْنِنِي

پس به فضل خود، خداوندا بی نیازم گردان.۴/۲۲

ب. صله و بخشش خداوند

اللَّهُمَّ أَغْنِنَا عَنْ هِبَةِ الْوَهَّابِينَ بِهِبَتِكَ

خداوندا ما را با عطای خود، از بخشش بخشندگان بی نیاز کن.۷/۵

وَ أَغْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ بِإِرْفَادِكَ

و به یاری خود ما را از غیر خود بی نیاز گردان.۱۳/۵

ج. واگذاشتن خود، در اختیار خداوند

أَغْنِنَا إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ

چون خویش را در پیشگاه تو افکنده ایم، بی نیازمان گردان.۵/۱۰

د. عافیت الهی

وَ أَغْنِنِی بِعَافِیَتِکَ

و مرا به عافیت بی نیاز فرما.۱/۲۳

ه_. عبادت و بندگی خدا

إِلَهِی أَسْأَلُکَ بِحَقِّکَ الْوَاجِبِ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِکَ... أَنْ تُغْنِیَنِی عَنْ کُلِّ شَیْءٍ بِعِبَادَتِکَ

خدای من، به آن حقّ واجب خود که بر همه آفریدگانت داری، از تو می خواهم که مرا به وسیله بندگی ات از هر چیزی بی نیاز گردانی.

۱۰/۵۲

بینی

به خاک مالیدن بینی شیطان

اللَّهُمَّ... وَ أَرْغِمْ أَنْفَهُ

ص : ۲۵۴

خداوندا و بینی اش را به خاک بمال.

۱۳/۱۷

بیهوده باطل

سبب گوش ندادن به لغو و بیهوده

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ حَتَّى لَا نُصْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَغْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهـداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشـنود می سازد، یاری فرما. تا با گوش هایمان هیچ لغوی گوش ندهیم.۶/۴۴

ص : ۲۵۵

پ

پا قدم

پابرجایی استواری

پاداش

پاداش سرشار و کیفر ترسناک خداوند

حَتَّی إِذَا... اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَی مَا نَدَبَهُ إِلَیْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

زمانی که (آفریده) حساب زندگی اش را بستانَد، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.

۶/۱

جزا دادن به بدکرداران و نیکوکاران

...لِیَجْزِیَ الَّذِینَ أَسَاوءُوا بِمَا عَمِلُوا وَ یَجْزِیَ الَّذِینَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَی

تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکوکاران را پاداش نیکو عنایت کند.

۷/۶، ۶/۱

روزِ به جزا رسیدن

یَوْمَ تُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود.۱۱/۲۴، ۱۲/۱

پاداش خداوند، به اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

وَ اشْکُرْهُمْ عَلَی هَجْرِهِمْ فِیکَ دِیَارَ قَوْمِهِمْ...

و ایشان را به خاطر آنکه در راه تو از شهرهای خویشانشان هجرت کردند پاداش عنایت کن.

۸/۴

پاداش الهی، به تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَی التَّابِعِینَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَیْرَ جَزَائِکَ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعینِ نیکوکارِ ایشان برسان.۹/۴

سبب از دست نرفتن کار نیکِ سزاوار پاداش

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ، حَتَّی لَا تَفُوتَنَا حَسَنَهٌ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَکَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار نیکی که به سبب آن سزاوار پاداش تو شویم از دستمان نرود.۷/۹

نعمت دادن و پاداش نخواستن خداوند

ص : ۲۵۷

وَ أَنْتَ الَّذِی لَا یَرْغَبُ فِی جَزَاءِ مَنْ أَعْطَاهُ

و تویی آنکه به هر که نعمت داد، پاداش نمی خواهد.۱۱/۱۶

اللَّهُمَّ یَا مَنْ لَا یَرْغَبُ فِی الْجَزَاءِ

خداوندا ای کسی که پاداش نمی خواهد.

۱/۴۵

توفیق پاداش دادن بنده، به برخی افراد

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أَجْزِیَ مَنْ هَجَرَنِی بِالْبِرِّ، وَ أُثِیبَ مَنْ حَرَمَنِی بِالْبَذْلِ، وَ أُکَافِیَ مَنْ قَطَعَنِی بِالصِّلَهِ

و مرا توفیق ده تا آنکه از من دوری کرده را به نیکی جزا دهم. و به آنکه محرومم نموده، با بخشش پاداش بخشم. و کسی را که از من جدا شده به پیوستن مکافات دهم.۹/۲۰

میل بنده، به پاداش وعده داده شده الهی

وَ ارْزُقْنِی... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را روزی ام فرما.۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

خداوندا شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان.۵۳/۴۵

پاداش حجّ، عمره و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِیَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ... وَ اجْعَلْ ذَلِکَ مَقْبُولًا، مَشْکُورًا...

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت. و آن را پذیرفته شده و پاداش داده شده قرار ده.۴/۲۳

پاداش خدا به والدین، برای تربیت فرزند

اللَّهُمَّ اشْکُرْ لَهُمَا تَرْبِیَتِی

خداوندا از آنان به پاس پرورش دادن من، قدردانی کن.۷/۲۴

پاداش خدا به والدین، جهت گرامیداشت فرزند

اللَّهُمَّ... أَثِبْهُمَا عَلَى تَكْرِمَتِي

خداوندا آنها را بر گرامی داشتنم، پاداش ده.

۷/۲۴

پاداش اوامر الهی

فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَ أَمَرْتَنَا وَ نَهَيْتَنَا وَ رَغَّبْتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا وَ رَهَّبْتَنَا عِقَابَهُ

همانـا تو مـا را آفریـدی و امر و نهی نموده ای و در پاداش آنچه ما را امر کردی، رغبتمان و از کیفر نافرمانی خود بیممان داده ای.۶/۲۵

پاداش نیکو دادن، به همسایگان بدکردار

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْزِي بِالْإِحْسَانِ مُسِيئَهُمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که بدکارشان را به نیکی پاداش دهم.۳/۲۶

ص : ۲۵۸

پاداشی همانند پاداش مسلمان جنگجو

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِیًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

تباه نشدن پاداش نیکوکاران

یَا مَنْ لَا یَضِیعُ لَدَیْهِ أَجْرُ الْمُـحْسِنِینَ

ای کسی که پاداش نیکوکاران، نزد او تباه نمی شود.۳/۳۱

خدا، پاداش دهنده سپاس کم

إِنَّکَ... الشَّاکِرُ قَلِیلَ الشُّکْرِ

همانا تو پاداش دهنده شکرِ کمی.۷/۳۶

پاداش الهی، به فرمانبری و طاعت کم

وَ تُثِیبُ عَلَی قَلِیلِ مَا تُطَاعُ فِیهِ

و بر اندکْ طاعتی که از تو شود، پاداش می دهی.۶/۳۷

وجوب پاداش، بر شکرگزاری بندگان

تَشْکُرُ یَسِیرَ مَا شَکَرْتَهُ... حَتَّی کَأَنَّ شُکْرَ عِبَادِکَ الَّذِی أَوْجَبْتَ عَلَیْهِ ثَوَابَهُمْ... أَمْرٌ مَلَکُوا اسْتِطَاعَهَ الِامْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَکَ فَکَافَیْتَهُمْ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت – که پاداش آنها را لازم گردانـدی – کاری است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای.۶/۳۷

پاداش خدا، به عمل اندک

تَشْکُرُ یَسِیرَ مَا شَکَرْتَهُ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی.

۶/۳۷

يَا مَنْ... يَشْكُرُ يَسِيرَ مَا يُعْمَلُ لَهُ

ای کسی که اندک عملی را که برای او انجام می شود، سپاس می دارد.۶/۴۶

آماده نمودن پاداش بندگان، پیش از فرمانبری

وَ أَعْدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ

و پاداششان را آماده نموده ای، پیش از آنکه در طاعتت وارد شوند.۷/۳۷

پاداش فرمانبر

فَسُبْحَانَكَ مَا أَبْيَنَ كَرَمَكَ فِي مُعَامَلَةِ مَنْ أَطَاعَكَ أَوْ عَصَاكَ تَشْكُرُ لِلْمُطِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ...

پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است، از فرمانبر در آنچه تو برایش فراهم

نموده ای، تشکّر می کنی.۱۰/۳۷

فرمانبر و نیافتن پاداش الهی

وَ لَوْ کَافَأْتَ الْمُطِیعَ عَلَی مَا أَنْتَ تَوَلَّیْتَهُ لَأَوْشَکَ أَنْ یَفْقِدَ ثَوَابَکَ

و اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می داد.۱۲/۳۷

پاداش بلندمدّت، به کردار کوتاه مدت

...لَکِنَّکَ بِکَرَمِکَ جَازَیْتَهُ عَلَی الْمُدَّهِ الْقَصِیرَهِ الْفَانِیَهِ بِالْمُدَّهِ الطَّوِیلَهِ الْخَالِدَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش درازمدّتِ همیشگی دادی.۱۲/۳۷

سزاوار پاداش الهی نبودن

فَمَتَی کَانَ یَسْتَحِقُّ شَیْئًا مِنْ ثَوَابِکَ؟ لَا! مَتَی؟!

پس کی (چنین بنده ای) مستحقّ ثوابی از سوی تو می شد؟ نه! هیچ گاه!۱۳/۳۷

فروگذاردن پاداش بنده

وَ لَا یُخَافُ إِغْفَالُکَ ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاکَ

و ترسی نیست که پاداش آنکه تو را خوشنود گرداند، فروگذاری.۱۶/۳۷

خدا، ضامن پاداش نیکوکاران

یَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُـحْسِنِینَ

ای ضامن پاداش نیکوکاران.۵/۴۰

قرآن، عاملی جهت پاداش یافتن بندگان

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سَبَبًا نُجْزَی بِهِ النَّجَاهَ فِی عَرْصَهِ الْقِیَامَهِ

و قرآن را دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت قرار ده.۸/۴۲

پاداش خداوند، به پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِکَ... أَفْضَلَ مَا جَزَیْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ، وَ أَنْبِیَائِکَ الْمُرْسَلِینَ الْمُصْطَفَیْنَ

خداونـدا او را به سـبب اینکه پیـام هـای تو را ابلاـغ نمود، پـاداش ده. بهترین پاداشـی که به یکی از فرشـتگان نزدیـک خود و پیامبران فرستاده شده برگزیده ات دادی.۲۲/۴۲

پاداش شاکران و نیکوکاران

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ... لِیَجْزِیَنَا عَلَی ذَلِکَ جَزَاءَ الْمُـحْسِنِینَ

سپاس خدای را که ما را از اهل سپاس قرار داد. تا ما را بر آن، پاداش نیکوکاران دهد.۱/۴۴

رنج نکشیدن، جز برای پاداش الهی

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا نَتَکَلَّفَ إِلَّا مَا یُدْنِی مِنْ ثَوَابِکَ

ص : ۲۶۰

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا خود را جز در آنچه به پاداش تو نزدیک کند، به رنج نیندازیم.۷و۶/۴۴

عدم همسانی در پاداشِ (عمل)

وَ يَا مَنْ لَا يُكَافِئُ عَبْدَهُ عَلَى السَّوَاءِ

و ای کسی که بنده خود را همسان (عملش) جزا نمی دهد.۳/۴۵

خدا، پاداش دهنده ستایشگر

تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ

هر که تو را شکر کرد، قدردانی کنی.۶/۴۵

وَ تُكَافِئُ مَنْ حَمِدَكَ

و هر که تو را سپاس گزارد، جزا دهی.

۷/۴۵

روزه و قیام وسیله دست یابی به پاداش الهی

فَصُمْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ، وَ قُمْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ... وَ تَسَبَّبْنَا إِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِكَ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. و آن را وسیله پاداش تو قرار دادیم.۲۱/۴۵

طلب پاداش، در ماه رمضان

فَأْجُرْنَا عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التَّفْرِيطِ أَجْرًا

نَسْتَدْرِكُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ

پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما رسیده، پاداش ده. پاداشی که با آن فضل پسندیده را دریابیم.۴۵/۴۵

پاداشی همانند روزه دار و عابد

وَ اكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أُجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ

و برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس.۵۱/۴۵

پاداشی بزرگ، به عملی اندک

وَ یَا مَنْ یَشْکُرُ عَلَی الْقَلِیلِ وَ یُجَازِی بِالْجَلِیلِ

و ای کسی که (عمل) کم را سپاس می گذارد و پاداش بزرگ می دهد.۷/۴۶

سپاسی با پاداش کامل و فراگیر

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکْمُلُ لَدَیْکَ ثَوَابُهُ، وَ یَسْتَغْرِقُ کُلَّ جَزَاءٍ جَزَاوءُهُ

سپاس برای توست. سپاسی که پاداش آن نزد تو کامل باشد، و جزایش همه جزاها را فراگیرد.

۴۲و۳۶/۴۷

خداوندِ پاداش دهنده

وَ کَفَی بِکَ جَازِیًا

و همین بس که تو جزادهنده ای.۳/۵۰

پادشاه

تلخی غلبه پادشاه

وَ اکْفِنَا... مَرَارَهَ صَوْلَهِ السُّلْطَانِ

و ما را از تلخی قهر و غلبه پادشاه نگهدار.

۱۰/۵

ستم نمودن پادشاه، بر بندگان

نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ... یَتَهَضَّمَنَا السُّلْطَانُ

پناه می بریم به تو از اینکه پادشاه به ما ستم کند. ۶/۸

پناه بردن به خدا، از شرّ پادشاه ستمگر

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ سُلْطَانٍ عَنِیدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر پادشاهِ ستمگری پناه ده.۶/۲۳

ترسیدن از والدین، همانند ترسیدن از پادشاه ستمکار

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی أَهَابُهُمَا هَیْبَهَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ

خداوندا مرا چنان گردان که از هر دو (پدر و مادرم) همچون ترس از پادشاه خودکامه، بیمناک باشم. ۵/۲۴

پادشاهی

خدا، دارنده هر ملک و پادشاهی

أَنِّی أَشْهَدُ أَنَّکَ... مَالِکُ الْمُلْکِ

همانا من شهادت می دهم که تو صاحب هر ملکی.۲۱/۶

سلطه الهی و فرود آمدن (سختی) به بنده

وَ قَدْ نَزَلَ بِی یَا رَبِّ مَا قَدْ تَکَأَّدَنِی ثِقْلُهُ... وَ بِسُلْطَانِکَ وَجَّهْتَهُ إِلَیَّ

و ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است و تو به سلطه خویش آن را بر من فرستادی.۶/۷

شکست دادن پادشاهی غم

وَ اکْسِرْ عَنِّی سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِکَ

و به توانایی ات سلطه غم و اندوه را بر من بشکن.۸/۷

رها کردن بندگان، در پادشاهی جاویدان (بهشت)

وَ اسْرَحْنَا فِی مُلْکِ الْأَبَدِ

و ما را در سلطنت ابدی، رها کن.۵/۳۵

ماه، نشانه ای از نشانه های پادشاهی خدا

وَ جَعَلَکَ آیَهً مِنْ آیَاتِ مُلْکِهِ، وَ عَلَامَهً مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ

و تو را نشانه ای از نشانه های پادشاهی اش و علامتی از علامت های سلطنتش قرار داد.۲/۴۳

ص : ۲۶۲

عطا نمودن سلطنت، به ولیّ خدا

وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطَانًا نَصِيرًا

و او را از جانب خود، سلطنتی پیروزمند عطا فرما.۶۱/۴۷

پادشاهی برای خداست

اللَّهُمَّ رَبَّنَا بِأَنَّ لَکَ الْمُلْکَ

خداوندا، ای پروردگار ما، به درستی که پادشاهی برای توست.۲/۴۸

اللَّهُمَّ بِأَنَّ لَکَ الْمُلْکَ وَ الْحَمْدَ

خداوندا به درستی که پادشاهی و سپاس مختص به توست.۳/۴۸

عدم افزایش ملک خدا، با عذاب نمودن بنده

لَيْسَ عَذَابِی مِمَّا يَزِيدُ فِی مُلْکِکَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

عذاب من، چیزی نیست که ذرّه ای بر پادشاهی تو بیفزاید.۶/۵۰

عذاب بنده و پادشاهی خدا

وَ لَوْ أَنَّ عَذَابِی مِمَّا يَزِيدُ فِی مُلْکِکَ لَسَأَلْتُکَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ

و اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم.۶/۵۰

ویژگی های پادشاهی خدا:

أ. دارای مدّتی بی پایان

وَ يَا مَنْ لَا تَنْتَهِی مُدَّةُ مُلْکِهِ

و ای کسی که زمان پادشاهی او به پایان نمی رسد.۲/۵

عَزَّ سُلْطَانُکَ عِزًّا... لَا مُنْتَهَی لَهُ بِآخِرِيَّةٍ

فرمانروایی تو، چنان با عزّت است، که پایانی برای آخرش نیست.۴/۳۲

ب. فراگیرنده بر بندگان

یَحْوِینَا مُلْکُکَ وَ سُلْطَانُکَ

سلطه و فرمانروایی توست که ما را فرامی گیرد.۱۰/۶

ج. عدم رهایی از آن

وَ لَا قُوَّةَ لِی عَلَی الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِکَ

و مرا نیرویی برای خروج از سلطنت تو نیست. ۶/۲۱

کَیْفَ یَنْجُو مِنْکَ مَنْ لَا مَذْهَبَ لَهُ فِی غَیْرِ مُلْکِکَ؟

چگونه از تو رهایی یابد، کسی که در غیر قلمرو تو، راهی برایش نمی باشد؟۱/۵۲

د. ثبات

اللَّهُمَّ یَا ذَا الْمُلْکِ الْمُتَأَبِّدِ بِالْخُلُودِ

خداوندا ای صاحب پادشاهی پاینده جاوید. ۱/۳۲

وَ سُلْطَانُکَ ثَابِتٌ لَا یَزُولُ

و سلطنت تو ثابت و بی زوال است.

۱۹/۴۶

ه‍ـ. بدون لشکر و پشتیبان بودن

اللَّهُمَّ یَا ذَا... السُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ بِغَیْرِ جُنُودٍ وَ لَا أَعْوَانٍ

خداوندا ای فرمانروای استوارِ بدون لشکریان و یاران.۲و۱/۳۲

و. چیرگی و استواری

عَزَّ سُلْطَانُکَ عِزًّا لَا حَدَّ لَهُ بِأَوَّلِیَّهٍ، وَ لَا مُنْتَهَی لَهُ بِآخِرِیَّهٍ

فرمانروایی تو، چنان با عزّت است، که حدّی برای اوّلش و پایانی برای آخرش نیست.

۴/۳۲

ز. بلندپایگی

وَ اسْتَعْلَی مُلْکُکَ عُلُوًّا سَقَطَتِ الْأَشْیَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ

و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود. ۵/۳۲

ح. همیشگی بودن

أَمْهَلْتَهُمْ ثِقَهً بِدَوَامِ مُلْکِکَ

از آن جهت مهلتشان داده ای که به دوام پادشاهی خود اعتماد داری.۱۷/۴۶

لَکِنْ... مُلْکُکَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ تَزِیدَ فِیهِ طَاعَهُ الْمُطِیعِینَ

ولی پادشاهی ات پایدارتر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید.۶/۵۰

ط. قوی و توانا

سُبْحَانَکَ مِنْ مَلِیکٍ مَا أَمْنَعَکَ

پاک و منزّهی! ای پادشاه که شکست ناپذیری!۲۴/۴۷

ی. بزرگ بودن

لَکِنْ سُلْطَانُکَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ... مِنْ أَنْ تَزِیدَ فِیهِ طَاعَهُ الْمُطِیعِینَ

ولی خداوندا، سلطنت تو بزرگ تر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید.

۶/۵۰

ک. عدم کاهش و نقص آن

لَکِنْ سُلْطَانُکَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ، وَ مُلْکُکَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ... تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِیَهُ الْمُذْنِبِینَ

ولی خداوندا، سلطنت تو بزرگ تر و پادشاهی ات پایدارتر از آن است که نافرمانی گنهکاران (چیزی) از آن بکاهد.۶/۵۰

ص : ۲۶۴

لَا يَنْقُصُ سُلْطَانَکَ مَنْ أَشْرَکَ بِکَ، وَ کَذَّبَ رُسُلَکَ

کسی که به تو شرک آورَد و پیامبرانت را دروغگو شمارد، از فرمانروایی ات نمی کاهد.

۳/۵۲

ل. قهر و غلبه

سُبْحَانَکَ مَا أَعْظَمَ شَأْنَکَ، وَ أَقْهَرَ سُلْطَانَکَ

پاک و منزّهی! چه بزرگست مرتبه تو! و چه غالب است پادشاهی ات!۴/۵۲

پارسایی زهد

پاره پاره

پاره پاره شدن روده های ساکنان دوزخ

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِی یُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْئِدَهَ سُکَّانِهَا

و از آشامیدنی اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می کند، به تو پناه می برم.

۳۱/۳۲

پاره پاره شدن مفاصل بنده

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی... حَالِی إِذَا... تَقَطَّعَتْ أَوْصَالِی

مولای من! بر حال من، هنگامی که مفاصلم پاره پاره شود، رحم کن.۶/۵۳

پاسداری نگهداری

پاشیدگی پراکندگی

پافشاری اصرار

پاکدامنی خویشتن داری

پاکدامنی، و فروبستن چشم از همسایگان

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَغُضُّ بَصَرِی عَنْهُمْ عِفَّهً

و خداوندا مرا بر آن دار که با پاکدامنی، دیده از ایشان فروبندم.۳/۲۶

فراهم نمودن پاکدامنی، برای بنده

وَ اجْمَعْ لِیَ... الْعَفَافَ

و پاکدامنی را برایم فراهم ساز.۱۳۰/۴۷

پاکی و پاکیزگی

پاک و منزّه بودن نام های خداوند

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاوءُهُ

نام هایش مقدّس است.۷/۱

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاوءُکَ عَنِ الْمَنْسُوبِینَ

نام هایت از نسب داران مقدّس تر است.

۱۴/۳۹

بندگان و روزی های پاک

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... أَجْرَی عَلَیْنَا طَیِّبَاتِ الرِّزْقِ

ص : ۲۶۵

و سپاس خدایی را که روزی های پاکیزه را برایمان جاری ساخت.۱۷/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... غَذَّانَا بِطَیِّبَاتِ الرِّزْقِ

و سپاس خدای را که با روزی های پاکیزه، پرورشمان داد.۲۰/۱

پاکی محمّد صلی الله علیه و آله و اهل بیت و خاندان او

عَرِّفْهُ فِی أَهْلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ أُمَّتِهِ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَهِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ

او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امّتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.۲۵/۲

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

پس بر محمّد و خاندانش که پاک، پاکیزه، نیکوکار و شریف ترین اند، درود فرست.۲۴/۶

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ... وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

خداوندا بر محمّد و بر خانواده پاک و پاکیزه او درود فرست.۱۵/۱۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ، وَ أَهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرِینَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و بر خاندان پاکش درود فرست.۱/۲۴

وَ صَلِّ عَلَی... مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ الصِّفْوَهِ مِنْ بَرِیَّتِکَ الطَّاهِرِینَ

و بر محمّد و خانواده او که از آفریدگان پاک تو هستند، درود فرست.۵/۳۴

وَ السَّلَامُ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

و درود بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.۲۲/۴۲

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

و خدا بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.۷/۴۳

رَبِّ صَلِّ عَلَی أَطَائِبِ أَهْلِ بَیْتِهِ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ... وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرِّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِیرًا بِإِرَادَتِکَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و به خواست خویش، آنان را از

پلیدی و آلودگی پاک نمودی.۵۶/۴۷

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

و خداوند بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.۱۳۳/۴۷

أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ... وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِینَ الْأَخْیَارِ

از تو درخواست می کنم که بر محمّد و بر خاندان محمّد که نیکوکارانِ پاکانِ برگزیده اند، درود فرستی.۳/۴۸

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ... وَ عَلَی آلِهِ الطَّاهِرِینَ

و درود خدا بر سرور ما، محمّد و بر خاندان

ص : ۲۶۶

پاکش باد.۹/۵۴

فرشتگان، و تقدیس و پاک دانستن خدا

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ... لَا یَسْأَمُونَ مِنْ تَقْدِیسِکَ

خداوندا و حاملان عرشت که از تقدیس تو دلتنگ نمی شوند...۱/۳

وَ أَغْنَیْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِیسِکَ

و آنان را به ذکر تقدیس خود، از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای.۱۱/۳

خدا را به پاکی یاد کردن

سُبْحَانَکَ مَا عَبَدْنَاکَ حَقَّ عِبَادَتِکَ

منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.۹/۳

سُبْحَانَکَ نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِینَ أَوْجَبْتَ إِجَابَتَهُمْ

پاک و منزّهی تو! ما درماندگانیم که اجابت آنها را واجب گردانده ای.۴/۱۰

سُبْحَانَکَ

پاک و منزّهی تو.۷/۱۲

لَیْسَ... لِذَنْبِی غَافِرٌ غَیْرُکَ، حَاشَاکَ

برای گناهم غیر از تو آمرزنده ای ندارم. تو از عیوب منزّه و دوری.۱۵/۱۲

سُبْحَانَ رَبِّی...

منزّه است پروردگارم.۱۷/۱۳

اللَّهُمَّ... لَا أَسْتَعِینُ بِحَاکِمٍ غَیْرِکَ، حَاشَاکَ

خداوندا از حکم کننده ای جز تو یاری نمی جویم. پاک و منزّهی.۱۱/۱۴

سُبْحَانَکَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَی نَفْسِی

پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم.۲۵/۱۶

فَسُبْحَانَکَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

پس تو منزّهی. معبودی جز تو نیست.

۱۲/۲۸

فَسُبْحَانَکَ مَا أَبْيَنَ كَرَمَکَ فِي مُعَامَلَهِ مَنْ أَطَاعَکَ أَوْ عَصَاکَ...

پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است.۱۰/۳۷

سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِکَ!

پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود!۳/۴۳

سُبْحَانَکَ! مَا أَجَلَّ شَأْنَکَ

پاک و منزّهی! چه بزرگ است شأن تو!

۲۲/۴۷

سُبْحَانَکَ مِنْ لَطِيفٍ مَا أَلْطَفَکَ

پاک و منزّهی! ای لطیفی که چه بسیار لطیفی!

۲۳/۴۷

سُبْحَانَکَ مِنْ مَلِيکٍ مَا أَمْنَعَکَ

پاک و منزّهی! ای پادشاه که شکست ناپذیری!

۲۴/۴۷

سُبْحَانَکَ بَسَطْتَ بِالْخَیْرَاتِ یَدَکَ

پاک و منزّهی! دستت را به نیکی ها گشوده ای.

۲۵/۴۷

سُبْحَانَکَ خَضَعَ لَکَ مَنْ جَرَی فِی عِلْمِکَ

پاک و منزّهی! هر که در علم تو قرار گرفت، برای تو فروتن گشت.۲۶/۴۷

سُبْحَانَکَ لَا تُحَسُّ وَ لَا تُجَسُّ

پاک و منزّهی! نه حس می شوی و نه قابل جستجو هستی.۲۷/۴۷

سُبْحَانَکَ سَبِیلُکَ جَدَدٌ

پاک و منزّهی! راه تو هموار است.۲۸/۴۷

سُبْحَانَکَ قَولُکَ حُکْمٌ

پاک و منزّهی! گفتارت حکمت است.

۲۹/۴۷

سُبْحَانَکَ لَا رَادَّ لِمَشِیَّتِکَ

پاک و منزّهی! برای مشیّت تو بازگرداننده ای نیست.۳۰/۴۷

سُبْحَانَکَ بَاهِرَ الْآیَاتِ

پاک و منزّهی! ای که نشانه هایت آشکار است.

۳۱/۴۷

سُبْحَانَکَ أَخْشَی خَلْقِکَ لَکَ أَعْلَمُهُمْ بِکَ

پاک و منزّهی! ترسنده ترین آفریدگانت از تو، آگاه ترین آنها به (کبریایی) توست.۲/۵۲

سُبْحَانَکَ لَا یَنْقُصُ سُلْطَانَکَ مَنْ أَشْرَکَ بِکَ

پاک و منزّهی! کسی که به تو شرک آورَد، از

فرمانروایی ات نمی کاهد.۳/۵۲

سُبْحَانَکَ مَا أَعْظَمَ شَأْنَکَ

پاک و منزّهی! چه بزرگست مرتبه تو!۴/۵۲

سُبْحَانَکَ قَضَیْتَ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِکَ الْمَوْتَ

پاک و منزّهی! مرگ را برای همه آفریدگانت رقم زده ای.۵/۵۲

سُبْحَانَکَ أَیَّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَیْکَ

پاک و منزّهی! به کدامین جرأت بر تو تجرّی نمودم؟۳/۵۳

افزایش پاکی فرشتگان

وَ صَلِّ عَلَیْهِمْ صَلَاةً تَزِیدُهُمْ... طَهَارَةً عَلَی طَهَارَتِهِمْ

و بر آنان درود فرست، درودی که پاکی ای بر پاکیشان بیفزاید.۲۵/۳

برخاستن در پیشگاه خدا، با دلی پاک و پاکیزه

...فَقَامَ إِلَیْکَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَقِیٍّ

...پس با دلی پاک و پاکیزه به سوی تو برخاسته.۸/۱۲

روزی های پاک و تندرستی بنده

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی، أَیُّ الْحَالَیْنِ أَحَقُّ بِالشُّکْرِ لَکَ؟... أَ وَقْتُ الصِّحَّهِ الَّتِی هَنَّأْتَنِی فِیهَا طَیِّبَاتِ رِزْقِکَ...

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ آیا

وقت تندرستی که در آن روزی های پاکیزه ات را بر من گوارا نمودی؟۳و۲/۱۵

عامل پاکی از بدی ها

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا، وَ النِّعَمِ الَّتِی أَتْحَفْتَنِی بِهَا... تَطْهِيرًا لِمَا انْغَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی و نعمت هایی را به من هدیه نمودی تا از بدی هایی که در آن فرورفته ام پاکم سازد.۴/۱۵

نوشته شدن کردارهای پاک، برای بنده

وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند.۵/۱۵

پاک ساختن بنده، از پلیدی اعمالِ پیش فرستاده اش

وَ طَهِّرْنِی مِنْ دَنَسِ مَا أَسْلَفْتُ

و مرا از پلیدی آنچه پیش فرستاده ام، پاک نما.۶/۱۵

پاک شدن از چرکی گناه

وَ هَبْ لِیَ التَّطْهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ

و پاک گشتن از چرکی گناه را به من ببخش.

۱۱۲/۴۷

حفظ نمودن و پاک گرداندن بنده

اعْصِمْنِی وَ طَهِّرْنِی

مرا حفظ کن و پاک گردان.۲/۵۴

پاک نمودن بنده، با توبه

وَ طَهِّرْنِی بِالتَّوْبَهِ

و با توبه پاکم گردان.۳۳/۱۶

آب وسیله به کمال رساندن روزی های پاک

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْيًا... تُكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ

خداوندا ما را با بارانی که روزی های پاکیزه را با آن برایمان کامل گردانی، سیراب نما.۵/۱۹

پاکیزه ترین روش ها

وَ وَفِّقْنِي لِلَّتِي هِيَ أَزْكَى

و مرا به پاکیزه ترین روش توفیق ده.۱۶/۲۰

پاکیزه ترین اعمال

وَفِّقْنِي... إِذَا تَشَابَهَتِ الْأَعْمَالُ لِأَزْكَاهَا

هنگامی که اعمال شبیه (یکدیگر) گردید، به پاکیزه ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

پاکیزه ترین بخشش های بخشندگان

وَ اجْعَلْ مَا... تَبَرَّعْتُ بِهِ مِنَ الصَّدَقَهِ عَلَيْهِمْ أَزْكَى صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِينَ

و بخششی که بی هیچ عوضی به آنان دادم، پاکیزه ترین صدقه های صدقه دهندگان قرار ده.

۲/۳۹

منزّه ندانستن نفس، از سزاواری انتقام الهی

إِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی تَفْعَلْهُ بِمَنْ... لَا یُبَرِّئُ نَفْسَهُ مِنِ اسْتِیجَابِ نَقِمَتِکَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که نفس خود را از سزاواری انتقامت، مبرّا نمی داند.

۱۱/۳۹

پاک نمودن بندگان، با تطهیر قرآنی

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ... حَتَّی تُطَهِّرَنَا مِنْ کُلِّ دَنَسٍ بِتَطْهِیرِهِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز، تا به پاک کنندگی آن، ما را از هر آلودگی پاک کنی.۹/۴۲

ماه نو، ماه طهارت و پاکی

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ هِلَالَ... طَهَارَهٍ لَا تُدَنِّسُهَا الْآثَامُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه طهارتی قرار دهد، که گناهان آن را آلوده نکند.

۴/۴۳

پاکیزه ترین بینندگان ماه نو

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَزْکَی مَنْ نَظَرَ إِلَیْهِ

و ما را از پاک ترین کسانی که به سوی آن (ماه) نگریسته(اند) قرار ده.۶/۴۳

رمضان، ماه پاکیزگی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الطَّهُورِ، وَ شَهْرَ التَّمْحِیصِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه پاکی و ماه پاکسازی را (یکی) از آن راه ها قرار داد.۳/۴۴

به جا آوردن نماز، با کامل ترین طهارت

وَ أَنْزِلْنَا فِيهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّينَ لَهَا... عَلَى أَتَمِّ الطَّهُورِ وَ أَسْبَغِهِ

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را با پاکی تمام و فراگیر به جا آورده اند.

۹/۴۴

زکات و پاک نمودن دارایی ها

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَوَاتِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که آن (دارایی ها) را با بیرون کردن زکات ها پاک کنیم.۱۰/۴۴

پاک ساختن بندگان از گناهان، با کردارهای پاکیزه

ص : ۲۷۰

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْکَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاکِيَهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی.۱۱و۱۰/۴۴

ماه رمضان و پاک شدن از خطاها

وَ اسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاخِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقَضِيَ عَنَّا وَ قَدْ صَفَّيْتَنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ

و با گذشتن روزهایش سختی هایمان را از ما بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که ما را در آن از خطاها پاکیزه ساخته ای.۱۵/۴۴

درودهای پاکیزه، بر دوستان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ... الصَّلَوَاتِ... الزَّاکِيَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای پاک بفرست.۶۴/۴۷

زنده داشتن بنده، به زندگی پاکیزه

فَأَحْيِنِي حَيَاهً طَيِّبَهً

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار.۱۱۷/۴۷

همسایگی با پاکیزه ترین دوستان خدا

وَ جَاوِرْ بِيَ الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِکَ فِي الْجِنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِکَ

و در باغ هایی که آنها را برای برگزیدگانت آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستانتْ همسایه

گردان.۱۲۸/۴۷

پایان

آخِر بودن خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الْآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَکُونُ بَعْدَهُ

سپاس خدای را، آخِری که پس از او آخری نباشد.۱/۱

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. آخرین بعد از هر شمار.۹/۴۷

پایانی معیّن، برای آفریدگان

وَ نَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا

و برای او (آفریده اش) زمانی محدود قرار داد.۶/۱

به پایان رسیدن عمر

حَتَّی إِذَا بَلَغَ أَقْصَی أَثَرِهِ، وَ اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَی مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

زمانی که به پایان عمرش رسد و حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.۶/۱

حَتَّی إِذَا رَأَی... غَايَةَ الْعُمُرِ قَدِ انْتَهَتْ...

تا اینکه می بیند مدّت عمر به پایان رسیده.

۸/۱۲

سپاسی بی پایان، از خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا مُنْتَهَی لِحَدِّهِ... وَ لَا مَبْلَغَ لِغَایَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که حدّش بدون انتها و آخِرش بدون نهایت می باشد.۲۸و۲۷/۱

پایان ناپذیری شگفتی های عظمت خدا

یَا مَنْ لَا تَنْقَضِی عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ

ای کسی که شگفتی های بزرگی او پایانی ندارد.

۱/۵

به آخر نرسیدن مدّت پادشاهی خدا

وَ یَا مَنْ لَا تَنْتَهِی مُدَّهُ مُلْکِهِ

و ای کسی که زمان پادشاهی او به پایان نمی رسد.۲/۵

پایان معیّن، برای شب و روز

وَ جَعَلَ لِکُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَ أَمَدًا مَمْدُودًا

و برای هر یک پایانی معین و زمانی معلوم مقرر فرمود.۳/۶

خدا، منتهای درخواستِ حاجت ها

اللَّهُمَّ یَا مُنْتَهَی مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ

خداوندا ای نهایت درخواستِ نیازها.۱/۱۳

درودی پایان ناپذیر

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاهً... لَا انْقِطَاعَ لِأَبَدِهَا وَ لَا مُنْتَهَی لِأَمَدِهَا

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که روزگار آن سپری نشود و مدّتش به پایان نرسد.

۲۴/۱۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... صَلَاةً لَا يَنْتَهِى أَمَدُهَا

خداوندا بر محمّد درود فرست، درودی که مدّتش پایان نپذیرد.۱۸/۲۷

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ... صَلَاةً لَا حَدَّ لَهَا وَ لَا مُنْتَهَى

و درود خدا بر او و خاندانش. درودی که حدّ و نهایتی برایش نیست.۳۵/۳۲

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِى أَوَّلِهَا، وَ لَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا، وَ لَا نِهَايَةَ لِآخِرِهَا

پروردگـار مـن، بر او و بر آنهـا درود فرسـت، درودی کـه مرزی در اوّلش و زمـانی برای پایـانش و نهـایتی برای آخرش نباشد.۵۸/۴۷

بهشت، سرانجام دعوت خدا

وَ أَنَا حِينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَى دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ

و من در همان هنگام باور دارم که فرجام دعوت تو به سوی بهشت است.۲۴/۱۶

آتش، سرانجام دعوت شیطان

وَ أَنَا حِينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ... مُنْتَهَى دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ

و من در همان هنگام باور دارم که پایان دعوت او به سوی آتش است.۲۴/۱۶

نوشیدن آب خاکسترآلود، تا پایان عمر

يَا إِلَهِی لَوْ... شَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِی، وَ ذَكَرْتُكَ فِی خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّی يَكِلَّ لِسَانِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِی

ای خدای من اگر در مدّت زندگی ام آب خاکسترآلود بنوشم، و در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

عفو الهی و پایان عمر بنده

اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلِی

خداوندا زندگی مرا با آمرزش خود پایان ده.

۲۸/۲۰

شکست دادن مشرکان، تا پایان خاک در زمین

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ حَتَّی يَكْشِفُوهُمْ إِلَی مُنْقَطَعِ التُّرَابِ...

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند.

۸/۲۷

مجاهد مسلمان و پایانی نیک

فَإِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَ قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ...

پس اگر (زندگی اش را) برای او به خوش بختی پایان دادی و شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده است.

۱۵/۲۷

به پایان رسیدن وقت بنده، و فضل الهی

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَی بِهِ، إِلَی أَنْ يَنْتَهِیَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَی مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای، برسد.

۱۶/۲۷

خدا، انتهای ترس عبادت کنندگان

وَ یَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَی خَوْفِ الْعَابِدِینَ

و ای کسی که انتهای ترس عبادت کنندگان است.۴/۳۱

خدا، پایان بیمِ پرهیزکاران

وَ یَا مَنْ هُوَ غَایَهُ خَشْیَهِ الْمُتَّقِینَ

ص : ۲۷۳

و ای کسی که نهایت هراس پرهیزکاران است.

۵/۳۱

نبودِ پایانی، برای سلطنت الهی

عَزَّ سُلْطَانُکَ عِزًّا... لَا مُنْتَهَی لَهُ بِآخِرِیَّهٍ

فرمانروایی تو، چنان با عزّت است، که پایانی برای آخرش نیست.۴/۳۲

فروماندن هر چیز، پیش از رسیدن به پایان ملک خدا

وَ اسْتَعْلَی مُلْکُکَ عُلُوًّا سَقَطَتِ الْأَشْیَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ

و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود.

۵/۳۲

پایانی ستوده

وَ اخْتِمْ لَنَا بِالَّتِی هِیَ أَحْمَدُ عَاقِبَهً

و کار ما را به آنچه عاقبتش ستوده تر است، ختم کن.۶/۳۳

نرسیدن به غایت و نهایت شکر خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا یَبْلُغُ مِنْ شُکْرِکَ غَایَهً

خداوندا همانا کسی به نهایت شکرگزاری ات نمی رسد.۱/۳۷

کردار بنده و پایانی زایل شدنی

...لَکِنَّکَ بِکَرَمِکَ جَازَیْتَهُ... عَلَی الْغَایَهِ الْقَرِیبَهِ الزَّائِلَهِ بِالْغَایَهِ الْمَدِیدَهِ الْبَاقِیَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عملی با پایانی نزدیک و زوال پذیر، پاداشی درازمدّت پایدار عطا نموده ای.۱۲/۳۷

عبادت خدا، از آغاز تا پایان ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ مِنِ ابْتِدَائِهِ إِلَی وَقْتِ فَنَائِهِ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداونـدا، همانـا من از تو می خواهم به حقّ کسـانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بنـدگی کرده انـد، که بر محمّـد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

پایان یافتن وقت ماه رمضان

ثُمَّ قَدْ فَارَقَنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَ انْقِطَاعِ مُدَّتِهِ

سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدّتش، از ما جدا شد.۲۲/۴۵

آرزوها، خواسته ها و پایان جود و بخشش الهی

انْصَرَفَتِ الْآمَالُ دُونَ مَدَی کَرَمِکَ بِالْحَاجَاتِ

آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرمت، با حاجت ها برآورده شده است.۱۲/۴۶

پایان کارِ سزاوارِ نیک بختی

فَمَنْ کَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَهِ خَتَمْتَ لَهُ بِهَا

پس هر که از سعادتمندان باشد، برایش به سعادت پایان دهی.۱۷/۴۶

گشایشی در پایانِ (کارِ) بنده مغرور به کرم الهی

وَ مَا أَبْعَدَ غَايَتَهُ مِنَ الْفَرَجِ

و چه دور است که در پایان (کار) او گشایش حاصل شود!۲۰/۴۶

به پایان نرساندن روز بنده، با ناامیدی

وَ لَا تَخْتِمْ يَوْمِي بِخَيْبَتِي

و روزم را به ناامیدی به پایان نرسان.

۲۵/۴۶

قرار دادن پایان، برای هر چیز

أَنْتَ الَّذِي... جَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمَدًا

تویی آنکه برای هر چیز پایانی قرار داده ای.

۱۷/۴۷

نبودِ پایانی برای خدا

أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونَ مَحْدُودًا

تویی آنکه حدّی نداری، تا محدود باشی.

۱۹/۴۷

دوام اوّل و آخِر

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ يُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ

سپاس برای توست. سپاسی که دوام اوّلین و بقای آخِرین، به وسیله آن درخواست گردد.

۳۶/۴۷و۳۸

منتها درجات بنده مورد عنایت الهی

وَ بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ عُنِیتَ بِهِ

و مرا به منتها درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای.۱۰۵/۴۷

چشیدن مزه عافیت، تا پایان زندگی

وَ أَذِقْنِی طَعْمَ الْعَافِیَهِ إِلَی مُنْتَهَی أَجَلِی

و طعم عافیت را تا پایان مدّت زندگی ام به من بچشان.۱۴/۴۸

سپاس، و منتهای خوشنودی خدا از بنده

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی... حَمْدًا یَکُونُ مَبْلَغَ رِضَاکَ عَنِّی

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به اندازه خوشنودی تو از من باشد.۶/۵۱

رحم خدا بر به پایان رسیدن روزها(ی زندگی)

ارْحَمْ شَیْبَتِی، وَ نَفَادَ أَیَّامِی

بر پیری ام و به آخر رسیدن روزهایم رحم کن.

۴/۵۳

ص : ۲۷۵

پایداری استواری

پایندگی بقا

پایه مرتبه

پایین

فرشتگانی (در مرتبه) پایین تر

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ مِنْ دُونِهِمْ...

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند.۶/۳

نرسیدن وصف واصفان، به پایین ترین مرتبه الهی

وَ لَا یَبْلُغُ أَدْنَی مَا اسْتَأْثَرْتَ بِهِ مِنْ ذَلِکَ أَقْصَی نَعْتِ النَّاعِتِینَ

و آخرین وصفِ ستایندگان، به پایین ترین مرتبه ای که به خود اختصاص داده ای، نمی رسد.

۶/۳۲

پدر و مادر والدین

پیکار اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، با پدران خود

وَ قَاتَلُوا الْآبَاءَ وَ الْأَبْنَاءَ فِی تَثْبِیتِ نُبُوَّتِهِ

و در پایدار ساختن نبوّت او با پدران و فرزندانشان جنگیدند.۴/۴

درخواست بنده از خدا، برای پدر و مادر

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا... مِنْهُ فِی حِرْزٍ حَارِزٍ، وَ حِصْنٍ حَافِظٍ...

و پدران و مادرانمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده قرار ده.

۱۰/۱۷

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَهُمَا فِی أَدْبَارِ صَلَوَاتِی...

خداوندا یاد آنان را بعدِ نمازهایم از یادم نبر.

۱۳/۲۴

وَ اغْفِرْ لِی بِدُعَائِی لَهُمَا، وَ اغْفِرْ لَهُمَا بِبِرِّهِمَا بِی مَغْفِرَةً حَتْماً، وَ ارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِی لَهُمَا رِضًی عَزْماً، وَ بَلِّغْهُمَا بِالْکَرَامَهِ مَوَاطِنَ السَّلَامَهِ

و مرا به (برکت) دعایم برای آنان، بیامرز. و ایشان را به خاطر نیکی یشان بر من، آمرزشی حتمی عنایت کن. و به میانجیگری من از آنها یکسره خوشنود شو. و ایشان را با کرامت به جایگاه های سلامتی رسان.۱۴/۲۴

اللَّهُمَّ... وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لِی فَشَفِّعْنِی فِیهِمَا حَتَّی نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِکَ فِی دَارِ کَرَامَتِکَ...

خداوندا و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو گرد آییم.۱۵/۲۴

عاق شدگانِ پدران و مادران

وَ لَا تَجْعَلْنِی فِی أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ

و مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار نده.۱۱/۲۴

پاداش پدر و مادر بنده

وَ اخْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ مَا خَصَصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُوءْمِنِينَ وَ أُمَّهَاتِهِمْ

و پدر و مادر مرا به برترین چیزی که پدران و مادران بندگان با ایمانت را به آن امتیاز داده ای، اختصاص ده.۱۲/۲۴

گذشت خداوند، از پدران و مادران

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنْ آبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا... إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ

خداوندا از پدران و مادران ما، تا روز رستاخیز درگذر.۵۵/۴۵

پدیدار آشکار

پذیرش

پذیرش مقدّرات الهی، بر سود و زیان خود

اللَّهُمَّ... وَفِّقْنِی لِقَبُولِ مَا قَضَیْتَ لِی وَ عَلَیَّ

خداوندا مرا توفیق ده تا آنچه بر سود و زیانم مقدّر نمودی، پذیرا باشم.۱۳/۱۴

پذیرش دعوت شیطان

وَ مَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا فِی الْبَاطِلِ، وَ أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى السُّوءِ

مِنِّی حِینَ أَقِفُ بَیْنَ دَعْوَتِکَ وَ دَعْوَهِ الشَّیْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ...

و چه کسی از من در نادرستی فرورونده تر و بر اعمال زشت بی باک تر، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم؟

۲۳/۱۶

به کار گرفتن بدن، در آنچه خدا می پذیرد

وَ اسْتَعْمِلْ بَدَنِی فِیما تَقْبَلُهُ مِنِّی

و بدنم را در آنچه از من می پذیری به کار گیر.

۹/۲۱

پذیرفته شدن حجّ، عمره و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله ، از بنده

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِیَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ... وَ اجْعَلْ ذَلِکَ مَقْبُولًا...

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت. و آن را پذیرفته شده قرار ده.

۴/۲۳

خدا و عدم پذیرش تأخیر در وقت ماه رمضان

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَیِّنًا... لَا یَقْبَلُ أَنْ یُوءَخَّرَ عَنْهُ

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که نمی پذیرد از آن وقت به تأخیر افتد.۴/۴۴

پذیرش کتاب خدا

وَ قَبِلْتُ کِتَابَکَ

و کتابت را پذیرفتم.۶/۵۲

خدا پذیرنده:

أ. عذرآورنده به پیشگاهش

وَ مَا أَنَا بِأَلْوَمِ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَیْکَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ

و من نکوهیده تر از عذرآورنده به پیشگاهت که تو عذرش را پذیرفته ای، نیستم.

۱۱/۱۲

ب. توبه

وَ قَدْ قُلْتَ یَا إِلَهِی فِی مُحْکَمِ کِتَابِکَ إِنَّکَ تَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبَادِکَ... فَاقْبَلْ تَوْبَتِی کَمَا وَعَدْتَ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه بندگانت را می پذیری. پس همانگونه که وعده دادی، توبه ام را بپذیر.

۱۵/۳۱

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهً نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشَّکِّ وَ الِارْتِیَابِ، فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا

خداوندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک باشد. پس آن را از ما بپذیر.۵۲/۴۵

ج. سپاس اندک

إِنَّکَ... الْقَابِلُ یَسِیرَ الْحَمْدِ

همانا تو قبول کننده سپاس اندکی.

۷/۳۶

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یَتَقَبَّلُهُ مِنَّا

و سپاس خدای را. سپاسی که آن را از ما بپذیرد.۲/۴۴

د. شفاعت محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و شفاعت او را بپذیر.۱۹/۴۲

هـ. بازگشت بندگان به طاعتش

وَ اجْعَلْنَا عِنْدَکَ مِنَ التَّوَّابِینَ الَّذِینَ... قَبِلْتَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَهَ طَاعَتِکَ

و ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که بازگشت به طاعتت را از آنان پذیرفته ای.

۵۴/۴۵

و. کسی که اهل شهرها، او را نپذیرند

وَ یَا مَنْ یَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ

و ای کسی که می پذیرد، آن را که (اهل) شهرها او را نمی پذیرند.۲/۴۶

ز. هر چیز خرد

ص : ۲۷۸

وَ يَا مَنْ يَجْتَبِی صَغِيرَ مَا يُتْحَفُ بِهِ

و ای کسی که تحفه خردی را که به او داده می شود، برمی گزیند.۶/۴۶

پراکندگی

فرشتگان و نپاشیدن کوه ها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ الْمُوَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و گمارده شدگان به کوه ها تا فرونپاشد.۱۵و۱۱و۱۰/۳

آنچه در آسمان و زمین پراکنده شده

وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاوءُهَا وَ أَرْضُهَا، وَ مَا بَثَثْتَ فِی كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا

و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش، و آنچه در این دو پراکنده ساختی و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

(توفیق) گرد آوردن پراکندگان

وَ أَلْبِسْنِی زِينَهَ الْمُتَّقِينَ، فِی... ضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَهِ

و زیور پرهیزکاران را در پیوند دادن پراکندگان، به من بپوشان.۱۰/۲۰

پراکنده ساختن دشمنان

وَ شَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ...

و با (شکست) ایشان، پشت سری هایشان را پراکنده ساز.۵/۲۷

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ... تُفَرِّقُ بِهِ عَدَدَهُمْ

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را بفرست. تا بدین سبب، تعدادشان را از هم بپاشی.۱۱/۲۷

پراکنده ساختن مشرکان، از گرد آمدن علیه مسلمانان

وَ ثَبِّطْهُمْ بِالْفُرْقَهِ عَنِ الِاحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ

و با تفرقه افکنی میان آنان، از گرد آمدن بر ضدّ مسلمانان بازشان دار.۱۰/۲۷

وام و پراکندگی اندیشه

وَ هَبْ لِیَ الْعَافِیَهَ مِنْ دَیْنٍ... یَتَشَعَّبُ لَهُ فِکْرِی

و مرا معاف دار، از وامی که فکرم برای آن پریشان گردد.۱/۳۰

پراکندگی نعمت خدا، در بین آفریدگان

وَ فَشَتْ نِعْمَتُکَ فِی جَمِیعِ الْمَـخْلُوقِینَ

و نعمتت در همه آفریدگان پراکنده است.

۱۴/۳۹

آنچه فاش و پراکنده کردنش ننگ است

أَخْفِ عَنْهُمْ مَا یَکونُ نَشْرُهُ عَلَیَّ عَارًا

آنچه انتشارش (مایه) ننگ من می باشد را، از آنان پنهان کن.۳/۴۱

قرآن، گردآورنده کارهای پراکنده بنده

وَ اجْمَعْ بِهِ مُنْتَشَرَ أُمُورِنَا

و با آن کارهای پراکنده ما را گرد آور.

۱۱/۴۲

پراکندگی و گستردگی کردار (شایسته)، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ... نُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ

درود بر تو ماهی که اعمال در آن گسترده گشت.

۲۵/۴۵

پراکندگی و از هم پاشیدگی اندام

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی... حَالِی إِذَا بَلِیَ جِسْمِی، وَ تَفَرَّقَتْ أَعْضَائِی

مولای من! بر حال من، هنگامی که جسدم پوسیده گردد، و اعضایم گسسته شود، رحم کن.

۶/۵۳

پرت کردن

سقوطِ پرت شدگان (در عذاب)

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ... مَنِ اشْتَمَلَ عَلَیْهِ الْخِزْیُ مِنْ عِنْدِکَ، بَلْ خُذْ بِیَدِی مِنْ سَقْطَهِ الْمُتَرَدِّینَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از جانب تو خواری او را شامل شده. بلکه از سقوط پرت شدگان، دستم را بگیر (نجاتم ده).

۱۰۴/۴۷

دور افتادن از دیده مراقبت الهی

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِکَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده.۱۰۴/۴۷

ستمگر در پرتگاه گودالش

رَدَدْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ

او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی.۸/۴۹

پرده

فرشتگان حجاب ها و پرده ها

الرُّوحُ الَّذِی هُوَ عَلَی مَلَائِکَهِ الْحُجُبِ

روح، همان که او بر فرشتگان حجاب ها گماشته شده.۵/۳

برنداشتن پرده، در برابر گواهان قیامت

وَ لَا تَکْشِفْ عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَی رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ

و در برابر گواهان، پرده ای که با آن ما را پوشانده ای کنار نزن.۴/۱۱

علم خداوند به پرده دری دیگران، درباره

حرمت بنده

قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِى، مَا... انْتَهَكَهُ مِنِّى مِمَّا حَجَزْتَ عَلَيْهِ

ای خدای من، تو می دانی از من حرمت هایی شکسته که تو ممنوع کرده ای.۵/۱۴

در پرده داشتن گناهان بنده

وَ كَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِى

و چه بسیار گناهانی که برای من در پرده داشتی و (به آن) مشهورم ننمودی.۲۱/۱۶

به جا آوردن زشتی و عدم پرده دری خدا

وَ كَمْ مِنْ شَائِبَةٍ أَلْمَمْتُ بِهَا فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّى سِتْرَهَا

و چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و پرده مرا ندریدی.۲۱/۱۶

پرده (عفو) الهی

إِلَهِى فَإِذْ قَدْ تَغَمَّدْتَنِى بِسِتْرِكَ فَلَمْ تَفْضَحْنِى...

خدای من، اکنون که مرا به پرده (عفو) خود پوشاندی و رسوایم نکردی...۳۲/۱۶

وَ اسْتُرْنِى بِسِتْرِكَ...

و مرا با پوشش خود بپوشان.۱۲/۳۱

وَ جَلِّلْنِى بِسِتْرِكَ

و مرا به پرده خویش بپوشان.۲۴/۳۱

وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ

و ما را به پرده خود بپوشان.۴۷/۴۵

قرار دادن پرده ای میان بندگان و شیطان

وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ سِتْرًا لَا يَهْتِكُهُ

و میان ما و او پرده ای افکن که نتواند آن را چاک زند.۳/۱۷

پرده عافیت الهی

اسْتُرْنِی بِسِتْرِ عَافِیَتِکَ تَفَضُّلًا

با فضل خویش، مرا به پرده عافیتت بپوشان.

۲۱/۳۱

پوشش بودن عافیت الهی، از رسوایی های گناهان

وَ کَبائِرِ ذُنُوبٍ اجْتَرَحْتُهَا، کَانَتْ عَافِیَتُکَ لِی مِنْ فَضَائِحِهَا سِتْرًا

و گناهان بزرگی انجام داده ام که عافیت داشتن تو از رسوایی های آن، برای من پوششی گردید.

۱۸/۳۲

پرده دری بنده

وَ تَعَدَّیْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِکَ إِلَی حُرُمَاتٍ انْتَهَکْتُهَا

و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام ها را دریده ام.۱۸/۳۲

پوشاندن رحِم، به پرده ها

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِینًا مِنْ صُلْبٍ... إِلَی رَحِمٍ ضَیِّقَةٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست

(بودم)، از صلبی به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی.۲۳/۳۲

عافیت الهی، پرده ای پیش چشم ناظران

كَانَتْ عَافِيَتُكَ لَنَا حِجَابًا دُونَ أَبْصَارِهِمْ

عافیت بخشیدن تو برای ما پرده ای پیش چشمانشان قرار داد.۲/۳۴

منع الهی و پرده دری بندگان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ... انْتَهَكَ مِنِّي مَا حَجَزْتَ عَلَيْهِ... فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّي

خداوندا و هر بنده ای که از من پرده دری نمود که بر او ممنوع ساخته بودی، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز.۲/۳۹

آمدن فرشته مرگ، از پرده های پنهانی ها

وَ تَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُيُوبِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد.۱۳/۴۲

پرده دری، و نسیان و فراموشی

اللَّهُمَّ وَ مَا أَلْمَمْنَا بِهِ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ... أَوْ عَلَى نِسْيَانٍ ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسَنَا، أَوِ انْتَهَكْنَا بِهِ حُرْمَةً مِنْ غَيْرِنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ

خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم یا فراموشی ای که در آن به خود ستم کردیم یا با آن حرمت دیگری را

پرده دری نمودیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.

۴۷/۴۵

پرده های اندوه

وَ كَمْ مِنْ... غَوَاشِي كُرُبَاتٍ كَشَفْتَهَا

و چه بسیار پرده های اندوه که برداشتی.

۱۱/۴۹

پرده ها و پوشاندن جمال و نیکویی خدا

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی.۵/۵۰

پرده پوشی خدا، و عدم رسوایی بنده

فَلَوْ لَا سَتْرُکَ عَوْرَتِی لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِینَ

پس اگر پرده پوشی تو (از موجبات) شرمندگی ام نبود، هر آینه از رسواشدگان بودم.

۷/۵۱

پرده پوشی پرده

پرده دری پرده

ص : ۲۸۲

پرستش

پرستش شده ای جز خدا نیست

أَنِّی أَشْهَدُ أَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

همانا من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست.۲۱/۶

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

معبودی جز تو نیست.

۳و۲/۴۸، ۷/۳۶، ۱۲/۲۸

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

تویی خدایی که جز تو معبودی نیست.

۱۲-۳/۴۷

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

جز تو معبودی نیست.۵/۵۲

خدا، پرستیده شده هر پرستیده ای

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ... إِلَهَ کُلِّ مَأْلُوهٍ

خداوندا سپاس برای توست، خدای خدایان.

۲/۴۷

پُر کردن

دو طرف روز بنده (اوّل تا آخرش) را با اموری پر کردن

وَ امْلَأْ لَنَا مَا بَیْنَ طَرَفَیْهِ حَمْدًا وَ شُکْرًا وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا

و دو طرف آن (روز) را برای ما از سپاس و ستایش و پاداش و ذخیره و فزونی و نیکی پر ساز.

۱۴/۶

پر ساختن نامه های (اعمال) بندگان، از نیکی ها

وَ امْلَأْ لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفَنَا

و نامه های اعمال ما را از نیکی هایمان پر کن.

۱۵/۶

پر گشتن و لبریز شدن از غم

وَ امْتَلَأْتُ بِحَمْلِ مَا حَدَثَ عَلَيَّ هَمًّا

و از آنچه برایم رخ داده از غم و اندوه پر گشته ام.۱۰/۷

پر ساختن چاه ها، با آب باران

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْيًا... تَمْلَأُ مِنْهُ الْجِبَابَ

خداوندا ما را با بارانی که چاه ها را از آن پر کنی، سیراب نما.۵/۱۹

پر ساختن دل دشمنان، از ترس

وَ امْلَأْ أَفْئِدَتَهُمُ الرُّعْبَ

و دل هایشان را از ترس پر ساز.۵/۲۷

درودی پرکننده زمین و آسمان

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... صَلَاةً تَشْحَنُ الْهَوَاءَ، وَ تَمْلَأُ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که هوا را آکنده سازد و آسمان و زمین را پر کند.

۳۴/۳۲

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ... مِلْ ءَ سَمَاوَاتِکَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ

پروردگار من، بر ایشان به گنجایش آسمان هایت و آنچه در بالای آنهاست، درود فرست.۵۹/۴۷

سپاسی پرکننده زمین و آسمان

فَلَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَمْلَأُ أَرْضَهُ وَ سَمَاءَهُ

پس سپاس تو راست، سپاسی که زمین و آسمانش را پر سازد.۶/۳۶

پر ساختن ماه رمضان، از عبادت بندگان

اللَّهُمَّ اشْحَنْهُ بِعِبَادَتِنَا إِيَّاکَ

خداوندا این (ماه) را از عبادت های ما، پر گردان.۱۷/۴۴

بخشش الهی و پر شدن جام حاجات

وَ امْتَلَأَتْ بِفَيْضِ جُودِکَ أَوْعِيَهُ الطَّلِبَاتِ

و ظرف خواسته ها با زیادی جودت، پر گشته است.۱۲/۴۶

پر ساختن دست بنده، از سودهای الهی

امْلَأْ مِنْ فَوَائِدِکَ يَدِی

دستم را از سودهای خود پر نما.۱۲۸/۴۷

پروردگار

گشودن درهای علم به پروردگاری خدا، بر بنده

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا... فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ

و سپاس خدای را که درهایی از علم به پروردگاری اش را بر ما گشود.۱۰/۱

خدا، پروردگار جهانیان

آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ

اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

۴/۲۶، ۱۶/۱۷، ۱۶/۱۴، ۱۶/۱۲

۱۲/۴۸، ۴/۴۱

فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی ذَلِکَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ

پس تو را بر همه اینها سپاس. ای پروردگار جهانیان.۱۴/۳۹

...یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ

...ای پروردگار جهانیان.

۳/۴۸، ۱۳۳/۴۷، ۵۶/۴۵

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ

سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است.

۱/۴۷

یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ

ای پروردگار جهانیان.۷/۵۳

خواندن خدا به اسم ربّ (پروردگار)

وَ مِنْ حَاجَتِی یَا رَبِّ کَذَا وَ کَذَا

ای پروردگار من و از جمله خواسته ام چنین و چنان است.۲۵/۱۳

هَا أَنَا ذَا یَا رَبِّ مَطْرُوحٌ بَیْنَ یَدَیْکَ

ای پروردگار من اینک منم که در پیش روی تو افتاده ام.۱۳/۱۶

أَعُوذُ بِکَ، یَا رَبِّ

به تو پناه می برم، ای پروردگارم.۲/۳۰

لَمْ أَثِقْ بِهِمْ رَبِّ فِی السِّتْرِ عَلَیَّ

پروردگار من، در رازپوشی بر من، به آنها اعتماد ندارم.۲۲/۳۲

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست.۵۷و۵۴-۵۱/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست.

۵۵/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَی أَطَائِبِ أَهْلِ بَیْتِهِ...

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست.۵۶/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ

پروردگار من، بر او و بر آنها درود فرست.

۵۸/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِمْ زِنَةَ عَرْشِکَ وَ مَا دُونَهُ

پروردگار من، بر ایشان هم وزن عرش خود و آنچه زیر آن است، درود فرست.۵۹/۴۷

اللَّهُمَّ رَبَّنَا بِأَنَّ لَکَ الْمُلْکَ

خداوندا، ای پروردگار ما، به درستی که پادشاهی برای توست.۲/۴۸

یَا رَبِّ یَا رَبِّ...

ای پروردگار من، ای پروردگار من...

۲۸/۴۸

إِنْ تُعَذِّبْنِی فَإِنِّی لِذَلِکَ أَهْلٌ، وَ هُوَ یَا رَبِّ مِنْکَ عَدْلٌ

اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم و آن -ای پروردگار من- از جانب تو عدل است.۴/۵۰

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَیْکَ رَبِّ تَائِبًا فَتُبْ عَلَیَّ

پروردگار من، از آن (گناهان)، با حال توبه به سوی تو گریخته ام، پس توبه ام را بپذیر.

۸/۵۱

دَعَوْتُکَ یَا رَبِّ مِسْکِینًا... إِلَیْکَ

تو را خواندم – ای پروردگار من – در حالی که بینوای درگاه تو هستم.۹/۵۱

رَبِّ أَفْحَمَتْنِی ذُنُوبِی

ای پروردگار من، گناهانم خاموشم نموده.

۱/۵۳

گواهی به پروردگاری خدا

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ شَهِدَ لَکَ بِالرُّبُوبِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر

که به پروردگاری ات گواهی داد، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

شناخت علم های پروردگار

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِکَ عَلَیْهِ فِی مَعْرِفَهِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِیَّهِ

خداونـدا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که در راه شـناخت علم های خـدایی از تو یاری خواست تا بر ضـدّ او اقدام کند، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

پرورده شده و پروردگار

لَا یُجِیرُ، یَا إِلَهِی، إِلَّا رَبٌّ عَلَی مَرْبُوبٍ

ای خدای من، پرورده را جز پروردگار، پناه نمی دهد.۳/۲۱

خدا، پروردگار بزرگ

...لِأَنَّکَ الرَّبُّ الْعَظِیمُ

...زیرا تو پروردگار بزرگی هستی.۱۳/۳۹

پروردگار انسان و ماه

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّی وَ رَبَّکَ... أَنْ یَجْعَلَکَ هِلَالَ بَرَکَهٍ

پس از خدایی که پروردگار من و پروردگار تو است، درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد.۴/۴۳

فرود فرشتگان و روح، به اذن پروردگار

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند.۵/۴۴

زدودن بدی های بنده، از جانب پروردگار

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحًا عَسَى رَبُّكَمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكَمْ سَيِّئَاتِكَمْ

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید.

۱۰/۴۵

نبودِ پروردگاری، جز خدا

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنْ لَا رَبَّ لَهُ غَیْرُکَ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که پروردگاری برای او جز تو نیست.۹و۸/۵۲

پرونده اعمال کتاب اعمال

پرهیزکاری زهد

جلوداران اهل تقوا و پرهیزکاری

أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا... مِنْ أَئِمَّهِ الْهُدَی، وَ قَادَهِ أَهْلِ التُّقَی عَلَی جَمِیعِهِمُ السَّلَامُ

برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی از امامانِ رستگاری و پیشوایان اهل

ص : ۲۸۶

پرهیزکاری - که بر همه آنها درود باد - .۲/۴

آسایشگاه پرهیزکاران (در بهشت)

وَ تُصَیِّرَهُمْ إِلَی أَمْنٍ مِنْ مَقِیلِ الْمُتَّقِینَ

و آنها را به جایگاهی آسوده که استراحتگاه پرهیزکاران است روانه کنی.۱۹/۴

خدا، سزاوار تقوا و پرهیزکاری

إِنَّکَ أَهْلُ التَّقْوَی

زیرا تو سزاواری که از تو پروا کنند.۱۶/۱۲

وَ أَنَّکَ... أَهْلُ التَّقْوَی

و شایسته ای که از تو بترسند.۱۱۶/۴۷

یَا أَهْلَ التَّقْوَی

ای سزاوار پرهیزکاری.۷/۵۱

دادنِ توشه پرهیزکاری، به بندگان

وَ زَوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَی ضِدَّ غَوَایَتِهِ

و بر ضدّ گمراهی او (شیطان)، ما را از پرهیزکاری توشه ده.۵/۱۷

زیور پرهیزکاران

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان.

۱۰/۲۰

حَلِّنِی حِلْیَهَ الْمُتَّقِینَ

مرا به زیور پرهیزکاران بیارای.۱۲۷/۴۷

الهام نمودن پرهیزکاری، به بنده

وَ أَلْهِمْنِی التَّقْوَی

و پرهیزکاری در دلم افکن.۱۶/۲۰

پرهیزکاری از روی میانه روی

وَ ارْزُقْنِی... وَرَعًا فِی إِجْمَالٍ

و مرا پرهیزکاریِ از روی میانه روی، روزی فرما.۲۷/۲۰

پوشاندن دل بنده، به جامه پرهیزکاری

أَشْعِرْ قَلْبِی تَقْوَاکَ

قلبم را به جامه پرهیز از خود بپوشان.۹/۲۱

پرهیز از کیفر خدا، توشه بنده از دنیا

وَ اجْعَلْ تَقْوَاکَ مِنَ الدُّنْیَا زَادِی

و پرهیزکاری را توشه من از دنیا قرار ده.

۱۱/۲۱

پرهیزکار ساختن بنده، از حرام ها

وَرِّعْنِی عَنِ الْمَـحَارِمِ

و مرا از حرام ها پرهیز ده.۵/۲۲

آرزو نمودن بهترین پرهیزکاری

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّی لَا أَرَی نِعْمَهً مِنْ نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ فِی... تَقْوَی... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِی أَفْضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنْکَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا

نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت در پرهیزکاری داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.

۱۲/۲۲

پرهیزکار قرار دادن فرزندان

وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتْقِيَاءَ بُصَرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَکَ

و آنان را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود قرار ده.۳/۲۵

تقوا، و نگه داشتن بنده از گناه و لغزش

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِيعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمَعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الزَّلَلِ وَ الْخَطَاءِ بِتَقْوَاکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با ترس از تو، از گناهان و نادرستی و خطا نگه داشته شده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

خدا، منتهای بیم پرهیزکاران

يَا مَنْ هُوَ غَايَهُ خَشْيَهِ الْمُتَّقِينَ

ای کسی که نهایت هراس پرهیزکاران است.

۵/۳۱

خدا، شایسته تقوا

أَنْتَ... أَحَقُّ مَنْ خَشِيَهُ وَ اتَّقَاهُ

تو شایسته ترین کسی می باشی که باید از او ترسید و از او پرهیز نمود.۲۰/۳۲

پرهیز از گناهان در ماه رمضان، به طور شایسته

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... اتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تُقَاتِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

خداوندا و هر کس از گناهان خویش به طوری که حقِّ پرهیز کردن بوده پرهیز نموده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.

۵۰/۴۵

سامان یافتن کردارِ دوستان ائمه علیهم السلام ، بر پایه تقوا

وَ اجْمَعْ عَلَی التَّقْوَی أَمْرَهُمْ

و کردارشان را بر پرهیزکاری سامان ده.

۶۵/۴۷

پری جنّ

پریشانی آشفتگی

پزشک طبیب

پس

نبودنِ آخِری، پس از خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الْآخِرِ بِلَا آخِرٍ یَکُونُ بَعْدَهُ

سپاس خدای را، آخِری که پس از او آخری نباشد.۱/۱

ص : ۲۸۸

ناتوانی جانداران از تأخیرِ آنچه خدا جلو انداخته

لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ

آنها توانایيِ عقب انداختن آنچه (خدا) آنان را به سوی آن جلو انداخته، ندارند.۴/۱

خیر بنده، در با تأخیر گرفتن حقّش

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتِ الْخِيَرَةُ لِی عِنْدَكَ فِی تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِی... إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَ مَجْمَعِ الْخَصْمِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَيِّدْنِی مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقّم تا روز رستاخیر و محل جمع شدن دشمنان می باشد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.

۱۴/۱۴

مقدّم انداختن آنچه به تأخیر افتاده

فَقَدِّمْ لِی مَا أَخَّرْتَ

پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز.۲/۱۸

أَلْهِمْنَا الِانْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ

گردن نِهی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما، تا تأخیر آنچه را پیش انداختی، دوست نداشته باشیم.۵/۳۳

به تأخیر انداختن آنچه مقدّم شده

وَ أَخِّرْ عَنِّی مَا قَدَّمْتَ

و آنچه از من پیش انداخته ای، پس انداز.

۲/۱۸

أَلْهِمْنَا الِانْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ... تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ

گردن نِهی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما، تا تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته ای، دوست

نداشته باشیم.۵/۳۳

قصد جهاد و تأخیرداران

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... أَوْ أَخَّرَهُ عَنْهُ حَادِثٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا حادثه ای او را (از جهاد) عقب انداخت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

نتیجه به تأخیر انداختن کیفر بنده

فَجَمِيعُ مَا أَخَّرْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ أَبْطَأْتَ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقِمَهِ وَ الْعِقَابِ تَرْكٌ مِنْ حَقِّكَ، وَ رِضًى بِدُونِ وَاجِبِكَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای و هر کیفر و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای،

ترک کردن حقّ خود و راضی شدن به کمتر از شایستگی خودت بوده است.۱۵/۳۷

پیش یا پس انداختن ماه رمضان

جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَیِّنًا لَا یُجِیزُ جَلَّ وَ عَزَّ أَنْ یُقَدَّمَ قَبْلَهُ، وَ لَا یَقْبَلُ أَنْ یُوءَخَّرَ عَنْهُ

برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود و نمی پذیرد که از آن وقت به تأخیر افتد.۴/۴۴

پیش انداختن هشدار الهی، و به تأخیر انداختن (کیفر)

قَدْ تَقَدَّمْتَ بِالْوَعِیدِ... وَ أَخَّرْتَ وَ أَنْتَ مُسْتَطِیعٌ لِلمُعَاجَلَهِ

هشدارها را، پیشتر داده ای و با آنکه بر شتاب نمودن توانایی، (عذاب را) به تأخیر انداخته ای.

۲۱/۴۶

پیش و پس نیفتادن از امام علیه السلام

أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوَامِرِهِ... وَ أَلَّا یَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ، وَ لَا یَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ

فرمان دادی که به امرهای او امتثال کنند و هیچ پیشی گیرنده ای از او پیشی نگیرد و هیچ بازمانده ای از او بازنماند.۶۰/۴۷

پستان

پر (شیر) ساختن پستان چهارپایان

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تُدِرُّ بِهِ الضَّرْعَ

خداوندا ما را با بارانی که پستان حیوان را با آن پر (شیر) سازی، سیراب نما.۵/۱۹

پستی خواری

آغاز نمودن انسان، از آب پست

إِنَّکَ... مِنْ مَاءٍ مَهِینٍ ابْتَدَأْتَنَا

همانا تو از آب ناچیز آغازمان نموده ای.

۵/۹

سرفرازی نزد مردم و پستی در مقابل نفس خود

وَ لَا تَرْفَعْنِی فِی النَّاسِ دَرَجَهً إِلَّا حَطَطْتَنِی عِنْدَ نَفْسِی مِثْلَهَا

و در میان مردم درجه مرا بالا نبر، مگر آنکه به همان مقدار در نظر خودم فرود آوری.

۴/۲۰

اقرار به پستی خود

إِلَهِی أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَیْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَکَ

خدای من، صبح و شام را به سر کردم ، در حالی که بنده خوار توام.۷/۲۱

وَ هَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ صَاغِرًا ذَلِیلًا خَاضِعًا

و اینک منم در پیشگاه تو، پست، ذلیل، فروتن.۶۹/۴۷

شرّ افراد پست

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ شَرِیفٍ وَ وَضِیعٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر بلندمرتبه و فرومایه ای پناه ده.۶/۲۳

قصد بلندی کردن و پست شدن

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَهَ مِنْ سِوَاکَ فَافْتَقَرُوا، وَ حَاوَلُوا الِارْتِفَاعَ فَاتَّضَعُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند و بلندی خواستند و پست گشتند.۶/۲۸

پست ساختن خود، برای خدا

وَ ارْفَعْنِی عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ کَمَا وَضَعْتُ لَکَ نَفْسِی

و مرا از افتادنْگاه های گناهان، بلند گردان، چنانکه خود را برای تو فروافکنده ام.۱۲/۳۱

آبی پست و صلبی با استخوان های تنگ

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِینًا مِنْ صُلْبٍ مُتَضَایِقِ الْعِظَامِ، حَرِجِ الْمَسَالِکِ إِلَی رَحِمٍ ضَیِّقَهٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده و راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی.۲۳/۳۲

گمان پست بودن فقیر

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِذِی عَدَمٍ خَسَاسَهً

و مرا از اینکه به فقیری گمانِ پستی برم، حفظ فرما.۴/۳۵

دور ساختن بنده، از اخلاق پست

وَ جَنِّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَهَ وَ مَدَانِیَ الْأَخْلَاقِ

و با آن (قرآن)، ما را از خوی های نکوهیده و اخلاق پست، دور کن.۱۲/۴۲

پست بودن دنیا

انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیا دَنِیَّهٍ تَنْهَی عَمَّا عِنْدَکَ

دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد را از دلم بَر کن.۱۰۹/۴۷

گرفتار نساختن بنده، به پستی

وَ لَا تَسُمْنِی خَسِیسَهً یَصْغُرُ لَهَا قَدْرِی

و پستی ای را که با آن، مرتبه ام خُرد گردد، دچارم مساز.۱۲۱/۴۷

پست گرداندن بنده

إِلَهِی إِنْ رَفَعْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَضَعُنِی، وَ إِنْ وَضَعْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَرْفَعُنِی

خدای من، اگر تو مرا بلندمرتبه گردانی، پس کیست آنکه مرا پست نماید؟ و اگر مرا پست کنی، پس کیست آنکه بلندمرتبه ام گرداند؟

۱۵/۴۸

پسندیده خوشنودی

سپاس خدا و پسندیده ترین ستایشگران

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ... أَرْضَى حَامِدِيهِ لَدَيْهِ

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که پسندیده ترین سپاس گویانش، او را ستوده اند.

۲۵/۱

آنچه خدا برای بنده پسندیده

حَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضِيتَ لِي

آنچه برایم پسندیده ای را محبوب من گردان.

۶/۱۵

گماشتن بنده، به کار پسندیده تر

وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى

و مرا به پسندیده ترین رفتار وادار.۱۶/۲۰

توفیق (پیروی از) پسندیده ترین مذهب

وَفِّقْنِي... إِذَا تَنَاقَضَتِ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا

زمانِ تناقض آئین ها، به پسندیده ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

پسندیده گرداندن صدای فرزند، برای والدین

اللَّهُمَّ... أَطِبْ لَهُمَا كَلَامِي

خداوندا، سخنم را با آنها خوشایند فرما.

۶/۲۴

پایانی پسندیده

وَ اخْتِمْ لَنَا بِالَّتِی هِیَ أَحْمَدُ عَاقِبَهً

و کار ما را به آنچه عاقبتش ستوده تر است، ختم کن.۶/۳۳

راهنمایی بندگان، به آئین مورد پسند خداوند

هَدَیْتَنَا لِدِینِکَ الَّذِی اصْطَفَیْتَ، وَ مِلَّتِکَ الَّتِی ارْتَضَیْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی و به آئینت که آن را پسندیدی، هدایت کردی.۱۹/۴۵

پسندیده زیستن ماه رمضان، در میان مسلمانان

قَدْ أَقَامَ فِینَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ

این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد.۲۲/۴۵

درودی پسندیده، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ... صَلَاهً مَرْضِیَّهً لَکَ وَ لِمَنْ دُونَکَ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که نزد تو و غیر تو پسندیده باشد.

۵۵/۴۷

یاری کردن بنده، به گفتار پسندیده

أَعِنِّی عَلَی... مَرْضِیِّ الْقَوْلِ

بر (داشتن) گفتار پسندیده یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

پشت

سوار شدن بر پشت (مرکب های) نهی الهی

فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِیقِ أَمْرِهِ، وَ رَکِبْنَا مُتُونَ زَجْرِهِ

پس از راه فرمانش، مخالفت کردیم و بر پشت (مرکب)های نهیش سوار شدیم.۲۱/۱

پشت کردن روزگار، به بنده

أَدْبَرَتْ أَیَّامُهُ فَوَلَّتْ

روزگارش پشت کرده و سپری شده.۸/۱۲

بیماری، سبک کننده گرانباریِ پشت بنده

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا... تَخْفِیفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَیَّ ظَهْرِی مِنَ الْخَطِیئَاتِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا خطاهایی را که پشت مرا سنگین کرده سبک نماید.

۴/۱۵

سنگین گشتن پشت بنده، با خطاها

أَنَا الَّذِی أَوْقَرَتِ الْخَطَایَا ظَهْرَهُ

من همانم که خطاها پشتش را سنگین کرده.

۱۴/۱۶

هَذَا ظَهْرِی قَدْ أَثْقَلَتْهُ الْخَطَایَا

این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده.۲۹/۱۶

فَتَلَقَّاکَ بِنَفْسٍ خَاشِعَهٍ... وَ ظَهْرٍ مُثْقَلٍ مِنَ الْخَطَایَا

پس با وجودی فروتن و پشتی گرانبار از (بار) خطاها، پیش روی توست.۱۹/۳۲

مرزداران اسلام و پشت نکردن به دشمن

وَ أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِکْرَ دُنْیَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ، وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ... حَتَّی لَا یَهُمَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ

و هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن، تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت کردن (به دشمن) نکند.۴/۲۷

پراکنده ساختن پشت سری (پشتیبان)های دشمن

شَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ وَ نَکِّلْ بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ

با (شکست) ایشان، پشت سری هایشان را پراکنده ساز و آنان را برای کسانی که در پس ایشانند، عبرت گردان.۵/۲۷

شهادت بنده، پس از پشت کردن و شکست خوردن دشمن

فَإِنْ... قَضَیْتَ لَهُ بِالشَّهَادَهِ فَبَعْدَ... أَنْ یُوَلِّیَ عَدُوُّکَ

ص : ۲۹۳

مُدْبِرِينَ

پس اگر شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت روگردانده، فرار نموده است.

۱۵/۲۷

حفظ آبروی جنگجو، در پشت سر او

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً، فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا آبرویش را در نبود او نگهداشت؛ پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

پشت کردن و فرار کردن شیطان

...إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِيَتَكَ... أَدْبَرَ مُوَلِّيًا عَنِّي، فَأَصْحَرَنِي لِغَضَبِكَ فَرِيدًا

...همین که به نافرمانی ات پرداختم، پشت کنان از من فرار کرد. پس مرا تنها در بیابان خشمت رها نمود.۱۳/۳۲

پشت کردن به خدا و خوانده شدن به سوی او

يَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ

ای کسی که به سوی خود می خواند کسی را که، از او روی گردانَد.۹/۴۶

پشت کردن و فرار کردن دشمن

أَدْبَرَ مُوَلِّيًا قَدْ أَخْلَفَتْ سَرَايَاهُ

پشت کرده، فرار نمود. در حالی که سپاهیانش از آنچه گفته بودند، تخلّف کردند.۶/۴۹

پشتیبان

سپاسی پشتیبان اطاعت از خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... ظَهِيرًا عَلَى طَاعَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که پشتیبانی بر طاعتش باشد.۲۹و۲۷/۱

دفاع و پشتیبانی از امام علیه السلام

وَ اجْعَلْنَا لَهُ... إِلَی نُصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَهِ عَنْهُ مُكْنِفِینَ

و ما را در مدد نمودنش و دفاع از او، یاری کنندگان قرار ده.۶۳/۴۷

پشتیبان ستمگران

لَا تَجْعَلْنِی لِلظَّالِمِینَ ظَهِیرًا

مرا پشتیبان ستمگران قرار نده.۱۳۲/۴۷

پشیمانی

پشیمانی بنده و توبه

أَتُوبُ إِلَیْكَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ نَادِمٍ عَلَی مَا فَرَطَ مِنْهُ

ص : ۲۹۴

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که از آنچه از او سر زده، پشیمان است.۱۲/۱۲

وَ اجْعَلْ نَدَامَتِی عَلَی مَا وَقَعْتُ فِیهِ مِنَ الزَّلَّاتِ، وَ عَزْمِی عَلَی تَرْكِ مَا یَعْرِضُ لِی مِنَ السَّیِّئَاتِ تَوْبَهً تُوجِبُ لِی مَحَبَّتَکَ

و پشیمانی ام را از لغزش هایی که به آن دچار شدم، و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گرداند.۳/۳۸

آشکار ساختن پشیمانی خود، برای خدا

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی... لَكِنْ لِتَسْمَعَ سَمَاوءُکَ وَ مَنْ فِیهَا وَ أَرْضُکَ وَ مَنْ عَلَیْهَا مَا أَظْهَرْتُ لَکَ مِنَ النَّدَمِ

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمانت و هر که در آن است و زمینت و هر که بر روی آن است، پشیمانی ای که به پیشگاهت آشکار نمودم را بشنود.

۲۶/۳۱

پشیمان ترین پشیمانان

اللَّهُمَّ إِنْ یَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَهً إِلَیْکَ فَأَنَا أَنْدَمُ النَّادِمِینَ

خداوندا اگر پشیمانی، توبه به درگاه توست، پس من پشیمان ترین پشیمانانم.۲۸/۳۱

عذرخواهی از خدا، از روی پشیمانی

أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ یَا إِلَهِی مِنْهُنَّ وَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ اعْتِذَارَ نَدَامَهٍ...

ای خدای من، از آنها و نظایر آنها از تو عذر می خواهم، عذرخواهیِ از روی پشیمانی.۲/۳۸

روز پشیمانی و ندامت

وَ بَیِّضْ وُجُوهَنَا یَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّلَمَهِ فِی یَوْمِ الْحَسْرَهِ وَ النَّدَامَهِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان.۱۶/۴۲

پشیمان نشدن خدا، از عطا و بخشش

یَا مَنْ لَا یَنْدَمُ عَلَی الْعَطَاءِ

ای کسی که بر عطا (و بخشش) پشیمان نمی شود.۲/۴۵

پشیمانی حقیقی دل ها، برای خداست

وَ لَکَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ

و پشیمانی قطعی دل هایمان، برای توست.

۴۵/۴۵

پل

لرزیدن پل دوزخ، در روز گذشتن از آن

ص : ۲۹۵

ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَـجَازِ عَلَيْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا

هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن (قرآن)، پابرجا گردان.۱۵/۴۲

پلک

گریستن تا افتادن پلک های چشمان

يَا إِلَهِی لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْکَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنَيَّ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

پلیدی چرکی

پاکی اهل بیت علیهم السلام ، از هر گونه پلیدی

طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرِّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيرًا بِإِرَادَتِکَ

به خواست خویش، آنان را از پلیدی و آلودگی پاک نمودی.۵۶/۴۷

پناه

سپاسی پناه دهنده از عذاب الهی

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... خَفِيرًا مِنْ نَقِمَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که پناه دهنده ای از عذابش باشد.۲۹و۲۷/۱

خدا، پناهگاه سختی ها

أَنْتَ الْمَفْزَعُ فِی الْمُلِمَّاتِ

تویی خوانده شده برای دشواری ها.۴/۷

پناه دادن بنده و همه مؤمنان، به رحمت الهی

أَعِذْنِی مِنْ كُلِّ ذَلِکَ بِرَحْمَتِکَ وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

مرا و همه مردان و زنان با ایمان را به رحمتت از آنچه گفته شد پناه ده.۱۰/۸

پناهگاهی برای بنده

أَیْقَنَ أَنَّهُ لَا مَحِیصَ لَهُ مِنْکَ، وَ لَا مَهْرَبَ لَهُ عَنْکَ

باور کرده که پناهگاه و گریزگاهی از تو برایش نیست.۸/۱۲

وَ لَا مَلَاذٌ أَلْجَأُ إِلَیْهِ مِنْکَ

و نه پناهگاهی است که از تو بدان پناه برم.

۱۴/۳۲

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنْ... لَا مَلْجَأَ لَهُ مِنْکَ، إِلَّا إِلَیْکَ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که پناهگاهی برای او از

تو، جز به سوی تو نیست.۹و۸/۵۲

پناه بردن بیچارگان، به یاد احسان خدا

يَا مَنْ إِلَى ذِكْرِ إِحْسَانِهِ يَفْزَعُ الْمُضْطَرُّونَ

ای کسی که بیچارگان به یاد نیکی اش پناه می برند.۲/۱۶

پناهگاه های نگهدارنده از شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا... مِنْهُ فِی حِرْزٍ حَارِزٍ، وَ حِصْنٍ حَافِظٍ، وَ كَهْفٍ مَانِعٍ

و پدران و مادرانمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده.۱۰/۱۷

ویران ساختن پناهگاه شیطان

اللَّهُمَّ... وَ اهْدِمْ كَهْفَهُ

خداوندا و پناهگاهش را ویران ساز.۱۳/۱۷

پروردگار، و پناه دادن به پرورده

لَا يُجِيرُ، يَا إِلَهِی، إِلَّا رَبٌّ عَلَى مَرْبُوبٍ

ای خدای من، پرورده را جز پروردگار، پناه نمی دهد.۳/۲۱

پناه دادن گریز بنده

أَجِرْ هَرَبِی

گریزم را پناه ده.۴/۲۱

پناهندگی بنده، به خدا

فَإِنِّی عَبْدُكَ... الْمُسْتَجِيرُ

پس به درستی که من بنده پناه گیرنده توام.

۷/۲۱

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَيْکَ رَبِّ... مُتَعَوِّذًا فَأَعِذْنِی

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که پناهنده ام، به سوی تو گریخته ام، پس پناهم ده.

۸/۵۱

وَ تُفَرِّجُ عَمَّنْ لَاذَ بِکَ

و غم و اندوه را از کسی که به تو پناه آورده، برطرف می کنی.۱۲/۵۱

وَ إِلَيْکَ أَلْجَأُ

و تنها به سوی تو پناه می برم.۱۱/۵۲

بنده را در هر حال، پناه داده شده قرار دادن

وَ اجْعَلْنِی فِی كُلِّ حَالَاتِی... مُعَاذًا، مُجَارًا

و مرا در همه حالت هایم، پناه داده شده، (از عذاب الهی) امان داده شده قرار ده.۵/۲۲

خو گرفتن به پناه بردن به خدا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُعَوَّدِینَ بِالتَّعَوُّذِ بِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به پناه بردن به تو خو گرفته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

پناه بردن به عزّت و توانایی خدا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُـجَارِینَ بِعِزِّکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به عزّت تو پناه آورده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

پناه دهنده بنده

اللَّهُمَّ لَا خَفِیرَ لِی مِنْکَ فَلْیَخْفُرْنِی عِزُّکَ

خداوندا برای من پناه دهنده ای از (عقوبت) تو نیست، پس باید عزّتت مرا پناه دهد.۲۵/۳۱

هَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ... مُوقِنًا أَنَّهُ لَا یُجِیرُنِی مِنْکَ مُجِیرٌ

اینک منم در پیشگاه تو، باوردارنده به اینکه هیچ امان دهنده ای مرا از تو امان نمی دهد.۶۹/۴۷

توبه و پناه بردن به خدا

فَمَا کُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی... لَکِنْ لِتَسْمَعَ سَمَاوءُکَ وَ مَنْ فِیهَا وَ أَرْضُکَ وَ مَنْ عَلَیْهَا مَا... لَجَأْتُ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ التَّوْبَهِ

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمانت و هر که در آن است و زمینت و هر که بر روی آن است، توبه ای که به سبب آن به درگاهت پناه بردم را بشنود.۲۶/۳۱

پناه آورنده به خدا

فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِکَ

پس این جایگاهِ پناهنده شده به توست.

۱۵/۳۲

خدا، بهترین پناه دهندگان

...یَا خَیْرَ الْمُـجِیرِینَ

...ای بهترین پناه دهندگان.۳۲/۳۲

پناه برندگان به دلیل های روشن قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَفْزَعُ إِلَی الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوضَحَاتِ بَیِّنَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه و دلایل روشنش قرار می دهند.۴/۴۲

به پناهگاه محکم قرآن پناه بردن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَأْوِی مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَی حِرْزِ مَعْقِلِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که از متشابهات به پناهگاه محکمش پناه می برند.۷/۴۲

اندوه و پناه بردن به خدا

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِیدِ... حَتَّی نَجِدَ... کَأْبَهَ مَا نَسْتَجِیرُکَ مِنْهُ

خداوندا ترسِ کیفرِ هشدارداده شده را روزی ما گردان. تا اندوه آنچه از آن به تو پناه می بریم، دریابیم.۵۳/۴۵

امام علیه السلام ، پناه اهل ایمان

فَهُوَ عِصْمَهُ اللَّائِذِینَ، وَ کَهْفُ الْمُوءْمِنِینَ

پس او نگهدارنده پناهندگان و پناهگاه

مؤمنان است.۶۰/۴۷

پناهندگی بنده، به عفو و رحمت خدا

وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْکَ... مُسْتَجِيرًا بِصَفْحِکَ، لَائِذًا بِرَحْمَتِکَ

و اینک منم در پیشگاه تو، پناهنده به بخشایشت، پناه خواه به رحمتت.۶۹/۴۷

درخواست از خدا، از روی پناه خواهی

سَأَلْتُکَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ... وَ مَعَ ذَلِکَ... تَعَوُّذًا وَ تَلَوُّذًا

از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال. و با آن احوال، درخواستم به همراه پناه خواهی و پناه جویی است.۷۴/۴۷

پناه آوردن به آمرزش خدا

تَغَمَّدْنِی فِی يَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ... عَاذَ بِاسْتِغْفَارِکَ تَائِبًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال توبه، پناه به آمرزش خواستن از تو آورده.۸۶/۴۷

پناهندگی به خدا و نجات یافتن

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَنَجِّنِی مِنْهَا لِوَاذًا بِکَ

و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فروفرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات ده.۱۲۰/۴۷

خدا، پناهگاه پناهنده

وَ إِلَيْکَ... مَفْزَعُ الْمُضَيِّعِ لِحَظِّ نَفْسِهِ الْمُلْتَجِئِ

و پناهگاه آنکه بهره اش را تباه کرده و پناهنده گشته، به سوی توست.۳/۴۹

پناهنده شدن به پناهگاه انتقام الهی

فَنَادَيْتُکَ يَا إِلَهِی... عَالِمًا أَنَّهُ... لَا يَفْزَعُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ انْتِصَارِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به پناهگاه انتقام تو پناهنده شود، هراسی ندارد.۱۰/۴۹

پناه خواستن از شرّ هر چیز بد

فَإِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِالْمُ_حَمَّدِیَّهِ الرَّفِیعَهِ، وَ الْعَلَوِیَّهِ الْبَیْضَاءِ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِهِمَا أَنْ تُعِیذَنِی مِنْ شَرِّ کَذَا وَ کَذَا

خداونـدا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم و به وسـیله آنان به درگاهت رومی آورم که مرا از شرّ این و آن پناه دهی.۱۶/۴۹

خدا، پناه بنده در هنگام ناتوانی

یَا کَهْفِی حِینَ تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ

ای پناه من، وقتی که راه ها مرا ناتوان می کند و راه نمی نماید.۷/۵۱

به خدا پناه بردن از:

أ. افراط در شهوت و عصبيّت

اللَّهُمَّ إِنىِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ... إِلْحَاحِ الشَّهْوَهِ، وَ مَلَكَهِ الْحَمِيَّهِ

خداوندا به تو پناه می برم از زياده روی شهوت و غلبه عصبيّت.۱/۸

ب. كمی قناعت و تندخويی

اللَّهُمَّ إِنىِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ... قِلَّهِ الْقَنَاعَهِ، وَ شَكَاسَهِ الْخُلْقِ

خداوندا به تو پناه می برم از كاستی قناعت و بدخلقی.۱/۸

ج. تندی خشم، غلبه حسد و ضعف صبر

اللَّهُمَّ إِنىِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ... سَوْرَهِ الْغَضَبِ، وَ غَلَبَهِ الْحَسَدِ، وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ

خداوندا به تو پناه می برم از شدّت خشم و چيرگی حسد و سستی شكيبايی.۱/۸

د. حرص و آز

اللَّهُمَّ إِنىِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحِرْصِ

خداوندا به تو پناه می برم از برانگيخته شدن حرص.۱/۸

أَعِذْنِی مِنْ... هَلَعِ أَهْلِ الْحِرْصِ

از آز حريصان پناهم ده.۱۵/۱۴

هــ. پيروی هوس و مخالفت با رستگاری

اللَّهُمَّ إِنىِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ... مُتَابَعَهِ الْهَوَی، وَ مُخَالَفَهِ الْهُدَی

خداوندا به تو پناه می برم از پيروی هوا و هوس و مخالفت رستگاری.۲و۱/۸

و. سهل انگاری و كار با زحمت

اللَّهُمَّ إِنىِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ... سِنَهِ الْغَفْلَهِ، وَ تَعَاطِی الْكُلْفَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از خواب غفلت و انجام دادن كارِ با مشقّت.۲و۱/۸

ز. بزرگ شمردن طاعات

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... اسْتِکْبَارِ الطَّاعَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از بزرگ شمردن طاعت و بندگی.۲و۱/۸

ح. برتری دادن باطل بر حقّ

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... إِیثَارِ الْبَاطِلِ عَلَی الْحَقِّ

خداوندا به تو پناه می برم از برتری دادن باطل بر حق.۲و۱/۸

ط. کوچک شمردن گناه

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... اسْتِصْغَارِ الْمَعْصِیَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از کوچک شمردن نافرمانی.۲و۱/۸

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ... احْتِقَارِ الصَّغِیرَهِ

و پناه می بریم به تو از ناچیز شمردن گناه کوچک.۶/۸

ی. اصرار بر گناه

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... الْإِصْرَارِ عَلَی الْمَأْثَمِ

خداوندا به تو پناه می برم از پافشاری بر گناه.۲و۱/۸

أَعُوذُ بِکَ مِنْ أَنْ أُصِرَّ

از اصرار (بر گناه) به تو پناه می برم.

۱۴/۱۲

ک. فخر کردن ثروتمندان و حقیر کردن تهی دستان

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... مُبَاهَاهِ الْمُکْثِرِینَ، وَ الْإِزْرَاءِ بِالْمُقِلِّینَ

خداوندا به تو پناه می برم از فخرفروشی ثروتمندان و تحقیر کردن تهی دستان.

۳و۱/۸

ل. بدرفتاری با زیردستان و ناسپاسی از هدیه دهنده

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... سُوءِ الْوِلَایَهِ لِمَنْ تَحْتَ أَیْدِینَا، وَ تَرْکِ الشُّکْرِ لِمَنِ اصْطَنَعَ الْعَارِفَهَ عِنْدَنَا

خداوندا به تو پناه می برم از بدرفتاری با زیردستان و ناسپاسی از کسی که به ما نیکی

کرده است.۳و۱/۸

م. یاری نمودن ستمگر و خوار گرداندن ستم دیده

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ نَعْضُدَ ظَالِمًا، أَوْ نَخْذُلَ مَلْهُوفًا

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه ستمگری را کمک کنیم یا آنکه ستم دیده ای را خوار گردانیم.۴و۱/۸

ن. خواستن افزون بر حقّ خود، و گفتارِ بدون علم

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ... نَرُومَ مَا لَیْسَ لَنَا بِحَقٍّ، أَوْ نَقُولَ فِی الْعِلْمِ بِغَیْرِ عِلْمٍ

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه آنچه حقّ ما نیست بخواهیم یا بدون داشتن آگاهی سخن بگوییم.۴و۱/۸

س. خیانت، خودپسندی در اعمال، و آرزوهای بلند

وَ نَعُوذُ بِکَ أَنْ نَنْطَوِیَ عَلَی غِشٍّ أَحَدٍ، وَ أَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا، وَ نَمُدَّ فِی آمَالِنَا

و پناه می بریم به تو از اینکه قصد خیانت به کسی داشته باشیم و در کارهایمان خودپسند باشیم و آرزوهایمان را دراز کنیم.

۵/۸

ص : ۳۰۱

ع. بددلی، چیره شدن شیطان و ستم پادشاهان

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ سُوءِ السَّرِیرَهِ... وَ أَنْ یَسْتَحْوِذَ عَلَیْنَا الشَّیْطَانُ، أَوْ یَنْکُبَنَا الزَّمَانُ، أَوْ یَتَهَضَّمَنَا السُّلْطَانُ

و پناه می بریم به تو از نیّت بد و اینکه شیطان بر ما دست یابد یا زمانه ما را دچار سختی نماید یا پادشاه به ما ستم کند.۶/۸

ف. اسراف و نیافتن روزی به اندازه کافی

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ، وَ مِنْ فِقْدَانِ الْکَفَافِ

و پناه می بریم به تو از انجام اسراف و از نیافتن روزی کافی.۷/۸

ص. زندگی سخت و مرگ بدون آمادگی

وَ نَعُوذُ بِکَ... مِنْ مَعِیشَهٍ فِی شِدَّهٍ، وَ مِیتَهٍ عَلَی غَیْرِ عُدَّهٍ

و پناه می بریم به تو از زندگی در سختی و از مرگ ناگهانی.۸/۸

ق. شماتت و سرزنش دشمنان

نَعُوذُ بِکَ مِنْ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ

پناه می بریم به تو از سرزنش دشمنان.

۸/۸

أَعِذْنِی مِنْ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ

مرا از سرزنش دشمنان پناه ده.

۱۱۹/۴۷

ر. حسرت عظیم و مصیبت بزرگ

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنَ الْحَسْرَهِ الْعُظْمَی، وَ الْمُصِیبَهِ الْکُبْرَی

و پناه می بریم به تو از حسرت بزرگ و بزرگ ترین مصیبت.۹/۸

ش. بدترین تیره بختی و بازگشت بد

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنَ... أَشْقَی الشَّقَاءِ، وَ سُوءِ الْمَآبِ

و پناه می بریم به تو از بدترین تیره بختی و بدی سرنوشت.۹/۸

ت. محرومیّت از ثواب و فرود آمدن کیفر

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنَ... حِرْمَانِ الثَّوَابِ، وَ حُلُولِ الْعِقَابِ

و پناه می بریم به تو از بی بهرگی از پاداش و فرود آمدن کیفر.۹/۸

ث. آنچه بدکرداران از آن ترسانند (کیفر)

أَجِرْنِی مِمَّا یَخَافُهُ أَهْلُ الْإِسَاءَهِ

از آنچه بدکاران وحشت دارند پناهم ده.

۱۵/۱۲

ص : ۳۰۲

خ. خواهش بد

وَ أَعِذْنِی مِنْ سُوءِ الرَّغْبَهِ

و از خواهش بد پناهم ده.۱۵/۱۴

ذ. شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ

خداوندا ما از وسوسه های شیطان – رانده شده – به تو پناه می بریم.۱/۱۷

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر شیطانِ سرکش پناه ده.۶/۲۳

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ

و من و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده پناه ده.۶/۲۵، ۶/۲۳

ض. آنچه از ترس آن، پناه خواسته شود

أَعِذْنَا وَ أَهَالِیَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ جَمِیعَ الْمُوْمِنِینَ وَ الْمُوْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَذْنَا مِنْهُ، وَ أَجِرْنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا بِکَ مِنْ خَوْفِهِ

ما و خویشاوندان و برادرانمان و همه مردان و زنان با ایمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده. و از آنچه از ترس آن از تو ایمنی طلبیدیم، امانمان ده.۱۵/۱۷

ظ. پادشاه ستمگر

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ سُلْطَانٍ عَنِیدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر پادشاهِ ستمگری پناه ده.۶/۲۳

غ. شرّ انسان ها و جن ها

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ شَرِیفٍ وَ وَضِیعٍ... وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِکَ وَ لِأَهْلِ بَیْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ

و من و فرزندانم را از شرّ هر بلندمرتبه و فرومایه و از شرّ هر جنّ و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند، پناه ده.۶/۲۳

أ ب. شرّ حیوانات

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا

و من و فرزندانم را از شرّ هر جنبنده ای که زلفش در اختیار توست، پناه ده.۶/۲۳

أ ج. شرّ امور زهرآگین، مردمان (جاهل) و چشم زخم

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ السَّامَّهِ وَ الْهَامَّهِ و الْعَامَّهِ وَ اللَّامَّهِ

و من و فرزندانم را از شرّ جانور زهردار نکشنده و جانور زهردار کشنده و سایر جانوران و چشم زخم پناه ده.۶/۲۳

ص : ۳۰۳

أ د. ظلم و ستم

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُـجَارِینَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) از ستم (دیگران) به عدل تو پناه آورده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

أ هـ. آتش دوزخ و عذاب آن

أَعِذْنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِیرِ

ما را از شکنجه آتش پناه ده.۱۲/۲۵

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ تَغَلَّظْتَ بِهَا عَلَی مَنْ عَصَاکَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سخت گرفتی.۲۹/۳۲

أَجِرْنِی مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِکَ

مرا به بسیاری رحمتت از آن (آتش) ایمن ساز.۳۲/۳۲

أ و. قرض و وام

أَعُوذُ بِکَ، یَا رَبِّ، مِنْ هَمِّ الدَّیْنِ وَ فِکْرِهِ، وَ شُغْلِ الدَّیْنِ وَ سَهَرِهِ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِذْنِی مِنْهُ، وَ أَسْتَجِیرُ بِکَ، یَا رَبِّ، مِنْ ذِلَّتِهِ فِی الْحَیَاهِ، وَ مِنْ تَبِعَتِهِ بَعْدَ الْوَفَاهِ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَجِرْنی مِنْهُ بِوُسْعٍ فَاضِلٍ أَوْ کَفَافٍ وَاصِلٍ

و به تو پناه می برم – ای پروردگارم – از

انـدوه و اندیشه وام و از کار قرض و بی خوابی اش، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از آن پناه ده. و پناه از تو می جویم – ای پروردگار من – از خواری آن در زنـدگی و از پیامـد آن پس از مرگ، پس بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و مرا با ثروتِ فراوان و روزیِ کافی، از آن نجات ده.۲/۳۰

أ ز. توبه شکستن

اللَّهُمَّ أَیُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَیْکَ وَ هُوَ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِی ذَنْبِهِ وَ خَطِیئَتِهِ، فَإِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَکُونَ کَذَلِکَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین باشم.

۲۰/۳۱

أ ح. رسوایی های سرای آخرت

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ، وَ الرُّسُلِ الْمُکَرَّمِینَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

ص : ۳۰۴

أ ط. کژدم ها و مارهای آتش دوزخ

أَعُوذُ بِکَ مِنْ عَقَارِبِهَا الْفَاغِرَهِ أَفْوَاهُهَا، وَ حَیَّاتِهَا الصَّالِقَهِ بِأَنْیَابِهَا

از عقرب های آن که دهانشان گشوده است و از مارهای آن که با نیش هایشان می زنند، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

أ ی. آشامیدنی های آتش دوزخ

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِی یُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْئِدَهَ سُکَّانِهَا

و از آشامیدنی اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می کند، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

أ ک. غضبش

فَإِنَّا نَسْتَجِیرُکَ مِنْ غَضَبِکَ

پس ما از خشمت، از تو امان می خواهیم.

۳/۳۶

أَعُوذُ بِکَ اللَّهُمَّ الْیَوْمَ مِنْ غَضَبِکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِذْنِی

خداوندا امروز از غضبت به تو پناه می آورم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پناهم ده.۱۷/۴۸

أ ل. دورگرداننده بنده، از خدا

وَ أَعِذْنِی مِمَّا یُبَاعِدُنِی عَنْکَ

و از چیزی که از تو دورم می کند، مرا

نگهدار.۹۳/۴۷

أ م. مانع شونده میان بنده و بهره اش

أَعِذْنِی مِمَّا... یَحُولُ بَیْنِی وَ بَیْنَ حَظِّی مِنْکَ

از چیزی که میان من و بهره ام از تو، مانع می شود، مرا نگهدار.۹۳/۴۷

أ ن. بازدارنده بنده از قصدش، نزد خدا

أَعِذْنِی مِمَّا... یَصُدُّنِی عَمَّا أُحَاوِلُ لَدَیْکَ

از چیزی که مرا از آنچه نزد تو می خواهم، بازم می دارد، مرا نگهدار.۹۳/۴۷

أ س. مؤاخذه مهلت دادن

أَجِرْنِی مِنْ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ

از مؤاخذه مهلت دادن پناهم ده.۹۸/۴۷

أ ع. فتنه و بدی ای که خدا برای قومی بخواهد

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَهً أَوْ سُوءًا فَنَجِّنِی مِنْهَا لِوَاذًا بِکَ

و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فروفرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات ده.۱۲۰/۴۷

أ ف. خشم و سخط او

أَسْتَجِیرُ بِکَ الْیَوْمَ مِنْ سَخَطِکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَجِرْنِی

ص : ۳۰۵

امروز از خشمت به تو پناه آورده ام، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست، و مرا پناه ده.۱۸/۴۸

أ ص. بدی آنچه نوشته شده و گذشته

أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کِتَابٍ قَدْ خَلَا

از بدی آنچه نوشته شده و گذشته، به تو پناه می برم.۵/۵۴

پنجگانه

اوقات نمازهای پنجگانه

وَ قِفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِی حَدَّدْتَ، وَ فُرُوضِهَا الَّتِی فَرَضْتَ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و واجباتش که واجب کردی، آگاه فرما.۸/۴۴

پند

اشتغال پیامبر صلی الله علیه و آله ، به نصیحتِ پذیرندگان دعوت الهی

شَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِکَ

خود را به نصیحت کردن به پذیرندگانِ دعوتت مشغول ساخت.۱۵/۲

پند دادن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به امّت

أَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا

او را به نصیحت کردن امّتش دستور دادی، پس آنها را نصیحت کرد.۲۲/۶

پنددهندگانِ دوستان خداوند

وَ اجْعَلْهُمْ... لِأَوْلِيَائِکَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ

و آنان (فرزندانم) را دوستدار و پنددهنده دوستانت قرار ده.۳/۲۵

توفیق همسایگان، به پند دادن

وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی ...مُنَاصَحِهِ مُسْتَشِيرِهِمْ

آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در پند دادنِ مشورت کننده شان، توفیق ده.۲/۲۶

عبرت قرار دادن دشمن

...نَکِّلْ بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ

آنان را برای کسانی که در پس ایشانند، عبرت گردان.۵/۲۷

پند گرفتن دوراندیش

فَصَحَّ بِمُعَايَنَهِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ وَفَّقَهُ اعْتِبَارُهُ

پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتنش سبب توفیق او شد.

۷/۲۸

ص : ۳۰۶

پنهان نمودن بدی های بنده و پنددهنده بودنش

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ، وَ أَخْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَهِ وَاعِظًا لَنَا

پس آن عیب ها که پوشاندی و بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنده قرار ده.۳/۳۴

عذرخواهی از روی پشیمانی و پنددهنده بودنش

أَعْتَذِرُ إِلَيْکَ يَا إِلَهِی مِنْهُنَّ وَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ اعْتِذَارَ نَدَامَهٍ يَکُونُ وَاعِظًا لِمَا بَيْنَ يَدَیَّ مِنْ أَشْبَاهِهِنَّ

ای خدای من، از آنها و نظایر آنها از تو عذر می خواهم، عذرخواهیِ از روی پشیمانی، که از مانند آنها مرا در آینده ام، پنددهنده باشد.

۲/۳۸

قرآن، منتشرکننده پندها

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِمَا طَوَتِ الْغَفْلَهُ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الِاعْتِبَارِ نَاشِرًا

و قرآن را ناشر پندهایی که غفلت از دید ما می پوشاند، قرار ده.۱۰/۴۲

پند دادن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به بندگان خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ... کَمَا... نَصَحَ لِعِبَادِکَ

خداوندا بر محمّد درود فرست. همچنانکه بندگانت را نصیحت کرد.۱۷/۴۲

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا... نَصَحَ لِعِبَادِکَ

خداوندا او را به سبب اینکه بندگانت را نصیحت کرد، پاداش ده.۲۲/۴۲

پند گرفتن پندپذیران

وَ لَا تَجْعَلْنِی عِظَهً لِمَنِ اتَّعَظَ، وَ لَا نَکَالًا لِمَنِ اعْتَبَرَ

و مرا پندِ پندگیران و درس عبرت پذیران، قرار نده.۱۲۴/۴۷

پند دادن خدا و سخت دل گشتن بنده

إِلَهِی... وَعَظْتَ فَقَسَوْتُ

خدای من، پند دادی، پس سنگدل گشتم.

۱/۴۹

پندار گمان

پنهان

درود خدا بر حاملان غیب

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ حُمَّالِ الْغَیْبِ إِلَی رُسُلِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که رسانندگان اخبار نهانی بر رسولانت می باشند.۱۰/۳

ایمان آوردن به پیامبران، به طور پنهانی

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ

الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پنهانیِ پیامبران از اهل زمین...۱/۴

آنچه در زیر خاک پنهان است

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاوءُهَا وَ أَرْضُهَا... وَ مَا كَنَّ تَحْتَ الثَّرَى

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش و آنچه در زیر زمین پنهان است و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

شمارش کارهای پنهانی خویش

سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَى نَفْسِي، وَ أُعَدِّدُهُ مِنْ مَكْتُومِ أَمْرِي

پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم. و کار پنهانی خویش را می شمارم.

۲۵/۱۶

غیبت کردن از مؤمن غائب

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ... اغْتِيَابِ مُوءْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از غیبت مؤمن غائب یا ناسزا به شخص حاضر و مانند اینها، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

ارزانی داشتن امور پنهان، به بنده

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَ مَا نَسِيتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ

و هر چه در دنیایم و آخرتم به صلاحم است، چه آن را به یاد آوردم یا آنچه فراموش کردم، و اظهار کردم یا پنهان نمودم، بر من ارزانی دار.

۹/۲۵

کتمانِ رازها و عیب های همسایگان

وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... كِتْـمَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَ سَتْرِ عَوْرَاتِهِمْ

آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در کتمان اسرارشان و پوشاندن عیب هایشان، توفیق ده.۲/۲۶

دوستی همسایگان، در پنهان

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أُسِرُّ لَهُمْ بِالْغَیْبِ مَوَدَّةً

و خداوندا مرا بر آن دار که در نبودشان دوستی را، آشکار سازم.۳/۲۶

پنهان بودن نام و نشان برخی مشرکان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْکِ، الَّذِینَ تَخْفَی أَسْمَاؤُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و

ص : ۳۰۸

دیگر امّت های مشرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است.۹/۲۷

توبه نمودن از گناهان پنهان و آشکار

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا مِنْ... بَوَاطِنِ سَیِّئَاتِی وَ ظَوَاهِرِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان پنهان و آشکارم به درگاهت توبه می کنم.۱۴/۳۱

توبه شکستن و علم غیب خداوند

اللَّهُمَّ أَیُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَیْکَ وَ هُوَ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِی ذَنْبِهِ وَ خَطِیئَتِهِ، فَإِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَکُونَ کَذَلِکَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین باشم.۲۰/۳۱

دانایی خدا بر کارهای پنهان

اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَی خَفَایَا الْأَعْمَالِ عِلْمُکَ

خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است.۱۱/۳۲

پنهان نمودن بدی های خود، از همسایه

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ، وَ... مِنْ جَارٍ کُنْتُ أُکَاتِمُهُ سَیِّئَاتِی

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و از همسایه ای که بدی هایم را از او نهان می داشتم، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

خدا، پنهان کننده بدی و زشتی

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ، وَ أَخْفَیْتَ مِنَ الدَّخِیلَهِ وَاعِظًا لَنَا...

پس آن عیب ها که پوشاندی و بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنده، قرار ده.

۳/۳۴

آشکار نساختن (عیوب) پنهانِ بنده

وَ لَا تُبْرِزْ مَكْتُومِی

و (عیب) پوشیده ام را نمایان نساز.

۲/۴۱

پنهان داشتن امور ننگینِ بنده

أَخْفِ عَنْهُمْ مَا یَكونُ نَشْرُهُ عَلَیَّ عَارًا

آنچه انتشارش (مایه) ننگ من می باشد را، از آنان پنهان کن.۳/۴۱

پنهان داشتن امور رسواکننده بنده

وَ اطْوِ عَنْهُمْ مَا یُلْحِقُنِی عِنْدَكَ شَنَارًا

و آنچه نزد تو مرا رسوا می نماید، از آنان بپوشان.۳/۴۱

ص : ۳۰۹

آشکار شدن فرشته مرگ، از پرده های پنهان

تَجَلَّی مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُیُوبِ

فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد.۱۳/۴۲

سخن خدا از (عالم) غیب و نهان

أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِکَ مِنْ غَیْبِکَ

تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود راهنمایی کردی.۱۴/۴۵

مطابق بودن آشکار سپاس، با نهان آن

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفْقٌ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفْقٌ لِصِدْقِ النِّیَّهِ

سپاس برای توست. سپاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد و باطنش با نیّت صادقانه موافق باشد.۴۳و۳۶/۴۷

پنهان نمودن (گناهان خود)، از بندگان

أَنَا الَّذِی اسْتَخْفَی مِنْ عِبَادِکَ وَ بَارَزَکَ

منم آنکه (گناهم را) از بندگانت پنهان کرده و نزد تو آشکار نمودم.۷۹/۴۷

توبه و وانگذاشتن گناهان آشکار و نهان بنده

تُبْ عَلَیَّ تَوْبَهً نَصُوحًا... وَ لَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِیَهً وَ لَا

سَرِیرَهً

توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن (گناهان) آشکار و نهان را وانگذاری.۱۲۶/۴۷

زشتی پنهان کاری های دشمن

فَلَمَّا رَأَیْتَ یَا إِلَهِی... قُبْحَ مَا انْطَوَی عَلَیْهِ، أَرْکَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی زُبْیَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - زشتی آنچه در دل داشت، ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی.۸/۴۹

بر خدا پنهان نبودنِ:

أ. اخبار شکوه کنندگان

یَا مَنْ لَا یَخْفَی عَلَیْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِینَ

ای کسی که خبرهای دادخواهان بر او پنهان نیست.۱/۱۴

ب. کارهای اندک و رازهای نهانی

لَا تَنْطَوِی عَنْکَ دَقَائِقُ الْأُمُورِ، وَ لَا تَعْزُبُ عَنْکَ غَیِّبَاتُ السَّرَائِرِ

کارهای ریز و کوچک، از تو پنهان نمی ماند و رازهای نهان، از تو غایب نیست.

۱۱/۳۲

ج. علم و دانستنی های هر چیز

ص : ۳۱۰

لَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَیْ‏ءٍ

چیزی از علم او پنهان نیست.۲/۴۷

د. هیچ چیز نهانی، در زمین و آسمان

وَ أَنْتَ لَا تَخْفَی عَلَیْکَ خَافِیَةٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ

و تویی که هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست.۳/۵۰

یَا اَللَّهُ الَّذِی لَا یَخْفَی عَلَیْهِ شَیْ‏ءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ

ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست.۱/۵۲

هـ. آفریدگان و آنچه خود تدبیر نموده

کَیْفَ یَخْفَی عَلَیْکَ یَا إِلَهِی مَا أَنْتَ خَلَقْتَهُ؟ وَ کَیْفَ لَا تُحْصِی مَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ؟ أَوْ کَیْفَ یَغِیبُ عَنْکَ مَا أَنْتَ تُدَبِّرُهُ؟

چگونه آنچه را که خود آن را آفریده ای - ای خدای من - بر تو پنهان باشد؟ و چگونه آنچه را که خود ساخته ای، شمار آن را ندانی؟ یا چگونه از تو پنهان شود، آنچه که خود آن را تدبیر می نمایی؟۱/۵۲

پوزش

پوزش خواهی به پیشگاه خدا و پذیرش

پوزش

وَ مَا أَنَا بِأَلْوَمِ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَیْکَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ

و من نکوهیده تر از عذرآورنده به پیشگاهت که تو عذرش را پذیرفته ای، نیستم.۱۱/۱۲

عذر خواهی از خدا، به سبب نپذیرفتن پوزش عذرخواه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ مُسِیءٍ اعْتَذَرَ إِلَیَّ فَلَمْ أَعْذِرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از بدکرداری که از من عذرخواهی کرد، پس عذر او را نپذیرفتم.۱/۳۸

پوزش خواستن از خدا، از روی پشیمانی

أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ یَا إِلَهِی مِنْهُنَّ وَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ اعْتِذَارَ نَدَامَهٍ...

ای خدای من، از آنها و نظایر آنها از تو عذر می خواهم، عذرخواهیِ از روی پشیمانی.۲/۳۸

پوزش خواستن از روی راستی و برای خدا

وَ لَکَ... مِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ الِاعْتِذَارِ

و عذر خواستن راستین زبان هایمان، برای توست.۴۵/۴۵

پوزش خواهی بنده از خدا، برای:

ص : ۳۱۱

أ. جهل و نادانی خود

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ مِنْ جَهْلِی

خداوندا، به درستی که من از نادانی ام، در پیشگاه تو عذر می خواهم.۲۱/۳۱

ب. گناهان

أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ یَا إِلَهِی مِنْهُنَّ وَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ اعْتِذَارَ نَدَامَهٍ یَکُونُ وَاعِظًا لِمَا بَیْنَ یَدَیَّ مِنْ أَشْبَاهِهِنَّ

ای خدای من، از آنها (گناهان) و نظایر آنها از تو عذر می خواهم، عذرخواهیِ از روی پشیمانی، که از مانند آنها مرا در آینده ام، پنددهنده باشد.۲/۳۸

وَ أَتَنَصَّلُ إِلَیْکَ مِنْ ذُنُوبِیَ الَّتِی قَدْ أَوْبَقَتْنِی

و به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته، پوزش می طلبم.۸/۵۱

پوست

سیاه شدن پوست ها

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... تَبْیَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.

۱۴و۱۰/۱

پوسیدگی

پوسیدن استخوان ها، با آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ تَذَرُ الْعِظَامَ رَمِیـمًا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که استخوان ها را می پوساند.۳۰و۲۹/۳۲

فرود به خانه پوسیده (قبر)

اللَّهُمَّ... بَارِکْ لَنَا فِی حُلُولِ دَارِ الْبِلَی

خداوندا فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) را برای ما مبارک گردان.۱۴/۴۲

پوسیدن تن بنده

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی عِنْدَ تَغَیُّرِ صُورَتِی وَ حَالِی إِذَا بَلِیَ جِسْمِی

مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، و حالم هنگامی که جسدم پوسیده گردد، بر من رحم کن.۶/۵۳

پوشاندن

پوشاندن (گناهان بندگان) در قیامت

وَ لَا تَکْشِفْ عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَی رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ، یَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِکَ

و در برابر گواهان، پرده ای که با آن ما را پوشانده ای کنار نزن، روزی که اخبار بندگانت را

آشکار می کنی.۴/۱۱

خدا، پوشاننده عیب ها و زشتی های بنده

فَکَمْ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَیَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِی

چه بسیار عیب هایی که بر من پوشاندی و رسوایم نکردی.۲۱/۱۶

پوشاندن بنده، به پرده و ستر الهی

إِلَهِی فَإِذْ قَدْ تَغَمَّدْتَنِی بِسِتْرِکَ فَلَمْ تَفْضَحْنِی...

خدای من، اکنون که مرا به پرده (عفو) خود پوشاندی و رسوایم نکردی...۳۲/۱۶

وَ اسْتُرْنِی بِسِتْرِکَ کَمَا تَأَنَّیْتَنِی عَنِ الِانْتِقَامِ مِنِّی

و مرا با پوشش خود بپوشان، آنگونه که در انتقام از من درنگ فرمودی.۱۲/۳۱

وَ جَلِّلْنِی بِسِتْرِکَ

و مرا به پرده خویش بپوشان.۲۴/۳۱

وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِکَ

و ما را به پرده خود بپوشان.۴۷/۴۵

پوشاندن زره های محافظت کننده از شرّ شیطان، به مؤمنان

وَ أَلْبِسْهُمْ مِنْهُ جُنَنًا وَاقِیَةً

و بر اندام آنان زره های بازدارنده از آزار و اذیّت او بپوشان.۱۰/۱۷

پوشاندن زیور پرهیزکاران، به بنده

أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ

زیور پرهیزکاران را به من بپوشان.۱۰/۲۰

(توفیق) پوشاندن عیب و زشتی

أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... سَتْرِ الْعَائِبِهِ

زیور پرهیزکاران را در پوشاندن عیب، به من بپوشان.۱۰/۲۰

پوشاندن خوشنودی خدا، بر بنده

جَلِّلْنِی رِضَاکَ

خوشنودی ات را بر من بپوشان.۲۱/۲۰

پوشاندن دل بنده، به (جامه) تقوا

أَشْعِرْ قَلْبِی تَقْوَاکَ

قلبم را به جامه پرهیز از خود بپوشان.

۹/۲۱

پوشاندن (جامه) وحشت از بدکاران خَلق بر دل بنده

وَ أَلْبِسْ قَلْبِیَ الْوَحْشَهَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِکَ

و دلم را به وحشت از بدکاران خلقت بپوشان.

۱۱/۲۱

بنده را در هر حال، پوشیده قرار دادن

وَ اجْعَلْنِی فِی کُلِّ حَالَاتِی مَحْفُوظًا، مَکْلُوءًا، مَسْتُورًا، مَمْنُوعًا، مُعَاذًا، مُجَارًا

و مرا در همه حالت هایم، محفوظ، نگاه داشته،

(گناهانم را) پنهان شده، (در برابر دشمنانم) حمایت شده، پناه داده شده، (از عذاب الهی) امان داده شده قرار ده.۵/۲۲

پوشاندن عافیت، بر بنده

أَلْبِسْنِی عَافِیَتَکَ

لباس عافیتت را بر من بپوشان.۱/۲۳

أَلْبِسْنَا فِیهِ جُنَنَ الْعَافِیَهِ

در آن (ماه) پوشش های عافیت را به ما بپوشان.۷/۴۳

سَرْبِلْنِی بِسِرْبَالِ عَافِیَتِکَ

لباس عافیت خود را به من بپوشان.

۱۱۲/۴۷

کَمْ مِنْ... عَافِیَهٍ أَلْبَسْتَهَا

چه بسیار (جامه های) تندرستی ای که (بر من) پوشاندی.۱۱/۴۹

إِنْ تَعْفُ عَنِّی فَقَدِیمًا... أَلْبَسْتَنِی عَافِیَتَکَ

اگر از من درگذری، پس از دیرزمانیست که عافیت خویش را بر من پوشانده ای.۴/۵۰

توفیق پوشاندن عیب های همسایگان

وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... سَتْرِ عَوْرَاتِهِمْ

آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در پوشاندن عیب هایشان، توفیق ده.۲/۲۶

پوشاندن بنده، به پرده عافیت الهی

اسْتُرْنِی بِسِتْرِ عَافِیَتِکَ تَفَضُّلًا

با فضل خویش، مرا به پرده عافیتت بپوشان.

۲۱/۳۱

پوشاندن بنده در دنیا، به عفو و فضل الهی

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ، وَ تَغَمَّدْتَنِی بِفَضْلِکَ فِی دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَهِ الْأَکْفَاءِ فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی و (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی در حضور همانندانم نهان داشتی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

پوشاندن رحِم، به پرده ها

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِینًا مِنْ صُلْبٍ مُتَضَایِقِ الْعِظَامِ، حَرِجِ الْمَسَالِکِ إِلَی رَحِمٍ ضَیِّقَهٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده و راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی.۲۳/۳۲

پوشاندن (خطا توسّط) خدا، پس از علم او

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی سِتْرِکَ بَعْدَ عِلْمِکَ

خداوندا سپاس تو را، بر (خطا) پوشاندنت پس از علمت.۱/۳۴

ص : ۳۱۴

خدا، پوشاننده عیب ها

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... وَاعِظًا لَنَا...

پس آن عیب ها که پوشاندی، برای ما پنددهنده قرار ده.۳/۳۴

به رحمت نپوشاندن بنده و تباه شدنش

فَإِنَّکَ إِنْ تُکَافِنِی بِالْحَقِّ تُهْلِکْنِی، وَ إِلَّا تَغَمَّدْنِی بِرَحْمَتِکَ تُوبِقْنِی

زیرا اگر تو مرا به حقّ مکافات دهی، هلاکم. و اگر مرا به رحمت نپوشانی، تباهم.۵/۳۹

پوشاندن جامه های امان، به بندگان

وَ اکْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ یَوْمَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ فِی نُشُورِنَا

و با آن (قرآن)، ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سربرمی آوریم، به جامه های امان بپوشان.۱۱/۴۲

پوشاندن (گناه) بنده و رسوا نکردنش

تَسْتُرُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی.۸/۴۵

امید به پوشاندن بدی، از جانب پروردگار

تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحًا عَسَی رَبُّکُمْ أَنْ یُکَفِّرَ عَنْکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید

است که پروردگارتان بدی هایتان را بپوشاند.

۱۰/۴۵

عدم دریافت (حقایقِ) پوشانده شده از بنده

أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِکَ مِنْ غَیْبِکَ... عَلَی مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِکْهُ أَبْصَارُهُمْ

تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی دیدگانشان آن را

درنمی یافت.

۱۴/۴۵

رمضان، پوشاننده زشتی ها

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ... أَسْتَرَکَ لِأَنْوَاعِ الْعُیُوبِ

درود بر تو. چه پوشنده بودی، انواع عیب ها را!.۳۱/۴۵

عطا نمودن پوشش، به بنده

فَعُدْ عَلَیَّ بِمَا تَعُودُ بِهِ - عَلَی مَنِ اقْتَرَفَ - مِنْ تَغَمُّدِکَ

پسْ بر من از پوششت، همان چیزی را که به کسی که گناه کرده می دهی، عطا کن.۷۰/۴۷

پوشاندن بنده زاری کننده به درگاه خدا

تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که

پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

پوشاندن یا آشکار ساختن (گناه)

أَنَّکَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْکَ إِلَی أَنْ تَشْهَرَ

به درستی که تو به پرده پوشی نزدیک تری تا اینکه آشکار سازی.۱۱۶/۴۷

پوشاندن آنچه خدا از بنده می داند

تَغَمَّدْنِی فِیما اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان.

۱۱۹/۴۷

پوشاندن بنده و توانایی بر سخت گرفتن بر او

تَغَمَّدْنِی فِیما اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی بِمَا یَتَغَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَی الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می پوشاند قادر بر سختگیری، (و) اگر بردباری اش نبود (خطاها را ظاهر می کرد).

۱۱۹/۴۷

پوشاندن بنده، به عطایای بزرگ الهی

جَلِّلْنِی شَرَائِفَ نِحَلِکَ فِی الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّهِ لِأَحِبَّائِکَ

در مکان هایی که برای دوستانت آماده کرده ای، به عطاهای والایت مرا بپوشان.۱۲۸/۴۷

بازگشت بنده (به گناه)، و پوشاندن خدا

فَعُدْتُ فَسَتَرْتَ

پس (باز به نافرمانی) برگشتم و تو پوشاندی.

۱/۴۹

پوشیده شدن جمال و نیکویی خداوند

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی.۵/۵۰

پوشیده پنهان

پهن پهناور

پهناور

بارانی پهناور و عریض

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا مَرِيعًا مُمْرِعًا عَرِيضًا وَاسِعًا غَزِيرًا

خداوندا ما را از بارانی ثمربخش، خرّمی بخش، سرسبزکننده، پهناور، دامنه دار و پُر آب، سیراب گردان.۴/۱۹

ص : ۳۱۶

پیادگان

ایمن ساختن بنده از پیادگان و سواران بدخواه

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ... رَجِلِهِ وَ خَیْلِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از نیروهای پیاده و سواره اش ایمن سازی.

۸و۷/۲۳

جنگیدن دشمن با پیادگان (مسلمان)

أَوْهِنْ أَرْکَانَهُمْ عَنْ مُنَازَلَهِ الرِّجَالِ

اندام آنها (مشرکان) را از جنگیدن با مردان (پیاده نظام) سست گردان.۱۱/۲۷

پیام

خستگی پیامبر صلی الله علیه و آله ، در تبلیغ پیام خدا

أَدْأَبَ نَفْسَهُ فِی تَبْلِیغِ رِسَالَتِکَ

در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.

۱۳/۲

فرشتگان، امانت داران پیام خداوند

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ مِنْ دُونِهِمْ مِنْ... أَهْلِ الْأَمَانَهِ عَلَی رِسَالَاتِکَ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند و بر رساندن پیام هایت امانت دارند.۶/۳

برهان رسالت و پیام های پیامبر صلی الله علیه و آله

اسْتَجَابُوا لَهُ حَیْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّهَ رِسَالَاتِهِ

هنگامی که دلیل رسالت های خود را به گوششان رساند، اجابت کردند.۳/۴

پیامبر صلی الله علیه و آله و رساندن پیام خدا

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ و خِیَرَتُکَ مِنْ خَلْقِکَ، حَمَّلْتَهُ رِسَالَتَکَ فَأَدَّاهَا

همانـا محمّـد بنـده تـو و فرسـتاده ات و برگزیـده تـو از بیـن آفریـدگانت است، رسـالت خـود را بر او دادی، پس آن را انجـام داد.۲۲/۶

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ کَمَا بَلَّغَ رِسَالَتَکَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد.

۱۷/۴۲

پاداش ابلاغ پیام های خدا

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِکَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده.

۲۲/۴۲

پیامبری

گرد آمدن با پیامبران خدا، در بهشت

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُزَاحِمُ بِهِ مَلَائِکَتَهُ الْمُقَرَّبِینَ، وَ نُضَامُّ بِهِ أَنْبِیَاءَهُ الْمُرْسَلِینَ فِی دَارِ الْمُقَامَهِ الَّتِی لَا تَزُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، جا را بر فرشتگان مقرّب تنگ نماییم و با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است.۱۶و۱۰/۱

منّت گذاشتن خدا بر مسلمانان، به خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ

سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد بر ما منّت نهاد.۱/۲

برابری نداشتن هیچ پیامبر مرسلی، با محمّد صلی الله علیه و آله

...لَا یُسَاوَی فِی مَنْزِلَهٍ، وَ لَا یُکَافَأُ فِی مَرْتَبَهٍ، وَ لَا یُوَازِیَهُ لَدَیْکَ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ، وَ لَا نَبِیٌّ مُرْسَلٌ

...کسی در منزلت با او (محمّد)، یکسان و در مقام همتا نباشد و نزد تو هیچ فرشته مقرّبی و پیامبر فرستاده شده ای با او برابری نکند.۲۴/۲

استوار کردن پیامبری محمّد صلی الله علیه و آله

قَاتَلُوا الْآبَاءَ وَ الْأَبْنَاءَ فِی تَثْبِیتِ نُبُوَّتِهِ

و در پایدار ساختن نبوّت او با پدران و فرزندانشان جنگیدند.۴/۴

پاداش محمّد صلی الله علیه و آله ، برترین پاداش خدا به پیامبران

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ وَ أَکْرَمَ مَا جَزَیْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِیَائِکَ عَنْ أُمَّتِهِ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و از طرف ما بهترین و گرامی ترین پاداشی را که به پیامبرانت از جانب امّتش دادی، به او پاداش ده.۲۳/۶

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِکَ... أَفْضَلَ مَا جَزَیْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ، وَ أَنْبِیَائِکَ الْمُرْسَلِینَ الْمُصْطَفَیْنَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود و

پیامبران فرستاده شده برگزیده ات دادی.۲۲/۴۲

محمّد صلی الله علیه و آله ، خاتم پیامبران

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِیِّینَ

خداوندا بر محمّد - آخِرِ پیامبران - درود فرست.۱۵/۱۷

مردن بر آیین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

وَ تَوَفَّنِی عَلَی مِلَّتِکَ وَ مِلَّهِ نَبِیِّکَ: مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ

ص : ۳۱۸

إِذَا تَوَفَّيْتَنِی

و هنگامی که مرا میراندی، بر دین خود و دین پیامبرت محمّد - که درود بر او باد - بمیران.

۱۳/۳۱

نزول وحی، بر پیامبر خدا؛ محمّد صلی الله علیه و آله

جَعَلْتَهُ... وَحْيًا أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِيِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَنْزِيلًا

و آن را وحیی قرار دادی که بر پیامبرت محمّد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - به تدریج نازل فرمودی.۲و۱/۴۲

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِيِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ، بدون تفصیل و شرح نازل کردی.۵/۴۲

نزدیک ترین پیامبران به خدا، در روز رستاخیز

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِ وَ عَلَی آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْکَ مَجْلِسًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود قرار ده.۱۸/۴۲

پیامبران فرستاده شده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِيهِ مِنِ ابْتِدَائِهِ إِلَی وَقْتِ فَنَائِهِ: مِنْ مَلَکٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرّب ساختی، یا پیامبری که او را فرستادی، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱۲/۴۴

خوار نشدن پیامبر صلی الله علیه و آله ، در روز رستاخیر

...يَوْمَ لَا يُخْزِی اللَّهُ النَّبِیَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

...روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند.۱۱/۴۵

درود خدا بر محمّد صلی الله علیه و آله ، پیامبر مسلمانان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا...

خداوندا بر محمّد پیامبرمان درود فرست.

۵۶/۴۵

درود خدا، بر پیامبران مرسل

صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ

بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

درودی جمع كننده درودهای پیامبران

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ

ص : ۳۱۹

پروردگـار من، بر محمّـد و خانـدانش درود فرست، درودی که درودهـای فرشـتگان و پیامبران و فرسـتادگان و فرمانبران تو را فراگیرد.۵۴/۴۷

ترک شدن سنّت های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

یَرَوْنَ... سُنَنَ نَبِیِّکَ مَتْرُوکَهً

می بینند روش های پیامبرت ترک شده است.

۹/۴۸

پیاپی (پی درپی)

پی درپی بودن نعمت های خدا

تَظَاهَرَتْ آلَاوءُهُ

نعمت هایش آشکار و پی درپی است.۷/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ عَلَی مَا... أَسْبَغَ عَلَیْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَهِ، لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ یَحْمَدُوهُ

و سـپاس خدای را که اگر بندگانش را از شـناختن سپاسـش بر نعمت های آشـکار که برای آنها تمام کرده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

پی درپی رساندن آذوقه مرزداران اسلام

وَاتِرْ بَیْنَ مِیَرِهِمْ

آذوقه یشان را پیاپی برسان.۲/۲۷

نفَس زدن های پی درپی محتضر، در وقت جان کندن

هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَی أَنْفُسِنَا... تَرَادُفَ الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّرَاقِیَ

به وسـیله قرآن هنگام مرگ، خرناسه های پی درپی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسد.۱۳/۴۲

حجّت های پی درپی

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا... یَشْقَی بِنِعْمَتِکَ شَقِیُّهُمْ إِلَّا عَنْ طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَیْهِ، وَ بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّهِ عَلَیْهِ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بـدبختشان به وسـیله نعمت تو، بـدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او و پس از حجّت های پیاپی آوردن بر او.۹/۴۵

پی درپی ساختن ارجمندی های نعمت، نزد بنده

تَمِّمْ سُبُوغَ نِعْمَتِکَ، عَلَیَّ، وَ ظَاهِرْ کَرَامَاتِهَا لَدَیَّ

فراخی نعمتت را بر من تمام کن، و کرامت های آن را نزد من پیوسته گردان.۱۲۸/۴۷

پیدا آشکار

پیرایه زیور

ص : ۳۲۰

پیروان

ایمان واقعیِ پیروان پیامبران

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ... عِنْدَ... الِاشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پیامبران، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند...۱/۴

روبرو شدن پیروان پیامبران، با تکذیب ستیزه جویان

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضَهِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پنهانیِ پیامبران از اهل زمین، در هنگامی که با تکذیب ستیزه جویان روبرو می شدند...۱/۴

بهترین پاداش الهی، به پیروان اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَيْرَ جَزَائِكَ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعینِ نیکوکارِ ایشان برسان.۹/۴

ویژگی های پیروان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله

الَّذِينَ يَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ

سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَائِكَ

همان (تابعین) که می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را، که در ایمان، بر ما پیش قدم شدند بیامرز.۹/۴

الَّذِينَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ، وَ تَحَرَّوْا وِجْهَتَهُمْ، وَ مَضَوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ

آنان که راه ایشان را قصد نمودند و به سوی جهت آنها روآوردند و به روش آنها رفتار نمودند.

۱۰/۴

لَمْ يَثْنِهِمْ رَيْبٌ فِي بَصِيرَتِهِمْ، وَ لَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ

آنان که عقیده اشان را شکّی برنگرداند و تردیدی ایشان را از پیروی نشانه های آنها آشفته نساخت.۱۱/۴

يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ، وَ يَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ، يَتَّفِقُونَ عَلَيْهِمْ، وَ لَا يَتَّهِمُونَهُمْ فِيما أَدَّوْا إِلَيْهِمْ

...دین آنان را پیروی می کنند، به راهنمایی آنها راه می یابند، با ایشان موافقت دارند و به آنچه آنها رساندند، تهمت نمی زنند.۱۲/۴

درود خدا، بر پیروان پیامبران علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین درود فرست.۱۳/۴

ص : ۳۲۱

درخواست از خدا، برای پیروان اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً تَعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ تَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ، وَ تَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ، وَ تُعِينُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بِرٍّ، وَ تَقِيهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را از معصیت نگه داری و در باغ های بهشتت بر ایشان وسعت دهی، و آنان را از حیله شیطان بازداری، و بر خواسته های نیک آنانْ کمک رسانی و آنها را از حوادث شب و روز - مگر خیری که پیش آید - حفظ نمایی.۱۴و۱۳/۴

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً... تَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ، وَ الطَّمَعِ فِيما عِنْدَكَ وَ تَرْكِ التُّهَمَهِ فِيما تَحْوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به تو و طمع در آنچه نزد تو است و ترک تهمت در آنچه که در دست بندگان است، برانگیزی.

۱۵و۱۴و۱۳/۴

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... لِتَرُدَّهُمْ إِلَى الرَّغْبَهِ إِلَيْكَ وَ الرَّهْبَهِ مِنْكَ، وَ تُزَهِّدَهُمْ فِي سَعَهِ الْعَاجِلِ، وَ تُحَبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ، وَ الِاسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، بدین جهت که آنان را به درخواست سوی خود و ترس

از خویش بازگردانی و در گشادگی دنیا آنان را بی میل نمایی، و عمل برای آخرت و آمادگی برای بعد از مرگ را در نظرشان محبوب کنی.

۱۶و۱۳/۴

تُهَوِّنَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرْبٍ يَحُلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا

در آن روز که جان ها از تن بیرون می رود، هر اندوهی را بر ایشان آسان گردانی.۱۷/۴

تُعَافِيَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَهُ مِنْ مَحْذُورَاتِهَا، وَ كَبَّهِ النَّارِ وَ طُولِ الْخُلُودِ فِيهَا

ایشان را از آنچه که به وجودآورنده آزمایش هایی از امور ترسناک و سختی آتش و همیشه ماندن در آتش است، عافیت بخشی.

۱۸/۴

تُصَیِّرَهُمْ إِلَی أَمْنٍ مِنْ مَقِیلِ الْمُتَّقِینَ

آنها را به جایگاهی آسوده که استراحتگاه پرهیزکاران است روانه کنی.۱۹/۴

دوستان ائمه علیهم السلام ، پیروان راه ایشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی أَوْلِیَائِهِمُ... الْمُتَّبِعِینَ مَنْهَجَهُمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که پیروان راه روشن ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

لعنت خدا، بر پیروان دشمنان برگزیدگان خدا

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ

ص : ۳۲۲

خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان لعنت کن.۱۰/۴۸

پیروزی

پیروزی اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، به همراه او

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِینَ... انْتَصَرُوا بِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که به همراه او پیروز شدند...۴و۳/۴

پیروز گرداندن بنده، بر دشمنش

وَ اجْعَلْ لِی... ظَفَرًا بِمَنْ عَانَدَنِی

و برایم بر آنکه با من ناسازگاری نمود، پیروزی ای قرار ده.۸/۲۰

وَ أَعْلَیْتَ کَعْبِی عَلَیْهِ

و مرا بر او پیروز نمودی.۶/۴۹

قرار گرفتن در زمره پیروزشدگان

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ الْمُصْلِحِینَ بِسُوءَالِی إِیَّاکَ، الْمُنْجِحِینَ بِالطَّلَبِ إِلَیْکَ

و مرا در همه آن (امور) به خاطر درخواستم از تو، از شایسته کارانی قرار ده که با درخواست از تو، کامیاب شدند.۱۰/۲۵

اسباب پیروزی

فَیَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِیَ أَسْمَعُ لَدَیْکَ مِنْ دُعَائِی، أَوْ

شَفَاعَةٍ أَوْکَدُ عِنْدَکَ مِنْ شَفَاعَتِی تَکُونُ بِهَا... فَوْزَتِی بِرِضَاکَ

پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شنیدنی تر است، یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است، که پیروزی من به وسیله خوشنودی ات حاصل شود.۲۷/۳۱

فَذَکَرُوکَ بِمَنِّکَ، وَ شَکَرُوکَ بِفَضْلِکَ، وَ دَعَوْکَ بِأَمْرِکَ، وَ تَصَدَّقُوا لَکَ طَلَبًا لِمَزِیدِکَ، وَ فِیهَا کَانَتْ... فَوْزُهُمْ بِرِضَاکَ

پس با نعمتِ خودت، تو را یاد کردند و با تفضّلت، تو را شکر گزاردند و به فرمانت، تو را خواندند و جهت طلبِ افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند و در (همه) اینها، پیروزیشان به خوشنودی ات نهفته بود.۱۶/۴۵

پناهنده شدن به پناهگاه پیروزی خدا

فَنَادَیْتُکَ یَا إِلَهِی... عَالِمًا أَنَّهُ... لَا یَفْزَعُ مَنْ لَجَأَ إِلَی مَعْقِلِ انْتِصَارِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به پناهگاه پیروزی تو پناهنده شود، هراسی ندارد.۱۰/۴۹

ناتوانی از پیروزی

أَسْأَلُکَ أَنْ تَعْفُوَ عَنِّی، وَ تَغْفِرَ لِی فَلَسْتُ بَرِیئًا فَأَعْتَذِرَ، وَ لَا بِذِی قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ

از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی ام.

ص : ۳۲۳

زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم و دارای توانی نمی باشم تا پیروز شوم.۷/۵۱

پیروی

پیروی تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از نشانه های صحابه

لَمْ یَخْتَلِجْهُمْ شَکٌّ فِی قَفْوِ آثَارِهِمْ

تردیدی ایشان را از پیروی نشانه های آنها آشفته نساخت.۱۱/۴

توفیق پیروی از سنّت ها

وَفِّقْنَا فِی یَوْمِنَا هَذَا وَ لَیْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِی جَمِیعِ أَیَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ... وَ اتِّبَاعِ السُّنَنِ

و در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و پیروی از سنّت ها، توفیق ده.۱۸/۶

پیروی از هوس

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ... مُتَابَعَهِ الْهَوَی

خداوندا به تو پناه می برم از پیروی هوا و هوس.۲و۱/۸

دور شدن از پیروی شیطان

نَعِظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنِ اتَّبَعَ زَجْرَنَا

هر کس نهی ما را پذیرفت، از پیروی او

(شیطان) بازداریم.۱۴/۱۷

توفیق پیروی از راهنما

وَفِّقْنِی لِطَاعَهِ مَنْ سَدَّدَنِی، وَ مُتَابَعَهِ مَنْ أَرْشَدَنِی

مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم گرداند و پیروی از کسی که ارشادم کرد، توفیق ده.

۸/۲۰

پیروی از نور قرآن

جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِی مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَهِ وَ الْجَهَالَهِ بِاتِّبَاعِهِ

آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم.۳/۴۲

پیروی از روشنی جویندگانِ از نور قرآن

وَ تَقْفُوَ بِنَا آثَارَ الَّذِینَ اسْتَضَاؤُوا بِنُورِهِ، وَ لَمْ یُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ

و ما را در پی کسانی گردانی که از نور آن، روشنی جستند و آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد.۹/۴۲

پیروی از نشانه های به پادارندگان قرآن

وَ اقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِینَ قَامُوا لَکَ بِهِ آنَاءَ اللَّیْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند.

۹/۴۲

خدا و پدید آوردن نوپیداشده ها، بدون پیروی (از دیگران)

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِی... ابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا احْتِذَاءٍ

تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که نوپیداها را بدون پیروی (از الگویی) پدید آوردی.۱۲/۴۷

پیروی از راه روشن ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الْمُتَّبِعِينَ مَنْهَجَهُمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که پیروان راه روشن ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

پیرو خوشنودی خدا بودن

وَ لَا تَتَّخِذْنِی هُزُوًا لِخَلْقِکَ... وَ لَا تَبَعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِکَ

و مرا سبب خنده آفریدگانت و جز پیرو خوشنودی ات قرار نده.۱۲۴/۴۷

پیری

روزی خدا و هنگام پیری

اجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِکَ عَلَیَّ إِذَا کَبِرْتُ

فراخ ترین روزی ات را بر من، زمانی که پیر شدم قرار ده.۱۱/۲۰

رحم نمودن خدا، بر پیری بنده

مَوْلَایَ... ارْحَمْ شَیْبَتِی

مولای من! بر پیری ام رحم کن.۴/۵۳

پیش

نبودنِ اوّلی، پیش از خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ کَانَ قَبْلَهُ

سپاس خدای را، اوّلی که پیش از او اوّلی نبوده است.۱/۱

ناتوانی جانداران از به تأخیر انداختن آنچه خدا پیش انداخته

لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ

آنها توانایيِ عقب انداختن آنچه (خدا) آنان را به سوی آن جلو انداخته، ندارند.۴/۱

محو ساختن اعمال بدی که بنده پیش از این انجام داده

وَ امْحُ عَنِّی شَرَّ مَا قَدَّمْتُ

و از من زشتی آنچه پیش فرستاده ام را بزدای.

۶/۱۵

مقدّم انداختن آنچه به تأخیر افتاده

فَقَدِّمْ لِی مَا أَخَّرْتَ

پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز.۲/۱۸

ص : ۳۲۵

أَلْهِمْنَا الِانْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِکَ حَتَّی لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ

گردن نِهی بر خواسته ات را – که بر ما وارد ساختی – به ما الهام فرما، تا تأخیر آنچه را پیش انداختی، دوست نداشته باشیم.۵/۳۳

به تأخیر انداختن آنچه مقدّم شده

وَ أَخِّرْ عَنِّی مَا قَدَّمْتَ

و آنچه از من پیش انداخته ای، پس انداز.

۲/۱۸

أَلْهِمْنَا الِانْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِکَ حَتَّی لَا نُحِبَّ... تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ

گردن نِهی بر خواسته ات را – که بر ما وارد ساختی – به ما الهام فرما، تا تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته ای، دوست نداشته باشیم.۵/۳۳

پیش انداختن خوشنودی پدر و مادر، بر خوشنودی خود

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَيْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّی... أُقَدِّمَ عَلَی رِضَایَ رِضَاهُمَا

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا خوشنودی آنان را بر خوشنودی خود مقدّم اندازم.۵/۲۴

سود آنچه پیش از این انجام شده

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَی بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند.۱۶/۲۷

پیش انداختن مُتاع دنیا، برای بنده

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِی مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَهً إِلَی جِوَارِکَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود قرار ده.۶/۳۰

پیش یا پس انداختن ماه رمضان

جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيِّنًا لَا يُجِيزُ جَلَّ وَ عَزَّ أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ، وَ لَا يَقْبَلُ أَنْ يُوءَخَّرَ عَنْهُ

برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود و نمی پذیرد که از آن وقت به تأخیر افتد.۴/۴۴

پیش انداختن هشدار الهی، و به تأخیر

ص : ۳۲۶

انداختن (کیفر)

قَدْ تَقَدَّمْتَ بِالْوَعِیدِ... وَ أَخَّرْتَ وَ أَنْتَ مُسْتَطِیعٌ لِلمُعَاجَلَهِ

هشدارها را، پیشتر داده ای و با آنکه بر شتاب نمودن توانایی، (عذاب را) به تأخیر انداخته ای.

۲۱/۴۶

پیش و پس نیفتادن از امام علیه السلام

أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوَامِرِهِ... وَ أَلَّا یَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ، وَ لَا یَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ

فرمان دادی که به امرهای او امتثال کنند و هیچ پیشی گیرنده ای از او پیشی نگیرد و هیچ بازمانده ای از او بازنماند.۶۰/۴۷

پیش فرستادن ایمان به یگانگی خدا

إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِیدَکَ وَ نَفْیَ الْأَضْدَادِ وَ الْأَنْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنْکَ

همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو و نفی شریکان و همتایان و مانندهایی از تو را، پیش فرستاده ام.۷۲/۴۷

کردار شایسته پیش فرستاده شده

فَإِنِّی لَمْ آتِکَ ثِقَةً مِنِّی بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم، به درگاه تو

نیامده ام.۶/۴۸

دانایی خدا به آنچه پیش از این از بنده سرزده

قَدْ تَقَدَّمَ مِنِّی مَا قَدْ عَلِمْتَ وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّی

پیش از این از من (گناهانی) سر زده که تو می دانی و از من به آنها داناتری.۲/۵۰

پیشامد

پیروان اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و پیشامد نیک

وَ تَقِيهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ

و آنها را از حوادث شب و روز - مگر خیری که پیش آید - حفظ نمایی.۱۴/۴

پیشامدهای بلا و سختی ها

اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ،... وَ وَقَيْتَنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ الْآفَاتِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی و در آن ما را از پیشامدها و بلاها نگهداشتی.۸/۶

پیشامد آرامش دل

...حَتَّى أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِينَةَ النَّفْسِ مِنِّي بِمَا يَجِبُ لَکَ فِيما يَحْدُثُ

...تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت

به آنچه رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.۱۱/۲۲

پیشامد به تأخیراندازنده مجاهد، از جنگ

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... أَوْ أَخَّرَهُ عَنْهُ حَادِثٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ، وَ أَوْجِبْ لَهُ ثَوَابَ الْمُـجَاهِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا حادثه ای او را (از جهاد) عقب انداخت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و پاداش مجاهدان را برای او واجب گردان.۱۷/۲۷

پیشامد آزمایش الهی

لَا تُحْبِطْ... خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِكَ

تنهایی هایم را با آزمایش های فسادانگیزت که برایم پیش می آید، باطل نکن.۱۳۱/۴۷

پیشانی

دست ردّ نزدن بر پیشانی بنده

إِلَهِي... لَا تَجْبَهْنِي بِالرَّدِّ وَ قَدِ انْتَصَبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ

خدای من در حالی که در پیشگاه تو ایستاده ام دست رد بر پیشانی ام نزن.۱۷/۱۶

يَا مَنْ لَا يَجْبَهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَّةِ عَلَيْهِ

ای کسی که دست رد بر پیشانی آنان که به محبّت او اعتماد دارند، نمی زند.۵/۴۶

وَ لَا تَجْبَهْنِي بِالرَّدِّ فِي مَسْأَلَتِي

و در خواهشم، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۲۵/۴۶

لَا تَجْبَهْنِي بِمَا جَبَهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ

همانگونه که دست رد بر پیشانی ستیزه جویان با خود زده ای، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۱۱۶/۴۷

پیشانی به خاک گذاردن برای خدا

اللَّهُمَّ وَ قَوِّ بِذَلِکَ مِحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَ حَصِّنْ بِهِ دِیَارَهُمْ... حَتَّی... لَا تُعَفَّرَ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ جَبْهَهٌ دُونَکَ

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوّت بخش و شهرهایشان را استوار ساز، تا پیشانی هر یک از آنان جز در برابر تو به خاک گذاشته نشود.۷/۲۷

پیشتازی

پیش افتادن از پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و عفو الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَی رِضَاهُ وَ عَفْوِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن بر پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و بخشایش او،

پیشی گیریم.۱۱و۱۰/۱

پیشی گیرندگان به ایمان

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، الَّذِينَ يَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَائِکَ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعینِ نیکوکارِ ایشان برسان. همانها که می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را، که در ایمان، بر ما پیش قدم شدند بیامرز.۹/۴

پیشی گرفتن رحمت خدا، بر غضبش

أَنْتَ الَّذِی تَسْعَی رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ

تو آنی که رحمتش بر غضبش پیشی می گیرد.

۸/۱۶

پیشی گرفتن به فضیلت

أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... وَ السَّبْقِ إِلَی الْفَضِیلَهِ

زیور پرهیزکاران را در پیشی گرفتن به فضیلت، به من بپوشان.۱۰/۲۰

پیشی گرفتن آمرزش خدا بر والدین یا فرزندان

اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِیَّ، وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لِی فَشَفِّعْنِی فِیهِمَا

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی

گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما.۱۵/۲۴

پیشی گیرندگان به نیکی ها

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ... مِنَ الَّذِینَ یُسَارِعُونَ فِی الْخَیْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. از آنان که در نیکی ها می شتابند و ایشان برای آن پیشی می گیرند.۱۸/۴۴

پیشی نگرفتن بر امام علیه السلام

أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوَامِرِهِ... وَ أَلَّا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ

فرمان دادی که به امرهای او امتثال کنند و هیچ پیشی گیرنده ای از او پیشی نگیرد.۶۰/۴۷

پیشی گرفتن به راه نیکویی ها

وَ سَهِّلْ لِی مَسْلَکَ الْخَیْرَاتِ إِلَیْکَ، وَ الْمُسَابَقَهَ إِلَیْهَا مِنْ حَیْثُ أَمَرْتَ

و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن به آنها را از جهتی که فرمان داده ای، برای من آسان گردان.۹۴/۴۷

پیشرفت

پیشرفت نمودن در کارها

ص : ۳۲۹

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ... وَ النَّفَاذِ فِی أُمُورِی

و با تندرستی و پیشرفت در کارهایم بر من منّت گذار.۳/۲۳

پیشوا

محمّد صلی الله علیه و آله ، پیشوای رحمت

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ أَمِینِکَ عَلَی وَحْیِکَ... وَ صَفِیِّکَ مِنْ عِبَادِکَ، إِمَامِ الرَّحْمَهِ

خداوندا بر محمّد – امین وحیت و دوست تو از بندگانت، آن پیشوای رحمت – درود فرست.

۳/۲

پیشوایان هدایت و رستگاری

وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا... مِنْ أَئِمَّهِ الْهُدَی...

و برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از امامانِ رستگاری...۲/۴

تأیید گشتن دین اسلام، به امام و پیشوا

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَیَّدْتَ دِینَکَ فِی کُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی.۶۰/۴۷

قرار گرفتن در زمره امامان و پیشوایان

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِی مِنْ أَهْلِ... التَّصْدِیقِ بِرَسُولِکَ، وَ الْأَئِمَّهِ الَّذِینَ حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ

خداوندا و مرا از باورداران به پیامبرت و امامانی که اطاعتشان را واجب نمودی، قرار ده.

۱۲/۴۸

پیشینیان گذشتگان

پیکار جنگ

پیمان

عهد بنده با خدا، دوری نمودن از معاصی

وَ لَکَ یَا رَبِّ... عَهْدِی أَنْ أَهْجُرَ جَمِیعَ مَعَاصِیکَ

و ای پروردگار من، با تو عهد می بندم، از همه نافرمانی های تو، دوری گزینم.۱۶/۳۱

پیمان با رمضان

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ... لَزِمَنَا لَهُ الذِّمَامُ الْمَـحْفُوظُ

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که بر ما لازم است برای او پیمان نگه داریم.۲۳/۴۵

پیمان امام علیه السلام و حبل الهی

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَیَّدْتَ دِینَکَ فِی کُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِکَ... بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای

بندگانت به پا داشتی، پس از آنکه ریسمان او را به ریسمان خود پیوستی.۶۰/۴۷

وفا نمودن به عهد و پیمان خداوند

تَوَحَّدْنِی بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ وَفَی بِعَهْدِکَ

تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که به عهد تو وفا کرده.

۸۸/۴۷

پیمانه

پیمانه باران و فرشتگان

...وَ الَّذِینَ عَرَّفْتَهُمْ... کَیْلَ مَا تَحْوِیهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا

...و آنها که پیمانه باران های شدید و رگبارهای متراکم را به آنان شناسانده ای.۱۶/۳

پیوستگی

به هم پیوستن ابزار بسط، در بدن

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی رَکَّبَ فِینَا آلَاتِ الْبَسْطِ

سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را در ما به هم پیوست.۲۰/۱

پیوستن دعای بنده، به اجابت

صِلْ دُعَائِی بِالْإِجَابَهِ

درخواست مرا به روا شدن متّصل گردان.

۱۱/۱۴

پیوستن به خدا

لَا تَبْتَلِیَنِّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبَادَتِکَ... وَ لَا مُجَامَعَهِ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْکَ، وَ لَا مُفَارَقَهِ مَنِ اجْتَمَعَ إِلَیْکَ

مرا به سستی در عبادتت و گرد آمدن با کسی که از تو دوری نموده و جدایی از آنکه به تو پیوسته، گرفتار نساز.۱۱/۲۰

پیوستن به قرب الهی

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا... وُصْلَهً إِلَی قُرْبِکَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، وسیله پیوستن به قربت قرار ده.۶/۳۰

پیوستگی، و رحمت خداوند

خَرَجَتْ مِنْ یَدِی أَسْبَابُ الْوُصُلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُکَ

اسباب پیوندها از دستم بیرون رفته، جز آنچه به رحمتت وصل شده.۹/۳۲

سبب آرزو ننمودن پیوستگیِ نفَسی به نفَس دیگر

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ حَتَّی... لَا اتِّصَالَ نَفَسٍ بِنَفَسٍ، وَ لَا لُحُوقَ قَدَمٍ بِقَدَمٍ

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل

راستین، آن را از ما کوتاه کن، تا بدانجا که پیوستگی نفسی را به نفسی و در پی هم آمدن گامی را به گامی، آرزو نکنیم.۱/۴۰

پیوستن حمد بنده، به افزونی

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... تَصِلُهُ بِمَزِیدٍ بَعْدَ مَزِیدٍ طَوْلًا مِنْکَ

سپاس برای توست. سپاسی که تو آن را از روی احسانت، با افزونی پی درپی پیوند دهی.

۴۸و۳۶/۴۷

پیوستگی درود بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او، به بقای الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... یَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا بِبَقَائِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که اتّصالش به بقای تو پیوند خورد.۵۳/۴۷

پیوستگی درود بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او، به دیگر درودها

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِمْ... صَلَاهً... مُتَّصِلَهً بِنَظَائِرِهِنَّ أَبَدًا

پروردگار من، بر ایشان درود فرست. درودی که تا ابد به مانندهای آن (درودها) متّصل باشد.

۵۹/۴۷

پیوستگی پیمان امام علیه السلام ، به پیمان خدا

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَیَّدْتَ دِینَکَ فِی کُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِکَ... بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی، پس از آنکه ریسمان او را به ریسمان خود پیوستی.۶۰/۴۷

پیوستگی اطاعت از محمّد صلی الله علیه و آله ، به طاعت الهی

بِحَقِّ مَنْ وَصَلْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِکَ... تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ کسی که اطاعت از او را به اطاعت خود پیوند زده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.

۸۶/۴۷

پیوستن زندگی بنده، به خواسته هایش

فَأَحْيِنِی حَيَاهً طَيِّبَهً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که به آنچه می خواهم پیوسته گردد.۱۱۷/۴۷

پیوستن فضل خدا در دنیا، به خیر آخرت

وَ زِدْنِی مِنْ فَضْلِکَ وَ سَعَهِ مَا عِنْدَکَ... وَ صِلْ ذَلِکَ بِخَيْرِ الْآخِرَهِ وَ نَعِيمِهَا

و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا. و آن را به خیر آخرت و نعمت فراوانش پیوسته گردان.۲۸/۴۸

ص : ۳۳۲

ت

تابش درخشش

تابعین پیروان

تأخیر پس

تاریکی تیرگی و نیز ظلمت

تازه

روز نو و تازه

هَذَا یَوْمٌ حَادِثٌ جَدِیدٌ

این روزی نو و تازه است.۱۲/۶

لغزش های گذشته و تازه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا مِنْ... سَوَالِفِ زَلَّاتِی وَ حَوَادِثِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از لغزش های گذشته و تازه ام، به درگاهت توبه می کنم.۱۴/۳۱

ماه نو، ماهی نو برای کاری نو

جَعَلَکَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِأَمْرٍ حَادِثٍ

تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داد.

۳/۴۳

خدا و تازه های خلقت

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِی... ابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا احْتِذَاءٍ

تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که نوپیداها را بدون پیروی (از الگویی) پدید آوردی.۱۲/۴۷

درودی دربردارنده هر درود گذشته و تازه

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، صَلَاهً تُحِیطُ بِکلِّ صَلَاهٍ سَالِفَهٍ وَ مُسْتَأْنَفَهٍ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه ای را فراگیرد.

۵۵/۴۷

سودهای دیرینه و تازه الهی

اشْفَعْ لِی أَوَائِلَ مِنَنِک بِأَوَاخِرِهَا، وَ قَدِیمَ فَوَائِدِک بِحَوَادِثِهَا

برای من اولین نعمت هایت را، با آخِرین آن و سودهای دیرینت را، با تازه های آن توأم ساز.

۱۲۱/۴۷

تأنی مهلت

ص : ۳۳۳

تاوان قصاص

تباهی هلاکت

توبه و اصلاح تباهی ها

یَا مَنِ اسْتَصْلَحَ فَاسِدَهُمْ بِالتَّوْبَهِ

ای آنکه فاسد ایشان را با توبهْ اصلاح کرده است. ۱۰/۱۲

تبهکاری های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ

خداوندا ما از وسوسه های شیطان – رانده شده – به تو پناه می بریم.۱/۱۷

إِلَّا تَقِنَا خَبَالَهُ یَسْتَزِلَّنَا

اگر ما را از تبهکاری اش نگه نداری، به لغزشمان اندازد.۷/۲۵

راه شیطان، راه تباهی

وَ اسْلُکْ بِنَا مِنَ التُّقَی خِلَافَ سَبِیلِهِ مِنَ الرَّدَی

و برخلاف راه هلاکت بار او (شیطان)، ما را به راه پرهیزکاری ببَر.۵/۱۷

اصلاح آنچه تباه شده

اللَّهُمَّ... اسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِکَ مَا فَسَدَ مِنِّی

خداوندا امور تباهم را به توانایی خود، اصلاح نما. ۲/۲۰

عِنْدَکَ... لِمَا فَسَدَ صَلَاحٌ

اصلاح آنچه تباه شده، نزد توست.۲۰/۲۰

تباه نساختن عبادت بنده

عَبِّدْنِی لَکَ وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِی بِالْعُجْبِ

مرا به عبادت خود وادار ولی بندگی ام را با خودپسندی تباه نگردان.۳/۲۰

حفظ روزی از تباه گشتن

حَصِّنْ رِزْقِی مِنَ التَّلَفِ

روزی ام را از تلف شدن نگهدار.۲۳/۲۰

تباه گشتن حقّ پدر و مادر

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًی... أَوْ ضَاعَ قِبَلِی لَهُمَا مِنْ حَقٍّ فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِذُنُوبِهِمَا

خداونـدا و هر آزاری که از من به آنـان رسـیده یـا حقّی از آنهـا نزد من ضـایع شـده، پس آن را سـبب ریزش گناهانشـان قرار ده.۸/۲۴

تباه شدن حقّ فرزند

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّیَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ قَوْلٍ... أَوْ ضَیَّعَاهُ لِی مِنْ حَقٍّ... فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند یا حقّی را از من ضایع ساخته اند، پس آن را به ایشان بخشیدم.۹/۲۴

تباه نشدن پاداش نیکوکاران، نزد خدا

یَا مَنْ لَا یَضِیعُ لَدَیْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِینَ

ص : ۳۳۴

ای کسی که پاداش نیکوکاران، نزد او تباه نمی شود. ۳/۳۱

کارهای بزرگ تباه کننده

فَأَوْقَعَنِی وَ قَدْ هَرَبْتُ إِلَیْکَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُوبِقَهٍ، وَ کَبائِرِ أَعْمَالٍ مُرْدِیَهٍ

پس (دشمن تو) در حالی که از گناهان کوچکِ هلاکت بار و از کردارهای بزرگِ نابودکننده به سویت می گریختم، مرا بر زمین زد.۱۳/۳۲

تباه ساختن واجبات

...حَاشَا فُرُوضِکَ الَّتِی مَنْ ضَیَّعَهَا هَلَکَ

...مگر واجبات تو، که هر که آن را انجام نداد، به هلاکت رسد.۱۷/۳۲

نپوشاندن بنده به رحمت الهی و تباه شدنش

وَ إِلَّا تَغَمَّدْنِی بِرَحْمَتِکَ تُوبِقْنِی

و اگر مرا به رحمتت نپوشانی، تباهم.

۵/۳۹

اصلاح کردار تبهکاران

یَا... مُسْتَصْلِحَ عَمَلِ الْمُفْسِدِینَ

ای خواهان اصلاح عمل تبهکاران.۵/۴۰

عامل محافظِ بنده از تبهکاری های شیطان

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا... مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا

قرآن را نگهبان ما از تبهکاری های شیطان و از اندیشه های بد، قرار ده.۱۰/۴۲

رسوایی با گناهان تباه سازنده

لَا تَفْضَحْنَا فِی حَاضِرِی الْقِیَامَهِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا

ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضرانِ قیامت، رسوا نکن.۱۴/۴۲

اعتراف بنده، به تباه نمودن

اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ... اعْتِرَافًا بِالْإِضَاعَهِ

خداوندا، پس سپاس برای توست، در حالی که به تباه نمودن، اعتراف کننده ایم.۴۵/۴۵

هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ... وَ شَهِدَ عَلَی نَفْسِهِ بِالتَّضْیِیعِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و به تباه ساختن (نعمت ها)، به ضرر خود گواهی داده است.۱۵/۴۹

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا الظَّالِمُ الْمُفَرِّطُ الْمُضَیِّعُ الْآثِمُ الْمُقَصِّرُ الْمُضَجِّعُ الْمُغْفِلُ حَظَّ نَفْسِی

اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار، سهل انگار، تباه کننده، گنهکار، مقصّر، اهمال کننده، واگذارنده بهره خویشم.۱۴/۵۱

فرود آمدن به درگاه غیر خدا و تباه شدن

ص : ۳۳۵

وَ ضَاعَ الْمُلِمُّونَ إِلَّا بِکَ

و آنان که بر درگاه جز تو فرود آمدند، ضایع شدند.۱۳/۴۶

حسنات تباه شده

طَوِّقْنِی طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا یُحْبِطُ الْحَسَنَاتِ

طوقِ دست برداشتن از آنچه نیکی ها را باطل کرده، به گردنم انداز.۱۰۶/۴۷

تباه نساختن حسنات بنده، با معصیت

لَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِی بِمَا یَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِیَتِکَ

کارهای نیک مرا با درآمیختن به نافرمانی ات، باطل نکن.۱۳۱/۴۷

تنهایی بنده، و آزمایش های تباه کننده

لَا تُحْبِطْ... خَلَوَاتِی بِمَا یَعْرِضُ لِی مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِکَ

تنهایی هایم را با آزمایش های فسادانگیزت که برایم آشکار می شود، باطل نکن.۱۳۱/۴۷

ورود به درّه های تباهی

حَلَلْتُ شِعَابَ تَلَفٍ

به درّه های نابودی وارد شدم.۲/۴۹

تباه شدن بهره بنده

إِلَیْکَ مَفَرُّ الْمُسیءِ، وَ مَفْزَعُ الْمُضَیِّعِ لِحَظِّ نَفْسِهِ الْمُلْتَجِئِ

گریزگاه بدکار و پناهگاه آنکه بهره اش را تباه کرده و پناهنده گشته، به سوی توست.۳/۴۹

تباهی و فساد قصد دشمن

فَلَمَّا رَأَیْتَ یَا إِلَهِی تَبَارَکْتَ وَ تَعَالَیْتَ دَغَلَ سَرِیرَتِهِ... أَرْکَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی زُبْیَتِهِ

پس همین که -ای خدای مبارک و والای من- تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار

کنده بود)، سرنگون نمودی.۸/۴۹

گناهان تباه سازنده بنده

أَسْتَقِيلُكَ عَثَرَاتِى، وَ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِىَ الَّتِى قَدْ أَوْبَقَتْنِى

از تو می خواهم که از لغزش هایم درگذری و به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته، پوزش می طلبم.۸/۵۱

تبذیر ولخرجی

تبشیر مژده

تبعات

تبعات و وبال های کسب

وَ ارْزُقْنِى مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ، فَلَا أَشْتَغِلَ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَ لَا أَحْتَمِلَ إِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ

و مرا بی حساب روزی ده، تا به جای عبادت تو سرگرمِ روزی جستن نشوم و زیر بار پیامدهای بدِ کسب نروم.۲۴/۲۰

ص : ۳۳۶

تبعات وام، پس از مرگ

أَسْتَجِيرُ بِكَ، يَا رَبِّ... مِنْ تَبِعَتِهِ بَعْدَ الْوَفَاهِ

و پناه از تو می جویم - ای پروردگار من - از پیامد آن (وام) پس از مرگ.۲/۳۰

سپری شدن گناهان و به جا ماندن تبعاتش

...مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرَتْ لَذَّاتُهَا فَذَهَبَتْ، وَ أَقَامَتْ تَبِعَاتُهَا فَلَزِمَتْ

از گناهانی که لذّت هایش سپری شد و گذشت، و پیامدهای آن به جای ماند و پایدار شد.۹/۳۱

تبعات و گرفتاری های بنده

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَ تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيتُهُنَّ

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که به یاد دارم و گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام.۱۸/۳۱

در پیش چشم خدا بودنِ تبعات بنده

كُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ عِلْمِكَ الَّذِي لَا يَنْسَى

و همه آنها (گرفتاری ها) پیش چشم تو که نمی خوابد و در علم تو که فراموش نمی کند، قرار دارد. ۱۸/۳۱

تبعات و آثار گناه

تَفْعَلُ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ... لَا أَنْ يَكُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقِلَّهِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ، وَ ضَعْفِ حُجَجِهِ فِي جَمِيعِ تَبِعَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک و دلیل هایش درباره همه تبعاتش (و گناهانش) ضعیف است.۱۲/۳۹

خالص نمودن اموال، از تبعات

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که دارایی هایمان را از مظالم خالص گردانیم.۱۰/۴۴

رمضان و کاستن تبعات (کارهای) بندگان

اسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاخِ أَيَّامِهِ

با گذشتن روزهایش تبعاتمان (سختی هایمان) را از ما بکن.۱۵/۴۴

تبعیت پیروی

تپش

خدا، بینا به دلهره و تپش قلب بنده

قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي... وَجِيبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ

ص : ۳۳۷

ای خدای من، نگرانی دلم را از بیم خود می بینی.۱۹/۱۶

تپش قلب بنده، از ترس خداوند

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ... وَجِيبَ قَلْبِى مِنْ خَشْيَتِكَ

خداوندا، پس به تپیدن دلم از ترست، رحم فرما.۲۳/۳۱

تپّه

باران و روان شدن تپّه ها

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْيًا تُسِيلُ مِنْهُ الظِّرَابَ

خداوندا ما را با بارانی که از آن تپه ها را جاری گردانی، سیراب نما.۵/۱۹

تجارت

تجارتی بدون کسادی

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ... مَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِ، يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ فِى مَوَدَّتِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنها که محبّت او را در دل پرورانده، در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند...

۳/۴و۵

تجارت با خداوند

وَ اجْعَلْنِى فِى جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ... الرَّابِحِينَ فِى التِّجَارَهِ عَلَيْكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) در تجارت با تو سود کرده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

تُرِيدُ رِبْحَهُمْ فِى مُتَاجَرَتِهِمْ لَكَ

می خواهی در تجارت کردنشان با تو، سود برند.۱۲/۴۵

سودمند گرداندن تجارت بنده

وَ اجْعَلْ تِجَارَتِى رَابِحَةً

و تجارت (اخروی) مرا سودمند قرار ده.

۱۲۶/۴۷

تجاوز

تعدّی از مواضع احکام الهی

وَ تَعَدَّیْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِکَ إِلَی حُرُمَاتٍ انْتَهَکْتُهَا

و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام ها را دریده ام.۱۸/۳۲

تجاوز از فرمان خداوند

کَمْ نَهْیٍ لَکَ قَدْ أَتَیْنَاهُ، وَ أَمْرٍ قَدْ وَقَفْتَنَا عَلَیْهِ فَتَعَدَّیْنَاهُ

چه بسیار نهی نمودنی که آن را انجام دادیم و امری که ما را بر آن آگاه کردی، پس ما از آن تعدّی نمودیم. ۲/۳۴

ص : ۳۳۸

عامل بازدارنده بنده، از تجاوز از حدود الهی

اجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلَّتَنا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ... حَتَّی یَکُونَ... لَنَا فِی الدُّنْیَا عَنْ سُخْطِکَ وَ تَعَدِّی حُدُودِکَ ذَائِدًا

به وسیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن. تا در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از حدودت باشد.۱۲/۴۲

رابطه رحمت خدا و تجاوزکنندگان از حد

سُنَّتُکَ الْإِبْقَاءُ عَلَی الْمُعْتَدِینَ

روش تو مهربانی با تجاوزکنندگان است.

۱۶/۴۶

درودی متجاوز از خوشنودی خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که از خوشنودی تو درگذرد.

۵۳/۴۷

تجاوز از حدود و احکام الهی

لَا تُوءَاخِذْنِی بِتَفْرِیطِی فِی جَنْبِکَ، وَ تَعَدِّی طَوْرِی فِی حُدُودِکَ، وَ مُجَاوَزَهِ أَحْکَامِکَ

مرا به کوتاهی نمودنم در حقّت و تعدّی کردنم در حدودت و تجاوز از احکامت کیفر نکن.

۸۹/۴۷

أَبَیْتُ إِلَّا... تَعَدِّیًا لِحُدُودِکَ

من جز تعدّی از حدود تو کاری نداشته ام.

۱۴/۴۹

تدبیر قطعی خدا، و عدم تجاوز از آن

لَا یُجَاوَزُ الْمَ_حْتُومُ مِنْ تَدْبِیرِکَ کَیْفَ شِئْتَ وَ أَنَّی شِئْتَ

از تدبیر قطعی تو، به هر گونه و هر زمان که بخواهی نمی توان درگذشت.۹/۴۸

تجاهل نادانی

تجمّع اجتماع

تحریف

تحریف واجبات الهی

یَرَوْنَ... فَرَائِضَکَ مُحَرَّفَهً عَنْ جِهَاتِ أَشْرَاعِکَ

می بینند واجباتت از جهاتی که قانون نهاده ای، تحریف شده است.۹/۴۸

تحریک برانگیختن

تحفه ارمغان

تحیّر سرگردانی

تخیّل اندیشه

تداوم همیشگی

ص : ۳۳۹

تدبیر

تدبیر پیامبر صلی الله علیه و آله

اسْتَتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِی أَوْلِیَائِکَ

آنچه او درباره دوستانت می اندیشید، برایش کامل گردید.۱۸/۲

تصرّف بندگان، در حیطه تدبیر خدا

نَتَصَرَّفُ عَنْ أَمْرِکَ، وَ نَتَقَلَّبُ فِی تَدْبِیرِکَ

از روی فرمان توست که دست به کاری می زنیم و به تدبیر توست که در کارها تصرّف می کنیم.۱۰/۶

برهم زدن تدبیر شیطان

اللَّهُمَّ... افْسَخْ مَا دَبَّرَ

خداوندا آنچه (شیطان) اندیشید، باطل کن.

۱۲/۱۷

القائات شیطانی و تدبیر در (کار) دشمن خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ فِی رُوعِی... تَدْبِیرًا عَلَی عَدُوِّکَ

خداوندا به جای آنچه شیطان در دل من می افکند، تدبیر علیه دشمنت را قرار ده.۱۳/۲۰

مرزداران اسلام و تدبیر نمودن کار ایشان

اللَّهُمَّ... دَبِّرْ أَمْرَهُمْ

خداوندا امرشان را تدبیر فرما.۲/۲۷

ماه و فلک تدبیر

أَیُّهَا... الْمُتَرَدِّدُ فِی مَنَازِلِ التَّقْدِیرِ، الْمُتَصَرِّفُ فِی فَلَکِ التَّدْبِیرِ

ای که در منزل های قرارداده شده، آمد و شد می کنی و در فلک تدبیر تصرّف می کنی.۱/۴۳

تدبیر خدا، در امر (آفرینش) ماه

سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِی أَمْرِکَ!

پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود!۳/۴۳

تدبیر خدا برای ماسِوای خود

أَنْتَ الَّذِی... دَبَّرْتَ مَا دُونَکَ تَدْبِیرًا

تویی آنکه ماسِوای خود را اداره نمودی.

۱۳/۴۷

تدبیر قطعی خداوند

لَا یُجَاوَزُ الْمَـحْتُومُ مِنْ تَدْبِیرِکَ

از تدبیر قطعی تو، نمی توان درگذشت.

۹/۴۸

تدبیر الهی، و پنهان نگشتن امور از خدا

کَیْفَ یَغِیبُ عَنْکَ مَا أَنْتَ تُدَبِّرُهُ؟

چگونه از تو پنهان شود، آنچه که خود آن را تدبیر می نمایی؟۱/۵۲

ص : ۳۴۰

ترازو

ترازوی عدل الهی و کردار بنده

لَا تَحْمِلْ عَلَی مِیزَانِ الْإِنْصَافِ عَمَلِی

عملم را در ترازوی انصاف نگذار.۲/۴۱

قرآن، ترازوی عدل

جَعَلْتَهُ... مِیزَانَ قِسْطٍ لَا یَحِیفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ

آن را ترازوی عدلی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود، قرار دادی.۳/۴۲

سنگین ساختن ترازوی محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ ثَقِّلْ مِیزَانَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و میزانش را سنگین گردان.۱۹/۴۲

تربیت

تربیت فرزند و سپاس الهی

اللَّهُمَّ اشْکُرْ لَهُمَا تَرْبِیَتِی

خداوندا از آنان به پاس پرورش دادن من، قدردانی کن.۷/۲۴

بسیاری و طول کار والدین، برای تربیت فرزند

فَهُمَا أَوْجَبُ حَقًّا عَلَیَّ... مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ... أَیْنَ

إِذًا یَا إِلَهِی طُولُ شُغْلِهِمَا بِتَرْبِیَتِی؟!

پس حقّ ایشان بر من واجب تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم. ای خدای من، در این هنگام کجاست درازی کار آنها، در پرورش دادن من؟!۱۰/۲۴

پرورش دادن فرزندان خردسال، برای والدین

إِلَهِی... رَبِّ لِی صَغِیرَهُمْ

خداوندا خردسالشان را برای من پرورش ده.

۲/۲۵

یاری کردن والدین، در تربیت فرزندان

أَعِنِّی عَلَی تَرْبِیَتِهِمْ وَ تَأْدِیبِهِمْ، وَ بِرِّهِمْ

مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما.۵/۲۵

پرورش دادن بنده، در کوچکی

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... رَبَّیْتَنِی صَغِیرًا

خداوندا، تو مرا در کوچکی پرورش دادی.

۱/۵۰

تردّد

تردّد ماه

أَیُّهَا... الْمُتَرَدِّدُ فِی مَنَازِلِ التَّقْدِیرِ

ص : ۳۴۱

ای که در منزل های قرارداده شده، آمد و شد می کنی.۱/۴۳

تردید شکّ

ترس

پاداش سرشار و کیفر ترسناک خداوند

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَی مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

زمانی که (آفریده) حساب زندگی اش را بستانَد، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.

۶/۱

خواهان و ترسان بودن از خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِينَ... صَلَاةً... تَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَی اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَکَ... لِتَرُدَّهُمْ إِلَی الرَّغْبَهِ إِلَيْکَ وَ الرَّهْبَهِ مِنْکَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به خود برانگیزی. بدین جهت که آنان را به درخواست سوی خود و ترس از خویش بازگردانی.

۱۶-۱۳/۴

رهاندن تابعین، از آزمایش های ترسناک

وَ تُعَافِيَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَهُ مِنْ مَحْذُورَاتِهَا

و ایشان را از آنچه که به وجودآورنده آزمایش هایی از امور ترسناک است، عافیت بخشی.۱۸/۴

ترس بنده، از دوری گزینندگان از او

اکْفِنَا وَحْشَهَ الْقَاطِعِينَ بِصِلَتِکَ

با پیوستن به خود، ما را از وحشتِ دوری کنندگان، نگهدار.۷/۵

فضل الهی، و نهراسیدن بنده (از دوری گزیدن دیگران)

لَا نَسْتَوْحِشَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِکَ

با احسانت از کسی نهراسیم.۷/۵

نهیی که خدا از آن ترسانده

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَوْقَفَهُمْ عَمَّا حَذَّرْتَ مِنْ نَهْیِکَ

و ما را از خوددارترین ایشان از حرام هایی که از آن بیم داده ای قرار ده.۲۰/۶

لرزش پاهای بنده، از ترس خدا

قَدْ أَرْعَشَتْ خَشْیَتُهُ رِجْلَیْهِ

ترس پاهایش را به لرزه انداخته.۹/۱۲

توبه پشیمانِ ترسان

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ نَادِمٍ عَلَی مَا فَرَطَ

ص : ۳۴۲

مِنْهُ، مُشْفِقٍ مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که از آنچه از او سر زده، پشیمان است. و از آنچه بر او گرد آمده، ترسان است.۱۲/۱۲

پناه دادن بنده، از آنچه بدکرداران از آن ترسانند

أَجِرْنِی مِمَّا یَخَافُهُ أَهْلُ الْإِسَاءَهِ

از آنچه بدکاران وحشت دارند پناهم ده.

۱۵/۱۲

نهراسیدن بنده بر خود، مگر از خدا

وَ لَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِی إِلَّا إِیَّاکَ

و من بر خود جز از تو نمی ترسم.۱۶/۱۲

نتیجه نترسیدن از کیفر الهی

قَدْ عَلِمْتَ، یَا إِلَهِی، مَا نَالَنِی مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ... وَ اغْتِرَارًا بِنَکِیرِکَ عَلَیْهِ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای و این از بی باکی او از کیفر تو می باشد.

۵/۱۴

گریستن خطاکاران، از ترس خداوند

وَ یَا مَنْ لِخِیفَتِهِ یَنْتَحِبُ الْخَاطِئُونَ

و ای کسی که خطاکاران از ترس او سخت می گریند. ۳/۱۶

روان شدن اشک بنده، از ترس خداوند

قَدْ تَرَى یَا إِلَهِی، فَیْضَ دَمْعِی مِنْ خِیفَتِکَ

ای خدای من، ریزش اشکم را از ترس خود می بینی. ۱۹/۱۶

پناه خواهی از خدا، از ترس اموری

أَعِذْنَا وَ أَهَالِيَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ جَمِيعَ الْمُوءْمِنِينَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَذْنَا مِنْهُ، وَ أَجِرْنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ

ما و خویشاوندان و برادرانمان و همه مردان و زنان با ایمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده. و از آنچه از ترس آن از تو ایمنی طلبیدیم، امانمان ده.۱۵/۱۷

تلخی ترس از ستمکار و شیرینی ایمنی از او

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ مَرَارَهِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَهَ الْأَمَنَهِ

و درباره من تلخی بیم از ستمگران را به شیرینی امنیّت مبدّل فرما.۷/۲۰

سلامتی یافتن، از عامل ترساننده

هَبْ لِی... سَلَامَهً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِی

مرا از آنکه تهدیدم نمود، سلامتی بخش.

۸/۲۰

ترسیدن، و زاری در نزد غیر خدا

وَ لَا تَفْتِنِّی... بِالتَّضَرُّعِ إِلَی مَنْ دُونَکَ إِذَا رَهِبْتُ

و مرا به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن.۱۲/۲۰

پناه دادن بنده، از ترس

وَ أَجِرْنِی بِعِزَّتِکَ مِمَّا أَرْهَبُ

و به عزّت خود، از آنچه می ترسم، ایمنی ام ده.۲۵/۲۰

ترس از دیدار خدا

أَشْرَفْتُ عَلَی خَوْفِ لِقَائِکَ. فَلَا مُسَکِّنَ لِرَوْعَتِی

به ترس دیدارت نزدیک گشته ام و آرامش دهنده ای برای ترسم ندارم.۱/۲۱

خدا، نگهدار (بندگان) از چیز ترسناک

اللَّهُمَّ یَا... وَاقِیَ الْأَمْرِ الْمَـخُوفِ

خداوندا ای نگهدارنده از هر چیز ترسناک.

۱/۲۱

عدم وجود ایمن کننده ای، هنگام ترس از خدا

وَ مَنْ یُوءْمِنُنِی مِنْکَ وَ أَنْتَ أَخَفْتَنِی؟

و چه کسی مرا از تو امان بخشد، در حالی که تو مرا ترسانده ای؟۲/۲۱

بنده ترسان و زینهارخواه خدا بودن

فَإِنِّی عَبْدُکَ الْمِسْکِینُ الْمُسْتَکِینُ الضَّعِیفُ الضَّرِیرُ الْحَقِیرُ الْمَهِینُ الْفَقِیرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِیرُ

پس به درستی که من بنده بینوا، زار، ضعیف، بدحال و خوار، ناچیز، پست، فقیر، ترسان و پناه گیرنده توام.۷/۲۱

بلندمرتبگی دلِ بنده، با ترس از خدا

فَرِّغْ قَلْبِی لِمَحَبَّتِکَ... وَ انْعَشْهُ بِخَوْفِکَ وَ بِالْوَجَلِ مِنْکَ

دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به خوف و ترس از خود بلندمرتبه کن.۱۰/۲۱

ترس، و ایمنی از نواهی

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی حَتَّی... آمَنَ مِنَ السَّیِّئَاتِ فَرَقًا وَ خَوْفًا

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا از نواهی از روی ترس و بیم ایمن بمانم.۸/۲۲

ترس از اندوهِ (کیفر)

وَ ارْزُقْنِی خَوْفَ غَمِّ الْوَعِیدِ

و ترسِ اندوهِ وعده ها(ی عذاب) را روزی ام فرما. ۹/۲۲

یافتن آرامش دل، هنگام ترس و ایمنی

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ... حَتَّی أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِینَهَ النَّفْسِ مِنِّی بِمَا یَجِبُ لَکَ فِیما یَحْدُثُ فِی حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ...

و هنگـامی که در شـکرت کوتـاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرمـا، تا نسـیم خوشـنودی و آرامش خود را نسـبت به آنچه در حال ترس و ایمنی رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.۱۱/۲۲

منّت گذاردن بر بنده، با ترس از خداوند

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّهِ وَ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَهِ فِي دِينِي وَ بَدَنِي... وَ الْخَشْيَهِ لَکَ، وَ الْخَوْفِ مِنْکَ...

و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم و بیم و هراس از خودت بر من منّت گذار.

۳/۲۳

ترس از والدین، همانند ترس از پادشاه ستمگر

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَهَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ

خداوندا مرا چنان گردان که از هر دو (پدر و مادرم) همچون ترس از پادشاه خودکامه، بیمناک باشم. ۵/۲۴

ترساندن بندگان، از کیفر

فَإِنَّکَ... رَهَّبْتَنَا عِقَابَهُ

همانا تو از کیفر نافرمانی خود بیممان داده ای.

۶/۲۵

خواهان پاداش الهی و ترسان از کیفر او

فَإِنَّکَ... رَغَّبْتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا وَ رَهَّبْتَنَا عِقَابَهُ

همانا تو در پاداش آنچه ما را امر کردی، رغبتمان و از کیفر نافرمانی خود بیممان داده ای.

۶/۲۵

ترس از خدا و نگه داشته شدن از خطا

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمَعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الزَّلَلِ وَ الْخَطَاءِ بِتَقْوَاکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با ترس از تو از گناهان و نادرستی و خطا نگه داشته شده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

ترسان ساختن دل های دشمنان

وَ امْلَأْ أَفْئِدَتَهُمُ الرُّعْبَ

و دل هایشان را از ترس پر ساز.۵/۲۷

ترساندن دشمن، از پیکار با دلاوران اسلام

جَبِّنْهُمْ عَنْ مُقَارَعَهِ الْأَبْطَالِ

ایشان (مشرکان) را از پیکار با دلاوران بترسان. ۱۱/۲۷

سالم ماندن مرزدار، از ترس

وَ أَعْفِهِ مِنَ الْجُبْنِ

و از ترس، سالمش دار.۱۴/۲۷

خدا، انتهای ترس عبادت کنندگان

وَ یَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَی خَوْفِ الْعَابِدِینَ

و ای کسی که انتهای ترس عبادت کنندگان است.۴/۳۱

خدا، پایان بیمِ پرهیزکاران

وَ یَا مَنْ هُوَ غَایَهُ خَشْیَهِ الْمُتَّقِینَ

و ای کسی که نهایت هراس پرهیزکاران است.

۵/۳۱

با ترس، خدا را قصد نمودن

قَصَدَکَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصًا

از سَر اخلاصْ با ترس، آهنگ تو نمود.

۸/۳۱

از کسی جز خدا نهراسیدن

وَ أَفْرَخَ رَوْعُهُ مِنْ کُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ سِوَاکَ

و ترسش از هر که – جز تو – از او بترسند، برطرف شد.۸/۳۱

ترس بیدادگران، از قهر الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهً تَسْلَمُ بِهَا کُلُّ جَارِحَهٍ عَلَی حِیَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِکَ، وَ تَأْمَنُ مِمَا یَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِیمِ سَطَوَاتِکَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم مانَد و از قهرهای دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد.۲۲/۳۱

تپش قلب بنده، از ترس خداوند

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ... وَجِیبَ قَلْبِی مِنْ خَشْیَتِکَ

خداوندا، پس به تپیدن دلم از ترست، رحم فرما.۲۳/۳۱

ترسیدن بنده، از خطاهایش

وَ قَدْ أَوْجَلَتْنِی خَطَایَایَ فَلْیُوءْمِنِّی عَفْوُکَ

و خطاهایم مرا ترسانده، پس باید بخشایشت مرا ایمن گرداند.۲۵/۳۱

بنده، ایستا بین میل به خدا و ترس از او

هَذَا مَقَامُ مَنِ اسْتَحْیَا لِنَفْسِهِ مِنْکَ... فَتَلَقَّاکَ بِنَفْسٍ خَاشِعَهٍ... وَاقِفًا بَیْنَ الرَّغْبَهِ إِلَیْکَ وَ الرَّهْبَهِ مِنْکَ

این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت. پس با وجودی فروتنْ پیش روی توست، در حالی که میان (دو راهیِ) میل به تو و ترس از تو ایستاده است.۱۹/۳۲

ترس بنده و ایمن نمودن او

وَ آمِنِّی مَا حَذِرْتُ

و از آنچه ترسیده ام، مرا ایمنی ده.

۲۰/۳۲

خدا، شایسته ترسیدن از او

وَ أَنْتَ... أَحَقُّ مَنْ خَشِیَهُ وَ اتَّقَاهُ

و تو شایسته ترین کسی می باشی که باید از او ترسید.۲۰/۳۲

انجام معصیت و نترسیدن از ستم الهی

لَا يُخْشَى جَوْرُكَ عَلَى مَنْ عَصَاكَ

بیمی از آن نیست که بر کسی که تو را معصیت کرد، ستم کنی.۱۶/۳۷

نترسیدن از غفلت خدا، درباره پاداش دادن به خوشنودکننده اش

وَ لَا يُخَافُ إِغْفَالُكَ ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاكَ

و ترسی نیست که پاداش آنکه تو را خوشنود گرداند، فروگذاری.۱۶/۳۷

ترس از عدل الهی

وَ كَرُمْتَ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ

و کریم تر از آنی که جز از عدالتت ترسند.

۱۶/۳۷

علّت کمی طمع به خدا، نسبت به ترس از او

تَفْعَلُ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ... لَا أَنْ يَكُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقِلَّهِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ...

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست، نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک است.

۱۲/۳۹

قیامت، روزِ ترسی عظیم

وَ اكْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا

و با آن (قرآن)، ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سربرمی آوریم، به جامه های امان بپوشان.۱۱/۴۲

کمان مرگ و تیرهای ترس از فراق

وَ تَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُيُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَايَا بِأَسْهُمِ وَحْشَهِ الْفِرَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها) از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان مرگ ها نشانه گیرد.

۱۳/۴۲

نجات از ترس و اندوه روز قیامت

وَ نَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ شَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَّهِ

و ما را در روز رستاخیز از هر اندوهی و از ترس های سخت روز قیامت، به وسیله آن (قرآن)، نجات ده.۱۵/۴۲

ترسان بودن دل ها، از بازگشت به سوی خدا

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ... الَّذِينَ يُوءْتُونَ مَا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَهٌ، أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که آنچه

را بخشیدند، در حالی می بخشند که دل هایشان از بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است.

۱۸/۴۴

سپری شدن ماه رمضان و بیمناکی دوستان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ أَلِيفٍ... أَوْحَشَ مُنْقَضِيًا فَمَضَّ

درود بر تو همدمی که چون سپری شد، بیمناک ساخت و بی تاب گرداند.۲۷/۴۵

ترس از کیفرِ بیم داده شده

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ

خداوندا ترسِ کیفرِ هشدارداده شده را روزی ما گردان.۵۳/۴۵

خواهش نفس و خواندن بنده به آنچه خدا از آن ترسانده

...بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَ إِلَى مَا حَذَّرْتَهُ

...بلکه خواهش نفسش به آنچه او را از آن بازداشتی و به آنچه از آن برحذر نمودی، فراخواندش.۶۸/۴۷

اعتراف بنده ترسان (از خدا)، به گناهانش

وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا، مُعْتَرِفًا بِعَظِيمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ

و اینک منم در پیشگاه تو، پست، ذلیل، فروتن، متواضع، ترسان، اعتراف کننده به بزرگی گناهانی که زیر بار آن رفته ام.۶۹/۴۷

درخواست بنده نیازمندِ ترسان، از خدا

وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ

و از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال، نیازمند، ترسان، پناهنده.

۷۴/۴۷

درخواست از خدا، از روی ترس و زاری

سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ... الْخَائِفِ الْمُسْتَجِیرِ، وَ مَعَ ذَلِکَ خِیفَهً وَ تَضَرُّعًا وَ تَعَوُّذًا وَ تَلَوُّذًا

از تو درخواست می نمـایم، درخواستِ ترسـان، پناهنـده. و با آن احوال، درخواسـتم به همراه ترس و زاری و پناه خواهی و پناه جویی است.۷۴/۴۷

ایمن گشتن از خدا و ترسیدن از بندگان

أَنَا الَّذِی هَابَ عِبَادَکَ وَ أَمِنَکَ

منم آنکه از بندگانت ترسیده و از تو آسوده خاطر بودم.۸۰/۴۷

هراسان نبودن از عذاب الهی

أَنَا الَّذِی... لَمْ یَخَفْ بَأْسَکَ

منم آنکه از عذابت نهراسیده ام.۸۱/۴۷

نهراسیدن بنده، از قهر و غلبه الهی

أَنَا الَّذِی لَمْ یَرْهَبْ سَطْوَتَکَ

منم آنکه از قهر (و غلبه) تو نترسیده ام.

۸۱/۴۷

دستگیری بنده، از ترسیدن (همانند) گمراهان

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِکَ... بَلْ خُذْ بِیَدِی مِنْ... وَهْلَهِ الْمُتَعَسِّفِینَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از وحشت گمراهان، دستم را بگیر (نجاتم ده).۱۰۴/۴۷

عصمتی نزدیک کننده به ترس از خدا

وَ هَبْ لِی عِصْمَهً تُدْنِینِی مِنْ خَشْیَتِکَ

و به من عصمتی بخش که مرا به ترس از تو نزدیک کند.۱۱۱/۴۷

ترس (از عذاب) و ناامیدی (از عفو)

لَا تَرُعْنِی رَوْعَهً أُبْلِسُ بِهَا

مرا چنان وحشت نده که ناامید گردم.

۱۲۲/۴۷

ترس، هنگام خواندن آیات قرآن

اجْعَلْ... رَهْبَتِی عِنْد تِلَاوَهِ آیَاتِکَ

هول مرا هنگام تلاوت آیات خود، قرار ده.

۱۲۲/۴۷

ترس از تهدید الهی

اجْعَلْ هَیْبَتِی فِی وَعِیدِکَ

هراس مرا در تهدیدهایت قرار ده.۱۲۲/۴۷

بیم داشتن از مهلت دادن خداوند

اجْعَلْ... حَذَرِی مِنْ إِعْذَارِکَ وَ إِنْذَارِکَ

بیم مرا از مهلت دادن ها و ترساندنهایت، قرار ده.۱۲۲/۴۷

هراسان شدن، در برابر بیم الهی

لَا تَرُعْنِی... خِیفَةً أُوجِسُ دُونَهَا

مرا چنان بیم نده که همیشه هراسان باشم.

۱۲۲/۴۷

ترساندن بنده، از مقام الهی

وَ أَخِفْنِی مَقَامَکَ

و مرا از مقامت بترسان.۱۲۶/۴۷

مسلمانان طالب، راغب و ترسان

وَ الْمُسْلِمُونَ فِیهِ مُجْتَمِعُونَ فِی أَقْطَارِ أَرْضِکَ، یَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَ الطَّالِبُ وَ الرَّاغِبُ وَ الرَّاهِبُ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند، درخواست کننده و جویا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می شوند.۱/۴۸

شتاب، و ترس از فوت وقت

وَ إِنَّمَا یَعْجَلُ مَنْ یَخَافُ الْفَوْتَ

و همانا کسی شتاب می کند که از گذشتن فرصت می ترسد.۱۵/۴۸

قضا و قدر ترسناک

ص : ۳۴۹

وَ مَنَعْتَ مِنِّی مَحْذُورَ الْقَضَاءِ

و مقدّراتی که موجب ترس است را از من بازداشتی.۲/۵۱

ترس پادشاهان، از قهر و غلبه های خدا

یَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نِیرَ الْمَذَلَّهِ عَلَی أَعْنَاقِهَا، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن هایشان نهاده اند و از قهرها و غلبه های او ترسانند.۷/۵۱

خواندن خدا، در حال ترسان بودن به درگاه او

دَعَوْتُکَ یَا رَبِّ مِسْکِینًا، مُسْتَکِینًا، مُشْفِقًا، خَائِفًا، وَجِلًا، فَقِیرًا، مُضْطَرًّا إِلَیْکَ

تو را خواندم – ای پروردگار من – در حالی که بینوا، فروتن، حذرکننده، ترسان، بیمناک، فقیر و بیچاره درگاه تو هستم.۹/۵۱

خدا و بیم دادن دشمنانش (از عذاب)

أَشْکُو إِلَیْکَ یَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی عَنِ... الْمُـجَانَبِهِ عَمَّا حَذَّرْتَهُ أَعْدَاءَکَ

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در دوری نمودن از آنچه دشمنانت را به آن بیم داده ای، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

ترسوترین، افتاده ترین و خوارترین خلق خدا

سُبْحَانَکَ أَخْشَی خَلْقِکَ لَکَ أَعْلَمُهُمْ بِکَ، وَ أَخْضَعُهُمْ لَکَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِکَ، وَ أَهْوَنُهُمْ عَلَیْکَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ یَعْبُدُ غَیْرَکَ

پاک و منزّهی! ترسنده ترین آفریدگانت از تو، آگاه ترین آنها به (کبریایی) توست. و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست. و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد.۲/۵۲

ترس از خدا، و دوری از دنیا

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُسَلِّیَ نَفْسِی عَنِ الدُّنْیَا بِمَخَافَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که مرا با ترس از خود، در دوری از دنیا، تسلّی بخشی.۱۰/۵۲

گریختن به سوی خدا و ترس داشتن از او

فَإِلَیْکَ أَفِرُّ، و مِنْکَ أَخَافُ

پس فقط به سوی تو می گریزم و تنها از تو می ترسم.۱۱/۵۲

درخواست ترس عبادت کنندگان، از خدا

أَسْأَلُکَ خَوْفَ الْعَابِدِینَ لَکَ

ترس عبادت کنندگان برای تو را، از تو درخواست می نمایم.۵/۵۴

ترسی همانند ترس دوستان خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... رَهْبَتِی مِثْلَ رَهْبَهِ أَوْلِیَائِکَ

خداوندا، ترسم را مانند ترس اولیائت قرار

ص : ۳۵۰

ده.۶/۵۴

رها نکردن دین خدا، بر اثر ترس از کسی

اسْتَعْمِلْنِی فِی مَرْضَاتِکَ عَمَلًا لَا أَتْرُکُ مَعَهُ شَیْئًا مِنْ دِینِکَ مَخَافَهَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.۶/۵۴

ترک

توفیق ترک بدعت ها

وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ مُجَانَبَهِ الْبِدَعِ

ما را برای انجام نیکی و ترک بدعت ها، توفیق ده.۱۸/۶

ترک کنندگان معصیت

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... التَّارِکِینَ لِکُلِّ مَعْصِیَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) همه نافرمانی هایت را ترک کرده اند، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

توبه و ترک معصیت

إِنْ یَکُنِ التَّرْکُ لِمَعْصِیَتِکَ إِنَابَهً فَأَنَا أَوَّلُ الْمُنِیبِینَ

اگر ترک معصیت تو، بازگشت است، پس من

نخستین بازگشت کننده ام.۲۸/۳۱

ترک فرمان الهی

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَمَرْتَنِی فَتَرَکْتُ

خداوندا همانا تو مرا امر کردی، پس ترک گفتم.۱۶/۳۲

ترک حقّ خدا

فَجَمِیعُ مَا... أَبْطَأْتَ بِهِ عَلَیْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقِمَهِ وَ الْعِقَابِ تَرْکٌ مِنْ حَقِّکَ

پس هر کیفر و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای، ترک کردن حقّ خودت بوده است.

۱۵/۳۷

توبه قرار گرفتنِ عزمِ ترک بدی ها

وَ اجْعَلْ... عَزْمِی عَلَی تَرْکِ مَا یَعْرِضُ لِی مِنَ السَّیِّئَاتِ تَوْبَهً تُوجِبُ لِی مَحَبَّتَکَ

و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد. ۳/۳۸

استکبار و ترک دعا

فَسَمَّیْتَ دُعَاءَکَ عِبَادَهً، وَ تَرْکَهُ اسْتِکْبَارًا

پس دعا کردن را عبادت و ترک آن را استکبار نامیدی.۱۵/۴۵

ترک روزه، پس از ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْکَ غَيْرَ مُوَدَّعٍ بَرَمًا وَ لَا مَتْرُوکٍ صِيَامُهُ سَأَمًا

درود بر تو. نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. و نه آنکه ترک روزه اش از سر ملالت باشد.

۳۷/۴۵

ترک سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله

يَرَوْنَ... سُنَنَ نَبِيِّکَ مَتْرُوکَةً

می بینند روش های پیامبرت ترک شده است.

۹/۴۸

ترک نکردن چیزی از دین خدا

اسْتَعْمِلْنِی فِی مَرْضَاتِکَ عَمَلًا لَا أَتْرُکُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِکَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.۶/۵۴

تساوی برابر

تسبیح پاکی و پاکیزگی

فرشتگان و تسبیح خداوند

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَةُ عَرْشِکَ الَّذِينَ لَا يَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِکَ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند...۱/۳

وَ الَّذِينَ... لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِکَ الشَّهَوَاتُ...

و همانها که خواهش های نفسانی، آنها را از تسبیح تو باز نمی دارد...۷/۳

پیامبر صلی الله علیه و آله ، تسبیح گوی خدا به نام بزرگش

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِاسْمِکَ الْعَظِيمِ الَّذِی أَمَرْتَ رَسُولَکَ أَنْ يُسَبِّحَکَ بِهِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن نام بزرگت که پیامبرت را فرمان دادی که تو را با آن تسبیح گوید، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان

محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

تسلّط غلبه

تسلیم

معرفت اختیار و تسلیم حکم خدا شدن

أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ الِاخْتِیَارِ، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ ذَرِیعَهً إِلَی الرِّضَا بِمَا قَضَیْتَ لَنَا وَ التَّسْلِیمِ لِمَا حَکَمْتَ

معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقدّر فرمودی و تسلیم به آنچه حکم نمودی، قرار ده.۲/۳۳

تسلیم شدن، در برابر آیات محکم قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَدِینُ لَکَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِیمِ لِمُـحْکَمِ آیَاتِهِ

ص : ۳۵۲

پس ما را از کسانی قرار ده که با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند.

۴/۴۲

تسلیم و گردن نهادن به (فرمان) خدا

انْقَادَ لِلتَّسْلِیمِ لَکَ کُلُّ خَلْقِکَ

همه آفریدگانت برای تسلیم در برابر تو، گردن نهاده اند.۲۶/۴۷

تسلیم فرمان ائمه علیهم السلام بودن

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی أَوْلِیَائِهِمُ... الْمُسَلِّمِینَ لِأَمْرِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که تسلیم شدگانِ فرمان ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

تسلیم شونده خدا و عفو الهی

جُدْ عَلَیَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ - عَلَی مَنْ أَلْقَی بِیَدِهِ إِلَیْکَ - مِنْ عَفْوِکَ

به من ببخش همان چیزی را که به کسی که به خاطر عفوت تسلیم تو گردیده است می بخشی.

۷۰/۴۷

تشنگی

گواراتر از رفع تشنگی

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ... أَثْلَجَ لِصَدْرِی مِنْ شَرْبَهِ الظَّمْآنِ

و اطاعت از پدر و مادرم را برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده.۵/۲۴

عامل سیراب گشتن تشنگی بندگان

وَ أَرْوِ بِهِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ظَمَأَ هَوَاجِرِنَا

و با آن (قرآن)، تشنگی شدید ما را در جاهای گرم در جایگاهی که در پیشگاه توست، سیراب فرما.۱۱/۴۲

تصدیق

ایمان واقعیِ تصدیق کنندگان پیامبران

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ... عِنْدَ... الِاشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پیامبران، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند...۱/۴

تصدیق قرآن

جَعَلْتَهُ... شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهَمِ التَّصْدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ

آن را شفایی برای کسی که با فهم و تصدیق به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، قرار دادی.

۳/۴۲

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا الشَّكُّ فِي تَصْدِيقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به

اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکّی جلودار تصدیق ما نشود.۶/۴۲

تصدیق کنندگان رسول خدا صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِی مِنْ أَهْلِ... التَّصْدِیقِ بِرَسُولِکَ

خداوندا و مرا از باورداران به پیامبرت قرار ده.۱۲/۴۸

تصدیق نمودن پیامبران خدا علیهم السلام

صَدَّقْتُ رُسُلَکَ

پیامبرانت را تصدیق نمودم.۶/۵۲

تصرّف

تصرّف بندگان

نَتَصَرَّفُ عَنْ أَمْرِکَ، وَ نَتَقَلَّبُ فِی تَدْبِیرِکَ

از روی فرمان توست که دست به کاری می زنیم و به تدبیر توست که در کارها تصرّف می کنیم.۱۰/۶

تصرّف ماه، در فلک تدبیر

أَیُّهَا... الْمُتَصَرِّفُ فِی فَلَکِ التَّدْبِیرِ

ای که در فلک تدبیر تصرّف می کنی.۱/۴۳

تصمیم قصد

تضرّع زاری

تعبّد عبادت

تعجّب شگفتی

تعجیل شتاب

تعدّی تجاوز و نیز ستم

تعصّب حمیّت

تعقّل اندیشه

تغذیه خوردنی

تغییر

تغییر نیافتن سرای کرامت (بهشت)

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُضَامُّ بِهِ أَنْبِیَاءَهُ الْمُرْسَلِینَ فِی... مَحَلِّ کَرَامَتِهِ الَّتِی لَا تَحُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در محل کرامتی که همیشگی است.۱۶و۱۰/۱

خدا، تبدیل کننده بدی ها به خوبی ها

یَا مُبَدِّلَ السَّیِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ

ای تبدیل کننده بدی ها به چندین برابر آن از خوبی ها.۸/۲۴، ۲۶/۲

تائب و صدای تغییریافته اش

...دَعَاکَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ خَفِیٍّ

...با صدای آهسته پنهانی تو را می خواند.

۸/۱۲

تغيير نيافتن حكمت الهى

يَا مَنْ لَا تُبَدِّلُ حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ

اى آنكه ابزارها، حكمتش را دگرگون نمى كند.

۸/۱۳

همراه ساختن شكايت بنده، با دگرگونى

اقْرِنْ شِكَايَتِى بِالتَّغْيِيرِ

دادخواهيم را با دگرگونى پيوند ده.۱۱/۱۴

خدا و تغيير نعمت

حَلُمْتَ عَنِّى بِتَفَضُّلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَىَّ

به فضل خود از من درگذشتى و نعمتت را بر من تغيير ندادى.۳۲/۱۶

يَا مَنْ لَا يُغَيِّرُ النِّعْمَهَ، وَ لَا يُبَادِرُ بِالنَّقِمَهِ

اى كسى كه نعمت را تغيير نمى دهد و به كيفر سخت، شتاب نمى كند.۱۰/۴۶

تغيير دشمنى دشمنان، به دوستى

وَ أَبْدِلْنِى مِنْ بِغْضَهِ أَهْلِ الشَّنَآنِ الْمحَبَّهَ

و درباره من كينه توزى دشمنان را به محبّت مبدّل فرما.۷/۲۰

تغيير زشتى ها

اللَّهُمَّ... عِنْدَكَ... فِيما أَنْكَرْتَ تَغْيِيرٌ

خداوندا تغيير آنچه زشت دانسته اى، نزد توست.۲۰/۲۰

تغيير حالِ معصيت، به حال توبه

فَأَمَّا الْعَاصِى أَمْرَكَ وَ الْمُوَاقِعُ نَهْيَكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنَقِمَتِكَ لِكَىْ يَسْتَبْدِلَ بِحَالِهِ فِى مَعْصِيَتِكَ حَالَ الْإِنَابَهِ إِلَى طَاعَتِكَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی، تا حال خود را در نافرمانی ات به حال طاعتت عوض کند.

۱۴/۳۷

عدم تغییر کلمات خداوند

سُبْحَانَکَ لَا رَادَّ لِمَشِیَّتِکَ، وَ لَا مُبَدِّلَ لِکَلِمَاتِکَ

پاک و منزّهی! برای مشیّت تو بازگرداننده ای، و برای کلماتت تغییردهنده ای نیست.۳۰/۴۷

تغییر ندادن نام و جسم بنده

لَا تُغَیِّرْ لِی اسْمًا، وَ لَا تُبَدِّلْ لِی جِسْمًا

نامم را تغییر نده و تنم را دگرگون نکن.

۱۲۴/۴۷

تغییر یافتن حکم خدا

یَرَوْنَ حُکْمَکَ مُبَدَّلًا

می بینند که احکامت تغییر یافته است.۹/۴۸

خدا، تغییردهنده بی چیزی ها

کَمْ مِنْ... مَسْکَنَةٍ حَوَّلْتَ

چه بسیار نیازمندی هایی را که تغییر دادی.

۱۲/۴۹

تغییر نیافتن بزرگی ذات خداوند

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِجَلَالِ وَجْهِکَ الْکَرِیمِ، الَّذِی لَا یَبْلَی وَ لَا یَتَغَیَّرُ، وَ لَا یَحُولُ وَ لَا یَفْنَی، أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن بزرگی ذات بزرگوارت که کهنه و دگرگون نمی شود، و تغییر حال نمی دهد، و نابود نمی گردد، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

رحم الهی و دگرگون شدن چهره بنده

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی عِنْدَ تَغَیُّرِ صُورَتِی

مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، بر من رحم کن.۶/۵۳

تفاخر فخرفروشی

تفحّص جستجو

تفریط کوتاهی

تفسیر

آل محمّد علیهم السلام ، تفسیرکنندگان قرآن

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا... وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد -، بدون تفصیل و شرح نازل کردی و علم آن را تفسیرشده،

به ما ارث دادی.۵/۴۲

تفصیل

تفصیل و شرح قرآن، برای بندگان

جَعَلْتَهُ... کِتَابًا فَصَّلْتَهُ لِعِبَادِکَ تَفْصِیلًا

آن را کتابی قرار دادی که برای بندگانت با تفصیل بیان نمودی.۲و۱/۴۲

تفضّل لطف و نیز نیکی

رابطه روی آوردن به خداوند و تفضّل او

یَحْدُونِی عَلَی مَسْأَلَتِکَ تَفَضُّلُکَ عَلَی مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَیْکَ

وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضّل تو به آنکه رو به تو آورَد.۳/۱۲

وعده پاداش نیکو و تفضّل الهی

یَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَی نَفْسِهِ بِتَفَضُّلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ

ای آنکه ایشان را به فضل خود، پاداش نیک وعده داده است.۱۰/۱۲

کرم و تفضّل الهی

احْمِلْنِی بِکَرَمِکَ عَلَی التَّفَضُّلِ

به فضل خویش با من به احسان رفتار نما.

۲۰/۱۳

تفضّل نمودن خدا، به احسان و نیکی

إِنَّکَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ

همانا تویی که بدون سبب به نیکی رفتار می کنی.۷/۱۵

بردباری خداوند و تفضّل او

أَعْجَبُ مِنْ ذَلِکَ أَنَاتُکَ عَنِّی... وَ لَیْسَ ذَلِکَ مِنْ کَرَمِی عَلَیْکَ، بَلْ... تَفَضُّلًا مِنْکَ عَلَیَّ...

شگفت تر از آن بردباری تو با من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از تفضّل تو بر من است.۲۶/۱۶

حَلُمْتَ عَنِّی بِتَفَضُّلِکَ فَلَمْ تُغَیِّرْ نِعْمَتَکَ عَلَیَّ

به فضل خود از من درگذشتی و نعمتت را بر من تغییر ندادی.۳۲/۱۶

تفضّل الهی و عافیت بخشی به آفریدگان

فَکُلُّ الْبَرِیَّهِ... شَاهِدَهٌ بِأَنَّکَ مُتَفَضِّلٌ عَلَی مَنْ عَافَیْتَ

پس همه آفریدگان گواهند که تو هر که را عافیت بخشی، به فضل رفتار نموده ای.۸/۳۷

تفضّل الهی، بر فرمانبر و گنهکار

تَفَضَّلْتَ عَلَی کُلٍّ مِنْهُمَا بِمَا یَقْصُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ

به هر یک از آنان (فرمانبر و گنهکار)، چیزی تفضّل نموده ای که عملش کمتر از آن است.

۱۱/۳۷

از روی تفضّل بودنِ عفو الهی

مِنَّتُکَ ابْتِدَاءٌ، وَ عَفْوُکَ تَفَضُّلٌ

بخشش تو ابتدا(یی و بدون مقدّمه) و بخشایشت از روی تفضّل است.۴/۴۵

بر تفضّل بنا شدن افعال الهی

أَنَّکَ بَنَیْتَ أَفْعَالَکَ عَلَی التَّفَضُّلِ

همانا تو کارهایت را بر تفضّل قرار داده ای.

۸/۴۵

تفضّل الهی، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَهَ يَوْمٌ... تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که به وسیله آن بر بندگانت تفضّل کرده ای.۶۶/۴۷

مهلت دادن خداوند و تفضّل او

يَا مَنْ... يَتَفَضَّلُ بِإِنْظَارِ الْخَاطِئِينَ

ای آنکه با تفضّل خود خطاکاران را مهلت می دهی.۷۵/۴۷

استجابت و تفضّل نمودن بر بنده

اسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ... وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ

همه آنچه را که از تو خواسته ام، برایم مستجاب فرما و با آن بر من تفضّل نما.۲۸/۴۸

سبب تفضّل الهی، بر بنده

وَ خِرْ لِي فِيما تَقْضِي مِنْهُ، وَ بَارِكْ لِي فِي ذَلِكَ، وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ

ص : ۳۵۷

و به من در آنچه از آن برایم حکم می کنی، خیر ده و آن را برای من مبارک کن و با آن بر من تفضّل نما.۲۸/۴۸

تقدیر

خدا، تقدیرکننده شب و روز

يُولِجُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَ يُولِجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ، فِيما يَغْذُوهُمْ بِهِ

بنا به تقدیرش هر یک از شب و روز را جای یکدیگر قرار می دهد تا برای بندگان روزی دهد.

۴/۶

تقدیر الهی و اراده بنده

لَيْسَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ

برای ما از اراده و خواسته، چیزی جز آنچه تو حکم کردی نیست.۱۱/۶

قدرت و تقدیر الهی

وَ جَرَى بِقُدرَتِكَ الْقَضَاءُ

و تقدیر به قدرت تو اجرا شد.۲/۷

مقدّر شدن فراغت از کارها، برای بنده

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَهٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَهٌ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را

نگیرد. ۲/۱۱

نیکی تقدیر خدا، درباره همه امور بنده

تَوَلَّنِي بِنُجْحِ طَلِبَتِي... وَ حُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ

به برآورده گشتن خواسته ام و نیکی تقدیرت برای من، در تمامی امور یاری ام فرما.۲۳/۱۳

توفیق پذیرفتن تقدیر الهی

اللَّهُمَّ... وَفِّقْنِی لِقَبُولِ مَا قَضَیْتَ لِی وَ عَلَیَّ

خداوندا مرا توفیق ده تا آنچه بر سود و زیانم مقدّر نمودی، پذیرا باشم.۱۳/۱۴

خوشنودی به تقدیر الهی

اجْعَلْ ذَلِکَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِی بِمَا قَضَیْتَ

آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدّر نمودی قرار ده.۱۵/۱۴

أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ الِاخْتِیَارِ، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ ذَرِیعَهً إِلَی الرِّضَا بِمَا قَضَیْتَ لَنَا

معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقدّر فرمودی، قرار ده.۲/۳۳

نیکویی تقدیر الهی

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی حُسْنِ قَضَائِکَ

خداوندا بر سرنوشت نیکی که برایم تقدیر کردی، تو را سپاس.۱/۱۸

ص : ۳۵۸

تقدیر و عدل الهی

عَدْلٌ فِیَّ قَضَاؤُکَ

آنچه برای من تقدیر نمودی، عادلانه است.

۶/۲۱

تقدیر شهادت، برای مجاهد مسلمان

فَإِنْ... قَضَیْتَ لَهُ بِالشَّهَادَهِ فَبَعْدَ أَنْ یَجْتَاحَ عَدُوَّکَ بِالْقَتْلِ

پس اگر شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده است.

۱۵/۲۷

آموختن تقدیر نیکو (در معیشت)، به بنده

عَلِّمْنِی حُسْنَ التَّقْدِیرِ

تقدیر و روش نیکو را به من بیاموز.۳/۳۰

قانع به تقدیر الهی

وَ أَسْأَلُکَ... أَنْ تُقَنِّعَنِی بِتَقْدِیرِکَ لِی

و از تو درخواست می کنم که مرا به آنچه برایم مقدّر فرموده ای، قانع سازی.۲۸/۳۲

تقدیر خیر و نیکی، برای بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَخِیرُکَ بِعِلْمِکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقْضِ لِی بِالْخِیَرَهِ

خداوندا، همانا من به علمت از تو درخواستِ

خیر دارم. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و برایم به خیر حکم فرما.۱/۳۳

بندگان و نپسندیدن تقدیر الهی

حَبِّبْ إِلَیْنَا مَا نَکْرَهُ مِنْ قَضَائِکَ

آنچه از مقدّراتت که نمی پسندیم، نزد ما محبوب فرما.۴/۳۳

آسان گرداندن قضای الهی

سَهِّلْ عَلَيْنَا مَا نَسْتَصْعِبُ مِنْ حُكْمِكَ

آنچه از حکمت که سخت می شماریم، بر ما آسان گردان.۴/۳۳

علّت سبک شمردن تقدیر الهی

لَا تَفْتِنِّی بِمَا أَعْطَيْتَهُمْ... فَأَحْسُدَ خَلْقَكَ، وَ أَغْمَطَ حُكْمَكَ

مرا به آنچه به آنان (دنیاداران) عطا کردی، آزمایش نکن، که بر آفریدگانت حسد برم و حکم تو را سبک شمارم.۲/۳۵

فراخیِ سینه بنده، نسبت به مقدّرات

وَسِّعْ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِی

سینه ام را به احکام (مقدّرات) خود، فراخ ساز.۳/۳۵

آمد و شد ماه، در منزلگاه های مقدّر

أَيُّهَا... الْمُتَرَدِّدُ فِی مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ

ای که در منزل های قرارداده شده، آمد و شد می کنی.۱/۴۳

خدا، تقدیرکننده انسان و ماه

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّی وَ رَبَّکَ... وَ مُقَدِّرِی وَ مُقَدِّرَکَ... أَنْ یَجْعَلَکَ هِلَالَ بَرَکَهٍ

پس از خدایی که پروردگار من و پروردگار تو، و تقدیرکننده من و تقدیرکننده تو است، درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد.

۴/۴۳

تقدیر الهی و شب قدر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ... عَلَی مَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْکَمَ مِنْ قَضَائِهِ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، بر هر یک از بندگانش که بخواهد، با آنچه از تقدیرش که محکم نموده، برای هر کاری فرود می آیند.۵/۴۴

لیله القدر، شبی از شب های ماه رمضان

ثُمَّ فَضَّلَ لَیْلَهً وَاحِدَهً مِنْ لَیَالِیهِ عَلَی لَیَالِی أَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمَّـاهَا لَیْلَهَ الْقَدْرِ

آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد، و آن را شب قدر نامید.۵/۴۴

بزرگی شب قدر، در ماه رمضان

أَجْلَلْتَ فِیهِ مِنْ لَیْلَهِ الْقَدْرِ (الَّتِی هِیَ) خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی.۲۰/۴۵

لیله القدر، بهتر از هزار ماه

السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی لَیْلَهِ الْقَدْرِ الَّتِی هِیَ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه. ۴۰/۴۵

خدا، تقدیرکننده (غصب خلافت)

أَنْتَ الْمُقَدِّرُ لِذَلِکَ

تویی که چنین تقدیر کرده ای.۹/۴۸

خواست بنده، و تقدیر الهی

اسْتَجِبْ لِی جَمِیعَ مَا سَأَلْتُکَ... وَ أَرِدْهُ وَ قَدِّرْهُ وَ اقْضِهِ وَ أَمْضِهِ

همه آنچه را که از تو خواسته ام، برایم مستجاب فرما و آن را بخواه و مقدّر کن و فرمان ده و اجرا کن.۲۸/۴۸

قضا و قدر ترسناک

وَ مَنَعْتَ مِنِّی مَحْذُورَ الْقَضَاءِ

و مقدّراتی که موجب ترس است را از من بازداشتی. ۲/۵۱

ص : ۳۶۰

تقدیر نمودن مرگ، برای همه آفریدگان

سُبْحَانَکَ قَضَیْتَ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِکَ الْمَوْتَ

پاک و منزّهی! مرگ را برای همه آفریدگانت رقم زده ای.۵/۵۲

تقدیر انجام بهترین کارها، برای بنده

فَاقْضِ لِی بِخَیْرِهَا عَاقِبَةً

پس آنچه سرانجامش بهترین است را برایم مقدّر فرما.۸/۵۴

تقدیم پیش

تقرّب نزدیکی

تقسیم

تقسیم عادلانه معیشت ها

شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَایِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ

گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود.۱/۳۵

فراوان ساختن بهره بنده، از تقسیم نموده خداوند

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوْمِنِینَ مِنْ خَیْرٍ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداوندا، ای پروردگار ما، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی

قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

تقصیر کوتاهی

تقوا پرهیزکاری

تکبّر استکبار

دچار نکردن بنده، به کبر

أَعِزَّنِی وَ لَا تَبْتَلِیَنِّی بِالْکِبْرِ

مرا گرامی دار و به خود بزرگ بینی گرفتارم نساز.۳/۲۰

برهم زدن کبرِ بدخواهِ بنده

مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تَفْسَخَ کِبْرَهُ

هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا کبرش را بر هم زنی.۸و۷/۲۳

تکبّر خداوند

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْکَبِیرُ الْمُتَکَبِّرُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بزرگ در نهایت بزرگی.۴/۴۷

درخواست از خدا، و تکبّر متکبّران

سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ الْحَقِیرِ الذَّلِیلِ الْبَائِسِ... لَا مُسْتَطِیلًا

بِتَکَبُّرِ الْمُتَکَبِّرِینَ

از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال. نه از روی برتری جستنْ به تکبّر متکبّران.۷۴/۴۷

تکبّر و بلندی جویی ستمگر

وَ رَدَدْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ، فَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِیلًا فِی رِبَقِ حِبَالَتِهِ الَّتِی کَانَ یُقَدِّرُ أَنْ یَرَانِی فِیهَا

و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی، تا پس از آن همه گردن کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، درآمد.۸/۴۹

تکلیف

طاقت و تکلیف

لَمْ یُکَلِّفْنَا إِلَّا وُسْعًا

(خداوند) جز به اندازه توان، بر ما تکلیف ننموده.۲۳/۱

وَ لَا تَمْنِحْنِی بِمَا لَا طَاقَةَ لِی بِهِ فَتَبْهَظَنِی مِمَّا تُحَمِّلُنِیهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِکَ

و آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از بار گران دوستی ات که بر دوشم گذارده ای (و تکلیف نموده ای)، بشکنی.

۱۰۲/۴۷

توانایی خداوند و تکلیف نمودن بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ کَلَّفْتَنِی مِنْ نَفْسِی مَا أَنْتَ أَمْلَکُ بِهِ مِنِّی

خداوندا مرا - درباره خودم - به کاری مکلّف ساختی، که تو از من به آن تواناتری.۱/۲۲

تکیه گاه

ولیّ خدا و تواناترین تکیه گاه الهی

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِیِّکَ شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیْهِ... وَ أَعِنْهُ بِرُکْنِکَ الْأَعَزِّ

خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما. و او را به تواناترین تکیه گاه (نیروی) خود، یاری

فرما.۶۱/۴۷

تگرگ

فرشتگانِ همراه با تگرگ

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ مُشَیِّعِی الثَّلْجِ وَ الْبَرَدِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و همراهی کنندگان برف و تگرگ.۱۵و۱۱و۱۰/۳

تلاوت

کمک نمودن بندگان، به تلاوت قرآن

اللَّهُمَّ فَإِذْ أَفَدْتَنَا الْمَعُونَهَ عَلَی تِلَاوَتِهِ... فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَرْعَاهُ حَقَّ رِعَایَتِهِ

خداونـدا، پس هنگـامی که مـا را بر تلاوتش یـاری نمودی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که بایـد رعایت می کنند.۴/۴۲

هراس داشتن هنگام تلاوت آیات قرآن

اجْعَلْ... رَهْبَتِی عِنْد تِلَاوَهِ آیَاتِکَ

هول مرا هنگام تلاوت آیات خود، قرار ده.

۱۲۲/۴۷

تلخی

تلخی غلبه پادشاه

اکْفِنَا... مَرَارَهَ صَوْلَهِ السُّلْطَانِ

ما را از تلخی قهر و غلبه پادشاه نگهدار.

۱۰/۵

تلخیِ ترس از ستمگر و شیرینیِ ایمنی از او

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ مَرَارَهِ خَوْفِ الظَّالِمِینَ حَلَاوَهَ الْأَمَنَهِ

و درباره من تلخی بیم از ستمگران را به شیرینی امنیّت مبدّل فرما.۷/۲۰

نوشیدن آب تلخ

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ... یُجَرِّعَنِی زُعَاقَ مَرَارَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که آب بسیار تلخِ زهرآگین را جرعه جرعه به من نوشاند.۴/۴۹

تلقین

تلقین برهان بنده به او، در خواسته و حاجتش

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِی... لَقِّنِّی فِیهَا حُجَّتِی

خداوندا خواسته من این است. حجّتم را در آن به من بفهمان.۷/۵۴

تمام کامل

تمرّد سرکشی

تمسخر مسخره

تمسّک

تمسّک جویان به قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَصِمُ بِحَبْلِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان آن چنگ می زنند.۷/۴۲

امام علیه السلام ، دستاویز چنگ زنندگان

فَهُوَ... عُرْوَهُ الْمُتَمَسِّکِینَ

پس او دستاویز چنگ زنندگان است.۶۰/۴۷

ص : ۳۶۳

تمسّک جویان به ولایت ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمُ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَتِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که چنگ زنندگان به دستاویزشان و تمسّک جویان به ولایت ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

تمسّک به خداوند

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَيْكَ رَبِّ... مُعْتَصِمًا فَلَا تُسْلِمْنِی

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که چنگ زننده ام، به سوی تو گریخته ام، پس رهایم نکن.۸/۵۱

وَ تُخَلِّصُ مَنِ اعْتَصَمَ بِکَ

و هر کس را که به (رشته) تو دست آویزد، می رهانی.۱۲/۵۱

تملّق چاپلوسی

تن اندام و نیز بدن

تن آسایی کاهلی

تناقض

تناقض مذاهب، و پسندیده ترین آئین ها

وَفِّقْنِی... إِذَا تَنَاقَضَتِ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا

زمانِ تناقض آئین ها، به پسندیده ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

تنبلی کاهلی

تندرستی

نگهداری شدن توسّط خدا و سالم ماندن

إِنَّ مَنْ تَقِهِ يَسْلَمْ

همانا هر کس را که حفظ کنی، سالم می ماند.

۹/۵

إِنَّ السَّالِمَ مَنْ وَقَيْتَ

همانا سالم کسی است که تو نگهداری نمودی.

۴/۳۶

سلامتی دل ها، در ذکر عظمت الهی

وَ اجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِی ذِكْرِ عَظَمَتِكَ

و سلامتی دل های ما را در یاد بزرگی خود قرار ده.۱۴/۵

فراغت از کار، همراه با سلامتی

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد.۲/۱۱

گماشته شدن به امور سالم

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا هُوَ أَسْلَمُ

و مرا به آنچه سالم تر است، بگمار.

۱۳/۱۴

سپاس گزاری از خدا، برای تندرستی

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِیهِ مِنْ سَلَامَهِ بَدَنِی

خداوندا ترا سپاس بر تندرستی تنم که همواره از آن برخوردار هستم.۱/۱۵

توفیق اطاعت خدا، با تندرستی

قَوَّیْتَنِی مَعَهَا عَلَی مَا وَفَّقْتَنِی لَهُ مِنْ طَاعَتِکَ؟

با آن (تندرستی) بر طاعت خود توفیقم داده، توانایم گرداندی.۳/۱۵

تندرستی و گوارایی روزی ها

أَ وَقْتُ الصِّحَّهِ الَّتِی هَنَّأْتَنِی فِیهَا طَیِّبَاتِ رِزْقِکَ...

آیا وقت تندرستی که در آن روزی های پاکیزه ات را بر من گوارا نمودی؟...۳/۱۵

تندرستی و شادمانی

نَشَّطْتَنِی بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِکَ وَ فَضْلِکَ

مرا به وسیله آن (تندرستی) برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی.۳/۱۵

تندرستی بنده و گشایش الهی

وَ اجْعَلْ... سَلَامَتِی مِنْ هَذِهِ الشِّدَّهِ إِلَی فَرَجِکَ

و تندرستی ام از این سختی را به گشایشت قرار ده.۶/۱۵

شیرینی تندرستی

أَوْجِدْنِی حَلَاوَهَ الْعَافِیَهِ

مرا از شیرینی تندرستی کامیاب فرما.۶/۱۵

گوارایی سلامت

أَذِقْنِی بَرْدَ السَّلَامَهِ

گوارایی سلامتی را به من بچشان.۶/۱۵

سازگار نمودن بنده، با سلامت و تندرستی

وَ اسْتَصْلِحْنِی بِالْعَافِیَهِ

و صلاحم را با تندرستی بخواه.۳۳/۱۶

تندرستی، بهره ای از رحمت خدا

فَلَا تَجْعَلْ حَظِّی مِنْ رَحْمَتِکَ مَا عَجَّلْتَ لِی مِنْ عَافِیَتِکَ

پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده.۱/۱۸

بلا و گرفتاری شدن تندرستی، برای بنده

وَ إِنْ یَکُنْ مَا ظَلِلْتُ فِیهِ، أَوْ بِتُّ فِیهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِیَهِ بَیْنَ یَدَیْ بَلَاءٍ لَا یَنْقَطِعُ... فَقَدِّمْ لِی مَا أَخَّرْتَ، وَ أَخِّرْ عَنِّی مَا قَدَّمْتَ

و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز و آنچه از من پیش انداخته ای، پس انداز.

۲/۱۸

بلا و عافیت

فَامْنُنْ عَلَیَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَافِیَهِ

پس پیش از گرفتاری، با تندرستی بر من منّت گذار.۲۰/۲۰

تندرستی در عبادت

ارْزُقْنِی صِحَّهً فِی عِبَادَهٍ

مرا تندرستی در عبادت، روزی فرما.

۲۷/۲۰

اجابت درخواست بنده، در تندرستی و گرفتاری

وَ لَا تَجْعَلْنِی... آیِسًا مِنْ إِجَابَتِکَ لِی وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّی، فِی سَرَّاءَ کُنْتُ أَوْ ضَرَّاءَ، أَوْ شِدَّهٍ أَوْ رَخَاءٍ، أَوْ عَافِیَهٍ أَوْ بَلَاءٍ

و مرا ناامید از اجابتت - گرچه دیر شود - قرار نده، در خوشی باشم یا سختی، یا تنگی یا فراخی، یا تندرستی یا گرفتاری.۸/۲۱

رضای الهی و تندرستی بنده

خُذْ لِنَفْسِکَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِی فِی عَافِیَهٍ

رضای خود را از من در حال عافیت دریافت نما.۱/۲۲

نعمت تندرستی و بیماری

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ فِی الْیُسْرِ وَ الْعُسْرِ وَ الصِّحَّهِ وَ السَّقَمِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در آسانی و سختی و تندرستی و بیماری به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما.۱۱/۲۲

فروبردن بنده، در تندرستی

جَلِّلْنِی عَافِیَتَکَ

مرا با عافیتت فراگیر.۱/۲۳

نگاه داشتن بنده، به تندرستی

حَصِّنّی بِعَافِیَتِکَ

به عافیتت حفظم کن.۱/۲۳

عطا کردن و بخشیدن تندرستی، به بنده

تَصَدَّقْ عَلَیَّ بِعَافِیَتِکَ، وَ هَبْ لِی عَافِیَتَکَ

عافیتت را به من صدقه ده و عافیتت را به من ببخش.۱/۲۳

بی نیاز شدن بنده، با تندرستی

أَغْنِنِی بِعَافِیَتِکَ

مرا به عافیتت بی نیاز فرما.۱/۲۳

گستراندن تندرستی، برای بنده

أَفْرِشْنِی عَافِیَتَکَ

عافیتت را برایم بگستران.۱/۲۳

سامان دادنِ تندرستی، برای بنده

أَصْلِحْ لِی عَافِیَتَکَ

عافیت را بر من سامان ده.۱/۲۳

جدایی نینداختن بین بنده و تندرستی

لَا تُفَرِّقْ بَیْنِی وَ بَیْنَ عَافِیَتِکَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی نینداز.۱/۲۳

گرامی ساختن بنده، به تندرستی

أَکْرِمْنِی بِعَافِیَتِکَ

به عافیت گرامی ام دار.۱/۲۳

پوشاندن لباس عافیت، به بنده

أَلْبِسْنِی عَافِیَتَکَ

لباس عافیت را بر من بپوشان.۱/۲۳

اسْتُرْنِی بِسِتْرِ عَافِیَتِکَ تَفَضُّلًا

با فضل خویش، مرا به پرده عافیت بپوشان.

۲۱/۳۱

أَلْبِسْنَا فِیهِ جُنَنَ الْعَافِیَهِ

در آن (ماه) پوشش های عافیت را به ما بپوشان.۷/۴۳

سَرْبِلْنِی بِسِرْبَالِ عَافِیَتِکَ، وَ رَدِّنِی رِدَاءَ مُعَافَاتِکَ

لباس عافیت خود را به من بپوشان و ردای تندرستی ات را بر تنم کن.۱۱۲/۴۷

کَمْ مِنْ... عَافِیَهٍ أَلْبَسْتَهَا

چه بسیار (جامه های) تندرستی ای که (بر من) پوشاندی.۱۱/۴۹

وَ إِنْ تَعْفُ عَنِّی فَقَدِیمًا شَمَلَنِی عَفْوُکَ، وَ أَلْبَسْتَنِی عَافِیَتَکَ

و اگر از من درگذری، پس از دیرزمانیست که بخشایشت مرا فراگرفته و عافیت خویش را بر من پوشانده ای.۴/۵۰

تندرستی ای، با ویژگی های خاص

عَافِنِی عَافِیَةً کَافِیَةً شَافِیَةً عَالِیَةً نَامِیَةً، عَافِیَةً تُوَلِّدُ فِی بَدَنِی الْعَافِیَةَ، عَافِیَةَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

به من عافیت ده. عافیتی کافی، بهبودی بخش، عالی و روزافزون. عافیتی که در جسمم عافیت زایَد، عافیت دنیا و آخرت.۲/۲۳

تندرستی و سلامتی در دین و بدن

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ وَ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَهِ فِی دِینِی وَ بَدَنِی

و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم بر من منّت گذار.۳/۲۳

سالم داشتن تن فرزندان، برای والدین

إِلَهِی... أَصِحَّ لِی أَبْدَانَهُمْ وَ أَدْیَانَهُمْ وَ أَخْلَاقَهُمْ

خداوندا بدن و دین و اخلاقشان را برای من سالم بدار.۲/۲۵

عافیت بخشیدن به جان و اندام فرزندان

عَافِهِمْ فِی أَنْفُسِهِمْ وَ فِی جَوَارِحِهِمْ وَ فِی کُلِّ مَا عُنِیتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ

آنان را در جان و اعضا و کارهایشان – که برای من مهم است – تندرستی ده.۲/۲۵

مجاهد مسلمان، و عافیت و سلامتی

تَوَلَّهُ بِالْعَافِیَهِ، وَ أَصْحِبْهُ السَّلَامَهَ

تندرستی اش را به عهده گیر و رهایی از آفت ها را، همراهش فرما.۱۴/۲۷

توبه و سلامتی (از معاصی)

فَاجْعَلْ تَوْبَتِی هَذِهِ... تَوْبَهً مُوجِبَهً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَ السَّلَامَهِ فِیما بَقِیَ

پس این توبه ام را توبه ای سبب محو آنچه گذشته و سلامتی در آنچه مانده است، گردان.

۲۰/۳۱

سالم ماندن اندام، از کیفرهای الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهً تَسْلَمُ بِهَا کُلُّ جَارِحَهٍ عَلَی حِیَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِکَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم مانَد.۲۲/۳۱

عافیت الهی، پوششی از رسوایی های گناهان

وَ کَبَائِرِ ذُنُوبٍ اجْتَرَحْتُهَا، کَانَتْ عَافِیَتُکَ لِی مِنْ فَضَائِحِهَا سِتْرًا

و گناهان بزرگی انجام داده ام که عافیت داشتن تو از رسوایی های آن، برای من پوششی گردید.

۱۸/۳۲

سبب متمایل شدن به راه خلافِ عافیت

لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ... نَجْنَحَ إِلَی الَّتِی هِیَ... أَقْرَبُ إِلَی ضِدِّ الْعَافِیَهِ

ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و به آنچه که به ضدّ عافیت نزدیک تر است، تکیه نماییم.۳/۳۳

عافیت بخشیدن به بنده، پس از آگاهی

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی... مُعَافَاتِکَ بَعْدَ خُبْرِکَ

خداوندا سپاس تو را، بر عافیت بخشی ات پس از آگاهی ات.۱/۳۴

اثر عافیت بخشیدن به بندگان

کَانَتْ عَافِیَتُکَ لَنَا حِجَابًا دُونَ أَبْصَارِهِمْ

عافیت بخشیدن تو برای ما پرده ای پیش چشمانشان قرار داد.۲/۳۴

تفضّل الهی و عافیت بخشی به آفریدگان

فَکُلُّ الْبَرِیَّهِ... شَاهِدَهٌ بِأَنَّکَ مُتَفَضِّلٌ عَلَی مَنْ عَافَیْتَ

پس همه آفریدگان گواهند که تو هر که را عافیت بخشی، به فضل رفتار نموده ای.۸/۳۷

قرآن و رسیدن به جایگاه سلامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سُلَّمًا نَعْرُجُ فِیهِ إِلَی مَحَلِّ السَّلَامَهِ

و قرآن را نردبانی برای عروجمان به محل سلامت، قرار ده.۸/۴۲

ماه نو، ماه سلامتی از بدی ها

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ... سَلَامَهٍ مِنَ السَّیِّئَاتِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سلامتی از بدی ها قرار دهد.۵و۴/۴۳

ماه نو، ماه سلامت و اسلام

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ... سَلَامَهٍ وَ إِسْلَامٍ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سلامت و اسلام قرار دهد.۵و۴/۴۳

رمضان، ماه سلامت و بی گزند

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ

درود بر تو ماهی که از هر چیز سلامت است.

۳۴/۴۵

سرای سلامت (بهشت)

اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِی دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِکَ، یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

ما را به همراه آنان در خانه سلامتی (بهشت) قرار ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین

مهربانان.۶۵/۴۷

درخواست تندرستی، از خداوند

اجْمَعْ لِیَ... الْمُعَافَاهَ وَ الصِّحَّهَ وَ السَّعَهَ وَ الطُّمَأْنِینَهَ وَ الْعَافِیَهَ

سلامتی و تندرستی و فراخی و آرامش و عافیت را، برایم فراهم ساز.۱۳۰/۴۷

فراوان ساختن بهره بنده، از تندرستی

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ خَیْرٍ أَوْ عَافِیَهٍ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداونـدا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی یا عافیت قسـمت می نمایی، بهره و نصـیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

چشاندن طعم تندرستی، به بنده

أَذِقْنِی طَعْمَ الْعَافِیَهِ إِلَی مُنْتَهَی أَجَلِی

طعم عافیت را تا پایان مدّت زندگی ام به من بچشان.۱۴/۴۸

عافیت تن بنده، در حاجت درخواست شده از خدا

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِی... عَافِ فِیهَا جَسَدِی

خداوندا خواسته من این است. تنم را در آن عافیت بخش.۷/۵۴

ص : ۳۶۹

از خدا درخواست نمودن سلامتی از:

أ. آنکه بنده را می ترساند

هَبْ لِی... سَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِی

مرا از آنکه تهدیدم نمود، سلامتی بخش.

۸/۲۰

ب. حسد

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان.

۱۲/۲۲

ج. فریب آرزو

سَلِّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ

ما را از فریبش سلامتی ده.۲/۴۰

د. اندیشه های وسوسه انگیز در دل

وَ احْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّهِ ضَمَائِرِنَا

و با آن، خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار.۱۱/۴۲

هـ. آنچه غلامان و کنیزان به آن دچارند

وَ عَافِنِی مِمَّا ابْتَلَیْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَبِیدِکَ وَ إِمَائِکَ

و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن مبتلا نموده ای، عافیت بخش.۱۰۵/۴۷

تنگ دستی فقر

فرو نریختنِ شکوه بنده، با تنگ دستی

لَا تَبْتَذِلْ جَاهِی بِالْإِقْتَارِ

شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز.۲۶/۲۰

اجابت درخواست بنده، در تنگ دستی و توانگری

وَ لَا تَجْعَلْنِی... آیِسًا مِنْ إِجَابَتِکَ لِی وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّی، فِی... جِدَهٍ أَوْ لَأْوَاءَ

و مرا ناامید از اجابتت - گرچه دیر شود - قرار نده، در توانگری باشم یا تنگدستی.۸/۲۱

والدین و تنگ دستی

أَیْنَ إِقْتَارُهُمَا عَلَی أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوْسِعَهِ عَلَیَّ؟!

تنگی هایی که آن دو (پدر و مادرم) برای گشایش من بر خود گرفته اند، چه می شود؟

۱۰/۲۴

تنگی

تنگ ساختن جای فرشتگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُزَاحِمُ بِهِ مَلَائِکَتَهُ الْمُقَرَّبِینَ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، جا را بر فرشتگان مقرّب تنگ نماییم.۱۶و۱۰/۱

ص : ۳۷۰

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، و تنگی و سختی در زندگی

وَ اشْکُرْهُمْ عَلَی... خُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَهِ الْمَعَاشِ إِلَی ضِیقِهِ

و ایشان را به خاطر آنکه از زندگی راحت به سختی افتادند، پاداش عنایت کن.۸/۴

ضیق نبودن کرم الهی

أَنَّ کَرَمَکَ لَا یَضِیقُ عَنْ سُوءَالِ أَحَدٍ

همانا بخشش تو از درخواست کسی تنگ نمی گردد.۱۹/۱۳

ضیق نبودن احسان خداوند

فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِکَ... فَلَا یَضِیقَنَّ عَنِّی فَضْلُکَ

پس این جایگاهِ پناهنده شده به توست. پس مبادا فضل تو از من تنگی نماید.۱۵/۳۲

تنگی رحِم مادر

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِینًا مِنْ صُلْبٍ مُتَضَایِقِ الْعِظَامِ... إِلَی رَحِمٍ ضَیِّقَهٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده، به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی.۲۳/۳۲

تنگی سوراخِ مهره های پشت

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِینًا مِنْ صُلْبٍ... حَرِجِ الْمَسَالِكِ إِلَی رَحِمٍ ضَیِّقَهٍ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با راه های تنگ به سوی رحمی تنگ، سرازیر نمودی.۲۳/۳۲

رحمت الهی و فراخ گرداندن تنگی لحد

وَ افْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِکَ فِی ضِیقِ مَلَاحِدِنَا

و به رحمتت، تنگی لحدهایمان را برای ما گشاد گردان.۱۴/۴۲

تنهایی

خدا، فریادرس هر تنها

یَا غَوْثَ کُلِّ مَخْذُولٍ فَرِیدٍ

ای فریادرس هر خوارشده تنها.۴/۱۶

خدا، کفایت کننده تنها و ناتوان

اللَّهُمَّ یَا کَافِیَ الْفَرْدِ الضَّعِیفِ

خداوندا ای کفایت کننده (شخص) تنهای ناتوان.۱/۲۱

خطاکاری، و تنها ماندن

أَفْرَدَتْنِی الْخَطَایَا فَلَا صَاحِبَ مَعِی

خطاها مرا تنها گردانده و همراهی ندارم.

۱/۲۱

تنها گذاردن بنده

مَنْ يُسَاعِدُنِی وَ أَنْتَ أَفْرَدْتَنِی؟

چه کسی مرا یاری دهد، در حالی که تو مرا تنها گذاشته ای؟۲/۲۱

خدا، تنها برآورنده حاجت بنده

... بَلْ تَفَرَّدْ بِحَاجَتِی

...بلکه درخواستم را به تنهایی روا کن.

۲/۲۲

خدا، برگزیننده تنهایی برای خود

وَحْدَکَ لَا شَرِيکَ لَکَ

یگانه و بی شریکی.۱۲/۲۲

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ

تویی خدایی که معبودی جز تو نیست. تنهای بی نظیر.۳/۴۷

خدا، تنها کارگزار سختی های مرزداران

تَوَحَّدْ بِکِفَايَهِ مُوءَنِهِمْ

سنگینی هایشان را به تنهایی کفایت فرما.

۲/۲۷

مسلمانان و تنهایی گزیدن با خدا

وَ فَرِّغْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِکَ، وَ عَنْ مُنَابَذَتِهِمْ لِلْخَلْوَهِ بِکَ حَتَّی لَا يُعْبَدَ فِی بِقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرُکَ

و خاطرشان را از سرگرمیِ به جنگ با دشمن،

برای عبادت خویش و کارزار با آنان، برای خلوت با خودت آسوده ساز، تا در همه جای زمین، جز تو پرستش نشود.۷/۲۷

رحم خدا، به تنهایی بنده

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَحْدَتِی بَیْنَ یَدَیْکَ

خداوندا، پس به تنهایی ام در برابرت، رحم فرما.۲۳/۳۱

شیطان، و تنها رها کردن بنده، در بیابان گمراهی

فَأَصْحَرَنِی لِغَضَبِکَ فَرِیدًا

پس مرا تنها در بیابان خشمت رها نمود.

۱۳/۳۲

به تنهایی (احسان و نیکی کردن) خدا، به بنده

تَوَحَّدْنِی بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ وَفَی بِعَهْدِکَ

تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که به عهد تو وفا کرده.

۸۸/۴۷

تنها به سر بردن بنده، به مناجات با خدا

وَ زَیِّنْ لِیَ التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِکَ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ

و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیارا.۱۱۰/۴۷

تنها به سر بردن (و خلوت کردن) با خدا

وَ ضَعْنِی إِذَا خَلَوْتُ بِکَ

و چون با تو خلوت کردم، مرا فروتن گردان.

۱۱۸/۴۷

تنهایی، و شب زنده داری برای خدا

اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ، وَ تَفَرُّدِی بِالتَّهَجُّدِ لَکَ

شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و تنها بودنم به شب زنده داری برای تو، آباد گردان.

۱۲۳/۴۷

تنهایی، و آزمایشِ فسادانگیز

لَا تُحْبِطْ... خَلَوَاتِی بِمَا یَعْرِضُ لِی مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِکَ

تنهایی هایم را با آزمایش های فسادانگیزت که برایم آشکار می شود، باطل نکن.۱۳۱/۴۷

بینایی خدا به تنهایی بنده، در برابر دشمن

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی... وَحْدَتِی فِی کَثِیرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِی

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیانِ) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده، مشاهده کردی.۵/۴۹

تنها گذاشتن دشمن

وَ صَیَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِیدٍ وَحْدَهُ

و پس از آنکه در گروهی بسیار بود، او را تنها گذاشتی.۶/۴۹

تواضع فروتنی

توانایی

توانایی، عامل برتری انسان بر آفریدگان

جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَهَ بِالْمَلَكِهِ عَلَی جَمِیعِ الْخَلْقِ

با دادن قدرت به ما، (ما را) بر همه آفریدگان برتری داد.۱۸/۱

ناتوانی امّت مسلمان و برداشتن وظیفه از آنها

لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَهَ لَنَا بِهِ

از (دوش) ما آنچه به آن طاقت نداریم برداشته.۲۳/۱

تکلیف و توان

لَمْ یُکَلِّفْنَا إِلَّا وُسْعًا

(خداوند) جز به اندازه توان، بر ما تکلیف ننموده.۲۳/۱

قدرت و توانایی خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ... بِقُدْرَتِهِ الَّتِی لَا تَعْجِزُ عَنْ شَیْءٍ وَ إِنْ عَظُمَ

ص : ۳۷۳

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد، به قدرتش که از چیزی - اگر چه بزرگ باشد - ناتوان نیست.۱/۲

نرهیدن چیزی، از قدرت و توانایی خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ... بِقُدْرَتِهِ الَّتِی... لَا یَفُوتُهَا شَیْءٌ وَ إِنْ لَطُفَ

سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد، به قدرتش که چیزی - اگر چه خرد باشد - از او رهایی نمی یابد.۱/۲

توانایی محمّد صلی الله علیه و آله ، به یاری خدا

فَنَهَدَ إِلَیْهِمْ... مُتَقَوِّیًا عَلَی ضَعْفِهِ بِنَصْرِکَ

پس با قوّت بخشیدن ضعف خود به کمک تو، به سوی آنان تاخت.۱۹/۲

بی نیازی بی نیازان، به فضل قوّه الهی

اللَّهُمَّ إِنَّمَا یَکْتَفِی الْمُکْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِکَ

خداوندا به درستی که بی نیازان به فزونی نیروی تو بی نیاز می شوند.۱۱/۵

فراگیر بودن توانایی خداوند

یَحْوِینَا مُلْکُکَ وَ سُلْطَانُکَ

سلطه و فرمانروایی توست که ما را فرامی گیرد.

۱۰/۶

خشم الهی و سست نمودن توان بندگان

أَوْهِنْ قُوَّتَنَا عَمَّا یُسْخِطُکَ عَلَیْنَا

توانمان را از کاری که تو را بر ما خشمگین می سازد سست کن.۳/۹

توانایی خدا و جنبش بنده

فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِکَ

پس جنبشی برای ما جز به قدرت تو نیست.

۵/۹

توانایی دادن به بنده، با یاری کردنش

وَ لَا قُوَّهَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِکَ

و نیرویی برای ما جز به یاری تو نیست.

۵/۹

یَا مُوءَیِّدِی بِالنَّصْرِ

ای نیرودهنده با یاری نمودن.۷/۵۱

توانا ساختن بنده بر اطاعت خدا، هنگام تندرستی

قَوَّیْتَنِی مَعَهَا عَلَی مَا وَفَّقْتَنِی لَهُ مِنْ طَاعَتِکَ

با آن (تندرستی) بر طاعت خود توفیقم داده، توانایم گرداندی.۳/۱۵

قرار گرفتن آفریدگان، در قدرت الهی

أَنْتَ الَّذِی اتَّسَعَ الْخَلَائِقُ کُلُّهُمْ فِی وُسْعِهِ

تویی آنکه همه آفریدگان در گستره قدرتش گنجیده اند.۱۰/۱۶

ص : ۳۷۴

توانایی خدا و روا ساختن درخواست بنده

إِنَّ ذَلِکَ لَا یَضِیقُ عَلَیْکَ فِی وُسْعِکَ، وَ لَا یَتَکَأَّدُکَ فِی قُدْرَتِکَ

به درستی که این (خواسته های من) در برابر گستره توانایی ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرتت سخت نمی باشد.۳۴/۱۶

فَإِنَّ ذَلِکَ لَا یَضِیقُ عَلَیْکَ فِی وُجْدِکَ، وَ لَا یَتَکَأَّدُکَ فِی قُدْرَتِکَ

پس به درستی که این (کار) در برابر دارایی ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرتت بر تو سخت نمی باشد.۱۶/۴۹

توانا ساختن بنده، هنگام درماندگی اش

اجْعَلْ... أَقْوَی قُوَّتِکَ فِیَّ إِذَا نَصِبْتُ

قوی ترین توانایی ات را در من، هنگامی که درمانده شدم قرار ده.۱۱/۲۰

تبدیل القائات شیطانی، به تفکّر در قدرت الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ فِی رُوعِی... تَفَکُّرًا فِی قُدْرَتِکَ

خداوندا به جای آنچه شیطان در دل من می افکند، اندیشه در قدرتت را قرار ده.۱۳/۲۰

نبودِ نیرودهنده ای برای بنده، در برابر خشم خدا

ضَعُفْتُ عَنْ غَضَبِکَ فَلَا مُوءَیِّدَ لِی

در برابر خشم تو ناتوان شده ام و یاری دهنده ای ندارم.۱/۲۱

توانا ساختن دل بنده، به رغبت داشتن به سوی خدا

فَرِّغْ قَلْبِی لِمَحَبَّتِکَ... وَ قَوِّهِ بِالرَّغْبَهِ إِلَیْکَ

دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به رغبت به سوی خود، توانایی ده.۱۰/۲۱

توانایی یافتن بر اطاعت از فرمان خدا

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الْقُوَّهِ عَلَی مَا أَمَرْتَنِی بِهِ مِنْ طَاعَتِکَ

و با تندرستی و توانایی بر انجام طاعتت – که مرا به آن فرمان داده ای – بر من منّت گذار.۳/۲۳

پناه بردن به خدا، از ناتوان و توانا

أَعِذْنِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ ضَعِیفٍ وَ شَدِیدٍ

مرا از شرّ هر ناتوان و توانا پناه ده.۶/۲۳

توانمندی فرزندان

إِلَهِی... قَوِّ لِی ضَعِیفَهُمْ

خداوندا ناتوانشان را برایم نیرومند نما.

۲/۲۵

توانمند ساختن تدبیر مسلمانان

اللَّهُمَّ وَ قَوِّ بِذَلِکَ مِحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

ص : ۳۷۵

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوّت بخش.۷/۲۷

تهی ساختن تن مشرکان، از توانایی

اللَّهُمَّ أَخْلِ... أَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّهِ

خداوندا، تن هایشان را از قوّت تهی دار.

۱۱/۲۷

توانمندی جنگجویان اسلام

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِکَ، أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ... فَلَقِّهِ الْيُسْرَ... وَ ارْزُقْهُ الشِّدَّهَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد و هر مجاهدی که با ایشان جهاد نماید، پس او را با آسانی روبرو کن و نیرومندی را روزی اش نما.۱۴و۱۳/۲۷

خدا دارای قدرت کامل و کمال توانایی

لَکَ يَا إِلَهِی... مَلَکَهُ الْقُدْرَهِ الصَّمَدِ، وَ فَضِيلَهُ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّهِ

خداوندا تسلّط قدرتِ همیشگی و کمال توان و نیرو، از آنِ توست.۱۰/۲۸

جهل بنده به توانایی خدا بر او

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِيطًا، وَ تَعَاطَى مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيرًا. کَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِکَ عَلَيْهِ

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام

داده. مانند نادان به قدرت تو بر خودش.

۷و ۶/۳۱

توانا شدن بنده، به توانایی بی نیازکننده

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ... لَا اسْتِمْسَاکَ بِی عَنِ الْخَطَايَا إِلَّا عَنْ قُوَّتِکَ، فَقَوِّنِی بِقُوَّهٍ کَافِيَهٍ

خداوندا جز به قدرت تو، خودداری از خطاها برایم ممکن نیست. پس با قوّتِ کافی، مرا قوی ساز.۱۹/۳۱

وانگذاشتن بنده، به قدرت و توان خود

لَوْ تَكِلْنِی یَا رَبِّ فِی تِلْکَ الْحَالَاتِ إِلَی حَوْلِی، أَوْ تَضْطَرُّنِی إِلَی قُوَّتِی لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّی مُعْتَزِلًا، وَ لَكَانَتِ الْقُوَّهُ مِنِّی بَعِیدَهً

و ای پروردگار من، اگر مرا در آن احوال به توانایی خودم وامی گذاردی یا مرا ناگزیر می ساختی، به نیروی خود پناه برم؛ همانا توان از من کناره می گرفت و نیرو از من دور می شد.

۲۵/۳۲

لَا تَكِلْنِی إِلَی حَوْلِی وَ قُوَّتِی دُونَ حَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ

مرا به توانایی و نیروی خودم بدون توانایی و نیروی خودت وامگذار.۱۱۳/۴۷

ناتوانی آتش دوزخ، از سبک کردن خود

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... لَا تَقْدِرُ عَلَی التَّخْفِیفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَ اسْتَسْلَمَ إِلَیْهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که

ص : ۳۷۶

قادر بر سبک کردن (شعله ها) از کسی که برایش فروتنی نماید و تسلیم او گردد، نیست.

۳۰و۲۹/۳۲

توان خداوند و توان بنده

مَلَکْتَ - یَا إِلَهِی - أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ یَمْلِکُوا عِبَادَتَکَ

ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند.۷/۳۷

توانایی بر اطاعت خدا، با خوردن رزق او

لَمْ تَسُمْهُ الْقِصَاصَ فِیما أَکَلَ مِنْ رِزْقِکَ الَّذِی یَقْوَی بِهِ عَلَی طَاعَتِکَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی.۱۳/۳۷

قدرت خدا و آفرینش بشر

...لَکِنْ أَنْشَأْتَهَا إِثْبَاتًا لِقُدْرَتِکَ عَلَی مِثْلِهَا

...بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود.۷/۳۹

توانایی دادن به آل محمّد صلی الله علیه و آله (بر فهم قرآن)

وَ قَوَّیْتَنَا عَلَیْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ یُطِقْ حَمْلَهُ

و ما را بر (دریافت) آن قوّت دادی، تا بدین سبب بر کسی که طاقت تحمّل آن را نداشت، رفعت

بخشی.۵/۴۲

محمّد صلی الله علیه و آله ، تواناترین پیامبر

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِیَّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِیِّینَ مِنْکَ مَجْلِسًا، وَ أَمْکَنَهُمْ مِنْکَ شَفَاعَهً

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود و تواناترین شفاعت کنندگان ایشان قرار ده.۱۸/۴۲

توانی نیست، جز به یاری خداوند

لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ

هیچ حرکت و نیرویی نیست، مگر به یاری خداوند بلندمرتبه بزرگ.۲۵/۴۶

توانایی نداشتن تسلّط و غلبه ای، بر تسلّط الهی

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ یَقُمْ لِسُلْطَانِکَ سُلْطَانٌ

تویی آنکه در برابر سلطه و غلبه ات، سلطه و قدرتی، توانایی ندارد.۱۶/۴۷

توانایی بسیار خداوند

سُبْحَانَکَ مِنْ مَلِیکٍ مَا أَمْنَعَکَ

پاک و منزّهی! ای پادشاه که شکست ناپذیری!

۲۴/۴۷

توانایی بخشیدن به بازوی ولیّ خدا

ص : ۳۷۷

وَ قَوِّ عَضُدَهُ

و بازویش را قوّت ده.۶۱/۴۷

ولیّ خدا و تواناترین تکیه گاه

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِیِّکَ شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیْهِ... وَ أَعِنْهُ بِرُکْنِکَ الْأَعَزِّ

خداونـدا، پس به ولیّ خود، شـکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما و او را به تواناترین تکیه گاه (نیروی) خود، یاری فرما.۶۱/۴۷

عدم بخشش الهی، در صورت عدم طاقت بنده

وَ لَا تَمْنِحْنِی بِمَا لَا طَاقَةَ لِی بِهِ فَتَبْهَظَنِی مِمَّا تُحَمِّلُنِیهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِکَ

و آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از بار گران دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی.۱۰۲/۴۷

توانا نساختن دشمن، بر بنده

لَا تُمَکِّنْهُ مِنْ عُنُقِی

او را بر من توانا نساز.۱۴/۴۸

خدا، توانایی مغلوب نشدنی

فَلَکَ الْحَمْدُ إِلَهِی مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ

پس خدای من، سپاس برای توست. توانایی که شکست نمی خورد.۱۴/۴۹

مصون نماندن تکذیب کننده توانایی خدا، از او

لَا یَمْتَنِعُ مِنْکَ مَنْ کَذَّبَ بِقُدْرَتِکَ

کسی که قدرت تو را تکذیب نمود، نمی تواند خود را از تو بازدارد.۳/۵۲

شگفت از شدت توانایی خداوند

سُبْحَانَکَ مَا... أَشَدَّ قُوَّتَکَ

پاک و منزّهی! چه شدید است قدرت تو!

۴/۵۲

سست بودن توانایی بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ سُوءَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ... سُوءَالَ مَنْ لَا یَجِدُ... لِضَعْفِهِ مُقَوِّیًا... غَیْرَکَ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و نیرویش ضعیف است. درخواست کسی که نیرودهنده ای برای ضعفش جز تو نمی یابد.۳/۵۴

خدا، توانا بر:

أ. آفرینش خلق

ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا

به قدرت خویش آفریدگان را بی هیچ نمونه ای آفرید.۳/۱

ب. فرمانبری مخلوقات از انسان

ص : ۳۷۸

فَكَلَّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ

پس به قدرت او، همه آفریدگانش برای ما فرمانبردارند.۱۸/۱

ج. منّت گذاشتن بر امّت مسلمان، به وجود محمّد صلی الله علیه و آله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ... بِقُدْرَتِهِ الَّتِی لَا تَعْجِزُ عَنْ شَیْءٍ وَ إِنْ عَظُمَ

سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد، به قدرتش که از چیزی - اگر چه بزرگ باشد - ناتوان نیست.۱/۲

د. آفرینش شب و روز

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ اللَّیْلَ وَ النَّهَارَ بِقُوَّتِهِ

سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید.۱/۶

هـ. فرق گذاشتن بین شب و روز

مَیَّزَ بَیْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ

به قدرت خویش بین آن دو فرق گذاشت.

۲/۶

و. آسان شدن کارهای دشوار

ذَلَّتْ لِقُدْرَتِکَ الصِّعَابُ

سختی ها به توانایی تو آسان شد.۲/۷

ز. انجام شدن قضا

جَرَی بِقُدرَتِکَ الْقَضَاءُ

تقدیر به قدرت تو اجرا شد.۲/۷

ح. رساندن (گرفتاری) به بنده

قَدْ نَزَلَ بِی یَا رَبِّ مَا قَدْ تَکَأَّدَنِی ثِقْلُهُ... وَ بِقُدْرَتِکَ أَوْرَدْتَهُ عَلَیَّ، وَ بِسُلْطَانِکَ وَجَّهْتَهُ إِلَیَّ

ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است و تو به قدرتت آن را بر من وارد نمودی و به سلطه خویش آن را بر من فرستادی.۶و۵/۷

ط. شکست دادن تسلّط غم، از بنده

وَ اکْسِرْ عَنِّی سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِکَ

و به توانایی ات سلطه غم و اندوه را بر من بشکن.۸/۷

ی. عفو و بخشایش

فَإِنَّکَ مَلِیءٌ بِالْعَفْوِ

همانا تو بر بخشایش نمودن توانایی.

۱۵/۱۲

ک. بازداشتن ستم کننده و دشمن، از بنده

خُذْ ظَالِمِی وَ عَدُوِّی عَنْ ظُلْمِی بِقُوَّتِکَ

ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار.۶/۱۴

ص : ۳۷۹

ل. شکستن برندگی دشمن

افْلُلْ حَدَّهُ عَنِّی بِقُدْرَتِکَ

با توانایی خود برّندگی اش را از من بردار.

۶/۱۴

م. هر چیز

أَنْتَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

تو بر هر چیزی توانایی.

۵۶/۴۵، ۶/۳۳، ۳۳/۳۲، ۱۶/۱۴

۱۶/۴۹، ۲۵/۴۶

إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

بدرستی که تو بر هر چیزی توانایی.

۱۱/۴۵، ۳۰/۳۱، ۱۳/۲۱، ۳۴/۱۶

۳/۴۸

إِنَّکَ عَزِیزٌ قَدِیرٌ

به درستی که تو پیروزِ توانایی.۸/۲۳

ن. اصلاح امورِ تباهِ بنده

اللَّهُمَّ... اسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِکَ مَا فَسَدَ مِنِّی

خداوندا امور تباهم را به توانایی خود، اصلاح نما.۲/۲۰

س. روا ساختن حاجت بنده

اللَّهُمَّ فَأَطْلِبْنِی بِقُدْرَتِکَ مَا أَطْلُبُ

خداوندا پس به قدرت خویش، آنچه طلب می کنم، برایم برآور.۲۵/۲۰

وَ تَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِیَ لِی بِقُدْرَتِکَ عَلَيْهَا

و برآوردن هر درخواستی را برای من، به قدرتی که بر آن داری، به عهده گیر.۴/۴۸

ع. اصلاح نفس بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ كَلَّفْتَنِی مِنْ نَفْسِی مَا أَنْتَ أَمْلَکُ بِهِ مِنِّی، وَ قُدْرَتُکَ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ أَغْلَبُ مِنْ قُدْرَتِی

خداوندا مرا - درباره (اصلاح) نفسم - به کاری گماشتی که تو از من به آن تواناتری و قدرت تو بر آن و بر من، از توانایی من چیره تر است.۱/۲۲

ف. ایجاد مانع میان بنده و گناهان

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُـحَالِ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به قدرت تو میان آنها و گناهان فاصله افتاده، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

ص. یاری دادن مرزداران

اللَّهُمَّ... أَيِّدْ حُمَاتَهَا بِقُوَّتِکَ

خداوندا به قدرت خویش، نگهبانان آن (مرزها) را یاری ده.۱/۲۷

ق. آگاهی بر مشرکان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْکِ، الَّذِینَ تَخْفَی

أَسْمَاوءُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ... وَ أَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِکَ

خداوندا و همه دشـمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و دیگر امّت های مشرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است و به توانایی ات بر آنان اشراف داری.۹/۲۷

ر. بازگرداندن بنده، به آنچه خدا دوست دارد

وَ اصْرِفْنِی بِقُدْرَتِکَ إِلَی مَا أَحْبَبْتَ

و به قدرت خود، مرا به آنچه دوست داری، بازگردان.۱۷/۳۱

ش. خودداری دادن بنده، از خطا

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ... لَا اسْتِمْسَاکَ بِی عَنِ الْخَطَایَا إِلَّا عَنْ قُوَّتِکَ

خداوندا جز به قدرت تو، خودداری از خطاها برایم ممکن نیست.۱۹/۳۱

ت. آشکار ساختن خطاهای بنده

کُنْتَ... الْقَادِرَ عَلَی إِعْلَانِهَا فَوْقَ الْقَادِرِینَ

تو بیشتر از همه قدرتمندان بر آشکار کردنش قادر بودی.۲/۳۴

ث. گذشت

أَنَّکَ... أَجْرَیْتَ قُدْرَتَکَ عَلَی التَّجَاوُزِ

همانا تو قدرتت را بر گذشت، جاری

ساخته ای.۸/۴۵

خ. درخواست شده ها به درگاهش

أَنْتَ الْمَلِیءُ بِمَا رُغِبَ فِیهِ إِلَیْکَ

تو توانا بر هر آنچیزی هستی که از درگاهت خواسته شود.۲۱/۴۵

ذ. شتاب و پیش دستی نمودن

أَخَّرْتَ وَ أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلمُعَاجَلَهِ، وَ تَأَنَّيْتَ وَ أَنْتَ مَلِيءٌ بِالْمُبَادَرَهِ

با آنکه بر شتاب نمودن توانایی، (عذاب را) به تأخیر انداخته ای و با آنکه به پیش دستی کردن قادری، درنگ نموده ای.

۲۱/۴۶

ض. سخت گیری

تَغَمَّدْنِی فِیما اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی بِمَا یَتَغَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَی الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می پوشاند قادر بر سختگیری، (و) اگر بردباری اش نبود (خطاها را ظاهر می کرد).

۱۱۹/۴۷

ظ. شمارش درود بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ... وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِینَ الْأَخْیَارِ صَلَاهً لَا یَقْوَی عَلَی إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ

ص : ۳۸۱

خداونـدا، از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده خود و بر خاندان محمّد که نیکوکارانِ پاکانِ برگزیده اند، درود فرستی. درودی که جز تو کسی بر شمردن آن توانایی نداشته باشد.۳/۴۸

غ. زنده کردن مردگان

وَ هَبْ لَنَا یَا إِلَهِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجًا بِالْقُدْرَهِ الَّتِی بِهَا تُحْیِی أَمْوَاتَ الْعِبَادِ

و ما را – ای خدای من – از جانب خود به توانایی ای که با آن بندگان مرده را زنده می کنی، گشایش ده.۱۳/۴۸

أ ب. زندگی بخشیدن به سرزمین های مرده

وَ هَبْ لَنَا یَا إِلَهِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجًا بِالْقُدْرَهِ الَّتِی... بِهَا تَنْشُرُ مَیْتَ الْبِلَادِ

و ما را – ای خدای من – از جانب خود به توانایی ای که با آن سرزمین های مرده را زندگی می بخشی، گشایش ده.۱۳/۴۸

أ ج. استوار گرداندن پشت بنده

شَدَدْتَ أَزْرِی بِقُوَّتِکَ

به توانایی ات پشتم را نیرومند ساختی.

۶/۴۹

أ د. بازداشتن بنده، از نیروی حسود

فَحَصَّنْتَنِی مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِکَ

پس تو به قدرت خویش، مرا از سختی و نیروی او بازداشتی.۱۰/۴۹

ناتوانی بنده:

أ. در رسیدن به حاجاتش

اللَّهُمَّ وَ لِی إِلَیْکَ حَاجَهٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جُهْدِی

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم.۱۵/۱۳

ب. در خروج از سلطنت خداوند

لَا قُوَّهَ لِی عَلَی الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِکَ

مرا نیرویی برای خروج از سلطنت تو نیست.۶/۲۱

ج. در تجاوز از قدرت الهی

لَا أَسْتَطِیعُ مُجَاوَزَهَ قُدْرَتِکَ

نمی توانم از قدرت تو بگریزم.۶/۲۱

د. بر فقر

اللَّهُمَّ ... لَا قُوَّهَ لِی عَلَی الْفَقْرِ

خداوندا تحمّل فقر ندارم.۲/۲۲

هـ. در انجام واجبات

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ لَکَ فِی وَجْهٍ مِنْ وُجُوهِ طَاعَتِکَ أَوْ لِخَلْقٍ مِنْ خَلْقِکَ وَ إِنْ

ضَعُفَ عَنْ ذَلِکَ بَدَنِی، وَ وَهَنَتْ عَنْهُ قُوَّتِی، وَ لَمْ تَنَلْهُ مَقْدُرَتِی

و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت یا برای آفریـده ای از آفریـدگانت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه بدنم از (انجام) آن ناتوان و نیرویم از آن سست و توانایی ام به آن نرسد.

۶/۲۲

و. در مقابل خشم خدا

إِنَّ طَاقَتِی لَا تَنْهَضُ بِسُخْطِکَ

همانا طاقت من، با خشم تو برابری نمی کند.۵/۳۹

ز. از تحمّل انتقام الهی

فَإِنَّ قُوَّتِی لَا تَسْتَقِلُّ بِنَقِمَتِکَ

پس به درستی که نیروی من تاب انتقام تو را ندارد.۵/۳۹

ح. در گریز از خداوند

لَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَکُنْتُ أَنَا أَحَقَّ بِالْهَرَبِ مِنْکَ

اگر کسی می توانست از پروردگار خود بگریزد، من به گریختن از تو سزاوارتر بودم.

۳/۵۰

کَیْفَ یَسْتَطِیعُ أَنْ یَهْرُبَ مِنْکَ مَنْ لَا حَیَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِکَ؟

چگونه می تواند از تو بگریزد، آنکه جز به وسیله روزی اتْ زندگی برایش نیست؟

۱/۵۲

ط. از (تحمّل) گرمی آفتاب

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ، الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ حَرَّ شَمْسِکَ

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و

این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتابت را ندارد.۵/۵۰

ی. از (تحمّل) آتش دوزخ

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ، الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ حَرَّ شَمْسِکَ، فَکَیْفَ تَسْتَطِیعُ حَرَّ نَارِکَ؟

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتابت را ندارد، پس چگونه گرمای آتشت را توانایی دارد؟۵/۵۰

ص : ۳۸۳

ک. از (تحمّل) آواز رعد و غرّش ابر

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ... الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ صَوْتَ رَعْدِکَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی صدای غرش ابرت را ندارد.۵/۵۰

ل. از (تحمّل) بانگ خشم خدا

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ... الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ صَوْتَ رَعْدِکَ، فَکَیْفَ تَسْتَطِیعُ صَوْتَ غَضَبِکَ؟

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی صدای غرش ابرت را ندارد، پس چگونه بانگ خشمت را توانایی دارد؟

۵/۵۰

م. در پیروز شدن

أَسْأَلُکَ أَنْ تَعْفُوَ عَنِّی، وَ تَغْفِرَ لِی فَلَسْتُ بَرِیئًا فَأَعْتَذِرَ، وَ لَا بِذِی قُوَّهٍ فَأَنْتَصِرَ

از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم و دارای توانی نمی باشم تا پیروز شوم.۷/۵۱

ن. در برابر بازگرداندن فرمان خدا

لَیْسَ یَسْتَطِیعُ مَنْ کَرِهَ قَضَاءَکَ أَنْ یَرُدَّ أَمْرَکَ

کسی که حکم تو را نپسندید، نمی تواند فرمانت را بازگرداند.۳/۵۲

توانگری بی نیازی

بخشندگان، و بخشش از زیادیِ توانگری خداوند

إِنَّمَا یُعْطِی الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَتِکَ

به درستی که بخشندگان از زیادی عطا (و توانگری) تو می بخشند.۱۱/۵

برطرف ساختن نیاز بندگان، به توانگری خدا

فَاجْبُرْ فَاقَتَنَا بِوُسْعِکَ

پس نیاز ما را به توانگری خود برطرف کن.

۳/۱۰

ص : ۳۸۴

خواسته های بنده و توانگری خداوند

عَلِمْتُ أَنَّ كَثِيرَ مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرٌ فِی وُجْدِكَ

دانستم هر چه از تو زياد درخواست كنم نزد (دارايی) تو اندك است.١٩/١٣

توانگری بنده، از خداست

وَ لَا أَفْتَقِرَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وُسْعِی، وَ لَا أَطْغَيَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وُجْدِی

و (چنان كن كه) فقير نگردم، در حالی كه دارايی ام از نزد تو می باشد و سركشی نكنم، در حالی كه توانايی ام از نزد توست.١۴/٢٠

عطای توانگری به بنده، قبل از خواهش او

فَامْنُنْ عَلَیَّ... قَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَهِ

پس پيش از درخواست، با توانگری بر من منّت گذار.٢٠/٢٠

توانگری خدا و آزمايش بنده

لَا تَفْتِنِّی بِالسَّعَهِ

به توانگری آزمايشم مكن.٢٢/٢٠

حفظِ آبروی بنده، به توانگری

اللَّهُمَّ... صُنْ وَجْهِی بِالْيَسَارِ

خداوندا آبرويم را با توانگری حفظ كن.

٢۶/٢٠

روا ساختن درخواست بنده، در توانگری و تنگ دستی اش

وَ لَا تَجْعَلْنِی... آيِسًا مِنْ إِجَابَتِكَ لِی وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّی، فِی... جِدَهٍ أَوْ لَأْوَاءَ

و مرا نااميد از اجابتت – گرچه دير شود – قرار نده، در توانگری باشم يا تنگ دستی.

توانگری خدا و گشودن دست بنده

بِسَعَتِکَ فَابْسُطْ یَدِی

به توانگری ات گشاده دستم گردان.۴/۲۲

توانگر و بخشنده بودن خداوند

فَإِنَّکَ وَاسِعٌ کَرِیمٌ

زیرا تو توانگرِ بخشنده ای.۲۸/۴۸، ۷/۲۲

توانگری نسبت به همسایگان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... الْعَوْدِ عَلَیْهِمْ بِالْجِدَهِ وَ الْإِفْضَالِ

آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در رسیدگی با ثروت و بخشش فراوان به آنان، توفیق ده.۲/۲۶

رهاندن بنده از ذلّت وام، با توانگری

أَجِرْنی مِنْهُ بِوُسْعٍ فَاضِلٍ أَوْ کَفَافٍ وَاصِلٍ

مرا با ثروتِ فراوان و روزیِ کافی، از آن

(قرض) نجات ده.۲/۳۰

توانگری خدا و بخششِ پاداش به بندگان

فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

شگفت از توانگری بسیار خدا

سُبْحَانَکَ مِنْ... جَوَادٍ مَا أَوْسَعَکَ

پاک و منزّهی! ای بخشنده که بسیار توانگری!

۲۴/۴۷

توانگری خدا، و چشاندن مزه فراغت به بنده

أَذِقْنِی طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةٍ مِنْ سَعَتِکَ

به وسیله توانگری ای از توانگری ات، طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری، به من بچشان.۱۲۵/۴۷

توانگری و پناه دهی خداوند

وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِهِمَا أَنْ تُعِیذَنِی مِنْ شَرِّ کَذَا وَ کَذَا، فَإِنَّ ذَلِکَ لَا یَضِیقُ عَلَیْکَ فِی وُجْدِکَ

و به وسیله آنان، به درگاهت رومی آورم که مرا از شرّ این و آن پناه دهی. پس به درستی که این (کار) در برابر توانایی ات بر تو دشوار نیست.

۱۶/۴۹

توبه

راهنمایی بندگان، به (حقیقت) توبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی دَلَّنَا عَلَی التَّوْبَهِ الَّتِی لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ

و سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را به دست نیاوردیم.۲۲/۱

پیشینیان و توبه

فَمَا هَکَذَا کَانَتْ سُنَّتُهُ فِی التَّوْبَهِ لِمَنْ کَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَهَ لَنَا بِهِ

البته روش او در (قبول) توبه، برای کسانی که پیش از ما بودند، این چنین نبوده و از (دوش) ما آنچه به آن طاقت نداریم برداشته.۲۳/۱

توبه، محبوب خداوند

صَیِّرْنَا إِلَی مَحْبُوبِکَ مِنَ التَّوْبَهِ

ما را به سوی توبه پسندیده خود ببر.۱/۹

توبه الهی (بازگشت خدا از کیفر بنده)

اللَّهُمَّ وَ مَتَی وَقَفْنَا بَیْنَ نَقْصَیْنِ فِی دِینٍ أَوْ دُنْیَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَ اجْعَلِ التَّوْبَهَ فِی أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است و بازگشت را در آنکه دوامش طولانی است قرار ده.

۲/۹

ناامید نشدن از خدا، با وجود درِ توبه

سُبْحَانَکَ، لَا أَیْأَسُ مِنْکَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لِی بَابَ التَّوْبَهِ إِلَیْکَ

پاک و منزّهی تو، از تو که درِ توبه را به رویم گشوده ای، ناامید نمی شوم.۷/۱۲

رو آوردن به خدا، با توبه خالص

تَلَقَّاکَ بِالْإِنَابَهِ، وَ أَخْلَصَ لَکَ التَّوْبَهَ

با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند.۸/۱۲

عادت کردن بندگان، به توبه پذیری خدا

یَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَهِ

ای آنکه بندگانش را به قبول پشیمانی عادت داده است.۱۰/۱۲

توبه و اصلاح تباهی های بندگان

یَا مَنِ اسْتَصْلَحَ فَاسِدَهُمْ بِالتَّوْبَهِ

ای آنکه فاسد ایشان را با توبهْ اصلاح کرده است.۱۰/۱۲

احسان الهی به توبه کننده

مَا أَنَا بِأَظْلَمِ مَنْ تَابَ إِلَیْکَ فَعُدْتَ عَلَیْهِ

من ستمکارتر از توبه کننده به درگاهت که تو به او نیکی نموده ای، نمی باشم.۱۱/۱۲

ویژگی های توبه

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ نَادِمٍ عَلَی مَا فَرَطَ مِنْهُ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که از آنچه از او سر زده، پشیمان است.۱۲/۱۲

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهَ مَنْ لَا یُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِیَهٍ

خداوندا من به درگاهت توبه می کنم، توبه کسی که نافرمانی از ذهنش نمی گذرد.۱۴/۳۱

آگاه نمودن بنده، برای توبه

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا... تَنْبِیهًا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَهِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا برای فراگرفتن توبه آگاهی باشد.۴/۱۵

پاک کردن بنده، با توبه

وَ طَهِّرْنِی بِالتَّوْبَهِ

و با توبه پاکم گردان.۳۳/۱۶

پذیرفتن توبه بنده

وَ قَدْ قُلْتَ یَا إِلَهِی فِی مُحْکَمِ کِتَابِکَ إِنَّکَ تَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبَادِکَ... فَاقْبَلْ تَوْبَتِی کَمَا وَعَدْتَ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه بندگانت را می پذیری. پس همانگونه که وعده دادی، توبه ام را بپذیر.۱۵/۳۱

ص : ۳۸۷

وَ اقْبَلْ تَوْبَتِی

و توبه ام را قبول کن.۲۹/۳۱

فَارْحَمْنِی... وَ تُبْ عَلَیَّ

پس بر من رحم کن و توبه ام را بپذیر.۷/۵۰

خدا، دوستدار توبه کنندگان

وَ قَدْ قُلْتَ یَا إِلَهِی فِی مُحْکَمِ کِتَابِکَ إِنَّکَ... تُحِبُّ التَّوَّابِینَ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه کنندگان را دوست می داری.۱۵/۳۱

یَا مُحِبَّ التَّوَّابِینَ

ای دوستدار توبه کنندگان.۳/۳۸

وفای به توبه، با عصمت الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِی بِالتَّوْبَهِ إِلَّا بِعِصْمَتِکَ

خداوندا مرا جز به نگهداری تو، وفای به توبه نیست.۱۹/۳۱

توبه شکنی و بازگشت به گناه

اللَّهُمَّ أَیُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَیْکَ وَ هُوَ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِی ذَنْبِهِ وَ خَطِیئَتِهِ، فَإِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَکُونَ کَذَلِکَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین باشم.۲۰/۳۱

توبه و نتایج آن

فَاجْعَلْ تَوْبَتِی هَذِهِ تَوْبَهً لَا أَحْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَی تَوْبَهٍ تَوْبَهً مُوجِبَهً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَ السَّلَامَهِ فِیما بَقِیَ

پس این توبه ام را توبه ای گردان که پس از آن، به توبه ای نیازمند نشوم. توبه ای سبب محو آنچه گذشته و سلامتی در آنچه مانده است.۲۰/۳۱

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهً تَسْلَمُ بِهَا کُلُّ جَارِحَهٍ عَلَی حِیَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِکَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم ماند.۲۲/۳۱

وَ اجْعَلْ... عَزْمِی عَلَی تَرْکِ مَا یَعْرِضُ لِی مِنَ السَّیِّئَاتِ تَوْبَهً تُوجِبُ لِی مَحَبَّتَکَ

و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد.۳/۳۸

توبه و پناه بردن به خدا

فَمَا کُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی... لَکِنْ لِتَسْمَعَ سَمَاوءُکَ وَ مَنْ فِیهَا وَ أَرْضُکَ وَ مَنْ عَلَیْهَا مَا... لَجَأْتُ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ التَّوْبَهِ

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمانت و هر که در آن است و زمینت و هر که بر روی آن است، توبه ای که به سبب آن به درگاهت پناه بردم را

بشنود.۲۶/۳۱

تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ... عَاذَ بِاسْتِغْفَارِکَ تَائِبًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال توبه، پناه به آمرزش خواستن از تو آورده.۸۶/۴۷

از نخستین توبه کنندگان بودن

إِنْ یَکُنِ التَّرْکُ لِمَعْصِیَتِکَ إِنَابَهً فَأَنَا أَوَّلُ الْمُنِیبِینَ

اگر ترک معصیت تو، بازگشت است، پس من نخستین بازگشت کننده ام.۲۸/۳۱

توبه و پشیمانی به سوی خدا

اللَّهُمَّ إِنْ یَکُنِ النَّدَمُ تَوْبَهً إِلَیْکَ فَأَنَا أَنْدَمُ النَّادِمِینَ

خداوندا اگر پشیمانی، توبه به درگاه توست، پس من پشیمان ترین پشیمانانم.۲۸/۳۱

پذیرش توبه گنهکاران

إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَی الْمُذْنِبِینَ

همانا تو توبه گنهکاران را می پذیری.۲۹/۳۱

ناامیدترین توبه کننده

وَ لَا أَکُنْ أَخْیَبَ عِبَادِکَ التَّائِبِینَ

و مبادا من بی بهره ترین بندگانِ توبه کننده ات باشم.۱۵/۳۲

کوشش برای توبه نابودکننده(ی بدی)

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ، وَ أَخْفَیْتَ مِنَ الدَّخِیلَهِ وَاعِظًا لَنَا... وَ سَعْیًا إِلَی التَّوْبَهِ الْمَاحِیَهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی و بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده قرار ده.۳/۳۴

رغبت به خداوند و توبه به درگاه او

إِنَّا إِلَيْکَ رَاغِبُونَ، وَ مِنَ الذُّنُوبِ تَائِبُونَ

زیرا ما به سوی تو راغب هستیم و از گناهان، توبه کننده ایم.۴/۳۴

توبه، پشیمانی از لغزش و عزمِ ترک بدی

وَ اجْعَلْ نَدَامَتِی عَلَی مَا وَقَعْتُ فِیهِ مِنَ الزَّلَّاتِ، وَ عَزْمِی عَلَی تَرْكِ مَا یَعْرِضُ لِی مِنَ السَّیِّئَاتِ تَوْبَةً تُوجِبُ لِی مَحَبَّتَکَ

و پشیمانی ام را از لغزش هایی که به آن دچار شدم، و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گرداند.۳/۳۸

مردن به همراه توبه

أَمِتْنَا... تَائِبِینَ غَیْرَ عَاصِینَ وَ لَا مُصِرِّینَ

ما را توبه کنندگانِ غیر گنهکار و اصرارنکننده، بمیران.۵/۴۰

توفیق توبه کردن، در هر ماه نو

ص : ۳۸۹

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَهِ

و ما را در آن (ماه) برای توبه توفیق ده.

۶/۴۳

کیفر معصیت کار و توبه

وَ تَلَقَّیْتَ مَنْ عَصَاکَ بِالْحِلْمِ... وَ تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ

و با کسی که نافرمانی ات را نموده، با بردباری رفتار می کنی و تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی.۹/۴۵

فرمان خدا، به توبه نصوح

تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحًا...

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص.۱۰/۴۵

توبه، دری گشوده شده به سوی عفو الهی

أَنْتَ الَّذِی فَتَحْتَ لِعِبَادِکَ بَابًا إِلَی عَفْوِکَ، وَ سَمَّیْتَهُ التَّوْبَهَ

تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده ای و آن را توبه نامیده ای.

۱۰/۴۵

توبه نمودن در روز عید فطر

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا... تَوْبَهً نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشَّکِّ وَ الِارْتِیَابِ

خداوندا ما در روزِ فطرمان به درگاه تو توبه می کنیم. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک

باشد.۵۲/۴۵

توبه کنندگان و دوستی خدا برای آنها

وَ اجْعَلْنَا عِنْدَکَ مِنَ التَّوَّابِینَ الَّذِینَ أَوْجَبْتَ لَهُمْ مَحَبَّتَکَ، وَ قَبِلْتَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَهَ طَاعَتِکَ

و ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که دوستی ات را برای آنها واجب نموده ای، و بازگشت به طاعتت را از آنان

پذیرفته ای.

۵۴/۴۵

پذیرش توبه دوستداران ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی أَوْلِیَائِهِمُ... وَ تُبْ عَلَیْهِمْ

خداوندا و بر دوستان آنها درود فرست و توبه آنان را بپذیر.۶۵و۶۴/۴۷

توبه پذیر بودن خداوند

إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ

به درستی که تویی توبه پذیرِ بسیار مهربان.

۶۵/۴۷ ،۷/۵۰

توبه و طلب قرب الهی

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَیْکَ بِمَا لَا یَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْکَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِکَ بِالْإِنَابَهِ إِلَیْکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی

جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام. سپس بازگشت به سوی تو را، در پی آن روانه ساخته ام.

۷۲/۴۷و۷۳

پذیرش توبه نصوح، از بنده

تُبْ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً، وَ لَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَ لَا سَرِيرَةً

توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاشته و با آن (گناهان) آشکار و نهان را وانگذاری.۱۲۶/۴۷

گشودن درِ توبه، به سوی بنده

افْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ...

درهای توبه ات را بر من بگشای.۱۳۲/۴۷

توبه کنان، از گناهان گریختن

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَيْكَ رَبِّ تَائِبًا فَتُبْ عَلَيَّ

پروردگار من، از آن (گناهان)، با حال توبه به سوی تو گریخته ام، پس توبه ام را بپذیر.۸/۵۱

توبه نمودن بنده از:

أ. گناهان کوچک و بزرگ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كَبائِرِ ذُنُوبِي وَ صَغَائِرِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان بزرگ و کوچکم به درگاهت توبه می کنم.

۱۴/۳۱

ب. انجام امور خلاف اراده الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ

خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته توست، به درگاهت توبه می کنم.

۲۲/۳۱

توبیخ سرزنش

توجّه روی آوری و نیز اهتمام

نبودِ دورکننده ای برای آنچه خدا متوجّه ساخته

لَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ

برای آنچه بر من فرستادی، دورکننده ای نیست.۷/۷

توجّه به غیر خدا

لَا تُوَجِّهْنِی فِی حَاجَتِی هَذِهِ وَ غَیْرِهَا إِلَی سِوَاکَ

در این حاجت و دیگر حاجتها، مرا به غیر خود متوجّه نساز.۲۲/۱۳

توجّه خدا، به درخواست های بنده

اللَّهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ مَا یُصْلِحُنِی مِنْ أَمْرِ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی فَکُنْ بِحَوَائِجِی حَفِیًّا

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را

اصلاح می کند می دانی. پس به درخواست هایم عنایت فرما.۱۰/۲۲

متوجّه گرداندن انفاق بنده، در راه خیر

وَجِّهْ فِی أَبْوَابِ الْبِرِّ إِنْفَاقِی

انفاق نمودنم را در مسیرهای خیر متوجّه ساز.

۳/۳۰

خواهش خود را به سوی خدا متوجّه گرداندن

وَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَیْکَ ثِقَةً بِکَ

با اعتماد به تو، خواهشش را به سوی تو گردانده است.۸/۳۱

توجّه رحمت الهی، بر بنده

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... تَقَرَّبَ إِلَیْکَ بِقُرْبَهٍ... عَطَفَتْ رَحْمَتَکَ عَلَیْهِ، فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

خداوندا و هر کس به وسیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسته، که رحمتت را به او برگردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

توحید

اخلاص در توحید

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا... دَلَّنَا عَلَیْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِی تَوْحِیدِهِ

و سپاس خدای را که ما را به اخلاص در یگانگی اش راهنمایی نمود.۱۰/۱

اخلاص داشتن در وحدانیّت خدا

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... أَخْلَصَ لَکَ بِالْوَحْدَانِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به یگانگی ات اخلاص ورزید، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

دشمن و اعتراف به یگانگی خدا

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِکَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِینَ حَتَّی یَکْشِفُوهُمْ إِلَی مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِی أَرْضِکَ وَ أَسْرًا، أَوْ یُقِرُّوا بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند، یا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی شریک هستی، اقرار نمایند.

۸/۲۷

خدا و یکتایی در عدد

لَکَ یَا إِلَهِی وَحْدَانِیَّهُ الْعَدَدِ

خداوندا یگانگیِ شمار از آنِ توست.۱۰/۲۸

یگانگی خداوند

إِنَّکَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ

به درستی که تو تنها یکتایی.۵/۳۵

ص : ۳۹۲

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحِّدُ الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ

تویی خدایی که معبودی جز تو نیست. یکتای یگانه تنهای بی نظیر.۳/۴۷

سُبْحَانَکَ قَضَيْتَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِکَ الْمَوْتَ مَنْ وَحَّدَکَ وَ مَنْ كَفَرَ بِکَ

پاک و منزّهی! مرگ را برای همه آفریدگانت - آنکه تو را یگانه دانست و آنکه به تو کفر ورزید - رقم زده ای.۵/۵۲

يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز، ای که نزائیده و زائیده نشده ای و برای او همتایی نبوده است.

۲/۵۴

دور گرداندن بندگان، از الحاد در توحید

وَ جَنِّبْنَا الْإِلْحَادَ فِی تَوْحِيدِکَ

و ما را از کجروی در یگانگی ات دور گردان.

۱۳/۴۴

بنده، و پیش فرستادن یگانه دانستن خدا

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو را، پیش فرستاده ام.۷۲/۴۷

قرار گرفتن در زمره یکتاپرستان

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِی مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِکَ

خداوندا و مرا از یکتاپرستان و ایمان آورندگان به خود قرار ده.۱۲/۴۸

یگانه دانستن خدا، دستاویز بنده به سوی او

وَ وَسِيلَتِی إِلَيْکَ التَّوْحِيدُ

و وسیله من به سویت یگانه دانستن توست.

۳/۴۹

توسعه گسترش

توسّل

عمل مستحبّی و توسّل بنده به خدا

وَ لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِفَضْلِ نَافِلَهٍ مَعَ کَثِیرِ مَا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ فُرُوضِکَ

و من هیچ گاه با فضیلتِ (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم.۱۸/۳۲

توشه آذوقه

توشه تقوای بندگان

ص : ۳۹۳

وَ زَوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَى ضِدَّ غَوَايَتِهِ

و بر ضدّ گمراهی او (شیطان)، ما را از پرهیزکاری توشه ده.۵/۱۷

توشه بنده، از دنیا

وَ اجْعَلْ تَقْوَاکَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِی

و پرهیزکاری را توشه من از دنیا قرار ده.

۱۱/۲۱

دشمنان و توشه آنها

وَ بَاعِدْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَزْوِدَتِهِمْ

و میان آنها و زاد و توشه اشان جدایی انداز.

۵/۲۷

توصیف

عجز از توصیف خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِی... عَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ

سپاس خدای را، همان که پندارهای وصف کنندگان از وصفش عاجز است.۲و۱/۱

وَ تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِکَ الصِّفَاتُ

و توصیف ها پیش از رسیدن به وصف تو، از هم گسیخته اند.۱۲/۴۶

توصیف حیوان صفتان، در قرآن کریم

وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِکَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ، فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِی مُحْكَمِ كِتَابِهِ: إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رومی آوردند. پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده: «آنها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه ترند.»۹/۱

شیرینی زبان بندگان، در توصیف خدا

وَ اجْعَلْ... انْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِی وَصْفِ مِنَّتِکَ

و خوش سخنی هایمان را در بیان نعمت بزرگ خود قرار ده.۱۴/۵

خدا و توصیف نمودن خود به رحمت

أَنْتَ الَّذِی وَصَفْتَ نَفْسَکَ بِالرَّحْمَهِ

تویی آنکه خود را به رحمت وصف نموده ای.

۱۸/۱۶

برنیامدن توصیف کنندگان، از وصف خدا

اللَّهُمَّ یَا مَنْ لَا یَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِینَ

خداوندا ای کسی که توصیف وصف کنندگان، او را نمی ستاید.۱/۳۱

منتهای توصیف واصفان، و پایین ترین مرتبه وصف الهی

ص : ۳۹۴

وَ لَا يَبْلُغُ أَدْنَى مَا اسْتَأْثَرْتَ بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَقْصَى نَعْتِ النَّاعِتِينَ

و آخرین وصفِ ستایندگان، به پایین ترین مرتبه ای که به خود اختصاص داده ای، نمی رسد.

۶/۳۲

توصیف جنین، در کتاب خدا

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ... کَمَا نَعَتَّ فِی کِتَابِکَ: (نُطْفَةً ثُمَّ عَلَقَةً ثُمَّ مُضْغَةً ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ کَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْمًا، ثُمَّ أَنْشَأْتَنِی خَلْقًا آخَرَ) کَمَا شِئْتَ

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خونِ بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشاندی، آنگاه مرا آنچنانکه خواستی، آفرینشی دیگر دادی.۲۳/۳۲

توصیف نشدن خدا، جز به احسان

فَتَبَارَکْتَ أَنْ تُوصَفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ

پس والاتر از آنی که جز به احسان وصف شوی.۱۶/۳۷

وصف گشتن مخلوق

وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِی دَلَلْتَ عَلَيْهِ عِبَادَکَ مِنْکَ کَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ، وَ مَنْعُوتًا بِالِامْتِنَانِ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد و به بخشندگی تعریف می گشت.۱۷/۴۵

توصیف حجّت و دلیل الهی

حُجَّتُکَ أَجَلُّ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِکُلِّهَا

حجّت تو بزرگ تر از آنست که به همه آن وصف شود.۲۳/۴۶

توفیق

توفیق دادنِ بنده، از جانب راهنماترین کس

وَ وَفِّقْنِی یَا أَهْدَی مَنْ رُغِبَ إِلَیْهِ

و مرا توفیق ده. ای راهنماترین کسی که به او رغبت شده.۱۱/۲۴

اطاعت خدا و توفیقْ یافتن در راه راست

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوَفَّقِینَ لِلْخَیْرِ وَ الرُّشْدِ وَ الصَّوَابِ بِطَاعَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفّق گشته اند، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

ص : ۳۹۵

درخواست توفیق برای همسایگان

وَ تَوَلَّنِی فِی جِیرَانِی وَ مَوَالِیَّ الْعَارِفِینَ بِحَقِّنَا... وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ

و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما هستند، یاری فرما. و آنان را برای به پا داشتن سنّتت توفیق ده.۲و۱/۲۶

پند گرفتن دوراندیش و توفیق وی

فَصَحَّ بِمُعَایَنَهِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ وَفَّقَهُ اعْتِبَارُهُ

پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتنش سبب توفیق او شد.

۷/۲۸

رسیدن به توفیق در کردار

وَ زِدْنِی مِنْ هُدَاکَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَی التَّوْفِیقِ فِی عَمَلِی

و هدایت خود را برایم بیفزا، که با آن به توفیق در عملم برسم.۱۶/۳۷

دوام توفیق

فَهَبْ لِی یَا إِلَهِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ دَوَامِ تَوْفِیقِکَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَی رِضْوَانِکَ

پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم.

۱۷/۴۹

از خدا درخواست نمودن توفیق:

أ. پذیرش مقدّرات

وَ وَفِّقْنِی لِقَبُولِ مَا قَضَیْتَ لِی وَ عَلَیَّ

خداوندا مرا توفیق ده تا آنچه بر سود و زیانم مقدّر نمودی، پذیرا باشم.۱۳/۱۴

ب. فرمانبری و پیروی از راهنما

وَ وَفِّقْنِی لِطَاعَهِ مَنْ سَدَّدَنِی، وَ مُتَابَعَهِ مَنْ أَرْشَدَنِی

و مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم گرداند و پیروی از کسی که ارشادم کرد، توفیق ده.۸/۲۰

ج. رفتار خالصانه با خیانتکار

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ غَشَّنِی بِالنُّصْحِ

و مرا توفیق ده تا با آنکه با من نادرستی نموده، از روی خیرخواهی برخورد کنم.

۹/۲۰

د. داشتن روشی پاکیزه تر

وَ وَفِّقْنِی لِلَّتِی هِیَ أَزْکَی

و مرا به پاکیزه ترین روش توفیق ده.

۱۶/۲۰

هـ. (آشنا شدن با) درست ترین کارها

وَ وَفِّقْنِی إِذَا اشْتَکَلَتْ عَلَیَّ الْأُمُورُ لِأَهْدَاهَا

و آنگاه که کارها بر من درهم گشت، به راست ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

ص : ۳۹۶

و. (انجام) پاکیزه ترین کردارها

وَفِّقْنِی... إِذَا تَشَابَهَتِ الْأَعْمَالُ لِأَزْکاهَا

هنگامی که اعمال شبیه (یکدیگر) گردید، به پاکیزه ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

ز. (پیروی از) پسندیده ترین مذاهب

وَ وَفِّقْنِی... إِذَا تَنَاقَضَتِ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا

و زمانِ تناقض آئین ها، به پسندیده ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

ح. انجام واجبات

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ لَکَ فِی وَجْهٍ مِنْ وُجُوهِ طَاعَتِکَ أَوْ لِخَلْقٍ مِنْ خَلْقِکَ

و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت یا برای آفریده ای از آفریدگانت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده.۶/۲۲

ط. انجام آنچه بنده به آن بینا شده

وَ وَفِّقْنِی لِلنُّفُوذِ فِیما تُبَصِّرُنِی مِنْ عِلْمِهِ...

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده.۳/۲۴

ی. انجام اعمال شوینده چرکی خطایا

وَ وَفِّقْنِی مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَایَا عَنِّی

و مرا به کارهایی که با آن چرکی خطاها را از من بشویی، توفیق ده.۱۳/۳۱

ک. توبه نمودن در هر ماه نو

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِلتَّوْبَهِ

و ما را در آن (ماه) برای توبه توفیق ده.

۶/۴۳

ل. انجام اموری در ماه رمضان

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَ الصِّلَهِ، وَ أَنْ نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَ الْعَطِيَّهِ، وَ أَنْ نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ، وَ أَنْ نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَوَاتِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم و با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم. و دارایی هایمان را از مظالم خالص گردانیم و آن را با بیرون کردن زکات ها پاک کنیم.۱۰/۴۴

م. (عبادت) در ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِی... وَفَّقْتَنَا بِمَنِّکَ لَهُ حِینَ جَهِلَ الْأَشْقِیَاءُ وَقْتَهُ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را برای آن به وسیله نعمتت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند.۴۳/۴۵

ص : ۳۹۷

آنچه به توفیق الهی انجام می شود:

أ. برخاستن از لغزش ها

وَ نَهَضْتُ بِتَوْفِيقِکَ مِنْ زَلَّتِی

و با توفیق تو از لغزیدنم برخاستم.

۱۶/۱۳

ب. اطاعت خداوند

قَوَّيْتَنِی مَعَهَا عَلَی مَا وَفَّقْتَنِی لَهُ مِنْ طَاعَتِکَ

با آن (تندرستی) بر طاعت خود توفیقم داده، توانایم گرداندی.۳/۱۵

ج. یاری شدن بر مخالفت با شیطان

اللَّهُمَّ... أَحْسِنْ بِتَوْفِيقِکَ عَوْنَنَا عَلَيْهِ

خداوندا به توفیق خود ما را بر ضدّ او، نیکو یاری نما.۷/۱۷

د. عطا فرمودن خواسته های بندگان

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِکَ بِتَوْفِيقِکَ وَ رَحْمَتِکَ

خداوندا به توفیق و رحمتت همه آن (درخواست ها) را به ما عطا فرما.۱۲/۲۵

هـ. رهایی یافتن از مهلکه های گنهکاران

اجْعَلْنِی أُسْوَةَ مَنْ قَدْ... خَلَّصْتَهُ بِتَوْفِيقِکَ مِنْ وَرَطَاتِ الْمُـجْرِمِينَ

مرا اسوه کسی گردان که به توفیق خود، او را از منجلاب های مجرمان، رهاندی.۱۰/۳۹

و. روزه و به پا خاستن، در ماه رمضان

وَ قَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِکَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَی تَقْصِيرٍ

و ما را –با (همه) کوتاهیْ (کردن هایمان)– توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم.۴۴/۴۵

ز. ادای حقّ الهی

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... وَفَّقْتَهُ لِحَقِّکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که برای ادای حقّ خود، به وی توفیق دادی.۶۷/۴۷

ح. نیرومند ساختن بنده

وَ أَیِّدْنِی بِتَوْفِیقِکَ وَ تَسْدِیدِکَ

و مرا به توفیق و راهنمایی ات، نیرو ده.

۱۱۳/۴۷

توکّل

بی نیاز کردن شکایت کننده متوکّل

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی... مُغْنٍ مَنْ شَکَا إِلَیْکَ، فَقْرَهُ تَوَکُّلًا؟

ای خدای من آیا تو هر کس را که از تهی دستی اش با توکّل، به سوی تو شکایت کرد، بی نیاز می سازی؟۱۵/۱۶

بازداشته نشدن کامیابان (اجابت شدگان)، با توکّل

ص : ۳۹۸

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ الْمُصْلِحِینَ بِسُوءَالِی إِیَّاکَ، الْمُنْجِحِینَ بِالطَّلَبِ إِلَیْکَ غَیْرِ الْمَمْنُوعِینَ بِالتَّوَکّلِ عَلَیْکَ

و مرا در همه آن (امور) به خاطر درخواستم از تو، از شایسته کارانی قرار ده که با درخواست از تو، کامیاب شدند. که با توکّل بر تو، (از لطفت) بازداشته نشدند.۱۰/۲۵

توکّل به بی نیازکننده ترین کس

إِنَّکَ... أَکْفَی مَنْ تُوُکِّلَ عَلَیْهِ

به درستی که تو بی نیازکننده تر کسی هستی که بر او اعتماد شده.۵۶/۴۵

روی آوردن خدا، به توکّل کننده

وَ تَلْقَی مَنْ تَوَکَّلَ عَلَیْکَ

و به کسی که بر تو اعتماد کرده، رو می آوری.

۱۲/۵۱

توکّل به خدا، و جود و بخشش او

وَ عَلَیْکَ أَتَوَکَّلُ، وَ عَلَی جُودِکَ وَ کَرَمِکَ أَتَّکِلُ

و فقط بر تو توکّل می کنم و تنها بر بخشش و بزرگواری تو دل می بندم.۱۱/۵۲

بخشیدن صدق توکّل، به بنده

وَ هَبْ لِی صِدْقَ التَّوَکُّلِ عَلَیْکَ

و توکّل راستین به خود را، به من ارزانی دار.

۴/۵۴

یقین توکّل کنندگان و توکّل مؤمنان

أَسْأَلُکَ... یَقِینَ الْمُتَوَکِّلِینَ عَلَیْکَ، وَ تَوَکُّلَ الْمُوءْمِنِینَ عَلَیْکَ

یقین توکّل کنندگان بر تو و توکّل مؤمنان بر تو را، از تو درخواست می نمایم.۵/۵۴

توهین اهانت

تهاجم حمله

تهجّد شب زنده داری

تهمت

مورد تهمت نبودن اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

وَ لَا یَتَّهِمُونَهُمْ فِیما أَدَّوْا إِلَیْهِمْ

و به آنچه آنها رساندند، تهمت نمی زنند.

۱۲/۴

تهمت نزدن پیروان اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

صَلَاهً... تَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَی... الطَّمَعِ فِیما عِنْدَکَ وَ تَرْکِ التُّهَمَهِ فِیما تَحْوِیهِ أَیْدِی الْعِبَادِ

درودی که به سبب آن ایشان را بر طمع در آنچه نزد تو است و ترک تهمت در آنچه که در دست بندگان است، برانگیزی.۱۵و۱۴/۴

متّهم نبودن خدا

...لِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مُتَّهَمٍ عَلَى خَلْقِکَ وَ لَا لِإِرَادَتِکَ

...برای اینکه تو به آن داناتری و در آفریدنت و اراده ات متّهم نیستی.۹/۴۸

تهمت زدن حسود

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... وَحَرَنِی بِقَرْفِ عُیُوبِهِ

و چه بسیار حسودی که با نسبت دادن عیب های خود به من، سینه اش را از خشمِ بر من پر ساخت.۹/۴۹

تهی خالی

تهی دستی تنگ دستی

تیر

تیرهای ترس از فراق

وَ تَجَلَّى مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُیُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَایَا بِأَسْهُمِ وَحْشَهِ الْفِرَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها)، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان آرزوها نشانه گیرد.

۱۳/۴۲

دشمن و آماج تیرهایش

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ... سَدَّدَ نَحْوِی صَوَائِبَ سِهَامِهِ

پس چه بسیار دشمنی که تیرهای هدف گیری خود را، به سوی من نشانه گرفت.۴/۴۹

آبروی بنده، هدف تیرهای حسود

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... جَعَلَ عِرْضِی غَرَضًا لِمَرَامِیهِ

و چه بسیار حسودی که آبروی مرا هدف تیرهای خود قرار داد.۹/۴۹

تیرگی ظلمت

تیره ننمودن بخشش، با منّت

وَ یَا مَنْ لَا یُکَدِّرُ عَطَایَاهُ بِالِامْتِنَانِ

و ای آنکه با منّت گذاشتن، بخشش هایش را تیره نمی سازد.۴/۱۳

تیره نساختن احسان الهی، بر بنده

وَ لَمْ تُکَدِّرْ مَعْرُوفَکَ عِنْدِی

و نیکی ات را به من تیره نساختی.۳۲/۱۶

تیزی

شکسته شدن تندی و تیزی سختی ها

وَ یَا مَنْ یَفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ

و ای کسی که شدّت دشواری ها با او آرام می گردد.۱/۷

تندی غضب

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... سَوْرَهِ الْغَضَبِ

خداوندا به تو پناه می برم از شدّت خشم.

۱/۸

شکستن برندگی و تیزی دشمن

وَ خُذْ ظَالِمِی وَ عَدُوِّی عَنْ ظُلْمِی بِقُوَّتِکَ، وَ افْلُلْ حَدَّهُ عَنِّی بِقُدْرَتِکَ

و ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار. و با توانایی خود برّندگی اش را از من بردار.۶/۱۴

ثُمَّ فَلَلْتَ لِی حَدَّهُ

سپس تیزی (تیغ) او را برای من شکستی.

۶/۴۹

سلاح هایی برنده

وَ أَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً مَاضِيَةً

و سلاح های برنده بر ضدّ او (شیطان) به آنان عطا فرما.۱۰/۱۷

تیز ساختن سلاح مرزداران اسلام

وَ اشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ

و سلاح (جنگی)شان را تیز کن.۲/۲۷

تیزی لبه تیغ دشمن

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... شَحَذَ لِی ظُبَةَ مُدْيَتِهِ، وَ أَرْهَفَ لِی شَبَا حَدِّهِ

پس چه بسیار دشمنی که لبه تیغش را برای من تیز نمود و طرف تیز آن را برایم نازک کرد.

۴/۴۹

حسود و تیزی زبانش

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... سَلَقَنِی بِحَدِّ لِسَانِهِ

و چه بسیار حسودی که با زبان تیزش مرا آزرد.۹/۴۹

ث

ثبات همیشگی

ثروت دارایی

فخرفروشی ثروتمندان

اللَّهُمَّ إِنيِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... مُبَاهَاهِ الْمُکْثِرِینَ

خداوندا به تو پناه می برم از فخرفروشی ثروتمندان.۳و۱/۸

پناه خواهی از شرّ ثروتمند خوشگذران

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ مُتْرَفٍ حَفِیدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر مُرفّه نازپرورده پناه ده.۶/۲۳

ثروت طلبیدن، از غیر خدا

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَهَ مِنْ سِوَاکَ فَافْتَقَرُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند.۶/۲۸

برتر پنداشتن ثروتمند

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ... أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرْوَهٍ فَضْلًا

و مرا از اینکه به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما.۴/۳۵

ثروتی همیشگی

وَ مَتِّعْنَا بِثَرْوَهٍ لَا تَنْفَدُ

و ما را ثروتی که نابود نشود، ببخش.۵/۳۵

ثمره میوه

ثنا سپاس

ثواب پاداش

ص : ۴۰۳

ج

جابه جایی

علّت جابه جا نشدن کوه ها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ الْمُوَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و گمارده شدگان به کوه ها تا جابه جا نگردد.۱۵و۱۱و۱۰/۳

جاری روان

جالب

جالب ترین روزها

وَ بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَ فِطْرِنَا، وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا أَجْلَبِهِ لِعَفْوٍ

و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان. و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که جالب ترین روز، برای عفو باشد.

۴۸/۴۵

جام

فرشته مرگ و جام زهرآگینش

وَ تَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُيُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَايَا بِأَسْهُمِ وَحْشَهِ الْفِرَاقِ، وَ دَافَ لَهَا مِنْ ذُعَافِ الْمَوْتِ كَأْسًا مَسْمُومَهَ الْمَذَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان آرزوها نشانه گیرد و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ - که چشیدن آن زهرآلود است - آمیخته سازد.۱۳/۴۲

سیرابی از جام پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَوْرِدْنَا حَوْضَهُ، وَ اسْقِنَا بِكَأْسِهِ

و به حوض او واردمان کن و از جام او سیرابمان ساز.۲۰/۴۲

جام های حاجات

وَ امْتَلَأَتْ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْعِيَهُ الطَّلِبَاتِ

و ظرف خواسته ها با زیادی جودت، پر گشته است.۱۲/۴۶

جامه لباس

جانشین

جانشینی جنگجو، در امور خانه اش

ص : ۴۰۵

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

جانشینان خداوند، در زمین

رَبِّ صَلِّ عَلَی أَطَائِبِ أَهْلِ بَیْتِهِ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ، وَ جَعَلْتَهُمْ... خُلَفَاءَکَ فِی أَرْضِکَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را جانشینان خود در زمینت قرار دادی.۵۶/۴۷

جانشینان خدا و مقام (نماز عید قربان و جمعه)

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِکَ وَ أَصْفِیَائِکَ

خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینان و برگزیدگانت است.۹/۴۸

از دست رفتن حقّ جانشینان خداوند

...حَتَّی عَادَ صِفْوَتُکَ وَ خُلَفَاؤُکَ مَغْلُوبِینَ مَقْهُورِینَ مُبْتَزِّینَ

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب و شکست خورده شده، حقوقشان به غارت رفت.

۹/۴۸

جانشینان الهی و آنچه دیده اند

...حَتَّی عَادَ صِفْوَتُکَ وَ خُلَفَاؤُکَ مَغْلُوبِینَ... یَرَوْنَ حُکْمَکَ مُبَدَّلًا، وَ کِتَابَکَ مَنْبُوذًا...

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب شده. می بینند که احکامت تغییر یافته و کتاب تو دور افتاده است.۹/۴۸

جاوید همیشگی

جایگاه

جایگاه گواهان

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... يُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، منزلت ما را در جایگاه های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد.

۱۲و۱۰/۱

جایگاه پر برکت همیشگی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُضَامُّ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِی دَارِ الْمُقَامَهِ الَّتِی لَا تَزُولُ، وَ مَحَلِّ كَرَامَتِهِ الَّتِی لَا تَحُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است و محل کرامتی که همیشگی است.

۱۶و۱۰/۱

ص : ۴۰۶

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از قدمگاه (پرورشگاه) خود، به جای دور

وَ هَاجَرَ إِلَی... مَحَلِّ النَّأْیِ عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَ مَوْضِعِ رِجْلِهِ

و از جایگاه اقامتش و قدمگاهش، به محل دور هجرت نمود.۱۶/۲

جایگاه واجبات

وَ یَنْظُرُ کَیْفَ هُمْ فِی أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَ مَنَازِلِ فُرُوضِهِ

و می نگرد آنها در اوقات طاعت و جاهای واجباتش چگونه اند.۷/۶

جای دادن آفریدگان، در آسمان و زمین

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَکَ وَ أَرْضَکَ وَ مَنْ أَسْکَنْتَهُمَا مِنْ مَلائِکَتِکَ وَ سَائِرِ خَلْقِکَ...

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را شاهد می گیرم.۲۱/۶

گواه گرفتن جایگاه بنده، در شهادت به یکتایی خدا

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَکَ وَ أَرْضَکَ... فِی یَوْمِی هَذَا... وَ مُسْتَقَرِّی هَذَا، أَنِّی أَشْهَدُ أَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و آسمانت و زمینت را در این روز و این جایگاه شاهد می گیرم که من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست.۲۱/۶

بدی جایگاه بنده

فَارْحَمْ... سُوءَ مَوْقِفِی

پس بر بدی جایگاهم رحم کن.۳۲/۱۶

آماده نساختن جایگاهی، برای شیطان

اللَّهُمَّ... لَا تُوطِنَنَّ لَهُ فِیما لَدَیْنَا مَنْزِلًا

خداوندا او را در آنچه نزد ماست، منزل نده.

۶/۱۷

جایگاهی استوار از شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا... مِنْهُ فِی حِرْزٍ حَارِزٍ

و پدران و مادرانمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم قرار ده.۱۰/۱۷

قرار دادن جای بنده، در بهشت

وَ اجْعَلْ فِی جَنَّتِکَ مَثْوَایَ

و سرای مرا در بهشتت مقرّر گردان.۱۱/۲۱

رساندن والدین به جایگاه آسایش (در بهشت)

وَ بَلِّغْهُمَا بِالْکَرَامَهِ مَوَاطِنَ السَّلَامَهِ

و ایشان را با کرامت به جایگاه های سلامتی رسان.۱۴/۲۴

جایگاه آمرزش الهی

وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لِی فَشَفِّعْنِی فِیهِمَا حَتَّی نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِکَ فِی دَارِ کَرَامَتِکَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ

ص : ۴۰۷

و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو و محل آمرزش و رحمتت گرد آییم.۱۵/۲۴

نمایان ساختن جاهای همیشگی (بهشتی)

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِنِ الْخُلْدِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از خانه های همیشگی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

نمایان ساختن منازل کرامت

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... مَنَازِلِ الْكَرَامَهِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از سراهای کرامت، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.

۴/۲۷

جایگاه بنده، جایگاه مغلوب شده شیطان

هَذَا مَقَامُ مَنْ... اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ

این مقام کسی است که شیطان بر او چیره گشته.۶/۳۱

گناهان و ماندگار نمودنِ بنده، در جایگاه رسوایی

فَقَدْ أَقَامَتْنِی يَا رَبِّ ذُنُوبِی مَقَامَ الْخِزْیِ بِفِنَائِکَ

پس ای پروردگار من، گناهانم به درگاهت، مرا در جایگاه رسواییْ ماندگار نموده.۲۳/۳۱

بدیِ جایگاه بنده

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِکَ يَرْحَمُنِی لِسُوءِ مَوْقِفِی

شاید برخی از آنها به رحمتتْ بر بدی جایگاهم، به من رحم کند.۲۷/۳۱

مواضع احکام و حدود الهی

وَ تَعَدَّيْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِکَ إِلَی حُرُمَاتٍ انْتَهَکْتُهَا

و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام ها را دریده ام.۱۸/۳۲

جایگاه حاضران و رسوایی های بنده

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

جایگاه رضای خداوند

وَ لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ، وَ نَکْرَهَ مَوْضِعَ رِضَاکَ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و مورد رضایت تو را ناپسند داریم.۳/۳۳

ص : ۴۰۸

نردبان رسیدن به جایگاه سلامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِیلَةً لَنَا إِلَی أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْکَرَامَهِ، وَ سُلَّمًا نَعْرُجُ فِیهِ إِلَی مَحَلِّ السَّلَامَهِ

و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت و نردبانی برای عروجمان به محل سلامت، قرار ده.۸/۴۲

جایگاهی در پیشگاه الهی

وَ أَرْوِ بِهِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ظَمَأَ هَوَاجِرِنَا

و با آن، تشنگی شدید ما را در جایگاهی که در پیشگاه توست، سیراب فرما.۱۱/۴۲

وَ ارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ذُلَّ مَقَامِنَا

و به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت عرضه می شویم، بر خواری ما رحم کن.

۱۵/۴۲

بهترین جایگاه، پس از دنیا

وَ اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْیَا خَیْرَ مَنَازِلِنَا

و قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه های ما قرار ده.۱۴/۴۲

تردّد ماه، در منزلگاه های مقدّر

أَیُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِیعُ... الْمُتَرَدِّدُ فِی مَنَازِلِ التَّقْدِیرِ

ای آفریده فرمانبردار که در منزل های قرارداده شده، آمد و شد می کنی.۱/۴۳

غفلت از آمدن به جایگاه (بهشت)

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِکَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَهِ الدَّلِیلِ

پس – بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما – عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!۱۱/۴۵

جایگاه رسوایی

وَ إِذْ لَمْ تُقِمْنِی مَقَامَ فَضِیحَهٍ فِی دُنْیَاکَ فَلَا تُقِمْنِی مِثْلَهُ فِی آخِرَتِکَ

و آن زمان که مرا در دنیایت در مقام رسوایی به پا نداشتی، پس مانند آن در آخرتت مرا (در مقام رسوایی) به پا ندار.۱۲۰/۴۷

مقام و جایگاه دوستان خدا

جَلِّلْنِی شَرَائِفَ نِحَلِکَ فِی الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّهِ لِأَحِبَّائِکَ

در مکان هایی که برای دوستانت آماده کرده ای، به عطاهای والایت مرا بپوشان.۱۲۸/۴۷

جایگاه بنده، نزد خدا

وَ اجْعَلْ لِی عِنْدَکَ... مَثَابَهً أَتَبَوَّءُهَا

و برایم نزد خود جایگاهی که در آن اقامت گزینم، قرار ده.۱۲۹/۴۷

جایگاه درستکاران

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِکَ وَ أَصْفِیَائِکَ وَ مَوَاضِعَ أُمَنَائِکَ فِی الدَّرَجِهِ الرَّفِیعَهِ الَّتِی اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا

خداوندا، به درستی که این مقام، برای

جانشینان و برگزیدگانت و جایگاه امانت دارانت است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی.۹/۴۸

جایگاه خواران گنهکار و بدبختان

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِی مَوْقِفَ الْأَذِلَّاءِ الْمُذْنِبِینَ: مَوْقِفَ الْأَشْقِیَاءِ الْمُتَجَرِّینَ عَلَیْکَ

خود را در جایگاه خوارانِ گناهکار، جایگاه بدبختانی که بر تو جرأت یافته اند، واداشته ام.

۲/۵۳

جایگاه بنده، در جوار خداوند

وَ اجْعَلْ... فِی جِوَارِکَ مَسْکَنِی

و خانه ام را در جوار خود قرار ده.۷/۵۳

جایگزینی عوض

جبران

جبران فقر بنده

وَ اجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلَّتَنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ

و به وسیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن.۱۲/۴۲

وَ کَمْ مِنْ... عَدَمٍ جَبَرْتَ

و چه بسیار کمبودهایی که جبران نمودی.

۱۲/۴۹

جبران اندوه از دست رفتن ماه رمضان

اجْبُرْ مُصِیبَتَنَا بِشَهْرِنَا

مصیبت ما را در (رفتن) ماه مان جبران کن.

۴۸/۴۵

جبرئیل

جبرئیل، امین وحی خدا

جِبْرِیلُ الْأَمِینُ عَلَی وَحْیِکَ

جبرئیل امین وحی توست.۴/۳

جبرئیل، پیروی شده در آسمان ها

جِبْرِیلُ... الْمُطَاعُ فِی أَهْلِ سَمَاوَاتِکَ

جبرئیل فرمانروا در میان اهل آسمان هایت است.۴/۳

جبرئیل، ارجمند و مقرّب درگاه الهی

جِبْرِیلُ... الْمَکِینُ لَدَیْکَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَکَ

جبرئیل ارجمند در پیشگاه تو و مقرّب نزد توست.۴/۳

جدا کردن بریدن

جدال

زبانی (برهانی)، برای جدال

ص : ۴۱۰

وَ اجْعَلْ لِی... لِسَانًا عَلَی مَنْ خَاصَمَنِی

و برایم بر کسی که با من جدال کرد، زبانی قرار ده.۸/۲۰

جدال نشدن، با خدا

سُبْحَانَکَ... لَا تُجَارَی وَ لَا تُمَارَی

پاک و منزّهی! نه با کسی کشمکش داری و نه بگو مگو می کنی.۲۷/۴۷

جدایی

جدا نشدن فرشتگان، از تعظیم خداوند

وَ الَّذِینَ... لَا یَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِیمِکَ سَهْوُ الْغَفَلَاتِ...

و همانها که فراموشیِ غفلت ها، آنها را از تعظیم تو جدا نمی سازد...۷/۳

فاصله انداختن خدا، بین شب و روز

...خَلَقَ اللَّیْلَ وَ النَّهَارَ بِقُوَّتِهِ وَ مَیَّزَ بَیْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ

شب و روز را به توانایی خود آفرید و به قدرت خویش بین آن دو فرق گذاشت.۲و۱/۶

جدا شدن روز، از بندگان

وَ هَذَا یَوْمٌ حَادِثٌ جَدِیدٌ... إِنْ أَحْسَنَّا وَدَّعَنَا بِحَمْدٍ، وَ إِنْ أَسَأْنَا فَارَقَنَا بِذَمٍّ

و این روزی نو و تازه است. اگر نیکی کردیم، با سپاس ما را بدرود گوید و اگر بدی کردیم، با

نکوهش از ما جدا شود.۱۲/۶

بدی جدا شدن بنده، از روزها(ی سال)

وَ اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِکَابِ جَرِیرَهٍ

و از بدیِ جدایی از آن (روز)، بر اثر انجام گناهی حفظمان کن.۱۳/۶

رستاخیز، روز جدایی (حقّ و باطل)

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتِ الْخِيَرَهُ لِی عِنْدَکَ فِی تَأْخِیرِ الْأَخْذِ لِی... إِلَی یَوْمِ الْفَصْلِ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَیِّدْنِی مِنْکَ بِنِیَّهٍ صَادِقَهٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداونـدا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقّم تا روز رسـتاخیر می باشد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.۱۴/۱۴

جدا شدن از بدی های خوار کننده

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِکَ أَنَاتُکَ عَنِّی... وَ لَیْسَ ذَلِکَ مِنْ کَرَمِی عَلَیْکَ، بَلْ تَأَنِّیا مِنْکَ لِی... لِأَنْ... أُقْلِعَ عَنْ سَیِّئَاتِیَ الْمُـخْلِقَهِ

و شـگفت تر از آن بردبـاری تو با من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از بردباری تو بر من است. برای اینکه از بدی های - خوار کننده ام - جدا شوم.۲۶/۱۶

جدایی از آنکه به خدا پیوسته

ص : ۴۱۱

وَ لَا تَبْتَلِینِّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبَادَتِکَ... وَ لَا مُفَارَقَهِ مَنِ اجْتَمَعَ إِلَیْکَ

و مرا به سستی در عبادتت و جدایی از آنکه به تو پیوسته، گرفتار نساز.۱۱/۲۰

جدایی نینداختن بین بنده و تندرستی

لَا تُفَرِّقْ بَیْنِی وَ بَیْنَ عَافِیَتِکَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

در دنیا و آخرت بین من و عافیتت جدایی نینداز.۱/۲۳

جدا ساختن ناخن های دشمنان

وَ اقْلِمْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ

و چنگالشان را از آنان جدا کن.۵/۲۷

جدایی افکندن بین دشمنان و سلاحشان

وَ فَرِّقْ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ أَسْلِحَتِهِمْ

و میان آنان و سلاح هایشان جدایی انداز.

۵/۲۷

عامل جداکننده حلال و حرام

وَ جَعَلْتَهُ... فُرْقَانًا فَرَقْتَ بِهِ بَیْنَ حَلَالِکَ وَ حَرَامِکَ

و آن را جداکننده ای قرار دادی که به وسیله آن بین حلال و حرامت را جدا کردی.۲و۱/۴۲

جدا نشدن از راه راست قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ حَتَّی... لَا یَخْتَلِجَنَا الزَّیْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِیقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا انحرافی ما را از راه راستش جدا نسازد.۶/۴۲

فرشته مرگ و ترس (بنده)، از جدایی

وَ تَجَلَّی مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُیُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَایَا بِأَسْهُمِ وَحْشَهِ الْفِرَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها)، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان آرزوها نشانه گیرد.

۱۳/۴۲

جدایی از دنیا و بهترین منزل ها

اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْیا خَیرَ مَنَازِلِنَا

قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه های ما قرار ده.۱۴/۴۲

زمان جدا شدن ماه رمضان، از بندگان

ثُمَّ قَدْ فَارَقَنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ

سپس هنگام تمام شدن وقتش، از ما جدا شد.

۲۲/۴۵

دشواریِ جدایی از ماه مبارک رمضان

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ عَزَّ فِرَاقُهُ عَلَینَا

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که فراقش بر ما دشوار است.۲۳/۴۵

ص : ۴۱۲

رنج جدایی از ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ... مَرْجُوٍّ آلَمَ فِرَاقُهُ

درود بر تو مایه امیدی که فراقش رنج آور بود.

۲۶/۴۵

جدا کردن سختی، از راه خدا

وَ أَبِنْ بِهِ الضَّرَّاءَ مِنْ سَبِيلِکَ

و به سبب او سختی را از راهت جدا کن.

۶۲/۴۷

جدید تازه

جرات دلیری

جرم گناه

جزا پاداش

جستجو (خواسته)

طلبیدن آسایش و رهایی از گرفتاری

وَ يَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَـخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ

و ای کسی که رهایی و رفتن به سوی آسایشی فراخ، از او درخواست می شود.۱/۷

همسایگان و جستجوی عیب های بنده

...وَ لَمْ تُبْدِ سَوْءَاتِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِبِی مِنْ جِيرَتِی

و بدی های مرا پیش همسایگانم - که در جستجوی عیب های من می باشند - آشکار نکردی.

۲۱/۱۶

جوینده (طالب)، تنها یاری گرِ مطلوب

لَا یُعِینُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَی مَطْلُوبٍ

طلب شده را جز طلب کننده، یاری نمی رساند.

۳/۲۱

طلب روزی، از روزی خواران

اللَّهُمَّ إِنَّکَ ابْتَلَیْتَنَا فِی أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ... حَتَّی الْتَمَسْنَا أَرْزَاقَکَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِینَ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمانْ به بدگمانی، آزمودی. تا جایی که روزی های تو را از روزی خواران درخواست نمودیم.۱/۲۹

جستجو نمودن رستگاری، در قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... لَا یَلْتَمِسُ الْهُدَی فِی غَیْرِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که در غیر آن، هدایت را نمی جویند.۷/۴۲

در جستجوی خدا بودن

فَمَنِ الْتَمَسَکَ لِدِینٍ أَوْ دُنْیَا وَجَدَکَ

پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می یابد.۲۵/۴۷

درک نشدن خدا، با کاوش

سُبْحَانَکَ لَا تُحَسُّ وَ لَا تُجَسُّ

پاک و منزّهی! نه حس می شوی و نه قابل جستجو هستی.

۲۷/۴۷

طلب ننمودن آنچه نزد فاسقان است

وَ ذُبَّنِی عَنِ الْتِمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِینَ

و مرا از طلبیدنِ آنچه نزد فاسقان است، باز دار.۱۳۱/۴۷

گماشتن جستجو و مراقبت ستمگر، بر بنده

کَمْ مِنْ بَاغٍ... وَکَّلَ بِی تَفَقُّدَ رِعَایَتِهِ

چه بسیار ستمگری که مراقبت و جستجویش را بر من گماشت.۷/۴۹

خدا طالب و جوینده بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ طَالِبِی إِنْ أَنَا هَرَبْتُ

خداوندا، همانا تو جویای منی، اگر بگریزم.

۴/۵۰

جسم اندام و نیز بدن

جفا ستم

جفت

جفت گرداندن امید به خدا (با طلب قرب او)

...وَ شَفَعْتُهُ بِرَجَائِکَ الَّذِی قَلَّ مَا یَخِیبُ عَلَیْهِ رَاجِیکَ

...و آن را جفت امید به تو کردم. همان (امیدی) که با وجود آن، امیدوار به تو کمتر ناامید می شود.۷۳/۴۷

جفت گرداندن اوایل نعمت ها، با اواخر آنها

وَ اشْفَعْ لِی أَوَائِلَ مِنَنِکَ بِأَوَاخِرِهَا

و برای من اولین نعمت هایت را، با آخِرین آن توأم ساز.۱۲۱/۴۷

جلد پوست

جلودار

محمّد صلی الله علیه و آله ، جلودار نیکی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ... قَائِدِ الْخَیْرِ

خداوندا بر محمّد - رهبر خیر - درود فرست.

۳/۲

جلودارانِ اهل تقوا

وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا مِنْ... قَادَهِ أَهْلِ التُّقَی عَلَی جَمِیعِهِمُ السَّلَامُ

و برای اهل آن راهنمایی گماشتی، از پیشوایان اهل پرهیزکاری - که بر همه آنها درود باد - ...۲/۴

جایگاه بنده، جایگاه آنکه مهار خطاها او را از پی خود کشیده

هَذَا مَقَامُ مَنْ... قَادَتْهُ أَزِمَّهُ الْخَطَایَا

این مقام کسی است که مهارهای خطاها او را

از پیِ خود کشیده.۶/۳۱

قرآن، جلودار بندگان در قیامت

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْکُفْرِ وَ دَوَاعِی النِّفَاقِ حَتَّی یَکُونَ لَنَا فِی الْقِیَامَهِ إِلَی رِضْوَانِکَ وَ جِنَانِکَ قَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در قیامت جلودار ما به سوی خوشنودی تو و بهشت هایت باشد.

۱۲/۴۲

جلوگیری بازداشتن

جماعت گروه

جنّ

پناه بردن به خدا، از شرّ هر جنّ و انس

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِکَ وَ لِأَهْلِ بَیْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ

و من و فرزندانم را از شرّ هر جنّ و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند پناه ده.۶/۲۳

درودی محاط بر درودهای جنّ و انس

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً... تَشْتَمِلُ عَلَی صَلَوَاتِ عِبَادِکَ مِنْ جِنِّکَ وَ إِنْسِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود

فرست، درودی که درودهای بندگانت از جن و اِنست را شامل شود.۵۴/۴۷

جنایت گناه

جنبش

جنبش های رنج آور

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّیْلَ لِیَسْکُنُوا فِیهِ مِنْ حَرَکَاتِ التَّعَبِ وَ نَهَضَاتِ النَّصَبِ

پس شب را برای آنان آفرید تا از حرکت های خسته کننده و جنبش های سخت بیاسایند.۵/۶

به صبح وارد شدن جنبنده

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَکَ: سَمَاوءُهَا وَ أَرْضُهَا، وَ مَا بَثَثْتَ فِی کُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا، سَاکِنُهُ وَ مُتَحَرِّکُهُ

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش، و آنچه در این دو پراکنده ساختی، از آرام و جنبنده و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

جنبش های اندام بندگان و ثواب الهی

وَ اجْعَلْ... حَرَکَاتِ أَعْضَائِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ

و جنبش های اعضایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده.۷/۹

جنّت بهشت

ص : ۴۱۵

جنگ

جنگیدن پیامبر صلی الله علیه و آله ، با قبیله اش

وَ حَارَبَ فِی رِضَاکَ أُسْرَتَهُ

و در (راه) خوشنودی تو، با قبیله اش جنگید.

۷/۲

جنگیدن پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دشمنان خدا

فَغَزَاهُمْ فِی عُقْرِ دِیَارِهِمْ

پس در وسط دیارشان به جنگ آنها رفت.

۲۰/۲

جنگیدن اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، با پدران و فرزندان خود

وَ قَاتَلُوا الْآبَاءَ وَ الْأَبْنَاءَ فِی تَثْبِیتِ نُبُوَّتِهِ

و در پایدار ساختن نبوّت او با پدران و فرزندانشان جنگیدند.۴/۴

جنگ به پا کردن جنّ و انس

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِکَ وَ لِأَهْلِ بَیْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ

و من و فرزندانم را از شرّ هر جنّ و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند، پناه ده.۶/۲۳

آسوده شدن، از جنگ با دشمنان

وَ فَرِّغْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِکَ، وَ عَنْ مُنَابَذَتِهِمْ

لِلْخَلْوَهِ بِکَ...

و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن، برای عبادت خویش و کارزار با آنان، برای خلوت با خودت آسوده ساز.۷/۲۷

فرستادن مسلمانان، به جنگ با مشرکان

اللَّهُمَّ اغْزُ بِكَلِّ نَاحِيَهٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ بِإِزَائِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار.۸/۲۷

سست شدن اندام دشمنان، از جنگیدن

وَ أَوْهِنْ أَرْکَانَهُمْ عَنْ مُنَازَلَهِ الرِّجَالِ

و اندامشان را از جنگیدن با مردان (مسلمان) سست گردان.۱۱/۲۷

پاداش خداوند به مسلمان، در قصد جنگ علیه مشرکان

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

ناتوانی بنده، بر انتقام گیری از قصدکننده جنگ

ص : ۴۱۶

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی... عَجْزِی عَنِ الِانْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِی بِمُحَارَبَتِهِ

ای خدای من، پس تو عجزم را از انتقام گرفتن از کسی که قصد جنگ با من نموده، مشاهده کردی.

۵/۴۹

جنگجو

جانشینی جنگجو، در امور خانه اش

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِیًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

جوارح اندام و نیز بدن

جود بخشش

جور ستم

جوی

جاری گشتن جوی ها

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تُفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهَارَ

خداوندا ما را با بارانی که رودخانه ها را با آن

روان سازی، سیراب نما.۵/۱۹

جوی های نوشیدنی های گوناگون بهشتی

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِیهَا مِنْ... الْأَنْهَارِ الْمُطَّرِدَهِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَهِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از جوی هایی که به نوشیدنی های گوناگون روان شده، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

توّابین، و بهشت هایی با جوی های روان

تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحًا عَسَی رَبُّکُمْ أَنْ یُکَفِّرَ عَنْکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ وَ یُدْخِلَکُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است.۱۰/۴۵

جوی های رحمت الهی

کَمْ مِنْ... جَدَاوِلِ رَحْمَهٍ نَشَرْتَهَا

چه بسیار جوی های رحمتی که روان نمودی.

۱۱/۴۹

جهاد

مجاهد و جهاد با مشرکان

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِکَ، أَوْ مُجَاهِدٍ

جَاهَدَهُمْ... فَلَقِّهِ الْيُسْرَ

خداونـدا و هر رزمنـده ای از اهـل دینت که با آنها بجنگـد و هر مجاهـدی که با ایشان جهاد نمایـد، پس او را با آسانی روبرو کن.۱۳/۲۷

واداشتن جنگجو، به جهاد

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ شَحَذَهُ عَلَى جِهَادٍ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را بر جهاد تشویق کرد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

پاداش مسلمان، در قصد جهاد نمودن

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ...

خداونـدا و هر مسـلمانی که امر اسـلام او را نگران سـاخت، از این رو قصـد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

جهاد کردن پیامبر صلی الله علیه و آله ، در راه خدا

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا... جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ

خداوندا او را به سبب اینکه در راه تو مجاهدت کرد، پاداش ده.۲۲/۴۲

جهانیان

خدا، پروردگار جهانیان

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

۴/۲۶، ۱۶/۱۷، ۱۶/۱۴، ۱۶/۱۲

۱۲/۴۸، ۴/۴۱

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

پس تو را بر همه اینها سپاس. ای پروردگار جهانیان.۱۴/۳۹

یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ

ای پروردگار جهانیان.

۷/۵۳، ۳/۴۸، ۱۳۳/۴۷، ۵۶/۴۵

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ

سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است.

۱/۴۷

رمضان و بهترین سودهای جهانیان

قَدْ أَقَامَ فِینَا هَذَا الشَّهْرُ... وَ أَرْبَحَنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِینَ

این ماه در بین ما اقامت کرد و ما را به برترین سودهای جهانیان، سودمند نمود.۲۲/۴۵

امام علیه السلام ، ارجمندیِ جهانیان

فَهُوَ... بَهَاءُ الْعَالَمِینَ

پس او ارجمندیِ جهانیان است.۶۰/۴۷

درخواست نمودن از جهانیان

وَ صُنْ وَجْهِی عَنِ الطَّلَبِ إِلَی أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِینَ

و آبرویم را از درخواست به سوی احدی از جهانیان، حفظ کن.۱۳۱/۴۷

جهت

روی آوردن تابعین، به سَمت اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

الَّذِینَ... تَحَرَّوْا وِجْهَتَهُمْ

آنان که به سوی جهت آنها روآوردند.۱۰/۴

حفظ نمودن بندگان، از همه جوانب

وَ احْفَظْنَا... مِنْ جَمِیعِ نَوَاحِینَا حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِیَتِکَ

و ما را از همه اطرافمان نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از نافرمانی تو بازدارد.

۱۷/۶

انجام آنچه از جهتی بر بنده واجب گشته

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ لَکَ فِی وَجْهٍ مِنْ وُجُوهِ طَاعَتِکَ...

و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده.

۶/۲۲

گمراه ساختن دشمنان، از جهتشان

وَ ضَلِّلْهُمْ عَنْ وَجْهِهِمْ

و از جهتشان گمراهشان نما.۵/۲۷

جنگ مسلمانان هر ناحیه، با مشرکان

اللَّهُمَّ اغْزُ بِکُلِّ نَاحِیَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِینَ عَلَی مَنْ بِإِزَائِهِمْ مِنَ الْمُشْرِکِینَ

خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار.۸/۲۷

انفاق در جهات گوناگون نیکی

وَ وَجِّهْ فِی أَبْوَابِ الْبِرِّ إِنْفَاقِی

و انفاق نمودنم را در مسیرهای خیر قرار ده.

۳/۳۰

تغییر یافتن واجبات، از جهات تشریع شده

یَرَوْنَ... فَرَائِضَکَ مُحَرَّفَهً عَنْ جِهَاتِ أَشْرَاعِکَ

می بینند واجباتت از جهاتی که قانون نهاده ای، تحریف شده است.۹/۴۸

جهل نادانی

جهنّم دوزخ

ص : ۴۱۹

چ

چاپلوسی

خوش رویی و چاپلوسی ستمگر

...وَ هُوَ یُظْهِرُ لِی بَشَاشَهَ الْمَلَقِ

...در حالی که چاپلوسانه برایم خوش رویی می کرد.۷/۴۹

چارپایان چهارپایان

چاره جویی

چاره جویی های بنده و حاجت های او

اللَّهُمَّ وَ لِی إِلَیْکَ حَاجَهٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جُهْدِی، وَ تَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِیَلِی

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم و چاره جویی های زیرکانه ام در برابر آن گسسته است.۱۵/۱۳

نیرومند ساختن تدبیر مسلمانان

اللَّهُمَّ وَ قَوِّ بِذَلِکَ مِحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوّت بخش.۷/۲۷

بی خبر ساختن دل های دشمنان، از تدبیر و چاره جویی

وَ أَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الِاحْتِیَالِ

و قلب هایشان را از چاره جویی بی خبر ساز.

۱۱/۲۷

طول کشیدن کار بنده، در چاره وام

وَ هَبْ لِیَ الْعَافِیَهَ مِنْ دَیْنٍ... یَطُولُ بِمُمَارَسَتِهِ شُغْلِی

و مرا معاف دار، از وامی که کارم در چاره آن طول کشد.۱/۳۰

چانه

فرشتگانی با چانه های به زیر انداخته

...النَّوَاكِسُ الْأَذْقَانِ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ...

(آنان که) چانه ها را به زیر انداخته اند، پس بر ایشان درود فرست.۱۰و۸/۳

چاه

پر گرداندن چاه ها، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْيًا... تَمْلَأُ مِنْهُ الْجِبَابَ

خداوندا ما را با بارانی که چاه ها را از آن پر

ص : ۴۲۱

کنی، سیراب نما.۵/۱۹

چراغ

چراغ افروختن، به چراغ قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَسْتَصْبِحُ بِمِصْبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که از نور چراغ آن، روشنی می افروزند.۷/۴۲

چراگاه

عمر بنده، چراگاه شیطان

فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ...

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد، مرا به سوی خود بازگردان.۵/۲۰

چرب زبانی چاپلوسی

چرت

پناه بردن به خدا، از چرت غفلت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... سِنَةِ الْغَفْلَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از خواب غفلت.

۲و۱/۸

بیداری از چرت غفلت

اللَّهُمَّ... أَيْقِظْنَا عَنْ سِنَةِ الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ

خداوندا ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان.

۷/۱۷

خوش تر از خوابِ خواب آلوده

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. ۵/۲۴

بیداری از چرت اسراف کاران

نَبِّهْنِی مِنْ... سِنَهِ الْمُسْرِفِینَ

مرا از خواب آلودگی اسراف کاران، بیدار فرما.

۹۱/۴۷

بیداری از چرت خوارشدگان

وَ نَبِّهْنِی مِنْ... نَعْسَهِ الْمَـخْذُولِینَ

و مرا از چرت خوارشدگان، بیدار فرما.۹۱/۴۷

چرکی

چرکی کردارهای پیشین بنده

وَ طَهِّرْنِی مِنْ دَنَسِ مَا أَسْلَفْتُ

و مرا از پلیدی آنچه پیش فرستاده ام، پاک نما.

۶/۱۵

اعمال شوینده چرکیِ خطایا

وَ وَفِّقْنِی مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَایَا عَنِّی

و مرا به کارهایی که با آن چرکی خطاها را از من بشویی، توفیق ده.۱۳/۳۱

سبب پاک نمودن بندگان، از چرکی

وَ اقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِینَ قَامُوا لَکَ بِهِ آنَاءَ اللَّیْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ حَتَّی تُطَهِّرَنَا مِنْ کُلِّ دَنَسٍ بِتَطْهِیرِهِ

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند، تا به پاک کنندگی آن، ما را از هر آلودگی پاک کنی.

۹/۴۲

قرآن، شوینده چرکی دل ها

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا

و به وسیله آن (قرآن)، چرکی دل هایمان را بشوی.۱۱/۴۲

چرکی گناهان و ماه نو

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ هِلَالَ... طَهَارَهٍ لَا تُدَنِّسُهَا الْآثَامُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه طهارتی قرار دهد، که گناهان آن را آلوده نکند.

۴/۴۳

رمضان، شوینده چرکی خطاها

السَّلَامُ عَلَیْکَ کَمَا... غَسَلْتَ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِیئَاتِ

درود بر تو همان طور که چرکی خطاها را از ما شستی. ۳۶/۴۵

زدودن ناپاکی، از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرِّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِیرًا بِإِرَادَتِکَ

و به خواست خویش، آنان را از پلیدی و آلودگی پاک نمودی.۵۶/۴۷

چرکی گناه و معصیت

وَ هَبْ لِیَ التَّطْهِیرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْیَانِ، وَ أَذْهِبْ عَنِّی دَرَنَ الْخَطَایَا

و پاک گشتن از چرکی گناه را به من ببخش و آلودگیِ خطاها را از من ببَر.۱۱۲/۴۷

چشم

بازماندن دیده ها، از دیدن خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِی قَصُرَتْ عَنْ رُؤْیَتِهِ أَبْصَارُ النَّاظِرِینَ

سپاس خدای را، همان که چشم های بینندگان از دیدنش قاصر است.۲و۱/۱

وَ یَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْیَتِهِ الْأَبْصَارُ...

و ای کسی که چشم ها از دیدن او ناتوان است.

۴/۵

خیره شدن چشم ها

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُیُونُنَا إِذَا بَرِقَتِ الْأَبْصَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به وسیله آن چشمانمان روشن شود، هنگامی که دیده ها، خیره می شود. ۱۴و۱۰/۱

کور گرداندن چشم دل بندگان، از امور خلاف دوستی خدا

وَ أَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَکَ

و چشم دل ما را از آنچه برخلاف دوستی توست کور گردان.۶/۹

بیرون زدن سیاهی چشمان از حدقه، بر اثر سجده

یَا إِلَهِی لَوْ... سَجَدْتُ لَکَ حَتَّی تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَایَ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنقدر برایت سجده نمایم تا سیاهی چشمانم از کاسه بیرون آید، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

افتادن پلک های چشمان، بر اثر گریستن

یَا إِلَهِی لَوْ بَکَیْتُ إِلَیْکَ حَتَّی تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَیْنَیَّ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، باز هم با آن همه،

سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

کوری کردن چشم بدخواهِ بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی تُعْمِیَ عَنِّی بَصَرَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا چشمش را از (دیدن) من کور سازی.۸و۷/۲۳

چشم پوشاندن از همسایگان، با پاکدامنی

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَغُضُّ بَصَرِی عَنْهُمْ عِفَّهً

و خداوندا مرا بر آن دار که با پاکدامنی، دیده از ایشان فروبندم.۳/۲۶

بهشت، در برابر چشمان مرزداران اسلام

اجْعَلِ الْجَنَّهَ نَصْبَ أَعْيُنِهِمْ

بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده.۴/۲۷

اندک نمایاندن دشمن، در پیش چشم مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّکَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِی عَيْنِهِ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما.۱۵/۲۷

نتیجه گشودن چشم هدایتِ منکر احسان الهی

ص : ۴۲۴

...حَتَّی إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَی... أَحْصَی مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ... فَرَأَی کَبِیرَ عِصْیَانِهِ کَبِیرًا

...امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، آنچه با آن به خود ستم کرده، شمرد. پس گناه بزرگش را بزرگ دانست.۷/۳۱

با فروتنی، چشم به زمین افکندن

وَ غَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَی الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا

و دیده اش را با سرافکندگی به زمین دوخته.

۹/۳۱

پیش چشم خدا بودنِ گرفتاری های بنده

اللَّهُمَّ وَ عَلَیَّ تَبِعَاتٌ... وَ کُلُّهُنَّ بِعَیْنِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است و همه آنها پیش چشم تو که نمی خوابد، قرار دارد.۱۸/۳۱

عافیت الهی، پرده ای پیش چشم ناظران

کَانَتْ عَافِیَتُکَ لَنَا حِجَابًا دُونَ أَبْصَارِهِمْ

عافیت بخشیدن تو برای ما پرده ای پیش چشمانشان قرار داد.۲/۳۴

فاش نساختن حال بنده، در پیش چشم بزرگان

وَ لَا تُعْلِنْ عَلَی عُیُونِ الْمَلَإِ خَبَرِی

و حال (و چگونگی) مرا در پیش چشم

بزرگان، علنی نکن.۲/۴۱

سبب نشتافتن چشم ها، به سوی لهو

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَی لَهْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا با چشم هایمان به سوی هیچ لهوی نشتابیم.۶/۴۴

چشم و دریافت حقایق

وَ أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ... عَلَی مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِکْهُ أَبْصَارُهُمْ

و تویی آنکه ایشان را راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی، دیدگانشان آن را درنمی یافت.۱۴/۴۵

قرار ندادن (گناه) بنده، در پیش چشم شماتت کنندگان

لَا تَنْصِبْنَا فِیهِ لِأَعْیُنِ الشَّامِتِینَ

ما را در آن (ماه)، پیش چشمان شماتت کنندگان قرار نده.۴۷/۴۵

دیده ها و نیافتن جای خداوند

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ تُدْرِکِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَیْنِیَّتِکَ

تویی آنکه دیده ها جا و مکان تو را درنیافتند.

۱۸/۴۷

حفظ ولیّ خدا، به دیده (مراقبت) الهی

وَ رَاعِهِ بِعَيْنِكَ

و به دیده (مراقبت) خود، از او نگهداری کن.

۶۱/۴۷

چشم دوختن دوستان ائمه علیهم السلام ، به سوی (ظهور دولت) ایشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الْمُنْتَظِرِينَ أَيَّامَهُمُ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که منتظران روزهای (دولت) آنان، و چشم دوختگان به ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

افتادن از چشم حفظ و نگهداری خداوند

وَ لَا تَرْمِ بِي رَمْيَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده.۱۰۴/۴۷

روشن شدن چشم بنده، به آرامگاهی نزد خدا

اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا آوِي إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَ مَثَابَةً أَتَبَوَّءُهَا، وَ أَقَرُّ عَيْنًا

برایم نزد خود استراحتگاهی که آسوده خاطر در آن آرام گیرم، و بازگشتگاهی که در آن اقامت گزینم و چشم را روشن سازمْ قرار ده.۱۲۹/۴۷

نخفتن چشم دشمن

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... لَمْ تَنَمْ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که چشم نگهبانی اش از من نخفت.۴/۴۹

کور گشتن چشم مصائب

وَ كَمْ مِنْ... أَعْيُنِ أَحْدَاثٍ طَمَسْتَهَا

و چه بسیار چشم های مصیبت آفرینی که کور گرداندی.۱۱/۴۹

روشن ساختن چشم بنده، به نعمت وافر

وَ کَمْ مِنْ نِعْمَهٍ سَابِغَهٍ أَقْرَرْتَ بِهَا عَیْنِی

و چه بسیار نعمت فراخی که دیده ام را به آن روشن نمودی!۳/۵۱

چشم افروز

روشن شدن چشم ها، به سپاس گزاری

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُیُونُنَا إِذَا بَرِقَتِ الْأَبْصَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به وسیله آن چشمانمان روشن شود، هنگامی که دیده ها، خیره می شود.۱۴و۱۰/۱

روشن شدن چشم بنده، به آرامگاهی نزد خدا

اجْعَلْ لِی عِنْدَکَ مَقِیلًا آوِی إِلَیْهِ مُطْمَئِنًّا... وَ أَقَرُّ

ص : ۴۲۶

عَیْنًا

برایم نزد خود استراحتگاهی که آسوده خاطر در آن آرام گیرم، و چشم را روشن سازمْ قرار ده.

۱۲۹/۴۷

روشن ساختن چشم بنده، به نعمت

وَ کَمْ مِنْ نِعْمَهٍ سَابِغَهٍ أَقْرَرْتَ بِهَا عَیْنِی

و چه بسیار نعمت فراخی که دیده ام را به آن روشن نمودی!۳/۵۱

چشم به راهی انتظار

چشم پوشی

چشم پوشی خدا، از جرم های بسیار زشت

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ... احْتِمالَ الْجِنَایَاتِ الْفَاحِشَهِ لَا یَتَکَأَّدُکَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند چشم پوشی از جرم های بسیار زشت بر تو سخت نمی باشد.

۱۲/۱۲و۱۳

توفیق چشم پوشی از بدی

سَدِّدْنِی لِأَنْ... أُغْضِیَ عَنِ السَّیِّئَهِ

مرا توفیق ده تا از بدی (دیگران) چشم پوشی کنم.۹/۲۰

چشم زخم

پناه بردن به خدا، از چشم زخم

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ... اللَّامَّهِ

و من و فرزندانم را از شرّ چشم زخم پناه ده.

چشیدن

چشیدن از جام زهرآلود

وَ تَجَلَّی مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُیُوبِ... وَ دَافَ لَهَا مِنْ ذُعَافِ الْمَوْتِ کَأْسًا مَسْمُومَهَ الْمَذَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ - که چشیدن آن زهرآلود است - آمیخته سازد.۱۳/۴۲

چشنده مرگ

وَ کُلٌّ ذَائِقُ الْمَوْتَ

و همه چشنده مرگ هستند.۵/۵۲

آنچه بنده از خدا درخواست می کند که به او بچشاند:

أ. شیرینی بخشش خداوند

وَ أَذِقْنِی حَلَاوَهَ الصُّنْعِ فِیما سَأَلْتُ

ص : ۴۲۷

و شیرینی احسانت را در آنچه درخواست نمودم به من بچشان.۸/۷

ب. شیرینی آمرزش

وَ أَذِقْنِی حَلَاوَهَ الْمَغْفِرَهِ

و شیرینی آمرزش را به من بچشان.

۳۳/۱۶

ج. مزه فراغت برای انجام آنچه خدا دوست دارد

وَ أَذِقْنِی طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَهٍ مِنْ سَعَتِکَ، وَ الِاجْتِهَادِ فِیما یُزْلِفُ لَدَیْکَ وَ عِنْدَکَ

و به وسیله گشایشی از گشایشگری ات، طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری و (طعم) کوشش را در آنچه (موجب) نزدیکی به پیشگاه تو و درگاه توست، به من بچشان.

۱۲۵/۴۷

د. مزه تندرستی و عافیت

وَ أَذِقْنِی طَعْمَ الْعَافِیَهِ إِلَی مُنْتَهَی أَجَلِی

و طعم عافیت را تا پایان مدّت زندگی ام به من بچشان.۱۴/۴۸

چگونگی حال و نیز کیفیّت

چهارپایان

گمراه تر از چهارپایان

وَ لَوْ کَانُوا کَذَلِکَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِیَّهِ إِلَی حَدِّ الْبَهِیمِیَّهِ، فَکَانُوا کَمَا وَصَفَ فِی مُحْکَمِ کِتَابِهِ: إِنْ هُمْ إِلّا کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِیلًا

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رومی آوردند. پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده: «آنها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه ترند.»۹/۱

آب، مایه سرِ پا داشتن چهارپایان

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْيًا... تَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَ الْخَلْقَ

خداوندا ما را با بارانی که چهارپایان و سایر آفریدگان را به وسیله آن سرِ پا بداری، سیراب نما.

۵/۱۹

مقطوع النسل نمودن چهارپایان دشمن

وَ اقْطَعْ نَسْلَ دَوَابِّهِمْ وَ أَنْعَامِهِمْ

و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن.۶/۲۷

چهره

سفید گشتن چهره بندگان

ص : ۴۲۸

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... تَبْيَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.

۱۴و ۱۰/۱

نتیجه گرداندن روی نیکوی خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّی وَجْهَكَ الْكَرِيمَ... لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَیْءٍ مِنْ أَمَلِی غَيْرَكَ

خداوندا اگر روی کریمت را از من برگردانی، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

سیاهی چهره های ستمگران

وَ بَيِّضْ وُجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّلَمَةِ فِی يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان.۱۶/۴۲

روسفید نمودن حضرت محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و روسفیدش فرما.۱۹/۴۲

صورت بخشی به انسان و ماه

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... مُصَوِّرِی وَ مُصَوِّرَكَ أَنْ يُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از خدایی که صورتگر من و صورتگر تو است، درخواست می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد.۴/۴۳

صورت نگاری خدا، بدون هیچ نمونه ای

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِی... صَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ

تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که صورت ها را بدون نمونه نگاشتی.۱۲/۴۷

به زمین افتادن بنده، با تمام رخسارش

مَوْلَایَ ارْحَمْ کَبْوَتِی لِحُرِّ وَجْهِی

مولای من! بر به رو افتادنم با تمام رخسارم رحم کن.۴/۵۳

رحم خدا، هنگام دگرگونی چهره بندگان

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی عِنْدَ تَغَیُّرِ صُورَتِی

مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، بر من رحم کن.۶/۵۳

چیرگی غلبه

ح

حاجت

خدا، و بستن درِ حاجت خواهی، جز به سوی خود

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَهِ إِلَّا إِلَيْهِ

و سپاس خدایی را که درِ نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست.۱۹/۱

روا ساختن حاجات بنده

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اقْضِ حَاجَتِی

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و حاجتم را روا کن.۱۶/۱۲

وَ اقْضِ لِی حَوَائِجِی

و حاجت هایم را برآور.۹/۲۵

خدا، منتهای درخواست حاجت ها

اللَّهُمَّ يَا مُنْتَهَی مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ

خداوندا ای نهایت درخواستِ نیازها.۱/۱۳

حاجت های نیازمندان

وَ يَا مَنْ لَا تَنْقَطِعُ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمحْتَاجِينَ

و ای آنکه درخواست های نیازمندان از او قطع نمی گردد.۹/۱۳

درخواست حاجت، در جایگاهش

فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ مِنْ عِنْدِكَ... فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِی مَظَانِّهَا

پس هر که دفع فقرش را از تو جوید، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده.

۱۳/۱۳

طلب حاجت از آفریدگان و ناامیدی

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَکَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.

۱۴/۱۳

حاجت خواهی بنده، از حاجت برنده نزد خدا

اللَّهُمَّ وَ لِی إِلَیْکَ حَاجَةٌ قَدْ... سَوَّلَتْ لِی نَفْسِی رَفْعَهَا إِلَی مَنْ یَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَیْکَ

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده برایم می آراید.۱۵/۱۳

چگونگی حاجات

اللَّهُمَّ وَ لِی إِلَیْکَ حَاجَهٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جُهْدِی، وَ تَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِیَلِی

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم و چاره جویی های زیرکانه ام در برابر آن گسسته است.۱۵/۱۳

وانگذاردن حاجت بنده، به غیر خدا

وَ لَا تُوَجِّهْنِی فِی حَاجَتِی هَذِهِ وَ غَیْرِهَا إِلَی سِوَاکَ

و در این حاجت و دیگر حاجتها، مرا به غیر خود وانگذار.۲۲/۱۳

یاری بنده، در برآوردن حاجتش

وَ تَوَلَّنِی بِنُجْحِ طَلِبَتِی وَ قَضَاءِ حَاجَتِی...

و به برآورده گشتن خواسته ام و روا شدن حاجتم مرا یاری فرما.۲۳/۱۳

عرضه کردن حاجت، به درگاه خدا

وَ مِنْ حَاجَتِی یَا رَبِّ کَذَا وَ کَذَا. وَ تَذْکُرُ حَاجَتَکَ...

ای پروردگار من و از جمله خواسته ام چنین و چنان است. و حاجت خود را نام می بری...

۲۵/۱۳

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِی فَأَعْظِمْ فِیهَا رَغْبَتِی، وَ أَظْهِرْ فِیهَا عُذْرِی، وَ لَقِّنِّی فِیهَا حُجَّتِی، وَ عَافِ فِیهَا جَسَدِی

خداوندا خواسته من این است. پس رغبت مرا در آن افزون گردان و عذرم را در آن آشکار

فرما و حجّتم را در آن به من بفهمان و تنم را در آن عافیت بخش.۷/۵۴

درخواست از خدا، هنگام حاجت

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی... أَسْأَلُکَ عِنْدَ الْحَاجَهِ

خداوندا مرا چنانم کن که هنگام نیازمندی از تو درخواست کنم.۱۲/۲۰

وانگذاردن حاجت بنده، به گنهکار و کافر

وَ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا کَافِرٍ عَلَیَّ مِنَّهً... وَ لَا بِی إِلَیْهِمْ حَاجَهً

و برای بدکار و کافر، بر من منّت و مرا به سوی آنها حاجت، قرار نده.۱۲/۲۱

خدا، تنها برآورنده حاجت

وَ لَا تَکِلْنِی إِلَی خَلْقِکَ، بَلْ تَفَرَّدْ بِحَاجَتِی...

و مرا به خلقت وانگذار. بلکه درخواستم را به تنهایی روا کن.۲/۲۲

عنایت خداوند، به حوائج بنده

اللَّهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ مَا یُصْلِحُنِی مِنْ أَمْرِ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی فَکُنْ بِحَوَائِجِی حَفِیًّا

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی. پس به درخواست هایم عنایت فرما.۱۰/۲۲

یاری شدن والدین در حاجت هایشان، به

وسیله فرزندان

أَعِنِّی بِهِمْ عَلَی حَاجَتِی

در برآمدن حاجتم به وسیله آنان یاری ام ده.

۴/۲۵

خدا، رواکننده حاجت

فَأَنْتَ یَا مَوْلَایَ... دُونَ کُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَیْهِ وَلِیُّ حَاجَتِی

پس - ای سرور من - صاحب حاجتم تویی، نه هر که از او طلب شود.۸/۲۸

خوار نگرداندن حاجتمندان

وَ یَا مَنْ لَا یَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَهِ إِلَیْهِ

و ای کسی که حاجتمندانش را خوار و پست نمی شمارد. ۳/۴۶

(روا شدن) حاجت، پیش از رسیدن به پایان کرم خداوند

انْصَرَفَتِ الْآمَالُ دُونَ مَدَی کَرَمِکَ بِالْحَاجَاتِ

آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرمت، با حاجت ها برآورده شده است.۱۲/۴۶

عدم حاجتمندی خدا، به (طاعت) بنده

وَ لَا تُرْسِلْنِی مِنْ یَدِکَ إِرْسَالَ مَنْ لَا خَیْرَ فِیهِ، وَ لَا حَاجَهَ بِکَ إِلَیْهِ

و مرا از نزد خود رها نکن همانند رها کردن کسی که در او خیری نیست و تو را با او کاری نیست.۱۰۳/۴۷

درخواست نمودن حاجات، از درگاه الهی

وَ اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ... وَ إِنْزَالِ حَوَائِجِی بِکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و درخواست نمودن حاجت هایم از تو، آباد گردان.

۱۲۳/۴۷

خدا، بینا به حاجات

وَ الْمُسْلِمُونَ فِیهِ مُجْتَمِعُونَ فِی أَقْطَارِ أَرْضِکَ، یَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَ الطَّالِبُ وَ الرَّاغِبُ وَ الرَّاهِبُ وَ أَنْتَ النَّاظِرُ فِی حَوَائِجِهِمْ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند، درخواست کننده و جویا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می شوند و تو بیننده بر نیازهایشان هستی.۱/۴۸

قصد نمودن حاجت، به سوی خدا

اللَّهُمَّ إِلَیْکَ تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِی

خداوندا، برای نیازم به سوی تو قصد نمودم.

۴/۴۸

خدا، متکفّل روا کردن هر حاجت بنده

وَ تَوَلَّ قَضَاءَ کُلِّ حَاجَةٍ هِیَ لِی بِقُدْرَتِکَ عَلَیْهَا

و برآوردن هر درخواستی را برای من، به قدرتی که بر آن داری، به عهده گیر.۴/۴۸

درخواست نمودن هر حاجتی، از خدا

ص : ۴۳۳

وَ أَسْأَلُکَ کُلَّمَا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِی

و هر حاجتی که می خواهم، از تو درخواست می کنم.۱۱/۵۱

قطع حاجت بنده، از دنیا

وَ اقْطَعْ مِنَ الدُّنْیَا حَاجَتِی

و نیازم را از دنیا قطع کن.۴/۵۴

حال

اصلاح نمودن حال بندگان

...بِکُلِّ ذَلِکَ یُصْلِحُ شَأْنَهُمْ

بدین گونه حالِ ایشان را اصلاح می نماید.

۷/۶

احسان خدا به بنده، در همه حال

مُقِرٌّ لَکَ بِأَنِّی... لَمْ أَخْلُ فِی الْحَالَاتِ کُلِّهَا مِنِ امْتِنَانِکَ

اقرار می کنم به اینکه در همه حال از احسان تو بی بهره نبوده ام.۵/۱۲

قرار نگرفتن در حال ستمگر

...وَ اعْصِمْنِی مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ، وَ لَا تَجْعَلْنِی فِی مِثْلِ حَالِهِ

و مرا از انجام مانند کارهای او بازدار و در مانند حال او قرار نده.۷/۱۴

شایسته ترین حالت سپاس گزاری

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی، أَیُّ الْحَالَیْنِ أَحَقُّ بِالشُّکْرِ لَکَ؟... أَ وَقْتُ الصِّحَّهِ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ آیا وقت تندرستی یا وقت بیماری؟۴-۲/۱۵

غیر خدا، و گوناگونی حالات

وَ مَنْ سِوَاکَ... مَغْلُوبٌ عَلَی أَمْرِهِ، مَقْهُورٌ عَلَی شَأْنِهِ، مُخْتَلِفُ الْحَالَاتِ

و غیر تو، در کار خود مغلوب، در امورش زیردست، در حالاتش گوناگون می باشد.۱۱/۲۸

دل سوزی نمودن بر بدحالی بنده

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِکَ یَرْحَمُنِی لِسُوءِ مَوْقِفِی، أَوْ تُدْرِکُهُ الرِّقَّةُ عَلَیَّ لِسُوءِ حَالِی

شاید برخی از آنها به رحمتتْ بر بدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید.۲۷/۳۱

از حالی به حال دیگر گرداندن جنین

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ حَتَّی انْتَهَیْتَ بِی إِلَی تَمَامِ الصُّورَهِ، وَ أَثْبَتَّ فِیَّ الْجَوَارِحَ

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. تا اینکه مرا به صورت کامل رساندی و در من اندام ها را پابرجا کردی.۲۳/۳۲

به خود وانگذاشتن جنین، در حالات

مختلف

وَ لَوْ تَکِلْنِی یَا رَبِّ فِی تِلْکَ الْحَالَاتِ إِلَی حَوْلِی... لَکَانَ الْحَوْلُ عَنِّی مُعْتَزِلًا

و ای پروردگار من، اگر مرا در آن احوال به توانایی خودم وامی گذاردی؛ همانا توان از من کناره می گرفت.۲۵/۳۲

تغییر حال معصیت، به حال توبه

فَأَمَّا الْعَاصِی أَمْرَکَ... فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنَقِمَتِکَ لِکَیْ یَسْتَبْدِلَ بِحَالِهِ فِی مَعْصِیَتِکَ حَالَ الْإِنَابَهِ إِلَی طَاعَتِکَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند، پس به کیفرش شتاب نکردی، تا حال خود را در نافرمانی ات به حال طاعتت عوض کند.۱۴/۳۷

فاش نگرداندن حال بنده

وَ لَا تُعْلِنْ عَلَی عُیُونِ الْمَلَإِ خَبَرِی

و حال (و چگونگی) مرا در پیش چشم بزرگان، علنی نکن.۲/۴۱

درود خدا بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او، در هر حال

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، فِی کُلِّ وَقْتٍ وَ کُلِّ أَوَانٍ وَ عَلَی کُلِّ حَالٍ...

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، در هر وقت و هر آن و بر هر حال.۱۹/۴۴

اصلاح احوال دوستداران ائمه علیهم السلام

وَ أَصْلِحْ لَهُمْ شُؤُونَهُمْ

و احوالشان را برای آنها اصلاح نما.۶۵/۴۷

شکرگزاری و حالات فراموشی

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُکْرَکَ، بَلْ أَلْزِمْنِیهِ فِی أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِینَ لِآلَائِکَ

و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجّهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان.

۱۱۴/۴۷

فراوان یافتن نعمت های خدا، در هر حال از حالات بنده

وَ وَجَدْتُ نُعْمَاکَ عَلَیَّ سَابِغَهً فِی کُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِی وَ کُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِی

و نعمت هایت را بر خود، در هر حالی از حالم و هر وقتی از اوقاتم، گسترده یافتم.۵/۵۱

دگرگون شدن حال و چگونگی بنده

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی عِنْدَ تَغَیُّرِ صُورَتِی وَ حَالِی إِذَا بَلِیَ جِسْمِی

مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، و حالم هنگامی که جسدم پوسیده گردد، بر من رحم کن.۶/۵۳

ص : ۴۳۵

حالا اکنون

حبشه

دشمنان خداوند، در حبشه

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ الْحَبَشِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْکِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و حبشه و دیگر امّت های مشرک.

۹/۲۷

حتمی قطعی

حجّ

منّت گزاردن بر بنده، با حجّ

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ...

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره.

۴/۲۳

قرار دادن باقیمانده عمر بنده، در حجّ

وَ اجْعَلْ بَاقِیَ عُمْرِی فِی الْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ ابْتِغَاءَ وَجْهِکَ

و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حجّ و عمره قرار ده.۱۳۳/۴۷

حجاب پرده

حجّت

نبودن هیچ برهان و حجّتی، برای بندگان

لَمْ یُکَلِّفْنَا إِلَّا وُسْعًا، وَ لَمْ یُجَشِّمْنَا إِلَّا یُسْرًا، وَ لَمْ یَدَعْ لِأَحَدٍ مِنَّا حُجَّهً وَ لَا عُذْرًا

جز به اندازه توان، بر ما تکلیف ننموده و ما را جز به کار آسان نگماشته و برای احدی از ما، برهان و عذری به جا ننهاده.۲۳/۱

رَبِّ أَفْحَمَتْنِی ذُنُوبِی، وَ انْقَطَعَتْ مَقَالَتِی، فَلَا حُجَّهَ لِی

ای پروردگار من، گناهانم خاموشم نموده و گفتارم قطع گردیده. پس برای من هیچ حجّتی نیست. ۱/۵۳

حجّتی بر آفریدن شبیه انسان

...لَکِنْ أَنْشَأْتَهَا إِثْبَاتًا لِقُدْرَتِکَ عَلَی مِثْلِهَا، وَ احْتِجَاجًا بِهَا عَلَی شَکْلِهَا

...بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود و بدین سبب بر (آفرینش) شبیه آن، دلیل آوردی.۷/۳۹

سستی دلیل های بنده

تَفْعَلُ ذَلِکَ یَا إِلَهِی بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْکَ أَکْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِیکَ... لَا أَنْ یَکُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقِلَّهِ حَسَنَاتِهِ بَیْنَ سَیِّئَاتِهِ، وَ ضَعْفِ حُجَجِهِ فِی جَمِیعِ تَبِعَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه

طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک و دلیل هایش درباره همه گناهانش ضعیف است.

۱۲/۳۹

خاموش نشدن (روشنایی) حجّت قرآن

وَ جَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ

و آن را نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدانْ خاموش نمی شود، قرار دادی.۳/۴۲

بزرگ گرداندن برهان پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و برهان او را عظمت بخش.۱۹/۴۲

بدبختی بدبخت، و آوردن حجّت های پی درپی بر او

تَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَهِ لِكَيْلَا... يَشْقَى بِنِعْمَتِكَ شَقِيُّهُمْ إِلَّا... بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّهِ عَلَيْهِ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر پس از حجّت های پیاپی آوردن بر او.

۹/۴۵

پابرجایی و عدم ابطال حجّت خداوند

لَمْ يَهِنْ عَلَى طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ، وَ لَمْ يَدْحَضْ لِتَرْكِ مُعَاجَلَتِهِمْ بُرْهَانُكَ

درازی زمانِ ایشان، حجّت تو را سست نکرده و از جهت شتاب نکردن در عذاب آنان، برهان تو باطل نشده است.۱۸/۴۶

حُجَّتُكَ قَائِمَهٌ لَا تُدْحَضُ

حجّت تو پابرجاست که باطل نمی شود.

۱۹/۴۶

پی درپی و آشکار بودن حجّت های الهی

فَقَدْ ظَاهَرْتَ الْحُجَجَ، وَ أَبْلَيْتَ الْأَعْذَارَ

پس به تحقیق حجّت ها را، پی درپی آشکار کرده ای و عذرها را، بیان نموده ای.۲۱/۴۶

رساتر گشتن حجّت خدا

لَمْ تَكُنْ أَنَاتُكَ عَجْزًا... بَلْ لِتَكُونَ حُجَّتُكَ أَبْلَغَ

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر باشد.۲۲/۴۶

بزرگ بودن حجّت خداوند

حُجَّتُكَ أَجَلُّ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِكُلِّهَا

حجّت تو بزرگ تر از آنست که به همه آن وصف شود.۲۳/۴۶

امامان علیهم السلام ، حجّت های الهی

وَ جَعَلْتَهُمْ... حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ

و آنان را حجّت های خویش بر بندگانت قرار دادی.۵۶/۴۷

حجّت و دلیل برای خداست

ص : ۴۳۷

أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ

می دانم دلیل روشن از آنِ توست.۱۱۶/۴۷

آموختن برهان به بنده، برای حاجت خواستن

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِی... لَقِّنِّی فِیهَا حُجَّتِی

خداوندا خواسته من این است. حجّتم را در آن به من بفهمان.۷/۵۴

حدّ مرز

حدقه

بیرون آمدن حدقه چشمان، از کاسه

یَا إِلَهِی لَوْ... سَجَدْتُ لَکَ حَتَّی تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَایَ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنقدر برایت سجده نمایم تا سیاهی چشمانم از کاسه بیرون آید، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

حدود احکام

حراست نگهداری

حرام

پرهیزکاری بنده، از محارم

وَ وَرِّعْنِی عَنِ الْمَ_حَارِمِ

و مرا از حرام ها پرهیز ده.۵/۲۲

دریدن پرده های محرّمات

وَ تَعَدَّیْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِکَ إِلَی حُرُمَاتٍ انْتَهَکْتُهَا

و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام ها را دریده ام.۱۸/۳۲

بازداشتن خواهش نفس، از هر چیز حرام

وَ اکْسِرْ شَهْوَتِی عَنْ کُلِّ مَحْرَمٍ

و خواهش نفس مرا، از هر حرامی بشکن.

۱/۳۹

قرآن، جداکننده حلال و حرام

وَ جَعَلْتَهُ... فُرْقَانًا فَرَقْتَ بِهِ بَیْنَ حَلَالِکَ وَ حَرَامِکَ

و آن را جداکننده ای قرار دادی که به وسیله آن بین حلال و حرامت را جدا کردی.۲و۱/۴۲

گواهی قرآن، به حرام دانستن حرام خدا

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْکُفْرِ وَ دَوَاعِی النِّفَاقِ حَتَّی یَکُونَ... لِمَا عِنْدَکَ بِتَحْلِیلِ حَلَالِهِ وَ تَحْرِیمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا شاهد ما به آنچه نزد توست به حلال دانستن حلالش و حرام شمردن حرامش، باشد.۱۲/۴۲

بزرگ داشت ماه رمضان، و حرام نمودن

ص : ۴۳۸

حلال ها در آن

فَحَرَّمَ فِیهِ مَا أَحَلَّ فِی غَیْرِهِ إِعْظَامًا

پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد.۴/۴۴

به سوی حرام نرفتن گام ها

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا نَخْطُوَ بِأَقْدَامِنَا إِلَی مَحْجُورٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا با پاهایمان به سوی هیچ حرامی نرویم.۷و۶/۴۴

عصمتی بازدارنده از حرام

وَ هَبْ لِی عِصْمَةً... تَقْطَعُنِی عَنْ رُکُوبِ مَحَارِمِکَ

و به من عصمتی بخش که از انجام دادن حرامت بازم دارد.۱۱۱/۴۷

خود را در محرّمات افکندن

وَ أَبَیْتُ إِلَّا تَقَحُّمًا لِحُرُمَاتِکَ

و من جز وارد شدن در حرام های تو کاری نداشته ام.۱۴/۴۹

حرص طمع

برانگیخته شدن حرص و آز

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَیَجَانِ الْحِرْصِ

خداوندا به تو پناه می برم از برانگیخته شدن حرص.۱/۸

حرص آزمندان

وَ أَعِذْنِی مِنْ... هَلَعِ أَهْلِ الْحِرْصِ

و از آز حریصان پناهم ده.۱۵/۱۴

بازداشتن شیطان از حرص به بندگان

وَ ادْرَأْهُ عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا

و او (شیطان) را از حریص بودن به ما باز دار.

۹/۱۷

حرص ورزیدن بنده، به گناه

وَ ازْوِ حِرْصِی عَنْ کُلِّ مَأْثَمٍ

و حرص مرا از هر گناهی دور کن.۱/۳۹

حرص داشتن، بر زود رسیدن به خدا

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَی وَشْکِ اللَّحَاقِ بِکَ...

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم.

۳/۴۰

حرص بر ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَیْکَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم!. ۴۱/۴۵

حرص ورزی بر اندوخته، و عوض ستاندن پاداش

فَأْجُرْنَا... أَجْرًا... نَعْتَاضُ بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الذُّخْرِ الْمَـحْرُوصِ عَلَيْهِ

پس ما را پاداش ده. پاداشی که با آن اندوخته های گوناگون که بر آن حریص و آزمند شده ایم را عوض بستانیم.۴۵/۴۵

حرکت جنبش

حرمت

عدم رعایت حرمت پروردگار

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُسْتَخِفِّ بِحُرْمَهِ رَبِّهِ

...بلكه همانند بنده ای خوار كه به خود ستم نموده و حرمت پروردگارش را سبک شمرده سخن می گویم.۷/۱۲

حرمت مقرّر الهی، برای ماه رمضان

فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرُمَاتِ الْمَوْفُورَهِ

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به حرمت های فراوان آشکار ساخت.۴/۴۴

الهام بزرگداشت حرمت ماه رمضان، به بندگان

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ

و شناختِ فضیلتش، و بزرگ داشتِ احترامش را به ما الهام کن.۶/۴۴

سهل انگاری به حرمت الهی

وَ جَنِّبْنَا... الْإِغْفَالَ لِحُرْمَتِکَ

و ما را از سهل انگاری حرمتت دور گردان.

۱۳/۴۴

لزوم رعایت حرمت ماه رمضان

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ... لَزِمَنَا لَهُ... الْحُرْمَهُ الْمَرْعِيَّهُ

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که بر ما لازم است برای او حرمت رعایت کنیم.

۲۳/۴۵

بزرگی حرمت ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا

درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود.۲۶/۴۵

هتک حرمت بندگان، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَا أَلْمَمْنَا بِهِ فِی شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ... أَوْ عَلَى نِسْيَانٍ ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسَنَا، أَوِ انْتَهَكْنَا بِهِ حُرْمَةً مِنْ غَيْرِنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ

خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم یا فراموشی ای که در آن به خود ستم کردیم یا با آن حرمت دیگری را

پرده دری نمودیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به عفو خود از ما درگذر.۴۷/۴۵

نتیجه احترام گذاشتن به ماه رمضان:

أ. نیک بختی

مَا أَسْعَدَ مَنْ رَعَی حُرْمَتَکَ بِکَ!

چه نیک بخت است کسی که به سبب تو، حرمتت را رعایت کند!.۳۰/۴۵

ب. خوشنودی خدا

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... حَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا... أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْکَ بِقُرْبَةٍ أَوْجَبَتْ رِضَاکَ لَهُ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

خداونـدا و هر کس حرمتش را آن طوری که حقّ بوده نگه داشـته یا به وسـیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسـته، که خوشنودی تو را برای او لازم گردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

حزب گروه

حزن اندوه

حس حواس

حساب

ستاندن حساب عمرِ بنده

وَ اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ...

و حساب زندگی اش را بستاند.۶/۱

حمد بی حساب

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که عددش بی حساب می باشد.۲۸و۲۷/۱

روزی بی حساب خداوند

وَ ارْزُقْنِی مِنْ غَیْرِ احْتِسَابٍ

و مرا بی حساب روزی ده.۲۴/۲۰

حسابگری خداوند

وَ کَفَی بِکَ حَسِیبًا

و همین بس که تو حسابگری.۳/۵۰

حسادت حسد

حَسَب و نَسَب

حسب و نسب داران، و نام های خداوند

وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاوءُکَ عَنِ الْمَنْسُوبِینَ

و نام هایت از نسب داران مقدّس تر است.

۱۴/۳۹

حسد

چیرگیِ رشک و حسد

ص : ۴۴۱

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِکَ مِنْ... غَلَبَهِ الْحَسَدِ

خداوندا به تو پناه می برم از چیرگی حسد.

۱/۸

آشکار نساختن نعمت های عطا شده به بنده، بر حسودان

...وَ لَمْ تُبْدِ سَوْءَاتِهَا لِمَنْ یَلْتَمِسُ مَعَایِبِی مِنْ جِیرَتِی، وَ حَسَدَهِ نِعْمَتِکَ عِنْدِی

و بدی های مرا پیش همسایگانم - که در جستجوی عیب های من می باشند و حسودانِ نعمتِ تو بر منند - آشکار نکردی.۲۱/۱۶

تغییر دادن حسد، به دوستی

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْیِ الْمَوَدَّهَ

و درباره من حسد متجاوزان را به دوستی مبدّل فرما.۷/۲۰

افکندن حسد، به دل بنده

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ فِی رُوعِی مِنَ الَّتمَنِّی وَ التَّظَنِّی وَ الْحَسَدِ ذِکْرًا لِعَظَمَتِکَ

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو و خیال بافی و رشک، در دل من می افکند، یاد بزرگی ات را قرار ده.۱۳/۲۰

رهایی از حسدورزی

وَ خَلِّصْنِی مِنَ الْحَسَدِ

و مرا از حسد، رهایی ده.۵/۲۲

حسد ورزیدن قصد بد کننده، نسبت به بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ جَمِیعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ... وَ حَسَدِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی و حسدش ایمن سازی.

۸و۷/۲۳

چگونگی حال حسود

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بِی بِغُصَّتِهِ، وَ شَجِیَ مِنِّی بِغَيْظِهِ، وَ سَلَقَنِی بِحَدِّ لِسَانِهِ، وَ وَحَرَنِی بِقَرْفِ عُيُوبِهِ، وَ جَعَلَ عِرْضِی غَرَضاً لِمَرَامِيهِ، وَ قَلَّدَنِی خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِيهِ، وَ وَحَرَنِی بِكَيْدِهِ، وَ قَصَدَنِی بِمَكِيدَتِهِ

و چه بسیار حسودی که به خاطر من اندوهش گلوگیر او شد و سختی خشمش از من، گلویش را گرفت و با زبان تیزش مرا آزرد و با نسبت دادن عیب های خود به من، سینه اش را از خشم بر من پر ساخت. و آبروی مرا هدف تیرهای خود قرار داد و ویژگی هایی را که همیشه در خود او بود، به من نسبت داد. و با مکر خویش بر من خشم نمود و با نیرنگش آهنگ من کرد.۹/۴۹

سبب رشک نبردن به آفریدگان:

ص : ۴۴۲

أ. تهی گرداندن سینه بنده، از حسد

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتَّی لَا أَحْسُدَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِکَ عَلَی شَیْءٍ مِنْ فَضْلِکَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا به هیچ یک از آفریدگانت، بر آنچه از فضلت به آنان داده ای، حسد نبرم.۱۲/۲۲

ب. آزمایش نشدن نسبت به آنچه خدا به ثروتمندان بخشیده

وَ لَا تَفْتِنِّی بِمَا أَعْطَیْتَهُمْ، وَ لَا تَفْتِنْهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِی فَأَحْسُدَ خَلْقَکَ

و مرا به آنچه به آنان (دنیاداران) عطا کردی، آزمایش نکن و آنان را به آنچه از من منع داشتی، دچار آزمون نساز که بر آفریدگانت حسد برم.۲/۳۵

حسرت

بزرگ ترین حسرت

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنَ الْحَسْرَهِ الْعُظْمَی

و پناه می بریم به تو از حسرت بزرگ.۹/۸

سفید گرداندن چهره ها، در روز حسرت

وَ بَیِّضْ وُجُوهَنَا یَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّلَمَهِ فِی یَوْمِ الْحَسْرَهِ وَ النَّدَامَهِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان.۱۶/۴۲

حسنه نیکی

حصن قلعه

حضور

احضار فرمودن بندگان

وَ اسْتَحْضَرَتْنَا دَعْوَتُکَ الَّتِی لَا بُدَّ مِنْهَا وَ مِنْ إِجَابَتِهَا

و ما را دعوت تو – که چاره ای جز پذیرفتن آن نیست – فراخواند...۳/۱۱

یاری نمودنی حاضر و آماده، به بنده

وَ أَعْدِنِی عَلَیْهِ عَدْوَی حَاضِرَهً، تَکُونُ مِنْ غَیْظِی بِهِ شِفَاءً

و مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد.۸/۱۴

حاضر ساختن فرشتگان، جهت آب رسانی

وَ أَشْهِدْ مَلَائِکَتَکَ الْکِرَامَ السَّفَرَهَ بِسَقْیٍ مِنْکَ نَافِعٍ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز.۲/۱۹

ناسزاگویی بنده، به شخص حاضر

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِی مِنْ... سَبِّ حَاضِرٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از ناسزا به شخص حاضر، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

پوشاندن (گناه) بنده، در حضور دیگران

اللَّهُمَّ وَ إِذْ... تَغَمَّدْتَنِی بِفَضْلِکَ فِی دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَهِ الْأَکْفَاءِ فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ

خداوندا و اکنون که (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی در حضور همانندانم نهان داشتی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.

۲۱/۳۲

حاضر نمودن مرگ، بر بندگان

فَإِذَا أَوْرَدْتَهُ عَلَیْنَا وَ أَنْزَلْتَهُ بِنَا فَأَسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا

پس هنگامی که آن را نزد ما وارد نمودی و آن را بر ما فرود آوردی، ما را به زیارت آن سعادتمند گردان.۴/۴۰

رسوا نساختن بنده، در برابر حاضران در قیامت

وَ لَا تَفْضَحْنَا فِی حَاضِرِی الْقِیَامَهِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا

و ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضرانِ قیامت، رسوا نکن.۱۴/۴۲

سبب حاضر نکردن طاعت بنده، از جانب

فرشتگان

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاکِیهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ... حَتَّى لَا یُورِدَ عَلَیْکَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِکَتِکَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَهِ لَکَ، وَ أَنْوَاعِ الْقُرْبَهِ إِلَیْکَ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی. تا هیچ یک از فرشتگانت به درگاهت حاضر نسازد، مگر کمتر از طاعت های گوناگون برای تو و انواع تقرّبی که به سوی تو انجام می دهیم.۱۱و۱۰/۴۴

حضور سائل، طالب، راغب و راهب، روز قربان و جمعه

وَ الْمُسْلِمُونَ فِیهِ مُجْتَمِعُونَ فِی أَقْطَارِ أَرْضِکَ، یَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَ الطَّالِبُ وَ الرَّاغِبُ وَ الرَّاهِبُ وَ أَنْتَ النَّاظِرُ فِی حَوَائِجِهِمْ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند، درخواست کننده و جویا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می شوند و تو بیننده بر نیازهایشان هستی.۱/۴۸

حاضر بودن امور پنهانی، در قیامت

وَ أَنْتَ لَا تَخْفَی عَلَیْکَ خَافِیَهٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ إِلَّا أَتَیْتَ بِهَا

و تویی که هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان

ص : ۴۴۴

بر تو پنهان نیست، مگر آن را حاضر نموده ای.

۳/۵۰

حفظ نگهداری

حقد کینه

حقوق

ادای حقّ والدین

فَهُمَا أَوْجَبُ حَقًّا عَلَيَّ... مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ

پس حقّ ایشان بر من واجب تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم.۱۰/۲۴

هَيْهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا

هیهات! آنها تمامی حقّشان را از من نمی گیرند.

۱۱/۲۴

آگاه بودن دوستان امام علیه السلام ، به حقوق او

وَ تَوَلَّنِي فِي جِيرَانِي وَ مَوَالِيَّ الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا... بِأَفْضَلِ وَلَايَتِكَ

و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما.۱/۲۶

افزودن بینایی خود، به حقوق امام علیه السلام

وَ زِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي

و بر بینایی آنان نسبت به حقِّ من بیفزا.۴/۲۶

چشم پوشی خدا، از حقّ خود

فَجَمِيعُ مَا أَخَّرْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ أَبْطَأْتَ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقِمَهِ وَ الْعِقَابِ تَرْكٌ مِنْ حَقِّكَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای و هر کیفر و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای، ترک کردن حقّ خودت

بوده است.۱۵/۳۷

ادا نکردن حقّ صاحب حقّ مؤمن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ حَقِّ ذِی حَقٍّ لَزِمَنِی لِمُوءْمِنٍ فَلَمْ أُوَفِّرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از حقِّ لازمِ حقدار مؤمنی که تمامش را ادا نکردم.۱/۳۸

پایمال کردن حقّ دیگران

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا عَبْدٍ مِنْ عَبِیدِکَ... لَحِقَهُ بِی أَوْ بِسَبَبِی ظُلْمٌ فَفُتُّهُ بِحَقِّهِ... أَرْضِهِ عَنِّی مِنْ وُجْدِکَ، وَ أَوْفِهِ حَقَّهُ مِنْ عِنْدِکَ

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که به دست من یا به وسیله من، ستمی به او شده، پس حقّش را تباه کرده ام، او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان و حقّ او را به تمامی از نزد خودت بپرداز.۴/۳۹

حقّ خداوند

...لِأَنَّکَ الرَّبُّ الْعَظِیمُ الَّذِی... لَا یَسْتَقْصِی مِنْ أَحَدٍ حَقَّهُ

...زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که حقّ خود

را از کسی طلب نمی کنی.۱۳/۳۹

سوگند دادن خداوند، به حقّ ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَ بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداونـدا، همانا من از تو می خواهم به حقّ این ماه و به حقّ کسانی که در آن تو را بندگی کرده اند، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

ادای حقّ ماه رمضان و وداع با آن

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ... لَزِمَنَا لَهُ... الْحَقُّ الْمَقْضِیُّ

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که بر ما لازم است برای او، حقّ ادا نماییم.۲۳/۴۵

تقصیر از (ادای) حقّ خدا، در ماه رمضان

وَ أَوْجِبْ لَنَا عُذْرَکَ عَلَی مَا قَصَّرْنَا فِیهِ مِنْ حَقِّکَ

و (قبول) عذر ما را که در آن (ماه) بر حقّت کوتاهی کرده ایم، بر ما لازم گردان.۴۶/۴۵

سبب به دست آوردن حقّ خدا، در ماه رمضان

وَ أَجْرِ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا یَکُونُ دَرَکًا لِحَقِّکَ فِی الشَّهْرَیْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

و از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از

ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.

۴۶/۴۵

توفیق ادای حقّ الهی

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... وَفَّقْتَهُ لِحَقِّکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که برای ادای حقّ خود، به وی توفیق دادی.۶۷/۴۷

قسم دادن خدا، به حقّ (پیامبر صلی الله علیه و آله)

بِحَقِّ مَنِ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِکَ... تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ آنکه او را از آفریدگانت برگزیده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

کوتاهی نمودن بنده، در حقّ خداوند

وَ لَا تُوءَاخِذْنِی بِتَفْرِیطِی فِی جَنْبِکَ

و مرا به کوتاهی نمودنم در حقّت، کیفر نکن.

۸۹/۴۷

سوگند دادن خدا، به حقّ خودش

إِلَهِی أَسْأَلُکَ بِحَقِّکَ الْوَاجِبِ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن حقّ واجب خود که بر همه آفریدگانت داری، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

حقیقت

پیامبر صلی الله علیه و آله ، و حقیقت ایمان

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ... عِنْدَ... الِاشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پیامبران هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند...۱/۴

دشمنی با شیطان، از روی حقیقت

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِكَ مَنْ... عَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به سبب حقیقتِ بندگی تو، با او دشمنی کرد، اجابت فرما.۱۱/۱۷

حقیقت بودنِ گفتار خداوند

فَقُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ... وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ

پس فرمودی و فرموده تو بر حقیقت و درست ترین است: «و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است.»۴/۲۹

ثُمَّ قُلْتَ: فَوَ رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ

سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن (سخن) حقّ و درست است، مانند آنچه شما سخن می گویید.»۵/۲۹

شیطان و نمایاندن باطل، به صورت حقّ

وَ لَوْ لَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ

و اگر او (شیطان)، باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی داد، هیچ گمراهیْ از راه تو گمراه نمی شد.۹/۳۷

به حقیقت مکافات دادن بنده و هلاکت او

فَإِنَّكَ إِنْ تُكَافِنِي بِالْحَقِّ تُهْلِكْنِي

زیرا اگر تو مرا به حقّ مکافات دهی، هلاکم.

۵/۳۹

برنگشتن ترازوی عدل، از حقیقت

وَ جَعَلْتَهُ... مِیزَانَ قِسْطٍ لَا یَحِیفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ

و آن را ترازوی عدلی که زبانه اش از حقیقت به بیراهه نمی رود، قرار دادی.۳/۴۲

قرآن، آشکارکننده حق

سُبْحَانَکَ! مَا... أَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانَکَ!

پاک و منزّهی! چه آشکارکننده حقّ است کتاب فرق گذار (قرآن) تو!۲۲/۴۷

قرار دادن راهی در حق، برای بنده

وَ اجْعَلْ لِی فِی الْحَقِّ طَرِیقًا مِنْ کُلِّ رَحْمَهٍ

و برای من در راستای حقّ، از هر رحمتی راهی قرار ده.

۱۲۹/۴۷

به حقیقت پیوستن گمان های نیک

وَ کَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ

و چه بسیار گمان نیکو که به حقیقت پیوستی.

۱۲/۴۹

حقیقت شکر و سپاس

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی، حَمْدًا یَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِیقَهَ الشُّکْرِ

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به کمال و حقیقت ستایش رسد.۶/۵۱

دست یافتن، به حقّ الیقین

أَسْأَلُکَ... یَقِینًا تَنْفَعُ بِهِ مَنِ اسْتَیْقَنَ بِهِ حَقَّ الْیَقِینِ فِی نَفَاذِ أَمْرِکَ

از تو یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو حقیقتاً یقین پیدا کند، سود می دهی.۳/۵۴

حکم احکام و نیز فرمان

حکمت

تغییر نیافتن حکمت الهی

یَا مَنْ لَا تُبَدِّلُ حِکْمَتَهُ الْوَسَائِلُ

ای آنکه ابزارها، حکمتش را دگرگون نمی کند.

۸/۱۳

حکیم بودن خداوند

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْعَلِیمُ الْحَکِیمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دانای حکیم.۶/۴۷

سُبْحَانَکَ مِنْ... حَکِیمٍ مَا أَعْرَفَکَ

پاک و منزّهی! ای حکیمی که چه بسیار آگاهی!

۲۳/۴۷

حکیمانه بودن گفتار خداوند

سُبْحَانَکَ قَولُکَ حُکْمٌ

پاک و منزّهی! گفتارت حکمت است.

۲۹/۴۷

حلال

فراخ گشتن روزی حلال، بر بنده

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوسَعِ عَلَیْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) از فضلت روزی حلال برای آنان سرشار شده، قرار ده.

۱۰/۲۵و۱۱

روزی بنده، و وسایل حلال

أَجْرِ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِی

روزی هایم را از اسباب حلال، پیوسته گردان.

۳/۳۰

قرآن، جداکننده حلال و حرام خداوند

وَ جَعَلْتَهُ... فُرْقَانًا فَرَقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ حَرَامِكَ

و آن را جداکننده ای قرار دادی که به وسیله آن بین حلال و حرامت را جدا کردی.۲و۱/۴۲

قرآن و حلال دانستن حلال حکم خدا

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النِّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ... لِمَا عِنْدَكَ بِتَحْلِيلِ حَلَالِهِ وَ تَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا شاهد ما به آنچه نزد توست به حلال دانستن حلالش و حرام شمردن حرامش، باشد.۱۲/۴۲

حرام نمودن حلال ها، در ماه رمضان

فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا

پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد.۴/۴۴

در شکم جا دادنِ (روزی های) حلال

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ... حَتَّى لَا تَعِيَ بُطُونُنَا إِلَّا مَا أَحْلَلْتَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا شکم هایمان جز آنچه تو حلال نموده ای در خود جای ندهد.۷و۶/۴۴

حلاوت شیرینی

حلم بردباری

حمد سپاس

حمل

حمل چیزی و واماندن

وَ أَلَمَّ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ

و به من امری وارد شده که تحمّل آن مرا به مشقّت انداخته.۵/۷

زیر بار زیان های عواقب کسب نرفتن

وَ ارْزُقْنِی مِنْ غَیْرِ احْتِسَابٍ، فَلَا... أَحْتَمِلَ إِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَکْسَبِ

و مرا بی حساب روزی ده، تا زیر بار پیامدهای بدِ کسب نروم.۲۴/۲۰

گرانبار نشدن خدا، با برداشتن بار (گناه) بنده

وَ أَسْتَحْمِلُکَ مَا لَا یَبْهَظُکَ حَمْلُهُ

و از تو حمل باری را خواهم که حملش برای تو سنگین نیست.۶/۳۹

حمل گناهان

وَ أَسْتَحْمِلُکَ مِنْ ذُنُوبِی مَا قَدْ بَهَظَنِی حَمْلُهُ

و از تو می خواهم گناهانم را از من برداری که حملش بر من فشار می آورد.۸/۳۹

رحمت الهی و حملی گران

ص : ۴۴۹

وَ وَکِّلْ رَحْمَتَکَ بِاحْتِمالِ إِصْرِی

و رحمتت را به تحمّل بار سنگینم بگمار.

۹/۳۹

ائمه علیهم السلام و توانایی زیر بارِ فهم قرآن رفتن

وَ قَوَّیْتَنَا عَلَیْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ یُطِقْ حَمْلَهُ

و ما را بر (دریافت) آن قوّت دادی، تا بدین سبب بر کسی که طاقت تحمّل آن را نداشت، رفعت بخشی. **۵/۴۲**

انداختن بار سنگین گناهان، با قرآن

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز. **۹/۴۲**

ناتوانی کوه ها، از زیر بار فهم قرآن رفتن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا... حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِی ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِی عَلَی صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با محکمیشان از تحمّل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی. **۱۰/۴۲**

ناتوانی بنده، از تحمّل رنج های دشوار

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی ضَعْفِی عَنِ احْتِمالِ الْفَوَادِحِ

ای خدای من، پس تو ناتوانی ام را از تحمّل مصیبت های سخت، مشاهده کردی. **۵/۴۹**

حمله

هجوم بردن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به دشمنان خدا

وَ هَجَمَ عَلَیْهِمْ فِی بُحْبُوحَهِ قَرَارِهِمْ

و در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد.

۲۱/۲

حمله آوردن به (یاری) خدا، در هنگام اضطرار

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی أَصُولُ بِکَ عِنْدَ الضَّرُورَهِ

خداوندا مرا چنانم کن که به وقت ضرورت، به (یاری) تو حمله آورم.۱۲/۲۰

حمله پاره ای از آتش دوزخ، به پاره دیگر

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... یَصُولُ بَعْضُهَا عَلَی بَعْضٍ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که برخی بر برخی دیگر حمله می برد.۲۹/۳۲

حمیّت

پناه بردن به خدا، از غلبه حمیّت و عصبیّت

ص : ۴۵۰

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِکَ مِنْ... مَلَکَهِ الْحَمِیَّهِ

خداوندا به تو پناه می برم از غلبه عصبیّت.

۱/۸

حواس

درک نشدن خدا، با حواس

سُبْحَانَکَ لَا تُحَسُّ وَ لَا تُجَسُّ

پاک و منزّهی! نه حس می شوی و نه قابل جستجو هستی.۲۷/۴۷

حوض

وارد ساختن بندگان، به حوض پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَوْرِدْنَا حَوْضَهُ، وَ اسْقِنَا بِکَأْسِهِ

و به حوض او واردمان کن و از جام او سیرابمان ساز.۲۰/۴۲

حیا شرم

حیات زندگی

حیثیت آبرو

حیرت سرگردانی

حیله فریب

حیوان

روی آوردن به مرز حیوانیّت

وَ لَوْ کَانُوا کَذَلِکَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِیَّهِ إِلَی حَدِّ الْبَهِیمِیَّهِ

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رومی آوردند.۹/۱

پناه بردن به خدا، از شرّ هر حیوانی

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا

و من و فرزندانم را از شرّ هر جنبنده ای که زلفش در اختیار توست، پناه ده.۶/۲۳

مقطوع النسل نمودن حیوانات دشمن

وَ اقْطَعْ نَسْلَ دَوَابِّهِمْ وَ أَنْعَامِهِمْ

و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن.۶/۲۷

ص : ۴۵۱

خ

خاك

به صبح درآمدن آنچه در زیر خاك پنهان است

...أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَکَ: سَمَاوءُهَا وَ أَرْضُهَا... وَ مَا کَنَّ تَحْتَ الثَّرَی

صبح كردند همه چیز از آسمان و زمینش و آنچه در زیر خاك پنهان است و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

با خواری، روی خود به خاك مالیدن

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِی... مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَّرَ لَکَ وَجْهَهُ تَذَلُّلًا؟

ای خدای من آیا تو از آنكه به خواری برای تو روی خود را به خاك مالید، درمی گذری؟

۱۵/۱۶

خوردن خاك زمین، و سزاوارِ محوِ بدی نشدن

يَا إِلَهِی لَوْ... أَکَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِی

ای خدای من اگر همه عمرم خاك زمین خورم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

به خاك مالیدن بینی شیطان

اللَّهُمَّ... وَ أَرْغِمْ أَنْفَهُ

خداوندا و بینی اش را به خاك بمال.۱۳/۱۷

پیشانی به خاك گذاردن، تنها برای خدا

وَ فَرِّغْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِکَ... حَتَّی... لَا تُعَفَّرَ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ جَبْهَةٌ دُونَکَ

و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن، برای عبادت خویش آسوده ساز تا پیشانی هر یک از آنان جز در برابر تو به خاك گذاشته نشود.

۷/۲۷

راندن مشرکان، به انتهای خاک (محلّ بی آبادانی) در زمین

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِکَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِینَ حَتَّی یَکْشِفُوهُمْ إِلَی مُنْقَطَعِ التُّرَابِ...

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند.

۸/۲۷

طول اقامت بندگان، در بین طبقات خاک

وَ بَارِکْ لَنَا فِی... طُولِ الْمُقَامَهِ بَیْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَی

و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما مبارک گردان.۱۴/۴۲

خاکسترآلود

آشامیدن آب خاکسترآلود، تا پایان عمر

یَا إِلَهِی لَوْ... شَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر در مدّت زندگی ام آب خاکسترآلود بنوشم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

خالص گردیدن اخلاص

خالی

تهی ساختن بنده از بدی ها

وَ أَخْلِنَا فِیهِ مِنَ السَّیِّئَاتِ

و ما را در آن (روز) از بدی ها تهی ساز.

۱۴/۶

نامه ای خالی از یاد گناهان

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَهٍ، لَا تُدْرِکُنَا فِیهِ تَبِعَهٌ... حَتَّی یَنْصَرِفَ عَنَّا کُتَّابُ السَّیِّئَاتِ

بِصَحِیفَهٍ خَالِیَهٍ مِنْ ذِکْرِ سَیِّئَاتِنَا

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. تا نویسندگان بدی ها با نامه ای خالی از کردار زشت از نزد ما بازگردند.۲/۱۱

خالی نبودن بنده، از احسان الهی

مُقِرٌّ لَکَ بِأَنِّی... لَمْ أَخْلُ فِی الْحَالَاتِ کُلِّهَا مِنِ امْتِنَانِکَ

اقرار می کنم به اینکه در همه حال از احسان تو بی بهره نبوده ام. ۵/۱۲

خالی گرداندن دل، برای دوستی خدا

وَ فَرِّغْ قَلْبِی لِمَحَبَّتِکَ

و دلم را برای دوستی ات خالی گردان.

۱۰/۲۱

تهی ساختن قلوب دشمنان، از آرامش

اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمَنَهِ

خداوندا، دل هایشان را از آرامش تهی دار.

۱۱/۲۷

تهی ساختن تن های دشمنان، از توانایی

اللَّهُمَّ أَخْلِ... أَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّهِ

خداوندا، تن هایشان را از قوّت تهی دار.

۱۱/۲۷

خالی بودن طمع بنده از هر کس، جز خدا

ص : ۴۵۴

قَدْ خَلَا طَمَعُهُ مِنْ کُلِّ مَطْمُوعٍ فِیهِ غَیْرِکَ

در حالی که طمعش از هر که - جز تو - در او طمع کنند، خالی است.۸/۳۱

دست خالی برنگرداندن بنده

وَ لَا تَرُدَّنِی صِفْرًا مِمَّا یَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَکَ مِنْ عِبَادِکَ

و مرا تهی دست از آنچه بندگانِ پرستشگرت با (دستی پر از) آن بازمی گردند، بازنگردان.

۷۱/۴۷

خاموش

خاموش کردن آتش دشمنی

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ فِی... إِطْفَاءِ النَّائِرَهِ

و زیور پرهیزکاران را در فرونشاندن (آتش) کینه، به من بپوشان.۱۰/۲۰

(توفیق) فرونشاندن خشم

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ فِی... کَظْمِ الغَیْظِ

و زیور پرهیزکاران را در فرو بردن خشم، به من بپوشان.۱۰/۲۰

خاموش کردن گرمی آرزوی مجاهد

وَ أَطْفِ عَنْهُ حَرَارَهَ الشَّوْقِ

و گرمی آرزو را از او فرونشان.۱۳/۲۷

قرآن نور هدایتگر، با حجّت و برهانی خاموش نشدنی

وَ جَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًی لَا یَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِینَ بُرْهَانُهُ

و آن را نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدانْ خاموش نمی شود، قرار دادی.۳/۴۲

خاموش گشتن بنده، به خاطر گناهانش

رَبِّ أَفْحَمَتْنِی ذُنُوبِی

ای پروردگار من، گناهانم خاموشم نموده.

۱/۵۳

خاندان

درخواست کردن از خدا، به حقّ خاندان محمّد صلی الله علیه و آله

فَأَسْأَلُکَ بِکَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ، أَن لَا تَرُدَّنِی خَائِبًا

پس از تو می خواهم به حقّ خودت و به حقّ محمّد و خاندانش - که درودهای تو بر ایشان باد - مرا ناامید برنگردانی.۲۵/۱۳

خاندان محمّد صلی الله علیه و آله ، گنجینه داران قرآن

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ الْخَطِیبِ بِهِ، وَ عَلَی آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ

پس بر محمّد که با آن سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست.۶/۴۲

درود خدا، بر خاندان ابراهیم علیه السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... كَصَلَوَاتِكَ... عَلَى أَصْفِيَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ

خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. مانند درودهایی که بر برگزیدگانت: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی.۱۱/۴۸

درود و تحیّت بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندانش

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد.

۱/۲

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ

خداوندا بر محمّد - امین وحیت - درود فرست.۳/۲

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ... فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِيهِ رَسُولًا... مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پیامبران، در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی، از دوران آدم تا محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ... ۲و۱/۴

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۲۴/۱۳، ۳/۱۸، ۱/۱۱، ۱/۵-۶ ۲۸/۴۸، ۳۴/۳۲، ۳۰/۳۱، ۴/۲۴

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.۲۰/۱۳، ۷/۹، ۲۳/۶، ۸/۵ ۱۲/۳۱، ۶/۱۵، ۶/۱۴

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۳/۱۱، ۶/۱۰، ۸/۷، ۱۳ و ۱۱ و ۸/۵ ۴/۲۱، ۱۵/۲۰، ۲۹و۱۸/۱۶، ۱۴و۱۱/۱۴ ۲۸/۳۲، ۲۹/۳۱، ۲/۳۰، ۲/۲۹، ۱۱/۲۴ ۳/۳۸، ۱۶/۳۷، ۵/۳۵، ۱/۳۳ ۲۵/۴۶، ۴۷/۴۵، ۸/۴۲، ۱۰و۹و۴/۳۹ ۲۷-۱۷/۴۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست.

-۱۰ ۳۳/۱۶، ۴/۱۷و۵و۹و۱۰، ۱/۲۰و۳و۴و۸-۱۱ و ۱/۹، ۱۵/۱۲، ۲۱/۱۳، ۸/۱۴و۹و۱۳ ۹/۵و۱۰و۱۴و۱۵، ۱۳/۶و۱۹-۱۷، ۱۰/۸
،۱/۲۶و۴ ، ۱/۲۷-۴ ، ۱/۳۰و۳ ۱۳/۲۱ ، ۵/۲۲و۶و۸و۹و۱۲و۱۳ ، ۱/۲۳و۲و۷ ۱۴/۲۰و۱۸و۲۱-۲۴و۲۶و۲۷و۲۹و۳۰ ، ۸/۲۱
۳/۲۴و۴و۱۴ ۲/۳۶، ۲/۳۵و۳، ۳۲/۳۲و۳۴، ۲۴/۳۱و۳۰ ۶/۴۳، ۱/۴۰و۹-۱۴،۱/۴۱،۷/۴۲، ۱/۳۹ ۴۸/۴۵و۵۱، ۶/۴۴و۸و۱۳-۱۶و۱۹

ص : ۴۵۶

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ

پس بر محمّد و خاندانش که پاک اند، درود فرست.۲۴/۶

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱۶/۱۲

فَأَسْأَلُکَ بِکَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِمْ، أَن لَا تَرُدَّنِی خَائِبًا

پس از تو می خواهم به حقّ خودت و به حقّ محمّد و خاندانش - که درودهای تو بر ایشان باد - مرا ناامید برنگردانی.۲۵/۱۳

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۷/۱۴

إِلَهِی فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خدای من بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۱۷/۱۶

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱۹/۴۲، ۱۱/۲۲، ۷و۵/۲۰، ۷/۱۹ ۴/۵۴، ۱۶و۱۱/۴۸

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِيَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ، صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُکَ وَ بَرَکَاتُکَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ (وَ آلِ رَسُولِکَ) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت - که درودهایت بر او و رحمتت و برکاتت بر او و بر خاندانش باد - و خاندان پیامبرت - که درود بر ایشان باد - .

۴/۲۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندان او و نسل او درود فرست.۱۲/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست.۱۸/۲۷

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْضَى، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ الرِّضَا صَلَاةً لَا حَدَّ لَهَا وَ لَا مُنْتَهَى

درود خدا بر او تا اینکه خوشنود شود و درود خدا بر او و خاندانش، پس از خوشنود شدن. درودی که حدّ و نهایتی برایش نیست.۳۵/۳۲

وَ جَعَلْتَهُ... وَحْيًا أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَنْزِيلًا

و آن را وحیی قرار دادی که بر پیامبرت محمّد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - به تدریج نازل فرمودی.۲و۱/۴۲

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد -، بدون

تفصیل و شرح نازل کردی.۵/۴۲

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ الْخَطِیبِ بِهِ، وَ عَلَی آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ

پس بر محمّد که با آن (قرآن) سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست.۶/۴۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ کَمَا بَلَّغَ رِسَالَتَکَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد.

۱۷/۴۲

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِیَّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِیِّینَ مِنْکَ مَجْلِسًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود قرار ده.۱۸/۴۲

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۲۱/۴۲

وَ السَّلَامُ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

و درود بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.۲۲/۴۲

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از خدا درخواست می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد.۴/۴۳

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

و خدا بر محمّد و خاندانش که پاک و

پاکیزه اند، درود فرستد.۷/۴۳

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد[قرار داد - به جا آورده اند.۹/۴۴

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱۲/۴۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّنَا وَ آلِهِ

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست.۵۶/۴۵

وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی أَنْبِیَائِکَ الْمُرْسَلِینَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی.

۵۶/۴۵

وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... أَفْضَلَ صَلَوَاتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد، برترین درودهایت را بفرست.۵۰/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود

ص : ۴۵۸

فرست.۵۷و۵۴-۵۱/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست.

۵۵/۴۷

وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ

و بر او و بر خاندانش درود فرست.۵۵/۴۷

وَ أَقِمْ بِهِ... سُنَنَ رَسُولِکَ، صَلَوَاتُکَ اللَّهُمَّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

و روش های پیامبرت را - خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد - به وسیله او (ولیّ خود) به پا دار.۶۲/۴۷

وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِینَ... وَ إِلَیْکَ وَ إِلَی رَسُولِکَ صَلَوَاتُکَ اللَّهُمَّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ بِذَلِکَ مُتَقَرِّبِینَ

و ما را برای او شنوندگان و بدین وسیله جویای تقرّب به سوی خود و پیامبرت - که خداوندا درودهایت را بر او و خاندانش بفرست - قرار ده.۶۳/۴۷

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

و خداوند بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.۱۳۳/۴۷

فَأَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱/۴۸

أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ... وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ...

از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده

خود و بر خاندان محمّد، درود فرستی.۳/۴۸

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۴/۴۸

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا، پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.۶/۴۸

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۸/۴۸

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱۳/۴۸

وَ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَلْفَ مَرَّهٍ

و بر محمّد و خاندانش هزار بار درود فرست.

۲۸/۴۸

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱/۵۴

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَی وَ عَلَی آلِهِ الطَّاهِرِینَ

و درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا

ص : ۴۵۹

که برگزیده است و بر خاندان پاکش باد.۹/۵۴

خانواده

پناهگاهی بازدارنده از شرّ شیطان، برای خانواده بنده

وَ اجْعَلْ... أَهَالِيَنَا... مِنْهُ فِی حِرْزٍ حَارِزٍ، وَ حِصْنٍ حَافِظٍ، وَ كَهْفٍ مَانِعٍ

و خانواده ما را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده.۱۰/۱۷

بردن یاد خانواده، از خاطر مجاهد

وَ أَنْسِهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ

و یاد خانواده و فرزند را فراموشش ساز.

۱۳/۲۷

نگهداری از خانواده جنگجو یا مرزدار

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ، أَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِی غَيْبَتِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا در نبود او خانواده اش را نگهداری کرد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

درود خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و خانواده او

وَ صَلِّ عَلَى خِيَرَتِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ: مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ الصِّفْوَهِ مِنْ بَرِيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ

خداوندا و بر برگزیده ات از آفریدگان خود؛ محمّد و خانواده او که از آفریدگان پاک تو هستند، درود فرست.۵/۳۴

خانه

گرد آمدن با رسولان، در سرای جاودانی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُضَامُّ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِی دَارِ الْمُقَامَهِ الَّتِی لَا تَزُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است.۱۶و۱۰/۱

جنگیدن پیامبر صلی الله علیه و آله با دشمنان، در میان خانه هایشان

فَغَزَاهُمْ فِی عُقْرِ دِیَارِهِمْ

پس در وسط دیارشان به جنگ آنها رفت.

۲۰/۲

فرزندان و والدین، در سرای کرامت

وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لِی فَشَفِّعْنِی فِیهِمَا حَتَّی نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِکَ فِی دَارِ کَرَامَتِکَ

ص : ۴۶۰

و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو گرد آییم.۱۵/۲۴

جانشین جنگجو شدن، در امور خانه اش

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

پوشاندن (گناه) بنده، در سرای نیستی

اللَّهُمَّ وَ إِذْ... تَغَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ...

خداوندا و اکنون که (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی در حضور همانندانم نهان داشتی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.

۲۱/۳۲

رسوایی های سرای هستی

فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الرُّسُلِ الْمُكَرَّمِينَ

پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

وسیله قدم نهادن بر نعمتِ سرای اقامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... ذَرِيعَةً نَقْدَمُ بِهَا عَلَى نَعِيمِ دَارِ الْمُقَامَةِ

و قرآن را وسیله ای برای قدم نهادن ما بر نعمتِ سرای اقامت، قرار ده.۸/۴۲

فرود آمدن بنده، به خانه کهنه (قبر)

وَ بَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبِلَى

و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) را برای ما مبارک گردان.۱۴/۴۲

بودن با دوستداران ائمه علیهم السلام ، در سرای سلامت

وَ اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِی دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِکَ، یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

و ما را به همراه آنان در خانه سلامتی (بهشت) قرار ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.۶۵/۴۷

خبر اخبار

ختم

خاتم (امّت ها)، امّت اسلام

فَخَتَمَ بِنَا عَلَی جَمِیعِ مَنْ ذَرَأَ

پس به وسیله ما به همه آفریدگانش پایان داد.

۲/۲

ص : ۴۶۱

خاتم پیامبران، محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ...

خداوندا بر محمّد - آخِر پیامبران - درود فرست.۱۵/۱۷

ختم نمودن کتاب خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعَنْتَنِي عَلَى خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی.۱/۴۲

خجلت شرم

خدا

حمد و سپاس برای خداست

الْحَمْدُ لِلَّهِ

سپاس برای خداست.

۱/۴۷، ۱/۴۴، ۱/۳۵، ۱/۶، ۱/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

و سپاس خدای را.

۳و۲۵،۱/۲،۲/۴۴و۲۲و۲۰و۱۹و۱۷و۱۰و۸/۱

رستن از آتش خدا، و رهسپاری در جوار رحمتش

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ

جِوَارِ اللَّهِ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شده، به جوار ارجمند خدا، واصل شویم.۱۵و۱۰/۱

درود خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد.

۱/۲

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ حَتَّی یَرْضَی

درود خدا بر او تا اینکه خوشنود شود.

۳۵/۳۲

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد -، بدون تفصیل و شرح نازل کردی.۵/۴۲

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

و خدا بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.۱۳۳/۴۷، ۷/۴۳

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَی وَ عَلَی آلِهِ الطَّاهِرِینَ

و درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا

که بر گزیده است و بر خاندان پاکش باد.۹/۵۴

خدا را به نام مبارک «اللّه» خواندن

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ أَمِینِکَ عَلَی وَحْیِکَ

خداوندا بر محمّد – امین وحیت – درود فرست. ۳/۲

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا کَدَحَ فِیکَ إِلَی الدَّرَجِهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر. ۲۳/۲

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ لَا یَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِیحِکَ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند...۱/۳

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّیْتَ عَلَی مَلَائِکَتِکَ وَ رُسُلِکَ... فَصَلِّ عَلَیْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِیهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست. ۲۶/۳

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پیامبران...

۲و۱/۴

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّهً الَّذِینَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَهَ...

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که همراهانی نیکو بودند...۳/۴

...فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَکُوا لَکَ وَ فِیکَ

پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها کردند برای آنان از نظر دور ندار.۷/۴

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَی التَّابِعِینَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَیْرَ جَزَائِکَ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعینِ نیکوکارِ ایشان برسان۹/۴

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین درود فرست.۱۳/۴

اللَّهُمَّ أَغْنِنَا عَنْ هِبَهِ الْوَهَّابِينَ

خداوندا ما را، از بخشش بخشندگان بی نیاز کن.۷/۵

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.۲۰/۱۳، ۷/۹، ۲۳/۶، ۸/۵ ۱۲/۳۱، ۶/۱۵، ۶/۱۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۱۰/۸، ۱۷-۱۹و۱۳/۶، ۱۵و۱۴و۱۰و۹/۵ ۱۳و۹و۸/۱۴، ۲۱/۱۳، ۱۵/۱۲، ۱/۹ و ۱۱-۸و۴و۳و۱/۲۰، ۱۰و۹و۵و۴/۱۷، ۳۳/۱۶

۸/۲۱-۱۰ ، ۳۰و۲۹و۲۷و۲۶و۲۴-۲۱و۱۸و۱۴/۲۰ ۷و۲و۱/۲۳ ، ۱۳و۱۲و۹و۸و۶و۵/۲۲ ، ۱۳/۲۱ ۳و۱/۳۰ ، ۴-۱/۲۷ ، ۴و۱/۲۶،
۱۴و۴و۳/۲۴ ۲/۳۶، ۳و۲/۳۵، ۳۴و۳۲/۳۲، ۳۰و۲۴/۳۱ ۶/۴۳، ۱۴-۹و۱/۴۰،۱/۴۱،۷/۴۲، ۱/۳۹ ۵۱و۴۸/۴۵، ۱۹و۱۶-۱۳و۸و۶/۴۴

اللَّهُمَّ إِنَّمَا يَكْتَفِى الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ

خداوندا به درستی که بی نیازان به فزونی نیروی تو بی نیاز می شوند.۱۱/۵

اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضْرُرْهُ خِذْلَانُ الْخَاذِلِينَ

خداوندا هر کس را که تو یاری نمودی، خواری خوارکنندگان به او زیان نرساند.۱۲/۵

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی.۸/۶

اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَؤُونَتَنَا

خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز.۱۵/۶

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِى كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظًّا مِنْ عِبَادِكَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، بهره ای از بندگانت قرار ده.۱۶/۶

اللَّهُمَّ إِنِّى أُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا

خداوندا من تو را گواه می گیرم و گواهی تو کافی است.۲۱/۶

اللَّهُمَّ إِنيِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحِرْصِ

خداوندا به تو پناه می برم از برانگیخته شدن حرص. ۱/۸

اللَّهُمَّ وَ مَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِى دِينٍ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است قرار ده.۲/۹

اللَّهُمَّ وَ إِنَّكَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا

خداوندا و تو ما را از ناتوانی آفریده ای.

۵/۹

اللَّهُمَّ إِنْ تَشَأْ تَعْفُ عَنَّا فَبِفَضْلِكَ

خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست.۱/۱۰

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا إِذْ شَايَعْنَاهُ عَلَى مَعْصِيَتِكَ

خداوندا چون بر نافرمانی از تو، شیطان را همراهی نمودیم، او ما را شماتت کرد.۶/۱۰

اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلَالٌ ثَلَاثٌ...

خداوندا سه خصلت مرا از درخواست از تو بازمی دارد... ۱/۱۲

اللَّهُمَّ يَا مُنْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ

خداوندا ای نهایت درخواستِ نیازها.

۱/۱۳

اللَّهُمَّ وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جُهْدِي

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم.۱۵/۱۳

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۷/۱۴

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرَّهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلَمَ فَقِنِي مِنْ أَنْ أَظْلِمَ

خداوند همچنان که ستم کشیدن را در نظرم ناپسند نمودی، مرا از ستم نمودن حفظ کن.

۱۰/۱۴

اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ

خداوندا به کسی جز تو شکوه نمی کنم.

۱۱/۱۴

اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنِّي بِالْقُنُوطِ مِنْ إِنْصَافِكَ

خداوندا مرا به ناامیدی از عدلت آزمایش نکن. ۱۲/۱۴

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتِ الْخِيَرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي... إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ... أَيِّدْنِي مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقّم تا روز رستاخیر می باشد، پس مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.۱۴/۱۴

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةِ بَدَنِي

خداوندا ترا سپاس بر تندرستی تنم که همواره از آن برخوردار هستم.۱/۱۵

اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَغِيثُ الْمُذْنِبُونَ

خداوندا ای کسی که گناهکاران به رحمت او فریادرسی می جویند.۱/۱۶

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده.۲۹/۱۶

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ

خداوندا ما از وسوسه های شیطان – رانده شده – به تو پناه می بریم.۱/۱۷

اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِکَ

خداوندا او را از ما – به سبب عبادت و بندگی ات – دور کن.۳/۱۷

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِی قُلُوبِنَا مَدْخَلًا

خداوندا برای او در دل های ما راه ورودی قرار نده.۶/۱۷

اللَّهُمَّ وَ مَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ

خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان.۷/۱۷

اللَّهُمَّ وَ أَشْرِبْ قُلُوبَنَا إِنْکَارَ عَمَلِهِ

خداوندا و دل های ما را از انکار او سیراب ساز. ۸/۱۷

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ شَهِدَ لَکَ بِالرُّبُوبِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به پروردگاری ات گواهی داد، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

اللَّهُمَّ احْلُلْ مَا عَقَدَ

خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن.

۱۲/۱۷

اللَّهُمَّ وَ اهْزِمْ جُنْدَهُ

خداوندا و لشکرش را شکست ده.۱۳/۱۷

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ أَعْدَائِهِ

خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده.

۱۴/۱۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِیِّینَ...

خداوندا بر محمّد – آخِر پیامبران – درود فرست.۱۵/۱۷

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی حُسْنِ قَضَائِکَ

خداوندا بر سرنوشت نیکی که برایم تقدیر کردی، تو را سپاس.۱/۱۸

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَیْثَ

خداوندا ما را از باران سیراب نما.۱/۱۹

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَیْثًا مُغِیثًا...

خداوندا ما را از بارانی ثمربخش سیراب گردان.۴/۱۹

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا تُسِیلُ مِنْهُ الظِّرَابَ

خداوندا ما را با بارانی که از آن تپه ها را جاری گردانی، سیراب نما.۵/۱۹

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَیْنَا سَمُومًا

خداوندا سایه آن (ابر) را بر ما گرم و سوزان قرار نده.۶/۱۹

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱۹/۴۲، ۱۱/۲۲، ۷و۵/۲۰، ۱۹ ۷/۵۴ ۴/۵۴، ۱۶و۱۱/۴۸

اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نِيَّتِى

خداوندا به لطف خود نيّت مرا كامل گردان.

۲/۲۰

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّى إِلَّا أَصْلَحْتَهَا

خداوندا مرا در خصلتى عيبناك وانگذار، مگر آنكه اصلاحش نمايى.۶/۲۰

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِى أَصُولُ بِكَ عِنْدَ الضَّرُورَهِ

خداوندا مرا چنانم كن كه به وقت ضرورت، به (يارى) تو حمله آورم.۱۲/۲۰

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِى الشَّيْطَانُ فِى رُوعِى مِنَ الَّتمَنِّى... ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ...

خداوندا به جاى آنچه شيطان از آرزو در دل من مى افكند، ياد بزرگى ات را قرار ده.۱۳/۲۰

اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ

خداوندا به سوى آمرزشت روى آورده ام.

۱۵/۲۰

اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِى بِالْهُدَى

خداوندا و مرا به هدايت گويا كن.۱۶/۲۰

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِىَ الطَّرِيقَهَ الْمُثْلَى

خداوندا مرا به بهترين راه ببر.۱۷/۲۰

اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِکَ مِنْ نَفْسِی مَا یُخَلِّصُهَا

خداوندا برای خود از من، آنچه را که رهایی ام دهد، بگیر.۱۹/۲۰

اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِی إِنْ حَزِنْتُ

خداوندا اگر اندوهگین شوم، مایه دلخوشی ام تویی. ۲۰/۲۰

اللَّهُمَّ فَأَطْلِبْنِی بِقُدْرَتِکَ مَا أَطْلُبُ

خداوندا پس به قدرت خویش، آنچه طلب می کنم، برایم برآور.۲۵/۲۰

اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِکَ أَجَلِی

خداوندا زندگی مرا با آمرزش خود پایان ده.

۲۸/۲۰

اللَّهُمَّ یَا کَافِیَ الْفَرْدِ الضَّعِیفِ

خداوندا ای کفایت کننده (شخص) تنهای ناتوان. ۱/۲۱

اللَّهُمَّ إِنَّکَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّی وَجْهَکَ الْکَرِیمَ... لَمْ أَجِدِ السَّبِیلَ إِلَی شَیْءٍ مِنْ أَمَلِی غَیْرَکَ...

خداوندا اگر روی کریمت را از من برگردانی، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

اللَّهُمَّ إِنَّکَ کَلَّفْتَنِی مِنْ نَفْسِی مَا أَنْتَ أَمْلَکُ بِهِ مِنِّی

خداوندا مرا - درباره خودم - به کاری گماشتی که تو از من به آن تواناتری.۱/۲۲

اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِی بِالْجَهْدِ

خداوندا طاقت رنج کشیدن ندارم.۲/۲۲

فَبِفَضْلِکَ، اللَّهُمَّ، فَأَغْنِنِی

پس به فضل خود، خداوندا بی نیازم گردان.

۴/۲۲

اللَّهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ مَا يُصْلِحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي...

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی.۱۰/۲۲

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره.

۴/۲۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست.۱/۲۴

وَ اخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالِدَيَّ بِالْكَرَامَهِ لَدَيْكَ

و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامتِ نزد خود اختصاص ده.۲/۲۴

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَهَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ

خداوندا مرا چنان گردان که از هر دو (پدر و مادرم) همچون ترس از پادشاه خودکامه، بیمناک باشم. ۵/۲۴

اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي

خداوندا، صدایم را برای ایشان آهسته ساز.

۶/۲۴

اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَتِي

خداوندا از آنان به پاس پرورش دادن من، قدردانی کن.۷/۲۴

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًى... فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِذُنُوبِهِمَا...

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده، پس آن را سبب ریزش گناهانشان قرار ده.۸/۲۴

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ... فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا...

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم.۹/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندان او و نسل او درود فرست.۱۲/۲۴

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِی ذِكْرَهُمَا فِی أَدْبَارِ صَلَوَاتِی

خداوندا یاد آنان را بعدِ نمازهایم از یادم نبر.

۱۳/۲۴

اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان.۱۵/۲۴

اللَّهُمَّ وَ مُنَّ عَلَيَّ بِبَقَاءِ وُلْدِی

خداوندا و بر من به بقای فرزندانم منّت گذار.

۱/۲۵

اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضُدِی

خداوندا بازوی مرا به وسیله آنان محکم گردان. ۴/۲۵

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ...

خداوندا با سلطه خود، تسلّط او (شیطان) را از ما دور کن.۸/۲۵

اللَّهُمَّ أَعْطِنِی كُلَّ سُؤْلِی

خداوندا همه خواسته هایم را به من عطا کن.

۹/۲۵

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِیعَ ذَلِکَ بِتَوْفِیقِکَ وَ رَحْمَتِکَ

خداوندا به توفیق و رحمتت همه آن (درخواست ها) را به ما عطا فرما.۱۲/۲۵

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ أَجْزِی بِالْإِحْسَانِ مُسِیئَهُمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که بدکارشان را به نیکی پاداش دهم.۳/۲۶

اللَّهُمَّ افْلُلْ بِذَلِکَ عَدُوَّهُمْ

خداوندا بدین وسیله، دشمنانشان را درهم شکن. ۵/۲۷

اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ

خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان.

۶/۲۷

اللَّهُمَّ وَ قَوِّ بِذَلِکَ مِحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوّت بخش.۷/۲۷

اللَّهُمَّ اغْزُ بِکُلِّ نَاحِیَهٍ مِنَ الْمُسْلِمِینَ عَلَی مَنْ بِإِزَائِهِمْ مِنَ الْمُشْرِکِینَ

خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار.۸/۲۷

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ...

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند.۹/۲۷

ص : ۴۶۸

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ...

خداوندا مشركان را به مشركان مشغول گردان.

۱۰/۲۷

اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمَنَهِ

خداوندا دل هايشان را از آرامش تهى دار.

۱۱/۲۷

اللَّهُمَّ وَ امْزُجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ

خداوندا و آب هايشان را به وبا درآميز.

۱۲/۲۷

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ... فَلَقِّهِ الْيُسْرَ

خداوندا و هر رزمنده اى از اهل دينت كه با آنها بجنگد، پس او را با آسانى روبرو كن.

۱۳/۲۷

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِى دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانى كه جنگجويى يا مرزدارى را، در (امور) خانه اش جانشين شد، پس وى را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِى الْعَابِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانى كه امر اسلام او را نگران ساخت، از اين رو قصد جنگ كرد، امّا ناتوانى او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت كنندگان بنويس.۱۷/۲۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست.۱۸/۲۷

اللَّهُمَّ إِنِّی أَخْلَصْتُ بِانْقِطَاعِی إِلَیْکَ

خداوندا همانا من خالصانه از دیگران دل بریده و به تو پیوسته ام.۱/۲۸

اللَّهُمَّ إِنَّکَ ابْتَلَیْتَنَا فِی أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمانْ به بدگمانی، آزمودی.۱/۲۹

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَیَّ صُحْبَهَ الْفُقَرَاءِ

خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان.۴/۳۰

اللَّهُمَّ یَا مَنْ لَا یَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِینَ

خداوندا ای کسی که توصیف وصف کنندگان، او را نمی ستاید.۱/۳۱

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُکَ مُطِیعًا لِأَمْرِکَ فِیما أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ

خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده ام، در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده ای، اطاعت کرده ام.۱۱/۳۱

اللَّهُمَّ وَ ثَبِّتْ فِی طَاعَتِکَ نِیَّتِی

خداوندا و نیّت مرا در فرمانبرداریت، ثابت بدار. ۱۳/۳۱

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا مِنْ کَبائِرِ ذُنُوبِی وَ صَغَائِرِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان بزرگ و کوچکم به درگاهت توبه می کنم.۱۴/۳۱

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَاغْفِرْ لِی مَا عَلِمْتَ

خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری. پس آنچه (گناه) از من می دانی، بیامرز.

۱۷/۳۱

اللَّهُمَّ وَ عَلَیَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَ تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِیتُهُنَّ

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که به یاد دارم و گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام.۱۸/۳۱

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِی بِالتَّوْبَهِ إِلَّا بِعِصْمَتِکَ

خداوندا مرا جز به نگهداری تو، وفای به توبه نیست.۱۹/۳۱

اللَّهُمَّ أَیُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَیْکَ وَ هُوَ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ... فَإِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَکُونَ کَذَلِکَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین باشم.۲۰/۳۱

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ مِنْ جَهْلِی

خداوندا، به درستی که من از نادانی ام، در پیشگاه تو عذر می خواهم.۲۱/۳۱

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ مِنْ کُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَکَ

خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته توست، به درگاهت توبه می کنم.۲۲/۳۱

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَحْدَتِی بَیْنَ یَدَیْکَ

خداوندا، پس به تنهایی ام در برابرت، رحم فرما. ۲۳/۳۱

اللَّهُمَّ لَا خَفِیرَ لِی مِنْکَ فَلْیَخْفُرْنِی عِزُّکَ

خداوندا برای من پناه دهنده ای از (عقوبت) تو نیست، پس باید عزّتت مرا پناه دهد.۲۵/۳۱

اللَّهُمَّ إِنْ یَکُنِ النَّدَمُ تَوْبَهً إِلَیْکَ فَأَنَا أَنْدَمُ النَّادِمِینَ

خداوندا اگر پشیمانی، توبه به درگاه توست، پس من پشیمان ترین پشیمانانم.۲۸/۳۱

اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمَرْتَ بِالتَّوْبَهِ... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقْبَلْ تَوْبَتِی

خداوندا، پس چنانکه به توبه فرمان دادی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و توبه ام را قبول کن.۲۹/۳۱

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَأَبِّدِ بِالْخُلُودِ

خداوندا ای صاحب پادشاهی پاینده جاوید.

۱/۳۲

اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَى خَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُکَ

خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است. ۱۱/۳۲

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَمَرْتَنِی فَتَرَكْتُ

خداوندا همانا تو مرا امر کردی، پس ترک گفتم. ۱۶/۳۲

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِكَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ...

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِینًا مِنْ صُلْبٍ مُتَضَایِقِ الْعِظَامِ... إِلَی رَحِمٍ ضَیِّقَهٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی.۲۳/۳۲

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ تَغَلَّظْتَ بِهَا عَلَی مَنْ عَصَاکَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سخت گرفتی.

۲۹/۳۲

اللَّهُمَّ إِنَّکَ تَقِی الْکَرِیهَهَ

خداوندا همانا تو از ناخوشایندی ها نگهداری می کنی.۳۳/۳۲

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَخِیرُکَ بِعِلْمِکَ

خداوندا، همانا من به علمت از تو درخواستِ خیر دارم.۱/۳۳

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی سِتْرِکَ بَعْدَ عِلْمِکَ

خداوندا سپاس تو را، بر (خطا) پوشاندنت پس از علمت.۱/۳۴

وَ صَلِّ عَلَی خِیَرَتِکَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِکَ...

خداوندا و بر برگزیده ات از آفریدگان خود

درود فرست.۵/۳۴

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَیْنِ آیَتَانِ مِنْ آیَاتِکَ

خداوندا همانا این دو، دو نشانه از نشانه های تو هستند.۱/۳۶

اللَّهُمَّ وَ إِنْ کُنْتَ بَعَثْتَهَا نِقْمَهً وَ أَرْسَلْتَهَا سَخْطَهً فَإِنَّا نَسْتَجِیرُکَ مِنْ غَضَبِکَ

خداوندا و اگر آن (ابرها) را برای کیفر برانگیخته ای و از روی خشم فرستاده ای، پس ما از خشمت، از تو امان می خواهیم.

۳/۳۶

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ مَحْلَ بِلَادِنَا بِسُقْيَاکَ

خداوندا خشکسالیِ شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز.۴/۳۶

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةً

خداوندا همانا کسی به نهایت شکرگزاری ات نمی رسد. ۱/۳۷

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَيْکَ مِنْ مَظْلُومٍ ظُلِمَ بِحَضْرَتِی فَلَمْ أَنْصُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از ستم دیده ای که در حضور من به او ستم شد، پس او را یاری نکردم.۱/۳۸

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّی مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ...فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّی...

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته

بودی، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز.

۲/۳۹

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا عَبْدٍ مِنْ عَبِیدِکَ أَدْرَکَهُ مِنِّی دَرَکٌ... أَرْضِهِ عَنِّی مِنْ وُجْدِکَ...

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که نارواییی از من به او رسیده، او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان.۴/۳۹

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْهِبُکَ - یَا إِلَهِی - مَا لَا یُنْقِصُکَ بَذْلُهُ

خداوندا، ای خدای من، همانا من از تو بخششی می خواهم که بخشیدن آن از تو چیزی نمی کاهد. ۶/۳۹

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعَنْتَنِی عَلَی خَتْمِ کِتَابِکَ الَّذِی أَنْزَلْتَهُ نُورًا

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی.۱/۴۲

اللَّهُمَّ فَإِذْ أَفَدْتَنَا الْمَعُونَهَ عَلَی تِلَاوَتِهِ... فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَرْعَاهُ حَقَّ رِعَایَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که ما را بر تلاوتش یاری نمودی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد -، بدون تفصیل و شرح نازل کردی.۵/۴۲

اللَّهُمَّ فَکَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَهً... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ...

خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن (قرآن) قرار دادی، پس بر محمّد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست.۶/۴۲

اللَّهُمَّ وَ کَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَهِ عَلَیْکَ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِیلَهً لَنَا إِلَی أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْکَرَامَهِ...

خداوندا و چنان که به وسیله قرآن، محمّد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت، قرار ده.۸/۴۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ کَمَا بَلَّغَ رِسَالَتَکَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد.

۱۷/۴۲

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِیَّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِیِّینَ مِنْکَ مَجْلِسًا

خداونـدا پیـامبر مـا را - که درودهـای تو بر او و بر خانـدانش بـاد - روز رسـتاخیز، نزدیـک ترین پیامبران در مجلس خود قرار ده.۱۸/۴۲

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۲۱/۴۲

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِکَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده.۲۲/۴۲

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ این ماه، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

اللَّهُمَّ اشْحَنْهُ بِعِبَادَتِنَا إِیَّاکَ

خداوندا این (ماه) را از عبادت های ما، پر گردان. ۱۷/۴۴

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا فِی سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْأَیَّامِ کَذَلِکَ مَا عَمَّرْتَنَا

خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده.۱۸/۴۴

اللَّهُمَّ یَا مَنْ لَا یَرْغَبُ فِی الْجَزَاءِ

خداوندا ای کسی که پاداش نمی خواهد.

۱/۴۵

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَایَا تِلْکَ الْوَظَائِفِ... شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِی اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ

خداوندا و تو از کارهای برگزیده، ماه رمضان را قرار دادی. همان که آن را از بقیه ماه ها مخصوص داشتی.۲۰/۴۵

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِی شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی.۴۳/۴۵

اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ إِقْرَارًا بِالْإِسَاءَهِ

خداوندا، پس سپاس برای توست، در حالی که به بدکرداری، اقرارکننده ایم.۴۵/۴۵

اللَّهُمَّ وَ مَا أَلْمَمْنَا بِهِ فِی شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِکَ

خداونـدا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شـدیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.

۴۷/۴۵

اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِانْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَایَانَا

خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها درآور. ۴۹/۴۵

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَی هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَایَتِهِ... أَوْ تَقَرَّبَ إِلَیْکَ بِقُرْبَهٍ أَوْجَبَتْ رِضَاکَ لَهُ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

خداونـدا و هر کس رعـایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است، یا به وسـیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسته، که خوشنودی تو را برای او لازم گردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.

۵۰/۴۵

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا...

خداوندا ما در روزِ فطرمان به درگاه تو توبه

می کنیم. ۵۲/۴۵

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ

خداوندا ترسِ کیفرِ هشدارداده شده را روزی ما گردان.۵۳/۴۵

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنْ آبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا...

خداوندا از پدران و مادران ما درگذر.

۵۵/۴۵

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَ آلِهِ

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست.۵۶/۴۵

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا سپاس برای توست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین.۲/۴۷

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَيَّدْتَ دِينَکَ فِی كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی.۶۰/۴۷

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِيِّکَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ

خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما.۶۱/۴۷

صَلَوَاتُکَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد.

۶۲/۴۷

وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ... وَ إِلَيْکَ وَ إِلَى رَسُولِکَ

صَلَوَاتُکَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِکَ مُتَقَرِّبِينَ

و ما را برای او شنوندگان و بدین وسیله جویای تقرّب به سوی خود و پیامبرت – که خداوندا درودهایت را بر او و خاندانش

بفرست – قرار ده.۶۳/۴۷

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که اعتراف کنندگان به مقام ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَهَ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای.

۶۶/۴۷

اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ...

خداوندا و من آن بنده تو هستم که او را نعمت داده ای.۶۷/۴۷

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيْمُونٌ

خداوندا این روزیست مبارک و خجسته.

۱/۴۸

اللَّهُمَّ رَبَّنَا بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ

خداوندا، ای پروردگار ما، به درستی که پادشاهی برای توست.۲/۴۸

اللَّهُمَّ بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ وَ الْحَمْدَ

خداوندا، به درستی که پادشاهی و سپاس مختص به توست.۳/۴۸

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِي

خداوندا، برای نیازم به سوی تو قصد نمودم.

۴/۴۸

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَ تَعَبَّأَ وَ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوَفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ... فَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتِ الْيَوْمَ تَهْيِئَتِي...

خداوندا، هر کسی خود را مهیّا و آماده می کند و ساز و برگ تهیه می نماید تا بر مخلوقی وارد شود. پس ای سرور من، امروز مهیّا گشته تا به سوی تو آیم.۵/۴۸

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا، پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.۶/۴۸

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ

خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینان و برگزیدگانت است.

۹/۴۸

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان لعنت کن.۱۰/۴۸

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِكَ

خداوندا و مرا از یکتاپرستان و ایمان آورندگان به خود قرار ده.۱۲/۴۸

اللَّهُمَّ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ

خداوندا، غضب تو را جز بردباری ات دور نمی سازد.۱۳/۴۸

أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ

خداوندا امروز از غضبت به تو پناه می آورم.

۱۷/۴۸

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُ_حَمَّدِيَّهِ الرَّفِيعَهِ

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی، به سوی تو نزدیکی می جویم.۱۶/۴۹

اللَّهُمَّ إِنَّکَ خَلَقْتَنِی سَوِیًّا

خداوندا، تو مرا بی عیب و نقص آفریدی.

۱/۵۰

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ... أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا نااميد نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

اللَّهُمَّ إِنَّکَ طَالِبِی إِنْ أَنَا هَرَبْتُ

خداوندا، همانا تو جویای منی، اگر بگریزم.

۴/۵۰

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب رحم نمایی.

۵/۵۰

فَارْحَمْنِی اللَّهُمَّ فَإِنِّی امْرُوءٌ حَقِیرٌ

پس خداوندا، بر من رحم کن. زیرا من فردی حقیرم.۶/۵۰

لَکِنْ سُلْطَانُکَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ... مِنْ أَنْ تَزِیدَ فِیهِ طَاعَهُ الْمُطِیعِینَ

ولی خداوندا، سلطنت تو بزرگ تر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید.۶/۵۰

اللَّهُمَّ إِنِّی أُصْبِحُ وَ أُمْسِی مُسْتَقِلًّا لِعَمَلِی

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم.

۷/۵۲

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ سُوءَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند است.۳/۵۴

اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِی فِی مَسْأَلَتِی مِثْلَ رَغْبَهِ أَوْلِیَائِکَ فِی مَسَائِلِهِمْ

خداوندا، رغبت مرا در درخواستم، همانند رغبت اولیای خود در خواسته هایشان قرار ده.

۶/۵۴

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِی فَأَعْظِمْ فِیهَا رَغْبَتِی

خداوندا خواسته من این است. پس رغبت مرا در آن افزون گردان.۷/۵۴

اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ لَهُ ثِقَهٌ أَوْ رَجَاءٌ غَیْرُکَ، فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ ثِقَتِی وَ رَجَائِی فِی الْأُمُورِ کُلِّهَا

خداوندا، هر کس صبح کرد، در حالی که اعتماد یا امیدش به جز تو بود. پس من صبح

کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی.۸/۵۴

فرشتگان و عدم نافرمانی از خدا

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ لَا یَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَ یَفْعَلُونَ مَا یُوءْمَرُونَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنان که خدا را در آنچه به آنان امر کرده، سرپیچی نمی کنند و آنچه به آنان فرمان داده شده، انجام می دهند.

۱۹و۱۱و۱۰/۳

گواهی دادن به خدایی و یکتایی خدا

أَنِّی أَشْهَدُ أَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

همانا من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست.۲۱/۶

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِکَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِینَ حَتَّی یَکْشِفُوهُمْ إِلَی مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِی أَرْضِکَ وَ أَسْرًا، أَوْ یُقِرُّوا بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند، یا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی شریک هستی، اقرار نمایند.

۸/۲۷

ص : ۴۷۶

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

تویی خدایی که جز تو معبودی نیست.

۱۲-۳/۴۷

پیکار با دشمنان، تا اعترافشان به خدایی و یکتایی خدا

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِکَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِینَ حَتَّی یَکْشِفُوهُمْ إِلَی مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِی أَرْضِکَ وَ أَسْرًا، أَوْ یُقِرُّوا بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند، یا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی شریک هستی، اقرار نمایند.

۸/۲۷

اوّل بودن خدا، در اوّلیّتش

کَذَلِکَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِی أَوَّلِیَّتِکَ

چنین است که تو خدایی هستی که در اوّلیتِ خود اوّلی.۸/۳۲

رضایت داشتن، به حکم خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضًی بِحُکْمِ اللَّهِ

سپاس خدای را که راضی به حکم اویم.

۱/۳۵

تقسیم عادلانه معیشت، توسّط خدا

شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَایِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ

گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود.۱/۳۵

رحمت خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

وَ السَّلَامُ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

و درود و رحمت و برکات فزاینده خداوند، بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.

۲۲/۴۲

خدا، پروردگار انسان و ماه

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّی وَ رَبَّکَ... أَنْ یَجْعَلَکَ هِلَالَ بَرَکَهٍ

پس از خدایی که پروردگار من و پروردگار تو است، درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد.۴/۴۳

توبه نمودن، به درگاه خدا

تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحًا...

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص.۱۰/۴۵

خدا، و خوار نکردن پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان

...یَوْمَ لَا یُخْزِی اللَّهُ النَّبِیَّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ

...روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند.۱۱/۴۵

خدا و چندین برابر نمودن (نعمت ها)

وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ

و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.۱۳/۴۵

قرض نیکو دادن، به خداوند

مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً

کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟. ۱۳/۴۵

انفاق اموال، در راه خدا

مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ...

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد.

۱۳/۴۵

ماه رمضان، ماه خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ

درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه خدا.۲۳/۴۵

کثرت آزادشدگان خدا، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عُتَقَاءَ اللَّهِ فِيكَ!

درود بر تو. چه بسیار است آزادشدگان (از عذاب) خدا در تو!.۳۰/۴۵

خدا، آمرزنده گناهان

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

به درستی که خدا همه گناهان را می آمرزد.

۲/۵۰

ناامید نشدن از رحمت خداوند

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ، وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَکَ أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ...

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید.» ۲/۵۰

پوشیده نبودن چیزی، بر خداوند

یَا اَللَّهُ الَّذِی لَا یَخْفَی عَلَیْهِ شَیْءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ

ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست.۱/۵۲

خداحافظی وداع

خدعه فریب

خدمت

خدمت گزاران بهشت ها

ص : ۴۷۸

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ سَدَنَهِ الْجِنَانِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و خدمت گزاران بهشت ها.۱۸و۱۱و۱۰/۳

خدمت در آنچه به بنده الهام شده

وَ وَفِّقْنِی لِلنُّفُوذِ فِیما تُبَصِّرُنِی مِنْ عِلْمِهِ حَتَّی... لَا تَثْقُلَ أَرْكَانِی عَنِ الْحُفُوفِ فِیما أَلْهَمْتَنِیهِ

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا اعضایم از انجامِ آنچه آن را به من الهام فرموده ای، سنگین نشود.۳/۲۴

به جا آوردن خدمت و چاکری والدین

وَ لَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِیفَهَ خِدْمَتِهِمَا

و من وظیفه خدمت گزاری ایشان را انجام نداده ام.۱۱/۲۴

به خدمت گرفتن ماه

وَ امْتَهَنَكَ بِالزِّیَادَهِ وَ النُّقْصَانِ

و تو را با فزونی و کاستی، به خدمت گرفت.

۲/۴۳

به خدمت گرفتن بنده، جهت انتقام گرفتن برای خدا

وَ لَا تَتَّخِذْنِی هُزُوًا لِخَلْقِكَ... وَ لَا مُمْتَهَنًا إِلَّا بِالِانْتِقَامِ

لَكَ

و مرا سبب خنده آفریدگانت قرار نده و جز برای انتقام گرفتن برای تو، خدمت گزارم نگردان.

۱۲۴/۴۷

خذلان خواری

خُرخُر

عامل آسان نمودن خُرخُرهای زمان جان کندن

وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَی أَنْفُسِنَا... تَرَادُفَ الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّرَاقِیَ

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، خرناسه های پی درپی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسد.۱۳/۴۲

خُرد اندک و نیز کوچک

خرده گیری و سخت گیری

عدم سخت گیری خدا، در ابزار رساندن بنده به آمرزش

وَ لَمْ تَحْمِلْهُ عَلَی الْمُنَاقَشَاتِ فِی الْآلَاتِ الَّتِی تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَی مَغْفِرَتِکَ

و از او نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها،

به آمرزش تو نائل شد، حسابکشی سخت نکردی.

۱۳/۳۷

خرده گیری نکردن خدا، بر بنده

وَ لَا تُنَاقِشْنِی بِمَا اکْتَسَبْتُ

و به آنچه کسب کردم، بر من سخت مگیر.

۲/۴۱

خرّم

بارانی خرّمی بخش و سرسبزکننده

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَیْثًا مُغِیثًا مَرِیعًا مُمْرِعًا...

خداوندا ما را از بارانی ثمربخش، خرّمی بخش و سرسبزکننده سیراب گردان.۴/۱۹

خُرناس خُر خُر

خروج

خارج شدن از حدود انسانیّت

...وَ لَوْ کَانُوا کَذَلِکَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِیَّهِ إِلَی حَدِّ الْبَهِیمِیَّهِ

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رومی آوردند.۹/۱

خروج از فراخی معیشت

وَ اشْکُرْهُمْ عَلَی... خُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَهِ الْمَعَاشِ إِلَی ضِیقِهِ

و ایشان را به خاطر آنکه از زندگی راحت به سختی افتادند، پاداش عنایت کن.۸/۴

روزِ خروج جان ها، از تن ها

وَ تُهَوِّنَ عَلَیْهِمْ کُلَّ کَرْبٍ یَحُلُّ بِهِمْ یَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا

و در آن روز که جان ها از تن بیرون رود، هر اندوهی را بر ایشان آسان گردانی.۱۷/۴

خارج نمودن آنچه آمدنیست (گیاه)، با باران

وَ تُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ

و به وسیله آن آنچه که آمدنی است، بیرون آوری.۳/۱۹

ناتوانی بنده، از خارج شدن از سلطنت خدا

وَ لَا قُوَّةَ لِی عَلَی الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِکَ

و مرا نیرویی برای خروج از سلطنت تو نیست.۶/۲۱

خارج شدن اسباب پیوندها، از دست بنده

خَرَجَتْ مِنْ یَدِی أَسْبَابُ الْوُصُلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُکَ

ص : ۴۸۰

اسباب پیوندها از دستم بیرون رفته، جز آنچه به رحمتت وصل شده.۹/۳۲

خارج کردن زکات از مال

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَوَاتِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که آن (دارایی ها) را با بیرون کردن زکات ها پاک کنیم.۱۰/۴۴

ماه رمضان، و خروج بنده از بدی

أَخْرِجْنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا

با بیرون رفتنش، ما را از بدی هایمان بیرون بر.

۴۹/۴۵

خروش

به شنا درآمدن ابر خروشان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِى بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَهُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای رانـدنش، بانگ رعـدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد.۱۴و۱۱و۱۰/۳

خزانه گنجینه

خسارت زیان

خستگی

رو نیاوردن خستگی، به فرشتگان

وَ الَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَةٌ مِنْ دُؤُوبٍ، وَ لَا إِعْيَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَ لَا فُتُورٌ...

و همانها که از کوشش دائمی دلتنگ نمی شوند، و از خستگیِ زیاد، وامانده و سست نمی گردند...۷/۳

شب و آرمیدن از حرکات خسته کننده

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ التَّعَبِ وَ نَهَضَاتِ النَّصَبِ

پس شب را برای آنان آفرید تا از حرکت های خسته کننده و جنبش های سخت بیاسایند.۵/۶

درخواست رو نیاوردن خستگی، به بنده

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَهٍ، لَا تُدْرِکُنَا فِیهِ تَبِعَهٌ، وَ لَا تَلْحَقُنَا فِیهِ سَأْمَهٌ

و اگر برای ما فراغت از کار مقـدّر نموده ای، پس آن را با تنـدرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد و خسـتگی ای به ما نرسد.۲/۱۱

از روی خستگی نبودن وداع با رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ غَیْرَ مُوَدَّعٍ بَرَمًا وَ لَا مَتْرُوکٍ صِیَامُهُ سَأَمًا

درود بر تو. نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی

باشد. و نه آنکه ترک روزه اش از سر ملالت باشد.

۳۷/۴۵

خسیس بخیل

خشکی

خشک گرداندن پشت های مردان دشمن

وَ یَبِّسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ

و صلب مردانشان را خشک نما.۶/۲۷

قحطی و خشک سالی شهرهای دشمنان

وَ ارْمِ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ... وَ افْرَعْهَا بِالْمُ_حُولِ

و شهرهایشان را در زمین فروبر و آن را به قحطی و خشک سالی دچار ساز.

۱۲/۲۷

زایل گرداندن خشکی شهرها، با باران

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ مَحْلَ بِلَادِنَا بِسُقْیَاکَ

خداوندا خشک سالیِ شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز.۴/۳۶

جستن فضلِ غیر خدا، و دچار خشک سالی گشتن

وَ أَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ إِلَّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَکَ

و جویندگان که غیر از فضل تو جویا شدند، دچار خشک سالی گردیدند.۱۳/۴۶

خشم

پناه بردن به خدا، از تندی غضب

اللَّهُمَّ إِنِّیٓ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... سَوْرَةِ الْغَضَبِ

خداوندا به تو پناه می برم از شدّت خشم.

۱/۸

تصمیمی به خشم آورنده خداوند

وَ إِذَا هَمَمْنَا بِهَمَّيْنِ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا، وَ يُسْخِطُكَ الْآخَرُ عَلَيْنَا...

و چون بر دو کار تصمیم گرفتیم، یکی تو را از ما خوشنود می سازد و دیگری تو را بر ما به خشم می آورد...۳/۹

سستی نیروی بندگان، از به خشم آوردن خدا

وَ أَوْهِنْ قُوَّتَنَا عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا

و توانمان را از کاری که تو را بر ما خشمگین می سازد سست کن.۳/۹

عامل بهبودی خشم بنده، علیه ستمگر

وَ أَعْدِنِي عَلَيْهِ عَدْوَى حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غَيْظِي بِهِ شِفَاءً

و مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد.۸/۱۴

اندک بودن هر ناپسندی، در برابر خشم خدا

ص : ۴۸۲

فَكَلَّ مَكْرُوهٍ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ

پس هر ناپسندی در مقابل خشم تو اندک است.۹/۱۴

هموار بودن هر اندوهی، با پیشامد غضب الهی

وَ كُلُّ مَرْزِئَةٍ سَوَاءٌ مَعَ مَوْجِدَتِكَ

و هر گرفتاری ای با غضب تو هموارشدنی است.۹/۱۴

پیشی گرفتن رحمت خدا، بر غضبش

وَ أَنْتَ الَّذِی تَسْعَی رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ

و تو آنی که رحمتش بر غضبش پیشی می گیرد.

۸/۱۶

معصیت به خشم آورنده خدا

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَاتُكَ عَنِّی... وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِی عَلَيْكَ، بَلْ تَأَنِّيًا مِنْكَ لِی، وَ تَفَضُّلًا مِنْكَ عَلَیَّ لِأَنْ أَرْتَدِعَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ الْمُسْخِطَهِ

و شگفت تر از آن بردباری تو با من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از بردباری تو بر من و از تفضّل تو بر من است. برای اینکه از نافرمانی - برانگیزنده خشم تو - دست بردارم.

۲۶/۱۶

ایمنی از خشم خداوند

وَ اكْتُبْ لِی أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس.۳۳/۱۶

میراندن بنده و استواری خشم خدا

فَإِذَا كَانَ عُمْرِی مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِی إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ... يَسْتَحْكِمَ غَضَبُكَ عَلَیَّ

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد - پیش از آنکه خشمت بر من استوار گردد - مرا به سوی خود بازگردان.۵/۲۰

(توفیق) فرونشاندن خشم

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ فِی... کَظْمِ الغَیْظِ

و زیور پرهیزکاران را در فرو بردن خشم، به من بپوشان.۱۰/۲۰

ناتوان شدن بنده، در برابر خشم الهی

ضَعُفْتُ عَنْ غَضَبِکَ فَلَا مُوءَیِّدَ لِی

در برابر خشم تو ناتوان شده ام و یاری دهنده ای ندارم.۱/۲۱

به خشم نیامدن از آنچه موجب رضای خداست

وَ لَا أَسْخَطَ شَیْئًا مِنْ رِضَاکَ

و از چیزی که خوشنودی توست، خشمگین نشوم. ۹/۲۱

سبب دوست نداشتن به خشم آورنده خدا

وَ اشْغَلْ بِطَاعَتِکَ نَفْسِی عَنْ کُلِّ مَا یَرِدُ عَلَیَّ حَتَّی لَا

أَحِبَّ شَيْئًا مِنْ سُخْطِکَ

و مرا از هر چه به من برسد، به طاعت خویش مشغول دار. تا چیزی که تو را به خشم می آورد، دوست نداشته باشم.۹/۲۱

یافتن آرامش دل، در هنگام خوشنودی و خشم

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ... حَتَّی أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِینَهَ النَّفْسِ مِنِّی بِمَا یَجِبُ لَکَ فِیما یَحْدُثُ فِی حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ وَ الرِّضَا وَ السُّخْطِ...

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی و خوشنودی و خشم رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.۱۱/۲۲

خطاها و لغزش ها، در خوشنودی و خشم

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده.۱۳/۲۲

عامل سزاوار خشم خدا گشتن

...وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْیِی سَخْطَتَکَ

...و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم.

۱۳/۳۲

خشم نمودن بنده، بر نفس خود

وَ هَذَا مَقَامُ مَنِ اسْتَحْیَا لِنَفْسِهِ مِنْکَ، وَ سَخِطَ عَلَیْهَا

و این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت و بر خود خشمگین است.

۱۹/۳۲

گرداندن خشم خدا، به سوی کفّار

فَمِلْ بِالْغَضَبِ إِلَی الْمُشْرِکِینَ

پس خشم را به سوی مشرکان بگردان.

۳/۳۶

فرستادن ابرها، از روی خشم

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كُنْتَ بَعَثْتَهَا نِقْمَةً وَ أَرْسَلْتَهَا سَخْطَةً فَإِنَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ

خداوندا و اگر آن (ابرها) را برای کیفر برانگیخته ای و از روی خشم فرستاده ای، پس ما از خشمت، از تو امان می خواهیم.۳/۳۶

نیروی بنده و خشم خداوند

وَ إِنَّ طَاقَتِي لَا تَنْهَضُ بِسُخْطِكَ

و همانا طاقت من، با خشم تو برابری نمی کند. ۵/۳۹

رها شدن از خشم خدا، به واسطه عفو او

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَةَ مَنْ قَدْ... خَلَّصْتَهُ بِتَوْفِیقِکَ مِنْ وَرَطَاتِ الْمُـجْرِمِینَ، فَأَصْبَحَ طَلِیقَ عَفْوِکَ مِنْ إِسَارِ سُخْطِکَ

و مرا اسوه کسی گردان که به توفیق خود، او را از منجلاب های مجرمان، رهاندی. پس به واسطه عفوت از قید و بند خشمت، رها گردیده است.۱۰/۳۹

خوشنود نشدن خدا، پس از خشمش

لَا تُعْرِضْ عَنِّی إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَی عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِکَ

از من رونگردان همانند روگرداندن از کسی که پس از خشمت از او خوشنود نمی شوی.۱۰۰/۴۷

عامل بازگرداننده خشم خداوند

اللَّهُمَّ لَیسَ یَرُدُّ غَضَبَکَ إِلَّا حِلْمُکَ، وَ لَا یَرُدُّ سَخَطَکَ إِلَّا عَفْوُکَ

خداوندا، غضب تو را جز بردباری ات دور نمی سازد، و خشم تو را جز بخشایشت فرونمی نشاند. ۱۳/۴۸

پناه بردن به خدا، از خشم او

أَعُوذُ بِکَ اللَّهُمَّ الْیَوْمَ مِنْ غَضَبِکَ

خداوندا امروز از غضبت به تو پناه می آورم.

۱۷/۴۸

زنهار جستن از خشم الهی

أَسْتَجِیرُ بِکَ الْیَوْمَ مِنْ سَخَطِکَ

امروز از خشمت به تو پناه آورده ام.۱۸/۴۸

بهبودی نیافتن خشم دشمن

فَرَدَدْتَهُ لَمْ یَشْفِ غَیْظَهُ، وَ لَمْ یَسْکُنْ غَلِیلُهُ

پس در حالی که خشمش را بهبودی نداده و کینه اش قرار نگرفته بود، او را بازگرداندی.۶/۴۹

با خشم نگریستن ستمگر، به بنده

وَ یَنْظُرُنِی عَلَی شِدَّهِ الْحَنَقِ

و با خشم سخت به من می نگریست.۷/۴۹

سختی خشم حسود

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... شَجِیَ مِنِّی بِغَیْظِهِ

و چه بسیار حسودی که سختی خشمش از من، گلویش را گرفت.۹/۴۹

خشم حسود، و تهمت زدن عیوب خود بر دیگری

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... وَحَرَنِی بِقَرْفِ عُیُوبِهِ... وَ وَحَرَنِی بِکَیْدِهِ

و چه بسیار حسودی که با نسبت دادن عیب های خود به من، سینه اش را از خشمِ بر من پر ساخت. و با مکر خویش بر من خشم نمود.

۹/۴۹

نیکی خدا، و انجام به خشم آورنده او

لَمْ تَمْنَعْکَ إِسَاءَتِی عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِکَ، وَ لَا حَجَزَنِی ذَلِکَ عَنِ ارْتِکَابِ مَسَاخِطِکَ

بـدکرداری مـن تـو را از تمـام نمـودن احسـانت بازنـداشت. و آن مرا از ارتکـاب آنچـه تـو را بـه خشـم می آورَد، جلـوگیری ننمود.۱۳/۴۹

بانگ خشم خدا

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ... الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ صَوْتَ رَعْدِکَ، فَکَیْفَ تَسْتَطِیعُ صَوْتَ غَضَبِکَ؟

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این اسـتخوان پوسـیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی صـدای غرش ابرت را ندارد، پس چگونه بانگ خشـمت را توانایی دارد؟ ۵/۵۰

عوامل رهایی بنده، از خشم خداوند:

أ. شفاعت اهل زمین و آسمان

فَیَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَةٍ... أَوْ شَفَاعَةٍ أَوْکَدُ عِنْدَکَ مِنْ شَفَاعَتِی تَکُونُ بِهَا نَجَاتِی مِنْ غَضَبِکَ

پس دعایی از او به من رسد یا شـفاعتی کند که از شـفاعت من نزد تو کارسازتر است، که رهایی من از خشـمت به وسـیله آن حاصل

شود.۲۷/۳۱

ب. عفو الهی

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَةَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِکَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِینَ... فَأَصْبَحَ طَلِیقَ عَفْوِکَ مِنْ إِسَارِ سُخْطِکَ

و مرا اسوه کسـی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به واسـطه عفوت از قید و بند خشمت، رها گردیده است.۱۰/۳۹

اللَّهُمَّ لَیْسَ... یَرُدُّ سَخَطَکَ إِلَّا عَفْوُکَ

خداوندا خشم تو را جز بخشایشت فرو نمی نشاند. ۱۳/۴۸

ج. قرآن

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْکُفْرِ وَ دَوَاعِی النِّفَاقِ حَتَّی یَکونَ... لَنَا فِی الدُّنْیَا عَنْ سُخْطِکَ وَ تَعَدِّی حُدُودِکَ ذَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از حدودت باشد.۱۲/۴۲

د. سپاس گزاری از خدا و صدقه دادن

وَ تَصَدَّقُوا لَکَ طَلَبًا لِمَزِیدِکَ، وَ فِیهَا کَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِکَ

ص : ۴۸۶

و جهت طلبِ افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند و در (همه) اینها نجات ایشان از خشمت نهفته بود.۱۶/۴۵

هــ. سپاسی خوشنودکننده خدا

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی... حَمْدًا یَکُونُ مَبْلَغَ رِضَاکَ عَنِّی، فَنَجِّنِی مِنْ سُخْطِکَ

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به اندازه خوشنودی تو از من باشد. پس مرا از خشم سختت نجات ده.

۶/۵۱

خشوع فروتنی

خصلت اخلاق

خصوصیّات صفات

خضوع فروتنی

خطا گناه

نفْس و جلوه دادن لغزش خطاکاران

اللَّهُمَّ وَ لِی إِلَیْکَ حَاجَهٌ قَدْ... سَوَّلَتْ لِی نَفْسِی رَفْعَهَا إِلَی مَنْ یَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَیْکَ... وَ هِیَ زَلَّهٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِینَ

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده برایم می آراید. و این لغزشی از لغزش های خطاکاران است.۱۵/۱۳

گریستن خطاکاران، از ترس خداوند

وَ یَا مَنْ لِخِیفَتِهِ یَنْتَحِبُ الْخَاطِئُونَ

و ای کسی که خطاکاران از ترس او سخت می گریند. ۳/۱۶

سنگین گشتن پشت بنده، به واسطه خطاها

أَنَا الَّذِی أَوْقَرَتِ الْخَطَایَا ظَهْرَهُ

من همانم که خطاها پشتش را سنگین کرده.

۱۴/۱۶

وَ هَذَا ظَهْرِی قَدْ أَثْقَلَتْهُ الْخَطَایَا

و این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده.۲۹/۱۶

سبب رهایی گردن خطاکاران

وَ إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی... رَجَاءً لِرَحْمَتِکَ الَّتِی بِهَا فَکَاکُ رِقَابِ الْخَاطِئِینَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون امیدواری به رحمت تو - که رهایی گردن های خطاکاران است - می باشد.

۲۸/۱۶

نگهداری بنده از خطاها، روزی خدا به او

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا

و خودداری از خطاها را روزی ام کن.

۱۳/۲۲

خطاکار نگرداندن فرزندان، برای والدین

ص : ۴۸۷

وَ اجْعَلْهُمْ لِی... غَیْرَ عَاصِینَ... وَ لَا خَاطِئِینَ

و آنان را نسبت به من سرکش و خطاکار قرار نده. ۴/۲۵

ترس از خدا و نگه داشته شدن از خطا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمَعْصُومِینَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الزَّلَلِ وَ الْخَطَاءِ بِتَقْوَاکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با ترس از تو، از گناهان و نادرستی و خطا نگه داشته شده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

کشیده شدن بنده، با مهارِ خطاها

هَذَا مَقَامُ مَنْ... قَادَتْهُ أَزِمَّهُ الْخَطَایَا

این مقام کسی است که مهارهای خطاها او را از پیِ خود کشیده.۶/۳۱

عامل خودداری بنده، از خطایا

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ... لَا اسْتِمْسَاکَ بِی عَنِ الْخَطَایَا إِلَّا عَنْ قُوَّتِکَ

خداوندا جز به قدرت تو، خودداری از خطاها برایم ممکن نیست.۱۹/۳۱

توبه شکستن و بازگشتن به خطا

اللَّهُمَّ أَیُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَیْکَ وَ هُوَ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِی ذَنْبِهِ وَ خَطِیئَتِهِ، فَإِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَکُونَ کَذَلِکَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاهت توبه نمود

ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین باشم.۲۰/۳۱

کرم خدا، شفیع در خطاها

وَ شَفِّعْ فِی خَطَایَایَ کَرَمَکَ

و کرمت را شفیع خطاهایم گردان.۲۴/۳۱

ترسیدن بنده، از خطاهایش

وَ قَدْ أَوْجَلَتْنِی خَطَایَایَ فَلْیُوءْمِنِّی عَفْوُکَ

و خطاهایم مرا ترسانده، پس باید بخشایشت مرا ایمن گرداند.۲۵/۳۱

مهربانی خدا، بر خطاکاران توبه کننده

إِنَّکَ أَنْتَ... الرَّحِیمُ لِلْخَاطِئِینَ الْمُنِیبِینَ

همانا تو بر خطاکارانِ توبه پیشه، مهربانی.

۲۹/۳۱

اندیشه بد، آراینده خطا برای بنده

وَ سَوَّلَ لِیَ الْخَطَاءَ خَاطِرُ السُّوءِ فَفَرَّطْتُ

و اندیشه بدْ خطا را برای من آراست، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم.۱۶/۳۲

آمدن به درگاه خدا، با پشتی گرانبار از خطا

وَ هَذَا مَقَامُ مَنِ اسْتَحْیَا لِنَفْسِهِ مِنْکَ... فَتَلَقَّاکَ بِنَفْسٍ خَاشِعَهٍ... وَ ظَهْرٍ مُثْقَلٍ مِنَ الْخَطَایَا

و این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت. پس با وجودی فروتن و پشتی گرانبار از (بار) خطاها، پیش روی توست.

۱۹/۳۲

آگاهی خدا، از خطاهای بندگان

کَمْ... خَطِیئَهٍ ارْتَکَبْنَاهَا کُنْتَ الْمُطَّلِعَ عَلَیْهَا دُونَ النَّاظِرِینَ

چه بسیار خطایی که مرتکب شدیم، (و) تو بر آن مطّلع بودی نه (دیگر) بینندگان.**۲/۳۴**

بازدارنده بندگان، از خطاکاری

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... زَاجِرًا عَنْ... اقْتِرَافِ الْخَطِیئَهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی، بازدارنده از خطاکاری قرار ده.**۳/۳۴**

افتادنْ گاه های خطاکاران

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَهَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِکَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِینَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی.**۱۰/۳۹**

پایان رمضان و پاکی از خطا

وَ اسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاخِ أَیَّامِهِ حَتَّی یَنْقَضِیَ عَنَّا وَ قَدْ صَفَّیْتَنَا فِیهِ مِنَ الْخَطِیئَاتِ

و با گذشتن روزهایش سختی هایمان را از ما

بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که ما را در آن از خطاها پاکیزه ساخته ای.**۱۵/۴۴**

رمضان، شوینده چرکی خطاها

السَّلَامُ عَلَیْکَ کَمَا... غَسَلْتَ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِیئَاتِ

درود بر تو همان طور که چرکی خطاها را از ما شستی. **۳۶/۴۵**

درگذشتن خدا از خطا، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَا... اكْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَى تَعَمُّدٍ مِنَّا... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ

خداونـدا و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به عفو خود از ما درگذر.۴۷/۴۵

سپری شدن رمضان و درگذشتن از خطای بنده

اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِانْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَایَانَا

خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها درآور. ۴۹/۴۵

بازنگشتن به خطا، با توبه روز عید فطر

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا... تَوْبَهَ مَنْ... لَا یَعُودُ بَعْدَهَا فِی خَطِیئَهٍ

خداوندا ما در روزِ فطرمان به درگاه تو توبه می کنیم. توبه کسی که پس از توبه به خطایی بازنمی گردد. ۵۲/۴۵

ص : ۴۸۹

اقرار به خطا

وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْکَ... مُعْتَرِفًا بِعَظِيمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ، وَ جَلِيلٍ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتُهُ

و اینک منم در پیشگاه تو، اعتراف کننده به بزرگی گناهانی که زیر بار آن رفته ام و به سترگیِ خطاهایی که مرتکب آن شده ام.۶۹/۴۷

اللَّهُمَّ إِنِّی أُصْبِحُ وَ أُمْسِی... مُعْتَرِفًا بِذَنْبِی، مُقِرًّا بِخَطَايَایَ

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که به گناهم اعتراف دارم و به خطاهایم اقرار می کنم.۷/۵۲

فَأَسْأَلُکَ يَا مَوْلَایَ... سُؤَالَ مَنِ اسْتَکْثَرَ ذُنُوبَهُ، وَ اعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که گناهانش را بسیار دانسته، و به خطایش اعتراف نموده است.

۸/۵۲و۹

فَأَنَا الْمُقِرُّ بِذَنْبِی

زیرا من به گناه خود، اقرار داشته ام.۴/۵۳

مهلت دادن خدا، به خطاکاران

وَ يَا مَنْ... يَتَفَضَّلُ بِإِنْظَارِ الْخَاطِئِينَ

و ای آنکه با تفضّل خود خطاکاران را مهلت می دهی. ۷۵/۴۷

خطاکار بودن بنده

أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ

منم بدکارِ اعتراف کننده خطاکار لغزشکار.

۷۶/۴۷

بردن آلودگی به خطاها، از بنده

وَ أَذْهِبْ عَنِّی دَرَنَ الْخَطَايَا

و آلودگیِ خطاها را از من ببَر.۱۱۲/۴۷

سبب گذشتن خدا، از خطاکاران

أَتَیْتُکَ أَرْجُو عَظِیمَ عَفْوِکَ الَّذِی عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِینَ

به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم، بخشایشی که با آن از (تقصیر) خطاکاران گذشتی.۷/۴۸

مردّد بودن، در خطای خویش

فَأَنَا... الْمُتَرَدِّدُ فِی خَطِیئَتِی

از این رو من مردد در خطای خود هستم.

۱/۵۳

خطبه

با قرآنْ خطبه خواندن محمّد صلی الله علیه و آله

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ الْخَطِیبِ بِهِ

پس بر محمّد که با آن سخن راند، درود فرست.۶/۴۲

خلاصی رهایی

خُلف وعده

خلف وعده شیطان

وَ إِنْ مَنَّانَا أَخْلَفَنَا

و اگر به ما نوید دهد، خلف وعده کند.۷/۲۵

دشمن، و خلف وعده کردن سپاهیانش

وَ أَدْبَرَ مُوَلِّيًا قَدْ أَخْلَفَتْ سَرَايَاهُ

و پشت کرده، فرار نمود. در حالی که سپاهیانش از آنچه گفته بودند، تخلّف کردند.

۶/۴۹

خلقت آفرینش

خلوت تنهایی

خلود همیشگی

خلوص اخلاص

خَم

خم گشتن بنده، برای خدا

قَدْ تَطَأْطَأَ لَكَ فَانْحَنَى

با حال فروتنی برای تو خم شده.۹/۱۲

درختانِ خم شده به انواع میوه، در بهشت

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ...

الْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَهِ بِصُنُوفِ الثَّمَرِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از درختانی که شاخه هایشان به انواع میوه ها خم گشته، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

خواب

آرامش و خوابِ شبانه

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ... وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ

پس شب را برای آنان آفرید و آن را پوشش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر کنند.

۵/۶

فرمانبری از والدین، خوش تر از خواب خواب آلوده

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيَّ وَ بِرِّي بِهِمَا أَقَرَّ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. ۵/۲۴

به خواب نرفتن چشم خدا

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ... وَ كُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است و همه آنها پیش چشم تو که نمی خوابد،

ص : ۴۹۱

قرار دارد.۱۸/۳۱

بیدار نمودن بنده، از خواب بی خبران

وَ نَبِّهْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْغَافِلِینَ

و مرا از خواب غافلان، بیدار فرما.۹۱/۴۷

نخفتن چشم حراست دشمن، از بنده

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ... لَمْ تَنَمْ عَنِّی عَیْنُ حِرَاسَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که چشم نگهبانی اش از من نخفت.۴/۴۹

خواری پستی

شرطِ زیان ندیدن بنده، از خواری خوارکنندگان

اللَّهُمَّ إِنَّکَ مَنْ وَالَیْتَ لَمْ یَضْرُرْهُ خِذْلَانُ الْخَاذِلِینَ

خداوندا هر کس را که تو یاری نمودی، خواری خوارکنندگان به او زیان نرساند.

۱۲/۵

خوارشده توسّط خدا، و یاری نشدنش

وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ

و برای آنکه خوار نمودی، یاری دهنده ای نیست. ۷/۷

خوار شمردن فقرا و نیازمندان

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... الْإِزْرَاءِ بِالْمُقِلِّینَ

خداوندا به تو پناه می برم از تحقیر کردن تهی دستان. ۳و۱/۸

خوار گرداندن ستم دیده

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ... نَخْذُلَ مَلْهُوفًا

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه ستم دیده ای را خوار گردانیم.۴و۱/۸

ایستادن در پیشگاه خدا، همانند فرمانبری خوار

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِی. وَاقِفٌ بِبَابِ عِزِّكَ وُقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الذَّلِيلِ

پس ای خدای من، به درگاه عزّت تو همچون فرمانبری خوار، ایستاده ام.۴/۱۲

بنده خوارِ ستم کننده به خود

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ...

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده سخن می گویم.۷/۱۲

خدا، فریادرس هر خوارشده

وَ يَا غَوْثَ كُلِّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ

و ای فریادرس هر خوارشده تنها.۴/۱۶

رو به خاک مالیدن با خواری، برای خدا

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي... مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَّرَ لَکَ وَجْهَهُ تَذَلُّلًا؟

ای خدای من آیا تو از آنکه به خواری برای تو روی خود را به خاک مالید، درمی گذری؟

۱۵/۱۶

خوار نگرداندن بنده نیازمند به خدا

إِلَهِی... لَا تَخْذُلْ مَنْ لَا یَسْتَغْنِی عَنْکَ بِأَحَدٍ دُونَکَ

خدای من کسی را که از غیر تو بی نیاز نمی گردد، خوار نگردان.۱۶/۱۶

وَ لَا تَخْذُلْنِی عِنْدَ فَاقَتِی إِلَیْکَ

و هنگام نیازمندی ام به سویت خوارم نساز.

۱۱۶/۴۷

بازداشتن بنده، از بدی های خوارکننده

أَعْجَبُ مِنْ ذَلِکَ أَنَاتُکَ عَنِّی... وَ لَیسَ ذَلِکَ مِنْ کَرَمِی عَلَیْکَ، بَلْ تَأَنِّیًا مِنْکَ لِی، وَ تَفَضُّلًا مِنْکَ عَلَیَّ لِأَنْ... أُقْلِعَ عَنْ سَیِّئَاتِیَ الْمُخْلِقَهِ

شگفت تر از آن بردباری تو با من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از بردباری تو بر من و از تفضّل تو بر من است. برای اینکه از بدی های – خوارکننده ام – جدا شوم.۲۶/۱۶

شیطان، و خوار کردن بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یُطْمِعَ نَفْسَهُ فِی إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِکَ، وَ امْتِهَانِنَا بِمَعْصِیَتِکَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت و خوار نمودن ما به نافرمانی ات طمع کند، به تو پناه می بریم.

۱/۱۷و۲

عامل خوار نمودن شیطان، توسّط بنده

وَ اکْبِتْهُ بِدُؤُوبِنَا فِی مَحَبَّتِکَ

و با کوشش مستمر ما – در دوستی ات – او را خوار نما.۳/۱۷

خواری پنهان بنده، پیش نفسش

وَ لَا تُحْدِثْ لِی عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحْدَثْتَ لِی ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِی بِقَدَرِهَا

و عزّتی آشکار برایم پدید نیاور، مگر آنکه به همان اندازه ذلّتی پنهانی در نزد خودم پدید آوری. ۴/۲۰

تبدیلِ خواری بنده، به یاری نمودن او

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِینَ النُّصْرَةَ

و درباره من خوار گرداندن خویشان را به یاری نمودن مبدّل فرما.۷/۲۰

سبب سزاوار خواری شدن

وَ لَا تَفْتِنِّی بِالِاسْتِعَانَةِ بِغَیْرِکَ إِذَا اضْطُرِرْتُ... فَأَسْتَحِقَّ بِذَلِکَ خِذْلَانَکَ وَ مَنْعَکَ وَ إِعْرَاضَکَ

و مرا به یاری خواستن از دیگران به وقت درماندگی ام، آزمایش نکن. تا به سبب آن، سزاوار

خواری و بی بهرگی و روی گرداندن تو شوم.

۱۲/۲۰

خوار نگرداندن شکوه بنده، با تنگ دستی

وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِی بِالْإِقْتَارِ

و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز.۲۶/۲۰

بنده خوارِ خدا بودن

إِلَهِی أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَیْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَکَ

خدای من، صبح و شام را به سر کردم ، در حالی که بنده خوار توام.۷/۲۱

خوار نمودن قصدبدکننده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُذِلَّ عِزَّهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا عزّتش را به ذلّت تبدیل نمایی.۸و۷/۲۳

فرو آوردن گردن قصد بد دارنده درباره بنده، با خواری

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُذِلَّ رَقَبَتَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا گردنش را به خواری فروآوری.۸و۷/۲۳

از ذلّت به عزّت رسیدن، به وسیله خدا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُعَزِّینَ مِنَ الذُّلِّ بِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به یاری تو از ذلّت به عزّت رسیده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

خوار ساختن دشمن، و قطع طمع پسینیان آنها

وَ اقْطَعْ بِخِزْیِهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ بَعْدَهُمْ

و با خواری آنان، طمع آیندگانشان را قطع نما. ۵/۲۷

عزّت طلبیدن از غیر خدا، و خوار گشتن

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَیْرِکَ فَذَلُّوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواستند و خوار گشتند.۶/۲۸

ذلّت و خواری وام

وَ أَسْتَجِیرُ بِکَ، یَا رَبِّ، مِنْ ذِلَّتِهِ فِی الْحَیَاهِ

و پناه از تو می جویم - ای پروردگار من - از خواری آن (وام) در زندگی.۲/۳۰

سر به زیر افکندنِ با خواری

...وَ طَأْطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِکَ مُتَذَلِّلًا

و با خواریْ برای عزّتت سرش را به زیر افکنده. ۹/۳۱

ص : ۴۹۴

رفتار خدا و زاری نمودن بنده خوار

وَ افْعَلْ بِی فِعْلَ عَزِیزٍ تَضَرَّعَ إِلَیْهِ عَبْدٌ ذَلِیلٌ فَرَحِمَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما.۲۴/۳۱

خوار ساختن بنده

وَ لَا تَخْذُلْنِی یَا خَیْرَ الْمُـجِیرِینَ

و مرا خوار نساز. ای بهترین پناه دهندگان.

۳۲/۳۲

خوار نساختن بندگان، از دیدار مرگ

وَ لَا تُخْزِنَا بِزِیَارَتِهِ

و از دیدارش ما را خوار نساز.۴/۴۰

خوار نکردن بنده، با برگرداندنش از (درگاه) خدا

وَ لَا تَسُمْنِی بِالرَّدِّ عَنْکَ

و با دست رد زدن بر سینه ام، مرا خوار نساز.

۱/۴۱

قرآن، و خواری مقام بندگان

وَ ارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ذُلَّ مَقَامِنَا

و به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت عرضه می شویم، بر خواری ما رحم کن.

۱۵/۴۲

خواری در برابر خدا، در ماه رمضان

وَ أَعِنَّا... فِی لَیْلِهِ عَلَی الصَّلَاهِ... وَ الذِّلَّهِ بَیْنَ یَدَیْکَ

و ما را در شبش بر نماز و خواری در پیشگاهت، یاری نما.۱۷/۴۴

خوار نساختن پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنانش

...یَوْمَ لَا یُخْزِی اللَّهُ النَّبِیَّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ

...روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند.۱۱/۴۵

ورودِ خفّت بارِ سرکشان، در دوزخ

وَ قُلْتَ: ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ، إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ

و فرمودی: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. همانا کسانی که از عبادت من کبر می ورزند، به زودی با خواری داخل جهنّم خواهند شد.»

۱۵/۴۵

تهدید الهی به ورود در دوزخ، با خواری

فَسَمَّیْتَ دُعَاءَکَ عِبَادَهً، وَ تَرْکَهُ اسْتِکْبَارًا، وَ تَوَعَّدْتَ عَلَی تَرْکِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ

پس دعا کردن را عبادت و ترک آن را استکبار نامیدی و بر ترک آن، داخل شدن در جهنّم با خواری را هشدار دادی.۱۵/۴۵

خوار نگرداندن نیازمندان

وَ يَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَهِ إِلَيْهِ

و ای کسی که حاجتمندانش را خوار و پست نمی شمارد. ۳/۴۶

خوار بودن در برابر ارجمندی خدا

وَ كُلُّ شَرِيفٍ فِی جَنْبِ شَرَفِکَ حَقِيرٌ

و هر بزرگواری در کنار بزرگواری ات حقیر است. ۱۳/۴۶

خواریِ شقاوتمندان

مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَهِ خَذَلْتَهُ لَهَا

هر که از شقاوتمندان باشد، او را از آن جهت خوار می کنی.۱۷/۴۶

ناامیدیِ خوارکننده

وَ الْخَيْبَهُ الْخَاذِلَهُ لِمَنْ خَابَ مِنْکَ

و یأس ذلّت بار برای کسیست که از تو ناامید شده. ۱۹/۴۶

اقرار به خواری

وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْکَ صَاغِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا

و اینک منم در پیشگاه تو، پست، ذلیل، فروتن، متواضع، ترسان.۶۹/۴۷

فَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْکَ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ رَاغِمٌ

پس اینک منم در پیشگاهت فروتن، خوار، زبون. ۴/۵۰

خواری و زاری در پیشگاه خدا، در طلب قرب او

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَيْکَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْکَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِکَ بِالْإِنَابَهِ إِلَيْکَ، وَ التَّذَلُّلِ وَ الِاسْتِكَانَهِ لَکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام. سپس بازگشت به سوی تو و فروتنی و زاری برای تو را، در پی آن روانه

ساخته ام.۷۳و۷۲/۴۷

درخواست فرد خوار، از خدا

وَ سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ الْحَقِیرِ الذَّلِیلِ الْبَائِسِ

و از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال.۷۴/۴۷

خوارترین خواران

وَ أَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقَلِّینَ، وَ أَذَلُّ الْأَذَلِّینَ

و من بعد از این، کمترین کمتران و خوارترین خوارانم. ۷۵/۴۷

چرت زدن خوارشدگان

وَ نَبِّهْنِی مِنْ... نَعْسَهِ الْمَـخْذُولِینَ

و مرا از چرت خوارشدگان، بیدار فرما.

۹۱/۴۷

خواریِ دربرگیرنده بنده، از جانب خدا

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ... مَنِ اشْتَمَلَ عَلَیْهِ الْخِزْیُ مِنْ عِنْدِکَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از جانب تو خواری او را شامل شده.۱۰۴/۴۷

خوار نساختن بنده، در روز بر انگیخته شدن

وَ لَا تُخْزِنِی یَوْمَ تَبْعَثُنِی لِلِقَائِکَ

و روزی که مرا برای دیدارت برمی انگیزی، خوارم نساز.۱۱۴/۴۷

خواری در درگاه خدا و ارجمندی نزد آفریدگان

وَ ذَلِّلْنِی بَیْنَ یَدَیْکَ، وَ أَعِزَّنِی عِنْدَ خَلْقِکَ

و مرا در پیشگاهت ذلیل کن و در نزد آفریدگانت عزیز دار.۱۱۸/۴۷

پناه بردن به خدا، از ذلّت

وَ أَعِذْنِی... مِنَ الذُّلِّ وَ الْعَنَاءِ

و مرا از خواری و سختی پناه ده.۱۱۹/۴۷

خوار نشدن بنده، در صورت گرامی داشته شدنش توسّط خدا

وَ إِنْ أَکْرَمْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یُهِینُنِی

و اگر مرا گرامی داری، پس کیست آنکه خوارم کند؟۱۵/۴۸

مکرم نبودن بنده، در صورت خوار شدن از جانب خدا

إِنْ أَهَنْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یُکْرِمُنِی

اگر مرا خوار کنی، پس کیست آنکه گرامی ام دارد؟۱۵/۴۸

با خواری درآمدن ستمگر، در دام خود

وَ رَدَدْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ، فَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِیلًا فِی رِبَقِ حِبَالَتِهِ الَّتِی کَانَ یُقَدِّرُ أَنْ یَرَانِی فِیهَا

و او را در پرتگـاه گودالش بازگردانـدی، تا پس از آن همه گردن کشـی، با خواری در بنـد دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، درآمد.۸/۴۹

ذلّت بنده، سبب رحم نمودن خدا بر او

فَارْحَمْنِی اللَّهُمَّ فَإِنِّی امْرُوءٌ حَقِیرٌ

پس خداوندا، بر من رحم کن. زیرا من فردی زبونم.۶/۵۰

پادشاهان و یوغ ذلّت و خواری

یَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نِیرَ الْمَذَلَّهِ عَلَی أَعْنَاقِهَا

ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن هایشان نهاده اند.۷/۵۱

زنهارخواهی از خدا، و خوار نگشتن

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَیْکَ رَبِّ... مُسْتَجِیرًا فَلَا تَخْذُلْنِی

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که زنهارخواهنده ام، به سوی تو گریخته ام، پس

خوارم نکن.۸/۵۱

خوارترینِ خلق، نزد خدا

وَ أَهْوَنُهُمْ عَلَيْکَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ يَعْبُدُ غَيْرَکَ

و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد.

۲/۵۲

علّت خوار و ذلیل شدن بنده

أَنَا بِإِسْرَافِی عَلَى نَفْسِی ذَلِيلٌ

من به خاطر زیاده روی بر خود، خوار گشته ام.

۷/۵۲

واداشتن نفْس، در جایگاه خواران

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِی مَوْقِفَ الْأَذِلَّاءِ الْمُذْنِبِينَ

خود را در جایگاه خوارانِ گناهکار، واداشته ام.۲/۵۳

خواسته اراده

مورد سؤال قرار گرفتن بندگان

...وَ هُمْ يُسْأَلُونَ

...و ایشان (آفریدگان) بازخواست شوند.

۷/۱

مورد سؤال واقع نشدن خدا

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ

از آنچه او انجام می دهد، بازخواست نشود.

لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ

تو از آنچه انجام می دهی، بازخواست نخواهی شد.۱۳/۴۹

آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دشمنان خواسته

...حَتَّی اسْتَتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِی أَعْدَائِکَ

سرانجام آنچه درباره دشمنانت می خواست، برایش به دست آمد.۱۷/۲

رغبت فرشتگان، در آنچه نزد خداست

الَّذِینَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِیما لَدَیْکَ

آنهایی که به آنچه در نزد توست، مشتاق بودنشان بسیار است.۸/۳

راغبْ بازگرداندن تابعین، به سوی خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ... صَلَاةً... لِتَرُدَّهُمْ إِلَی الرَّغْبَهِ إِلَیْکَ وَ الرَّهْبَهِ مِنْکَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که آنان را به درخواست سوی خود و ترس از خویش بازگردانی.۱۶و۱۴و۱۳/۴

طلب فضل خدا، در روز

خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِیَبْتَغُوا فِیهِ مِنْ فَضْلِهِ

و روز را برای ایشان روشن گر آفرید تا در آن فضل او را طلب کنند.۶/۶

گردش در زمین و طلب خواسته ها

یَسْرَحُوا فِی أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِیهِ نَیْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْیَاهُمْ

در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود کنونی از دنیا.۶/۶

مکان های به دست آوردن روزی

اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ... وَ بَصَّرْتَنَا مِنْ مَطَالِبِ الْأَقْوَاتِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی، و ما را از جایی که بتوان روزی به دست آورد بینا نمودی.۸/۶

چشاندن شیرینی بخشش به بنده، در آنچه درخواست نموده

أَذِقْنِی حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِیما سَأَلْتُ

شیرینی احسانت را در آنچه درخواست نمودم به من بچشان.۸/۷

طلبیدن غیرِ حقّ خود، توسّط بندگان

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ... نَرُومَ مَا لَیْسَ لَنَا بِحَقٍّ

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه آنچه حقّ ما نیست بخواهیم.۴و۱/۸

خصلت های وادارنده و بازدارنده بنده، از درخواست از خدا

اللَّهُمَّ إِنَّهُ یَحْجُبُنِی عَنْ مَسْأَلَتِکَ خِلَالٌ ثَلَاثٌ، وَ تَحْدُونِی عَلَیْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ

خداوندا سه خصلت مرا از درخواست از تو بازمی دارد و یک خصلت مرا بر آن می راند.

۱/۱۲

خصلت وادارنده، به درخواست از خدا

اللَّهُمَّ... تَحْدُونِی عَلَیْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ... یَحْدُونِی عَلَی مَسْأَلَتِکَ تَفَضُّلُکَ عَلَی مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَیْکَ

خداوندا یک خصلت مرا بر آن (درخواست از تو) می راند. وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضّل تو به آنکه رو به تو آورَد.۳و۱/۱۲

چگونگی درخواست از خدا

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِی... سَائِلُکَ عَلَی الْحَيَاءِ مِنِّی سُوءَالَ الْبَائِسِ الْمُعِيلِ

پس ای خدای من، با وجود شرمندگی ام همانند تهی دستی عیالمند از تو درخواست دارم.

۴/۱۲

سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ

از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال، نیازمند، ترسان، پناهنده.

۷۴/۴۷

فَأَسْأَلُکَ يَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِيَهٌ لِطُولِ أَمَلِهِ

پس – ای مولای من – از تو درخواست

می کنم، درخواست کسی که نفس او به خاطر آرزوهای درازش سرگرم شده.۸/۵۲

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنْ قَدْ غَلَبَ عَلَیْهِ الْأَمَلُ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که آرزو بر او چیره گشته است. ۹و۸/۵۲

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ سُوءَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند است.۳/۵۴

روا ساختن خواسته بنده

أَنْجِحْ طَلِبَتِی... إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ، وَ ذَلِکَ عَلَیْکَ یَسِیرٌ

درخواستم را برآور. زیرا تو به هر چیز توانایی و آنچه خواستم بر تو آسان است.

۱۶/۱۲

أَنْجِحْ مَطْلَبِی

مطلبم را برآور.۴/۲۱

خدا، منتهای درخواست حاجت ها

اللَّهُمَّ یَا مُنْتَهَی مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ

خداوندا ای نهایت درخواستِ نیازها.

۱/۱۳

نزد خدا بودنِ رسیدن به خواسته ها

یَا مَنْ عِنْدَهُ نَیْلُ الطَّلِبَاتِ

ای آنکه رسیدن به خواسته ها نزد اوست.

۲/۱۳

فانی نگشتن خزائن الهی، با درخواست از خدا

يَا مَنْ لَا تُفْنِی خَزَائِنَهُ الْمَسَائِلُ

ای آنکه درخواست ها، گنجینه های او را فانی نمی سازد. ۷/۱۳

خواستن حاجات، در جایگاهش

فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ مِنْ عِنْدِکَ... فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِی مَظَانِّهَا

پس هر که دفع فقرش را از تو جوید، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده.

۱۳/۱۳

درآمدن به مطلب خویش، از راهش

فَمَنْ... رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِکَ فَقَدْ... أَتَی طَلِبَتَهُ مِنْ وَجْهِهَا

پس هر که برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواهد، بی گمان از راهش به مراد خود رسیده.۱۳/۱۳

بی نیاز نبودن از خدا، در خواسته ها

لَا یَسْتَغْنِی فِی طَلِبَاتِهِ عَنْکَ

در خواسته هایش از تو بی نیاز نیست.۱۵/۱۳

درخواست نیازمند از نیازمند

سُبْحَانَ رَبِّی کَیْفَ یَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجًا؟

منزّه است پروردگارم چگونه نیازمند از نیازمند درخواست کند؟۱۷/۱۳

رَأَیْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُـحْتَاجِ إِلَی الْمُـحْتَاجِ سَفَهٌ مِنْ رَأْیِهِ

دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از سبکی اندیشه است.۵/۲۸

قصد خدا نمودن، از روی رغبت

فَقَصَدْتُکَ، یَا إِلَهِی بِالرَّغْبَهِ

پس ای خدای من از روی میلْ آهنگ تو کردم.

۱۸/۱۳

تنگ نشدن بخشش الهی، از درخواست بنده

أَنَّ کَرَمَکَ لَا یَضِیقُ عَنْ سُوءَالِ أَحَدٍ

همانا بخشش تو از درخواست کسی تنگ نمی گردد.۱۹/۱۳

توانگری خدا، و اندک بودن درخواست بنده

عَلِمْتُ أَنَّ کَثِیرَ مَا أَسْأَلُکَ یَسِیرٌ فِی وُجْدِکَ

دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است.۱۹/۱۳

اوّلین درخواست کننده از خدا نبودن

فَمَا أَنَا... بِأَوَّلِ سَائِلٍ سَأَلَکَ...

پس من نخستین سؤال کننده که از تو درخواست کرده نیستم.۲۰/۱۳

یاری بنده، در رسیدن به خواسته اش

وَ تَوَلَّنِی بِنُجْحِ طَلِبَتِی وَ قَضَاءِ حَاجَتِی

و به برآورده گشتن خواسته ام و روا شدن حاجتم مرا یاری فرما.۲۳/۱۳

سبب برآمدن خواسته بنده

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اجْعَلْ ذَلِکَ عَوْنًا لِی وَ سَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِی

بر محمّد و خاندانش درود فرست. و آن را کمکی برای من و وسیله روا شدن حاجتم قرار ده.

۲۴/۱۳

درخواست از خدا، به حقّ پیامبر صلی الله علیه و آله

فَأَسْأَلُکَ بِکَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ، أَن لَا تَرُدَّنِی خَائِبًا

پس از تو می خواهم به حقّ خودت و به حقّ محمّد و خاندانش - که درودهای تو بر ایشان باد - مرا ناامید برنگردانی.۲۵/۱۳

خواهش و خواسته بد

أَعِذْنِی مِنْ سُوءِ الرَّغْبَهِ

از خواهش بد پناهم ده.۱۵/۱۴

درخواست خوشنودی خدا

نَشَّطْتَنِی بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِکَ وَ فَضْلِکَ

مرا به وسیله آن (تندرستی) برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی.۳/۱۵

نعمت دادن خدا و پاداش نخواستنش

أَنْتَ الَّذِی لَا یَرْغَبُ فِی جَزَاءِ مَنْ أَعْطَاهُ

تویی آنکه به هر که نعمت داد، پاداش نمی خواهد.۱۱/۱۶

اللَّهُمَّ یَا مَنْ لَا یَرْغَبُ فِی الْجَزَاءِ

خداوندا ای کسی که پاداش نمی خواهد.

۱/۴۵

آنچه خدا فردا از آن سؤال می نماید

اسْتَعْمِلْنِی بِمَا تَسْأَلُنِی غَدًا عَنْهُ

مرا به کاری که فردا از آن بازپرسی می نمایی وادار.۳/۲۰

خواستن از خدا، در هنگام نیازمندی

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی... أَسْأَلُکَ عِنْدَ الْحَاجَهِ

خداوندا مرا چنانم کن که هنگام نیازمندی از تو درخواست کنم.۱۲/۲۰

فروتنی برای درخواست از غیر خدا

لَا تَفْتِنِّی... بِالْخُضُوعِ لِسُوءَالِ غَیْرِکَ إِذَا افْتَقَرْتُ

مرا به فروتنی برای درخواست از دیگران به

هنگام نیازم، آزمایش نکن.۱۲/۲۰

طلب روزی و بازماندن از عبادت

وَ اكْفِنِی مَؤُونَهَ الِاكْتِسَابِ، وَ ارْزُقْنِی مِنْ غَیْرِ احْتِسَابٍ، فَلَا أَشْتَغِلَ عَنْ عِبَادَتِکَ بِالطَّلَبِ

و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از من بردار. و مرا بی حساب روزی ده، تا به جای عبادت تو سرگرمِ روزی جستن نشوم.۲۴/۲۰

یاری مطلوب، تنها به وسیله طالب

لَا یُعِینُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَى مَطْلُوبٍ

طلب شده را جز طلب کننده، یاری نمی رساند.

۳/۲۱

توانا ساختن دل بنده، به رغبت به سوی خدا

فَرِّغْ قَلْبِی لِمَحَبَّتِکَ... وَ قَوِّهِ بِالرَّغْبَهِ إِلَیْکَ

دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به رغبت به سوی خود، توانایی ده.۱۰/۲۱

رغبت بنده، به آنچه نزد خداست

اجْعَلْ... رَغْبَتِی فِیما عِنْدَکَ

و رغبتم را در آنچه نزد توست قرار ده.

۱۱/۲۱

رغبت در عمل برای آخرت

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان.۸/۲۲

درخواست رفع گرفتاری، برای والدین

فَقَدْ... رَغِبْتُ إِلَيْکَ فِی وَضْعِ تَبِعَتِهِ عَنْهُمَا

...پس از تو می خواهم، گرفتاری را از آنها برداری.۹/۲۴

خواهان پاداش نمودن بندگان

فَإِنَّکَ... رَغَّبْتَنَا فِی ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا

همانا تو در پاداش آنچه ما را امر کردی، رغبتمان داده ای.۶/۲۵

عطا کردن همه درخواست های بنده

اللَّهُمَّ أَعْطِنِی کُلَّ سُوءْلِی

خداوندا همه خواسته هایم را به من عطا کن.

۹/۲۵

درخواست از خدا و کامیابی بنده

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ الْمُصْلِحِینَ بِسُوءَالِی إِیَّاکَ، الْمُنْجِحِینَ بِالطَّلَبِ إِلَيْکَ

و مرا در همه آن (امور) به خاطر درخواستم از تو، از شایسته کارانی قرار ده که با درخواست از تو، کامیاب شدند.۱۰/۲۵

عطا به همسایگان، قبل از درخواستشان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... إِعْطَاءِ مَا یَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّوءَالِ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است پیش از درخواست آنان، توفیق ده.

۲/۲۶

برگرداندن خواهش خود، از نیازمند به فضل خدا

قَلَبْتُ مَسْأَلَتِی عَمَّنْ لَمْ یَسْتَغْنِ عَنْ فَضْلِکَ

درخواستم را از آنکه از فضلت بی نیاز نبود، بازگرداندم. ۴/۲۸

بلندی خواستن، از غیر خدا

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاکَ فَافْتَقَرُوا، وَ حَاوَلُوا الِارْتِفَاعَ فَاتَّضَعُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند و بلندی خواستند و پست گشتند.۶/۲۸

طلب عزّت، به وسیله غیر خدا

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَیْرِکَ فَذَلُّوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواستند و خوار گشتند.۶/۲۸

ص : ۵۰۳

طلب دارایی از غیر خدا

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَهَ مِنْ سِوَاکَ فَافْتَقَرُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند.۶/۲۸

خدا، درخواستگاه بنده

فَأَنْتَ یَا مَوْلَایَ دُونَ کُلِّ مَسْؤُولٍ مَوْضِعُ مَسْأَلَتِی

پس - ای سرور من - جایگاه درخواستم تویی نه هر که از او درخواست شود.۸/۲۸

خدا، رواکننده حاجت است، نه هر که از او طلب شود

فَأَنْتَ یَا مَوْلَایَ... دُونَ کُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَیْهِ وَلِیُّ حَاجَتِی

پس - ای سرور من - صاحب حاجتم تویی، نه هر که از او طلب شود.۸/۲۸

متوجّه گرداندن خواهش خود، به خدا

وَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَیْکَ ثِقَهً بِکَ

با اعتماد به تو، خواهشش را به سوی تو گردانده است.۸/۳۱

بنده، ایستا بین درخواست از خدا و ترس از او

هَذَا مَقَامُ مَنِ اسْتَحْیَا لِنَفْسِهِ مِنْکَ... فَتَلَقَّاکَ بِنَفْسٍ خَاشِعَهٍ... وَاقِفًا بَیْنَ الرَّغْبَهِ إِلَیْکَ وَ الرَّهْبَهِ مِنْکَ

این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت. پس با وجودی فروتنْ پیش روی توست، در حالی که میان (دو راهیِ) میل به تو و ترس از تو ایستاده است.۱۹/۳۲

درخواست از بخشنده ترین کس

إِنَّکَ أَکْرَمُ الْمَسْؤُولِینَ

همانا تو بخشنده ترین کسی هستی که از آنها درخواست می شود.۲۰/۳۲

إِنَّکَ... أَعْطَى مَنْ سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ

به درستی که تو بخشنده تر کسی هستی که از فضل او درخواست شده.۵۶/۴۵

خواهان بودن بندگان، به سوی خدا

إِنَّا إِلَيْکَ رَاغِبُونَ

زیرا ما به سوی تو راغب هستیم.۴/۳۴

درخواست عفو الهی

نَبْتَهِلُ إِلَيْکَ فِی سُوءَالِ عَفْوِکَ

برای درخواست بخشش، به سوی تو زاری می کنیم.۳/۳۶

برتری ندادن نیازمند درخواست کننده، بر خود

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَيْکَ... مِنْ ذِی فَاقَهٍ سَأَلَنِی فَلَمْ أُوثِرْهُ

ص : ۵۰۴

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از نیازمندی که از من درخواست کرد، پس او را بر خود برتری ندادم.۱/۳۸

نطلبیدن مقصودی، جز خدا

ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِکَ کُلَّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَاءِینَ... لَا نَبْتَغِی فِیهِ مُرَادًا سِوَاکَ

سپس همه آن را از خودنمایی ریاکاران خالص گردان. که جز تو در آن مرادی را نطلبیم.

۷/۴۴

ترغیب الهیِ دربردارنده بهره

أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِکَ مِنْ غَیْبِکَ وَ تَرْغِیبِکَ الَّذِی فِیهِ حَظُّهُمْ عَلَی مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِکْهُ أَبْصَارُهُمْ

تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود و با ترغیب نمودنت که بهره آنان را دربر دارد، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی دیدگانشان آن را درنمی یافت.

۱۴/۴۵

درخواست افزودن نعمت

تَصَدَّقُوا لَکَ طَلَبًا لِمَزِیدِکَ

جهت طلبِ افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند.۱۶/۴۵

ترغیب نمودن بندگان، به قیام (در شب)

وَ رَغَّبْتَ فِیهِ مِنَ الْقِیَامِ

و در آن (ماه)، به برپا خاستن (شب) ترغیب نمودی.۲۰/۴۵

توانایی خدا، به آنچه خواسته شود

أَنْتَ الْمَلِیءُ بِمَا رُغِبَ فِیهِ إِلَیْکَ

تو دارنده هر آنچیزی هستی که از درگاهت خواسته شود.۲۱/۴۵

درخواست نزدیکی به خدا

وَ أَنْتَ... الْقَرِيبُ إِلَی مَنْ حَاوَلَ قُرْبَکَ

و تو نزدیک به هر آن کسی هستی که برای قرب به تو کوشد.۲۱/۴۵

درخواست از فضل خداوند

وَ أَنْتَ... الْجَوَادُ بِمَا سُئِلْتَ مِنْ فَضْلِکَ

و تو بخشنده هر آنچیزی هستی که از فضلت درخواست گردد.۲۱/۴۵

رمضان، ماهِ درخواست شده

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ

درود بر تو که پیش از زمان آمدنش، طلب شده.۳۸/۴۵

دریافت نیکی درخواست شده، در ماه رمضان

فَأْجُرْنَا عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التَّفْرِيطِ أَجْرًا نَسْتَدْرِكُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ

پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما رسیده، پاداش ده. پاداشی که با آن فضل درخواست شده را دریابیم.۴۵/۴۵

دریافت خوشی آنچه بندگان از خدا خواهانند

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّى نَجِدَ لَذَّةَ مَا نَدْعُوکَ بِهِ

خداوندا شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان. تا خوشی آنچه از تو می خواهیم، دریابیم.۵۳/۴۵

پر شدن جام های خواسته ها

امْتَلَأَتْ بِفَيْضِ جُودِکَ أَوْعِيَةُ الطَّلِبَاتِ

ظرف خواسته ها با زیادی جودت، پر گشته است.۱۲/۴۶

جز خدا را درخواست نمودن

وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَکَ

و آنان که از غیر تو درخواست نمودند، زیان دیدند.۱۳/۴۶

باز بودن در خدا، به روی خواهانان

بَابُکَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِينَ

درِ تو برای آنان که خواهانند، باز است.

۱۴/۴۶

روا بودن بخشش، بر درخواست کنندگان

جُودُکَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ

بخشش تو برای درخواست کنندگان، روا است.۱۴/۴۶

ناامید نگشتن درخواست کنندگانِ عطای الهی

لَا يَيْأَسُ مِنْ عَطَائِکَ الْمُتَعَرِّضُونَ

آنان که از تو درخواست نمودند، از عطایت مأیوس نمی گردند.۱۵/۴۶

لطف خدا، در ترغیب نمودن (به پاداش)

وَ قَدْ... تَلَطَّفْتَ فِی التَّرْغِیبِ

و با لطف خود، ترغیب نموده ای.۲۱/۴۶

دست رد نزدن، بر خواهش بنده

وَ لَا تَجْبَهْنِی بِالرَّدِّ فِی مَسْأَلَتِی

و در خواهشم، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۲۵/۴۶

بازداشته شدن بنده، از طلب آنچه نزد خداست

أَعِذْنِی مِمَّا... یَصُدُّنِی عَمَّا أُحَاوِلُ لَدَیْکَ

ص : ۵۰۶

از چیزی که مرا از آنچه نزد تو می خواهم، بازم می دارد، مرا نگهدار.۹۳/۴۷

تباه ساختن طالب دشمنی خدا

وَ لَا تُهْلِكْنِی مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِینَ لِمَقْتِكَ

و مرا همراه هلاک شوندگانی که دشمنی تو را می طلبند، هلاک نگردان.۹۶/۴۷

سبب بازداشتن بنده، از طلب دستاویز به سوی خدا

وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیا دَنِیَّهٍ، تَنْهَی عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِیلَهِ إِلَیْكَ

و دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد و از طلبیدن دستاویز به سوی تو، منع می کند را از دلم بَر کن.۱۰۹/۴۷

درخواست به سوی جهانیان

صُنْ وَجْهِی عَنِ الطَّلَبِ إِلَی أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِینَ

آبرویم را از درخواست به سوی احدی از جهانیان، حفظ کن.۱۳۱/۴۷

حجّ و عمره، و درخواست رضای خدا

اجْعَلْ بَاقِیَ عُمْرِی فِی الْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ

باقی زندگی ام را برای درخواست رضای خودت، در حجّ و عمره قرار ده.۱۳۳/۴۷

حاجات درخواست کنندگان

یَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَ الطَّالِبُ... وَ أَنْتَ النَّاظِرُ فِی حَوَائِجِهِمْ

درخواست کننده و جویا، آنان همگی حاضر می شوند و تو بیننده بر نیازهایشان هستی.

۱/۴۸

آسان بودن درخواست ها، بر خدا

فَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ وَ... هَوَانِ مَا سَأَلْتُكَ عَلَیْكَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از تو می خواهم به بخششت و آسانی آنچه درخواست نمودم بر تو، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱/۴۸

درخواست از خدا، به سبب کرمش

فَأَسْأَلُکَ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از تو می خواهم به بخشش و کرمت، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱/۴۸

مسلمانان سائل و خواهان

یَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَ الطَّالِبُ وَ الرَّاغِبُ وَ الرَّاهِبُ

درخواست کننده و جویا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می شوند.۱/۴۸

درخواست احسان از مخلوق

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ وَ تَعَبَّأَ وَ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوَفَادَهٍ إِلَی مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ طَلَبَ نَیْلِهِ وَ جَائِزَتِهِ

خداوندا، هر کسی خود را مهیّا و آماده می کند

ص : ۵۰۷

و ساز و برگ تهیه می نماید تا بر مخلوقی وارد شود، بدین امید که به صله و عطا و درخواستِ بخشش و احسان او نائل شود.۵/۴۸

به رنج نیفتادن خدا، از درخواست بنده

یَا مَنْ لَا یُحْفِیهِ سَائِلٌ

ای کسی که درخواست کننده ای او را به رنج نمی اندازد.۶/۴۸

سؤال نشدن از خدا، درباره هلاکت بنده

إِنْ أَهْلَکْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَعْرِضُ لَکَ فِی عَبْدِکَ، أَوْ یَسْأَلُکَ عَنْ أَمْرِهِ

اگر مرا نابود کنی، پس کیست آنکه درباره بنده ات معترض تو شود یا درباره کار او، تو را بازخواست کند؟۱۵/۴۸

استجابتِ آنچه از خدا درخواست شده

اسْتَجِبْ لِی جَمِیعَ مَا سَأَلْتُکَ وَ طَلَبْتُ إِلَیْکَ وَ رَغِبْتُ فِیهِ إِلَیْکَ

همه آنچه را که از تو خواسته ام و طلب کرده ام و به آن میل نموده ام، برایم مستجاب فرما.

۲۸/۴۸

درخواست شدن از خدا و بخشیدن او

لَقَدْ سُئِلْتَ فَأَعْطَیْتَ

چون از تو درخواست شد، پس عطا کردی.

۱۴/۴۹

بخشش خدا، با وجود عدم درخواست از او

وَ لَمْ تُسْأَلْ فَابْتَدَأْتَ

و از تو درخواست نشد، پس به بخشش آغاز نمودی.۱۴/۴۹

عذاب بنده و درخواست شکیبایی بر آن

لَوْ أَنَّ عَذَابِی مِمَّا یَزِیدُ فِی مُلْکِکَ لَسَأَلْتُکَ الصَّبْرَ عَلَیْهِ

اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم.۶/۵۰

بخشنده یافتن خدا، برای خواسته ها

...بَلْ وَجَدْتُکَ... لِمَطَالِبِی مُعْطِیًا

...بلکه تو را برای خواسته هایم، بخشنده یافتم. ۵/۵۱

درخواست از خدا و بخیل نیافتن او

إِلَهِی مَا وَجَدْتُکَ بَخِیلًا حِینَ سَأَلْتُکَ

خدای من، هنگامی که از تو درخواست نمودم، تو را بخیل نیافتم.۵/۵۱

سائل بودن بنده و محروم نفرمودن وی

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَیْکَ رَبِّ... سَائِلًا فَلَا تَحْرِمْنِی

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که درخواست کننده ام، به سوی تو گریخته ام، پس

بی بهره ام نگردان.۸/۵۱

بنده خواهان، و ناامید برنگرداندن او

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَيْکَ رَبِّ... دَاعِيًا فَلَا تَرُدَّنِی خَائِبًا

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که خواهانم به سوی تو گریخته ام، پس مرا ناامید برنگردان. ۸/۵۱

رغبت بنده، در شوق دیدار خداوند

وَ اجْعَلْ فِيما عِنْدَکَ رَغْبَتِی شَوْقًا إِلَی لِقَائِکَ

و در آنچه نزد توست، رغبتم را، آرزومندی دیدارت قرار ده.۴/۵۴

رغبت دوستان خدا در خواسته هایشان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِی فِی مَسْأَلَتِی مِثْلَ رَغْبَهِ أَوْلِيَائِکَ فِی مَسَائِلِهِمْ

خداوندا، رغبت مرا در درخواستم، همانند رغبت اولیای خود در خواسته هایشان قرار ده.

۶/۵۴

بزرگ گرداندن رغبت بنده، در حاجتش

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِی فَأَعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِی

خداوندا خواسته من این است. پس رغبت مرا در آن افزون گردان.۷/۵۴

آنچه بنده از خدا درخواست می کند:

أ. ناامید برنگرداندن او

فَأَسْأَلُکَ بِکَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِمْ، أَن لَا تَرُدَّنِی خَائِبًا

پس از تو می خواهم به حقّ خودت و به حقّ محمّد و خاندانش – که درودهای تو بر ایشان باد – مرا ناامید برنگردانی.۲۵/۱۳

ب. یاری شدن از جانب فرزندان

وَ اجْعَلْهُمْ لِی عَوْنًا عَلَی مَا سَأَلْتُکَ

و ایشان را برای من، بر آنچه از تو خواستم، مددکار قرار ده.۵/۲۵

ج. شمول خواسته اش در حقّ همه مسلمانان و مؤمنان

أَعْطِ جَمِیعَ الْمُسْلِمِینَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْموءْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی...

به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، ببخش.

۱۲/۲۵

د. با برکت بودن ماه نو

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّی... أَنْ یَجْعَلَکَ هِلَالَ بَرَکَهٍ

پس از خدایی که پروردگار من است، درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار

دهد.۴/۴۳

هــ. درود فرستادن خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّی... أَنْ یُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از خدایی که پروردگار من است، درخواست می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد.۴/۴۳

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱۲/۴۴

فَأَسْأَلُکَ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ وَ هَوَانِ مَا سَأَلْتُکَ عَلَیْکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از تو می خواهم به بخشش و کرمت و آسانی آنچه درخواست نمودم بر تو، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱/۴۸

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ... وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده خود و بر خاندان محمّد درود فرستی. ۳/۴۸

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

و. در صف سزاوارانِ بالاترین مرتبه

قرار گرفتن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِیعَ الْأَعْلَی بِرَحْمَتِکَ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم بر محمّد و خاندانش درود فرستی و ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحقّ بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده.۱۲/۴۴

ز. سزاوار کرامت های خداوند شدن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَهِّلْنَا فِیهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِیَاءَکَ مِنْ کَرَامَتِکَ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم بر محمّد و خاندانش درود فرستی و ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده ای، سزاوار نما.۱۲/۴۴

ح. برای او لازم شدنِ آنچه در رمضان، برای فرمانبران واجب گشته

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ أَوْجِبْ لَنَا فِیهِ مَا أَوْجَبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالَغَهِ فِی طَاعَتِکَ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم بر محمّد و خاندانش درود فرستی و برای ما در این (ماه)، آنچه برای کوشش گران در طاعتت لازم کرده ای، لازم گردان.۱۲/۴۴

ط. عطا و بخشش نیکو، از خدا

وَ أَسْأَلُکَ حُسْنَ الرِّفَادَهِ

و پذیرایی نیکو از تو می خواهم.

۲۵/۴۶

ی. بسیار گرداندن نصیب و بهره او، از قسمت شونده میان مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ خَیْرٍ أَوْ عَافِیَهٍ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی یا عافیت را قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

ک. ایمنی از عذاب خدا

أَسْأَلُکَ أَمْنًا مِنْ عَذَابِکَ

ایمنی از عذابت را از تو می خواهم.

۱۹/۴۸

ل. رحم خدا، به جان بی تاب و استخوان ضعیف او

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی.۵/۵۰

م. عفو و آمرزش الهی

أَسْأَلُکَ أَنْ تَعْفُوَ عَنِّی

از تو می خواهم که مرا ببخشایی.

۷/۵۱

ن. هر حاجت و خواسته اش

أَسْأَلُکَ کُلَّمَا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِی

هر حاجتی که می خواهم، از تو درخواست می کنم.۱۱/۵۱

س. عمل و یقینی، با ویژگی های خاص

أَسْأَلُکَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ، وَ یَقِینًا تَنْفَعُ بِهِ مَنِ اسْتَیْقَنَ بِهِ حَقَّ الْیَقِینِ فِی نَفَاذِ أَمْرِکَ

از تو عملی را درخواست می کنم که به سبب آن هر کسی را که آن را انجام دهد، دوست داری. و یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو حقیقتاً یقین پیدا کند، سود می دهی.۳/۵۴

ع. ترس عبادت کنندگان

أَسْأَلُکَ خَوْفَ الْعَابِدِینَ لَکَ

ترس عبادت کنندگان برای تو را، از تو درخواست می نمایم.۵/۵۴

ف. نیکی آنچه (درباره او) نوشته شده

ص : ۵۱۱

أَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِ کِتَابٍ قَدْ خَلَا

از تو نیکی آنچه نوشته شده و گذشته را درخواست می نمایم.۵/۵۴

ص. پرستش فروتنان

أَسْأَلُکَ... عِبَادَهَ الْخَاشِعِینَ لَکَ

پرستش فروتنان برای تو را، از تو درخواست می نمایم.۵/۵۴

ق. یقین اعتمادکنندگان به خدا

أَسْأَلُکَ... یَقِینَ الْمُتَوَکِّلِینَ عَلَیْکَ

یقین توکّل کنندگان بر تو را، از تو درخواست می نمایم.۵/۵۴

خواندن خدا دعا

خواهش نفسانی شهوت

خودپسندی

خودپسندی در اعمال

نَعُوذُ بِکَ... أَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا

پناه می بریم به تو از اینکه در کارهایمان خودپسند باشیم.۵/۸

تباه نساختن عبادت بنده، به خودپسندی

عَبِّدْنِی لَکَ وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِی بِالْعُجْبِ

مرا عبادت خود وادار ولی بندگی ام را با

خودپسندی تباه نگردان.۳/۲۰

خودداری

تنها درباره خودداری از معصیت، از خدا فرمان بردن

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِی... مُقِرٌّ لَکَ بِأَنِّی لَمْ أَسْتَسْلِمْ وَقْتَ إِحْسَانِکَ إِلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنْ عِصْیَانِکَ

پس ای خدای من، اقرار می کنم به اینکه هنگام احسانت، جز با خودداری از معصیت تو، فرمان نبرده ام. ۵و۴/۱۲

خودداری از خطایا

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ... لَا اسْتِمْسَاکَ بِی عَنِ الْخَطَایَا إِلَّا عَنْ قُوَّتِکَ

خداوندا جز به قدرت تو، خودداری از خطایا برایم ممکن نیست.۱۹/۳۱

از روی بی خبری نبودنِ خودداری خدا

لَمْ تَکُنْ... إِمْسَاکُکَ غَفْلَةً

خودداری ات از روی غفلت نبوده است.

۲۲/۴۶

خودداری (ناشی از ناتوانی) بنده

فَهَّهَنِیَ الْإِمْسَاکُ عَنْ تَمْجِیدِکَ

و خودداریْ (از سخن)، مرا از بزرگ داشتن

تو درمانده کرده.۲۴/۴۶

خودداری نمودن از مبطل حسنات

طَوِّقْنِی طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا یُحْبِطُ الْحَسَنَاتِ

طوقِ دست برداشتن از آنچه نیکی ها را باطل کرده، به گردنم انداز.۱۰۶/۴۷

خودنمایی ریا

خوردنی

بی نیاز کردن فرشتگان، از خوردنی

وَ أَغْنَیْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِیسِکَ

و آنان را به ذکر تقدیس خود، از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای.۱۱/۳

روزی بندگان و گماشتگی شب و روز

یُولِجُ کُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِی صَاحِبِهِ، وَ یُولِجُ صَاحِبَهُ فِیهِ بِتَقْدِیرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ، فِیما یَغْذُوهُمْ بِهِ

بنا به تقدیرش هر یک از شب و روز را جای یکدیگر قرار می دهد تا برای بندگان روزی دهد.

۴/۶

خاک زمین خوردن، و سزاوارِ محوِ بدی نشدن

یَا إِلَهِی لَوْ... أَکَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر همه عمرم خاک زمین خورم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

آمیختگی خوردنی دشمن، به بیماری

اللَّهُمَّ وَ امْزُجْ... أَطْعِمَتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ

خداوند و خوردنی هایشان را به امراضْ درآمیز. ۱۲/۲۷

قرار دادن خوراک، برای جنین

جَعَلْتَ لِی قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرَیْتَهُ لِأَمَتِکَ الَّتِی أَسْکَنْتَنِی جَوْفَهَا

از زیادی خوردنی و آشامیـدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی. ۲۴/۳۲

غذا و خوراک دادن خدا، به بنده

فَغَذَوْتَنِی بِفَضْلِکَ غِذَاءَ الْبَرِّ اللَّطِیفِ

پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربانْ خوراک دادی.۲۶/۳۲

خورده شدن پاره آتش، توسّط پاره دیگر

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ یَأْکُلُ بَعْضَهَا بَعْضٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که پاره هایش یکدیگر را می خورد.۲۹/۳۲

خوردن روزی و توانایی طاعت

لَمْ تَسُمْهُ الْقِصَاصَ فِيما أَكَلَ مِنْ رِزْقِکَ الَّذِی يَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِکَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی.۱۳/۳۷

منع کردن خوردنی ها، در ماه رمضان

وَ حَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَ الْمَشَارِبَ إِكْرَامًا

و از جهت گرامی داشتش، خوردنی ها و آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود.۴/۴۴

خورشید آفتاب

خوشایند پسندیده

خوش بختی

رو آوردن به خدا، سبب خوش بختی

السَّعِيدُ مِنَّا مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ

نیک بخت از ما کسی است که به سوی او رغبت ورزد.۲۴/۱

کامروا گشتن در بین دوستان نیک بخت خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا نَسْعَدُ بِهِ فِي السُّعَدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در بین سعادتمندان از دوستانش به سعادت برسیم.

۳۰و۲۷/۱

سبب بدبخت کردن طالب خوش بختی

وَ لَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِکَ، فَتَكُونَ قَدْ أَشْقَيْتَ مَنِ اسْتَسْعَدَ بِکَ

و به منع خویش، ما را ناامید مکن. وگرنه کسی که از تو نیک بختی خواسته، بدبخت کرده ای.

۳/۱۰

سبب خوش بختی دیگران و بدبختی بنده

فَلَا تَجْعَلْ حَظِّی مِنْ رَحْمَتِکَ مَا عَجَّلْتَ لِی مِنْ عَافِیَتِکَ، فَأَکُونَ قَدْ شَقِیتُ بِمَا أَحْبَبْتُ وَ سَعِدَ غَیْرِی بِمَا کَرِهْتُ

پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده که به سبب آنچه دوست دارم، بدبخت شوم و دیگری به سبب آنچه دوست ندارم، خوشبخت شود.

۱/۱۸

سبب نیک بختی امام علیه السلام و همسایگان وی

وَ زِدْهُمْ بَصِیرَةً فِی حَقِّی، وَ مَعْرِفَةً بِفَضْلِی حَتَّی یَسْعَدُوا بِی وَ أَسْعَدَ بِهِمْ

و بر حق بینی و فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزا. تا آنان به وسیله من، نیک بخت شوند و من به وسیله آنها، نیک بخت گردم.۴/۲۶

پایان دادن زندگی مجاهد، به نیک بختی

فَإِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَهِ، وَ قَضَیْتَ لَهُ بِالشَّهَادَهِ فَبَعْدَ

ص : ۵۱۴

أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّکَ بِالْقَتْلِ...

پس اگر (زندگی اش را) برای او به خوش بختی پایان دادی و شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده است.۱۵/۲۷

سبب نیک بخت شدن ستم دیده و ستمگر

عَوِّضْنِی مِنْ عَفْوِی عَنْهُمْ عَفْوَکَ، وَ مِنْ دُعَائِی لَهُمْ رَحْمَتَکَ حَتَّی یَسْعَدَ کُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِفَضْلِکَ

به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده. تا هر یک از ما به فضل تو، سعادتمند شود.

۳/۳۹

نیک بخت ساختن بندگان، با مرگ

فَإِذَا أَوْرَدْتَهُ عَلَیْنَا وَ أَنْزَلْتَهُ بِنَا فَأَسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا

پس هنگامی که آن را نزد ما وارد نمودی و آن را بر ما فرود آوردی، ما را به زیارت آن سعادتمند گردان. ۴/۴۰

ماه نو، ماه سعادت و نیک بختی

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِیهِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سعادتمندی بی تیره بختی قرار دهد.۵و۴/۴۳

خوش بخت ترین عابدان، در ماه نو

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ

و ما را از نیک بخت ترین کسانی که تو را در آن (ماه) بندگی نموده(اند)، قرار ده.۶/۴۳

رعایت حرمت ماه رمضان، و نیک بختی

مَا أَسْعَدَ مَنْ رَعَی حُرْمَتَکَ بِکَ!

چه نیک بخت است کسی که به سبب تو، حرمتت را رعایت کند!.۳۰/۴۵

نیک بخت ترین اهل ماه رمضان

اجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ بِهِ

و به وسیله آن، ما را از سعادتمندترین اهل آن قرار ده.۴۹/۴۵

نیک بخت گرداندن پایان کارِ بنده شایسته خوش بختی

فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَهِ خَتَمْتَ لَهُ بِهَا

پس هر که از سعادتمندان باشد، برایش به سعادت پایان دهی.۱۷/۴۶

سبب نیک بخت میراندن بنده

وَ بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ عُنِیتَ بِهِ... وَ رَضِیتَ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِیدًا، وَ تَوَفَّیْتَهُ سَعِیدًا

و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای و از او خوشنود گشته ای پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته و نیک بخت میرانده ای.

۱۰۵/۴۷

خوش بختی بنده، با عطای خواسته هایش

أَسْعِدْنِی بِمَا تُعْطِینِی مِنْهُ

مرا به آنچه از آن عطا می کنی، نیک بخت گردان. ۲۸/۴۸

خوش رفتاری

تغییر بدرفتاری خویشان به خوش رفتاری

أَبْدِلْنِی... مِنْ عُقُوقِ ذَوِی الْأَرْحَامِ الْمَبَرَّهَ

درباره من بدرفتاری خویشان را به نیکوکاری مبدّل فرما.۷/۲۰

تغییر اهانت معاشران، به خوش رفتاری

أَبْدِلْنِی... مِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِینَ کَرَمَ الْعِشْرَهِ

درباره من اهانت معاشران را به خوش رفتاری مبدّل فرما.۷/۲۰

خوش رفتاری با والدین، همانند مادری مهربان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی... أَبَرُّهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ

خداوندا مرا چنان گردان که با آن دو (پدر و مادرم) همانند خوش رفتارِ مادری مهربان، خوش رفتاری کنم.۵/۲۴

خوش رفتار بودن خدا

إِنَّکَ... الْمُـحْسِنُ الْمُـجْمِلُ

همانا تو نیکوکارِ خوش رفتار هستی.۷/۳۶

خوش رویی

خوش رویی و چاپلوسی ستمگر

...وَ هُوَ یُظْهِرُ لِی بَشَاشَهَ الْمَلَقِ

...در حالی که چاپلوسانه برایم خوش رویی می کرد.۷/۴۹

خوش گمانی گمان

خوشنودی پسندیده

سبقت گرفتن، در خوشنودی خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَی رِضَاهُ وَ عَفْوِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، بر پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و بخشایش او، پیشی گیریم.۱۱و۱۰/۱

سپاسی موجب خوشنودی خداوند

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَكُونُ... سَبَبًا إِلَی رِضْوَانِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که سببی به سوی خوشنودی اش باشد.۲۹و۲۷/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یَتَقَبَّلُهُ مِنَّا، وَ یَرْضَی بِهِ عَنَّا

و سپاس خدای را. سپاسی که آن را از ما

بپذیرد و به سبب آن از ما خوشنود شود.۲/۴۴

مبارزه در (راه) خوشنودی خدا

وَ حَارَبَ فِی رِضَاکَ أُسْرَتَهُ

و در (راه) خوشنودی تو، با قبیله اش جنگید.

۷/۲

پیشوایان هدایت، و خوشنودی خداوند

وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا... مِنْ أَئِمَّهِ الْهُدَی، وَ قَادَهِ أَهْلِ التُّقَی عَلَی جَمِیعِهِمُ السَّلَامُ، فَاذْکُرْهُمْ مِنْکَ بِمَغْفِرَهٍ وَ رِضْوَانٍ

و برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از امامانِ رستگاری و پیشوایان اهل پرهیزکاری - که بر همه آنها درود باد - پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.۲/۴

خوشنودی اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از خوشنودی خدا

وَ أَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِکَ

و به خوشنودی خود ایشان را خوشنود ساز.

۷/۴

خوشنودترین کسان از آفریدگان

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَرْضَی مَنْ مَرَّ عَلَیْهِ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ مِنْ جُمْلَهِ خَلْقِکَ

و ما را از خوشنودترین آفریدگانت که شب و روز بر آنها گذشته قرار ده.۲۰/۶

تصمیمی خوشنودکننده خداوند

وَ إِذَا هَمَمْنَا بِهَمَّیْنِ یُرْضِیکَ أَحَدُهُمَا عَنَّا، وَ یُسْخِطُکَ الْآخَرُ عَلَیْنَا...

و چون بر دو کار تصمیم گرفتیم، یکی تو را از ما خوشنود می سازد و دیگری تو را بر ما به خشم می آورد...۳/۹

برگشت به تصمیم خوشنودگرداننده خدا

...فَمِلْ بِنَا إِلَى مَا يُرْضِيكَ عَنَّا

پس ما را به آن کار که تو را از ما خوشنود می سازد برگردان.۳/۹

فزونی خوشنودی خدا، از خشم او

وَ يَا مَنْ رِضَاهُ أَوْفَرُ مِنْ سَخَطِهِ

و ای کسی که خوشنودی او از خشمش افزون تر است.۹/۱۲

خوشنودی خدا، از کردار اندک بندگان

وَ يَا مَنْ رَضِيَ مِنْ فِعْلِهِمْ بِالْيَسِيرِ

و ای آنکه از کردار اندک ایشان، خرسند شده است. ۱۰/۱۲

خوشنود گرداندن بنده، به آنچه از او سلب شده

وَ رَضِّنِي بِمَا أَخَذْتَ لِي وَ مِنِّي

و مرا به آنچه برای من و از من گرفتی،

خوشنود گردان.۱۳/۱۴

شادمانی بنده و خوشنودی خدا

نَشَّطْتَنِی بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِکَ وَ فَضْلِکَ

مرا به وسیله آن (تندرستی) برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی.۳/۱۵

خوشنود ساختن پیوسته خداوند

وَ أَنَا یَا إِلَهِی عَبْدُکَ الَّذِی أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ، فَقَالَ: لَبَّیْکَ وَ سَعْدَیْکَ

و من – ای خدای من – بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. پس گفت: اطاعت می کنم و گوش به فرمانم.۱۳/۱۶

پوشاندن خوشنودی خدا، بر بنده

وَ جَلِّلْنِی رِضَاکَ

و خوشنودی ات را بر من بپوشان.۲۱/۲۰

آسان نمودن راه ها، برای رسیدن به خوشنودی خدا

وَ سَهِّلْ إِلَی بُلُوغِ رِضَاکَ سُبُلِی

و راه هایم را برای رسیدن به خوشنودی ات، آسان فرما.۲۸/۲۰

عوامل رسیدن به خوشنودی خدا

وَ لَا أَبْلُغُ رِضَاکَ، وَ لَا أَنَالُ مَا عِنْدَکَ إِلَّا بِطَاعَتِکَ وَ بِفَضْلِ رَحْمَتِکَ

و توانایی (جلب) رضایتت را ندارم. و نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو و به فزونیِ رحمتت.۶/۲۱

خشمگین نگشتن از آنچه خوشنودکننده خداست

وَ اشْغَلْ بِطَاعَتِکَ نَفْسِی... حَتَّی... لَا أَسْخَطَ شَیْئًا مِنْ رِضَاکَ

و مرا به طاعت خویش مشغول دار. تا از چیزی که خوشنودی توست، خشمگین نشوم.

۹/۲۱

نیرویی به دوش کشنده خوشنودی خدا

وَ هَبْ لِی قُوَّهً أَحْتَمِلُ بِهَا جَمِیعَ مَرْضَاتِکَ

و به من نیرویی عنایت کن تا بتوانم همه خوشنودی ات را حمل کنم.۱۱/۲۱

ورود به خوشنودی خداوند

وَ اجْعَلْ... فِی مَرْضَاتِکَ مَدْخَلِی

و ورود مرا در خوشنودی ات قرار ده.

۱۱/۲۱

انجام آنچه خوشنودکننده خداست

وَ امْنُنْ عَلَیَّ... بِالْعَمَلِ لَکَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَی

و عمل – برای خودت – به آنچه دوست داری و خوشنود می شوی را به من ارزانی دار.۱۳/۲۱

ص : ۵۱۸

رضای خدا از بنده، در حال تندرستی

وَ خُذْ لِنَفْسِکَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِی فِی عَافِیَةٍ

و رضای خود را از من در حال عافیت دریافت نما.۱/۲۲

عطای آنچه موجب خوشنودی خداست، به بنده

فَأَعْطِنِی مِنْ نَفْسِی مَا یُرْضِیکَ عَنِّی

پس آنچه تو را از من راضی می گرداند، به من عطا فرما.۱/۲۲

رضایت بنده، در آنچه از خدا به او رسد

وَ اجْعَلْ... رِضَایَ فِیما یَرِدُ عَلَیَّ مِنْکَ

و خوشنودی ام را، در آنچه از تو به من می رسد قرار ده.۵/۲۲

سبب آرامش یافتن، در هنگام خوشنودی و خشم

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ... حَتَّی أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِینَةَ النَّفْسِ مِنِّی بِمَا یَجِبُ لَکَ فِیما یَحْدُثُ فِی حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ وَ الرِّضَا وَ السُّخْطِ...

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی و

خوشنودی و خشم رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.۱۱/۲۲

سبب برگزیدن رضایت خداوند

وَ ارْزُقْنِی... الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ... مُؤْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ

و مرا در حال خوشنودی وخشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم.

۱۳/۲۲

نگهداری از لغزش، در حال خوشنودی و خشم

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده.۱۳/۲۲

مقدّم شمردن خوشنودی والدین، بر خوشنودی خود

ص : ۵۱۹

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّی... أَقَدِّمَ عَلَی رِضَایَ رِضَاهُمَا...

و اطاعت از پـدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا خوشـنودی آنان را بر خوشنودی خود مقدّم اندازم.۵/۲۴

خوشنودی خدا از والدین، با شفاعت فرزند

وَ ارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِی لَهُمَا رِضًی عَزْمًا

و به میانجیگری من از آنها یکسره خوشنود شو.۱۴/۲۴

رستگار شدن بنده، با خوشنودی خدا

فَیَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَهٍ... أَوْ شَفَاعَهٍ أَوْکَدُ عِنْدَکَ مِنْ شَفَاعَتِی تَکُونُ بِهَا... فَوْزَتِی بِرِضَاکَ

پس دعایی از او به من رسـد یا شـفاعتی کنـد که از شـفاعت من نزد تو کارسازتر است، که رسـتگاری ام به خوشـنودی ات به وسیله آن حاصل شود.۲۷/۳۱

خشم گرفتن بر نفس خود، و خوشنودی از خدا

وَ هَذَا مَقَامُ مَنِ اسْتَحْیَا لِنَفْسِهِ مِنْکَ، وَ سَخِطَ عَلَیْهَا، وَ رَضِیَ عَنْکَ

و این جایگاه کسی است که درباره خویش، از

تو شرمنده گشت و بر خود خشمگین و از تو خوشنود است.۱۹/۳۲

خوشنودی بنده، به بهره مقدّر برای او

وَ أَسْأَلُکَ... أَنْ تُرْضِیَنِی بِحِصَّتِی فِیما قَسَمْتَ لِی

و از تو درخواست می کنم که مرا به بهره ام در آنچه برایم قسمت کرده ای، راضی نمایی.

۲۸/۳۲

روگرداندن از خوشنودی خدا، و تهدید او

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... تَوَعَّدْتَ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاکَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن هر که را از خوشنودی تو روی گرداند، تهدید نمودی.۲۹/۳۲

درودی خوشنودکننده محمّد صلی الله علیه و آله و آلش

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ حَتَّی یَرْضَی، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ الرِّضَا

درود خدا بر او تا اینکه خوشنود شود و درود خدا بر او و خاندانش، پس از خوشنود شدن.

۳۵/۳۲

وسیله خوشنودی بندگان، به مقدّرات

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ الِاخْتِیَارِ، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ ذَرِیعَهً إِلَی الرِّضَا بِمَا قَضَیْتَ لَنَا

ص : ۵۲۰

و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقدّر فرمودی، قرار ده.۲/۳۳

سبب ناپسند شمردن آنچه مورد رضای خداست

وَ لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ، وَ نَکْرَهَ مَوْضِعَ رِضَاکَ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و مورد رضایت تو را ناپسند داریم.۳/۳۳

رضایت بنده، به حکم الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضًی بِحُکْمِ اللَّهِ

سپاس خدای را که راضی به حکم اویم.

۱/۳۵

خوشنود ساختن بنده، به قضا و قدر الهی

وَ طَیِّبْ بِقَضَائِکَ نَفْسِی

و مرا به قضای خود، خوشنود گردان.

۳/۳۵

خوشنودی خدا، و عدم شایستگی بنده

لَا یَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ، وَ لَا أَنْ تَرْضَی عَنْهُ بِاسْتِیجَابِهِ

هیچ کس در حدّی نیست که به سبب

استحقاقش آمرزشت را ایجاب کند و شایستگی اش رضایت تو را لازم سازد.۴/۳۷

فضل خدا، سبب رضایت او از بندگان

وَ مَنْ رَضِیتَ عَنْهُ فَبِفَضْلِکَ

و از هر که راضی شوی، از فضل توست.

۵/۳۷

خوشنودی خدا به کمتر از استحقاق خود

فَجَمِیعُ مَا أَخَّرْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ... رِضًی بِدُونِ وَاجِبِکَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای، راضی شدن به کمتر از شایستگی خودت بوده است.۱۵/۳۷

فروگذاری پاداش خوشنودگرداننده خدا

وَ لَا یُخَافُ إِغْفَالُکَ ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاکَ

و ترسی نیست که پاداش آنکه تو را خوشنود گرداند، فروگذاری.۱۶/۳۷

خوشنود نمودن بنده رنج دیده از دیگری، با توانگری خدا

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا عَبْدٍ مِنْ عَبِیدِکَ أَدْرَکَهُ مِنِّی دَرَکٌ... أَرْضِهِ عَنِّی مِنْ وُجْدِکَ

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که نارواییی از من به او رسیده، او را با توانگری خود، از من

خوشنود گردان.۴/۳۹

شرافت دادن درجه بنده، با رضای الهی

شَرِّفْ دَرَجَتِی بِرِضْوَانِکَ

درجه مرا به خوشنودیت، شرافت ده.

۴/۴۱

آشکار ساختن راه های خوشنودی خدا

اللَّهُمَّ وَ کَمَا... أَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَیْکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و چنان که به وسیله خاندانش، راه های خوشنودی به سوی خود را آشکار ساختی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.۸/۴۲

قرآن، جلودار بندگان به سوی خوشنودی خدا

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْکُفْرِ وَ دَوَاعِی النِّفَاقِ حَتَّی یَکُونَ لَنَا فِی الْقِیَامَهِ إِلَی رِضْوَانِکَ وَ جِنَانِکَ قَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در قیامت جلودار ما به سوی خوشنودی تو و بهشت هایت باشد.

۱۲/۴۲

خوشنودترین افراد، در هنگام طلوع ماه

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَرْضَی مَنْ طَلَعَ عَلَیْهِ

و ما را از خوشنودترین کسانی که ماه بر او

طلوع کرده، قرار ده.۶/۴۳

دست یافتن (امّت محمّد صلی الله علیه و آله)، به رضای الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... سَبَّلَنَا فِی سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُکَهَا بِمَنِّهِ إِلَی رِضْوَانِهِ

و سپاس خدای را که ما را در راه های احسانش، راهی نمود، تا در آن (راه ها)، به وسیله نعمتش به سوی خوشنودی اش

رویم.۲/۴۴

روزه ماه رمضان، و خوشنودی خداوند

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِیهِ بِمَا یُرْضِیکَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما.۶/۴۴

سبب دست یافتن به خوشنودی خدا

وَ تَصَدَّقُوا لَکَ طَلَبًا لِمَزِیدِکَ، وَ فِیهَا کَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِکَ، وَ فَوْزُهُمْ بِرِضَاکَ

و جهت طلبِ افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند و در (همه) اینها نجات ایشان از خشمت و دست یافتنشان به خوشنودی ات نهفته بود.۱۶/۴۵

خوشنودی خدا از بنده، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... تَقَرَّبَ إِلَيْکَ بِقُرْبَهٍ أَوْجَبَتْ رِضَاکَ لَهُ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

خداوندا و هر کس به وسیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسته، که خوشنودی تو را برای او لازم گردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

خوشنود شدن خدا، با توبه نصوح بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْکَ... تَوْبَهً نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشَّکِّ وَ الِارْتِيَابِ، فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا، وَ ارْضَ عَنَّا

خداوندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک باشد. پس آن را از ما بپذیر و از ما خوشنود باش.۵۲/۴۵

سپاسی فزاینده خوشنودی خداوند

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که بر خوشنودی ات بیفزاید.۳۵/۴۷

درودی خوشنودکننده

صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاهً رَاضِيَهً لَا تَکُونُ صَلَاهٌ فَوْقَهَا

بر او درود فرست، درود خوشنودکننده ای که درودی بالاتر از آن نباشد.۵۱/۴۷

درودی فزاینده خوشنودی خداوند

وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاهً تُرْضِيکَ و تَزِيدُ عَلَى رِضَاکَ لَهُ

و بر او درود فرست، درودی که تو را خوشنود

کند و بر خوشنودی ات برای او بیفزاید.۵۲/۴۷

خوشنود ساختن محمّد صلی الله علیه و آله

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تُرْضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که خوشنودش سازد و بر خوشنودی اش بیفزاید.۵۲/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ... صَلَاهً... تَکُونُ لَکَ وَ لَهُمْ رِضًى

پروردگار من، بر ایشان درود فرست. درودی که برای تو و برای ایشان پسندیده باشد.۵۹/۴۷

درودی متجاوز از خوشنودی خداوند

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاهً تُجَاوِزُ رِضْوَانَکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که از خوشنودی تو درگذرد.

۵۳/۴۷

امام علیه السلام ، سبب خوشنودی خدا

جَعَلْتَهُ الذَّرِیعَهَ إِلَی رِضْوَانِکَ

او را سبب رسیدن به خوشنودی ات قرار دادی.۶۰/۴۷

کوشش در (کسب) خوشنودی ولیّ خدا

وَ اجْعَلْنَا... فِی رِضَاهُ سَاعِینَ

و ما را کوشا در خوشنودی او قرار ده.

۶۳/۴۷

بهره ای ویژه از خوشنودی خدا

وَ اجْعَلْ لِی فِی هَذَا الْیَوْمِ نَصِیبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِکَ

و در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم.

۷۱/۴۷

کوشش، در کسب خوشنودی خداوند

وَ تَوَحَّدْنِی بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ... أَتْعَبَ نَفْسَهُ فِی ذَاتِکَ، وَ أَجْهَدَهَا فِی مَرْضَاتِکَ

و تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که برای تو خود را به سختی انداخته و در خوشنودی ات کوشیده.

۸۸/۴۷

خوشنود نشدن خدا، پس از خشمش

لَا تُعْرِضْ عَنِّی إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَی عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِکَ

از من رونگردان همانند روگرداندن از کسی که پس از خشمت از او خوشنود نمی شوی.

۱۰۰/۴۷

درجات بنده، و خوشنودی خدا

وَ بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ... رَضِیتَ عَنْهُ

و مرا به درجات کسی رسان که از او خوشنود گشته ای.۱۰۵/۴۷

بازماندن از امرِ خوشنودگرداننده خدا

وَ لَا تَشْغَلْنِی بِمَا لَا أُدْرِکُهُ إِلَّا بِکَ عَمَّا لَا یُرْضِیکَ عَنِّی غَیْرُهُ

و مرا به چیزی که آن را درنمی یابم، مگر به (کمک) تو، مشغول منما، تا از چیزی که جز آن تو را از من خوشنود نمی کند، باز مانم.۱۰۸/۴۷

بنده، پیرو خوشنودی خدا

وَ لَا تَتَّخِذْنِی هُزُوًا لِخَلْقِکَ... وَ لَا تَبَعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِکَ

و مرا سبب خنده آفریدگانت و جز پیرو خوشنودی ات قرار نده.۱۲۴/۴۷

انجام حجّ و عمره، و خوشنودی خداوند

وَ اجْعَلْ بَاقِیَ عُمْرِی فِی الْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ ابْتِغَاءَ وَجْهِکَ

و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حجّ و عمره قرار ده.۱۳۳/۴۷

خوشنودی از اعمال دشمنان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ، وَ مَنْ رَضِیَ بِفِعَالِهِمْ وَ أَشْیَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ

خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان و هر که را به کردارشان خوشنود می شود و دوستان و پیروانشان را لعنت کن.۱۰/۴۸

نردبانی به سوی خوشنودی خدا

فَهَبْ لِی یَا إِلَهِی... مَا أَتَّخِذُهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَی رِضْوَانِکَ

پس ای خدای من، مرا چیزی ببخش که آن را

نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم.۱۷/۴۹

سپاسی نشانگر منتهای خوشنودی خدا

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی... حَمْدًا یَکُونُ مَبْلَغَ رِضَاکَ عَنِّی

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به اندازه خوشنودی تو از من باشد. ۶/۵۱

واداشتن بنده، در (راه) خوشنودی خدا

اسْتَعْمِلْنِی فِی مَرْضَاتِکَ عَمَلًا لَا أَتْرُکُ مَعَهُ شَیْئًا مِنْ دِینِکَ مَخَافَهَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.۶/۵۴

خوشه

داستان دانه ای رویاننده هفت خوشه

مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد.

۱۳/۴۵

خوشی لذّت

خون

روان نمودن شیطان، در رگ های خون بندگان

أَجْرَیْتَهُ مَجَارِیَ دِمَائِنَا

او (شیطان) را در رگ های خونمان روان نمودی. ۶/۲۵

خون بسته شده، یکی از مراحل تکوین جنین

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ... کَمَا نَعَتَّ فِی کِتَابِکَ: (نُطْفَهً ثُمَّ عَلَقَهً ثُمَّ مُضْغَهً ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ کَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْمًا، ثُمَّ أَنْشَأْتَنِی خَلْقًا آخَرَ)

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خونِ بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشاندی، آنگاه مرا آفرینشی دیگر دادی.

۲۳/۳۲

خوی اخلاق

خویشان

دشمنی پیامبر صلی الله علیه و آله با خویشانش، و دعوت

ص : ۵۲۵

به سوی خدا

كَاشَفَ فِی الدُّعَاءِ إِلَيْکَ حَامَّتَهُ

در دعوت به سوی تو با خویشانش، آشکارا به ستیز پرداخت.۶/۲

دوری پیامبر صلی الله علیه و آله از خویشانش، و احیای دین الهی

قَطَعَ فِی إِحْيَاءِ دِينِکَ رَحِمَهُ

در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

۸/۲

شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله ، درباره خویشانش

عَرِّفْهُ فِی أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ... مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَهِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ

او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.۲۵/۲

گسستن پیوند خویشاوندی

وَ الَّذِينَ... انْتَفَتْ مِنْهُمُ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا فِی ظِلِّ قَرَابَتِهِ

و آنان که چون در سایه خویشی او ساکن شدند خویشاوندان، آنها را بیگانه دانستند.

۶/۴

دوری اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از شهر ارحام خود

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فِيکَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ

و ایشان را به خاطر آنکه در راه تو از شهرهای خویشانشان هجرت کردند پاداش عنایت کن.

۸/۴

خویشان مؤمن بنده، در محلی نگهدارنده از شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ... ذَوِی أَرْحَامِنَا... مِنَ الْمُوءْمِنِينَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِنْهُ فِی حِرْزٍ حَارِزٍ، وَ حِصْنٍ حَافِظٍ

و خویشان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده قرار ده.۱۰/۱۷

پناه دادن خویشان بندگان، از آنچه از آن پناه برده اند

أَعِذْنَا وَ أَهَالِیَنَا... مِمَّا اسْتَعَذْنَا مِنْهُ

ما و خویشاوندانمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده.۱۵/۱۷

تبدیل بدرفتاری خویشان، به نیکوکاری

أَبْدِلْنِی... مِنْ عُقُوقِ ذَوِی الْأَرْحَامِ الْمَبَرَّةَ

درباره من بدرفتاری خویشان را به نیکوکاری مبدّل فرما.۷/۲۰

خویشان، ناامیدکننده بنده

إِنْ أَلْجَأْتَنِی إِلَی قَرَابَتِی حَرَمُونِی

ص : ۵۲۶

اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند.۳/۲۲

درباره همسایگان لازم دانستن آنچه برای خویشان واجب است

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أُوجِبُ لَهُمْ مَا أُوجِبُ لِحَامَّتِی

و خداوندا مرا بر آن دار که آنچه را برای خویشانم لازم می دانم، برای آنها لازم بدانم.

۳/۲۶

رسوایی بنده، در برابر خویشانش

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ... وَ مِنْ ذِی رَحِمٍ کُنْتُ أَحْتَشِمُ مِنْهُ فِی سَرِیرَاتِی

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و از خویشاوندی که در کارهای مخفی خود از او شرم می نمودم، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

مرگ، خویشاوند نزدیک بنده

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَی وَشْکِ اللَّحَاقِ بِکَ حَتَّی یَکُونَ الْمَوْتُ... حَامَّتَنَا الَّتِی نُحِبُّ الدُّنُوَّ مِنْهَا

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی

که مرگ برای ما (همانند) خویشاوند نزدیک ما باشد که نزدیک شدن به او را دوست داریم.

۳/۴۰

بخشش به خویشان

وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَ الصِّلَهِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم.۱۰/۴۴

خویشاوندان خویشان

خویشتن داری پاکدامنی

خویشتن داری از خطاها، روزی خدا به بنده

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

و مرا خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده.۱۳/۲۲

الهام نمودن خویشتن داری به بنده

أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ، وَ التَّحَفُّظَ مِمَّا حَظَرْتَ فِیهِ

شناختِ فضیلتش، و بزرگ داشتِ احترامش، و خویشتن داری از آنچه را که در آن (ماه) حرام نموده ای، به ما الهام کن.۶/۴۴

ص : ۵۲۷

خیال اندیشه

خیانت

قصد خیانت نمودن

نَعُوذُ بِکَ أَنْ نَنْطَوِیَ عَلَی غِشٍّ أَحَدٍ

پناه می بریم به تو از اینکه قصد خیانت به کسی داشته باشیم.۵/۸

مخلصانه رفتار کردن، با خیانت کار

سَدِّدْنِی لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ غَشَّنِی بِالنُّصْحِ

مرا توفیق ده تا با آنکه با من نادرستی نموده، از روی خیرخواهی برخورد کنم.۹/۲۰

خیر نیکی

خیرگی

خیرگی دیده های مردم (در قیامت)

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُیُونُنَا إِذَا بَرِقَتِ الْأَبْصَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به وسیله آن چشمانمان روشن شود، هنگامی که دیده ها، خیره می شود.۱۴و۱۰/۱

خیره ماندن صاحب صور، در انتظار امر الهی

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ، وَ حُلُولَ الْأَمْرِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه و رسیدن فرمان توست.

۲/۳

جلد ۲

د

داد عدل

داد و ستد تجارت

دارایی ثروت

سرمایه بخشیدن، به بندگان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَ أَقْنَانَا بِمَنِّهِ

سپاس خدای را که ما را به فضل خود، بی نیاز گرداند و به نعمت خویش، سرمایه مان داد.۲۰/۱

خدا، دارنده هر مُلک و پادشاهی

أَنَّکَ... مَالِکُ الْمُلْکِ

همانا تو صاحب هر ملکی.۲۱/۶

افزون گرداندن دارایی بنده، با برکت

وَفِّرْ مَلَکَتِی بِالْبَرَکَهِ فِیهِ

دارایی ام را با برکت، افزون ساز.۲۳/۲۰

عدم گنجایش دارایی بنده، جهت انجام امور واجب

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ لَکَ فِی وَجْهٍ مِنْ وُجُوهِ طَاعَتِکَ أَوْ لِخَلْقٍ مِنْ خَلْقِکَ وَ إِنْ... لَمْ یَسَعْهُ مَالِی وَ لَا ذَاتُ یَدِی

و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت یا برای آفریده ای از آفریدگانت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه ثروت و دارایی ام گنجایش آن را نداشته باشد.۶/۲۲

اندیشه دارایی گمراه کننده

وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ

و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن.۴/۲۷

بسیار نمودن دارایی مسلمانان

اللَّهُمَّ... ثَمِّرْ بِهِ أَمْوَالَهُمْ

خداوندا به وسیله آن، ثروت هایشان را بیفزا.

۷/۲۷

کمک به جنگجو یا مرزدار، با دارایی خود

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ أَعَانَهُ بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را به پاره ای از دارایی خود یاری داد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش

را عوضِ نقد عطا کن.۱۶/۲۷

طلب دور شدن دارایی ای با ویژگی های خاص، از بنده

وَ ازْوِ عَنِّی مِنَ الْمَالِ مَا یُحْدِثُ لِی مَخِیلَهً أَوْ تَأَدِّیًا إِلَی بَغْیٍ أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْیَانًا

و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند یا در پی آن دچار سرکشی شوم را، از من دور ساز.۳/۳۰

دارایی دنیا، وسیله رسیدن به جوار خدا

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِی مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَهً إِلَی جِوَارِکَ، وَ وُصْلَهً إِلَی قُرْبِکَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود و وسیله پیوستن به جایگاه بزرگت قرار ده.۶/۳۰

خدا، مالک امور بندگان

مَلَکْتَ – یَا إِلَهِی – أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ یَمْلِکُوا عِبَادَتَکَ

ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند.۷/۳۷

خالص گرداندن دارایی ها، از مظالم

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که دارایی هایمان را از مظالم خالص گردانیم.۱۰/۴۴

انفاق کنندگان دارایی، در راه خدا

مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ، وَ اللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.

۱۳/۴۵

خدا، دارنده دارندگان

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ... رَبَّ الْأَرْبَابِ

خداوندا سپاس برای توست، دارنده دارندگان.۲/۴۷

دام

حفظ بندگان، از بدی دام های شیطان

اکْفِنَا... شَرَّ مَصَایِدِ الشَّیْطَانِ

ما را از شرّ دام های شیطان نگهدار.۱۰/۵

دام های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... غُرُورِهِ وَ مَصَایِدِهِ

ص : ۵۳۴

خداوندا ما از فریب ها و دام هایش به تو پناه می بریم.۱/۱۷

دام های قصدبدکننده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ... مَصَایِدِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از دام هایش ایمن سازی.۸و۷/۲۳

برپایی دام شکارِ (بنده)، توسّط ستمگر

کَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِی بِمَکَایِدِهِ، وَ نَصَبَ لِی شَرَکَ مَصَایِدِهِ

چه بسیار ستمگری که با نیرنگ هایش به من ستم کرد و دام های خود را برایم گسترد.۷/۴۹

درآمدن ستمگر در بند دامِ خود

وَ رَدَدْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ، فَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِیلًا فِی رِبَقِ حِبَالَتِهِ الَّتِی کَانَ یُقَدِّرُ أَنْ یَرَانِی فِیهَا

و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی، تا پس از آن همه گردن کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، درآمد.۸/۴۹

دانش علم

دانه

داستان دانه ای رویاننده هفت خوشه

مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ، وَ اللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.

۱۳/۴۵

دائمی همیشگی

دخول ورود

در

درهای علم به ربوبیّت خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا... فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِیَّتِهِ

و سپاس خدای را که درهایی از علم به پروردگاری اش را بر ما گشود.۱۰/۱

بستن در حاجت، جز به سوی خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَهِ إِلَّا إِلَیْهِ

سپاس خدایی را که درِ نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست.۱۹/۱

گشودن در آسایش، به روی بنده

ص : ۵۳۵

وَ افْتَحْ لِی یَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِکَ

و ای پروردگار من، به فضل خود درِ آسایش را به رویم بگشای.۸/۷

(پناه نداشتن بنده)، جز به درگاه خدا

فَإِلَی مَنْ حِینَئِذٍ مُنْقَلَبُنَا عَنْکَ؟ وَ إِلَی أَیْنَ مَذْهَبُنَا عَنْ بَابِکَ؟

پس در این هنگام از جانب تو به چه کسی رو آوریم؟ و از درِ خانه تو به کجا رویم؟۴/۱۰

ایستادن به درِ عزّت خداوند

وَاقِفٌ بِبَابِ عِزِّکَ وُقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الذَّلِیلِ

به درگاه عزّت تو همچون فرمانبری خوار، ایستاده ام.۴/۱۲

گشوده بودن درِ توبه

سُبْحَانَکَ، لَا أَیْأَسُ مِنْکَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لِی بَابَ التَّوْبَهِ إِلَیْکَ

پاک و منزّهی تو، از تو که درِ توبه را به رویم گشوده ای، ناامید نمی شوم.۷/۱۲

مرگ، دری از درهای آمرزش الهی

اجْعَلْهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِکَ

آن را دری از درهای آمرزشت قرار ده.۴/۴۰

دری به سوی عفو الهی

أَنْتَ الَّذِی فَتَحْتَ لِعِبَادِکَ بَابًا إِلَی عَفْوِکَ

تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده ای.۱۰/۴۵

گشودن در و به پا داشتن راهنما

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِکَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَهِ الدَّلِیلِ

پس – بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما – عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!۱۱/۴۵

گشایش درِ (رحمت) الهی، به روی طالبان

بَابُکَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِینَ

درِ تو برای آنان که خواهانند، باز است.

۱۴/۴۶

درهای برای آمدن به سوی خداوند

إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... أَتَیْتُکَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِی أَمَرْتَ أَنْ تُوءْتَی مِنْهَا

همانـا گرچه من کارهای شایسـته ای را که آنها پیش فرسـتاده انـد، پیش نفرسـتادم، ولی از همان درهایی که فرمان داده ای از آنها وارد شوند، نزد تو آمده ام.۷۲/۴۷

گشودن درهای توبه، رحمت و روزی بر بنده

افْتَحْ لِی أَبْوَابَ تَوْبَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ رَأْفَتِکَ وَ رِزْقِکَ الْوَاسِعِ

درهای توبه و رحمت و رأفت و روزی فراخت را بر من بگشای.۱۳۲/۴۷

دراز طولانی

درب در

درجه مرتبه

درخت

رویاندن درخت ها، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْيًا... تُنْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ

خداوندا ما را با بارانی که درخت ها را به وسیله آن برویانی، سیراب نما.۵/۱۹

درخت هایی خم شده به انواع میوه ها، در بهشت

وَ لَوَّحَ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَهِ بِصُنُوفِ الثَّمَرِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از درختانی که شاخه هایشان به انواع میوه ها خم گشته، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

درخشش

درخشش شعله های برق ها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَهُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد.۱۴و۱۱و۱۰/۳

اقتداکنندگان به درخشش روشنایی قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَقْتَدِي بِتَبَلُّجِ إِسْفَارِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به درخشش روشنایی آن اقتدا می کنند.۷/۴۲

درد

وسیله رستن از آتش دردناک خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شویم.۱۵و۱۰/۱

دچار ساختن دشمن، به بیماری دردناک

أَصِبْهُمْ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَ السُّقْمِ الْأَلِيمِ

آنان را دچار گرسنگی دائم و بیماری دردناک گردان.۱۲/۲۷

ص : ۵۳۷

ترس ستمگران، از قهرهای دردناک خدا

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا کُلُّ جَارِحَةٍ عَلَی حِیَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِکَ، وَ تَأْمَنُ مِمَا یَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِیمِ سَطَوَاتِکَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم مانَد و از قهرهای دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد.۲۲/۳۱

آتشی با آسایشی دردناک

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... هَیِّنُهَا أَلِیمٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که آسایشش دردناک است.۲۹/۳۲

کیفر دردناک آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَی سُکَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَیْهَا مِنْ أَلِیمِ النَّکَالِ وَ شَدِیدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.۳۰و۲۹/۳۲

دردآور بودن فقدان رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ قَرِینٍ... أَفْجَعَ فَقْدُهُ مَفْقُودًا

درود بر تو همنشینی که چون از دست رفت، فقدانش دردآور بود.۲۶/۴۵

در دل گذراندن

در دل داشتن دوستی محمّد صلی الله علیه و آله

مَنْ کَانُوا مُنْطَوِینَ عَلَی مَحَبَّتِهِ

آنها که محبّت او را در دل پرورانده اند.

۵/۴

در دل گذراندن اندیشه های بد

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا... مِنْ... خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا

قرآن را نگهبان ما از اندیشه های بد، قرار ده.

۱۰/۴۲

قرآن، بازدارنده خطور اندیشه های بد

وَ احْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّهِ ضَمَائِرِنَا

و با آن (قرآن)، خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار.۱۱/۴۲

توبه کردن از اندیشه بد

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْکَ... مِنْ کُلِّ... خَاطِرِ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ

خداوندا ما از هر اندیشه بدی که در دل داشته ایم، به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

در دل نگذراندن رجوع به گناه

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْکَ... تَوْبَهَ مَنْ لَا يَنْطَوِی عَلَی رُجُوعٍ إِلَی ذَنْبٍ

خداوندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه

ص : ۵۳۸

کسی که بازگشتن به گناه را در دل ندارد.۵۲/۴۵

در دل گذراندن شرّرسانی به بنده، توسّط دشمن

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ... أَضْمَرَ أَنْ یَسُومَنِی الْمَکْرُوهَ

پس چه بسیار دشمنی که در دل قصدِ آسیب رساندن به من داشت.۴/۴۹

درگاه

رسوایی در درگاه خدا، به واسطه گناهان

فَقَدْ أَقَامَتْنِی یَا رَبِّ ذُنُوبِی مَقَامَ الْخِزْیِ بِفِنَائِکَ

پس ای پروردگار من، گناهانم به درگاهت، مرا در جایگاه رسواییْ ماندگار نموده.۲۳/۳۱

درگاه انتقام الهی

...وَ أَخْرَجَنِی إِلَی فِنَاءِ نَقِمَتِکَ طَرِیدًا

...و مرا رانده شده، به سوی درگاه انتقامت درآورد.۱۳/۳۲

درمان مداوا

درماندگی بیچارگی و نیز ناتوانی

درمانده نگشتن حاملان عرش، از پرستش خدا

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ... لَا یَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِکَ

خداوندا و حاملان عرشت که از پرستشت درمانده نمی گردند...۱/۳

قرار دادن قوی ترین توانایی در بنده، هنگام درماندگی او

اجْعَلْ... أَقْوَی قُوَّتِکَ فِیَّ إِذَا نَصِبْتُ

قوی ترین توانایی ات را در من، هنگامی که درمانده شدم قرار ده.۱۱/۲۰

سبب درمانده گشتن بنده، از بزرگ داشت خدا

وَ فَهَّهَنِیَ الْإِمْسَاکُ عَنْ تَمْجِیدِکَ، وَ قُصَارَایَ الْإِقْرَارُ بِالْحُسُورِ، لَا رَغْبَهً - یَا إِلَهِی - بَلْ عَجْزًا

و خودداریْ (از سخن)، مرا از بزرگ داشتن تو درمانده کرده، و نهایت تلاش من اقرار به درماندگی است. نه از روی بی رغبتی - ای خدای من - بلکه از روی ناتوانی است.۲۴/۴۶

درنده

در کمین نشستن ستمگر همچون درنده

وَ کَمْ مِنْ بَاغٍ... أَضْبَأَ إِلَیَّ إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِیدَتِهِ انْتِظَارًا لِانْتِهَازِ الْفُرْصَهِ لِفَرِیسَتِهِ

ص : ۵۳۹

و چه بسیار ستمگری که همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در کمین من نشست.۷/۴۹

درنگ مهلت

درود

درود خدا بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندانش

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

درود خدا بر او و خاندانش باد.

۲/۴، ۱/۲

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

خداوندا پس بر محمّد درود فرست.۳/۲

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۳/۱۸، ۱/۱۱، ۱/۵-۶

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۳/۱۱، ۶/۱۰، ۸/۷، ۱۳ و ۱۱ و ۸/۵ ۴/۲۱، ۱۵/۲۰، ۲۹و۱۸/۱۶، ۱۴و۱۱/۱۴ ۲۸/۳۲، ۲۹/۳۱، ۲/۳۰، ۲/۲۹، ۱۱/۲۴ ۳/۳۸، ۱۶/۳۷، ۵/۳۵، ۱/۳۳ ۲۵/۴۶، ۴۷/۴۵، ۸/۴۲، ۱۰و۹و۴/۳۹ ۲۷-۱۷/۴۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۱۰/۸ ، ۱۷-۱۹و۱۳/۶ ، ۱۵و۱۴و۱۰و۹/۵ ۱۳و۹و۸/۱۴، ۲۱/۱۳ ، ۱۵/۱۲ ، ۱/۹ ۱۱-۸و۴و۳و۱/۲۰ ، ۱۰و۹و۵و۴/۱۷، ۳۳/۱۶ ۱۰-۸/۲۱ ، ۳۰و۲۹و۲۷و۲۶و۲۴-۲۱و۱۸و۱۴/۲۰ ۷و۲و۱/۲۳ ، ۱۳و۱۲و۹و۸و۶و۵/۲۲ ، ۱۳/۲۱ ۳و۱/۳۰ ، ۴-۱/۲۷ ، ۴و۱/۲۶،

۱۴و۴و۳/۲۴ ۳/۳۶ ۲/۳۶، ۳و۲/۳۵، ۳۴و۳۲/۳۲، ۳۰و۲۴/۳۱ ۳ ۶/۴۳، ۱۴-۹و۱/۴۰،۱/۴۱،۷/۴۲، ۱/۳۹ ۵۱و۴۸/۴۵، ۱۹و۱۶-۱۳و۸و۶/۴۴

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست بیش از آنچه بر کسی از آفریدگانت فرستادی. ۲۳/۶

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَنْجَبِينَ

پس بر محمّد و خاندانش که پاک، پاکیزه، نیکوکار و شریف ترین اند، درود فرست.۲۴/۶

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.۲۰/۱۳، ۷/۹، ۲۳/۶، ۸/۵ ۱۲/۳۱، ۶/۱۵، ۶/۱۴

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

ص : ۵۴۰

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱۶/۱۲

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً لَا انْقِطَاعَ لِأَبَدِهَا وَ لَا مُنْتَهَى لِأَمَدِهَا، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي وَ سَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِي

بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی پیوسته و فزاینده که روزگار آن سپری نشود و مدّتش به پایان نرسد و آن را کمکی برای من و وسیله روا شدن حاجتم قرار ده.۲۴/۱۳

فَأَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ...

پس از تو می خواهم به حقّ خودت و به حقّ محمّد و خاندانش – که درودهای تو بر ایشان باد – ...۲۵/۱۳

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۷/۱۴

إِلَهِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خدای من بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۱۷/۱۶

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.۱۹/۴۲، ۱۱/۲۲، ۷و۵/۲۰، ۷/۱۹

۱۶/۴۸ ،۴/۵۴

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ

خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست، همانند برترین درودی که پیش از او بر کسی از آفریدگانت فرستادی.۳۰/۲۰

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُكَ وَ بَرَكَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ

درودهایت بر او و رحمتت و برکاتت بر او و بر خاندانش باد.۴/۲۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه ما را به وسیله او شرافت دادی.۴/۲۴

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا أَوْجَبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه به سبب او برای ما حقّی بر خلق واجب نمودی.

۴/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندان او و نسل او درود فرست.۱۲/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ، مُشْرِفَةً فَوْقَ التَّحِيَّاتِ، صَلَاةً لَا يَنْتَهِي أَمَدُهَا، وَ لَا يَنْقَطِعُ عَدَدُهَا كَأَتَمِّ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست، درودی بالای همه درودها و مشرف بر همه تحیّت ها. درودی که مدّتش پایان نپذیرد و شماره اش قطع نگردد.

ص : ۵۴۱

مانند کامل ترین درودهایت که بر هر یک از اولیایت فرستاده شده.۱۸/۲۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، همچنانکه ما را به سبب او هدایت کردی.

۳۰/۳۱

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا اسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ يَوْمَ الْفَاقَهِ إِلَيْكَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، آنچنان که ما را به وسیله او نجات دادی و بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند.۳۰/۳۱

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ، صَلَاةً لَا يَنْقَطِعُ مَدَدُهَا، وَ لَا يُحْصَى عَدَدُهَا، صَلَاةً تَشْحَنُ الْهَوَاءَ، وَ تَمْلَأُ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند. درودی که پشتوانه اش قطع نشود و تعدادش به شمار درنیاید. درودی که هوا را آکنده سازد و آسمان و زمین را پر کند.

۳۴/۳۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، إِذَا ذُكِرَ الْأَبْرَارُ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست هنگامی که نیکوکاران یاد شوند.۳۴/۳۲

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْضَى، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

بَعْدَ الرِّضَا صَلَاةً لَا حَدَّ لَهَا وَ لَا مُنْتَهَى

درود خدا بر او تا اینکه خوشنود شود و درود خدا بر او و خاندانش، پس از خوشنود شدن. درودی که حدّ و نهایتی برایش نیست.۳۵/۳۲

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

درودهای تو بر او و خاندانش باد.۲/۴۲

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد – که درود خدا بر او و خاندانش باد – ، بدون تفصیل و شرح نازل کردی.۵/۴۲

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ الْخَطِیبِ بِهِ، وَ عَلَی آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ

پس بر محمّد که با آن سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست.۶/۴۲

صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ

درودهای تو بر او و بر خاندانش باد.

۱۸/۴۲

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا یَأْمُلُ مِنْ خَیْرِکَ وَ فَضْلِکَ وَ کَرَامَتِکَ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی.۲۱/۴۲

السَّلَامُ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

درود و رحمت و برکات فزاینده خداوند، بر

او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.

۲۲/۴۲

فَأَسْأَلُ اللَّهَ...أَنْ يُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از خدا درخواست می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد.۴/۴۳

صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

خدا بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.۷/۴۳

صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

درودهایت بر او و خاندانش باد.۹/۴۴

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱۲/۴۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، فِی کُلِّ وَقْتٍ وَ کُلِّ أَوَانٍ وَ عَلَی کُلِّ حَالٍ عَدَدَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی مَنْ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، در هر وقت و هر آن و بر هر حال. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده ای.۱۹/۴۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّنَا وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ، وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی أَنْبِیَائِکَ الْمُرْسَلِینَ، وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ، وَ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِکَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ، صَلَاةً تَبْلُغُنَا بَرَکَتُهَا، وَ یَنَالُنَا نَفْعُهَا، وَ یُسْتَجَابُ لَهَا دُعَاؤُنَا

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. همچنانکه بر فرشتگان مقرّبت درود

فرستادی. و بر او و بر خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی. و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی. و برتر از آن ای پروردگار جهانیان، درودی که برکت آن به ما رسد و سودش ما را دریابد و دعای ما به سبب آن مستجاب گردد.۵۶/۴۵

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُنْتَجَبِ الْمُصْطَفَی الْمُکَرَّمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد که برگزیده، اختیار شده، گرامی و مقرّب داشته شده اند، برترین درودهایت را

بفرست.۵۰/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةٌ أَزْكَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةٌ أَنْمَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةٌ فَوْقَهَا

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درود پیراسته ای که درودی پیراسته تر از آن نباشد. و بر او درود فرست، درود فراوانی کـه درودی فراوان تر از آن نباشـد. و بر او درود فرسـت، درود خوشـنودکننده ای کـه درودی بالاتر از آن نباشد.۵۱/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُرْضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيکَ و تَزِيدُ عَلَى رِضَاکَ لَهُ وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تَرْضَى لَهُ إِلَّا بِهَا، وَ لَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که خوشنودش سازد و بر خوشنودی اش بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که تو را خوشنود کند و بر خوشنودی ات برای او بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که برای او جز به آن راضی نشوی و جز او را سزاوار آن نبینی.۵۲/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَکَ، وَ یَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا بِبَقَائِکَ، وَ لَا یَنْفَدُ کَمَا لَا تَنْفَدُ کَلِمَاتُکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که از خوشنودی تو درگذرد و اتّصالش به بقای تو پیوند خورد و فانی نشود، همچنانکه کلمات تو فانی نمی شود.۵۳/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِکَتِکَ وَ أَنْبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ وَ أَهْلِ طَاعَتِکَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَی صَلَوَاتِ عِبَادِکَ مِنْ جِنِّکَ وَ إِنْسِکَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِکَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَی صَلَاةِ کُلِّ مَنْ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و فرمانبران تو را فراگیرد و درودهای بندگانت از جن و اِنست و اجابت کنندگان دعوتت را شامل شود و درود هر که آفریده ای و ایجاد نموده ای از انواع آفریدگانت را دربرگیرد.

۵۴/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُحِیطُ بِکُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ، وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ، صَلَاةً مَرْضِیَّةً لَکَ وَ لِمَنْ دُونَکَ، وَ تُنْشِئُ مَعَ ذَلِکَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْکَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَ تَزِیدُهَا عَلَی کُرُورِ الْأَیَّامِ زِیَادَةً فِی تَضَاعِیفَ لَا یَعُدُّهَا غَیْرُکَ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه ای را فراگیرد. و بر او و بر خاندانش درود فرست، درودی که نزد تو و غیر تو پسندیده باشد و با آن درودهای دیگر پدید آوری، که درودهای گذشته را با آن چندین برابر کنی و آن را با گذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چندین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند.۵۵/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحَلِکَ وَ کَرَامَتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامتت را برای ایشان بسیار سازی.۵۷/۴۷

صَلَوَاتُکَ اللَّهُمَّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد.

۶۲/۴۷و۶۳

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

و خداوند بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.۱۳۳/۴۷

فَأَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱/۴۸

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ... وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِینَ الْأَخْیَارِ صَلَاةً لَا یَقْوَی عَلَی إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمّد و بر خاندان محمّد که نیکوکارانِ پاکانِ برگزیده اند، درود فرستی. درودی که جز تو کسی بر شمردن آن توانایی نداشته باشد.۳/۴۸

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۴/۴۸

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا، پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.۶/۴۸

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۸/۴۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... کَصَلَوَاتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ وَ تَحِیَّاتِکَ عَلَی أَصْفِیَائِکَ إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ

خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. مانند درودها و برکت ها و تحیّت هایی که بر برگزیدگانت: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی.

۱۱/۴۸

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱۳/۴۸

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتَجِبْ لِی جَمِیعَ مَا سَأَلْتُکَ

بر محمّد و خاندانش درود فرست و همه آنچه را که از تو خواسته ام، برایم مستجاب فرما.

۲۸/۴۸

ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَا لَکَ، وَ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَلْفَ مَرَّهٍ

سپس دعا کن آنچه را برایت آشکار شد و بر محمّد و خاندانش هزار بار درود فرست.۲۸/۴۸

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱/۵۴

صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَی وَ عَلَی آلِهِ الطَّاهِرِینَ

درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است و بر خاندان پاکش باد.۹/۵۴

درود خدا، بر فرشتگان گوناگون

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ... وَ إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت و اسرافیل، صاحب صور، پس بر آنها درود فرست.۶و۲و۱/۳

ص : ۵۴۵

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ... وَ مِیکَائِیلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت و میکائیل که نزد تو دارای مقام والا است، پس بر آنها درود فرست.

۶و۳و۱/۳

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ... وَ جِبْرِیلُ الْأَمِینُ عَلَی وَحْیِکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت و جبرئیل که امین وحی توست، پس بر آنها درود فرست.

۶و۴و۱/۳

اللَّهُمَّ... وَ الرُّوحُ الَّذِی هُوَ عَلَی مَلَائِکَهِ الْحُجُبِ. وَ الرُّوحُ الَّذِی هُوَ مِنْ أَمْرِکَ، فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُکَّانِ سَمَاوَاتِکَ، وَ أَهْلِ الْأَمَانَهِ عَلَی رِسَالَاتِکَ

خداوندا و روح، همان که او بر فرشتگان حجاب ها گماشته شده، و روح، که از عالم امر تو می باشد، پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند، در آسمان هایت ساکنند و بر رساندن پیام هایت امانت دارند.

۶و۵و۱/۳

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت، پس بر آنها درود فرست. ۶و۱/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَهٌ مِنْ دُؤُوبٍ، وَ لَا إِعْیَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَ لَا فُتُورٌ، وَ لَا

تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِیحِکَ الشَّهَوَاتُ، وَ لَا یَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِیمِکَ سَهْوُ الْغَفَلَاتِ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از کوشش دائمی دلتنگ نمی شوند، و از خستگیِ زیاد، وامانده و سست نمی گردند، و خواهش های نفسانی، آنها را از تسبیح تو باز نمی دارد، و فراموشیِ غفلت ها، آنها را از تعظیم تو جدا نمی سازد.۷و۶/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِیما لَدَیْکَ، الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِکْرِ آلَائِکَ، وَ الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِکَ وَ جَلَالِ کِبْرِیَائِکَ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که به آنچه در نزد توست مشتاق بودنشان بسیار است و به ذکر نعمت های تو حریص می باشند، و در پیشگاه با عظمت، بزرگ و بلند توْ فروتنند.

۸و۶/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَهِ... الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

...پس بر آنها درود فرست، و نيز بر فرشتگانى كه چون دوزخ را مى نگرند كه بر گنهكاران شعله مى كشد، گويند: منزّهى تو، ما آنگونه كه شايسته پرستش تو بود، تو را پرستش نكرديم.۹و۶/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَهْلِ الزُّلْفَهِ عِنْدَكَ، وَ حُمَّالِ الْغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ، وَ الْمُوْتَمَنِينَ

عَلَی وَحْیِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که نزدت مقرّبند، و آنها که رسانندگان اخبار نهانی بر رسولانت می باشند و بر وحی تو امانت دارند.۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ، وَ أَغْنَیْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِیسِکَ، وَ أَسْکَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای و آنان را به ذکر تقدیس خود از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای، و در دل طبقه های آسمان هایت، سکونتشان داده ای.

۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ عَلَی أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَـمَامِ وَعْدِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود.۱۲و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ... خُزَّانِ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السَّحَابِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از

فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که خزانه داران باران و حرکت دهندگان ابرند.

۱۳و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ یُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِیفَهُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد.۱۴و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ... مُشَیِّعِی الثَّلْجِ وَ الْبَرَدِ، وَ الْهَابِطِینَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَ الْقُوَّامِ عَلَی خَزَائِنِ الرِّیَاحِ، وَ الْمُوَکَّلِینَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که همراهی کنندگان برف و تگرگ، و فرودآمدگان به همراه قطره های نازل شده باران، و زمامداران بر گنجینه بادها، و گمارده شدگان به کوه ها تا فرونپاشد، می

باشند.۱۵و۱۲و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِينَ عَرَّفْتَهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ، وَ كَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا

...پس درود فرست بر ايشان و بر روحانيّان از

ص : ۵۴۷

فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که وزن آب ها و پیمانه باران های شدید و رگبارهای متراکم را به آنان شناسانده ای.۱۶و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ رُسُلِکَ مِنَ الْمَلَائِکَهِ إِلَی أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَکْرُوهِ مَا یَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ وَ مَحْبُوبِ الرَّخَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، که بلای ناخوشایند و آسایش خوشایند به سوی اهل زمین می فرستی.

۱۷و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ السَّفَرَهِ الْکِرَامِ الْبَرَرَهِ، وَ الْحَفَظَهِ الْکِرَامِ الْکَاتِبِینَ، وَ مَلَکِ الْمَوْتِ وَ أَعْوَانِهِ، وَ مُنْکَرٍ وَ نَکِیرٍ، وَ رُومَانَ فَتَّانِ الْقُبُورِ، وَ الطَّائِفِینَ بِالْبَیْتِ الْمَعْمُورِ، وَ مَالِکٍ، وَ الْخَزَنَهِ، وَ رِضْوَانَ، وَ سَدَنَهِ الْجِنَانِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و سفیران بزرگوارِ نیکوکار و حافظان گرامی نویسنده (اعمال)، و فرشته مرگ و یارانش و بر منکر و نکیر و رومانْ آزمایش کننده (مردگان) قبرها و طواف کنندگان بیت المعمور و مالک و خزانه دار دوزخ و رضوان و کلیددار بهشت ها.

۱۸و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ

قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ لَا یَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَ یَفْعَلُونَ مَا یُؤْمَرُونَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنان که خدا را در آنچه به آنان امر کرده، سرپیچی نمی کنند و آنچه به آنان فرمان داده شده، انجام می دهند.

۱۹و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ یَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای.۲۰و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الزَّبَانِیَهِ الَّذِینَ إِذَا قِیلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِیمَ صَلُّوهُ. ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَ لَمْ یُنْظِرُوهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و آن پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند.۲۱و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ... سُكَّانِ الْهَوَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الْمَاءِ،

ص : ۵۴۸

وَ مَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که ساکنان هوا و زمین و آب اند و هر کدام از آنان که بر خلق مشغولند.۲۳و۲۰و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَ لَمْ نَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ، و بِأَيِّ أَمْرٍ وَكَّلْتَهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و جایگاهش را در پیشگاه تو و مأموریّتی را که به او سپرده ای، نمی دانیم.۲۲و۱۱و۱۰/۳

درود خدا بر فرشتگان، در روزی که با هر کس گواهیست

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ

...پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.

۲۴/۳

درود خدا بر فرشتگان و ویژگی این درود

صَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ وَ طَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ

بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر

کرامتشان و پاکی ای بر پاکیشان بیفزاید.۲۵/۳

درود بندگان، به فرشتگان و فرستادگان خدا

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست.۲۶/۳

درود خدا، بر پیروان اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و بر همسران و فرزندانشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَ عَلَى أَزْوَاجِهِمْ، وَ عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ، وَ عَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین و زنان و فرزندانشان و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود

فرست.۱۳/۴

ویژگی های درود خدا، بر تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً تَعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ تَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ، وَ تَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ، وَ تُعِينُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بِرٍّ

ص : ۵۴۹

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را از معصیت نگه داری و در باغ های بهشتت بر ایشان وسعت دهی، و آنان را از حیله شیطان بازداری، و بر خواسته های نیک آنانْ کمک رسانی.۱۴و۱۳/۴

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً... تَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ، وَ الطَّمَعِ فِيما عِنْدَكَ وَ تَرْكِ التُّهَمَةِ فِيما تَحْوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به تو و طمع در آنچه نزد تو است و ترک تهمت در آنچه که در دست بندگان است، برانگیزی.۱۵و۱۴و۱۳/۴

فرستادن درود و رحمت خدا، بر والدین

وَ اخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالِدَيَّ بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَ الصَّلَاةِ مِنْكَ

و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامتِ نزد خود و درود از جانب خود، اختصاص ده.۲/۲۴

درود فرستادن خدا، بر پیامبران و بندگان شایسته اش

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی. و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان

شایسته ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

درود فرشتگان، انبیا، رسولان، اهل طاعت و همه آفریدگان، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جِنِّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةِ كُلِّ مَنْ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و فرمانبران تو را فراگیرد و درودهای بندگانت از جن و اِنست و اجابت کنندگان دعوتت را شامل شود و درود هر که آفریده ای و ایجاد نموده ای از انواع آفریدگانت را دربرگیرد.۵۴/۴۷

درود خدا، بر دوستداران ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّاكِيَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای مبارک، پاک، فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست.

۶۴/۴۷

دروغ

دشمنان و تکذیب پیامبران

ص : ۵۵۰

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضَهِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پنهانیِ پیامبران از اهل زمین، در هنگامی که با تکذیب ستیزه جویان روبرو می شدند...۱/۴

اطمینان نمودن به دروغ های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ... مِنَ الثِّقَهِ بِأَمَانِيِّهِ

خداوندا ما از اطمینان به آرزوهای او به تو پناه می بریم.۱/۱۷

تکذیب دشنام دهنده

هَبْ لِی... تَکْذِیبًا لِمَنْ قَصَبَنِی

مرا تکذیبی بر آنکه دشنامم داد، ببخش.

۸/۲۰

دروغ گفتن شیطان، در وعده هایش

إِنْ وَعَدَنَا کَذَبَنَا، وَ إِنْ مَنَّانَا أَخْلَفَنَا

اگر ما را وعده دهد، به ما دروغ گوید. و اگر به ما نوید دهد، خلف وعده کند.۷/۲۵

نسبت دادن دروغگویی، به پیامبران

لَا یَنْقُصُ سُلْطَانَکَ مَنْ... کَذَّبَ رُسُلَکَ

کسی که پیامبرانت را دروغگو شمارد، از فرمانروایی ات نمی کاهد.۳/۵۲

درون

جای دادن فرشتگان، در اندرون طبقات آسمان

وَ أَسْکَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِکَ

و آنها را در دل طبقه های آسمان هایت، سکونت داده ای.۱۱/۳

آشکار بودن باطن اخبار، بر خداوند

یَا مَنْ تَظْهَرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ

ای کسی که اخبار پنهانی نزد او آشکار است.

۶/۵

جنین در اندرون مادر

...الَّتِی أَسْکَنْتَنِی جَوْفَهَا، وَ أَوْدَعْتَنِی قَرَارَ رَحِمِهَا

...همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی و مرا در قرارگاه رحم او سپردی.۲۴/۳۲

مانعی برای سلامتی ضمیر بندگان

وَ احْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّهِ ضَمَائِرِنَا

و با آن (قرآن)، خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار.۱۱/۴۲

درّه

افکندن خود، در درّه های نابودی

تَقَحَّمْتُ أَوْدِيَهَ الْهَلَاكِ، وَ حَلَلْتُ شِعَابَ تَلَفٍ

در وادی های هلاکت رفتم و به درّه های نابودی وارد شدم.۲/۴۹

عذاب الهی، در درّه های هلاکت

تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِکَ

در آنها، خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده، با عقوبت هایت روبرو شدم.۲/۴۹

درهم پیچیدگی

عامل گشاینده آنچه غفلت آن را درهم پیچیده

اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِمَا طَوَتِ الْغَفْلَهُ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الِاعْتِبَارِ نَاشِرًا

قرآن را برای اندیشه در پند گرفتن که فراموشی ما آن را درهم پیچیده، گشاینده گردان.

۱۰/۴۲

دریافت

اوقات فراغت و یافت شدن بنده، در گناه

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَهٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَهٌ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای،

پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد.۲/۱۱

دریافت خوشنودی خدا از بنده، در حال تندرستی

خُذْ لِنَفْسِکَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي فِي عَافِيَهٍ

رضای خود را از من در حال عافیت دریافت نما. ۱/۲۲

دریافتن لذّت بهشت و اندوه دوزخ

وَ ارْزُقْنِي خَوْفَ غَمِّ الْوَعِيدِ، وَ شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّى أَجِدَ لَذَّهَ مَا أَدْعُوکَ لَهُ، وَ كَأْبَهَ مَا أَسْتَجِيرُ بِکَ مِنْهُ

و ترسِ انـدوهِ وعـده ها(ی عذاب) و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را روزی ام فرما. تا لذّت آنچه را که تو را برای آن می خوانم و اندوه آنچه را که از آن به تو پناه می آورم، دریابم.

۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ، وَ شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّى نَجِدَ لَذَّةَ مَا نَدْعُوكَ بِهِ، وَ كَأْبَةَ مَا نَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ

خداونـدا ترسِ کیفرِ هشـدارداده شـده و شوقِ پاداشِ وعـده داده شـده را روزی ما گردان. تا خوشـی آنچه از تو می خواهیم و اندوه آنچه از آن به تو پناه می بریم، دریابیم.۵۳/۴۵

دریافت آرامش دل

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ... حَتَّى أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِینَهَ النَّفْسِ مِنِّی بِمَا یَجِبُ لَکَ فِیما یَحْدُثُ فِی حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ

و هنگامی که در شکرت کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.۱۱/۲۲

ادراک حقّ پدر و مادر

لَا أُدْرِکُ مَا یَجِبُ عَلَیَّ لَهُمَا

آنچه برای ایشان بر من واجب است را درنمی یابم.۱۱/۲۴

عدم ادراک آنچه خدا از بندگان پوشانده

أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ... عَلَى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِکْهُ أَبْصَارُهُمْ

تویی آنکه ایشان را راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی، دیدگانشان آن را درنمی یافت.۱۴/۴۵

دریافتن خیر و نیکیِ خواسته شده

فَأْجُرْنَا عَلَى مَا أَصَابَنَا فِیهِ مِنَ التَّفْرِیطِ أَجْرًا نَسْتَدْرِکُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِیهِ

پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما رسیده، پاداش ده. پاداشی که با آن فضل

درخواست شده را دریابیم.۴۵/۴۵

دیده ها و درک نکردن جای خداوند

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ تُدْرِکِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَیْنِیَّتِکَ

تویی آنکه دیده ها جا و مکان تو را درنیافتند.

۱۸/۴۷

طلبیدن خدا و دریافتن او

فَمَنِ التَمَسَکَ لِدِینٍ أَوْ دُنْیَا وَجَدَکَ

پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می یابد.۲۵/۴۷

ادراک امور، به مدد الهی

وَ لَا تَشْغَلْنِی بِمَا لَا أُدْرِکُهُ إِلَّا بِکَ عَمَّا لَا یُرْضِیکَ عَنِّی غَیْرُهُ

و مرا به چیزی که آن را درنمی یابم، مگر به (کمک) تو، مشغول منما، تا از چیزی که جز آن تو را از من خوشنود نمی کند، باز مانم.۱۰۸/۴۷

خدا، دریابنده بنده گریزپای

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... مُدْرِکِی إِنْ أَنَا فَرَرْتُ

خداوندا، همانا تو یابنده منی، اگر فرار کنم.

۴/۵۰

دژ قلعه

دست

تابعین، و ترک تهمت بر آنچه در دست

ص : ۵۵۳

بندگان است

صَلَاةً... تَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَى... تَرْكِ التُّهَمَةِ فِيما تَحْوِيهِ أَيْدِی الْعِبَادِ

درودی که به سبب آن ایشان را بر ترک تهمت در آنچه که در دست بندگان است، برانگیزی.

۱۵و۱۴/۴

برتری دست خدا، در بخشش ها

أَنَّ يَدَكَ بِالْعَطَايَا أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ

همانا دستِ عطای تو از هر دستی بالاتر است.

۱۹/۱۳

روان ساختن نیکی به دست بنده، برای مردم

أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِيَ الْخَيْرَ

نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز.

۳/۲۰

قرار دادن دستی برای بنده، در مقابل ستمگر

اجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِی

برایم بر آنکه به من ستم کرد، دستی قرار ده.

۸/۲۰

به دست خدا بودنِ همه امور

بِيَدِكَ، يَا إِلَهِی جَمِيعُ ذَلِكَ السَّبَبِ، وَ إِلَيْكَ الْمَفَرُّ وَ

الْمَهْرَبُ

ای خدای من، همه این سبب ها به دست توست و مفر و گریز به سوی توست.۴/۲۱

به دست خدا بودنِ موی پیشانی بنده

نَاصِيَتِي بِيَدِكَ

موی پیشانی (و اختیار)م به دست توست.

۵/۲۱

نگذاشتن دستی (نعمت و احسانی) برای گنهکار و کافر

لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً، وَ لَا لَهُ عِنْدِي يَدًا

برای بدکار و کافر، بر من منّت و برای او نزد من دستی (نعمتی)، قرار نده.۱۲/۲۱

گشودن دست بنده، به توانگری خدا

بِسَعَتِكَ، فَابْسُطْ يَدِي

به توانگری ات گشاده دستم گردان.۴/۲۲

فراوانی روزی فرزندان، به دست والدین

أَدْرِرْ لِي وَ عَلَى يَدِي أَرْزَاقَهُمْ

برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما. ۲/۲۵

بازداشتن دستان دشمن، از گشوده شدن

وَ اقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ

و دست هایشان را از گشودن بازدار.۵/۲۷

دست های گناهان

هَذَا مَقَامُ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِى الذُّنُوبِ

این مقام کسی است که بازیچه دست های گناهان گردیده.۶/۳۱

دست مهالک و تباهی ها

لا تَنَالُ أَيْدِى الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَهِ عِصْمَتِهِ

هر که به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد.۳/۴۲

دراز نکردن دست ها، به سوی حرام

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ... حَتَّى لَا نَبْسُطَ أَيْدِيَنَا إِلَى مَحْظُورٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا دست هایمان را به سوی هیچ ممنوعی دراز نکنیم.۷و۶/۴۴

گشوده بودن دست خدا، به نیکی ها

بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ

دستت را به نیکی ها گشوده ای.۲۵/۴۷

گشودن دست ولیّ خدا، بر دشمنان

ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ

دستش را بر دشمنانت بگستر.۶۳/۴۷

گرفتن دست بنده

وَ لَا تَرْمِ بِى رَمْىَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ... بَلْ خُذْ بِيَدِى مِنْ سَقْطَهِ الْمُتَرَدِّينَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از سقوط پرت شدگان، دستم را بگیر (نجاتم ده).۱۰۴/۴۷

پر ساختن دست بنده، از سودهای الهی

امْلَأْ مِنْ فَوَائِدِكَ يَدِی

دستم را از سودهای خود پر نما.۱۲۸/۴۷

واقع شدن اموری، به دست گروهی از بندگان

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِی... مِمَّنْ یَجْرِی ذَلِکَ بِهِ وَ عَلَی یَدَیْهِ

خداوندا و مرا از کسانی که آن (توحید و ایمان) به وسیله و به دست آنان اجرا می گردد، قرار ده.۱۲/۴۸

دست بنده و موی جلوی سرِ او

هَذِهِ یَدِی وَ نَاصِیَتِی، أَسْتَکِینُ بِالْقَوَدِ مِنْ نَفْسِی

این دست من و موی جلوی سرم است. برای قصاص خویش، فروتن می شوم.۴/۵۳

دستاویز سبب

آویختن یاران پیامبر صلی الله علیه و آله ، به دستاویز او (دین)

الَّذِينَ هَجَرَتْهُمْ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ

آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله هایشان از آنها دوری نمودند.۶/۴

آویختن به دستاویز عصمت قرآن

جَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًى... لا تَنَالُ أَيْدِى الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَهِ عِصْمَتِهِ

آن را نور هدایتی قرار دادی که هر کس به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد.۳/۴۲

نزدیک ساختن دستاویز پیامبر صلی الله علیه و آله ، به خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ قَرِّبْ وَسِيلَتَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و دستاویزش را نزدیک نما.۱۹/۴۲

امامان علیهم السلام ، دستاویز چنگ زنندگان

فَهُوَ... عُرْوَهُ الْمُتَمَسِّكِينَ

پس او دستاویز چنگ زنندگان است.۶۰/۴۷

چنگ زدن دوستان ائمه علیهم السلام ، به دستاویز ایشان (دین)

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که چنگ زنندگان به دستاویز ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

دستور احکام، اذن و نیز فرمان

دسته گروه

دست یابی رسیدن

دشمنی ستیزه جویی

کشتگان شمشیرهای دشمنان خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... نَصِيرُ بِهِ فِى نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم.

۳۰و ۲۷/۱

علّت دشمنی پیامبر صلی الله علیه و آله ، با نزدیک ترین (اشخاص)

عَادَی فِیکَ الْأَقْرَبِینَ

به خاطر تو با نزدیک ترین (اشخاص)، دشمنی نمود.۱۲/۲

دشمنان خدا

...اسْتَتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِی أَعْدَائِکَ

آنچه (محمّد) درباره دشمنانت می خواست، برایش به دست آمد.۱۷/۲

شماتت دشمنان

نَعُوذُ بِکَ مِنْ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ

پناه می بریم به تو از سرزنش دشمنان.۸/۸

أَعِذْنِی مِنْ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ

مرا از سرزنش دشمنان پناه ده.۱۱۹/۴۷

پرسش بنده از همراهی دشمنی خدا با او، در هنگام دعا کردنش

...أَمْ لَزِمَنِی فِی وَقْتِ دُعَایَ مَقْتُکَ؟

...آیا هنگامی که تو را می خوانم، دشمنی ات مرا لازم گشته است؟۶/۱۲

ناتوان گرداندن دشمن بنده

اجْعَلْ لَهُ... عَجْزًا عَمَّا یُنَاوِیهِ

او را در برابر آنکه با او دشمنی می کند ناتوان ساز.۶/۱۴

آنچه بنده درباره دشمن خود، از خدا می خواهد

خُذْ ظَالِمِی وَ عَدُوِّی عَنْ ظُلْمِی بِقُوَّتِکَ، وَ افْلُلْ حَدَّهُ عَنِّی بِقُدْرَتِکَ، وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِیما یَلِیهِ، وَ عَجْزًا عَمَّا یُنَاوِیهِ... وَ لَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِی، وَ أَحْسِنْ عَلَیْهِ عَوْنِی، وَ اعْصِمْنِی مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ، وَ لَا تَجْعَلْنِی فِی مِثْلِ حَالِهِ

ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار. و با توانایی خود برّندگی اش را از من بردار. و او را به آنچه درخورش است مشغول دار. و او را در برابر آنکه با او دشمنی می کند ناتوان ساز. و ستم کردن او را بر من آسان نگردان و مرا در مخالفت با او به خوبی

یاری فرما و مرا از انجام مانند کارهای او بازدار و در مانند حال او قرار نده.۷و۶/۱۴

اللَّهُمَّ... أَعْدِنِی عَلَیْهِ عَدْوَی حَاضِرَهً، تَکُونُ مِنْ غَیْظِی بِهِ شِفَاءً، وَ مِنْ حَنَقِی عَلَیْهِ وَفَاءً

خداوندا مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد و کینه ام را بر او کامل نماید.۸/۱۴

اللَّهُمَّ... عَوِّضْنِی مِنْ ظُلْمِهِ لِی عَفْوَکَ، وَ أَبْدِلْنِی بِسُوءِ صَنِیعِهِ بِی رَحْمَتَکَ

خداوندا در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش و به جای بدرفتاری اش، رحمتت را به من عطا کن.۹/۱۴

روز رستاخیز و جای گرد آمدن دشمنان

اللَّهُمَّ وَ إِنْ کَانَتِ الْخِیَرَهُ لِی عِنْدَکَ فِی... تَرْکِ الِانْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِی إِلَی یَوْمِ الْفَصْلِ وَ مَجْمَعِ الْخَصْمِ... أَیِّدْنِی مِنْکَ بِنِیَّهٍ صَادِقَهٍ وَ

صَبْرٍ دَائِمٍ

خداونـدا و اگر خیر من نزد تو در به کیفر نرسـیدن سـتمگرم تا روز رسـتاخیر و محل جمع شـدن دشـمنان می باشد، پس مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.۱۴/۱۴

کیفری آماده شده، برای دشمن

وَ صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا... أَعْدَدْتَ لِخَصْمِی مِنْ جَزَائِکَ وَ عِقَابِکَ

و نمونه مجازات و کیفری که برای دشمنم

ص : ۵۵۷

آماده کردی، در دلم بگذار.۱۵/۱۴

مشغول ساختن شیطان به دشمنان خدا

وَ اشْغَلْهُ عَنَّا بِبَعْضِ أَعْدَائِکَ

و او را به جای ما به برخی دشمنانت سرگرم نما.۴/۱۷

کمکْ خواستن از خدا، بر دشمنی با شیطان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِکَ عَلَیْهِ فِی مَعْرِفَهِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضدّ او اقدام کند، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

دشمنی نمودن با شیطان، از روی حقیقت

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... عَادَاهُ لَکَ بِحَقِیقَهِ الْعُبُودِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به سبب حقیقتِ بندگی تو، با او دشمنی کرد، اجابت فرما.۱۱/۱۷

امر کردن پیروان، به دشمنی با شیطان

نَأْمُرُ بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا

هر که فرمان ما را پیروی کند، به دشمنی او فرمان دهیم.۱۴/۱۷

بندگان، در زمره دشمنان شیطان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ أَعْدَائِهِ

خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده.

۱۴/۱۷

مبدّل نمودن دشمنی دشمنان و نزدیکان، به دوستی

أَبْدِلْنِی مِنْ بِغْضَهِ أَهْلِ الشَّنَآنِ الْمحَبَّهَ... وَ مِنْ عَدَاوَهِ الْأَدْنَیْنَ الْوَلَایَهَ

درباره من کینه توزی دشمنان را به محبّت، و دشمنی نزدیکان را به دوستی مبدّل فرما.۷/۲۰

عاقبت اندیشی نسبت به دشمن خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ فِی رُوعِی... تَدْبِیرًا عَلَی عَدُوِّکَ

خداوندا به جای آنچه شیطان در دل من می افکند، تدبیر علیه دشمنت را قرار ده.

۱۳/۲۰

بر گزیدن رضای خدا در حقّ دشمنان، بر غیر رضای او

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الـدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ، عَامِلًا بِطَاعَتِکَ، مُؤْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و

آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته، عامل به طاعتت باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم.۱۳/۲۲

سبب آسودگی دشمن، از ستم بنده

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ، عَامِلًا بِطَاعَتِکَ، مُؤْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ، حَتَّی یَأْمَنَ عَدُوِّی مِنْ ظُلْمِی وَ جَوْرِی

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته، عامل به طاعتت باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم. تا دشمنم از ظلم و ستم من ایمن باشد.۱۳/۲۲

ایمن فرمودن بنده، از دشمن

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُؤْمِنَنِی مِنْ جَمِیعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ وَ غَمْزِهِ وَ هَمْزِهِ وَ لَمْزِهِ وَ حَسَدِهِ وَ عَدَاوَتِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من

منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی و طعنه و بدگویی و عیب جویی و حسد و دشمنی اش ایمن سازی.۸و۷/۲۳

ستیزه جویی فرزندان بنده، با دشمنان خدا

وَ اجْعَلْهُمْ... لِجَمِیعِ أَعْدَائِکَ مُعَانِدِینَ وَ مُبْغِضِینَ

و آنان (فرزندانم) را ستیزه جو و کینه توز همه دشمنانت قرار ده.۳/۲۵

شیطان، دشمنی مکرکننده برای بندگان

جَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا یَکِیدُنَا، سَلَّطْتَهُ مِنَّا عَلَی مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَیْهِ مِنْهُ، أَسْکَنْتَهُ صُدُورَنَا، وَ أَجْرَیْتَهُ مَجَارِیَ دِمَائِنَا

برای ما دشمنی قرار دادی که به ما نیرنگ می زند. او را بر ما تسلّط دادی، و ما را بر او تسلّطی نیست. او را در سینه های ما جا دادی و در رگ های خونمان روان نمودی.۶/۲۵

إِلَّا تَصْرِفْ عَنَّا کَیْدَهُ یُضِلَّنَا، وَ إِلَّا تَقِنَا خَبَالَهُ یَسْتَزِلَّنَا

اگر فریب او را از ما بازنداری، گمراهمان کند و اگر ما را از تبهکاری اش نگه نداری، به لغزشمان اندازد.۷/۲۵

درخواست بندگان از خدا، درباره دشمن خود (شیطان)

ص : ۵۵۹

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِکَ حَتَّی تَحْبِسَهُ عَنَّا بِکَثْرَهِ الدُّعَاءِ لَکَ فَنُصْبِحَ مِنْ کَیْدِهِ فِی الْمَعْصُومِینَ بِکَ

خداونـدا با سـلطه خود، تسلّط او را از ما دور کن، تا اینکه با دعای زیاد ما، او را از ما بازداری. پس به وسـیله تو از نیرنگ او، در زمره بازداشته شدگان (از گناه) درآییم.۸/۲۵

مخالفت با دشمنان ائمه علیهم السلام

تَوَلَّنِی فِی جِیرَانِی وَ مَوَالِیَّ الْعَارِفِینَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِذِینَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَایَتِکَ

مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما.۱/۲۶

درخواست بنده، در هنگام روبرو شدن مرزداران با دشمن

أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِکْرَ دُنْیَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ...

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر.۴/۲۷

درخواست بنده، برای دشمنان مرزداران اسلام

اللَّهُمَّ افْلُلْ بِذَلِکَ عَدُوَّهُمْ، وَ اقْلِمْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ، وَ فَرِّقْ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ أَسْلِحَتِهِمْ، وَ اخْلَعْ وَثَائِقَ أَفْئِدَتِهِمْ، وَ بَاعِدْ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ أَزْوِدَتِهِمْ، وَ حَیِّرْهُمْ فِی سُبُلِهِمْ، وَ ضَلِّلْهُمْ

عَنْ وَجْهِهِمْ، وَ اقْطَعْ عَنْهُمُ الْمَدَدَ، وَ انْقُصْ مِنْهُمُ الْعَدَدَ، وَ امْلَأْ أَفْئِدَتَهُمُ الرُّعْبَ، وَ اقْبِضْ أَیْدِیَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ، وَ اخْزِمْ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ، وَ شَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ وَ نَکِّلْ بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ، وَ اقْطَعْ بِخِزْیِهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ بَعْدَهُمْ. اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ، وَ یَبِّسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ، وَ اقْطَعْ نَسْلَ دَوَابِّهِمْ وَ أَنْعَامِهِمْ، لَا تَأْذَنْ لِسَمَائِهِمْ فِی قَطْرٍ، وَ لَا لِأَرْضِهِمْ فِی نَبَاتٍ

خداوندا بدین وسیله، دشمنانشان را درهم شکن و چنگالشان را از آنان جدا کن و میان آنان و سلاح هایشان جدایی انداز و رگ هـای دلشـان را بکـن و میـان آنهـا و زاد و تـوشه اشـان جـدایی انـداز و در راه هایشـان سـرگردانشان سـاز و از هـدفشان گمراهشـان نمـا و کمک رسانی را از ایشان قطع کن و از تعـدادشان بکاه و دل هایشان را از ترس پر ساز و دست هایشان را از گشودن بازدار و زبان هایشان را از گفتن ببند و با (شکست) ایشان، پشت سری هایشان را پراکنده ساز و آنان را برای کسانی که در پس ایشانند، عبرت گردان و با خواری آنان طمع آیندگانشان را قطع نما. خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان و صلب مردانشان را خشک نما و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن و آسـمانشان را در باریدن و زمینشان را در روییدن، اذن نده.۶و۵/۲۷

درخواست (کشته و اسیر گشتن) دشمنان خدا

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند.۹/۲۷

اندک نمودن دشمن، پیش چشم مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّکَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِی عَیْنِهِ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما.۱۵/۲۷

غلبه دشمن خدا (شیطان)، بر بنده

قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَیَّ عَدُوُّکَ...

دشمن تو، بر من چیره شده است.۱۲/۳۲

مهلت خواستن دشمن خدا، از خدا

وَ قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَیَّ عَدُوُّکَ الَّذِی اسْتَنْظَرَکَ لِغَوَایَتِی فَأَنْظَرْتَهُ، وَ اسْتَمْهَلَکَ إِلَی یَوْمِ الدِّینِ لِإِضْلَالِی فَأَمْهَلْتَهُ

و دشمن تو که برای بیراهه بردن من از تو فرصت خواست، پس فرصتش دادی، و برای گمراه کردنم از تو - تا روز جزا - مهلت طلبید، پس مهلتش دادی، بر من چیره شده است.

۱۲/۳۲

چگونگی برخورد دشمن خدا (شیطان)، با بنده

فَتَلَ عَنِّی عِذَارَ غَدْرِهِ، وَ تَلَقَّانِی بِکَلِمَهِ کُفْرِهِ

پس عنان حیله اش را از من برگرداند و با گفتار کفرش با من روبرو شد.۱۳/۳۲

آشتی بنده، با دشمنی کننده با او

وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا

ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم.۱۰/۴۴

علّت آشتی نکردن با دشمن

وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَی مَنْ عُودِیَ فِیکَ وَ لَکَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِی لَا نُوَالِیهِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی شده. که او دشمنی است که با او دوستی نمی کنیم.۱۰/۴۴

شیطان، دشمن خدا

جَنِّبْنَا... الِانْخِدَاعَ لِعَدُوِّکَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ

ما را از فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان.۱۳/۴۴

بردباری خدا، در مقابل دشمنش

حِلْمُکَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاکَ

حلمت به کسی که با تو دشمنی نموده، پرداخته است.۱۶/۴۶

گشودن دست ولیّ خدا، بر دشمنان

ابْسُطْ یَدَهُ عَلَی أَعْدَائِکَ

دستش را بر دشمنانت بگستر.

۶۳/۴۷

دشمنی با دشمنان خدا

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... أَرْشَدْتَهُ لِمُوَالَاهِ أَوْلِیَائِکَ، وَ مُعَادَاهِ أَعْدَائِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دوستی با دوستانت و دشمنی با دشمنانت راهنمایی اش نمودی.۶۷/۴۷

یاری شدن به ارتکاب نهی الهی، از جانب دشمن خدا

أَعَانَهُ عَلَی ذَلِکَ عَدُوُّکَ وَ عَدُوُّهُ

دشمن تو و دشمن او (شیطان)، او را بر آن یاری کرد.۶۸/۴۷

نافرمانی بنده، و دشمنی نداشتن با خدا

نَهَیْتَهُ عَنْ مَعْصِیَتِکَ، فَخَالَفَ أَمْرَکَ إِلَی نَهْیِکَ، لَا مُعَانَدَهً لَکَ

او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت. نه از روی عناد با تو.۶۸/۴۷

آنکه خدا دشمنی اش را با دشمنی خویش مرتبط نموده

بِحَقِّ... مَنْ نُطْتَ مُعَادَاتَهُ بِمُعَادَاتِکَ، تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ کسی که دشمنی اش را به دشمنی خویش مرتبط نموده ای، در این روز، مرا بپوشان،

با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.

۸۶/۴۷

طلبیدن دشمنی خدا

وَ لَا تُهْلِکْنِی مَعَ مَنْ تُهْلِکُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِینَ لِمَقْتِکَ

و مرا همراه هلاک شوندگانی که دشمنی تو را می طلبند، هلاک نگردان.۹۶/۴۷

دشمن گمراه سازنده

حُلْ بَیْنِی وَ بَیْنَ عَدُوٍّ یُضِلُّنِی

میان من و دشمنی که مرا گمراه می کند، جدایی انداز.۹۹/۴۷

لعنت خدا بر دشمنان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ، وَ مَنْ رَضِیَ بِفِعَالِهِمْ وَ أَشْیَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ

خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان و هر که را به کردارشان خوشنود می شود و دوستان و پیروانشان را لعنت کن.۱۰/۴۸

شاد نکردن دشمن و مسلّط نساختنش، بر بنده

لَا تُشْمِتْ بِی عَدُوِّی، وَ لَا تُمَکِّنْهُ مِنْ عُنُقِی، وَ لَا تُسَلِّطْهُ عَلَیَّ

دشمنم را بر من شاد نگردان و او را بر من توانا نساز و او را بر من مسلّط نگردان.۱۴/۴۸

ص : ۵۶۲

اَعمال دشمن

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَی عَلَیَّ سَیْفَ عَدَاوَتِهِ، وَ شَحَذَ لِی ظُبَهَ مُدْیَتِهِ، وَ أَرْهَفَ لِی شَبَا حَدِّهِ، وَ دَافَ لِی قَوَاتِلَ سُمُومِهِ، وَ سَدَّدَ نَحْوِی صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَ لَمْ تَنَمْ عَنِّی عَیْنُ حِرَاسَتِهِ، وَ أَضْمَرَ أَنْ یَسُومَنِی الْمَکْرُوهَ، وَ یُجَرِّعَنِی زُعَاقَ مَرَارَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی اش را بر روی من کشید، و لبه تیغش را برای من تیز نمود و طرف تیز آن را برایم نازک کرد و آن را برای من با زهرهای کشنده اش درهم آمیخت و تیرهای هدف گیری خود را، به سوی من نشانه گرفت و چشم نگهبانی اش از من نخفت و در دل قصدِ آسیب رساندن به من داشت و آب بسیار تلخِ زهرآگین را جرعه جرعه به من نوشاند.۴/۴۹

خدا، بینا به بسیاری دشمنان

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی... وَحْدَتِی فِی کَثِیرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِی

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیانِ) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده، مشاهده کردی.۵/۴۹

ظفر یافتن بر دشمن، به مدد الهی

فَابْتَدَأْتَنِی بِنَصْرِکَ... ثُمَّ فَلَلْتَ لِی حَدَّهُ، وَ صَیَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِیدٍ وَحْدَهُ، وَ أَعْلَیْتَ کَعْبِی عَلَیْهِ

پس به یاری کردنم آغاز نمودی. سپس تیزی (تیغ) او را برای من شکستی و پس از آنکه در

گروهی بسیار بود، او را تنها گذاشتی و مرا بر او پیروز نمودی.۶/۴۹

بازستاندن چیزهای گرفته شده از بنده، توسّط دشمن

أَنْتَ الَّذِی... أَخَذْتَ لِی مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظُلَامَتِی

تویی که داد مرا از دشمنانم گرفتی.۴/۵۱

آنچه خدا دشمنانش را به آن بیم داده

أَشْکُو إِلَیْکَ یَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی عَنِ... الْمُـجَانَبِهِ عَمَّا حَذَّرْتَهُ أَعْدَاءَکَ

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در دوری نمودن از آنچه دشمنانت را به آن بیم داده ای، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

دشنام

تکذیب دشنام دهنده

هَبْ لِی... تَکْذِیبًا لِمَنْ قَصَبَنِی

مرا تکذیبی بر آنکه دشنامم داد، ببخش.

۸/۲۰

تبدیل دشنامگویی بنده، به حمد الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمِ عِرْضٍ... وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِکَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت یا دشنام یا

ص : ۵۶۳

آبروریزی و مانند اینها، سپاس برای خودت را قرار ده. ۱۳/۲۰

دشواری سختی

دعا اجابت و نیز مناجات

خواندن خدا، در دشواری ها

أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ

تویی خوانده شده برای دشواری ها.۴/۷

مهربانی خدا، با هر که بخواندش

إِنَّکَ رَحِیمٌ بِمَنْ دَعَاکَ

به درستی که تو به هر که تو را خوانَد، مهربانی.۵/۱۱

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی، رَاحِمٌ مَنْ دَعَاکَ فَأُبْلِغَ فِی الدُّعَاءِ

ای خدای من آیا تو بر کسی که تو را بخواند رحم کننده ای تا من هر چه بیشتر در دعا بکوشم؟

۱۵/۱۶

بنده معترف به گناه و دعای او

هَلْ یُنْجِینِی مِنْکَ اعْتِرَافِی لَکَ بِقَبِیحِ مَا ارْتَکَبْتُ؟... أَمْ لَزِمَنِی فِی وَقْتِ دُعَایَ مَقْتُکَ؟

آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه (گناهی که) مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟ یا هنگامی که تو را می خوانم، دشمنی ات مرا لازم گشته است؟۶/۱۲

خواندن خدا، با اسمایش

یَدْعُوکَ بِیَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ...

تو را صدا می زند: ای مهربان ترین مهربانان...

۹/۱۲

به رنج نیفتادن خدا، از دعای دعاکنندگان

یَا مَنْ لَا یُعَنِّیهِ دُعَاءُ الدَّاعِینَ

ای آنکه دعای نیایشگران او را خسته نمی کند.۱۰/۱۳

درخواست اجابت دعا، از خدا

کُنْ لِدُعَائِی مُجِیبًا

درخواستم را اجابت کن.۲۱/۱۳

اسْتَجِبْ دُعَائِی

دعایم را مستجاب کن.۲۵/۴۶

بازنگرداندن دعای بنده، از درگاه خدا

لَا تَبُتَّ سَبَبِی مِنْکَ

رشته ارتباط مرا از خود قطع نگردان.

۲۲/۱۳

لَا تَرُدَّ دُعَائِی عَلَیَّ رَدًّا

دعایم را به خودم بازنگردان.۲۲/۲۰

لَا تَحْجُبْ دُعَائِی عَنْکَ وَ قَدْ أَمَرْتَنِی بِهِ

دعایم را از خود بازندار، که خود مرا به آن امر فرموده ای.۹/۲۵

پیوند دادن دعای بنده، به اجابت

صِلْ دُعَائِی بِالْإِجَابَهِ

درخواست مرا به روا شدن متّصل گردان.

۱۱/۱۴

فرمان خدا، به دعا

أَنَا یَا إِلَهِی عَبْدُکَ الَّذِی أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ

من – ای خدای من – بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی.۱۳/۱۶

لَا تَحْجُبْ دُعَائِی عَنْکَ وَ قَدْ أَمَرْتَنِی بِهِ

دعایم را از خود بازندار، که خود مرا به آن امر فرموده ای.۹/۲۵

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُکَ مُطِیعًا لِأَمْرِکَ فِیما أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ، مُتَنَجِّزًا وَعْدَکَ فِیما وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَهِ، إِذْ تَقُولُ: ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ

خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده ام، در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده ای، اطاعت کرده ام و وفا به وعده ای را که پیرامون اجابت داده ای، خواستارم. زیرا که می فرمایی: «مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.»

۱۱/۳۱

ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ

مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.۱۵/۴۵

وَ دَعَوْکَ بِأَمْرِکَ

و به فرمانت، تو را خواندند.۱۶/۴۵

نخواندن مانندی با خدا

لَا أَدْعُو مَعَکَ نِدًّا

با تو همانندی را نمی خوانم.۲۲/۲۰

دریافت لذّت آنچه بنده، خدا را برای آن می خواند

وَ ارْزُقْنِی خَوْفَ غَمِّ الْوَعِیدِ، وَ شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّی أَجِدَ لَذَّهَ مَا أَدْعُوکَ لَهُ

و ترسِ انـدوهِ وعـده ها(ی عذاب) و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را روزی ام فرما. تا لذّت آنچه را که تو را برای آن می خوانم، دریابم.

۹/۲۲

خواندن خدا، با اخلاص

وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ یَدْعُوکَ مُخْلِصًا فِی الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُـخْلِصِینَ الْمُضْطَرِّینَ لَکَ فِی الدُّعَاءِ

و مرا از کسانی قرار ده که هنگام رفاه تو را خالصانه می خوانند. خواندن خالصانِ بیچاره، در نیایش برای تو.۱۴/۲۲

دعا در حقّ والدین

وَ اغْفِرْ لِی بِدُعَائِی لَهُمَا

و مرا به (برکت) دعایم برای آنان، بیامرز.

۱۴/۲۴

دعا، سبب بازداشتن شیطان از بندگان

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِکَ حَتَّی تَحْبِسَهُ عَنَّا

ص : ۵۶۵

بِكَثْرَهِ الدُّعَاءِ لَکَ

خداوندا با سلطه خود، تسلّط او را از ما دور کن، تا اینکه با دعای زیاد ما، او را از ما بازداری.

۸/۲۵

دعا به جنگجو یا مرزدار مسلمان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ أَتْبَعَهُ فِی وَجْهِهِ دَعْوَهً... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداونـدا و هر مسـلمانی که جنگجویی یـا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشـین شـد، یا او را با دعا در جهتی که به آن رو آورد همراهی نمود، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

اختصاص داشتن خدا، به دعای بنده

أَنْتَ الْمَـخْصُوصُ قَبْلَ کُلِّ مَدْعُوٍّ بِدَعْوَتِی

تویی مخصوص به خواندن من، پیش از آنکه کسی را بخوانم.۹/۲۸

برابر نبودن کسی در دعای بنده، با خدا

لَا یَتَّفِقُ أَحَدٌ مَعَکَ فِی دُعَائِی

در دعایم، کسی با تو برابر نیست.۹/۲۸

خواندن خدا و اجابت گشتن

ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ

مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.

۱۵/۴۵، ۱۱/۳۱

نزدیک تر بودن اجابت دعای غیر، در حقّ بنده

فَیَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَهٍ هِیَ أَسْمَعُ لَدَیْکَ مِنْ دُعَائِی

پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شنیدنی تر است.۲۷/۳۱

دعای بنده و رحمت الهی

عَوِّضْنِی مِنْ عَفْوِی عَنْهُمْ عَفْوَکَ، وَ مِنْ دُعَائِی لَهُمْ رَحْمَتَکَ

به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده. ۳/۳۹

عبادت نامیده شدن دعا

فَسَمَّیْتَ دُعَاءَکَ عِبَادَةً

پس دعا کردن را عبادت نامیدی.۱۵/۴۵

سبب اجابت دعای بندگان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّنَا وَ آلِهِ... صَلَاةً... یُسْتَجَابُ لَهَا دُعَاوءُنَا

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. درودی که دعای ما به سبب آن مستجاب گردد.۵۶/۴۵

شریک گرداندن بنده، در دعای بندگان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِکَنَا فِی صَالِحِ مَنْ دَعَاکَ فِی هَذَا

الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُوءْمِنِينَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

آگاه ساختن بنده، از روا کردن دعایش

لَا تُهْلِكْنِی یَا إِلَهِی غَمًّا حَتَّی تَسْتَجِیبَ لِی، وَ تُعَرِّفَنِی الْإِجَابَهَ فِی دُعَائِی

ای خدای من، مرا اندوهگین نمیران، تا اینکه اجابتم کنی و از روا شدن دعایم آگاهم نمایی.

۱۴/۴۸

دعای بنده و هزار درود، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آلش

ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَا لَکَ، وَ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَلْفَ مَرَّهٍ

سپس دعا کن آنچه را برایت آشکار شد و بر محمّد و خاندانش هزار بار درود فرست.

۲۸/۴۸

پذیرفتن دعای بنده، هنگام اضطرار

أَنْتَ الَّذِی أَجَبْتَ عِنْدَ الِاضْطِرَارِ دَعْوَتِی

تویی که هنگام بیچارگی، دعایم را اجابت نمودی.۴/۵۱

خدا، شنونده دعای بنده

إِلَهِی مَا وَجَدْتُکَ بَخِیلًا حِینَ سَأَلْتُکَ... بَلْ وَجَدْتُکَ لِدُعَائِی سَامِعًا

خدای من، هنگامی که از تو درخواست نمودم، تو را بخیل نیافتم. بلکه تو را برای نیایشم، شنونده یافتم.۵/۵۱

خواندن خدا و ناامید بازنگشتن از درگاه او

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَیْکَ رَبِّ... دَاعِیًا فَلَا تَرُدَّنِی خَائِبًا

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که (تو را) خواهانم به سوی تو گریخته ام، پس مرا نااميد برنگردان.۸/۵۱

حالِ خواننده خدا

دَعَوْتُکَ یَا رَبِّ مِسْکِینًا، مُسْتَکِینًا، مُشْفِقًا، خَائِفًا، وَجِلًا، فَقِیرًا، مُضْطَرًّا إِلَیْکَ

تو را خواندم - ای پروردگار من - در حالی که بینوا، فروتن، حذرکننده، ترسان، بیمناک، فقیر و بیچاره درگاه تو هستم.۹/۵۱

خدا را خواندن و اجابت شدن

أَدْعُوكَ فَتُجِيبُنِي

تو را می خوانم، پس مرا اجابت می کنی.

۱۱/۵۱

خوانده شدن بنده و کند بودنش

إِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ تَدْعُونِی

اگر چه هنگامی که مرا می خوانی، کُند هستم.

۱۱/۵۱

فقط خدا را خواندن

لَکَ أَدْعُو

تنها تو را می خوانم.۱۱/۵۲

دعوت

دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به سوی خدا

كَاشَفَ فِی الدُّعَاءِ إِلَيْکَ حَامَّتَهُ

در دعوت به سوی تو با خویشانش، آشکارا به ستیز پرداخت.۶/۲

رنج پیامبر صلی الله علیه و آله ، در دعوت به دین الهی

أَتْعَبَهَا بِالدُّعَاءِ إِلَی مِلَّتِکَ

با دعوت به دین تو، خود را خسته کرد.

۱۴/۲

نصیحت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به پذیرندگان دعوت از جانب خداوند

شَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِکَ

خود را به نصیحت کردن به پذیرندگانِ دعوتت مشغول ساخت.۱۵/۲

پیشی گرفتن یاران محمّد صلی الله علیه و آله ، به دعوت او

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِینَ... سَابَقُوا إِلَی دَعْوَتِهِ...

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که به سوی دعوتش پیشی گرفتند...۳/۴

دعوت یاران محمّد صلی الله علیه و آله ، به سوی خدا

وَ کَانُوا مَعَ رَسُولِکَ دُعَاهً لَکَ إِلَیْکَ

و برای تو با پیامبرت دعوت کننده به سوی تو بوده اند. ۷/۴

داعیان خدا و دعوت کردن به سوی او

وَ اجْعَلْنَا مِنْ دُعَاتِکَ الدَّاعِینَ إِلَیْکَ

و ما را از داعیان دعوت کننده به سوی خود قرار ده.۱۵/۵

ایستادن بنده بین دعوت خدا و شیطان

وَ مَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَی السُّوءِ مِنِّی حِینَ أَقِفُ بَیْنَ دَعْوَتِکَ وَ دَعْوَهِ الشَّیْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلَی غَیْرِ عَمًی مِنِّی فِی مَعْرِفَهٍ بِهِ

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور نیستم؟۲۳/۱۶

سرانجام دعوت خدا، بهشت

أَنَا حِینَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَی دَعْوَتِکَ إِلَی الْجَنَّهِ

من در همان هنگام باور دارم که فرجام دعوت

تو به سوی بهشت است.۲۴/۱۶

سرانجام دعوت شیطان، آتش جهنم

وَ أَنَا حِينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ... مُنْتَهَى دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ

و من در همان هنگام باور دارم که پایان دعوت او به سوی آتش است.۲۴/۱۶

دعوت خدا، از روی گرداننده اش

يَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ

ای کسی که به سوی خود می خواند کسی را که، از او روی گرداَند.۹/۴۶

دعوت هوای نفس، به نواهی

...بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَ إِلَى مَا حَذَّرْتَهُ

...بلکه خواهش نفسش به آنچه او را از آن بازداشتی و به آنچه از آن برحذر نمودی، فراخواندش.۶۸/۴۷

دقیق

دقّت نظر عطا نمودن، به مرزداران اسلام

وَ الْطُفْ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ

و در مکر، دقّت نظر به ایشان عطا فرما.

۲/۲۷

سرگردانی اندیشه های دقیق، در بزرگی خداوند

حَارَتْ فِي كِبْرِيَائِكَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ

تصوّرهای دقیق در بزرگواری ات سرگردان گشته.۷/۳۲

دقیق بودن کار خداوند، درباره ماه

مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ! وَ أَلْطَفَ مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ!

چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود! و چقدر دقیق است، آن صنعتی که درباره کار تو انجام داد!۳/۴۳

دل

سلامتی دل ها، در یاد بزرگی خدا

اجْعَلْ سَلَامَهَ قُلُوبِنَا فِی ذِکْرِ عَظَمَتِکَ

سلامتی دل های ما را در یاد بزرگی خود قرار ده. ۱۴/۵

پوشاندن جامه تقوا، بر دل بنده

أَشْعِرْ قَلْبِی تَقْوَاکَ

قلبم را به جامه پرهیز از خود بپوشان.

۹/۲۱

خالی نمودن دل بنده، برای دوستی خدا

فَرِّغْ قَلْبِی لِمحَبَّتِکَ

دلم را برای دوستی ات خالی گردان.

۱۰/۲۱

ص : ۵۶۹

وحشت دلِ بنده، از بدکاران خَلق

أَلْبِسْ قَلْبِیَ الْوَحْشَهَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِکَ

دلم را به وحشت از بدکاران خلقت بپوشان.

۱۱/۲۱

آرامش دل بنده، به خدا و نیکان خلق

...بَلِ اجْعَلْ سُکُونَ قَلْبِی وَ أُنْسَ نَفْسِی وَ اسْتِغْنَائِی وَ کِفَایَتِی بِکَ وَ بِخِیَارِ خَلْقِکَ

...بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.

۱۲/۲۱

از روی دل شناختنِ درستی عمل خویش

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی حَتَّی أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِکَ مِنْ قَلْبِی

و برای آخرتمْ رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم بشناسم.۸/۲۲

منّت گذاشتن بر بنده، با بینا ساختن دلش

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الْبَصِیرَهِ فِی قَلْبِی

و با تندرستی و بینایی در دلم بر من منّت گذار.۳/۲۳

گشایش دل بنده، برای مقاصد دین الهی

وَ اشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِینِکَ قَلْبِی

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

قفل نهادن بر دل قصد بد دارنده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُقْفِلَ دُونَ إِخْطَارِی قَلْبَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا دلش را هنگام یاد من، قفل زنی.۸و۷/۲۳

مهربان ساختن دل فرزند، به والدین

وَ اعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِی

و دلم را بر آن دو مهربان گردان.۶/۲۴

دل های مرزداران اسلام و اندیشه دارایی گمراه کننده

وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ

و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن.۴/۲۷

پر نمودن دل دشمنان، از ترس

وَ اخْلَعْ وَثَائِقَ أَفْئِدَتِهِمْ... وَ امْلَأْ أَفْئِدَتَهُمُ الرُّعْبَ

و رگ های دلشان را بکن و دل هایشان را از ترس پر ساز.۵/۲۷

تهی ساختن دل های دشمنان، از آرامش

ص : ۵۷۰

اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمَنَهِ

خداوندا، دل هایشان را از آرامش تهی دار.

۱۱/۲۷

بی خبری قلب دشمن، از چاره جویی

وَ أَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الِاحْتِيَالِ

و قلب هایشان را از چاره جویی بی خبر ساز.

۱۱/۲۷

کوچکی مقام دشمن، در دل مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّکَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِی عَیْنِهِ، وَ صَغِّرْ شَأْنَهُمْ فِی قَلْبِهِ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما و مقامشان را در دلش کوچک گردان.۱۵/۲۷

دردل گذراندن اندیشه های دور از دوستی خدا

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ مِنْ کُلِّ مَا... زَالَ عَنْ مَحَبَّتِکَ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِی، وَ لَحَظَاتِ عَیْنِی

خداوندا و همانا من از هر چه دور از دوستی توست؛ از اندیشه های دلم و نگاه های چشمم، به درگاهت توبه می کنم.۲۲/۳۱

طپش دل بنده، از ترس خداوند

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ... وَجِیبَ قَلْبِی مِنْ خَشْیَتِکَ

خداوندا، پس به تپیدن دلم از ترست، رحم فرما.۲۳/۳۱

پاره پاره گشتن دل های ساکنان جهنّم، از آشامیدنی دوزخ

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِی یُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْئِدَهَ سُکَّانِهَا، وَ یَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ

و از آشامیدنی اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می کند و دل هایشان را برمی کَنَد، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

قلوب بندگان، نگهدارنده قرآن

اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ...

خداونـدا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، پس بر محمّد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست.۶/۴۲

قلوب بندگان و فهم شگفتی های قرآن

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّيَالِی مُونِسًا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ

قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن را به دل های ما برسانی.

۱۰/۴۲

شستن چرکی قلوب بندگان، با قرآن

ص : ۵۷۱

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا

و به وسیله آن چرکی دل هایمان را بشوی.

۱۱/۴۲

ترسان بودن دل ها، از بازگشت به سوی خدا

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ الَّذِینَ... یُوءْتُونَ مَا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَهٌ، أَنَّهُمْ إِلَی رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که آنچه را بخشیدند، در حالی می بخشند که دل هایشان از بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است.

۱۸/۴۴

پشیمانی حقیقی دل ها

وَ لَکَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ

و پشیمانی قطعی دل هایمان، برای توست.

۴۵/۴۵

متوجّه ساختن دل، به آنچه نیایشگران به آن گمارده شده اند

خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِینَ

دلم را به سوی آنچه نیایشگران را به آن گماشته ای، متوجّه ساز.۹۲/۴۷

پوشاندن دل بنده، به خودداری از بدی

وَ أَشْعِرْ قَلْبِیَ الِازْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّیِّئَاتِ، وَ

فَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ

و دلم را به خودداری از بدی های زشت و نافرمانی های رسواکننده بپوشان.۱۰۷/۴۷

کندن دوستی دنیای پست، از دل بنده

انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیَا دَنِیَّهٍ، تَنْهَی عَمَّا عِنْدَکَ

دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد را از دلم بَر کن.۱۰۹/۴۷

مهربان گرداندن دل بنده، با فروتنان

اعْطِفْ بِقَلْبِی عَلَی الْخَاشِعِینَ

دلم را بر فروتنان مهربان گردان.۱۲۷/۴۷

سیراب شدن دل، با طاعت الهی

أَشْرِبْ قَلْبِی عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَکَ

دلم را هنگام غفلتِ عقل ها، به طاعت خود سیراب کن.۱۳۰/۴۷

شیفتگی دل، به سبب بسیاری نعمت خدا

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... قَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِکَثْرَهِ النِّعَمِ عَلَیْهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دلش به سبب زیادی نعمت ها بر او، فریفته شده.۸/۵۲

دلالت راهنمایی

ص : ۵۷۲

دلباختگی

فرشتگان؛ دلباختگان ذکر نعمت های خدا

الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ آلَائِكَ

(آنان) به ذکر نعمت های تو حریص می باشند.

۸/۳

دلبستگی علاقه

دلجویی

دلجویی از همسایگان، با عطا و احسان

وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَ الْعَطِيَّةِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم.۱۰/۴۴

دلدادگی علاقه

دلسوزی رحمت

دل شکستگی

خدا، گشاینده اندوه دل شکسته

يَا فَرَجَ كُلِّ مَكْرُوبٍ كَئِيبٍ

ای گشایش دهنده هر دلتنگ اندوهگین.

۴/۱۶

دلهره تپش

دلیری

دلیر نگرداندن بنده، بر نافرمانی ها

وَ لَا تُجَرِّئْنِی عَلَی الْمَعَاصِی

و بر نافرمانی ها جرأتم مده.۵/۲۲

عاملِ دلیر کردن بندگان، بر فحشا

إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَهٍ شَجَّعَنَا عَلَیْهَا

اگر قصد کار زشتی کنیم، (شیطان) ما را بر آن دلیر گردانَد.۷/۲۵

ترساندن دشمن، از جنگ با دلیران اسلام

جَبِّنْهُمْ عَنْ مُقَارَعَهِ الْأَبْطَالِ

ایشان را از پیکار با دلاوران بترسان.

۱۱/۲۷

جرأت افکندن در دل مجاهد

وَ أَلْهِمْهُ الْجُرْأَهَ

و دلیری در دلش انداز.۱۴/۲۷

گستاخانه، در برابر خدا جرأت یافتن

أَنَا الَّذِی أَقْدَمَ عَلَیْکَ مُجْتَرِئًا

منم آنکه گستاخانه بر تو جرأت نمودم.

۷۷/۴۷

واداشتن نفس، در جایگاه بدبختان متجرّی بر خدا

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِی... مَوْقِفَ الْأَشْقِیَاءِ الْمُتَجَرِّینَ عَلَیْکَ

خود را در جایگاه بدبختانی که بر تو جرأت یافته اند، واداشته ام.۲/۵۳

جرأت نمودن بنده، بر خدا

أَیَّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَیْکَ

به کدامین جرأت بر تو تجرّی نمودم؟

۳/۵۳

دلیل حجت

دمیدن

دمیدن اسرافیل (در صور)

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ... فَیُنَبِّهُ بِالنَّفْخَهِ صَرْعَی رَهَائِنِ الْقُبُورِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست، تا با دمیدنْ مردگانِ گروِ گورها را بیدار کند.۲/۳

دنیا

وسیله کامل گرداندن نیکی دنیا و آخرت

نَبِّهْنِی لِذِکْرِکَ فِی أَوْقَاتِ الْغَفْلَهِ، وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ فِی أَیَّامِ الْمُهْلَهِ... أَکْمِلْ لِی بِهَا خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. و در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار.

و بدین وسیله، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل نما.۲۹/۲۰

عطای حسنه به بنده، در دنیا و آخرت

آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَهً، وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً

در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی، عطایمان کن.۱۳/۲۵، ۳۰/۲۰

دانایی خدا، به اصلاح کار دنیا و آخرت بنده

اللَّهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ مَا يُصْلِحُنِی مِنْ أَمْرِ دُنْيَایَ وَ آخِرَتِی

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی.۱۰/۲۲

درخواست نعمتی از نعمت های خدا، در دین یا دنیا

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّی لَا أَرَی نِعْمَةً مِنْ نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ فِی دِينٍ أَوْ دُنْيَا... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِی أَفْضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنْکَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت در دین یا دنیا داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.

۱۲/۲۲

پاسداری از لغزش ها، روزی بنده در دنیا و آخرت

ص : ۵۷۴

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

و مرا خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده.۱۳/۲۲

عدم جدایی میان بنده و تندرستی اش، در دنیا و آخرت

لَا تُفَرِّقْ بَیْنِی وَ بَیْنَ عَافِیَتِکَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

در دنیا و آخرت بین من و عافیتت جدایی نینداز.۱/۲۳

تندرستی دنیا و آخرت

عَافِنِی... عَافِیَهَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

به من عافیت ده. عافیت دنیا و آخرت.

۲/۲۳

اصلاح حال بنده، در دنیا و آخرت

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِکُلِّ مَا یُصْلِحُنِی فِی دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی

و هر چه در دنیایم و آخرتم به صلاحم است، بر من ارزانی دار.۹/۲۵

عطای همه درخواست های بنده به او، در دنیا و آخرت

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِیعَ ذَلِکَ بِتَوْفِیقِکَ وَ رَحْمَتِکَ... وَ أَعْطِ جَمِیعَ... الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی فِی عَاجِلِ الدُّنْیَا وَ آجِلِ الْآخِرَهِ

خداوندا به توفیق و رحمتت همه آن (درخواست ها) را به ما عطا فرما و به همه مردان و زنان با ایمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، در دنیای کنونی و آخرت آینده ببخش.۱۲/۲۵

کالای دنیا؛ وسیله رسیدن به جوار الهی

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِی مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَهً إِلَی جِوَارِکَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود قرار ده.۶/۳۰

قرآن؛ بازدارنده بندگان در دنیا، از خشم خدا

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْکُفْرِ وَ دَوَاعِی النِّفَاقِ حَتَّی یَکُونَ... لَنَا فِی الدُّنْیَا عَنْ سُخْطِکَ وَ تَعَدِّی حُدُودِکَ ذَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از حدودت باشد.

۱۲/۴۲

بهترین منزل ها، پس از جدایی از دنیا

اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْیَا خَیْرَ مَنَازِلِنَا

قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه های ما قرار ده.۱۴/۴۲

طلبیدن و دریافتن خدا، برای دین یا دنیا

فَمَنِ الْتمَسَکَ لِدِینٍ أَوْ دُنْیا وَجَدَکَ

پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می یابد.۲۵/۴۷

به پا نداشتن بنده، در جایگاه رسوایی در دنیا

وَ إِذْ لَمْ تُقِمْنِی مَقَامَ فَضِیحَهٍ فِی دُنْیاکَ فَلَا تُقِمْنِی مِثْلَهُ فِی آخِرَتِکَ

و آن زمان که مرا در دنیایت در مقام رسوایی به پا نداشتی، پس مانند آن در آخرتت مرا (در مقام رسوایی) به پا ندار.۱۲۰/۴۷

عطای خیر دنیا و آخرت، به مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ خَیْرٍ... أَوْ تُعْطِیهِمْ بِهِ خَیْرًا مِنْ خَیْرِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می نمایی یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

ناامیدی از غیر خدا، برای امور دنیا و آخرت

فَإِنِّی... لَا أَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِی وَ دُنْیایَ سِوَاکَ

پس به درستی که برای کار آخرت و دنیایم به احدی جز تو امید ندارم.۴/۴۸

محروم نکردن بنده، از خیر دنیا و آخرت

إِلَهِی فَلَا تَحْرِمْنِی خَیْرَ الْآخِرَهِ وَ الْأُولَی لِقِلَّهِ شُکْرِی

خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی بهره نگردان.۱۳/۵۱

نپسندیدن دیدار خدا، و طول عمر نیافتن در دنیا

لَا یُعَمَّرُ فِی الدُّنْیا مَنْ کَرِهَ لِقَاءَکَ

کسی که (مرگ و) دیدار تو را نپسندید، در دنیا عمر جاودان نیابد.۳/۵۲

تسلّط یافتن دنیا، بر بنده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنْ قَدْ... اسْتَمْکَنَتْ مِنْهُ الدُّنْیا

پس -ای مولای من- از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دنیا بر او تسلّط یافته است.

۹و۸/۵۲

ترس از خدا، عامل دوری از دنیا

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُسَلِّیَ نَفْسِی عَنِ الدُّنْیا بِمَخَافَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که مرا با ترس از

ص : ۵۷۶

خود، در دوری از دنیا، تسلّی بخشی.۱۰/۵۲

بریده شدن اثر و نشان بنده، از دنیا

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْیَا أَثَرِی

مولای من! هنگامی که اثرم از دنیا قطع شود، به من رحم کن.۵/۵۳

مهربانی خدا، در دنیا و آخرت

یَا رَحْمَانَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ رَحِیمَهُمَا

ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو.۱/۵۴

ویژگی های دنیا:

أ. فریب دهنده

أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِکْرَ دُنْیَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر.

۴/۲۷

ب. فنا و نیستی

مَا زَوَیْتَ عَنِّی مِنْ مَتَاعِ الدُّنْیَا الْفَانِیَهِ فَاذْخَرْهُ لِی فِی خَزَائِنِکَ الْبَاقِیَهِ

آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما.۵/۳۰

ج. پستی

انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیَا دَنِیَّهٍ، تَنْهَی عَمَّا عِنْدَکَ

دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد را از دلم بَر کن.

۱۰۹/۴۷

دوام همیشگی

دودلی شکّ

دور اندیشی

سالم ماندن دوراندیش

فَصَحَّ بِمُعَايَنَهِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ

پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند.۷/۲۸

سبب موفّقیّت دوراندیش

...وَفَّقَهُ اعْتِبَارُهُ

...پند گرفتنش سبب توفیق او شد.۷/۲۸

سبب رهنمونی دوراندیش، به راه راست

فَصَحَّ بِمُعَايَنَهِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ وَفَّقَهُ اعْتِبَارُهُ، وَ أَرْشَدَهُ إِلَى طَرِيقِ صَوَابِهِ اخْتِيَارُهُ

پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتنش سبب توفیق او شد و برگزیدن راه صواب، او را راهنمایی کرد.۷/۲۸

ص : ۵۷۷

دورنگی نفاق

دورویی نفاق

دوری

دور ساختن بنده، از شکّ در امر الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا... جَنَّبَنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَ الشَّکِّ فِی أَمْرِهِ

سپاس خدای را که ما را از کج روی و شک در امر خود، دور ساخت.۱۰/۱

دوری پیامبر صلی الله علیه و آله از خویشانش، جهت احیای دین الهی

قَطَعَ فِی إِحْیَاءِ دِینِکَ رَحِمَهُ

در برپا داشتن دین تو، از ارحامش دوری نمود.۸/۲

سبب دور گرداندن نزدیکان، به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله

أَقْصَی الْأَدْنَیْنَ عَلَی جُحُودِهِمْ

نزدیکان را بر اثر انکارشان، دور نمود.۹/۲

سبب نزدیک نمودن افراد دور، توسّط پیامبر صلی الله علیه و آله

قَرَّبَ الْأَقْصَیْنَ عَلَی اسْتِجَابَتِهِمْ لَکَ

دورتران را بر اثر پذیرفتنشان - برای تو - نزدیک نمود.۱۰/۲

دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دورترین (مردم)

وَالَی فِیکَ الْأَبْعَدِینَ

به خاطر تو، با دورترین (مردم) دوستی کرد.

۱۱/۲

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به محلّی دور از خویشانش

هَـاجَرَ إِلَى بِلَـادِ الْغُربَهِ، وَ مَحَـلِّ النَّأْيِ عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَ مَوْضِعِ رِجْلِهِ، وَ مَسْـقَطِ رَأْسِهِ، وَ مَأْنَسِ نَفْسِهِ، إِرَادَهً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِکَ، وَ اسْتِنْصَارًا عَلَی أَهْلِ الْکُفْرِ بِکَ

از جایگاه اقامتش و قدمگاهش و زادگاهش و جای انس گرفتنش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزّت دهد و بر (ضد) کافرانِ به تو یاری طلبد.۱۶/۲

دوری نمودن اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از زنان و فرزندان خویش

فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِی إِظْهَارِ کَلِمَتِهِ

در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند.۴/۴

دور نساختن بندگان، از خدا

وَ لَا تُبَاعِدْنَا عَنْکَ

و ما را از خود دور نکن.۹/۵

دور نشدن سختی ها، از بنده

لَا یَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ

از آنها جز آنچه تو دور کنی، دور نمی گردد.

۴/۷

دور ساختن آنچه بنده در آن افتاده

أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَی... دَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِیهِ

تو بر برطرف کردن آنچه در آن افتاده ام توانایی.۱۰/۷

دور ساختن گرفتاری از بنده، علی رغم عدم شایستگی اش

وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَی... دَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِیهِ، فَافْعَلْ بِی ذَلِکَ وَ إِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْکَ

و تو بر برطرف کردن آنچه در آن افتاده ام توانایی. پس آن را برای من انجام ده. اگر چه از جانب تو شایسته آن نیستم.۱۰/۷

دوری گزیدن بنده از شیطان، برای خدا

وَ لَا تُشْمِتْهُ بِنَا بَعْدَ تَرْکِنَا إِیَّاهُ لَکَ

و پس از آنکه به خاطر تو از او (شیطان) دوری کردیم، اندوهی به ما نرسان که او را شاد گرداند. ۶/۱۰

دوری ورزیدن از اصرار (بر گناه)

أَنَّ أَحَبَّ عِبَادِکَ إِلَیْکَ مَنْ... جَانَبَ الْإِصْرَارَ

همانا محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است

که پافشاری (بر گناه) را ترک کند.۱۳/۱۲

دور بودن مدد خدا، از ستمگران

یَا مَنْ بَعُدَ عَوْنُهُ عَنِ الظَّالِمِینَ

ای کسی که مددش از ستمگران دور است.

۴/۱۴

دور بودن بنده، از اصلاح نفسش

وَ مَنْ أَبْعَدُ مِنِّی مِنِ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ

و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد؟۲۳/۱۶

دور کردن شیطان از بندگان، با عبادت

اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِکَ

خداوندا او را از ما – به سبب عبادت و بندگی ات – دور کن.۳/۱۷

دور ساختن آفت و بدی از بنده

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی حُسْنِ قَضَائِکَ، وَ بِمَا صَرَفْتَ عَنِّی مِنْ بَلَائِکَ

خداوندا بر سرنوشت نیکی که برایم تقدیر کردی و بلایی که از من برگرداندی، تو را سپاس.

۱/۱۸

دوری گزیننده از خدا

وَ لَا تَبْتَلِیَنِّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبَادَتِکَ... وَ لَا مُفَارَقَهِ مَنِ اجْتَمَعَ إِلَیْکَ

و مرا به سستی در عبادتت و جدایی از آنکه به تو پیوسته، گرفتار نساز.۱۱/۲۰

توانایی خدا، بر دور کردن ستم از بنده

وَ لَا أُظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّی

و (چنان کن که) بر من ستم نشود، در حالی که تو بر دفاع از من توانایی.۱۴/۲۰

دوری از معصیت، منّت الهی بر بنده

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الِاجْتِنَابِ لِمَا نَهَيْتَنِی عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِکَ

و با تندرستی و دوری جستن از نافرمانی ات – که مرا از آن بازداشته ای – بر من منّت گذار.

۳/۲۳

پناه بردن به خدا، از شرّ هر نزدیک و دور

أَعِذْنِی... مِنْ شَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ وَ بَعِيدٍ

مرا از شرّ هر نزدیک و دوری پناه ده.۶/۲۳

دوری انداختن بین دشمنان و آذوقه شان

بَاعِدْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَزْوِدَتِهِمْ

میان آنها و زاد و توشه اشان جدایی انداز.

۵/۲۷

آذوقه های دشمنان، در دورترین (نقاط) زمین

وَ اجْعَلْ مِيَرَهُمْ فِی أَحَصِّ أَرْضِکَ وَ أَبْعَدِهَا عَنْهُمْ

و آذوقه هایشان را در بی برکت ترین و دورترین (نقاط) زمین خود قرار ده.۱۲/۲۷

دور بودن نیرو و قدرت، از بنده

لَوْ... تَضْطَرُّنِی إِلَی قُوَّتِی... لَكَانَتِ الْقُوَّهُ مِنِّی بَعِيدَهً

اگر مرا ناگزیر می ساختی، به نیروی خود پناه برم؛ همانا نیرو از من دور می شد.**۲۵/۳۲**

نزدیک بودن دورِ آتش دوزخ

إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... بَعِیدُهَا قَرِیبٌ

همانا به تو پناه می آورم از آتشی که دورش نزدیک است.**۲۹/۳۲**

راه جویی از خدا، برای آنچه از آتش دوزخ دور سازد

وَ أَسْتَهْدِیکَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا

و از تو راهنمایی می خواهم، برای آنچه از آن (آتش) دور سازد.**۳۱/۳۲**

دوری از حسن عاقبت

لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ... وَ نَجْنَحَ إِلَی الَّتِی هِیَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَهِ

ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و به آنچه که از حسن عاقبت دورتر است، تکیه نماییم.

۳/۳۳

ص : ۵۸۰

دور گرداندن حرص بنده، از گناه

وَ ازْوِ حِرْصِی عَنْ کُلِّ مَأْثَمٍ

و حرص مرا از هر گناهی دور کن.۱/۳۹

دور بودنِ ایجاد گشایشی در پایانِ (امورِ) مغرور به کرم الهی

مَا أَبْعَدَ غَایَتَهُ مِنَ الْفَرَجِ

چه دور است که در پایان (کار) او گشایش حاصل شود!۲۰/۴۶

ناتوانی بر دور ساختن خدا

سُبْحَانَکَ... لَا تُمَاطُ وَ لَا تُنَازَعُ

پاک و منزّهی! نه با مقاومت برکنار می روی و نه قابل نزاع هستی.۲۷/۴۷

دورگرداننده بنده، از خدا

أَعِذْنِی مِمَّا یُبَاعِدُنِی عَنْکَ

از چیزی که از تو دورم می کند، مرا نگهدار.

۹۳/۴۷

دور نینداختن بنده، مانند دور افتاده از چشم نگهداری خدا

لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِکَ

مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده.۱۰۴/۴۷

ناظران دور افتادن کتاب خدا

...حَتَّی عَادَ صِفْوَتُکَ وَ خُلَفَاؤُکَ مَغْلُوبِینَ... یَرَوْنَ... کِتَابَکَ مَنْبُوذًا

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب شده، می بینند که کتاب تو دور افتاده است.

۹/۴۸

ناتوانی نفس، در دوری از محذورات

أَشْکُو إِلَیْکَ یَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی عَنِ... الْمُ_جَانَبِهِ عَمَّا حَذَّرْتَهُ أَعْدَاءَکَ

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در دوری نمودن از آنچه دشمنانت را به آن بیم داده ای، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

آنچه بندگان دوری خود را از آن، خواهانند:

أ. خوی های نکوهیده و اخلاق پست

جَنِّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَهَ وَ مَدَانِیَ الْأَخْلَاقِ

با آن (قرآن)، ما را از خوی های نکوهیده و اخلاق پست، دور کن.۱۲/۴۲

ب. برگشتن از توحید ، کوتاهی در تمجید خداوند و تردید در دین

جَنِّبْنَا الْإِلْحَادَ فِی تَوْحِیدِکَ، وَ التَّقْصِیرَ فِی تَمْجِیدِکَ، وَ الشَّکَّ فِی دِینِکَ

ما را از کجروی در یگانگی ات و کوتاهی

ص : ۵۸۱

در بزرگ داشتنت و شکّ در دینت دور گردان.

۱۳/۴۴

ج. کوری از راه راست، سهل انگاری و فریب خوردن از شیطان

جَنِّبْنَا... الْعَمَی عَنْ سَبِیلِکَ، وَ الْإِغْفَالَ لِحُرْمَتِکَ، وَ الِانْخِدَاعَ لِعَدُوِّکَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ

ما را از کوری از راهت و سهل انگاری حرمتت و فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان.۱۳/۴۴

آنچه بندگان دور شدن آن را از خود، از خدا خواستارند:

أ. ترس از قطع رابطه کنندگان

اکْفِنَا وَحْشَةَ الْقَاطِعِینَ بِصِلَتِکَ

با پیوستن به خود، ما را از وحشتِ دوری کنندگان، نگهدار.۷/۵

ب. اصرار (بر گناه)

أَزِلْنَا عَنْ مَکْرُوهِکَ مِنَ الْإِصْرَارِ

ما را از اصرار بر آنچه ناپسند توست، دور بدار.۱/۹

ج. شیطان

اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِکَ

خداوندا او را از ما – به سبب عبادت و بندگی ات – دور کن.۳/۱۷

د. مکر شیطان

وَ اکْفِنَا خَتْرَهُ

و حیله او را از ما دور کن.۴/۱۷

هـ. عیب جویی بندگان

اکْفِنِی مَؤُونَةَ مَعَرَّةِ الْعِبَادِ

سنگینی گناهِ عیب جوییِ بندگان را از من بردار.۲۰/۲۰

و. مکر قصدبدکننده

نْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی، وَ ادْحَرْ عَنِّی مَکْرَهُ

هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و مکرش را از من بِران.۷/۲۳

ز. نگرانی شکّ

فَأَزِحْ عَنَّا رَیْبَ الِارْتِیَابِ

پس آشفتگیِ تردید را از ما دور گردان.

۲/۳۳

ح. هر شکّ و شبهه ای

زِلْ عَنِّی کُلَّ شَکٍّ وَ شُبْهَهٍ

هر شکّ و شبهه ای را از من دور ساز.

۱۲۹/۴۷

ص : ۵۸۲

دوزخ آتش

برافروختگی جهنّم، بر گنهکاران

وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَی جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَی أَهْلِ مَعْصِیَتِکَ: سُبْحَانَکَ مَا عَبَدْنَاکَ حَقَّ عِبَادَتِکَ

و همان (فرشته)هایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.۹/۳

به دوزخ انداختن جهنّمیان

الزَّبَانِیَهِ الَّذِینَ إِذَا قِیلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِیمَ صَلُّوهُ. ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَ لَمْ یُنْظِرُوهُ

پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند.۲۱/۳

رهایی از دوزخ را روزی بنده نمودن

ارْزُقْنِی... سلَامَهَ الْمِرْصَادِ

رهایی از کمین گاه (دوزخ) را روزی ام فرما.

۱۸/۲۰

آب جوشان نوشاندن آتش دوزخ، به دوزخیان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَسقِی أَهْلَهَا حَمِی_مًا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که اهلش را آب جوشان می نوشاند.۳۰و۲۹/۳۲

گذشتن از پل لرزان دوزخ

ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ یَوْمَ الْمَ_جَازِ عَلَیْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا

هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن (قرآن)، پابرجا گردان.۱۵/۴۲

درآمدن مستکبران، به جهنّم

فَسَمَّیْتَ دُعَاءَکَ عِبَادَهً، وَ تَرْکَهُ اسْتِکْبَارًا، وَ تَوَعَّدْتَ عَلَی تَرْکِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ

پس دعا کردن را عبادت و ترک آن را استکبار نامیدی و بر ترک آن، داخل شدن در جهنّم با خواری را هشدار دادی.۱۵/۴۵

دوستی

برانگیختن آفریدگان، در راه دوستی خدا

بَعَثَهُمْ فِی سَبِیلِ مَحَبَّتِهِ

آنها را در راه دوستی به خود، برانگیخت.

۴/۱

کامروایی در بین دوستان نیک بخت خدا

ص : ۵۸۳

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا نَسْعَدُ بِهِ فِی السُّعَدَاءِ مِنْ أَوْلِیَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در بین سعادتمندان از دوستانش به سعادت برسیم.

۳۰و ۲۷/۱

دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دورترین (مردم)

وَالَی فِیکَ الْأَبْعَدِینَ

به خاطر تو، با دورترین (مردم) دوستی کرد.

۱۱/۲

کامل شدن اندیشه های پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دوستان خدا

اسْتَتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِی أَوْلِیَائِکَ

آنچه او درباره دوستانت می اندیشید، برایش کامل گردید.۱۸/۲

فرستادن گشایشی خوشایند برای زمینیان

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ رُسُلِکَ مِنَ الْمَلَائِکَهِ إِلَی أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَکْرُوهِ مَا یَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ وَ مَحْبُوبِ الرَّخَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، که بلای ناخوشایند و آسایش خوشایند به سوی اهل زمین می فرستی.

۱۷و ۱۱و۱۰/۳

دوستی محمّد صلی الله علیه و آله ، تجارتی بدون کساد

...یَرْجُونَ تِجَارَهً لَنْ تَبُورَ فِی مَوَدَّتِهِ

در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند. ۵/۴

در دل داشتن دوستی محمّد صلی الله علیه و آله

کَانُوا مُنْطَوِینَ عَلَی مَحَبَّتِهِ

آنها که محبّت او را در دل پرورانده اند.

۵/۴

آنچه محبوب تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله است

تُحَبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ، وَ الِاسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ

عمل برای آخرت و آمادگی برای بعد از مرگ را در نظرشان محبوب کنی.۱۶/۴

دوستی خدا، و حفظ نمودن بنده

احْفَظْنَا... حِفْظًا... مُسْتَعْمِلًا لِمحَبَّتِکَ

ما را نگهداری کن، نگهداری ای که در جهت دوستی تو به کار برد.۱۷/۶

توبه، محبوب خدا

صَيِّرْنَا إِلَى مَحْبُوبِکَ مِنَ التَّوْبَهِ

ما را به سوی توبه پسندیده خود ببر.۱/۹

دیده دل و دوستی خداوند

أَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَکَ

چشم دل ما را از آنچه برخلاف دوستی

توست کور گردان.۶/۹

دوست ترین بندگان خدا، نزد او

أَنَّ أَحَبَّ عِبَادِکَ إِلَیْکَ مَنْ تَرَکَ الِاسْتِکْبَارَ عَلَیْکَ، وَ جَانَبَ الْإِصْرَارَ، وَ لَزِمَ الِاسْتِغْفَارَ

همانا محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است که بر تو گردنکشی نکند و پافشاری (بر گناه) را ترک کند و پیوسته آمرزش خواهد.۱۳/۱۲

دوست داشتنی تر بودن عفو بنده از به کیفر رساندنش، نزد خدا

...وَ لِأَنَّ عَفْوَکَ عَنِّی أَحَبُّ إِلَیْکَ مِنْ عُقُوبَتِی

...و از آن روست که بخشایش من نزد تو محبوب تر از کیفر من است.۲۶/۱۶

خوار کردن شیطان، با کوشش در دوستی خدا

اللَّهُمَّ... اکْبِتْهُ بِدُؤُوبِنَا فِی مَحَبَّتِکَ

خداوندا با کوشش مستمر ما - در دوستی ات - او را خوار نما.۳/۱۷

در شمار دوستان شیطان

اللَّهُمَّ... اعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِیَائِهِ

خداوندا ما را از شمار دوستانش برکنار فرما.

۱۴/۱۷

بدبخت شدن بنده، به آنچه دوست دارد

فَلَا تَجْعَلْ حَظِّی مِنْ رَحْمَتِکَ مَا عَجَّلْتَ لِی مِنْ عَافِیَتِکَ، فَأَکُونَ قَدْ شَقِیتُ بِمَا أَحْبَبْتُ

پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده که به سبب آنچه دوست دارم، بدبخت شوم.۱/۱۸

تغییر دوستی مدارا کنندگان، به دوستی واقعی

أَبْدِلْنِی... مِنْ حُبِّ الْمُدَارِینَ تَصْحِیحَ الْمِقَهِ

درباره من دوستی (ظاهری) مداراکنندگان را به دوستی واقعی مبدّل فرما.۷/۲۰

مبدّل نمودن دشمنی دشمنان و نزدیکان، به دوستی

أَبْدِلْنِی مِنْ بِغْضَهِ أَهْلِ الشَّنَآنِ الْمحَبَّهَ... وَ مِنْ عَدَاوَهِ الْأَدْنَیْنَ الْوَلَایَهَ

درباره من کینه توزی دشمنان را به محبّت و دشمنی نزدیکان را به دوستی مبدّل فرما.۷/۲۰

تغییر رشک سرکشان از حقّ، به محبّت

أَبْدِلْنِی... مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْیِ الْمَوَدَّهَ

درباره من حسد متجاوزان را به دوستی مبدّل فرما.۷/۲۰

گرفتار نساختن بنده، به درخواستِ خلاف دوستی خدا

وَ لَا تَبْتَلِيَنِّی... بِالتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِکَ

و مرا به پرداختن به کاری خلاف دوستی ات، گرفتار نساز.۱۱/۲۰

راهی هموار، به سوی محبّت خدا

انْهَجْ لِی إِلَی مَحَبَّتِکَ سَبِیلًا سَهْلَةً

راهی آسان به سوی محبّتت، برایم هموار گردان. ۲۹/۲۰

ناتوانی بنده از متوجّه گرداندن دوستی خدا، به خود

لَا أَسْتَمِیلُ هَوَاکَ

نمی توانم محبّت تو را جلب نمایم.۶/۲۱

خالی ساختن دل بنده، برای محبّت خدا

فَرِّغْ قَلْبِی لِمَحَبَّتِکَ

دلم را برای دوستی ات خالی گردان.

۱۰/۲۱

روانه کردن دل بنده، در خوشایندترین راه های به سوی خدا

وَ أَجْرِ بِهِ فِی أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَیْکَ

و آن را در محبوب ترین راه ها به سویت روانه فرما.۱۰/۲۱

انس گرفتن با دوستان خدا

هَبْ لِیَ الْأُنْسَ بِکَ وَ بِأَوْلِیَائِکَ

انس با خودت و دوستانت و فرمانبرانت را به من ببخش.۱۱/۲۱

انجام آنچه خدا دوست دارد

وَ امْنُنْ عَلَیَّ... بِالْعَمَلِ لَکَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَی

و عمل – برای خودت – به آنچه دوست داری و خوشنود می شوی را به من ارزانی دار.

۱۳/۲۱

أَذِقْنِی طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَهٍ مِنْ سَعَتِکَ

به وسیله گشایشی از گشایشگری ات، طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری، به من بچشان.۱۲۵/۴۷

بر گزیدن رضای خدا درباره دوستان و دشمنان، بر غیر رضای او

وَ ارْزُقْنِی... الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الـدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ... مُوءْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ

و مرا در حال خوشنودی وخشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم.

۱۳/۲۲

دوستداران و پنددهندگان دوستان خدا

وَ اجْعَلْهُمْ... لِأَوْلِيَائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ

و آنان (فرزندانم) را دوستدار و پنددهنده دوستانت قرار ده.۳/۲۵

فرزندان، دوستدار والدين

وَ اجْعَلْهُمْ لِى مُحِبِّينَ

و آنان را دوستدار من قرار ده.۴/۲۵

يارى خدا به امام عليه السلام ، درباره دوستانش

تَوَلَّنِى فِى جِيرَانِى وَ مَوَالِيَّ الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا

مرا درباره همسايگانم و دوستانم كه دانا به حقّ ما هستند، يارى فرما.۱/۲۶

آشنا بودن دوستان امام عليه السلام ، به حقّ وى

تَوَلَّنِى فِى جِيرَانِى وَ مَوَالِيَّ الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَايَتِكَ

مرا درباره همسايگانم و دوستانم كه دانا به حقّ ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترين وجه يارى فرما.۱/۲۶

دوستى همسايگان

وَ اجْعَلْنِى اللَّهُمَّ... أُسِرُّ لَهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً

و خداوندا مرا بر آن دار كه در نبودشان دوستى را، آشكار سازم.۳/۲۶

دوست داشتن نعمت باقى و جاويد، براى

همسايگان

وَ اجْعَلْنِى اللَّهُمَّ... أُحِبُّ بَقَاءَ النِّعْمَهِ عِنْدَهُمْ نُصْحًا

و خداوندا مرا بر آن دار كه خيرخواهانه بقاى نعمت را نزدشان دوست بدارم.۳/۲۶

درود فرستادن خدا، بر اوليايش

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... صَلَاةً لَا يَنْتَهِي أَمَدُهَا... كَأَتَمِّ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ

خداوندا بر محمّد درود فرست، درودی که مدّتش پایان نپذیرد. مانند کامل ترین درودهایت که بر هر یک از اولیایتْ فرستاده شده.۱۸/۲۷

خدا، دوستدار توبه کنندگان

وَ قَدْ قُلْتَ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ... تُحِبُّ التَّوَّابِينَ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه کنندگان را دوست می داری.۱۵/۳۱

يَا مُحِبَّ التَّوَّابِينَ

ای دوستدار توبه کنندگان.۳/۳۸

لازم گرداندن دوستی خدا برای بنده

وَ أَوْجِبْ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتَ

و همان طور که شرط کرده ای، دوستی خود را برایم واجب گردان.۱۵/۳۱

وَ اجْعَلْ... عَزْمِي عَلَى تَرْكِ مَا يَعْرِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَةً تُوجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ

ص : ۵۸۷

و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد.۳/۳۸

برگشتن بنده، به آنچه محبوب خداست

وَ اصْرِفْنِی بِقُدْرَتِکَ إِلَی مَا أَحْبَبْتَ

و به قدرت خود، مرا به آنچه دوست داری، بازگردان. ۱۷/۳۱

امورِ دور از دوستی خداوند

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ مِنْ کُلِّ مَا... زَالَ عَنْ مَحَبَّتِکَ

خداوندا و همانا من از هر چه دور از دوستی توست، به درگاهت توبه می کنم.۲۲/۳۱

دوست نداشتن تأخیر و تعجیل، در آنچه خدا اراده کرده

أَلْهِمْنَا الِانْقِیَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَیْنَا مِنْ مَشِیَّتِکَ حَتَّی لَا نُحِبَّ تَأْخِیرَ مَا عَجَّلْتَ، وَ لَا تَعْجِیلَ مَا أَخَّرْتَ

گردن نِهی بر خواسته ات را – که بر ما وارد ساختی – به ما الهام فرما، تا تأخیر آنچه را پیش انداختی و تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته ای، دوست نداشته باشیم.۵/۳۳

ناپسند نشمردن آنچه خدا دوست دارد

أَلْهِمْنَا الِانْقِیَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَیْنَا مِنْ مَشِیَّتِکَ حَتَّی... لَا نَکْرَهَ مَا أَحْبَبْتَ

گردن نِهی بر خواسته ات را – که بر ما وارد ساختی – به ما الهام فرما، تا آنچه را دوست داشتی، ناپسند نشماریم.۵/۳۳

مرگ، جای الفت و دوستی

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَی وَشْکِ اللَّحَاقِ بِکَ حَتَّی یَکُونَ الْمَوْتُ... مَأْلَفَنَا الَّذِی نَشْتَاقُ إِلَیْهِ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی که مرگ برای ما محل الفتی باشد که به سوی آن مشتاقیم.۳/۴۰

مرگ، و محبوبیّت نزدیک شدنش به بنده

اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِیرَ إِلَیْکَ... حَتَّی یَکُونَ الْمَوْتُ... حَامَّتَنَا الَّتِی نُحِبُّ الدُّنُوَّ مِنْهَا

از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم. تا جایی که مرگ برای ما (همانند)

خویشاوند نزدیک ما باشد که نزدیک شدن به او را دوست داریم.۳/۴۰

قرار دادن محبّت بنده، در سینه های اهل ایمان

وَ اجْعَلْ لَنَا فِی صُدُورِ الْمُوءْمِنِینَ وُدًّا

و دوستی ما را در سینه های مؤمنان، قرار ده.

۱۶/۴۲

ص : ۵۸۸

به دوستی نگرفتن آنکه، برای خدا با او دشمنی شده

وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَی مَنْ عُودِیَ فِیکَ وَ لَکَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِی لَا نُوَالِیهِ، وَ الْحِزْبُ الَّذِی لَا نُصَافِیهِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی شده. که او دشمنی است که با او دوستی نمی کنیم و حزبی است که با او صمیمی نمی شویم.۱۰/۴۴

سزاواری کرامت وعده داده شده خدا، به دوستانش

أَهِّلْنَا فِیهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِیَاءَکَ مِنْ کَرَامَتِکَ

ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده ای، سزاوار نما.۱۲/۴۴

رمضان، عید دوستان خدا

السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا... عِیدَ أَوْلِیَائِهِ

درود بر تو، ای عید دوستان او.۲۳/۴۵

توبه کنندگان و وجوب محبّت خداوند

اجْعَلْنَا عِنْدَکَ مِنَ التَّوَّابِینَ الَّذِینَ أَوْجَبْتَ لَهُمْ مَحَبَّتَکَ

ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که دوستی ات را برای آنها واجب نموده ای.۵۴/۴۵

نرم خویی ولیّ خدا، برای اولیای الهی

وَ أَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِیَائِکَ

و خوی او را برای دوستانت نرم فرما.

۶۳/۴۷

درود خدا بر دوستداران ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی أَوْلِیَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِینَ بِمَقَامِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که اعتراف کنندگان به مقام ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

درخواست از خدا، برای دوستداران ائمه علیهم السلام

سَلِّمْ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی أَرْوَاحِهِمْ، وَ اجْمَعْ عَلَی التَّقْوَی أَمْرَهُمْ، وَ أَصْلِحْ لَهُمْ شُؤُونَهُمْ، وَ تُبْ عَلَیْهِمْ

و بر آنـان و بر جـان هایشـان سـلام فرست و کردارشـان را بر پرهیزکاری سامان ده و احوالشان را برای آنها اصـلاح نما و توبه آنان را بپذیر.

۶۵/۴۷

دوستی بنده، با دوستداران خدا

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... أَرْشَدْتَهُ لِمُوَالَاهِ أَوْلِیَائِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دوستی با دوستانت راهنمایی اش نمودی.۶۷/۴۷

خدا، و مقرون نمودن دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله به دوستی خود

ص : ۵۸۹

بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مُوَالَاتَهُ بِمُوَالَاتِکَ... تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ کسی که دوستی اش را با دوستی خود قرین کرده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.

۸۶/۴۷

فزونی دوستی خدا، بر بنده

لَا تَمْنِحْنِی بِمَا لَا طَاقَهَ لِی بِهِ فَتَبْهَظَنِی مِمَّا تُحَمِّلُنِیهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِکَ

آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از فزونی دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی.۱۰۲/۴۷

دوستی دنیای پست

انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیَا دَنِیَّهٍ

دوستی دنیای پست را از دلم بَر کن.

۱۰۹/۴۷

رسوا نساختن بنده، در برابر دوستان خدا

لَا تَفْضَحْنِی بَیْنَ یَدَیْ أَوْلِیَائِکَ

در برابر دوستانت رسوایم نگردان.۱۱۴/۴۷

پایانی دوست داشتنی

فَأَحْیِنِی حَیَاهً طَیِّبَهً... تَبْلُغُ مَا أُحِبُّ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که به آنچه

دوست دارم پایان یابد.۱۱۷/۴۷

همسایگی با پاکیزه ترین دوستان خدا

جَاوِرْ بِیَ الْأَطْیَبِینَ مِنْ أَوْلِیَائِکَ فِی الْجِنَانِ الَّتِی زَیَّنْتَهَا لِأَصْفِیَائِکَ

در باغ هایی که آنها را برای برگزیدگانت آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستانتْ همسایه گردان.۱۲۸/۴۷

مکان های آماده شده (در بهشت)، برای دوستان خدا

جَلِّلْنِی شَرَائِفَ نِحَلِکَ فِی الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّهِ لِأَحِبَّائِکَ

در مکان هایی که برای دوستانت آماده کرده ای، به عطاهای والایت مرا بپوشان.۱۲۸/۴۷

محمّد صلی الله علیه و آله ، حبیب و دوست خدا

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ حَبِیبِکَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده و فرستاده و دوست خود، درود فرستی.

۳/۴۸

لعنت بر دوستان دشمنان جانشینان خدا

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ... وَ أَشْیَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ

خداوندا، دشمنان ایشان و دوستان و پیروانشان را لعنت کن.

۱۰/۴۸

ص : ۵۹۰

دوست داشتن فزونی پادشاهی خدا، نزد بنده

لَوْ أَنَّ عَذَابِی مِمَّا یَزِیدُ فِی مُلْکِکَ لَسَأَلْتُکَ الصَّبْرَ عَلَیْهِ، وَ أَحْبَبْتُ أَنْ یَکُونَ ذَلِکَ لَکَ

اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم و دوست داشتم که آن (فزونی) بر (ملک) تو باشد.۶/۵۰

ناتوانی نفس از شتاب نمودن به وعده خدا به دوستانش

أَشْکُو إِلَیْکَ یَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی عَنِ الْمُسَارَعَهِ فِیما وَعَدْتَهُ أَوْلِیاءَکَ

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده ای، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

نداشتن دوستی، جز خدا

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... لَا وَلِیَّ لَهُ دُونَکَ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دوستی برایش غیر تو نیست.۹و۸/۵۲

قرار دادن جایگاه بنده با دوستان خدا، در قیامت

اجْعَلْ فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ مَعَ أَوْلِیَائِکَ مَوْقِفِی

جایگاهم را در آن روز با دوستانت قرار ده.

۷/۵۳

قرار دادن بازگشت بنده در میان دوستان خدا، (به سرای جزا)

اجْعَلْ... فِی أَحِبَّائِکَ مَصْدَرِی

بازگشتم را در میان یارانت قرار ده.۷/۵۳

محبوبیّت عاملی به سبب عملش، نزد خدا

أَسْأَلُکَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ

از تو عملی را درخواست می کنم که به سبب آن هر کسی را که آن را انجام دهد، دوست داری.

۳/۵۴

همانندی رغبت بنده با دوستان خدا، در خواسته ها

اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِی فِی مَسْأَلَتِی مِثْلَ رَغْبَهِ أَوْلِیَائِکَ فِی مَسَائِلِهِمْ

خداوندا، رغبت مرا در درخواستم، همانند رغبت اولیای خود در خواسته هایشان قرار ده.

۶/۵۴

داشتن ترسی همانند ترس دوستان خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... رَهْبَتِی مِثْلَ رَهْبَهِ أَوْلِیَائِکَ

خداوندا، ترسم را مانند ترس اولیایت قرار

ده.۶/۵۴

آنچه بندگان محبوبیّت آن را نزد خود، از خدا خواستارند:

أ. آنچه خدا پسندیده است

حَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضِيتَ لِي

آنچه برایم پسندیده ای را محبوب من گردان.۶/۱۵

ب. همنشینی درویشان

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ

خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان.۴/۳۰

ج. ناپسندیده هایشان از تقدیر الهی

حَبِّبْ إِلَيْنَا مَا نَكْرَهُ مِنْ قَضَائِكَ

آنچه از مقدّراتت که نمی پسندیم، نزد ما محبوب فرما.۴/۳۳

دَه

ده برابر بودن مزد به جاآورنده نیکی

مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِهَا

هر کس کار نیکی به جا آورَد، پس برای او ده برابر آن است.۱۲/۴۵

دهان

گشوده بودن دهان کژدم های آتش دوزخ

وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَقَارِبِهَا الْفَاغِرَةِ أَفْوَاهُهَا

و از عقرب های آن که دهانشان گشوده است، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

دیدار

ترس از دیدار خدا

أَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفِ لِقَائِكَ. فَلَا مُسَكِّنَ لِرَوْعَتِی

به ترس دیدارت نزدیک گشته ام و آرامش دهنده ای برای ترسم ندارم.۱/۲۱

روز دیدار

فَأَدِّهِ عَنِّی... حَتَّی لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ... تُضَاعِفَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِی يَوْمَ أَلْقَاكَ يَا رَبِّ

پس آن (تکلیف) را از جانب من ادا کن. تا چیزی از آن بر من نمانَد که بخواهی به سبب آن بر بدی هایم بیفزایی، در روزی که تو را دیدار می کنم.ای پروردگار من.۷/۲۲

وَ كَانَتِ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ

و گورها تا روز دیدار (هنگام قیامت)، جایگاه ماندن باشد.۱۳/۴۲

توفیق دیدار همسایگانِ از سفر آمده

ص : ۵۹۲

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... تَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در دیدار با از سفر بازگشته شان، توفیق ده.۲/۲۶

دیدار مرزداران مسلمان، با دشمن

أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِکْرَ دُنْیَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ...

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر.۴/۲۷

دیدار نمودن آتش دوزخ، از ساکنانش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَی سُکَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَیْهَا مِنْ أَلِیمِ النَّکَالِ وَ شَدِیدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.۳۰و۲۹/۳۲

برانگیخته شدن، برای دیدار خدا

وَ لَا تُخْزِنِی یَوْمَ تَبْعَثُنِی لِلِقَائِکَ

و روزی که مرا برای دیدارت برمی انگیزی، خوارم نساز.۱۱۴/۴۷

شوق دیدار خداوند

شَوِّقْنِی لِقَاءَکَ

مرا به دیدارت مشتاق گردان.۱۲۶/۴۷

وَ اجْعَلْ فِیما عِنْدَکَ رَغْبَتِی شَوْقًا إِلَی لِقَائِکَ

و در آنچه نزد توست، رغبتم را، آرزومندی دیدارت قرار ده.۴/۵۴

رابطه نپسندیدن دیدار خدا و طول عمر

لَا یُعَمَّرُ فِی الدُّنْیَا مَنْ کَرِهَ لِقَاءَکَ

کسی که (مرگ و) دیدار تو را نپسندید، در دنیا عمر جاودان نیابد.۳/۵۲

دیدن بینایی

دیده چشم

دیروز

دیروز (روزهای گذشته)، و حرص مؤمنان به رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَیْکَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم!. ۴۱/۴۵

دیرینه

دیرینگی نیکی والدین، به فرزند

فَهُمَا... أَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَیَّ... مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ

پس احسانشان به من دیرینه تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم.۱۰/۲۴

ص : ۵۹۳

صاحب نعمت دیرین

إِنَّکَ ذُو... الْمَنِّ الْقَدِیمِ

به درستی که تو صاحب نعمت دیرینه ای.

۱۵/۲۴

قدیم بودن خدا

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْقَدِیمُ الْخَبِیرُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. قدیم آگاه.۷/۴۷

توأم ساختن سودهای دیرین الهی، با تازه های آن

اشْفَعْ لِی... قَدِیمَ فَوَائِدِکَ بِحَوَادِثِهَا

برای من سودهای دیرینت را، با تازه های آن توأم ساز.۱۲۱/۴۷

دیرینه بودن عفو الهی

إِنْ تَعْفُ عَنِّی فَقَدِیمًا شَمَلَنِی عَفْوُکَ

اگر از من درگذری، پس از دیرزمانیست که بخشایشت مرا فراگرفته است.۴/۵۰

دین

پیامبر صلی الله علیه و آله و احیای دین خداوند

قَطَعَ فِی إِحْیَاءِ دِینِکَ رَحِمَهُ

در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

۸/۲

رنج بردن پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دعوت (مردم) به دین خدا

أَتْعَبَهَا بِالدُّعَاءِ إِلَی مِلَّتِکَ

با دعوت به دین تو، خود را خسته کرد.

۱۴/۲

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، جهت ارجمندی دین

هَاجَرَ إِلَی بِلَادِ الْغُربَهِ، وَ مَحَلِّ النَّأْیِ عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ... إِرَادَهً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِینِکَ

از جایگاه اقامتش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزّت دهد.۱۶/۲

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و ارجمند نمودن دین الهی

وَ اشْکُرْهُمْ عَلَی... مَنْ کَثَّرْتَ فِی إِعْزَازِ دِینِکَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ

و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند، پاداش عنایت کن.

۸/۴

پیروی تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از دین ایشان

یَدِینُونَ بِدِینِهِمْ

...دین آنان را پیروی می کنند.

۱۲/۴

ص : ۵۹۴

قرار گرفتن بین زیان دینی و دنیوی

اللَّهُمَّ وَ مَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَ اجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است و بازگشت را در آنکه دوامش طولانی است قرار ده.

۲/۹

میراندن بنده، بر دین خدا

اجْعَلْنِي عَلَى مِلَّتِكَ أَمُوتُ وَ أَحْيَا

چنانم گردان که بر آئین تو بمیرم و زنده شوم.

۱۷/۲۰

وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّهِ نَبِيِّكَ: مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَفَّيْتَنِي

و هنگامی که مرا میراندی، بر دین خود و دین پیامبرت محمّد - که درود بر او باد - بمیران.

۱۳/۳۱

پیروی از پسندیده ترین مذاهب

وَفِّقْنِي... إِذَا تَنَاقَضَتِ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا

زمانِ تناقض آئین ها، به پسندیده ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

چگونگی برخورد با نعمت دینی یا دنیویِ دیگران

وَ ارْزُقْنِي سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّى لَا أَرَى

نِعْمَهً مِنْ نِعَمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت در دین یا دنیا داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.

۱۲/۲۲

سلامتی بنده، در دین و بدنش

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ وَ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَهِ فِی دِینِی وَ بَدَنِی

و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم بر من منّت گذار.۳/۲۳

گشودن دل بنده، برای مقاصد دین خدا

وَ اشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِینِکَ قَلْبِی

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

سالم داشتن دین و کیش فرزندان

أَصِحَّ لِی... أَدْیَانَهُمْ...

دینشان را برای من سالم بدار.۲/۲۵

سبب جنگیدن جنگجویان اهل دین خدا

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِکَ، أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ سُنَّتِکَ لِیَکُونَ دِینُکَ الْأَعْلَی وَ حِزْبُکَ الْأَقْوَی وَ حَظُّکَ الْأَوْفَی فَلَقِّهِ الْیُسْرَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد و هر مجاهدی از پیروان سنّت تو که با ایشان جهاد نماید، تا دین تو برتر و حزب تو قوی تر و بهره تو کامل تر گردد، پس او را با آسانی روبرو کن.۱۳/۲۷

اختصاص یافتن امّت اسلام، به دین خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... اخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ

سپاس خدای را که ما را به آئین خویش اختصاص داد.۲/۴۴

سپاس گزاری از خدا، به سبب عطای دین خود، به بندگان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی حَبَانَا بِدِینِهِ

سپاس خدای را که دین خود را به ما هدیه کرد.۲/۴۴

شکّ و دودلی، در دین خدا

جَنِّبْنَا... الشَّکَّ فِی دِینِکَ

ما را از شکّ در دینت دور گردان.۱۳/۴۴

پسندیده بودن آیین الهی

هَدَیْتَنَا لِدِینِکَ الَّذِی اصْطَفَیْتَ، وَ مِلَّتِکَ الَّتِی ارْتَضَیْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی و به آئینت که آن را پسندیدی، هدایت کردی.۱۹/۴۵

راهنمایی بنده، به دین خدا

هَدَیْتَنَا لِدِینِکَ الَّذِی اصْطَفَیْتَ، وَ مِلَّتِکَ الَّتِی ارْتَضَیْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی و به آئینت که آن را پسندیدی، هدایت کردی.۱۹/۴۵

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَیْتَهُ لِدِینِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دین خود راه نمودی اش.۶۷/۴۷

برتری امّت مسلمان، بر اهل سایرِ آئین ها

ثُمَّ آثَرْتَنَا بِهِ عَلَی سَائِرِ الْأُمَمِ، وَ اصْطَفَیْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمِلَلِ

سپس مـا را بر بقیـه امّت هـا بـه وسـیله آن (مـاه)، برتری دادی و بـه فضـیلت آن مـا را - نـه اهـل آئیـن هـای دیگر را - برگزیدی.۲۱/۴۵

درگذشتن خدا، از همه هم کیشان مسلمان

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنْ... أَهْلِ دِینِنَا جَمِیعًا

خداوندا از همه هم کیشان ما درگذر.۵۵/۴۵

طلبیدن خدا و یافتنش، برای دین یا دنیا

فَمَنِ الْتمَسَکَ لِدِینٍ أَوْ دُنْیا وَجَدَکَ

پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می یابد.۲۵/۴۷

نگهبانان دین الهی

ص : ۵۹۶

رَبِّ صَلِّ عَلَی أَطَائِبِ أَهْلِ بَیْتِهِ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ، وَ جَعَلْتَهُمْ... حَفَظَهَ دِینِکَ

پروردگـار من، بر پـاکیزه تران خـانواده اش درود فرست، آنـان که برای فرمـان خود برگزیـدی و آنـان را نگهبانـان دینت قرار دادی.۵۶/۴۷

تأیید دین خدا، به وسیله امام

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَیَّدْتَ دِینَکَ فِی کُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی.۶۰/۴۷

عامل زنده گرداندن نشانه های دین خدا

أَحْیِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِینِکَ

با او (ولیّ خود)، آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان.۶۲/۴۷

اقامه شرایع الهی، به وسیله ولیّ خدا

أَقِمْ بِهِ کِتَابَکَ وَ حُدُودَکَ وَ شَرَائِعَکَ

کتاب خود و احکامت و قوانینت را به وسیله او به پا دار.۶۲/۴۷

رها نکردن دین خدا، بر اثر ترس از کسی

اسْتَعْمِلْنِی فِی مَرْضَاتِکَ عَمَلًا لَا أَتْرُکُ مَعَهُ شَیْئًا مِنْ دِینِکَ مَخَافَهَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.

۶/۵۴

ذ

ذات

ره یافتن هدایت یافتگان، به نور ذات الهی

وَ إِنَّمَا یَهْتَدِی الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِکَ

و به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند.۱۱/۵

بزرگی کنْه و ذات خداوند

مَجْدُکَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ یُحَدَّ بِکُنْهِهِ

بزرگی تو بالاتر از آنست که حقیقت ذاتِ آن به حدّی درآید.۲۳/۴۶

واماندن اندیشه ها، از ادراک ذات خدا

أَنْتَ الَّذِی قَصُرَتِ الْأَوْهَامُ عَنْ ذَاتِیَّتِکَ

تویی آنکه اندیشه ها از حقیقت ذات تو قاصرند.۱۸/۴۷

سپاسی سزاوار بزرگی ذات خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَجِبُ لِکَرَمِ وَجْهِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که سزاوار ذاتِ

کریم تو باشد.۴۹و۳۶/۴۷

درخواست از خدا، به حقّ بزرگی ذات او

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِجَلَالِ وَجْهِکَ الْکَرِیمِ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن بزرگی ذات بزرگوارت، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

ذخیره

پُر گرداندن ابتدا تا انتهای روزِ بنده، به ذخیره (برای آخرت)

وَ امْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا

و دو طرف آن (روز) را برای ما از سپاس و ستایش و پاداش و ذخیره و فزونی و نیکی پر ساز.

۱۴/۶

ذخیره شدن پاداش بنده

صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِی مِنْ ثَوَابِکَ

نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی، در دلم بگذار.۱۵/۱۴

ذخیره شدن (ثوابِ) حجّ، عمره و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله ، نزد خدا

ص : ۵۹۹

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِيَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ، صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُکَ وَ بَرَکَاتُکَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ (وَ آلِ رَسُولِکَ) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ... وَ اجْعَلْ ذَلِکَ... مَذْخُورًا عِنْدَکَ

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت - که درودهایت بر او و رحمتت و برکاتت بر او و بر خاندانش باد - و خاندان پیامبرت - که درود بر ایشان باد - . و آن را ذخیره شده نزد خویش، قرار ده.

۴/۲۳

ذخیره شدن در گنجینه های الهی

مَا زَوَيْتَ عَنِّی مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَهِ فَاذْخَرْهُ لِی فِی خَزَائِنِکَ الْبَاقِيَهِ

آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما. ۵/۳۰

ستاندن ذخیره های گوناگونِ موردِ حرص بنده

فَأْجُرْنَا... أَجْرًا... نَعْتَاضُ بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الذُّخْرِ الْمَحْرُوصِ عَلَيْهِ

پس ما را پاداش ده. پاداشی که با آن

اندوخته های گوناگون که بر آن حریص و آزمند شده ایم را عوض بستانیم.۴۵/۴۵

ذرّه

همچون ذرّه بودن بنده

أَنَا... مِثْلُ الذَّرَّهِ أَوْ دُونَهَا

من مانند ذرّه ای یا کمتر از آنم.۷۵/۴۷

افزون نشدن ذرّه ای به پادشاهی خدا، با عذاب بنده

لَيْسَ عَذَابِی مِمَّا يَزِيدُ فِی مُلْکِکَ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ

عذاب من، چیزی نیست که ذرّه ای بر پادشاهی تو بیفزاید.۶/۵۰

ذرّیه نسل

ذلّت خواری

ذهن

پریشان گشتن ذهن، در وام

وَ هَبْ لِیَ الْعَافِیَهَ مِنْ دَیْنٍ... یَحَارُ فِیهِ ذِهْنِی

و مرا معاف دار، از وامی که ذهنم در آن سرگردان شود.۱/۳۰

ص : ۶۰۰

ر

راحتی آسایش

راز

پناه بردن به خدا، از بدی رازِ نهفته در دل

نَعُوذُ بِکَ مِنْ سُوءِ السَّرِیرَهِ

پناه می بریم به تو از نیّت بد.۶/۸

پنهان کردن اسرار همسایگان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... کِتْـمَانِ أَسْرَارِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در کتمان اسرارشان، توفیق ده.

۲/۲۶

خدا داناتر از بنده، به راز او

أَبَثَّکَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا

با خضوع، از رازهایش - آنچه را که خود به آن داناتری - برایت آشکار کرده.۹/۳۱

پوشیده نبودن رازهای نهانی، از خدا

لَا تَعْزُبُ عَنْکَ غَیِّبَاتُ السَّرَائِرِ

رازهای نهان، از تو غایب نیست.۱۱/۳۲

شرم نمودن از خویشان درباره اسرار خود

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ... وَ مِنْ ذِی رَحِمٍ کُنْتُ أَحْتَشِمُ مِنْهُ فِی سَرِیرَاتِی

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و از خویشاوندی که در کارهای مخفی خود از او شرم می نمودم، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

عدم اعتماد بنده، به رازپوشی (همسایه و خویشاوند)

لَمْ أَثِقْ بِهِمْ رَبِّ فِی السِّتْرِ عَلَیَّ

پروردگار من، در رازپوشی بر من، به آنها اعتماد ندارم.۲۲/۳۲

شنیدن نجوا و رازگویی بنده

اسْمَعْ نَجْوَایَ

نجوایم را بشنو.۲۵/۴۶

روز آشکار شدن رازها و پنهانی ها

وَ لَا تُهْلِکْنِی یَوْمَ تُبْلَی السَّرَائِرُ

و در روزی که پنهان ها آشکار می شود هلاکم نکن.۱۲۹/۴۷

گذاردن راز خود، نزد خدا

وَ أَسْأَلُکَ کُلَّمَا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِی، وَ حَیْثُ مَا کُنْتُ وَضَعْتُ عِنْدَکَ سِرِّی

و هر حاجتی که می خواهم، از تو درخواست می کنم و هر کجا که باشم راز خود را نزد تو می گذارم.۱۱/۵۱

رسوا ننمودن بنده، به سبب (بدیِ) راز نهفته در دل او

إِلَهِی لَمْ تَفْضَحْنِی بِسَرِیرَتِی

خدای من، به (ناپاکی) راز درونمْ مرا رسوا نکردی.۱۱/۵۱

راست و درست

قرار دادن گواه صادقی از فرشتگان، برای بندگان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِی کُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ... شَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِکَتِکَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، گواه صادقی از فرشتگانت قرار ده.

۱۶/۶

راهنمایی نمودن بنده، به راست ترین راه

وَ اهْدِنِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ

و مرا به راست ترین راه، راهنمایی کن.

۱۳/۱۴

بهره مند ساختن بنده، از نیّت صواب

مَتِّعْنِی بِهُدًی صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ... وَ نِیَّةِ رُشْدٍ لَا أَشُکُّ فِیهَا

مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به نیّت درستی که در آن تردید نکنم، بهرمند ساز.۵/۲۰

توفیق (آشنایی با) درست ترین کارها

وَفِّقْنِی إِذَا اشْتَکَلَتْ عَلَیَّ الْأُمُورُ لِأَهْدَاهَا

آنگاه که کارها بر من درهم گشت، به راست ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

سبب از روی دل شناختن درستی عمل

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی حَتَّی أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِکَ مِنْ قَلْبِی

و برای آخرتمْ رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم بشناسم.۸/۲۲

راست گرداندن کجی والدین، با فرزندان

اللَّهُمَّ... أَقِمْ بِهِمْ أَوَدِی

ص : ۶۰۲

خداوندا کجی مرا به وسیله ایشان راست فرما.

۴/۲۵

توفیقِ یافتنِ راه راست و درست

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوَفَّقِینَ لِلْخَیْرِ وَ الرُّشْدِ وَ الصَّوَابِ بِطَاعَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفّق گشته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

به جا بودن دوراندیشی دوراندیش

فَصَحَّ بِمُعَایَنَهِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ

پس دوراندیشی (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان، درست و به جاست.۷/۲۸

اثر برگزیدن راه راست

أَرْشَدَهُ إِلَی طَرِیقِ صَوَابِهِ اخْتِیَارُهُ

برگزیدن راه صواب، او را راهنمایی کرد.

۷/۲۸

بخشیدن باور و یقین صادق، به بنده

هَبْ لَنَا یَقِینًا صَادِقًا تَکْفِینَا بِهِ مِنْ مَؤُونَهِ الطَّلَبِ

ما را یقینی راستین ببخش، که بدان سبب ما را از زحمت طلب، بی نیاز نمایی.۲/۲۹

گفتار خدا، راست ترین گفتارها

فَقُلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ

پس فرمودی و فرموده تو راست و درست ترین است.۴/۲۹

مغرور نشدن صدّیقین، به (رحمت) خدا

فَأَمَّا أَنْتَ یَا إِلَهِی فَأَهْلٌ أَنْ لَا یَغْتَرَّ بِکَ الصِّدِّیقُونَ

و امّا تو ای خدای من، پس شایسته ای که راستگویان به تو مغرور نشوند.۱۳/۳۹

کردار راستین و کوتاه شدن آرزوها

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن.۱/۴۰

جدا نساختن بنده، از راه راست قرآن

اللَّهُمَّ فَکَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ حَتَّی... لَا یَخْتَلِجَنَا الزَّیْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِیقِهِ

خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، پس بر محمّد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا انحرافی ما را از راه راستش جدا نسازد.۶/۴۲

عذر خواستن صادقانه زبان ها، برای خدا

وَ لَکَ... مِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ الِاعْتِذَارِ

و عذر خواستن راستین زبان هایمان، برای توست.۴۵/۴۵

سپاسی از خدا، که باطنش با نیّت صادقانه موافق باشد

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفْقٌ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفْقٌ لِصِدْقِ النِّیَّهِ

سپاس برای توست. سپاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد و باطنش با نیّت صادقانه موافق باشد.۴۳و۳۶/۴۷

درست اندام آفریدن بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ خَلَقْتَنِی سَوِیًّا

خداوندا، تو مرا بی عیب و نقص آفریدی.

۱/۵۰

سرگردانی، به سبب انحرف از راه راست

فَأَنَا... الْمُتَرَدِّدُ فِی خَطِیئَتِی، الْمُتَحَیِّرُ عَنْ قَصْدِی

...از این رو من مردد در خطای خود و منحرف از راه راستم.۱/۵۳

میراندن بنده، بر صدق و راستی

اقْبِضْ عَلَی الصِّدْقِ نَفْسِی

مرا بر راستی بمیران.۴/۵۴

عطا نمودن توکّل راستین، به بنده

هَبْ لِی صِدْقَ التَّوَکُّلِ عَلَیْکَ

توکّل راستین به خود را، به من ارزانی دار.

۴/۵۴

رام

رام ساختن بنده، برای بندگی خدا

عَبِّدْنِی لَکَ

مرا به عبادت خود وادار.۳/۲۰

عامل رام کردن دل بنده

ذَلِّلْهُ بِالرَّغْبَهِ فِیما عِنْدَکَ أَیَّامَ حَیَاتِی کُلِّهَا

آن را با رغبت به آنچه نزد توست، در همه روزهای زندگی ام رام گردان.۱۰/۲۱

راندن

درود خدا، بر رانندگان ابر

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ... زَوَاجِرِ السَّحَابِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که حرکت دهندگان ابرند.۱۳و۱۱و۱۰/۳

شنیده شدن بانگ رعدها، از صدای رانده شدن فرشته

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ یُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای

راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود.

۱۴و۱۱و۱۰/۳

به حرکت درآمدن ابر، از صدای راندن فرشته

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِى بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَهُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد.۱۴و۱۱و۱۰/۳

همراه بودن راننده ای (در قیامت)، با هر کس

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِى كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ

...پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.

۲۴/۳

خدا، مددکار هر نیازمند رانده ای

يَا عَضُدَ كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ

ای یاور هر نیازمند رانده شده.۴/۱۶

شیطان، رانده شده (از رحمت الهی)

...الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

...شیطان رانده شده.

۱۳/۴۴، ۶/۲۵، ۶/۲۳، ۱/۱۷

بنده رانده شده، و درگاه انتقام الهی

...وَ أَخْرَجَنِى إِلَى فِنَاءِ نَقِمَتِكَ طَرِيدًا

...و مرا رانده شده، به سوی درگاه انتقامت درآورد.۱۳/۳۲

راه

قصد نمودن راه اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، به وسیله تابعین

الَّذِینَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ

آنان که راه ایشان را قصد نمودند.۱۰/۴

راه پرهیزکاری و راه تباهی

وَ اسْلُکْ بِنَا مِنَ التُّقَی خِلَافَ سَبِیلِهِ مِنَ الرَّدَی

و برخلاف راه هلاکت بار او (شیطان)، ما را به راه پرهیزکاری ببَر.۵/۱۷

بیرون نشدن از راه حقّ

مَتِّعْنِی بِهُدًی صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَ طَرِیقَهِ حَقٍّ لَا أَزِیغُ عَنْهَا

ص : ۶۰۵

مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به راه حقّی که از آن به بیراهه نروم، بهرمند ساز.۵/۲۰

راهنمایان به راه راست

اجْعَلْنِی... مِنْ أَدِلَّهِ الرَّشَادِ

مرا از راهنمایان به راه راست قرار ده.

۱۸/۲۰

وسیله رساندن بنده، به راه رستگاری

وَ أَصِبْ بِی سَبِیلَ الْهِدَایَهِ لِلْبِرِّ فِیما أُنْفِقُ مِنْهُ

و مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان.۲۳/۲۰

آسان گردیدن راه رسیدن به خوشنودی خدا

سَهِّلْ إِلَی بُلُوغِ رِضَاکَ سُبُلِی

راه هایم را برای رسیدن به خوشنودی ات، آسان فرما.۲۸/۲۰

روانه ساختن دل بنده، در خوشایندترین راه ها

وَ أَجْرِ بِهِ فِی أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَیْکَ

و آن را در محبوب ترین راه ها به سویت روانه فرما.۱۰/۲۱

گشودن دل بنده، برای راه های مستقیم

دین خدا

وَ اشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِینِکَ قَلْبِی

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

وسیله توفیق یافتن به راه راست

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوَفَّقِینَ لِلْخَیْرِ وَ الرُّشْدِ وَ الصَّوَابِ بِطَاعَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفّق گشته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

آموختن راه ها و روش ها، به مجاهد

عَلِّمْهُ السِّیَرَ وَ السُّنَنَ

راه ها و روش ها(ی جهاد) و سنّت ها(ی اسلامی) را، به او بیاموز.۱۴/۲۷

تنگ بودن راه های تیره پشت

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِینًا مِنْ صُلْبٍ... حَرِجِ الْمَسَالِکِ إِلَی رَحِمٍ ضَیِّقَهٍ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ، سرازیر نمودی.۲۳/۳۲

درخواست راهی آسان، برای روزی

أَسْأَلُکَ فِی أَنْ تُسَهِّلَ إِلَی رِزْقِی سَبِیلًا

ص : ۶۰۶

از تو درخواست می کنم که راهی آسان برای روزی ام، (فراهم) نمایی.۲۸/۳۲

راه پسندیده و ستوده

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ، وَ أَخْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَهِ وَاعِظًا لَنَا... وَ سَعْيًا إِلَى التَّوْبَهِ الْمَاحِيَهِ، وَ الطَّرِيقِ الْمَـحْمُودَهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی و بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده و (حرکت در) راه ستوده، قرار ده.

۳/۳۴

راه خدا، عفو و گذشت

ذَلِکَ أَنَّ... سَبِيلَکَ الْعَفْوُ

زیرا راه تو بخشایش است.۷/۳۷

سبب گمراه نگشتن از راه خدا

لَوْ لاَ أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِی مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِکَ ضَالٌّ

اگر او (شیطان)، باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی داد، هیچ گمراهیْ از راه تو گمراه نمی شد.۹/۳۷

راه کوشنده در بندگی خدا

...هَذَا يَا إِلَهِی... سَبِيلُ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ

...ای خدای من، این راه کسی است که در بندگی تو کوشیده.۱۴/۳۷

راه های ایمن شدگان

وَجِّهْنِی فِی مَسَالِکِ الْآمِنِينَ

مرا به سوی راه های ایمن شدگان بفرست.

۴/۴۱

آشکار نمودن راه های احکام خدا

جَعَلْتَهُ... قُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِکَ

آن را قرآنی قرار دادی که با آن راه های احکامت را روشن ساختی.۲و۱/۴۲

جدا نگشتن از راه راست قرآن

اللَّهُمَّ فَکَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ حَتَّى... لَا يَخْتَلِجَنَا الزَّيْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِيقِهِ

خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، پس بر محمّد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا انحرافی ما را از راه راستش جدا نسازد.۶/۴۲

آشکار ساختن راه های خوشنودی خدا

اللَّهُمَّ وَ کَمَا... أَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْکَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و چنان که به وسیله خاندانش، راه های خوشنودی به سوی خود را آشکار ساختی، پس بر محمّد و خاندانش درود

فرست.۸/۴۲

به راه پیامبر صلی الله علیه و آله رفتن

وَ اسْلُکْ بِنَا سَبِیلَهُ

و ما را به راه او ببر.۲۰/۴۲

سیر نمودن در راه روشن پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ خُذْ بِنَا مِنْهَاجَهُ

و ما را در راه روشن او سِیر ده.۲۰/۴۲

جهاد پیامبر صلی الله علیه و آله ، در راه خدا

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا... جَاهَدَ فِی سَبِیلِکَ

خداوندا او را به سبب اینکه در راه تو مجاهدت کرد، پاداش ده.۲۲/۴۲

راه های احسان خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... سَبَّلَنَا فِی سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُکَهَا بِمَنِّهِ إِلَی رِضْوَانِهِ

سپاس خدای را که ما را در راه های احسانش، راهی نمود، تا در آن (راه ها)، به وسیله نعمتش به سوی خوشنودی اش رویم.۲/۴۴

دور گرداندن بندگان، از کوری از راه خدا

جَنِّبْنَا... الْعَمَی عَنْ سَبِیلِکَ

ما را از کوری از راهت دور گردان.۱۳/۴۴

انفاق اموال، در راه خدا

مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ، وَ اللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.

۱۳/۴۵

یافتن شدن راهی، در سپاس خداوند

فَلَکَ الْحَمْدُ مَا وُجِدَ فِی حَمْدِکَ مَذْهَبٌ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که راهی در ستایش تو یافت شود.**۱۷/۴۵**

آسان بودن راه خدا

هَدَیْتَنَا لِدِینِکَ الَّذِی اصْطَفَیْتَ... وَ سَبِیلِکَ الَّذِی سَهَّلْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی و به راهت که آن را آسان نمودی، هدایت کردی.**۱۹/۴۵**

آسان شدن راه های نیکی، با رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ... صَاحِبٍ سَهَّلَ سُبُلَ الْإِحْسَانِ

درود بر تو همراهی که راه های احسان را آسان نمود.**۲۹/۴۵**

هموار بودن راه خدا

ص : ۶۰۸

سَبِيلُكَ جَدَدٌ

راه تو هموار است.۲۸/۴۷

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ، راه بهشت خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ... وَ جَعَلْتَهُمْ... الْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنها را راهی به سوی بهشت قرار دادی.۵۶/۴۷

دور ساختن سختی، از راه خدا

أَبِنْ بِهِ الضَّرَّاءَ مِنْ سَبِيلِكَ

به سبب او سختی را از راهت دور کن.

۶۲/۴۷

زدودن زنگار ستم، از راه خدا

اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ

با او زنگار ستم را از راهت بزدای.۶۲/۴۷

بیرون کردن منحرفان، از راه خدا

أَزِلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ

به وسیله او، منحرفان را از راهت بیرون کن.

۶۲/۴۷

نابود گرداندن کج طلبانِ راه راست خدا

امْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عِوَجًا

به وسیله او آنان که می خواهند راه راست تو

را کج کنند، نابود گردان.۶۲/۴۷

پیروی دوستان ائمه علیهم السلام ، از راه روشن ایشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الْمُتَّبِعِينَ مَنْهَجَهُمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که پیروان راه روشن ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

آسان نمودن راه نیکویی ها به سوی خدا

وَ سَهِّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ

و راه خیرات به سوی خود را برای من آسان گردان.۹۴/۴۷

درهم نشکستن بنده، همراه با منحرفان از راه های خدا

وَ لَا تُتَبِّرْنِي فِيمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْ سُبُلِكَ

و مرا در شمار شکستگانی که از راه های تو منحرف شده اند، در هم نشکن.۹۷/۴۷

قرار دادن راهی برای بنده، در حقّ

اجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ

برای من در راستای حقّ، از هر رحمتی راهی قرار ده.۱۲۹/۴۷

تحریف واجبات، از مقاصد راه های روشن خدا

يَرَوْنَ... فَرَائِضَكَ مُحَرَّفَةً عَنْ جِهَاتِ أَشْرَاعِكَ

ص : ۶۰۹

می بینند که واجبات از جهاتِ راه روشنت، تحریف شده است.۹/۴۸

فرود آمدن در راه های سختِ نابودی

حَلَلْتُ شِعَابَ تَلَفٍ

به راه های سختِ نابودی وارد شدم.۲/۴۹

راه های ناتوان کننده بنده

یَا کَهْفِی حِینَ تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ

ای پناه من، وقتی که راه ها مرا ناتوان می کند و راه نمی نماید.۷/۵۱

نبودن راهی برای بنده، جز در ملک خدا

کَیْفَ یَنْجُو مِنْکَ مَنْ لَا مَذْهَبَ لَهُ فِی غَیْرِ مُلْکِکَ؟

چگونه از تو رهایی یابد، کسی که در غیر قلمرو تو، راهی برایش نمی باشد؟۱/۵۲

انحرف از راه راست و در راه ماندن

فَأَنَا... الْمُتَحَیِّرُ عَنْ قَصْدِی، الْمُنْقَطَعُ بِی

...از این رو من منحرف از راه راست خویش و در راه مانده ام.۱/۵۳

راه رفتن

راه رفتن در بین مردم، با نور عطاشده از جانب خداوند

هَبْ لِی نُورًا أَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ

مرا نوری بخش که با آن در بین مردم راه روم.

۸/۲۲

راهنمایی

راهنمایی بندگان، به توبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی دَلَّنَا عَلَی التَّوْبَهِ الَّتِی لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ

سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را به دست نیاوردیم.۲۲/۱

گماشتن راهنما، از دوران آدم علیه السلام تا زمان محمّد صلی الله علیه و آله

أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - .۲/۴

سلام خدا، بر پیشوایان هدایت

أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، مِنْ أَئِمَّهِ الْهُدَی، وَ قَادَهِ أَهْلِ التُّقَی عَلَی جَمِیعِهِمُ السَّلَامُ

برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ، از امامانِ رستگاری و

پیشوایان اهل پرهیزکاری – که بر همه آنها درود باد – .۲/۴

به خوشنودی یاد نمودن خدا، از امامان رستگاری

أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا... مِنْ أَئِمَّهِ الْهُدَی... فَاذْکُرْهُمْ مِنْکَ بِمَغْفِرَهٍ وَ رِضْوَانٍ

برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از امامانِ رستگاری، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.۲/۴

راه یافتن تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، به راهنمایی ایشان

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَی التَّابِعِینَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَیْرَ جَزَائِکَ. الَّذِینَ... یَهْتَدُونَ بِهَدْیِهِمْ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعینِ نیکوکارِ ایشان برسان. همانها که به راهنمایی آنها راه می یابند.۱۲و۱۰و۹/۴

عدم نگرانی تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از اقتدا به نشانه های هدایت صحابه

لَمْ یَخْتَلِجْهُمْ شَکٌّ فِی... الِائْتِـمَامِ بِهِدَایَهِ مَنَارِهِمْ

تردیدی ایشان را از اقتدا به چراغ هدایت آنها آشفته نساخت.۱۱/۴

راهنمایی بندگان، به سوی خدا

اهْدِنَا إِلَیْکَ

ما را به سوی خود هدایت فرما.۹/۵

دانایی به وسیله راهنمایی خداوند

إِنَّ مَنْ... تَهْدِهِ یَعْلَمْ

زیرا هر کس را که هدایت کنی، دانا می شود.

۹/۵

هدایت شدن ره یافتگان، با نور ذات خدا

إِنَّمَا یَهْتَدِی الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِکَ

به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند.۱۱/۵

راهنمایی نمودن بندگان

إِنَّمَا یَهْتَدِی الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهْدِنَا

به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را هدایت فرما.۱۱/۵

وَ أَسْتَهْدِیکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهْدِنِی

و از تو راهنمایی می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا راهنمایی کن.

۲۰/۴۸

راهنمایی خدا و گمراهی گمراه کنندگان

اللَّهُمَّ... مَنْ هَدَیْتَ لَمْ یُغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّینَ

خداوندا هر که را تو راهنمایی نمودی، گمراهی گمراه کنندگان او را گمراه نکرد.۱۲/۵

ص : ۶۱۱

راهنمایانی راهنماینده به راه خدا

اجْعَلْنَا مِنْ... هُدَاتِکَ الدَّالِّینَ عَلَیْکَ

ما را از هادیان راهنمایی کننده به راه خود قرار ده.۱۵/۵

نگهداری ای راهنمایی کننده، به طاعت الهی

احْفَظْنَا... حِفْظًا... هَادِیًا إِلَی طَاعَتِکَ

ما را نگهداری کن، نگهداری ای که ما را به فرمانبرداریت راهنمایی کند.۱۷/۶

راهنمایی کردن گمراه

وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ إِرْشَادِ الضَّالِّ

ما را برای انجام نیکی و راهنمایی گمراهان، توفیق ده.۱۸/۶

پناه بردن به خدا، از مخالفت هدایت

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... مُتَابَعَهِ الْهَوَی

خداوندا به تو پناه می برم از پیروی هوا و هوس.۲و۱/۸

احسان به بنده، راهنمای او (به درگاه خدا)

إِحْسَانُکَ دَلَّنِی

احسان تو مرا راهنمایی کرد.۲۵/۱۳

راهنمایی بنده، به راست ترین راه

وَ اهْدِنِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ

و مرا به راست ترین راه، راهنمایی کن.

۱۳/۱۴

جهل بنده، نسبت به رشد و هدایت خود

فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّی، یَا إِلَهِی، بِرُشْدِهِ؟

پس ای خدای من، چه کسی به رستگاری خود نادان تر از من است؟۲۳/۱۶

دلالت داشتن آیات قرآن، بر عطایای فراوان الهی

إِنَّ ذَلِکَ... لَا یَؤُودُکَ فِی جَزِیلِ هِبَاتِکَ الَّتِی دَلَّتْ عَلَیْهَا آیَاتُکَ

بدرستی که این در برابر بخشش های بسیارت که نشانه هایت بر آن دلالت دارد بر تو سنگین نمی باشد.۳۴/۱۶

بهره مندی از هدایت، در برابر گمراهی

أَمْتِعْنَا مِنَ الْهُدَی بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ

ما را به اندازه گمراهی او (شیطان)، از رستگاری ات بهره مند گردان.۵/۱۷

بهره مند نمودن بنده، از هدایت شایسته

مَتِّعْنِی بِهُدًی صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ

مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم بهرمند ساز.۵/۲۰

توفیق پیروی از راهنما

وَفِّقْنِی لِطَاعَهِ مَنْ سَدَّدَنِی، وَ مُتَابَعَهِ مَنْ أَرْشَدَنِی

مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم گرداند و پیروی از کسی که ارشادم کرد، توفیق ده.

۸/۲۰

آسان بودن راهنمایی بنده، بر خدا

لَا أَضِلَّنَّ وَ قَدْ أَمْکَنْتُکَ هِدَایَتِی

(چنان کن که) گمراه نگردم، در حالی که می توانی هدایتم کنی.۱۴/۲۰

گویا فرمودن بنده، به هدایت و راهنمایی خدا

اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِی بِالْهُدَی

خداوندا و مرا به هدایت گویا کن.۱۶/۲۰

بودن در زمره راهنمایان به راه راست

اجْعَلْنِی... مِنْ أَدِلَّهِ الرَّشَادِ

مرا از راهنمایان به راه راست قرار ده.

۱۸/۲۰

راهنماییِ بنده، قبل از گمراه شدنش

فَامْنُنْ عَلَیَّ... قَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ

پس پیش از گمراهی، با راهنماییْ بر من منّت گذار.۲۰/۲۰

عطای نیکی راهنمایی

امْنِحْنِی حُسْنَ الْإِرْشَادِ

خوب ارشاد کردن را به من عطا نما.

۲۰/۲۰

بخشیدن راهنمایی حقیقی، به بنده

هَبْ لِی صِدْقَ الْهِدَایَهِ

مرا هدایت راستین ببخش.۲۲/۲۰

وسیله رساندن بنده، به راه هدایت

أَصِبْ بِی سَبِیلَ الْهِدَایَهِ لِلْبِرِّ فِیما أُنْفِقُ مِنْهُ

مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان.۲۳/۲۰

هدایت شدن در تاریکی ها، با نور بخشیده شده از جانب خداوند

هَبْ لِی نُورًا... أَهْتَدِی بِهِ فِی الظُّلُمَاتِ

مرا نوری بخش که در تاریکی ها با آن راه یابم.

۸/۲۲

گشایش دلْ برای راهنمایی های دین الهی

وَ اشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِینِکَ قَلْبِی

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

خدا، راهنماینده ترین کس

یَا أَهْدَی مَنْ رُغِبَ إِلَیْهِ

ای راهنماترین کسی که به او رغبت شده.

۱۱/۲۴

راهنمایی نمودن راه جویان از همسایگان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... هِدَایَهِ مُسْتَرْشِدِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در راهنماییِ راه جویشان، توفیق ده.

۲/۲۶

راهنمایی مجاهد مسلمان، به حسن نیّت

أَثْرِ لَهُ حُسْنَ النِّیَّهِ

او را به حسن نیّت، راهنمایی فرما.۱۴/۲۷

سبب راهنمایی دوراندیش، به راه راست

فَصَحَّ بِمُعَایَنَهِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ وَفَّقَهُ اعْتِبَارُهُ، وَ أَرْشَدَهُ إِلَى طَرِیقِ صَوَابِهِ اخْتِیَارُهُ

پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتنش سبب توفیق او شد و برگزیدن راه صواب، او را راهنمایی کرد.۷/۲۸

گشوده شدن دیده هدایتِ منکرِ احسان الهی

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِیطًا، وَ تَعَاطَى مَا نَهَیْتَ عَنْهُ تَغْرِیرًا.... کَالْمُنْکِرِ فَضْلَ إِحْسَانِکَ إِلَیْهِ حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى... فَرَأَى کَبِیرَ عِصْیَانِهِ کَبِیرًا

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده. مانند انکارکننده بسیاری فضل تو به

خودش. امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، پس گناه بزرگش را بزرگ دانست.۷و۶/۳۱

راهنمایی بندگان، به وسیله محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، کَمَا هَدَیْتَنَا بِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، همچنانکه ما را به سبب او هدایت کردی.

۳۰/۳۱

راه جستن از خدا

وَ أَسْتَهْدِيكَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا، وَ أَخَّرَ عَنْهَا

و از تو راهنمایی می خواهم، برای آنچه از آن (آتش) دور سازد و عقب گرداند.۳۱/۳۲

عدم راهنمایی کسی، بر عیب های پنهان بنده

فَكُلُّنَا قَد... تَسَتَّرَ بِالْمَسَاوِئِ فَلَمْ تَدْلُلْ عَلَيْهِ

چرا که هر کدام از ما عیب های پنهان داشت، پس کسی را بر (عیب های) او راهنمایی نکردی.

۱/۳۴

افزودن هدایت بنده

وَ زِدْنِي مِنْ هُدَاكَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي

و هدایت خود را برایم بیفزا، که با آن به توفیق در عملم برسم.۱۶/۳۷

آفرینش نفس بنده، و عدم راه جویی خدا

به سودی

أَسْتَوْهِبُکَ - یَا إِلَهِی - نَفْسِیَ الَّتِی لَمْ تَخْلُقْهَا... لِتَطَرَّقَ بِهَا إِلَی نَفْعٍ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به وسیله آن به سودی راه جویی.۷/۳۹

هدایت شده از دنیا رفتن

أَمِتْنَا مُهْتَدِینَ غَیْرَ ضَالِّینَ

ما را ره یافتگانِ ناگمراه، بمیران.۵/۴۰

هدایت شدن در تاریکی های گمراهی و نادانی

جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِی مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَهِ وَ الْجَهَالَهِ بِاتِّبَاعِهِ

آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم.۳/۴۲

قرآن، نور هدایت

جَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًی لَا یَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِینَ بُرْهَانُهُ

آن را نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدانْ خاموش نمی شود، قرا ده.۳/۴۲

هدایت شدن، با روشنی بامداد قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَهْتَدِی بِضَوْءِ صَبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که با نور صبحگاهش

راه می یابند.۷/۴۲

نطلبیدن هدایت، در غیر قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... لَا یَلْتَمِسُ الْهُدَی فِی غَیْرِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که در غیر آن هدایت را نمی جویند.۷/۴۲

به پا داشتن محمّد صلی الله علیه و آله ، برای راهنمایی به خدا

اللَّهُمَّ وَ كَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَهِ عَلَيْکَ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِیلَهً لَنَا إِلَی أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْکَرَامَهِ

خداونـدا و چنان که به وسـیله قرآن، محمّـد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی، پس بر محمّـد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت، قرار ده.۸/۴۲

راهنمایی بندگان، به سپاس گزاری از خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِحَمْدِهِ

سپاس خدای را که ما را برای سپاس گزاری اش راهنمایی فرمود.۱/۴۴

قرآن، راهنمای مردم

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ، هُدًی لِلنَّاسِ، وَ بَیِّنَاتٍ

ص : ۶۱۵

مِنَ الْهُدَی وَ الْفُرْقَانِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حقّ از باطل) است.۳/۴۴

راهنمایی از وحی، بر درِ توبه

جَعَلْتَ عَلَی ذَلِکَ الْبَابِ دَلِیلًا مِنْ وَحْیِکَ

بر آن درْ از وحی خود، راهنمایی قرار داده ای.

۱۰/۴۵

بهانه نداشتن غافل، پس از برپایی راهنما

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِکَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَهِ الدَّلِیلِ

پس – بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما – عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!۱۱/۴۵

راهنمایی بندگان، با سخن خدا

أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِکَ مِنْ غَیْبِکَ

تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود راهنمایی کردی.۱۴/۴۵

راهنمایی آفریده ای، به آنچه بندگان به آن راهنمایی شده اند

لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَی مِثْلِ الَّذِی دَلَلْتَ عَلَیْهِ عِبَادَکَ مِنْکَ کَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد.۱۷/۴۵

راهنمایی بندگان، به دین برگزیده شده از جانب خدا

هَدَیْتَنَا لِدِینِکَ الَّذِی اصْطَفَیْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی، هدایت کردی.۱۹/۴۵

راهنمایی بندگان، به سنّت ماه رمضان

أَنْتَ وَلِيٌّ... هَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ

تویی مولایی که ما را به روش آن، راهنمایی نمودی.۴۴/۴۵

شناخته شدن هدایت و راهنمایی

عُرِفَتِ الْهِدَايَهُ مِنْ عِنْدِكَ

هدایت از جانب تو شناخته شد.۲۵/۴۷

راهنما بودن امر الهی

أَمْرُكَ رَشَدٌ

فرمانت هدایتگر است.۲۸/۴۷

راهنمایی بنده، به دین خدا

ص : ۶۱۶

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دین خود راه نمودی اش.۶۷/۴۷

راهنمایی بنده، به دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنانش

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... أَرْشَدْتَهُ لِمُوَالَاةِ أَوْلِيَائِکَ، وَ مُعَادَاةِ أَعْدَائِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دوستی با دوستانت و دشمنی با دشمنانت راهنمایی اش نمودی.۶۷/۴۷

تقسیم نمودن هدایت، در بین مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِينَ مِنْ... هُدًى... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّى وَ نَصِيبِى مِنْهُ

خداوندا، ای پروردگار ما، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، هدایت را قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان. ۲/۴۸

سبب راهنمایی مؤمنان، به سوی خدا

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَوْ خَيْرٍ تَمُنُّ بِهِ عَلَيْهِمْ تَهْدِيهِمْ بِهِ إِلَيْکَ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّى وَ نَصِيبِى مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی را قسمت می نمایی

یا خیری را به ایشان عنایت می کنی و بدین وسیله آنان را به سوی خود هدایت می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

هدایت و راهنمایی خواستن، از خدا

وَ أَسْتَهْدِيکَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهْدِنِى

و از تو راهنمایی می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا راهنمایی کن.

۲۰/۴۸

راهنمایی کردن خدا و غافل ماندن بنده

إِلَهِى هَدَيْتَنِى فَلَهَوْتُ

خدای من، مرا راه نمودی، پس به کار بیهوده مشغول شدم.۱/۴۹

رأفت رحمت

ربوبیّت پروردگار

ربودن

ربوده شدن برکات رمضان، از بندگان

السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی... مَاضٍ مِنْ بَرَکَاتِکَ سُلِبْنَاهُ

درود بر تو و بر نیکی های گذشته ات که از ما ربوده شد.۴۲/۴۵

ربودن درجه والای درست کاران

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِکَ وَ أَصْفِیَائِکَ وَ مَوَاضِعَ

ص : ۶۱۷

أَمَنَائِکَ فِی الدَّرَجِهِ الرَّفِیعَهِ الَّتِی اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدِ ابْتَزُّوهَا

خداونـدا، به درستی که این مقـام، برای جانشـینان و برگزیـدگانت و جایگاه امانت دارانت است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی، (و دشمنان آن را) ربودند.۹/۴۸

رتبه مرتبه

رجا امید

رجوع بازگشت

رحلت کوچ

رحِم زهدان

رحمت

درود خدا بر فرشتگان رحمت

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت.۱۰/۳

گنجینه های نابودنشدنی رحمت خدا

یَا مَنْ لَا تَفْنَی خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ

ای کسی که گنج های رحمت او نابود نمی شود.

۳/۵

قرار دادن بهره برای بندگان، در رحمت

خدا

اجْعَلْ لَنَا نَصِیبًا فِی رَحْمَتِکَ

از رحمت خود برای ما بهره ای قرار ده.

۳/۵

خدا، مهربان با بندگان

أَنِّی أَشْهَدُ أَنَّکَ... رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ

همانا من شهادت می دهم که تو با بندگان بسیار مهربانی.۲۱/۶

خدا، مهربان ترین مهربانان

أَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ کُلِّ رَحِیمٍ

تویی مهربان تر از هر مهربان.۲۴/۶

یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

ای مهربان ترین مهربانان.

۳۵/۳۲، ۱۲و۲/۲۴، ۱۲/۲۰، ۱۰/۸ ۱۷/۴۹، ۲۸/۴۸، ۶۵/۴۷، ۷/۵۰ ۸/۵۴

یَدْعُوکَ بِیَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

تو را صدا می زند: ای مهربان ترین مهربانان.

۹/۱۲

أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ

تو بخشاینده ترین بخشایندگانی.۱۵/۲۴

فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ

پس تو بخشاینده ترین بخشایندگانی.

۱۴/۵۱

امر به بدی نمودن نفس، و رحم فرمودن خداوند

وَ لَا تُخَلِّ فِی ذَلِکَ بَیْنَ نُفُوسِنَا وَ اخْتِیَارِهَا، فَإِنَّهَا... أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ

و در آنگاه، نفوس ما را به اختیار خود وامگذار، چون آن به بدی امر می کند مگر تو رحم کنی. ۴/۹

رحم خدا، بر درخواست کننده رحمتش

أَوْلَی الْأُمُورِ بِکَ فِی عَظَمَتِکَ رَحْمَهُ مَنِ اسْتَرْحَمَکَ

سزاوارترین کارها به بزرگواری ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته.۵/۱۰

مهربانی خدا، با هر که او را بخواند

إِنَّکَ رَحِیمٌ بِمَنْ دَعَاکَ

به درستی که تو به هر که تو را خوانَد، مهربانی.

۵/۱۱

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی، رَاحِمٌ مَنْ دَعَاکَ فَأُبْلِغَ فِی الدُّعَاءِ؟

ای خدای من آیا تو بر کسی که تو را بخواند رحم کننده ای تا من هر چه بیشتر در دعا بکوشم؟

۱۵/۱۶

روی آوردن رحمت خواهان، به خدا

یَا أَرْحَمَ مَنِ انْتَابَهُ الْمُسْتَرْحِمُونَ

ای بخشنده ای که رحمت خواهان پی درپی نزد او می آیند.۹/۱۲

گردش آمرزش طلبان، به گِرد مهربان ترین کس (خدا)

یَا أَعْطَفَ مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ

ای مهربانی که آمرزش خواهان گرد او می گردند.۹/۱۲

رحم نمودن خدا به زاری بنده

کُنْ... لِتَضَرُّعِی رَاحِمًا

به زاریم ترحم فرما.۲۱/۱۳

فَارْحَمْ طُولَ تَضَرُّعِی

پس بر بسیاری زاریم رحم کن.۳۲/۱۶

خدا خود را به رحمت وصف فرموده

أَنْتَ الَّذِی وَصَفْتَ نَفْسَکَ بِالرَّحْمَهِ

تویی آنکه خود را به رحمت وصف نموده ای.

۱۸/۱۶

رحم نمودن به بنده

...وَ ارْحَمْنِی

...و به من رحم کن.۱۸/۱۶

فَارْحَمْنِی

پس به من رحم کن.۲۲/۳۲

وَ أَسْتَرْحِمُکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْحَمْنِی

و از تو رحمت می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن.

۲۲/۴۸

فَارْحَمْنِی یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

پس بر من رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان.

۷/۵۰

رهایی گردن خطاکاران، با امید به رحمت خدا

إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی... رَجَاءً لِرَحْمَتِکَ الَّتِی بِهَا فَکَاکُ رِقَابِ الْخَاطِئِینَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون امیدواری به رحمت تو - که رهایی گردن های خطاکاران است - می باشد.

۲۸/۱۶

اصلاح کار گنهکاران، با طمع در مهربانی خدا

إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی طَمَعًا فِی رَأْفَتِکَ الَّتِی بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِینَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست -. ۲۸/۱۶

رحم نمودن خدا، به سختی فقر بنده

فَارْحَمْ... شِدَّةَ مَسْکَنَتِی

پس بر شدّت نیازم رحم کن.۳۲/۱۶

رحم نمودن خدا، به بدی جایگاه بنده

فَارْحَمْ... سُوءَ مَوْقِفِی

پس بر بدی جایگاهم رحم کن.۳۲/۱۶

نیکی به والدین، همچون مادری مهربان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی... أَبَرُّهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ

خداوندا مرا چنان گردان که با آن دو (پدر و مادرم) همانند نیکیِ مادری مهربان، نیکی کنم.

۵/۲۴

مهربان نمودن دل فرزند، با والدین

وَ اعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِی

و دلم را بر آن دو مهربان گردان.۶/۲۴

فرزند، دلسوز و مهربان با والدین

صَيِّرْنِی بِهِمَا رَفِيقًا، وَ عَلَيْهِمَا شَفِيقًا

مرا با آنان دوست و برایشان دلسوز فرما.

۶/۲۴

وَ اجْعَلْهُمْ لِی مُحِبِّينَ، وَ عَلَيَّ حَدِبِينَ مُقْبِلِينَ

و آنان را دوستدار من و بر من مهربان، و به من متوجّه ساز.۴/۲۵

خدای مهربان

إِنَّکَ... رَؤُوفٌ رَحِيمٌ

همانا تو دلسوز و مهربانی.۱۲/۲۵

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست.

بخشنده مهربان.۶/۴۷

إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ

به درستی که تویی توبه پذیرِ بسیار مهربان.

۶۵/۴۷ ،۷/۵۰

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ الْحَنَّانُ

معبودی جز تو نیست، بردبارِ بزرگوار مهربان.

۲/۴۸

با مهربانی دلسوزی نمودن، بر همسایگان گرفتار

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَرِقُّ عَلَی أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً

و خداوندا مرا بر آن دار که با مهربانی بر بلادیدگان آنها، دلسوزی نمایم.۳/۲۶

نیازمندی هر کس به رحمت، جز خدا

مَنْ سِوَاکَ مَرْحُومٌ فِی عُمْرِهِ

غیر تو، در زندگی اش نیازمند رحمت می باشد.

۱۱/۲۸

بزرگ نشمردن مهربانی خدا

لَا یَسْتَعْظِمُ عَفْوَکَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَ رَحِمْتَهُ

اگر از او گذشتی و به او رحم آوردی، گذشتت را بزرگ نشمارد.۱۰/۳۱

رحم نمودن خدا، بر تنهایی بنده در برابر خود

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَحْدَتِی بَیْنَ یَدَیْکَ

خداوندا، پس به تنهایی ام در برابرت، رحم فرما.۲۳/۳۱

مهربانی خدا، با بنده خوار زاری کننده

وَ افْعَلْ بِی فِعْلَ عَزِیزٍ تَضَرَّعَ إِلَیْهِ عَبْدٌ ذَلِیلٌ فَرَحِمَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما.۲۴/۳۱

بنده و جلب مهربانی آسمانیان و زمینیان

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِکَ یَرْحَمُنِی لِسُوءِ مَوْقِفِی، أَوْ تُدْرِکُهُ الرِّقَّهُ عَلَیَّ لِسُوءِ حَالِی

شاید برخی از آنها به رحمتتْ بر بدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید.۲۷/۳۱

خدا، مهربان با خطاکاران توبه کار

إِنَّکَ أَنْتَ... الرَّحِیمُ لِلْخَاطِئِینَ الْمُنِیبِینَ

همانا تو بر خطاکارانِ توبه پیشه، مهربانی.

۲۹/۳۱

ناامید بازنگرداندن بنده، از رحمت خدا

لَا تَرْجِعْنِی مَرْجِعَ الْخَیْبَهِ مِنْ رَحْمَتِکَ

مرا به ناامیدی از رحمتت بازنگردان.

۲۹/۳۱

ص : ۶۲۱

پیوستگی رحمت خدا

خَرَجَتْ مِنْ يَدِی أَسْبَابُ الْوُصُلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُکَ

اسباب پیوندها از دستم بیرون رفته، جز آنچه به رحمتت وصل شده.۹/۳۲

احسان نمودن سود رحمت خدا، به بنده

وَ عُدْ عَلَيَّ بِعَائِدَهِ رَحْمَتِکَ

و سود رحمت خود را به من ارزانی دار.

۲۰/۳۲

مهربانی خواستن از مهربان ترین کس

أَنْتَ... أَرْأَفُ مَنِ اسْتُرْحِمَ

تو مهربان ترین کسی هستی که از او رحمت خواسته شد.۲۲/۳۲

غذا دادن خدا به بنده، همانند نیکوکاری مهربان

فَغَذَوْتَنِی بِفَضْلِکَ غِذَاءَ الْبَرِّ اللَّطِيفِ

پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربانْ خوراک دادی.۲۶/۳۲

نامهربانی آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ لَا تُبْقِی عَلَى مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْهَا، وَ لَا تَرْحَمُ مَنِ اسْتَعْطَفَهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که

بر زاری کنندگانش مهربان نیست و به مهرجویانش رحم نمی کند.۳۰و۲۹/۳۲

پناه جستن از آتش دوزخ، به بسیاری رحمت خدا

أَجِرْنِی مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِکَ

مرا به بسیاری رحمتت از آن (آتش) ایمن ساز.۳۲/۳۲

شتافتن رعد و برق، در رساندن رحمتی سودمند

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَیْنِ... یَبْتَدِرَانِ طَاعَتَکَ بِرَحْمَهٍ نَافِعَهٍ...

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند، به طاعتت می شتابند.۱/۳۶

رحمت خدا، در عوض دعای بنده در حقّ ستمگرش

عَوِّضْنِی مِنْ عَفْوِی عَنْهُمْ عَفْوَکَ، وَ مِنْ دُعَائِی لَهُمْ رَحْمَتَکَ

به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده.

۳/۳۹

تباهی بنده، و رحمت خداوند

إِلَّا تَغَمَّدْنِی بِرَحْمَتِکَ تُوبِقْنِی

اگر مرا به رحمتت نپوشانی، تباهم.۵/۳۹

رحمت الهی، و بار گران (گناهان)

وَ وَکِّلْ رَحْمَتَکَ بِاحْتِمالِ إِصْرِی

و رحمتت را به تحمّل بار سنگینم بگمار.

۹/۳۹

رسیدن رحمت خدا، به بدکاران

فَکَمْ قَدْ لَحِقَتْ رَحْمَتُکَ بِالْمُسِیئِینَ

پس چه بسیار رحمتت که به بدکاران رسید.

۹/۳۹

مرگ، کلیدی از کلیدهای رحمت خدا

اجْعَلْهُ... مِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِیحِ رَحْمَتِکَ

آن را کلیدی از کلیدهای رحمتت قرار ده.

۴/۴۰

سبب رحم نمودن خدا بر خواری مقام بندگان، در قیامت

ارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ذُلَّ مَقَامِنَا

به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت عرضه می شویم، بر خواری ما رحم کن.

۱۵/۴۲

فراخی رحمت خدا

إِنَّکَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ

به درستی که تو دارای رحمت گسترده هستی.

۲۱/۴۲

فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ

پس ای کسی که رحمتش وسیع است.

۸/۴۸

رحمت خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

درود و رحمت و برکات فزاینده خداوند، بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.

۲۲/۴۲

درآوردن بنده، در آبشخور رحمت خدا

أَوْرِدْنِی مَشَارِعَ رَحْمَتِکَ

مرا در آبشخورهای رحمتت درآور.۱/۴۱

درآوردن خود در رحمت خدا، با روزه و نماز شب

فَصُمْنَا بِأَمْرِکَ نَهَارَهُ، وَ قُمْنَا بِعَوْنِکَ لَيْلَهُ، مُتَعَرِّضِينَ بِصِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ لِمَا عَرَّضْتَنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِکَ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. در حالی که در معرض روزه داشتن و به پا خاستن (شبانه) بودیم، از رحمتت - بدان خاطر - به ما عرضه داشتی.

۲۱/۴۵

بریده و نابود نشدن مهربانی خدا

ص : ۶۲۳

اسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَ كَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِی لَا تَنْفَدُ

به مهربانی ات که نابود نمی شود، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار.۴۷/۴۵

عامل متوجّه گشتن رحمت خدا، به بنده

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ... أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ... عَطَفَتْ رَحْمَتَكَ عَلَيْهِ، فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است، یا به وسیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسته، که رحمتت را به او برگردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

رحم خدا، بر کسی که بندگان به او رحم نکنند

يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ

ای کسی که رحم می کند، به آنکه بندگان به او رحم نمی کنند.۱/۴۶

مهربانی خدا، با تجاوزکنندگان از حدّ

سُنَّتُكَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ

روش تو مهربانی با تجاوزکنندگان است.

۱۶/۴۶

شگفت از بسیاری رأفت و رحمت الهی

سُبْحَانَكَ مِنْ... رَؤُوفٍ مَا أَرْأَفَكَ، وَ حَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ

پاک و منزّهی! ای رئوفی که چه بسیار رئوفی! و حکیمی که چه بسیار آگاهی!۲۳/۴۷

سودمندترین مهربانی های خداوند

وَ تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعَ رَحَمَاتِكَ

و با سودمندترین رحمت هایت، بر او رحمت فرست.۵۰/۴۷

مهربانیِ ولیّ خدا را به بندگان بخشیدن

هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ

محبّت و رحمت و عطوفت و دلسوزی او را به ما روا دار.۶۳/۴۷

گسترد گی رحمت خدا، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَهَ يَوْمٌ... نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَکَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که رحمتت را در آن گسترده ای.۶۶/۴۷

پناه بردن به رحمت الهی

هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْکَ... لَائِذًا بِرَحْمَتِکَ

اینک منم در پیشگاه تو، پناه خواه به رحمتت.

۶۹/۴۷

سبب غلبه ناامیدی از رحمت خدا ، بر بنده

ص : ۶۲۴

لَا تُوءْیِسْنِی مِنَ الْأَمَلِ فِیکَ فَیَغْلِبَ عَلَیَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِکَ

از آرزومندی به خود ناامیدم نکن، که ناامیدی از رحمتت بر من چیره شود.۱۰۱/۴۷

کامیاب نمودن بنده، به شیرینی مهربانی خدا

أَوْجِدْنِی... حَلَاوَهَ رَحْمَتِکَ

مرا از شیرینی رحمتت، کامیاب گردان.

۱۲۵/۴۷

مهربان گرداندن دل بنده، با فروتنان

اعْطِفْ بِقَلْبِی عَلَی الْخَاشِعِینَ

دلم را بر فروتنان مهربان گردان.۱۲۷/۴۷

گشودن درهای رحمت خدا، بر بنده

افْتَحْ لِی أَبْوَابَ تَوْبَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ رَأْفَتِکَ...

درهای توبه و رحمت و رأفتت را بر من بگشای. ۱۳۲/۴۷

اطمینان بنده به رحمت خدا، بیش از عمل خود

إِنِّی بِمَغْفِرَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ أَوْثَقُ مِنِّی بِعَمَلِی

همانا اطمینانم به آمرزش و رحمت تو، از (اطمینانم به) عملم بیشتر است.۴/۴۸

رحمت خدا، فراخ تر از گناهان بنده

إِنِّی... لَمَغْفِرَتُکَ وَ رَحْمَتُکَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِی

همانا آمرزش و رحمت تو، از گناهانم وسیع تر است.۴/۴۸

گناهان بنده، و رحمت الهی

ثُمَّ لَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلَی عَظِیمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ

سپس اصرار بسیارِ آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازنداشت.۷/۴۸

رحمت خدا، بر برگزیدگانش

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... کَصَلَوَاتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ وَ تَحِیَّاتِکَ عَلَی أَصْفِیَائِکَ إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ

خداونـدا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. مانند رحمت ها و برکت ها و تحیّت هایی که بر برگزیدگانت: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی.

۱۱/۴۸

تنها امان دهنده کیفر خدا، رحمت او

لا یُجِیرُ مِنْ عِقَابِکَ إِلَّا رَحْمَتُکَ

از کیفرت، جز رحمتت پناه نمی دهد.

۱۳/۴۸

عذاب خدا و رحم نکردن کسی بر بنده

إِنْ عَذَّبْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَرْحَمُنِی

اگر مرا عذاب کنی، پس کیست آنکه به من

ص : ۶۲۵

رحم کند؟۱۵/۴۸

درخواست رحمت و مهربانی خدا

وَ أَسْتَرْحِمُکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْحَمْنِی

و از تو رحمت می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن.

۲۲/۴۸

روان نمودن جوی های رحمت و مهربانی

کَمْ مِنْ... جَدَاوِلِ رَحْمَهٍ نَشَرْتَهَا

چه بسیار جوی های رحمتی که روان نمودی.

۱۱/۴۹

ناامید نشدن از رحمت خدا

یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا

ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.۲/۵۰

مهربانی خدا، بر جان بی تاب و استخوان ضعیف بنده

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به

زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی.۵/۵۰

علّت درخواست مهربانی خدا

فَارْحَمْنِی اللَّهُمَّ فَإِنِّی امْرُوءٌ حَقِیرٌ، وَ خَطَرِی یَسِیرٌ

پس خداوندا، بر من رحم کن. زیرا من فردی حقیرم، و منزلتم اندک است.۶/۵۰

برتری دادن بنده، به وسیله رحمت الهی

إِلَهِی أَحْمَدُکَ -وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - ... عَلَی مَا فَضَّلْتَنِی بِهِ مِنْ رَحْمَتِکَ

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر رحمتت که مرا به وسیله آن برتری دادی. ۱/۵۱

رحم نمودن خدا، بر افتادن بنده با تمام رخسارش

ارْحَمْ کَبْوَتِی لِحُرِّ وَجْهِی وَ زَلَّهَ قَدَمِی

بر به رو افتادنم با تمام رخسارم، و بر لغزش گام هایم رحم کن.۴/۵۳

رحم نمودن خدا، بر پیری بنده و نزدیکی مرگ

ارْحَمْ شَیْبَتِی، وَ نَفَادَ أَیَّامِی، وَ اقْتِرَابَ أَجَلِی وَ ضَعْفِی وَ مَسْکَنَتِی وَ قِلَّهَ حِیلَتِی

ص : ۶۲۶

بر پیری ام و به آخر رسیدن روزهایم و نزدیک شدن مرگم و ناتوانی ام و نیازمندی ام و بیچارگی ام رحم کن.۴/۵۳

زمان نیازمندی به رحمت خدا

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْیَا أَثَرِی

مولای من! هنگامی که اثرم از دنیا قطع شود، به من رحم کن.۵/۵۳

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی عِنْدَ تَغَیُّرِ صُورَتِی وَ حَالِی إِذَا بَلِیَ جِسْمِی

مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، و حالم هنگامی که جسدم پوسیده گردد، بر من رحم کن.۶/۵۳

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی فِی حَشْرِی وَ نَشْرِی

مولای من! و در برانگیخته شدن و زنده شدنم به من رحم کن.۷/۵۳

مهربانی خدا، در دو سرا

یَا رَحْمَانَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ رَحِیمَهُمَا

ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو.۱/۵۴

آنچه رحمت خدا ایجاب می کند:

أ. انتظار بازگشت بندگان، (به راه راست)

انْتَظَرَ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا

به مهربانی اش از روی بردباری، بازگشت ما را انتظار کشید.۲۱/۱

ب. شتاب نکردن خدا، در کیفر بندگان

لَمْ یُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ، بَلْ تَأَنَّانَا بِرَحْمَتِهِ تَکَرُّمًا

در سرکوب ما عجله ننمود. بلکه به رحمتش از روی کرامت، به ما مهلت داد.

۲۱/۱

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ... کَرَمًا مِنْ عَفْوِکَ یَا کَرِیمُ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم!.۹/۴۵

ج. پناه دادن مؤمنان از آنچه خواستند

أَعِذْنِی مِنْ کُلِّ ذَلِکَ بِرَحْمَتِکَ وَ جَمِیعَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ

مرا و همه مردان و زنان با ایمان را به رحمتت از آنچه گفته شد پناه ده.۱۰/۸

د. گرد آمدن در سرای گرامی و محل آمرزش

اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِیَّ، وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لِی فَشَفِّعْنِی فِیهِمَا حَتَّی نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِکَ فِی دَارِ کَرَامَتِکَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان

پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو و محل آمرزش و رحمتت گرد آییم.

۱۵/۲۴

هـ. عطای درخواست های بندگان

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِکَ بِتَوْفِيقِکَ وَ رَحْمَتِکَ

خداوندا به توفیق و رحمتت همه آن (درخواست ها) را به ما عطا فرما.۱۲/۲۵

و. شناساندن بزرگی و برتری قرآن

اللَّهُمَّ فَکَمَا... عَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِکَ شَرَفَهُ وَ فَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

خداوندا، پس همچنان که به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمّد که با آن سخن راند، درود فرست.

۶/۴۲

ز. گشاد گشتن تنگی لحد

وَ افْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِکَ فِی ضِيقِ مَلَاحِدِنَا

و به رحمتت، تنگی لحدهایمان را برای ما گشاد گردان.۱۴/۴۲

ح. در صف سزاوارانِ بالاترین مرتبه قرار گرفتن

وَ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى

بِرَحْمَتِکَ

و ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحقّ بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده.۱۲/۴۴

ط. گماشتن بندگان به آنچه سبب کفّاره (گناه) شود

وَ اسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَکُونُ حِطَّةً وَ کَفَّارَةً لِمَا أَنْکَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِکَ الَّتِی لَا تَنْفَدُ

و به مهربانی ات که نابود نمی شود، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی

پسندی، بگمار.۴۷/۴۵

ی. بودن با ائمه علیهم السلام ، در سرای سلامت

اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِی دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِکَ، یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

ما را به همراه آنان در خانه سلامتی (بهشت) قرار ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.۶۵/۴۷

ک. قرار دادن راهی در حقّ، برای بنده

اجْعَلْ لِی فِی الْحَقِّ طَرِیقًا مِنْ کُلِّ رَحْمَهٍ

برای من در راستای حقّ، از هر رحمتی راهی قرار ده.۱۲۹/۴۷

ل. احسان خدا، بر بنده

عُدْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِکَ

به رحمتتْ بر من نیکی کن.۸/۴۸

م. فرونیامدن بلا، بر بنده

وَ قَدْ کَادَ أَنْ یَحُلَّ بِی - لَوْ لَا رَحْمَتُکَ - مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ

و اگر رحمت تو نبود، نزدیک بود بر من فرود آید، آنچه بر خودش فرود آمد.۸/۴۹

ن. بازگرداندن بنده، به بخشش الهی

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُثْنِیَنِی بِالْکَثِیرِ مِنْ کَرَامَتِکَ بِرَحْمَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که با رحمت خویش مرا به بسیاریِ بخشش خود بازگردانی.

۱۰/۵۲

س. رهایی دادن بنده، از آزمایش های گمراه کننده

نَجِّنِی مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

مرا از آزمایش های گمراه کننده نجات ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.

۸/۵۴

رخسار چهره

رخصت اذن

ردّ

دست ردّ نزدن خدا، بر پیشانی بنده

إِلَهِی... لَا تَجْبَهْنِی بِالرَّدِّ وَ قَدِ انْتَصَبْتُ بَیْنَ یَدَیْکَ

خدای من در حالی که در پیشگاه تو ایستاده ام دست رد بر پیشانی ام نزن.۱۷/۱۶

یَا مَنْ لَا یَجْبَهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَّهِ عَلَیْهِ

ای کسی که دست رد بر پیشانی آنان که به محبّت او اعتماد دارند، نمی زند.۵/۴۶

وَ لَا تَجْبَهْنِی بِالرَّدِّ فِی مَسْأَلَتِی

و در خواهشم، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۲۵/۴۶

لَا تَجْبَهْنِی بِمَا جَبَهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِینَ لَکَ

همانگونه که دست رد بر پیشانی ستیزه جویان با خود زده ای، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۱۱۶/۴۷

ردا عبا

رذالت خواری

رزق

نیافتن روزی به اندازه کافی

وَ نَعُوذُ بِکَ... مِنْ فِقْدَانِ الْکَفَافِ

و پناه می بریم به تو از نیافتن روزی کافی.

۷/۸

ص : ۶۲۹

سبب روزی خواستن از روزی خواران

صُنْ وَجْهِی بِالْیَسَارِ، وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِی بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِکَ

آبرویم را با توانگری حفظ کن و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم.۲۶/۲۰

اللَّهُمَّ إِنَّکَ ابْتَلَیْتَنَا فِی أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ... حَتَّی الْتمَسْنَا أَرْزَاقَکَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِینَ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمانْ به بدگمانی، آزمودی. تا جایی که روزی های تو را از روزی خواران درخواست نمودیم.۱/۲۹

فراوان گشتن روزی های فرزندان، برای والدین

أَدْرِرْ لِی وَ عَلَی یَدِی أَرْزَاقَهُمْ

برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما. ۲/۲۵

فراخی روزی حلال، بر برخی از بندگان

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوسَعِ عَلَیْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِکَ، الْوَاسِعِ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به جود و کرم تو از فضل گسترده ات روزی حلال برای آنان سرشار شده، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

نیرومندی، روزیِ مجاهد مسلمان

وَ ارْزُقْهُ الشِّدَّةَ

و نیرومندی را، روزی اش کن.۱۴/۲۷

آزمایش بنده و بدگمانی در روزی ها

اللَّهُمَّ إِنَّکَ ابْتَلَیْتَنَا فِی أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمانْ به بدگمانی، آزمودی.۱/۲۹

کفالتِ روزی بندگان، از جانب خدا

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ... قَاطِعًا لِاهْتِمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ، وَ حَسْمًا لِلِاشْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْکِفَایَهَ لَهُ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای و قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت فرموده ای قرار ده.۳/۲۹

در آسمان بودن روزی بندگان

فَقُلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ... وَ فِی السَّمَاءِ رِزْقُکُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ

پس فرمودی و فرموده تو راست و درست ترین است: «و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است.»۴/۲۹

روزی ای به اندازه کفاف

وَ أَجِرْنی مِنْهُ بِوُسْعٍ فَاضِلٍ أَوْ کَفَافٍ وَاصِلٍ

و مرا با ثروتِ فراوان و روزیِ کافی، از آن

ص : ۶۳۰

(قرض) نجات ده.۲/۳۰

روزی ای از اسباب حلال

أَجْرِ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِی

روزی هایم را از اسباب حلال، پیوسته گردان.

۳/۳۰

خوراک جنین در رحِم مادر، و نیازمندی به روزی خدا

...حَتَّی إِذَا احْتَجْتُ إِلَی رِزْقِکَ... جَعَلْتَ لِی قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرَیْتَهُ لِأَمَتِکَ الَّتِی أَسْکَنْتَنِی جَوْفَهَا

...تا هنگامی که به روزی تو محتاج شدم. از زیادی خوردنی و آشامیدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی.۲۴/۳۲

خدا، بهترین روزی دهندگان

إِنَّکَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ

به درستی که تو بهترین روزی دهندگانی.

۲۸/۳۲

آسان گرداندن روزی بنده، بر او

سَهِّلْ عَلَیَّ رِزْقِی

روزی ام را بر من آسان فرما.۲۸/۳۲

فراهم نمودن راهی آسان، برای روزی بنده

أَسْأَلُکَ فِی أَنْ تُسَهِّلَ إِلَی رِزْقِی سَبِیلًا

از تو درخواست می کنم که راهی آسان برای روزی ام، (فراهم) نمایی.۲۸/۳۲

تقسیم عادلانه روزی های بندگان

شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَایِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ

گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود.۱/۳۵

آفت نفرستادن بر روزی

لَا تُرْسِلْ عَلَی مَعَایِشِنَا عَاهَهً

زیانی بر معیشت ما نفرست.۲/۳۶

بیرون نمودن وسوسه دل ها، با روزی خدا

أَخْرِجْ وَحَرَ صُدُورِنَا بِرِزْقِکَ

وسوسه دل هایمان را، با روزی ات بگشا.

۴/۳۶

توانایی بر طاعت، در اثر خوردن روزی

لَمْ تَسُمْهُ الْقِصَاصَ فِیما أَکَلَ مِنْ رِزْقِکَ الَّذِی یَقْوَی بِهِ عَلَی طَاعَتِکَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی.۱۳/۳۷

عوض نخواستن از بنده، به خاطر روزی خوردنش

ثُمَّ لَمْ تَسُمْهُ الْقِصَاصَ فِیما أَکَلَ مِنْ رِزْقِکَ

ص : ۶۳۱

سپس از او در آنچه از روزی تو خورد، تقاص نخواستی.۱۳/۳۷

عامل سوق دادن روزی های فراوان، به سوی بندگان

سُقْ إِلَیْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَیْشِ وَ خِصْبَ سَعَهِ الْأَرْزَاقِ

به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده.

۱۲/۴۲

روزی خدا، به معصیت کار

رِزْقُکَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاکَ

روزیِ تو برای کسی که تو را نافرمانی کرده، گسترده است.۱۶/۴۶

کامیابی به شیرینی روزیِ الهی

أَوْجِدْنِی... حَلَاوَهَ رَحْمَتِکَ وَ رَوْحِکَ وَ رَیْحَانِکَ

مرا از شیرینی رحمتت و آسودگی و روزیت، کامیاب گردان.۱۲۵/۴۷

گشودن درهای روزی فراخ

افْتَحْ لِی أَبْوَابَ... رِزْقِکَ الْوَاسِعِ

درهای روزی فراخت را بر من بگشای.

۱۳۲/۴۷

طلب روزی از خدا

وَ أَسْتَرْزِقُکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْزُقْنِی

و از تو روزی می طلبم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا روزی ده.۲۴/۴۸

روزی دادن به بنده، به قدر کفایت

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... رَزَقْتَنِی مَکْفِیًّا

خداوندا، تو به قدر کفایت، به من روزی دادی. ۱/۵۰

بی نیازی از دیگران، روزی خدا به بنده

وَ رَزَقْتَنِی فِی أُمُورِی کُلِّهَا الْکِفَایَهَ

و بی نیازی را در همه کارهایم به من روزی دادی. ۲/۵۱

نبودِ زندگی برای بنده، جز با روزی خدا

کَیْفَ یَسْتَطِیعُ أَنْ یَهْرُبَ مِنْکَ مَنْ لَا حَیَاهَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِکَ؟

چگونه می تواند از تو بگریزد، آنکه جز به وسیله روزی اتْ زندگی برایش نیست؟۱/۵۲

روزی خواری از خدا و پرستش غیر خدا

وَ أَهْوَنُهُمْ عَلَیْکَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ یَعْبُدُ غَیْرَکَ

و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد.۲/۵۲

آنچه بنده از خدا می خواهد، که روزی او گرداند:

أ. رغبت در عمل برای خدا و آخرت

ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی

برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان.۸/۲۲

ب. ترس کیفر و ترس اندوه آن

وَ ارْزُقْنِی خَوْفَ غَمِّ الْوَعِیدِ... حَتَّی أَجِدَ... کَأْبَهَ مَا أَسْتَجِیرُ بِکَ مِنْهُ

و ترسِ اندوهِ وعده ها(ی عذاب) را روزی ام فرما. تا اندوه آنچه را که از آن به تو پناه می آورم، دریابم.۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِیدِ

خداوندا ترسِ کیفرِ هشدارداده شده را روزی ما گردان.۵۳/۴۵

ج. شوق ثواب وعده داده شده

وَ ارْزُقْنِی... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را روزی ام فرما.۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

خداوندا شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان.۵۳/۴۵

د. اعتراف به حق

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ فِی الْیُسْرِ وَ الْعُسْرِ وَ الصِّحَّهِ وَ السَّقَمِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در

آسانی و سختی و تندرستی و بیماری به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما.۱۱/۲۲

هـ. سلامتی سینه از حسد

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان.

۱۲/۲۲

و. نگهداری از خطاها و لغزش ها

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

و مرا خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده.

۱۳/۲۲

ز. همانند آنچه را که درباره همسایگان درخواست می کند

وَ ارْزُقْنِی مِثْلَ ذَلِکَ مِنْهُمْ، وَ اجْعَلْ لِی أَوْفَی الْحُظُوظِ فِیما عِنْدَهُمْ

و مرا مانند همین امور از جانب آنان روزی فرما و از آنچه ایشان دارند، کامل ترین بهره ها را برای من قرار ده.۴/۲۶

رسالت پیام

ص : ۶۳۳

رسایی

رساترین خشوع و فروتنی

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا... عَلَی أَتَمِّ الطَّهُورِ وَ أَسْبَغِهِ، وَ أَبْیَنِ الْخُشُوعِ وَ أَبْلَغِهِ

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود با پاکی تمام و فراگیر، و روشن ترین و رساترین خشوع به جا آورده اند.

۹/۴۴

رساتر گشتن حجّت خدا

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا... بَلْ لِتَکُونَ حُجَّتُکَ أَبْلَغَ

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر باشد.

۲۲/۴۶

رستاخیز قیامت

رستگاری

اسباب رستگار شدن بندگان

یَا مَنْ شُکْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاکِرِینَ

ای که سپاس او برای سپاس گزاران رستگاری است.۱/۱۱

فَیَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَهٍ هِیَ أَسْمَعُ لَدَیْکَ مِنْ دُعَائِی... تَکُونُ بِهَا... فَوْزَتِی بِرِضَاکَ

پس دعایی از او به من رسد که از دعای من

نزد تو شنیدنی تر است، که رستگاری ام به خوشنودی ات به وسیله آن حاصل شود.۲۷/۳۱

فَذَکَرُوکَ بِمَنِّکَ، وَ شَکَرُوکَ بِفَضْلِکَ... وَ فِیهَا کَانَتْ... فَوْزُهُمْ بِرِضَاکَ

پس با نعمتِ خودت، تو را یاد کردند و با تفضّلت، تو را شکر گزاردند و در (همه) اینها رستگاریشان به خوشنودی ات است.۱۶/۴۵

رستگاری در قیامت

ارْزُقْنِی فَوْزَ الْمَعَادِ

رستگاریِ قیامت را روزی ام فرما.۱۸/۲۰

قرار دادن بنده، در زمره رستگاران

وَ اجْعَلْنِی فِی فَوْجِ الْفَائِزِینَ

و مرا در گروه رستگاران قرار ده.۴/۴۱

اراده خدا، بر رستگار شدن بندگان

أَنْتَ الَّذِی زِدْتَ فِی السَّوْمِ عَلَی نَفْسِکَ لِعِبَادِکَ، تُرِیدُ رِبْحَهُمْ فِی مُتَاجَرَتِهِمْ لَکَ، وَ فَوْزَهُمْ بِالْوِفَادَهِ عَلَیْکَ

تویی آنکه در داد و ستد با بندگانت، در بهای آن بر خود افزوده ای. می خواهی در تجارت کردنشان با تو، سود برند و در آمدن به سوی تو و افزونی یافتن از جانب تو، رستگار شوند.۱۲/۴۵

رسوایی

رسوا نساختن بندگان، نزد خدا

ص : ۶۳۴

لَا تَفْضَحْنَا لَدَيْکَ

ما را پیش خود رسوا نکن.۶/۵

رسوا نگشتن بندگان نزد نویسندگان اعمال

لَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا

ما را نزد آنها به سبب زشتی رفتارمان رسوا نگردان. ۱۵/۶

پوشاندن عیب بنده، و رسوا نساختنش

فَکَمْ مِنْ عَائِبَهٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِی

چه بسیار عیب هایی که بر من پوشاندی و رسوایم نکردی.۲۱/۱۶

رسوا ننمودن بنده

إِلَهِی فَإِذْ قَدْ تَغَمَّدْتَنِی بِسِتْرِکَ فَلَمْ تَفْضَحْنِی...

خدای من، اکنون که مرا به پرده (عفو) خود پوشاندی و رسوایم نکردی...۳۲/۱۶

رسواگریِ کردار زشت

اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ... قَبِیحِ مَا فَضَحَهُ فِی حُکْمِکَ

از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته.۹/۳۱

گناهان، و ماندگاری بنده، در جایگاه رسوایی

فَقَدْ أَقَامَتْنِی یَا رَبِّ ذُنُوبِی مَقَامَ الْخِزْیِ بِفِنَائِکَ

پس ای پروردگار من، گناهانم به درگاهت، مرا

در جایگاه رسوایئ ماندگار نموده.۲۳/۳۱

سلامت داشتن بنده، از رسوایی گناهان

وَ کَبَائِرِ ذُنُوبٍ اجْتَرَحْتُهَا، کَانَتْ عَافِیَتُکَ لِی مِنْ فَضَائِحِهَا سِتْرًا

و گناهان بزرگی انجام داده ام که عافیت داشتن تو از رسوایی های آن، برای من پوششی گردید.

۱۸/۳۲

پناه دادن بنده، از رسوایی های سرای هستی

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

رسوا نساختن بنده، در اثر ارتکاب کار زشت

فَکُلُّنَا قَدِ اقْتَرَفَ الْعَائِبَهَ فَلَمْ تَشْهَرْهُ، وَ ارْتَکَبَ الْفَاحِشَهَ فَلَمْ تَفْضَحْهُ

چرا که هر کدام از ما کار ناپسند انجام داد، او را مشهور (در بدکاری) نکردی و کردار زشت به جا آورد، پس او را رسوا ننمودی.۱/۳۴

درخواستِ رسوا نشدن آزاردهنده بنده، از خدا

ص : ۶۳۵

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّی مَا حَظَرْتَ عَلَیْهِ... فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّی... وَ لَا تَکْشِفْهُ عَمَّا اکْتَسَبَ بِی

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز و از آنچه بر من کرده، رسوایش نساز.۲/۳۹

پوشاندن امور رسواکننده بنده

وَ اطْوِ عَنْهُمْ مَا یُلْحِقُنِی عِنْدَکَ شَنَارًا

و آنچه نزد تو مرا رسوا می نماید، از آنان بپوشان.۳/۴۱

رسوا نساختن بندگان، در قیامت

لَا تَفْضَحْنَا فِی حَاضِرِی الْقِیَامَهِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا

ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضرانِ قیامت، رسوا نکن.۱۴/۴۲

پوشاندن (گناه) بنده و رسوا نکردنش

تَسْتُرُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی.۸/۴۵

سزاوار رسوایی

تَسْتُرُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ، وَ تَجُودُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ، وَ کِلَاهُمَا أَهْلٌ مِنْکَ لِلْفَضِیحَهِ وَ الْمَنْعِ

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی، و می بخشی بر کسی که اگر می خواستی، محرومش می کردی. و حال آنکه هر دو از جانب تو سزاوار رسوایی و محرومیّتند.

۸/۴۵

بازایستادن از نافرمانی های رسواکننده

وَ أَشْعِرْ قَلْبِیَ الِازْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّیِّئَاتِ، وَ فَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ

و دلم را به خودداری از گناهان زشت و نافرمانی های رسواکننده بپوشان.۱۰۷/۴۷

رسوا نشدن در برابر دوستان خدا

لَا تَفْضَحْنِی بَیْنَ یَدَیْ أَوْلِیائِکَ

در برابر دوستانت رسوایم نگردان.۱۱۴/۴۷

پوشاندن گناه، یا رسوا نمودن آن

أَنَّکَ بِأَنْ تَعْفُوَ أَوْلَی مِنْکَ بِأَنْ تُعَاقِبَ، وَ أَنَّکَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْکَ إِلَی أَنْ تَشْهَرَ

به درستی که تو به بخشایش شایسته تری تا اینکه کیفر کنی. و به پرده پوشی نزدیک تری تا اینکه رسوا سازی.۱۱۶/۴۷

به پا نداشتن بنده، در مقام رسوایی

وَ إِذْ لَمْ تُقِمْنِی مَقَامَ فَضِیحَهٍ فِی دُنْیَاکَ فَلَا تُقِمْنِی مِثْلَهُ فِی آخِرَتِکَ

و آن زمان که مرا در دنیایت در مقام رسوایی به پا نداشتی، پس مانند آن در آخرتت مرا (در مقام رسوایی) به پا ندار.۱۲۰/۴۷

ص : ۶۳۶

رسوایی بنده، در صورت عدم عیب پوشی خداوند

فَلَوْ لَا سَتْرُکَ عَوْرَتِی لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِینَ

پس اگر عیب پوشی تو (از موجبات) شرمندگی ام نبود، هر آینه از رسواشدگان بودم.

۷/۵۱

رسوا نساختن بنده، به سبب نیّتش

إِلَهِی لَمْ تَفْضَحْنِی بِسَرِیرَتِی

خدای من، به (ناپاکی) راز درونم مرا رسوا نکردی.۱۱/۵۱

رسول فرستاده

رسیدن

رسیدن بنده به پایان زندگی اش

...إِذَا بَلَغَ أَقْصَی أَثَرِهِ

...زمانی که به پایان عمرش رسد.۶/۱

رسیدن به فرمانبری از خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکُونُ وُصْلَةً إِلَی طَاعَتِهِ وَ عَفْوِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که به طاعت و بخشایش او برسیم.۲۹و۲۷/۱

زحمت پیامبر صلی الله علیه و آله ، در رساندن پیام خدا

أَدْأَبَ نَفْسَهُ فِی تَبْلِیغِ رِسَالَتِکَ

در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.

۱۳/۲

رساننده غیب به پیامبران خدا

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ حُمَّالِ الْغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که رسانندگان اخبار نهانی بر رسولانت می باشند.۱۰/۳

رساندن درود بندگان، بر فرستادگان خدا

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست.۲۶/۳

رساندن چیزهایی از صحابه به تابعین

لَا يَتَّهِمُونَهُمْ فِيما أَدَّوْا إِلَيْهِمْ

به آنچه آنها رساندند، تهمت نمی زنند.

۱۲/۴

خواب و دست یابی به لذّت و خوشی

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّیْلَ... وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا... لِیَنَالُوا بِهِ لَذَّهً وَ شَهْوَهً

پس شب را برای آنان آفرید و آن را پوشش ساخت تا به سبب آن خوشی و کام دل یابند.

۵/۶

رسیدن به سود کنونی دنیا

یَسْرَحُوا فِی أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِیهِ نَیْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْیَاهُمْ

در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود کنونی از دنیا.۶/۶

رساندن پیام خدا، به وسیله محمّد صلی الله علیه و آله

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُکَ... حَمَّلْتَهُ رِسَالَتَکَ فَأَدَّاهَا

همانا محمّد بنده توست. رسالت خود را بر او دادی، پس آن را انجام داد.۲۲/۶

رساندن (بلا و گرفتاری)، به بنده

وَ بِقُدْرَتِکَ أَوْرَدْتَهُ عَلَیَّ

و تو به قدرتت آن را بر من وارد نمودی.

۶/۷

نبودن برگرداننده ای، برای آنچه خدا رسانده

فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ

پس برای آنچه به من رساندی، بازگرداننده ای

نیست.۷/۷

نرسیدن خستگی به بندگان، هنگام فراغت

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَهٍ، لَا تُدْرِکُنَا فِیهِ تَبِعَهٌ، وَ لَا تَلْحَقُنَا فِیهِ سَأْمَهٌ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد و خستگی ای به ما

نرسد.۲/۱۱

نزد خدا بودنِ رسیدن به خواسته ها

يَا مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ

ای آنکه رسیدن به خواسته ها نزد اوست.

۲/۱۳

یاری بنده، با رسیدن به خواسته اش

تَوَلَّنِی بِنُجْحِ طَلِبَتِیَّ وَ قَضَاءِ حَاجَتِی وَ نَيْلِ سُوءْلِی قَبْلَ زَوَالِی عَنْ مَوْقِفِی

به برآورده گشتن خواسته ام و روا شدن حاجتم، و یافتن خواسته ام، قبل از رفتنم از این مکان، مرا یاری فرما.۲۳/۱۳

دانایی خدا، به آنچه از کسی به بنده رسیده

قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِی، مَا نَالَنِی مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند

ص : ۶۳۸

فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای. ۵/۱۴

احسان بر بندگان، با رسیده شدن میوه

وَ امْنُنْ عَلَى عِبَادِكَ بِإِينَاعِ الثَّمَرَهِ

و با به بار آمدن میوه، بر بندگانت احسان نما.

۲/۱۹

رساندن ایمان بنده، به کامل ترین ایمان

اللَّهُمَّ... بَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ

خداوندا ایمان مرا به کامل ترین ایمان برسان.

۱/۲۰

سبب رساندن بنده، به راه هدایت

أَصِبْ بِي سَبِيلَ الْهِدَايَهِ لِلْبِرِّ فِيما أُنْفِقُ مِنْهُ

مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان. ۲۳/۲۰

آسان نمودن راه، برای رسیدن به رضای خدا

اللَّهُمَّ... سَهِّلْ إِلَى بُلُوغِ رِضَاكَ سُبُلِي

خداوندا راه هایم را برای رسیدن به خوشنودی ات، آسان فرما. ۲۸/۲۰

شرایط رسیدن به خوشنودی خدا

لَا أَبْلُغُ رِضَاكَ، وَ لَا أَنَالُ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَ بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ

توانایی (جلب) رضایتت را ندارم. و نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو و به به فزونیِ رحمتت. ۶/۲۱

از هر چه به بنده رسد، او را به طاعت خدا مشغول ساختن

وَ اشْغَلْ بِطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنْ كُلِّ مَا يَرِدُ عَلَيَّ

و مرا از هر چه به من برسد، به طاعت خويش مشغول دار. ۹/۲۱

رضايت بنده، در آنچه از خدا به او رسد

وَ اجْعَلْ... رِضَایَ فِيما يَرِدُ عَلَيَّ مِنْكَ

و خوشنودی ام را، در آنچه از تو به من می رسد قرار ده.۵/۲۲

توفيق انجام واجبات، با وجود نرسيدن توان بنده به آن

وَ اقْضِ عَنِّی كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ... وَ إِنْ... لَمْ تَنَلْهُ مَقْدُرَتِی

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفيق ده و گرچه توانايی ام به آن نرسد.

۶/۲۲

وسيله رسيدن به جوار الهی

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِی مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً إِلَی جِوَارِکَ، وَ وُصْلَةً إِلَی قُرْبِکَ

ص : ۶۳۹

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود و وسیله پیوستن به جایگاه بزرگت قرار ده.۶/۳۰

رسیدن دعا و شفاعت آسمانیان و زمینیان، به بنده

فَيَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِیَ أَسْمَعُ لَدَيْکَ مِنْ دُعَائِی، أَوْ شَفَاعَةٍ أَوْکَدُ عِنْدَکَ مِنْ شَفَاعَتِی

پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شنیدنی تر است، یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است.۲۷/۳۱

نرسیدن به نهایت پادشاهی و ملک خدا

وَ اسْتَعْلَى مُلْكُكَ عُلُوًّا سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ

و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود.

۵/۳۲

نرسیدن وصف واصفان، به مرتبه رفعت الهی

لَا يَبْلُغُ أَدْنَى مَا اسْتَأْثَرْتَ بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَقْصَى نَعْتِ النَّاعِتِينَ

آخرین وصفِ ستایندگان، به پایین ترین مرتبه ای (از رفعت) که به خود اختصاص داده ای،

نمی رسد.۶/۳۲

نرساندن بیماری به بندگان، با ابرها

لَا تُصِبْنَا فِيهَا بِآفَةٍ

در آنها (ابرها)، آفتی به ما نرسان.۲/۳۶

نرسیدن به نهایت شکر خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةً

خداوندا همانا کسی به نهایت شکرگزاری ات نمی رسد.۱/۳۷

کوشش بنده، و نرسیدن به طاعت الهی

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِکَ وَ إِنِ اجْتَهَدَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد.۲و۱/۳۷

وسیله رسیدن به توفیق در عمل

زِدْنِی مِنْ هُدَاکَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَی التَّوْفِیقِ فِی عَمَلِی

هدایت خود را برایم بیفزا، که با آن به توفیق در عملم برسم.۱۶/۳۷

سبب حرص ورزی بر زود رسیدن به خدا

اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِیرَ إِلَیْکَ، وَ نَحْرِصُ لَهُ عَلَی وَشْکِ اللَّحَاقِ بِکَ

از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم و به زود

رسیدن به تو حرص ورزیم.۳/۴۰

رساندن فهم عجایب قرآن، به دل های بندگان

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا، وَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا... حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ

قرآن را مونس ما در تاریکی های شب و نگهبان ما از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد، قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را به دل های ما برسانی.۱۰/۴۲

رساندن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به بهترین چیزها

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا یَأْمُلُ مِنْ خَیْرِکَ وَ فَضْلِکَ وَ کَرَامَتِکَ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی.۲۱/۴۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و رساندن پیام ها و آیات الهی

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِکَ، وَ أَدَّی مِنْ آیَاتِکَ... أَفْضَلَ مَا جَزَیْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود و آیه هایت را رساند، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود دادی.

۲۲/۴۲

نرسیدن اندیشه ها، به آنچه خدا بر بندگان پوشانده

أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ... عَلَی مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ... لَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ

تویی آنکه ایشان را راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی، اندیشه هایشان به آن نمی رسید.۱۴/۴۵

بینایی نسبت به، رسیدن به کرامت الهی

بَصَّرْتَنَا... الْوُصُولَ إِلَی کَرَامَتِکَ

ما را به (راه) رسیدن به کرامت، بینا نمودی.

۱۹/۴۵

رساندن عمرهای بندگان، به ماه رمضان آینده

وَ ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَیْنَ أَیْدِینَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ

و عمر ما - که در پیش روی ماست - را، به ماه رمضان آینده برسان.۴۶/۴۵

رسیدن به حقّ خدا، در دو ماه رمضان (گذشته و آینده)

أَجْرِ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا یَکُونُ دَرَکًا لِحَقِّکَ فِی الشَّهْرَیْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از

ص : ۶۴۱

ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.

۴۶/۴۵

رساندن بندگان به ماه رمضان آینده

ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَیْنَ أَیْدِینَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ، فَإِذَا بَلَّغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَی تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَهِ

عمر ما – که در پیش روی ماست – را، به ماه رمضان آینده برسان. پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما.۴۶/۴۵

رساندن بندگان، به رعایت فرمانبری خدا

أَدِّنَا إِلَی الْقِیَامِ بِمَا یَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّاعَهِ

ما را بر قیام به طاعتی که سزاوار آن ماه است، برسان.۴۶/۴۵

رسیدن برکات درود، بر فرستنده آن

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّنَا وَ آلِهِ... صَلَاهً تَبْلُغُنَا بَرَکَتُهَا، وَ یَنَالُنَا نَفْعُهَا

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. درودی که برکت آن به ما رسد و سودش ما را دریابد.۵۶/۴۵

گسیختن اوصاف، پیش از رسیدن به وصف خدا

تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِکَ الصِّفَاتُ

توصیف ها پیش از رسیدن به وصف تو، از هم گسیخته اند.۱۲/۴۶

رسیدن همه نیک بختان و بدبختان، به حکم خدا

کُلُّهُمْ صَائِرُونَ إِلَی حُکْمِکَ

همه ایشان به حکم تو می رسند.۱۸/۴۶

رسیدن به خوشنودی خدا، در روز عرفه

اجْعَلْ لِی فِی هَذَا الْیَوْمِ نَصِیبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِکَ

در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم.۷۱/۴۷

شریک نداشتن خدا، در رسیدن نعمت به بنده

لَا تَسْتَدْرِجْنِی بِإِمْلَائِکَ لِی اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِی خَیْرَ مَا عِنْدَهُ وَ لَمْ یَشْرَکْکَ فِی حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِی

مرا با مهلت دادنت، غافلگیر نکن. هماننـد غافلگیر نمودن کسـی که مرا از نیکی آنچه نزدش است، بی بهره گردانده، در حالی که در رسیدن نعمتش به من شریک تو نبوده است.۹۰/۴۷

ویژگی های آنکه به منتها درجات رسیده

بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ عُنِیتَ بِهِ، وَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِ، وَ رَضِیتَ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِیدًا

ص : ۶۴۲

مرا به منتها درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای و به او نعمت داده ای و از او خوشنود گشته ای پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته ای.۱۰۵/۴۷

زندگی پاکیزه، و رسیدن بنده به آنچه دوست دارد

فَأَحْیِنِی حَیَاةً طَیِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِیدُ، وَ تَبْلُغُ مَا أُحِبُّ مِنْ حَیْثُ لَا آتِی مَا تَکْرَهُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که آنچه می خواهم فراهم گردد و به آنچه دوست دارم برسد. در صورتی که آنچه را نمی پسندی، انجام ندهم.۱۱۷/۴۷

نرسیدن به نیکی، جز از جانب خداوند

فَإِنِّی لَمْ أُصِبْ خَیْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْکَ

پس به درستی که هرگز به خیری جز از جانب تو نرسیده ام.۴/۴۸

سبب احراز بهره و رسیدن به اصلاح نفس

لَوْ لَا إِحْسَانُکَ إِلَیَّ وَ سُبُوغُ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّی، وَ لَا إِصْلَاحَ نَفْسِی

اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم و اصلاح خویش را نمی یافتم.۲/۵۱

رشته سبب

رشک حسد

رضوان

درود خدا بر (فرشته) رضوان

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ رِضْوَانَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و (فرشته) رضوان.۱۸و۱۱و۱۰/۳

رعد

شنیده شدن بانگ رعدها

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ یُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود.

۱۴و۱۱و۱۰/۳

ناتوانی بنده، از تحمّل (شنیدن) صدای رعد

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ

الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ... الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ صَوْتَ رَعْدِکَ

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی صدای غرش ابرت را ندارد.۵/۵۰

رغبت خواسته

رفاه آسایش

رفتار کردار

رفتار تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، به روش صحابه

الَّذِینَ... مَضَوْا عَلَی شَاکِلَتِهِمْ

آنان که به روش آنها رفتار نمودند.۱۰/۴

خوشنودی خدا، به رفتار (نیک) اندک بنده

یَا مَنْ رَضِیَ مِنْ فِعْلِهِمْ بِالْیَسِیرِ، وَ یَا مَنْ کَافَی قَلِیلَهُمْ بِالْکَثِیرِ

ای آنکه از کردار اندک ایشان، خرسند شده و ای آنکه کمِ ایشان را پاداش فراوان داده است.

۱۰/۱۲

درخواست بنده بر به عدالت رفتار نکردن خدا با او

وَ لَا تَحْمِلْنِی بِعَدْلِکَ عَلَی الِاسْتِحْقَاقِ

و با دادگری ات بر آنچه سزاوارم رفتار نکن.

۲۰/۱۳

به احسان رفتار نمودن خدا، با آفریدگان

وَ احْمِلْنِی بِکَرَمِکَ عَلَی التَّفَضُّلِ

و به فضل خویش با من به احسان رفتار نما.

۲۰/۱۳

وَ أَخَذَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ

و با همه آفریدگانش با فضل رفتار کرد.

۱/۳۵

نابود ساختن رفتار پیشین

وَ امْحُ عَنِّی شَرَّ مَا قَدَّمْتُ

و از من زشتی آنچه پیش فرستاده ام را بزدای.

۶/۱۵

ناتوانی بنده بر یادآوری رفتارهای بدش

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِی... أَشْنَعُ أَفْعَالًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُيُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِی

بلکه من - ای خدای من - کردارهایم بدتر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.۲۷/۱۶

ص : ۶۴۴

کم شمردن رفتار نیک خود

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... اسْتِقْلَالِ الْخَیْرِ وَ إِنْ کَثُرَ مِنْ قَوْلِی وَ فِعْلِی

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در کم شمردن نیکی گفتار و کردارم اگر چه بسیار باشد.

۱۰/۲۰

زیاد شمردن کردار بد خویش

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... اسْتِکْثَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِی وَ فِعْلِی

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در بسیار شمردن بدی گفتار و کردارم اگر چه کم باشد.

۱۰/۲۰

بخشیدن رفتار بیجای پدر و مادر

اللَّهُمَّ وَ مَا... أَسْرَفَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ فِعْلٍ... فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا

خداوندا و آنچه بر من در کردار، زیاده روی کرده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم.۹/۲۴

بخشش بدرفتاری بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی... أَسْتَوْهِبُکَ سُوءَ فِعْلِی

خداوندا، به درستی که من از زشتی کردارم، از تو بخشش می طلبم.۲۱/۳۱

رفتار خدا با بنده، رفتار نیرومندی مهربان

با بنده ای خوار

وَ افْعَلْ بِی فِعْلَ عَزِیزٍ تَضَرَّعَ إِلَیْهِ عَبْدٌ ذَلِیلٌ فَرَحِمَهُ، أَوْ غَنِیٍّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِیرٌ فَنَعَشَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما. یا همانند توانگری که بنده بینوایی پیش او آمده، پس او را بی نیاز کرده.۲۴/۳۱

بنده و عدم فراموشی رفتار ناپسند خود

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی، وَ لَا نِسْیَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِیمِ فِعْلِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

رفتار خدا با فرمانبران و معصیت کاران

فَسُبْحَانَکَ مَا أَبْیَنَ کَرَمَکَ فِی مُعَامَلَهِ مَنْ أَطَاعَکَ أَوْ عَصَاکَ...

پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است.۱۰/۳۷

از دست رفتن دست رنج بنده و رفتار خدا با او

...وَ لَوْ فَعَلْتَ ذَلِکَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِیعِ مَا کَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَهِ مَا سَعَی فِیهِ جَزَاءً لِلصُّغْرَی مِنْ أَیَادِیکَ وَ مِنَنِکَ

...و اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، در برابر کوچک ترین احسان های تو و نعمت هایت از دست رفته بود.۱۳/۳۷

رفتار خداوند، با بنده

إِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی تَفْعَلْهُ بِمَنْ لَا یَجْحَدُ اسْتِحْقَاقَ عُقُوبَتِکَ...

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین رفتار کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که شایستگی عقوبت تو را انکار نمی کند.۱۱/۳۹

تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْکَ أَکْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِیکَ...

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست.۱۲/۳۹

بردباری خدا، در رفتار با معصیت کار

وَ تَلَقَّیْتَ مَنْ عَصَاکَ بِالْحِلْمِ

و با کسی که نافرمانی ات را نموده، با بردباری رفتار می کنی.۹/۴۵

خوشنودشده به رفتار دشمنان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ... وَ مَنْ رَضِیَ بِفِعَالِهِمْ

خداوندا، دشمنان ایشان را و هر که را به کردارشان خوشنود می شود، لعنت کن.۱۰/۴۸

رفتن

به صبح درآمدن ثابت و رونده، در ملک خدا

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْیَاءُ کُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَکَ... مُقِیمُهُ وَ شَاخِصُهُ

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از ثابت و رونده و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

روز عبور از پل دوزخ

وَ ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ یَوْمَ الْمَجَازِ عَلَیْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا

و هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن (قرآن)، پابرجا

گردان.۱۵/۴۲

رفتن نور پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان، از پیش رو و سمت راستشان (در قیامت)

یَوْمَ لَا یُخْزِی اللَّهُ النَّبِیَّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ، نُورُهُمْ یَسْعَی بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ بِأَیْمَانِهِمْ...

روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند. نورشان پیش رو و از سمت راستشان حرکت می کند.۱۱/۴۵

رفتن رمضان از میان مسلمانان

ص : ۶۴۶

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ... أَوْحَشَنَا انْصِرَافُهُ عَنَّا

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که رفتنش از (میان) ما، بیمناکمان می سازد.

۲۳/۴۵

گرامیداشت رفتن بنده از نزد خدا و بازگشتنش

وَ أَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِی، وَ إِلَيْكَ مُنْقَلَبِی

و رفتنم را از نزدت و بازگشتم را به سویت، گرامی دار.۲۵/۴۶

میراندن بنده و رفتن نور از سمت راست و پیش رویش

وَ أَمِتْنِی مِيتَةَ مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ

و مرا بمیران، همچون مردن کسی که روشنایی اش در پیش رویش و از سمت راستش در حرکت است.۱۱۷/۴۷

رفت و آمد

رفت و آمدِ شب و روز

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند.۳۴/۳۲

رکوع

رکوع برای خدا، تا کَنده شدن استخوان پشت

يَا إِلَهِی لَوْ... رَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ صُلْبِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنقدر برای تو رکوع کنم تا استخوان پشتم کَنده شود، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

به جا آوردن رکوع و سجود، طبق سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله

وَ أَنْزِلْنَا فِيهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّينَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ فِی رُکُوعِهَا وَ سُجُودِهَا...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] در رکوع و سجود آن قرار داد - به جا آورده اند.

۹/۴۴

رگ

روان گرداندن شیطان، در رگ های بنده

ص : ۶۴۷

وَ أَجْرَيْتَهُ مَجَارِيَ دِمَائِنَا

و او (شیطان) را در رگ های خونمان روان نمودی. ۶/۲۵

آرمیدن رگ های بنده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُکُونِ عُرُوقِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که تن او به خاطر آرامش رگ هایش، غافل مانده.۸/۵۲

رگبار

شناساندن پیمانه رگبارها، به فرشتگان

...وَ الَّذِینَ عَرَّفْتَهُمْ... کَیْلَ مَا تَحْوِیهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا

...و آنها که پیمانه باران های شدید و رگبارهای متراکم را به آنان شناسانده ای.

۱۶/۳

رمضان

رمضان، ماه احسان خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه

رمضان را، (یکی) از آن راه ها(ی احسان) قرار داد.

۳/۴۴

رمضان، ماه روزه، اسلام، پاکیزگی و تصفیه

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ، شَهْرَ الصِّیَامِ، وَ شَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَ شَهْرَ الطَّهُورِ، وَ شَهْرَ التَّمْحِیصِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه روزه و ماه اسلام و ماه پاکی و ماه پاکسازی را (یکی) از آن راه ها قرار داد.۳/۴۴

رمضان، ماه قیام (برای نماز) و ماه نزول قرآن

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِیَامِ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان (و) ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد.

۳/۴۴

سبب برتری ماه رمضان، بر دیگر ماه ها

فَأَبَانَ فَضِیلَتَهُ عَلَی سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرُمَاتِ الْمَوْفُورَهِ...

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به حرمت های فراوان آشکار ساخت.۴/۴۴

علّت حرام نمودن حلال ها، در رمضان

ص : ۶۴۸

فَحَرَّمَ فِیهِ مَا أَحَلَّ فِی غَیْرِهِ إِعْظَامًا

پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد.۴/۴۴

منع خوردنی و آشامیدنی، در رمضان

وَ حَجَرَ فِیهِ الْمَطَاعِمَ وَ الْمَشَارِبَ إِکْرَامًا

و از جهت گرامی داشتش، خوردنی ها و آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود.۴/۴۴

قرار دادن وقت معیّن، برای رمضان

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَیِّنًا...

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد.۴/۴۴

برتری شبی از رمضان، بر هزار ماه

ثُمَّ فَضَّلَ لَیْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَیَالِیهِ عَلَی لَیَالِی أَلْفِ شَهْرٍ

آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد.۵/۴۴

آنچه در ماه رمضان الهام نمودن آن، از خدا درخواست شود

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ، وَ التَّحَفُّظَ مِمَّا حَظَرْتَ فِیهِ

و شناختِ فضیلتش، و بزرگ داشتِ احترامش، و خویشتن داری از آنچه را که در آن حرام نموده ای، به ما الهام کن.۶/۴۴

درخواست یاری شدن به روزه داری، در

ماه رمضان

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِیهِ بِمَا یُرْضِیکَ...

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما.۶/۴۴

وَ أَعِنَّا فِی نَهَارِهِ عَلَی صِیَامِهِ، وَ فِی لَیْلِهِ عَلَی الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَیْکَ، وَ الْخُشُوعِ لَکَ

و ما را در روزش به روزه داری آن و در شبش بر نماز و زاری به درگاهت و خشوع برای تو، یاری نما.۱۷/۴۴

ماه رمضان و اوقات نمازهای پنجگانه

وَ قِفْنَا فِیهِ عَلَی مَوَاقِیتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِی حَدَّدْتَ... وَ أَوْقَاتِهَا الَّتِی وَقَّتَّ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و اوقاتش که تعیین گرداندی، آگاه فرما.۸/۴۴

توفیق انجام اموری، در ماه رمضان

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَ الصِّلَهِ، وَ أَنْ نَتَعَاهَدَ جِیرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَ الْعَطِیَّهِ، وَ أَنْ نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ، وَ أَنْ نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّکَوَاتِ...

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم و با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم. و

دارایی هایمان را از مظالم خالص گردانیم و آن را با بیرون کردن زکات ها پاک کنیم.۱۰/۴۴

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاكِیَهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ...

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی.

۱۱و۱۰/۴۴

درخواست از خدا، به حقِّ ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَ بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ مِنِ ابْتِدَائِهِ إِلَی وَقْتِ فَنَائِهِ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ...

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ این ماه و به حقّ کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱۲/۴۴

بودن در زمره آزادشدگان عفو خدا، در شب های ماه رمضان

وَ إِذَا کَانَ لَکَ فِی کُلِّ لَیْلَهٍ مِنْ لَیَالِی شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ یُعْتِقُهَا عَفْوُکَ... فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْکَ الرِّقَابِ

و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می کند، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده.

۱۴/۴۴

در زمره بهترین یاران رمضان بودن

اجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَیْرِ أَهْلٍ وَ أَصْحَابٍ

ما را برای ماه مان از بهترین خویشان و یاران قرار ده.۱۴/۴۴

نابودی گناهان بنده، با سپری شدن هلال ماه رمضان

وَ امْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امِّحَاقِ هِلَالِهِ

و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن.

۱۵/۴۴

کَندن بدی های بندگان، با گذر روزهای رمضان

وَ اسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاخِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقَضِيَ عَنَّا وَ قَدْ صَفَّيْتَنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ...

و بـا گذشـتن روزهایش، بـدی هایمان را از ما بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگـذرد که ما را در آن از خطاها پاکیزه ساخته ای.۱۵/۴۴

کجروی در ماه رمضان، و بازگشت از آن

وَ إِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدِّلْنَا، وَ إِنْ زُغْنَا فِيهِ فَقَوِّمْنَا

و اگر در آن کجروی کرده ایم، پس ما را بازگردان و اگر در آن منحرف شده ایم، ما را استوار بدار.۱۶/۴۴

پر ساختن ماه رمضان، از عبادت بندگان

ص : ۶۵۰

اللَّهُمَّ اشْحَنْهُ بِعِبَادَتِنَا إِيَّاکَ، وَ زَيِّنْ أَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَکَ

خداوندا این (ماه) را از عبادت های ما، پر گردان و اوقاتش را به طاعت ما برای خود، زینت ده.۱۷/۴۴

شمول درخواست در ماه رمضان، در همه ماه ها

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَّرْتَنَا

خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده.۱۸/۴۴

ماه رمضان، از کارهای برگزیده و واجبات مخصوص

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا تِلْكَ الْوَظَائِفِ، وَ خَصَائِصِ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ...

خداوندا و تو از کارهای برگزیده و واجبات مخصوصه، ماه رمضان را قرار دادی.۲۰/۴۵

خاص بودن ماه رمضان، در مقایسه با سایر ماه ها

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ... خَصَائِصِ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِی اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ

خداوندا و تو از واجبات مخصوصه، ماه رمضان را قرار دادی. همان که آن را از بقیه ماه ها

مخصوص داشتی.۲۰/۴۵

ماه رمضان، سبب برتری امّت اسلام

ثُمَّ آثَرْتَنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ، وَ اصْطَفَيْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمِلَلِ

سپس ما را بر بقیه امّت ها به وسیله آن (ماه)، برتری دادی و به فضیلت آن ما را - نه اهل آئین های دیگر را - برگزیدی.۲۱/۴۵

رمضان و شب قدر

وَ أَجْلَلْتَ فِيهِ مِنْ لَيْلَهِ الْقَدْرِ (الَّتِي هِيَ) خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی.۲۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى لَيْلَهِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه. ۴۰/۴۵

روزه داشتن، در روزهای ماه رمضان

فَصُمْنَا بِأَمْرِکَ نَهَارَهُ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم.

۲۱/۴۵

برخاستن در شب های رمضان

وَ قُمْنَا بِعَوْنِکَ لَیْلَهُ

و به یاری تو شبش را به پا خاستیم.۲۱/۴۵

ص : ۶۵۱

ماه رمضان، وسیله پاداش خدا

وَ تَسَبَّبْنَا إِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِکَ

و آن را وسیله پاداش تو قرار دادیم.

۲۱/۴۵

پسندیده زیستن رمضان، در بین مسلمانان

وَ قَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد.۲۲/۴۵

ماه رمضان، مصاحب و یاری نیکو

وَ قَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ، وَ صَحِبَنَا صُحْبَةَ مَبْرُورٍ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و با ما همچون یارِ نیکو همراه شد.۲۲/۴۵

رمضان و بهترین سودها

وَ قَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ، وَ... أَرْبَحَنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و ما را به برترین سودهای جهانیان، سودمند نمود.۲۲/۴۵

جدا شدن رمضان، از بنده

ثُمَّ قَدْ فَارَقَنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَ انْقِطَاعِ مُدَّتِهِ

سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدّتش، از ما جدا شد.۲۲/۴۵

وداع نمودن با رمضان

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ عَزَّ فِرَاقُهُ عَلَيْنَا

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که فراقش بر ما دشوار است.۲۳/۴۵

درود خدا بر رمضان، و بیان ویژگی های آن

السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَکْبَرَ، وَ يَا عِيدَ أَوْلِيَائِهِ

درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه خدا، و ای عید دوستان او.۲۳/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ... يَا خَيْرَ شَهْرٍ فِی الْأَيَّامِ وَ السَّاعَاتِ

درود بر تو، ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها.۲۴/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ شَهْرٍ قَرُبَتْ فِيهِ الْآمَالُ، وَ نُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ

درود بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک شد و اعمال در آن گسترده گشت.۲۵/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا

درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود.۲۶/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ أَلِيفٍ آنَسَ مُقْبِلًا فَسَرَّ

درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت.۲۷/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ مُجَاوِرٍ رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ

درود بر تو همسایه ای که دل ها در آن فروتن

گردید. ۲۸/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَی الشَّیْطَانِ

درود بر تو یاوری که در برابر شیطان یاری کرد. ۲۹/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا أَکْثَرَ عُتَقَاءَ اللَّهِ فِیکَ! وَ مَا أَسْعَدَ مَنْ رَعَی حُرْمَتَکَ بِکَ!

درود بر تو. چه بسیار است آزادشدگان (از عذاب) خدا در تو! و چه نیک بخت است کسی که به سبب تو، حرمتت را رعایت کند!.۳۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَمْحَاکَ لِلذُّنُوبِ، وَ أَسْتَرَکَ لِأَنْوَاعِ الْعُیُوبِ

درود بر تو. چه محوکننده بودی، گناهان را! و چه پوشنده بودی، انواع عیب ها را!.۳۱/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَطْوَلَکَ عَلَی الْمُـجْرِمِینَ، وَ أَهْیَبَکَ فِی صُدُورِ الْمُوءْمِنِینَ

درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران! و چه با هیبت بودی، در سینه های مؤمنان!.

۳۲/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ الْأَیَّامُ

درود بر تو ماهی که روزها(ی دیگر) با آن برابری نمی کند.۳۳/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ

درود بر تو ماهی که از هر چیز سلامت است.

۳۴/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ غَیْرَ کَرِیهِ الْمُصَاحَبَهِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند نیست.

۳۵/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ کَمَا وَفَدْتَ عَلَیْنَا بِالْبَرَکَاتِ، وَ غَسَلْتَ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِیئَاتِ

درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی و چرکی خطاها را از ما شستی.۳۶/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ غَیْرَ مُوَدَّعٍ بَرَمًا

درود بر تو نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. ۳۷/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ

درود بر تو که پیش از زمان آمدنش، طلب شده. ۳۸/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ کَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِکَ عَنَّا

درود بر تو. چه بسیار بدی ها که به سبب تو، از ما برطرف شد!.۳۹/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی لَیْلَهِ الْقَدْرِ الَّتِی هِیَ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه. ۴۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَیْکَ! وَ أَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا إِلَیْکَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!.

۴۱/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی فَضْلِکَ الَّذِی حُرِمْنَاهُ، وَ عَلَی

مَاضٍ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُلِبْنَاهُ

درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم و بر نیکی های گذشته ات که از دست دادیم.

۴۲/۴۵

(امّت اسلام)، اهل ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِی شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی.۴۳/۴۵

ارجمندی با ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِی شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی.۴۳/۴۵

عطای توفیق (عبادت) در ماه رمضان

وَ وَفَّقْتَنَا بِمَنِّکَ لَهُ...

و ما را برای آن به وسیله نعمتت، توفیق دادی.

۴۳/۴۵

بدبختان، و ناآشنایی به وقت رمضان

وَ وَفَّقْتَنَا بِمَنِّکَ لَهُ حِینَ جَهِلَ الْأَشْقِیَاءُ وَقْتَهُ، وَ حُرِمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ

و ما را برای آن به وسیله نعمتت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند و بر اثر شقاوتشان، از فضل آن ماهْ محروم گشتند.

۴۳/۴۵

برگزیده شدن (امّت اسلام)، به شناخت ماه رمضان

أَنْتَ وَلِیُّ مَا آثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ

تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن، برتری دادی.۴۴/۴۵

راه نمودن (امّت اسلام)، به طریقه رمضان

أَنْتَ وَلِیُ... هَدَیْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ

تویی مولایی که ما را به روش آن، راهنمایی نمودی. ۴۴/۴۵

روزه و قیام (برای عبادت) در ماه رمضان

وَ قَدْ تَوَلَّیْنَا بِتَوْفِیقِکَ صِیَامَهُ وَ قِیَامَهُ عَلَی تَقْصِیرٍ

و ما را - با (همه) کوتاهیْ (کردن هایمان) - توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم.۴۴/۴۵

انجام اندکی از بسیار، در ماه رمضان

وَ أَدَّیْنَا فِیهِ قَلِیلًا مِنْ کَثِیرٍ

و در آن اندکی از بسیار را انجام دادیم.

۴۴/۴۵

ماه رمضان و پاداش خواهی از خدا

فَأْجُرْنَا عَلَی مَا أَصَابَنَا فِیهِ مِنَ التَّفْرِیطِ أَجْرًا نَسْتَدْرِکُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِیهِ

پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما

رسیده، پاداش ده. پاداشی که با آن فضل پسندیده را دریابیم.۴۵/۴۵

کوتاهی از (ادای) حقّ خدا، در رمضان

وَ أَوْجِبْ لَنَا عُذْرَکَ عَلَی مَا قَصَّرْنَا فِیهِ مِنْ حَقِّکَ

و (قبول) عذر ما را که در آن (ماه) بر حقّت کوتاهی کرده ایم، بر ما لازم گردان.۴۶/۴۵

رساندن عمر بندگان، به ماه رمضان آینده

وَ ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَیْنَ أَیْدِینَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ، فَإِذَا بَلَّغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَی تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَهِ

و عمر ما – که در پیش روی ماست – را، به ماه رمضان آینده برسان. پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما.۴۶/۴۵

سبب بدست آوردن حقّ خدا، در دو ماه رمضان (گذشته و آینده)

وَ أَجْرِ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا یَکُونُ دَرَکًا لِحَقِّکَ فِی الشَّهْرَیْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

و از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.

۴۶/۴۵

ارتکاب گناه، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَا أَلْمَمْنَا بِهِ فِی شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ... وَ اکْتَسَبْنَا فِیهِ مِنْ خَطِیئَهٍ عَلَی تَعَمُّدٍ مِنَّا... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِکَ

خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.

۴۷/۴۵

اندوه بندگان با رفتن ماه رمضان

اجْبُرْ مُصِیبَتَنَا بِشَهْرِنَا

مصیبت ما را در (رفتن) ماه مان جبران کن.۴۸/۴۵

درگذشتن از خطایای بنده، با سپری شدن ماه رمضان

اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِانْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا

خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها درآور.۴۹/۴۵

خروج از بدی ها، با پایان ماه رمضان

وَ أَخْرِجْنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا

و با بیرون رفتنش، ما را از بدی هایمان بیرون بر.۴۹/۴۵

بودن در زمره نیک بخت ترین اهل ماه رمضان

ص : ۶۵۵

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ بِهِ، وَ أَجْزَلِهِمْ قِسْمًا فِيهِ، وَ أَوْفَرِهِمْ حَظًّا مِنْهُ

و بـه وسـيله آن، مـا را از سـعادتمندترين اهـل آن و از پرنصـيب تريـن آنـان در آن مـاه و از بهره منـدترين ايشـان از آن قرار ده.۴۹/۴۵

رعايت حقّ ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ، وَ أَعْطِنَا أَضْعَافَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداونـدا و هر كس رعايت كرده اين ماه را، به طورى كه حقّ رعايتش است؛ پس از (توانگرى) نزد خودت،ماننـد آن را به ما ببخش و از فضلت، چندين برابر آن را به ما عطا فرما.۵۰/۴۵

عبادت خدا، از ماه رمضان تا روز قيامت

وَ اكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أُجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ

و براى ما مانند پاداش كسانى كه روزه گرفته اند يا در اين ماه تا روز قيامت تو را عبادت مى كنند، بنويس.۵۱/۴۵

رنج سختى

زحمت پيامبر صلى الله عليه و آله ، در رساندن پيام خدا

وَ أَدْأَبَ نَفْسَهُ فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ

و در تبليغ پيام تو، خود را به رنج انداخت.

۱۳/۲

رنج بردن پيامبر صلى الله عليه و آله ، با دعوت (مردم) به دين

وَ أَتْعَبَهَا بِالدُّعَاءِ إِلَى مِلَّتِكَ

و با دعوت به دين تو، خود را خسته كرد.

۱۴/۲

بالاترين درجه بهشت براى پيامبر صلى الله عليه و آله ، در مقابل رنج كشيدنش

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَهِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشت بالا بر. ۲۳/۲

زحمت بندگان، بر نویسندگان (اعمال)

اللَّهُمَّ یَسِّرْ عَلَی الْکِرَامِ الْکَاتِبِینَ مَؤُونَتَنَا

خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز.۱۵/۶

اقدام به کار با مشقّت

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... تَعَاطِی الْکُلْفَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از انجام دادن کارِ با مشقّت. ۲و۱/۸

رفع گرفتاری رنج دیدگان

سُبْحَانَکَ نَحْنُ... أَهْلُ السُّوءِ الَّذِینَ وَعَدْتَ الْکَشْفَ

عَنْهُمْ

پاک و منزّهی تو! ما گرفتارانیم که رفع گرفتاری آنها را وعده داده ای.۴/۱۰

به رنج نیفتادن خدا، از دعای بنده

وَ يَا مَنْ لَا يُعَنِّيهِ دُعَاءُ الدَّاعِينَ

و ای آنکه دعای نیایشگران او را خسته نمی کند.۱۰/۱۳

رنج نکشیدن بنده، برای اعمال (نیکویِ) ثبت شده در حال بیماری اش

وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِيَ الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكِيِّ الْأَعْمَالِ، مَا... لَا جَارِحَةٌ تَكَلَّفَتْهُ

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که اندامی آن را با مشقّت انجام نداده.۵/۱۵

به رنج نیفتادن خدا، با روا کردن خواسته بنده

إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُسْعِكَ

به درستی که این (خواسته های من) در برابر گستره توانایی ات بر تو، رنج آور نیست.۳۴/۱۶

به دست آوردن روزی، با رنج

وَ اكْفِنِي مَؤُونَةَ الِاكْتِسَابِ

و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از

من بردار.۲۴/۲۰

بنده و نداشتن طاقت رنج

اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ

خداوندا طاقت رنج کشیدن ندارم.۲/۲۲

رنج والدین، در حراست از فرزند

...وَ أَيْنَ شِدَّةُ تَعَبِهِمَا فِي حِرَاسَتِي؟!

و سختی هایی که آن دو (پدر و مادرم) در نگهداری من کشیده اند چه می شود؟۱۰/۲۴

به رنج افکندن دشمنان، با اسیری

فَإِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَهِ، وَ قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَهِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ، وَ بَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْأَسْرُ

پس اگر (زندگی اش را) برای او به خوش بختی پایان دادی و شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده و با اسیری، ایشان را به سختی افکنده است.۱۵/۲۷

رهاندن بنده، از زحمت درخواست (از غیر خدا)

وَ هَبْ لَنَا يَقِيناً صَادِقاً تَكْفِينَا بِهِ مِنْ مَؤُونَهِ الطَّلَبِ

و ما را یقینی راستین ببخش، که بدان سبب ما را از زحمت طلب، بی نیاز نمایی.۲/۲۹

نگاهداشتن بندگان، از سختی رنج

وَ أَلْهِمْنَا ثِقَةً خَالِصَةً تُعْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّهِ النَّصَبِ

و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری.۲/۲۹

از دست رفتن آنچه بنده برای آن، رنج کشیده

...وَ لَوْ فَعَلْتَ ذَلِکَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِیعِ مَا کَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَهِ مَا سَعَی فِیهِ...

...و اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، از دست رفته بود.۱۳/۳۷

رنج نکشیدن، جز برای پاداش الهی

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا نَتَکَلَّفَ إِلَّا مَا یُدْنِی مِنْ ثَوَابِکَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا خود را جز در آنچه به پاداش تو نزدیک کند، به رنج نیندازیم.۷و۶/۴۴

بنده، گرفتار رنجِ طولانی

أَنَا الطَّوِیلُ الْعَنَاءِ

منم که گرفتاری ام دراز است.۸۵/۴۷

به رنج انداختن خود، برای خدا

وَ تَوَحَّدْنِی بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ وَفَی بِعَهْدِکَ، وَ أَتْعَبَ

نَفْسَهُ فِی ذَاتِکَ

و تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که به عهد تو وفا کرده و برای تو خود را به سختی انداخته.۸۸/۴۷

پناه بردن به خدا، از رنج

وَ أَعِذْنِی... مِنَ الذُّلِّ وَ الْعَنَاءِ

و مرا از خواری و سختی پناه ده.۱۱۹/۴۷

به رنج نیفتادن خدا، از درخواست بنده

يَا مَنْ لَا يُحْفِيهِ سَائِلٌ

ای کسی که درخواست کننده ای او را به رنج نمی اندازد.۶/۴۸

بر گرداندن رنجِ گرفتاری، از بنده

وَ صَرَفْتَ عَنِّی جَهْدَ الْبَلَاءِ

و سختی گرفتاری را از من دور کردی.

۲/۵۱

بر گرداندن گرفتاری رنج آور، از بنده

إِلَهِی فَکَمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَدْ صَرَفْتَ عَنِّی

خدای من، پس چه بسیار بلاهای سختی که از من بر گرداندی!۳/۵۱

روا مباح

روان [جریان]

روان نمودن روزی های پاکیزه، بر بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... أَجْرَی عَلَیْنَا طَیِّبَاتِ الرِّزْقِ

و سپاس خدایی را که روزی های پاکیزه را برایمان جاری ساخت.۱۷/۱

جاری شدن قضا و قدر، به قدرت خدا

وَ جَرَی بِقُدرَتِکَ الْقَضَاءُ

و تقدیر به قدرت تو اجرا شد.۲/۷

روان شدن اشک بنده، به سبب ترس از خدا

قَدْ تَرَی یَا إِلَهِی، فَیْضَ دَمْعِی مِنْ خِیفَتِکَ

ای خدای من، ریزش اشکم را از ترس خود می بینی.۱۹/۱۶

علّت روان بودن ابرها

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ، الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِکَ، الْمُونِقِ فِی جَمِیعِ الْآفَاقِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گیاهِ چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.۱/۱۹

آبی با جریانی فراگیر

وَ أَشْهِدْ مَلَائِکَتَکَ الْکِرَامَ السَّفَرَةَ. بِسَقْیٍ مِنْکَ نَافِعٍ... وَاسِعٍ دِرَرُهُ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود که جاری شدنش بسیار باشد، آماده ساز.۲/۱۹

جاری ساختن جوی ها، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تُفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهَارَ

خداوندا ما را با بارانی که رودخانه ها را با آن روان سازی، سیراب نما.۵/۱۹

روان ساختن نیکی، به دست بنده

وَ أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِيَ الْخَيْرَ

و نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز.۳/۲۰

روانه ساختن دل بنده، در خوشایندترین راه ها به سوی خدا

وَ أَجْرِ بِهِ فِی أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَیْکَ

و آن را در محبوب ترین راه ها به سویت روانه فرما.۱۰/۲۱

روان گشتن شیطان، در رگ های بندگان

وَ أَجْرَیْتَهُ مَجَارِیَ دِمَائِنَا

و او (شیطان) را در رگ های خونمان روان نمودی.۶/۲۵

روان شدن جوی های بهشتی، به انواع آشامیدنی ها

ص : ۶۵۹

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الْأَنْهَارِ الْمُطَّرِدَهِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَهِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از جوی هایی که به نوشیدنی های گوناگون روان شده، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

روان ساختن فضل خدا

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَأَجْرِ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای، برسد.

۱۶/۲۷

روان ساختن روزی، از اسباب حلال

وَ أَجْرِ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي

و روزی هایم را از اسباب حلال، روان ساز.

۳/۳۰

روان نشدن قضا و قدر الهی، جز به نیکی

وَ هَبْ لِيَ الثِّقَهَ لِأُقِرَّ مَعَهَا بِأَنَّ قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْخِيَرَهِ

و به من اعتمادی بخش تا به اینکه قضای تو جز به نیکی جاری نگشته، اعتراف کنم.۳/۳۵

روانه ساختن بندگان، در ملک جاودان (بهشت)

وَ اسْرَحْنَا فِي مُلْكِ الْأَبَدِ

و ما را در سلطنت ابدی، رها کن.۵/۳۵

عامل روان گشتن گشایش زندگی و فراخی روزی

وَ سُقْ إِلَيْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَيْشِ وَ خِصْبَ سَعَهِ الْأَرْزَاقِ

و به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده.

۱۲/۴۲

نزدیک گشتن زمان روانه شدن به سوی آخرت

وَ دَنَا مِنَّا إِلَى الْآخِرَهِ رَحِيلٌ وَ انْطِلَاقٌ

و کوچ کردن و رفتن ما به جهان دیگر نزدیک شود.۱۳/۴۲

روان شدن قدرت الهی، بر گذشت

أَنَّكَ... أَجْرَيْتَ قُدْرَتَكَ عَلَى التَّجَاوُزِ

همانا تو قدرتت را بر گذشت، جاری

ص : ۶۶۰

ساخته ای.۸/۴۵

جاری بودن جوی ها، از زیر (درختان) بهشت

وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است.۱۰/۴۵

روان گشتن نیکی، با رمضان

وَ كَمْ مِنْ خَيْرٍ أُفِيضَ بِكَ عَلَيْنَا

و چه بسیار نیکی ای که به وسیله تو، بر ما روان گشت!.۳۹/۴۵

روان ساختن عمل شایسته ای برای بنده

وَ أَجْرِ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِى الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

و از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما روان ساز.۴۶/۴۵

جام های حاجات، و جریان جود و بخشش الهی

وَ امْتَلَأَتْ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْعِيَةُ الطَّلِبَاتِ

و ظرف خواسته ها با زیادی جودت، پر گشته است. ۱۲/۴۶

روان نمودن بخشش های گرامی، به سوی

بنده

وَ سُقْ كَرَائِمَ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ

و بخشش های گرامی ات را به سوی من روان فرما. ۱۲۸/۴۷

اجرای توحید، به دست برخی از بندگان

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِى مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِكَ، وَ... مِمَّنْ يَجْرِى ذَلِكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ

خداوندا و مرا از یکتاپرستان و ایمان آورندگان به خود و از کسانی که آن (توحید و ایمان) به وسیله و به دست آنان اجرا می گردد، قرار ده.

۱۲/۴۸

روان بودن فرمان خدا

سُبْحَانَکَ مَا... أَنْفَذَ أَمْرَکَ

پاک و منزّهی! چه روان است فرمانت!

۴/۵۲

به دست آوردن حقیقت یقین، در جریان امر خداوند

أَسْأَلُکَ... یَقِینًا تَنْفَعُ بِهِ مَنِ اسْتَیْقَنَ بِهِ حَقَّ الْیَقِینِ فِی نَفَاذِ أَمْرِکَ

از تو یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو حقیقتاً یقین پیدا کند، سود می دهی.

۳/۵۴

ص : ۶۶۱

روبرویی

روبرو شدن پیروان پیامبران، با تکذیب دشمنان

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَیْبِ عِنْدَ مُعَارَضَهِ الْمُعَانِدِینَ لَهُمْ بِالتَّکْذِیبِ...

خداونـدا و پیروان و تصـدیق کننـدگانِ پنهـانیِ پیـامبران از اهـل زمیـن، در هنگـامی کـه بـا تکـذیب سـتیزه جویـان روبرو می شدند...۱/۴

روبرو شدن مجاهد مسلمان، با دشمن

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّکَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِی عَیْنِهِ...

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما.۱۵/۲۷

روبرو شدن با خدا، با تنی فروتن

فَتَلَقَّاکَ بِنَفْسٍ خَاشِعَهٍ، وَ رَقَبَهٍ خَاضِعَهٍ، وَ ظَهْرٍ مُثْقَلٍ مِنَ الْخَطَایَا...

پس با وجودی فروتن و گردنی فروافتاده و پشتی گرانبار از (بار) خطاها، پیش روی توست.

۱۹/۳۲

روبرو شدن شیطان، با بنده

...وَ تَلَقَّانِی بِکَلِمَهِ کُفْرِهِ

...و با گفتار کفرش با من روبرو شد.۱۳/۳۲

نبود همتا، برای برابری با خدا

أَنْتَ الَّذِی... لَا نِدَّ لَکَ فَیُعَارِضَکَ

تویی آنکه مانندی نداری تا با تو معارضه کند.۲۰/۴۷

سپاسی برابری کننده با عزّتِ جلالِ الهی

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... یُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عزّتِ جلال تو برابر باشد.۴۹و۳۶/۴۷

روبرو شدن با عذاب

تَعَرَّضْتُ فِیهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِکَ

در آنها، خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده، با عقوبت هایت روبرو شدم.۲/۴۹

مقابله کوتاهی بنده، با فراوانی نعمت

هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ، وَ قَابَلَهَا بِالتَّقْصِیرِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و آنها را با کوتاهی مقابله نموده است.۱۵/۴۹

روح

بهره مند ساختن بندگان، از ارواح زندگی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... مَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَیَاهِ

و سپاس خدای را که ما را به روح های زندگی

ص : ۶۶۲

بهره مند ساخت.۲۰/۱

درود خدا بر (فرشته) روح

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ لَا یَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِیحِکَ... وَ الرُّوحُ الَّذِی هُوَ عَلَی مَلَائِکَهِ الْحُجُبِ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند و روح، همان که او بر فرشتگان حجاب ها گماشته شده، پس بر آنها درود فرست.

۶و۵و۱/۳

(فرشته) روح، از عالم امر

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ لَا یَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِیحِکَ... وَ الرُّوحُ الَّذِی هُوَ مِنْ أَمْرِکَ، فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند و روح، که از عالم امر تو می باشد، پس بر آنها درود فرست.۶و۱/۳

فرود آمدن فرشتگان و روح، در شب قدر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند.۵/۴۴

سلام بر دوستان ائمه علیهم السلام و ارواحشان

وَ سَلِّمْ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی أَرْوَاحِهِمْ

و بر آنان و بر روح هایشان سلام فرست.

۶۵/۴۷

روده

پاره پاره شدن روده های ساکنان آتش دوزخ، از آشامیدنی آن

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِی یُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْئِدَهَ سُکَّانِهَا

و از آشامیدنی اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می کند، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

روز

گام برداشتن با روزهای زندگی، به سوی سرآمدی خاص

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِی الْحَیَاهِ أَجَلًا مَوْقُوتًا... یَتَخَطَّأُ إِلَیْهِ بِأَیَّامِ عُمُرِهِ

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، که با روزهای زندگی اش، به سوی آن گام بردارد.۶/۱

درود خدا بر تابعین از امروز تا روز قیامت

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ مِنْ یَوْمِنَا هَذَا إِلَی یَوْمِ الدِّینِ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین درود فرست.۱۳/۴

پر کردن دو طرف (اوّل تا آخر) روز بنده

ص : ۶۶۳

وَ امْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا

و دو طرف آن (روز) را برای ما از سپاس و ستایش و پاداش و ذخیره و فزونی و نیکی پر ساز.

۱۴/۶

نیکی ها و بدی های بندگان، در روز

وَ أَجْزِلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَ أَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

و در آن روز خوبی ها را برای ما بسیار گردان و ما را در آن از بدی ها تهی ساز.۱۴/۶

توفیق انجام نیکی، در امروز و همه روزها

وَ وَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ...

و در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی توفیق ده.۱۸/۶

گواه گرفتن آسمان و زمین و ساکنانشان، در هر روز

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلائِكَتِكَ وَ سَائِرِ خَلْقِكَ فِي يَوْمِي هَذَا...

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را در این روز شاهد می گیرم.۲۱/۶

پشت کردن ایّام، به بنده

وَ أَدْبَرَتْ أَيَّامُهُ فَوَلَّتْ

و روزگارش (به او) پشت کرده و سپری شده.

۸/۱۲

تندرستی، و روز و شب

وَ إِنْ يَكُنْ مَا ظَلِلْتُ فِيهِ، أَوْ بِتُّ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيْ بَلَاءٍ لَا يَنْقَطِعُ... فَقَدِّمْ لِي مَا أَخَّرْتَ...

و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز.۲/۱۸

گماشتن بنده به طاعت خدا، در ایّام مهلت

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ فِی أَیَّامِ الْمُهْلَهِ

و مرا در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار. ۲۹/۲۰

پایندگی عزّت خدا، با گردش ایّام

اللَّهُمَّ یَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِی عَلَی... مَوَاضِی الْأَزمَانِ وَ الْأَیَّامِ

خداوندا ای عزیزی که با گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است.۳و۱/۳۲

برپایی قرآن، در آغاز و پایان روز

وَ اقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِینَ قَامُوا لَکَ بِهِ آنَاءَ اللَّیْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ...

ص : ۶۶۴

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند.

۹/۴۲

برکت ماه نو، و (گذشت) روزها

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَهٍ لَا تَمْحَقُهَا الْأَيَّامُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد، که (گذشت) روزها از بینش نبرد.

۴/۴۳

کَندن بدی از بندگان، با گذشت روزهای رمضان

وَ اسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاخِ أَيَّامِهِ...

و با گذشتن روزهایش، بدی هایمان را از ما بکن.۱۵/۴۴

یاری بندگان به روزه داری، در روز ماه رمضان

وَ أَعِنَّا فِی نَهَارِهِ عَلَی صِيَامِهِ

و ما را در روزش به روزه داری آن، یاری نما.

۱۷/۴۴

گواهی ندادن روزهای رمضان، بر غفلت بنده

وَ أَعِنَّا فِی نَهَارِهِ عَلَی صِيَامِهِ... حَتَّی لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَهٍ

و ما را در روزش به روزه داری آن، یاری نما.

تا روزش بر ما به غفلت، گواهی ندهد.۱۷/۴۴

شمول درخواست در ماه رمضان، بر سایر روزهای زندگی

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا فِی سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَّرْتَنَا

خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده.۱۸/۴۴

روزه داشتن، در روزهای ماه رمضان

فَصُمْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم.

۲۱/۴۵

رمضان، بهترین ماه در روزها و ساعت ها

السَّلَامُ عَلَيْكَ... يَا خَيْرَ شَهْرٍ فِی الْأَيَّامِ وَ السَّاعَاتِ

درود بر تو، ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها.۲۴/۴۵

رمضان، ماه برابری نکردن روزها با آن

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ الْأَيَّامُ

درود بر تو ماهی که روزها(ی دیگر) با آن برابری نمی کند.۳۳/۴۵

عید فطر، جلب کننده ترین روز جهت عفو

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا أَجْلَبِهِ لِعَفْوٍ

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته

است قرار ده که جلب کننده ترین روز، برای عفو باشد.۴۸/۴۵

عید فطر، نابودکننده ترین روز برای گناه

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَیْرِ یَوْمٍ مَرَّ عَلَیْنَا... أَمْحَاهُ لِذَنْبٍ

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که محوکننده ترین آن، برای گناه باشد.۴۸/۴۵

مبارک گرداندن روز عید فطر

وَ بَارِكْ لَنَا فِی یَوْمِ عِیدِنَا وَ فِطْرِنَا

و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان.

۴۸/۴۵

روز عید فطر، بهترین روزها

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَیْرِ یَوْمٍ مَرَّ عَلَیْنَا...

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده.۴۸/۴۵

روز فطر، روز عید و شادی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُوءْمِنِینَ عِیدًا وَ سُرُورًا

خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عید و شادی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

روز فطر، روز اجتماع و گردهمایی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا الَّذِی جَعَلْتَهُ... لِأَهْلِ مِلَّتِکَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشَدًا

خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل دینتْ محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

توبه در روز فطر

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا... مِنْ کُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ...

خداوندا ما در روزِ فطرمان از هر گناهی که آن را مرتکب شده ایم، به درگاه تو توبه می کنیم.

۵۲/۴۵

به پایان نرساندن روز بنده، با ناامیدی

وَ لَا تَخْتِمْ یَوْمِی بِخَیْبَتِی

و روزم را به ناامیدی به پایان نرسان.

۲۵/۴۶

گذر روزها، و فزونی درود بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ، صَلَاهً... تَزِیدُهَا عَلَی کُرُورِ الْأَیَّامِ...

و بر او و بر خاندانش درود فرست، درودی که آن را با گذر روزها بیفزایی.۵۵/۴۷

دوستداران ائمه علیهم السلام ، منتظر ایّام (دولت) ایشان

ص : ۶۶۶

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الْمُنْتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که منتظران روزهای (دولت) آنانند، درود فرست.۶۴/۴۷

روز عرفه، روزی شریف و عظیم

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای.۶۶/۴۷

گستردن رحمت خدا، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمٌ... نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که رحمتت را در آن گسترده ای.۶۶/۴۷

انعام عفو الهی به بندگان، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمٌ... مَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که بخشایشت را در آن ارزانی داشته ای.۶۶/۴۷

بسیاری عطای الهی، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمٌ... أَجْزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که عطایت را در آن فراوان نموده ای و به وسیله آن بر بندگانت تفضّل کرده ای.۶۶/۴۷

بهره ای ویژه برای بنده، در روز عرفه

وَ اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ

و در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم.۷۱/۴۷

چگونه پوشاندن بنده، در روز عرفه

تَغَمَّدْنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری

نموده.۸۶/۴۷

آراستن مناجات برای بنده، در شب و روز

وَ زَیِّنْ لِیَ التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِکَ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ

و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیارا.۱۱۰/۴۷

مبارک بودن روز عید قربان و روز جمعه

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمٌ مُبَارَکٌ مَیْمُونٌ، وَ الْمُسْلِمُونَ فِیهِ مُجْتَمِعُونَ فِی أَقْطَارِ أَرْضِکَ

خداوندا این روزیست مبارک و خجسته و در آن مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند.

۱/۴۸

شریک شدن در دعای مؤمنان، روز عید قربان و جمعه

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِکَنَا فِی صَالِحِ مَنْ دَعَاکَ فِی هَذَا الْیَوْمِ مِنْ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

فرود آوردن نیاز خود به درگاه خدا، در روز عید قربان و جمعه

اللَّهُمَّ... بِکَ أَنْزَلْتُ الْیَوْمَ فَقْرِی وَ فَاقَتِی وَ مَسْکَنَتِی

خداوندا، در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم.۴/۴۸

امید به عفو الهی، در روز عید قربان و جمعه

فَإِلَیْکَ یَا مَوْلَایَ کَانَتِ الْیَوْمَ تَهْیِئَتِی وَ تَعْبِئَتِی وَ إِعْدَادِی وَ اسْتِعْدَادِی رَجَاءَ عَفْوِکَ وَ رِفْدِکَ وَ طَلَبَ نَیْلِکَ وَ جَائِزَتِکَ

پس ای سرور من، امروز مهیّا و آماده گشته و ساز و برگ تهیه نموده تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش و صله و درخواستِ بخشش و احسان تو نائل شوم.۵/۴۸

ناامید نکردن بنده، در روز عید قربان و جمعه

لَا تُخَیِّبِ الْیَوْمَ ذَلِکَ مِنْ رَجَائِی

امروز این امید مرا ناامید نکن.۶/۴۸

پناه بردن به خدا از غضبش، در روز عید قربان و جمعه

أَعُوذُ بِکَ اللَّهُمَّ الْیَوْمَ مِنْ غَضَبِکَ

خداوندا امروز از غضبت به تو پناه می آورم.

۱۷/۴۸

زنهارجویی از خشم خدا، در روز عید قربان و جمعه

أَسْتَجِیرُ بِکَ الْیَوْمَ مِنْ سَخَطِکَ

امروز از خشمت به تو پناه آورده ام.۱۸/۴۸

به پایان رسیدن روزهای زندگی بنده

ارْحَمْ... نَفَادَ أَيَّامِی

بر به آخر رسیدن روزهایم رحم کن.۴/۵۳

روز قیامت

روزگار

نزدیک شدن با سال های روزگار، به سوی سرآمدی خاص

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِی الْحَيَاهِ أَجَلًا مَوْقُوتًا... يَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، که با سال های روزگارش، به آن نزدیک می شود.۶/۱

فرستادن پیامبر، در هر عصر و زمان

فِی کُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِیهِ رَسُولًا...

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی...

۲/۴

درودی که روزگارش به سر نرسد

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً نَامِیَةً لَا انْقِطَاعَ لِأَبَدِهَا وَ لَا مُنْتَهَی لِأَمَدِهَا

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی پیوسته و فزاینده که روزگار آن سپری نشود و مدّتش به پایان نرسد.۲۴/۱۳

پایندگی عزّت خدا، با گردش روزگارها

اللَّهُمَّ یَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِی عَلَی مَرِّ الدُّهُورِ...

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها، ماندگار است.۳و۱/۳۲

برتری رمضان، از بین همه روزگارها

وَ تَخَیَّرْتَهُ مِنْ جَمِیعِ الْأَزْمِنَهِ وَ الدُّهُورِ

و از همه زمان ها و روزگارها برتری اش دادی.

۲۰/۴۵

ماه های روزگار، و دریافت حقّ خدا

وَ أَجْرِ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا یَکُونُ دَرَکًا لِحَقِّکَ فِی الشَّهْرَیْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

و از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.

۴۶/۴۵

روزه

گواه نگرفتن روزی، به روزه داشتن خود

وَ لَا أَسْتَشْهِدُ عَلَى صِيَامِي نَهَارًا

و روزی را بر روزه داری ام شاهد نمی گیرم.

۱۷/۳۲

یاری بندگان، به روزه داشتن

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ...

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما.۶/۴۴

وَ أَعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ

و ما را در روزش به روزه داری آن، یاری نما.

۱۷/۴۴

وجوب روزه، در ماه رمضان

وَ فَرَضْتَ فِيهِ مِنَ الصِّيَامِ

و روزه را در آن واجب کردی.۲۰/۴۵

روزه در ماه رمضان، به فرمان خدا

ص : ۶۶۹

فَصُمْنَا بِأَمْرِکَ نَهَارَهُ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم.

۲۱/۴۵

روزه ماه رمضان و گرویدن به رحمت خدا

مُتَعَرِّضِینَ بِصِیَامِهِ وَ قِیَامِهِ لِمَا عَرَّضْتَنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِکَ

در حالی که در معرض روزه داشتن و به پا خاستن (شبانه) بودیم، از رحمتت – بدان خاطر – به ما عرضه داشتی.۲۱/۴۵

علّت ترک کردن روزه ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ غَیْرَ مُوَدَّعٍ بَرَمًا وَ لَا مَتْرُوکٍ صِیَامُهُ سَأَمًا

درود بر تو. نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. و نه آنکه ترک روزه اش از سر ملالت باشد.

۳۷/۴۵

توفیق الهی و عهده داری روزه

وَ قَدْ تَوَلَّیْنَا بِتَوْفِیقِکَ صِیَامَهُ وَ قِیَامَهُ عَلَی تَقْصِیرٍ

و ما را – با (همه) کوتاهیْ (کردن هایمان) – توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم.۴۴/۴۵

مبارک گرداندن روز روزه گشودن

وَ بَارِکْ لَنَا فِی یَوْمِ عِیدِنَا وَ فِطْرِنَا

و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان.

۴۸/۴۵

پاداشی همانند روزه دارِ ماه رمضان

اکْتُبْ لَنَا مِثْلَ أُجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ

برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس.۵۱/۴۵

روز فطر و روزه گشودن، روز عید و شادی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْکَ فِی يَوْمِ فِطْرِنَا - الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُوءْمِنِينَ عِيدًا وَ سُرُورًا، وَ لِأَهْلِ مِلَّتِکَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشَدًا -

خداونـدا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عیـد و شادی و برای اهل دینتْ محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.

۵۲/۴۵

توبه به درگاه خدا، در روز فطر و روزه گشودن

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْکَ فِی يَوْمِ فِطْرِنَا...

خداوندا ما در روزِ فطرمان به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

روزی رزق

روش

سنّت خدا در توبه، برای پیشینیان

...فَمَا هَکَذَا کَانَتْ سُنَّتُهُ فِی التَّوْبَهِ لِمَنْ کَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ

ص : ۶۷۰

وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ

البته روش او در (قبول) توبه، برای کسانی که پیش از ما بودند، این چنین نبوده و از (دوش) ما آنچه به آن طاقت نداریم برداشته.۲۳/۱

رفتار کردن تابعین اصحاب، مطابق روش صحابه

الَّذِینَ... مَضَوْا عَلَی شَاکِلَتِهِمْ

آنان که به روش آنها رفتار نمودند.۱۰/۴

توفیق پیروی از سنّت ها، در تمام زندگی

وَ وَفِّقْنَا فِی یَوْمِنَا هَذَا وَ لَیْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِی جَمِیعِ أَیَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ اتِّبَاعِ السُّنَنِ

و در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و پیروی از سنّت ها، توفیق ده.۱۸/۶

برپا داشتن روش و سنّت خدا

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ

و آنان را برای به پا داشتن سنّتت توفیق ده.

۲/۲۶

آموختن راه ها و روش ها، به مجاهد

وَ عَلِّمْهُ السِّیَرَ وَ السُّنَنَ

و راه ها و روش ها(ی جهاد) و سنّت ها(ی اسلامی) را، به او بیاموز.۱۴/۲۷

انعام، سنّت الهی

ذَلِکَ أَنَّ سُنَّتَکَ الْإِفْضَالُ

زیرا سنّت تو بخشش است.۷/۳۷

عدم گمراهی قصدکننده راه و روش قرآن

وَ جَعَلْتَهُ... عَلَمَ نَجَاهٍ لَا یَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ

و آن را نشانه نجاتی قرار دادی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود.۳/۴۲

زنده داشتن بندگان، بر سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَحْیِنَا عَلَی سُنَّتِهِ

و ما را بر سنّت او زنده بدار.۲۰/۴۲

نماز، و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] قرار داد - به جا آورده اند.۹/۴۴

هدایت بندگان، به سنّت ماه رمضان

وَ هَدَیْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ

و ما را به روش آن، راهنمایی نمودی.

۴۴/۴۵

مهربانی؛ روش خدا با تجاوزکنندگان

ص : ۶۷۱

وَ سُنَّتُکَ الْإِبْقاءُ عَلَی الْمُعْتَدِینَ

و روش تو مهربانی با تجاوزکنندگان است.

۱۶/۴۶

برپایی روش های پیامبر صلی الله علیه و آله ، توسّط ولیّ خدا

وَ أَقِمْ بِهِ... سُنَنَ رَسُولِکَ

و روش های پیامبرت را به وسیله او به پا دار.

۶۲/۴۷

ترک سنّت های پیامبر صلی الله علیه و آله

یَرَوْنَ... سُنَنَ نَبِیِّکَ مَتْرُوکَهً

می بینند که روش های پیامبرت ترک شده است.۹/۴۸

روشن کردن افروختن

روشنی

روشن ساختن تاریکی های برزخ

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یُضِیءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، تاریکی های برزخ را برای ما روشن نماید.۱۲و۱۰/۱

اقتدا نمودن تابعین، به مَناره هدایت و رستگاری صحابه

وَ لَمْ یَخْتَلِجْهُمْ شَکٌّ فِی... الِائْتِـمَامِ بِهِدَایَهِ مَنَارِهِمْ

و تردیدی ایشان را از اقتدا به چراغ هدایت آنها آشفته نساخت.۱۱/۴

راه یافتن ره یافتگان، به نور هدایت خدا

وَ إِنَّمَا یَهْتَدِی الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِکَ

و به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند.۱۱/۵

بهره مندی از روشنی روز

اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ، وَ مَتَّعْتَنَا بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی و با آن ما را از روشنی روز بهره مند گرداندی.۸/۶

راه رفتن بین مردم، با نور (علم)

وَ هَبْ لِی نُورًا أَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ

و مرا نوری بخش که با آن در بین مردم راه روم. ۸/۲۲

راه یافتن در تاریکی ها، با نور (علم)

وَ هَبْ لِی نُورًا... أَهْتَدِی بِهِ فِی الظُّلُمَاتِ

و مرا نوری بخش که در تاریکی ها با آن راه یابم. ۸/۲۲

روشنی جستن از شکّ، با نور (علم)

وَ هَبْ لِی نُورًا... أَسْتَضِیءُ بِهِ مِنَ الشَّکِّ وَ الشُّبُهَاتِ

و مرا نوری بخش که به وسیله آن از شک و شبهه ها روشنی یابم.۸/۲۲

تاریک بودن روشنی آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَهٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که نورش تاریکی است.۲۹/۳۲

قرآن، نور و روشناییِ فرستاده شده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعَنْتَنِی عَلَی خَتْمِ کِتَابِکَ الَّذِی أَنْزَلْتَهُ نُورًا

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی.۱/۴۲

نور قرار دادن قرآن

وَ جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِی مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَهِ وَ الْجَهَالَهِ بِاتِّبَاعِهِ

و آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم.۳/۴۲

قرآن، نور هدایت و راهنمایی

وَ جَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًی لَا یَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِینَ بُرْهَانُهُ

و آن را نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدانْ خاموش نمی شود، قرار دادی.۳/۴۲

ره یافتن با روشنایی قرآن، از تاریکی های

گمراهی

وَ جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِی مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَهِ وَ الْجَهَالَهِ بِاتِّبَاعِهِ

و آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم.۳/۴۲

راه یافتن به روشنی بامداد قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَهْتَدِی بِضَوْءِ صَبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که با نور صبحگاهش راه می یابند.۷/۴۲

اقتدا به درخشش روشنایی قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَقْتَدِي بِتَبَلُّجِ إِسْفَارِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به درخشش روشنایی آن اقتدا می کنند.۷/۴۲

روشن نمودن چراغ، به چراغ قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَسْتَصْبِحُ بِمِصْبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که از نور چراغ آن، روشنی می افروزند.۷/۴۲

روشنی جستن به روشنایی قرآن

وَ تَقْفُوَ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاؤُوا بِنُورِهِ

و ما را در پی کسانی گردانی که از نور آن، روشنی جستند.۹/۴۲

روشن ساختن تاریکی قبرها، به قرآن

وَ نَوِّرْ بِهِ قَبْلَ الْبَعْثِ سُدَفَ قُبُورِنَا

و پيش از برانگيخته شدن، تاريكى قبرهايمان را با آن (قرآن)، روشن ساز.۱۵/۴۲

كامل نمودن نور پيامبر صلى الله عليه و آله

لَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ أَتِمَّ نُورَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و نورش را كامل ساز.۱۹/۴۲

روشن كردن تاريكى ها، به وسيله ماه

آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ

ايمان آوردم به كسى كه به وسيله تو ظلمت ها را نورانى ساخت.۲/۴۳

ماه، و نورافشانى اش

وَ امْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ... وَ الْإِنَارَةِ وَ الْكُسُوفِ

و تو را با فزونى و كاستى، و نورفشانى و گرفتگى، به خدمت گرفت.۲/۴۳

نور پيامبر صلى الله عليه و آله و مؤمنان

يَوْمَ لَا يُخْزِى اللَّهُ النَّبِىَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ، نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ

روزى كه خداوند، پيامبر و كسانى كه به او ايمان آورده اند را خوار نمى كند. نورشان پيش رو و از سمت راستشان حركت مى كند.۱۱/۴۵

كامل گرداندن نور پيامبر صلى الله عليه و آله و مؤمنان، (در قيامت)

يَوْمَ لَا يُخْزِى اللَّهُ النَّبِىَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ... يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا

روزى كه خداوند، پيامبر و كسانى كه به او ايمان آورده اند را خوار نمى كند، گويند: پروردگارا، نورمان را براى ما كامل گردان.

۱۱/۴۵

فروفرستادن قرآن و نور، در ماه رمضان

وَ آثَرْتَهُ عَلَی کُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَهِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِیهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ النُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

امام علیه السلام ، مناره و روشنایی بخش راه (حقّ)

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَیَّدْتَ دِینَکَ فِی کُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ... مَنَارًا فِی بِلَادِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را مناره ای (روشن) در شهرهایت به پا داشتی.۶۰/۴۷

میراندن بنده، و نور و روشنایی او

وَ أَمِتْنِی مَیتَهَ مَنْ یَسْعَی نُورُهُ بَیْنَ یَدَیْهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ

ص : ۶۷۴

و مرا بمیران، همچون مردن کسی که روشنایی اش در پیش رویش و از سمت راستش در حرکت است.۱۱۷/۴۷

روگردانی

رو گردان نشدن، از خداوند

وَ یَا مَنْ یُرْغَبُ إِلَیْهِ وَ لَا یُرْغَبُ عَنْهُ

و ای که به او رو می آورند و از او روگردان نمی شوند.۶/۱۳

رو نگرداندن از بنده

إِلَهِی... لَا تُعْرِضْ عَنِّی وَ قَدْ أَقْبَلْتُ عَلَیْکَ

خدای من، از من که به تو رو آورده ام روی نگردان.۱۷/۱۶

لَا تُعْرِضْ عَنِّی إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَی عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِکَ

از من رونگردان همانند روگرداندن از کسی که پس از خشمت از او خوشنود نمی شوی.

۱۰۰/۴۷

سبب رو گرداندن خدا، از بنده

وَ لَا تَفْتِنِّی... بِالتَّضَرُّعِ إِلَی مَنْ دُونَکَ إِذَا رَهِبْتُ، فَأَسْتَحِقَّ بِذَلِکَ خِذْلَانَکَ وَ مَنْعَکَ وَ إِعْرَاضَکَ

و مرا به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن. تا به سبب آن، سزاوار خواری و بی بهرگی و روی گرداندن تو شوم.۱۲/۲۰

گرداندن روزی نیکوی خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّی وَجْهَکَ الْکَرِیمَ... لَمْ أَجِدِ السَّبِیلَ إِلَی شَیْءٍ مِنْ أَمَلِی غَیْرَکَ

خداوندا اگر روی کریمت را از من برگردانی، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

رو گرداندن از نیازمندِ بخشش خدا

وَ صَرَفْتُ وَجْهِی عَمَّنْ یَحْتَاجُ إِلَی رِفْدِکَ

و از آنکه نیازمند عطای توست، رو گرداندم.

۳/۲۸

روی گرداندن از رضا و خوشنودی خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... تَوَعَّدْتَ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاکَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن هر که را از خوشنودی تو روی گرداند، تهدید نمودی.**۲۹/۳۲**

روم

دشمنان خدا در روم

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْکِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و

ص : ۶۷۵

دیگر امّت های مشرک.۹/۲۷

رومان

درود خدا بر (فرشته) رُومان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ رُومَانَ فَتَّانِ الْقُبُورِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و و رومانْ آزمایش کننده (مردگان) قبرها.۱۸و۱۱و۱۰/۳

روی چهره

رؤیا خواب

روی آوری توجّه

روی آوردن به خدا، و نیک بخت شدن

وَ السَّعِيدُ مِنَّا مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ

و نیک بخت از ما کسی است که به سوی او رغبت ورزد.۲۴/۱

رو نمودن تابعین، به سمت روی آوردن اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

الَّذِينَ... تَحَرَّوْا وِجْهَتَهُمْ

آنان که به سوی جهت آنها روآوردند.

۱۰/۴

سبب رو نیاوردن به غیر خدا

وَ اكْفِنَا وَحْشَهَ الْقَاطِعِينَ. بِصِلَتِكَ، حَتَّى لَا نَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَذْلِكَ

و با پیوستن به خود، ما را از وحشتِ دوری کنندگان، نگهدار، تا با بخشش تو به دیگران رونیاوریم.۷/۵

تفضّل خدا، به روآورنده به سوی او

وَ يَحْدُونِی عَلَی مَسْأَلَتِکَ تَفَضُّلُکَ عَلَی مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَیْکَ

و وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضّل تو به آنکه رو به تو آورَد.۳/۱۲

رو آوردن به سوی خدا، با توبه

تَلَقَّاکَ بِالْإِنَابَهِ، وَ أَخْلَصَ لَکَ التَّوْبَهَ

با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند.۸/۱۲

رو آوردن به خدا و روگردان نشدن او

وَ یَا مَنْ یُرْغَبُ إِلَیْهِ وَ لَا یُرْغَبُ عَنْهُ

و ای که به او رو می آورند و از او روگردان نمی شوند.۶/۱۳

روی آوردن به آفریدگان

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَکَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ

ص : ۶۷۶

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.

۱۴/۱۳

روآوردن فقیر به فقیر

وَ أَنَّی یَرْغَبُ مُعْدِمٌ إِلَی مُعْدِمٍ؟

و کجا تهی دست به تهی دست روآورد؟

۱۷/۱۳

اوّلین روآورنده به سوی خدا

فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَیْکَ فَأَعْطَیْتَهُ وَ هُوَ یَسْتَحِقُّ الْمَنْعَ

پس من اوّلین روآورنده نیستم که به تو روآورده و به او بخشش کردی، با اینکه سزاوار منع است.۲۰/۱۳

روآوردن بنده و رونگرداندن خدا

إِلَهِی... لَا تُعْرِضْ عَنِّی وَ قَدْ أَقْبَلْتُ عَلَیْکَ

خدای من، از من که به تو رو آورده ام روی نگردان.۱۷/۱۶

رغبت به عمل برای خداوند

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی حَتَّی أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِکَ مِنْ قَلْبِی

و برای آخرتمْ رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم

بشناسم.۸/۲۲

روآوردن خطایا و لغزش ها، به بنده

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از

آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم.

۱۳/۲۲

روی آوری به راهنماینده ترین کس

وَ وَفِّقْنِی یَا أَهْدَی مَنْ رُغِبَ إِلَیْهِ

و مرا توفیق ده. ای راهنماترین کسی که به او رغبت شده.۱۱/۲۴

روی آوردن فرزندان، به والدین

وَ اجْعَلْهُمْ لِی... مُقْبِلِینَ

و آنان را به من متوجّه ساز.۴/۲۵

روآوردن به خدا، با همه وجود

وَ أَقْبَلْتُ بِکُلِّی عَلَیْکَ

و با همه وجودم به تو روآوردم.۲/۲۸

روآوردن بنده به خدا، در حال شرم و امید

فَأَقْبَلَ نَحْوَكَ مُؤَمِّلًا لَكَ مُسْتَحْيِيًا مِنْكَ

پس امیدوار به تو و شرمنده از تو، به سویت روی آورده.۸/۳۱

روآوری خدا به بنده، با آمرزش

وَ الْقَنِی بِمَغْفِرَتِکَ

و با آمرزش خود به من روآور.۱۲/۳۱

روی آوری بنده به خدا، با اعتراف

وَ الْقَنِی بِمَغْفِرَتِکَ کَمَا لَقِیتُکَ بِإِقْرَارِی

و با آمرزش خود به من روآور، همچنان که من با اقرارم به تو رو آوردم.۱۲/۳۱

روی آوری به بخشنده ترین کس

وَ أَنْتَ... أَعْطَى مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ

و تو بخشنده ترین کسی می باشی که از او درخواست شد.۲۲/۳۲

إِنَّکَ أَکْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ

به درستی که تو کریم تر کسی هستی که از او درخواست شده.۵۶/۴۵

روآوردن بدی ها، به سوی بنده

وَ اجْعَلْ... عَزْمِی عَلَى تَرْکِ مَا يَعْرِضُ لِی مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَةً تُوجِبُ لِی مَحَبَّتَکَ

و عزمم را بر ترک بدی هایی که به من روآورَد، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گرداند.۳/۳۸

رو نیاوردن شکّ به بنده، در تصدیق قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا الشَّکُّ فِی تَصْدِيقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکّی جلودار تصدیق ما نشود.۶/۴۲

رمضان و روآوردنش

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ أَلِیفٍ آنَسَ مُقْبِلًا فَسَرَّ

درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت.۲۷/۴۵

روآوردن بردباری خدا، به دشمنی کننده با او

وَ حِلْمُکَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاکَ

و حلمت به کسی که با تو دشمنی نموده، پرداخته است.۱۶/۴۶

روآوردن روی آورندگان، به سوی خدا

وَ اجْعَلْ رَغْبَتِی إِلَیْکَ فَوْقَ رَغْبَهِ الرَّاغِبِینَ

و رغبت مرا به سوی خود، بالاتر از رغبتِ همه روی آورندگان قرار ده.۱۱۵/۴۷

روی آوردن به خدا، و باز شدن درهای توبه، رأفت و روزی

وَ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ تَوْبَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ رَأْفَتِکَ وَ رِزْقِکَ الْوَاسِعِ، إِنِّی إِلَیْکَ مِنَ الرَّاغِبِینَ

درهای توبه و رحمت و رأفت و روزی فراخت را بر من بگشای، همانا من از روآورندگان به سوی توام.۱۳۲/۴۷

طولانی بودن روآوری گنهکاران، بر گناه

ثُمَّ لَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلَی عَظِیمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ

سپس روآوردن بسیارِ آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازنداشت.۷/۴۸

روآوردن بنده به خدا، به واسطه منزلت محمّدی و مقام علوی

اللَّهُمَّ فَإِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِالْمُحَمَّدِیَّهِ الرَّفِیعَهِ، وَ الْعَلَوِیَّهِ الْبَیْضَاءِ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِهِمَا

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم و به وسیله آنان به درگاهت رومی آورم.۱۶/۴۹

روی آوری خدا، به متوکّل

وَ تَلْقَی مَنْ تَوَکَّلَ عَلَیْکَ

و به کسی که بر تو اعتماد کرده، رو می آوری.

۱۲/۵۱

رؤیت نگاه

رویش

روانی ابر و رویش گیاه

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِکَ، الْمُونِقِ فِی جَمِیعِ الْآفَاقِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گیاهِ چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.۱/۱۹

آبی رویاننده درخت و کشت

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تُنْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ

خداوندا ما را با بارانی که درخت ها را به وسیله آن برویانی، سیراب نما.۵/۱۹

عدم اذن رویش، به زمین دشمن

لَا تَأْذَنْ لِسَمَائِهِمْ فِی قَطْرٍ، وَ لَا لِأَرْضِهِمْ فِی نَبَاتٍ

آسمانشان را در باریدن و زمینشان را در روییدن، اذن نده.۶/۲۷

رویاندن هفت خوشه از یک دانه

مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت

خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد.

۱۳/۴۵

رها کردن ترک

رهایی

رهایی بخشیدن به تابعین از آزمایش های ترسناک

وَ تُعَافِيَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَهُ مِنْ مَحْذُورَاتِهَا

و ایشان را از آنچه که به وجود آورنده آزمایش هایی از امور ترسناک است، عافیت بخشی.

۱۸/۴

درخواست رهایی از گرفتاری ها

وَ يَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَـخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ

و ای کسی که رهایی و رفتن به سوی آسایشی فراخ، از او درخواست می شود.۱/۷

به زودی رهایی یافتن، برای بنده

وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَحِيًّا

و نزد خود زود رها شدن را برای من مقرر کن.

۸/۷

رهایی نیافتن کسی، بدون بخشایش خدا

وَ لَا نَجَاهَ لِأَحَدٍ مِنَّا دُونَ عَفْوِكَ

و بدون بخشایش تو، هیچ یک از ما نجات

نمی یابیم.۲/۱۰

رهایی فرمان برداران، با اطاعت خدا

يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ

ای که اطاعت او برای فرمانبران رهایی است.

۱/۱۱

رهایی بنده (از عذاب) و اقرار به زشتی ارتکاب ها

هَلْ يُنْجِينِي مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ بِقَبِيحِ مَا ارْتَكَبْتُ؟

آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟۶/۱۲

رهایی دادن بنده و سزاواری او (به کیفر)

وَ عَافِنِي مِمَّا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ

و مرا از آنچه از جانب تو سزاوارش هستم رها کن.۱۵/۱۲

رحمت الهی و رهایی از گرفتاری

وَ اجْعَلْ... خَلَاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ

و رهایی از گرفتاریم را به بخشایشت قرار ده.

۶/۱۵

رهایی گردن خطاکاران، با امید به رحمت خدا

وَ إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِي... رَجَاءً لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا فَكَاكُ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون امیدواری به رحمت تو - که رهایی گردن های خطاکاران است - می باشد.۲۸/۱۶

رهاشده عفو و آزادگردیده رحمت خدا

وَ اجْعَلْنِی طَلِیقَ عَفْوِكَ، وَ عَتِیقَ رَحْمَتِكَ

و مرا رهاشده گذشتت و آزادگردیده رحمتت قرار ده.۳۳/۱۶

رهایی طلبیدن از خدا، و رها شدن

وَ أَجِرْنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ

و از آنچه از ترس آن از تو ایمنی طلبیدیم، امانمان ده.۱۵/۱۷

رهایی از دوزخ را روزی بنده نمودن

وَ ارْزُقْنِی... سلَامَةَ الْمِرْصَادِ

و رهایی از کمین گاه (دوزخ) را روزی ام فرما.

۱۸/۲۰

نفْس بنده و رهانده شدن از عذاب

اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِی مَا يُخَلِّصُهَا

خداوندا برای خود از من، آنچه را که رهایی ام دهد، بگیر.۱۹/۲۰

رهاندن بنده، از حسد

وَ خَلِّصْنِی مِنَ الْحَسَدِ

و مرا از حسد، رهایی ده.۵/۲۲

رهاندن مجاهد مسلمان، از اندوه تنهایی

وَ أَجِرْهُ مِنْ غَمِّ الْوَحْشَهِ

و او را از اندوه تنهایی حفظ کن.۱۳/۲۷

رهاندن مجاهد مسلمان، از کسب شهرت

وَ خَلِّصْهُ مِنَ السُّمْعَهِ

و او را از شهرت طلبی نجات ده.۱۴/۲۷

سبب رهایی دادن بندگان، از سختی رنج

وَ أَلْهِمْنَا ثِقَهً خَالِصَهً تُعْفِینَا بِهَا مِنْ شِدَّهِ النَّصَبِ

و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری.۲/۲۹

رهاندن بنده، از وامِ آبروبَرنده

وَ هَبْ لِیَ الْعَافِیَهَ مِنْ دَیْنٍ تُخْلِقُ بِهِ وَجْهِی

و مرا معاف دار، از وامی که با آن آبرویم را ببری.۱/۳۰

سبب رهایی دادن بنده، از قرض

وَ أَجِرْنی مِنْهُ بِوُسْعٍ فَاضِلٍ أَوْ کَفَافٍ وَاصِلٍ

و مرا با ثروتِ فراوان و روزیِ کافی، از آن (قرض) نجات ده.۲/۳۰

رها شدن از خشم خدا

فَیَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَهٍ... أَوْ شَفَاعَهٍ أَوْکَدُ عِنْدَکَ مِنْ شَفَاعَتِی تَکُونُ بِهَا نَجَاتِی مِنْ غَضَبِکَ

پس دعایی از او به من رسد یا شفاعتی کند که

از شفاعت من نزد تو کارسازتر است، که رهایی من از خشمت به وسیله آن حاصل شود.۲۷/۳۱

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَهَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِکَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِینَ... فَأَصْبَحَ طَلِیقَ عَفْوِکَ مِنْ إِسَارِ سُخْطِکَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به واسطه عفوت از قید و بند خشمت، رها گردیده است. ۱۰/۳۹

وَ تَصَدَّقُوا لَکَ طَلَبًا لِمَزِیدِکَ، وَ فِیهَا کَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِکَ

و جهت طلبِ افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند و در (همه) اینها نجات ایشان از خشمت نهفته بود.۱۶/۴۵

فَنَجِّنِی مِنْ سُخْطِکَ

پس مرا از خشم سختت نجات ده.۶/۵۱

رهاندن بندگان، به وسیله محمّد صلی الله علیه و آله

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، کَمَا اسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، آنچنان که ما را به وسیله او نجات دادی.۳۰/۳۱

عامل رهایی یافتن (ستمگر و ستم دیده)

وَ عَوِّضْنِی... مِنْ دُعَائِی لَهُمْ رَحْمَتَکَ حَتَّى... یَنْجُوَ کُلٌّ مِنَّا بِمَنِّکَ

و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده. تا هر کدام از ما به سبب نعمتت، نجات

یابد.۳/۳۹

رهایی از حکم عدل الهی

وَ خَلِّصْنِی مِمَّا یَحْکُمُ بِهِ عَدْلُکَ

و مرا از آنچه عدل تو را حکم می کند، خلاص گردان.۵/۳۹

رهایی بنده از مهلکه ها، به توفیق الهی

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَهَ مَنْ قَدْ... خَلَّصْتَهُ بِتَوْفِیقِکَ مِنْ وَرَطَاتِ الْمُـجْرِمِینَ

و مرا اسوه کسی گردان که به توفیق خود، او را از منجلاب های مجرمان، رهاندی.۱۰/۳۹

رها شدن از بند عدل خدا، با احسان او

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَهَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِکَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِینَ... فَأَصْبَحَ... عَتِیقَ صُنْعِکَ مِنْ وَثَاقِ عَدْلِکَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است.

۱۰/۳۹

ناامیدی از نجات، استوارتر از امید به رهایی

تَفْعَلُ ذَلِکَ یَا إِلَهِی... بِمَنْ یَأْسُهُ مِنَ النَّجَاهِ أَوْکَدُ مِنْ رَجَائِهِ لِلْخَلَاصِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که

ص : ۶۸۲

ناامیدی اش از نجات، محکم تر از امیدش به رهایی است.۱۲/۳۹

قرآن، نشانه نجات

وَ جَعَلْتَهُ... عَلَمَ نَجَاهٍ لَا یَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ

و آن را نشانه نجاتی قرار دادی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود.۳/۴۲

سبب رهایی در عرصه قیامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سَبَبًا نُجْزَی بِهِ النَّجَاهَ فِی عَرْصَهِ الْقِیَامَهِ

و قرآن را دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت، قرار ده.۸/۴۲

نجات از ترس و اندوه روز قیامت

وَ نَجِّنَا بِهِ مِنْ کُلِّ کَرْبٍ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ شَدَائِدِ أَهْوَالِ یَوْمِ الطَّامَّهِ

و ما را در روز رستاخیز از هر اندوهی و از ترس های سخت روز قیامت، به وسیله آن (قرآن)، نجات ده.۱۵/۴۲

رهاندن بندگان، از احاطه شیطان

وَ إِنِ اشْتَمَلَ عَلَیْنَا عَدُوُّکَ الشَّیْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ

و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده.۱۶/۴۴

ناامیدی (مغرور به کرم خدا)، از به آسانی

رهایی یافتنش

وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَهِ الْمَـخْرَجِ

و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن!

۲۰/۴۶

نجاتِ سهل انگاران

وَ خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَا... اسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِینَ

و دلم را به سوی آنچه سهل انگاران را با آن نجات داده ای، متوجّه ساز.۹۲/۴۷

رهاندن بنده، از گرداب های بلا

وَ نَجِّنِی مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَهِ، وَ خَلِّصْنِی مِنْ لَهَوَاتِ الْبَلْوَی

و از گرداب های فتنه نجاتم ده و از کام های بلا رهایی ام بخش.۹۸/۴۷

سبب رهایی از گرفتاری به گناهان بزرگ

وَ هَبْ لِی عِصْمَهً... تَفُکُّنِی مِنْ أَسْرِ الْعَظَائِمِ

و به من عصمتی بخش که از بند گناهان بزرگ رهایم سازد.۱۱۱/۴۷

رهاندن بنده از تباهی یا بدی اراده شده خدا، در مورد قومی

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَهً أَوْ سُوءًا فَنَجِّنِی مِنْهَا لِوَاذًا بِکَ

و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فروفرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات

ده.۱۲۰/۴۷

راه رهایی یافتن از (عذاب) خدا

وَ لَا یُنْجِینِی مِنْکَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَیْکَ وَ بَیْنَ یَدَیْکَ

و جز زاری به درگاهت و در پیش رویت، مرا از (عذاب) تو نجات نمی دهد.۱۳/۴۸

رهاندن متمسّک شده به خداوند

وَ تُخَلِّصُ مَنِ اعْتَصَمَ بِکَ

و هر کس را که به (رشته) تو دست آویزد، می رهانی.۱۲/۵۱

عدم رهایی بنده، از خدا

کَیْفَ یَنْجُو مِنْکَ مَنْ لَا مَذْهَبَ لَهُ فِی غَیْرِ مُلْکِکَ؟

چگونه از تو رهایی یابد، کسی که در غیر قلمرو تو، راهی برایش نمی باشد؟۱/۵۲

نبودن رهایی دهنده ای از خدا، برای بنده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنْ... لَا مُنْقِذَ لَهُ مِنْکَ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که نجات دهنده ای برای او از تو نمی باشد.۹و۸/۵۲

عامل رهایی از آزمایش های گمراه کننده

نَجِّنِی مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

مرا از آزمایش های گمراه کننده نجات ده. به

رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.

۸/۵۴

رهبر پیشوا

ریا

برکنار نمودن ریا، از مجاهد مسلمان

وَ اَعْزِلْ عَنْهُ الرِّیَاءَ

و خودنمایی را از او دور کن.۱۴/۲۷

خالص گرداندن کردار بنده، از ریا

ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِکَ کُلَّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَاءِینَ

سپس همه آن را از خودنمایی ریاکاران خالص گردان.۷/۴۴

ریسمان

چنگ زنندگان به ریسمان قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَصِمُ بِحَبْلِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان آن چنگ می زنند.۷/۴۲

نگاه داشتن بنده، به ریسمان الهی

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... عَصَمْتَهُ بِحَبْلِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به ریسمان خویش، وی را نگه داشتی.۶۷/۴۷

ص : ۶۸۴

ز

زاد توشه

زادگاه

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به جایی دور از زادگاه خویش

وَ هَاجَرَ إِلَی... مَحَلِّ النَّأْیِ عَنْ... مَسْقَطِ رَأْسِهِ

و از زادگاهش، به محل دور هجرت نمود.

۱۶/۲

زاری

مهربان بودن خدا، به زاری بنده

فَارْحَمْ تَضَرُّعَنَا إِلَیْکَ

پس به زاری ما به درگاهت رحم کن.۵/۱۰

وَ کُنْ... لِتَضَرُّعِی رَاحِمًا

و به زاریم ترحم فرما.۲۱/۱۳

سبب گرفتگیِ صدای زاری بنده، به درگاه خدا

کُلُّ ذَلِکَ حَیَاءٌ مِنْکَ لِسُوءِ عَمَلِی، وَ لِذَاکَ خَمَدَ صَوْتِی عَنِ الْجَأْرِ إِلَیْکَ

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم. و از همین جهت است که صدای زاریم به درگاه تو گرفته.۲۰/۱۶

رحم نمودن خدا، بر تضّرع بسیار بنده

فَارْحَمْ طُولَ تَضَرُّعِی

پس بر بسیاری زاریم رحم کن.۳۲/۱۶

زاری به درگاه خدا، هنگام درویشی

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی... أَتَضَرَّعُ إِلَیْکَ عِنْدَ الْمَسْکَنَهِ

خداوندا مرا چنانم کن که هنگام تهی دستی، به درگاه تو زاری کنم.۱۲/۲۰

زاری نمودن نزد غیر خدا

لَا تَفْتِنِّی... بِالتَّضَرُّعِ إِلَی مَنْ دُونَکَ إِذَا رَهِبْتُ

مرا به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن.۱۲/۲۰

با زاری به درگاه خدا ایستادن

فَمَثَلَ بَیْنَ یَدَیْکَ مُتَضَرِّعًا

پس زاری کنان در پیشگاهت ایستاده.۹/۳۱

زاریِ ذلیل، نزد عزیز

وَ افْعَلْ بِی فِعْلَ عَزِیزٍ تَضَرَّعَ إِلَیْهِ عَبْدٌ ذَلِیلٌ فَرَحِمَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی

ص : ۶۸۵

پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما.۲۴/۳۱

زاری بنده به درگاه خدا، برای برگرداندن مکر شیطان

وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْکَ فِی صَرْفِ کَيْدِهِ

و به درگاه تو زاری می کنم، تا فریبش را از من بازگردانی.۲۷/۳۲

آتش دوزخ و زاری به سوی آن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ لَا تُبْقِی عَلَی مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که بر زاری کنندگانش مهربان نیست.۳۰و۲۹/۳۲

زاری و درخواست عفو الهی

وَ نَبْتَهِلُ إِلَيْکَ فِی سُوءَالِ عَفْوِکَ

و برای درخواست بخشش، به سوی تو زاری می کنیم.۳/۳۶

یاری نمودن بنده، به تضرّع در ماه رمضان

وَ أَعِنَّا... فِی لَيْلِهِ عَلَی الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْکَ

و ما را در شبش بر نماز و زاری به درگاهت، یاری نما.۱۷/۴۴

درخواست از خدا، از روی تضرّع

وَ سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ... وَ مَعَ ذَلِکَ

خِيفَهً وَ تَضَرُّعًا...

و از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال. و با آن احوال، درخواستم به همراه ترس و زاری است.۷۴/۴۷

زاریِ بیزار از گناه، به درگاه خدا

تَغَمَّدْنِی فِی يَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْکَ مُتَنَصِّلًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری

نموده.۸۶/۴۷

زاری به درگاه خدا، و رهایی از (عقاب) او

وَ لَا يُنْجِينِی مِنْکَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْکَ وَ بَيْنَ يَدَيْکَ

و جز زاری به درگاهت و در پیش رویت، مرا از (عذاب) تو نجات نمی دهد.۱۳/۴۸

خدا، بینا به زاری بنده، به درگاهش

فَقَدْ تَرَی ضَعْفِی وَ قِلَّهَ حِيلَتِی وَ تَضَرُّعِی إِلَيْکَ

زیرا ناتوانی و بیچارگی و زاری ام را به درگاه خود می بینی.۱۶/۴۸

اجابت آنچه درباره اش، به درگاه خدا زاری شده

وَ اسْتَجِبْ لِی جَمِيعَ مَا سَأَلْتُکَ وَ طَلَبْتُ إِلَيْکَ وَ رَغِبْتُ فِيهِ إِلَيْکَ

ص : ۶۸۶

و همه آنچه را که از تو خواسته ام و طلب کرده ام و به آن میل نموده ام، برایم مستجاب فرما.

۲۸/۴۸

زایش

فرزند نیاوردن و زاده شده نبودن خدا

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ تَلِدْ فَتَکُونَ مَوْلُودًا

تویی آنکه فرزندی نیاورده ای، تا زائیده شده باشی.۱۹/۴۷

نزاییدن و زاده نشدن خدا

یَا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ

ای که نزائیده و زائیده نشده ای.۲/۵۴

زبان

شیرینی زبان ها، در بیان نعمت الهی

وَ اجْعَلْ... انْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِی وَصْفِ مِنَّتِکَ

و خوش سخنی هایمان را در بیان نعمت بزرگ خود قرار ده.۱۴/۵

سخنان زبان و ثواب الهی

وَ اجْعَلْ... لَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ

و سخنان زبان هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده.۷/۹

مشغول ساختن زبان ها از هر سپاسی، به سپاس گزاری خدا

وَ اشْغَلْ... أَلْسِنَتَنَا بِشُکْرِکَ عَنْ کُلِّ شُکْرٍ

و زبان های ما را به سپاس خود از هر سپاسی مشغول ساز.۱/۱۱

ثبت کردارهای پاکیزه برای بنده، در حال بیماری و گویا نگشتن زبانی بر آن

وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ، مَا... لَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که زبانی به آن گویا نگشته.۵/۱۵

کُند شدن زبان راز و نیاز با خدا

وَ کَلَّ لِسَانِی عَنْ مُنَاجَاتِکَ

و زبانم از مناجات با تو بند آمده.۲۰/۱۶

کُندی زبان بر اثر (زیادی) یاد خدا، و اثر آن

یَا إِلَهِی لَوْ... ذَکَرْتُکَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ حَتَّی یَکِلَّ لِسَانِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

زبانی برای بنده، در مقابل نزاع کننده با او

وَ اجْعَلْ لِی... لِسَانًا عَلَی مَنْ خَاصَمَنِی

و برایم بر کسی که با من جدال کرد، زبانی قرار ده.۸/۲۰

تبدیل سخن زشتِ جاری شده بر زبان، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

گویا ساختن زبان بنده، به حمد، شکر، یاد و ستایش نیکوی خدا

وَ أَنْطِقْ بِحَمْدِکَ وَ شُکْرِکَ وَ ذِکْرِکَ وَ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَیْکَ لِسَانِی

و زبانم را به حمد خود و شکرت و یادت و ستایش نیکوی خود، گویا فرما.۵/۲۳

لال شدن زبانِ قصدبدکننده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُخْرِسَ عَنِّی لِسَانَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا زبانش را درباره من لال کنی.۸و۷/۲۳

بستن زبان های دشمنان، از گفتار

وَ اخْزِمْ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ

و زبان هایشان را از گفتن ببند.۵/۲۷

توبه نمودن از گفتگوهای (بیجای) زبان

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ مِنْ کُلِّ مَا... زَالَ عَنْ مَحَبَّتِکَ مِنْ... لَحَظَاتِ عَیْنِی، وَ حِکَایَاتِ لِسَانِی

خداوندا و همانا من از هر چه دور از دوستی توست؛ از نگاه های چشمم و بیانات زبانم، به درگاهت توبه می کنم.۲۲/۳۱

برنگشتن زبانه ترازوی عدل، از درستی

وَ جَعَلْتَهُ... مِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ

و آن (قرآن) را ترازوی عدلی قرار دادی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود.۳/۴۲

سختی زبان و نیکویی عبارت قرآن

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِيَ أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

عامل گنگ کننده زبان، از فرو رفتن در باطل

ص : ۶۸۸

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِی الْبَاطِلِ مِنْ غَیْرِ مَا آفَهٍ مُخْرِسًا

و قرآن را بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، قرار ده.۱۰/۴۲

گویا نشدن زبان ها، جز به آنچه خدا خبر داده

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَّلْتَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا زبان هایمان جز به آنچه تو بیان کرده ای، سخن نگوید.۷و۶/۴۴

شرط ستایش شدن مخلوق، به هر زبانی

وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَی مِثْلِ الَّذِی دَلَلْتَ عَلَیْهِ عِبَادَکَ مِنْکَ کَانَ... مَحْمُودًا بِکُلِّ لِسَانٍ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به هر زبانی (مورد) ستایش قرار می گرفت.۱۷/۴۵

عذر خواستن زبان ها، از روی راستی

وَ لَکَ... مِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ الِاعْتِذَارِ

و عذر خواستن راستین زبان هایمان، برای توست.۴۵/۴۵

نگشودن زبان طعنه زنندگان، بر بنده

وَ لَا تَبْسُطْ عَلَیْنَا فِیهِ أَلْسُنَ الطَّاعِنِینَ

و زبان طعنه زنندگان را در آن (ماه) بر ما نگشا.۴۷/۴۵

آزار رساندن حسود، با نیش زبانش

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... سَلَقَنِی بِحَدِّ لِسَانِهِ

و چه بسیار حسودی که با زبان تیزش مرا آزرد.۹/۴۹

زبان بنده، سپاس گزار خدا

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند.۶/۵۱

زحمت رنج

زدایش

زدایش زنگار ستم، به وسیله ولیّ خدا

وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ

و با او زنگار ستم را از راهت بزدای.

۶۲/۴۷

زد و خورد

ترساندن دشمنان، از زد و خورد با دلیران (اسلام)

ص : ۶۸۹

وَ جَبِّنْهُمْ عَنْ مُقَارَعَهِ الْأَبْطَالِ

و ایشان را از پیکار با دلاوران بترسان.

۱۱/۲۷

زرع کشت

زره

پوشاندن زره های محافظت کننده از شرّ شیطان، بر مؤمنان

وَ أَلْبِسْهُمْ مِنْهُ جُنَنًا وَاقِيَهً

و بر اندام آنان زره های بازدارنده از آزار و اذیّت او بپوشان.۱۰/۱۷

زشتی

اقرار به زشتی ارتکاب ها

هَلْ يُنْجِينِی مِنْکَ اعْتِرَافِی لَکَ بِقَبِيحِ مَا ارْتَکَبْتُ؟

آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟۶/۱۲

چشم پوشی خدا، بر جرم های بسیار زشت

أَتُوبُ إِلَيْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ... احْتِمالَ الْجِنَايَاتِ الْفَاحِشَهِ لَا يَتَکَأَّدُکَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند چشم پوشی

از جرم های بسیار زشت بر تو سخت نمی باشد.

۱۳و۱۲/۱۲

کثرت زشتی ها و عدم پرده دری خدا

وَ کَمْ مِنْ شَائِبَهٍ أَلْمَمْتُ بِهَا فَلَمْ تَهْتِکْ عَنِّی سِتْرَهَا

و چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و پرده مرا ندریدی.۲۱/۱۶

طوق زشتی ها

وَ کَمْ مِنْ شَائِبَهٍ أَلْمَمْتُ بِهَا فَلَمْ... تُقَلِّدْنِی مَکْرُوهَ شَنَارِهَا

و چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی.

۲۱/۱۶

زشتی کردار بنده و شمارش عیوبش

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی... أَقْبَحُ آثَارًا، وَ أَشْنَعُ أَفْعَالًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من – ای خدای من – نشانه هایم زشت تر و کردارهایم بدتر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

تبدیل سخن زشت زبان، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم

ص : ۶۹۰

جاری ساخته از سخن زشت، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

آنچه خدا زشت دانسته

اللَّهُمَّ... عِنْدَكَ... فِيما أَنْكَرْتَ تَغْيِيرٌ

خداوندا تغییر آنچه زشت دانسته ای، نزد توست.۲۰/۲۰

عامل دلیر کردن بندگان، بر فحشا

إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَةٍ شَجَّعَنَا عَلَيْهَا

اگر قصد کار زشتی کنیم، (شیطان) ما را بر آن دلیر گرداَند.۷/۲۵

زشتیِ رسواگر

وَ اسْتَغَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِی عِلْمِكَ وَ قَبِيحِ مَا فَضَحَهُ فِی حُكْمِكَ...

و در (گناهان) بزرگی که می دانی به آن گرفتار شده و از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته.۹/۳۱

رسوا ننمودن فحشای بندگان

فَكُلُّنَا قَدِ... ارْتَكَبَ الْفَاحِشَةَ فَلَمْ تَفْضَحْهُ

چرا که هر کدام از ما کردار زشت به جا آورد، پس او را رسوا ننمودی.۱/۳۴

پوشاندن زشتی های بنده

فَكُلُّنَا قَد... تَسَتَّرَ بِالْمَسَاوِئِ فَلَمْ تَدْلُلْ عَلَيْهِ

چرا که هر کدام از ما زشتی های پنهان داشت، پس آن را نمایان نکردی.۱/۳۴

زشتیِ پنهان شده به وسیله خداوند

فَاجْعَلْ مَا... أَخْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَهِ وَاعِظًا لَنَا...

پس آن بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنده قرار ده.۳/۳۴

پوششی برای زشتی ها

وَ اسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَ كَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِی لَا تَنْفَدُ

و به مهربانی ات که نابود نمی شود، ما را در این (ماه) به کاری بگمار، که سبب فروریختن (گناه) و پوشاندن چیزیست که از ما زشت است.

۴۷/۴۵

بازایستادن از بدی های زشت

أَشْعِرْ قَلْبِیَ الِازْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ

دلم را به خودداری از بدی های زشت بپوشان.

۱۰۷/۴۷

خدا، بینا به زشتی اعمال ستمگر

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِی... قُبْحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ، أَرْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی زُبْيَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - زشتی آنچه در دل داشت، ملاحظه کردی، او را با مغز سر در

گودالش (كه براى شكار كنده بود)، سرنگون نمودى.۸/۴۹

زكات

پاكى مال، با بيرون كردن زكات از آن

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَوَاتِ

و ما را در آن ماه توفيق ده، كه آن (دارايى ها) را با بيرون كردن زكات ها پاك كنيم.۱۰/۴۴

زلف مو

زمان

قرار دادن مدّت معين، براى زندگى هر جاندار

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا

سپس براى او (آفريده اش) در زندگى، سرآمدى خاص معيّن نمود.۶/۱

سپاسى با مدّتِ نامقطوع

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ

پس سپاس او را، سپاسى كه مدّتش نامقطوع مى باشد.۲۸و۲۷/۱

فرستادن پيامبر از دوران آدم عليه السلام تا زمان محمّد صلى الله عليه و آله

...فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِيهِ رَسُولًا، وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ...

در هر عصر و زمانى كه رسولى فرستادى و براى اهل آن راهنمايى گماشتى، از دوران آدم تا محمّد - كه درود خدا بر او و خاندانش باد - ...

۲/۴

به آخر نرسيدن مدّت پادشاهى خدا

وَ يَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةُ مُلْكِهِ

و ای کسی که زمان پادشاهی او به پایان نمی رسد.۲/۵

سختی پیشامدها و اندوه های زمان

وَ اکْفِنَا حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ

و ما را از سختی حوادث روزگار نگهدار.

۱۰/۵

قرار دادن مدّت معلوم، برای شب و روز

وَ جَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَ أَمَدًا مَمْدُودًا

و برای هر یک پایانی معین و زمانی معلوم مقرر فرمود.۳/۶

چگونگی بندگان، در اوقات طاعت

وَ يَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِی أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ

و می نگرد آنها در اوقات طاعتش چگونه اند.

۷/۶

به سر بردن در بهترین وقت

ص : ۶۹۲

وَ اجْعَلْهُ... خَيْرَ وَقْتٍ ظَلِلْنَا فِيهِ

و آن (روز) را بهترین زمانی که در آن به سر برده ایم قرار ده.۱۹/۶

روزگارِ سختی و نکبت

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... يَنْكُبَنَا الزَّمَانُ

و پناه می بریم به تو از اینکه زمانه ما را دچار سختی نماید.۶/۸

وقت دعا و پرسشی درباره آن

...أَمْ لَزِمَنِی فِی وَقْتِ دُعَایَ مَقْتُکَ؟

...آیا هنگامی که تو را می خوانم، دشمنی ات مرا لازم گشته است؟۶/۱۲

گذشتن زمان کار و عمل

حَتَّى إِذَا رَأَى مُدَّهَ الْعَمَلِ قَدِ انْقَضَتْ... تَلَقَّاکَ بِالْإِنَابَهِ، وَ أَخْلَصَ لَکَ التَّوْبَهَ

تا اینکه می بیند زمان عمل گذشته. با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند.

۸/۱۲

درودی با مدّتی پایان ناپذیر

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاهً... لَا مُنْتَهَى لِأَمَدِهَا

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که مدّتش به پایان نرسد.۲۴/۱۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... صَلَاهً لَا یَنْتَهِی أَمَدُهَا

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست. درودی که مدّتش پایان نپذیرد.۱۸/۲۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ صَلَاهً... لَا غَایَهَ لِأَمَدِهَا

پروردگار من، بر او و بر آنها درود فرست، درودی که زمانی برای پایانش نباشد.۵۸/۴۷

سزاواری وقت تندرستی و بیماری، برای ستایش

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی... أَیُّ الْوَقْتَیْنِ أَوْلَی بِالْحَمْدِ لَکَ؟ أَ وَقْتُ الصِّحَّهِ الَّتِی هَنَّأْتَنِی فِیهَا طَیِّبَاتِ رِزْقِکَ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا...

ای خدای من نمی دانم کدامین یک از دو وقت، برای ستایش تو شایسته تر می باشد؟ آیا وقت تندرستی که در آن روزی های پاکیزه ات را بر من گوارا نمودی؟ یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی؟۴-۲/۱۵

یاد خدا و اوقات غفلت

وَ نَبِّهْنِی لِذِکْرِکَ فِی أَوْقَاتِ الْغَفْلَهِ

و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن.

۲۹/۲۰

از خاطر نبردن یاد والدین، در هر وقت از اوقات شب

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَهُمَا... فِی إِنًی مِنْ آنَاءِ لَیْلِی

خداوندا یاد آنان را در هیچ وقتی از اوقات شبم از یادم نبر.۱۳/۲۴

به پایان رسیدن وقت مسلمان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ...

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای، برسد.

۱۶/۲۷

پایندگی عزّت خدا، با گذشتن زمان ها

اللَّهُمَّ يَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ وَ خَوَالِي الْأَعْوَامِ وَ مَوَاضِي الْأَزْمَانِ وَ الْأَيَّامِ

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها و سال های گذشته و گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است.۳و۱/۳۲

درودی تا زمان در پی هم آمدن شب و روز

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند.۳۴/۳۲

وقت کوشش جهت توبه

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... وَاعِظًا لَنَا... وَ سَعْيًا إِلَى التَّوْبَهِ الْمَاحِيَهِ... وَ قَرِّبِ الْوَقْتَ فِيهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده قرار ده و زمان آن را نزدیک گردان.۴و۳/۳۴

عمل کوتاه مدت و پاداش درازمدت

...لَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّهِ الْقَصِيرَهِ الْفَانِيَهِ بِالْمُدَّهِ الطَّوِيلَهِ الْخَالِدَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش درازمدّتِ همیشگی دادی.۱۲/۳۷

برپایی قرآن، در اوقات شب و روز

وَ اقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَکَ بِهِ آنَاءَ اللَّیْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ...

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند.

۹/۴۲

آرامگاه بودن گورها، تا هنگام قیامت

ص : ۶۹۴

وَ كَانَتِ الْقُبُورُ هِیَ الْمَأْوَی إِلَی مِیقَاتِ یَوْمِ التَّلَاقِ

و گورها تا هنگام قیامت، جایگاه ماندن باشد.

۱۳/۴۲

وقتی آشکار، برای ماه رمضان

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَیِّنًا لَا یُجِیزُ جَلَّ وَ عَزَّ أَنْ یُقَدَّمَ قَبْلَهُ، وَ لَا یَقْبَلُ أَنْ یُوءَخَّرَ عَنْهُ

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود و نمی پذیرد که از آن وقت به تأخیر افتد.۴/۴۴

آگاه شدن از اوقات نمازهای پنجگانه

وَ قِفْنَا فِیهِ عَلَی مَوَاقِیتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِی حَدَّدْتَ... وَ أَوْقَاتِهَا الَّتِی وَقَّتَّ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و اوقاتش که تعیین گرداندی، آگاه فرما.۸/۴۴

به جا آوردن نماز، در وقت آن

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود به جا آورده اند.۹/۴۴

آراستگی اوقات ماه رمضان، به اطاعت خدا

وَ زَیِّنْ أَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَکَ

و اوقاتش را به طاعت ما برای خود، زینت ده.

۱۷/۴۴

درودی به شماره درود خدا، در هر زمان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، فِی کُلِّ وَقْتٍ وَ کُلِّ أَوَانٍ وَ عَلَی کُلِّ حَالٍ عَدَدَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی مَنْ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، در هر وقت و هر آن و بر هر حال. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده ای.۱۹/۴۴

برتری ماه رمضان، از (بین) همه زمان ها

وَ تَخَیَّرْتَهُ مِنْ جَمِیعِ الْأَزْمِنَهِ وَ الدُّهُورِ

و از همه زمان ها و روزگارها برتری اش دادی.

۲۰/۴۵

علّت برگزیدن ماه رمضان، بر همه اوقات سال

وَ آثَرْتَهُ عَلَی کُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَهِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِیهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ النُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

پایان یافتن وقت رمضان و به سر رسیدن زمانش

ص : ۶۹۵

ثُمَّ قَدْ فَارَقَنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَ انْقِطَاعِ مُدَّتِهِ

سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدّتش، از ما جدا شد.۲۲/۴۵

گرامی ترین وقت ها، ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ

درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که همراه بودی.۲۴/۴۵

نشناختن وقت (آمدن و رفتن) رمضان

وَ وَفَّقْتَنَا بِمَنِّكَ لَهُ حِينَ جَهِلَ الْأَشْقِيَاءُ وَقْتَهُ

و ما را برای آن به وسیله نعمتت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند.

۴۳/۴۵

عدم سستی سلطنت الهی، با طول مدّت (مهلت به بنده)

لَمْ يَهِنْ عَلَى طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ

درازی زمانِ ایشان، سلطنت تو را سست نکرده است.۱۸/۴۶

بی شمار گشتن سپاس، با گردش زمان ها

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ

سپاس برای توست. سپاسی که با گردش زمان ها، چندین برابر شود.۳۹و۳۶/۴۷

تأیید دین خدا در هر زمان، به وسیله امام

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی.۶۰/۴۷

فراوانی نعمت های خدا، در هر زمان

وَ وَجَدْتُ نُعْمَاكَ عَلَيَّ سَابِغَةً فِي كُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِي وَ كُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِي

و نعمت هایت را بر خود، در هر حالی از حالم و هر وقتی از اوقاتم، گسترده یافتم.۵/۵۱

زمین

درود خدا بر فرشتگان فرستاده شده، بر اهل زمین

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَهِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، به سوی اهل زمین.۱۷و۱۱و۱۰/۳

فرشتگان و جای داشتن در زمین

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ سُكَّانِ الْهَوَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الْمَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از

فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و ساکنان هوا و زمین و آب.۲۳و۱۱و۱۰/۳

یاد کردن از پیروان پیامبران از اهل زمین

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ – مِنْ – أَهْلِ الْأَرْضِ... فَاذْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پیامبران از اهل زمین، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.۲و۱/۴

زمین و آسمان، از آنِ خداوند

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاوءُهَا وَ أَرْضُهَا

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

گواه گرفتن آسمان و زمین و ساکنان آنها

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلائِكَتِكَ وَ سَائِرِ خَلْقِكَ

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را شاهد می گیرم.۲۱/۶

خوردن خاک زمین، در همه عمر

يَا إِلَهِي لَوْ... أَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِي... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر همه عمرم خاک زمین

خورم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

روان گشتن ابر، در اطراف زمین

وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ، الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ، الْمُونِقِ فِي جَمِيعِ الْآفَاقِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گیاهِ چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.۱/۱۹

روزی بندگان، از برکات آسمان ها و زمین

اللَّهُمَّ... ارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا ما را از برکات آسمان ها و زمین روزی عطا فرما.۷/۱۹

اذن ندادن به زمین دشمن، در رویش

لَا تَأْذَنْ... لِأَرْضِهِمْ فِی نَبَاتٍ

زمینشان را در روییدن، اذن نده.۶/۲۷

پرستش شدن خدا، در همه جای زمین

وَ فَرِّغْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِکَ... حَتَّی لَا یُعْبَدَ فِی بِقَاعِ الْأَرْضِ غَیْرُکَ

و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن، برای عبادت خویش آسوده ساز تا در همه جای زمین، جز تو پرستش نشود.۷/۲۷

شکست دشمن، به پایان خاک در زمین

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَهٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِی أَرْضِکَ وَ أَسْرًا

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند.۸/۲۷

آذوقه های دشمنان، در بی برکت ترین و دورترین (نقاط) زمین

وَ اجْعَلْ مِیرَهُمْ فِی أَحَصِّ أَرْضِکَ وَ أَبْعَدِهَا عَنْهُمْ

و آذوقه هایشان را در بی برکت ترین و دورترین (نقاط) زمین خود قرار ده.۱۲/۲۷

سوگند به پروردگار آسمان و زمین

ثُمَّ قُلْتَ: فَوَ رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ

سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن (سخن) حقّ و درست است، مانند آنچه شما سخن می گویید.»۵/۲۹

با فروتنیْ دیده بر زمین انداختن، در برابر خدا

وَ غَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا

و دیده اش را با سرافکندگی به زمین دوخته.

۹/۳۱

بیان نمودن حال خویش، جهت شنیدن زمین و اهل آن

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی... لَكِنْ لِتَسْمَعَ سَمَاوءُکَ وَ مَنْ فِيهَا وَ أَرْضُکَ وَ مَنْ عَلَيْهَا مَا أَظْهَرْتُ لَکَ مِنَ النَّدَمِ

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمانت و هر که در آن است و زمینت و هر که بر روی آن است، پشیمانی ای که به پیشگاهت آشکار نمودم را بشنود.۲۶/۳۱

درودی پُرکننده آسمان و زمین

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... صَلَاهً... تَمْلَأُ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که آسمان و زمین را پر کند.۳۴/۳۲

سپاسی پُر کننده زمین و آسمان

فَلَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَمْلَأُ أَرْضَهُ وَ سَمَاءَهُ

پس سپاس تو راست، سپاسی که زمین و آسمانش را پر سازد.۶/۳۶

سبب رهایی بندگان، در عرصه قیامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سَبَبًا نُجْزَى بِهِ النَّجَاهَ فِی عَرْصَهِ الْقِیَامَهِ

ص : ۶۹۸

و قرآن را دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت قرار ده.۸/۴۲

پدیدآورنده آسمان ها و زمین

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ بَدِیعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا سپاس برای توست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین.۲/۴۷

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... بَدِیعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

معبودی جز تو نیست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین.۲/۴۸

جانشینان خدا در زمین

رَبِّ صَلِّ عَلَی أَطَائِبِ أَهْلِ بَیْتِهِ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ، وَ جَعَلْتَهُمْ... خُلَفَاءَکَ فِی أَرْضِکَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را جانشینان خود در زمینت قرار دادی.۵۶/۴۷

درودی به شماره زمین های خداوند

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِمْ... عَدَدَ أَرَضِیکَ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَیْنَهُنَّ

پروردگار من، بر ایشان به تعداد زمین هایت و آنچه زیر آنها و میان آنهاست، درود فرست.

۵۹/۴۷

درآوردن بنده، در میان پیشینیان در زمینِ (رستاخیز)

وَ وَافِ بِی عَرْصَهَ الْأَوَّلِینَ

و مرا به زمین (رستاخیز) پیشینیان برسان.

۱۲۷/۴۷

اجتماع مسلمانان، در روز عید قربان و جمعه در اطراف زمین

وَ الْمُسْلِمُونَ فِیهِ مُجْتَمِعُونَ فِی أَقْطَارِ أَرْضِکَ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند.۱/۴۸

بر خدا پوشیده نبودن چیزی، در آسمان و زمین

وَ أَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْکَ خَافِيَةٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ

و تویی که هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست.۳/۵۰

يَا اَللَّهُ الَّذِی لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَیْءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ

ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست.۱/۵۲

زن

پناه خواهی برای مردان و زنان باایمان

وَ أَعِذْنِی مِنْ كُلِّ ذَلِکَ بِرَحْمَتِکَ وَ جَمِيعَ الْمُوءْمِنِينَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ

و مرا و همه مردان و زنان با ایمان را به

رحمت از آنچه گفته شد پناه ده.۱۰/۸

وَ أَعِذْنَا وَ أَهَالِیَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ جَمِیعَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَذْنَا مِنْهُ

و ما و خویشاوندان و برادرانمان و همه مردان و زنان با ایمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده.۱۵/۱۷

مردان و زنان باایمان، و شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ... قَرَابَاتِنَا وَ جِیرَانَنَا مِنَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِنْهُ فِی حِرْزٍ حَارِزٍ

و پدران و مادران و نزدیکان و همسایگانمان از مردان و زنان با ایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم قرار ده.۱۰/۱۷

درخواست عطای الهی، برای همه مردان و زنان باایمان

وَ أَعْطِ جَمِیعَ الْمُسْلِمِینَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی...

و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، ببخش.۱۲/۲۵

زن های چشم درشت زیبای بهشتی

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِیهَا مِنْ... الْحُورِ الْحِسَانِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از

حوریان زیباروی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

بچه دان های زنان دشمنان

اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ

خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان.

۶/۲۷

آزار رساندن به هر مرد و زن باایمان و مسلمان

وَ امْنَعْنِی عَنْ أَذَی کُلِّ مُوءْمِنٍ وَ مُوءْمِنَهٍ، وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَهٍ

و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن با ایمان و به هر مرد و زن مسلمان بازدار.۱/۳۹

زنجیر

به زنجیر کشیدن و انداختن دوزخیان، در دوزخ

...خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ

...او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید.۲۱/۳

زندگی

مدّت معلوم و پایان معیّن در زندگی

ص : ۷۰۰

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِی الْحَیَاهِ أَجَلًا مَوْقُوتًا

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود.۶/۱

گام برداشتن با روزهای زندگی، به سوی پایانی معیّن

یَتَخَطَّأُ إِلَیْهِ بِأَیَّامِ عُمُرِهِ

با روزهای زندگی اش، به سوی آن (سرآمد خاص) گام بردارد.۶/۱

ستاندن حساب عمر و زندگی بنده

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَی مَا نَدَبَهُ إِلَیْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

زمانی که حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.۶/۱

زندگی کردن در بین سپاس گزاران

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعَمَّرُ بِهِ فِیمَنْ حَمِدَهُ مِنْ خَلْقِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، بین آفریدگان سپاس گزارش، عمر طولانی نماییم.

۱۰/۱و۱۱

بهره مندی از نسیم زندگی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... مَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَیَاهِ

و سپاس خدای را که ما را به نسیم های

زندگی بهره مند ساخت.۲۰/۱

پیامبر صلی الله علیه و آله ، و احیای دین خدا

وَ قَطَعَ فِی إِحْیَاءِ دِینِکَ رَحِمَهُ

و در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

۸/۲

رو آوردن اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از زندگی فراخ، به سختی

وَ اشْکُرْهُمْ عَلَی... خُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَهِ الْمَعَاشِ إِلَی ضِیقِهِ

و ایشان را به خاطر آنکه از زندگی راحت به سختی افتادند، پاداش عنایت کن.۸/۴

زندگی کردن در سختی

وَ نَعُوذُ بِکَ... مِنْ مَعِیشَهٍ فِی شِدَّهٍ

و پناه می بریم به تو از زندگی در سختی.

۸/۸

سپری شدن روزهای زندگی و اوقات عمر

وَ إِذَا انْقَضَتْ أَیَّامُ حَیَاتِنَا، وَ تَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِی عَلَیْنَا کَتَبَهُ أَعْمَالِنَا. تَوْبَهً مَقْبُولَهً...

و آن هنگام که روزهای زندگانی ما به سر رسید و اوقات عمرمان سپری شد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پایان آنچه نویسندگان

ص : ۷۰۱

کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده.۳/۱۱

توبه در پایان عمر

حَتَّی إِذَا رَأَی... غَایَهَ الْعُمُرِ قَدِ انْتَهَتْ... تَلَقَّاکَ بِالْإِنَابَهِ، وَ أَخْلَصَ لَکَ التَّوْبَهَ

تا اینکه می بیند مدّت عمر به پایان رسیده. با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند.۸/۱۲

گناهان، به سر رساننده عمر بنده

وَ أَنَا الَّذِی أَفْنَتِ الذُّنُوبُ عُمُرَهُ

و منم آنکه گناهان عمرش را به فنا داده.

۱۴/۱۶

آشامیدن آب خاکسترآلود، تا پایان عمر

یَا إِلَهِی لَوْ... شَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر در مدّت زندگی ام آب خاکسترآلود بنوشم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

خوردن خاک زمین، در همه عمر

یَا إِلَهِی لَوْ... أَکَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر همه عمرم خاک زمین خورم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن

بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

زنده ساختن شهرها

وَ أَحْیِ بِلَادَکَ بِبُلُوغِ الزَّهَرَهِ

و با شکفتن شکوفه، سرزمین هایت را زنده گردان.۲/۱۹

زنده نمودن آنچه مرده، با باران

تُحْيِی بِهِ مَا قَدْ مَاتَ

به سبب آن، آنچه را که مرده است، زنده نمایی.۳/۱۹

عمر بنده، چراگاه شیطان

فَإِذَا کَانَ عُمْرِی مَرْتَعًا لِلشَّیْطَانِ فَاقْبِضْنِی إِلَیْکَ قَبْلَ أَنْ یَسْبِقَ مَقْتُکَ إِلَیَّ

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد - پیش از آنکه دشمنی ات به سوی من شتابد - مرا به سوی خود بازگردان.۵/۲۰

مردن و زنده شدن، بر دین خدا

وَ اجْعَلْنِی عَلَی مِلَّتِکَ أَمُوتُ وَ أَحْیَا

و چنانم گردان که بر آئین تو بمیرم و زنده شوم.۱۷/۲۰

سخت نکردن زندگی، بر بنده

وَ لَا تَجْعَلْ عَیْشِی کَدًّا کَدًّا

و زندگی ام را پر دردسر قرار نده.۲۲/۲۰

ص : ۷۰۲

وَ لَا تَجْعَلِ الْحَيَاهَ عَلَيْنَا نَكَدًا

و زندگی را بر ما دشوار نگردان.۱۶/۴۲

پایان عمر و گذشت الهی

اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِکَ أَجَلِی

خداوندا زندگیِ مرا با آمرزش خود پایان ده.

۲۸/۲۰

خواستن آنچه نزد خداست ، در تمامی روزهای زندگی

وَ ذَلِّلْهُ بِالرَّغْبَهِ فِیما عِنْدَکَ أَیَّامَ حَیَاتِی کُلِّهَا

و آن را با رغبت به آنچه نزد توست، در همه روزهای زندگی ام رام گردان.۱۰/۲۱

سبب منّت خدا بر بنده، تا هنگام زنده بودن

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ... أَبَدًا مَا أَبْقَیْتَنِی...

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره، همیشه تا هنگامی که زنده ام.۴/۲۳

درخواست طول عمر فرزندان

إِلَهِی امْدُدْ لِی فِی أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ لِی فِی آجَالِهِمْ

خداوندا عمرشان را برای من دراز گردان و در مدّت عمرشان برایم بیفزا.۲/۲۵

زنده داشتن یاد والدین

وَ أَحْیِ بِهِمْ ذِکْرِی

و یاد مرا به وسیله آنها (فرزندانم) زنده گردان.۴/۲۵

نیاز به رحمت، در زندگی

وَ مَنْ سِوَاکَ مَرْحُومٌ فِی عُمْرِهِ

و غیر تو، در زندگی اش نیازمند رحمت می باشد.۱۱/۲۸

آزمایش شدن به آرزوی دراز، در مدّت عمر

اللَّهُمَّ إِنَّکَ ابْتَلَیْتَنَا... فِی آجَالِنَا بِطُولِ الْأَمَلِ...

خداوندا همانا تو ما را در مدّت زندگی هایمانْ به آرزوی دراز، آزمودی.۱/۲۹

آرزو، سبب طمع در عمرِ کهنسالان

وَ طَمِعْنَا بِآمَالِنَا فِی أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِینَ

و با آرزوهایمان، در عمرهای کهنسالان، طمع کردیم.۱/۲۹

ذلّت و خواری وام، در زندگی

وَ أَسْتَجِیرُ بِکَ، یَا رَبِّ، مِنْ ذِلَّتِهِ فِی الْحَیَاهِ

و پناه از تو می جویم – ای پروردگار من – از خواری آن (وام) در زندگی.۲/۳۰

طاعت خدا و عمر بنده

وَ أَسْأَلُکَ... أَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِی وَ عُمْرِی فِی سَبِیلِ طَاعَتِکَ

و از تو درخواست می کنم که آنچه از جسم و عمرم سپری شده در راه طاعتت قرار دهی.

۲۸/۳۲

آسیب دیدن از طرف شخص زنده و طلب مغفرت برای او

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّی مَا حَظَرْتَ عَلَیْهِ... فَمَضَی بِظُلَامَتِی مَیِّتًا، أَوْ حَصَلَتْ لِی قِبَلَهُ حَیًّا فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّی

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی و او با همان وزر و وبال از دنیا رفته یا وزر و وبال من او را در دنیا در حال حیات گرفته، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز.۲/۳۹

روز زنده شدن بندگان

وَ اکْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ یَوْمَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ فِی نُشُورِنَا

و با آن، ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که زنده می شویم، به جامه های امان بپوشان.

۱۱/۴۲

وسیله روان ساختن گشایش زندگانی

وَ سُقْ إِلَیْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَیْشِ...

و به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی را به

سوی ما سوق بده.۱۲/۴۲

زنده داشتن بندگان، به روش پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَحْیِنَا عَلَی سُنَّتِهِ

و ما را بر سنّت او زنده بدار.۲۰/۴۲

شمول درخواست در ماه رمضان، تا پایان عمر

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا فِی سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْأَیَّامِ کَذَلِکَ مَا عَمَّرْتَنَا

خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده.۱۸/۴۴

رمضان آینده و عمرهای بندگان

وَ ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ

و عمر ما – که در پیش روی ماست – را، به ماه رمضان آینده برسان.۴۶/۴۵

درخواست گذشت از خدا، برای تمامی هم کیشانِ مرده و زنده

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنْ... أَهْلِ دِينِنَا جَمِيعًا مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَ مَنْ غَبَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ

خداوندا از همه هم کیشان ما، هر که از ایشان درگذشته و مرده و هر که زنده مانده، تا روز رستاخیز درگذر.۵۵/۴۵

زنده بودن خدا

ص : ۷۰۴

وَ أَنْتَ حَيٌّ صَمَدٌ

و تویی زنده بی نیاز.۲۸/۴۷

ولیّ خدا و زنده گرداندن نشانه های دین

وَ أَحْیِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِینِکَ

و با او آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان.۶۲/۴۷

ستودهٔ زنده داشتنِ بنده

وَ بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ عُنِیتَ بِهِ... فَأَعَشْتَهُ حَمِیدًا

و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای، پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته ای.۱۰۵/۴۷

زنده داشتن بنده، به زندگی پاکیزه

فَأَحْیِنِی حَیَاةً طَیِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِیدُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که آنچه می خواهم فراهم گردد.۱۱۷/۴۷

قرار دادن بازمانده عمر بنده، در حجّ و عمره

وَ اجْعَلْ بَاقِیَ عُمْرِی فِی الْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ ابْتِغَاءَ وَجْهِکَ

و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حجّ و عمره قرار ده.۱۳۳/۴۷

زنده کردن مردگان و زندگی بخشیدن به شهرهای مرده

وَ هَبْ لَنَا یَا إِلَهِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجًا بِالْقُدْرَهِ الَّتِی بِهَا تُحْیِی أَمْوَاتَ الْعِبَادِ، وَ بِهَا تَنْشُرُ مَیْتَ الْبِلَادِ

و ما را – ای خدای من – از جانب خود به توانایی ای که با آن بندگان مرده را زنده می کنی و با آن سرزمین های مرده را زندگی می بخشی، گشایش ده.۱۳/۴۸

طعم تندرستی، تا پایان زندگی

وَ أَذِقْنِی طَعْمَ الْعَافِیَهِ إِلَی مُنْتَهَی أَجَلِی

و طعم عافیت را تا پایان مدّت زندگی ام به من بچشان.۱۴/۴۸

روزی خدا و حیات بنده

کَیْفَ یَسْتَطِیعُ أَنْ یَهْرُبَ مِنْکَ مَنْ لَا حَیَاهَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِکَ؟

چگونه می تواند از تو بگریزد، آنکه جز به وسیله روزی اتْ زندگی برایش نیست؟۱/۵۲

نپسندیدن دیدار خدا و طول عمر نیافتن

لَا یُعَمَّرُ فِی الدُّنْیَا مَنْ کَرِهَ لِقَاءَکَ

کسی که (مرگ و) دیدار تو را نپسندید، در دنیا عمر جاودان نیابد.۳/۵۲

برانگیخته گشتن و زنده شدن

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی فِی حَشْرِی وَ نَشْرِی

مولای من! و در برانگیخته شدن و زنده شدنم به من رحم کن.۷/۵۳

ص : ۷۰۵

زنده کردن احیا

زنگار

ولیّ خدا و زدایش زنگار ستم

وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ

و با او زنگار ستم را از راهت بزدای.

۶۲/۴۷

زنگبار

زنگبار و دشمنان خدا

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ الزَّنْجِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْكِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و زنگبار و دیگر امّت های مشرک.۹/۲۷

زوال

زوال ناپذیری سرای اقامت (بهشت)

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُضَامُّ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است.۱۶و۱۰/۱

یاری بنده در اموری، پیش از زوال وی

وَ تَوَلَّنِي... قَبْلَ زَوَالِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِتَيْسِيرِكَ لِيَ الْعَسِيرَ وَ حُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ

و قبل از رفتنم از این مکان، با آسان کردن سختی و نیکی تقدیرت برای من، در تمامی امور یاری ام فرما.۲۳/۱۳

زوال ناپذیری خداوند

وَ عَلَى ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ

و در این (صفت) دائم و جاویدی.۸/۳۲

زایل ساختن خشکی شهرها

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ مَحْلَ بِلَادِنَا بِسُقْيَاکَ

خداوندا خشکسالیِ شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز.۴/۳۶

کرداری زایل شدنی و پاداشی جاودانی

...لَکِنَّکَ بِکَرَمِکَ جَازَیْتَهُ... عَلَی الْغَایَهِ الْقَرِیبَهِ الزَّائِلَهِ بِالْغَایَهِ الْمَدِیدَهِ الْبَاقِیَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل نزدیک مدّتِ زوال پذیر، پاداش درازمدّت پایدار عطا نموده ای.۱۲/۳۷

زوال ناپذیری پادشاهی خداوند

وَ سُلْطَانُکَ ثَابِتٌ لَا یَزُولُ

و سلطنت تو ثابت و بی زوال است.۱۹/۴۶

زایل نساختن سپاس خدا، از بنده

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُکْرَکَ

و شکرگزاریت را از من نگیر.۱۱۴/۴۷

عامل زایل نمودن دوستی دنیا، از بنده

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُسَلِّیَ نَفْسِی عَنِ الدُّنْیَا بِمَخَافَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که با ترس از خود، دوستی دنیا را از من زایل نمایی.۱۰/۵۲

زهد پرهیزکاری

زاهد ساختن تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

وَ تُزَهِّدَهُمْ فِی سَعَهِ الْعَاجِلِ

و در گشادگی دنیا آنان را بی میل نمایی.

۱۶/۴

آسایش در زهد، روزی خدا به بنده

وَ ارْزُقْنِی... فَرَاغًا فِی زَهَادَهٍ

و مرا فراغت در زهد، روزی فرما.۲۷/۲۰

سبب دست یابی به زهد

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی... حَتَّی یَکُونَ الْغَالِبُ عَلَیَّ الزُّهْدَ فِی دُنْیَایَ

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا آنکه بی رغبتی در دنیا بر من چیره شود.۸/۲۲

زُهدان

تنگی رحِم مادر و پوشاندن آن به پرده ها

وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِینًا مِنْ صُلْبٍ مُتَضَایِقِ الْعِظَامِ... إِلَی رَحِمٍ ضَیِّقَهٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ

و تو مرا (آن هنگـام که) آبی پست (بودم)، از صـلبی بـا اسـتخوان هـای درهم تنیـده به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی.

۲۳/۳۲

سپردن جنین، در قرارگاهِ زهدان مادر

وَ أَوْدَعْتَنِی قَرَارَ رَحِمِهَا

و مرا در قرارگاه رحم او سپردی.۲۴/۳۲

زهدان زنان دشمنان و نزاییدن

اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ

خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان.

۶/۲۷

زهر

شرّ موجود زهردار و پناه جویی از خدا

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ السَّامَّهِ وَ الْهَامَّهِ...

و من و فرزندانم را از شرّ جانور زهردار نکشنده و جانور زهردار کشنده پناه ده.۶/۲۳

چشیدن از جام زهرآلود مرگ

ص : ۷۰۷

وَ تَجَلَّى مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُيُوبِ... وَ دَافَ لَهَا مِنْ ذُعَافِ الْمَوْتِ كَأْسًا مَسْمُومَهَ الْمَذَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ - که چشیدن آن زهرآلود است - آمیخته سازد.۱۳/۴۲

آمیختن لبه تیغ، با زهر کشنده

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... شَحَذَ لِی ظُبَهَ مُدْيَتِهِ... وَ دَافَ لِی قَوَاتِلَ سُمُومِهِ

پس چه بسیار دشمنی که لبه تیغش را برای من تیز نمود و آن را برای من با زهرهای کشنده اش درهم آمیخت.۴/۴۹

زیادت افزایش

زیاده روی افراط

زیادی فراوانی

زیارت

زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِيَارَهِ قَبْرِ رَسُولِكَ... (وَ آلِ رَسُولِكَ) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت، و خاندان پیامبرت - که درود بر ایشان باد - .۴/۲۳

نیک بختی بندگان، هنگام زیارت مرگ

فَإِذَا أَوْرَدْتَهُ عَلَيْنَا وَ أَنْزَلْتَهُ بِنَا فَأَسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا

پس هنگامی که آن را نزد ما وارد نمودی و آن را بر ما فرود آوردی، ما را به زیارت آن سعادتمند گردان.۴/۴۰

رسوا نساختن بندگان، از زیارت مرگ

وَ لَا تُخْزِنَا بِزِيَارَتِهِ

و از دیدارش ما را خوار نساز.۴/۴۰

زیان

زیان نرساندن خواری خوارکنندگان، به یاری شونده توسّط خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّکَ مَنْ وَالَیْتَ لَمْ یَضْرُرْهُ خِذْلَانُ الْخَاذِلِینَ

خداوندا هر کس را که تو یاری نمودی، خواری خوارکنندگان به او زیان نرساند.۱۲/۵

قرار گرفتن بین دو زیانِ دینی و دنیوی

اللَّهُمَّ وَ مَتَی وَقَفْنَا بَیْنَ نَقْصَیْنِ فِی دِینٍ أَوْ دُنْیَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است قرار ده.۲/۹

ناتوانی بنده، نسبت به سود و زیان خود

ص : ۷۰۸

لَا أَمْلِكَ لِنَفْسِی نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا بِکَ

جز به یاری تو بر سود و زیانی، توانا نیستم.

۷/۲۱

یافتن آرامش دل، در حال سود و زیان

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ... حَتَّی أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِینَهَ النَّفْسِ مِنِّی بِمَا یَجِبُ لَکَ فِیما یَحْدُثُ فِی حَالِ... الضَّرِّ وَ النَّفْعِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال زیان و سود رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.

۱۱/۲۲

ایمنی بنده، از زیانِ قصدبدکننده درباره او

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ جَمِیعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی اش ایمن سازی.۸و۷/۲۳

رعد و برق، و عذاب زیان بار

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَیْنِ... یَبْتَدِرَانِ طَاعَتَکَ بِرَحْمَهٍ نَافِعَهٍ أَوْ

نَقِمَهٍ ضَارَّهٍ

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعتت می شتابند.

۱/۳۶

باران ضرر و زیان، بر بندگان

فَلَا تُمْطِرْنَا بِهِمَا مَطَرَ السَّوْءِ

پس به سبب آن دو، باران زیانبار بر ما نباران.

۱/۳۶

آزار و زیان ابرها

وَ اصْرِفْ عَنَّا أَذَاهَا وَ مَضَرَّتَهَا

و آزار و زیانشان را از ما برگردان.۲/۳۶

عدم دفع زیان از خدا، با آفرینش انسان

أَسْتَوْهِبُکَ - یَا إِلَهِی - نَفْسِیَ الَّتِی لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی.۷/۳۹

زیان کردن درخواست کنندگانِ غیر خدا

وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَکَ

و آنان که از غیر تو درخواست نمودند، زیان دیدند.۱۳/۴۶

خدا، مانع بین بنده و زیانش

وَ حُلْ بَيْنِی وَ بَيْنَ... مَنْقَصَهٍ تَرْهَقُنِی

و ميان من و نقيصه ای که مرا فرامی گيرد، جدايی انداز.۹۹/۴۷

بی زيان گرداندن بازگشت (به قيامت)

وَ اجْعَلْ... كَرَّتِی غَيْرَ خَاسِرَهٍ

و بازگشتنم (به قيامت) را بی زيان قرار ده.

۱۲۶/۴۷

زيان کاری بدبختی

زيبايی

روان بودن ابرها، برای رویاندن گياه زيبا

وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَکَ بِغَيْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِکَ، الْمُونِقِ فِی جَمِيعِ الْآفَاقِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گياهِ چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.۱/۱۹

زن های زيباروی بهشتی

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الْحُورِ الْحِسَانِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از حوريان زيباروی، در مقابل ديدگانشان نمايان ساز.

۴/۲۷

خدا، صاحب زيبايی و جمال

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَـجْدِ

و تويی خدايی که جز تو معبودی نيست. دارای زيبايی و ارجمندی هستی.۱۱/۴۷

سُبْحَانَکَ مِنْ... رَفِيعٍ مَا أَرْفَعَکَ ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَـجْدِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْحَمْدِ

پاک و منزّهی! ای بلندمرتبه که بسيار بلندمرتبه ای! تويی دارای زيبايی و ارجمندی و بزرگواری و ستايش.۲۴/۴۷

امام علیه السلام ، جمال و زیبایی جهانیان

فَهُوَ... بَهَاءُ الْعَالَمِینَ

پس او جمال و زیبایِی جهانیان است.

۶۰/۴۷

رفتن زیبایی و خوشی بنده، بر اثر مصیبت

وَ لَا تَقْرَعْنِی قَارِعَهً یَذْهَبُ لَهَا بَهَائِی

و بر من مصیبت بزرگی که با آن، زیبایی و خوشی ام از بین برود، وارد نکن.۱۲۱/۴۷

قسم خوردن به زیبایی خداوند

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو

می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی.۵/۵۰

زیردست

بدرفتاری با زیردستان

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... سُوءِ الْوِلَایَهِ لِمَنْ تَحْتَ أَیْدِینَا

خداوندا به تو پناه می برم از بدرفتاری با زیردستان.۳و۱/۸

زیردست بودن هر کس، جز خدا

مَنْ سِوَاکَ... مَقْهُورٌ عَلَی شَأْنِهِ

غیر توْ در امورش زیردست می باشد.۱۱/۲۸

زیور

آراستن بنده، به زینت صالحان

وَ حَلِّنِی بِحِلْیَهِ الصَّالِحِینَ

و مرا به زینت شایستگان بیارا.۱۰/۲۰

پوشاندن زیور پرهیزکاران، به بنده

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان.

۱۰/۲۰

آراستن بنده، به زیور پرهیزکاران

وَ حَلِّنِی حِلْیَهَ الْمُتَّقِینَ

و مرا به زیور پرهیزکاران بیارای.

۱۲۷/۴۷

س

سادگی

ساده و بی آلایش رفتار نمودن

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ غَشَّنِی بِالنُّصْحِ

و مرا توفیق ده تا با آنکه با من نادرستی نموده، از روی خیرخواهی برخورد کنم.۹/۲۰

سازش آشتی

ساز و برگ جنگی

پاداش مسلمان یاری دهنده جنگجو، در ساز و برگ جنگ

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ أَمَدَّهُ بِعِتَادٍ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را با ساز و برگ جنگ کمک نمود، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

ساز و سامان

مردن بی ساز و سامان

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ... مِیتَةٍ عَلَی غَیْرِ عُدَّةٍ

و پناه می بریم به تو از مرگ ناگهانی.۸/۸

خدا، ساز و سامان بنده اندوهگین

اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِی إِنْ حَزِنْتُ

خداوندا اگر اندوهگین شوم، مایه دلخوشی ام تویی.۲۰/۲۰

ساعت

درخواست از خدا، در هر ساعت از روز

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِی کُلِّ سَاعَهٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظًّا مِنْ عِبَادِکَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، بهره ای از بندگانت قرار ده.۱۶/۶

گواه گرفتن و گواهی دادن، در این ساعت

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَکَ وَ أَرْضَکَ... فِی یَوْمِی هَذَا وَ سَاعَتِی هَذِهِ...

و آسمانت و زمینت را در این روز و این ساعت شاهد می گیرم.۲۱/۶

یاد والدین، در هر ساعت از ساعات روز

ص : ۷۱۳

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَهُمَا... فِی کُلِّ سَاعَهٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِی

خداوندا یاد آنان را در هیچ ساعتی از ساعات روزم، از یادم نبر.۱۳/۲۴

آرزو نکردنِ تمام شدن ساعتی، پس از ساعت دیگر

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ... حَتَّی لَا نُوءَمِّلَ اسْتِتْ_مَامَ سَاعَهٍ بَعْدَ سَاعَهٍ

و ما را از آرزوی دراز بازدار، تا بدانجا که تمام کردن ساعتی را پس از ساعتی، آرزو نکنیم.

۱/۴۰

رمضان، بهترین ماه در ساعت ها

السَّلَامُ عَلَیْکَ... یَا خَیْرَ شَهْرٍ فِی الْأَیَّامِ وَ السَّاعَاتِ

درود بر تو، ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها.۲۴/۴۵

ساکنان

فرشتگانِ ساکن آسمان ها

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُکَّانِ سَمَاوَاتِکَ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند، در آسمان هایت ساکنند.

۶/۳

فرشتگانِ ساکن هوا، زمین و آب

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ سُکَّانِ الْهَوَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الْمَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و ساکنان هوا و زمین و آب.۲۳و۱۱و۱۰/۳

گواه گرفتن ساکنان آسمان و زمین

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَکَ وَ أَرْضَکَ وَ مَنْ أَسْکَنْتَهُمَا...

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی را شاهد می گیرم.۲۱/۶

سکونت گزیدن، در جوار خداوند

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... السَّاکِنِینَ فِی جِوَارِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) در همسایگی تو جای گرفته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

چگونگی دیدار آتش دوزخ، از ساکنانش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَی سُکَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَیْهَا مِنْ أَلِیمِ النَّکَالِ وَ شَدِیدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.۳۰و۲۹/۳۲

پاره گشتن دل های ساکنان آتش دوزخ، با آشامیدنی آن

ص : ۷۱۴

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِی یُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْئِدَهَ سُکّانِهَا

و از آشامیدنی اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می کند، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

سال

سال های روزگار، و نزدیکی به سرآمدی معیّن

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِی الْحَیَاهِ أَجَلًا مَوْقُوتًا... یَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، که با سال های روزگارش، به آن نزدیک می شود.۶/۱

حجّ، عمره و زیارت قبر رسول صلی الله علیه و آله ، در هر سال

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِیَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ... أَبَدًا مَا أَبْقَیْتَنِی فِی عَامِی هَذَا وَ فِی کُلِّ عَامٍ

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت، همیشه تا هنگامی که زنده ام، در این سال و در همه سال.۴/۲۳

پایندگی عزّت خدا، با سپری شدن سال ها

اللَّهُمَّ یَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِی عَلَی مَرِّ الدُّهُورِ وَ خَوَالِی

الْأَعْوَامِ...

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها و سال های گذشته، ماندگار است.۳و۱/۳۲

سبب برگزیدن رمضان، بر همه زمان های سال

وَ آثَرْتَهُ عَلَی کُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَهِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِیهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ النُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

سایه

جای گرفتن اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، در سایه خویشی با او

وَ الَّذِینَ... انْتَفَتْ مِنْهُمُ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَکَنُوا فِی ظِلِّ قَرَابَتِهِ

و آنان که چون در سایه خویشی او ساکن شدند خویشاوندان، آنها را بیگانه دانستند،

۶/۴

باد گرم قرار ندادن سایه ابر، بر بندگان

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَیْنَا سَمُومًا

خداوندا سایه آن (ابر) را بر ما گرم و سوزان

ص : ۷۱۵

قرار نده.۶/۱۹

جای دادن بنده، در سایه رحمت خدا

وَ أَظِلَّنِی فِی ذَرَاکَ

و در سایه خود، قرارم ده.۲۱/۲۰

آرام گرفتن، در سایه بال قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَسْكُنُ فِی ظِلِّ جَنَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که در سایه بال (حمایت) آن ساکن می شوند.۷/۴۲

شکست نخوردن پناهنده به سایه رحمت الهی

فَنَادَيْتُکَ يَا إِلَهِی... عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَى إِلَى ظِلِّ كَنَفِكَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به سایه رحمت تو پناه بَرَد، شکست نمی خورد.۱۰/۴۹

سایه افکندن مرگ، بر بنده

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنْ قَدْ... أَظَلَّهُ الْأَجَلُ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که مرگ بر او سایه افکنده است.۹و۸/۵۲

سبب دستاویز

آفرینش روز، جهت وسیله جویی بندگان به روزی

وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا... لِيَتَسَبَّبُوا إِلَى رِزْقِهِ

و روز را برای ایشان روشن گر آفرید تا جهت دست یابی به روزی، وسیله جویی کنند.۶/۶

لطف خدا سبب فراهم شدن اسباب هر کار

وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ

و به لطف تو وسیله ها فراهم گردید.۲/۷

تغییر نیافتن حکمت الهی، با اسباب

وَ یَا مَنْ لَا تُبَدِّلُ حِکْمَتَهُ الْوَسَائِلُ

و ای آنکه ابزارها، حکمتش را دگرگون نمی کند.۸/۱۳

غیر خدا را، سبب برآوردن حاجات قرار دادن

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَکَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.

۱۴/۱۳

سبب برآمدن حاجت بنده

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اجْعَلْ ذَلِکَ عَوْنًا لِی وَ

سَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِی

و بر محمّد و خاندانش درود فرست و آن را کمکی برای من و وسیله روا شدن حاجتم قرار ده.

۲۴/۱۳

سبب خوشنود گشتن بنده، به مقدّرات الهی

وَ صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِی مِنْ ثَوَابِکَ، وَ أَعْدَدْتَ لِخَصْمِی مِنْ جَزَائِکَ وَ عِقَابِکَ، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِی بِمَا قَضَیْتَ

و نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی و مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار و آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدّر نمودی قرار ده.۱۵/۱۴

گسستن رشته خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ إِنْ... قَطَعْتَ عَنِّی سَبَبَکَ لَمْ أَجِدِ السَّبِیلَ إِلَی شَیْءٍ مِنْ أَمَلِی غَیْرَکَ

خداوندا اگر رشته (رحمت) خود را از من ببری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.۵/۲۱

روزی ای از اسباب حلال

وَ أَجْرِ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِی

و روزی هایم را از اسباب حلال، پیوسته گردان.۳/۳۰

سبب رسیدن به جوار الهی و بهشت

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا... ذَرِیعَةً إِلَی جَنَّتِکَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، وسیله دست یابی به بهشت قرار ده.

۶/۳۰

خارج شدن اسباب پیوندها، از دست بنده

خَرَجَتْ مِنْ یَدِی أَسْبَابُ الْوُصُلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُکَ

اسباب پیوندها از دستم بیرون رفته، جز آنچه به رحمتت وصل شده.۹/۳۲

بریده شدن رشته آرزوها، از بنده

وَ تَقَطَّعَتْ عَنِّی عِصَمُ الْآمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِکَ

و رشته های آرزو از من بریده، جز بخشایشت که به آن چنگ زده ام.**۹/۳۲**

سبب سر فرود آوردن در مقابل حکم خدا

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ الِاخْتِیَارِ، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ ذَرِیعَهً إِلَی الرِّضَا بِمَا قَضَیْتَ لَنَا وَ التَّسْلِیمِ لِمَا حَکَمْتَ

و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقدّر فرمودی و تسلیم به آنچه حکم نمودی، قرار ده.**۲/۳۳**

خوشنود ساختن آن که به وسیله بنده،

ص : ۷۱۷

ستمی به او رسیده

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا عَبْدٍ مِنْ عَبِیدِکَ... لَحِقَهُ بِی أَوْ بِسَبَبِی ظُلْمٌ... أَرْضِهِ عَنِّی مِنْ وُجْدِکَ...

خداونـدا و هر بنـده ای از بنـدگانت که به دست من یا به وسـیله من، سـتمی به او شده، او را با توانگری خود، از من خوشـنود گردان.۴/۳۹

وسیله رسیدن به والاترین منازل کرامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِیلَهً لَنَا إِلَی أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْکَرَامَهِ

و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت قرار ده.۸/۴۲

روزه، سبب پاداش الهی

فَصُمْنَا بِأَمْرِکَ نَهَارَهُ، وَ قُمْنَا بِعَوْنِکَ لَیْلَهُ... وَ تَسَبَّبْنَا إِلَیْهِ مِنْ مَثُوبَتِکَ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. و آن را وسیله پاداش تو قرار دادیم.۲۱/۴۵

توحید، سبب و وسیله ای به سوی خدا

وَ وَسِیلَتِی إِلَیْکَ التَّوْحِیدُ

و وسیله من به سویت یگانه دانستن توست.

۳/۴۹

اهل بیت علیهم السلام ، وسیله ای به سوی خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَی أَطَائِبِ أَهْلِ بَیْتِهِ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ

لِأَمْرِکَ... وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِیلَهَ إِلَیْکَ

پروردگـار من، بر پـاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیـدی و آنها را وسـیله ای به سوی خود قرار دادی.۵۶/۴۷

دوستی دنیا، و طلب وسیله ای به سوی خدا

وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیَا دَنِیَّهٍ... تَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِیلَهِ إِلَیْکَ

و دوستی دنیای پست که از طلبیدن دستاویز به سوی تو، منع می کند را از دلم بَر کن.

۱۰۹/۴۷

سبب رسیدن به آمرزش الهی:

أ. سپاس گزاری

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکُونُ... ذَرِیعَهً إِلَی مَغْفِرَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که وسیله ای به سوی آمرزشش باشد.۲۹و ۲۷/۱

ب. به کار گیری ابزار (قوای ظاهری و باطنی)

وَ لَمْ تَحْمِلْهُ عَلَی الْمُنَاقَشَاتِ فِی الْآلَاتِ الَّتِی تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَی مَغْفِرَتِکَ

و از او نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها، به آمرزش تو نائل شد، حسابکشی

ص : ۷۱۸

سخت نکردی.۱۳/۳۷

سبب خوشنودی خدا:

أ. سپاس گزاری

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... سَبَبًا إِلَى رِضْوَانِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که سببی به سوی خوشنودی اش باشد.۲۹و۲۷/۱

ب. امام علیه السلام

وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ

و او را سبب رسیدن به خوشنودی ات قرار دادی.۶۰/۴۷

سبکی

سبک شمارنده حرمت الهی

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُسْتَخِفِّ بِحُرْمَةِ رَبِّهِ

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده و حرمت پروردگارش را سبک شمرده سخن می گویم.۷/۱۲

بیماری و سبک گردیدن پشت بنده

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَّصْتَنِي بِهَا... تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا

خطاهایی را که پشت مرا سنگین کرده سبک نماید.

۴/۱۵

سبک کردن پشت بنده

وَ هَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلَتْهُ الْخَطَايَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ خَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّكَ

و این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به بخشش آن را سبک

گردان.۲۹/۱۶

سبک نمودن سنگینی گرفتاری

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا... وَ خَفِّفْ عَنِّی ثِقْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است. پس صاحبانش را عوض ده و سنگینی اش را از من سبک فرما.۱۸/۳۱

آتش دوزخ و سبک شدنش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... لَا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَ اسْتَسْلَمَ إِلَيْهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که قادر بر سبک کردن (شعله ها) از کسی که برایش فروتنی نماید و تسلیم او گردد، نیست.

۲۹/۳۲و۳۰

سبک دانستن مقدّرات الهی

وَ لَا تَسُمْنَا عَجزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ

ص : ۷۱۹

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم.

۳/۳۳

سبک شمردن حکم خداوند

وَ لَا تَفْتِنِّی بِمَا أَعْطَیْتَهُمْ، وَ لَا تَفْتِنْهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِی فَأَحْسُدَ خَلْقَکَ، وَ أَغْمَطَ حُکْمَکَ

و مرا به آنچه به آنـان (دنیـاداران) عطـا کردی، آزمـایش نکن و آنـان را به آنچه از من منع داشـتی، دچـار آزمون نسـاز که بر آفریدگانت حسد برم و حکم تو را سبک شمارم.۲/۳۵

سبک نشمردن انتقام الهی

فَإِنَّ قُوَّتِی لَا تَسْتَقِلُّ بِنَقِمَتِکَ

پس به درستی که نیروی من انتقام تو را سبک نمی شمارد.۵/۳۹

سبک شمارندگان تهدید الهی

وَ لَا تَمْحَقْنِی فِیمَن تَمْحَقُ مِنَ الْمُسْتَخِفِّینَ بِمَا أَوْعَدْتَ

و مرا در شمار نابودشوندگانی که تهدید تو را سبک می شمارند، نابود نکن.۹۵/۴۷

سبک شمارندگان وعده الهی

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِی مَوْقِفَ... الْمُسْتَخِفِّینَ بِوَعْدِکَ

خود را در جایگاه سبک شمارندگان وعده تو، واداشته ام.۲/۵۳

سپاس

حمد و سپاس الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ کَانَ قَبْلَهُ

سپاس خدای را، اوّلی که پیش از او اوّلی نبوده است.۱/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ عَلَی مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِنَنِهِ الْمُتَتَابِعَهِ... لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ یَحْمَدُوهُ...

و سپاس خـدای را که اگر بنـد گانش را از شـناختن سپاسـش بر بخشـش هـای پی درپی که به ایشـان داده بـازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا عَرَّفَنَا مِنْ نَفْسِهِ

و سپاس خدای را که خودش را به ما شناساند.

۱۰/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ

و سپاس خدایی را که زیبایی های آفرینش را برای ما برگزید.۱۷/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَهِ إِلَّا إِلَیْهِ

و سپاس خدایی را که درِ نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست.۱۹/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی رَکَّبَ فِینَا آلَاتِ الْبَسْطِ

و سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را

ص : ۷۲۰

در ما به هم پیوست.۲۰/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی دَلَّنَا عَلَی التَّوْبَهِ...

و سپاس خدای را که ما را به توبه ره نمود.

۲۲/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِکُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَی مَلَائِکَتِهِ إِلَیْهِ...

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش، او را ستوده اند.۲۵/۱

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَکَانَ کُلِّ نِعْمَهٍ لَهُ عَلَیْنَا

پس سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما دارد.۲۷/۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ...

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد – که درود خدا بر او و خاندانش باد – بر ما منّت نهاد.

۱/۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ اللَّیْلَ وَ النَّهَارَ بِقُوَّتِهِ

سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید.۱/۶

الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضًی بِحُکْمِ اللَّهِ

سپاس خدای را که راضی به حکم اویم.

۱/۳۵

فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا وَقَیْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ

پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی.۶/۳۶

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِحَمْدِهِ

سپاس خدای را که ما را برای سپاس گزاری اش راهنمایی فرمود.۱/۴۴

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی حَبَانَا بِدِینِهِ

و سپاس خدای را که دین خود را به ما هدیه کرد.۲/۴۴

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان را، (یکی) از آن راه ها قرار داد.۳/۴۴

فَلَکَ الْحَمْدُ مَا وُجِدَ فِی حَمْدِکَ مَذْهَبٌ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که راهی در ستایش تو یافت شود.۱۷/۴۵

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ

سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است.

۱/۴۷

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ بَدِیعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا سپاس برای توست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین.۲/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یَدُومُ بِدَوَامِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که با همیشگی بودن تو، همیشگی است.۳۲/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه نعمت تو، جاوید مانَد.۳۳/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یُوَازِی صُنْعَکَ

ص : ۷۲۱

و سپاس برای توست. سپاسی که با لطف تو، برابری کند.۳۴/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یَزِیدُ عَلَی رِضَاکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که بر خوشنودی ات بیفزاید.۳۵/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ کُلِّ حَامِدٍ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه با سپاس هر سپاس گزار باشد.۳۶/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدَ

و سپاس ویژه توست.۲/۴۸

اللَّهُمَّ بِأَنَّ لَکَ الْمُلْکَ وَ الْحَمْدَ

خداوندا، به درستی که پادشاهی و سپاس مختص به توست.۳/۴۸

فَلَکَ إِلَهِی الْحَمْدُ

پس خدای من، تو را سپاس.۱/۴۹

فَلَکَ الْحَمْدُ إِلَهِی مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ

پس خدای من، سپاس برای توست. توانایی که شکست نمی خورد.۱۴/۴۹

إِلَهِی أَحْمَدُکَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ -

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی.۱/۵۱

عدم سپاس گزاری از خدا، و بازداشته شدن از معرفت حمد

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ

عَلَی مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِنَنِهِ الْمُتَتَابِعَهِ... لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ یَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِی رِزْقِهِ فَلَمْ یَشْکُرُوهُ

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر بخشش های پی درپی که به ایشان داده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند و از روزی ای که عطا فرموده، فراوان استفاده می برند و شکرش به جا نمی آوردند.۸/۱

ناسپاسی از خدا، و روی آوری به مرز حیوانیّت

...وَ لَوْ کَانُوا کَذَلِکَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِیَّهِ إِلَی حَدِّ الْبَهِیمِیَّهِ

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رومی آوردند.۹/۱

ویژگی های سپاس الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعَمَّرُ بِهِ فِیمَنْ حَمِدَهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَ نَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَی رِضَاهُ وَ عَفْوِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، بین آفریدگان سپاس گزارش، عمر طولانی نماییم و با آن، بر پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و بخشایش او، پیشی گیریم.۱۱و۱۰/۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یُضِیءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ، وَ یُسَهِّلُ عَلَیْنَا بِهِ سَبِیلَ الْمَبْعَثِ، وَ یُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ

ص : ۷۲۲

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، تاریکی های برزخ را برای ما روشن نماید و با آن راه رستاخیز را بر ما آسان سازد و با آن سپاس، منزلت ما را در جایگاه های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد.

۱۲و۱۰/۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَی أَعْلَی عِلِّیِّینَ فِی کِتَابٍ مَرْقُومٍ یَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقرّبان الهی گواه آنند».

۱۳و۱۰/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُیُونُنَا إِذَا بَرِقَتِ الْأَبْصَارُ، وَ تَبْیَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به وسیله آن چشمانمان روشن شود، هنگامی که دیده ها، خیره می شود. و چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.۱۴و۱۰/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِیمِ نَارِ اللَّهِ إِلَی کَرِیمِ جِوَارِ اللَّهِ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شده، به جوار ارجمند خدا، واصل شویم.۱۵و۱۰/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُزَاحِمُ بِهِ مَلَائِکَتَهُ الْمُقَرَّبِینَ، وَ نُضَامُّ بِهِ أَنْبِیَاءَهُ الْمُرْسَلِینَ...

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن،

جا را بر فرشتگان مقرّب تنگ نماییم و با پیامبران فرستاده اش گرد آییم.۱۶و۱۰/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِکُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَی مَلَائِکَتِهِ إِلَیْهِ...

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش، او را ستوده اند.۲۵/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ...

و سپاس خدای را، سپاسی که بر سایر سپاس ها، برتری یابد.۲۶و۲۵/۱

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَکَانَ کُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَیْنَا

پس سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما دارد.۲۷/۱

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا مُنْتَهَی لِحَدِّهِ، وَ لَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ، وَ لَا مَبْلَغَ لِغَايَتِهِ، وَ لَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که حدّش بدون انتها و عددش بی حساب و آخِرش بدون نهایت و مدّتش نامقطوع می باشد.۲۸و ۲۷/۱

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ وُصْلَةً إِلَی طَاعَتِهِ وَ عَفْوِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که به سوی طاعت و بخشایش او پیوند خوریم.۲۹و ۲۷/۱

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا نَسْعَدُ بِهِ فِی السُّعَدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَ نَصِيرُ بِهِ فِی نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در بین سعادتمندان از دوستانش به سعادت برسیم و با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم.۳۰و ۲۷/۱

فَلَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُخَلِّفُ حَمْدَ الْحَامِدِینَ وَرَاءَهُ، حَمْدًا یَمْلَأُ أَرْضَهُ وَ سَمَاءَهُ

پس سپاس تو راست، سپاسی که سپاس سپاس گزاران را پشت سر گذارَد و سپاسی که زمین و آسمانش را پر سازد.۶/۳۶

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یَتَقَبَّلُهُ مِنَّا، وَ یَرْضَی بِهِ عَنَّا

و سپاس خدای را. سپاسی که آن را از ما بپذیرد و به سبب آن از ما خوشنود شود.۲/۴۴

لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یَدُومُ بِدَوَامِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که با همیشگی بودن تو، همیشگی است.۳۲/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه نعمت تو، جاوید مانَد.۳۳/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یُوَازِی صُنْعَکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که با لطف تو، برابری کند.۳۴/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یَزِیدُ عَلَی رِضَاکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که بر خوشنودی ات بیفزاید.۳۵/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ کُلِّ حَامِدٍ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه با سپاس هر سپاس گزار باشد.۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا یَنْبَغِی إِلَّا لَکَ، وَ لَا یُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَیْکَ

سپاس برای توست. سپاسی که جز برای تو، سزاوار نباشد و به وسیله آن جز به سوی تو، تقرّب نتوان جست.۳۷و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ یُسْتَدْعَی بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ

سپاس برای توست. سپاسی که دوام اوّلین و بقای آخِرین، به وسیله آن درخواست گردد.

۳۸و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَتَضَاعَفُ عَلَی کُرُورِ الْأَزْمِنَهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با گردش زمان ها، چندین برابر شود.۳۹و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَهُ، وَ یَزِیدُ عَلَی مَا أَحْصَتْهُ فِی کِتَابِکَ الْکَتَبَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند، و بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده اند، افزونی یابد.۴۰و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوازِنُ عَرْشَکَ الْمَ_جِیدَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عرش بزرگ تو همسنگ باشد.۴۱و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکْمُلُ لَدَیْکَ ثَوَابُهُ

سپاس برای توست. سپاسی که پاداش آن نزد تو کامل باشد.۴۲و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفْقٌ لِبَاطِنِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که ظاهرش با

باطنش همخوان باشد.۴۳و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَمْ یَحْمَدْکَ خَلْقٌ مِثْلَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ آفریده ای مانند آن، تو را ستایش نکرده باشد.۴۴و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُعَانُ مَنِ اجْتَهَدَ فِی تَعْدِیدِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد.۴۵و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ

سپاس برای توست. سپاسی که آنچه از سپاس ها آفریدی را گرد آورد.۴۶و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَی قَوْلِکَ مِنْهُ، وَ لَا أَحْمَدَ مِمَّنْ یَحْمَدُکَ بِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک تر از آن به سپاسی که (در) گفتار توست، نباشد و هیچ سپاس گزاری، سپاس گزارتر از آنکه تو را سپاس گزارَد، نباشد.۴۷و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوجِبُ بِکَرَمِکَ الْمَزِیدَ بِوُفُورِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گرداند.

۴۸و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَجِبُ لِکَرَمِ وَجْهِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که سزاوار ذاتِ کریم تو باشد.۴۹و۳۶/۴۷

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی، حَمْدًا یَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِیقَهَ الشُّکْرِ، حَمْدًا یَکُونُ مَبْلَغَ رِضَاکَ عَنِّی

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به کمال و حقیقت ستایش رسد. سپاسی که به اندازه خوشنودی تو از من باشد.۶/۵۱

ناتوانی بنده، از سپاس خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَهِ إِلَّا إِلَیْهِ، فَکَیْفَ نُطِیقُ حَمْدَهُ؟ أَمْ مَتَی نُوءَدِّی شُکْرَهُ؟ لَا مَتَی؟

و سپاس خدایی را که درِ نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست. پس چگونه سپاس او را به جا آوریم یا چه زمان توانیم

شکرش گزاریم؟ نه! چه زمان (هیچ گاه)؟۱۹/۱

نهی بندگان، جهت آزمودن سپاس گزاری آنان

...وَ نَهَانَا لِیَبْتَلِیَ شُکْرَنَا

...و نهیمان نمود تا شکرگزاریمان را آزمایش کند.۲۱/۱

نزدیک ترین فرشتگان خدا، و سپاس الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِکُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَی مَلَائِکَتِهِ إِلَیْهِ وَ أَکْرَمُ خَلِیقَتِهِ عَلَیْهِ وَ أَرْضَی حَامِدِیهِ لَدَیْهِ

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش و گرامی ترین آفریدگانش و پسندیده ترین سپاس گویانش، او را ستوده اند.

۲۵/۱

خداوندِ ستایش شده

إِنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيدٌ

به درستی که او یاری دهنده ستوده است.

۳۰و ۲۷/۱

إِنَّکَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

به درستی که تو ستوده بزرگواری.۱۴/۲۲

إِنَّکَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ...

به درستی که تو بسیار نعمت دهنده ستوده ای.

۱۸/۲۷

إِنَّکَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ

به درستی که تو بسیار نعمت دهنده و ستوده ای.۷/۴۳

إِنَّکَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

به درستی که تو ستوده بزرگواری.۱۱/۴۸

فَأَنْتَ عِنْدِي مَحْمُودٌ

پس تو نزد من ستوده ای.۵/۵۱

آسایش بدن ها، در سپاس گزاری از نعمت

وَ اجْعَلْ... فَرَاغَ أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِکَ

و آسایش تن هایمان را در سپاس گزاری نعمت خود قرار ده.۱۴/۵

سبب جدایی روز از بنده، با سپاس گزاری

وَ هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ... إِنْ أَحْسَنَّا وَدَّعَنَا بِحَمْدٍ

و این روزی نو و تازه است. اگر نیکی کردیم، با سپاس ما را بدرود گوید.۱۲/۶

روز را به سپاس خدا، پر ساختن

وَ امْلَأْ لَنَا مَا بَیْنَ طَرَفَیْهِ حَمْدًا وَ شُکْرًا...

و دو طرف آن (روز) را برای ما از سپاس و ستایش پر ساز.۱۴/۶

قرار دادن بهره ای از شکر الهی، برای بندگان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِی کُلِّ سَاعَهٍ مِنْ سَاعَاتِهِ... نَصِیبًا مِنْ شُکْرِکَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، سهمی از سپاس گزاری ات قرار ده.

۱۶/۶

سپاس گزاری از نعمت ها

وَ وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ شُکْرِ النِّعَمِ

و ما را برای انجام نیکی و سپاس نعمت ها، توفیق ده.۱۸/۶

سپاس گزارترین آفریدگان

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَشْکَرَهُمْ لِمَا أَوْلَیْتَ مِنْ نِعَمِکَ

و ما را از شکرگزارترین آنان بر نعمتی که ارزانی داشته ای قرار ده.۲۰/۶

عدم سپاس گزاری بنده، از نیکویی کننده به او

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ... تَرْکِ الشُّکْرِ لِمَنِ اصْطَنَعَ

ص : ۷۲۶

الْعَارِفَهَ عِنْدَنَا

خداوندا به تو پناه می برم از ناسپاسی از کسی که به ما نیکی کرده است.۳و۱/۸

مشغول ساختن زبان ها، به سپاس خدا

وَ اشْغَلْ... أَلْسِنَتَنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ

و زبان های ما را به سپاس خود از هر سپاسی مشغول ساز.۱/۱۱

سپاس خدا و پیروزی

يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ

ای که سپاس او برای سپاس گزاران پیروزی است.۱/۱۱

کوتاهی در سپاس گزاری خدا

...يَحْجُبُنِى... نِعْمَهٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَىَّ. فَقَصَّرْتُ فِى شُكْرِهَا

بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، نعمتی که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی کردم.۲/۱۲

وَ ارْزُقْنِى الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِى فِى الشُّكْرِ لَكَ...

و هنگامی که در شکرت کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما.۱۱/۲۲

به ستایش واداشتن آفریدگان، با گذشت نیکو

وَ يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ

و ای آنکه با گذشت نیک، آفریدگانش را به سپاس خود واداشته است.۱۰/۱۲

ستودن خدا خود را، به بی نیازی اش

تَمَدَّحْتَ بِالْغَنَاءِ عَنْ خَلْقِكَ وَ أَنْتَ أَهْلُ الْغِنَى عَنْهُمْ

خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای و خود شایسته بی نیازی از آنهایی.۱۱/۱۳

شایسته ترین حالت (تندرستی یا بیماری)، جهت سپاس

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی، أَیُّ الْحَالَیْنِ أَحَقُّ بِالشُّکْرِ لَکَ؟...

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟

۲/۱۵

شایسته ترین زمان (تندرستی یا بیماری)، برای ستایش

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی... أَیُّ الْوَقْتَیْنِ أَوْلَی بِالْحَمْدِ لَکَ؟...

ای خدای من نمی دانم کدامین یک از دو وقت، برای ستایش تو شایسته تر می باشد؟

۲/۱۵

سپاس گزاری از نیکی

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أَشْکُرَ الْحَسَنَهَ

و مرا توفیق ده تا نیکی (دیگران) را سپاس گزارم.۹/۲۰

ص : ۷۲۷

تبدیل دشنامگویی بنده، به سپاس و شکر الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ، وَ إِغْرَاقًا فِی الثَّنَاءِ عَلَیْکَ... وَ شُکْرًا لِنِعْمَتِکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، سپاس برای خودت و ثنای فراوانت و شکر نعمتت را قرار ده.

۱۳/۲۰

گرفتار شدن بنده، به ستایش نمودن فرد عطاکننده به او

لَا تَبْتَذِلْ جَاهِی بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِکَ، وَ أَسْتَعْطِیَ شِرَارَ خَلْقِکَ، فَأَفْتَتِنَ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِی

شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم و از آفریدگان بدت، عطا طلبم. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا کرده، گرفتار شوم.۲۶/۲۰

گماشتن بنده به ستایش

وَ اجْعَلْ ثَنَائِی عَلَیْکَ، وَ مَدْحِی إِیَّاکَ، وَ حَمْدِی لَکَ فِی کُلِّ حَالَاتِی

و ستایش مرا ویژه خودت و مدح مرا بر خودت و سپاسم را در همه حالات، برای خودت قرار ده.۹/۲۱

گویایی زبان، به حمد خدا

وَ أَنْطِقْ بِحَمْدِکَ وَ شُکْرِکَ وَ ذِکْرِکَ وَ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَیْکَ لِسَانِی

و زبانم را به حمد خود و شکرت و یادت و ستایش نیکوی خود، گویا فرما.

۵/۲۳

زنده ساختن مستحبّات، و ستوده شدن

وَ لَا تُثْنِی عَلَیَّ بِإِحْیَائِهَا سُنَّهٌ حَاشَا فُرُوضِکَ الَّتِی مَنْ ضَیَّعَهَا هَلَکَ

و نه (عمل) مستحبّی، به خاطر زنده ساختنش مرا می ستاید. مگر واجبات تو، که هر که آن را انجام نداد، به هلاکت رسد.۱۷/۳۲

سپاس گزاری از خدا، برای بازداشته هایش از بنده

وَ اجْعَلْ شُكْرِی لَکَ عَلَی مَا زَوَیْتَ عَنِّی...

و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی قرار ده.۳/۳۵

سپاس از خدا، برای آنچه به بنده بخشیده

وَ اجْعَلْ شُكْرِی لَکَ عَلَی مَا زَوَیْتَ عَنِّی أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِی إِیَّاکَ عَلَی مَا خَوَّلْتَنِی

و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی بیش از شکرم به آنچه به من مرحمت کردی، قرار ده.

۳/۳۵

سپاسی پشت سر گذارنده سپاس شاکران

فَلَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُخَلِّفُ حَمْدَ الْحَامِدِینَ وَرَاءَهُ

پس سپاس تو راست، سپاسی که سپاس سپاس گزاران را پشت سر گذارَد.۶/۳۶

موجب سپاس

فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَیْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ، وَ لَکَ الشُّکْرُ عَلَى مَا خَوَّلْتَنَا مِنَ النَّعْمَاءِ...

پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی و شکر تو راست، بر آنچه از نعمت هایت که به ما بخشیدی.۶/۳۶

احسان خداوند و پایان شکر او

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا یَبْلُغُ مِنْ شُکْرِکَ غَایَةً إِلَّا حَصَلَ عَلَیْهِ مِنْ إِحْسَانِکَ مَا یُلْزِمُهُ شُکْرًا

خداوندا همانا کسی به نهایت شکرگزاری ات نمی رسد، مگر آنکه از احسان تو چیزی به دست آورد که او را شکر (دیگری) لازم آید.۱/۳۷

ناتوانی سپاس گزارترین بندگان، از سپاس خداوند

فَأَشْکَرُ عِبَادِکَ عَاجِزٌ عَنْ شُکْرِکَ

پس شکرگزارترین بندگانت از شکر تو، عاجز است.۳/۳۷

لزوم پاداش، بر شکرگزاری بنده

تَشْکُرُ یَسِیرَ مَا شَکَرْتَهُ... حَتَّى کَأَنَّ شُکْرَ عِبَادِکَ الَّذِی أَوْجَبْتَ عَلَیْهِ ثَوَابَهُمْ... أَمْرٌ مَلَکُوا اسْتِطَاعَةَ الِامْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَکَ فَکَافَیْتَهُمْ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت - که پاداش آنها را لازم گردانـدی - کاری است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای.۶/۳۷

احسان خدا و عدم سپاس گزاری بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ مَعْرُوفٍ أُسْدِیَ إِلَیَّ فَلَمْ أَشْکُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از نیکی ای که به من شد، پس شکر آن را به جا نیاوردم.۱/۳۸

سپاس گزاری نعمت

وَ أَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِکَ

و در آن (ماه) شکر نعمتت را به ما الهام کن.

۷/۴۳

هدایت به سپاس گزاری

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِحَمْدِهِ

سپاس خدای را که ما را برای سپاس گزاری اش راهنمایی فرمود.۱/۴۴

سپاس گزاری از احسان خدا

ص : ۷۲۹

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَکُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاکِرِینَ

سپاس خدای را که ما را از اهل سپاس قرار داد. تا برای احسانش از شکرگزاران باشیم.

۱/۴۴

الهام و آموختن سپاس گزاری، به بنده

تَشْکُرُ مَنْ شَکَرَکَ وَ أَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُکْرَکَ. وَ تُکَافِئُ مَنْ حَمِدَکَ وَ أَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَکَ

هر که تو را شکر کرد، قدردانی کنی و حال آنکه شکرگزاری را تو به او الهام کرده ای. و هر که تو را سپاس گزارد، جزا دهی و حال آنکه سپاس گزاری را تو به او آموخته ای.۷و۶/۴۵

فرمان به سپاس گزاری

وَ اشْکُرُوا لِی وَ لَا تَکْفُرُونِ

و مرا شکر گزارید و مرا کفران نکنید.

۱۴/۴۵

نتیجه سپاس گزاری

وَ قُلْتَ: لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ

و فرمودی: اگر شکر گزارید، شما را فزونی دهم.۱۴/۴۵

سپاس گزاری از خدا، به فضل او

وَ شَکَرُوکَ بِفَضْلِکَ

و با تفضّلت، تو را شکر گزاردند.۱۶/۴۵

سپاس خدا، تا هنگام یافت شدن راهی در سپاسش

فَلَکَ الْحَمْدُ مَا وُجِدَ فِی حَمْدِکَ مَذْهَبٌ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که راهی در ستایش تو یافت شود.۱۷/۴۵

سپاس خداوند، تا باقی بودن سخنی برای ستودنش

فَلَکَ الْحَمْدُ... مَا بَقِیَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ تُحْمَدُ بِهِ، وَ مَعْنًی یَنْصَرِفُ إِلَیْهِ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که برای ستایش کلمه ای که با آن ستایش شوی باقی ماند و مقصودی که به آن بازگردد، وجود داشته باشد.

۱۷/۴۵

شرط ستوده شدن مخلوق

وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَی مِثْلِ الَّذِی دَلَلْتَ عَلَیْهِ عِبَادَکَ مِنْکَ کَانَ... مَحْمُودًا بِکُلِّ لِسَانٍ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به هر زبانی (مورد) ستایش قرار می گرفت.۱۷/۴۵

سکوت و کوتاهی از سپاس الهی

وَ قَدْ قَصَّرَ بِیَ السُّکُوتُ عَنْ تَحْمِیدِکَ

و سکوت، مرا از سپاس تو به کوتاهی انداخته.

۲۴/۴۶

ص : ۷۳۰

خدا، دارنده سپاس

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ... وَ الْحَمْدِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دارای زیبایی و ستایشی.۱۱/۴۷

سُبْحَانَکَ مِنْ... رَفِیعٍ مَا أَرْفَعَکَ ذُو الْبَهَاءِ... وَ الْحَمْدِ

پاک و منزّهی! ای بلندمرتبه که بسیار بلندمرتبه ای! تویی دارای زیبایی و ستایش.

۲۴/۴۷

سپاسی که هر سپاس گزار از آن بازماند

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ کُلِّ حَامِدٍ، وَ شُکْرًا یَقْصُرُ عَنْهُ شُکْرُ کُلِّ شَاکِرٍ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه با سپاس هر سپاس گزار باشد، و ستایشی که ستایش هر ستاینده ای از آن بازمانَد.۳۶/۴۷

سپاس گزاری از خدا و سخن خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَی قَوْلِکَ مِنْهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک تر از آن به سپاسی که (در) گفتار توست، نباشد.۴۷و۳۶/۴۷

سپاس گزارنده ترین سپاس گزار

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا أَحْمَدَ مِمَّنْ یَحْمَدُکَ بِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ سپاس گزاری، سپاس گزارتر از آنکه تو را سپاس

گزارَد، نباشد.۴۷و۳۶/۴۷

ولیّ خدا و الهام شکر نعمت

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِیِّکَ شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیْهِ

خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما.۶۱/۴۷

الهام سپاس نعمت، به بنده

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِيِّكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ

خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما و مانند آن (شکر) را در نعمت، به ما الهام نما.۶۱/۴۷

بنده ستوده و زنده داشته شده

وَ بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ عُنِیتَ بِهِ... فَأَعَشْتَهُ حَمِیدًا

و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای، پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته ای.۱۰۵/۴۷

الهام سپاس گزاری از عطای الهی، به بنده

وَ أَوْزِعْنِی أَنْ أُثْنِیَ بِمَا أَوْلَیْتَنِیهِ

و به من الهام کن که به خاطر آنچه به من داده ای، ثنا (ی تو را) گویم.۱۱۴/۴۷

ملازم ساختن سپاس گزاری خدا، با بنده

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُکْرَکَ، بَلْ أَلْزِمْنِیهِ فِی أَحْوَالِ السَّهْوِ

عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِینَ لِآلَائِکَ

و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجّهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان.

۱۱۴/۴۷

زایل نساختن سپاس خدا، از بنده

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُکْرَکَ

و شکرگزاریت را از من نگیر.۱۱۴/۴۷

سپاسی بالاتر از سپاس سپاس گزاران

وَ اجْعَلْ... حَمْدِی إِیَّاکَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِینَ

و سپاس گزاری ام را در حقّ خودت، بالاتر از سپاسِ همه سپاس گزاران قرار ده.۱۱۵/۴۷

خدا، سزاوار سپاس

إِلَهِی أَحْمَدُکَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - عَلَی حُسْنِ صَنِیعِکَ إِلَیَ

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر نیکویی نیکی ات به من.۱/۵۱

سپاس گزاریِ اجزای بنده، از خدا

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند.۶/۵۱

سپاه لشکر

سپری شدن گذشته

سپیده دم فجر

ستایش سپاس

ستم

ستم نشدن به بندگان، در روز قیامت

يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ

روزى كه هر كس به آنچه كسب كرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبينند.۱۱/۲۴، ۱۲/۱

ارجمند ساختن دين خدا و ستم ديدن

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى... مَنْ كَثَّرْتَ فِى إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ

و آن افراد بسيارى را كه به خاطر ارجمند ساختن دينت ستم ها ديدند، پاداش عنايت كن.

۸/۴

به فرياد ستم ديده رسيدن

وَ وَفِّقْنَا فِى يَوْمِنَا هَذَا... وَ فِى جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ إِدْرَاكِ اللَّهِيفِ

و در امروز ما و در همه روزهايمان، ما را براى انجام نيكى و يارى دادن ستم ديده، توفيق ده.

۱۸/۶

پناه بردن به خدا، از يارى نمودن ستمگر

اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ نَعْضُدَ ظَالِمًا

ص : ۷۳۲

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه ستمگری را کمک کنیم.۴و۱/۸

پناه بردن به خدا، از خوار گرداندنِ ستم دیده

اللَّهُمَّ إِنيِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... نَخْذُلَ مَلْهُوفًا

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه ستم دیده ای را خوار گردانیم.۴و۱/۸

ستم نمودن پادشاه، بر بنده

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... يَتَهَضَّمَنَا السُّلْطَانُ

و پناه می بریم به تو از اینکه پادشاه به ما ستم کند.۶/۸

سخن گفتن، مانند بنده ستم کننده به خود

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ...

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده سخن می گویم.۷/۱۲

ستمکارتر نبودن بنده، از توبه کننده به درگاه خدا

وَ مَا أَنَا بِأَظْلَمِ مَنْ تَابَ إِلَيْكَ فَعُدْتَ عَلَيْهِ

و من ستمکارتر از توبه کننده به درگاهت که تو به او نیکی نموده ای، نمی باشم.۱۱/۱۲

یاری خدا، به مظلومان و ستم دیدگان

وَ يَا مَنْ قَرُبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ

و ای کسی که یاری او به ستم دیدگان نزدیک است.۳/۱۴

مدد الهی و ستمگران

وَ يَا مَنْ بَعُدَ عَوْنُهُ عَنِ الظَّالِمِينَ

و ای کسی که مددش از ستمگران دور است.

۴/۱۴

بازداشتن ستمگر و دشمن بنده، از ستم

وَ خُذْ ظَالِمِی وَ عَدُوِّی عَنْ ظُلْمِی بِقُوَّتِکَ...

و ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار.۶/۱۴

رخصت ستم ندادن خدا، به ستمگر

وَ لَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِی

و ستم کردن او را بر من آسان نگردان.

۷/۱۴

یاری بنده، در برابر ستمگر

أَعْدِنِی عَلَیْهِ عَدْوَی حَاضِرَهً، تَکُونُ مِنْ غَیْظِی بِهِ شِفَاءً

مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد.۸/۱۴

مشمول عفو گرداندن بنده، در عوض ستم ستمگر به او

ص : ۷۳۳

اللَّهُمَّ... عَوِّضْنِی مِنْ ظُلْمِهِ لِی عَفْوَکَ

خداوندا در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش.۹/۱۴

عطای رحمت به بنده، در عوض بدرفتاری ستمگر با او

اللَّهُمَّ... أَبْدِلْنِی بِسُوءِ صَنِیعِهِ بِی رَحْمَتَکَ

خداوندا به جای بدرفتاری اش، رحمتت را به من عطا کن.۹/۱۴

ناپسند گرداندن ستم کشیدن، در نظر بنده

اللَّهُمَّ فَکَمَا کَرَّهْتَ إِلَیَّ أَنْ أُظْلَمَ فَقِنِی مِنْ أَنْ أَظْلِمَ

خداوند همچنان که ستم کشیدن را در نظرم ناپسند نمودی، مرا از ستم نمودن حفظ کن.

۱۰/۱۴

نگه داشتن بنده، از ستم کردن

...فَقِنِی مِنْ أَنْ أَظْلِمَ

...پس مرا از ستم نمودن حفظ کن.۱۰/۱۴

سبب ادامه دادن ستمگر، بر ستم

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنْهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْکَارِکَ، فَیُصِرَّ عَلَی ظُلْمِی

خداوندا او را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کند.

۱۲/۱۴

نشان دادن (کیفر) ستم

وَ عَرِّفْهُ عَمَّا قَلِیلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِینَ

و آنچه ستمگران را به آن تهدید نمودی، بر او بنما.۱۲/۱۴

علّت کیفر نشدن ستمگر، تا رستاخیز

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتِ الْخِيَرَةُ لِی عِنْدَکَ فِی تَأْخِیرِ الْأَخْذِ لِی وَ تَرْکِ الِانْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِی إِلَی یَوْمِ الْفَصْلِ... أَیِّدْنِی مِنْکَ بِنِیَّةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداونـدا و اگر خیر من نزد تـو در تـأخیر گرفتن حقّم و به کیفر نرسـیدن سـتمگرم تـا روز رسـتاخیر می باشـد، پس مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.۱۴/۱۴

ستم کار نبودن خدا، نسبت به کیفرشده

فَإِنْ تُعَذِّبْنِی فَأَنْتَ غَیْرُ ظَالِمٍ لِی

پس اگر مرا عذاب کنی ستمکار به من نیستی.

۳۱/۱۶

فَکُلُّ الْبَرِیَّهِ مُعْتَرِفَهٌ بِأَنَّکَ غَیْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ

پس همه آفریدگان اعتراف می کنند که تو هر که را عقوبت نمودی، ستمگر نیستی.۸/۳۷

جلوگیری از ستم ستم کننده

وَ اجْعَلْ لِی یَدًا عَلَی مَنْ ظَلَمَنِی

و برایم بر آنکه به من ستم کرد، دستی قرار ده.

۸/۲۰

سبب ستم نشدن بر بنده

وَ لَا أَظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّی

و (چنان کن که) بر من ستم نشود، در حالی که تو بر دفاع از من توانایی.۱۴/۲۰

سبب ستم نکردن بنده، به دیگران

وَ لَا أَظْلِمَنَّ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَی الْقَبْضِ مِنِّی

و (چنان کن که) بر کسی ستم نکنم، در حالی که تو قادری بازم داری.۱۴/۲۰

آسودگی دشمن، از ستم بنده

وَ ارْزُقْنِی... الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ... مُوءْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ، حَتَّی یَأْمَنَ عَدُوِّی مِنْ ظُلْمِی وَ جَوْرِی

و مرا در حال خوشنودی وخشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم. تا دشمنم از ظلم و ستم من ایمن باشد.۱۳/۲۲

پناه بردن به خدا، از شرّ هر پادشاه ستمگر

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ سُلْطَانٍ عَنِیدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر پادشاهِ ستمگری پناه ده.۶/۲۳

ترس از والدین، همانند ترس از پادشاه ستمگر

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی أَهَابُهُمَا هَیْبَهَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ

خداوندا مرا چنان گردان که از هر دو (پدر و مادرم) همچون ترس از پادشاه خودکامه، بیمناک باشم.۵/۲۴

تعدّی والدین در سخن گفتن با فرزند

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّیَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ قَوْلٍ... فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا...

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم.۹/۲۴

از ظلم و ستم، به عدل خدا پناه جستن

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُ_جَارِینَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) از ستم (دیگران) به عدل تو پناه آورده اند، قرار ده.

۱۰/۲۵و۱۱

یاری همسایگان ستم دیده

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... نُصْرَهِ مَظْلُومِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در یاریِ ستم دیده شان، توفیق ده.

۲/۲۶

درگذشتن از همسایگان ستمکار

ص : ۷۳۵

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَعْرِضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که از ستمگرشان با چشم پوشی صرف نظر کنم.۳/۲۶

مالی کشاننده بنده، به ظلم و ستم

وَ ازْوِ عَنِّی مِنَ الْمَالِ مَا یُحْدِثُ لِی مَخِیلَهً أَوْ تَأَدِّیًا إِلَی بَغْیٍ...

و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند را از من دور ساز.۳/۳۰

به خود ستم نمودن بنده

...حَتَّی إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَی... أَحْصَی مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ

...امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، آنچه با آن به خود ستم کرده، شمرد.

۷/۳۱

وَ هَبْ لِنَفْسِی عَلَی ظُلْمِهَا نَفْسِی

و مرا به خاطر ظلمی که به خود کرده ام، ببخش.۹/۳۹

ترس بیدادگران، از قهر خدا

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهً تَسْلَمُ بِهَا کُلُّ جَارِحَهٍ عَلَی حِیَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِکَ، وَ تَأْمَنُ مِمَا یَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِیمِ سَطَوَاتِکَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از

کیفرهایت سالم مانَد و از قهرهای دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد.۲۲/۳۱

انجام معصیت و نترسیدن از ستم الهی

لَا یُخْشَی جَوْرُکَ عَلَی مَنْ عَصَاکَ

بیمی از آن نیست که بر کسی که تو را معصیت کرد، ستم کنی.۱۶/۳۷

ستم شدن به ستم دیده ای، در حضور بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ مِنْ مَظْلُومٍ ظُلِمَ بِحَضْرَتِی فَلَمْ أَنْصُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از ستم دیده ای که در حضور من به او ستم شد، پس او را یاری نکردم.۱/۳۸

طلب آمرزش برای ستم کننده

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّي مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ... فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّي

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی، پس او را که بر من ستم نمود، بیامرز.

۲/۳۹

درخواست درباره آنکه از بنده، ستمی به او رسیده

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عَبِيدِكَ... لَحِقَهُ بِي أَوْ بِسَبَبِي

ظُلْمٌ... أَرْضِهِ عَنِّی مِنْ وُجْدِکَ...

خداونـدا و هر بنـده ای از بنـدگانت که به دست من یا به وسـیله من، سـتمی به او شده، او را با توانگری خود، از من خوشـنود گردان.۴/۳۹

عفو خدا، بر ستم کاران

وَ کَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُکَ الظَّالِمِینَ

و چه بسیار عفوت که ستمگران را فرا گرفت.

۹/۳۹

روز سیاه شدن چهره ستمگران

وَ بَیِّضْ وُجُوهَنَا یَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّلَمَهِ فِی یَوْمِ الْحَسْرَهِ وَ النَّدَامَهِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان.۱۶/۴۲

انصاف داشتن با ستمگر

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمَنَا

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که به ما ظلم نموده، منصفانه رفتار کنیم.۱۰/۴۴

از روی ستم نبودن منع الهی

إِنْ مَنَعْتَ لَمْ یَکُنْ مَنْعُکَ تَعَدِّیًا

اگر منع کنی، منع داشتنت از روی ستم نیست.

۵/۴۵

قصد ستم نمودن به خود و مهلت الهی

وَ أَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ

و کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای.۹/۴۵

ستم به خود و فراموشی

اللَّهُمَّ وَ مَا... اکْتَسَبْنَا فِیهِ مِنْ خَطِیئَهٍ عَلَی تَعَمُّدٍ مِنَّا، أَوْ عَلَی نِسْیَانٍ ظَلَمْنَا فِیهِ أَنْفُسَنَا... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِکَ

خداوندا و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم، یا فراموشی ای که در آن به خود ستم کردیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.۴۷/۴۵

ظلم نکردن خدا، از روی عدل در حکمش

وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَهِ الْمَ_خْرَجِ عَدْلًا مِنْ قَضَائِکَ لَا تَجُورُ فِیهِ

و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری هایش) از روی عدل در حکم توست، که در آن ستم نمی کنی.۲۰/۴۶

ظلم ننمودن خداوند، و حکم منصفانه او

وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَهِ الْمَ_خْرَجِ... إِنْصَافاً مِنْ حُکْمِکَ لَا تَحِیفُ عَلَیْهِ

و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری هایش) از حکم منصفانه توست، که بر او جفا نمی نمایی.

۲۰/۴۶

ص : ۷۳۷

ولیّ خدا و زدایش زنگار ستم

وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ

و با او زنگار ستم را از راهت بزدای.

۶۲/۴۷

ستمکاران و میراندن نشانه های دین خدا

وَ أَحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ

و با او آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان.۶۲/۴۷

پشتیبان ستمگران قرار ندادن بنده

وَ لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا

و مرا پشتیبان ستمگران قرار نده.۱۳۲/۴۷

نبودن ستم، در فرمان الهی

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ

دانسته ام که در فرمان تو ستم نیست.

۱۵/۴۸

نیازمندی ضعیف، به ستم کردن

إِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ

همانا ضعیف، نیازمند به ستم کردن است.

۱۵/۴۸

برتری خدا، از ستم کردن

قَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا

تو - ای خدای من - از آن (ستم کردن) برتر و

والاتری.۱۵/۴۸

ستم متجاوز، به وسیله حیله هایش

وَ کَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِی بِمَکَایِدِهِ

و چه بسیار ستمگری که با نیرنگ هایش به من ستم کرد.۷/۴۹

رفتار خدا، با ستمگر

فَلَمَّا رَأَیْتَ یَا إِلَهِی... دَغَلَ سَرِیرَتِهِ... أَرْکَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی زُبْیَتِهِ، وَ رَدَدْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی. و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی.۸/۴۹

عذاب خدا و ستم کاری بنده

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا الظَّالِمُ

اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکارم.

۱۴/۵۱

ستیز جدال و نیز جنگ

ستیزه جویی دشمنی

ستیزه جویان و تکذیب پیامبران

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَیْبِ عِنْدَ مُعَارَضَهِ الْمُعَانِدِینَ لَهُمْ بِالتَّکْذِیبِ...

ص : ۷۳۸

فَاذْکُرْهُمْ مِنْکَ بِمَغْفِرَهٍ وَ رِضْوَانٍ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پنهانیِ پیامبران از اهل زمین، در هنگامی که با تکذیب ستیزه جویان روبرو می شدند، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.۲و۱/۴

پیروزی بنده، بر ستیزه جو

وَ اجْعَلْ لِی... ظَفَرًا بِمَنْ عَانَدَنِی

و برایم بر آنکه با من ناسازگاری نمود، پیروزی ای قرار ده.۸/۲۰

ستیزه جویی فرزندان بنده، با دشمنان خدا

وَ اجْعَلْهُمْ... لِجَمِیعِ أَعْدَائِکَ مُعَانِدِینَ وَ مُبْغِضِینَ

و آنان (فرزندانم) را ستیزه جو و کینه توزِ همه دشمنانت قرار ده.۳/۲۵

نبودن ضدّی، برای ستیز با خدا

أَنْتَ الَّذِی لَا ضِدَّ مَعَکَ فَیُعَانِدَکَ

تویی آنکه ضدّی نداری تا با تو دشمنی کند.

۲۰/۴۷

از روی ستیزه جویی نبودنِ نافرمانی خدا

فَخَالَفَ أَمْرَکَ إِلَی نَهْیِکَ، لَا مُعَانَدَهً لَکَ

پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت. نه از روی عناد با تو.۶۸/۴۷

ستیزه جویی نمودن با خدا

لَا تَجْبَهْنِی بِمَا جَبَهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِینَ لَکَ

همانگونه که دست رد بر پیشانی ستیزه جویان با خود زده ای، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۱۱۶/۴۷ سجده

سجده نمودن و گفتن ذکر سجده

وَ تَذْکُرُ حَاجَتَکَ ثُمَّ تَسْجُدُ وَ تَقُولُ فِی سُجُودِکَ...

و حاجت خود را نام می بری. پس سجده می کنی و در سجده ات می گویی...۲۵/۱۳

نتیجه سجده، تا پنهان شدن سیاهی چشم

یَا إِلَهِی لَوْ... سَجَدْتُ لَکَ حَتَّی تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَایَ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنقدر برایت سجده نمایم تا سیاهی چشمانم از کاسه بیرون آید، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

نمازی مطابق با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله ، در رکوع و سجود

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ فِی رُکُوعِهَا وَ سُجُودِهَا...

ص : ۷۳۹

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] در رکوع و سجود آن قرار داد - به جا آورده اند.

۹/۴۴

سختی رنج

رهایی تابعین اصحاب ، از سختی آتش دوزخ

وَ تُعَافِيَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَهُ مِنْ... كَبَهِ النَّارِ...

و ایشان را از آنچه که به وجودآورنده آزمایش هایی از سختی آتش است، عافیت بخشی.

۱۸/۴

سختی پیشامدها و اندوه های روزگار

وَ اكْفِنَا حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ

و ما را از سختی حوادث روزگار نگهدار.

۱۰/۵

شکسته شدن تندی سختی ها

وَ يَا مَنْ يَفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ

و ای کسی که شدّت دشواری ها با او آرام می گردد.۱/۷

قدرت خدا و آسان گشتن کارهای دشوار

ذَلَّتْ لِقُدْرَتِکَ الصِّعَابُ

سختی ها به توانایی تو آسان شد.۲/۷

خدا، پناهگاه در سختی ها

أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ، وَ أَنْتَ الْمَفْزَعُ فِی الْمُلِمَّاتِ

تویی خوانده شده برای دشواری ها و تویی فریادرس در سختی ها.۴/۷

برطرف نشدن سختی ها و دشواری ها

...لَا یَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَ لَا یَنْکَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا کَشَفْتَ

از آنها جز آنچه تو دور کنی، دور نمی گردد و از آنها جز آنچه تو برطرف کنی، برطرف نمی شود.

۴/۷

دشوار بودن سنگینی (گرفتاری) فرود آمده، بر بنده

قَدْ نَزَلَ بِی یَا رَبِّ مَا قَدْ تَکَأَّدَنِی ثِقْلُهُ

ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است.۵/۷

نبودِ آسان کننده ای برای آنچه خدا دشوار نموده

وَ لَا مُیَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ

و برای آنچه دشوار کردی، آسان کننده ای نیست.۷/۷

پناه بردن به خدا، از سختی روزگار

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ... یَنْکُبَنَا الزَّمَانُ

و پناه می بریم به تو از اینکه زمانه ما را دچار سختی نماید.۶/۸

پناه بردن به خدا، از زندگی در سختی

وَ نَعُوذُ بِکَ... مِنْ مَعِیشَةٍ فِی شِدَّةٍ

و پناه می بریم به تو از زندگی در سختی.

۸/۸

آسان نمودن سختی بنده، پیش از رفتن از دنیا

وَ تَوَلَّنِی بِنُجْحِ طَلِبَتِی... وَ نَیْلِ سُوءْلِی قَبْلَ زَوَالِی عَنْ مَوْقِفِی هَذَا بِتَیْسِیرِکَ لِیَ الْعَسِیرَ

و به برآورده گشتن خواسته ام و یافتن درخواستم، قبل از رفتنم از این مکان، با آسان کردن سختی برای من یاری ام فرما.۲۳/۱۳

سختی و گشایش

وَ اجْعَلْ... سَلَامَتِی مِنْ هَذِهِ الشِّدَّةِ إِلَی فَرَجِکَ

و تندرستی ام از این سختی را به گشایشت قرار ده.۶/۱۵

سخت بودن بنده، در اقدام به بدی

وَ مَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَی السُّوءِ مِنِّی...

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است؟۲۳/۱۶

سخت بودن بی باکی بنده، در باطل

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی... أَشَدُّ فِی الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من – ای خدای من – در انجام باطل گستاخ تر از آنم که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

رحم نمودن خدا، به سختی فقر بنده

فَارْحَمْ... شِدَّةَ مَسْكَنَتِی

پس بر شدّت نیازم رحم کن.۳۲/۱۶

فریادرس بنده، هنگام دشواری

وَ بِکَ اسْتِغَاثَتِی إِنْ کَرِثْتُ

و اگر اندوه مرا فراگیرد، از تو فریادرسی خواهم.۲۰/۲۰

دشوار نگرداندن زندگی، بر بنده

وَ لَا تَجْعَلْ عَیْشِی کَدًّا کَدًّا

و زندگی ام را پر دردسر قرار نده.۲۲/۲۰

وَ لَا تَجْعَلِ الْحَيَاةَ عَلَيْنَا نَكَدًا

و زندگی را بر ما دشوار نگردان.۱۶/۴۲

روا ساختن درخواست بنده، در سختی

وَ لَا تَجْعَلْنِی... آیِسًا مِنْ إِجَابَتِکَ لِی وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّی، فِی سَرَّاءَ کُنْتُ أَوْ ضَرَّاءَ، أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ

و مرا ناامید از اجابتت – گرچه دیر شود – قرار نده، در خوشی باشم یا سختی، یا تنگی یا فراخی.۸/۲۱

کوتاهی نمودن در ادای شکر نعمت، در هنگام سختی

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ فِی الْیُسْرِ وَ الْعُسْرِ...

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در آسانی و سختی به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما.

۱۱/۲۲

سختی رنج والدین در حراست از فرزند

...وَ أَیْنَ شِدَّهُ تَعَبِهِمَا فِی حِرَاسَتِی؟!

و سختی هایی که آن دو (پدر و مادرم) در نگهداری من کشیده اند چه می شود؟۱۰/۲۴

وسیله نگه داشتن بنده، از سختی رنج

وَ أَلْهِمْنَا ثِقَهً خَالِصَهً تُعْفِینَا بِهَا مِنْ شِدَّهِ النَّصَبِ

و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری.۲/۲۹

وسیله سخت گرفتن خدا، بر نافرمان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ تَغَلَّظْتَ بِهَا عَلَی مَنْ عَصَاکَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سخت گرفتی.

۲۹/۳۲

بد فرجامیِ سختِ دیدار آتش دوزخ، با دوزخیان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَی سُکَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَیْهَا مِنْ أَلِیمِ النَّکَالِ وَ شَدِیدِ الْوَبَالِ

خداونـدا، همانـا به تـو پنـاه می آورم از آتشـی که بـا ساکنـان خود بـا سوزان ترین کیفرِ دردنـاک و عواقب سـخت روبرو می شود.۳۰و۲۹/۳۲

دشوار دانستن قضای الهی

وَ سَهِّلْ عَلَيْنَا مَا نَسْتَصْعِبُ مِنْ حُكْمِكَ

و آنچه از حکمت که سخت می شماریم، بر ما آسان گردان.۴/۳۳

بازپس داشتن هر کیفر سختی، از بنده

فَجَمِيعُ مَا أَخَّرْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ أَبْطَأْتَ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقِمَهِ وَ الْعِقَابِ تَرْكٌ مِنْ حَقِّكَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای و هر کیفر سختی و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای، ترک کردن حقّ خودت بوده است.

۱۵/۳۷

سختی زبان ها و نیکویی عبارت قرآن

ص : ۷۴۲

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِیَ أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداونـدا، پس هنگـامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

سختی کوه های استوار، و ناتوانیشان از تحمّل قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّيَالِی مُونِسًا... حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِی ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِی عَلَی صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با محکمیشان از تحمّل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی.

۱۰/۴۲

وسیله آسان گرداندن سختی ناله ، هنگام مرگ

وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَی أَنْفُسِنَا... جَهْدَ الْأَنِينِ، وَ تَرَادُفَ الْحَشَارِجِ...

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، سختی ناله و خرناسه های پی درپی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان.۱۳/۴۲

روز قیامت و سختی های هولناک

وَ نَجِّنَا بِهِ مِنْ... شَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَّهِ

و ما را از سختی های هولناکِ روز قیامت، به وسیله آن (قرآن)، نجات ده.۱۵/۴۲

ماه نو و عدم سختی و دشواری

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَکَ هِلَالَ... يُمْنٍ لَا نَکَدَ مَعَهُ، وَ يُسْرٍ لَا يُمَازِجُهُ عُسْرٌ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه برکتی بی گرفتاری با آن، و آسانیِ نیامیخته با دشواری قرار دهد.۵و۴/۴۳

سختی عذاب خدا

لَئِنْ کَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِی لَشَدِيدٌ

اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است.۱۴/۴۵

روزه داران، و سختی جدایی از رمضان

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ عَزَّ فِرَاقُهُ عَلَيْنَا

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که فراقش بر ما دشوار است.۲۳/۴۵

گرفتار سختی نشدن خدا

إِنَّكَ غَيْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِيدُ

به درستی که تو آنچه بخواهی، برایت سخت و دشوار نیست.۲۵/۴۶

ص : ۷۴۳

سختیِ به کیفر رساندن بنده

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِيدُ الْمِحَالِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بلندمرتبه در نهایت بلندیِ مرتبه، سخت کیفر می کند.۵/۴۷

سخت و هموار بودن راه خدا

سُبْحَانَكَ سَبِيلُكَ جَدَدٌ

پاک و منزّهی! راه تو هموار است.۲۸/۴۷

عامل دور ساختن سختی، از راه خدا

وَ أَبِنْ بِهِ الضَّرَّاءَ مِنْ سَبِيلِكَ

و به سبب او (ولیّ خود)، سختی را از راهت دور کن.۶۲/۴۷

نهراسیدن بنده، از سختی گزند خدا

أَنَا الَّذِي... لَمْ يَخَفْ بَأْسَكَ

منم آنکه از سختی گزندت نهراسیده ام.

۸۱/۴۷

قدرت داشتن بر سخت گیری

تَغَمَّدْنِي فِيما اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَغَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می پوشاند قادر بر سختگیری، (و) اگر بردباری اش نبود (خطاها را ظاهر می کرد).

۱۱۹/۴۷

با خشمِ سخت نگریستن ستمگر، به بنده

وَ يَنْظُرُنِي عَلَى شِدَّةِ الْحَنَقِ

و با خشم سخت به من می نگریست.۷/۴۹

بازداشتن بنده، از سختی و نیروی حسود

فَحَصَّنْتَنِی مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِکَ

پس تو به قدرت خویش، مرا از سختی و نیروی او بازداشتی.۱۰/۴۹

سخت بودن توانایی خدا

سُبْحَانَکَ مَا... أَشَدَّ قُوَّتَکَ

پاک و منزّهی! چه شدید است قدرت تو!

۴/۵۲

نیازمندی سخت بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ سُوءَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند است.۳/۵۴

آنچه انجام آن بر خدا دشوار نیست:

أ. گذشت از معصیت بسیار بنده

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ... التَّجَاوُزَ عَنِ الْإِثْمِ الْجَلِیلِ لَا یَسْتَصْعِبُکَ، وَ أَنَّ احْتِمالَ

الْجِنَايَاتِ الْفَاحِشَهِ لَا يَتَكَأَدُکَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند درگذشتن از معصیت بسیار، بر تو دشوار نیست و چشم پوشی از جرم های بسیار زشت بر تو سخت نمی باشد.۱۳و۱۲/۱۲

ب. روا ساختن درخواست بنده

...إِنَّ ذَلِکَ لَا يَضِيقُ عَلَيْکَ فِی وُسْعِکَ، وَ لَا يَتَکَأَّدُکَ فِی قُدْرَتِکَ...

بدرستی که این در برابر گستره توانایی ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرتت سخت نمی باشد.۳۴/۱۶

ج. عفو بنده

وَ لَنْ يَضِيقَ عَلَيْکَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِکَ...

و گذشت از بنده ات، بر تو دشوار نیست.

۱۰/۳۲

د. پناه دادن به بنده

وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْکَ بِهِمَا أَنْ تُعِيذَنِی مِنْ شَرِّ کَذَا وَ کَذَا، فَإِنَّ ذَلِکَ لَا يَضِيقُ عَلَيْکَ فِی وُجْدِکَ، وَ لَا يَتَکَأَّدُکَ فِی قُدْرَتِکَ

و به وسیله آنان، به درگاهت رومی آورم که مرا از شرّ این و آن پناه دهی. پس به درستی که این (کار) در برابر دارایی ات بر تو

دشوار نیست و در برابر قدرتت بر تو سخت نمی باشد.۱۶/۴۹

سخن

گفتار فرشتگان (به اهل بهشت)

...وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ

...و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای.۲۰/۳

گفتار نیکوی بندگان (صلوات)، در مورد اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَی مَلَائِکَتِکَ وَ رُسُلِکَ، وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست.۲۶/۳

گفتار تابعین و پیروان اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

...الَّذِينَ يَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ...

همانها که می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان

را، که در ایمان، بر ما پیش قدم شدند بیامرز.

۹/۴

فرمانبری اشیا، به اراده خدا و بدون گفتار او

فَهِیَ بِمَشِیَّتِکَ دُونَ قَوْلِکَ مُوءْتَمِرَةٌ

پس آن اشیا به خواست تو بدون سخنت فرمانبردارند.۳/۷

از روی نادانی سخن گفتن

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ... نَقُولَ فِی الْعِلْمِ بِغَیْرِ عِلْمٍ

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه بدون داشتن آگاهی سخن بگوییم.۴و۱/۸

سخنان زبان ها و ثواب الهی

وَ اجْعَلْ... لَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ

و سخنان زبان هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده.۷/۹

گفتار پنهانی و آهسته دل ها، و ثواب الهی

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ

و گفتارهای پنهان و آهسته دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده.۷/۹

سخن گفتن همانند گفتار بنده خوار

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِیلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ

الْمُسْتَخِفِّ بِحُرْمَهِ رَبِّهِ

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده و حرمت پروردگارش را سبک شمرده سخن می گویم.۷/۱۲

گفتار بنده، درباره طلب نیازمند از نیازمند

وَ قُلْتُ: سُبْحَانَ رَبِّی کَیْفَ یَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجًا؟

و گفتم: منزّه است پروردگارم چگونه نیازمند از نیازمند درخواست کند؟۱۷/۱۳

گویا نشدن هیچ زبانی، به کردارهای پاکیزه نوشته شده در بیماری، برای بنده

وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ، مَا... لَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که زبانی به آن گویا نگشته.۵/۱۵

گفتار بنده، در برابر فرمان خدا به دعا

وَ أَنَا یَا إِلَهِی عَبْدُکَ الَّذِی أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ، فَقَالَ: لَبَّیْکَ وَ سَعْدَیْکَ، هَا أَنَا ذَا یَا رَبِّ مَطْرُوحٌ بَیْنَ یَدَیْکَ

و من - ای خدای من - بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. پس گفت: اطاعت می کنم و گوش به فرمانم. ای پروردگار من اینک منم که در پیش روی تو افتاده ام.۱۳/۱۶

توفیقِ حق گویی

ص : ۷۴۶

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در سخن حقّ گفتن اگر چه سخت باشد.۱۰/۲۰

بسیاری نیکی در گفتار و کم شمردن آن

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... اسْتِقْلَالِ الْخَیْرِ وَ إِنْ کَثُرَ مِنْ قَوْلِی وَ فِعْلِی

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در کم شمردن نیکی گفتار و کردارم اگر چه بسیار باشد.

۱۰/۲۰

کمی بدی در گفتار و بسیار شمردنش

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... اسْتِکْثَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِی وَ فِعْلِی

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در بسیار شمردن بدی گفتار و کردارم اگر چه کم باشد.

۱۰/۲۰

گفتن سپاس خدا، به جای سخن زشت

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ...

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

گویا ساختن بنده، به هدایت و راهنمایی

اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِی بِالْهُدَی

خداوندا و مرا به هدایت گویا کن.۱۶/۲۰

گویا ساختن زبان بنده، به سپاس و یاد خدا

وَ أَنْطِقْ بِحَمْدِکَ وَ شُکْرِکَ وَ ذِکْرِکَ وَ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَیْکَ لِسَانِی

و زبانم را به حمد خود و شکرت و یادت و ستایش نیکوی خود، گویا فرما.۵/۲۳

خوشایندی سخن فرزند، در برابر والدین

وَ أَطِبْ لَهُمَا كَلَامِی

و سخنم را با آنها خوشایند فرما.۶/۲۴

تعدّی والدین، در گفتار با فرزند

وَ مَا تَعَدَّیَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ قَوْلٍ... فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا...

و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم.۹/۲۴

بستن زبان دشمنان، از گفتار

وَ اخْزِمْ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ

و زبان هایشان را از گفتن ببند.۵/۲۷

به حق بودن گفتار خدا

فَقُلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ!

پس فرمودی و فرموده تو راست و درست ترین

ص : ۷۴۷

است.۴/۲۹

ثُمَّ قُلْتَ: فَوَ رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ

سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن (سخن) حقّ و درست است، مانند آنچه شما سخن می گویید.»۵/۲۹

گفتار خداوند

...إِذْ تَقُولُ: ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَكُمْ

...زیرا که می فرمایی: «مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.»۱۱/۳۱

وَ قَدْ قُلْتَ یَا إِلَهِی فِی مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبَادِكَ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه بندگانت را می پذیری.۱۵/۳۱

فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ: تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

پس تو که نامت مبارک است، فرمودی: «به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است.۱۰/۴۵

فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ تَعَالَيْتَ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا، وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَهِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا

پس تو که نامت مبارک و بلندمرتبه است، فرمودی: «هر کس کار نیکی به جا آورَد، پس برای او ده برابر آن است و هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده نمی شود.»۱۲/۴۵

وَ قُلْتَ: مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی كُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ، وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ قُلْتَ: مَنْ ذَا الَّذِی يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَهً

و فرمودی: «داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.» و فرمودی: «کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟.»۱۳/۴۵

فَقُلْتَ: اذْكُرُونِی أَذْكُرْكُمْ، وَ اشْكُرُوا لِی وَ لَا تَكْفُرُونِ، وَ قُلْتَ: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ، وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِی لَشَدِيدٌ

پس فرمودی: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا شکر گزارید و مرا کفران نکنید.» و فرمودی: «اگر شکر گزارید، شما را فزونی دهم و اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است.»۱۴/۴۵

وَ قُلْتَ: ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکَمْ

و فرمودی: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.»۱۵/۴۵

ص : ۷۴۸

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ، وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَکَ أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

توبه از بیاناتِ مخالف با خواست خداوند

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ مِنْ کُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَکَ، أَوْ زَالَ عَنْ مَحَبَّتِکَ مِنْ... لَحَظَاتِ عَیْنِی، وَ حِکَایَاتِ لِسَانِی

خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته تو یا دور از دوستی توست؛ از نگاه های چشمم و بیانات زبانم، به درگاهت توبه می کنم.

۲۲/۳۱

سکوت گنهکار، و سخن نگفتن هیچ کس از جانب او

فَإِنْ سَکَتُّ لَمْ یَنْطِقْ عَنِّی أَحَدٌ

پس اگر خاموش شوم، کسی از جانب من سخن نگوید.۲۳/۳۱

علّت گفتار بنده

فَمَا کُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی، وَ لَا نِسْیَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِیمِ فِعْلِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

روبرو شدن شیطان با بنده، با سخن کفر

...وَ تَلَقَّانِی بِکَلِمَهِ کُفْرِهِ

...و با گفتار کفرش با من روبرو شد.۱۳/۳۲

برتری قرآن، بر هر سخن خدا

فَضَّلْتَهُ عَلَی کُلِّ حَدِیثٍ قَصَصْتَهُ

آن را بر هر سخنی که حکایت کرده ای، برتری دادی.۱/۴۲

سبب گوش ندادن به سخن بیهوده

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِیهِ بِمَا یُرْضِیکَ حَتَّی لَا نُصْغِیَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَی لَغْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما. تا با گوش هایمان هیچ لغوی گوش ندهیم.۶/۴۴

گویا نشدن زبان بندگان، جز به آنچه خدا بیان نموده

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَّلْتَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان

ص : ۷۴۹

یاری فرما. تا زبان هایمان جز به آنچه تو بیان کرده ای، سخن نگوید.۷و۶/۴۴

گفتار مؤمنان، در روز قیامت

یَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا، وَ اغْفِرْ لَنَا، إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

گویند: پروردگارا، نورمان را برای ما کامل گردان و ما را بیامرز. به درستی که تو بر هر چیزی توانایی.۱۱/۴۵

هدایت بندگان، با سخن غیبی خداوند

وَ أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِکَ مِنْ غَیْبِکَ

و تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود، راهنمایی کردی.۱۴/۴۵

سپاس خدا، تا باقی بودن سخنی برای ستودنش

فَلَکَ الْحَمْدُ... مَا بَقِیَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ تُحْمَدُ بِهِ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که برای ستایش کلمه ای که با آن ستایش شوی باقی ماند.

۱۷/۴۵

گفتار بندگان، در وداع با ماه رمضان

فَنَحْنُ قَائِلُونَ: السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَکْبَرَ، وَ یَا عِیدَ أَوْلِیَائِهِ

پس می گوییم: درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه

خدا، و ای عید دوستان او.۲۳/۴۵

بازگشتن گفتار و کردار همه، به فرمان خدا

وَ أُمُورُهُمْ آئِلَةٌ إِلَی أَمْرِکَ

و کردارشان به فرمان تو خواهد رسید.

۱۸/۴۶

سخن خدا، حکمت و دانایی

سُبْحَانَکَ قَولُکَ حُکْمٌ

پاک و منزّهی! گفتارت حکمت است.

۲۹/۴۷

سپاس خداوند و سخن او

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَی قَوْلِکَ مِنْهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک تر از آن به سپاسی که (در) گفتار توست، نباشد.۴۷و۳۶/۴۷

یاری نمودن بنده، به گفتار پسندیده

وَ أَعِنِّی عَلَی... مَرْضِیِّ الْقَوْلِ

و بر (داشتن) گفتار پسندیده یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

گسسته شدن گفتار بنده

وَ انْقَطَعَتْ مَقَالَتِی، فَلَا حُجَّهَ لِی

و گفتارم قطع گردیده. پس برای من هیچ حجّتی نیست.۱/۵۳

سخنرانی خطبه

سدّ

سدّی میان بنده و شیطان

وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ... رَدْمًا مُصْمِتًا لَا يَفْتُقُهُ

و میان ما و او سد استواری قرار ده که نتواند آن را بشکافد.۳/۱۷

سدّی در برابر قصدبددارنده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى تُعْمِيَ عَنِّي بَصَرَهُ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا چشمش را از (دیدن) من کور سازی.۸و۷/۲۳

سدّی در برابر گوش های قدرتمندان

كَانَتْ عَافِيَتُكَ لَنَا... رَدْمًا دُونَ أَسْمَاعِهِمْ

عافیت بخشیدن تو برای ما مانعی در برابر گوش هایشان قرار داد.۲/۳۴

سر

کوبیدن سرِ قصدبددارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تَقْمَعَ رَأْسَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من

منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا سرش را بکوبی.۸و۷/۲۳

سرنگونی ستمگر با مغز سر

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي... دَغَلَ سَرِيرَتِهِ... أَرْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِي زُبْيَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی.۸/۴۹

سِرّ راز

سَرا خانه

سرازیر

سرازیر ساختن آبی پست از صلب ، به سوی رحِم

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِینًا مِنْ صُلْبٍ مُتَضَایِقِ الْعِظَامِ، حَرِجِ الْمَسَالِکِ إِلَی رَحِمٍ ضَیِّقَهٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده و راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی.۲۳/۳۲

سرافکندگی

سرافکندگی برای خدا

وَ نَكّسَ رَأْسَهُ فَانْثَنَى

و سرش را كج و به زير افكنده.۹/۱۲

سر به زير افكندن، براى عزّت خدا

وَ طَأْطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا

و با خوارىْ براى عزّتت سرش را به زير افكنده.۹/۳۱

سرانجام پايان و نيز عاقبت

سرانگشت

دشمن، و به دندان گزيدن سرانگشت خود

قَدْ عَضَّ عَلَى شَوَاهُ وَ أَدْبَرَ مُوَلِّيًا

سرانگشتان خود را گزيد و پشت كرده، فرار نمود.۶/۴۹

سرپرستى عهده دارى

سرپرستى نمودن از همه همسايگان، با نيكى

وَ اجْعَلْنِى اللَّهُمَّ... أَتَوَلَّى بِالْبِرِّ عَامَّتَهُمْ

و خداوندا مرا بر آن دار كه با نيكى، همه آنان را سرپرستى نمايم.۳/۲۶

سرپرستى خدا، از بنده

وَ تَوَلَّنِى بِعِصْمَهٍ مَانِعَهٍ

و به نگهدارى بازدارنده، سرپرستى ام كن.

۱۹/۳۱

وَ تَوَلَّنِى بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ...

و مرا سرپرستى كن همانگونه كه فرمانبرانت را سرپرستى مى كنى.۸۷/۴۷

سردی

شوم نگرداندن سردی ابر، بر بندگان

اللَّهُمَّ... لَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا

خداوندا سردی اش را بر ما شوم نگردان.

۶/۱۹

سرزنش

علّت با نکوهش جدا شدن روز، از بنده

وَ هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ... إِنْ أَسَأْنَا فَارَقَنَا بِذَمٍّ

و این روزی نو و تازه است. اگر بدی کردیم، با نکوهش از ما جدا شود.۱۲/۶

نکوهش باطل و نادرستی

وَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ انْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَ إِذْلَالِهِ

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و نکوهش کردن و خوار نمودن نادرستی ها، توفیق ده.۱۸/۶

نکوهیده تر نبودن بنده، از عذرآورنده به پیشگاه خدا

وَ مَا أَنَا بِأَلْوَمِ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ

و من نکوهیده تر از عذرآورنده به پیشگاهت که تو عذرش را پذیرفته ای، نیستم.۱۱/۱۲

سرزنش نمودن خود

وَ إِنَّما أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ...

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست - .۲۸/۱۶

عیبی مسبّب سرزنش

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... عَائِبَةً أُوَنَّبُ بِهَا إِلَّا حَسَّنْتَهَا

خداوندا مرا در عیبی که بدان سرزنش شوم وامگذار، مگر آنکه نیکویش گردانی.۶/۲۰

توفیق ترک سرزنش

وَ أَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي... تَرْكِ التَّعْيِيرِ

و زیور پرهیزکاران را در ترک سرزنش نمودن، به من بپوشان.۱۰/۲۰

نکوهش نمودن آنکه (عطایش را) از بنده بازداشته

لَا تَبْتَذِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِكَ...

فَأَفْتَتِنَ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي، و أُبْتَلَى بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي

شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا کرده، گرفتار شوم و به نکوهش آنکه از من بازداشته، دچار گردم.

۲۶/۲۰

عطای خویشاوند، همراه با نکوهش بسیار

إِنْ أَلْجَأْتَنِي إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي، وَ إِنْ أَعْطَوْا أَعْطَوْا قَلِيلًا نَكِدًا... وَ ذَمُّوا كَثِيرًا

اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند و نکوهش فراوان کنند.۳/۲۲

سرزنش قصدبددارنده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ جَمِیعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ وَ غَمْزِهِ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی و طعنه اش ایمن سازی.

۸و۷/۲۳

رجوع ننمودن به نکوهیده و مذموم الهی

وَ لَکَ یَا رَبِّ... ضَمَانِی أَنْ لَا أَرْجِعَ فِی مَذْمُومِکَ

و ای پروردگار من، به تو ضمانت می دهم در کاری که نکوهیده توست، بازنگردم.۱۶/۳۱

ص : ۷۵۳

عدم فراموشی کار نکوهیده گذشته

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی، وَ لَا نِسْیَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِیمِ فِعْلِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

دوری از خوی های مذموم و نکوهیده

وَ جَنِّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَهَ

و با آن (قرآن)، ما را از خوی های نکوهیده دور کن.۱۲/۴۲

عدم نکوهیدگی معاشرت با ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ غَیْرَ کَرِیهِ الْمُصَاحَبَهِ، وَ لَا ذَمِیمِ الْمُلَابَسَهِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند و معاشرتش نکوهیده نیست.۳۵/۴۵

سرزنش نشدن بندگان، در کوتاهی از ادای حقّ الهی

وَ أَوْجِبْ لَنَا عُذْرَکَ عَلَی مَا قَصَّرْنَا فِیهِ مِنْ حَقِّکَ

و ما را در تقصیر از (ادای) حقّ خود، سرزنش نکن.۴۶/۴۵

نگشودن زبان طعنه زنندگان، بر بندگان

وَ لَا تَبْسُطْ عَلَیْنَا فِیهِ أَلْسُنَ الطَّاعِنِینَ

و زبان طعنه زنندگان را در آن (ماه) بر ما نگشا.۴۷/۴۵

سرزنش ننمودن بنده، در حاجتش

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِی... أَظْهِرْ فِیهَا عُذْرِی

خداوندا خواسته من این است. سرزنش ننمودنم را در آن آشکار فرما.۷/۵۴

سرکشی نافرمانی

سرکشی ستمگر، در نعمت خدا

قَدْ عَلِمْتَ، یَا إِلَهِی، مَا نَالَنِی مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ، وَ انْتَهَکَهُ مِنِّی مِمَّا حَجَزْتَ عَلَیْهِ، بَطَرًا فِی نِعْمَتِکَ عِنْدَهُ

ای خـدای من، تو می دانی از فلان کس فرزنـد فلان کس چیزهایی به من رسـیده که تو نهی نموده ای و از من حرمت هایی شکسته که تو ممنوع کرده ای و این از سرکشی او در نعمت توست.۵/۱۴

تغییر حسد سرکشان، به محبّت

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْیِ الْمَوَدَّهَ

و درباره من حسد متجاوزان را به دوستی مبدّل فرما.۷/۲۰

توانایی و سرکشی

ص : ۷۵۴

وَ لَا أَطْغَيَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وُجْدِی

و (چنان کن که) سرکشی نکنم، در حالی که توانایی ام از نزد توست.۱۴/۲۰

پناه بردن به خدا، از شرّ هر شیطان سرکش

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّيَّتِی... مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر شیطانِ سرکشی پناه ده.۶/۲۳

گرفتار طغیان و سرکشی شدن بنده

وَ ازْوِ عَنِّی مِنَ الْمَالِ مَا يُحْدِثُ لِی مَخِيلَةً أَوْ تَأَدِّيًا إِلَى بَغْيٍ أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْيَانًا

و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند یا در پی آن دچار سرکشی شوم را، از من دور ساز.۳/۳۰

سرگردانی بنده، در طغیان خویش

وَ لَا تَذَرْنِی فِی طُغْيَانِی عَامِهًا

و مرا در سرکشی ام سرگردان، رها نکن.

۱۲۴/۴۷

سرگذشت

بی نیازی خدا از گواهی شاهدان، درباره سرگذشت های شکوه کنندگان

وَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِی قَصَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ

الشَّاهِدِينَ

و ای کسی که در سرگذشت های ایشان از گواهی شهادت دهندگان بی نیاز است.۲/۱۴

سرگردانی

سرگردان ساختن دشمنان، در راه ها

وَ حَيِّرْهُمْ فِی سُبُلِهِمْ

و در راه هایشان سرگردانشان ساز.۵/۲۷

وام و سرگردانی ذهن

وَ هَبْ لِیَ الْعَافِیَهَ مِنْ دَیْنٍ... یَحَارُ فِیهِ ذِهْنِی

و مرا معاف دار، از وامی که ذهنم در آن سرگردان شود.۱/۳۰

سرگردانی اندیشه ها، در بزرگواری خدا

وَ حَارَتْ فِی کِبْرِیَائِکَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ

و تصوّرهای دقیق در بزرگواری ات سرگردان گشته.۷/۳۲

طولانی بودن سرگردانی در کیفر الهی

وَ مَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِی عِقَابِکَ

و چه طولانی است سرگردانی اش، در کیفرت!

۲۰/۴۶

سرگردان رها نشدن، در سرکشی

وَ لَا تَذَرْنِی فِی طُغْیَانِی عَامِهًا

و مرا در سرکشی ام سرگردان، رها نکن.

۱۲۴/۴۷

سرگردانی از مقصد

فَأَنَا... الْمُتَرَدِّدُ فِی خَطِیئَتِی، الْمُتَحَیِّرُ عَنْ قَصْدِی

از این رو من مردد در خطای خود و منحرف از راه راستم.۱/۵۳

سرگرمی مشغولیّت

سرنگونی

سرنگون ساختن ستمگر، در گودال

فَلَمَّا رَأَیْتَ یَا إِلَهِی... دَغَلَ سَرِیرَتِهِ... أَرْکَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی زُبْیَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی.۸/۴۹

سرور شادی

سزاواری شایستگی

سستی

سست نشدن حاملان عرش خدا، از تسبیح

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَةُ عَرْشِکَ الَّذِینَ لَا یَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِیحِکَ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند...۱/۳

سست نشدن فرشتگان، از هیچ رنجی

وَ الَّذِینَ لَا تَدْخُلُهُمْ... إِعْیَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَ لَا فُتُورٌ...

و همانها که از خستگیِ زیاد، وامانده و سست نمی گردند...۷/۳

سستی صبر و شکیبایی

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... ضَعْفِ الصَّبْرِ

خداوندا به تو پناه می برم از سستی شکیبایی.

۱/۸

سستی نیروی بندگان، از به خشم آوردن خدا

وَ إِذَا هَمَمْنَا بِهَمَّیْنِ یُرْضِیکَ أَحَدُهُمَا عَنَّا، وَ یُسْخِطُکَ الْآخَرُ عَلَیْنَا... أَوْهِنْ قُوَّتَنَا عَمَّا یُسْخِطُکَ عَلَیْنَا

و چون بر دو کار تصمیم گرفتیم، یکی تو را از ما خوشنود می سازد و دیگری تو را بر ما به خشم می آورد، پس توانمان را از کاری که تو را بر ما خشمگین می سازد سست کن.۳/۹

بنا نهادن بندگان، بر وهن و سستی

اللَّهُمَّ وَ إِنَّکَ... عَلَی الْوَهْنِ بَنَیْتَنَا

خداوندا و تو ما را بر سستی بنا نهاده ای.

۵/۹

سستی بیداری بنده، هنگام اطاعت خدا

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِی... أَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِکَ تَيَقُّظًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُيُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من – ای خدای من – بیداری ام هنگام طاعتت سست تر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

سستی نیروی بنده، از انجام امور واجب

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَکَ... وَ إِنْ... وَهَنَتْ عَنْهُ قُوَّتِی

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه نیرویم از آن سست گردد.۶/۲۲

سست نمودن اندام دشمن، از جنگیدن

وَ أَوْهِنْ أَرْکَانَهُمْ عَنْ مُنَازَلَهِ الرِّجَالِ

و اندامشان را از جنگیدن با مردان (مسلمان) سست گردان.۱۱/۲۷

شیطان و سستی یقین بنده

قَدْ مَلَکَ الشَّيْطَانُ عِنَانِی فِی سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ الْيَقِينِ

شیطانْ افسار مرا در بدگمانی و سست باوری به دست گرفت.۲۷/۳۲

سستیِ دلیل های بنده، درباره گناهانش

تَفْعَلُ ذَلِکَ يَا إِلَهِی بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْکَ أَکْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيکَ... لَا أَنْ يَکُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقِلَّهِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ، وَ ضَعْفِ حُجَجِهِ فِی جَمِيعِ تَبِعَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک و دلیل هایش درباره همه گناهانش ضعیف است.

۱۲/۳۹

عدم سستیِ سلطنت الهی

لَمْ يَهِنْ عَلَى طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُکَ

درازی زمانِ ایشان، سلطنت تو را سست نکرده است.۱۸/۴۶

از روی سستی نبودن مهلت دادن خدا

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُکَ وَهْنًا

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سستی است.۲۲/۴۶

سستی توان بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ سُوءَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و نیرویش ضعیف است.۳/۵۴

ص : ۷۵۷

سعادت خوش بختی

سعی کوشش

سفاهت

سفاهت، علّت درخواست نمودن نیازمند از نیازمند

وَ رَأَيْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُـحْتَاجِ إِلَى الْمُـحْتَاجِ سَفَهٌ مِنْ رَأْيِهِ

و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از سبکی اندیشه است.۵/۲۸

سفید

سفید گشتن روی بندگان، با سپاس خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... تَبْيَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.

۱۴و۱۰/۱

سفید روی گرداندن بنده، روز سیاهی چهره ستمگران

وَ بَيِّضْ وُجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّلَمَهِ فِي يَوْمِ الْحَسْرَهِ وَ النَّدَامَهِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما

را سفید گردان.۱۶/۴۲

روسفید نمودن حضرت محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و روسفیدش فرما.۱۹/۴۲

سفیر

درود خدا، بر سفرای گرامی

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ السَّفَرَهِ الْكِرَامِ الْبَرَرَهِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و سفیران بزرگوارِ نیکوکار.۱۸و۱۱و۱۰/۳

سفیران الهی، و آب رسانی سودمند، به بندگان

وَ أَشْهِدْ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَهَ. بِسَقْيٍ مِنْكَ نَافِعٍ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز.۲/۱۹

سقوط افتادن

سکوت

سخن نگفتن هیچ کس، از جانب (گنهکارِ)

ص : ۷۵۸

سکوت کننده، در درگاه خدا

فَإِنْ سَكَتُّ لَمْ يَنْطِقْ عَنِّی أَحَدٌ

پس اگر خاموش شوم، کسی از جانب من سخن نگوید.۲۳/۳۱

سکوت، و کوتاهی از سپاس گزاری خدا

وَ قَدْ قَصَّرَ بِيَ السُّكُوتُ عَنْ تَحْمِيدِكَ

و سکوت، مرا از سپاس تو به کوتاهی انداخته.

۲۴/۴۶

سلاح

سلاح های برّنده و زد و خورد با شیطان

وَ أَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً مَاضِيَةً

و سلاح های برنده بر ضدّ او (شیطان) به آنان عطا فرما.۱۰/۱۷

برّان نمودن سلاح های مرزداران اسلام

وَ اشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ

و سلاح (جنگی)شان را تیز کن.

۲/۲۷

جدایی افکندن میان دشمنان و سلاحشان

وَ فَرِّقْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ

و میان آنان و سلاح هایشان جدایی انداز.

۵/۲۷

سلام

سلام فرشتگان، به اهل بهشت

...وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ

...و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای.۲۰/۳

سلام بر پیشوایان اهل تقوا

فِی کُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِیهِ رَسُولًا، وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا مِنْ... قَادَهِ أَهْلِ التُّقَی عَلَی جَمِیعِهِمُ السَّلَامُ...

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی و برای اهل آن راهنمایی گماشتی، از پیشوایان اهل پرهیزکاری - که بر همه آنها درود باد - ...۲/۴

سلام بر امامان رستگاری

فِی کُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِیهِ رَسُولًا... مِنْ أَئِمَّهِ الْهُدَی... عَلَی جَمِیعِهِمُ السَّلَامُ...

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی، از امامانِ رستگاری - که بر همه آنها درود باد - ...

۲/۴

سلام بر رسول صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِیَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ، صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ رَحْمَتُکَ وَ بَرَکَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ (وَ آلِ رَسُولِکَ) عَلَیْهِمُ السَّلَامُ

خداونـدا و بر مـن منّت گـذار بـه حجّ و عمره و زيـارت قـبر پيـامبرت - کـه درودهـايت بر او و رحمتت و برکـاتت بر او و بر خاندانش باد - و خاندان پيامبرت - که درود بر ايشان باد - .

۴/۲۳

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و درود بر او و بر خاندان او که پاکيزگان و پاکانند، باد.۲۲/۴۲

السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَبَدَ الْآبِدِينَ

بر او و بر ايشان سلامی هميشگی باد.

۱۳۳/۴۷

فَإِنِّی لَمْ آتِکَ ثِقَةً مِنِّی بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ سَلَامُکَ

پس به درستی که من با اطمينان به عمل شايسته ای که پيش فرستاده باشم و شفاعتِ آفريده ای که به او اميد بسته باشم به درگاه تو نيامده ام، جز شفاعت محمّد و خانواده او - که درود تو بر او و بر ايشان باد - .۶/۴۸

بهترين سلام خدا بر محمّد صلی الله عليه و آله و خاندان او عليهم السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ، وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ وَ سَلَامِکَ

خداونـدا بر محمّـد بنده خود و فرستاده ات و بر خاندان پاکش درود فرست و ايشان را به برترين رحمت ها و برکات و سـلام خويش، اختصاص ده.

۱/۲۴

ليله القدر، شب سلام و درود فرشتگان

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آيند. آن شبِ سلام است.

۵/۴۴

دوام برکت سلام فرشتگان تا صبح، درشب قدر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَهُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَكَهِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده دم دوام دارد.۵/۴۴

سلام بر ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ

درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه خدا.۲۳/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ

درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که

ص : ۷۶۰

همراه بودی.۲۴/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ شَهْرٍ قَرُبَتْ فِيهِ الْآمَالُ

درود بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک شد.

۲۵/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا

درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود.۲۶/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ أَلِيفٍ آنَسَ مُقْبِلًا فَسَرَّ

درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت.۲۷/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ مُجَاوِرٍ رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ

درود بر تو همسایه ای که دل ها در آن فروتن گردید.۲۸/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ

درود بر تو یاوری که در برابر شیطان یاری کرد.۲۹/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا أَکْثَرَ عُتَقَاءَ اللَّهِ فِيکَ!

درود بر تو. چه بسیار است آزادشدگان (از عذاب) خدا در تو!.۳۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا کَانَ أَمْحَاکَ لِلذُّنُوبِ

درود بر تو. چه محوکننده بودی، گناهان را!.

۳۱/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا کَانَ أَطْوَلَکَ عَلَى الْمُـجْرِمِينَ

درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران!.

۳۲/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ الْأَیَّامُ

درود بر تو ماهی که روزها(ی دیگر) با آن برابری نمی کند.۳۳/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ

درود بر تو ماهی که از هر چیز سلامت است.

۳۴/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ غَیْرَ کَرِیهِ الْمُصَاحَبَهِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند نیست.

۳۵/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ کَمَا وَفَدْتَ عَلَیْنَا بِالْبَرَکَاتِ

درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی.۳۶/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ غَیْرَ مُوَدَّعٍ بَرَمًا

درود بر تو. نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد.۳۷/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ

درود بر تو که پیش از زمان آمدنش، طلب شده.۳۸/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ کَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِکَ عَنَّا

درود بر تو. چه بسیار بدی ها که به سبب تو، از ما برطرف شد!.۳۹/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی لَیْلَهِ الْقَدْرِ الَّتِی هِیَ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه.۴۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا کَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْکَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم!.۴۱/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ وَ عَلَى فَضْلِکَ الَّذِی حُرِمْنَاهُ

درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم.۴۲/۴۵

سلامتی تندرستی

سلطان پادشاه

سلطنت پادشاهی

سلطه غلبه

سَم زهر

سَمت جهت

سنّت روش

سنجش

نسنجیدن بنده، با گناهان بزرگ

وَ لَا تُقَايِسْنِی بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ

و مرا با گناهان بزرگ مَسَنج.۱۲۹/۴۷

سنگباران

سنگباران نمودن شهرهای دشمن

وَ أَلِحَّ عَلَيْهَا بِالْقُذُوفِ

و پیوسته آن (شهرها) را سنگباران فرما.

۱۲/۲۷

سنگسار

سنگسار نساختن بندگان، به بارش ابر

اللَّهُمَّ... لَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا

خداوندا باریدنش را بر ما (همچون) سنگسار قرار نده.۶/۱۹

سنگینی

دشوار بودن سنگینی (بلای) فرودآمده بر بنده

وَ قَدْ نَزَلَ بِی یَا رَبِّ مَا قَدْ تَکَأَّدَنِی ثِقْلُهُ

و ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است.۵/۷

سنگینی زیر بار (بلا) رفتن، بر بنده

وَ أَلَمَّ بِی مَا قَدْ بَهَظَنِی حَمْلُهُ

و به من امری وارد شده که تحمّل آن مرا به مشقّت انداخته.۵/۷

بیماریْ سبک گرداننده سنگینیِ پشت بنده

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا... تَخْفِیفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَیَّ ظَهْرِی مِنَ الْخَطِیئَاتِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا خطاهایی را که پشت مرا سنگین کرده سبک نماید.

۴/۱۵

سنگینی پشت بنده، از خطاها

أَنَا الَّذِی أَوْقَرَتِ الْخَطَایَا ظَهْرَهُ

من همانم که خطاها پشتش را سنگین کرده.

۱۴/۱۶

وَ هَذَا ظَهْرِی قَدْ أَثْقَلَتْهُ الْخَطَایَا

و این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده.۲۹/۱۶

سنگینی عمل زشت

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یَثْقُلَ عَلَیْنَا مَا کَرَّهَ إِلَیْنَا

خداوندا ما از اینکه چیزی را که در نظر ما زشت نموده، بر ما سنگین آید، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

سنگینی بار عیب جویی و بدگویی

وَ اکْفِنِی مَؤُونَهَ مَعَرَّهِ الْعِبَادِ

و سنگینی گناهِ عیب جوییِ بندگان را از من بردار.۲۰/۲۰

سبب سنگین نگشتن اندام بنده

وَ وَفِّقْنِی لِلنُّفُوذِ فِیما تُبَصِّرُنِی مِنْ عِلْمِهِ حَتَّی... لَا تَثْقُلَ

أَرْکَانِی عَنِ الْحَفُوفِ فِیما أَلْهَمْتَنِیهِ

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا اعضایم از انجامِ آنچه آن را به من الهام فرموده ای، سنگین

نشود.۳/۲۴

سنگین باری (مسؤولیّت) مرزداران اسلام

وَ تَوَحَّدْ بِكِفَايَهِ مُوءَنِهِمْ

و سنگینی هایشان را به تنهایی کفایت فرما.

۲/۲۷

سبک گرداندن سنگینی گرفتاری، از بنده

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا، وَ احْطُطْ عَنِّي وِزْرَهَا، وَ خَفِّفْ عَنِّي ثِقْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است. پس صاحبانش را عوض ده و سنگین باری اش را از من بیفکن و سنگینی اش را از من سبک فرما.

۱۸/۳۱

پشتی گرانبار از خطا

فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَهٍ... وَ ظَهْرٍ مُثْقَلٍ مِنَ الْخَطَايَا...

پس با وجودی فروتن و پشتی گرانبار از (بار) خطاها، پیش روی توست.۱۹/۳۲

گران بار نشدن خدا، از برداشتن باری

وَ أَسْتَحْمِلُكَ، مَا لَا يَبْهَظُكَ حَمْلُهُ

و از تو حمل باری را خواهم که حملش برای تو سنگین نیست.۶/۳۹

ص : ۷۶۳

سنگین بار شدن بنده، با رفتن به زیر بار گناه

وَ أَسْتَحْمِلُکَ مِنْ ذُنُوبِی مَا قَدْ بَهَظَنِی حَمْلُهُ

و از تو می خواهم گناهانم را از من برداری که حملش بر من فشار می آورد.۸/۳۹

سنگینیِ شکننده پشت بنده

وَ أَسْتَعِینُ بِکَ عَلَی مَا قَدْ فَدَحَنِی ثِقْلُهُ

و از تو یاری می جویم بر آنچه سنگینی اش پشت مرا شکسته.۸/۳۹

عامل فرو ریختن سنگینی بار گناهان، از بندگان

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز.۹/۴۲

سنگینی ترازوی (حسنات) پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ ثَقِّلْ مِیزَانَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و میزانش را سنگین گردان.

۱۹/۴۲

سبب گرانبار شدن بنده، از فزونی محبّت الهی

وَ لَا تَمْنِحْنِی بِمَا لَا طَاقَهَ لِی بِهِ فَتَبْهَظَنِی مِمَّا تُحَمِّلُنِیهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِکَ

و آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از بار گران دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی.۱۰۲/۴۷

سوار

برهم سوار کردن ابزار بسط، در بدن انسان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی رَکَّبَ فِینَا آلَاتِ الْبَسْطِ

و سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را در ما، بر هم سوار کرد.۲۰/۱

سوار شدن بر پشت (مرکب)های نهی خدا

فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَ رَكِبْنَا مُتُونَ زَجْرِهِ

پس از راه فرمانش، مخالفت کردیم و بر پشت (مرکب)های نهیش سوار شدیم.۲۱/۱

ایمنی بنده، از سوارانِ قصدبددارنده درباره او

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُوءْمِنَنِي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ... وَ رَجِلِهِ وَ خَيْلِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی و نیروهای پیاده و سواره اش ایمن سازی.۸و۷/۲۳

سود

سود نداشتن دوستی، در روز رستاخیز

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَ لَا هُمْ يُنْصَرُونَ

روزی که هیچ دوست، به سود دوست دیگر نباشد و یاری نمی شوند.۱۲/۱

سود بردن بنده نزدیک شده به خداوند

وَ مَنْ تُقَرِّبْهُ إِلَيْکَ يَغْنَمْ

و هر کس را که به خود نزدیک سازی، سود می برد.۹/۵

سود داشتن یا سود نداشتن اعتراف نزد خدا

فَهَلْ يَنْفَعُنِي، يَا إِلَهِي، إِقْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتُ؟

ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟۶/۱۲

فرشتگان، و آب رسانی سودمند به بندگان

وَ أَشْهِدْ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ. بِسَقْيٍ مِنْكَ نَافِعٍ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز.۲/۱۹

ناتوانی بنده، نسبت به سود و زیان خود

لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ

جز به یاری تو بر سود و زیانی، توانا نیستم.

۷/۲۱

یافتن آرامش دل و هنگام سود و زیان

وَ ارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ... حَتَّى أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِينَةَ النَّفْسِ مِنِّي بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَحْدُثُ فِي حَالِ... الضَّرِّ وَ النَّفْعِ

و هنگـامی که در شـکر به نعمت هـایی که به من ارزانی داشـته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسـیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال زیان و سود رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.

۱۱/۲۲

سود بردن در تجارت و سوداگری با خدا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الرَّابِحِینَ فِی التِّجَارَهِ عَلَیْکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) در تجارت با تو سود کرده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

تُرِیدُ رِبْحَهُمْ فِی مُتَاجَرَتِهِمْ لَکَ

می خواهی در تجارت کردنشان با تو، سود برند.۱۲/۴۵

سود رساندن به همسایگان ناتوان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی إِرْفَاقِ ضَعِیفِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان، توفیق ده.

۲/۲۶

ص : ۷۶۵

به سود رسیدن، در دنیا

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَی بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند.۱۶/۲۷

احسان سود رحمت الهی، بر بنده

وَ عُدْ عَلَيَّ بِعَائِدَهِ رَحْمَتِکَ

و سود رحمت خود را به من ارزانی دار.

۲۰/۳۲

شتاب رعد و برق ، بر رساندن رحمتی سودمند، به بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ... يَبْتَدِرَانِ طَاعَتَکَ بِرَحْمَهٍ نَافِعَهٍ أَوْ نَقِمَهٍ ضَارَّهٍ

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعتت می شتابند.

۱/۳۶

فروفرستادن سود ابرها، بر بندگان

وَ أَنْزِلْ عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَائِبِ وَ بَرَکَتَهَا

و سود و برکت این ابرها را بر ما فرود آور.

۲/۳۶

نبودن سودی برای خدا ، در آفرینش بنده

أَسْتَوْهِبُکَ - يَا إِلَهِی - نَفْسِیَ الَّتِی لَمْ تَخْلُقْهَا... لِتَطَرَّقَ بِهَا إِلَی نَفْعٍ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به وسیله آن به سودی راه جویی.۷/۳۹

بیان سودی از مهربانی خدا

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا... یَشْقَی بِنِعْمَتِکَ شَقِیُّهُمْ إِلَّا عَنْ طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَیْهِ... عَائِدَهً مِنْ عَطْفِکَ یَا حَلِیمُ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او. که (این همه) سودی از مهربانی توست، ای بردبار!.

۹/۴۵

رمضان، وسیله سودمند گشتن به بهترین سودهای جهانیان

وَ أَرْبَحَنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِینَ

و ما را به برترین سودهای جهانیان، سودمند

ص : ۷۶۶

نمود.۲۲/۴۵

درودی سودمند

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ... صَلَاةً... يَنَالُنَا نَفْعُهَا

و بر او و خاندانش درود فرست، درودی که سودش ما را دریابد.۵۶/۴۵

سودمندترین رحمت الهی، بر محمّد صلی الله علیه و آله

وَ تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعَ رَحَمَاتِكَ

و با سودمندترین رحمت هایت، بر او رحمت فرست.۵۰/۴۷

سبب بسیاریِ بهره محمّد صلی الله علیه و آله و آل او، از سودهای الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحَلِكَ وَ كَرَامَتِكَ... وَ تُوَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَ فَوَائِدِكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامتت را برای ایشان بسیار سازی و بهره یِ آنان را از نعمت ها و سودهایت فراوان گردانی.۵۷/۴۷

سوددهنده بودن خدا، به احسان

أَعْلَمُ... أَنَّكَ... أَعْوَدُ بِالْإِحْسَانِ

می دانم که تو به احسانْ سوددهنده تر هستی.

۱۱۶/۴۷

سودهای دیرینه الهی

وَ اشْفَعْ لِي... قَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا

و برای من سودهای دیرینت را، با تازه های آن توأم ساز.۱۲۱/۴۷

سودمند ساختن تجارت بنده

وَ اجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً

و تجارت (اخروی) مرا سودمند قرار ده.

۱۲۶/۴۷

پر ساختن دست بنده، از سودهای الهی

امْلَأْ مِنْ فَوَائِدِکَ یَدِی

دستم را از سودهای خود پر نما.۱۲۸/۴۷

به حقّ الیقین رسیدن، و یافتن سودِ الهی

یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ أَسْأَلُکَ... یَقِینًا تَنْفَعُ بِهِ مَنِ اسْتَیْقَنَ بِهِ حَقَّ الْیَقِینِ فِی نَفَاذِ أَمْرِکَ

ای صاحب عظمت و کرامت! از تو یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو حقیقتاً یقین پیدا کند، سود می دهی.

۳/۵۴

سودا تجارت

سوغات ارمغان

سوگند

سوگند خداوند، در قرآن

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ، وَ أَتْبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِکَ فِی کِتَابِکَ قَاطِعًا لِاهْتِـمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ...

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده.۳/۲۹

راست و وفاکننده تر بودن سوگند خدا

وَ أَقْسَمْتَ وَ قَسَمُکَ الْأَبَرُّ الْأَوْفَی

و سوگند یاد کردی و سوگند تو محقّق ترین و وفاشده ترین است.۴/۲۹

سوگند خوردن خدا، به پروردگار آسمان و زمین

ثُمَّ قُلْتَ: فَوَ رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...

سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین...»۵/۲۹

قسم دادن خدا، به حقّ (محمّد صلی الله علیه و آله)

بِحَقِّ مَنِ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِکَ... تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ آنکه او را از آفریدگانت برگزیده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی

با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

سوگند خوردن، به خدا

وَ لَقَدْ سُئِلْتَ فَأَعْطَیْتَ

و به بزرگی ات قسم، آنگاه که از تو درخواست شد، پس عطا کردی.۱۴/۴۹

سهل آسان

سهل انگاری

سهل انگاری نسبت به حرمت الهی

وَ جَنِّبْنَا... الْإِغْفَالَ لِحُرْمَتِکَ

و ما را از سهل انگاری حرمتت دور گردان.

۱۳/۴۴

نجاتِ سهل انگاران

وَ خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَا... اسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِینَ

و دلم را به سوی آنچه سهل انگاران را با آن نجات داده ای، متوجّه ساز.۹۲/۴۷

سهل انگاری و اهمال گری بنده

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا الظَّالِمُ الْمُفَرِّطُ... الْمُغْفِلُ حَظَّ نَفْسِی

اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار، سهل انگار (و) اهمال گر (نسبت به) بهره خویشم.

۱۴/۵۱

سیاهی

سیاه شدن چهره ها، در روز قیامت

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... تَبْيَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.

۱۴و۱۰/۱

وَ بَيِّضْ وُجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّلَمَهِ فِي يَوْمِ الْحَسْرَهِ وَ النَّدَامَهِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان.۱۶/۴۲

سیاهی چشم حدقه

سیّد

درود خدا، بر آقای فرستادگان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ...

خداوندا بر محمّد – آخِر پیامبران و سرور فرستادگان – درود فرست.۱۵/۱۷

درود خدا، بر سیّد بندگان

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى

و درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است باد.۹/۵۴

سیرابی

سیراب گرداندن بندگان، به باران

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ

خداوندا ما را از باران سیراب نما.۱/۱۹

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا...

خداوندا ما را از بارانی ثمربخش سیراب گردان.۴/۱۹

سیراب گرداندن بندگان، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا تُسِیلُ مِنْهُ الظِّرَابَ...

خداوندا ما را با بارانی که از آن تپه ها را جاری گردانی، سیراب نما.۵/۱۹

عامل سیراب شدن بندگان، در جایگاهی در پیشگاه خدا

وَ أَرْوِ بِهِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ظَمَأَ هَوَاجِرِنَا

و با آن (قرآن)، تشنگی شدید ما را در جاهای گرم در جایگاهی که در پیشگاه توست، سیراب فرما.۱۱/۴۲

سیراب گشتن بندگان، از جام پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَوْرِدْنَا حَوْضَهُ، وَ اسْقِنَا بِکَأْسِهِ

و به حوض او واردمان کن و از جام او سیرابمان ساز.۲۰/۴۲

سیره روش

سیطره غلبه

سیما چهره

سینه

خالی ساختن سینه بنده، از حسد

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان.

۱۲/۲۲

گوارایی نیکی به والدین، در سینه فرزند

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا... أَثْلَجَ لِصَدْرِی مِنْ شَرْبَهِ الظَّمْآنِ حَتَّی أُوثِرَ عَلَی هَوَایَ هَوَاهُمَا

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده. تا میل ایشان را بر میل خود برتری دهم.

۵/۲۴

جا دادن شیطان، در سینه های بندگان

أَسْكَنْتَهُ صُدُورَنَا

او (شیطان) را در سینه های ما جا دادی.

۶/۲۵

فراخ نمودن سینه بنده

وَ وَسِّعْ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِی

و سینه ام را به احکام خود، فراخ ساز.۳/۳۵

عامل بیرون نمودن اندیشه بدِ سینه ها

وَ أَخْرِجْ وَحَرَ صُدُورِنَا بِرِزْقِکَ

و اندیشه بدِ سینه هایمان را، با روزی ات بگشا.۴/۳۶

قرار گرفتن دوستی بنده ، در سینه های مؤمنان

وَ اجْعَلْ لَنَا فِی صُدُورِ الْمُؤْمِنِینَ وُدًّا

و دوستی ما را در سینه های مؤمنان، قرار ده.

۱۶/۴۲

شکوه ماه رمضان، در سینه اهل ایمان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ... أَهْیَبَکَ فِی صُدُورِ الْمُؤْمِنِینَ

درود بر تو. چه با هیبت بودی، در سینه های مؤمنان!.۳۲/۴۵

برکندن کینه اهل ایمان، از سینه بنده

وَ انْزَعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِی لِلْمُؤْمِنِینَ

و کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه ام بر کن.

۱۲۷/۴۷

ش

شادی

سبب شادمان برگشتن فرشتگانِ نویسنده نیکی ها

وَ يَتَوَلَّى كُتَّابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا

و نویسندگان خوبی ها – به سبب آنچه از نیکی های ما نوشته اند – شادمان برگردند.۲/۱۱

شادمانی بخشیدن به بنده، با تندرستی

نَشَّطْتَنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ

مرا به وسیله آن (تندرستی) برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی.۳/۱۵

روا نمودن درخواست بنده، در خوشی یا ناخوشی

وَ لَا تَجْعَلْنِي... آيِسًا مِنْ إِجَابَتِكَ لِي وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّي، فِي سَرَّاءَ كُنْتُ أَوْ ضَرَّاءَ

و مرا ناامید از اجابتت – گرچه دیر شود –

قرار نده، در خوشی باشم یا سختی.۸/۲۱

سبب شادمان نگشتن به داده های خدا، از دنیا

وَ اجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ... حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا

و ستایش مرا ویژه خودت قرار ده. تا به آنچه از دنیا به من داده ای، خوشحال نشوم.۹/۲۱

دریافتن مسّرت خاطر و آرامش

وَ ارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ... حَتَّى أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِينَةَ النَّفْسِ مِنِّي بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيما يَحْدُثُ فِي حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.

۱۱/۲۲

فرمانبری از والدین، خوش تر از خواب خواب آلوده

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو

ص : ۷۷۱

را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده.۵/۲۴

سبب زود دریافتن شادی کارِ انجام شده

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند.۱۶/۲۷

رمضان، همدمی شادگرداننده

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ أَلِيفٍ آنَسَ مُقْبِلًا فَسَرَّ

درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت.۲۷/۴۵

روز فطر، روز عید و شادی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْکَ فِی يَوْمِ فِطْرِنَا - الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَ سُرُورًا

خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عید و شادی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

شامگاه شب

شایستگان شایستگی و نیز صالح

شایستگی

پرستش نشدن خدا، آنگونه که شایسته است

سُبْحَانَکَ مَا عَبَدْنَاکَ حَقَّ عِبَادَتِکَ

منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.۹/۳

عدم شایستگی بنده، به دور شدن گرفتاری از او

وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى کَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ، وَ دَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِی ذَلِکَ وَ إِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْکَ

و تو بر دفع آنچه به آن گرفتار شده ام و برطرف کردن آنچه در آن افتاده ام توانایی. پس آن را برای من انجام ده. اگر چه از جانب تو شایسته آن نیستم.۱۰/۷

سبب از دست نرفتن کار نیکِ سزاوار پاداش

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ، حَتَّی لَا تَفُوتَنَا حَسَنَهٌ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَکَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار نیکی که به سبب آن سزاوار

ص : ۷۷۲

پاداش تو شویم از دستمان نرود.۷/۹

عامل باقی نماندن کار بدِ مستوجب کیفر

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ، حَتَّی... لَا تَبْقَی لَنَا سَیِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَکَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار بدی که به وسیله آن مستوجب عذاب تو شویم برای ما نماند.۷/۹

سزاواری (کیفر)

وَ عَافِنِی مِمَّا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْکَ

و مرا از آنچه از جانب تو سزاوارش هستم رها کن.۱۵/۱۲

سزاوار محرومیّت از احسان الهی

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَکَ فَقَدْ... اسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِکَ فَوْتَ الْإِحْسَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان نیافتن احسان تو را سزاوار گشته.۱۴/۱۳

عدل الهی و استحقاق بنده

وَ لَا تَحْمِلْنِی بِعَدْلِکَ عَلَی الِاسْتِحْقَاقِ

و با دادگری ات بر آنچه سزاوارم رفتار نکن.

۲۰/۱۳

کاری سزاوار ستمگر

وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِیما یَلِیهِ

و او را به آنچه درخورش است مشغول دار.

۶/۱۴

شایستگی ستایش خدا در دو حال (بیماری و سلامتی)

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی، أَیُّ الْحَالَیْنِ أَحَقُّ بِالشُّکْرِ لَکَ؟ وَ أَیُّ الْوَقْتَیْنِ أَوْلَی بِالْحَمْدِ لَکَ؟ أَ وَقْتُ الصِّحَّهِ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ...

ای خـدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سـزاوارتر است؟ و کدامین یک از دو وقت، برای ستایش تو شایسته تر می باشد؟ آیا وقت تندرستی یا وقت بیماری؟

۴-۲/۱۵

سزاوار نافرمانی نبودن خداوند

وَ أَنَا الَّذِی بِجَهْلِهِ عَصَاکَ، وَ لَمْ تَکُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِذَاکَ

و منم آن کسی که از روی نادانی تو را نافرمانی کرده و تو شایسته نافرمانی او نبودی.۱۴/۱۶

سببِ قرار گرفتن در درجه شایستگان

...وَ صَیِّرْنَا بِذَلِکَ فِی دَرَجَاتِ الصَّالِحِینَ...

...و به وسیله آن ما را در مرتبه های نیکوکاران قرار ده.۱۶/۱۷

ترک احسان، به غیر مستحقّ

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... تَرْکِ... الْإِفْضَالِ عَلَی غَیْرِ الْمُسْتَحِقِّ

و زیور پرهیزکاران را در احسان نکردن به کسی که شایسته احسان نیست، به من بپوشان.

۱۰/۲۰

سبب استحقاق خواری

وَ لَا تَفْتِنِّی... بِالتَّضَرُّعِ إِلَی مَنْ دُونَکَ إِذَا رَهِبْتُ، فَأَسْتَحِقَّ بِذَلِکَ خِذْلَانَکَ وَ مَنْعَکَ وَ إِعْرَاضَکَ

و مرا به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن. تا به سبب آن، سزاوار خواری و بی بهرگی و روی گرداندن تو شوم.۱۲/۲۰

در زمره بندگان شایسته بودن

وَ اجْعَلْنِی... مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ

و مرا از بندگان شایسته قرار ده.۱۸/۲۰

وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ

و ما را از بندگان صالحت قرار ده.۱۸/۴۴

قصد انجام عمل صالح، و بازداشته شدن توسّط شیطان

إِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبَّطَنَا عَنْهُ

چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، (شیطان) ما را از آن بازدارد.۷/۲۵

قرار گرفتن در صف شایستگان

...وَ اجْعَلْهُ فِی نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ

...و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده.

۱۷/۲۷

شایستگان، در جایگاه گواهان (در قیامت)

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ... وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و شهیدان و صالحان، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

قصور بنده و استحقاق الهی

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا یَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِکَ وَ إِنِ اجْتَهَدَ إِلَّا کَانَ مُقَصِّرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِکَ بِفَضْلِکَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد، جز آنکه در برابر آنچه شایسته فضل توست، مقصر است.۲و۱/۳۷

اقرار همگان به ناتوانیشان، نسبت به ادای استحقاق خداوند

وَ کُلٌّ مُقِرٌّ عَلَی نَفْسِهِ بِالتَّقْصِیرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْتَ

و همگی به تقصیر خود در ادای آنچه تو شایسته آنی، اقرار دارند.۸/۳۷

ص : ۷۷۴

تأخیر کیفر، و رضایت خداوند به کمتر از استحقاق خود

فَجَمِیعُ مَا أَخَّرْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ... تَرْکٌ مِنْ حَقِّکَ، وَ رِضًی بِدُونِ وَاجِبِکَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای، ترک کردن حقّ خود و راضی شدن به کمتر از شایستگی خودت بوده است.۱۵/۳۷

بنده و عدم انکار شایستگی کیفر

إِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی تَفْعَلْهُ بِمَنْ لَا یَجْحَدُ اسْتِحْقَاقَ عُقُوبَتِکَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که شایستگی عقوبت تو را انکار نمی کند.۱۱/۳۹

اعمال شایسته و کُند شمردن بازگشت به خدا

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِیرَ إِلَیْکَ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم.۳/۴۰

آباد ساختن مجالس شایستگان

وَ اعْمُرْ بِی مَجَالِسَ الصَّالِحِینَ

و مجالس شایستگان را به وسیله من آباد ساز.

۴/۴۱

نگهداری قرآن، به طور شایسته

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَرْعَاهُ حَقَّ رِعَایَتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که شایسته است نگهداری می کنند.۴/۴۲

سزاواران بالاترین مرتبه(ی بهشت)

وَ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِیعَ الْأَعْلَی بِرَحْمَتِکَ

و ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحقّ بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده.

سزاواری کرامت الهی

وَ أَهِّلْنَا فِیهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِیَاءَکَ مِنْ کَرَامَتِکَ

و ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده ای، سزاوار نما.۱۲/۴۴

شایسته ترین یارانِ ماه رمضان

اجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَیْرِ أَهْلٍ وَ أَصْحَابٍ

ما را برای ماه مان از بهترین خویشان و یاران قرار ده.۱۴/۴۴

عبادتی شایسته خداوند

فَإِذَا بَلَّغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَی تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَهِ

پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما.۴۶/۴۵

ص : ۷۷۵

طاعتی سزاوار ماه رمضان

وَ أَدِّنَا إِلَی الْقِیَامِ بِمَا یَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّاعَهِ

و ما را بر قیام به طاعتی که سزاوار آن ماه است، موفّق بدار.۴۶/۴۵

درود خدا، بر بندگان شایسته اش

وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

سزاوار نیک بختی و شایسته بدبختی

فَمَنْ کَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَهِ خَتَمْتَ لَهُ بِهَا، وَ مَنْ کَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَهِ خَذَلْتَهُ لَهَا

پس هر که سزاوار نیک بختی باشد، برایش بدان پایان دهی و هر که شایسته شقاوت باشد، او را از آن جهت خوار می کنی.۱۷/۴۶

سپاسی سزاوار خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا یَنْبَغِی إِلَّا لَکَ

سپاس برای توست. سپاسی که جز برای تو، سزاوار نباشد.۳۷و۳۶/۴۷

سپاسی سزاوار بزرگی ذات خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَجِبُ لِکَرَمِ وَجْهِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که سزاوار ذاتِ کریم تو باشد.۴۹و۳۶/۴۷

محمّد صلی الله علیه و آله و سزاواری درود

وَ صَلِّ عَلَیْهِ صَلَاهً... لَا تَرَی غَیْرَهُ لَهَا أَهْلًا

و بر او درود فرست، درودی که جز او را سزاوار آن نبینی.۵۲/۴۷

پیش نفرستادن کردارهای شایسته

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أَقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِیدَکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو را، پیش فرستاده ام.۷۲/۴۷

یاری بنده، بر نیّت شایسته

وَ أَعِنِّی عَلَی صَالِحِ النِّیَّهِ

و بر (داشتن) نیّت صالح یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

شایسته دوزخ

وَ اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ... وَ إِجَارَتِی مِمَّا فِیهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و حفظ نمودنم از عذابت که سزاوارش [دوزخیان]، در آن به سر می برد، آباد گردان.۱۲۳/۴۷

همانند شایستگان

وَ کُنْ لِی کَمَا تَکُونُ لِلصَّالِحِینَ

ص : ۷۷۶

و با من چنان باش که با شایستگان هستی.

۱۲۷/۴۷

شریک شدن در دعای شایسته مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِکَنَا فِی صَالِحِ مَنْ دَعَاکَ فِی هَذَا الْیَوْمِ مِنْ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

اعتماد به عمل شایسته پیش فرستاده خود

فَإِنِّی لَمْ آتِکَ ثِقَةً مِنِّی بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم، به درگاه تو نیامده ام.۶/۴۸

سزاواری بنده، به گریز از پروردگارش

لَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَکُنْتُ أَنَا أَحَقَّ بِالْهَرَبِ مِنْکَ

اگر کسی می توانست از پروردگار خود بگریزد، من به گریختن از تو سزاوارتر بودم.۳/۵۰

خدا شایسته:

أ. بی نیازی از آفریدگان

تَمَدَّحْتَ بِالْغَنَاءِ عَنْ خَلْقِکَ وَ أَنْتَ أَهْلُ الْغِنَی

عَنْهُمْ

خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای و خود شایسته بی نیازی از آنهایی.

۱۱/۱۳

ب. امید بستن به او

وَ أَنْتَ أَوْلَی مَنْ رَجَاهُ

و تو سزاوارترین کسی هستی که به او امید است.۲۰/۳۲

ج. ترس و پرهیز از (کیفر) او

وَ أَنْتَ... أَحَقُّ مَنْ خَشِیَهُ وَ اتَّقَاهُ

و تو شایسته ترین کسی می باشی که باید از او ترسید و از او پرهیز نمود.۲۰/۳۲

أَعْلَمُ... أَنَّکَ... أَهْلُ التَّقْوَی

می دانم شایسته ای که از تو بترسند.

۱۱۶/۴۷

یَا أَهْلَ التَّقْوَی

ای سزاوار پرهیزکاری.۷/۵۱

د. اعتماد کردن به او

وَ أَنْتَ أَوْلَی مَنْ وُثِقَ بِهِ

و تو سزاوارترین کسی هستی که به او اعتماد شد.۲۲/۳۲

هـ. مغرور نشدن صدّیقین، به (رحمت) او

فَأَمَّا أَنْتَ يَا إِلَهِی فَأَهْلٌ أَنْ لَا یَغْتَرَّ بِکَ الصِّدِّیقُونَ

و امّا تو ای خدای من، پس شایسته ای که راستگویان به تو مغرور نشوند.۱۳/۳۹

و. آمزرش بنده

أَعْلَمُ... أَنَّکَ... أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ

می دانم همانا تو سزاواری که بیامرزی.

۱۱۶/۴۷

ز. فضل و بخشش

أَعْلَمُ... أَنَّکَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ

می دانم که تو به بخششْ سزاوارتر هستی.

۱۱۶/۴۷

ح. سپاس و حمد

إِلَهِی أَحْمَدُکَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ -

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی.۱/۵۱

بنده شایسته:

أ. احتیاج به خدا

وَ نَسَبْتَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ وَ هُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَیْکَ

و آنها را به تنگدستی نسبت داده ای و ایشان سزاوارند که به تو نیازمند باشند.

۱۲/۱۳

ب. ناامیدی و منع

فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَیْکَ فَأَعْطَیْتَهُ وَ هُوَ یَسْتَحِقُّ الْمَنْعَ

پس من اوّلین روآورنده نیستم که به تو روآورده و به او بخشش کردی، با اینکه سزاوار منع است.۲۰/۱۳

ج. خشم خدا

...وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْیِی سَخْطَتَکَ

...و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم.۱۳/۳۲

د. عذاب و کیفر الهی

وَ لَقَدْ کَانَ یَسْتَحِقُّ فِی أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْیَانِکَ کُلَّ مَا أَعْدَدْتَ لِجَمِیعِ خَلْقِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ

و حال آنکه او در آغاز که همّت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.

۱۴/۳۷

إِنْ تُعَذِّبْنِی فَإِنِّی لِذَلِکَ أَهْلٌ

اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم.۴/۵۰

هـ. رسوایی و منع

تَسْتُرُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ، وَ تَجُودُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ، وَ کِلَاهُمَا أَهْلٌ مِنْکَ لِلْفَضِیحَهِ وَ

ص : ۷۷۸

الْمَنْعِ

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی، و می بخشی بر کسی که اگر می خواستی، محرومش می کردی. و حال آنکه هر دو از جانب تو سزاوار رسوایی و محرومیّتند.۸/۴۵

عدم شایستگی بنده، نسبت به:

أ. از بین رفتن بدی ای از بدی هایش

يَا إِلَهِی لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْکَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنَيَّ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

ب. آمرزش الهی

وَ إِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِی حِينَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَکَ، وَ تَعْفُو عَنِّی حِينَ أَسْتَحِقُّ عَفْوَکَ فَإِنَّ ذَلِکَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِی بِاسْتِحْقَاقٍ، وَ لَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ بِاسْتِيجَابٍ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، و ببخشایی آنگاه که مستحقّ بخشایش تو گردم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست و از روی شایستگی من لازم نشده.۳۱/۱۶

لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ

هیچ کس در حدّی نیست که به سبب استحقاقش آمرزشت را ایجاب کند.۴/۳۷

ج. عفو الهی

وَ إِنْ كُنْتَ... تَعْفُو عَنِّی حِينَ أَسْتَحِقُّ عَفْوَکَ فَإِنَّ ذَلِکَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِی بِاسْتِحْقَاقٍ، وَ لَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ بِاسْتِيجَابٍ

و اگر مرا ببخشایی آنگاه که مستحقّ بخشایش تو گردم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست و از روی شایستگی من لازم نشده.۳۱/۱۶

اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِکَ وَفَدْتُ... وَ لَيْسَ عِنْدِی مَا يُوجِبُ لِی مَغْفِرَتَکَ، وَ لَا فِی عَمَلِی مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَکَ

خداوندا به سوی آمرزشت روی آورده ام. در حالی که آنچه موجب آمرزیدن تو گردد، در من نیست و در عملم چیزی که سزاوار عفو تو شوم وجود ندارد.۱۵/۲۰

د. شفاعت

وَ إِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلِ الشَّفَاعَهِ

و اگر شفیع خواهم، سزاوار شفاعت نیستم.۲۳/۳۱

هـ. رضا و خوشنودی خدا

ص : ۷۷۹

لَا یَجِبُ لِأَحَدٍ... أَنْ تَرْضَی عَنْهُ بِاسْتِیجَابِهِ

هیچ کس در حدّی نیست که شایستگی اش رضایت تو را لازم سازد.۴/۳۷

و. عطای الهی

أَعْطَیْتَ کُلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ یَجِبْ لَهُ

هر یک از آن دو (فرمانبر و گنهکار) را چیزی عطا کرده ای که برایش لازم نبود.

۱۱/۳۷

ز. پاداش الهی

فَمَتَی کَانَ یَسْتَحِقُّ شَیْئًا مِنْ ثَوَابِکَ؟ لَا! مَتَی؟!

پس کی (چنین بنده ای) مستحقّ ثوابی از سوی تو می شد؟ نه! هیچ گاه!۱۳/۳۷

ح. اقدام به نافرمانی از خدا

وَ کَانَ أَحَقَّ عِبَادِکَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَیْهِ أَلَّا یَفْعَلَ

و حال آنکه با آن عنایت هایی که به او داشته ای، سزاوارترین بندگانت بود که نافرمانی ات را نکند.۶۸/۴۷

آنکه در ماه رمضان آنطور که سزاوار است:

أ. رعایت این ماه را کرده

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَی هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَایَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

ب. حرمتش را حفظ نموده

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... حَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

خداوندا و هر کس حرمتش را آن طوری که حقّ بوده نگه داشته؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

ج. حدودش را به پا داشته

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... قَامَ بِحُدُودِهِ حَقَّ قِيَامِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس حدودش را آن طوری که حقّش بوده به پا داشته؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.

۵۰/۴۵

د. از گناهان پرهیز نموده

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... اتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تُقَاتِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس از گناهان خویش به طوری که حقِّ پرهیز کردن بوده پرهیز نموده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به

ما ببخش.۵۰/۴۵

شب

حفظ شدن پیروان اصحاب، از حوادث شب و روز

وَ تَقِيهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ

و آنها را از حوادث شب و روز - مگر خیری که پیش آید - حفظ نمایی.۱۴/۴

آفرینش شب و روز، به قدرت خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ بِقُوَّتِهِ

سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید.۱/۶

فاصله انداختن بین شب و روز، به قدرت خدا

وَ مَيَّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ

و به قدرت خویش بین آن دو فرق گذاشت.

۲/۶

مدّت و پایان معیّن، برای شب و روز

وَ جَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَ أَمَدًا مَمْدُودًا

و برای هر یک پایانی معین و زمانی معلوم مقرر فرمود.۳/۶

سبب گماشتن شب و روز، به جای یکدیگر

يُولِجُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِی صَاحِبِهِ، وَ يُولِجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ، فِيما يَغْذُوهُمْ بِهِ

بنا به تقدیرش هر یک از شب و روز را جای یکدیگر قرار می دهد تا برای بندگان روزی دهد.

۴/۶

علّت آفرینش شب

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ التَّعَبِ وَ نَهَضَاتِ النَّصَبِ

پس شب را برای آنان آفرید تا از حرکت های خسته کننده و جنبش های سخت بیاسایند.۵/۶

علّت لباس گرداندن شب، برای بنده

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ... وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ

پس شب را برای آنان آفرید و آن را پوشش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر کنند.

۵/۶

توفیق انجام نیکی، در شب و روز

وَفِّقْنَا فِی يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِی جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ...

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی توفیق ده.۱۸/۶

گذر شب و روز، بر آفریدگان

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَرْضَى مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ مِنْ جُمْلَهِ خَلْقِكَ

و ما را از خوشنودترین آفریدگانت که شب و روز بر آنها گذشته قرار ده.۲۰/۶

گواه گرفتن و گواهی دادن بنده، در شب

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ... فِي يَوْمِي هَذَا... وَ لَيْلَتِي هَذِهِ...

و آسمانت و زمینت را در این روز و این شب شاهد می گیرم.۲۱/۶

عافیتی مقدّمه بلا، در شب و روز

وَ إِنْ يَكُنْ مَا ظَلِلْتُ فِيهِ، أَوْ بِتُّ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَهِ بَيْنَ يَدَيْ بَلَاءٍ لَا يَنْقَطِعُ... فَقَدِّمْ لِي مَا أَخَّرْتَ...

و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز.۲/۱۸

حال بنده و ورود در صبح و شام

إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ...

خدای من، صبح و شام را به سر کردم ، در حالی که بنده خوار توام.۷/۲۱

اللَّهُمَّ إِنِّي أُصْبِحُ وَ أُمْسِي مُسْتَقِلًّا لِعَمَلِي

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به

شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم.

۷/۵۲

از یاد نبردن والدین، در شبانگاه

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا... فِي إِنًى مِنْ آنَاءِ لَيْلِي

خداوندا یاد آنان را در هیچ وقتی از اوقات شبم، از یادم نبر.۱۳/۲۴

پناه نجستن به شب زنده داریِ شب هنگام

وَ لَا أَسْتَجِيرُ بِتَهَجُّدِی لَيْلًا

و نه شب زنده داری شبی را پناهِ خود خواهم.

۱۷/۳۲

درود بر محمّد صلی الله علیه و آله ، تا زمان در پی هم آمدن شب و روز

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند.۳۴/۳۲

به پادارندگان قرآن، در ساعات شب

وَ اقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ...

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند.

۹/۴۲

آشنای بندگان، در تاریکی های شب

ص : ۷۸۲

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده.۱۰/۴۲

برتری شبی از شب های ماه رمضان ، بر شب های هزار ماه

ثُمَّ فَضَّلَ لَیْلَهً وَاحِدَهً مِنْ لَیَالِیهِ عَلَی لَیَالِی أَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمَّ_اهَا لَیْلَهَ الْقَدْرِ

آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد، و آن را شب قدر نامید.

۵/۴۴

ویژگی های شب قدر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام است.

۵/۴۴

آزاد شدگان عفو الهی، در شب های ماه رمضان

وَ إِذَا کَانَ لَکَ فِی کُلِّ لَیْلَهٍ مِنْ لَیَالِی شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ یُعْتِقُهَا عَفْوُکَ... فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْکَ الرِّقَابِ

و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می کند، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده.

۱۴/۴۴

نماز و زاری به درگاه خدا، در شب های ماه رمضان

وَ أَعِنَّا... فِی لَیْلِهِ عَلَی الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَیْکَ، وَ الْخُشُوعِ لَکَ

و ما را در شبش بر نماز و زاری به درگاهت و خشوع برای تو، یاری نما.۱۷/۴۴

سبب گواهی ندادن شب های ماه رمضان، به کوتاهی بنده

وَ أَعِنَّا فِی نَهَارِهِ عَلَی صِیَامِهِ، وَ فِی لَیْلِهِ عَلَی الصَّلَاهِ... حَتَّی لَا یَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَیْنَا بِغَفْلَهٍ، وَ لَا لَیْلُهُ بِتَفْرِیطٍ

و مـا را در روزش به روزه داری آن و در شـبش بر نمـاز یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت و شـبش به کوتاهی نمودن گواهی ندهد.۱۷/۴۴

بزرگ گرداندن شب قدر، در ماه رمضان

وَ أَجْلَلْتَ فِيهِ مِنْ لَيْلَهِ الْقَدْرِ...

و شب قدر را در آن بزرگ داشتی.۲۰/۴۵

شب قدر، بهتر از هزار ماه

وَ أَجْلَلْتَ فِيهِ مِنْ لَيْلَهِ الْقَدْرِ (الَّتِی هِیَ) خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی.۲۰/۴۵

درود خدا بر شب قدر

السَّلَامُ عَلَيْکَ وَ عَلَى لَيْلَهِ الْقَدْرِ الَّتِى هِىَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه.۴۰/۴۵

برخاستن در شب های ماه رمضان

وَ قُمْنَا بِعَوْنِکَ لَيْلَهُ

و به یاری تو شبش را به پا خاستیم.۲۱/۴۵

درودهای صبح وشام، بر دوستان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَکَاتِ الزَّاکِيَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای مبارک، پاک، فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست.

۶۴/۴۷

مناجات با خدا، در شب و روز

وَ زَيِّنْ لِیَ التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِکَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ

و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیارا.۱۱۰/۴۷

آباد کردن شب بنده، به بیداری برای عبادت

وَ اعْمُرْ لَيْلِى بِإِيقَاظِى فِيهِ لِعِبَادَتِکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، آباد گردان.۱۲۳/۴۷

شب زنده داری

پناه نجستن به شب زنده داریِ شبانگاه

وَ لَا أَسْتَجِيرُ بِتَهَجُّدِى لَيْلًا

و نه شب زنده داری شبی را پناهِ خود خواهم.

۱۷/۳۲

تنهایی بنده و شب زنده داری برای خدا

وَ اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ، وَ تَفَرُّدِی بِالتَّهَجُّدِ لَکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بند گی ات، و تنها بودنم به شب زنده داری برای تو، آباد گردان.

۱۲۳/۴۷

شبهه

روشنایی یافتن به وسیله نور، از شبهات

وَ هَبْ لِی نُورًا... أَسْتَضِیءُ بِهِ مِنَ الشَّکِّ وَ الشُّبُهَاتِ

و مرا نوری بخش که به وسیله آن از شک و شبهه ها روشنی یابم.۸/۲۲

شیطان، برپاکننده شبهه ها

وَ یَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ

و شبهه ها برای ما برپا کند.۷/۲۵

زایل ساختن شک و شبهه، از بنده

وَ أَزِلْ عَنِّی کُلَّ شَکٍّ وَ شُبْهَةٍ

و هر شکّ و شبهه ای را از من دور ساز.

۱۲۹/۴۷

شبیه همانند

شتاب

شتاب نکردن خدا، در انتقام و کیفر بندگان

فَلَمْ یَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَ لَمْ یُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ

پس او در کیفرِ ما، شتاب نکرد و در سرکوب ما عجله ننمود.۲۱/۱

وَ تَأَنَّیْتَنِی بِکَرَمِکَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِی...

و با بخششت با من مدارا نمودی و در کیفرم شتاب نکردی...۳۲/۱۶

وَ یَا مَنْ... لَا یُبَادِرُ بِالنَّقِمَهِ

و ای کسی که به کیفر سخت، شتاب نمی کند.

۱۰/۴۶

شتاب فرشتگان پاسبان، به سوی دوزخیان

الزَّبَانِیَهِ الَّذِینَ إِذَا قِیلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِیمَ صَلُّوهُ. ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا

پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند.۲۱/۳

شتاب در ایمان آوردن

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّهً الَّذِینَ... أَسْرَعُوا إِلَی وِفَادَتِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که به سوی پیامش شتافتند...۳/۴

رهایی سریع (از گرفتاری)

وَ اجْعَلْ لِی مِنْ عِنْدِکَ مَخْرَجًا وَحِیًّا

و نزد خود زود رها شدن را برای من مقرر کن.

۸/۷

شتافتن بنده به سوی نهی خداوند

...یَحْجُبُنِی... نَهْیٌ نَهَیْتَنِی عَنْهُ. فَأَسْرَعْتُ إِلَیْهِ...

بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، کاری که مرا از آن بازداشتی و من به سوی آن شتافتم.

۲/۱۲

علّت شتاب بنده، در گریستن

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی... غَافِرٌ لِمَنْ بَکَاکَ فَأُسْرِعَ فِی الْبُکَاءِ؟

ای خدای من آیا تو گریه کننده ات را می آمرزی تا من در گریستن شتاب نمایم؟

۱۵/۱۶

درنگ خدا، از زود به کیفر رساندن بنده

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِکَ... إِبْطَاؤُکَ عَنْ مُعَاجَلَتِی، وَ لَیْسَ ذَلِکَ مِنْ کَرَمِی عَلَیْکَ، بَلْ تَأَنِّیًا مِنْکَ لِی

و شگفت تر از آن درنگ تو از زود به کیفر رساندن من است و این نه از گرامی بودن من نزد

توست. بلکه از بردباری تو بر من است.۲۶/۱۶

رساندن آبی (بارانی) تند و شتابان، بر بندگان

وَ أَشْهِدْ مَلَائِکَتَکَ الْکِرَامَ السَّفَرَهَ بِسَقْیٍ مِنْکَ نَافِعٍ... وَابِلٍ سَرِیعٍ عَاجِلٍ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود - که سخت، تند و شتابان باشد - آماده ساز.۲/۱۹

میراندن بنده، و شتافتن دشمنی خدا به سوی او

فَإِذَا کَانَ عُمْرِی مَرْتَعًا لِلشَّیْطَانِ فَاقْبِضْنِی إِلَیْکَ قَبْلَ أَنْ یَسْبِقَ مَقْتُکَ إِلَیَّ

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد - پیش از آنکه دشمنی ات به سوی من شتابد - مرا به سوی خود بازگردان.۵/۲۰

سبب کراهت بنده، از شتاب در آنچه خدا پس انداخته

وَ أَلْهِمْنَا الِانْقِیَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَیْنَا مِنْ مَشِیَّتِکَ حَتَّی لَا نُحِبَّ تَأْخِیرَ مَا عَجَّلْتَ، وَ لَا تَعْجِیلَ مَا أَخَّرْتَ

و گردن نِهی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما، تا تأخیر آنچه را پیش انداختی و تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته ای، دوست نداشته باشیم.۵/۳۳

شتاب رعد و برق، در فرمانبری از خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَیْنِ آیَتَانِ مِنْ آیَاتِکَ... یَبْتَدِرَانِ طَاعَتَکَ...

خداوندا همانا این دو، دو نشانه از نشانه های تو هستند، که به طاعتت می شتابند.۱/۳۶

مهلت دادن به گنهکار، در حال توانایی خدا به شتاب در کیفرش

وَ تُمْلِی لِلْعَاصِی فِیما تَمْلِکُ مُعَاجَلَتَهُ فِیهِ

و گنهکار را در آنچه توانایی شتاب در کیفرش را داری، مهلت می دهی.۱۰/۳۷

علّت شتاب نکردن خدا، در کیفر

فَأَمَّا الْعَاصِی أَمْرَکَ وَ الْمُوَاقِعُ نَهْیَکَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنَقِمَتِکَ لِکَیْ یَسْتَبْدِلَ بِحَالِهِ فِی مَعْصِیَتِکَ حَالَ الْإِنَابَهِ إِلَی طَاعَتِکَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی، تا حال خود را در نافرمانی ات به حال طاعتت عوض کند.

۱۴/۳۷

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا یَهْلِکَ عَلَیْکَ هَالِکُهُمْ... إِلَّا عَنْ طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَیْهِ، وَ بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّهِ عَلَیْهِ

تا هنگام توبه، شـتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا هلاک شونـده ایشان، به خاطر تو هلاک نشود. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او و پس از

ص : ۷۸۶

حجّت های پیاپی آوردن بر او.۹/۴۵

حریص گشتن بنده، بر زود رسیدن به خدا

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَى وَشْكِ اللَّحَاقِ بِکَ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم.۳/۴۰

کوشایی و شتابندگی ماه

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ، الدَّائِبُ السَّرِيعُ

ای آفریده فرمانبردار، و کوشای شتابنده.

۱/۴۳

شتاب نمودن ماه، به سوی خواست خدا

وَ امْتَهَنَکَ بِالزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ... فِی کُلِّ ذَلِکَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَ إِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ

و تو را با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، به خدمت گرفت. و در همه آن حالات، تو مطیع او هستی و به سوی خواسته اش، شتابنده ای.۲/۴۳

سبب نشتافتن چشم ها، به سوی لهو

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيکَ... حَتَّى... لَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا با چشم هایمان به سوی هیچ لهوی نشتابیم.۶/۴۴

شتافتن به نیکی ها

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِينَ... مِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِی الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. از آنان که در نیکی ها می شتابند و ایشان برای آن پیشی می گیرند.۱۸/۴۴

شتاب نکردن خدا و عدم ابطال برهانش

وَ لَمْ يَدْحَضْ لِتَرْکِ مُعَاجَلَتِهِمْ بُرْهَانُکَ

و از جهت شتاب نکردن در عذاب آنان، برهان تو باطل نشده است.۱۸/۴۶

تأخیر خدا در کیفر، در حال توانایی اش بر شتاب

أَخَّرْتَ وَ أَنْتَ مُسْتَطِیعٌ لِلمُعَاجَلَهِ

با آنکه بر شتاب نمودن توانایی، (عذاب را) به تأخیر انداخته ای.۲۱/۴۶

درنگ نمودن خدا و قادر بودنش بر شتاب

تَأَنَّیْتَ وَ أَنْتَ مَلِیءٌ بِالْمُبَادَرَهِ

با آنکه به شتاب کردن قادری، درنگ نموده ای.

۲۱/۴۶

عدم شتاب خداوند، در کیفر گناهکاران

فَیَا مَنْ لَمْ یُعَاجِلِ الْمُسِیئِینَ

پس ای آنکه بر (کیفر) گنهکاران شتاب

نمی کنی.۷۵/۴۷

درخواست شتاب خدا، در فرج و نصرت محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ وَ الرَّوْحَ وَ النُّصْرَهَ وَ التَّمْكِينَ وَ التَّأْيِيدَ لَهُمْ

خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. و در فرج و آسایش و نصرت و تسلّط دادن و تأیید آنان، شتاب فرما.۱۱/۴۸

نبودن شتابی در انتقام و کیفر الهی

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ... فِى نَقِمَتِكَ عَجَلَهٌ

دانسته ام که در انتقام تو شتاب، نیست.

۱۵/۴۸

شتاب و ترس از فوت وقت

إِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ

همانا کسی شتاب می کند که از گذشتن فرصت می ترسد.۱۵/۴۸

اعتماد بنده، به سرعت اجابت الهی

فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِى... وَاثِقًا بِسُرْعَهِ إِجَابَتِكَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که به اجابت سریع تو اطمینان داشتم.۱۰/۴۹

ناتوانی بنده از شتاب به وعده داده شده خدا، به دوستانش

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِى ضَعْفَ نَفْسِى عَنِ الْمُسَارَعَهِ فِيما وَعَدْتَهُ أَوْلِيَاءَكَ

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده ای، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

شجاعت دلیری

شرافت بزرگی

شرف آبرو

شرط

شرایط به جا آوردن حقّ (اوامر) الهی

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... عَوْنًا عَلَى تَأْدِيَهِ حَقِّهِ وَ وَظَائِفِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که یاوری بر ادای حقّ و وظائفش باشد.۲۹و۲۷/۱

به جا آوردن شرط خدمت گزاری، نسبت به والدین

وَ لَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيفَهَ خِدْمَتِهِمَا

و من وظیفه خدمت گزاری ایشان را انجام نداده ام.۱۱/۲۴

شرط خدا، محبّتش با بنده(ی تائب)

وَ أَوْجِبْ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتَ

ص : ۷۸۸

و همان طور که شرط کرده ای، دوستی خود را برایم واجب گردان.۱۵/۳۱

بازنگشتن به ناپسند الهی؛ شرط بنده با خدا

وَ لَکَ یَا رَبِّ شَرْطِی أَلَّا أَعُودَ فِی مَکْرُوهِکَ

و ای پروردگار من، با تو قرار می گذارم، در کاری که ناپسند توست، برنگردم.۱۶/۳۱

غفلت بنده، از شرایط واجبات الهی

وَ لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِفَضْلِ نَافِلَهٍ مَعَ کَثِیرِ مَا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ فُرُوضِکَ

و من هیچ گاه با فضیلتِ (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم.۱۸/۳۲

خدا شرط کننده و تعیین گرِ شرایط نماز

وَ قِفْنَا فِیهِ عَلَی مَوَاقِیتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ... وَ وَظَائِفِهَا الَّتِی وَظَّفْتَ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه و شرایط آن که معین نمودی، آگاه فرما.۸/۴۴

شرف

شرافت دادن به منزلت بنده، در جایگاه گواهان

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... یُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، منزلت ما را در جایگاه های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد.

۱۲و۱۰/۱

شرافت بودن یاد خدا

یَا مَنْ ذِکْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاکِرِینَ

ای که یاد او برای یادکنندگان بزرگی است.

۱/۱۱

پناه بردن به خدا، از شرِّ هر شریف و پستی

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ شَرِیفٍ وَ وَضِیعٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر بلندمرتبه و فرومایه ای پناه ده.۶/۲۳

اطاعت از خدا و شریف شدن

فَإِنَّ الشَّرِیفَ مَنْ شَرَّفَتْهُ طَاعَتُکَ

پس به درستی که شرافتمند کسی است که اطاعت تو شریفش گردانْد.۴/۳۵

شرافت بخشیدن به درجه بنده

شَرِّفْ دَرَجَتِی بِرِضْوَانِکَ

درجه مرا به خوشنودیت، شرافت ده.

۴/۴۱

شناخت شرافت و فضیلت قرآن

ص : ۷۸۹

اللَّهُمَّ فَكَمَا... عَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِکَ شَرَفَهُ وَ فَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

خداوندا، پس همچنان که به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمّد که با آن سخن راند، درود فرست.۶/۴۲

شرافت بخشیدن به بنیان محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بنیاد او را شرافت ده.۱۹/۴۲

حقیر بودن هر شریفی، در کنار شرافت خدا

وَ كُلُّ شَرِيفٍ فِی جَنْبِ شَرَفِکَ حَقِيرٌ

و هر بزرگواری در کنار بزرگواری ات حقیر است.۱۳/۴۶

شرافت و عظمتِ روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَهَ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای.۶۶/۴۷

از اسباب شرافت مسلمانان:

أ. حضرت رسول صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود

فرست، چنانکه ما را به وسیله او شرافت دادی.۴/۲۴

ب. ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِی شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی.۴۳/۴۵

شرک

شریک نداشتن خدا

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّی لَا أَرَی نِعْمَهً مِنْ نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِی أَفْضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنْکَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو - که یگانه و بی شریکی - آرزو کنم.۱۲/۲۲

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِکَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِینَ حَتَّی... یُقِرُّوا بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی شریک هستی، اقرار نمایند.۸/۲۷

ص : ۷۹۰

فَتَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

پس تو مبارک و برتری. جز تو معبودی نیست. یگانه ای هستی که برای تو شریکی نمی باشد.

۵/۵۲

شریک نشدن کسی با خدا، در امید بنده

لَا يَشْرَكُكَ أَحَدٌ فِي رَجَائِي

هیچ کس در امید من، با تو شریک نیست.

۹/۲۸

شریک نگرداندن کسی با خدا، در کردارها

ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَاءِينَ... لَا نَشْرَكُ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ

سپس همه آن را از خودنمایی ریاکاران خالص گردان. که احدی را در آن با تو شریک نسازیم.۷/۴۴

یاری نشدن خدا در آفرینشش، توسّط شریک

أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعِنْكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ

تویی آنکه در آفریدنت، شریکی یاری ات نداد.

۱۴/۴۷

شریک نداشتن خدا، در رساندن نعمت به بنده

وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَ لَمْ يَشْرَكْكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي

و مرا با مهلت دادنت، غافلگیر نکن. همانند غافلگیر نمودن کسی که مرا از نیکی آنچه نزدش است، بی بهره گردانده، در حالی که در رسیدن نعمتش به من شریک تو نبوده است.۹۰/۴۷

شریک گرداندن بنده، در دعای مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحِ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُوءْمِنِينَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

شریک و انباز قرار ندادن چیزی، با خدا

وَ ذَرِیعَتِی أَنِّی لَمْ أُشْرِکْ بِکَ شَیْئًا

و دستاویزم آن است که چیزی را با تو شریک نکرده ام.۳/۴۹

عدم کاهش فرمانروایی خدا، با شرک به او

سُبْحَانَکَ لَا یَنْقُصُ سُلْطَانَکَ مَنْ أَشْرَکَ بِکَ

پاک و منزّهی! کسی که به تو شرک آورَد، از فرمانروایی ات نمی کاهد.۳/۵۲

شرم

درخواست از خدا، با شرمندگی

فَهَا أَنَا ذَا یَا إِلَهِی... سَائِلُکَ عَلَی الْحَیَاءِ مِنِّی سُوءَالَ

الْبَائِسِ الْمُعِيلِ

پس ای خدای من، با وجود شرمندگی ام همانند تهی دستی عیالمند از تو درخواست دارم.

۴/۱۲

توبه شرمنده واقعی

أَتُوبُ إِلَيْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... خَالِصِ الْحَيَاءِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که از آنچه در آن افتاده، سخت شرمنده است.۱۲/۱۲

علّت شرمندگی از خدا

كُلُّ ذَلِکَ حَيَاءٌ مِنْکَ لِسُوءِ عَمَلِی

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم.۲۰/۱۶

شرمندگی از خدا، و چشم نینداختن به کرانه های آسمان

يَا إِلَهِی لَوْ... ذَكَرْتُکَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ حَتَّی يَكِلَّ لِسَانِی، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِی إِلَی آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْکَ مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَيِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَيِّئَاتِی

ای خدای من اگر در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، سپس از شرمندگی تو، چشم از کرانه های آسمان برندارم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

موجبات شرم همسایه، و پوشاندن آن

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... سَتْرِ عَوْرَاتِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّتت و فراگیری آداب نیکویت در پوشاندن آنچه از آن شرم دارند، توفیق ده.۲/۲۶

روی آوردن به خدا، در حال شرمندگی از او

فَأَقْبَلَ نَحْوَکَ مُوءَمِّلًا لَکَ مُسْتَحْيِيًا مِنْکَ

پس امیدوار به تو و شرمنده از تو، به سویت روی آورده.۸/۳۱

شرمنده گشتن از خدا، درباره نفس خود

وَ هَذَا مَقَامُ مَنِ اسْتَحْيَا لِنَفْسِهِ مِنْکَ

و این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت.۱۹/۳۲

رسوایی آخرت و شرم داشتن از خویشان

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ... وَ مِنْ ذِی رَحِمٍ کُنْتُ أَحْتَشِمُ مِنْهُ فِی سَرِیرَاتِی

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد

ص : ۷۹۲

جایگـاه هـای شاهـدان؛ از فرشــتگان ارجمنـد و از خویشاونـدی کـه در کارهـای مخفی خـود از او شـرم می نمـودم، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

پوشاندن موجبات شرم، توسّط خداوند

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... وَاعِظًا لَنَا...

پس آنچه از آن شرم آید که پوشاندی، برای ما پنددهنده قرار ده.۳/۳۴

فَلَوْ لَا سَتْرُکَ عَوْرَتِی لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِینَ

پس اگر عیب پوشی تو (از موجبات) شرمندگی ام نبود، هر آینه از رسواشدگان بودم.

۷/۵۱

بی حیایی و بی شرمی بنده

أَنَا الْقَلِیلُ الْحَیَاءِ

منم کم شرم.۸۴/۴۷

شروع آغاز

شستن

اعمال شوینده چرکی خطایا

وَ وَفِّقْنِی مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَایَا عَنِّی

و مرا به کارهایی که با آن چرکی خطاها را از من بشویی، توفیق ده.۱۳/۳۱

عامل شستن چرکی دل ها و وابستگی های

گناهان

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَائِقَ أَوْزَارِنَا

و به وسیله آن (قرآن)، چرکی دل هایمان و وابستگی های گناهانمان را بشوی.۱۱/۴۲

رمضان، عامل شسته شدن چرکی خطاها

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا وَفَدْتَ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ، وَ غَسَلْتَ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِيئَاتِ

درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی و چرکی خطاها را از ما شستی.۳۶/۴۵

شغل کار

شفا بهبودی

شفاعت

عطای شفاعتی نیکو، به محمّد صلی الله علیه و آله

وَ عَرِّفْهُ فِي أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ أُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَهِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ

و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امّتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.۲۵/۲

رضایت خدا از والدین، با شفاعت فرزند

وَ ارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضًى عَزْمًا

و به میانجیگری من از آنها یکسره خوشنود

ص : ۷۹۳

شو.۱۴/۲۴

شفاعت والدین، از فرزند

اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان.۱۵/۲۴

شفاعت فرزند، از والدین

وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لِی فَشَفِّعْنِی فِیهِمَا

و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما.۱۵/۲۴

شفیع خواستن و سزاوار شفاعت نبودن

وَ إِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلِ الشَّفَاعَهِ

و اگر شفیع خواهم، سزاوار شفاعت نیستم.

۲۳/۳۱

شفیع و میانجی گرداندن کرم خدا

وَ شَفِّعْ فِی خَطَایَایَ کَرَمَکَ

و کرمت را شفیع خطاهایم گردان.۲۴/۳۱

لزوم شفاعت فضل الهی، از بنده

اللَّهُمَّ... لَا شَفِیعَ لِی إِلَیْکَ فَلْیَشْفَعْ لِی فَضْلُکَ

خداوندا شفیعی برای من به سوی تو نیست، پس باید فضلت مرا شفاعت کند.۲۵/۳۱

احتمال شفاعت آسمان و زمین و ساکنان

آنها، درباره بنده

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِکَ یَرْحَمُنِی... فَیَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَهٍ... أَوْ شَفَاعَهٍ أَوْکَدُ عِنْدَکَ مِنْ شَفَاعَتِی...

شایـد برخی از آنهـا بـه رحمتتْ، بـه من رحم کنـد؛ پس دعـایی از او به من رسـد یـا شـفاعتی کنـد که از شـفاعت من نزد تو کارسازتر است.۲۷/۳۱

شفاعتی رهایی بخش از خشم خدا

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِکَ یَرْحَمُنِی لِسُوءِ مَوْقِفِی، أَوْ تُدْرِکُهُ الرِّقَّهُ عَلَیَّ لِسُوءِ حَالِی فَیَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَهٍ... أَوْ شَفَاعَهٍ أَوْکَدُ عِنْدَکَ مِنْ شَفَاعَتِی تَکُونُ بِهَا نَجَاتِی مِنْ غَضَبِکَ...

شایـد برخی از آنها به رحمتتْ بر بـدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید؛ پس دعایی از او به من رسد یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است، که رهایی من از خشمت به وسیله آن حاصل شود.۲۷/۳۱

درودی شفاعت کننده بندگان

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تَشْفَعُ لَنَا یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ یَوْمَ الْفَاقَهِ إِلَیْکَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند.۳۰/۳۱

(درآمدن بنده، به درگاه انتقام الهی) و

ص : ۷۹۴

نبودن شفیعی برای او

لَا شَفِیعٌ یَشْفَعُ لِی إِلَیْکَ

نه شفاعت کننده ای است که برایم نزد تو شفاعت کند.۱۴/۳۲

برترین پیامبر، از جهت شفاعت

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِیَّنَا... یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِیِّینَ مِنْکَ مَجْلِسًا، وَ أَمْکَنَهُمْ مِنْکَ شَفَاعَهً

خداوندا پیامبر ما را روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود و بلندمرتبه ترین شفاعت کنندگان ایشان قرار ده.

۱۸/۴۲

شفاعت نمودن محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و شفاعت او را بپذیر.۱۹/۴۲

تکبر نورزیدن به شفاعت شفاعت کنندگان

سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ الْحَقِیرِ الذَّلِیلِ الْبَائِسِ... لَا مُسْتَطِیلًا بِشَفَاعَهِ الشَّافِعِینَ

از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال. نه از روی گردنکشی نمودن به شفاعتِ شفاعت کنندگان.۷۴/۴۷

امید نداشتن به شفاعت آفریده ای، جز

محمّد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام

فَإِنِّی لَمْ آتِکَ ثِقَهً مِنِّی بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَهِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَهَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ سَلَامُکَ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعتِ آفریده ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو نیامده ام، جز شفاعت محمّد و خانواده او - که درود تو بر او و بر ایشان باد - .۶/۴۸

شفقّت رحمت

شک

عدم تردید در امر خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا... جَنَّبَنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَ الشَّكِّ فِی أَمْرِهِ

و سپاس خدای را که ما را از کج روی و شک در امر خود، دور ساخت.۱۰/۱

برنگشتن تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله از عقیده اشان، بر اثر شکّ

لَمْ یَثْنِهِمْ رَیْبٌ فِی بَصِیرَتِهِمْ

آنان که عقیده اشان را شکّی برنگرداند.۱۱/۴

شک ننمودن، در قصد صواب

ص : ۷۹۵

وَ مَتِّعْنِی بِهُدًی صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ... وَ نِیَّهِ رُشْدٍ لَا أَشُکّ فِیهَا

و مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به نیّت درستی که در آن تردید نکنم، بهرمند ساز.۵/۲۰

نوری روشنی بخش از شکّ و دو دلی

وَ هَبْ لِی نُورًا... أَسْتَضِیءُ بِهِ مِنَ الشَّکِّ وَ الشُّبُهَاتِ

و مرا نوری بخش که به وسیله آن از شک و شبهه ها روشنی یابم.۸/۲۲

دور کردن نگرانی شک، از بندگان

فَأَزِحْ عَنَّا رَیْبَ الِارْتِیَابِ

پس آشفتگیِ تردید را از ما دور گردان.

۲/۳۳

رو نیاوردن شک به بندگان، در تصدیق قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ حَتَّی لَا یُعَارِضَنَا الشَّکُّ فِی تَصْدِیقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکّی جلودار تصدیق ما نشود.۶/۴۲

دوری از شکّ و تردید در دین خدا

وَ جَنِّبْنَا... الشَّکَّ فِی دِینِکَ

و ما را از شکّ در دینت دور گردان.۱۳/۴۴

توبه ای خالی از شک

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهً نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشَّکِّ وَ الِارْتِیَابِ

خداوندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک باشد.۵۲/۴۵

زایل نمودن هرگونه شک، از بنده

وَ أَزِلْ عَنِّی کُلَّ شَکٍّ وَ شُبْهَهٍ

و هر شکّ و شبهه ای را از من دور ساز.

۱۲۹/۴۷

شکار

دام شکار ستمگر

وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ... نَصَبَ لِي شَرَكَ مَصَايِدِهِ

و چه بسیار ستمگری که دام های خود را برایم گسترد.۷/۴۹

ستمگر، در کمین فرصتی برای شکار

وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ... أَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِيدَتِهِ انْتِظَارًا لِانْتِهَازِ الْفُرْصَهِ لِفَرِيسَتِهِ

و چه بسیار ستمگری که همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در

کمین من نشست.۷/۴۹

شکافتن

شکافتن تاریکی، با درآمدن در بامداد

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی.۸/۶

نشکافتن پرده میان بنده و شیطان

وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ... رَدْمًا مُصْمِتًا لَا يَفْتُقُهُ

و میان ما و او سد استواری قرار ده که نتواند آن را بشکافد.۳/۱۷

شکایت

شکوه بنده و حسن نظر خداوند

وَ أَنِلْنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيما شَكَوْتُ

و در آنچه شکوه دارم به من احسان داشته باش.۸/۷

پنهان نبودن اخبار شکوه کنندگان، بر خدا

يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ

ای کسی که خبرهای شکوه کنندگان بر او پنهان نیست.۱/۱۴

شکایت نکردن به کسی، جز خدا

اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ

خداوندا به کسی جز تو شکوه نمی کنم.

۱۱/۱۴

همراه ساختن شکایت بنده، با تغییر

وَ اقْرِنْ شِكَایَتِی بِالتَّغْییرِ

و دادخواهیم را با دگرگونی پیوند ده.

۱۱/۱۴

شکوه متوکّل به خدا، از فقر

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی... مُغْنٍ مَنْ شَکَا إِلَیْکَ، فَقْرَهُ تَوَکُّلًا؟

ای خدای من آیا تو هر کس را که از تهی دستی اش با توکّل، به سوی تو شکایت کرد، بی نیاز می سازی؟۱۵/۱۶

شکایت از بدْهمسایگیِ شیطان

فَأَنَا أَشْکُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِی، وَ طَاعَهَ نَفْسِی لَهُ

پس از بدهمسایگی او با من و اطاعت نفسم از او به تو شکایت می کنم.۲۷/۳۲

شکایت از ضعف نفس و بسیاری اندوه

أَشْکُو إِلَیْکَ یَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی... وَ کَثْرَهَ هُمُومِی، وَ وَسْوَسَهَ نَفْسِی

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم و از بسیاری اندوه هایم و از وسوسه های دلم، به تو شکایت

ص : ۷۹۷

می کنم.۱۰/۵۱

خدا، شنوای (شکایت) شاکی

تَسْمَعُ مَنْ شَکَا إِلَیْکَ

کسی را که به درگاه تو شکایت کند، می شنوی.

۱۲/۵۱

شُکر سپاس

شکست

شکست تسلّط غم بر بنده، به قدرت خدا

وَ اکْسِرْ عَنِّی سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِکَ

و به توانایی ات سلطه غم و اندوه را بر من بشکن.۸/۷

شکستن برندگی و تیزی ستمگر

وَ افْلُلْ حَدَّهُ عَنِّی بِقُدْرَتِکَ

و با توانایی خود برّندگی اش را از من بردار.

۶/۱۴

ثُمَّ فَلَلْتَ لِی حَدَّهُ

سپس تیزی (تیغ) او را برای من شکستی.

۶/۴۹

شکستن چاره جویی های شیطان

اللَّهُمَّ... الْطُفْ لَنَا فِی نَقْضِ حِیَلِهِ...

خداوندا راه باطل نمودن نیرنگ های او را به

ما لطف فرما.۸/۱۷

شکست دادن لشکر شیطان

اللَّهُمَّ وَ اهْزِمْ جُنْدَهُ

خداوندا و لشکرش را شکست ده.۱۳/۱۷

اصلاح کردن (گیاه) شکسته (ی پژمرده)

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا... تَجْبُرُ بِهِ الْمَهِيضَ

خداوندا ما را از بارانی که به وسیله آن گیاه پژمرده را اصلاح کنی، سیراب گردان.۴/۱۹

ایمن ساختن مغلوب، تنها توسّط غالب

لَا يُوءْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَغْلُوبٍ

شکست خورده را جز پیروز، امان نمی بخشد.

۳/۲۱

در هم شکستن بزرگیِ قصد بد دارنده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تَكْسِرَ جَبَرُوتَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا بزرگی اش را بشکنی.۸و۷/۲۳

مغلوب نمودن شیطان، از تسلّط بر بندگان

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ...

خداوندا با سلطه خود، او را از تسلّط بر ما

مغلوب نما.۸/۲۵

درهم شکستن دشمنان مرزداران اسلام

اللَّهُمَّ افْلُلْ بِذَلِکَ عَدُوَّهُمْ، وَ اقْلِمْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ...

خداوندا بدین وسیله، دشمنانشان را درهم شکن و چنگالشان را از آنان جدا کن.۵/۲۷

شکست دادن دشمن، به کمک فرشتگان

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِکَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِینَ حَتَّى یَکْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ...

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند.

۸/۲۷

مغلوب بودن همه بر حال و کار خود، جز خدا

وَ مَنْ سِوَاکَ... مَغْلُوبٌ عَلَى أَمْرِهِ، مَقْهُورٌ عَلَى شَأْنِهِ

و غیر تو، در کار خود مغلوب، در امورش زیردست می باشد.۱۱/۲۸

پناه بردن به خدا، از توبه شکستن

اللَّهُمَّ أَیُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَیْکَ وَ هُوَ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِی ذَنْبِهِ وَ خَطِیئَتِهِ، فَإِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَکُونَ کَذَلِکَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاهت توبه نمود

ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین باشم.۲۰/۳۱

مغلوب نگشتن امر و فرمان خدا

لَا یُغَالَبُ أَمْرُکَ

فرمان تو مغلوب نمی شود.۹/۴۸

شکست برگزیدگان خدا

...حَتَّی عَادَ صِفْوَتُکَ وَ خُلَفَاوءُکَ مَغْلُوبِینَ مَقْهُورِینَ

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب و شکست خورده شدند.۹/۴۸

شکست نخوردنِ پناه برنده به سایه رحمت الهی

فَنَادَیْتُکَ یَا إِلَهِی... عَالِمًا أَنَّهُ لَا یُضْطَهَدُ مَنْ أَوَی إِلَی ظِلِّ کَنَفِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به سایه رحمت تو پناه بَرَد، شکست نمی خورد.۱۰/۴۹

خدا، توانایی مغلوب نشدنی

فَلَکَ الْحَمْدُ إِلَهِی مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ

پس خدای من، سپاس برای توست. توانایی که شکست نمی خورد.۱۴/۴۹

شکست بنده، در صورت عدم یاری خدا

فَلَوْ لَا نَصْرُکَ إِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِینَ

پس اگر یاری کردن تو نبود، هر آینه از شکست خوردگان بودم.۷/۵۱

شکفتن

زنده نمودن شهرها، با شکفتن شکوفه

وَ أَحْیِ بِلَادَکَ بِبُلُوغِ الزَّهَرَهِ

و با شکفتن شکوفه، سرزمین هایت را زنده گردان. ۲/۱۹

شکم

جا دادن (غذاهای) حلال، در شکم

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی لَا تَعِیَ بُطُونُنَا إِلَّا مَا أَحْلَلْتَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا شکم هایمان جز آنچه تو حلال نموده ای در خود جای ندهد.۷و۶/۴۴

شکوفه

زنده نمودن شهرها، با شکفتن شکوفه

وَ أَحْیِ بِلَادَکَ بِبُلُوغِ الزَّهَرَهِ

و با شکفتن شکوفه، سرزمین هایت را زنده گردان. ۲/۱۹

شِکوه شکایت

شکیبایی بردباری

صبر و شکیبایی بهشتیان

...وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ

...و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای.۲۰/۳

پناه بردن به خدا، از سستی صبر

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... ضَعْفِ الصَّبْرِ

خداوندا به تو پناه می برم از سستی شکیبایی.

۱/۸

یاری شدن با شکیبایی دائم

أَیِّدْنِی مِنْکَ بِنِیَّهٍ صَادِقَهٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.

۱۴/۱۴

عدم شکیبایی بر بلا و گرفتاری

اللَّهُمَّ... لَا صَبْرَ لِی عَلَی الْبَلَاءِ

خداوندا بر بلا شکیبایی ندارم.۲/۲۲

یاری مرزداران اسلام، با شکیبایی

وَ أَعِنْهُمْ بِالصَّبْرِ

و با شکیبایی یاریشان ده.۲/۲۷

ص : ۸۰۰

شکیبایی نیکو، بر همنشینی با فقرا

وَ أَعِنِّی عَلَی صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ

و مرا بر همنشینی ایشان (نیازمندان)، با شکیبایی نیکوْ یاری ده.۴/۳۰

شکیبایی بر عذاب خداوند

وَ لَوْ أَنَّ عَذَابِی مِمَّا یَزِیدُ فِی مُلْکِکَ لَسَأَلْتُکَ الصَّبْرَ عَلَیْهِ

و اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم.۶/۵۰

شگفتی

شگفتی های بی پایان عظمت خدا

یَا مَنْ لَا تَنْقَضِی عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ

ای کسی که شگفتی های بزرگی او پایانی ندارد.

۱/۵

شگفت از گواهی بنده، علیه خود

سُبْحَانَکَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَی نَفْسِی

پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم.۲۵/۱۶

شگفت از بردباری خدا، درباره بنده

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِکَ أَنَاتُکَ عَنِّی، وَ إِبْطَاؤُکَ عَنْ مُعَاجَلَتِی

و شگفت تر از آن بردباری تو با من و درنگ تو از زود به کیفر رساندن من است.۲۶/۱۶

الهام علم شگفتی های قرآن، به محمّد صلی الله علیه و آله

وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُکَمَّلًا

و علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی.۵/۴۲

رساندن فهم شگفتی های قرآن، به قلوب

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا... حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن را به دل های ما برسانی.

۱۰/۴۲

شگفت از تدبیر الهی، در امر (آفرینش)ماه

سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِی أَمْرِکَ!

پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود!**۳/۴۳**

شماتت

پناه بردن به خدا، از شماتت دشمنان

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ

و پناه می بریم به تو از شماتت دشمنان.

۸/۸

ص : ۸۰۱

وَ أَعِذْنِی مِنْ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ

و مرا از شماتت دشمنان پناه ده.۱۱۹/۴۷

علّت شماتت شیطان، بر بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّیْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا إِذْ شَایَعْنَاهُ عَلَی مَعْصِیَتِکَ

خداوندا چون بر نافرمانی از تو، شیطان را همراهی نمودیم، او ما را شماتت کرد.۶/۱۰

رسیدن اندوه به بنده و شماتت شیطان بر او

وَ لَا تُشْمِتْهُ بِنَا بَعْدَ تَرْکِنَا إِیَّاهُ لَکَ

و پس از آنکه به خاطر تو از او (شیطان) دوری کردیم، اندوهی به ما نرسان که او ما را شماتت کند.۶/۱۰

در مقابل چشمان شماتت کنندگان قرار نگرفتن

لَا تَنْصِبْنَا فِیهِ لِأَعْیُنِ الشَّامِتِینَ

ما را در آن (ماه)، پیش چشمان شماتت کنندگان قرار نده.۴۷/۴۵

شماتت نشدن بنده، از جانب دشمنش

وَ لَا تُشْمِتْ بِی عَدُوِّی

و دشمنم مرا شماتت نکند.۱۴/۴۸

شمار

نتیجه به شمار نیاوردن چیزی از فضل خدا، جز توبه

...فَلَوْ لَمْ نَعْتَدِدْ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسُنَ بَلَاوءُهُ عِنْدَنَا، وَ جَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَیْنَا، وَ جَسُمَ فَضْلُهُ عَلَیْنَا

پس اگر از فضل او، جز همان توبه را به شمار نیاوریم، مسلّماً نعمتش بر ما نیکو و احسانش بر ما بزرگ و فضلش بر ما تمام است.۲۲/۱

سپاسی به شماره احاطه علم خداوند

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ

پس سپاس او را، به شماره آنچه علمش – از همه چیزها – به آن احاطه دارد.۲۷/۱

سپاسی به شماره چندین برابر نعمت ها

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... مَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً...

پس سپاس او را، به جای هر یک از آنها به شماره چندین برابر.۲۷/۱

سپاسی غیر قابل شمارش

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که عددش بی حساب

ص : ۸۰۲

می باشد.۲۸و ۲۷/۱

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَهُ، وَ یَزِیدُ عَلَی مَا أَحْصَتْهُ فِی کِتَابِکَ الْکَتَبَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند، و بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده اند، افزونی یابد.۴۰و۳۶/۴۷

پایان شمارش اعمال

وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِی عَلَیْنَا کَتَبَهُ أَعْمَالِنَا تَوْبَهً مَقْبُولَهً...

و پایان آنچه نویسندگان کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده.۳/۱۱

شمارش کارهای پنهانی خود

سُبْحَانَکَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَی نَفْسِی، وَ أُعَدِّدُهُ مِنْ مَکْتُومِ أَمْرِی

پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم. و کار پنهانی خویش را می شمارم.

۲۵/۱۶

شمارش زشتی ها، و کمی هوشیاری نسبت به تهدید الهی

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی... أَقَلُّ لِوَعِیدِکَ انْتِبَاهًا وَ ارْتِقَابًا مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من – ای خدای من – نسبت به تهدیدهایت کم هوشیارتر و نامراقب تر از آنم که

زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.۲۷/۱۶

برکناری از بودن در شمار دوستان شیطان

وَ اعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِیَائِهِ

و ما را از شمار دوستانش برکنار فرما.

۱۴/۱۷

برشمردن نعمت های الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... إِحْصَاءً لِمِنَنِکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، شمردن بخشش هایت را قرار ده.۱۳/۲۰

خدا و شمارش تکالیف، بر بنده

هُوَ، یَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَیْتَهُ عَلَیَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِی

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم.۷/۲۲

افزودن شماره (تبار)، به وسیله فرزندان

وَ کَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِی

و تعداد مرا به وسیله آنها بیفزا.۴/۲۵

افزون ساختن عدّه مرزداران اسلام

ص : ۸۰۳

وَ كَثِّرْ عِدَّتَهُمْ

و بر تعدادشان بیفزا.۲/۲۷

کاستن تعداد دشمنان مرزداران اسلام

وَ انْقُصْ مِنْهُمُ الْعَدَدَ

و از تعدادشان بکاه.۵/۲۷

درودی با شمارشی قطع نشدنی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... صَلَاةً... لَا يَنْقَطِعُ عَدَدُهَا

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست. درودی که شماره اش قطع نگردد.۱۸/۲۷

خدا و یکتایی عدد و شماره

لَكَ يَا إِلَهِي وَحْدَانِيَّةُ الْعَدَدِ

خداوندا یگانگیِ شمار از آنِ توست.

۱۰/۲۸

شمردن آنچه بنده با آن به خود ستم کرده

...حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى... أَحْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ

...امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، آنچه با آن به خود ستم کرده، شمرد.

۷/۳۱

شمردن گناهانی که خدا حسابشان را بهتر

می داند

وَ عَدَّدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَى لَهَا خُشُوعًا

و با خشوع، - از گناهانش - آنچه تو شماره آن را بهتر می دانی شمرده.۹/۳۱

طاعت بنده، کمتر از به شمار آمدن

قَلَّ عِنْدِی مَا أَعْتَدُّ بِهِ مِنْ طَاعَتِکَ

طاعتی که به شمار آورم، نزد من کم است.

۱۰/۳۲

درودی به تعداد بی شمار

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... صَلَاهً... لَا یُحْصَی عَدَدُهَا

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که تعدادش به شمار درنیاید.۳۴/۳۲

درودی به شماره همه درودهای خداوند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... عَدَدَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی مَنْ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده ای.

۱۹/۴۴

توانایی شمارش درود بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... عَدَدَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی مَنْ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ، وَ أَضْعَافَ ذَلِکَ کُلِّهِ بِالْأَضْعَافِ الَّتِی لَا

يُحْصِيهَا غَيْرُكَ

خداونـدا بر محمّد و خاندانش درود فرست. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده ای، و چندین برابر همه آن به چندین برابر که جز تو شمار آنها را نداند.۱۹/۴۴

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً... تَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفَ لَا يَعُدُّهَا غَيْرُكَ

پروردگـار من، بر او و خانـدانش درود فرست، درودی که آن را با گـذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چنـدین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند.۵۵/۴۷

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ... وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ... صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ

خداونـدا، از تـو درخـواست می کنم که بر محمّـد و بر خانـدان محمّـد درود فرستی. درودی که جز تـو کسـی بر شـمردن آن توانایی نداشته باشد.

۳/۴۸

جدایی از رمضان، هنگام تمام شدن عدد (روزهای)ش

ثُمَّ قَدْ فَارَقَنَا عِنْدَ... وَفَاءِ عَدَدِهِ

سپس هنگام پایان یافتن عدد (روزهای)ش، از ما جدا شد.۲۲/۴۵

به شمارش نیامدن نعمت خدا

وَ نِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى بِأَسْرِهَا

و نعمت تو بیشتر از آنست که تمامش به شماره آید.۲۳/۴۶

خدا، بعد از هر شماره و عدد

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. آخرین بعد از هر شمار.۹/۴۷

شمارش تعداد هر چیز، توسّط خداوند

أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

تویی آنکه هر چیز را یک یک شمرده ای.

۱۷/۴۷

تنهایی بنده و بسیاری شمار دشمنان

فَنَظَرْتَ يَا إِلَهِي إِلَى... وَحْدَتِي فِي كَثِيرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِي

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیانِ) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده، مشاهده کردی.۵/۴۹

رسوایی بنده ، از آنچه در نامه الهی شمرده شده

فَيَا سَوْأَتَا مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَيَّ كِتَابُكَ

پس وای بر رسوایی من، از آنچه نامه تو برایم برشمرده است.۲/۵۰

ص : ۸۰۵

شمشیر

در زمره کشته شدگان با شمشیرهای دشمن درآمدن

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... نَصِيرُ بِهِ فِی نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم.

۳۰و ۲۷/۱

از غلاف کشیدن شمشیر دشمنی

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی اش را بر روی من کشید.۴/۴۹

شنا

به شنا درآمدن ابر خروشان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَهُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای رانندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به شنا درآید، شعله های برق

می درخشد.۱۴و۱۱و۱۰/۳

شناخت

نتیجه بازداشتن بندگان از شناخت سپاس الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ... لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ...

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

خدا، خود را به بندگان شناساند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا عَرَّفَنَا مِنْ نَفْسِهِ

و سپاس خدای را که خودش را به ما شناساند.

۱۰/۱

شناساندن سنجش آب ها، به فرشتگان

...وَ الَّذِینَ عَرَّفْتَهُمْ مَثَاقِیلَ الْمِیَاهِ، وَ کَیْلَ مَا تَحْوِیهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا

...و آنها که وزن آب ها و پیمانه باران های شدید و رگبارهای متراکم را به آنان شناسانده ای.

۱۶/۳

پذیرش دعوت شیطان ، با وجود بینایی

ص : ۸۰۶

بنده در شناخت او

...حِینَ أَقِفُ بَیْنَ دَعْوَتِکَ وَ دَعْوَهِ الشَّیْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلَی غَیْرِ عَمًی مِنِّی فِی مَعْرِفَهٍ بِهِ...

هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور نیستم.۲۳/۱۶

شناخت مژده الهی

وَ اکْتُبْ لِی أَمَانًا مِنْ سُخْطِکَ، وَ بَشِّرْنِی بِذَلِکَ... بُشْرَی أَعْرِفُهَا

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و مرا به آن مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم.۳۳/۱۶

معرّفی نشانه ای در مژده الهی، به بنده

وَ اکْتُبْ لِی أَمَانًا مِنْ سُخْطِکَ، وَ بَشِّرْنِی بِذَلِکَ فِی الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ بُشْرَی أَعْرِفُهَا، وَ عَرِّفْنِی فِیهِ عَلَامَهً أَتَبَیَّنُهَا

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و هم اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم و در آن مرا از نشانه ای آگاه کن که آن را آشکارا بیابم.۳۳/۱۶

شناختن باطلِ آراسته شده شیطانی

اللَّهُمَّ وَ مَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ، وَ إِذَا عَرَّفْتَنَاهُ

فَقِنَاهُ

خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان. و چون شناساندی، ما را از آن نگهدار.۷/۱۷

شناخت علوم ربّانی ، جهت دشمنی با شیطان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِکَ عَلَیْهِ فِی مَعْرِفَهِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضدّ او اقدام کند، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

شناخت درستی کردار، از طریق دل

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی حَتَّی أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِکَ مِنْ قَلْبِی

و برای آخرتمْ رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم بشناسم. ۸/۲۲

معرفت دوستان و همسایگان امام علیه السلام ، به حقّ ایشان

وَ تَوَلَّنِی فِی جِیرَانِی وَ مَوَالِیَّ الْعَارِفِینَ بِحَقِّنَا

و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما هستند، یاری فرما.۱/۲۶

ص : ۸۰۷

شناخت برتری و فضیلت امام علیه السلام

وَ زِدْهُمْ بَصِیرَةً فِی حَقِّی، وَ مَعْرِفَةً بِفَضْلِی...

و بر حق بینی و فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزا.۴/۲۶

شناساندن ناشناخته ها، به مرزداران اسلام

وَ عَرِّفْهُمْ مَا یَجْهَلُونَ

و آنچه را نمی شناسند، به آنان بشناسان.

۳/۲۷

شناخت خدا از امّت های مشرک و بی نام و نشان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْکِ، الَّذِینَ تَخْفَی أَسْمَاؤُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ، وَ قَدْ أَحْصَیْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِکَ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و دیگر امّت های مشرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است و به دانایی، خود آنها را می شناسی.

۹/۲۷

الهام نمودن معرفت (کارِ) خیر، به بندگان

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ الِاخْتِیَارِ

و معرفت (کارِ) خیر را به ما الهام فرما.

۲/۳۳

عجز از معرفت اختیارشده خدا، برای

بنده

وَ لَا تَسُمْنَا عَجزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم.

شناخت شرافت و فضیلت قرآن

اللَّهُمَّ فَكَمَا... عَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَ فَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

خداوندا، پس همچنان که به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمّد که با آن سخن راند، درود فرست.۶/۴۲

الهام شناخت برتری ماه رمضان، به بندگان

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ

و شناختِ فضیلتش، و بزرگ داشتِ احترامش را به ما الهام کن.۶/۴۴

امّت محمّد صلی الله علیه و آله و شناسایی ماه رمضان

أَنْتَ وَلِيُّ مَا آثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ

تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن، برتری دادی.۴۴/۴۵

کثرت شناسایی خدا، به اشیا

سُبْحَانَكَ مِنْ... حَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ

پاک و منزّهی! ای شناسای چیزها، چه بسیار

است شناسایی تو.۲۳/۴۷

شناخته شدن راهنمایی، از جانب خدا

عُرِفَتِ الْهِدَایَهُ مِنْ عِنْدِکَ

هدایت از جانب تو شناخته شد.۲۵/۴۷

سپاسی که جز خدا، برتری آن را نشناسد

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا یَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاکَ فَضْلَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که احدی جز تو، فضیلت آن را نداند.۴۴و۳۶/۴۷

علم بنده، به تهدید الهی

فَأَقْدَمَ عَلَیْهِ عَارِفًا بِوَعِیدِکَ

پس با علم به تهدیدت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد.۶۸/۴۷

خدا، شناساننده امور به بنده

ثُمَّ عَرَفْتُ مَا أَصْدَرْتَ إِذْ عَرَّفْتَنِیهِ

سپس چون آگاهم کردی، آنچه را صادر نموده بودی شناختم.۱/۴۹

شنیدن استماع

شنیده شدن بانگ رعدها

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ یُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از

فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود.

۱۴و۱۱و۱۰/۳

خدا، شنونده صدای بنده

وَ کُنْ... لِصَوْتِی سَامِعًا

و صدایم را شنوا باش.۲۱/۱۳

شنوندگان سخن خدا

وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتْقِیَاءَ بُصَرَاءَ سَامِعِینَ مُطِیعِینَ لَکَ

و آنان (فرزندانم) را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود قرار ده.۳/۲۵

شنوا بودن خداوند

إِنَّکَ... سَمِیعٌ عَلِیمٌ...

همانا تو شنوای دانایی.۱۲/۲۵

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِیعُ الْبَصِیرُ

تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. شنوای بینا.۷/۴۷

ساکنان آسمان و زمین ، و شنیدن توبه بنده به درگاه خدا

فَمَا کُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی... لَکِنْ لِتَسْمَعَ سَمَاوءُکَ وَ مَنْ فِیهَا وَ أَرْضُکَ وَ مَنْ عَلَیْهَا مَا... لَجَأْتُ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ التَّوْبَهِ

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمانت و هر که در

آن است و زمینت و هر که بر روی آن است، توبه ای که به سبب آن به درگاهت پناه بردم را بشنود.

۲۶/۳۱

شنیدنی تر بودن دعای ساکنان آسمان و زمین در حقّ بنده، از دعای خودش

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِکَ یَرْحَمُنِی لِسُوءِ مَوْقِفِی، أَوْ تُدْرِکُهُ الرِّقَّةُ عَلَیَّ لِسُوءِ حَالِی فَیَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِیَ أَسْمَعُ لَدَیْکَ مِنْ دُعَائِی

شایـد برخی از آنها به رحمتتْ بر بـدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید؛ پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شنیدنی تر است.۲۷/۳۱

شنوندگان سخنان محمّد صلی الله علیه و آله و عترت او

وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِینَ وَ مُطِیعِینَ کَمَا أَمَرْتَ

و همان طور که فرمان داده ای ما را در برابر ایشان گوش به فرمان و مطیع قرار ده.۵/۳۴

شنواندن کردار خود، به شنوندگان

ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِکَ کُلَّهُ مِنْ... سُمْعَةِ الْمُسْمِعِینَ

سپس همه آن را از شنواندن به شنوندگان، خالص گردان.۷/۴۴

شنیدن راز و نجوای بنده

وَ اسْمَعْ نَجْوَایَ

و نجوایم را بشنو.۲۵/۴۶

شنوندگان ولیّ خدا (امام علیه السلام)

وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِینَ مُطِیعِینَ

و ما را برای او شنوندگان (و) فرمانبران قرار ده.۶۳/۴۷

خدا، شنونده دعا و درخواست

...بَلْ وَجَدْتُکَ لِدُعَائِی سَامِعًا

...بلکه تو را برای نیایشم، شنونده یافتم.

۵/۵۱

خدا، شنونده شکایت شاکی

تَسْمَعُ مَنْ شَكَا إِلَيْكَ

کسی را که به درگاه تو شکایت کند، می شنوی.

۱۲/۵۱

شور

شور نگرداندن آب ابر

اللَّهُمَّ... لَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أُجَاجًا

خداوندا آبش را بر ما شور و تلخ نگردان.

۶/۱۹

شوق

اشتیاق به پیامبران

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ – مِنْ – أَهْلِ

الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ... الِاشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ... فَاذْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پنهانیِ پیامبران از اهل زمین، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.۲و۱/۴

اشتیاق بنده، به گذشت الهی

اللَّهُمَّ... إِلَى تَجَاوُزِكَ اشْتَقْتُ

خداوندا به گذشت تو اشتیاق ورزیده ام.

۱۵/۲۰

شوق و دلباختگی بنده، به خدا

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِشَوْقٍ إِلَيْكَ

و شوق به خودت را به من ارزانی دار.

۱۳/۲۱

سبب انجام نیکی ها، با شوق

وَ ارْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي... حَتَّى أَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا آنکه با اشتیاق به کارهای نیک بپردازم.۸/۲۲

شوق پاداش وعده داده شده

وَ ارْزُقْنِي... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را

روزی ام فرما.۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

خداوندا شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان.۵۳/۴۵

سبب اشتیاق نسبت به مرگ

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَی وَشْکِ اللَّحَاقِ بِکَ حَتَّی یَکُونَ الْمَوْتُ... مَأْلَفَنَا الَّذِی نَشْتَاقُ إِلَیْهِ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی که مرگ برای ما محل الفتی باشد که به سوی آن مشتاقیم.۳/۴۰

اشتیاق به رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَیْکَ! وَ أَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا إِلَیْکَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!.

۴۱/۴۵

اشتیاق دیدار خداوند

شَوِّقْنِی لِقَاءَکَ

مرا به دیدارت مشتاق گردان.۱۲۶/۴۷

وَ اجْعَلْ فِیما عِنْدَکَ رَغْبَتِی شَوْقًا إِلَی لِقَائِکَ

و در آنچه نزد توست، رغبتم را، آرزومندی

دیدارت قرار ده.۴/۵۴

شُوم

درخواست شوم نگرداندن سردی ابر

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَیْنَا سَمُومًا

خداوندا سایه آن (ابر) را بر ما گرم و سوزان قرار نده.۶/۱۹

عدم نحوست ماه نو

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِیهِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سعادتمندی بدون نحوست، قرار دهد.۵و۴/۴۳

شهادت شهید و نیز گواهی

شهر

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به شهرهای غربت

وَ هَاجَرَ إِلَی بِلَادِ الْغُرْبَهِ

و به شهرهای غربت هجرت نمود.۱۶/۲

دوری اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از شهرهای خویشانشان

وَ اشْکُرْهُمْ عَلَی هَجْرِهِمْ فِیکَ دِیَارَ قَوْمِهِمْ

و ایشان را به خاطر آنکه در راه تو از شهرهای

خویشانشان هجرت کردند، پاداش عنایت کن.

۸/۴

ارزان نمودن نرخ ها، در همه شهرها

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تُرْخِصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِی جَمِیعِ الْأَمْصَارِ

خداوندا ما را با بارانی که با آن قیمت ها را - در همه شهرهای بزرگ - ارزان کنی، سیراب نما.

۵/۱۹

استوار نمودن شهرهای مسلمانان

وَ حَصِّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ

و به وسیله آن، شهرهایشان را استوار ساز.

۷/۲۷

دشمنان خدا در اطراف شهرها

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْكِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و دیگر امّت های مشرک.۹/۲۷

فروبردن شهرهای مشرکان، به زمین

وَ ارْمِ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ

و شهرهایشان را در زمین فروبر.۱۲/۲۷

سنگباران نمودن شهرهای مشرکان

وَ أَلِحَّ عَلَيْهَا بِالْقُذُوفِ

و پیوسته آن (شهرها) را سنگباران فرما.

۱۲/۲۷

زایل ساختن خشکی شهرها

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ مَحْلَ بِلَادِنَا بِسُقْيَاکَ

خداوندا خشکسالیِ شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز.۴/۳۶

اهالی شهرها و نپذیرفتن بنده

یَا مَنْ یَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ

ای کسی که می پذیرد، آن را که (اهل) شهرها او را نمی پذیرند.۲/۴۶

امام علیه السلام ، نشانه (راه حق)، در شهرها

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَیَّدْتَ دِینَکَ... بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ... مَنَارًا فِی بِلَادِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را به امامی تأیید کرده ای، که او را علامتی در شهرهایت به پا داشتی.

۶۰/۴۷

زندگی بخشیدن به شهرهای مرده

وَ هَبْ لَنَا یَا إِلَهِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجًا بِالْقُدْرَهِ الَّتِی... بِهَا تَنْشُرُ مَیْتَ الْبِلَادِ

و ما را – ای خدای من – از جانب خود به توانایی ای که با آن سرزمین های مرده را زندگی می بخشی، گشایش ده.۱۳/۴۸

شهرت آوازه

مشهور بودن خدا، به گذشت

فَإِنَّکَ... مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ

همانا تو به گذشت مشهوری.۱۵/۱۲

مشهور نساختن بنده، به گناهانش

وَ کَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّیْتَهُ عَلَیَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِی

و چه بسیار گناهانی که برای من در پرده داشتی و (به آن) مشهورم ننمودی.۲۱/۱۶

ماه رمضان و برتری های مشهورش

فَأَبَانَ فَضِیلَتَهُ عَلَی سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ... الْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَهِ

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به فضایل مشهور آشکار ساخت.۴/۴۴

شهرت جویی

رهاندن مجاهد مسلمان، از شهرت طلبی

وَ خَلِّصْهُ مِنَ السُّمْعَهِ

و او را از شهرت طلبی نجات ده.۱۴/۲۷

خالص گرداندن کردارها، از شهرت جویی

ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِکَ کُلَّهُ مِنْ... سُمْعَهِ الْمُسْمِعِینَ

سپس همه آن را از شهرت جویی شهرت طلبان، خالص گردان.۷/۴۴

ص : ۸۱۳

شهوت

شهوات، و بازداشته نشدن فرشتگان از تسبیح

وَ الَّذِینَ... لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِیحِکَ الشَّهَوَاتُ...

و همانها که خواهش های نفسانی، آنها را از تسبیح تو باز نمی دارد...۷/۳

آفرینش شب، و نائل آمدن به شهوت

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّیْلَ... لِیَنَالُوا بِهِ لَذَّهً وَ شَهْوَهً

پس شب را برای آنان آفرید تا به سبب آن خوشی و کام دل یابند.۵/۶

پناه بردن به خدا، از افراطِ شهوت

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... إِلْحَاحِ الشَّهْوَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از زیاده روی شهوت.

۱/۸

عرضه شهوت به بنده، توسّط شیطان

یَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ

خواهش های نفسانی را برای ما عرضه می دارد.

۷/۲۵

برگرداندن شهوت بنده، از حرام

وَ اکْسِرْ شَهْوَتِی عَنْ کُلِّ مَحْرَمٍ

و خواهش نفس مرا، از هر حرامی بشکن.

۱/۳۹

شهوات، و بی بهره گشتن بنده

وَ شَهَوَاتِی حَرَمَتْنِی

و خواهش های نفسانی ام مرا محروم گردانده.

۷/۵۲

شهید

سبب درآمدن در زمره شهیدان

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... نَصِیرُ بِهِ فِی نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُیُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم.

۲۷/۱و۳۰

درخواست تقدیر شهادت، برای مجاهد

فَإِنْ... قَضَیْتَ لَهُ بِالشَّهَادَهِ فَبَعْدَ أَنْ یَجْتَاحَ عَدُوَّکَ بِالْقَتْلِ...

پس اگر شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده است.

۱۵/۲۷

ویژگی های قرارگیرنده در زمره شهیدان

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ... وَ اجْعَلْهُ فِی نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را

نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده.۱۷/۲۷

پناه دادن بنده، در جایگاه شهدا

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ... وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و شهیدان و صالحان، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

شیر

پُر شیر ساختن پستان چهارپایان، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تُدِرُّ بِهِ الضَّرْعَ

خداوندا ما را با بارانی که پستان حیوان را با آن پر (شیر) سازی، سیراب نما.۵/۱۹

شیرینی

شیرینی زبان ها، در بیان نعمت خدا

وَ اجْعَلْ... انْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِی وَصْفِ مِنَّتِکَ

و خوش سخنی هایمان را در بیان نعمت بزرگ

خود قرار ده.۱۴/۵

چشاندن شیرینی بخشش الهی، به بنده

وَ أَذِقْنِی حَلَاوَهَ الصُّنْعِ فِیما سَأَلْتُ

و شیرینی احسانت را در آنچه درخواست نمودم به من بچشان.۸/۷

کامیابی به شیرینی تندرستی

وَ أَوْجِدْنِی حَلَاوَهَ الْعَافِیَهِ

و مرا از شیرینی تندرستی کامیاب فرما.

۶/۱۵

چشاندن شیرینی آمرزش، به بنده

وَ أَذِقْنِی حَلَاوَهَ الْمَغْفِرَهِ

و شیرینی آمرزش را به من بچشان.۳۳/۱۶

تلخی ترس از ستمکار و شیرینی ایمنی از او

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ مَرَارَهِ خَوْفِ الظَّالِمِینَ حَلَاوَهَ الْأَمَنَهِ

و درباره من تلخی بیم از ستمگران را به شیرینی امنیّت مبدّل فرما.۷/۲۰

کامیابی از شیرینی مهربانی خداوند

وَ أَوْجِدْنِی... حَلَاوَهَ رَحْمَتِکَ وَ رَوْحِکَ وَ رَیْحَانِکَ، وَ جَنَّهِ نَعِیمِکَ

و مرا از شیرینی رحمتت و آسودگی و آسایش و بهشت پر نعمتت، کامیاب گردان.۱۲۵/۴۷

ص : ۸۱۵

شیطان

تبهکاری های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ وَ کَیْدِهِ وَ مَکَایِدِهِ

خداوندا ما از وسوسه های شیطان – رانده شده – و حیله و مکرهای او به تو پناه می بریم.

۱/۱۷

از امورات شیطان، به خدا پناه بردن

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ وَ کَیْدِهِ وَ مَکَایِدِهِ، وَ مِنَ الثِّقَهِ بِأَمَانِیِّهِ وَ مَوَاعِیدِهِ وَ غُرُورِهِ وَ مَصَایِدِهِ

خداوندا ما از وسوسه های شیطان – رانده شده – و حیله و مکرهای او و اطمینان به آرزوهای او و وعده ها و فریب ها و دام هایش به تو پناه می بریم. ۱/۱۷

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یُطْمِعَ نَفْسَهُ فِی إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِکَ، وَ امْتِهَانِنَا بِمَعْصِیَتِکَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت و خوار نمودن ما به نافرمانی ات طمع کند، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

درخواست بنده از خدا، درباره شیطان در ارتباط با خودش

اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِکَ، وَ اکْبِتْهُ بِدُؤُوبِنَا فِی مَحَبَّتِکَ، وَ اجْعَلْ بَیْنَنَا وَ بَیْنَهُ سِتْرًا لَا یَهْتِکُهُ، وَ رَدْمًا مُصْمِتًا لَا یَفْتُقُهُ

خداوندا او را از ما – به سبب عبادت و بندگی ات – دور کن. و با کوشش مستمر ما – در دوستی ات – او را خوار نما. و میان ما و او پرده ای افکن که نتواند آن را چاک زند. و سد استواری که نتواند آن را بشکافد.۳/۱۷

وَ اشْغَلْهُ عَنَّا بِبَعْضِ أَعْدَائِکَ، وَ اعْصِمْنَا مِنْهُ بِحُسْنِ رِعَایَتِکَ، وَ اکْفِنَا خَتْرَهُ، وَ وَلِّنَا ظَهْرَهُ، وَ اقْطَعْ عَنَّا إِثْرَهُ

و او را به جای ما به برخی دشمنانت سرگرم نما و ما را با نیکیِ نگهداری ات از او نگهدار. و حیله او را از ما دور کن و او را از ما فراری ده. و اثرش را از ما قطع کن.۴/۱۷

اللَّهُمَّ... حَوِّلْ سُلْطَانَهُ عَنَّا، وَ اقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا، وَ ادْرَأْهُ عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا

خداوندا تسلّط او را از ما بردار و امیدش را از ما قطع کن و او را از حریص بودن به ما باز دار.

۹/۱۷

درخواست بنده از خدا، درباره خودش در رابطه با شیطان

وَ أَمْتِعْنَا مِنَ الْهُدَی بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ، وَ زَوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَی ضِدَّ غَوَایَتِهِ، وَ اسْلُكْ بِنَا مِنَ التُّقَی خِلَافَ سَبِیلِهِ مِنَ الرَّدَی

ص : ۸۱۶

و ما را به انـدازه گمراهی او، از رسـتگاری ات بهره مند گردان. و بر ضدّ گمراهی او، ما را از پرهیزکاری توشه ده. و برخلاف راه هلاکت بارش، ما را به راه پرهیزکاری ببَر.۵/۱۷

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِی قُلُوبِنَا مَدْخَلًا، وَ لَا تُوطِنَنَّ لَهُ فِيما لَدَيْنَا مَنْزِلًا

خداوندا برای او در دل های ما راه ورودی قرار نده. و او را در آنچه نزد ماست، منزل نده.

۶/۱۷

اللَّهُمَّ... بَصِّرْنَا مَا نُكَايِدُهُ بِهِ، وَ أَلْهِمْنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ، وَ أَيْقِظْنَا عَنْ سِنَهِ الْغَفْلَهِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ، وَ أَحْسِنْ بِتَوْفِيقِكَ عَوْنَنَا عَلَيْهِ

خداوندا ما را به راه فریب دادنش، آگاه کن. و آنچه برای (دور ساختن) او باید آماده سازیم، به ما الهام فرما. و ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان. و به توفیق خود ما را بر ضدّ او، نیکو یاری نما.

۷/۱۷

اللَّهُمَّ وَ أَشْرِبْ قُلُوبَنَا إِنْكَارَ عَمَلِهِ، وَ الْطُفْ لَنَا فِی نَقْضِ حِيَلِهِ

خداوندا و دل های ما را از انکار او سیراب ساز و راه باطل نمودن نیرنگ های او را به ما لطف فرما. ۸/۱۷

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ أَعْدَائِهِ، وَ اعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ، لَا نُطِيعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا، وَ لَا نَسْتَجِيبُ لَهُ إِذَا

دَعَانَا، نَأْمُرُ بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا، وَ نَعِظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنِ اتَّبَعَ زَجْرَنَا

خداوندا ما را در گروه دشـمنانش قرار ده و از شمار دوستانش برکنار فرما تا هرگاه ما را به خود مایل ساخت، فرمانش نبریم و هرگـاه که مـا را فراخوانـد، پاسـخش نـدهیم. هر که فرمـان مـا را پیروی کنـد، به دشـمنی او فرمـان دهیم و هر کس نهی مـا را پذیرفت، از پیروی او بازداریم.

۱۴/۱۷

درخواست حفظ مؤمنان، از شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ... قَرَابَاتِنَا وَ جِيرَانَنَا مِنَ الْمُوءْمِنِينَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِنْهُ فِی حِرْزٍ حَارِزٍ... وَ أَلْبِسْهُمْ مِنْهُ جُنَنًا وَاقِيَهً، وَ أَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَهً مَاضِيَهً

و پـدران و مـادران و نزدیکـان و همسایگـان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شـرّ) او در جایگاهی محکم قرار ده و بر انـدام آنان زره های بازدارنده از آزار و اذیّت او بپوشان و سلاح های برنده بر ضدّ او به آنان عطا فرما.۱۰/۱۷

آموختن علم های خدایی، علیه شیطان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِکَ عَلَیْهِ فِی مَعْرِفَهِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِیَّهِ

خداونـدا و همه این خواسـته ها را در حقّ هر که در راه شـناخت علم های خـدایی از تو یاری خواست تا بر ضـدّ او اقدام کند، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

دشمنی نمودن با شیطان، از روی حقیقت

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... عَادَاهُ لَکَ بِحَقِیقَهِ الْعُبُودِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به سبب حقیقتِ بندگی تو، با او دشمنی کرد، اجابت فرما.۱۱/۱۷

درخواست از خدا، درباره شیطان

اللَّهُمَّ احْلُلْ مَا عَقَدَ، وَ افْتُقْ مَا رَتَقَ، وَ افْسَخْ مَا دَبَّرَ، وَ ثَبِّطْهُ إِذَا عَزَمَ، وَ انْقُضْ مَا أَبْرَمَ

خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن. و آنچه بست، بگشا. و آنچه اندیشید، باطل کن. و هر تصمیمی گرفت، از اقدامش بازدار. و آنچه استوار نمود، درهم شکن.۱۲/۱۷

اللَّهُمَّ وَ اهْزِمْ جُنْدَهُ، وَ أَبْطِلْ كَيْدَهُ، وَ اهْدِمْ كَهْفَهُ، وَ أَرْغِمْ أَنْفَهُ

خداوندا و لشکرش را شکست ده. و فریبش را باطل فرما. و پناهگاهش را ویران ساز. و بینی اش را به خاک بمال.۱۳/۱۷

میراندن بنده، در صورتِ چراگاه شیطان شدن عمرش

فَإِذَا كَانَ عُمْرِی مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِی إِلَيْكَ...

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد، مرا به سوی خود بازگردان.۵/۲۰

القائات شیطانی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِی الشَّيْطَانُ فِی رُوعِی مِنَ الَّتمَنِّی وَ التَّظَنِّی وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ...

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو و خیال بافی و رشک، در دل من می افکند، یاد بزرگی ات را قرار ده.۱۳/۲۰

تبدیل القائات شیطانی، به یاد بزرگی و توانایی خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِی الشَّيْطَانُ فِی رُوعِی مِنَ الَّتمَنِّی... ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَ تَفَكُّرًا فِی قُدْرَتِكَ، وَ تَدْبِيرًا عَلَى عَدُوِّكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو در دل من می افکند، یاد بزرگی ات و اندیشه در قدرتت و تدبیر علیه دشمنت را قرار ده.۱۳/۲۰

پناه بردن به خدا، از شرّ هر شیطان سرکش

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّيَّتِی... مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر شیطانِ سرکش پناه ده.۶/۲۳

پناه دادن بنده و فرزندانش، از شیطان

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ

و من و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده پناه ده.۶/۲۵، ۶/۲۳

چیرگی شیطان، بر بنده

هَذَا مَقَامُ مَنْ... اسْتَحْوَذَ عَلَیْهِ الشَّیْطَانُ

ص : ۸۱۸

این مقام کسی است که شیطان بر او چیره گشته. ۶/۳۱

وَ أَسْتَعْصِمُکَ مِنْ مَلَکَتِهِ

و از تو می خواهم مرا از چیرگی او نگاه داری.

۲۷/۳۲

زاری جهت برگرداندن مکر شیطان

وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْکَ فِی صَرْفِ کَيْدِهِ عَنِّی

و به درگاه تو زاری می کنم، تا فریبش را از من بازگردانی.۲۷/۳۲

شیطان و به دست گرفتن مهار بنده

قَدْ مَلَکَ الشَّيْطَانُ عِنَانِی فِی سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ الْيَقِينِ

شیطانْ افسار مرا در بدگمانی و سست باوری به دست گرفت.۲۷/۳۲

گله بنده، از بدْهمسایگی شیطان

فَأَنَا أَشْکُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِی، وَ طَاعَةَ نَفْسِی لَهُ

پس از بدهمسایگی او با من و اطاعت نفسم از او به تو شکایت می کنم.۲۷/۳۲

فریب خوردن از شیطان و نافرمانی خدا

فَلَوْ لَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِکَ مَا عَصَاکَ عَاصٍ

پس اگر شیطان آنها را از اطاعتت فریبشان نمی داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی کرد.

۹/۳۷

عامل حفظ بندگان، از تبهکاری شیطان

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا... مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا

و قرآن را نگهبان ما از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد قرار ده.۱۰/۴۲

فریب خوردن از شیطان

وَ جَنِّبْنَا... الِانْخِدَاعَ لِعَدُوِّکَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

و ما را از فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان.۱۳/۴۴

شیطان، دشمن خدا

وَ جَنِّبْنَا... الِانْخِدَاعَ لِعَدُوِّکَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

و ما را از فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان.۱۳/۴۴

وَ إِنِ اشْتَمَلَ عَلَيْنَا عَدُوُّکَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ

و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده.۱۶/۴۴

رهایی دادن بندگان، از شیطان

وَ إِنِ اشْتَمَلَ عَلَيْنَا عَدُوُّکَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ

و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده.۱۶/۴۴

رمضان، یاور بنده بر مغلوب نمودن شیطان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَی الشَّیْطَانِ

درود بر تو یاوری که در برابر شیطان یاری کرد. ۲۹/۴۵

شیفتگی

عدم غفلت فرشتگان، از شیفتگی به خدا

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ... لَا یَغْفُلُونَ عَنِ الْوَلَهِ إِلَیْکَ

خداوندا و حاملان عرشت که از شیفتگی به سوی تو غافل نمی شوند...۱/۳

دل بنده، شیفته نعمت های فراوان الهی

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... قَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِکَثْرَهِ النِّعَمِ عَلَیْهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دلش به سبب زیادی نعمت ها بر او، فریفته شده.۸/۵۲

شیون

شیون بنده، و عدم سزاواری محوِ بدیِ او

یَا إِلَهِی لَوْ... انْتَحَبْتُ حَتَّی یَنْقَطِعَ صَوْتِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر چنان شیون کنم تا صدایم قطع شود، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

شیوه روش

ص

صاحب (دارا)

اسرافيل، صاحب صور

إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی يَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ

اسرافيل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست.۲/۳

ميکائيل، فرشته صاحبْ منزلت نزد خدا

مِيکَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَکَ، وَ الْمَکَانِ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِکَ

ميکائيل نزد تو دارای مقام والا است، و از اطاعتت جايگاهی بلند دارد.۳/۳

خدا، صاحب عرش و تخت بزرگ

يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

ای صاحب عرش و تخت بزرگ.۱۰/۷

خدا، دارای فضل و احسان بزرگ

إِنَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

به درستی که تو صاحب فضل بزرگی.

۶/۳۰، ۱۵/۲۴، ۱۶/۱۴

إِنَّکَ ذُو... فَضْلٍ کَرِيمٍ

به درستی که تو دارای فضل بزرگ هستی.

۲۱/۴۲

خدا، دارای عظمت، بزرگواری و احترام

إِنَّکَ... ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

همانا تویی دارای بزرگواری و احترام.

۷/۱۵

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ... ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

خداوندا سپاس برای توست، دارای بزرگواری و کرم.۲/۴۷

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

معبودی جز تو نیست، دارای بزرگواری و احترام. ۲/۴۸

یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

ای دارای بزرگواری و کرم.۲۸/۴۸

تَجَاوَزْ عَنِّی یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

از من درگذر، ای دارای بزرگی و کرم.

۷/۵۰

یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

ای صاحب عظمت و کرامت.۳/۵۴

خدا، دارای نعمت دیرین

إِنَّکَ ذُو... الْمَنِّ الْقَدِیمِ

به درستی که تو صاحب نعمت دیرینه ای.

۱۵/۲۴

عوض دادن خدا، به صاحبان تبعات

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَ تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيتُهُنَّ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که به یاد دارم و گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام. پس صاحبانش را عوض ده.

۱۸/۳۱

خدا، صاحب پادشاهی جاوید

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَأَبِّدِ بِالْخُلُودِ

خداوندا ای صاحب پادشاهی پاینده جاوید.

۱/۳۲

گمان برتری بردن، به صاحب ثروت

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ... أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرْوَةٍ فَضْلًا

و مرا از اینکه به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما.۴/۳۵

خدا، دارای فضل و نعمت

إِنَّکَ... الْمُـحْسِنُ الْمُـجْمِلُ ذُو الطَّوْلِ

همانا تو نیکوکارِ عطاکننده هستی. دارای فضیلتی.۷/۳۶

ادا نکردن حقِّ صاحب حقّ مؤمن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَيْکَ... مِنْ حَقِّ ذِی حَقٍّ لَزِمَنِی

لِمُوْمِنٍ فَلَمْ أُوَفِّرْهُ

خداونـدا مـن بـه درگـاه تـو عـذر می آورم از حقّ حقـدار مؤمنی کـه بر مـن لازم گردانـده بـودی، پس آن را بـه تمـامی ادا نکردم.۱/۳۸

خدا، صاحب رحمت گشاده

إِنَّکَ ذُو رَحْمَهٍ وَاسِعَهٍ

به درستی که تو دارای رحمت گسترده هستی.

۲۱/۴۲

خدا، صاحب زیبایی، کبریا و حمد

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَـجْدِ، وَ الْکِبْرِیَاءِ وَ الْحَمْدِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایشی.

۱۱/۴۷

دارای قوّت و توان نبودن بنده

أَسْأَلُکَ أَنْ تَعْفُوَ عَنِّی، وَ تَغْفِرَ لِی فَلَسْتُ بَرِیئًا فَأَعْتَذِرَ، وَ لَا بِذِی قُوَّهٍ فَأَنْتَصِرَ

از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عـذری داشـته باشم و دارای توانی نمی باشم تا پیروز شوم.۷/۵۱

صاعقه

درخشیدن صاعقه های برق ها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَةُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد.۱۴و۱۱و۱۰/۳

صالح

سببِ قرار گرفتن در مراتب صالحان

...وَ صَيِّرْنَا بِذَلِكَ فِی دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ...

...و به وسیله آن ما را در مرتبه های نیکوکاران قرار ده. ۱۶/۱۷

در زمره بندگان صالح بودن

وَ اجْعَلْنِی... مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ

و مرا از بندگان شایسته قرار ده.۱۸/۲۰

وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و ما را از بندگان صالحت قرار ده.۱۸/۴۴

قصد انجام عمل صالح، و بازداشته شدن توسّط شیطان

إِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبَّطَنَا عَنْهُ

چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، (شیطان)

ما را از آن بازدارد.۷/۲۵

در زمره صالحان

...وَ اجْعَلْهُ فِی نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ

...و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده.

۱۷/۲۷

صالحان، در جایگاه گواهان (در قیامت)

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ... وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و شهیدان و صالحان، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

اعمال صالح و کُند شمردن بازگشت به خدا

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِیرَ إِلَیْکَ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم.۳/۴۰

آباد ساختن مجالس صالحان

وَ اعْمُرْ بِی مَجَالِسَ الصَّالِحِینَ

و مجالس شایستگان را به وسیله من آباد ساز.

۴/۴۱

درود خدا، بر بندگان صالحش

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

پیش نفرستادن کردارهای شایسته

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو را، پیش فرستاده ام.۷۲/۴۷

یاری بنده، بر نیّت صالح

وَ أَعِنِّی عَلَى صَالِحِ النِّيَّهِ

و بر (داشتن) نیّت صالح یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

همانند صالحان

وَ كُنْ لِی كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ

و با من چنان باش که با شایستگان هستی.

۱۲۷/۴۷

شریک شدن در دعای صالح مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِكَنَا فِی صَالِحِ مَنْ دَعَاكَ فِی هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُوءْمِنِينَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما را در

درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

عمل صالحِ پیش فرستاده شده

فَإِنِّی لَمْ آتِکَ ثِقَهً مِنِّی بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم، به درگاه تو نیامده ام.۶/۴۸

صبح

شکافتن تاریکی، با درآمدن در بامداد

اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی.۸/۶

به صبح درآمدن بندگان و همه چیز، در ملک خدا

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْیَاءُ کُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَکَ

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

به صبح درآمدن بندگان، در پنجه قدرت الهی

أَصْبَحْنَا فِی قَبْضَتِکَ

ما در تحت قدرت تو صبح کردیم.۱۰/۶

حال بنده، هنگام ورود در صبح و شام

إِلَهِی أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَیْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَکَ

خدای من، صبح و شام را به سر کردم ، در حالی که بنده خوار توام.۷/۲۱

اللَّهُمَّ إِنِّی أُصْبِحُ وَ أُمْسِی مُسْتَقِلًّا لِعَمَلِی

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم.

۷/۵۲

راه یابی به روشنی بامداد قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَهْتَدِی بِضَوْءِ صَبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که با نور صبحگاهش راه می یابند.۷/۴۲

درودهای واردشونده در صبح و شام، بر دوستان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِیَائِهِمُ... الصَّلَوَاتِ... النَّامِیَاتِ الْغَادِیَاتِ الرَّائِحَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست.۶۴/۴۷

به صبح درآمدن و امید به خداوند

اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ لَهُ ثِقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَیْرُکَ، فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ ثِقَتِی وَ رَجَائِی فِی الْأُمُورِ کُلِّهَا

خداوندا، هر کس صبح کرد، در حالی که اعتماد یا امیدش به جز تو بود. پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی. ۸/۵۴

صبر بردباری و نیز شکیبایی

صحرا بیابان

صدا

گفتار فرشتگان، در هنگام شنیدن صدای برافروختگی دوزخ

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

و همانهایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران صدای شعله اش بلند است، گویند: منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.۹/۳

صدای زجر و راندن فرشته

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود.

۱۴و۱۱و۱۰/۳

خدا، اجابت کننده هر آوازدهنده اش

إِنَّکَ... مُسْتَجِیبٌ لِمَنْ نَادَاکَ

به درستی که تو برای هر که تو را صدا زند، اجابت کننده ای.۵/۱۱

خواندن خدا، با صدایی تغییر یافته و آهسته

تَلَقَّاکَ بِالْإِنَابَهِ... ثُمَّ دَعَاکَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ خَفِیٍّ

با توبه به تو روی آورده و با صدای آهسته پنهانی تو را می خواند.۸/۱۲

خدا و شنیدن صدای بنده

وَ کُنْ... مِنْ نِدَائِی قَرِیبًا... وَ لِصَوْتِی سَامِعًا

و به آوازم نزدیک شو و صدایم را شنوا باش.

۲۱/۱۳

علّت گرفتگی صدای تضرّع بنده، به درگاه خدا

کُلُّ ذَلِکَ حَیَاءٌ مِنْکَ لِسُوءِ عَمَلِی، وَ لِذَاکَ خَمَدَ صَوْتِی عَنِ الْجَأْرِ إِلَیْکَ

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم. و از همین جهت است که صدای زاریم به درگاه تو گرفته.۲۰/۱۶

با آواز بلند نالیدن، تا قطع گشتن صدا

یَا إِلَهِی لَوْ... انْتَحَبْتُ حَتَّی یَنْقَطِعَ صَوْتِی... مَا

اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر چنان شیون کنم تا صدایم قطع شود، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

آهستگی صدای فرزند، در برابر والدین

اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِی

خداوندا، صدایم را برای ایشان آهسته ساز.

۶/۲۴

خدا را صدا زدن

وَ لَا یَتَّفِقُ أَحَدٌ مَعَکَ فِی دُعَائِی، وَ لَا یَنْظِمُهُ وَ إِیَّاکَ نِدَائِی

و در دعایم، کسی با تو برابر نیست و ندایم کسی را با تو جمع نمی کند.۹/۲۸

فَنَادَیْتُکَ یَا إِلَهِی مُسْتَغِیثًا بِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که از تو یاری خواستم.۱۰/۴۹

شنیدن صدای رعد

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ... الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ صَوْتَ رَعْدِکَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب رحم نمایی، که

ص : ۸۲۶

توانایی صدای غرش ابرت را ندارد.۵/۵۰

صدق راست و درست

صدقه

پاکیزه ترین صدقه های صدقه دهندگان

وَ اجْعَلْ مَا... تَبَرَّعْتُ بِهِ مِنَ الصَّدَقَهِ عَلَيْهِمْ أَزْكَى صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِينَ

و بخششی که بی هیچ عوضی به آنان دادم، پاکیزه ترین صدقه های صدقه دهندگان قرار ده.

۲/۳۹

صدقه دادن، در طلب افزایش نعمت خدا

وَ تَصَدَّقُوا لَكَ طَلَبًا لِمَزِيدِكَ

و جهت طلبِ افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند.۱۶/۴۵

صرف کردن

علّت صرف نعمت و عدم سپاس گزاری

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِنَنِهِ الْمُتَتَابِعَهِ... لَتَصَرَّفُوا فِي مِنَنِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر بخشش های پی درپی که به

ایشان داده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

صرف نمودن روزی خدا، در نافرمانی او

وَ مَنْ أَبْعَدُ مِنِّي مِنِ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِينَ أُنْفِقُ مَا أَجْرَيْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ فِيما نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ؟

و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد، آنگاه که روزی ات را که برایم رسانده ای، در نافرمانیت در آنچه بازداشته ای صرف می کنم؟

۲۳/۱۶

صرف نمودن روزها

وَ اسْتَفْرِغْ أَیَّامِی فِیما خَلَقْتَنِی لَهُ

و سراسر روزهایم را در آنچه مرا برای آن آفریدی صرف نما.۳/۲۰

صرف شدن عمر، در فرمانبری خدا

وَ عَمِّرْنِی مَا کَانَ عُمْرِی بِذْلَهً فِی طَاعَتِکَ

و تا زمانی که زندگی ام در طاعت تو صرف شود، مرا طول عمر ده.۵/۲۰

صرف نظر کردن

صرف نظر از همسایگان ستمکار

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أُعْرِضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ

ص : ۸۲۷

و خداوندا مرا بر آن دار که از ستمگرشان با چشم پوشی صرف نظر کنم.۳/۲۶

صف

عامل سیراب نمودن تشنگی بندگان، در جایگاه صف بستن در پیشگاه خدا

وَ أَرْوِ بِهِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ظَمَأَ هَوَاجِرِنَا

و با آن (قرآن)، تشنگی شدید ما را در جاهای گرم در جایگاه صف بستن در پیشگاهت، سیراب فرما.۱۱/۴۲

خواری مقام بندگان، در محلّ صف بستن در پیشگاه خدا

وَ ارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ذُلَّ مَقَامِنَا

و به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت صف می کشیم، بر خواری ما رحم کن.

۱۵/۴۲

صفات

پنهان بودن صفات طوائف، بر بندگان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْکِ، الَّذِینَ تَخْفَی أَسْمَاوءُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ

خداوندا و همه دشـمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و دیگر امّت های مشرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است.۹/۲۷

صفات انتقال یابنده

وَ مَنْ سِوَاکَ... مُتَنَقِّلٌ فِی الصِّفَاتِ

و غیر تو، در صفاتش دگرگون می باشد.

۱۱/۲۸

گمراهیِ اوصاف، در خدا

ضَلَّتْ فِيکَ الصِّفَاتُ

اوصاف در تو گمراه گشته.۷/۳۲

گسيختن صفات، پيش از رسيدن به وصف الهی

وَ تَفَسَّخَتْ دُونَکَ النُّعُوتُ

و صفت ها پيش از رسيدن به تو، از هم گسسته.

۷/۳۲

وَ تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِکَ الصِّفَاتُ

و توصيف ها پيش از رسيدن به وصف تو، از هم گسيخته اند.۱۲/۴۶

صلاحيت شايستگی

ص : ۸۲۸

صلح آشتی

صلوات درود

صمد

خدا و داشتن قدرت صمد (کامله)

لَکَ یَا إِلَهِی... مَلَکَهُ الْقُدْرَهِ الصَّمَدِ

خداوندا تسلّط قدرتِ همیشگی از آنِ توست.

۱۰/۲۸

خدای صمد

إِنَّکَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ...

به درستی که تو تنها یکتای بی نیازی.۵/۳۵

وَ أَنْتَ حَیٌّ صَمَدٌ

و تویی زنده بی نیاز.۲۸/۴۷

یَا وَاحِدُ یَا أَحَدُ یَا صَمَدُ

ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز.۲/۵۴

صوت صدا

صور

اسرافیل، صاحب صور

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست.۲/۳

صید شکار

ض

ضد

توشه ای ضدّ گمراهی شیطان

وَ زَوِّدْنَا مِنَ الْتَّقْوَى ضِدَّ غَوَايَتِهِ

و بر ضدّ گمراهی او (شیطان)، ما را از پرهیزکاری توشه ده.۵/۱۷

قرار ندادن ضدّی، برای خدا

فَإِنِّی لَا أَجْعَلُ لَکَ ضِدًّا، وَ لَا أَدْعُو مَعَکَ نِدًّا

پس به درستی که من برای تو ضدّی قرار نمی دهم و با تو همانندی را نمی خوانم.۲۲/۲۰

برتر بودن خدا، از داشتن اضداد

فَتَعَالَيْتَ عَنِ الْأَشْبَاهِ وَ الْأَضْدَادِ

پس تو از داشتن مانندها و همتاها برتر بودی.

۱۲/۲۸

سبب برگشتن به راه ضدّ عافیت

وَ لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ... وَ نَجْنَحَ إِلَى الَّتِی هِیَ... أَقْرَبُ إِلَى ضِدِّ الْعَافِيَهِ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و به آنچه که به ضدّ عافیت نزدیک تر است، تکیه نماییم.

۳/۳۳

نبودن ضدّی برای ستیز کردن با خدا

أَنْتَ الَّذِی لَا ضِدَّ مَعَکَ فَيُعَانِدَکَ

تویی آنکه ضدّی نداری تا با تو دشمنی کند.

۲۰/۴۷

نفی اضداد، از خدا

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِیدَکَ وَ نَفْیَ الْأَضْدَادِ وَ الْأَنْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنْکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو و نفی شریکان و همتایان و مانندهایی از تو را، پیش فرستاده ام.۷۲/۴۷

ضرر زیان

ضعف ناتوانی

ضعیف کوچک

ضلالت گمراهی

ضمانت

ضمانت بنده، عدم رجوع به مذموم الهی

وَ لَکَ یَا رَبِّ... ضَمَانِی أَنْ لَا أَرْجِعَ فِی مَذْمُومِکَ

و ای پروردگار من، به تو ضمانت می دهم در کاری که نکوهیده توست، بازنگردم.۱۶/۳۱

آنچه خدا ضمانت نموده:

أ. برآوردن حاجت ها و اجابت دعا

وَ یَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إِجَابَهَ الدُّعَاءِ

و ای آنکه روا شدن خواسته ها را برای ایشان ضمانت کرده است.۱۰/۱۲

وَ لَا تَمْنَعْنِی الْإِجَابَهَ وَ قَدْ ضَمِنْتَهَا لِی

و اجابت (دعا) را از من دریغ نکن، که خود آن را ضمانت کرده ای.۹/۲۵

ب. روزی بنده

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ... قَاطِعاً لِاهْتِمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ، وَ حَسْماً لِلِاشْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْکِفَایَهَ لَهُ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای و قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت

فرموده ای قرار ده.۳/۲۹

ج. درگذشتن از بدی های بنده

وَ اعْفُ عَنْ سَیِّئَاتِی کَمَا ضَمِنْتَ

و آنچنان که ضمانت کرده ای، از بدی هایم درگذر.۱۵/۳۱

د. پذیرفتن توبه

اللَّهُمَّ فَکَمَا أَمَرْتَ بِالتَّوْبَهِ، وَ ضَمِنْتَ الْقَبُولَ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقْبَلْ تَوْبَتِی

خداوندا، پس چنانکه به توبه فرمان دادی و پذیرفتن را ضمانت کردی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و توبه ام را قبول کن.

هـ. پاداش نیکوکاران

یَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُـحْسِنِینَ

ای ضامن پاداش نیکوکاران.۵/۴۰

ضمیر درون

ضیق تنگی

ط

طبقات

فرشتگان و طبقات آسمان ها

وَ أَسْكَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ

و آنها را در دل طبقه های آسمان هایت، سکونت داده ای.۱۱/۳

اقامت بندگان در بین طبقات خاک

وَ بَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبِلَى، وَ طُولِ الْمُقَامَهِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى

و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما مبارک گردان.۱۴/۴۲

طبقات غلامان و کنیزان

وَ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَبِيدِكَ وَ إِمَائِكَ

و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن مبتلا نموده ای، عافیت بخش.

۱۰۵/۴۷

طبیب

پرسش (اطرافیان محتضر) ، از وجود طبیب

هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرْبَ السِّيَاقِ... إِذَا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّرَاقِيَ، وَ قِيلَ مَنْ رَاقٍ؟

به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسد و می گویند: کجاست طبیب؟

۱۳/۴۲

طرف جهت

طریق راه

طعام خوردنی

طعم مزه

طغیان سرکشی

طلب جستجو و نیز خواسته

طلوع

طلوع و غروب نمودن ماه

وَ امْتَهَنَکَ بِالزِّیَادَهِ وَ النُّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ

و تو را با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، به خدمت گرفت.۲/۴۳

ص : ۸۳۳

طلوع هلال ماه، بر بندگان

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَرْضَی مَنْ طَلَعَ عَلَیْهِ

و ما را از خوشنودترین کسانی که ماه بر او طلوع کرده، قرار ده.۶/۴۳

دوام برکت شب قدر، تا طلوع فجر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَکَهِ إِلَی طُلُوعِ الْفَجْرِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده دم دوام دارد.۵/۴۴

طمع حرص

تابعین و طمع به آنچه نزد خداست

صَلَاهً... تَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَی... الطَّمَعِ فِیما عِنْدَکَ...

درودی که به سبب آن ایشان را بر طمع در آنچه نزد تو است، برانگیزی.۱۵و۱۴/۴

طمع به مهربانی خدا

وَ إِنَّما أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی طَمَعًا فِی رَأْفَتِکَ الَّتِی بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِینَ...

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست -. ۲۸/۱۶

طمع شیطان، در گمراه کردن بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یُطْمِعَ نَفْسَهُ فِی إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِکَ، وَ امْتِهَانِنَا بِمَعْصِیَتِکَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت و خوار نمودن ما به نافرمانی ات طمع کند، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

خوار ساختن دشمن و قطع طمع پسینیان آنها

وَ اقْطَعْ بِخِزْیِهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ بَعْدَهُمْ

و با خواری آنان، طمع آیندگانشان را قطع نما.

۵/۲۷

آرزو، سبب طمع در عمرِ کهنسالان

وَ طَمِعْنَا بِآمَالِنَا فِی أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِینَ

و با آرزوهایمان، در عمرهای کهنسالان، طمع کردیم.۱/۲۹

با طمع و یقین، خدا را قصد نمودن

فَأَمَّکَ بِطَمَعِهِ یَقِینًا

پس از روی یقینْ با حرص، تو را قصد کرد.

۸/۳۱

طمع نداشتن به هیچ کس، جز خدا

قَدْ خَلَا طَمَعُهُ مِنْ کُلِّ مَطْمُوعٍ فِیهِ غَیْرِکَ

در حالی که طمعش از هر که - جز تو - در او طمع کنند، خالی است.۸/۳۱

افزونی ترس از خدا، نسبت به طمع به او

تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْکَ أَکْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِیکَ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست.۱۲/۳۹

علّت کمی طمع به خدا، نسبت به ترس از او

تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْکَ أَکْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِیکَ... لَا أَنْ یَکُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقِلَّهِ حَسَنَاتِهِ بَیْنَ سَیِّئَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک است.

۱۲/۳۹

طواف

درود خدا، بر طواف کنندگان بیت المعمور

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الطَّائِفِینَ بِالْبَیْتِ الْمَعْمُورِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و طواف کنندگان بیت المعمور.۱۸و۱۱و۱۰/۳

طواف آمرزش خواهان، گِرد مهربان ترین کس

وَ یَا أَعْطَفَ مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ

و ای مهربانی که آمرزش خواهان گرد او می گردند.۹/۱۲

طولانی

پناه بردن به خدا، از دراز گشتن آرزوها

وَ نَعُوذُ بِکَ أَنْ... نَمُدَّ فِی آمَالِنَا

و پناه می بریم به تو از اینکه آرزوهایمان را دراز کنیم.۵/۸

زیانی با دوامی طولانی

اللَّهُمَّ وَ مَتَی وَقَفْنَا بَیْنَ نَقْصَیْنِ فِی دِینٍ أَوْ دُنْیا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَ اجْعَلِ التَّوْبَهَ فِی أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است و بازگشت را در آنکه دوامش طولانی است قرار ده.

۲/۹

ص : ۸۳۵

طولانی گرداندن عمر فرزندان ، برای والدین

إِلَهِی امْدُدْ لِی فِی أَعْمَارِهِمْ

خداوندا عمرشان را برای من دراز گردان.

۲/۲۵

آزمایش شدن، به آرزوی دراز

اللَّهُمَّ إِنَّکَ ابْتَلَیْتَنَا... فِی آجَالِنَا بِطُولِ الْأَمَلِ...

خداوندا همانا تو ما را در مدّت زندگی هایمانْ به آرزوی دراز، آزمودی.۱/۲۹

طول کشیدن کار، در چاره وام

وَ هَبْ لِیَ الْعَافِیَهَ مِنْ دَیْنٍ... یَطُولُ بِمُمَارَسَتِهِ شُغْلِی

و مرا معاف دار، از وامی که کارم در چاره آن طول کشد.۱/۳۰

پاداشی با پایانی طولانی و باقی

...لَکِنَّکَ بِکَرَمِکَ جَازَیْتَهُ عَلَی الْمُدَّهِ الْقَصِیرَهِ الْفَانِیَهِ بِالْمُدَّهِ الطَّوِیلَهِ الْخَالِدَهِ، وَ عَلَی الْغَایَهِ الْقَرِیبَهِ الزَّائِلَهِ بِالْغَایَهِ الْمَدِیدَهِ الْبَاقِیَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش درازمدّتِ همیشگی دادی و در برابر عمل نزدیک مدّتِ زوال پذیر، پاداش درازمدّت پایدار عطا نموده ای.۱۲/۳۷

بازداشتن بندگان، از آرزوی دراز

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ

و ما را از آرزوی دراز بازدار.۱/۴۰

مبارک ساختن طولِ ماندن، در طبقات خاک

وَ بَارِکْ لَنَا فِی حُلُولِ دَارِ الْبِلَی، وَ طُولِ الْمُقَامَهِ بَیْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَی

و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما مبارک گردان.۱۴/۴۲

بدبختی و طولانی شدن عذر

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا... یَشْقَی بِنِعْمَتِکَ شَقِیُّهُمْ إِلَّا عَنْ طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَیْهِ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای طولانی بر او.۹/۴۵

طولانی بودن رمضان، بر گنهکاران

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَطْوَلَکَ عَلَی الْمُـجْرِمِینَ

درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران!.

۳۲/۴۵

مهلت طولانی خدا، به بندگان

ص : ۸۳۶

لَمْ یَهِنْ عَلَی طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُکَ

مهلت طولانی ایشان، سلطنت تو را سست نکرده است.۱۸/۴۶

وَ أَطَلْتَ الْإِمْهَالَ

و مهلتِ طولانی داده ای.۲۱/۴۶

طولانی بودن بازگشت بنده، در کیفر الهی

وَ مَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِی عِقَابِکَ

و چه طولانی است پی درپی بازگشتنش، در کیفرت!۲۰/۴۶

به رنج دراز گرفتار شدن

أَنَا الطَّوِیلُ الْعَنَاءِ

منم که گرفتاری ام دراز است.۸۵/۴۷

طول ایستادگی خطاکاران، بر گناه

ثُمَّ لَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلَی عَظِیمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ

سپس طول ایستادگی آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازنداشت.۷/۴۸

آرزوی دراز، سبب سرگرم شدن نفْس

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِیَهٌ لِطُولِ أَمَلِهِ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که نفس او به خاطر آرزوهای درازش، سرگرم شده.۸/۵۲

طهارت پاکی و پاکیزگی

ظ

ظاهر آشکار

ظرفیّت گنجایش

ظفر پیروزی

ظلم ستم

ظلمت تیرگی

تاریکی های برزخ

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يُضِیءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، تاریکی های برزخ را برای ما روشن نماید.۱۲و۱۰/۱

راه یابی در ظُلُمات

هَبْ لِی نُورًا... أَهْتَدِی بِهِ فِی الظُّلُمَاتِ

مرا نوری بخش که در تاریکی ها با آن راه یابم.

۸/۲۲

جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِی مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَهِ وَ الْجَهَالَهِ

بِاتِّبَاعِهِ

آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم.۳/۴۲

ظُلْمت آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَهٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که نورش تاریکی است.۲۹/۳۲

مونسی در ظلمات شب

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده.۱۰/۴۲

روشن شدن تاریکی قبرها

وَ نَوِّرْ بِهِ قَبْلَ الْبَعْثِ سُدَفَ قُبُورِنَا

و پیش از برانگیخته شدن، تاریکی قبرهایمان را با آن (قرآن)، روشن ساز.۱۵/۴۲

ماه و روشن نمودن ظلمت ها

آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِکَ الظُّلَمَ

ایمان آوردم به کسی که به وسیله تو ظلمت ها را نورانی ساخت.۲/۴۳

ظن گمان

ص : ۸۳۹

ع

عادت

عادت بندگان، به توبه پذیری خدا

وَ يَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَهِ

و ای آنکه بندگانش را به قبول پشیمانی عادت داده است.۱۰/۱۲

عادت به پناه بردن به خدا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِيعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُعَوَّدِينَ بِالتَّعَوُّذِ بِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به پناه بردن به تو خو گرفته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

احسان، عادت خدا

ذَلِکَ أَنَّ... عَادَتَکَ الْإِحْسَانُ

زیرا عادت تو احسان است.۷/۳۷

عادت خدا، نسبت به بدکاران

عَادَتُکَ الْإِحْسَانُ إِلَی الْمُسِيئِينَ

عادت تو احسان به بدکاران است.۱۶/۴۶

عار ننگ

عافیت تندرستی

عاقبت

نیکویی عاقبت دنیای (بهشتیان)

...وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

...و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای.۲۰/۳

اندک بودن آنچه عاقبتش، فناست

فَغَيْرُ كَثِيرٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ

زیرا آنچه سرانجامش نابودیست، زیاد نیست.

۳/۱۸

بسیاری آنچه عاقبتش بقاست

...وَ غَيْرُ قَلِيلٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْبَقَاءُ

...و آنچه فرجامش بقاست، کم نیست.

۳/۱۸

عاقبت دچار سرکشی شدن

وَ ازْوِ عَنِّی مِنَ الْمَالِ... مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْيَانًا

و مالی که عاقبت، دچار سرکشی شوم را از من دور ساز.۳/۳۰

ص : ۸۴۱

دوری از حسنِ عاقبت

وَ لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ... وَ نَجْنَحَ إِلَی الَّتِی هِیَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَهِ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و به آنچه که از حسن عاقبت دورتر است، تکیه نماییم.

۳/۳۳

عاقبتی پسندیده

وَ اخْتِمْ لَنَا بِالَّتِی هِیَ أَحْمَدُ عَاقِبَهً

و کار ما را به آنچه عاقبتش ستوده تر است، ختم کن.۶/۳۳

عاق والدین

عاق شدگانِ پدران و مادران

وَ لَا تَجْعَلْنِی فِی أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ

و مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار نده.۱۱/۲۴

عبا

پوشاندن عبای تندرستی، بر بنده

وَ رَدِّنِی رِدَاءَ مُعَافَاتِکَ

و ردای تندرستی ات را بر تنم کن.۱۱۲/۴۷

عبادت پرستش

وانماندن فرشتگان، از پرستش خداوند

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ... لَا یَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِکَ

خداوندا و حاملان عرشت که از پرستشت درمانده نمی گردند...۱/۳

عدم پرستش خدا، درخور سزاواری اش

سُبْحَانَکَ مَا عَبَدْنَاکَ حَقَّ عِبَادَتِکَ

منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.۹/۳

عبادت، دورکننده شیطان از بنده

اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِکَ

خداوندا او را از ما – به سبب عبادت و بندگی ات – دور کن.۳/۱۷

حقیقت عبودیت، و دشمنی با شیطان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... عَادَاهُ لَکَ بِحَقِیقَهِ الْعُبُودِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به سبب حقیقتِ بندگی تو، با او دشمنی کرد، اجابت فرما.۱۱/۱۷

رام ساختن بنده، برای بندگی خدا

وَ عَبِّدْنِی لَکَ وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِی بِالْعُجْبِ

و مرا به عبادت خود وادار ولی بندگی ام را با

خودپسندی تباه نگردان.۳/۲۰

خودپسندی، تباه سازنده عبادت

لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِی بِالْعُجْبِ

بندگی ام را با خودپسندی تباه نگردان.

۳/۲۰

سستی در عبادت خدا

وَ لَا تَبْتَلِیَنِّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبَادَتِکَ

و مرا به سستی در عبادتت گرفتار نکن.

۱۱/۲۰

سبب بازنماندن از عبادت

وَ اکْفِنِی مَؤُونَهَ الِاکْتِسَابِ... فَلَا أَشْتَغِلَ عَنْ عِبَادَتِکَ بِالطَّلَبِ

و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از من بردار، تا به جای عبادت تو سرگرمِ روزی جستن نشوم.۲۴/۲۰

تندرستی در عبادت

وَ ارْزُقْنِی صِحَّهً فِی عِبَادَهٍ

و مرا تندرستی در عبادت، روزی فرما.

۲۷/۲۰

مرزداران اسلام و عبادت خداوند

وَ فَرِّغْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِکَ

و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن،

برای عبادت خویش آسوده ساز.۷/۲۷

سبب عبادت نشدن کسی، جز خدا

وَ فَرِّغْهُمْ... عَنْ مُنَابَذَتِهِمْ لِلْخَلْوَهِ بِکَ حَتَّی لَا یُعْبَدَ فِی بِقَاعِ الْأَرْضِ غَیْرُکَ

و خاطرشان را از سرگرمی به کارزار با آنان (دشمنان)، برای خلوت با خودت آسوده ساز تا در همه جای زمین، جز تو پرستش نشود.۷/۲۷

اسم بنده، در بین عبادت کنندگان

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

خدا، منتهای ترس عبادت کنندگان

وَ یَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَی خَوْفِ الْعَابِدِینَ

و ای کسی که انتهای ترس عبادت کنندگان است.۴/۳۱

استوار ساختن بینایی بنده، در عبادت

وَ أَحْکِمْ فِی عِبَادَتِکَ بَصِیرَتِی

و بینش مرا در بندگی ات، استوار گردان.

۱۳/۳۱

عزیزشده، در اثر عبادت

فَإِنَّ... الْعَزِيزَ مَنْ أَعَزَّتْهُ عِبَادَتُکَ

پس به درستی که عزیز کسی است که بندگی تو عزّتش بخشد.۴/۳۵

توانا شدن بر بندگی خدا

مَلَکْتَ - يَا إِلَهِی - أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَمْلِکُوا عِبَادَتَکَ

ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند.۷/۳۷

روش کوشش کننده در بندگی خدا

...هَذَا يَا إِلَهِی... سَبِيلُ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ

...ای خدای من، این راه کسی است که در بندگی تو کوشیده.۱۴/۳۷

در زمره نیک بخت ترین عبادت کنندگان خدا بودن

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ

و ما را از نیک بخت ترین کسانی که تو را در آن (ماه) بندگی نموده(اند)، قرار ده.۶/۴۳

عبادت خدا، از آغاز تا پایان ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِيهِ مِنِ ابْتِدَائِهِ إِلَی وَقْتِ فَنَائِهِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

پر ساختن ماه رمضان، از عبادت خدا

اللَّهُمَّ اشْحَنْهُ بِعِبَادَتِنَا إِيَّاکَ

خداوندا این (ماه) را از عبادت های ما، پر گردان.۱۷/۴۴

عبادت نامیدن دعا

فَسَمَّیْتَ دُعَاءَکَ عِبَادَهً

پس دعا کردن را عبادت نامیدی.۱۵/۴۵

نتیجه سرکشی از عبادت

وَ قُلْتَ: ...إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ

و فرمودی: «همانا کسانی که از عبادت من کبر می ورزند، به زودی با خواری داخل جهنّم خواهند شد.»۱۵/۴۵

یاری بنده بر عبادتی شایسته خدا

فَإِذَا بَلَّغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَی تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَهِ

پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما.۴۶/۴۵

عبادت خداوند، تا روز قیامت

ص : ۸۴۴

وَ اكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أَجُورِ مَنْ... تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ

و برای ما مانند پاداش کسانی که در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس.

۵۱/۴۵

کوشا در عبادت خدا

وَ لَا تَرُدَّنِی صِفْرًا مِمَّا یَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَکَ مِنْ عِبَادِکَ

و مرا تهی دست از آنچه بندگانِ کوشا در عبادتت با (دستی پر از) آن بازمی گردند، بازنگردان.۷۱/۴۷

پیش نفرستادن کارهای شایسته ای همانند کوشایان در عبادت

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِیدَکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو را، پیش فرستاده ام.۷۲/۴۷

توجه به آنچه پرستشگران متوجه آنند

وَ خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَا... اسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِینَ

و دلم را به سوی آنچه پرستش کنندگان را با آن به بندگی گرفته ای، متوجّه ساز.۹۲/۴۷

آبادی شب به بیداری عبادت

وَ اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، آباد گردان.۱۲۳/۴۷

روزی خوردن از خدا و پرستش غیر او

وَ أَهْوَنُهُمْ عَلَیْکَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ یَعْبُدُ غَیْرَکَ

و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد.۲/۵۲

عبادت غیر خدا

لَا یَفُوتُکَ مَنْ عَبَدَ غَیْرَکَ

کسی که جز تو را پرستید، از دست تو گریزی ندارد.۳/۵۲

کافر گشتن به هر معبودی، جز خدا

وَ کَفَرْتُ بِکُلِّ مَعْبُودٍ غَیْرِکَ

و به هر معبودی جز تو کفر ورزیدم.۶/۵۲

بیزاری از عبادت کننده غیر خدا

وَ بَرِئْتُ مِمَّنْ عَبَدَ سِوَاکَ

و از هر که جز تو را پرستید، بیزاری جستم.

۶/۵۲

عبادت خدا، وسیله بی نیاز گشتن بنده

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُغْنِیَنِی عَنْ کُلِّ شَیْءٍ بِعِبَادَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که مرا به وسیله بندگی ات از هر چیزی بی نیاز گردانی.۱۰/۵۲

ترس عابدان و پرستش فروتنان

أَسْأَلُکَ خَوْفَ الْعَابِدِینَ لَکَ، وَ عِبَادَةَ الْخَاشِعِینَ لَکَ

ترس عبادت کنندگان و پرستش فروتنان برای تو را، از تو درخواست می نمایم.۵/۵۴

عبرت پند

عتاب سرزنش

عتیق دیرینه

عُجب خودپسندی

عجز ناتوانی

عجله شتاب

عدالت عدل

عدد شمار

عدل

خدا، به پادارنده عدالت و عادل در حکم

أَنِّی أَشْهَدُ أَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، عَدْلٌ فِی الْحُکْمِ

همانا من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، برپادارنده عدلی، دادگر در حکمی.۲۱/۶

نداشتن طاقتِ عدل الهی

فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَدْلِکَ

زیرا ما طاقت عدالت تو را نداریم.۲/۱۰

با عدل رفتار نکردن، با بنده

...وَ لَا تَحْمِلْنِی بِعَدْلِکَ عَلَی الِاسْتِحْقَاقِ

...و با دادگری ات بر آنچه سزاوارم رفتار نکن.

۲۰/۱۳

ناامیدی از عدل خدا و آزمایش بنده

اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنِّی بِالْقُنُوطِ مِنْ إِنْصَافِکَ

خداوندا مرا به ناامیدی از عدلت آزمایش نکن. ۱۲/۱۴

ملبّس شدن به زیور پرهیزکاران، در گسترش عدل

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی بَسْطِ الْعَدْلِ

و زیور پرهیزکاران را در گستردن عدل، به من بپوشان.۱۰/۲۰

به عدل تاوان نگرفتن، از والدین

فَهُمَا... أَعْظَمُ مِنَّهً لَدَیَّ مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ

پس نعمتشان نزد من بزرگ تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم.۱۰/۲۴

پناه بردن از ستم، به عدل خدا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُـجَارِینَ مِنَ الظُّلْمِ

بِعَدْلِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) از ستم (دیگران) به عدل تو پناه آورده اند، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

انکار نکردن عدل خدا

لَا يُنْكِرُ يَا إِلَهِي عَدْلَكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ

ای خدای من، اگر او را عقوبت دهی، عدل تو را انکار نمی کند.۱۰/۳۱

ترس از عدل الهی

وَ كَرُمْتَ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ

و کریم تر از آنی که جز از عدالتت ترسند.

۱۶/۳۷

رهایی از حکم عدل الهی

وَ خَلِّصْنِي مِمَّا يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ

و مرا از آنچه عدل تو را حکم می کند، خلاص گردان. ۵/۳۹

آزاد شدن از بند عدل خدا، با احسان او

وَ اجْعَلْنِي أُسْوَةَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِكَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِينَ... فَأَصْبَحَ... عَتِيقَ صُنْعِكَ مِنْ وَثَاقِ عَدْلِكَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است.

۱۰/۳۹

در ترازوی عدل نگذاشتن کردار بنده

وَ لَا تَحْمِلْ عَلَى مِيزَانِ الْإِنْصَافِ عَمَلِي

و عملم را در ترازوی انصاف نگذار.۲/۴۱

برنگشتن زبانه ترازوی عدل قرآن، از حق

وَ جَعَلْتَهُ... مِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ

و آن (قرآن) را ترازوی عدلی قرار دادی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود.۳/۴۲

عادلانه رفتار کردن بنده، با ستمگر

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمَنَا

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که به ما ظلم نموده، منصفانه رفتار کنیم.۱۰/۴۴

خدا، عادل ترین دادگران

يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ

ای عادل ترین دادگران.۵۴/۴۵

عدل خدا، و ستم نکردن (به مغرور شده به کرمش)

وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَةِ الْمَخْرَجِ عَدْلًا مِنْ قَضَائِكَ لَا تَجُورُ فِيهِ، وَ إِنْصَافًا مِنْ حُكْمِكَ لَا تَحِيفُ عَلَيْهِ

و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری هایش) از روی عدل در حکم توست، که در آن ستم نمی کنی. و از حکم منصفانه توست، که بر او جفا نمی نمایی.

۲۰/۴۶

آنچه خدا بر اساس عدل و داد می کند:

أ. جزا دادن و کیفر نمودن

لِیَجْزِیَ الَّذِینَ أَسَاوءُوا بِمَا عَمِلُوا وَ یَجْزِیَ الَّذِینَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَی

تا کسانی را که بـد کرده اند، به سبب آنچه که به جا آورده اند، سـزا دهد و آنان را که به سـبب نیکویی، نیکویی نمودند را، جزا دهد.

۶/۱

اللَّهُمَّ إِنْ تَشَأْ تَعْفُ عَنَّا فَبِفَضْلِکَ

خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست.۱/۱۰

وَ عُقُوبَتُکَ عَدْلٌ

و کیفرت از روی عدل است.۴/۴۵

إِنْ تُعَذِّبْنِی فَإِنِّی لِذَلِکَ أَهْلٌ، وَ هُوَ یَا رَبِّ مِنْکَ عَدْلٌ

اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم و آن – ای پروردگار من – از جانب تو عدل است.۴/۵۰

ب. مقدّرات بنده

عَدْلٌ فِیَّ قَضَاوءُکَ

آنچه برای من تقدیر نمودی، عادلانه است. ۶/۲۱

ج. تقسیم معیشت در بین بندگان

شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَایِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ

گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود.۱/۳۵

د. حکم کردن و فرمان دادن

أَنْتَ الَّذِی... قَضَیْتَ فَکَانَ عَدْلًا مَا قَضَیْتَ، وَ حَکَمْتَ فَکَانَ نِصْفًا مَا حَکَمْتَ

تویی آنکه قضاوت کردی و قضاوتت از روی عدل بود و حکم دادی و حکمت از روی انصاف بود.۱۵/۴۷

عذاب

عدل بودن عذاب خدا

اللَّهُمَّ إِنْ تَشَأْ تُعَذِّبْنَا فَبِعَدْلِکَ

خداوندا اگر بخواهی ما را عذاب کنی، از عدالت توست.۱/۱۰

عذاب الهی و گذشت خداوند

وَ أَجِرْنَا مِنْ عَذَابِکَ بِتَجَاوُزِکَ

و به گذشت خود، ما را از عذابت ایمن ساز.

۲/۱۰

ستم نبودن عذاب خدا

فَإِنْ تُعَذِّبْنِی فَأَنْتَ غَیْرُ ظَالِمٍ لِی

پس اگر مرا عذاب کنی ستمکار به من نیستی.

۳۱/۱۶

ص : ۸۴۸

حفظ کردن بنده، از عذاب آتش

وَ قِنِی (بِرَحْمَتِکَ) عَذَابَ النَّارِ

و مرا به رحمت خود از عذاب آتش، حفظ فرما.۳۰/۲۰

وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ

و از شکنجه آتش نگاهمان دار.

۱۳/۲۵

پناه بردن به خدا، از عذاب آتش

وَ أَعِذْنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِیرِ

و ما را از شکنجه آتش پناه ده.۱۲/۲۵

فروفرستادن عذاب، بر دشمنان خدا

وَ ابْعَثْ عَلَیْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِکَتِکَ بِبَأْسٍ مِنْ بَأْسِکَ کَفِعْلِکَ یَوْمَ بَدْرٍ

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر.

۱۱/۲۷

وعده عذاب به رو گرداننده از رضای خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... تَوَعَّدْتَ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاکَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن هر که را از خوشنودی تو روی گرداند، وعده عذاب داده ای.۲۹/۳۲

تأخیر عذاب و چشم پوشی خدا، از حقّش

فَجَمِیعُ مَا أَخَّرْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ... تَرْکٌ مِنْ حَقِّکَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای، ترک کردن حقّ خودت بوده است.۱۵/۳۷

سخت بودن عذاب خداوند

وَ قُلْتَ: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكَمْ، وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِی لَشَدِیدٌ

و فرمودی: «اگر شکر گزارید، شما را فزونی دهم و اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است.» ۱۴/۴۵

عذاب همیشگی و برگشتن از خدا

فَالْوَیْلُ الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَحَ عَنْکَ

پس افسوس همیشگی، برای کسیست که از تو برگشته.۱۹/۴۶

تغییر حالات، در (زمان) عذاب الهی

مَا أَکْثَرَ تَصَرُّفَهُ فِی عَذَابِکَ

چه زیاد است از حالی به حالی گشتن او، در عذاب تو!۲۰/۴۶

قرار گرفتن اراده الهی، بر عذاب قومی

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَهً أَوْ سُوءًا فَنَجِّنِی مِنْهَا لِوَاذًا بِکَ

و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فروفرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات

ده. ۱۲۰/۴۷

پناه دادن بنده، از عذاب الهی

وَ اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ... وَ إِجَارَتِی مِمَّا فِیهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و حفظ نمودنم از عذابت که سزاوارش [دوزخیان]، در آن به سر می برد، آباد گردان.۱۲۳/۴۷

عذاب خدا و رحم نکردن کسی بر بنده

إِنْ عَذَّبْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَرْحَمُنِی

اگر مرا عذاب کنی، پس کیست آنکه به من رحم کند؟۱۵/۴۸

درخواست ایمنی از عذاب

وَ أَسْأَلُکَ أَمْنًا مِنْ عَذَابِکَ

و ایمنی از عذابت را از تو می خواهم.

۱۹/۴۸

سزاواری عذاب خدا

إِنْ تُعَذِّبْنِی فَإِنِّی لِذَلِکَ أَهْلٌ

اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم.۴/۵۰

عذاب بنده و افزون نشدن ملك خدا

لَیْسَ عَذَابِی مِمَّا یَزِیدُ فِی مُلْکِکَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

عذاب من، چیزی نیست که ذرّه ای بر پادشاهی

تو بیفزاید.۶/۵۰

عذاب بنده و درخواست شکیبایی بر آن

وَ لَوْ أَنَّ عَذَابِی مِمَّا یَزِیدُ فِی مُلْکِکَ لَسَأَلْتُکَ الصَّبْرَ عَلَیْهِ

و اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم.۶/۵۰

عذاب خدا و اعتراف بنده

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا الظَّالِمُ الْمُفَرِّطُ الْمُضَیِّعُ الْآثِمُ الْمُقَصِّرُ الْمُضَجِّعُ الْمُغْفِلُ حَظَّ نَفْسِی

اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار، سهل انگار، تباه کننده، گنهکار، مقصّر، اهمال کننده و واگذارنده بهره خویشم.۱۴/۵۱

عرش

درود خدا، بر حاملان عرش الهی

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ لَا یَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِیحِکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند، پس بر آنها درود فرست.۶و۱/۳

خدا، صاحب عرش عظیم

یَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِیمِ

ص : ۸۵۰

ای صاحب عرش و تخت بزرگ.۱۰/۷

فروتنی آنچه زیر عرش خداست، برای عظمت او

سُبْحَانَکَ... خَشَعَ لِعَظَمَتِکَ مَا دُونَ عَرْشِکَ

پاک و منزّهی! آنچه زیر عرش تو است، برای بزرگی تو خاشع شد.۲۶/۴۷

سپاسی همسنگ عرش بزرگ خدا، از او

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوازِنُ عَرْشَکَ الْمَـجِیدَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عرش بزرگ تو همسنگ باشد.۴۱و۳۶/۴۷

درودی هم وزن عرش خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِمْ زِنَهَ عَرْشِکَ وَ مَا دُونَهُ

پروردگار من، بر ایشان هم وزن عرش خود و آنچه زیر آن است، درود فرست.۵۹/۴۷

عِرض آبرو

عرفه

ویژگی های روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمُ عَرَفَهَ یَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ کَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای.۶۶/۴۷

بهره ای ویژه، در روز عرفه

وَ اجْعَلْ لِی فِی هَذَا الْیَوْمِ نَصِیبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِکَ

و در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم.۷۱/۴۷

پوشاندن بنده، در روز عرفه

تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

عروج

نردبانی جهت عروج به سوی خوشنودی خدا

فَهَبْ لِی یَا إِلَهِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ دَوَامِ تَوْفِیقِکَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَی رِضْوَانِکَ

پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم.

۱۷/۴۹

عریض پهناور

ص : ۸۵۱

عزّت

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و عزیز نمودن دین خدا

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى... مَنْ كَثَّرْتَ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ

و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند پاداش عنایت کن.

۸/۴

عزیز و گرامی ساختن بنده

وَ أَعِزَّنِي وَ لَا تَبْتَلِيَنِّي بِالْكِبْرِ

و مرا گرامی دار و به خودبزرگ بینی گرفتارم نساز.۳/۲۰

عزّت آشکار و ذلّت باطنی

وَ لَا تُحْدِثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحْدَثْتَ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا

و عزّتی آشکار برایم پدید نیاور، مگر آنکه به همان اندازه ذلّتی پنهانی در نزد خودم پدید آوری.

۴/۲۰

خوار نمودن عزّتِ قصدبددارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُذِلَّ عِزَّهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا عزّتش را به ذلّت تبدیل نمایی.۸و۷/۲۳

عزیز بودن خدا

إِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ

به درستی که تو پیروزِ توانایی.۸/۲۳

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيِّنًا لَا يُجِيزُ جَلَّ وَ عَزَّ أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود.۴/۴۴

از ذلّت به عزّت رسیدن

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُعَزِّینَ مِنَ الذُّلِّ بِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به یاری تو از ذلّت به عزّت رسیده اند، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

عزّت طلبیدن از غیر خدا و خوار گشتن

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَیْرِکَ فَذَلُّوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواستند و خوار گشتند.۶/۲۸

سر به زیر افکندن با خواری، برای عزّت خدا

ص : ۸۵۲

وَ طَأْطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا

و با خواریْ برای عزّتت سرش را به زیر افکنده.

۹/۳۱

رفتار خدا، همچون عزیزی مهربان

وَ افْعَلْ بِی فِعْلَ عَزِیزٍ تَضَرَّعَ إِلَیْهِ عَبْدٌ ذَلِیلٌ فَرَحِمَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما.۲۴/۳۱

عزّت خدا، پناه دهنده بنده بی پناه

اللَّهُمَّ لَا خَفِیرَ لِی مِنْکَ فَلْیَخْفُرْنِی عِزُّکَ

خداوندا برای من پناه دهنده ای از (عقوبت) تو نیست، پس باید عزّتت مرا پناه دهد.۲۵/۳۱

پایندگی عزّت خدا

اللَّهُمَّ یَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِی عَلَی مَرِّ الدُّهُورِ...

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها، ماندگار است.۳و۱/۳۲

عزیز شدن، در اثر عبادت خدا

فَإِنَّ... الْعَزِیزَ مَنْ أَعَزَّتْهُ عِبَادَتُکَ

پس به درستی که عزیز کسی است که بندگی تو عزّتش بخشد.۴/۳۵

عزّتی از دست نرفتنی

وَ أَیِّدْنَا بِعِزٍّ لَا یُفْقَدُ

و ما را با عزّتی که از دست نرود، تأیید فرما.

۵/۳۵

عزیز نمودن بنده، نزد خلق

وَ ذَلِّلْنِی بَیْنَ یَدَیْکَ، وَ أَعِزَّنِی عِنْدَ خَلْقِکَ

و مرا در پیشگاهت ذلیل کن و در نزد آفریدگانت عزیز دار.۱۱۸/۴۷

آنچه بنده به سبب عزّت خداوند، از او می خواهد:

أ. دوری از (شرّ و زیان) بندگان

وَ امْنَعْنَا بِعِزِّکَ، مِنْ عِبَادِکَ

و به عزّت خود ما را از بندگانت حفظ کن.

۱۳/۵

ب. پناه از آنچه از آن می ترسد

أَجِرْنِی بِعِزَّتِکَ مِمَّا أَرْهَبُ

به عزّت خود، از آنچه می ترسم، ایمنی ام ده.۲۵/۲۰

ج. استوار ساختن مرزها

اللَّهُمَّ... حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِینَ بِعِزَّتِکَ

خداوندا به عزّت خود، مرزهای مسلمانان را استوار فرما.۱/۲۷

عزم قصد

عزیمت کوچ

عصبیّت حمیّت

عصیان سرکشی و نیز نافرمانی

عضو اندام

عطا بخشش

عطوفت رحمت

عظمت بزرگی

عفّت پاکدامنی و نیز خویشتن داری

عفو آمرزش و نیز گذشت

سبقت گرفتن به سوی عفو الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَی رِضَاهُ وَ عَفْوِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن بر پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و بخشایش او، پیشی گیریم.۱۱و۱۰/۱

سپاسی رساننده بنده، به عفو الهی

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکُونُ وُصْلَةً إِلَی طَاعَتِهِ وَ عَفْوِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که به سوی طاعت و بخشایش او پیوند خوریم.۲۹و۲۷/۱

فضل الهی و عفو نمودن بنده

اللَّهُمَّ إِنْ تَشَأْ تَعْفُ عَنَّا فَبِفَضْلِکَ

خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست.۱/۱۰

عفو الهی و رهایی از عذاب

وَ لَا نَجَاهَ لِأَحَدٍ مِنَّا دُونَ عَفْوِکَ

و بدون بخشایش تو، هیچ یک از ما نجات نمی یابیم. ۲/۱۰

عفو خداوند و نعمت او

فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَکَ بِمَنِّکَ

پس به منّت خود، بخشایشت را بر ما آسان گردان.۲/۱۰

بزرگ نبودن عفوِ گناه بزرگ، بر خدا

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِیمِ لَا یَتَعَاظَمُکَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند بخشایش گناه بزرگ، بر تو بزرگ نیست.۱۳و۱۲/۱۲

توانایی خدا، بر عفو

فَإِنَّکَ مَلِیءٌ بِالْعَفْوِ

همانا تو بر بخشایش نمودن توانایی.

۱۵/۱۲

ستم رسیدن به بنده و عفو خداوند

ص : ۸۵۴

اللَّهُمَّ... عَوِّضْنِی مِنْ ظُلْمِهِ لِی عَفْوَکَ

خداوندا در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش.۹/۱۴

بیرون شدن از بیماری، به عفو الهی

وَ اجْعَلْ مَخْرَجِی عَنْ عِلَّتِی إِلَی عَفْوِکَ

و بیرون شدنم از بیماری را به عفو و گذشت قرار ده.۶/۱۵

برتری عفو خدا، نسبت به عقابش

وَ أَنْتَ الَّذِی عَفْوُهُ أَعْلَی مِنْ عِقَابِهِ

و تویی آنکه بخشایش او از کیفرش برتر است.

۷/۱۶

خدای عفوکننده

أَنْتَ الَّذِی سَمَّیْتَ نَفْسَکَ بِالْعَفْوِ

تویی آنکه خود را بخشاینده نام نهادی.

۱۸/۱۶

إِنَّکَ... عَفُوٌّ غَفُورٌ...

همانا تو بخشاینده آمرزنده ای.۱۲/۲۵

علّت طلب عفو، از خدا

وَ أَنْتَ الَّذِی سَمَّیْتَ نَفْسَکَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّی

و تویی آنکه خود را بخشاینده نام نهادی، پس از من درگذر.۱۸/۱۶

وَ لَنْ یَضِیقَ عَلَیْکَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِکَ وَ إِنْ أَسَاءَ فَاعْفُ عَنِّی

و گذشت از بنده ات گر چه بد کرده، بر تو دشوار نیست، پس از من درگذر.۱۰/۳۲

خوشایند بودن عفو بنده، نزد خدا

...وَ لِأَنَّ عَفْوَکَ عَنِّی أَحَبُّ إِلَیْکَ مِنْ عُقُوبَتِی

...و از آن روست که بخشایش من نزد تو محبوب تر از کیفر من است.۲۶/۱۶

آزاد ساختن گردن بنده، به عفو الهی

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِی قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعْتِقْهَا بِعَفْوِکَ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به گذشت خود آن را آزاد کن.۲۹/۱۶

عفو بنده و عدم شایستگی او

وَ إِنْ کُنْتَ... تَعْفُو عَنِّی حِینَ أَسْتَحِقُّ عَفْوَکَ فَإِنَّ ذَلِکَ غَیْرُ وَاجِبٍ لِی بِاسْتِحْقَاقٍ

و اگر مرا ببخشایی آنگاه که مستحقّ بخشایش تو گردم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست.۳۱/۱۶

بنده، رهاشده عفو الهی

وَ اجْعَلْنِی طَلِیقَ عَفْوِکَ

و مرا رهاشده گذشتت قرار ده.۳۳/۱۶

عزم نمودن به سوی عفو الهی

اللَّهُمَّ... إِلَی عَفْوِکَ قَصَدْتُ

خداوندا به سوی بخشایش تو آهنگ نموده ام.

۱۵/۲۰

به پایان رساندن عمر بنده، به عفو الهی

اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِکَ أَجَلِی

خداوندا زندگیِ مرا با آمرزش خود پایان ده.

۲۸/۲۰

بزرگ ندانستن عفو خدا (نسبت به سعه رحمتش)

وَ لَا یَسْتَعْظِمُ عَفْوَکَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَ رَحِمْتَهُ

و اگر از او گذشتی و به او رحم آوردی، گذشتت را بزرگ نشمارد.۱۰/۳۱

بخشایش بدی ها؛ سخن خدا در کتابش

وَ قَدْ قُلْتَ یَا إِلَهِی فِی مُحْکَمِ کِتَابِکَ إِنَّکَ... تَعْفُو عَنِ السَّیِّئَاتِ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا از بدی ها درمی گذری.۱۵/۳۱

خدا، ضامن عفو بدی

وَ اعْفُ عَنْ سَیِّئَاتِی کَمَا ضَمِنْتَ

و آنچنان که ضمانت کرده ای، از بدی هایم درگذر.۱۵/۳۱

درخواست بخشایش زشتی کردار خود، از

خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی... أَسْتَوْهِبُکَ سُوءَ فِعْلِی

خداوندا، به درستی که من از زشتی کردارم، از تو بخشایش می طلبم.۲۱/۳۱

ایمن شدن در پرتو عفو الهی

وَ قَدْ أَوْجَلَتْنِی خَطَایَایَ فَلْیُؤْمِنِّی عَفْوُکَ

و خطاهایم مرا ترسانده، پس باید بخشایشت مرا ایمن گرداند.۲۵/۳۱

آویختن بنده، به عفو خداوندی

وَ تَقَطَّعَتْ عَنِّی عِصَمُ الْآمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِکَ

و رشته های آرزو از من بریده، جز بخشایشت که به آن چنگ زده ام.۹/۳۲

دشوار نبودن عفو بنده، بر خدا

وَ لَنْ یَضِیقَ عَلَیْکَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِکَ...

و گذشت از بنده ات، بر تو دشوار نیست.

۱۰/۳۲

کوتاهی ننمودن عفو خدا، از بنده

فَلَا یَضِیقَنَّ عَنِّی فَضْلُکَ، وَ لَا یَقْصُرَنَّ دُونِی عَفْوُکَ

پس مبادا فضل تو از من تنگی نماید و بخشایشت از من کوتاهی کند.۱۵/۳۲

پوشاندن (گناهان) بنده، به عفو الهی

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ...

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

زاری به درگاه خدا، برای درخواست عفو او

وَ نَبْتَهِلُ إِلَیْکَ فِی سُؤَالِ عَفْوِکَ

و برای درخواست بخششت، به سوی تو زاری می کنیم.۳/۳۶

راه خدا، عفو و گذشت

ذَلِکَ أَنَّ سُنَّتَکَ الْإِفْضَالُ... وَ سَبِیلَکَ الْعَفْوُ

زیرا سنّت تو بخشش و راه تو بخشایش است.

۷/۳۷

عفو، بالاترین عطا

وَ اجْعَلْ مَا سَمَحْتُ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ... أَزْکَی صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِینَ، وَ أَعْلَی صِلَاتِ الْمُتَقَرِّبِینَ

و گذشت از ایشان را که من کردم، پاکیزه ترین صدقه های صدقه دهندگان و بالاترین بخشش های تقرّب جویان قرار ده.۲/۳۹

عفو الهی ، در عوض عفو دیگران توسّط بنده

وَ عَوِّضْنِی مِنْ عَفْوِی عَنْهُمْ عَفْوَکَ

و به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را به من عوض ده.۳/۳۹

درخواست بخشایش نفس، از خدا

أَسْتَوْهِبُکَ - یَا إِلَهِی - نَفْسِیَ الَّتِی لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی.۷/۳۹

فراگیر بودن عفو الهی

وَ کَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُکَ الظَّالِمِینَ

و چه بسیار عفوت که ستمگران را فرا گرفت.

۹/۳۹

به خود ستم کردن، و درخواست بخشایش

وَ هَبْ لِنَفْسِی عَلَی ظُلْمِهَا نَفْسِی

و مرا به خاطر ظلمی که به خود کرده ام، ببخش. **۹/۳۹**

از بند خشم خدا، رهاشده عفو او گشتن

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَهَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِکَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِینَ... فَأَصْبَحَ طَلِیقَ عَفْوِکَ مِنْ إِسَارِ سُخْطِکَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به

واسطه عفوت از قید و بند خشمت، رها گردیده است.۱۰/۳۹

آزاد شدن با عفو الهی، در شب های ماه رمضان

وَ إِذَا کَانَ لَکَ فِی کُلِّ لَیْلَهٍ مِنْ لَیَالِی شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ یُعْتِقُهَا عَفْوُکَ... فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْکَ الرِّقَابِ

و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می کند، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده.

۱۴/۴۴

عفو الهی، احسان بدون علّت

وَ عَفْوُکَ تَفَضُّلٌ

و بخشایشت از روی تفضّل است.۴/۴۵

(اتمام حجّت بر بنده)، کرمی از عفو الهی

وَ تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا یَهْلِکَ عَلَیْکَ هَالِکُهُمْ... إِلَّا عَنْ طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَیْهِ... کَرَمًا مِنْ عَفْوِکَ یَا کَرِیمُ

و تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا هلاک شونده ایشان، به خاطر تو هلاک نشود. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او. که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم!.۹/۴۵

گشودن درِ عفو خداوند، برای بندگان

أَنْتَ الَّذِی فَتَحْتَ لِعِبَادِکَ بَابًا إِلَی عَفْوِکَ

تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده ای.۱۰/۴۵

درگذشتن خدا از بندگان، به عفو الهی

وَ اعْفُ عَنَّا بِعَفْوِکَ

و به عفو خود از ما درگذر.۴۷/۴۵

روز عید فطر، جلب کننده عفو الهی

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَیْرِ یَوْمٍ مَرَّ عَلَیْنَا أَجْلَبِهِ لِعَفْوٍ

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که جلب کننده ترین روز، برای عفو باشد.۴۸/۴۵

انعام عفو خدا، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَهَ يَوْمٌ... مَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که بخشایشت را در آن ارزانی داشته ای.۶۶/۴۷

اقدام به نافرمانی خدا، با امید به عفوش

فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ، رَاجِيًا لِعَفْوِكَ

پس با علم به تهدیدت و امیدواری به بخشایشت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد.۶۸/۴۷

عفو الهی و تسلیم خدا شدن

وَ جُدْ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ – عَلَى مَنْ أَلْقَى بِيَدِهِ إِلَيْكَ – مِنْ عَفْوِكَ

ص : ۸۵۸

و به من ببخش همان چیزی را که به کسی که به خاطر عفوت تسلیم تو گردیده است می بخشی.

۷۰/۴۷

شایستگی خدا به عفو، نسبت به عقاب

أَعْلَمُ... أَنَّكَ بِأَنْ تَعْفُوَ أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ

می دانم به درستی که تو به بخشایش شایسته تری تا اینکه کیفر کنی.۱۱۶/۴۷

کامیابی بنده، به لذّت عفو الهی

وَ أَوْجِدْنِی بَرْدَ عَفْوِكَ

و مرا از لذّت بخشایشت، کامیاب گردان.

۱۲۵/۴۷

روز عید قربان و جمعه، و عفو الهی

فَإِلَيْكَ يَا مَوْلَایَ كَانَتِ الْيَوْمَ تَهْيِئَتِی... رَجَاءَ عَفْوِكَ

پس ای سرور من، امروز مهیّا گشته تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش تو نائل شوم.

۵/۴۸

بخشایش خطاکاران، به عفو عظیم الهی

أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِی عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ

به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم، بخشایشی که با آن از (تقصیر) خطاکاران گذشتی.۷/۴۸

آمدن به درگاه خدا و امید داشتن به عفو او

أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ

به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم.۷/۴۸

بزرگ بودن عفو الهی

فَیَا مَنْ... عَفْوُهُ عَظِیمٌ

پس ای کسی که گذشتش بزرگ است.۸/۴۸

بازگرداندن خشم خدا، با عفو او

اللَّهُمَّ لَیْسَ... یَرُدُّ سَخَطَکَ إِلَّا عَفْوُکَ

خداوندا خشم تو را جز بخشایشت فرو نمی نشاند.۱۳/۴۸

هلاک نساختن خویش، به سبب امید به عفو الهی

فَلَوْ لَا الْمَوَاقِفُ الَّتِی أُوءَمِّلُ مِنْ عَفْوِکَ الَّذِی شَمِلَ کُلَّ شَیْءٍ لَأَلْقَیْتُ بِیَدِی

پس اگر جایگاهی که از بخشایشت آرزومندم و هر چیزی را فرامی گیرد نبود، خود را هلاک می ساختم. ۳/۵۰

قدیم بودن عفو الهی

وَ إِنْ تَعْفُ عَنِّی فَقَدِیمًا شَمَلَنِی عَفْوُکَ

و اگر از من درگذری، پس از دیرزمانیست که

بخشایشت مرا فراگرفته است.۴/۵۰

عقاب کیفر

عقاید اعتقاد

عقد پیمان

عقرب

عقرب های دهان گشوده آتش دوزخ

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ عَقَارِبِهَا الْفَاغِرَهِ أَفْوَاهُهَا

و از عقرب های آن که دهانشان گشوده است، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

عقل

گمراهی عقل، علّت درخواست نیازمند از نیازمند

وَ رَأَیْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُ_حْتَاجِ إِلَی الْمُ_حْتَاجِ... ضَلَّهٌ مِنْ عَقْلِهِ

و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از گمراهی خِرد است.۵/۲۸

غفلت عقل ها، و طاعت الهی

وَ أَشْرِبْ قَلْبِی عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَکَ

و دلم را هنگام غفلتِ عقل ها، به طاعت خود سیراب کن.۱۳۰/۴۷

سپاس گزاری عقل بنده، از خدا

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. ۶/۵۱

عقیده اعتقاد

علاقه

عامل شسته شدن علایق و وابستگی های گناهان

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَائِقَ أَوْزَارِنَا

و به وسیله آن (قرآن)، چرکی دل هایمان و وابستگی های گناهانمان را بشوی.۱۱/۴۲

علامت نشانه

علم

علم به ربوبیّت پروردگار

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا... فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِیَّتِهِ

و سپاس خدای را که درهایی از علم به پروردگاری اش را بر ما گشود.۱۰/۱

احاطه علم خدا، بر همه چیز

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِیعِ

ص : ۸۶۰

الْأَشْيَاءِ

پس سپاس او را، به شماره آنچه علمش – از همه چیزها – به آن احاطه دارد.۲۷/۱

أَنْتَ الَّذِی وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا

تویی آنکه با رحمت و دانش، همه چیز را دربر گرفته ای.۵/۱۶

عدم علم بنده، به منزلت و کار فرشتگان

...وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِکْرَهُ، وَ لَمْ نَعْلَمْ مَکَانَهُ مِنْکَ، و بِأَیِّ أَمْرٍ وَکَّلْتَهُ

...و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و جایگاهش را در پیشگاه تو و مأموریّتی را که به او سپرده ای، نمی دانیم.۲۲/۳

راهنمایی خدا و دانا گشتن بنده

إِنَّ... مَنْ تَهْدِهِ یَعْلَمْ

زیرا هر کس را که هدایت کنی، دانا می شود.

۹/۵

سخن گفتن بدون علم

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ... نَقُولَ فِی الْعِلْمِ بِغَیْرِ عِلْمٍ

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه بدون داشتن آگاهی سخن بگوییم.۴و۱/۸

علم بنده به بزرگ نبودن بخشایش گناه، بر خدا

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِیمِ لَا یَتَعَاظَمُکَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند بخشایش گناه بزرگ، بر تو بزرگ نیست.۱۳و۱۲/۱۲

آنچه بنده می داند

عَلِمْتُ أَنَّ کَثِیرَ مَا أَسْأَلُکَ یَسِیرٌ فِی وُجْدِکَ

و دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است.۱۹/۱۳

رَأَیْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُـحْتَاجِ إِلَی الْمُـحْتَاجِ سَفَهٌ مِنْ رَأْیِهِ...

دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از سبکی اندیشه است.۵/۲۸

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَیْسَ فِی حُکْمِکَ ظُلْمٌ

دانسته ام که در فرمان تو ستم نیست.

۱۵/۴۸

فَنَادَیْتُکَ یَا إِلَهِی... عَالِمًا أَنَّهُ لَا یُضْطَهَدُ مَنْ أَوَی إِلَی ظِلِّ کَنَفِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به سایه رحمت تو پناه بَرَد، شکست نمی خورد.۱۰/۴۹

علم خدا به ستمِ رسیده، بر بنده

قَدْ عَلِمْتَ، یَا إِلَهِی، مَا نَالَنِی مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای.۵/۱۴

آموختن علوم ربّانی

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِکَ عَلَیْهِ فِی مَعْرِفَهِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضدّ او اقدام کند، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

علمِ با عمل را روزی بنده نمودن

وَ ارْزُقْنِی... عِلْمًا فِی اسْتِعْمَالٍ

و مرا علم با عمل، روزی فرما.۲۷/۲۰

علم خدا به صلاح کار بنده

اللَّهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ مَا یُصْلِحُنِی مِنْ أَمْرِ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی...

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی.۱۰/۲۲

دانستن آنچه درباره والدین، بر فرزند واجب است

وَ أَلْهِمْنِی عِلْمَ مَا یَجِبُ لَهُمَا عَلَیَّ إِلْهَامًا

و آموختن آنچه را که در حقّ آنان بر من واجب است، به من الهام کن.۳/۲۴

فراهم ساختنِ آموختن واجبات ، برای فرزند

...وَ اجْمَعْ لِی عِلْمَ ذَلِکَ کُلِّهِ تَمَامًا

...و دانستن همه آن را به طور کامل برای من فراهم نما.۳/۲۴

بینایی در پرتو دانایی

وَ وَفِّقْنِی لِلنُّفُوذِ فِیما تُبَصِّرُنِی مِنْ عِلْمِهِ...

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده.۳/۲۴

علیم و دانا بودن خدا

إِنَّکَ... سَمِیعٌ عَلِیمٌ...

همانا تو شنوای دانایی.۱۲/۲۵

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ، الْعَلِیمُ الْحَکِیمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بخشنده مهربان، دانای حکیم.۶/۴۷

دانایی خدا، به راز بنده

وَ أَبَثَّکَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا

و با خضوع، از رازهایش - آنچه را که خود به آن داناتری - برایت آشکار کرده.۹/۳۱

علم الهی، به گناهان بزرگ بندگان

وَ اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ عَظِیمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِی عِلْمِکَ

و در (گناهان) بزرگی که می دانی به آن گرفتار شده، از تو کمک خواسته.۹/۳۱

دانایی خدا، به کردار بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ...

خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری.

۱۷/۳۱

علم خدا و آمرزش گناه

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَاغْفِرْ لِی مَا عَلِمْتَ

خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری. پس آنچه (گناه) از من می دانی، بیامرز.۱۷/۳۱

وَ اغْفِرْ لِی مَا تَعْلَمُ مِنْ ذُنُوبِی

و گناهانی را که از من می دانی، بیامرز.

۱۳/۵۱

علم خدا، به گرفتاری های بنده

اللَّهُمَّ وَ عَلَیَّ تَبِعَاتٌ... وَ کُلُّهُنَّ بِـ... عِلْمِکَ الَّذِی لَا یَنْسَی

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است و همه آنها در علم تو که فراموش نمی کند، قرار دارد.۱۸/۳۱

عدم فراموشی در علم الهی

...کُلُّهُنَّ بِعَیْنِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ، وَ عِلْمِکَ الَّذِی لَا یَنْسَی

...همه آنها پیش چشم تو که نمی خوابد و در علم تو که فراموش نمی کند، قرار دارد.۱۸/۳۱

علم غیب خدا، به توبه شکستن بنده

اللَّهُمَّ أَیُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَیْکَ وَ هُوَ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ... فَإِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَکُونَ کَذَلِکَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که

اینچنین باشم.۲۰/۳۱

علم خدا، به کارهای نهانی

اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَى خَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ

خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است.

۱۱/۳۲

علم خدا، سبب طلب خیر از او

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ

خداوندا، همانا من به علمت از تو درخواستِ خیر دارم.۱/۳۳

علم خدا و پوشاندن (خطا)

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى سِتْرِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ

خداوندا سپاس تو را، بر (خطا) پوشاندنت پس از علمت.۱/۳۴

الهام علم شگفتی های قرآن، به محمّد صلی الله علیه و آله

وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكَمَّلًا

و علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی.۵/۴۲

ص : ۸۶۳

علم تفسیر قرآن، میراث آل محمّد علیهم السلام

وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا

و علم آن را تفسیرشده، به ما ارث دادی.

۵/۴۲

برتری میراث بران علم قرآن، بر دیگران

وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا، وَ فَضَّلْتَنَا عَلَی مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ

و علم آن را تفسیرشده، به ما ارث دادی و ما را بر کسی که به علم آن نادان بود، برتری بخشیدی.۵/۴۲

پنهان نشدن چیزی، از علم الهی

وَ لَا یَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَیْءٍ

و چیزی از علم او پنهان نیست.۲/۴۷

قرار گرفتن در (حیطه) علم خدا، و تواضع در برابر او

سُبْحَانَکَ خَضَعَ لَکَ مَنْ جَرَی فِی عِلْمِکَ

پاک و منزّهی! هر که در علم تو قرار گرفت، برای تو فروتن گشت.۲۶/۴۷

خزانه داران علم الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَی أَطَائِبِ أَهْلِ بَیْتِهِ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَهَ عِلْمِکَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود

فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را گنجینه داران علمت قرار دادی.۵۶/۴۷

نگهبانی خدا از بنده و عدم علم بنده، به آن

وَ حُطْنِی مِنْ حَیْثُ لَا أَعْلَمُ حِیَاطَهً تَقِینِی بِهَا

و مرا از جایی که نمی دانم، احاطه کن. احاطه کردنی که با آن مرا نگهداری نمایی.۱۳۲/۴۷

دانایی خدا و متهم نبودن او در آفرینش

...لِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مُتَّهَمٍ عَلَى خَلْقِکَ...

...برای اینکه تو به آن داناتری و در آفریدنت متّهم نیستی.۹/۴۸

علم خدا به گناهان گذشته بنده

وَ قَدْ تَقَدَّمَ مِنِّی مَا قَدْ عَلِمْتَ...

و پیش از این از من (گناهانی) سر زده که تو می دانی.۲/۵۰

داناتر بودن خدا (به زشتی گناه)، از خود بنده

وَ قَدْ تَقَدَّمَ مِنِّی... مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّی

و پیش از این از من (گناهانی) سر زده که تو از من به آنها داناتری.۲/۵۰

داناترین خلق

سُبْحَانَکَ أَخْشَی خَلْقِکَ لَکَ أَعْلَمُهُمْ بِکَ

پاک و منزّهی! ترسنده ترین آفریدگانت از تو، آگاه ترین آنها به (کبریایی) توست.۲/۵۲

علنی آشکار

علوی

مقام و منزلت علوی

اللَّهُمَّ فَإِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِالْمُـحَمَّدِیَّهِ الرَّفِیعَهِ، وَ الْعَلَوِیَّهِ الْبَیْضَاءِ

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم.

۱۶/۴۹

عمد

ارتکاب گناه عمدی، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَا... اکْتَسَبْنَا فِیهِ مِنْ خَطِیئَهٍ عَلَی تَعَمُّدٍ مِنَّا... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِکَ

خداوندا و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.

۴۷/۴۵

عمدی بودن نافرمانی بنده، از خدا

أَنَا الَّذِی عَصَاکَ مُتَعَمِّدًا

منم آنکه از روی عمد، تو را نافرمانی کردم.

۷۸/۴۷

عمر زندگی

عمران آباد

عمره

منّت گزاردن بر بنده، با عمره

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره.

۴/۲۳

قرار دادن بازمانده عمر بنده، در عمره

وَ اجْعَلْ بَاقِیَ عُمْرِی فِی الْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ ابْتِغَاءَ وَجْهِکَ

و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حجّ و عمره قرار ده.۱۳۳/۴۷

عمل کردار

عمل کردن انجام دادن

عناد ستیزه جویی

عنان مهار

عنایت توجّه

ص : ۸۶۵

عوض

جایگزینی شب و روز، به جای یکدیگر

یُولِجُ کُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِی صَاحِبِهِ، وَ یُولِجُ صَاحِبَهُ فِیهِ بِتَقْدِیرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ، فِیما یَغْذُوهُمْ بِهِ

بنا به تقدیرش هر یک از شب و روز را جای یکدیگر قرار می دهد تا برای بندگان روزی دهد.

۴/۶

عفو الهی، در عوض ستمِ رسیده به بنده

اللَّهُمَّ... عَوِّضْنِی مِنْ ظُلْمِهِ لِی عَفْوَکَ

خداوندا در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش.۹/۱۴

رحمت خدا، در عوض بدرفتاری دشمن با بنده

اللَّهُمَّ... أَبْدِلْنِی بِسُوءِ صَنِیعِهِ بِی رَحْمَتَکَ

خداوندا به جای بدرفتاری اش، رحمتت را به من عطا کن.۹/۱۴

عوض نکردن رستگاری شایسته، با چیزی

وَ مَتِّعْنِی بِهُدًی صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ

و مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم، بهرمند ساز.۵/۲۰

عوض ازدست رفته ها

وَ عِنْدَکَ مِمَّا فَاتَ خَلَفٌ

و عوض هر آنچه از دست رفته، نزد توست.

۲۰/۲۰

عوض دادن به کار مسلمان، در دنیا

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِیًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا

يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند.۱۶/۲۷

عوض دادن خدا، به صاحبان گرفتاری ها

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَ تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيتُهُنَّ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که به یاد دارم و گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام. پس صاحبانش را عوض ده.

۱۸/۳۱

عفو خدا، در عوض عفو و گذشت بنده از دیگران

وَ عَوِّضْنِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوَكَ

ص : ۸۶۶

و به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را به من عوض ده.۳/۳۹

عوض ستاندن اندوخته های مورد حرص

فَأْجُرْنَا... أَجْرًا... نَعْتَاضُ بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الذُّخْرِ الْمَـحْرُوصِ عَلَيْهِ

پس ما را پاداش ده. پاداشی که با آن اندوخته های گوناگون که بر آن حریص و آزمند شده ایم را عوض بستانیم.۴۵/۴۵

عون یاری

عهد پیمان و نیز سوگند

عهده داری سرپرستی

عهده داریِ سرپرستیِ نیک

وَ سُمْنِی حُسْنَ الْوِلَایَهِ

و نیک سرپرستی نمودن را، بر عهده من قرار ده.۲۲/۲۰

خدا، عهده دار بی نیازی بنده

وَ تَوَلَّ كِفَايَتِی

و عهده دار بی نیازی ام باش.۲/۲۲

عهده دار تندرستی مجاهد مسلمان شدن

وَ تَوَلَّهُ بِالْعَافِيَهِ

و تندرستی اش را به عهده گیر.۱۴/۲۷

خدا، عهده دار حاجت بنده

فَأَنْتَ يَا مَوْلَایَ... دُونَ كُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَلِيُّ حَاجَتِی

پس – ای سرور من – صاحب حاجتم تویی، نه هر که از او طلب شود.۸/۲۸

خدا، عهده دار روزی بنده

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ... قَاطِعًا لِاهْتِمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ، وَ حَسْمًا لِلِاشْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْکِفَایَهَ لَهُ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای و قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت فرموده ای قرار ده.۳/۲۹

پاداش خدا و آنچه برای بنده به عهده گرفته

فَسُبْحَانَکَ مَا أَبْیَنَ کَرَمَکَ فِی مُعَامَلَهِ مَنْ أَطَاعَکَ أَوْ عَصَاکَ تَشْکُرُ لِلْمُطِیعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّیْتَهُ لَهُ...

پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است، از فرمانبر در آنچه تو برایش به عهده گرفته ای، تشکّر می کنی.۱۰/۳۷

عهده داری خدا و معرفت رمضان

أَنْتَ وَلِیُّ مَا آثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ

تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن،

برتری دادی.۴۴/۴۵

عهده دار اجابت حاجت بنده شدن

وَ تَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا

و برآوردن هر درخواستی را برای من، به قدرتی که بر آن داری، به عهده گیر.۴/۴۸

عیادت

عیادت از همسایگان بیمار

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... عِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در عیادت بیمارشان، توفیق ده.

۲/۲۶

عیالوار

درخواست از خدا، مانند محتاجی عیالوار

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي... سَائِلُكَ عَلَى الْحَيَاءِ مِنِّي سُوءَالَ الْبَائِسِ الْمُعِيلِ

پس ای خدای من، با وجود شرمندگی ام همانند تهی دستی عیالمند از تو درخواست دارم.

۴/۱۲

عیب

همسایگان عیب جو

وَ لَمْ تُبْدِ سَوْءَاتِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِبِي مِنْ جِيرَتِي

و بدی های مرا پیش همسایگانم - که در جستجوی عیب های من می باشند - آشکار نکردی.

۲۱/۱۶

کثرت عیب های پوشانده شده، از بنده

يَا إِلَهِی فَلَکَ الْحَمْدُ فَکَمْ مِنْ عَائِبَهٍ سَتَرْتَهَا عَلَیَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِی

ای خدای من، تو را سپاس. چه بسیار عیب هایی که بر من پوشاندی و رسوایم نکردی.

۲۱/۱۶

زشتی کردار بنده و شمارش عیوب خود

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی، أَکْثَرُ ذُنُوبًا، وَ أَقْبَحُ آثَارًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من - ای خدای من - گناهانم بیشتر و نشانه هایم زشت تر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.۲۷/۱۶

عیب و نقصی باعث سرزنش

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... عَائِبَهً أُوَنَّبُ بِهَا إِلَّا حَسَّنْتَهَا

خداوندا مرا در عیبی که بدان سرزنش شوم

وامگذار، مگر آنکه نیکویش گردانی.۶/۲۰

خوی عیبناک

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّی إِلَّا أَصْلَحْتَهَا

خداوندا مرا در خصلتی عیبناک وانگذار، مگر آنکه اصلاحش نمایی.۶/۲۰

توفیق پنهان نمودن عیب

وَ أَلْبِسْنِی زِینَةَ الْمُتَّقِینَ فِی... سَتْرِ الْعَائِبَهِ

و زیور پرهیزکاران را در پوشاندن عیب، به من بپوشان.۱۰/۲۰

برداشتن بار عیب جویی بندگان، از دوش بنده

وَ اکْفِنِی مَؤُونَهَ مَعَرَّهِ الْعِبَادِ

و سنگینی گناهِ عیب جوییِ بندگان را از من بردار.۲۰/۲۰

عیب جویی قصدبددارنده درباره بنده، از او

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ... هَمْزِهِ وَ لَمْزِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از بدگویی و عیب جویی اش ایمن سازی.۸و۷/۲۳

مشهور نساختن بنده، به کار عیبناکش

فَکُلُّنَا قَدِ اقْتَرَفَ الْعَائِبَهَ فَلَمْ تَشْهَرْهُ

چرا که هر کدام از ما کار ناپسند انجام داد، او را مشهور (در بدکاری) نکردی.۱/۳۴

بنده و نپوشاندن عیب آشکارشده مؤمن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ عَیْبِ مُوءْمِنٍ ظَهَرَ لِی فَلَمْ أَسْتُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از عیب مؤمنی که برای من آشکار شد، پس آن را نپوشاندم.

۱/۳۸

رمضان و حفظ شدن از عیوب تازه

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاكِيَهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ تَعْصِمُنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُيُوبِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی و از آلوده شدن به عیب های تازه در این (ماه) ما را نگهداری کنی.۱۱و۱۰/۴۴

رمضان، پوشاننده اقسام عیب ها

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ... أَسْتَرَكَ لِأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ

درود بر تو. چه پوشنده بودی، انواع عیب ها را!.۳۱/۴۵

عیوب، سبب مجهول ماندن منزلت بنده

ص : ۸۶۹

وَ لَا تَسُمْنِی... نَقِیصَهً یُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَکَانِی

و عیبی را که به خاطر آن منزلتم دانسته نشود، بر من ثابت نگردان.۱۲۱/۴۷

حسود، و نسبت دادن عیوبش، به دیگران

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... وَحَرَنِی بِقَرْفِ عُیُوبِهِ

و چه بسیار حسودی که با نسبت دادن عیب های خود به من، سینه اش را از خشمِ بر من پر ساخت.۹/۴۹

عید

رمضان، عید دوستان خدا

السَّلَامُ عَلَیْکَ... یَا عِیدَ أَوْلِیَائِهِ

درود بر تو، ای عید دوستان او.۲۳/۴۵

مبارک ساختن روز عید فطر ، (برای مؤمنان)

وَ بَارِکْ لَنَا فِی یَوْمِ عِیدِنَا وَ فِطْرِنَا

و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان.

۴۸/۴۵

روز فطر را، روز عید قرار دادن

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا - الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُوْمِنِینَ عِیدًا وَ سُرُورًا

خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عید و شادی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

غ

غایت پایان

غذا خوردنی

غربت

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به شهرهای غربت

وَ هَاجَرَ إِلَی بِلَادِ الْغُرْبَهِ

و به شهرهای غربت هجرت نمود.۱۶/۲

خدا، آرام دل هر وحشت زده غریب

یَا أُنْسَ کُلِّ مُسْتَوْحِشٍ غَرِیبٍ

ای آرامِ دل هر وحشت زده دور از وطن.

۴/۱۶

غرق

غرق شدن گونه ها، با اشک

وَ غَرَّقَتْ دُمُوعُهُ خَدَّیْهِ

و دو گونه اش غرق اشک شده.۹/۱۲

غروب

طلوع و غروب ماه

وَ امْتَهَنَکَ بِالزِّیَادَهِ وَ النُّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ

و تو را با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، به خدمت گرفت.۲/۴۳

غرور فریب

غش خیانت

غصّه اندوه

غضب خشم

غفران آمرزش

غفلت

عدم غفلت فرشتگان، از شیفتگی به خدا

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ... لَا یَغْفُلُونَ عَنِ الْوَلَهِ إِلَیْکَ

خداوندا و حاملان عرشت که از شیفتگی به سوی تو غافل نمی شوند...

۱/۳

عدم غفلت فرشتگان، از تعظیم خداوند

وَ الَّذِینَ... لَا یَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِیمِکَ سَهْوُ الْغَفَلَاتِ...

و همانها که فراموشیِ غفلت ها، آنها را از

تعظیم تو جدا نمی سازد...۷/۳

پناه بردن به خدا، از خواب غفلت

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... سِنَهِ الْغَفْلَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از خواب غفلت.

۲و۱/۸

سبب آگاه شدن از غفلت خویش

انْتَبَهْتُ بِتَذْکِیرِکَ لِی مِنْ غَفْلَتِی

با یادآوری تو، از غفلتم آگاه شدم.۱۶/۱۳

غفلت بنده، از بهره خود

وَ مَنْ أَغْفَلُ مِنِّی عَنْ حَظِّهِ؟

و چه کسی از بهره خود فراموشکارتر از من است؟۲۳/۱۶

بیداری از خواب غفلت

أَیْقِظْنَا عَنْ سِنَهِ الْغَفْلَهِ

ما را از خواب غفلت و فراموشی بیدار گردان.

۷/۱۷

خواب غفلت و اعتماد نمودن به شیطان

اللَّهُمَّ... أَیْقِظْنَا عَنْ سِنَهِ الْغَفْلَهِ بِالرُّکُونِ إِلَیْهِ

خداوندا ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان.

۷/۱۷

عطای خدا به بنده، در حال غفلت او از درخواست نمودن

وَ أَعْطِنَا مَا أَغْفَلْنَاهُ

و آنچه از ذکرش غافل شدیم به ما عطا فرما.

۱۶/۱۷

یاد خدا، در اوقات غفلت

وَ نَبِّهْنِی لِذِکْرِکَ فِی أَوْقَاتِ الْغَفْلَهِ

و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. ۲۹/۲۰

غافل نساختن بنده، از بخشش الهی

وَ لَا تَجْعَلْنِی... غَافِلًا لِإِحْسَانِکَ فِیما أَبْلَیْتَنِی

و مرا غافل از احسانت در آنچه به من بخشیدی قرار نده.۸/۲۱

غفلت و انجام تکلیف

هُوَ، یَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَیْتَهُ عَلَیَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِی

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم.۷/۲۲

غافل نشدن شیطان، از بندگان

لَا یَغْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا

اگر (از او) غافل شویم، او غافل نمی شود.

۶/۲۵

غفلت بنده از شرایط واجبات

وَ لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلَةٍ مَعَ كَثِيرِ مَا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ فُرُوضِكَ

و من هیچ گاه با فضیلتِ (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم.۱۸/۳۲

از خدا غفلت نورزیدن

وَ لَا تَسِمْنَا الْغَفْلَةَ عَنْكَ

و ما را گرفتار غفلت از خودت نکن.۴/۳۴

نترسیدن بنده از غافل شدن خدا، درباره پاداش دادن به خوشنودکننده اش

وَ لَا يُخَافُ إِغْفَالُكَ ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاكَ

و ترسی نیست که پاداش آنکه تو را خوشنود گرداند، فروگذاری.۱۶/۳۷

غفلت، پوشاننده پندها

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِمَا طَوَتِ الْغَفْلَةُ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الِاعْتِبَارِ نَاشِرًا

و قرآن را ناشر پندهایی که غفلت از دید ما می پوشاند، قرار ده.۱۰/۴۲

علّت گواهی ندادن روزهای ماه رمضان،

بر غفلت بندگان

وَ أَعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ... حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ

و ما را در روزش به روزه داری آن، یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت، گواهی ندهد.۱۷/۴۴

علّت بهانه نداشتن غافل ، از آمدن به جایگاه (بهشت)

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَةِ الدَّلِيلِ

پس - بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما - عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!

۱۱/۴۵

از روی غفلت نبودن خودداری الهی

لَمْ تَكُنْ... إِمْسَاكُكَ غَفْلَةً

خودداری ات از روی غفلت نبوده است.

۲۲/۴۶

بیداری بنده، از خواب بی خبران

وَ نَبِّهْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْغَافِلِینَ

و مرا از خواب غافلان، بیدار فرما.۹۱/۴۷

سبب غافل گشتن بنده، از تقرّب به خدا

وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیَا دَنِیَّهٍ... تُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْکَ

ص : ۸۷۳

و دوستی دنیای پست را که از نزدیکی جستن به تو، غافل می نماید، از دلم بَر کن.۱۰۹/۴۷

غفلت نادانان، نسبت به نعمت های خدا

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُکْرَکَ، بَلْ أَلْزِمْنِیهِ فِی أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِینَ لِآلَائِکَ

و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجّهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان.

۱۱۴/۴۷

غافل وانگذاشتن بنده، در گرداب نادانی

وَ لَا تَذَرْنِی... فِی غَمْرَتِی سَاهِیًا حَتَّی حِینٍ

و مرا در گرداب غفلتم، تا مدّت زمانی بی خبر رها نکن.۱۲۴/۴۷

غفلت عقل ها، و طاعت الهی

وَ أَشْرِبْ قَلْبِی عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَکَ

و دلم را هنگام غفلتِ عقل ها، به طاعت خود سیراب کن.۱۳۰/۴۷

غفلت از تهدید الهی

وَ أَبَیْتُ إِلَّا تَقَحُّمًا لِحُرُمَاتِکَ... وَ غَفْلَةً عَنْ وَعِیدِکَ

و من جز وارد شدن در حرام های تو و غفلت از تهدیدهای تو کاری نداشته ام.۱۴/۴۹

سبب غافل شدن تن بنده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُکُونِ عُرُوقِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که تن او به خاطر آرامش رگ هایش، غافل مانده.۸/۵۲

غفلت بنده از خواسته شده ها، درباره او

یَا غَفْلَتِی عَمَّا یُرَادُ بِی

ای وای از بی خبری من از آنچه درباره ام خواسته می شود!.۶/۵۳

غلام

طبقاتِ غلامان و کنیزان

وَ عَافِنِی مِمَّا ابْتَلَیْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَبِیدِکَ وَ إِمَائِکَ

و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن مبتلا نموده ای، عافیت بخش.

۱۰۵/۴۷

غلبه

سلطه انسان، بر همه آفریدگان

وَ جَعَلَ لَنَا الْفَضِیلَهَ بِالْمَلَکَهِ عَلَی جَمِیعِ الْخَلْقِ

و با دادن قدرت به ما، (ما را) بر همه آفریدگان برتری داد.

۱۸/۱

چیره گرداندن بنده، بر دشمنان دین

وَ أَدِلْ لَنَا وَ لَا تُدِلْ مِنَّا

و چیرگی را برای (نفع) ما قرار ده و بر ضرر ما قرار نده.۸/۵

حفظ فرمودن بنده، از تلخی غلبه پادشاه

وَ اکْفِنَا... مَرَارَهَ صَوْلَهِ السُّلْطَانِ

و ما را از تلخی قهر و غلبه پادشاه نگهدار.

۱۰/۵

پناه بردن به خدا، از غلبه عصبیّت

اللَّهُمَّ إِنيِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... مَلَکَهِ الْحَمِیَّهِ

خداوندا به تو پناه می برم از غلبه عصبیّت.

۱/۸

پناه بردن به خدا، از چیرگی شیطان

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یَسْتَحْوِذَ عَلَیْنَا الشَّیْطَانُ

و پناه می بریم به تو از اینکه شیطان بر ما دست یابد.۶/۸

وَ أَسْتَعْصِمُکَ مِنْ مَلَکَتِهِ

و از تو می خواهم مرا از چیرگی او نگاه داری.

۲۷/۳۲

چیرگی ستمگر، به حقّ بنده

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنْهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْکَارِکَ، فَیُصِرَّ عَلَی ظُلْمِی، وَ یُحَاضِرَنِی بِحَقِّی

خداوندا او را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کرده بر حقّم دست یابد.۱۲/۱۴

گرداندن سلطه شیطان، از بندگان

وَ حَوِّلْ سُلْطَانَهُ عَنَّا

و تسلّط او را از ما بردار.۹/۱۷

توانا نمودن بنده، نسبت به مسلّط شونده بر او

وَ هَبْ لِی... قُدْرَةً عَلَی مَنِ اضْطَهَدَنِی

و مرا توانایی ای بر آنکه به من تسلّط یافت، ببخش.۸/۲۰

ایمنی یافتن مغلوب، تنها توسّط غالب

لَا یُوءْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَی مَغْلُوبٍ

شکست خورده را جز پیروز، امان نمی بخشد.

۳/۲۱

سبب غلبه زهد، بر بنده

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی... حَتَّی یَکُونَ الْغَالِبُ عَلَیَّ الزُّهْدَ فِی دُنْیَایَ

و برای آخرتمْ رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا آنکه بی رغبتی در دنیا بر من چیره شود.۸/۲۲

تسلّط شیطان و عدم تسلّط انسان

سَلَّطْتَهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ

او را بر ما تسلّط دادی، و ما را بر او تسلّطی نیست.۶/۲۵

مغلوب نمودن شیطان، از تسلّط بر بندگان

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِکَ...

خداوندا با سلطه خود، او را از تسلّط بر ما مغلوب نما.۸/۲۵

کفّار و چیرگی بر مرزهای مسلمانان

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ

خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان و از چیرگی به نواحی مسلمانان، بازدار.۱۰/۲۷

غلبه دادن مجاهد مسلمان، بر دشمن خدا

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِي عَيْنِهِ... وَ أَدِلْ لَهُ مِنْهُمْ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندك نما و او را بر آنان پیروز فرما.۱۵/۲۷

چیره نساختن دشمن خدا، بر مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ... أَدِلْ لَهُ مِنْهُمْ، وَ لَا تُدِلْهُمْ مِنْهُ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، او را بر آنان پیروز فرما و آنها را بر او چیره نساز.۱۵/۲۷

جایگاه بنده، جایگاه مغلوب شده شیطان

هَذَا مَقَامُ مَنْ... اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ

این مقام کسی است که شیطان بر او چیره گشته.۶/۳۱

توبه، و آسودگی اندام از قهر و غلبه های دردناك الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَى حِيَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِكَ، وَ تَأْمَنُ مِمَا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِيمِ سَطَوَاتِكَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم مانَد و از قهرهای دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد.۲۲/۳۱

غلبه سلطنت بی حدّ و مرز الهی

عَزَّ سُلْطَانُکَ عِزًّا لَا حَدَّ لَهُ بِأَوَّلِیَّتِهِ، وَ لَا مُنْتَهَی لَهُ بِآخِرِیَّتِهِ

فرمانروایی تو، چنان با عزّت است، که حدّی برای اوّلش و پایانی برای آخرش نیست.۴/۳۲

غلبه نمودن شیطان، بر بنده

وَ قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَیَّ عَدُوُّکَ الَّذِی اسْتَنْظَرَکَ لِغَوَایَتِی فَأَنْظَرْتَهُ

و دشمن تو که برای بیراهه بردن من از تو

ص : ۸۷۶

فرصت خواست، پس فرصتش دادی، بر من چیره شده است.۱۲/۳۲

عدم امتناع، در برابر غلبه خداوند

وَ لَا بِأَحَدٍ عَنْ سَطْوَتِکَ امْتِنَاعٌ

و هیچ کس از غلبه ات امتناع نتواند کرد.

۵/۳۶

چیره ساختن قرآن، بر هر کتاب مُنزل

وَ جَعَلْتَهُ مُهَیْمِنًا عَلَی کُلِّ کِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ

و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای، چیره قرار دادی.۱/۴۲

عدم توانایی سلطانی، در برابر غلبه خدا

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ یَقُمْ لِسُلْطَانِکَ سُلْطَانٌ

تویی آنکه در برابر سلطه و غلبه ات، سلطه و قدرتی، توانایی ندارد.۱۶/۴۷

غلبه داشتن نشانه های خدا

سُبْحَانَکَ بَاهِرَ الْآیَاتِ

پاک و منزّهی! ای که نشانه هایت آشکار است.

۳۱/۴۷

سپاسی برابر با غلبه عظمت خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... یُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که با غلبه بزرگی ات برابر باشد.۴۹و۳۶/۴۷

چیره ترین لشکرها

وَ امْدُدْهُ بِجُنْدِکَ الْأَغْلَبِ

و با چیره ترین لشکرت، به او کمک رسان.

۶۱/۴۷

نهراسیدن بنده، از قهر و غلبه خدا

أَنَا الَّذِی لَمْ یَرْهَبْ سَطْوَتَکَ

منم آنکه از قهر (و غلبه) تو نترسیده ام.

۸۱/۴۷

غلبه ناامیدی از رحمت خدا، بر بنده

وَ لَا تُوءْیِسْنِی مِنَ الْأَمَلِ فِیکَ فَیَغْلِبَ عَلَیَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِکَ

و از آرزومندی به خود ناامیدم نکن، که ناامیدی از رحمتت بر من چیره شود.۱۰۱/۴۷

مسلّط ساختن محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ... وَ الَّتمْکِینَ وَ التَّأْیِیدَ لَهُمْ

و در فرج و تسلّط دادن و تأیید آنان، شتاب فرما.۱۱/۴۸

مسلّط نساختن دشمن، بر بنده

وَ لَا تُشْمِتْ بِی عَدُوِّی... وَ لَا تُسَلِّطْهُ عَلَیَّ

و دشمنم را بر من شاد نگردان و او را بر من مسلّط نساز.۱۴/۴۸

روبرویی با قهر و غلبه های خداوند

حَلَلْتُ شِعَابَ تَلَفٍ، تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِکَ

به درّه هـای نـابودی وارد شـدم. در آنهـا، خود را در معرض غلبه هـا و سـخت گیری هـایت قرار داده، بـا عقوبت هایت روبرو شدم.۲/۴۹

ترس پادشاهان، از قهر و غلبه های خدا

یَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نِیرَ الْمَذَلَّهِ عَلَی أَعْنَاقِهَا، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن هایشان نهاده اند و از قهرها و غلبه های او ترسانند.۷/۵۱

شگفت از چیرگی پادشاهی خدا

سُبْحَانَکَ مَا... أَقْهَرَ سُلْطَانَکَ

پاک و منزّهی! چه غالب است پادشاهی ات!

۴/۵۲

تسلّط دنیا، بر بنده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنْ قَدْ... اسْتَمْکَنَتْ مِنْهُ الدُّنْیَا

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دنیا بر او تسلّط یافته است. ۹و۸/۵۲

غم اندوه

غنا بی نیازی

غیب پنهان

غیبت

به نیکی یاد کردن بنده از غیبت کننده اش

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أُخَالِفَ مَنِ اغْتَابَنِی إِلَی حُسْنِ الذِّکْرِ

و مرا توفیق ده تا با آنکه از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم.۹/۲۰

تبدیل غیبت، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... أَوِ اغْتِیَابِ مُوْمِنٍ غَائِبٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت یا غیبت مؤمن غائب، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

ایمن ساختن بنده، از غیبتِ قصدبدکننده درباره او

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوْمِنَنِی مِنْ... هَمْزِهِ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از غیبت نمودنش ایمن سازی.۸و۷/۲۳

غیظ خشم

ص : ۸۷۸

ف

فاش کردن افشا

فامیل خویشان

فانی فنا و نیز نابودی

فایده سود

فتور سستی

فجر

دوام برکت شب قدر، تا طلوع فجر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَکَهِ إِلَی طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَی مَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، بر هر یک از بندگانش که بخواهد، برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده دم دوام دارد.

۵/۴۴

فجور فسق

فحشا زشتی

فخرفروشی

فخرفروشی و به خود نازیدن ثروتمندان

اللَّهُمَّ إِنيِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... مُبَاهَاهِ الْمُکْثِرِینَ

خداوندا به تو پناه می برم از فخر فروشی ثروتمندان.۳و۱/۸

نگه داشتن بنده، از فخر

وَ اعْصِمْنِی مِنَ الْفَخْرِ

و مرا از فخرفروشی حفظ فرما.۳/۲۰

فراخوانی

فراخواندن بنده، به پاداش یا کیفر

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

زمانی که حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.۶/۱

فراخی

فراخی در روزی و عدم شکرگزاری بنده

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ... لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ یَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِی رِزْقِهِ فَلَمْ

ص : ۸۷۹

يَشْكُرُوهُ

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند و از روزی ای که عطا فرموده، به فراخی استفاده می برند و شکرش به جا نمی آوردند.۸/۱

از زندگی فراخ، به سختی روی آوردن

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى... خُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَهِ الْمَعَاشِ إِلَى ضِيقِهِ

و ایشان را به خاطر آنکه از زندگی راحت به سختی افتادند، پاداش عنایت کن.۸/۴

فراخی در باغ های بهشت، برای تابعین

وَ تَفْسَحُ لَهُمْ فِی رِيَاضِ جَنَّتِكَ

و در باغ های بهشتت بر ایشان وسعت دهی.

۱۴/۴

بی رغبت ساختن تابعین، نسبت به فراخی (زندگی) دنیا

وَ تُزَهِّدَهُمْ فِی سَعَهِ الْعَاجِلِ

و در گشادگی دنیا آنان را بی میل نمایی.

۱۶/۴

فراخ بودن (رحمت) خدا

إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ

همانا تو دارای رحمت وسیع و بخشش بسیار

هستی. ۲۴/۱۳

إِنَّكَ ذُو رَحْمَهٍ وَاسِعَهٍ

به درستی که تو دارای رحمت گسترده هستی.

۲۱/۴۲

فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ

پس ای کسی که رحمتش وسیع است.

۸/۴۸

فَإِنَّکَ وَاسِعٌ کَرِيمٌ

زیرا تو توانگر بخشنده ای.۲۸/۴۸، ۷/۲۲

آبی سودمند، با جریانی وسیع

وَ أَشْهِدْ مَلَائِکَتَکَ الْکِرَامَ السَّفَرَةَ. بِسَقْيٍ مِنْکَ نَافِعٍ... وَاسِعٍ دِرَرُهُ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود که جاری شدنش بسیار باشد، آماده ساز.۲/۱۹

فراخی دادن روزی ها، با آب

وَ تُوَسِّعُ بِهِ فِی الْأَقْوَاتِ

و با آن روزی ها فراخی دهی.۳/۱۹

فراخ بودن روزی خداوند

وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِی رِزْقِکَ

و روزی ات را بر من بگستر.۳/۲۰

وَ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ... رِزْقِکَ الْوَاسِعِ

و درهای روزی فراخت را بر من بگشای.

۱۳۲/۴۷

فراخ ترین روزی، در هنگام پیری

وَ اجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِکَ عَلَیَّ إِذَا کَبِرْتُ

و فراخ ترین روزی ات را بر من، زمانی که پیر شدم قرار ده.۱۱/۲۰

تنگ گرفتن والدین بر خود جهت فراخی و گشایش فرزند

وَ أَیْنَ إِقْتَارُهُمَا عَلَی أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوْسِعَهِ عَلَیَّ؟!

و تنگی هایی که آن دو (پدر و مادرم) برای گشایش من بر خود گرفته اند، چه می شود؟

۱۰/۲۴

فراخی روزی حلال

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوسَعِ عَلَیْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) از فضلت روزی حلال برای آنان سرشار شده، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

فراخ بودن فضل و بخشش خداوند

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوسَعِ عَلَیْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِکَ، الْوَاسِعِ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به جود و کرم تو از فضل گسترده ات روزی حلال برای آنان سرشار شده، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

فراخ نمودن سینه بنده، در مقدّرات

وَ وَسِّعْ بِمَوَاقِعِ حُکْمِکَ صَدْرِی

و سینه ام را به احکام (مقدّرات) خود، فراخ ساز.۳/۳۵

روان گرداندن فراخی روزی ها، به سوی بندگان

وَ سُقْ إِلَیْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَیْشِ وَ خِصْبَ سَعَهِ الْأَرْزَاقِ

و به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده.

۱۲/۴۲

عامل فراخ گشتن تنگی لحدهای بندگان

وَ افْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِکَ فِی ضِیقِ مَلَاحِدِنَا

و به رحمتت، تنگی لحدهایمان را برای ما گشاد گردان.۱۴/۴۲

فراهم نمودن تندرستی و فراخی، برای بنده

وَ اجْمَعْ لِیَ الْغِنَی... وَ الصِّحَّهَ وَ السَّعَهَ

و بی نیازی و تندرستی و فراخی را، برایم فراهم ساز.۱۳۰/۴۷

رحمت خدا، فراخ تر از گناهان بنده

إِنِّی... لَمَغْفِرَتُکَ وَ رَحْمَتُکَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِی

ص : ۸۸۱

همانا آمرزش و رحمت تو، از گناهانم وسیع تر است.۴/۴۸

افزودن فراخی آنچه نزد خداست، برای بنده

وَ زِدْنِی مِنْ فَضْلِکَ وَ سَعَهِ مَا عِنْدَکَ

و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا.۲۸/۴۸

فرار گریز

فراغت

فراغت تن و سپاس نعمت

وَ اجْعَلْ... فَرَاغَ أَبْدَانِنَا فِی شُکْرِ نِعْمَتِکَ

و آسایش تن هایمان را در سپاس گزاری نعمت خود قرار ده.۱۴/۵

فراغت، همراه با سلامتی (از آفات)

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَهٍ، لَا تُدْرِکُنَا فِیهِ تَبِعَهٌ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد.۲/۱۱

فراغت در زهد

وَ ارْزُقْنِی... فَرَاغًا فِی زَهَادَهٍ

و مرا فراغت در زهد، روزی فرما.۲۷/۲۰

فراغت از جنگ با دشمن

وَ فَرِّغْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِکَ

و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن، برای عبادت خویش آسوده ساز.۷/۲۷

چشاندن مزه فراغت، به بنده

وَ أَذِقْنِی طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَهٍ مِنْ سَعَتِکَ

و به وسیله گشایشی از گشایشگری ات، طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری، به من بچشان.۱۲۵/۴۷

فراق جدایی

فراگیر (شامل)

احاطه و فراگیری علم خداوند

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ

پس سپاس او را، به شماره آنچه علمش - از همه چیزها - به آن احاطه دارد.۲۷/۱

ملک فراگیر خداوند

يَحْوِينَا مُلْكُكَ وَ سُلْطَانُكَ

سلطه و فرمانروایی توست که ما را فرا می گیرد.۱۰/۶

ص : ۸۸۲

رحمت و علم فراگیر خداوند

أَنْتَ الَّذِی وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَحْمَهً وَ عِلْمًا

تویی آنکه با رحمت و دانش، همه چیز را دربر گرفته ای.۵/۱۶

شرط مشمول دعای بنده قرار گرفتن

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ شَهِدَ لَکَ بِالرُّبُوبِیَّهِ...

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به پروردگاری ات گواهی داد، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

(درخواست) ابری فراگیر

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَ تُوَسِّعُ بِهِ فِی الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا... طَبَقًا...

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری فراگیر.

۳و۱/۱۹

فراگیری درخواست بنده، درباره همه دشمنان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْکِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و دیگر امّت های مشرک.۹/۲۷

احاطه عفو خدا، بر ستمکاران

وَ کَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُکَ الظَّالِمِینَ

و چه بسیار عفوت که ستمگران را فرا گرفت.

۹/۳۹

رهایی دادن بنده، از احاطه شیطان

وَ إِنِ اشْتَمَلَ عَلَیْنَا عَدُوُّکَ الشَّیْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ

و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده.۱۶/۴۴

نعمت و بخشش فراگیر خداوند

یَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَی عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَ الْفَضْلِ، وَ غَمَرَهُمْ بِالْمَنِّ وَ الطَّوْلِ

ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای و با بخشش و نعمت، ایشان را فراگرفته ای.۱۸/۴۵

احاطه خدا، بر همه چیز

وَ هُوَ بِكُلِّ شَیْءٍ مُحِیطٌ

و او به هر چیزی احاطه دارد.۲/۴۷

احاطه نداشتن مکانی، بر خداوند

أَنْتَ الَّذِی لَا یَحْوِیکَ مَکَانٌ

تویی آنکه مکانی تو را فرانمی گیرد.۱۶/۴۷

پاداشی فراگیرنده همه پاداش ها

ص : ۸۸۳

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... یَسْتَغْرِقُ کُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ

سپاس برای توست. سپاسی که جزایش همه جزاها را فرا گیرد.۴۲و۳۶/۴۷

درودی فراگیرنده درودهای جنّ و انس

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً... تَشْتَمِلُ عَلَی صَلَوَاتِ عِبَادِکَ مِنْ جِنِّکَ وَ إِنْسِکَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای بندگانت از جن و اِنست و اجابت کنندگان دعوتت را شامل شود.

۵۴/۴۷

درودی فراگیرنده همه درودها

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُحِیطُ بِکُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه ای را فراگیرد.

۵۵/۴۷

کاستی ای فراگیرنده بنده

وَ حُلْ بَیْنِی وَ بَیْنَ... مَنْقَصَةٍ تَرْهَقُنِی

و میان من و نقیصه ای که مرا فرامی گیرد، جدایی انداز.۹۹/۴۷

رسواییِ فراگیرنده

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ... مَنِ اشْتَمَلَ عَلَیْهِ الْخِزْیُ مِنْ عِنْدِکَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از جانب تو خواری او را شامل شده.۱۰۴/۴۷

عفو فراگیر الهی

فَلَوْ لَا الْمَوَاقِفُ الَّتِی أُؤَمِّلُ مِنْ عَفْوِکَ الَّذِی شَمِلَ کُلَّ شَیْءٍ لَأَلْقَیْتُ بِیَدِی

پس اگر جایگاهی که از بخشایشت آرزومندم و هر چیزی را فرامی گیرد نبود، خود را هلاک می ساختم. ۳/۵۰

قدمت فراگیری عفو الهی

وَ إِنْ تَعْفُ عَنِّی فَقَدِیمًا شَمَلَنِی عَفْوُکَ

و اگر از من درگذری، پس از دیرزمانیست که بخشایشت مرا فراگرفته است.۴/۵۰

احاطه شدن بنده، به وسیله گناهانش

أَتَنَصَّلُ إِلَیْکَ مِنْ ذُنُوبِیَ الَّتِی قَدْ أَوْبَقَتْنِی، وَ أَحَاطَتْ بِی فَأَهْلَکَتْنِی

به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته و مرا فراگرفته تا هلاکم کند، پوزش می طلبم.۸/۵۱

فراموشی

خدا و فراموش نکردن ازدست داده ها

فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَکُوا لَکَ وَ فِیکَ

پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها

کردند برای آنان از نظر دور ندار.۷/۴

پذیرش دعوت شیطان ، علی رغم عدم فراموشی بدی های او

وَ مَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى السُّوءِ مِنِّی حِینَ أَقِفُ بَیْنَ دَعْوَتِکَ وَ دَعْوَهِ الشَّیْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلَى غَیْرِ عَمًى مِنِّی فِی مَعْرِفَهٍ بِهِ وَ لَا نِسْیَانٍ مِنْ حِفْظِی لَهُ؟

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور و در شناخت بدی های او فراموشکار نیستم؟۲۳/۱۶

حفظ آنچه بنده فراموش کرده، برای او

وَ احْفَظْ لَنَا مَا نَسِینَاهُ

و آنچه فراموشش کردیم برای ما نگهدار.

۱۶/۱۷

عطای خداوند و عدم فراموشی یاد او

وَ لَا تَجْعَلْنِی نَاسِیًا لِذِکْرِکَ فِیما أَوْلَیْتَنِی

و مرا فراموشکارِ یادت در آنچه به من عطا نمودی، قرار نده.۸/۲۱

فراموشی و توفیق انجام واجبات

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ... ذَکَرْتُهُ أَوْ نَسِیتُهُ

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده. خواه آن را به یاد داشته یا فراموشش کرده باشم.۶/۲۲

از یاد نبردن پدر و مادر

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَهُمَا فِی أَدْبَارِ صَلَوَاتِی...

خداوندا یاد آنان را بعدِ نمازهایم، از یادم نبر.

۱۳/۲۴

فراموش کردن شیطان و فراموش نشدن توسّط او

لَا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا

اگر فراموشش کنیم، او (ما را) فراموش نمی کند. ۶/۲۵

فراموشی و اصلاح حال بنده

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَ مَا نَسِيتُ

و هر چه در دنیایم و آخرتم به صلاحم است، چه آن را به یاد آوردم یا آنچه فراموش کردم، بر من ارزانی دار.۹/۲۵

مرزدار اسلام و فراموشی دنیای فریبنده

وَ أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ

و هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده

گول زننده را از خاطرشان ببر.۴/۲۷

فراموشی دادن قلوب مشرکان، از حیله

وَ أَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الِاحْتِيَالِ

و قلب هایشان را از چاره جویی بی خبر ساز.

۱۱/۲۷

مجاهد مسلمان و از خاطر بردن یاد زن و فرزند

وَ أَنْسِهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ

و یاد خانواده و فرزند را فراموشش ساز.

۱۳/۲۷

بنده و فراموشی گرفتاری ها

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ... تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيتُهُنَّ

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام.۱۸/۳۱

علم فراموشی ناپذیر خداوند

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ... وَ كُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ عِلْمِكَ الَّذِي لَا يَنْسَى

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است و همه آنها پیش چشم تو که نمی خوابد و در علم تو که فراموش نمی کند، قرار دارد.۱۸/۳۱

عدم فراموشی کار ناپسند گذشته

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّي بِسُوءِ أَثَرِي، وَ لَا نِسْيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمِ فِعْلِي

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

فراموشی، سبب ستم نمودن بر خود

اللَّهُمَّ وَ مَا... اكْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَى تَعَمُّدٍ مِنَّا، أَوْ عَلَى نِسْيَانٍ ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسَنَا... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ

خداوندا و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم، یا فراموشی ای که در آن به خود ستم کردیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.۴۷/۴۵

از خاطر نبردن یاد خدا

وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ

و یاد خود را از خاطرم نبر.۱۱۴/۴۷

در گروه فراموش شدگان بودن

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي إِذَا... كُنْتُ مِنَ الْمَنْسِيِّينَ كَمَنْ قَدْ نُسِيَ

مولای من! هنگامی که مانند کسی که فراموش شده، از فراموش شدگان گردم، به من رحم کن.

۵/۵۳

فراوانی

پاداش سرشار و فراوان الهی

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَی مَا نَدَبَهُ إِلَیْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

زمانی که حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.۶/۱

فراوانی نعمت های پیوسته الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ عَلَی مَا... أَسْبَغَ عَلَیْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَهِ، لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ یَحْمَدُوهُ

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر نعمت های آشکار که برای آنها تمام کرده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

فراوانی ستم دیدگانِ قدم بردارنده، در جهت ارجمندی دین خدا

وَ اشْکُرْهُمْ عَلَی... مَنْ کَثَّرَتَ فِی إِعْزَازِ دِینِکَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ

و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند، پاداش عنایت کن.

۸/۴

بخشش از زیادی عطای خداوند

وَ إِنَّمَا یُعْطِی الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَتِکَ

و به درستی که بخشندگان از زیادی عطای تو می بخشند. ۱۱/۵

بی نیازی، به زیادی و فزونی قوّت خدا

اللَّهُمَّ إِنَّمَا یَکْتَفِی الْمُکْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِکَ

خداوندا به درستی که بی نیازان به فزونی نیروی تو بی نیاز می شوند.۱۱/۵

فراوان ساختن نیکی ها برای بندگان، در هر روز

وَ أَجْزِلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ

و در آن روز خوبی ها را برای ما بسیار گردان.

۱۴/۶

کم بودن خواسته بسیار بنده، نزد خدا

وَ عَلِمْتُ أَنَّ كَثِيرَ مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرٌ فِي وُجْدِكَ

و دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است.۱۹/۱۳

دلالت قرآن، بر بخشش های فراوان خدا

إِنَّ ذَلِكَ... لَا يَؤُودُكَ فِي جَزِيلِ هِبَاتِكَ الَّتِي دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ

بدرستی که این در برابر بخشش های بسیارت که نشانه هایت بر آن دلالت دارد بر تو سنگین

ص : ۸۸۷

نمی باشد.۳۴/۱۶

بسیار نبودن آنچه پایانش نیستی است

فَغَیْرُ کَثِیرٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ

زیرا آنچه سرانجامش نابودیست، زیاد نیست.

۳/۱۸

گستراندن رحمت خدا، به باران فراوان

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر بر ما بگستران. ۱/۱۹

آبی با فراوانی دائم

وَ أَشْهِدْ مَلَائِکَتَکَ الْکِرَامَ السَّفَرَهَ. بِسَقْیٍ مِنْکَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غُزْرُهُ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود - که فراوانی اش همیشگی باشد - آماده ساز.۲/۱۹

سیراب شدن، با باران فراوان

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَیْثًا مُغِیثًا... غَزِیرًا

خداوندا ما را از بارانی ثمربخش و پُر آب، سیراب گردان.۴/۱۹

وسیله فراوان ساختن دارایی بنده

وَ وَفِّرْ مَلَکَتِی بِالْبَرَکَهِ فِیهِ

و دارایی ام را با برکت، افزون ساز.۲۳/۲۰

فراوانی رحمت الهی

وَ لَا أَنَالُ مَا عِنْدَکَ إِلَّا بِطَاعَتِکَ وَ بِفَضْلِ رَحْمَتِکَ

و نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو و به فزونی رحمت تو.۶/۲۱

عطای خویشان، همراه با منّت و نکوهش فراوان آنها

إِنْ أَلْجَأْتَنِی إِلَی قَرَابَتِی حَرَمُونِی، وَ إِنْ أَعْطَوْا أَعْطَوْا قَلِیلًا نَکِدًا، وَ مَنُّوا عَلَیَّ طَوِیلًا، وَ ذَمُّوا کَثِیرًا

اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند و بر من منّت بسیار نهند و نکوهش فراوان کنند.

۳/۲۲

بزرگی و فراوانی عطای الهی

هُوَ، یَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَیْتَهُ عَلَیَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِی، فَأَدِّهِ عَنِّی مِنْ جَزِیلِ عَطِیَّتِکَ وَ کَثِیرِ مَا عِنْدَکَ

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا کن.

۷/۲۲

بسیار شمردن نیکویی اندک والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّی... أَسْتَکْثِرَ بِرَّهُمَا بِی وَ إِنْ قَلَّ

و اطاعت از پـدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا نیکی ایشان را درباره خود – اگرچه اندک باشد – بسیار شمارم.۵/۲۴

کم دانستن نیکویی بسیار خود ، درباره والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّی... أَسْتَقِلَّ بِرِّی بِهِمَا وَ إِنْ کَثُرَ

و اطـاعت از پـدر و مـادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا نیکی خود را درباره ایشان – اگرچه بسیار باشد – اندک بدانم.۵/۲۴

فراوان گرداندن روزی فرزندان، به دست والدین

وَ أَدْرِرْ لِی وَ عَلَی یَدِی أَرْزَاقَهُمْ

و برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما.۲/۲۵

فراوان گرداندن بخشش های مرزداران اسلام

اللَّهُمَّ... أَسْبِغْ عَطَایَاهُمْ مِنْ جِدَتِکَ

خداوندا از دارایی خویش، بخشش های آنان را فراوان ساز.۱/۲۷

فراوان ساختن تعداد مرزداران اسلام

وَ کَثِّرْ عِدَّتَهُمْ

و بر تعدادشان بیفزا.۲/۲۷

فراوان ساختن دارایی مرزداران اسلام

اللَّهُمَّ وَ قَوِّ بِذَلِکَ مِحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ... وَ ثَمِّرْ بِهِ أَمْوَالَهُمْ

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوّت بخش و ثروت هایشان را بیفزا.۷/۲۷

وسیله رهاندن بنده، از وام

وَ أَجِرْنِی مِنْهُ بِوُسْعٍ فَاضِلٍ أَوْ کَفَافٍ وَاصِلٍ

و مرا با ثروتِ فراوان و روزیِ کافی، از آن (قرض) نجات ده.۲/۳۰

منکر احسان بسیار خداوند

تَعَاطَی مَا نَهَیْتَ عَنْهُ تَغْرِیرًا... کَالْمُنْکِرِ فَضْلَ إِحْسَانِکَ إِلَیْهِ

با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده. مانند انکارکننده بسیاری فضل تو به خودش.

۶/۳۱و۷

بسیاری معصیت و نافرمانی بنده

و کَثُرَ عَلَیَّ مَا أَبُوءُ بِهِ مِنْ مَعْصِیَتِکَ

و معصیتت که بر دوش کشم، بر من زیاد است.

۱۰/۳۲

خوراک جنین، از زیادی خوراک مادر

ص : ۸۸۹

جَعَلْتَ لِی قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرَیْتَهُ لِأَمَتِکَ الَّتِی أَسْکَنْتَنِی جَوْفَهَا

از زیادی خوردنی و آشامیـدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی. ۲۴/۳۲

پناه بردن از آتش، به بسیاری رحمت خدا

وَ أَجِرْنِی مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِکَ

و مرا به بسیاری رحمتت از آن (آتش) ایمن ساز. ۳۲/۳۲

حرمت های بسیار ماه رمضان

فَأَبَانَ فَضِیلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرُمَاتِ الْمَوْفُورَهِ

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به حرمت های فراوان آشکار ساخت.۴/۴۴

تعجّب از فراوانی بخشش خدا

مَا... أَسْبَغَ عَلَیْنَا مِنَّتَکَ

چه سرشار است بر ما بخشش تو!۱۸/۴۵

فراوانی آزادشدگان خدا، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا أَکْثَرَ عُتَقَاءَ اللَّهِ فِیکَ!

درود بر تو. چه بسیار است آزادشدگان (از عذاب) خدا در تو!.۳۰/۴۵

آرزومندی فراوان دل، به ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَیْکَ! وَ أَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا إِلَیْکَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!.

۴۱/۴۵

ادای اندکی از بسیار، در ماه رمضان

وَ أَدَّيْنَا فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ

و در آن اندکی از بسیار را انجام دادیم.

۴۴/۴۵

بسیاری بازگشتِ (مغرور به کرم خدا)، در کیفر

مَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِی عِقَابِکَ

چه طولانی است پی درپی بازگشتن او، در کیفرت!۲۰/۴۶

فراوان تر بودن نعمت خدا، از به شمارش درآمدن

وَ نِعْمَتُکَ أَکْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَی بِأَسْرِهَا

و نعمت تو بیشتر از آنست که تمامش به شماره آید.۲۳/۴۶

بسیاری احسان خدا

وَ إِحْسَانُکَ أَکْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْکَرَ عَلَی أَقَلِّهِ

ص : ۸۹۰

و احسان تو افزون تر از آنست که بر کمترین آن شکر توان کرد.۲۳/۴۶

خدا و عدم فزونی مانندی بر او

أَنْتَ الَّذِی... لَا عِدْلَ لَکَ فَیُکَاثِرَکَ

تویی آنکه همانندی برایت نیست، تا در فزونی با تو رقابت کند.۲۰/۴۷

یاری شدن کوشنده در بسیاری سپاس

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُعَانُ مَنِ اجْتَهَدَ فِی تَعْدِیدِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد.۴۵و۳۶/۴۷

فراوانی سپاس، سبب افزایش نعمت

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوجِبُ بِکَرَمِکَ الْمَزِیدَ بِوُفُورِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گرداند.

۴۸و۳۶/۴۷

درودی فراوان، بر محمّد صلی الله علیه و آله

وَ صَلِّ عَلَیْهِ صَلَاةً نَامِیَةً لَا تَکُونُ صَلَاةٌ أَنْمَی مِنْهَا

و بر او درود فرست، درود فراوانی که درودی فراوان تر از آن نباشد.۵۱/۴۷

فراوان گشتن بهره محمّد صلی الله علیه و آله و آلش، از نعمت ها و سودهای الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحَلِکَ وَ کَرَامَتِکَ... وَ تُوَفِّرُ عَلَیْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِکَ وَ فَوَائِدِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامتت را برای ایشان بسیار سازی و بهره یِ آنان را از نعمت ها و سودهایت فراوان گردانی.۵۷/۴۷

فراوانی عطای خدا، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمُ عَرَفَةَ یَوْمٌ... أَجْزَلْتَ فِیهِ عَطِیَّتَکَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که عطایت را در آن فراوان نموده ای.۶۶/۴۷

فراوانی محبّت خداوند

لَا تَمْنِحْنِی بِمَا لَا طَاقَهَ لِی بِهِ فَتَبْهَظَنِی مِمَّا تُحَمِّلُنِیهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِکَ

آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از فزونی دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی.۱۰۲/۴۷

فراوانی نعمت های الهی

وَ جَلِّلْنِی سَوَابِغَ نَعْمَائِکَ

و مرا به نعمت های گسترده خود فراپوش.

۱۱۲/۴۷

وَ تَمِّمْ سُبُوغَ نِعْمَتِکَ عَلَیَّ

ص : ۸۹۱

و فراخی نعمتت را بر من تمام کن.۱۲۸/۴۷

فراوانی نصیب بنده، از احسان خدا

وَ وَفِّرْ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ

و نصیب مرا از احسان، به فضل خود فراوان گردان.۱۲۹/۴۷

بسیار نمودن سهمِ بنده، از بخشش ها

وَ أَجْزِلْ لِي قِسَمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ

و سهم مرا از بخشش ها به لطف خود فراوان کن.۱۲۹/۴۷

فراوان گرداندن نصیب بنده ، از نیکیِ قسمت شونده میان مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَوْ تُعْطِيهِمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی را قسمت می نمایی، یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

شمارِ بسیارِ دشمنان

فَنَظَرْتَ يَا إِلَهِي إِلَى... وَحْدَتِي فِي كَثِيرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِي

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر

(سپاهیانِ) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده، مشاهده کردی.۵/۴۹

اقرار به فراوانی نعمت ها

هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده است.۱۵/۴۹

احسان خدا و فراوان ساختن نعمت

إِلَهِی أَحْمَدُکَ... عَلَی مَا... أَسْبَغْتَ عَلَیَّ مِنْ نِعْمَتِکَ

خدای من، تو را سپاس گزارم بر نعمتت که بر من فراوان داشتی.۱/۵۱

سزاواری سپاس، در برابر بسیاری بخشش

إِلَهِی أَحْمَدُکَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - عَلَی... جَزِیلِ عَطَائِکَ عِنْدِی

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر بسیاری عطاها و بخشش هایت درباره من.۱/۵۱

سزاواری سپاس، در برابر فراوانی نعمت

إِلَهِی أَحْمَدُکَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - عَلَی... سُبُوغِ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر فراخی نعمت هایت بر من.۱/۵۱

عدم فراوانی نعمت، و عدم دست یابی به

بهره خود

وَ لَوْ لَا إِحْسَانُکَ إِلَيَّ وَ سُبُوغُ نَعْمَائِکَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّی

و اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم.

۲/۵۱

روشن گرداندن چشم بنده، به نعمت وافر

إِلَهِی... کَمْ مِنْ نِعْمَهٍ سَابِغَهٍ أَقْرَرْتَ بِهَا عَيْنِی

خدای من، چه بسیار نعمت فراخی که دیده ام را به آن روشن نمودی!۳/۵۱

فراوان یافتن نعمت های خدا

وَ وَجَدْتُ نُعْمَاکَ عَلَيَّ سَابِغَهً فِی کُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِی وَ کُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِی

و نعمت هایت را بر خود، در هر حالی از حالم و هر وقتی از اوقاتم، گسترده یافتم.۵/۵۱

بسیاری اندوه ها

أَشْکُو إِلَيْکَ يَا إِلَهِی... کَثْرَهَ هُمُومِی

ای خدای من، از بسیاری اندوه هایم، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

فراوانی نعمت، علّت فریفتگی دل ها

فَأَسْأَلُکَ يَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... قَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِکَثْرَهِ النِّعَمِ عَلَيْهِ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دلش به سبب زیادی نعمت ها بر او، فریفته شده.۸/۵۲

بسیار دانستن گناهان

فَأَسْأَلُکَ يَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنِ اسْتَکْثَرَ ذُنُوبَهُ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که گناهانش را بسیار دانسته است.۹و۸/۵۲

بازگشت به فراوانی بخشش خداوند

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُثْنِیَنِی بِالْکَثِیرِ مِنْ کَرَامَتِکَ بِرَحْمَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که با رحمت خویش مرا به بسیارِ بخشش خود بازگردانی.

۱۰/۵۲

مرتکب گناهان بسیار

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ سُوءَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ... وَ کَثُرَتْ ذُنُوبُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و گناهانش بسیار است.۳/۵۴

فرجام عاقبت

فرح شادی

فردا

فردا و سؤال شدن از بنده

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا تَسْأَلُنِی غَدًا عَنْهُ

و مرا به کاری که فردا از آن بازپرسی می نمایی وادار. ۳/۲۰

فردا و اشتیاق به رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَیْکَ! وَ أَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا إِلَیْکَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!.

۴۱/۴۵

فرزند

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و جدا شدن از زن و فرزند خود

وَ فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِی إِظْهَارِ کَلِمَتِهِ

و در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند.۴/۴

درود خدا بر فرزندان تابعین اصحاب

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِینَ... وَ عَلَى ذُرِّیَّاتِهِمْ، وَ عَلَى مَنْ أَطَاعَکَ مِنْهُمْ

خداوندا و بر تابعین و فرزندانشان و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود فرست.

۱۳/۴

فرزندان با ایمان و پناهگاه بازدارنده از شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ... أَوْلَادَنَا... مِنَ الْمُوْمِنِینَ وَ الْمُوْمِنَاتِ مِنْهُ فِی حِرْزٍ حَارِزٍ، وَ حِصْنٍ حَافِظٍ، وَ کَهْفٍ مَانِعٍ

و فرزندان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده و پناهگاهی بازدارنده قرار

ده.۱۰/۱۷

پناه جستن از خدا، برای خود و فرزندان

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ...

و من و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده پناه ده. ۶/۲۳

درود خدا بر محمّد صلی الله علیه و آله و فرزندانش

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ذُرِّیَّتِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندان او و نسل او درود فرست.۱۲/۲۴

دعا برای فرزندان

اللَّهُمَّ وَ مُنَّ عَلَیَّ بِبَقَاءِ وُلْدِی... إِلَهِی امْدُدْ لِی فِی أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ لِی فِی آجَالِهِمْ، وَ رَبِّ لِی صَغِیرَهُمْ، وَ قَوِّ لِی ضَعِیفَهُمْ، وَ أَصِحَّ لِی أَبْدَانَهُمْ وَ أَدْیَانَهُمْ وَ أَخْلَاقَهُمْ، وَ عَافِهِمْ فِی أَنْفُسِهِمْ وَ فِی جَوَارِحِهِمْ وَ فِی كُلِّ مَا عُنِیتُ بِهِ مِنْ

أَمْرِهِمْ، وَ أَدْرِرْ لِی وَ عَلَی یَدِی أَرْزَاقَهُمْ. وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتْقِیَاءَ بُصَرَاءَ سَامِعِینَ مُطِیعِینَ لَکَ... اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضُدِی، وَ أَقِمْ بِهِمْ أَوَدِی، وَ کَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِی، وَ زَیِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِی، وَ أَحْیِ بِهِمْ ذِکْرِی، وَ اکْفِنِی بِهِمْ فِی غَیْبَتِی، وَ أَعِنِّی بِهِمْ عَلَی حَاجَتِی، وَ اجْعَلْهُمْ لِی مُحِبِّینَ... وَ أَعِنِّی عَلَی تَرْبِیَتِهِمْ وَ تَأْدِیبِهِمْ، وَ بِرِّهِمْ، وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُکُورًا، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ خَیْرًا لِی، وَ اجْعَلْهُمْ لِی عَوْنًا عَلَی مَا سَأَلْتُکَ

خداوندا و بر من به بقای فرزندانم منّت گذار. خداوندا عمرشان را برای من دراز گردان و در مدّت عمرشان برایم بیفزا و خردسالشان را برای من پرورش ده و ناتوانشان را برایم نیرومند نما و بدن و دین و اخلاقشان را برای من سالم بدار و آنان را در جان و اعضا و کارهایشان - که برای من مهم است - تندرستی ده و برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما. و آنان را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود قرار ده. خداوندا بازوی مرا به وسیله آنان محکم گردان و کجی مرا به وسیله ایشان راست فرما و تعداد مرا به وسیله آنها بیفزا و مجلس مرا به وسیله ایشان آراسته نما و یاد مرا به وسیله آنها زنده گردان و در غایب بودنم، ایشان را جانشین من فرما و در برآمدن حاجتم به وسیله آنان یاری ام ده و آنان را دوستدار من قرار ده. و مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما. و از نزد خود

افزون بر ایشان، پسران دیگری به من ببخش و آن را برای من خیر قرار ده و ایشان را برای من، بر آنچه از تو خواستم، مددکار قرار ده.۵-۱/۲۵

تربیت، تأدیب و احسان به فرزندان

وَ أَعِنِّی عَلَی تَرْبِیَتِهِمْ وَ تَأْدِیبِهِمْ، وَ بِرِّهِمْ

و مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما.۵/۲۵

بخشیدن فرزندان نرینه، به بنده

وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُکُورًا، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ خَیْرًا لِی

و از نزد خود افزون بر ایشان، پسران دیگری به من ببخش و آن را برای من خیر قرار ده.

۵/۲۵

پناه دادن بنده و فرزندانش، از شیطان

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ

و مرا و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده، پناه ده. ۶/۲۵

درخواست از خدا برای خود و فرزندان، و شمول آن درباره مؤمنان

وَ أَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُوءْمِنِينَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی...

و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و

ص : ۸۹۵

زنان با ایمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، ببخش.۱۲/۲۵

مجاهد و از خاطر بردن یاد زن و فرزند

وَ أَنْسِهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ

و یاد خانواده و فرزند را فراموشش ساز.

۱۳/۲۷

فرزند نداشتن و فرزند کسی نبودن خدا

إِنَّکَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِی لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَکَ کُفُوًا أَحَدٌ

به درستی که تو تنها یکتای بی نیازی که فرزند نیاوردی و زاییده نشدی و هیچ کس مانند تو نبوده است.۵/۳۵

فرستاده

گردآمدن با پیامبران مرسل، در بهشت

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُضَامُّ بِهِ أَنْبِیَاءَهُ الْمُرْسَلِینَ فِی دَارِ الْمُقَامَهِ الَّتِی لَا تَزُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است.۱۶و۱۰/۱

برابری ننمودن هیچ پیامبر مرسلی ، با محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ... إِلَی الدَّرَجِهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ حَتَّی... لَا یُوَازِیَهُ لَدَیْکَ... نَبِیٌّ مُرْسَلٌ

خداوندا، او را به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر. تا آنکه نزد تو هیچ پیامبر فرستاده شده ای با او برابری نکند.۲۴و۲۳/۲

درود خدا بر فرشتگان رساننده غیب، به رسولانش

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ حُمَّالِ الْغَیْبِ إِلَی رُسُلِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که رسانندگان اخبار نهانی بر رسولانت می باشند.۱۰/۳

درود خدا، بر فرشتگان فرستاده شده بر زمینیان

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ رُسُلِکَ مِنَ الْمَلَائِکَهِ إِلَی أَهْلِ الْأَرْضِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، به سوی اهل زمین.۱۷و۱۱و۱۰/۳

درود فرستادن خدا، بر فرستادگانش

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّیْتَ عَلَی مَلَائِکَتِکَ وَ رُسُلِکَ، وَ بَلِّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَیْهِمْ فَصَلِّ عَلَیْنَا...

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما درود فرست.۲۶/۳

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

ایمان واقعیِ پیروان رسولان

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ... عِنْدَ... الِاشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پیامبران، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند...۱/۴

علاقه مندی پیروان رسولان، به ایشان

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ... الِاشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ... فَاذْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پنهانیِ پیامبران از اهل زمین، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.۲و۱/۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحابش، دعوت کننده به سوی خدا

...وَ كَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاةً لَكَ إِلَيْكَ

و برای تو با پیامبرت دعوت کننده به سوی تو بوده اند.۷/۴

محمّد صلی الله علیه و آله ، فرستاده خدا

أَنِّي أَشْهَدُ... أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ و خِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ

همانا من شهادت می دهم که محمّد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین آفریدگانت است.

۲۲و۲۱/۶

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست.۱/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست.۱۸/۲۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ کَمَا بَلَّغَ رِسَالَتَکَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد.

۱۷/۴۲

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ...

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده و فرستاده ات درود فرستی.۳/۴۸

ص : ۸۹۷

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَی...

و درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است باد.۹/۵۴

مهتر فرستادگان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِیِّینَ وَ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ...

خداوندا بر محمّد – آخِر پیامبران و سرور فرستادگان – درود فرست.۱۵/۱۷

زیارت قبر رسول صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِیَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ...

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت.۴/۲۳

به پا کننده جنگ، برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِکَ وَ لِأَهْلِ بَیْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ

و من و فرزندانم را از شرّ هر جنّ و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند، پناه ده.۶/۲۳

رسولان گرامی، در جایگاه های حاضران، در آخرت

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ

دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ، وَ الرُّسُلِ الْمُکَرَّمِینَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

نفرستادن آفت، بر روزی بندگان

وَ لَا تُرْسِلْ عَلَی مَعَایِشِنَا عَاهَةً

و زیانی بر معیشت ما نفرست.۲/۳۶

فرستادن ابرها، از روی خشم الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كُنْتَ... أَرْسَلْتَهَا سَخْطَةً فَإِنَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ

خداوندا و اگر آن (ابرها) را از روی خشم فرستاده ای، پس ما از خشمت، از تو امان می خواهیم. ۳/۳۶

پیامبران مرسل، بهره مند از پاداش الهی

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِكَ... أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفَيْنَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود و پیامبران فرستاده شده برگزیده ات دادی.۲۲/۴۲

ص : ۸۹۸

نماز و سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ...

و مـا را دربـاره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنـده و رسول تو قرار داد - به جا آورده اند.۹/۴۴

پیامبران مرسل، و عبادت در رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ... مِنْ مَلَکٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ نَبِیٍّ أَرْسَلْتَهُ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداونـدا، همانـا من از تـو می خـواهم به حقّ کسـانی که در آن (مـاه)، تـو را بنـدگی کرده انـد؛ از فرشـته ای که او را مقرّب ساختی، یا پیامبری که او را فرستادی، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

درود فرستادگان خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِکَتِکَ وَ أَنْبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان تو را فراگیرد.۵۴/۴۷

عامل برپایی سنّت های رسول خدا صلی الله علیه و آله

وَ أَقِمْ بِهِ... سُنَنَ رَسُولِکَ

و روش های پیامبرت را به وسیله او (ولیّ خود) به پا دار.۶۲/۴۷

تقرّب جستن به خدا و رسولش

وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِینَ... وَ إِلَیْکَ وَ إِلَی رَسُولِکَ صَلَوَاتُکَ اللَّهُمَّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ بِذَلِکَ مُتَقَرِّبِینَ

و ما را برای او شـنوندگان و بـدین وسـیله جویای تقرّب به سوی خود و پیامبرت - که خداوندا درودهایت را بر او و خاندانش بفرست - قرار ده.۶۳/۴۷

تصدیق کنندگان رسول خدا صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِی مِنْ أَهْلِ... التَّصْدِیقِ بِرَسُولِکَ

خداوندا و مرا از باورداران به پیامبرت قرار ده. ۱۲/۴۸

تکذیب رسل، و عدم کاهش فرمانروایی خداوند

سُبْحَانَکَ لَا یَنْقُصُ سُلْطَانَکَ مَنْ... کَذَّبَ رُسُلَکَ

پاک و منزّهی! کسی که پیامبرانت را دروغگو شمارد، از فرمانروایی ات نمی کاهد.۳/۵۲

تصدیق نمودن فرستادگان خداوند

وَ صَدَّقْتُ رُسُلَکَ

و پیامبرانت را تصدیق نمودم.۶/۵۲

ص : ۸۹۹

رسول خدا صلی الله علیه و آله ، تسبیح کننده خدا با نام بزرگش

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذِی أَمَرْتَ رَسُولَکَ أَنْ یُسَبِّحَکَ بِهِ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن نام بزرگت که پیامبرت را فرمان دادی که تو را با آن تسبیح گوید، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

فرشته

سپاسی تنگ کننده جا بر فرشتگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُزَاحِمُ بِهِ مَلَائِکَتَهُ الْمُقَرَّبِینَ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، جا را بر فرشتگان مقرّب تنگ نماییم.۱۶و۱۰/۱

نزدیک ترین فرشتگان الهی و ستودن خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِکُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَی مَلَائِکَتِهِ إِلَیْهِ...

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش، او را ستوده اند.۲۵/۱

برابری نکردن هیچ فرشته مقرّبی ، با پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا کَدَحَ فِیکَ إِلَی الدَّرَجِهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ حَتَّی... لَا یُوَازِیَهُ لَدَیْکَ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر. تا آنکه نزد تو هیچ فرشته مقرّبی با او برابری نکند.

۲۴و۲۳/۲

درود خدا بر فرشتگان و بیان ویژگی، اسما و مسؤولیت ایشان

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ لَا یَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِیحِکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند، پس بر آنها درود فرست.

۶و۱/۳

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

اسرافیل، صاحب صور، پس بر آنها درود فرست.۶و۲/۳

مِیکَائِیلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

میکائیل که نزد تو دارای مقام والا است، پس بر آنها درود فرست.۶و۳/۳

وَ جِبْرِیلُ الْأَمِینُ عَلَی وَحْیِکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

و جبرئیل که امین وحی توست، پس بر آنها درود فرست.۶و۴/۳

وَ الرُّوحُ الَّذِی هُوَ عَلَی مَلَائِکَهِ الْحُجُبِ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

و روح، همان که او بر فرشتگان حجاب ها گماشته شده، پس بر آنها درود فرست.۶و۵/۳

وَ الرُّوحُ الَّذِی هُوَ مِنْ أَمْرِکَ، فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی

الْمَلَائِكَهِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ، وَ أَهْلِ الْأَمَانَهِ عَلَى رِسَالَاتِكَ

و روح، که از عالم امر تو می باشد، پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند، در آسمان هایت ساکنند و بر رساندن پیام هایت امانت دارند.۶/۳

وَ الَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَهٌ مِنْ دُؤُوبٍ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

و همانها که از کوشش دائمی دلتنگ نمی شوند، پس بر ایشان درود فرست.۱۰و۷/۳

الْخُشَّعُ الْأَبْصَارِ فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

(آنان که) دیدگان را به زیر افکنده و قصد نگریستن سوی تو را ندارند، پس بر ایشان درود فرست. ۱۰و۸/۳

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ. فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

و همانهایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: «منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم»، پس بر ایشان درود فرست.۱۰و۹/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت.۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای.۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِينَ عَلَى أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَـمَامِ وَعْدِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود.۱۲و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ الَّذِينَ... خُزَّانِ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السَّحَابِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که خزانه داران باران و حرکت دهندگان ابرند.

۱۳و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ الَّذِى بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود.

۱۴و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مُشَيِّعِى الثَّلْجِ وَ الْبَرَدِ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و همراهی کنندگان برف و تگرگ.۱۵و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ عَرَّفْتَهُمْ مَثَاقِیلَ الْمِیَاهِ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که وزن آب ها را به آنان شناسانده ای.۱۶و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ رُسُلِکَ مِنَ الْمَلَائِکَهِ إِلَی أَهْلِ الْأَرْضِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، به سوی اهل زمین.

۱۷و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ السَّفَرَهِ الْکِرَامِ الْبَرَرَهِ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و سفیران بزرگوارِ نیکوکار.۱۸و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ لَا یَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَ یَفْعَلُونَ مَا یُؤْمَرُونَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنان که خدا را در آنچه به آنان امر کرده، سرپیچی نمی کنند و

آنچه به آنان فرمان داده شده، انجام می دهند.

۱۹و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ یَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای.۲۰و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الزَّبَانِیَهِ الَّذِینَ إِذَا قِیلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِیمَ صَلُّوهُ. ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَ لَمْ یُنْظِرُوهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و آن پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند.۲۱و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّ_ان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم.۲۲و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ سُكَّانِ الْهَوَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الْمَاءِ، وَ مَنْ

ص : ۹۰۲

مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و ساکنان هوا و زمین و آب و هر کدام از آنان که بر خلق مشغولند.

۲۳و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ

...پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.

۲۴/۳

صَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ وَ طَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ

بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر کرامتشان و پاکی ای بر پاکیشان بیفزاید.۲۵/۳

فرشتگانی با مرتبه ای پایین تر از دیگران

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند.۶/۳

درود خدا بر روحانیّون از فرشتگان الهی

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت.۱۰/۳

اصناف گوناگون فرشتگانِ مختصّ خدا

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای.۱۱و۱۰/۳

بی نیازی فرشتگان از خوردن و آشامیدن

وَ أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيسِكَ

و آنان را به ذکر تقدیس خود، از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای.۱۱/۳

درود خدا، بر فرشتگان و رسولانش

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّیْتَ عَلَی مَلَائِکَتِکَ وَ رُسُلِکَ، وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَیْهِمْ فَصَلِّ عَلَیْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِیهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست.۲۶/۳

رساندن درود بندگان، به فرشتگان

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّیْتَ عَلَی مَلَائِکَتِکَ وَ رُسُلِکَ، وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَیْهِمْ فَصَلِّ عَلَیْنَا...

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر

(زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست.۲۶/۳

قرار دادن گواه صادقی از فرشتگان، برای بندگان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِی کُلِّ سَاعَهٍ مِنْ سَاعَاتِهِ... شَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِکَتِکَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، گواه صادقی از فرشتگانت قرار ده.

۱۶/۶

جای دادن فرشتگان، در آسمان و زمین

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَکَ وَ أَرْضَکَ وَ مَنْ أَسْکَنْتَهُمَا مِنْ مَلائِکَتِکَ وَ سَائِرِ خَلْقِکَ

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را شاهد می گیرم. ۲۱/۶

فرشتگان و آب رسانی به بندگان

وَ أَشْهِدْ مَلَائِکَتَکَ الْکِرَامَ السَّفَرَهَ. بِسَقْیٍ مِنْکَ نَافِعٍ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز.۲/۱۹

یاری دادن مرزداران اسلام، به فرشتگان

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِکَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِینَ

و آنان را از جانب خود با فرشتگانی که پی در پی آیند، یاری فرما.۸/۲۷

برانگیخته شدن لشکری از فرشتگان، علیه مشرکان

وَ ابْعَثْ عَلَیْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِکَتِکَ...

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت بفرست.

۱۱/۲۷

فرشتگان مقرّب ، در جایگاه گواهان (در قیامت)

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ، وَ الرُّسُلِ الْمُکَرَّمِینَ

خداونـدا و اکنون که مرا به بخشـایشت پوشانـدی، پس از رسوایی هـای سـرای بـاقی، نزد جایگـاه های شاهـدان؛ از فرشـتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

فرشته مرگ و گرفتن جان ها

وَ تَجَلَّى مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُيُوبِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها)، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد.۱۳/۴۲

اعمال فرشته مرگ

وَ تَجَلَّى مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُيُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَايَا بِأَسْهُمِ وَحْشَهِ الْفِرَاقِ، وَ دَافَ لَهَا مِنْ ذُعَافِ الْمَوْتِ كَأْسًا مَسْمُومَهَ الْمَذَاقِ

ص : ۹۰۴

و فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان آرزوها نشانه گیرد و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ - که چشیدن آن زهرآلود است - آمیخته سازد.۱۳/۴۲

بهترین پاداشِ داده شده به فرشته مقرّب را به پیامبر صلی الله علیه و آله دادن

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِکَ... أَفْضَلَ مَا جَزَیْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود دادی.۲۲/۴۲

فرود آمدن فرشتگان و روح، در شب قدر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَةُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند.۵/۴۴

فرشتگان، و آوردن طاعات بنده به درگاه خدا

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاکِیهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ... حَتَّی لَا یُورِدَ عَلَیْکَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِکَتِکَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَهِ لَکَ، وَ أَنْوَاعِ الْقُرْبَهِ إِلَیْکَ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با

اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی. تا هیچ یک از فرشتگانت به درگاهت نیاورد، مگر کمتر از طاعت های گوناگون برای تو و انواع تقرّبی که به سوی تو انجام می دهیم.۱۱و۱۰/۴۴

درخواست از خدا، به حقّ فرشته مقرّبش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ... مِنْ مَلَکٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ نَبِیٍّ أَرْسَلْتَهُ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ کسانی که در آن (ماه)، تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرّب ساختی، یا پیامبری که او را فرستادی، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

درود بر فرشتگان مقرّب

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّنَا وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. همچنانکه بر فرشتگان مقرّبت درود فرستادی.۵۶/۴۵

درودی جمع کننده درودهای فرشتگان

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِکَتِکَ...

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود

ص : ۹۰۵

فرست، درودی که درودهای فرشتگان تو را فرا گیرد.

۵۴/۴۷

یاری شدن ولیّ خدا، به وسیله فرشتگان

وَ انْصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ

و با فرشتگانت یاری اش نما.۶۱/۴۷

فرصت

کمین گرفتن ستمگر و فرصت مناسب شکار

وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ... أَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِيدَتِهِ انْتِظَارًا لِانْتِهَازِ الْفُرْصَهِ لِفَرِيسَتِهِ

و چه بسیار ستمگری که همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در کمین من نشست.۷/۴۹

فرقان

قرآن، فرقان و جداکننده حقّ و باطل

وَ جَعَلْتَهُ... فُرْقَانًا فَرَقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ حَرَامِكَ

و آن را جداکننده ای قرار دادی که به وسیله آن بین حلال و حرامت را جدا کردی.۲و۱/۴۲

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِيَامِ الَّذِی أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، هُدًى لِلنَّاسِ، وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حقّ از باطل) است.۳/۴۴

آشکار گشتن حقّ، با فرقان الهی

مَا... أَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ!

چه آشکارکننده حقّ است کتاب فرق گذار (قرآن) تو!۲۲/۴۷

فرمان احکام

عدم تردید در فرمان الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... جَنَّبَنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَ الشَّكِّ فِي أَمْرِهِ

سپاس خدای را که ما را از کج روی و شک در امر خود، دور ساخت.۱۰/۱

حکمت فرمان های الهی

ثُمَّ أَمَرَنَا لِيَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا

سپس ما را فرمان داد تا اطاعت پذیریمان را بیازماید. ۲۱/۱

آماده شدن پیامبر صلی الله علیه و آله ، برای انجام امر الهی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ... كَمَا نَصَبَ لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ

ص : ۹۰۶

خداوندا بر محمّد – امین وحیت – درود فرست، همچنان که او برای فرمان تو خود را به تلاش انداخت.۴و۳/۲

فرشتگان و اختیار ننمودن کوتاهی در امر خدا

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ... لَا یُوءْثِرُونَ التَّقْصِیرَ عَلَی الْجِدِّ فِی أَمْرِکَ

خداوندا و حاملان عرشت که در فرمان تو کوتاهی را بر کوشش اختیار نمی کنند...۱/۳

اسرافیل، منتظر فرمان خدا

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ، وَ حُلُولَ الْأَمْرِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه و رسیدن فرمان توست.

۲/۳

توفیق امر به معروف

وَفِّقْنَا فِی یَوْمِنَا هَذَا وَ لَیْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِی جَمِیعِ أَیَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و امر به معروف، توفیق ده.

۱۸/۶

یاری نطلبیدن از حکم کننده ای، جز خدا

اللَّهُمَّ... لَا أَسْتَعِینُ بِحَاکِمٍ غَیْرِکَ

خداوندا از حکم کننده ای جز تو یاری نمی جویم. ۱۱/۱۴

فرمان خدا، به دعا

أَنَا یَا إِلَهِی عَبْدُکَ الَّذِی أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ

من – ای خدای من – بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی.۱۳/۱۶

لَا تَحْجُبْ دُعَائِی عَنْکَ وَ قَدْ أَمَرْتَنِی بِهِ

دعایم را از خود بازندار، که خود مرا به آن امر فرموده ای.۹/۲۵

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيما أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ

خداونـدا، اکنون این من هسـتم که به نزد تو آمـده ام، در حـالی که فرمـان تو را که به دعـا کردن امر نموده ای، اطـاعت کرده ام.۱۱/۳۱

وَ دَعَوْكَ بِأَمْرِكَ

و به فرمانت، تو را خواندند.۱۶/۴۵

فرمانبری از فرمان خدا، به دعا و لبّیک به آن

أَنَا يَا إِلَهِی عَبْدُكَ الَّذِی أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ، فَقَالَ: لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ

من – ای خدای من – بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. پس گفت: اطاعت می کنم و گوش به فرمانم.۱۳/۱۶

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيما أَمَرْتَ بِهِ

ص : ۹۰۷

مِنَ الدُّعَاءِ

خداونـدا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمـده ام، در حـالی که فرمـان تو را که به دعـا کردن امر نموده ای، اطـاعت کرده ام.۱۱/۳۱

فرمان دشمنی کردن با شیطان

نَأْمُرُ بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا

هر که فرمان ما را پیروی کند، به دشمنی او فرمان دهیم.۱۴/۱۷

حکم کردن بنده، به زیان خود

مَا لِی بَعْدَ أَنْ حَکَمْتُ عَلَی نَفْسِی إِلَّا فَضْلُکَ

پس از آنکه خود را محکوم کردم، چیزی جز فضل تو ندارم.۱۵/۲۰

نبودن فرمانی با فرمان خدا، برای بنده

لَا أَمْرَ لِی مَعَ أَمْرِکَ

با فرمان تو، مرا فرمانی نیست.۶/۲۱

فرمان خدا، به اطاعت از خود

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الْقُوَّهِ عَلَی مَا أَمَرْتَنِی بِهِ مِنْ طَاعَتِکَ

و با تندرستی و توانایی بر انجام طاعتت – که مرا به آن فرمان داده ای – بر من منّت گذار.

۳/۲۳

فرمان الهی و رغبت به پاداش

فَإِنَّکَ... أَمَرْتَنَا وَ نَهَیْتَنَا وَ رَغَّبْتَنَا فِی ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا

همانا تو ما را امر و نهی نموده ای و در پاداش آنچه ما را امر کردی، رغبتمان داده ای.۶/۲۵

کوتاهی بنده، به انجام فرمان خدا

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِيطًا

پس با سهل انگاری، از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده.۶/۳۱

کردار زشت، و فرمان الهی

اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ... قَبِیحِ مَا فَضَحَهُ فِی حُکْمِکَ

از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته.۹/۳۱

فرمان دادن خدا و ترک فرمان او

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَمَرْتَنِی فَتَرَکْتُ

خداوندا همانا تو مرا امر کردی، پس ترک گفتم. ۱۶/۳۲

تسلیم شدن در برابر فرمان الهی

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ الِاخْتِیَارِ، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ ذَرِیعَهً إِلَی الرِّضَا بِمَا قَضَیْتَ لَنَا وَ التَّسْلِیمِ لِمَا حَکَمْتَ

و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقدّر فرمودی و تسلیم به آنچه حکم نمودی، قرار ده.۲/۳۳

آگاهی از فرمان الهی و تجاوز از آن

ص : ۹۰۸

كَمْ... أَمْرٍ قَدْ وَقَفْتَنَا عَلَيْهِ فَتَعَدَّيْنَاهُ

چه بسیار امری که ما را بر آن آگاه کردی، پس ما از آن تعدّی نمودیم.۲/۳۴

فرمان خدا به شنیدن سخنان محمّد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِینَ وَ مُطِیعِینَ کَمَا أَمَرْتَ

و همان طور که فرمان داده ای ما را در برابر ایشان گوش به فرمان و مطیع قرار ده.۵/۳۴

سرپیچی از امر خدا و عدم شتاب او در کیفر نافرمان

فَأَمَّا الْعَاصِی أَمْرَکَ وَ الْمُوَاقِعُ نَهْیَکَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنَقِمَتِکَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی.۱۴/۳۷

نگه داشتن بنده و فرمان خدا

قِنِی مَا یُوجِبُ لَهُ حُکْمُکَ، وَ خَلِّصْنِی مِمَّا یَحْکُمُ بِهِ عَدْلُکَ

مرا از آنچه حکم تو را واجب می گرداند، نگهدار و از آنچه عدل تو را حکم می کند، خلاص گردان.۵/۳۹

پیامبر صلی الله علیه و آله ، بیان کننده فرمان خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ کَمَا... صَدَعَ

بِأَمْرِکَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه فرمانت را با صدای رسا بیان کرد.۱۷/۴۲

فرمان خدا، به روزه ماه رمضان

فَصُمْنَا بِأَمْرِکَ نَهَارَهُ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم.

۲۱/۴۵

مهلت خدا و بازگشت بنده به فرمانش

إِنَّمَا تَأَنَّيْتَ بِهِمْ لِيَفِيؤُوا إِلَى أَمْرِکَ

همانا از این رو با آنان درنگ کرده ای، تا به فرمان تو بازگردند.۱۷/۴۶

بازگشت گفتار و کردار بندگان، به فرمان خدا

کُلُّهُمْ صَائِرُونَ، إِلَى حُکْمِکَ، وَ اُمُورُهُمْ آئِلَهٌ إِلَى أَمْرِکَ

همه ایشان به حکم تو می رسند و کردارشان به فرمان تو خواهد رسید.۱۸/۴۶

برگزیدگان خدا، برای فرمان او

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی.

۵۶/۴۷

دوستان ائمه علیهم السلام ، تسلیم فرمان ایشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الْمُسَلِّمِينَ لِأَمْرِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که تسلیم شدگانِ فرمان ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

خلاف فرمان خدا عمل کردن

نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ

او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت.۶۸/۴۷

آمدن به درگاه خدا، از درهای فرمان داده شده

وَ إِنِّي وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... أَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُوءْتَى مِنْهَا

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی از همان درهایی که فرمان داده ای از آنها وارد شوند، نزد تو آمده ام.۷۲/۴۷

فرمان خدا و پیشی گرفتن به نیکی ها

وَ سَهِّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَ الْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ

و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن به آنها را از جهتی که فرمان داده ای، برای من آسان گردان.۹۴/۴۷

برگزیدگان خدا و تغییر یافته دیدن حکم الهی

...حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَ خُلَفَاوءُكَ مَغْلُوبِينَ... يَرَوْنَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب شده، می بینند که احکامت تغییر یافته است.

۹/۴۸

حکم خدا و درخواست بنده

اسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ وَ رَغِبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، وَ أَرِدْهُ وَ قَدِّرْهُ وَ اقْضِهِ وَ أَمْضِهِ

همه آنچه را که از تو خواسته ام و طلب کرده ام و به آن میل نموده ام، برایم مستجاب فرما و آن را بخواه و مقدّر کن و فرمان ده و اجرا کن.۲۸/۴۸

حکم خدا و خیر بنده

خِرْ لِی فِیما تَقْضِی مِنْهُ

به من در آنچه از آن برایم حکم می کنی، خیر ده.۲۸/۴۸

نپسندیدن حکم خدا، و عدم توانایی بر بازگرداندن فرمانش

لَیْسَ یَسْتَطِیعُ مَنْ کَرِهَ قَضَاءَکَ أَنْ یَرُدَّ أَمْرَکَ

کسی که حکم تو را نپسندید، نمی تواند فرمانت را بازگرداند.۳/۵۲

فرمان خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله ، جهت تسبیح او به اسم عظیم

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذِی أَمَرْتَ رَسُولَکَ أَنْ یُسَبِّحَکَ بِهِ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن نام بزرگ که پیامبرت را فرمان دادی که تو را با آن تسبیح گوید، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی. ۱۰/۵۲

یقین داشتن به نفوذ امر الهی

أَسْأَلُکَ... یَقِینًا تَنْفَعُ بِهِ مَنِ اسْتَیْقَنَ بِهِ حَقَّ الْیَقِینِ فِی نَفَاذِ أَمْرِکَ

از تو یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو یقین پیدا کند، سود می دهی.۳/۵۴

ویژگی های فرمان خدا:

أ. بر اساس عدالت بودن

أَنِّی أَشْهَدُ أَنَّکَ... عَدْلٌ فِی الْحُکْمِ

همانا من شهادت می دهم که تو دادگر در حکمی.۲۱/۶

مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَهِ الْمَـخْرَجِ عَدْلًا مِنْ قَضَائِکَ لَا تَجُورُ فِیهِ

چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری هایش) از روی عدل در حکم

توست، که در آن ستم نمی کنی.۲۰/۴۶

أَنْتَ الَّذِی... قَضَیْتَ فَکَانَ عَدْلًا مَا قَضَیْتَ، وَ حَکَمْتَ فَکَانَ نِصْفًا مَا حَکَمْتَ

تویی آنکه قضاوت کردی و قضاوتت از روی عدل بود و حکم دادی و حکمت از روی انصاف بود.۱۵/۴۷

ب. شمول آن به هر چه و هر که خدا اراده کند

إِنَّکَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَ تَحْکُمُ مَا تُرِیدُ

بدرستی که تو آنچه می خواهی انجام می دهی و آنچه اراده نمایی حکم می کنی.

۳۴/۱۶

تَحْكَمُ بِمَا شِئْتَ عَلَى مَنْ شِئْتَ، وَ تَقْضِی بِمَا أَرَدْتَ فِیمَنْ أَرَدْتَ

به هر چه خواستی، بر هر کس خواستی، حکم می کنی و به آنچه خواستی، بر هر کس خواستی، فرمان می رانی.۵/۳۶

ج. اجرا گشتن

مَاضٍ فِیَّ حُکْمُکَ

حکم تو درباره من جاری است.۶/۲۱

مَا... أَنْفَذَ أَمْرَکَ

چه نافذ است فرمانت!۴/۵۲

د. نیکو بودن

ص : ۹۱۱

قَضَاوءُكَ خِيَرَةٌ

فرمانت خیر است.۴/۴۵

هـ. هادی و راهنما بودن

أَمْرُكَ رَشَدٌ

فرمانت هدایتگر است.۲۸/۴۷

و. لازم و واجب بودن

قَضَاوءُكَ حَتْمٌ

فرمانت واجب است.۲۹/۴۷

ز. مغلوب نگشتن

لَا يُغَالَبُ أَمْرُكَ

فرمان تو مغلوب نمی شود.۹/۴۸

ح. بر اساس ستم نبودن

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِی حُكْمِكَ ظُلْمٌ

دانسته ام که در فرمان تو ستم نیست.

۱۵/۴۸

فرمانبری

فرمانبری مخلوقات از انسان، به قدرت الهی

فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ

پس به قدرت او، همه آفریدگانش برای ما

فرمانبردارند. ۱۸/۱

به اطاعت بندگان درآمدن مخلوقات

فَکُلُّ خَلِیقَتِهِ... صَائِرَةٌ إِلَی طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ

پس به عزّت او، همه آفریدگانش به اطاعت از ما درمی آیند.۱۸/۱

آزمایش طاعت و فرمانبری بندگان

...أَمَرَنَا لِیَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا

ما را فرمان داد تا اطاعت پذیریمان را بیازماید.

۲۱/۱

سپاسی پشتیبان طاعت و فرمانبری بنده

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکُونُ وُصْلَةً إِلَی طَاعَتِهِ... وَ ظَهِیرًا عَلَی طَاعَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که به سوی طاعت او پیوند خوریم و پشتیبانی بر طاعتش باشد.

۲۷/۱و۲۹

اطاعت میکائیل، از خدا

مِیکَائِیلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَکَ، وَ الْمَکَانِ الرَّفِیعِ مِنْ طَاعَتِکَ

میکائیل نزد تو دارای مقام والا است، و از اطاعتت جایگاهی بلند دارد.۳/۳

فرمانبری آسمانیان، از جبرئیل

ص : ۹۱۲

جِبْرِيلُ... الْمُطَاعُ فِی أَهْلِ سَمَاوَاتِکَ

جبرئیل فرمانروا در میان اهل آسمان هایت است. ۴/۳

فرمانبری تابعین اصحاب، از خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ... وَ عَلَی مَنْ أَطَاعَکَ مِنْهُمْ

خداوندا و بر تابعین و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود فرست.۱۳/۴

نگرش خدا به عملکرد بندگان، در اوقات طاعت

یَنْظُرُ کَیْفَ هُمْ فِی أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ

می نگرد آنها در اوقات طاعتش چگونه اند.

۷/۶

هدایت کننده به اطاعت خداوند

احْفَظْنَا... حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِیَتِکَ، هَادِیًا إِلَی طَاعَتِکَ

ما را نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از نافرمانی تو بازدارد و به فرمانبرداریت راهنمایی کند. ۱۷/۶

فرمانبری اشیا، به اراده خدا

فَهِیَ بِمَشِیَّتِکَ دُونَ قَوْلِکَ مُؤْتَمِرَةٌ

پس آن اشیا به خواست تو بدون سخنت فرمانبردارند. ۳/۷

بزرگ داشتن فرمانبری خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ... اسْتِکْبَارِ الطَّاعَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از بزرگ شمردن طاعت و بندگی.۲و۱/۸

فرمانبری از خدا، عامل نجات فرمانبران

یَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِیعِینَ

ای که اطاعت او برای فرمانبران رهایی است.

۱/۱۱

اندام بندگان و اطاعت خداوند

وَ اشْغَلْ... جَوَارِحَنَا بِطَاعَتِکَ عَنْ کُلِّ طَاعَهٍ

و اعضای ما را به اطاعت خود از هر اطاعتی مشغول ساز.۱/۱۱

ایستادن فرمانبردار خوار، به درگاه خدا

فَهَا أَنَا ذَا یَا إِلَهِی. وَاقِفٌ بِبَابِ عِزِّکَ وُقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الذَّلِیلِ

پس ای خدای من، به درگاه عزّت تو همچون فرمانبری خوار، ایستاده ام.۴/۱۲

فرمانبری از خدا، تنها به وسیله خودداری از معصیت

مُقِرٌّ لَکَ بِأَنِّی لَمْ أَسْتَسْلِمْ وَقْتَ إِحْسَانِکَ إِلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنْ عِصْیَانِکَ

اقرار می کنم به اینکه هنگام احسانت، جز با

خودداری از معصیت تو، فرمان نبرده ام.۵/۱۲

تندرستی و توفیق اطاعت خدا

قَوَّیْتَنِی مَعَهَا عَلَی مَا وَفَّقْتَنِی لَهُ مِنْ طَاعَتِکَ

با آن (تندرستی) بر طاعت خود توفیقم داده، توانایم گرداندی.۳/۱۵

سستی بیداری بنده، هنگام فرمانبری خدا

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی... أَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِکَ تَیَقُّظًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من - ای خدای من - بیداری ام هنگام طاعتت سست تر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

گماشتن بنده، به فرمانبری

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِالطَّاعَهِ

و به طاعت خود بگمارم.۳۳/۱۶

شیطان و گمراه کردن بندگان، از اطاعت خدا

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یُطْمِعَ نَفْسَهُ فِی إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِکَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت طمع کند، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

عدم فرمانبری از شیطان

لَا نُطِیعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا

هرگاه ما را به خود مایل ساخت، فرمانش نبریم. ۱۴/۱۷

فرمان به دشمنی با شیطان

نَأْمُرُ بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا

هر که فرمان ما را پیروی کند، به دشمنی او فرمان دهیم.۱۴/۱۷

فرمانبری از به راه راست آورنده بنده

وَفِّقْنِی لِطَاعَهِ مَنْ سَدَّدَنِی

مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم گرداند، توفیق ده.۸/۲۰

گماشتن بنده، به فرمانبری از خدا

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ فِی أَیَّامِ الْمُهْلَهِ

و مرا در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار.۲۹/۲۰

فرمانبری خدا، و نائل آمدن به آنچه نزد اوست

لَا أَنَالُ مَا عِنْدَکَ إِلَّا بِطَاعَتِکَ

نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو.۶/۲۱

دل بنده و فرمانبری از خدا

ص : ۹۱۴

فَرِّغْ قَلْبِی لِمَحَبَّتِکَ، وَ اشْغَلْهُ بِذِکْرِکَ، وَ انْعَشْهُ بِخَوْفِکَ وَ بِالْوَجَلِ مِنْکَ، وَ قَوِّهِ بِالرَّغْبَهِ إِلَیْکَ، وَ أَمِلْهُ إِلَی طَاعَتِکَ

دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به یادت مشغول دار و به خوف و ترس از خود بلندمرتبه کن و به رغبت به سوی خود، توانایی ده و به طاعتت متوجّه ساز.۱۰/۲۱

خو گرفتن با فرمانبران خداوند

هَبْ لِیَ الْأُنْسَ بِکَ وَ بِأَوْلِیَائِکَ وَ أَهْلِ طَاعَتِکَ

انس با خودت و دوستانت و فرمانبرانت را به من ببخش.۱۱/۲۱

توفیق انجام فرمانبریِ واجب شده

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ لَکَ فِی وَجْهٍ مِنْ وُجُوهِ طَاعَتِکَ

و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده.

۶/۲۲

سبب عمل به طاعت خدا

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ... حَتَّی أَکُونَ... عَامِلًا بِطَاعَتِکَ

و مرا خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، روزی ده، تا عامل به طاعتت باشم.

۱۳/۲۲

فرمان خدا، به اطاعت بنده از او

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الْقُوَّهِ عَلَی مَا أَمَرْتَنِی بِهِ مِنْ طَاعَتِکَ

و با تندرستی و توانایی بر انجام طاعتت – که مرا به آن فرمان داده ای – بر من منّت گذار.

۳/۲۳

توانایی داشتن به فرمانبری از خدا

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الْقُوَّهِ عَلَی مَا أَمَرْتَنِی بِهِ مِنْ طَاعَتِکَ

و با تندرستی و توانایی بر انجام طاعتت - که مرا به آن فرمان داده ای - بر من منّت گذار.

۳/۲۳

چگونگی فرمانبری والدین، در نظر فرزند

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ، وَ أَثْلَجَ لِصَدْرِی مِنْ شَرْبَهِ الظَّمْآنِ...

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر و برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده.۵/۲۴

فرمانبری فرزندان، از خدا

وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتْقِیَاءَ بُصَرَاءَ سَامِعِینَ مُطِیعِینَ لَکَ

و آنان (فرزندانم) را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود قرار ده.۳/۲۵

فرمانبری فرزندان، از پدر و مادر

ص : ۹۱۵

وَ اجْعَلْهُمْ لِی... مُطِیعِینَ

و آنان را فرمانبر من قرار ده.۴/۲۵

اطاعت خدا و توفیق یافتن بنده به خیر و صواب

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوَفَّقِینَ لِلْخَیْرِ وَ الرُّشْدِ وَ الصَّوَابِ بِطَاعَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفّق گشته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

به درگاه خدا آمدن، در حال فرمانبری

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُکَ مُطِیعًا لِأَمْرِکَ فِیما أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ

خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده ام، در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده ای، اطاعت کرده ام.۱۱/۳۱

نیّت بنده و اطاعت خداوند

اللَّهُمَّ وَ ثَبِّتْ فِی طَاعَتِکَ نِیَّتِی

خداوندا و نیّت مرا در فرمانبرداریت، ثابت بدار.۱۳/۳۱

اندک شمردن فرمانبری از خدا

قَلَّ عِنْدِی مَا أَعْتَدُّ بِهِ مِنْ طَاعَتِکَ

طاعتی که به شمار آورم، نزد من کم است.

۱۰/۳۲

فرمانبری نفْس، از شیطان

فَأَنَا أَشْکُو... طَاعَةَ نَفْسِی لَهُ

پس از اطاعت نفسم از او، به تو شکایت می کنم.۲۷/۳۲

سپری شدن عمر بنده در راه فرمانبری از خدا

وَ أَسْأَلُکَ... أَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِی وَ عُمْرِی فِی سَبِیلِ طَاعَتِکَ

و از تو درخواست می کنم که آنچه از جسم و عمرم سپری شده در راه طاعتت قرار دهی.

۲۸/۳۲

آتش دوزخ و فرمانبری از او

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... لَا تَقْدِرُ عَلَی التَّخْفِیفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَ اسْتَسْلَمَ إِلَیْهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که قادر بر سبک کردن (شعله ها) از کسی که برایش فروتنی نماید و فرمانبردار او گردد، نیست.

۲۹/۳۲و۳۰

فرمانبری از مشیّت و خواست خدا

أَلْهِمْنَا الِانْقِیَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَیْنَا مِنْ مَشِیَّتِکَ

ص : ۹۱۶

گردن نِهی بر خواسته ات را – که بر ما وارد ساختی – به ما الهام فرما.۵/۳۳

قرار گرفتن در زمره فرمانبران پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِینَ وَ مُطِیعِینَ

و ما را در برابر ایشان گوش به فرمان و مطیع قرار ده.۵/۳۴

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ

و از فرمانبران او قرارمان ده.۲۰/۴۲

اطاعت از خدا، عامل شریف گشتن بنده

فَإِنَّ الشَّرِیفَ مَنْ شَرَّفَتْهُ طَاعَتُکَ

پس به درستی که شرافتمند کسی است که اطاعت تو شریفش گردانْد.۴/۳۵

رعد و برق، و فرمانبری خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَیْنِ... یَبْتَدِرَانِ طَاعَتَکَ بِرَحْمَهٍ نَافِعَهٍ أَوْ نَقِمَهٍ ضَارَّهٍ

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعتت می شتابند.

۱/۳۶

تلاش در جهت فرمانبری خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا یَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِکَ وَ إِنِ اجْتَهَدَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد.۲و۱/۳۷

عابدترین بندگان، و فرمانبریِ خداوند

وَ أَعْبَدُهُمْ مُقَصِّرٌ عَنْ طَاعَتِکَ

و عابدترین آنان از اطاعتت، مقصر است.

۳/۳۷

پاداش خدا، به فرمانبری کم

تُثِیبُ عَلَی قَلِیلِ مَا تُطَاعُ فِیهِ

بر اندکْ طاعتی که از تو شود، پاداش می دهی.

۶/۳۷

پاداش الهی و به فرمانبری خدا درآمدن

وَ أَعْدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ یُفِیضُوا فِی طَاعَتِکَ

و پاداشْشان را آماده نموده ای، پیش از آنکه در طاعتت وارد شوند.۷/۳۷

فریب شیطان و اطاعت بندگان از خداوند

فَلَوْ لَا أَنَّ الشَّیْطَانَ یَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِکَ مَا عَصَاکَ عَاصٍ

پس اگر شیطان آنها را از اطاعت فریبشان نمی داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی کرد.

۹/۳۷

رفتار خدا، با فرمانبردارش

فَسُبْحَانَکَ مَا أَبْیَنَ کَرَمَکَ فِی مُعَامَلَهِ مَنْ أَطَاعَکَ أَوْ عَصَاکَ...

پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی

کرده است.۱۰/۳۷

پاداش خدا به فرمانبران

تَشْکُرُ لِلْمُطِیعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّیْتَهُ لَهُ

از فرمانبر در آنچه تو برایش فراهم نموده ای، تشکّر می کنی.۱۰/۳۷

لَوْ کَافَأْتَ الْمُطِیعَ عَلَی مَا أَنْتَ تَوَلَّیْتَهُ لَأَوْشَکَ أَنْ یَفْقِدَ ثَوَابَکَ، وَ أَنْ تَزُولَ عَنْهُ نِعْمَتُکَ

اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می داد و نعمت تو از دستش می رفت.

۱۲/۳۷

عطا به فرمانبر و گنهکار ، با وجود عدم شایستگی آنها

أَعْطَیْتَ کُلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ یَجِبْ لَهُ

هر یک از آن دو (فرمانبر و گنهکار) را چیزی عطا کرده ای که برایش لازم نبود.۱۱/۳۷

روزی، و توانایی یافتن بر فرمانبری خدا

لَمْ تَسُمْهُ الْقِصَاصَ فِیما أَکَلَ مِنْ رِزْقِکَ الَّذِی یَقْوَی بِهِ عَلَی طَاعَتِکَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی.۱۳/۳۷

فرمانبری نمودن از خدا

...هَذَا یَا إِلَهِی حَالُ مَنْ أَطَاعَکَ

...ای خدای من، این وضعیت کسی است که از تو اطاعت نموده.۱۴/۳۷

میراندن بندگان، در حال فرمانبری

أَمِتْنَا... طَائِعِینَ غَیْرَ مُسْتَکْرِهِینَ

ما را فرمانبردارانِ بی اجبار، بمیران.۵/۴۰

قرار گرفتن در زمره اطاعت کنندگان خدا

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَدِینُ لَکَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِیمِ لِمُـحْکَمِ آیَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند.

۴/۴۲

ماه، آفریده ای فرمانبردار

أَیُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِیعُ

ای آفریده فرمانبردار.۱/۴۳

وَ امْتَهَنَکَ بِالزِّیَادَهِ وَ النُّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ... فِی کُلِّ ذَلِکَ أَنْتَ لَهُ مُطِیعٌ

و تو را با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، به خدمت گرفت. و در همه آن حالات، تو مطیع او هستی.۲/۴۳

کامل ساختن نعمت، با کامل شدن طاعت

أَتْمِمْ عَلَیْنَا بِاسْتِکْمَالِ طَاعَتِکَ فِیهِ الْمِنَّهَ

با کامل کردن طاعتت در آن (ماه)، نعمت را بر ما تمام گردان.۷/۴۳

فرشتگان، و آوردنِ طاعات بندگان به درگاه خدا

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْکَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاكِيَهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ... حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْکَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِکَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَهِ لَکَ

و ما را در آن ماه توفيق ده، كه در آن (ماه) با اعمال شايسته به سوى تو تقرّب مى جوييم كه بدين وسيله ما را با آن، از گناهان پاک كنى. تا هيچ يک از فرشتگانت به درگاهت نياورد، مگر كمتر از طاعت هاى گوناگونى كه براى تو انجام مى دهيم.

۱۱و۱۰/۴۴

كوشايان در اطاعت خدا

أَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجَبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالَغَهِ فِى طَاعَتِکَ

براى ما در اين (ماه)، آنچه براى كوشش گران در طاعتت لازم كرده اى، لازم گردان.۱۲/۴۴

رمضان و فرمانبرى از خدا

زَيِّنْ أَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَکَ

و اوقاتش را به طاعت ما براى خود، زينت ده.

۱۷/۴۴

پذيرفتن بازگشت به طاعت، از توّابين

اجْعَلْنَا عِنْدَکَ مِنَ التَّوَّابِينَ الَّذِينَ... قَبِلْتَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَهَ طَاعَتِکَ

ما را در نزد خود از توبه كنندگانى قرار ده كه

بازگشت به طاعتت را از آنان پذيرفته اى.۵۴/۴۵

فرمانبرى همه آفريدگان، براى تسليم در برابر خدا

انْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَکَ كُلُّ خَلْقِکَ

همه آفريدگانت براى تسليم در برابر تو، گردن نهاده اند.۲۶/۴۷

درود فرمانبران خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ... أَهْلِ طَاعَتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرمانبران تو را فراگیرد.۵۴/۴۷

وجوب فرمانبری از امام عصر خود

وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ

و فرمانبری او را واجب گرداندی.۶۰/۴۷

فرمانبران ولیّ خدا

اجْعَلْنَا لَهُ... مُطِیعِینَ

ما را برای او فرمانبران قرار ده.۶۳/۴۷

دوستان ائمه علیهم السلام و فرمانبریشان از ایشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی أَوْلِیَائِهِمُ... الْمُـجْتَهِدِینَ فِی طَاعَتِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که کوشش کنندگان

در طاعت ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

درخواست از خدا، و گستاخیِ فرمانبران

سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ الْحَقِیرِ الذَّلِیلِ الْبَائِسِ... لَا مُتَعَالِیًا بِدَالَّهِ الْمُطِیعِینَ

از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال. نه از روی بلندی خواهیْ به گستاخی و اعتمادِ فرمانبران.۷۴/۴۷

پیوستگی اطاعت نمودن از پیامبر صلی الله علیه و آله ، به فرمانبری خدا

بِحَقِّ مَنْ وَصَلْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِکَ... تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ کسی که اطاعت از او را به اطاعت خود پیوند زده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.

۸۶/۴۷

سرپرستی خدا، از اطاعت کنندگان

تَوَلَّنِی بِمَا تَتَوَلَّی بِهِ أَهْلَ طَاعَتِکَ وَ الزُّلْفَی لَدَیْکَ وَ الْمَکَانَهِ مِنْکَ

مرا سرپرستی کن همانگونه که فرمانبرانت و نزدیکانت و منزلت دارندگانت را سرپرستی می کنی.

۸۷/۴۷

دل بنده و اطاعت کنندگان خداوند

خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِینَ

دلم را به سوی آنچه اطاعت کنندگان را به آن گماشته ای، متوجّه ساز.۹۲/۴۷

فرمانبری بنده، از خدا

فَإِنِّی لَکَ مُسَلِّمٌ

همانا من فرمانبردار تو هستم.۱۱۶/۴۷

سیراب شدن دل، با طاعت الهی

أَشْرِبْ قَلْبی عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَکَ

دلم را هنگام غفلتِ عقل ها، به طاعت خود سیراب کن.۱۳۰/۴۷

تقسیم عمل به طاعت، در بین مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ... عَمَلٍ بِطَاعَتِکَ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، عمل به طاعتت را قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

امامان و وجوب فرمانبری از ایشان

اجْعَلْنِی مِنْ أَهْلِ... التَّصْدِیقِ بِرَسُولِکَ، وَ الْأَئِمَّهِ الَّذِینَ حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ

مرا از باورداران به پیامبرت و امامانی که اطاعتشان را واجب نمودی، قرار ده.۱۲/۴۸

ص : ۹۲۰

عدم افزایش پادشاهی خدا، با فرمانبری فرمانبران

لَكِنْ... مُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ

ولی پادشاهی ات پایدارتر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید.۶/۵۰

عمل کننده ترین بندگان، به طاعت الهی

وَ أَخْضَعُهُمْ لَكَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ

و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست.۲/۵۲

فرمانروایی پادشاهی

فروتن و خوار

بنده فروتن و خوارِ خداوند

فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ

پس به درستی که من بنده بینوا و زار توام.

۷/۲۱

دَعَوْتُكَ يَا رَبِّ مِسْكِينًا، مُسْتَكِينًا... إِلَيْكَ

تو را خواندم – ای پروردگار من – در حالی که بینوا و فروتنِ درگاه تو هستم.۹/۵۱

فروتنی و خواری به درگاه خدا، و طلب قرب او

وَ إِنِّي وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَ التَّذَلُّلِ وَ الِاسْتِكَانَةِ لَكَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام. سپس بازگشت به سوی تو و فروتنی و زاری برای تو را، در پی آن روانه ساخته ام.۷۳و۷۲/۴۷

فروتن و خوار شدن، جهت قصاص خود

هَذِهِ يَدِی وَ نَاصِيَتِی، أَسْتَكِينُ بِالْقَوَدِ مِنْ نَفْسِی

این دست من و موی جلوی سرم است. برای قصاص خویش، فروتن و خوار می شوم.۴/۵۳

فروتنی

فروتنی فرشتگان، در پیشگاه عظمت الهی

الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَ جَلَالِ كِبْرِيَائِكَ

در پیشگاه با عظمت، بزرگ و بلند توْ فروتنند.

۸/۳

توفیق فروتنی

أَلْبِسْنِی زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِی... خَفْضِ الْجَنَاحِ

زیور پرهیزکاران را در فروتنی، به من بپوشان.

۱۰/۲۰

ص : ۹۲۱

فقر و فروتنی برای درخواست از غیر خدا

لَا تَفْتِنِّی... بِالْخُضُوعِ لِسُوءَالِ غَیْرِکَ إِذَا افْتَقَرْتُ

مرا به فروتنی برای درخواست از دیگران به هنگام نیازم، آزمایش نکن.۱۲/۲۰

همسایگان و فروتنی با آنها

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أُلِینُ جَانِبِی لَهُمْ تَوَاضُعًا

و خداوندا مرا بر آن دار که فروتنانه، با آنها نرمی و مدارا کنم.۳/۲۶

با فروتنی دیده به زمین دوختن

فَمَثَلَ بَیْنَ یَدَیْکَ مُتَضَرِّعًا، وَ غَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَی الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا

پس زاری کنان در پیشگاهت ایستاده و دیده اش را با فروتنی به زمین دوخته.۹/۳۱

برشمردن گناه، با فروتنی

عَدَّدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَی لَهَا خُشُوعًا

با خشوع، - از گناهانش - آنچه تو شماره آن را بهتر می دانی شمرده.۹/۳۱

آشکار نمودن راز برای خدا، با خشوع

أَبَثَّکَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا

با خضوع، از رازهایش - آنچه را که خود به آن داناتری - برایت آشکار کرده.۹/۳۱

با تنی فروتن و گردنی افتاده، پیش خدا

آمدن

فَتَلَقَّاکَ بِنَفْسٍ خَاشِعَهٍ، وَ رَقَبَهٍ خَاضِعَهٍ

پس با وجودی فروتن و گردنی فروافتاده، پیش روی توست.۱۹/۳۲

فروتنی برای آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... لَا تَقْدِرُ عَلَی التَّخْفِیفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَ اسْتَسْلَمَ إِلَیْهَا

خداونـدا، همانا به تو پناه می آورم از آتشـی که قادر بر سـبک کردن (شـعله ها) از کسـی که برایش فروتنی نماید و تسـلیم او گردد، نیست.

۳۰و۲۹/۳۲

به جا آوردن نماز، در نهایت خشوع

أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ... عَلَی... أَبْیَنِ الْخُشُوعِ وَ أَبْلَغِهِ

ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سـنّتی که بنده و رسول تو قرار داد - با روشـن ترین و نهایی ترین خشوع به جا آورده اند.۹/۴۴

شب های ماه رمضان و فروتنی برای خدا

أَعِنَّا... فِی لَیْلِهِ عَلَی الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَیْکَ، وَ الْخُشُوعِ لَکَ

ما را در شبش بر نماز و زاری به درگاهت و خشوع برای تو، یاری نما.۱۷/۴۴

تواضع در برابر خدا

خَضَعَ لَکَ مَنْ جَرَی فِی عِلْمِکَ

هر که در علم تو قرار گرفت، برای تو فروتن گشت. ۲۶/۴۷

فروتنی، برای عظمت و بزرگی خدا

خَشَعَ لِعَظَمَتِکَ مَا دُونَ عَرْشِکَ

آنچه زیر عرش تو است، برای بزرگی تو خاشع شد.۲۶/۴۷

فروتنی بنده، در پیشگاه خدا

هَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ... خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا

اینک منم در پیشگاه تو، فروتن، متواضع، ترسان.۶۹/۴۷

فَهَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ خَاضِعٌ ذَلِیلٌ رَاغِمٌ

پس اینک منم در پیشگاهت فروتن، خوار، زبون.۴/۵۰

خلوت با خدا، و فروتن گشتن بنده

وَ ضَعْنِی إِذَا خَلَوْتُ بِکَ

و چون با تو خلوت کردم، مرا فروتن گردان.

۱۱۸/۴۷

مهربان گرداندن دل بنده، با فروتنان

اعْطِفْ بِقَلْبِی عَلَی الْخَاشِعِینَ

دلم را بر فروتنان مهربان گردان.۱۲۷/۴۷

خاضع ترین افراد، در درگاه خدا

وَ أَخْضَعُهُمْ لَکَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِکَ

و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست.۲/۵۲

درخواست عبادت فروتنان

أَسْأَلُکَ... عِبَادَهَ الْخَاشِعِینَ لَکَ

پرستش فروتنان برای تو را، از تو درخواست می نمایم.۵/۵۴

فرود

فرود آمدن فرشتگان، با دانه های باران

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الْهَابِطِینَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرودآمدگان به همراه قطره های نازل شده باران.۱۵و۱۱و۱۰/۳

فرود آمدن کیفر

نَعُوذُ بِکَ مِنَ... حُلُولِ الْعِقَابِ

پناه می بریم به تو از فرود آمدن کیفر.۹/۸

فروآمدن و خم شدن، برای خدا

قَدْ تَطَأْطَأَ لَکَ فَانْحَنَی

با حال فروتنی برای تو خم شده.۹/۱۲

سر فروآوردن، برای عزّت و بزرگی خدا

...وَ طَأْطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِکَ مُتَذَلِّلًا

...و با خواریْ برای عزّتت سرش را به زیر افکنده.۹/۳۱

فرود آمدن هر چیز، پیش از رسیدن به پایان ملک خدا

وَ اسْتَعْلَى مُلْكُکَ عُلُوًّا سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ

و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود.

۵/۳۲

فرود آوردن بنده، در میان بهشت

أَحْلِلْنِی بُحْبُوحَةَ جَنَّتِکَ

مرا در میان بهشتت فرود آور.۱/۴۱

فرود آمدن در خانه پوسیده (قبر)

بَارِكْ لَنَا فِی حُلُولِ دَارِ الْبِلَى

فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) را برای ما مبارک گردان.۱۴/۴۲

فرود آمدن فرشتگان، در شب قدر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ... عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان،

بر هر یک از بندگانش که بخواهد، برای هر کاری فرود می آیند.۵/۴۴

فرود آمدن به درگاه غیر خدا

وَ ضَاعَ الْمُلِمُّونَ إِلَّا بِکَ

و آنان که بر درگاه جز تو فرود آمدند، ضایع شدند.۱۳/۴۶

فرود آمدن بلا

أَعِذْنِی... مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ

مرا از فرود آمدن بلا پناه ده.۱۱۹/۴۷

فرود آوردن حاجت، به درگاه الهی

وَ اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ... وَ إِنْزَالِ حَوَائِجِی بِکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و فرود آوردن حاجت هایم به (درگاه) تو، آباد گردان.

۱۲۳/۴۷

فرود آوردن بی چیزی خود به درگاه خدا

اللَّهُمَّ... بِکَ أَنْزَلْتُ الْیَوْمَ فَقْرِی وَ فَاقَتِی وَ مَسْکَنَتِی

خداوندا، در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم.۴/۴۸

فرود آمدن در درّه های نابودی

حَلَلْتُ شِعَابَ تَلَفٍ

در درّه های نابودی فرود آمدم.۲/۴۹

فرود آمدن در عقوبت الهی

تَعَرَّضْتُ فِیهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِکَ

در آنها، خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده، در عقوبت هایت فرود آمدم.۲/۴۹

فرود آمدن ستمگر، در دام خود

فَلَمَّا رَأَیْتَ یَا إِلَهِی... دَغَلَ سَرِیرَتِهِ... أَرْکَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی زُبْیَتِهِ... وَ قَدْ کَادَ أَنْ یَحُلَّ بِی - لَوْ لَا رَحْمَتُکَ - مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی. و اگر رحمت تو نبود، نزدیک بود بر من فرود آید، آنچه بر خودش فرود آمد.۸/۴۹

فرورفتن

فرونرفتن هیچ اندامی، در نافرمانی خدا

لَا تَجْعَلْ لِشَیْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوذًا فِی مَعْصِیَتِکَ

اعضای ما را در نافرمانی ات نفوذناپذیر کن.

۶/۹

سبب پاکی بنده، از بدی های فرورفته در آنها

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا... تَطْهِیرًا لِمَا

انْغَمَسْتُ فِیهِ مِنَ السَّیِّئَاتِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا از بدی هایی که در آن فرورفته ام پاکم سازد.

۴/۱۵

فرورفتن در نادرستی

مَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا فِی الْبَاطِلِ... مِنِّی حِینَ أَقِفُ بَیْنَ دَعْوَتِکَ وَ دَعْوَهِ الشَّیْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ...

چه کسی از من در نادرستی فرورونده تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم؟ ۲۳/۱۶

فرورفتن در تمجید خداوند

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ الَّتمَنِّي... ذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو در دل من می افکند، فرورفتن در بزرگ دانستنت را قرار ده.۱۳/۲۰

به زمین فروبردن شهرهای مشرکان

وَ ارْمِ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ

و شهرهایشان را در زمین فروبر.۱۲/۲۷

عامل بازدارنده زبان ها، از فرورفتن در باطل

اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ

ص : ۹۲۵

غَيْرِ مَا آفَةٍ مُخْرِسًا

قرآن را بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، قرار ده.۱۰/۴۲

فروریختن

درخواست آنچه موجب ریختن گناهان والدین است

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًی... فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِذُنُوبِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده، پس آن را سبب ریزش گناهانشان قرار ده.۸/۲۴

فرو ریختن سنگین باری گرفتاری ها، از بنده

اللَّهُمَّ وَ عَلَیَّ تَبِعَاتٌ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا، وَ احْطُطْ عَنِّی وِزْرَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است. پس صاحبانش را عوض ده و سنگین باری اش را از من بیفکن.۱۸/۳۱

فروریختن گناهان و درخواست آمرزش

اللَّهُمَّ... إِنْ یَكُنِ الِاسْتِغْفَارُ حِطَّةً لِلذُّنُوبِ فَإِنِّی لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِینَ

خداوندا اگر درخواست آمرزشْ سبب ریختن گناهان است، پس من به درگاه تو از آمرزش خواهانم.

۲۸/۳۱

عامل فروریختن بار سنگین گناهان

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز.۹/۴۲

فرونهادن نهی شده ماه رمضان

اسْتَعْمِلْنَا بِمَا یَكُونُ حِطَّةً وَ كَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِیهِ

ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار.۴۷/۴۵

فروش

خدا و نفروختن نعمت هایش

یَا مَنْ لَا یَبِیعُ نِعَمَهُ بِالْأَثْمَانِ

ای که نعمت هایش را به بها نمی فروشد.

۳/۱۳

فروغ روشنی

فروفرستادن نزول

ص : ۹۲۶

فریادرسی

خدا، و رسیدن به فریادِ فریادرس خواه

وَ أَشْبَهُ الْأَشْیَاءِ بِمَشِیَّتِکَ، وَ أَوْلَی الْأُمُورِ بِکَ فِی عَظَمَتِکَ رَحْمَهُ مَنِ اسْتَرْحَمَکَ، وَ غَوْثُ مَنِ اسْتَغَاثَ بِکَ

و شبیه ترین چیزها به اراده ات و سزاوارترین کارها به بزرگواری ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت طلبیده و کمک به کسی است که از تو فریادرسی خواسته.۵/۱۰

فریادرسی خواستن گنهکاران ، به سبب رحمت خدا

اللَّهُمَّ یَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ یَسْتَغِیثُ الْمُذْنِبُونَ

خداوندا ای کسی که گناهکاران به رحمت او فریادرسی می جویند.۱/۱۶

خدا، فریادرس هر خوارشده تنها

یَا غَوْثَ کُلِّ مَخْذُولٍ فَرِیدٍ

ای فریادرس هر خوارشده تنها.۴/۱۶

غم های سخت و فریادرسی از خدا

اللَّهُمَّ... بِکَ اسْتِغَاثَتِی إِنْ کَرِثْتُ

خداوندا اگر اندوه مرا فراگیرد، از تو فریادرسی خواهم.۲۰/۲۰

بزرگی گناهان، و فریادرسی از خدا

اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ عَظِیمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِی عِلْمِکَ

در (گناهان) بزرگی که می دانی به آن گرفتار شده، از تو کمک خواسته.۹/۳۱

نیاز به فریادرسی احسان خدا

لَمْ أَسْتَغْنِ عَنْ غِیَاثِ فَضْلِکَ

از فریادرسی فضلت بی نیاز نبودم.۲۴/۳۲

نزدیکی فریادرسی خدا، به فریادرس خواهان

إِغَاثَتُکَ قَرِیبَهٌ مِنَ الْمُسْتَغِیثِینَ

فریادرسی ات به فریاد رس خواهان، نزدیک است.۱۴/۴۶

خواندن خدا و طلب فریادرسی اش

فَنَادَیْتُکَ یَا إِلَهِی مُسْتَغِیثًا بِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که از تو فریادرسی خواستم.۱۰/۴۹

فریادرسی خواستن از خدا

بِکَ أَسْتَغِیثُ

تنها از تو فریادرسی می خواهم.۱۱/۵۲

جز خدا، فریادرسی برای نیاز خود نیافتن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... سُوءَالَ مَنْ لَا یَجِدُ لِفَاقَتِهِ مُغِیثًا... غَیْرَکَ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که فریادرسی برای نیازش جز تو نمی یابد.۳/۵۴

فریب

تابعین و مکر شیطان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً... تَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن آنان را از حیله شیطان بازداری.

۱۳/۴و۱۴

مکر نمودن به سود بندگان

كِدْ لَنَا وَ لَا تَكِدْ عَلَيْنَا

به سود ما تدبیر کن و به زیان ما تدبیر ننما.

۸/۵

مکر کردن با دشمنان اسلام

امْكُرْ لَنَا وَ لَا تَمْكُرْ بِنَا

برای (نفع) ما مکر فرما و بر (ضرر) ما مکر نکن.۸/۵

فریفتگی و بی باکی از کیفر خدا

قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ... وَ اغْتِرَارًا بِنَكِيرِكَ عَلَيْهِ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای و این از بی باکی او از کیفر تو می باشد.

۵/۱۴

مکرها و فریب های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكَايِدِهِ، وَ مِنَ الثِّقَهِ بِأَمَانِيِّهِ وَ مَوَاعِيدِهِ وَ غُرُورِهِ وَ مَصَايِدِهِ

خداوندا ما از وسوسه های شیطان - رانده شده - و حیله و مکرهای او و اطمینان به آرزوهای او و وعده ها و فریب ها و دام هایش به تو پناه می بریم. ۱/۱۷

دور داشتن مکر شیطان، از بنده

وَ اکْفِنَا خَتْرَهُ

و حیله او را از ما دور کن.۴/۱۷

فریفتن شیطان

اللَّهُمَّ... بَصِّرْنَا مَا نُکَایِدُهُ بِهِ

خداوندا ما را به راه فریب دادنش، آگاه کن.

۷/۱۷

باطل نمودن حیله های شیطان

اللَّهُمَّ... الْطُفْ لَنَا فِی نَقْضِ حِیَلِهِ

خداوندا راه باطل نمودن نیرنگ های او را به ما لطف فرما.۸/۱۷

ص : ۹۲۸

بی بهره و باطل گرداندن مکر شیطان

اللَّهُمَّ... وَ أَبْطِلْ كَيْدَهُ

خداوندا و فریبش را باطل فرما.۱۳/۱۷

عدم پیروی از شیطان، زمان فریفتن بنده

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ أَعْدَائِهِ، وَ اعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ، لَا نُطِيعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا

خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده و از شمار دوستانش برکنار فرما تا هرگاه ما را به خود مایل ساخت، فرمانش نبریم.۱۴/۱۷

فریبنده نبودن برق ابر

وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَ تُوَسِّعُ بِهِ فِی الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتَرَاكِمًا... غَيْرَ مُلِثٍّ وَدْقُهُ، وَ لَا خُلَّبٍ بَرْقُهُ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده، نه ابری پیوسته بارانی و نه ابری جهنده و بی باران.۳و۱/۱۹

مکر بنده، در برابر حیله گر

هَبْ لِی مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِی

مرا بر آنکه به من نیرنگ زند، چاره جویی ای ببخش. ۸/۲۰

دور ساختن مکر قصد بد کننده، درباره

بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی، وَ ادْحَرْ عَنِّی مَكْرَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و مکرش را از من بِران.۷/۲۳

بازگرداندن مکر قصد بد دارنده درباره بنده، به گردنش

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ رُدَّ كَيْدَهُ فِی نَحْرِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و فریبش را گریبانگیر خودش ساز.

۷/۲۳

شیطان، دشمنی مکرکننده برای بندگان

جَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا یَکِیدُنَا

برای ما دشمنی قرار دادی که به ما نیرنگ می زند. ۶/۲۵

گمراهی، نتیجه مکر شیطان با بنده

إِلَّا تَصْرِفْ عَنَّا کَیْدَهُ یُضِلَّنَا

اگر فریب او را از ما بازنداری، گمراهمان کند.

۷/۲۵

نگه داشته شدگان از مکر شیطان

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِکَ... فَنُصْبِحَ مِنْ کَیْدِهِ فِی الْمَعْصُومِینَ بِکَ

خداوندا با سلطه خود، تسلّط او را از ما دور کن. پس به وسیله تو از نیرنگ او، در زمره بازداشته شدگان (از گناه) درآییم.۸/۲۵

مکر مرزداران اسلام، به دشمنان

وَ الْطُفْ لَهُمْ فِی الْمَکْرِ

و در مکر ایشان (به دشمنانشان) دقّت نظر عطا کن.۲/۲۷

فریب دهنده و گول زننده بودن دنیا

أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِکْرَ دُنْیَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر.۴/۲۷

زمان برتافتن عنان فریب شیطان، از بنده

...إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِیَتَکَ، وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْیِی سَخْطَتَکَ، فَتَلَ عَنِّی عِذَارَ غَدْرِهِ

...همین که به نافرمانی ات پرداختم و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم، پس عنان حیله اش را از من برگرداند.۱۳/۳۲

زاری به درگاه خدا، جهت برگرداندن مکر شیطان

وَ أَتَضَرَّعُ إِلَیْکَ فِی صَرْفِ کَیْدِهِ عَنِّی

و به درگاه تو زاری می کنم، تا فریبش را از من بازگردانی.۲۷/۳۲

فریب خوردن از شیطان و نافرمانی خدا

فَلَوْ لَا أَنَّ الشَّیْطَانَ یَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِکَ مَا عَصَاکَ عَاصٍ

پس اگر شیطان آنها را از اطاعتت فریبشان نمی داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی کرد.

۹/۳۷

از روی فریب خوردن نبودنِ طمع بستن (به رحمت الهی)

تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْکَ أَکْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِیکَ... لَا أَنْ یَکُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد.۱۲/۳۹

مغرور نشدن صدّیقین، به (رحمت) خدا

فَأَمَّا أَنْتَ یَا إِلَهِی فَأَهْلٌ أَنْ لَا یَغْتَرَّ بِکَ الصِّدِّیقُونَ

و امّا تو ای خدای من، پس شایسته ای که راستگویان به تو مغرور نشوند.۱۳/۳۹

بی گزندی از فریب آرزو

سَلِّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ

ما را از فریبش سلامتی ده.۲/۴۰

نیرنگ های فریبنده آرزو

لَمْ یُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَیَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ

ص : ۹۳۰

آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد تا آنها را با نیرنگ های فریبنده اش بازدارد.۹/۴۲

دور گرداندن بنده، از فریب شیطان

جَنِّبْنَا... الِانْخِدَاعَ لِعَدُوِّکَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ

ما را از فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان.۱۳/۴۴

مهلت خدا و مغرور شدن متجاوزان

وَ سُنَّتُکَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِینَ حَتَّى لَقَدْ غَرَّتْهُمْ أَنَاتُکَ عَنِ الرُّجُوعِ

و روش تو مهربانی با تجاوزکنندگان است. تا اینکه مهلت دادن تو آنان را از بازگشتن فریب داد.

۱۶/۴۶

مغرورشده و فریب خورده، به (کرم) خدا

الشَّقَاءُ الْأَشْقَى لِمَنِ اغْتَرَّ بِکَ

بدبخت ترین بدبختی برای کسیست که به تو مغرور گشته.۱۹/۴۶

عدم مکر با خدا

سُبْحَانَکَ... لَا تُکَادُ... وَ لَا تُخَادَعُ وَ لَا تُمَاکَرُ

پاک و منزّهی! نه نیرنگ می خوری و نه فریب می خوری و نه با تو حیله گری شود.۲۷/۴۷

لغزشِ فریفتگان

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِکَ... بَلْ خُذْ بِیَدِی مِنْ... زَلَّهِ الْمَغْرُورِینَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از لغزش فریفتگان دستم را بگیر (نجاتم ده).۱۰۴/۴۷

خدا و مکر نکردن با بنده

وَ لَا تَمْکُرْ بِی فِیمَنْ تَمْکُرُ

و در میان کسانی که با آنها مکر می کنی، با من مکر نکن.۱۲۴/۴۷

فریب های ستمگر

كَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِی بِمَكَايِدِهِ

چه بسیار ستمگری که با نیرنگ هایش به من ستم کرد.۷/۴۹

مکر و نیرنگ حسود

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... وَحَرَنِی بِكَيْدِهِ، وَ قَصَدَنِی بِمَكِيدَتِهِ

و چه بسیار حسودی که با مکر خویش بر من خشم نمود و با نیرنگش آهنگ من کرد.۹/۴۹

فریفتگی شیفتگی

فزع ترس

ص : ۹۳۱

فزونی برکت

فساد تباهی

فسق

بازداشتن بنده، از طلب آنچه نزد فاسقان است

ذُبَّنِی عَنِ الْتِمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِینَ

مرا از طلبیدنِ آنچه نزد فاسقان است، باز دار.

۱۳۱/۴۷

فشرده متراکم

فضل

خدا، صاحب فضل عظیم

إِنَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ

به درستی که تو دارای فضل بزرگی.

۶/۳۰، ۱۵/۲۴، ۱۶/۱۴، ۲۶/۲

طلب فضل خدا، در روز

خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِیَبْتَغُوا فِیهِ مِنْ فَضْلِهِ

و روز را برای ایشان روشن گر آفرید تا در آن فضل او را طلب کنند.۶/۶

تفضّل به بنده، در دو طرف روز

وَ امْلَأْ لَنَا مَا بَیْنَ طَرَفَیْهِ... فَضْلًا

و دو طرف آن (روز) را برای ما از تفضّل پر

ساز.۱۴/۶

طالب فضل الهی

لَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِکَ، فَتَکُونَ قَدْ... حَرَمْتَ مَنِ اسْتَرْفَدَ فَضْلَکَ

به منع خویش، ما را ناامید مکن. وگرنه آنکه از احسانت بخشش خواسته، محروم نموده ای.

۳/۱۰

شادمانی بخشیدن به بنده ، و درخواست فضل خدا

نَشَّطْتَنِی بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِکَ وَ فَضْلِکَ

مرا به وسیله آن (تندرستی) برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی.۳/۱۵

اطمینان بنده، به فضل الهی

اللَّهُمَّ... بِفَضْلِکَ وَثِقْتُ

خداوندا به احسان تو اعتماد کرده ام.

۱۵/۲۰

فضل خدا و اعتراف بنده، به زیانش

مَا لِی بَعْدَ أَنْ حَکَمْتُ عَلَی نَفْسِی إِلَّا فَضْلُکَ

پس از آنکه خود را محکوم کردم، چیزی جز فضل تو ندارم.۱۵/۲۰

نتیجه بازداشتن فضل خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ إِنْ... مَنَعْتَنِی فَضْلَکَ الْجَسِیمَ... لَمْ أَجِدِ

السَّبِيلَ إِلَى شَیْءٍ مِنْ أَمَلِی غَیْرَکَ

خداوندا اگر فضل بزرگت را از من بازداری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

سود رساندن به همسایگان، با فضل وافر

وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... الْعَوْدِ عَلَیْهِمْ بِالْجِدَهِ وَ الْإِفْضَالِ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در رسیدگی با ثروت و فضل فراوان به آنان، توفیق ده.۲/۲۶

افزایش بینایی همسایگان امام علیه السلام ، نسبت به فضل او

زِدْهُمْ... مَعْرِفَهً بِفَضْلِی

بر فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزا.

۴/۲۶

برگرداندن خواهش خود، از نیازمند به فضل خدا

قَلَبْتُ مَسْأَلَتِی عَمَّنْ لَمْ یَسْتَغْنِ عَنْ فَضْلِکَ

درخواستم را از آنکه از فضلت بی نیاز نبود، بازگرداندم.۴/۲۸

گستردن فضل الهی، بر بنده

وَ ابْسُطْ عَلَیَّ طَوْلَکَ

و بخشش خود را بر من بگستر.۲۴/۳۱

تنگی نکردن فضل خدا، از بنده

فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِکَ، وَ مَحَلُّ الْمُعْتَرِفِ لَکَ، فَلَا یَضِیقَنَّ عَنِّی فَضْلُکَ

پس این جایگاهِ پناهنده شده به تو، و محل اعتراف کننده برای توست. پس مبادا فضل تو از من تنگی نماید.۱۵/۳۲

نیاز به فریادرسی فضل خدا

لَمْ أَسْتَغْنِ عَنْ غِيَاثِ فَضْلِكَ

از فريادرسى فضلت بى نياز نبودم.۲۴/۳۲

خوراک دادن جنين، به فضل خدا

فَغَذَوْتَنِى بِفَضْلِكَ غِذَاءَ الْبَرِّ اللَّطِيفِ

پس به فضل خودت مرا مانند نيكوكارى مهربانْ خوراک دادى.۲۶/۳۲

رفتار خدا با آفريدگان، از روى فضل

أَخَذَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ

با همه آفريدگانش با فضل رفتار كرد.۱/۳۵

خداوند، صاحب فضيلت

إِنَّكَ... ذُو الطَّوْلِ

همانا تو داراى فضيلتى.۷/۳۶

بازداشته نشدن فضل خدا، از بنده

...لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِى لَا يَمْنَعُ أَحَدًا فَضْلَهُ

...زيرا تو پروردگار بزرگى هستى كه فضل

خود را از کسی بازنمی دارد.۱۳/۳۹

پیامبر صلی الله علیه و آله و بهترین فضل الهی

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَ فَضْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی.۲۱/۴۲

به جا آوردن همه فضیلت های نماز

أَنْزِلْنَا فِيهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي رُكُوعِهَا وَ سُجُودِهَا وَ جَمِيعِ فَوَاضِلِهَا...

ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] در رکوع و سجود آن و همه فضیلت هایش قرار داد - به جا آورده اند.۹/۴۴

جویا شدن از همسایگان، با فضل و بخشش

وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَ الْعَطِيَّهِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم.۱۰/۴۴

فضل خدا، سبب سپاس گزاری از او

وَ شَكَرُوكَ بِفَضْلِكَ

و با تفضّلت، تو را شکر گزاردند.۱۶/۴۵

ستایش خدا، به واسطه احسان و فضلش

يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَ الْفَضْلِ

ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای.۱۸/۴۵

رابطه بخشندگی خدا و فضلش

أَنْتَ... الْجَوَادُ بِمَا سُئِلْتَ مِنْ فَضْلِكَ

تو بخشنده هر آنچیزی هستی که از فضلت درخواست گردد.۲۱/۴۵

محروم شدن از فضل ماه رمضان، با سپری شدنش

السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی فَضْلِکَ الَّذِی حُرِمْنَاهُ

درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم.۴۲/۴۵

عامل بی بهره شدن از فضل ماه رمضان

وَ حُرِمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ

و بر اثر شقاوتشان، از فضل آن ماهْ محروم گشتند.۴۳/۴۵

دریافت فضل پسندیده، در ماه رمضان

فَأْجُرْنَا... أَجْرًا نَسْتَدْرِکُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِیهِ

پس ما را پاداش ده. پاداشی که با آن، در آن (ماه) فضل پسندیده را دریابیم.۴۵/۴۵

نقصان ناپذیری فضل خدا

فَإِنَّ فَضْلَکَ لَا یَغِیضُ

به درستی که فضل تو کاستی پذیر نیست.

۵۰/۴۵

وَ اسْتَعْمِلْنَا بِمَا یَکُونُ حِطَّهً وَ کَفَّارَهً لِمَا أَنْکَرْتَ مِنَّا فِیهِ بِرَأْفَتِکَ الَّتِی لَا تَنْفَدُ، وَ فَضْلِکَ الَّذِی لَا یَنْقُصُ

و به مهربانی ات که نابود نمی شود و به فضلت که کم نمی گردد، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار.۴۷/۴۵

درخواست شدن، از فضل خداوند

إِنَّکَ... أَعْطَی مَنْ سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ

به درستی که تو بخشنده تر کسی هستی که از فضل او درخواست شده.۵۶/۴۵

طلب نکردن فضل الهی و دچار خشکسالی شدن

أَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ إِلَّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَکَ

جویندگان که غیر از فضل تو جویا شدند، دچار خشکسالی گردیدند.۱۳/۴۶

رساندن فضل خدا، به بنده

ظَاهِرْ لَدَیَّ فَضْلَکَ وَ طَوْلَکَ

فضل و بخشش خود را بر من پوسته گردان.

۱۱۲/۴۷

سزاوارتر بودن خدا، به فضل

أَعْلَمُ... أَنَّکَ أَوْلَی بِالْفَضْلِ

می دانم که تو به بخشش سزاوارتر هستی.

۱۱۶/۴۷

افزودن فضل خدا، بر بنده

زِدْنِی مِنْ فَضْلِکَ وَ سَعَهِ مَا عِنْدَکَ

برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا.

۲۸/۴۸

طلب فضل خدا و اندک ندادنش به بنده

وَ اسْتُمِیحَ فَضْلُکَ فَمَا أَکْدَیْتَ

و فضل تو خواسته شد، پس کم نگذاشتی.

۱۴/۴۹

آنچه فضل خدا موجب می شود:

أ. بی نیازی (از غیر خدا) و توانگری

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ

و سپاس خدای را که ما را به فضل خود، بی نیاز گرداند.۲۰/۱

فَبِفَضْلِکَ اللَّهُمَّ فَأَغْنِنِی

پس به فضل خود، خداوندا بی نیازم گردان.۴/۲۲

ب. دست یافتن به توبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی دَلَّنَا عَلَی التَّوْبَهِ الَّتِی لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ

سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را به دست نیاوردیم.۲۲/۱

ج. نترسیدن (از دوری گزیدن دیگران)

لَا نَسْتَوْحِشَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِکَ

با احسانت از کسی نهراسیم.۷/۵

د. گشودن درِ آسایش، به روی بنده

افْتَحْ لِی یَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِکَ

ای پروردگار من، به فضل خود درِ آسایش را به رویم بگشای.۸/۷

هـ. گذشت خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنْ تَشَأْ تَعْفُ عَنَّا فَبِفَضْلِکَ

خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست.۱/۱۰

و. آرام شدن بنده

فَضْلُکَ آنَسَنِی

فضل تو مرا آرام نمود.۲۵/۱۳

ز. نوشتن کردارهای پاکیزه، برای بنده

وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَکَّرَ فِیهِ... بَلْ إِفْضَالًا مِنْکَ عَلَیَّ

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که دلی در آن نیندیشیده. بلکه فضل توست که بر من است.۵/۱۵

ح. فراخ گشتن روزی حلال، بر بنده

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوسَعِ عَلَیْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِکَ، الْوَاسِعِ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به جود و کرم تو از فضل گسترده ات روزی حلال برای آنان سرشار شده، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

ط. رسیدن به آنچه خدا برای بنده، (در آخرت) روان ساخته

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا... إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای، برسد.

۱۶/۲۷

ی. شفاعت بنده

لَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ فَلْيَشْفَعْ لِي فَضْلُكَ

ص : ۹۳۶

شفیعی برای من به سوی تو نیست، پس باید فضلت مرا شفاعت کند.۲۵/۳۱

ک. پوشاندن (گناهان) بنده

اللَّهُمَّ وَ إِذْ... تَغَمَّدْتَنِی بِفَضْلِكَ فِی دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَهِ الْأَكْفَاءِ فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ

خداوندا و اکنون که (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی در حضور همانندانم نهان داشتی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

ل. سزاواری خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا یَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنِ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقَصِّرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد، جز آنکه در برابر سزاواری تو بر اثر فضلت عاجز است.

۲و۱/۳۷

م. راضی شدن خدا، از بنده

مَنْ رَضِیتَ عَنْهُ فَبِفَضْلِكَ

از هر که راضی شوی، از فضل توست.

۵/۳۷

ن. نیک بختی

وَ عَوِّضْنِی... مِنْ دُعَائِی لَهُمْ رَحْمَتَكَ حَتَّی یَسْعَدَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِفَضْلِكَ

و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده. تا هر یک از ما به فضل تو، سعادتمند شود.۳/۳۹

س. عطایی چندین برابر پاداش ارزانی شده به برخی، در رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَی هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَایَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ، وَ أَعْطِنَا أَضْعَافَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش و از فضلت، چندین برابر آن را به ما عطا فرما.۵۰/۴۵

ع. پیوسته نمودن حمد، به افزایش پی در پی

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... تَصِلُهُ بِمَزِیدٍ بَعْدَ مَزِیدٍ طَوْلًا مِنْکَ

سپاس برای توست. سپاسی که تو آن را از روی احسانت، با افزونی پی درپی پیوند دهی.۴۸و۳۶/۴۷

ف. مهربانی خدا، با بنده

تَعَطَّفْ عَلَیَّ بِفَضْلِکَ

به فضلتْ بر من مهربان باش.۸/۴۸

ص : ۹۳۷

فضیلت برتری

فطر

مبارك گرداندن روز عید فطر، بر بندگان

بَارِكْ لَنَا فِی یَوْمِ عِیدِنَا وَ فِطْرِنَا

برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان.

۴۸/۴۵

روز فطر، روز عید و شادی برای مؤمنان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا – الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُوْمِنِینَ عِیدًا وَ سُرُورًا، وَ لِأَهْلِ مِلَّتِکَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشَدًا –

خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عید و شادی و برای اهل دینتْ محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.

۵۲/۴۵

فقدان

مفقود نگشتن عزّت خداوند

أَیِّدْنَا بِعِزٍّ لَا یُفْقَدُ

ما را با عزّتی که از دست نرود، تأیید فرما.

۵/۳۵

سبب فقدان پاداش فرمانبردار

لَوْ کَافَأْتَ الْمُطِیعَ عَلَی مَا أَنْتَ تَوَلَّیْتَهُ لَأَوْشَکَ أَنْ یَفْقِدَ ثَوَابَکَ

اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می داد.۱۲/۳۷

غم انگیز بودنِ فقدان ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ قَرِينٍ... أَفْجَعَ فَقْدُهُ مَفْقُودًا

درود بر تو همنشینی که چون از دست رفت، فقدانش غم انگیز بود.۲۶/۴۵

فقر تنگ دستی

پناه بردن به خدا، از خوار شمردن فقرا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِکَ مِنْ... الْإِزْرَاءِ بِالْمُقِلِّينَ

خداوندا به تو پناه می برم از تحقیر کردن تهی دستان. ۳و۱/۸

فقیرترین فقیران

أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْکَ

من نیازمندترین نیازمندان به توام.۳/۱۰

نسبت دادن فقر، به آفریدگان

نَسَبْتَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ

آنها را به تنگدستی نسبت داده ای.۱۲/۱۳

آفریدگان، فقرای درگاه خدا

وَ نَسَبْتَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ وَ هُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْکَ

و آنها را به تنگدستی نسبت داده ای و ایشان

سزاوارند که به تو نیازمند باشند.۱۲/۱۳

عامل برطرف شدن فقر از بنده

فَمَنْ... رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِکَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِی مَظَانِّهَا

پس هر که برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواهد، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده.۱۳/۱۳

شکوه نمودن از فقر به خدا

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی... مُغْنٍ مَنْ شَکَا إِلَیْکَ، فَقْرَهُ تَوَکُّلًا؟

ای خدای من آیا تو هر کس را که از تهی دستی اش با توکّل، به سوی تو شکایت کرد، بی نیاز می سازی؟۱۵/۱۶

درخواست آزمایش نشدن به فروتنی برای غیر خدا، هنگام فقر

لَا تَفْتِنِّی... بِالْخُضُوعِ لِسُوءَالِ غَیْرِکَ إِذَا افْتَقَرْتُ

مرا به فروتنی برای درخواست از دیگران به هنگام نیازم، آزمایش نکن.۱۲/۲۰

سبب فقیر نشدن بنده

وَ لَا أَفْتَقِرَنَّ وَ مِنْ عِنْدِکَ وُسْعِی

و (چنان کن که) فقیر نگردم، در حالی که دارایی ام از نزد تو می باشد.۱۴/۲۰

بنده فقیر و بی چیز خدا بودن

فَإِنِّی عَبْدُکَ... الْفَقِیرُ

پس به درستی که من بنده فقیر توام.۷/۲۱

ناامید نفرمودن بنده فقیر یا غنی، از روا شدن درخواستش

وَ لَا تَجْعَلْنِی... آیِسًا مِنْ إِجَابَتِکَ لِی وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّی، فِی... فَقْرٍ أَوْ غِنًی

و مرا ناامید از اجابتت – گرچه دیر شود – قرار نده، در تهی دستی باشم یا ثروت.۸/۲۱

قدرت نداشتن بنده، بر فقر

لَا قُوَّهَ لِی عَلَی الْفَقْرِ

تحمّل فقر ندارم.۲/۲۲

توانگر شدن از فقر، به بی نیازی خدا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُغْنَیْنَ مِنَ الْفَقْرِ بِغِنَاکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به توانگری تو از فقر به بی نیازی رسیده اند، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

دارایی طلبیدن از غیر خدا و فقیر شدن

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَهَ مِنْ سِوَاکَ فَافْتَقَرُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند.۶/۲۸

محبوب گرداندن همنشینی با فقرا، برای

ص : ۹۳۹

بنده

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ

خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان.۴/۳۰

رفتار خدا با بنده؛ رفتار توانگر با فقیر

وَ افْعَلْ بِی فِعْلَ... غَنِیٍّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِیرٌ فَنَعَشَهُ

و با من همانند توانگری که بنده بینوایی پیش او آمده، پس او را بی نیاز کرده، رفتار نما.

۲۴/۳۱

درخواست از خدا، همانند بنده ای فقیر

سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ الْحَقِیرِ الذَّلِیلِ الْبَائِسِ الْفَقِیرِ

از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال، نیازمند.۷۴/۴۷

افزودن فقر بنده، به درگاه خدا

زِدْنِی إِلَیْکَ فَاقَهً وَ فَقْرًا

بر فقر و نیازم به درگاهت بیفزا.۱۱۸/۴۷

فقر بنده به خدا و غنای خدا از بنده

وَ تَوَلَّ قَضَاءَ کُلِّ حَاجَهٍ هِیَ لِی... بِفَقْرِی إِلَیْکَ، وَ غِنَاکَ عَنِّی

و برآوردن هر درخواستی را برای من، به نیازمندی من به تو و به بی نیازی تو از من، به عهده گیر.

۴/۴۸

فرود آوردن فقر خود به درگاه خدا، در روز قربان و جمعه

اللَّهُمَّ... بِکَ أَنْزَلْتُ الْیَوْمَ فَقْرِی وَ فَاقَتِی وَ مَسْکَنَتِی

خداوندا، در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم.۴/۴۸

خواندن خدا و فقیر درگاهش بودن

دَعَوْتُکَ یَا رَبِّ... فَقِیرًا، مُضْطَرًّا إِلَیْکَ

تو را خواندم – ای پروردگار من – در حالی که فقیر و بیچاره درگاه تو هستم.۹/۵۱

فکر اندیشه

فلاح رستگاری

فلک

تصرّف ماه، در فلک تدبیر

أَیُّهَا... الْمُتَصَرِّفُ فِی فَلَکِ التَّدْبِیرِ

ای که در فلک تدبیر تصرّف می کنی.۱/۴۳

فنا نابودی

فناناپذیری گنجینه های رحمت خدا

یَا مَنْ لَا تَفْنَی خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ

ای کسی که گنج های رحمت او نابود نمی شود.

۳/۵

ص : ۹۴۰

زیانی در (دنیای) فانی شونده

اللَّهُمَّ وَ مَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است قرار ده.۲/۹

فانی نگشتن خزائن الهی، با درخواست از خدا

يَا مَنْ لَا تُفْنِي خَزَائِنَهُ الْمَسَائِلُ

ای آنکه درخواست ها، گنجینه های او را فانی نمی سازد.۷/۱۳

اندک بودن آنچه پایانش فناست

فَغَيْرُ كَثِيرٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ

زیرا آنچه سرانجامش نابودیست، زیاد نیست.

۳/۱۸

فانی شدن دنیا

مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَهِ فَاذْخَرْهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيَهِ

آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما. ۵/۳۰

پوشاندن (گناهان) بنده، در سرای نیستی

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ، وَ تَغَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ... فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ...

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی و (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی نهان داشتی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

ثروتی فنانشدنی

مَتِّعْنَا بِثَرْوَهٍ لَا تَنْفَدُ

ما را ثروتی که نابود نشود، ببخش.۵/۳۵

تعلّق گرفتن پاداش، به عمل کوتاه مدت نیست شدنی

...لَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّهِ الْقَصِيرَهِ الْفَانِيَهِ بِالْمُدَّهِ الطَّوِيلَهِ الْخَالِدَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش درازمدّتِ همیشگی دادی.۱۲/۳۷

فانی نگشتن مهربانی خدا

وَ اسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّهً وَ كَفَّارَهً لِمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِى لَا تَنْفَدُ

و به مهربانی ات که نابود نمی شود، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار.

۴۷/۴۵

ص : ۹۴۱

فانی نگشتن معادن احسان خدا

إِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِکَ لَا تَفْنَی

به درستی که معادن احسانت فنا نمی شود.

۵۰/۴۵

فانی نگشتن کلمات خداوند

...لَا تَنْفَدُ کَلِمَاتُکَ

...کلمات تو فانی نمی شود.۵۳/۴۷

درودی فناناپذیر، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً... لَا یَنْفَدُ کَمَا لَا تَنْفَدُ کَلِمَاتُکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که فانی نگردد، همچنانکه کلمات تو فانی نمی شود.۵۳/۴۷

فناناپذیری ذات خداوند

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِجَلَالِ وَجْهِکَ الْکَرِیمِ، الَّذِی لَا یَبْلَی وَ لَا یَتَغَیَّرُ، وَ لَا یَحُولُ وَ لَا یَفْنَی، أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن بزرگی ذات بزرگوارت که کهنه و دگرگون نمی شود، و تغییر حال نمی دهد، و نابود نمی گردد، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.

۱۰/۵۲

فوت [از دست رفتن]

فوت نشدن چیزی نزد خداوند

...لَا یَفُوتُهَا شَیْءٌ وَ إِنْ لَطُفَ

...چیزی – اگر چه خرد باشد – از او (خداوند) رهایی نمی یابد.۱/۲

از دست نرفتن کار نیک

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ، حَتَّی لَا تَفُوتَنَا حَسَنَهٌ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَکَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار نیکی که به سبب آن سزاوار پاداش تو شویم از دستمان نرود.۷/۹

سبب فوت احسان الهی

مَنْ تَوَجَّهَ بِحاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ... فَقَدْ... اسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِکَ فَوْتَ الْإِحْسَانِ

هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد، بی گمان نیافتن احسان تو را سزاوار گشته.۱۴/۱۳

باران، بازگرداننده آنچه از دست رفته

تُحْیِی بِهِ مَا قَدْ مَاتَ، وَ تَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ

به سبب آن، آنچه را که مرده است، زنده نمایی. و با آن آنچه را که از دست رفته، برگردانی.

۳/۱۹

ص : ۹۴۲

نزد خدا بودنِ عوضِ هر چه فوت شده

عِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلَفٌ

عوض هر آنچه از دست رفته، نزد توست.

۲۰/۲۰

علم الهی، مانع از فوت امور

وَ وَفِّقْنِی لِلنُّفُوذِ فِيما تُبَصِّرُنِی مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى لَا يَفُوتَنِی اسْتِعْمَالُ شَیْءٍ عَلَّمْتَنِيهِ

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا انجام دادن آنچه به من آموختی، از دستم نرود.۳/۲۴

اندوهناک شدن بر ماه رمضان پیش از، از دست رفتنش

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ... مَحْزُونٍ عَلَيْهِ قَبْلَ فَوْتِهِ

درود بر تو که پیش از از دست رفتنش، بر آن اندوه خورند.۳۸/۴۵

ترس از فوت شدن وقت

إِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ

همانا کسی شتاب می کند که از گذشتن فرصت می ترسد.۱۵/۴۸

از دست خدا نرفتنِ پرستش کننده غیرِ او

لَا يَفُوتُكَ مَنْ عَبَدَ غَيْرَكَ

کسی که جز تو را پرستید، از دست تو گریزی ندارد.۳/۵۲

فوج گروه

فهم

فهم قرآن از روی تصدیق

جَعَلْتَهُ... شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهَمِ التَّصْدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ

آن را شفایی برای کسی که با فهم و تصدیق به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، قرار دادی.

۳/۴۲

فهم شگفتی ها و مثل های منع کننده قرآن

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا... حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ

قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را، به دل های ما برسانی.۱۰/۴۲

ناتوانی فهم ها، از چگونگی خدا

أَنْتَ الَّذِی... عَجَزَتِ الْأَفْهَامُ عَنْ کَیْفِیَّتِکَ

تویی آنکه فهم ها از کیفیّت تو عاجزند.

۱۸/۴۷

ص : ۹۴۳

ق

قبح زشتی

قبر

افتادگان در گِرُوِ گورها و دمیدن (در صور)

إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ... فَيُنَبِّهُ بِالنَّفْخَهِ صَرْعَی رَهَائِنِ الْقُبُورِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست، تا با دمیدنِ مردگانِ گروِ گورها را بیدار کند.۲/۳

رومان، آزمایش کننده (اهل) قبور

...وَ رُومَانَ فَتَّانِ الْقُبُورِ

...و رومانْ آزمایش کننده (مردگان) قبرها.

۱۸/۳

زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ... وَ زِيَارَهِ قَبْرِ رَسُولِكَ...

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و زیارت قبر پیامبرت.۴/۲۳

قبرها، جای ماندن تا روز رستاخیز

وَ كَانَتِ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ

و گورها تا هنگام قیامت، جایگاه ماندن باشد.

۱۳/۴۲

قبرها، بهترین منزل ها

اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا

قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه های ما قرار ده.۱۴/۴۲

عامل روشن شدن تاریکی قبرها

نَوِّرْ بِهِ قَبْلَ الْبَعْثِ سُدَفَ قُبُورِنَا

پیش از برانگیخته شدن، تاریکی قبرهایمان را با آن (قرآن)، روشن ساز.۱۵/۴۲

قبض

ابزارهای قبض، در (کالبد) بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... جَعَلَ لَنَا أَدَوَاتِ الْقَبْضِ

و سپاس خدای را که افزارهای قبض و در هم کشیدن را برای ما قرار داد.۲۰/۱

قبول پذیرش

قبیله

کارزار کردن پیامبر صلی الله علیه و آله ، با قبیله اش

ص : ۹۴۵

حَارَبَ فِی رِضَاکَ أَسْرَتَهُ

در (راه) خوشنودی تو، با قبیله اش جنگید.

۷/۲

قبیله های (گوناگون) فرشتگان

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای.۱۱و۱۰/۳

سبب دوری گزیدن قبیله های اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از آنها

وَ الَّذِینَ هَجَرَتْهُمْ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ

و آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله هایشان از آنها دوری نمودند.۶/۴

قتل

کشتن و اسیر نمودن مشرکان

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِکَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِینَ حَتَّی یَکْشِفُوهُمْ إِلَی مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِی أَرْضِکَ وَ أَسْرًا

و آنان را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آینـد، یاری فرما. تا با کشـتن و اسـیر گرفتن، آنها (مشـرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند.۸/۲۷

شهادت مجاهد، پس از کشتن دشمن خدا

فَإِنْ... قَضَیْتَ لَهُ بِالشَّهَادَهِ فَبَعْدَ أَنْ یَجْتَاحَ عَدُوَّکَ بِالْقَتْلِ

پس اگر شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده است.

۱۵/۲۷

دشمن و زهرهای کشنده اش

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ... شَحَذَ لِی ظُبَهَ مُدْیَتِهِ... وَ دَافَ لِی قَوَاتِلَ سُمُومِهِ

پس چه بسیار دشمنی که لبه تیغش را برای من تیز نمود و آن را برای من با زهرهای کشنده اش درهم آمیخت.۴/۴۹

قدَر تقدیر

قدرت توانایی

قدم

گام برداشتن به سوی پایان زندگی

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِی الْحَیَاهِ أَجَلًا مَوْقُوتًا... یَتَخَطَّأُ إِلَیْهِ بِأَیَّامِ عُمُرِهِ

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، که با روزهای زندگی اش، به سوی آن گام بردارد.

۶/۱

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از قدمگاهش (محلّ پرورشش)، به غربت

هَاجَرَ إِلَی بِلَادِ الْغُرْبَهِ، وَ مَحَلِّ النَّأْیِ عَنْ... مَوْضِعِ رِجْلِهِ

از قدمگاهش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود.۱۶/۲

سبب لرزش پاهای بنده

قَدْ أَرْعَشَتْ خَشْیَتُهُ رِجْلَیْهِ

ترس پاهایش را به لرزه انداخته.۹/۱۲

ایستادن در برابر خدا، تا ورم نمودن پاها

یَا إِلَهِی لَوْ... قُمْتُ لَکَ حَتَّی تَتَنَشَّرَ قَدَمَایَ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنقدر در برابر تو بایستم تا پاهایم ورم کند، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

جای پای شیطان

وَ اقْطَعْ عَنَّا إِثْرَهُ

و اثرش را از ما قطع کن.۴/۱۷

سبب آرزو نکردن پیوستن گامی به گام دیگر

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ... حَتَّی لَا نُوءَمِّلَ... لُحُوقَ قَدَمٍ بِقَدَمٍ

و ما را از آرزوی دراز بازدار، تا بدانجا که در

پی هم آمدن گامی را به گامی، آرزو نکنیم.

۱/۴۰

عامل بازدارنده قدم های بنده، از بردن او به سوی گناه

اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَی الْمَعَاصِی حَابِسًا

قرآن را نگهدار گام های ما از حرکت به سوی گناهان، قرار ده.۱۰/۴۲

لرزیدن پل دوزخ و پابرجایی گام های بنده

ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ یَوْمَ الْمَـجَازِ عَلَیْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا

هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن (قرآن) پابرجا گردان.۱۵/۴۲

با گام های خود به سوی حرام نرفتن

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا نَخْطُوَ بِأَقْدَامِنَا إِلَی مَحْجُورٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا با پاهایمان به سوی هیچ حرامی نرویم.۷و۶/۴۴

لغزش پای بنده (در گناهان)

ص : ۹۴۷

مَوْلَایَ ارْحَمْ... زَلَّهَ قَدَمِی

مولای من! بر لغزش گام هایم رحم کن.۴/۵۳

قدیم دیرینه

قرآن کتاب آسمانی

قرآن، هویداکننده راه های احکام

جَعَلْتَهُ... قُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْکَامِکَ

آن را قرآنی قرار دادی که با آن راه های احکامت را روشن ساختی.۲و۱/۴۲

ارتباط قرآن، با بنده

اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِیلَهً لَنَا إِلَی أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْکَرَامَهِ، وَ سُلَّمًا نَعْرُجُ فِیهِ إِلَی مَحَلِّ السَّلَامَهِ، وَ سَبَبًا نُجْزَی بِهِ النَّجَاهَ فِی عَرْصَهِ الْقِیَامَهِ، وَ ذَرِیعَهً نَقْدَمُ بِهَا عَلَی نَعِیمِ دَارِ الْمُقَامَهِ

قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت و نردبانی برای عروجمان به محل سلامت، و دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت و وسیله ای برای قدم نهادن ما بر نعمتِ سرای اقامت، قرار ده.۸/۴۲

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا، وَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا، وَ لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَی الْمَعَاصِی حَابِسًا، وَ لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِی الْبَاطِلِ مِنْ غَیْرِ مَا آفَهٍ مُخْرِسًا، وَ لِجَوَارِحِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْآثَامِ زَاجِرًا، وَ لِمَا طَوَتِ الْغَفْلَهُ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الِاعْتِبَارِ

نَاشِرًا، حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ

قرآن را مونس ما در تاریکی های شب و نگهبان ما از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد، و نگهدار گام های ما از حرکت به سوی گناهان، و بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، و مانع برای اندام های ما از انجام گناهان، و ناشر پندهایی که غفلت از دید ما می پوشاند، قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را، به دل های ما برسانی.۱۰/۴۲

قرآن و انداختن بار سنگین گناهان، از بندگان

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز.۹/۴۲

پاک کنندگی قرآن، به سبب پاکی اش

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ... حَتَّی تُطَهِّرَنَا مِنْ کُلِّ دَنَسٍ بِتَطْهِیرِهِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز، تا به پاک کنندگی آن، ما را از هر آلودگی پاک کنی.**۹/۴۲**

قرآن و درخواست های بنده از خدا

ص : ۹۴۸

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ، وَ هَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ، وَ اقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَکَ بِهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ حَتَّى تُطَهِّرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ بِتَطْهِيرِهِ، وَ تَقْفُوَ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاؤُوا بِنُورِهِ...

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز و زیبایی خوهای نیکوکاران را به ما ببخش و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند، تا به پاک کنندگی آن، ما را از هر آلودگی پاک کنی و ما را در پی کسانی گردانی که از نور آن، روشنی جستند.۹/۴۲

أَدِمْ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا، وَ احْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّهِ ضَمَائِرِنَا، وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَائِقَ أَوْزَارِنَا، وَ اجْمَعْ بِهِ مُنْتَشَرَ أُمُورِنَا، وَ أَرْوِ بِهِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْکَ ظَمَأَ هَوَاجِرِنَا، وَ اكْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِی نُشُورِنَا

با قرآن، ظاهرِ نیک ما را آشکار ساز و با آن خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار و به وسیله آن چرکی دل هایمان و وابستگی های گناهانمان را بشوی و با آن کارهای پراکنده ما را گرد آور و با آن تشنگی شدید ما را در جاهای گرم در جایگاهی که در پیشگاه توست، سیراب فرما و با آن ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سر برمی آوریم، به جامه های امان بپوشان.

۱۱/۴۲

اجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلَّتَنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ، وَ سُقْ إِلَيْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَيْشِ وَ خِصْبَ سَعَهِ الْأَرْزَاقِ، وَ جَنِّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَهَ وَ مَدَانِیَ الْأَخْلَاقِ، وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِی النِّفَاقِ

به وسیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن و به وسیله آن، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده و با آن ما را از خوی های نکوهیده و اخلاق پست، دور کن. و با آن ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار.۱۲/۴۲

هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرْبَ السِّيَاقِ، وَ جَهْدَ الْأَنِينِ...

به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن و سختی ناله کردن را بر ما آسان گردان.

۱۳/۴۲

ارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْکَ ذُلَّ مَقَامِنَا، وَ ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَجَازِ عَلَيْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا، وَ نَوِّرْ بِهِ قَبْلَ الْبَعْثِ سُدَفَ قُبُورِنَا، وَ نَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ شَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَّهِ

به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت عرضه می شویم، بر خواری ما رحم کن و هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن پابرجا گردان و پیش از برانگیخته شدن، تاریکی قبرهایمان را با آن روشن ساز و ما را در روز

رستاخیز از هر اندوهی و از ترس های سخت روز قیامت، به وسیله آن نجات ده.

۱۵/۴۲

رمضان، ماه نزول قرآن

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ، هُدًی لِلنَّاسِ، وَ بَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَی وَ الْفُرْقَانِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حقّ از باطل) است.۳/۴۴

قرآن و افزایش حسنات

وَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِی الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِیفِ الْحَسَنَاتِ

و مانندهای آن (آیه هایی) که از افزایش های نیکی ها در قرآن فروفرستادی.۱۳/۴۵

فرستادن قرآن و نور، در ماه برگزیده سال

وَ آثَرْتَهُ عَلَی کُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَهِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِیهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ النُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

قرارگاه

هجوم آوردن پیامبر صلی الله علیه و آله به دشمنان، در میان قرارگاهشان

هَجَمَ عَلَیْهِمْ فِی بُحْبُوحَهِ قَرَارِهِمْ

در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد.

۲۱/۲

قرب نزدیکی

قرض وام

قسط عدل

قسم سوگند

قسمت تقسیم

قصاص

تاوان گرفتن از والدین

فَهُمَا... أَعْظَمُ مِنَّةً لَدَیَّ مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ

پس نعمتشان نزد من بزرگ تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم.۱۰/۲۴

تاوان نگرفتن از بنده

لَمْ تَسُمْهُ الْقِصَاصَ فِیما أَکَلَ مِنْ رِزْقِکَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، تقاص نخواستی.۱۳/۳۷

لَا تُقَاصَّنِی بِمَا اجْتَرَحْتُ

مرا به خاطر آنچه انجام دادم، تقاص نکن.

۲/۴۱

قصاص (کردار) بنده، و فروتنی او

هَذِهِ يَدِی وَ نَاصِيَتِی، أَسْتَكِينُ بِالْقَوَدِ مِنْ نَفْسِی

این دست من و موی جلوی سرم است. برای قصاص خویش، فروتن می شوم.۴/۵۳

قصد

فرشتگان و عدم قصد نگریستن به خدا

فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ

(آنان) قصد نگریستن سوی تو را ندارند.

۸/۳

تابعین و قصد طریقه صحابه

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَيْرَ جَزَائِكَ. الَّذِينَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعینِ نیکوکارِ ایشان برسان. آنان که راه ایشان را قصد نمودند.۱۰و۹/۴

قصد خیانت نمودن به کسی

نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَنْطَوِیَ عَلَى غِشِّ أَحَدٍ

پناه می بریم به تو از اینکه قصد خیانت به کسی داشته باشیم.۵/۸

تمایل به تصمیمی خوشنودکننده خدا

وَ إِذَا هَمَمْنَا بِهَمَّيْنِ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا، وَ يُسْخِطُكَ الْآخَرُ عَلَيْنَا، فَمِلْ بِنَا إِلَى مَا يُرْضِيكَ عَنَّا

و چون بر دو کار تصمیم گرفتیم، یکی تو را از ما خوشنود می سازد و دیگری تو را بر ما به خشم می آورد، پس ما را به آن کار که تو را از ما خوشنود می سازد برگردان.۳/۹

سبب گراییدن بنده، به ناامیدی

مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَکَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ

هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.

۱۴/۱۳

با رغبت، خدا را قصد نمودن

فَقَصَدْتُکَ، یَا إِلَهِی بِالرَّغْبَهِ

پس ای خدای من از روی میلْ آهنگ تو کردم.

۱۸/۱۳

بازداشتن شیطان، از تصمیمش

اللَّهُمَّ... ثَبِّطْهُ إِذَا عَزَمَ

خداوندا هر تصمیمی (شیطان) گرفت، از اقدامش بازدار.۱۲/۱۷

عفو الهی را آهنگ نمودن

ص : ۹۵۱

اللَّهُمَّ... إِلَی عَفْوِکَ قَصَدْتُ

خداوندا به سوی بخشایش تو آهنگ نموده ام.

۱۵/۲۰

قصدبدکننده، درباره بنده

مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی

هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز.۷/۲۳

قصد فحشا، و عامل دلیر شدن بر انجام آن

إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَهٍ شَجَّعَنَا عَلَیْهَا

اگر قصد کار زشتی کنیم، (شیطان) ما را بر آن دلیر گردانَد.۷/۲۵

قصد کار شایسته و بازدارندگی شیطان از آن

إِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبَّطَنَا عَنْهُ

چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، (شیطان) ما را از آن بازدارد.۷/۲۵

مرزداران اسلام و قصد پشت کردن به دشمن

اجْعَلِ الْجَنَّهَ نَصْبَ أَعْیُنِهِمْ... حَتَّی لَا یَهُمَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ

بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده، تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت کردن (به دشمن) نکند.

۴/۲۷

قصد جنگ و جهاد نمودن

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

با ترس، خدا را قصد نمودن

قَصَدَکَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصًا

از سَر اخلاصْ با ترس، آهنگ تو نمود.

۸/۳۱

اوّلین قصد معصیت خدا و سزاواری همه کیفرها

وَ لَقَدْ کَانَ یَسْتَحِقُّ فِی أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْیَانِکَ کُلَّ مَا أَعْدَدْتَ لِجَمِیعِ خَلْقِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ

و حال آنکه او در آغاز که همّت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.

۱۴/۳۷

توبه قرار دادنِ قصد ترک بدی ها

وَ اجْعَلْ... عَزْمِی عَلَی تَرْکِ مَا یَعْرِضُ لِی مِنَ السَّیِّئَاتِ تَوْبَهً تُوجِبُ لِی مَحَبَّتَکَ

و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید،

توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد.۳/۳۸

قصدکننده طریقه قرآن و گمراه نگشتنش

جَعَلْتَهُ... عَلَمَ نَجَاةٍ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ

آن را نشانه نجاتی قرار دادی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود.۳/۴۲

مهلت الهی و قصد ستم نمودن بنده، به خود

أَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ

کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای. ۹/۴۵

قصد نکردن بازگشت به گناه

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَهَ مَنْ لَا يَنْطَوِی عَلَی رُجُوعٍ إِلَی ذَنْبٍ

خداوندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه کسی که بازگشتن به گناه را در دل ندارد.۵۲/۴۵

قصد آمدن به درگاه خدا

فَهَا أَنَا ذَا أَوءُمُّكَ بِالْوِفَادَهِ

پس اینک منم که آهنگ آمدن به درگاه تو را نمودم.۲۵/۴۶

عزمْ بودن اراده خدا

إِرَادَتُكَ عَزْمٌ

اراده ات حتمی است.۲۹/۴۷

خدایی بودن قصد بنده

وَ اجْعَلْ... هَمِّی مُسْتَفْرَغًا لِمَا هُوَ لَكَ

و قصدم را یکسره برای آنچه برای توست، قرار ده.۱۳۰/۴۷

برای نیاز خود، خدا را قصد نمودن

اللَّهُمَّ إِلَيْکَ تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِی

خداوندا، برای نیازم به سوی تو قصد نمودم.

۴/۴۸

انتقام گرفتن از قصدِجنگ دارنده

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی... عَجْزِی عَنِ الِانْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِی بِمُحَارَبَتِهِ

ای خدای من، پس تو عجزم را از انتقام گرفتن از کسی که قصد جنگ با من نموده، مشاهده کردی.

۵/۴۹

قصد ستمگر؛ فساد و تباهی

فَلَمَّا رَأَیْتَ یَا إِلَهِی... دَغَلَ سَرِیرَتِهِ، وَ قُبْحَ مَا انْطَوَی عَلَیْهِ، أَرْکَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی زُبْیَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او و زشتی آنچه در دل داشت، ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی.

۸/۴۹

حسود، و قصد بنده را نمودن

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... قَصَدَنِی بِمَکِیدَتِهِ

و چه بسیار حسودی که با نیرنگش آهنگ من کرد. ۹/۴۹

قصور کوتاهی

قضا تقدیر و نیز فرمان

قطره

فرشتگان و قطره های باران

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الْهَابِطِینَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرودآمدگان به همراه قطره های نازل شده باران.۱۵و۱۱و۱۰/۳

قطع بریدن

قطعی واجب

پشیمانی قطعی دل ها

وَ لَکَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ

و پشیمانی قطعی دل هایمان، برای توست.

۴۵/۴۵

قطعی گشتن اراده خداوند

أَنْتَ الَّذِی أَرَدْتَ فَکَانَ حَتْـمًا مَا أَرَدْتَ

تویی آنکه اراده کردی و اراده ات حتمی شد.

۱۵/۴۷

قطعیّت فرمان الهی

قَضَاوءُکَ حَتْمٌ

فرمانت قطعی و واجب است.۲۹/۴۷

درنگذشتن چیزی، از تدبیر قطعی خدا

لَا یُجَاوَزُ الْمَ_حْتُومُ مِنْ تَدْبِیرِکَ کَیْفَ شِئْتَ وَ أَنَّی شِئْتَ

از تدبیر قطعی تو، به هر گونه و هر زمان که بخواهی نمی توان درگذشت.۹/۴۸

قفل

قفل زدن بر دل قصد بد دارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُقْفِلَ دُونَ إِخْطَارِی قَلْبَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا دلش را هنگام یاد من، قفل زنی.۸و۷/۲۳

قلاده گردن

ص : ۹۵۴

قلب دل

قلعه

قلعه ای نگهدارنده از شرّ شیطان

اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَوْلَادَنَا وَ أَهَالِيَنَا وَ ذَوِی أَرْحَامِنَا وَ قَرَابَاتِنَا وَ جِيرَانَنَا مِنَ الْمُوءْمِنِينَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِنْهُ فِی... حِصْنٍ حَافِظٍ

پـدران، مـادران، فرزنـدان، خـانواده، خویشـان، نزدیکـان و همسایگـان مـا از مردان و زنـان باایمـان را، از (شـرّ) او در دژی نگهدارنده قرار ده.۱۰/۱۷

مشرکان، و قلعه های زمین

وَ امْنَعْ حُصُونَهَا مِنْهُمْ

و قلعه های آن (زمین) را از آنها بازدار.

۱۲/۲۷

نبودن قلعه پنهان کننده بنده، از خدا

وَ لَا حِصْنٌ يَحْجُبُنِی عَنْكَ

و نه جای استواری (قلعه ای) است که مرا از تو بازدارد.۱۴/۳۲

قلیل اندک

قناعت

پناه بردن به خدا، از کمی قناعت

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنْ... قِلَّهِ الْقَنَاعَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از کاستی قناعت.

۱/۸

سبب قناعت بنده، به مقدّرات

وَ صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِی مِنْ ثَوَابِکَ، وَ أَعْدَدْتَ لِخَصْمِی مِنْ جَزَائِکَ وَ عِقَابِکَ، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِی بِمَا قَضَیْتَ

و نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی و مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار و آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدّر نمودی قرار ده.۱۵/۱۴

قانع نمودن بنده، به مقدّرات

وَ أَسْأَلُکَ... أَنْ تُقَنِّعَنِی بِتَقْدِیرِکَ لِی

و از تو درخواست می کنم که مرا به آنچه برایم مقدّر فرموده ای، قانع سازی.۲۸/۳۲

قوت خوردنی

قوّت توانایی

قوم مردم

قهر غلبه

قیافه چهره

قیام ایستادن

قیام پیامبر صلی الله علیه و آله ، به جنگ با دشمنان

فَنَهَدَ إِلَيْهِمْ مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِکَ

پس با امید به پیروزی به یاری تو، به سوی آنان تاخت.۱۹/۲

رمضان، ماه قیام و برخاستن

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِيَامِ

سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد.۳/۴۴

ترغیب به قیام (برای نماز شب)، در ماه رمضان

وَ رَغَّبْتَ فِیهِ مِنَ الْقِيَامِ

و در آن به برپا خاستن (شب) ترغیب نمودی.

۲۰/۴۵

قیام (در شب های رمضان)، به یاری خدا

وَ قُمْنَا بِعَوْنِکَ لَیْلَهُ

و به یاری تو شبش را به پا خاستیم.۲۱/۴۵

درآمدن به رحمت الهی، با قیام (شبانه در ماه رمضان)

مُتَعَرِّضِینَ بِصِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ لِمَا عَرَّضْتَنَا لَهُ مِنْ

رَحْمَتِکَ

در حالی که در معرض روزه داشتن و به پا خاستن (شبانه) بودیم، از رحمتت - بدان خاطر - به ما عرضه داشتی.۲۱/۴۵

عهده دار شدن روزه و قیام، در ماه رمضان

وَ قَدْ تَوَلَّیْنَا بِتَوْفِيقِکَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرٍ

و ما را – با (همه) کوتاهیْ (کردن هایمان) – توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم.۴۴/۴۵

قیامت

سپاس خداوند، آسان کننده راه رستاخیز

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... يُسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن راه رستاخیز را بر ما آسان سازد.۱۲و۱۰/۱

سپاسی جاوید از خدا، تا روز قیامت

...لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا... وَ مَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما دارد. و به جای هر یک از آنها به شماره چندین برابر، همیشه و جاوید تا روز قیامت.۲۷/۱

درودی از امروز تا روز قیامت، بر تابعین

ص : ۹۵۶

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین درود فرست.۱۳/۴

تأخیر انتقام از ستمگر، تا روز رستاخیز

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتِ الْخِيَرَةُ لِی عِنْدَكَ فِی تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِی... إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَ مَجْمَعِ الْخَصْمِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَيِّدْنِی مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقّم تا روز رستاخیز و محل جمع شدن دشمنان می باشد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.

۱۴/۱۴

رستگاری در قیامت

ارْزُقْنِی فَوْزَ الْمَعَادِ

رستگاریِ قیامت را روزی ام فرما.۱۸/۲۰

امنیت و آسایش روز معاد

هَبْ لِی أَمْنَ يَوْمِ الْمَعَادِ

مرا آسایشِ روز بازگشت ببخش.۲۰/۲۰

شفیع بندگان، در روز قیامت

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی

که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند.۳۰/۳۱

سبب رهایی در عرصه قیامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سَبَبًا نُجْزَى بِهِ النَّجَاةَ فِی عَرْصَةِ الْقِيَامَةِ

و قرآن را دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت، قرار ده.۸/۴۲

قرآنْ جلودار بندگان به سمت بهشت، در قیامت

اجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلَّتَنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ، وَ سُقْ إِلَيْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَيْشِ وَ خِصْبَ سَعَهِ الْأَرْزَاقِ... حَتَّى يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَامَهِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ جِنَانِكَ قَائِدًا

به وسیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن و به وسیله آن، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده. تا در قیامت جلودار ما به سوی خوشنودی تو و بهشت هایت باشد.۱۲/۴۲

رسوا نساختن بندگان، در برابر حاضرانِ قیامت

لَا تَفْضَحْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيَامَهِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا

ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضرانِ قیامت، رسوا نکن.

۱۴/۴۲

ص : ۹۵۷

نجات از ترس و اندوه روز رستاخیز

نَجِّنَا بِهِ مِنْ کُلِّ کَرْبٍ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ شَدَائِدِ أَهْوَالِ یَوْمِ الطَّامَّهِ

ما را در روز رستاخیز از هر اندوهی و از ترس های سخت روز قیامت، به وسیله آن (قرآن)، نجات ده.۱۵/۴۲

نزدیک ترین پیامبر به خدا، در روز قیامت

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِیَّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِیِّینَ مِنْکَ مَجْلِسًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود قرار ده.

۱۸/۴۲

عبادت خداوند، تا روز قیامت

اکْتُبْ لَنَا مِثْلَ أُجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ

برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس.۵۱/۴۵

قیامت و گذشت خداوند

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنْ آبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَهْلِ دِینِنَا جَمِیعًا مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَ مَنْ غَبَرَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ

خداوندا از پدران و مادران و همه هم کیشان

ما، هر که از ایشان درگذشته و مرده و هر که زنده مانده، تا روز رستاخیز درگذر.۵۵/۴۵

درخواست بنده از خدا، در روز قیامت

اجْعَلْ فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ مَعَ أَوْلِیَائِکَ مَوْقِفِی، وَ فِی أَحِبَّائِکَ مَصْدَرِی، وَ فِی جِوَارِکَ مَسْکَنِی

جایگاهم را در آن روز با دوستانت، و بازگشتم را در میان یارانت، و خانه ام را در جوار خود قرار ده.۷/۵۳

ویژگی های روز قیامت:

أ. یاری نشدن کسی توسّط دیگری

یَوْمَ لَا یُغْنِی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئًا وَ لَا هُمْ یُنْصَرُونَ

روزی که هیچ دوست، به کار دوست نیاید و یاری نمی شوند.۱۲/۱

ب. رسیدن به سزای اعمال و ستم نشدن به کسی

يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند.۱۲/۱

لَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ

مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران

ص : ۹۵۸

قرار نده، در آن روز که هر نفسی به آنچه کرده، جزا داده شود و هرگز ایشان ستم نشوند.

۱۱/۲۴

ج. آمدن گواه و راننده ای، با هر کس

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِى كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ

...پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.۲۴/۳

د. آشکار نمودن اخبار بندگان

يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ

روزی که اخبار بندگانت را آشکار می کنی.

۴/۱۱

هـ. نیاز به خدا

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ يَوْمَ الْفَاقَهِ إِلَيْكَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند.

۳۰/۳۱

و. ترس بزرگ و اندوه

وَ اكْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِى

نُشُورِنَا

و با آن ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سربرمی آوریم، به جامه های امان بپوشان.

۱۱/۴۲

نَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ شَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَّهِ

ما را در روز رستاخیز از هر اندوهی و از ترس های سخت روز قیامت، به وسیله آن (قرآن)، نجات ده.۱۵/۴۲

ز. حسرت و پشیمانی

وَ بَیِّضْ وُجُوهَنَا... فِی یَوْمِ الْحَسْرَهِ وَ النَّدَامَهِ

و در روز حسرت و پشیمانی، رخسارهای ما را سفید گردان.۱۶/۴۲

ح. سیاه شدن روی ستمگران

وَ بَیِّضْ وُجُوهَنَا یَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّلَمَهِ فِی یَوْمِ الْحَسْرَهِ وَ النَّدَامَهِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان.

۱۶/۴۲

ط. خوار نگشتن پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان

یَوْمَ لَا یُخْزِی اللَّهُ النَّبِیَّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ

ص : ۹۵۹

روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند.۱۱/۴۵

ی. برانگیخته شدن، برای دیدار خدا

لَا تُخْزِنِی یَوْمَ تَبْعَثُنِی لِلِقَائِکَ

روزی که مرا برای دیدارت برمی انگیزی، خوارم نساز.۱۱۴/۴۷

ک. آشکار شدن پنهان ها

لَا تُهْلِكْنِی یَوْمَ تُبْلَی السَّرَائِرُ

در روزی که پنهان ها آشکار می شود، هلاکم نکن.۱۲۹/۴۷

قیمت بها

ص : ۹۶۰

ک

کار

فرشتگان و گماشتگی به کار

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَ لَمْ نَعْلَمْ... بِأَيِّ أَمْرٍ وَكَّلْتَهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و مأموریّتی را که به او سپرده ای، نمی دانیم.۲۲و۱۱و۱۰/۳

سزاوارترین کارها به ذات خدا

أَوْلَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَهُ مَنِ اسْتَرْحَمَكَ، وَ غَوْثُ مَنِ اسْتَغَاثَ بِكَ

سزاوارترین کارها به بزرگواری ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته و کمک به کسی است که از تو کمکی طلبیده.۵/۱۰

مقدّر نمودن فراغت از کارها، برای بنده

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَهٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَهٌ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد.۲/۱۱

گذشتن زمان کار و روآوری به خدا با توبه

...حَتَّى إِذَا رَأَى مُدَّهَ الْعَمَلِ قَدِ انْقَضَتْ... تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَهِ، وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَهَ

تا اینکه می بیند زمان عمل گذشته. با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند.

۸/۱۲

نیکی تقدیر بنده، در همه امور

وَ تَوَلَّنِي بِنُجْحِ طَلِبَتِي... وَ نَيْلِ سُوءْلِي قَبْلَ زَوَالِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِتَيْسِيرِكَ لِيَ الْعَسِيرَ وَ حُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ

و به برآورده گشتن خواسته ام و یافتن درخواستم، قبل از رفتنم از این مکان، با آسان کردن سختی و نیکی تقدیرت برای من، در تمامی امور یاری ام فرما.۲۳/۱۳

کاری درخور ستمگر و دشمن بنده

وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيما يَلِيهِ

و او را به آنچه درخورش است مشغول دار.

۶/۱۴

ص : ۹۶۱

بنده و انجام مانند کارهای ستمگر

وَ اعْصِمْنِی مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ

و مرا از انجام مانند کارهای او بازدار.

۷/۱۴

شمارش نمودن کارهای پنهانی خود

سُبْحَانَکَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَی نَفْسِی، وَ أُعَدِّدُهُ مِنْ مَکْتُومِ أَمْرِی

پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم. و کار پنهانی خویش را می شمارم.

۲۵/۱۶

اصلاح کار گنهکاران

إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی طَمَعًا فِی رَأْفَتِکَ الَّتِی بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِینَ

تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست - ۲۸/۱۶.

درست ترین کارها

وَفِّقْنِی إِذَا اشْتَکَلَتْ عَلَیَّ الْأُمُورُ لِأَهْدَاهَا

آنگاه که کارها بر من درهم گشت، به راست ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

نظر داشتن به بنده، در همه کارهایش

انْظُرْ لِی فِی جَمِیعِ أُمُورِی

در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما.

۳/۲۲

صلاح کار بنده و علم الهی

اللَّهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ مَا يُصْلِحُنِی مِنْ أَمْرِ دُنْيَایَ وَ آخِرَتِی

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی.۱۰/۲۲

پیشرفت نمودن بنده، در کارها

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ... وَ النَّفَاذِ فِی أُمُورِی

و با تندرستی و پیشرفت در کارهایم بر من منّت گذار.۳/۲۳

به عهده گرفتن کار فرزند، توسّط والدین

فَإِنِّی... لَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّيَاهُ مِنْ أَمْرِی يَا رَبِّ

زیرا از آنچه درباره من به عهده گرفتند، ناراضی نیستم. ای پروردگار من.۹/۲۴

بسیاری کار والدین، برای پرورش فرزند

أَيْنَ إِذًا يَا إِلَهِی طُولُ شُغْلِهِمَا بِتَرْبِيَتِی؟!

ای خدای من، در این هنگام کجاست درازی کار آنها، در پرورش دادن من؟۱۰/۲۴

کوشش والدین، در کار فرزندان

عَافِهِمْ... فِی كُلِّ مَا عُنِيتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ

آنان را در کارهایشان - که به آن می کوشم - تندرستی ده.۲/۲۵

مقرّر فرمودن کار مرزداران اسلام

دَبِّرْ أَمْرَهُمْ

امرشان را تدبیر فرما.۲/۲۷

کار خدا، در روز بدر

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ بِبَأْسٍ مِنْ بَأْسِكَ كَفِعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر.

۱۱/۲۷

عطا فرمودن عوض کار مسلمان، در دنیا

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند.۱۶/۲۷

نگران شدن از کار اسلام

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

مغلوب بودن هر کس جز خدا، بر کار خود

مَنْ سِوَاكَ... مَغْلُوبٌ عَلَى أَمْرِهِ

غیر تو، در کار خود مغلوب می باشد.۱۱/۲۸

به طول انجامیدن کار بنده، در چاره وام

وَ هَبْ لِيَ الْعَافِيَهَ مِنْ دَيْنٍ... يَطُولُ بِمُمَارَسَتِهِ شُغْلِي

و مرا معاف دار، از وامی که کارم در چاره آن طول کشد.۱/۳۰

پناه بردن به خدا، از کار و بی خوابی قرض

أَعُوذُ بِکَ، یَا رَبِّ، مِنْ... شُغْلِ الدَّیْنِ وَ سَهَرِهِ

به تو پناه می برم – ای پروردگارم – از کار قرض و بی خوابی اش.۲/۳۰

عدم فراموشی کار ناپسند گذشته

فَمَا کُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی، وَ لَا نِسْیَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِیمِ فِعْلِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

پنهان نبودن کارهای کوچک، از خدا

لَا تَنْطَوِی عَنْکَ دَقَائِقُ الْأُمُورِ

کارهای ریز و کوچک، از تو پنهان نمی ماند.

۱۱/۳۲

کارهای نهانی و علم الهی

اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَى خَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُکَ

خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است.

۱۱/۳۲

کار بنده و قدرت الهی

تَشْكُرُ يَسِيرَ مَا شَكَرْتَهُ... حَتَّى كَأَنَّ شُكْرَ عِبَادِكَ الَّذِی أَوْجَبْتَ عَلَيْهِ ثَوَابَهُمْ... أَمْرٌ مَلَكُوا اسْتِطَاعَةَ الِامْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَکَ فَکَافَيْتَهُمْ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت - که پاداش آنها را لازم گردانـدی - کاری است که آنان بدون (قدرت) تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای.۶/۳۷

خدا، مالک کار بندگان

مَلَكْتَ - يَا إِلَهِی - أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَمْلِكُوا عِبَادَتَکَ

ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند.۷/۳۷

آرزو، و بازداشته نشدن بنده از کارِ (نیک)

تَقْفُوَ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ... لَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ

ما را در پی کسانی گردانی که آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد تا آنها را با نیرنگ های فریبنده اش بازدارد.۹/۴۲

عامل گرد آوردن کارهای پراکنده بندگان

وَ اجْمَعْ بِهِ مُنْتَشَرَ أُمُورِنَا

و با آن (قرآن)، کارهای پراکنده ما را گرد آور.

۱۱/۴۲

تدبیر خداوند، در مورد کار ماه

سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِی أَمْرِکَ!

پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود!۳/۴۳

هلال ماه نو و کاری نو

جَعَلَکَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِأَمْرٍ حَادِثٍ

تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داد.

۳/۴۳

فرود آمدن فرشتگان در شب قدر، برای (انجام) هر کار

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند.۵/۴۴

ماه رمضان، از جمله کارهای برگزیده، از جانب خداوند

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا تِلْكَ الْوَظَائِفِ، وَ خَصَائِصِ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ...

خداوندا و تو از کارهای برگزیده و واجبات مخصوصه، ماه رمضان را قرار دادی.۲۰/۴۵

عدم یاری خدا در کارش، توسّط وزیری

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ يُوَازِرْكَ فِی أَمْرِكَ وَزِيرٌ

تویی آنکه در کارت، وزیری تو را کمک نکرده است.۱۴/۴۷

بزرگی کار خدا

سُبْحَانَكَ! مَا أَجَلَّ شَأْنَكَ

پاک و منزّهی! چه بزرگ است شأن تو!

۲۲/۴۷

سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ شَأْنَكَ

پاک و منزّهی! چه بزرگست مرتبه تو!۴/۵۲

سامان یافتن کارِ دوستداران ائمه علیهم السلام

اجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ

کردارشان را بر پرهیزکاری سامان ده.

۶۵/۴۷

انتخاب کسی توسّط خدا، برای کار خود

بِحَقِّ... مَنِ اجْتَبَيْتَ لِشَأْنِكَ... تَغَمَّدْنِی فِی يَوْمِی هَذَا

بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ کسی که او را برای کار خود انتخاب نموده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را

که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

کار دنیا و آخرت، و تنها به خدا امید داشتن

فَإِنِّی... لَا أَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِی وَ دُنْیَایَ سِوَاکَ

پس به درستی که برای کار آخرت و دنیایم به احدی جز تو امید ندارم.۴/۴۸

پرسش نشدن از خدا، درباره کار بنده

إِنْ أَهْلَكْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَعْرِضُ لَکَ فِی عَبْدِکَ، أَوْ یَسْأَلُکَ عَنْ أَمْرِهِ

اگر مرا نابود کنی، پس کیست آنکه درباره بنده ات معترض تو شود یا درباره کار او، تو را بازخواست کند؟۱۵/۴۸

بی نیازی بنده (از دیگری)، در همه کارها

وَ رَزَقْتَنِی فِی أُمُورِی کُلِّهَا الْکِفَایَةَ

و بی نیازی را در همه کارهایم به من روزی دادی.۲/۵۱

امید داشتن در همه کارها، به خداوند

فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ ثِقَتِی وَ رَجَائِی فِی الْأُمُورِ کُلِّهَا

ص : ۹۶۵

پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی.۸/۵۴

کاستی

نبود افزاینده ای، برای هر که خدا از او کاسته

لَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ

از کسانی که (خدا) کاسته، افزاینده ای نمی افزاید.۵/۱

نبود کاهنده ای، برای هر که خدا به او فراوانی داده

لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ

از کسی که (خدا) به او فراوانی داده، کاهنده ای نمی کاهد.۵/۱

کاسته نشدن از بنده در صورت عطای الهی

اللَّهُمَّ... مَنْ أَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنْعُ الْمَانِعِينَ

خداوندا هر که را تو عطا فرمودی، جلوگیری کردن منع کنندگان از او نکاست.۱۲/۵

کامل ساختن خوی پسندیده ناقص بنده

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... أُكْرُومَةً فِيَّ نَاقِصَةً إِلَّا أَتْمَمْتَهَا

خداوندا مرا در خوی پسندیده ای که در من ناقص باشد وامگذار، مگر آنکه کاملش فرمایی.

۶/۲۰

کاستن از نیکی ها

هُوَ، يَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِي، فَأَدِّهِ عَنِّي... حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ تُقَاصَّنِي بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از جانب من ادا کن. تا چیزی از آن بر من نمانَد که بخواهی به سبب آن از نیکی هایم بکاهی.۷/۲۲

کاستن شمار دشمنان مرزداران اسلام

وَ انْقُصْ مِنْهُمُ الْعَدَدَ

و از تعدادشان بکاه.۵/۲۷

جلوگیری از کاستن مسلمانان

خُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنْ تَنَقُّصِهِمْ

با کاستن عدد آنان (مشرکان)، از کاستن (مسلمانان) جلوگیر باش.۱۰/۲۷

کاسته نشدن از خدا، با عطا نمودن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْهِبُکَ - یَا إِلَهِی - مَا لَا یُنْقِصُکَ بَذْلُهُ

خداوندا، ای خدای من، همانا من از تو بخششی می خواهم که بخشیدن آن از تو چیزی نمی کاهد.۶/۳۹

یَا مَنْ... لَا یَنْقُصُهُ نَائِلٌ

ای کسی که هیچ بخششی، (گنج های) او را

ص : ۹۶۶

نمی کاهد. ۶/۴۸

به خدمت گرفتن ماه با فزونی و کاستی اش

وَ امْتَهَنَکَ بِالزِّیَادَهِ وَ النُّقْصَانِ

و تو را با فزونی و کاستی، به خدمت گرفت.

۲/۴۳

کاستی نیافتن گنجینه های خدا

إِنَّ خَزَائِنَکَ لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِیضُ

همانا گنجینه های تو کم نمی شود، بلکه فزونی می یابد.۵۰/۴۵

کاستی ناپذیریِ فضل الهی

فَإِنَّ فَضْلَکَ لَا یَغِیضُ

به درستی که فضل تو کاستی پذیر نیست.

۵۰/۴۵

وَ اسْتَعْمِلْنَا بِمَا یَکُونُ حِطَّهً وَ کَفَّارَهً لِمَا أَنْکَرْتَ مِنَّا فِیهِ بِرَأْفَتِکَ الَّتِی لَا تَنْفَدُ، وَ فَضْلِکَ الَّذِی لَا یَنْقُصُ

و به مهربانی ات که نابود نمی شود و به فضلت که کم نمی گردد، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار.۴۷/۴۵

کاسته نشدن از ملک الهی ، با نافرمانی گنهکاران

لَکِنْ سُلْطَانُکَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ، وَ مُلْکُکَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ...

تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِیَهُ الْمُذْنِبِینَ

ولی خداوندا، سلطنت تو بزرگ تر و پادشاهی ات پایدارتر از آن است که نافرمانی گنهکاران (چیزی) از آن بکاهد.۶/۵۰

کاسته نشدن از ملک خدا، با شرک آوردن به او

سُبْحَانَکَ لَا یَنْقُصُ سُلْطَانَکَ مَنْ أَشْرَکَ بِکَ، وَ کَذَّبَ رُسُلَکَ

پاک و منزّهی! کسی که به تو شرک آورَد و پیامبرانت را دروغگو شمارد، از فرمانروایی ات نمی کاهد.۳/۵۲

کالا

کالای نابودشدنی دنیا

مَا زَوَیْتَ عَنِّی مِنْ مَتَاعِ الدُّنْیَا الْفَانِیَهِ فَاذْخَرْهُ لِی فِی خَزَائِنِکَ الْبَاقِیَهِ

آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما.۵/۳۰

کالای دنیا، وسیله رسیدن به جوار الهی

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِی مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَهً إِلَی جِوَارِکَ، وَ وُصْلَهً إِلَی قُرْبِکَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود و وسیله پیوستن به جایگاه بزرگت قرار ده.۶/۳۰

کام

رهایی از کام گرفتاری

خَلِّصْنِی مِنْ لَهَوَاتِ الْبَلْوَی

از کام های بلا رهایی ام بخش.۹۸/۴۷

کامل

کامل گشتن وعده خداوند

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِينَ عَلَى أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَـمَامِ وَعْدِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود.۱۲و۱۱و۱۰/۳

سبب کامل شدن کینه ستمگر

أَعْدِنِی عَلَيْهِ عَدْوَى حَاضِرَهً، تَكُونُ... مِنْ حَنَقِی عَلَيْهِ وَفَاءً

مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ

آماده ای که کینه ام را بر او کامل نماید.۸/۱۴

وسیله کامل نمودن روزی های پاکیزه

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْيًا... تُكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ

خداوندا ما را با بارانی که روزی های پاکیزه را با آن برایمان کامل گردانی، سیراب نما.۵/۱۹

کامل ترین ایمان

اللَّهُمَّ... بَلِّغْ بِإِيمَانِی أَكْمَلَ الْإِيمَانِ

خداوندا ایمان مرا به کامل ترین ایمان برسان.

۱/۲۰

وسیله کامل گرداندن نیّت بنده

اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِکَ نِيَّتِی

خداوندا به لطف خود نیّت مرا کامل گردان.

۲/۲۰

کامل گرداندن خوی پسندیده ناتمام بنده

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... أُكْرُومَةً فِيَّ نَاقِصَةً إِلَّا أَتْمَمْتَهَا

خداوندا مرا در خوی پسندیده ای که در من ناقص باشد وامگذار، مگر آنکه کاملش فرمایی.

۶/۲۰

وسیله کامل گرداندن اوصاف (اخلاقی) بنده

أَكْمِلْ ذَلِكَ لِی بِدَوَامِ الطَّاعَهِ

این (اوصاف) را برای من با اطاعت همیشگی

کامل گردان.۱۰/۲۰

عوامل کامل گرداندن خیر دنیا و آخرت، برای بنده

نَبِّهْنِی لِذِكْرِكَ فِی أَوْقَاتِ الْغَفْلَهِ، وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِكَ فِی أَيَّامِ الْمُهْلَهِ... أَكْمِلْ لِی بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ

مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. و در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار. و بدین وسیله، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل نما.

۲۹/۲۰

کامل گرداندن عطایا

تَمِّمْ لِی مَا آتَيْتَنِی

آنچه به من عطا کردی، تمام گردان.۷/۲۱

کامل ترین بهره های همسایگان

وَ اجْعَلْ لِی أَوْفَى الْحُظُوظِ فِيما عِنْدَهُمْ

و از آنچه ایشان دارند، کامل ترین بهره ها را برای من قرار ده.۴/۲۶

جنگ برای کامل تر شدن نصیب الهی

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ... لِيَكُونَ... حَظُّكَ الْأَوْفَى فَلَقِّهِ الْيُسْرَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد، تا بهره تو کامل تر گردد، پس او را با آسانی روبرو کن.۱۳/۲۷

کامل ترین درودها

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاهً... لَا يَنْتَهِی أَمَدُهَا... كَأَتَمِّ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست. درودی که مدّتش پایان نپذیرد. مانند کامل ترین درودهایت که بر هر یک از اولیایت فرستاده شده.۱۸/۲۷

کمال توانایی، بلندپایگی و برتری خدا

لَکَ یَا إِلَهِی... فَضِیلَهُ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّهِ، وَ دَرَجَهُ الْعُلُوِّ وَ الرِّفْعَهِ

خداوندا فضیلت توان و نیرو و درجه والایی و بلندی، از آنِ توست.۱۰/۲۸

رساندن بنده، به شکلی کامل

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ حَتَّی انْتَهَیْتَ بِی إِلَی تَمَامِ الصُّورَهِ

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. تا اینکه مرا به صورت کامل رساندی.۲۳/۳۲

کامل تر قرار دادن شکرگزاری بنده، برای امور بازداشته شده از او

وَ اجْعَلْ شُکْرِی لَکَ عَلَی مَا زَوَیْتَ عَنِّی أَوْفَرَ مِنْ شُکْرِی إِیَّاکَ عَلَی مَا خَوَّلْتَنِی

ص : ۹۶۹

و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی، کامل تر از شکرم به آنچه به من مرحمت کردی، قرار ده.

۳/۳۵

سبب آرزو نکردن تمام نمودن ساعتی پس از ساعت دیگر

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ حَتَّی لَا نُوءَمِّلَ اسْتِتْـمَامَ سَاعَهٍ بَعْدَ سَاعَهٍ

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن، تا بـدانجا که تمام کردن ساعتی را پس از ساعتی، آرزو نکنیم.۱/۴۰

عامل کامل نمودن کرامت بنده

أَکْمِلْ کَرَامَتِی بِغُفْرَانِکَ

به آمرزشت، کرامت مرا کامل گردان.۴/۴۱

الهام کامل دانش شگفتی های قرآن ، به محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُکَمَّلًا

خداوندا همانا تو علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی.۵/۴۲

کامل ساختن نور محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ أَتِمَّ نُورَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و نورش را کامل ساز.۱۹/۴۲

کامل ساختن نعمت، با کامل شدن طاعت

أَتْمِمْ عَلَیْنَا بِاسْتِکْمَالِ طَاعَتِکَ فِیهِ الْمِنَّهَ

با کامل کردن طاعتت در آن (ماه)، نعمت را بر ما تمام گردان.۷/۴۳

نماز خواندن، با کامل ترین طهارت

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا... عَلَی أَتَمِّ الطَّهُورِ وَ أَسْبَغِهِ

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود با پاکی تمام و فراگیر، به جا آورده اند.**۹/۴۴**

کامل گرداندن نور مؤمنان، در قیامت

رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا، وَ اغْفِرْ لَنَا

پروردگارا، نورمان را برای ما کامل گردان و ما را بیامرز.**۱۱/۴۵**

تمام شدن وقت ماه رمضان

ثُمَّ قَدْ فَارَقَنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَ انْقِطَاعِ مُدَّتِهِ، وَ وَفَاءِ عَدَدِهِ

سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدّتش و پایان یافتن عدد (روزهای)ش، از ما جدا شد.**۲۲/۴۵**

کامل تر شدن کرم، احسان و نعمت الهی

لَمْ تَكُنْ أَنَاتُكَ عَجْزًا... بَلْ لِتَكُونَ حُجَّتُكَ أَبْلَغَ، وَ

كَرَمُكَ أَكْمَلَ، وَ إِحْسَانُكَ أَوْفَى، وَ نِعْمَتُكَ أَتَمَّ

درنـگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر، و کرم تو کامل تر، و احسان تو فراوان تر، و نعمت تو تمام تر باشد.۲۲/۴۶

سپاسی با مزدی کامل

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ

سپاس برای توست. سپاسی که پاداش آن نزد تو کامل باشد.۴۲و۳۶/۴۷

زیاده روی در کامل به جا آوردن سپاس

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... يُؤَيَّدُ مَنْ أَغْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيَتِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که زیاده روی نمود در کامل به جا آوردن آن، تأیید شود.۴۵و۳۶/۴۷

کامل ترین نیکی ها، برای پیامبر صلی الله علیه و آله

بَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ

کامل ترین برکت هایت را بر او روان ساز.

۵۰/۴۷

کامل شدن بخشش های خدا بر محمّد صلی الله علیه و آله و آلش

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحَلِكَ وَ كَرَامَتِكَ، وَ تُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَ نَوَافِلِكَ

پروردگار من، بر محمّـد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشـش و کرامتت را برای ایشان بسیار سازی و چیزهایی از عطاها و بخشش هایت را برای آنها کامل گردانی.۵۷/۴۷

تمام نمودن فراوانی نعمت ها، بر بنده

تَمِّمْ سُبُوغَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ

فراخی نعمتت را بر من تمام کن.۱۲۸/۴۷

کامل نمودن انعام الهی، برای بنده

أَتْمِمْ لِی إِنْعَامَکَ

نعمت دادنت را برایم کامل کن.۱۳۲/۴۷

کامل گشتن احسان الهی، علی رغم بدی بنده

لَمْ تَمْنَعْکَ إِسَاءَتِی عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِکَ

بدکرداری من، تو را از تمام نمودن احسانت بازنداشت. ۱۳/۴۹

سپاسی کامل، از خدا

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی، حَمْدًا یَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِیقَةَ الشُّکْرِ

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به کمال و حقیقت ستایش رسد. ۶/۵۱

ص : ۹۷۱

کامیابی خوش بختی

کاوش جستجو

کاهلی

کاهلی در بندگی خدا

لَا تَبْتَلِیَنِّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبَادَتِکَ

مرا به سستی در عبادتت گرفتار نکن.

۱۱/۲۰

کبر تکبّر

کبریایی بزرگی

کتاب آسمانی قرآن

فرموده خدا در کتابش، درباره ناسپاسان

...فَکَانُوا کَمَا وَصَفَ فِی مُحْکَمِ کِتَابِهِ: إِنْ هُمْ إِلَّا کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِیلًا

پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده: «آنها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه ترند.» ۹/۱

آمدن سوگند به دنبال وعده الهی ، در کتاب خدا

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ، وَ أَتْبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِکَ فِی کِتَابِکَ قَاطِعًا لِاهْتِـمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ...

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده.۳/۲۹

فرمایش خدا، در کتاب محکمش

قَدْ قُلْتَ یَا إِلَهِی فِی مُحْکَمِ کِتَابِکَ إِنَّکَ تَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبَادِکَ

ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه بندگانت را می پذیری.۱۵/۳۱

فرموده خدا در کتابش، درباره ثبات اندام

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ... كَمَا نَعَتَّ فِی كِتَابِكَ: (نُطْفَةً ثُمَّ عَلَقَةً ثُمَّ مُضْغَةً ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ كَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْمًا، ثُمَّ أَنْشَأْتَنِی خَلْقًا آخَرَ) كَمَا شِئْتَ

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خونِ بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشاندی، آنگاه مرا آنچنانکه خواستی، آفرینشی دیگر دادی.۲۳/۳۲

ختم کتاب خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعَنْتَنِی عَلَی خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِی أَنْزَلْتَهُ نُورًا

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان

نور نازل کردی.۱/۴۲

ویژگی های کتاب خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعَنْتَنِی عَلَی خَتْمِ کِتَابِکَ الَّذِی أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَ جَعَلْتَهُ مُهَيْمِنًا عَلَی کُلِّ کِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَ فَضَّلْتَهُ عَلَی کُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای، گواه قرار دادی و آن را بر هر سخنی که حکایت کرده ای، برتری دادی.۱/۴۲

جَعَلْتَهُ... کِتَابًا فَصَّلْتَهُ لِعِبَادِکَ تَفْصِيلًا، وَ وَحْيًا أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِيِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَنْزِيلًا

آن را کتابی قرار دادی که برای بندگانت با تفصیل بیان نمودی و وحیی که بر پیامبرت محمّد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - به تدریج نازل فرمودی.۲و۱/۴۲

جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِی مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَهِ وَ الْجَهَالَهِ بِاتِّبَاعِهِ، وَ شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهَمِ التَّصْدِيقِ إِلَی اسْتِمَاعِهِ، وَ مِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ، وَ نُورَ هُدًی لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ، وَ عَلَمَ نَجَاهٍ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ، وَ لا تَنَالُ أَيْدِی الْهَلَکَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَهِ عِصْمَتِهِ

آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم و شفا برای

کسی که با فهم و تصدیق به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، و ترازوی عدلی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود، و نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدان، خاموش نمی شود و نشانه نجاتی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود و هر که به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد.۳/۴۲

شرح دادن کتاب خدا، برای بندگان

جَعَلْتَهُ... کِتَابًا فَصَّلْتَهُ لِعِبَادِکَ تَفْصِيلًا

آن را کتابی قرار دادی که برای بندگانت با تفصیل بیان نمودی.۲و۱/۴۲

کمک به بندگان، در خواندن کتاب خدا

اللَّهُمَّ فَإِذْ أَفَدْتَنَا الْمَعُونَهَ عَلَی تِلَاوَتِهِ... فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که ما را بر تلاوتش یاری نمودی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

سختی زبان ها و نیکویی عبارت کتاب خدا

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِيَ أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداونـدا، پس هنگـامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت

ص : ۹۷۳

می کنند.۴/۴۲

مرتبطین با قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ، وَ يَدِينُ لَکَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمُـحْكَمِ آيَاتِهِ، وَ يَفْزَعُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوضَحَاتِ بَيِّنَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که بایـد رعایت می کنند و با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند و خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه و دلایل روشنش قرار می دهند. ۴/۴۲

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست.۶/۴۲

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَصِمُ بِحَبْلِهِ، وَ يَأْوِي مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حِرْزِ مَعْقِلِهِ، وَ يَسْـكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ، وَ يَهْتَدِي بِضَوْءِ صَـبَاحِهِ، وَ يَقْتَدِي بِتَبَلُّجِ إِسْفَارِهِ، وَ يَسْتَصْبِحُ بِمِصْبَاحِهِ، وَ لَا يَلْتَمِسُ الْهُدَى فِي غَيْرِهِ

و مـا را از کسـانی قرار ده که به ریسـمان آن چنـگ می زننـد و از متشابهـات به پناهگاه محکمش پناه می برنـد و در سایه بال (حمایت) آن ساکن می شوند و با نور صبحگاهش راه می یابند و به درخشـش روشنایی آن اقتدا می کنند و از نور چراغ آن، روشنی می افروزند و در غیر آن هدایت را نمی جویند. ۷/۴۲

نزول کتاب خدا، بر پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّکَ مُحَمَّدٍ صَـلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا، وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكَمَّلًا، وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا، وَ فَضَّلْتَنَا عَلَى مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ، وَ قَوَّيْتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمْلَهُ

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ، بدون تفصیل و شرح نازل کردی و علم به شگفتی هـایش را به صورت کامـل، به او الهام کردی و علم آن را تفسـیرشده، به ما ارث دادی و ما را بر کسـی که به علم آن نادان بود، برتری بخشـیدی و ما را بر (دریافت) آن قوّت دادی، تا بـدین سـبب بر کسـی که طاقت تحمّل آن را نداشت، رفعت بخشی.

۵/۴۲

نتیجه اعتراف به از جانب خدا بودن کتاب او

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا الشَّکُّ فِي تَصْدِيقِهِ، وَ لَا يَخْتَلِجَنَا الزَّيْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِيقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکّی جلودار تصدیق ما نشود و انحرافی ما را

از راه راستش جدا نسازد.۶/۴۲

حاملان قرآن

ص : ۹۷۴

اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ...

خداونـدا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، پس بر محمّد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست.۶/۴۲

برتری کتاب خدا

اللَّهُمَّ فَكَمَا... عَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَ فَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

خداونـدا، پس همچنان که به رحمت خود شـرافت و فضـیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمّـد که با آن سـخن رانـد، درود فرست.۶/۴۲

کتاب خدا و به پا داشتن محمّد صلی الله علیه و آله ، برای راهنمایی

اللَّهُمَّ وَ كَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَهِ

خداونـدا و چنان که به وسـیله قرآن، محمّـد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی، پس بر محمّـد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت، قرار ده.۸/۴۲

به پا داشتن کتاب خدا، به وسیله ولیّ او

أَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ

کتاب خود را به وسیله او به پا دار.۶۲/۴۷

ستمگران، و نابود کردن کتاب خدا

لَا تَجْعَلْنِى لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا، وَ لَا لَهُمْ عَلَى مَحْوِ كِتَابِكَ يَدًا وَ نَصِيرًا

مرا پشتیبان ستمگران و یاور آنان در محو کتاب خود، قرار نده.۱۳۲/۴۷

دورافتاده دیدن کتاب خدا

...حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَ خُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ... يَرَوْنَ... كِتَابَكَ مَنْبُوذًا

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب شده، می بینند کتاب تو دور افتاده است.۹/۴۸

بندگان را به کتاب الهی، مژده دادن

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ، وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَکَ أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ...

خداونـدا، همانـا من در کتـابت که فروفرسـتاده ای و بنـدگانت را به آن مژده داده ای، یـافتم که فرمـودی: «ای بنـدگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید.» ۲/۵۰

یافتن فرموده خدا، در کتاب او

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ... أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ

ص : ۹۷۵

اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذَّنُوبَ جَمِیعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا نااميد نشويد که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

پذیرفتن کتاب خدا

قَبِلْتُ کِتَابَکَ

کتابت را پذیرفتم.۶/۵۲

کتاب اعمال

کتاب مرقوم و گواهی مقرّبان

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَی أَعْلَی عِلِّیِّینَ فِی کِتَابٍ مَرْقُومٍ یَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقرّبان الهی گواه آنند».

۱۳و۱۰/۱

نویسندگان و ضبط اموری در کتاب اعمال

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... یَزِیدُ عَلَی مَا أَحْصَتْهُ فِی کِتَابِکَ الْکَتَبَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده اند، افزونی یابد.۴۰و۳۶/۴۷

کتاب اعمال و رسوایی بنده

فَیَا سَوْأَتَا مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَیَّ کِتَابُکَ

پس وای بر رسوایی من، از آنچه کتاب تو برایم برشمرده است.۲/۵۰

کتابت نوشتن

کج روی الحاد

کجی

عدم انحراف از راه حقّ

مَتِّعْنِی بِهُدًی صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَ طَرِیقَهِ حَقٍّ لَا أَزِیغُ عَنْهَا

مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به راه حقّی که از آن به بیراهه نروم، بهرمند ساز.۵/۲۰

فرزندان و راست گرداندن کجی والدین

أَقِمْ بِهِمْ أَوَدِی

کجی مرا به وسیله ایشان راست فرما.۴/۲۵

سبب عدم انحراف از راه راست قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ حَتَّی... لَا یَخْتَلِجَنَا الزَّیْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِیقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا انحرافی ما را از

راه راستش جدا نسازد.۶/۴۲

به راه کج رفتن و منحرف شدن

وَ إِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدِّلْنَا، وَ إِنْ زُغْنَا فِيهِ فَقَوِّمْنَا

و اگر در آن کجروی کرده ایم، پس ما را بازگردان و اگر در آن منحرف شده ایم، ما را استوار بدار.۱۶/۴۴

عامل نابودی کج طلبانِ راه راست

امْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عِوَجًا

به وسیله او (ولیّ خود)، آنان که می خواهند راه راست تو را کج کنند، نابود گردان.۶۲/۴۷

عامل بیرون راندن منحرفان، از راه خدا

أَزِلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ

به وسیله او (ولیّ خود)، منحرفان را از راهت بیرون کن.۶۲/۴۷

منحرف شوندگان از راه های خداوند

وَ لَا تُتَبِّرْنِی فِيمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْ سُبُلِكَ

و مرا در شمار شکستگانی که از راه های تو منحرف شده اند، در هم نشکن.۹۷/۴۷

کرامت

گرد آمدن با پیامبران، در محلّ کرامت همیشگی خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُضَامُّ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِی دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِی لَا تَزُولُ، وَ مَحَلِّ كَرَامَتِهِ الَّتِی لَا تَحُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است و محل کرامتی که همیشگی است.۱۶و۱۰/۱

افزایش کرامت فرشتگان

صَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ

بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر کرامتشان بیفزاید.۲۵/۳

کرامت داشتن والدین، نزد خداوند

وَ اخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالِدَیَّ بِالْکَرَامَهِ لَدَیْکَ، وَ الصَّلَاهِ مِنْکَ

و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامتِ نزد خود و درود از جانب خود، اختصاص ده.۲/۲۴

رساندن والدینْ همراه با تکریم، به جایگاه سلامت (در بهشت)

بَلِّغْهُمَا بِالْکَرَامَهِ مَوَاطِنَ السَّلَامَهِ

ایشان را با کرامت به جایگاه های سلامتی رسان.۱۴/۲۴

سبب گرد آمدن والدین و فرزندان، در سرای کرامت

اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِکَ فِي دَارِ كَرَامَتِکَ

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو گرد آییم.

۱۵/۲۴

مرزداران اسلام و منازل کرامت

لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... مَنَازِلِ الْكَرَامَهِ

آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از سراهای کرامت، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.

۴/۲۷

مسلمان و رسیدن به کرامت الهی

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا... أَعْدَدْتَ لَهُ مِنْ كَرَامَتِکَ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش

فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از بزرگی ات برایش آماده کرده ای، برسد.

۱۶/۲۷

گستردن بسترهای کرامت، برای بنده

أَفْرِشْنِي مِهَادَ كَرَامَتِکَ

بسترهای کرامتت را برای من بگستر.۱/۴۱

وسیله کامل گشتن کرامت بنده

أَكْمِلْ كَرَامَتِي بِغُفْرَانِکَ

به آمرزشت، کرامت مرا کامل گردان.۴/۴۱

وسیله رسیدن به منازل کرامت

اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَهً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَهِ

قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت قرار ده.۸/۴۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و بهترین کرامت الهی

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَ فَضْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی.۲۱/۴۲

کرامت وعده داده شده خدا، به دوستانش

أَهِّلْنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ

ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده ای، سزاوار نما.۱۲/۴۴

رسیدن به کرامت الهی

بَصَّرْتَنَا... الْوُصُولَ إِلَی کَرَامَتِکَ

ما را به (راه) رسیدن به کرامتت، بینا نمودی.

۱۹/۴۵

فراوان ساختن کرامت الهی، بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحَلِکَ وَ کَرَامَتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامتت را برای ایشان بسیار سازی.۵۷/۴۷

بازگرداندن بنده، به فراوانی کرامت الهی

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُثْنِیَنِی بِالْکَثِیرِ مِنْ کَرَامَتِکَ بِرَحْمَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که با رحمت خویش مرا به بسیاریِ بخشش خود بازگردانی.

۱۰/۵۲

کردار رفتار

جزا دادن خدا، به کردارهای نیک و بد

لِیَجْزِیَ الَّذِینَ أَسَاوءُوا بِمَا عَمِلُوا وَ یَجْزِیَ الَّذِینَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَی

تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکوکاران را پاداش نیکو عنایت کند.

۷/۶، ۶/۱

استوار گرداندن اندام کردارها، در بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... أَثْبَتَ فِینَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ

و سپاس خدای را که اعضای (کار و) کردارها را در ما ثابت ساخت.۲۰/۱

محبوبیّت عمل برای آخرت، نزد پیروان اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

تُحَبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ

عمل برای آخرت را در نظرشان محبوب کنی.

۱۶/۴

رسوا نکردن بندگان، به بدی کردارشان

لَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا

ما را نزد آنها به سبب زشتی رفتارمان رسوا نگردان. ۱۵/۶

توفیق انجام عمل خیر

وَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان،

ما را برای انجام نیکی توفیق ده.۱۸/۶

خودپسندی در عمل

نَعُوذُ بِکَ... أَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا

پناه می بریم به تو از اینکه در کارهایمان خودپسند باشیم.۵/۸

نوشتن کردارهای پاکیزه ای برای بیمار، در حال بیماری

وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَکَّرَ فِیهِ...

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که دلی در آن نیندیشیده.۵/۱۵

بدی کردار و شرمندگی بنده

کُلُّ ذَلِکَ حَیَاءٌ مِنْکَ لِسُوءِ عَمَلِی

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم.۲۰/۱۶

زیر بار کردار شیطان نرفتن

اللَّهُمَّ وَ أَشْرِبْ قُلُوبَنَا إِنْکَارَ عَمَلِهِ

خداوندا و دل های ما را از انکار او سیراب ساز.۸/۱۷

بهترین کردارها

وَ انْتَهِ... بِعَمَلِی إِلَی أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ

و عملم را به بهترین اعمال منتهی ساز.

۱/۲۰

کردار بنده و عفو الهی

اللَّهُمَّ إِلَی مَغْفِرَتِکَ وَفَدْتُ... وَ لَیْسَ عِنْدِی مَا یُوجِبُ لِی مَغْفِرَتَکَ، وَ لَا فِی عَمَلِی مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَکَ

خداوندا به سوی آمرزشت روی آورده ام. در حالی که آنچه موجب آمرزیدن تو گردد، در من نیست و در عملم چیزی که

سزاوار عفو تو شوم وجود ندارد.۱۵/۲۰

انجام پاکیزه ترین عمل،هنگام تشابه اعمال

وَفِّقْنِی... إِذَا تَشَابَهَتِ الْأَعْمَالُ لِأَزْكَاهَا

هنگامی که اعمال شبیه (یکدیگر) گردید، به پاکیزه ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

علم با عمل

وَ ارْزُقْنِی... عِلْمًا فِی اسْتِعْمَالٍ

و مرا علم با عمل، روزی فرما.۲۷/۲۰

نیکو گرداندن کردار بنده

حَسِّنْ فِی جَمِیعِ أَحْوَالِی عَمَلِی

عملم را در همه احوالم، نیکو گردان.

۲۸/۲۰

عملی خوشنودکننده خداوند

وَ امْنُنْ عَلَیَّ... بِالْعَمَلِ لَکَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَی

و عمل – برای خودت – به آنچه دوست داری و خوشنود می شوی را به من ارزانی دار.

۱۳/۲۱

رغبت و مواظبت در عمل برای خدا

ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی

برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان.۸/۲۲

عمل کردن به بندگی خدا

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ، عَامِلًا بِطَاعَتِکَ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته، عامل به طاعتت باشم.۱۳/۲۲

شیطان و بازدارندگی بنده، از عمل شایسته

إِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبَّطَنَا عَنْهُ

چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، (شیطان) ما را از آن بازدارد.۷/۲۵

اعمالی شوینده چرکی خطایا

وَفِّقْنِی مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَایَا عَنِّی

مرا به کارهایی که با آن چرکی خطاها را از من

بشویی، توفیق ده.۱۳/۳۱

دانایی خدا به کردار بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَاغْفِرْ لِی مَا عَلِمْتَ

خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری. پس آنچه (گناه) از من می دانی، بیامرز.۱۷/۳۱

نادان نبودن بنده، به بدی کردارش

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. ۲۶/۳۱

ضعفِ کردار بنده

أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِیفُ عَمَلًا

من بنده ای هستم که عملش ضعیف است.

۹/۳۲

کردار بنده و سزاواری خشم خدا

...إِذَا... اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْیِی سَخْطَتَکَ، فَتَلَ عَنِّی عِذَارَ غَدْرِهِ

...همین که با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم، پس (دشمن تو) عنان حیله اش را از من برگرداند.۱۳/۳۲

احسان الهی و کردار فرمانبر و گنهکار

تَفَضَّلْتَ عَلَی کُلٍّ مِنْهُمَا بِمَا یَقْصُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ

به هر یک از آنان (فرمانبر و گنهکار)، چیزی

تفضّل نموده ای که عملش کمتر از آن است.

۱۱/۳۷

سبب رسیدن به توفیق در عمل

زِدْنِی مِنْ هُدَاکَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَی التَّوْفِیقِ فِی عَمَلِی

هدایت خود را برایم بیفزا، که با آن به توفیق در عملم برسم.۱۶/۳۷

کردار درست و کوتاه گرداندن آرزو

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن.۱/۴۰

اعمال شایسته و کُند شمردن بازگشت به خدا

اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِیرَ إِلَیْکَ

از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم.۳/۴۰

خدا، اصلاح کننده کردار تبهکاران

یَا... مُسْتَصْلِحَ عَمَلِ الْمُفْسِدِینَ

ای خواهان اصلاح عمل تبهکاران.۵/۴۰

کردار بنده و ترازوی عدل

لَا تَحْمِلْ عَلَی مِیزَانِ الْإِنْصَافِ عَمَلِی

عملم را در ترازوی انصاف نگذار.۲/۴۱

کردار بندگان، در گردن آنها

وَ صَارَتِ الْأَعْمَالُ قَلَائِدَ فِی الْأَعْنَاقِ

و اعمال، گردن بندهای در گردن ها گردد.

ویژگی های کردارهای پاکیزه ماه رمضان

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاكِيَهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ تَعْصِمُنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُيُوبِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی و از آلوده شدن به عیب های تازه در این (ماه) ما را نگهداری کنی.۱۱و۱۰/۴۴

فراوان گشتن اعمال، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ... نُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ

درود بر تو ماهی که اعمال در آن گسترده گشت. ۲۵/۴۵

عمل شایسته و به دست آوردن حقّ خدا

أَجْرِ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِی الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.۴۶/۴۵

ص : ۹۸۲

جزا دادن خدا به عمل اندک

يَا مَنْ... يَشْكُرُ يَسِيرَ مَا يُعْمَلُ لَهُ

ای کسی که اندک عملی را که برای او انجام می شود، سپاس می دارد.۶/۴۶

کردار شایسته پیش فرستاده شده

إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ

همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو را، پیش فرستاده ام.۷۲/۴۷

فَإِنِّی لَمْ آتِكَ ثِقَةً مِنِّی بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم، به درگاه تو نیامده ام.۶/۴۸

یاری کردن بنده، به کردار نیکو

وَ أَعِنِّی عَلَی... مُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ

و بر (داشتن) کردار نیکو یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

تقسیم نمودن عمل به طاعت، در بین اهل ایمان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُوءْمِنِينَ مِنْ... عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِيبِی مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه

میان بندگان با ایمانت، عمل به طاعتت را قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

کردار بنده و آمرزش الهی

إِنِّی بِمَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ أَوْثَقُ مِنِّی بِعَمَلِی

همانا اطمینانم به آمرزش و رحمت تو، از (اطمینانم به) عملم بیشتر است.۴/۴۸

عملکرد عبادی امام سجّاد علیه السلام

...ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَا لَکَ، وَ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَلْفَ مَرَّهٍ هَکَذَا کَانَ یَفْعَلُ عَلَیْهِ السَّلَامُ

...سپس دعا کن آنچه را برایت آشکار شد و بر محمّد و خاندانش هزار بار درود فرست که امام - که درود بر او باد - اینچنین انجام می داد.

۲۸/۴۸

عمل کننده ترین بندگان، به فرمان خدا

وَ أَخْضَعُهُمْ لَکَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِکَ

و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست.۲/۵۲

هلاک گشتن بنده، با کردارش

عَمَلِی أَهْلَکَنِی

عملم مرا به هلاکت افکنده.۷/۵۲

اندک شمردن کردار خود

اللَّهُمَّ إِنِّی أَصْبِحُ وَ أَمْسِی مُسْتَقِلًّا لِعَمَلِی

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم.

۷/۵۲

بنده در گِرُوی کردار خویش

فَأَنَا... الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِی

...از این رو من گروگان عمل خویشم.

۱/۵۳

محبوبیّت عاملی به سبب عملش، نزد خدا

أَسْأَلُکَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ

از تو عملی را درخواست می کنم که به سبب آن هر کسی را که آن را انجام دهد، دوست داری.

۳/۵۴

عملی منجر به رها نکردن دین خدا

اسْتَعْمِلْنِی فِی مَرْضَاتِکَ عَمَلًا لَا أَتْرُکُ مَعَهُ شَیْئًا مِنْ دِینِکَ مَخَافَهَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.۶/۵۴

کرسی

سپاسی برابری کننده با کرسی بلند پایه

الهی

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... یُعَادِلُ کُرْسِیَّکَ الرَّفِیعَ

سپاس برای توست. سپاسی که با کرسی بلندپایه ات برابری نماید.۴۱و۳۶/۴۷

کَرَم بخشش

بخشنده بودن خدا

إِنَّکَ جَوَادٌ کَرِیمٌ

به درستی که تو بسیار بخشنده و بزرگواری.

۲۶/۳

إِنَّکَ وَاسِعٌ کَرِیمٌ

همانا تو دارای رحمت وسیع و بخشش بسیار هستی.۲۴/۱۳

إِنَّکَ... الْوَهَّابُ الْکَرِیمُ

همانا تویی بسیار بخشنده که عطایت تمام نمی شود. ۷/۱۵

فَإِنَّکَ وَاسِعٌ کَرِیمٌ

زیرا تو توانگرِ بخشنده ای.۲۸/۴۸، ۷/۲۲

أَنْتَ الْجَوَادُ الْکَرِیمُ

تویی بسیار بخشنده بزرگوار.۶/۳۰

إِنَّکَ مَنَّانٌ کَرِیمٌ

همانا تو بسیار نعمت دهنده کریم هستی.

۱۶/۳۷

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا... یَشْقَی بِنِعْمَتِکَ

شَقِيُّهُمْ إِلَّا... بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّهِ عَلَيْهِ، كَرَمًا مِنْ عَفْوِكَ يَا كَرِيمُ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر پس از حجّت های پیاپی آوردن بر او. که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم!.

۹/۴۵

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكَرِّمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بسیار با کرم در نهایت کرامت.۴/۴۷

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. کریم بزرگوار.۸/۴۷

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

ای بزرگوار، ای بزرگوار.۸/۴۸

تنگ نگشتن کرم خدا، از درخواست بنده

عَلِمْتُ... أَنَّ كَرَمَكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُوءَالِ أَحَدٍ

دانستم که بخشش تو از درخواست کسی تنگ نمی گردد.۱۹/۱۳

کرم خدا، شفیع در خطاها

شَفِّعْ فِي خَطَايَايَ كَرَمَكَ

کرمت را شفیع خطاهایم گردان.۲۴/۳۱

کریم ترین کس

إِنَّكَ أَكْرَمُ الْمَسْؤُولِينَ

همانا تو بخشنده ترین کسی هستی که از آنها درخواست می شود.۲۰/۳۲

إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ

به درستی که تو کریم تر کسی هستی که از او درخواست شده.۵۶/۴۵

عدم وجودِ (بخشنده ای)، کریم تر از خدا

فَمَنْ أَكْرَمُ يَا إِلَهِی مِنْکَ

پس ای خدای من، کریم تر از تو کیست؟

۱۶/۳۷

اتمام حجّت الهی و کرمی از عفو خدا

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا یَهْلِکَ عَلَیْکَ هَالِکُهُمْ... إِلَّا... بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّهِ عَلَیْهِ، کَرَمًا مِنْ عَفْوِکَ یَا کَرِیمُ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا هلاک شونده ایشان، به خاطر تو هلاک نشود. مگر پس از حجّت های پیاپی آوردن بر او. که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم!.

۹/۴۵

بازگشت آرزوها و پایان کرم خدا

انْصَرَفَتِ الْآمَالُ دُونَ مَدَی کَرَمِکَ بِالْحَاجَاتِ

آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرمت، با حاجت ها برآورده شده است.۱۲/۴۶

ص : ۹۸۵

کامل تر شدن کرم الهی

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُکَ وَهْنًا، وَ لَا إِمْسَاکُکَ غَفْلَهً، وَ لَا انْتِظَارُکَ مُدَارَاهً، بَلْ لِتَکُونَ حُجَّتُکَ أَبْلَغَ، وَ کَرَمُکَ أَکْمَلَ

درنـگ نمودن تو از روی نـاتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سـستی، و خودداری ات نه از روی غفلت، و به تـأخیر انداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر، و کرم تو کامل تر باشد.۲۲/۴۶

خدا، در منتهای کرم

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْکَرِیمُ الْمُتَکَرِّمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بسیار با کرم در نهایت کرامت.۴/۴۷

خداوندِ کریم و بخشنده

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْکَرِیمُ الْأَکْرَمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. کریمِ بسیار بخشنده.۸/۴۷

کرم الهی و فراوانی (نعمت)

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوجِبُ بِکَرَمِکَ الْمَزِیدَ بِوُفُورِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گرداَند.

۳۶/۴۷و۴۸

اعتماد نمودن به کرم خدا

عَلَیْکَ أَتَوَکَّلُ، وَ عَلَی جُودِکَ وَ کَرَمِکَ أَتَّکِلُ

فقط بر تو توکّل می کنم و تنها بر بخشش و کرامت تو دل می بندم.۱۱/۵۲

آنچه کرم خدا موجب آن می گردد:

أ. با احسان رفتار نمودن با بنده

وَ احْمِلْنِی بِکَرَمِکَ عَلَی التَّفَضُّلِ

و به فضل خویش با من به احسان رفتار نما.۲۰/۱۳

ب. خوش رفتاری، با بنده

تَأَنَّیْتَنِی بِکَرَمِکَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِی

با بخششت با من مدارا نمودی و در کیفرم شتاب نکردی.۳۲/۱۶

ج. اصلاح نمودن بنده

أَصْلِحْنِی بِکَرَمِکَ

به کرم خویش، مرا اصلاح فرما.۲۱/۲۰

د. پاداش جاودانه به عمل کوتاه مدّت بنده

...لَکِنَّکَ بِکَرَمِکَ جَازَیْتَهُ عَلَی الْمُدَّهِ الْقَصِیرَهِ الْفَانِیَهِ بِالْمُدَّهِ الطَّوِیلَهِ الْخَالِدَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش درازمدّتِ همیشگی دادی.۱۲/۳۷

ص : ۹۸۶

هـ. فرستادن درود خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

فَأَسْأَلُکَ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ وَ هَوَانِ مَا سَأَلْتُکَ عَلَیْکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از تو می خواهم به بخشش و کرمت و آسانی آنچه درخواست نمودم بر تو، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱/۴۸

کَری

کر ساختن گوش قصد بد دارنده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُصِمَّ عَنْ ذِکْرِی سَمْعَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا گوشش را از (شنیدن) یاد من، کر سازی.

۷/۲۳و۸

کریه ناپسند

کژ دُم عقرب

کسادی

تجارتی کساد ناپذیر

مَنْ کَانُوا مُنْطَوِینَ عَلَی مَحَبَّتِهِ، یَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ فِی مَوَدَّتِهِ

آنها که محبّت او را در دل پرورانده، در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند.

۵/۴

کسب

جزا دادن هر نفسی، به کسب شده هایش

یَوْمَ تُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ وَ هُمْ لَا یُظْلَمُونَ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند.۱۲/۱

لَا تَجْعَلْنِی فِی أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأَمَّهَاتِ یَوْمَ تُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ وَ هُمْ لَا یُظْلَمُونَ

مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار نده، در آن روز که هر نفسی به آنچه کرده، جزا داده شود و هرگز ایشان ستم نشوند.۱۱/۲۴

بدی های کسب شده و سوددهی اعتراف

فَهَلْ یَنْفَعُنِی، یَا إِلَهِی، إِقْرَارِی عِنْدَکَ بِسُوءِ مَا اکْتَسَبْتُ؟

ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟۶/۱۲

کسب روزی، با زحمت بسیار

وَ اکْفِنِی مَؤُونَهَ الِاکْتِسَابِ

ص : ۹۸۷

و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از من بردار.۲۴/۲۰

سبب زیر بار بدی عواقب کسب نرفتن

ارْزُقْنِی مِنْ غَیْرِ احْتِسَابٍ، فَلَا... أَحْتَمِلَ إِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَکْسَبِ

مرا بی حساب روزی ده، تا زیر بار پیامدهای بدِ کسب نروم.۲۴/۲۰

اکتساب بدی های بسیار

کَمْ... سَیِّئَهٍ اکْتَسَبْنَاهَا... کُنْتَ الْمُطَّلِعَ عَلَیْهَا دُونَ النَّاظِرِینَ

چه بسیار بدی ای که آن را کسب کردیم، (و) تو بر آن مطّلع بودی نه (دیگر) بینندگان.۲/۳۴

عدم خرده گیری خدا، بر آنچه بنده کسب نموده

وَ لَا تُنَاقِشْنِی بِمَا اکْتَسَبْتُ

و به آنچه کسب کردم، بر من سخت مگیر.

۲/۴۱

کسوف

خدمت گزاری ماه، به فروزندگی و کسوف

امْتَهَنَکَ بِالزِّیَادَهِ وَ النُّقْصَانِ... وَ الْإِنَارَهِ وَ الْکُسُوفِ

تو را با فزونی و کاستی، و نورفشانی و

گرفتگی، به خدمت گرفت.۲/۴۳

کشت

رویاندن کشت، با باران

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تُنْبِتُ لَنَا بِهِ الزَّرْعَ

خداوندا ما را با بارانی که کشت ها را به وسیله اش برایمان برویانی، سیراب نما.۵/۱۹

کشتن قتل

کفر

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و یاری خواستن علیه کفّار

هَاجَرَ إِلَی بِلَادِ الْغُربَهِ... إِرَادَهً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِینِکَ، وَ اسْتِنْصَارًا عَلَی أَهْلِ الْکُفْرِ بِکَ

به شهرهای غربت هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزّت دهد و بر (ضد) کافرانِ به تو یاری طلبد.۱۶/۲

کافر و منّت نهادن بر بنده

لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا کَافِرٍ عَلَیَّ مِنَّهً

برای بدکار و کافر، بر من منّت قرار نده.

۱۲/۲۱

کافر و نعمتی برای او نزد بنده

لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا کَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً، وَ لَا لَهُ عِنْدِي يَدًا

برای بدکار و کافر، بر من منّت و برای او نزد من نعمت، قرار نده.۱۲/۲۱

حاجت بنده را به کافر وانگذاشتن

لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا کَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً... وَ لَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةً

برای بدکار و کافر، بر من منّت و مرا به سوی آنها حاجت، قرار نده.۱۲/۲۱

شیطان و سخن کفر

...إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِيَتَکَ... تَلَقَّانِي بِکَلِمَهِ کُفْرِهِ

...همین که به نافرمانی ات پرداختم، با گفتار کفرش با من روبرو شد.۱۳/۳۲

درّه های کفر

اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْکُفْرِ وَ دَوَاعِي النِّفَاقِ

با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار.۱۲/۴۲

مقدّر نمودن مرگ، برای موحّد و کافر

سُبْحَانَکَ قَضَيْتَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِکَ الْمَوْتَ مَنْ وَحَّدَکَ وَ مَنْ کَفَرَ بِکَ

پاک و منزّهی! مرگ را برای همه آفریدگانت - آنکه تو را یگانه دانست و آنکه به تو کفر ورزید - رقم زده ای.۵/۵۲

کفر ورزیدن به هر معبودی، جز خدا

کَفَرْتُ بِکُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِکَ

به هر معبودی جز تو کفر ورزیدم.۶/۵۲

کفو همانند

کلام سخن

کلمه

بلند گردیدن کلمه حقّ

هَجَمَ عَلَیْهِمْ فِی بُحْبُوحَهِ قَرَارِهِمْ حَتَّی... عَلَتْ کَلِمَتُکَ

در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد. تا اینکه سخن تو، بلند گردید.۲۲و۲۱/۲

آشکار ساختن کلمه حق

فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِی إِظْهَارِ کَلِمَتِهِ

در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند.۴/۴

نبودن تغییردهنده ای، برای کلمات خدا

سُبْحَانَکَ... لَا مُبَدِّلَ لِکَلِمَاتِکَ

پاک و منزّهی! برای کلماتت تغییردهنده ای نیست.۳۰/۴۷

فانی نشدن کلمات الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاهً... لَا یَنْفَدُ کَمَا لَا تَنْفَدُ

كَلِمَاتُكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که فانی نشود، همچنانکه کلمات تو فانی نمی شود.۵۳/۴۷

کلید

محمّد صلی الله علیه و آله ، کلید برکت

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... مِفْتَاحِ الْبَرَكَهِ

خداوندا بر محمّد - کلید برکت - درود فرست.۳/۲

مرگ، کلیدی از کلیدهای رحمت الهی

اجْعَلْهُ... مِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ

آن را کلیدی از کلیدهای رحمتت قرار ده.

۴/۴۰

هلال ماه، کلید ماهی نو برای کاری نو

جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِأَمْرٍ حَادِثٍ

تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داد.

۳/۴۳

کم اندک

کمان

کمان مرگ و تیرهای ترس از فراق

وَ تَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُيُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَايَا بِأَسْهُمِ وَحْشَهِ الْفِرَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها)، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان مرگ ها نشانه گیرد.

۱۳/۴۲

کمک یاری

کمین

تنهایی بنده، در برابر دشمنِ کمین گیر

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی... وَحْدَتِی فِی کَثِیرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِی، وَ أَرْصَدَ لِی بِالْبَلَاءِ فِیما لَمْ أُعْمِلْ فِیهِ فِکْرِی

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیانِ) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده و برای گرفتار ساختنم در آنچه درباره آن نیندیشیده ام، در کمین نشسته، مشاهده کردی.

۵/۴۹

در کمین نشستن ستمگر، همانند درندگان

کَمْ مِنْ بَاغٍ... أَضْبَأَ إِلَیَّ إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِیدَتِهِ انْتِظَارًا لِانْتِهَازِ الْفُرْصَهِ لِفَرِیسَتِهِ

چه بسیار ستمگری که همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در

کمین من نشست.۷/۴۹

کَندن

کنده شدن استخوان های پشت

یَا إِلَهِی لَوْ... رَکَعْتُ لَکَ حَتَّی یَنْخَلِعَ صُلْبِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خـدای من اگر آنقـدر برای تو رکوع کنم تا اسـتخوان پشـتم کَنـده شود، باز هم با آن همه، سـزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

کندن بندهای قلوب دشمنان

وَ اخْلَعْ وَثَائِقَ أَفْئِدَتِهِمْ

و رگ های دلشان را بکن.۵/۲۷

آشامیدنی دوزخ و کنده شدن دلِ ساکنان آن

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِی یُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْئِدَهَ سُکَّانِهَا، وَ یَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ

و از آشامیدنی اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می کند و دل هایشان را برمی کَنَد، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

زمان کندن گرفتاری ها، از بندگان

وَ امْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امِّحَاقِ هِلَالِهِ، وَ اسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا

مَعَ انْسِلَاخِ أَیَّامِهِ

و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن و با گذشتن روزهایش، سختی هایمان را از ما بکن.

۱۵/۴۴

اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِانْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَایَانَا

خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها درآور.۴۹/۴۵

کندن دوستی دنیا، از دل بنده

انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیا دَنِیَّهٍ، تَنْهَی عَمَّا عِنْدَکَ

دوستی دنیای پست را که از آنچه نزد توست، بازمی دارد از دلم بَر کن.۱۰۹/۴۷

بر کندن کینه اهل ایمان، از سینه بنده

انْزَعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِی لِلْمُوءْمِنِینَ

کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه ام بر کن.

۱۲۷/۴۷

کُندی

فرمان دادن به بنده و کُندی او در به جا آوردن آن

...یَحْجُبُنِی... أَمْرٌ أَمَرْتَ بِهِ. فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ...

...بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، امری که به آن فرمان دادی و من در انجام آن کندی کردم.۲/۱۲

ص : ۹۹۱

علّت کُندی زبان راز و نیاز بنده، با خدا

كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءٌ مِنْكَ لِسُوءِ عَمَلِى، وَ لِذَاكَ... كَلَّ لِسَانِى عَنْ مُنَاجَاتِكَ

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم. و از همین جهت است که زبانم از مناجات با تو بند آمده.۲۰/۱۶

ذکر خدا تا کُند شدن زبان

يَا إِلَهِى لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنَىَّ... وَ ذَكَرْتُكَ فِى خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَّ لِسَانِى... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِى

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، و در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

به کُندی روا شدن درخواست بنده

وَ لَا تَجْعَلْنِى... آيِسًا مِنْ إِجَابَتِكَ لِى وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّى

و مرا ناامید از اجابتت – گرچه دیر شود – قرار نده.۸/۲۱

عدم کُندی والدین، در نیکی به فرزند

فَإِنِّى... لَا أَسْتَبْطِئُهُمَا فِى بِرِّى

زیرا آنان را در نیکی به خودم، سهل انگار نمی شمارم. ۹/۲۴

عدم کُندی احسان خدا، درباره بنده

لَا يُبْطِئُ بِى حُسْنُ صَنِيعِكَ

خوبی احسانت درباره ام عقب نمی افتد.

۲۶/۳۲

کُندی خداوند، در عقاب بندگان

فَجَمِيعُ مَا أَخَّرْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ أَبْطَأْتَ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقِمَهِ وَ الْعِقَابِ تَرْكٌ مِنْ حَقِّكَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای و هر کیفر و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای، ترک کردن حقّ خودت

بوده است.۱۵/۳۷

کُندی در بازگشت به سوی خدا

اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ

از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم.۳/۴۰

خواندن بنده و کُندی او (در فرمانبری)

أَدْعُوكَ فَتُجِيبُنِي وَ إِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ تَدْعُونِي

تو را می خوانم، پس مرا اجابت می کنی و اگر چه هنگامی که مرا می خوانی، کُند هستم.

۱۱/۵۱

کنکاش جستجو

کُنْه ذات

کنیز

خوراک جنین، از زیادی خوراک کنیز خدا (مادر)

جَعَلْتَ لِی قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرَیْتَهُ لِأَمَتِکَ الَّتِی أَسْکَنْتَنِی جَوْفَهَا

از زیادی خوردنی و آشامیـدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی.۲۴/۳۲

جای دادن جنین، در ته رحِم کنیز خدا (مادر)

جَعَلْتَ لِی قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرَیْتَهُ لِأَمَتِکَ الَّتِی أَسْکَنْتَنِی جَوْفَهَا، وَ أَوْدَعْتَنِی قَرَارَ رَحِمِهَا

از زیادی خوردنی و آشامیـدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی و مرا در قرارگاه رحم او سپردی.۲۴/۳۲

طبقاتِ غلامان و کنیزان

وَ عَافِنِی مِمَّا ابْتَلَیْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَبِیدِکَ وَ إِمَائِکَ

و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن مبتلا نموده ای، عافیت بخش.

۱۰۵/۴۷

کوبیدن

کوبیدن سرِ قصدبددارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تَقْمَعَ رَأْسَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا سرش را بکوبی.۸و۷/۲۳

وسیله کوبیدن شهرهای مشرکان

وَ افْرَعْهَا بِالْمُـحُولِ

و آن (شهرها) را با قحطی و خشکسالی بکوب.۱۲/۲۷

کوتاهی

فرشتگان و عدم کوتاهی در فرمان الهی

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ... لَا یُوءْثِرُونَ التَّقْصِیرَ عَلَی الْجِدِّ فِی أَمْرِکَ

خداوندا و حاملان عرشت که در فرمان تو کوتاهی را بر کوشش اختیار نمی کنند...۱/۳

کوتاهی در سپاس گزاری از نعمت

...یَحْجُبُنِی... نِعْمَهٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَیَّ. فَقَصَّرْتُ فِی شُکْرِهَا...

بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، نعمتی

ص : ۹۹۳

که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی کردم.۲/۱۲

کوتاهی نمودن و آمرزش خواستن

أَسْتَغْفِرُکَ لِمَا قَصَّرْتُ فِیهِ

برای آنچه کوتاهی کردم، از تو آمرزش می خواهم.۱۴/۱۲

حاجت بنده و کوتاهی طاقتش

اللَّهُمَّ وَ لِی إِلَیْکَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جُهْدِی

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم.۱۵/۱۳

کوتاهی در سپاس گزاری خدا

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما.۱۱/۲۲

بخشیدن کوتاهی والدین، در مورد فرزند

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّیَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ قَوْلٍ... أَوْ قَصَّرَا بِی عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند یا نسبت به من از واجبی کوتاهی کرده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم.۹/۲۴

کوتاهی ننمودن عفو خدا، از بنده

فَلَا یَضِیقَنَّ عَنِّی فَضْلُکَ، وَ لَا یَقْصُرَنَّ دُونِی عَفْوُکَ

پس مبادا فضل تو از من تنگی نماید و بخشایشت از من کوتاهی کند.۱۵/۳۲

کوتاه بودن عمل گنهکار و فرمانبر

تَفَضَّلْتَ عَلَی کُلٍّ مِنْهُمَا بِمَا یَقْصُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ

به هر یک از آنان (فرمانبر و گنهکار)، چیزی تفضّل نموده ای که عملش کوتاه تر (کمتر) از آن است.۱۱/۳۷

پاداش درازمدّت به عمل کوتاه مدّت

...لَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَانِيَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش درازمدّتِ همیشگی دادی.۱۲/۳۷

عامل کوتاه گرداندن آرزو، از بندگان

وَ اكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن.۱/۴۰

کوتاهی در بزرگداشت خدا

جَنِّبْنَا... التَّقْصِيرَ فِي تَمْجِيدِكَ

ما را از کوتاهی در بزرگ داشتنت دور گردان.

۱۳/۴۴

شب های ماه رمضان، و کوتاهی در نماز و تضرّع به درگاه خدا

وَ أَعِنَّا فِی نَهَارِهِ عَلَی صِیَامِهِ، وَ فِی لَیْلِهِ عَلَی الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَیْکَ... حَتَّی لَا یَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَیْنَا بِغَفْلَهٍ، وَ لَا لَیْلُهُ بِتَفْرِیطٍ

و ما را در روزش به روزه داری آن و در شبش بر نماز و زاری به درگاهت، یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت و شبش به کوتاهی نمودن گواهی ندهد.

۱۷/۴۴

کوتاهی بنده و عهده داری روزه

وَ قَدْ تَوَلَّیْنَا بِتَوْفِیقِکَ صِیَامَهُ وَ قِیَامَهُ عَلَی تَقْصِیرٍ

و ما را – با (همه) کوتاهیْ (کردن هایمان) – توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم.۴۴/۴۵

کوتاهی نمودن (در عبادت)، در رمضان

فَأْجُرْنَا عَلَی مَا أَصَابَنَا فِیهِ مِنَ التَّفْرِیطِ

پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما رسیده، پاداش ده.۴۵/۴۵

تقصیر از (ادای) حقِّ الهی

أَوْجِبْ لَنَا عُذْرَکَ عَلَی مَا قَصَّرْنَا فِیهِ مِنْ حَقِّکَ

و (قبول) عذر ما را که در آن (ماه) بر حقّت کوتاهی کرده ایم، بر ما لازم گردان.۴۶/۴۵

کوتاهیِ هر ستاینده، از سپاس گزاری خدا

لَکَ الْحَمْدُ... شُکْرًا یَقْصُرُ عَنْهُ شُکْرُ کُلِّ شَاکِرٍ

سپاس برای توست. ستایشی که ستایش هر ستاینده ای از آن بازمانَد.۳۶/۴۷

کوتاهی در حقّ الهی

وَ لَا تُوءَاخِذْنِی بِتَفْرِیطِی فِی جَنْبِکَ

و مرا به کوتاهی نمودنم در حقّت، کیفر نکن.

۸۹/۴۷

فراوانی نعمت و کوتاهی بنده

هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ، وَ قَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و آنها را با کوتاهی مقابله نموده است.۱۵/۴۹

عذاب خدا و کوتاهی بنده

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا الظَّالِمُ الْمُفَرِّطُ... الْمُقَصِّرُ...

اگر کیفر کنی، این من هستم که سهل انگار و مقصّرم.۱۴/۵۱

سبب کوتاهی بنده:

أ. تجاوز از حدّ، نسبت به فرمان الهی

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِيطًا

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده.۶/۳۱

ص : ۹۹۵

ب. آراستگی نادرستی و خطا

سَوَّلَ لِیَ الْخَطَاءَ خَاطِرُ السُّوءِ فَفَرَّطْتُ

اندیشه بدْ خطا را برای من آراست، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم.۱۶/۳۲

کوچ

کوچ بنده، به سوی رحمت خدا

اجْعَلْ... إِلَی رَحْمَتِکَ رِحْلَتِی

کوچ مرا به سوی رحمتت قرار ده.۱۱/۲۱

کوچ مجاهد، در راه خدا و برای خدا

وَ اجْعَلْ... ظَعْنَهُ وَ إِقَامَتَهُ، فِیکَ وَ لَکَ

و مسافرت و اقامتش را، در راه خود و برای خود قرار ده.۱۴/۲۷

کوچ کردن بندگان، به سوی آخرت

دَنَا مِنَّا إِلَی الْآخِرَهِ رَحِیلٌ وَ انْطِلَاقٌ

کوچ کردن و رفتن ما به جهان دیگر نزدیک شود.۱۳/۴۲

کوچک

نرهیدن هیچ خُردی، از خدا

وَ لَا یَفُوتُهَا شَیْءٌ وَ إِنْ لَطُفَ

و چیزی - اگر چه خرد باشد - از او (خداوند)

رهایی نمی یابد.۱/۲

کوچکی منزلت ها، در برابر منزلت خدا

یَا مَنْ تَصْغُرُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْأَخْطَارُ

و ای کسی که در نزد قدر و منزلت او، قدر و منزلت ها کوچک می شود.۵/۵

بدی جدایی بنده از روز، با به جا آوردن گناه کوچک یا بزرگ

اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَهٍ، أَوِ اقْتِرَافِ صَغِيرَهٍ أَوْ كَبِيرَهٍ

از بدیِ جدایی از آن (روز)، بر اثر انجام گناهی یا مرتکب شدن گناه صغیره یا کبیره، حفظمان کن.۱۳/۶

کوچک شمردن معصیت و نافرمانی

اللَّهُمَّ إِنيِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... اسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از کوچک شمردن نافرمانی.۲و۱/۸

کوچک شمردن گناه خرد

نَعُوذُ بِکَ مِنْ... احْتِقَارِ الصَّغِيرَهِ

پناه می بریم به تو از ناچیز شمردن گناه کوچک.۶/۸

کوچکی خواهش بنده ، در برابر وسعت رحمت خداوند

ص : ۹۹۶

عَلِمْتُ... أَنَّ خَطِيرَ مَا أَسْتَوْهِبُکَ حَقِيرٌ فِی وُسْعِکَ

دانستم که هر چه از تو خواهش های بزرگ نمایم در برابر وسعتِ رحمت تو کوچک است.

۱۹/۱۳

کوچک و حقیر بودن بنده

فَإِنِّی عَبْدُکَ الْمِسْکِينُ الْمُسْتَکِينُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْحَقِيرُ

پس به درستی که من بنده بینوا، زار، ضعیف، بدحال و خوار و ناچیز توام.۷/۲۱

پناه بردن به خدا از شرّ هر کوچک و بزرگ

أَعِذْنِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ صَغِيرٍ وَ کَبِيرٍ

مرا از شرّ هر کوچک و بزرگی پناه ده.

۶/۲۳

پرورش دادن فرزندان کوچک والدین، برای ایشان

إِلَهِی... رَبِّ لِی صَغِيرَهُمْ

خداوندا خردسالشان را برای من پرورش ده.

۲/۲۵

کوچک ساختن مقام دشمن در دل مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّکَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِی عَيْنِهِ، وَ صَغِّرْ شَأْنَهُمْ فِی قَلْبِهِ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو

شد، آنها را در چشمش اندک نما و مقامشان را در دلش کوچک گردان.۱۵/۲۷

توبه از گناهان بزرگ و کوچک

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَيْکَ فِی مَقَامِی هَذَا مِنْ کَبائِرِ ذُنُوبِی وَ صَغَائِرِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان بزرگ و کوچکم به درگاهت توبه می کنم.۱۴/۳۱

گناهان خرد هلاک کننده

فَأَوْقَعَنِی وَ قَدْ هَرَبْتُ إِلَیْکَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُوبِقَهٍ

پس (دشمن تو) در حالی که از گناهان کوچکِ هلاکت بار به سویت می گریختم، مرا بر زمین زد.

۱۳/۳۲

کوچک ترین احسان و نعمت خدا

...لَوْ فَعَلْتَ ذَلِکَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِیعِ مَا کَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَهِ مَا سَعَی فِیهِ جَزَاءً لِلصُّغْرَی مِنْ أَیَادِیکَ وَ مِنَنِکَ

...اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، در برابر کوچک ترین احسان های تو و نعمت هایت از دست رفته بود.۱۳/۳۷

خرد بودن هر بزرگی، در برابر خدا

کُلُّ جَلِیلٍ عِنْدَکَ صَغِیرٌ

هر بزرگی نزد تو کوچک است.۱۳/۴۶

ص : ۹۹۷

کوچک و خوار گشتن منزلت بنده

وَ لَا تَسُمْنِی خَسِیسَهً یَصْغُرُ لَهَا قَدْرِی

و پستی ای را که با آن، مرتبه ام خُرد گردد، دچارم مساز.۱۲۱/۴۷

توبه نصوح و باقی نماندن گناهان کوچک و بزرگ

تُبْ عَلَیَّ تَوْبَهً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِیرَهً وَ لَا کَبِیرَهً

توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاری.۱۲۶/۴۷

پروردن بنده، در کوچکی

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... رَبَّیْتَنِی صَغِیرًا

خداوندا، تو مرا در کوچکی پرورش دادی.

۱/۵۰

کودکی

والدین و محافظت از فرزند در کودکی

وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّی فِی صِغَرِی

و آنچه در کودکی ام از من نگهداری کردند، برای ایشان نگهدار.۷/۲۴

کوری

کور گرداندن دیده دل ها

أَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَکَ

چشم دل ما را از آنچه برخلاف دوستی توست کور گردان.۶/۹

از روی نابینایی نبودنِ پذیرش دعوت شیطان

وَ مَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَی السُّوءِ مِنِّی حِینَ أَقِفُ بَیْنَ دَعْوَتِکَ وَ دَعْوَهِ الشَّیْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلَی غَیْرِ عَمًی مِنِّی فِی مَعْرِفَهٍ بِهِ...؟

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور نیستم؟۲۳/۱۶

کوری از راه خدا

وَ لَا تَبْتَلِیَنِّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبَادَتِکَ، وَ لَا الْعَمَی عَنْ سَبِیلِکَ

و مرا به سستی در عبادتت و به کوری از راهت، گرفتار نساز.۱۱/۲۰

جَنِّبْنَا... الْعَمَی عَنْ سَبِیلِکَ

ما را از کوری از راهت دور گردان.۱۳/۴۴

کور ساختن چشم قصد بد دارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی تُعْمِیَ عَنِّی بَصَرَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا چشمش را از (دیدن) من کور سازی.۸و۷/۲۳

نتیجه باز شدن ابرهای کوری

...حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى، وَ تَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَائِبُ الْعَمَى... فَرَأَى كَبِيرَ عِصْيَانِهِ كَبِيرًا وَ جَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا

...امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد و ابرهای کوری از مقابلش کنار رفت، پس گناه بزرگش را بزرگ و ناسازگاری سترگش را سترگ دانست.۷/۳۱

خدا، کورگرداننده چشم مصائب

كَمْ مِنْ... أَعْيُنِ أَحْدَاثٍ طَمَسْتَهَا

چه بسیار چشم های مصیبت آفرینی که کور گرداندی.۱۱/۴۹

کوشش اهتمام

فرشتگانِ نگهدار عرش، و کوشش در امر الهی

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَةُ عَرْشِكَ الَّذِينَ... لَا يُوءْثِرُونَ التَّقْصِيرَ عَلَى الْجِدِّ فِي أَمْرِكَ

خداوندا و حاملان عرشت که در فرمان تو کوتاهی را بر کوشش اختیار نمی کنند...۱/۳

کوشش فرشتگان و عدم خستگی

وَ الَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَةٌ مِنْ دُؤُوبٍ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ...

و همانها که از کوشش دائمی دلتنگ نمی شوند، پس بر ایشان درود فرست.۱۰و۷/۳

کوشش در دعا و خواندن خدا

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي، رَاحِمٌ مَنْ دَعَاكَ فَأُبْلِغَ فِي الدُّعَاءِ؟

ای خدای من آیا تو بر کسی که تو را بخواند رحم کننده ای تا من هر چه بیشتر در دعا بکوشم؟

۱۵/۱۶

کوشش در دوستی خدا، و خوار ساختن شیطان

اللَّهُمَّ... اکْبِتْهُ بِدُؤُوبِنَا فِی مَحَبَّتِکَ

خداوندا با کوشش مستمر ما – در دوستی ات – او را خوار نما.۳/۱۷

کوشش در کاری بازدارنده (از عبادت خدا)

وَ اکْفِنِی مَا یَشْغَلُنِی الِاهْتِـمَامُ بِهِ

و مرا از آنچه اهتمام به آن مشغولم می سازد کفایت کن.۳/۲۰

کوشش والدین در کار فرزندان

عَافِهِمْ... فِی کُلِّ مَا عُنِیتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ

ص : ۹۹۹

آنان را در کارهایشان - که به آن می کوشم - تندرستی ده.۲/۲۵

قطع اهتمام بنده، به روزیِ ضمانت شده

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ، وَ أَتْبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِکَ فِی کِتَابِکَ قَاطِعًا لِاهْتِـمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده.۳/۲۹

تلاش جهت توبه محوکننده(ی بدی)

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ، وَ أَخْفَیْتَ مِنَ الدَّخِیلَهِ وَاعِظًا لَنَا... وَ سَعْیًا إِلَی التَّوْبَهِ الْمَاحِیَهِ، وَ الطَّرِیقِ الْمَـحْمُودَهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی و بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده و (حرکت در) راه ستوده، قرار ده.

۳/۳۴

نزدیک شدن زمانِ تلاش برای توبه

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... وَاعِظًا لَنَا... وَ سَعْیًا إِلَی التَّوْبَهِ الْمَاحِیَهِ... وَ قَرِّبِ الْوَقْتَ فِیهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده قرار ده و

زمان آن را نزدیک گردان.۴و۳/۳۴

کوشش بنده، و نرسیدن به طاعت الهی

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا یَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِکَ وَ إِنِ اجْتَهَدَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد.۲و۱/۳۷

سبب از دست رفتن کوشش بنده

لَمْ تَسُمْهُ الْقِصَاصَ فِیمَا أَکَلَ مِنْ رِزْقِکَ الَّذِی یَقْوَی بِهِ عَلَی طَاعَتِکَ... لَوْ فَعَلْتَ ذَلِکَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِیعِ مَا کَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَهِ مَا سَعَی فِیهِ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی. اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای

آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، از دست رفته بود.۱۳/۳۷

ماه، آفریده ای کوشا

أَیُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِیعُ، الدَّائِبُ السَّرِیعُ

ای آفریده فرمانبردار، و کوشای شتابنده.

۱/۴۳

کوشش در بسیاری سپاس گزاری از خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُعَانُ مَنِ اجْتَهَدَ فِی تَعْدِیدِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد.۴۵و۳۶/۴۷

کوشش جهت خوشنودی ولیّ خدا

اجْعَلْنا... فِی رِضَاهُ سَاعِینَ

ما را کوشا در خوشنودی او قرار ده.

۶۳/۴۷

کوشش دوستان ائمه علیهم السلام ، در اطاعت از ایشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی أَوْلِیَائِهِمُ... الْمُـجْتَهِدِینَ فِی طَاعَتِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که کوشش کنندگان در طاعت ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

کوشیدن در جهت خوشنودی خدا

تَوَحَّدْنِی بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ... أَتْعَبَ نَفْسَهُ فِی ذَاتِکَ، وَ أَجْهَدَهَا فِی مَرْضَاتِکَ

تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که برای تو خود را به سختی انداخته و در خوشنودی ات کوشیده.

۸۸/۴۷

کوشش جهت نزدیکی به خدا

أَذِقْنِی طَعْمَ... الِاجْتِهَادِ فِیما یُزْلِفُ لَدَیْکَ وَ عِنْدَکَ

طعم کوشش را در آنچه (موجب) نزدیکی به پیشگاه تو و درگاه توست، به من بچشان.

۱۲۵/۴۷

احسان خدا و کوشش بنده، در نافرمانی او

کُلُّ ذَلِکَ إِنْعَامًا وَ تَطَوُّلًا مِنْکَ، وَ فِی جَمِیعِهِ انْهِمَاکًا مِنِّی عَلَی مَعَاصِیکَ

همه آنها نعمت و احسان از جانب توست، و در همه آنها، من سرگرم نافرمانی تو بودم.

۱۳/۴۹

کوه

گماشته شدن فرشتگان، بر کوه ها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ الْمُوَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ

...پس درود فرست بر ایشـان و بر روحانیّ‍ان از فرشـتگانت و بر گروه هـای فرشـتگان و گمـارده شـدگان بـه کـوه هـا تا فرونپاشد.۱۵و۱۱و۱۰/۳

کوه ها و ناتوانی فهم شگفتی های قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلَمِ اللَّيَالِي مُونِسًا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِي ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمَالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با محکمیشان از تحمّل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی.۱۰/۴۲

کهن دیرینه

ص : ۱۰۰۱

کید فریب

کیش دین

کیفر

جزا دادن به بدکرداران و نیکوکاران

لِیَجْزِیَ الَّذِینَ أَسَاوءُوا بِمَا عَمِلُوا وَ یَجْزِیَ الَّذِینَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَی

تا کسانی را که بد کرده اند، به سبب آنچه که به جا آورده اند، سزا دهد و آنان را که به سبب نیکویی، نیکویی نمودند را، جزا دهد.۶/۱

بِکُلِّ ذَلِکَ... یَبْلُو أَخْیَارَهُمْ، وَ یَنْظُرُ کَیْفَ هُمْ فِی أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ... لِیَجْزِیَ الَّذِینَ أَسَاوءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَ یَجْزِیَ الَّذِینَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَی

بدین گونه اخبار آنها را می آزماید، و می نگرد آنها در اوقات طاعتش چگونه اند. تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکوکاران را پاداش نیکو عنایت کند.۷/۶

جزا داده شدن در قیامت

یَوْمَ تُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ وَ هُمْ لَا یُظْلَمُونَ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند.۱۲/۱

لَا تَجْعَلْنِی فِی أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ یَوْمَ تُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ وَ هُمْ لَا یُظْلَمُونَ

مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار

نده، در آن روز که هر نفسی به آنچه کرده، جزا داده شود و هرگز ایشان ستم نشوند.۱۱/۲۴

سپاسی پناه دهنده از کیفر الهی

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکُونُ... خَفِیرًا مِنْ نَقِمَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که پناه دهنده ای از عذابش باشد.۲۹و۲۷/۱

آزاد نمودن گردن ها، از کیفر الهی

أَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنْ نَقِمَتِکَ

گردن های ما را از عذابت آزاد کن.۲/۵

پناه بردن به خدا، از رسیدن کیفر الهی

نَعُوذُ بِکَ مِنَ... حُلُولِ الْعِقَابِ

پناه می بریم به تو از فرود آمدن کیفر.۹/۸

سبب به جا نماندن کار بدِ مستوجب کیفر

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ حَتَّی... لَا تَبْقَی لَنَا سَیِّئَهٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَکَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار بـدی که به وسـیله آن مسـتوجب عذاب تو شویم برای ما نماند.۷/۹

نتیجه نترسیدن از کیفر الهی

قَدْ عَلِمْتَ، یَا إِلَهِی، مَا نَالَنِی مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ... وَ اغْتِرَارًا بِنَکِیرِکَ عَلَیْهِ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند

فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای و این از بی باکی او از کیفر تو می باشد.

۵/۱۴

نیازمودن ستمگر، به آسودگی از کیفر

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنْهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْكَارِكَ، فَيُصِرَّ عَلَى ظُلْمِی

خداوندا او (ستمگر) را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کند.

۱۲/۱۴

نمونه ای از کیفر دشمن

صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا... أَعْدَدْتَ لِخَصْمِی مِنْ جَزَائِكَ وَ عِقَابِكَ

نمونه مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار.۱۵/۱۴

برتری عفو خدا، نسبت به کیفرش

أَنْتَ الَّذِی عَفْوُهُ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ

تویی آنکه بخشایش او از کیفرش برتر است.

۷/۱۶

عدم افراط خداوند، در کیفر گنهکاران

أَنْتَ الَّذِی لَا يُفْرِطُ فِی عِقَابِ مَنْ عَصَاهُ

تویی آنکه در کیفر گناهکاران زیاده روی نمی کند.۱۲/۱۶

خوشایندی گذشت از بنده نسبت به کیفر نمودنش، نزد خدا

...وَ لِأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّی أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ عُقُوبَتِی

...و از آن روست که بخشایش من نزد تو محبوب تر از کیفر من است.۲۶/۱۶

جزای بنده در نخستین معصیت

وَ إِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِی حِینَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَکَ... فَإِنَّ ذَلِکَ غَیْرُ وَاجِبٍ لِی بِاسْتِحْقَاقٍ... إِذْ كَانَ جَزَائِی مِنْکَ فِی أَوَّلِ مَا عَصَیْتُکَ النَّارَ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست. زیرا کیفر من در نخستین گناهی که کردم، آتش بود.۳۱/۱۶

ترساندن بندگان، از کیفر

فَإِنَّکَ... رَهَّبْتَنَا عِقَابَهُ

همانا تو از کیفر نافرمانی خودْ بیمان داده ای.

۶/۲۵

شیطان، و ایمن ساختن بندگان ، از کیفر الهی

یُوءْمِنُنَا عِقَابَکَ، وَ یُخَوِّفُنَا بِغَیْرِکَ

ما را از کیفر تو ایمنی می دهد و از غیر تو می ترساند.۶/۲۵

ص : ۱۰۰۳

کیفر شدن بنده و عدم انکار عدل الهی

لَا یُنْکِرُ یَا إِلَهِی عَدْلَکَ إِنْ عَاقَبْتَهُ

ای خدای من، اگر او را عقوبت دهی، عدل تو را انکار نمی کند.۱۰/۳۱

توبه و سالم ماندن از کیفر الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهً تَسْلَمُ بِهَا کُلُّ جَارِحَهٍ عَلَی حِیَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِکَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم مانَد.۲۲/۳۱

جزا ندادن بنده، به کیفر الهی

لَا تَجْزِنِی جَزَائِی مِنْ عُقُوبَتِکَ

مرا به جزایم که عقوبت توست، مجازات نکن.

۲۴/۳۱

مهلت دادن به شیطان، تا روز جزا

وَ اسْتَمْهَلَکَ إِلَی یَوْمِ الدِّینِ لِإِضْلَالِی فَأَمْهَلْتَهُ

و برای گمراه کردنم از تو – تا روز جزا – مهلت طلبید، پس مهلتش دادی.۱۲/۳۲

آتش دوزخ و کیفری دردناک

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَی سُکَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَیْهَا مِنْ أَلِیمِ النَّکَالِ وَ شَدِیدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که

با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.۳۰و۲۹/۳۲

رعد و برق، و رساندن عذاب زیانبار

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَیْنِ... یَبْتَدِرَانِ طَاعَتَکَ بِرَحْمَهٍ نَافِعَهٍ أَوْ نَقِمَهٍ ضَارَّهٍ

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعتت می شتابند.

1/۳۶

برانگیختن ابرها، برای کیفر

اللّٰهُمَّ وَ إِنْ کُنْتَ بَعَثْتَهَا نِقْمَهً... فَإِنَّا نَسْتَجِيرُکَ مِنْ غَضَبِکَ

خداوندا و اگر آن (ابرها) را برای کیفر برانگیخته ای، پس ما از خشمت، از تو امان می خواهیم.۳/۳۶

کیفر نمودن بنده و ستمکار نبودن خدا

فَکُلُّ الْبَرِيَّهِ مُعْتَرِفَهٌ بِأَنَّکَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ

پس همه آفریدگان اعتراف می کنند که تو هر که را عقوبت نمودی، ستمگر نیستی.۸/۳۷

سزاوار همه کیفرهای الهی شدن

وَ لَقَدْ کَانَ يَسْتَحِقُّ فِی أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْيَانِکَ کُلَّ مَا أَعْدَدْتَ لِجَمِيعِ خَلْقِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ

و حال آنکه او در آغاز که همّت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه

آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.

۱۴/۳۷

تأخیر در کیفر بنده، و چشم پوشی خدا از حقّش

فَجَمِیعُ مَا... أَبْطَأْتَ بِهِ عَلَیْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقِمَهِ وَ الْعِقَابِ تَرْکٌ مِنْ حَقِّکَ

پس هر کیفر و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای، ترک کردن حقِّ خودت بوده است.

۱۵/۳۷

به حقّ جزا دادن بنده و هلاکت او

فَإِنَّکَ إِنْ تُکَافِنِی بِالْحَقِّ تُهْلِکْنِی

زیرا اگر تو مرا به حقّ مکافات دهی، هلاکم.

۵/۳۹

بنده و عدم انکار شایستگی کیفر

إِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی تَفْعَلْهُ بِمَنْ لَا یَجْحَدُ اسْتِحْقَاقَ عُقُوبَتِکَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که شایستگی عقوبت تو را انکار نمی کند.۱۱/۳۹

منزّه ندانستن خود، از سزاواری عقاب

إِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی تَفْعَلْهُ بِمَنْ... لَا یُبَرِّئُ نَفْسَهُ مِنِ اسْتِیجَابِ نَقِمَتِکَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که نفس خود را از سزاواری انتقامت، مبرّا نمی داند.۱۱/۳۹

اقدام به کارهای بازدارنده کیفر الهی

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا نَتَعَاطَی إِلَّا الَّذِی یَقِی مِنْ عِقَابِکَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا جز آنچه از کیفر تو نگاه دارد، انجام ندهیم.۷و۶/۴۴

عدل بودن کیفر الهی

عُقُوبَتُکَ عَدْلٌ

و کیفرت از روی عدل است.۴/۴۵

کیفر بنده، به مانند کار بدش

مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَلَا یُجْزَی إِلَّا مِثْلَهَا

هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده نمی شود.۱۲/۴۵

روزی بنده نمودن ترس از کیفر بیم داده شده

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِیدِ

خداوندا ترسِ کیفرِ هشدارداده شده را روزی ما گردان.۵۳/۴۵

عدم تبدیل نعمت، به نقمت و کیفر

ص : ۱۰۰۵

يَا مَنْ لَا يُغَيِّرُ النِّعْمَهَ، لَا يُبَادِرُ بِالنَّقِمَهِ

ای کسی که نعمت را تغییر نمی دهد و به کیفر سخت، شتاب نمی کند.۱۰/۴۶

آمرزش خواهان و کیفر الهی

لا يَشْقَى بِنَقِمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ

آمرزش خواهان به کیفرت تیره بخت نمی شوند.

۱۵/۴۶

بازگشتن به کیفر الهی

مَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِی عِقَابِکَ

چه طولانی است پی درپی بازگشتنش، در کیفرت!۲۰/۴۶

سخت بودن کیفر الهی

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِیُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِیدُ الْمِحَالِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بلندمرتبه در نهایت بلندیِ مرتبه، سخت کیفر می کند.۵/۴۷

درخواست بنده، جهت کیفر نشدن

لَا تُوءَاخِذْنِی بِتَفْرِیطِی فِی جَنْبِکَ، وَ تَعَدِّی طَوْرِی فِی حُدُودِکَ، وَ مُجَاوَزَهِ أَحْکَامِکَ

مرا به کوتاهی نمودنم در حقّت و تعدّی کردنم در حدودت و تجاوز از احکامت کیفر نکن.

۸۹/۴۷

کیفرِ مهلت دادن

أَجِرْنِی مِنْ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ

از کیفرِ مهلت دادن پناهم ده.۹۸/۴۷

عفو و عقاب الهی

أَعْلَمُ... أَنَّکَ بِأَنْ تَعْفُوَ أَوْلَی مِنْکَ بِأَنْ تُعَاقِبَ

می دانم به درستی که تو به بخشایش شایسته تری تا اینکه کیفر کنی.۱۱۶/۴۷

خدا؛ عقاب کننده بر گناه

تَغَمَّدْنِی فِیما اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی بِمَا یَتَغَمَّدُ بِهِ... الْآخِذُ عَلَی الْجَرِیرَهِ لَوْ لَا أَنَاتُهُ

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می پوشاند کیفرکننده بر گناه، (که) اگر شکیبایی اش نبود (کیفر می داد).۱۱۹/۴۷

درخواست کیفر نشدن ، در روز آشکار شدن پنهانی ها

لَا تُهْلِکْنِی یَوْمَ تُبْلَی السَّرَائِرُ

در روزی که پنهان ها آشکار می شود، کیفرم نکن.۱۲۹/۴۷

کیفر الهی و رحمت او

لا یُجِیرُ مِنْ عِقَابِکَ إِلَّا رَحْمَتُکَ

از کیفرت، جز رحمتت پناه نمی دهد.۱۳/۴۸

درّه های هلاکت و کیفرهای الهی

ص : ۱۰۰۶

حَلَلْتُ شِعَابَ تَلَفٍ، تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِکَ

به درّه های نابودی وارد شدم. در آنها، خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده ، با عقوبت هایت روبرو شدم.۲/۴۹

سبب ایمن شدن از کیفر خداوند

فَهَبْ لِی یَا إِلَهِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ دَوَامِ تَوْفِیقِکَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَی رِضْوَانِکَ، وَ آمَنُ بِهِ مِنْ عِقَابِکَ

پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم و به وسیله آن از کیفرت ایمن گردم.۱۷/۴۹

خداوندِ جزادهنده

کَفَی بِکَ جَازِیًا

همین بس که تو جزادهنده ای.۳/۵۰

کیفیت

عدم فهم کیفیّت و چگونگی خدا

أَنْتَ الَّذِی... عَجَزَتِ الْأَفْهَامُ عَنْ کَیْفِیَّتِکَ

تویی آنکه فهم ها از کیفیّتت عاجزند.۱۸/۴۷

کینه

کامل نمودن کینه بنده، با یاری او در برابر

ستمگر

أَعْدِنِی عَلَیْهِ عَدْوَی حَاضِرَةً، تَکُونُ... مِنْ حَنَقِی عَلَیْهِ وَفَاءً

مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ آماده ای که کینه ام را بر او کامل نماید.۸/۱۴

کینه ورزی نسبت به دشمنان خدا

وَ اجْعَلْهُمْ... لِجَمِیعِ أَعْدَائِکَ مُعَانِدِینَ وَ مُبْغِضِینَ

و آنان (فرزندانم) را ستیزه جو و کینه توزِ همه دشمنانت قرار ده.۳/۲۵

عامل بیرون شدن کینه، از دل های بندگان

أَخْرِجْ وَحَرَ صُدُورِنَا بِرِزْقِكَ

کینه دل هایمان را، با روزی ات بگشا.۴/۳۶

عدم کینه ورزی نسبت به مؤمنان

انْزَعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِی لِلْمُوءْمِنِینَ

کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه ام بر کن.

۱۲۷/۴۷

فرونشستن کینه دشمن

فَرَدَدْتَهُ... لَمْ یَسْکُنْ غَلِیلُهُ

پس در حالی که کینه اش قرار نگرفته بود، او را بازگرداندی.۶/۴۹

کیل پیمانه

ص : ۱۰۰۷

گ

گام قدم

گذشت آمرزش و نیز عفو

رهایی یافتن (از گناه)، با گذشت الهی

أَجِرْنَا مِنْ عَذَابِکَ بِتَجَاوُزِکَ

به گذشت خود، ما را از عذابت ایمن ساز.

۲/۱۰

گذشت نیکوی خداوند، بر آفریدگان

یَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَی خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ

ای آنکه با گذشت نیک، آفریدگانش را به سپاس خود واداشته است.۱۰/۱۲

مشهور بودن خدا، به گذشت

فَإِنَّکَ... مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ

همانا تو به گذشت مشهوری.۱۵/۱۲

بازگشت بنده، به سوی گذشت الهی

وَ اجْعَلْ... مُتَحَوَّلِی عَنْ صَرْعَتِی إِلَی تَجَاوُزِکَ

و بازگشت از به زمین افتادنم را به گذشت خود قرار ده.۶/۱۵

رو به خاک مالیدن برای خدا، و گذشت او

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی... مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَّرَ لَکَ وَجْهَهُ تَذَلُّلًا؟

ای خدای من آیا تو از آنکه به خواری برای تو روی خود را به خاک مالید، درمی گذری؟

۱۵/۱۶

بنده، آرزومند گذشت الهی

اللَّهُمَّ... إِلَی تَجاوُزِکَ اشْتَقْتُ

خداوندا به گذشت تو اشتیاق ورزیده ام.

۱۵/۲۰

درگذشتن از همسایگان ستمکار

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أُعْرِضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که از ستمگرشان با چشم پوشی گذشت کنم.۳/۲۶

گذشت خداوند از لغزش ها، به نیکویی گذشتش

أَقِلْنِی عَثَرَاتِی بِحُسْنِ إِقَالَتِکَ

به نیکویی گذشتت، از لغزش هایم درگذر.

۳۲/۳۲

افتادنْ گاه های خطاکاران، و گذشت الهی

ص : ۱۰۰۹

اجْعَلْنِی أَسْوَهَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِکَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِینَ

مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی.۱۰/۳۹

شب های رمضان و گذشت الهی

وَ إِذَا کَانَ لَکَ فِی کُلِّ لَیْلَهٍ مِنْ لَیَالِی شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ... یَهَبُهَا صَفْحُکَ فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْکَ الرِّقَابِ

و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که گذشتت ایشان را می بخشد، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده.

۱۴/۴۴

روان گشتن قدرت خدا، بر گذشت

أَنَّکَ... أَجْرَیْتَ قُدْرَتَکَ عَلَی التَّجَاوُزِ

همانا تو قدرتت را بر گذشت، جاری ساخته ای. ۸/۴۵

گذشت خدا از والدین و هم کیشان مسلمان

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنْ آبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَهْلِ دِینِنَا جَمِیعًا

خداوندا از پدران و مادران و همه هم کیشان ما، درگذر.۵۵/۴۵

خدا، درگذرنده از بدی بنده

وَ یَا مَنْ... یَتَجَاوَزُ عَنِ السَّیِّئَهِ حَتَّی یُعَفِّیَهَا

و ای کسی که از بدی درمی گذرد، تا آن را محو کند.۱۱/۴۶

نافرمانی از خدا، با اعتماد به گذشت او

فَأَقْدَمَ عَلَیْهِ... رَاجِیًا لِعَفْوِکَ، وَاثِقًا بِتَجَاوُزِکَ

پس با امیدواری به بخشایشت و اعتماد به گذشتت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد.۶۸/۴۷

پناه بردن به گذشت الهی

هَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ... مُسْتَجِیرًا بِصَفْحِکَ

اینک منم در پیشگاه تو، پناهنده به بخشایشت.

۶۹/۴۷

درگذشتن خدا، از لغزش کاران

یَا مَنْ یَمُنُّ بِإِقَالَهِ الْعَاثِرِینَ

ای آنکه با احسان خود لغزشکاران را می بخشایی.۷۵/۴۷

درخواست درگذشتن از لغزش ها

وَ أَقِلْنِی عَثْرَتِی

و از لغزشم درگذر.۱۶/۴۸

أَسْتَقِیلُکَ عَثَرَاتِی

از تو می خواهم که از لغزش هایم درگذری.

۸/۵۱

آمرزش خواستن بنده و درگذشتن خدا

فَاسْتَغْفَرْتُ فَأَقَلْتَ

پس آمرزش خواستم و تو درگذشتی.۱/۴۹

درگذشتن خداوند، از (گناهان) بنده

تَجاوَزْ عَنِّی یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

از من درگذر، ای دارای بزرگی و کرم.

۷/۵۰

خدا، درگذرنده از لغزش بنده

أَنْتَ الَّذِی... أَقَلْتَ عِنْدَ الْعِثَارِ زَلَّتِی

تویی که هنگام (به گناه) افتادن، از لغزشم درگذشتی.۴/۵۱

یَا مُقِیلِی عَثْرَتِی

ای درگذرنده از لغزشم.۷/۵۱

گذشتگان

متفاوت بودن روش خدا در توبه، برای گذشتگان

فَمَا هَکَذَا کَانَتْ سُنَّتُهُ فِی التَّوْبَهِ لِمَنْ کَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَهَ لَنَا بِهِ

البته روش او در (قبول) توبه، برای کسانی که پیش از ما بودند، این چنین نبوده و از (دوش) ما آنچه به آن طاقت نداریم برداشته.۲۳/۱

نعمت های خدا بر همه بندگان گذشته و باقی مانده اش

لَهُ الْحَمْدُ مَکَانَ کُلِّ نِعْمَهٍ لَهُ عَلَیْنَا وَ عَلَی جَمِیعِ عِبَادِهِ الْمَاضِینَ وَ الْبَاقِینَ

سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما و بر

همه بندگانش – گذشتگان و باقی ماندگان – دارد.

۲۷/۱

بی بهره بودن امّت های گذشته از وجود محمّد صلی الله علیه و آله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِیَهِ وَ الْقُرُونِ السَّالِفَهِ

سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد، نه بر امّت های گذشته و مردمان پیشین.۱/۲

درآوردن بنده در میان سرای پیشینیان

وَافِ بِی عَرْصَهَ الْأَوَّلِینَ

مرا به جایگاه (رستاخیز) پیشینیان برسان.

۱۲۷/۴۷

دشمنان جانشینان خدا، در بین گذشتگان و آیندگان

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ

خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان لعنت کن.۱۰/۴۸

گذشتن صرف نظر کردن

گذشته

نعمت های خدا بر همه بندگان گذشته و

ص : ۱۰۱۱

باقی مانده اش

لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَ الْبَاقِينَ

سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما و بر همه بندگانش - گذشتگان و باقی ماندگان - دارد.

۲۷/۱

بی بهره بودن امّت های گذشته از وجود محمّد صلی الله علیه و آله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَ الْقُرُونِ السَّالِفَةِ

سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد، نه بر امّت های گذشته و مردمان پیشین.۱/۲

توبه و زمان گذشتن وقت عمل

...حَتَّى إِذَا رَأَى مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدِ انْقَضَتْ... تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ، وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ

تا اینکه می بیند زمان عمل گذشته. با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند.

۸/۱۲

پاکی از چرکی (کردارهای) پیشین

طَهِّرْنِی مِنْ دَنَسِ مَا أَسْلَفْتُ

مرا از پلیدی آنچه پیش فرستاده ام، پاک نما.

۶/۱۵

گناهان، گذراننده و به سر رساننده عمر بنده

أَنَا الَّذِی أَفْنَتِ الذُّنُوبُ عُمُرَهُ

منم آنکه گناهان عمرش را به فنا داده.

۱۴/۱۶

سپری شدن خوشی های گناهان

اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ... قَبِیحِ مَا فَضَحَهُ فِی حُکْمِکَ: مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرَتْ لَذَّاتُهَا فَذَهَبَتْ، وَ أَقَامَتْ تَبِعَاتُهَا فَلَزِمَتْ

از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته. از گناهانی که لذّت هایش سپری شد و گذشت، و پیامدهای آن به جای ماند و پایدار شد.۹/۳۱

توبه از لغزش های گذشته و تازه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا مِنْ... سَوَالِفِ زَلَّاتِی وَ حَوَادِثِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از لغزش های گذشته و تازه ام، به درگاهت توبه می کنم.

۱۴/۳۱

توبه ای نابودکننده آنچه (گناهان) گذشته

فَاجْعَلْ تَوْبَتِی هَذِهِ... تَوْبَهً مُوجِبَهً لِمحْوِ مَا سَلَفَ

پس این توبه ام را توبه ای سبب محو آنچه گذشته است، گردان.

۲۰/۳۱

فراموشی کار ناپسند گذشته

فَمَا کُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی، وَ لَا نِسْیَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِیمِ فِعْلِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

پایندگی عزّت خدا، با گذشتن زمان ها

اللَّهُمَّ یَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِی عَلَی مَرِّ الدُّهُورِ وَ خَوَالِی الْأَعْوَامِ وَ مَوَاضِی الْأَزمَانِ وَ الْأَیَّامِ

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها و سال های گذشته و گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است.۳و۱/۳۲

سپری شدن رمضان، در حال پاک شدن بندگان از خطا

وَ امْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امِّحَاقِ هِلَالِهِ... حَتَّی یَنْقَضِیَ عَنَّا وَ قَدْ صَفَّیْتَنَا فِیهِ مِنَ الْخَطِیئَاتِ

و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که ما را در آن از خطاها پاکیزه ساخته ای.۱۵/۴۴

سپری شدن رمضان، و کَندن گرفتاری ها از بنده

اسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاخِ أَیَّامِهِ

با گذشتن روزهایش سختی هایمان را از ما

بکن.۱۵/۴۴

اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِانْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَایَانَا

خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها درآور.۴۹/۴۵

افزونی ترس و سپری شدن رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ أَلِیفٍ... أَوْحَشَ مُنْقَضِیًا فَمَضَّ

درود بر تو همدمی که چون سپری شد، بیمناک ساخت و بی تاب گرداند.۲۷/۴۵

برکات و نیکی های گذشته ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ... وَ عَلَی مَاضٍ مِنْ بَرَکَاتِکَ سُلِبْنَاهُ

درود بر تو و بر نیکی های گذشته ات که از دست دادیم.۴۲/۴۵

توبه از کارهای بد گذشته

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ... مِنْ کُلِّ... سُوءٍ أَسْلَفْنَاهُ

خداوندا ما از هر بدی ای که در گذشته انجام داده ایم، به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

درودی فراگیرنده هر درود گذشته و تازه

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُحِیطُ بِکُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه ای را فراگیرد.

۵۵/۴۷

طلب آمرزش از گناهان گذشته

ص : ۱۰۱۳

وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِی

و برای گناهان گذشته ام از تو آمرزش می خواهم.۲۶/۴۸

نیکیِ آنچه نوشته شده و گذشته

أَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِ کِتَابٍ قَدْ خَلَا

از تو نیکی آنچه نوشته شده و گذشته را درخواست می نمایم.۵/۵۴

گرامی

گرامی ترین آفریدگان و ستایش خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ بِکُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ... أَکْرَمُ خَلِیقَتِهِ عَلَیْهِ

سپاس خدای را، به هر سپاسی که گرامی ترین آفریدگانش، او را ستوده اند.۲۵/۱

سفیران و نگهبانان گرامی خداوند

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ السَّفَرَهِ الْکِرَامِ الْبَرَرَهِ، وَ الْحَفَظَهِ الْکِرَامِ الْکَاتِبِینَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیِان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و سفیران بزرگوارِ نیکوکار و حافظان گرامی نویسنده (اعمال).۱۸و۱۱و۱۰/۳

گرامی داشتن بندگان، نزد خدا

کَرِّمْنَا عَلَیْکَ

ما را نزد خود گرامی دار.۵/۵

نویسندگان گرامی اعمال

اللَّهُمَّ یَسِّرْ عَلَی الْکِرَامِ الْکَاتِبِینَ مَؤُونَتَنَا

خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز.۱۵/۶

گرامی ترین خلق خدا

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَنْجَبِينَ

پس بر محمّد و خاندانش که پاک، پاکیزه، نیکوکار و شریف ترین اند، درود فرست.۲۴/۶

گرامی ترین پاداش

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ وَ أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و از طرف ما بهترین و گرامی ترین پاداشی را که به پیامبرانت از جانب امّتش دادی، به او پاداش ده.۲۳/۶

بردباری خدا و گرامی نبودن بنده

أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَاتُكَ عَنِّي... وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ

شگفت تر از آن بردباری تو با من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست.۲۶/۱۶

فرشتگان گرامی و آب رسانی سودمند

أَشْهِدْ مَلَائِکَتَکَ الْکِرَامَ السَّفَرَهَ. بِسَقْیٍ مِنْکَ نَافِعٍ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز.۲/۱۹

گرامی داشتن بنده، به تندرستی

أَکْرِمْنِی بِعَافِیَتِکَ

به عافیتت گرامی ام دار.۱/۲۳

گرامی داشتن فرزند و دریافت پاداش از خدا

اللَّهُمَّ... أَثِبْهُمَا عَلَی تَکْرِمَتِی

خداوندا آنها را بر گرامی داشتنم، پاداش ده.

۷/۲۴

پیامبران گرامی، در جایگاه گواهان

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ، وَ الرُّسُلِ الْمُکَرَّمِینَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

سرانجامی گرامی

اخْتِمْ لَنَا بِالَّتِی هِیَ... أَکْرَمُ مَصِیرًا

کار ما را به آنچه سرانجامش گرامی تر است، ختم کن.۶/۳۳

منع خوردنی ها و آشامیدنی ها، به جهت گرامی داشت ماه رمضان

فَحَرَّمَ فِیهِ مَا أَحَلَّ فِی غَیْرِهِ إِعْظَامًا، وَ حَجَرَ فِیهِ الْمَطَاعِمَ وَ الْمَشَارِبَ إِکْرَامًا

پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد و از جهت گرامی داشتش، خوردنی ها و آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود.

رمضان، گرامی ترین وقت مصاحب بنده

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ

درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که همراه بودی.۲۴/۴۵

گرامی داشتن بازگشت بنده، به سوی خدا

وَ أَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِی، وَ إِلَيْكَ مُنْقَلَبِی

و رفتنم را از نزدت و بازگشتم را به سویت، گرامی دار.۲۵/۴۶

درود بر پیامبر گرامی

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُنْتَجَبِ الْمُصْطَفَى الْمُكَرَّمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد که

ص : ۱۰۱۵

برگزیده، اختیار شده، گرامی و مقرّب داشته شده اند، برترین درودهایت را بفرست.۵۰/۴۷

گرامی بودن روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمُ عَرَفَهَ یَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ کَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شریف و گرامی و بزرگ داشته ای.۶۶/۴۷

پیوسته بودن نعمت های گرامی، نزد بنده

ظَاهِرْ کَرَامَاتِهَا لَدَیَّ

گرامی های آن را نزد من پیوسته گردان.

۱۲۸/۴۷

خوار نگردیدن بنده، در صورت گرامی داشتنش توسّط خدا

إِنْ أَکْرَمْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یُهِینُنِی

اگر مرا گرامی داری، پس کیست آنکه خوارم کند؟۱۵/۴۸

گرداب

گرداب های فتنه و بلا

نَجِّنِی مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَهِ

از گرداب های فتنه نجاتم ده.۹۸/۴۷

بنده و گرداب نادانی اش

وَ لَا تَذَرْنِی... فِی غَمْرَتِی سَاهِیًا حَتَّی حِینٍ

و مرا در گرداب غفلتم، تا مدّت زمانی بی خبر رها نکن.۱۲۴/۴۷

گردش

گردش در زمین و سود دنیا و آخرت

يَسْرَحُوا فِی أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِیهِ نَیْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْیَاهُمْ، وَ دَرَکُ الْآجِلِ فِی أُخْرَاهُمْ

در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود کنونی از دنیا و یافتن سود آینده در آخرت.

۶/۶

گردش روزگار و پایندگی عزّت خدا

اللَّهُمَّ یَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِی عَلَی مَرِّ الدُّهُورِ وَ خَوَالِی الْأَعْوَامِ وَ مَوَاضِی الْأَزمَانِ وَ الْأَیَّامِ

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها و سال های گذشته و گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است.۳و۱/۳۲

به گردش درآوردن آسیاب عذاب

أَدِرْ رَحَی نَقِمَتِکَ عَلَی الْمُلْحِدِینَ

آسیاب کیفرت را برای ملحدان به گردش درآور. ۳/۳۶

بسیار گشتن سپاس، با گردش زمان ها

ص : ۱۰۱۶

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَتَضَاعَفُ عَلَی کُرُورِ الْأَزْمِنَهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با گردش زمان ها، چندین برابر شود.۳۹و۳۶/۴۷

درودی فزونی یابنده، با گردش روزگار

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ صَلَاهً... تَزِیدُهَا عَلَی کُرُورِ الْأَیَّامِ زِیَادَهً فِی تَضَاعِیفَ لَا یَعُدُّهَا غَیْرُکَ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که آن را با گذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چندین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند.۵۵/۴۷

گردن

آزاد نمودن گردن های بندگان، از عذاب الهی

أَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنْ نَقِمَتِکَ

گردن های ما را از عذابت آزاد کن.۲/۵

نینداختن طوق زشتی گناه، بر گردن بنده

کَمْ مِنْ شَائِبَهٍ أَلْمَمْتُ بِهَا فَلَمْ... تُقَلِّدْنِی مَکْرُوهَ شَنَارِهَا

چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی.

۲۱/۱۶

وسیله رهایی گردن خطاکاران

إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی... رَجَاءً لِرَحْمَتِکَ الَّتِی بِهَا فَکَاکُ رِقَابِ الْخَاطِئِینَ

تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون امیدواری به رحمت تو - که رهایی گردن های خطاکاران است - می باشد.۲۸/۱۶

باریک گشتن گردن بنده، با گناهان

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِی قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده.۲۹/۱۶

عامل آزاد کردن گردن بنده، از گناه

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِی قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعْتِقْهَا بِعَفْوِکَ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به گذشت خود آن را آزاد کن.۲۹/۱۶

طوق خواری به گردن قصد بد دارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّى... تُذِلَّ رَقَبَتَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا

گردنش را به خواری فروآوری.۸و۷/۲۳

نزد خدا آمدن، با گردنی افتاده

فَتَلَقَّاکَ بِنَفْسٍ خَاشِعَهٍ، وَ رَقَبَهٍ خَاضِعَهٍ

پس با وجودی فروتن و گردنی فروافتاده، پیش روی توست.۱۹/۳۲

زمان گردن بند شدن اعمال، در گردن ها

وَ صَارَتِ الْأَعْمَالُ قَلَائِدَ فِی الْأَعْنَاقِ

و اعمال، گردن بندهای در گردن ها گردد.

۱۳/۴۲

طوقِ گردن بنده

طَوِّقْنِی طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا یُحْبِطُ الْحَسَنَاتِ، وَ یَذْهَبُ بِالْبَرَکَاتِ

طوقِ دست برداشتن از آنچه نیکی ها را باطل کرده و برکت ها را از بین می برد، به گردنم انداز.

۱۰۶/۴۷

حسود و به گردن بنده بستن خصوصیّاتی

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... قَلَّدَنِی خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِیهِ

و چه بسیار حسودی که ویژگی هایی را که همیشه در خود او بود، به گردنم انداخت.۹/۴۹

پادشاهان و یوغ ذلّت به گردن نهادن

یَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نِیرَ الْمَذَلَّهِ عَلَی أَعْنَاقِهَا

ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر

گردن هایشان نهاده اند.۷/۵۱

گردن بند گردن

گردن نهادن تسلیم

گردهمایی اجتماع

گرسنگی

مشرکان و گرسنگی همیشگی

أَصِبْهُمْ بِالْجُوعِ الْمُقِیمِ...

آنان را دچار گرسنگی دائم گردان.۱۲/۲۷

گرفتاری

آورندگان گرفتاری ناگوار، برای زمینیان

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ رُسُلِکَ مِنَ الْمَلَائِکَهِ إِلَی أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَکْرُوهِ مَا یَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، که بلای ناخوشایند به سوی اهل زمین می فرستی.۱۷و۱۱و۱۰/۳

به غم و اندوه گرفتار بودن بنده

وَ امْتَلَأْتُ بِحَمْلِ مَا حَدَثَ عَلَیَّ هَمًّا، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَی کَشْفِ مَا مُنِیتُ بِهِ

و از آنچه برایم رخ داده از غم و اندوه پر گشته ام و تو بر دفع آنچه به آن گرفتار شده ام توانایی.۱۰/۷

وعده الهی، رفع گرفتاری گرفتاران

سُبْحَانَکَ نَحْنُ... أَهْلُ السُّوءِ الَّذِینَ وَعَدْتَ الْکَشْفَ عَنْهُمْ

پاک و منزّهی تو! ما گرفتارانیم که رفع گرفتاری آنها را وعده داده ای.۴/۱۰

رهایی یافتن از بلا و گرفتاری

وَ اجْعَلْ... خَلَاصِی مِنْ کَرْبِی إِلَی رَوْحِکَ

و رهایی از گرفتاریم را به بخشایشت قرار ده.

۶/۱۵

سپاس گزاری از خدا، جهت دور شدن بلا

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ... بِمَا صَرَفْتَ عَنِّی مِنْ بَلَائِکَ

خداوندا بر بلایی که از من برگرداندی، تو را سپاس.۱/۱۸

گرفتاریْ بودنِ تندرستی و درخواست از خدا درباره آن

وَ إِنْ یَکُنْ مَا ظَلِلْتُ فِیهِ، أَوْ بِتُّ فِیهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِیَهِ بَیْنَ یَدَیْ بَلَاءٍ لَا یَنْقَطِعُ... فَقَدِّمْ لِی مَا أَخَّرْتَ، وَ أَخِّرْ عَنِّی مَا قَدَّمْتَ

و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر

برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز و آنچه از من پیش انداخته ای، پس انداز.۲/۱۸

عدم گرفتاری به خودبزرگ بینی

أَعِزَّنِی وَ لَا تَبْتَلِیَنِّی بِالْکِبْرِ

مرا گرامی دار و به خودبزرگ بینی گرفتارم نساز.۳/۲۰

گرفتار نساختن بنده، به سستی در عبادت

لَا تَبْتَلِيَنِّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبَادَتِکَ

مرا به سستی در عبادتت گرفتار نکن.۱۱/۲۰

تندرستیِ بنده، پیش از گرفتاری او

فَامْنُنْ عَلَیَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَافِیَهِ

پس پیش از گرفتاری، با تندرستی بر من منّت گذار.۲۰/۲۰

گرفتار نشدن بنده، به ستایش یا نکوهش دیگران

وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِی بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِکَ... فَأَفْتَتِنَ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِی، وَ أُبْتَلَی بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِی

و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا کرده، گرفتار شوم

ص : ۱۰۱۹

و به نکوهش آنکه از من بازداشته، دچار گردم.

۲۶/۲۰

امید به اجابت دعا، در حالت گرفتاری

لَا تَجْعَلْنِی... آیِسًا مِنْ إِجَابَتِکَ لِی وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّی، فِی... عَافِیَهٍ أَوْ بَلَاءٍ

مرا نااميد از اجابتت – گرچه دير شود – قرار نده، در تندرستی باشم يا گرفتاری.۸/۲۱

شکيبايی در مقابل گرفتاری

اللَّهُمَّ... لَا صَبْرَ لِی عَلَی الْبَلَاءِ

خداوندا بر بلا شکيبايی ندارم.۲/۲۲

رحمت الهی و بهبودی يافتن از بلا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُعَافَیْنَ مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به رحمت تو از بلا رهيده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

دلجويی از همسايگان گرفتار

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَرِقُّ عَلَی أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَهً

و خداوندا مرا بر آن دار که با مهربانی بر بلاديدگان آنها، دلسوزی نمايم.۳/۲۶

گرفتار نساختن بندگان، به ناتوانی معرفتِ آنچه خدا اختيار نموده

لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ

ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختيار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماريم.

۳/۳۳

گرفتار غفلت نشدن

لَا تَسُمْنَا الْغَفْلَهَ عَنْکَ، إِنَّا إِلَیْکَ رَاغِبُونَ

ما را گرفتار غفلت از خودت نکن. زیرا ما به سوی تو راغب هستیم.۴/۳۴

رعد و برق، و گرفتاری و بلا

لَا تُلْبِسْنَا بِهِمَا لِبَاسَ الْبَلَاءِ

به سبب آن دو، جامه بلا بر ما نپوشان.

۱/۳۶

نگه داشتن بندگان، از بلا

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ

پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی.۶/۳۶

بنده، در گِرُوی گرفتاری خویش

أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَلِيَّتِهِ

منم در گروی گرفتاری خویش.۸۳/۴۷

رهاندن بنده، از گرداب بلا و گرفتاری

نَجِّنِی مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَهِ

از گرداب های فتنه نجاتم ده.۹۸/۴۷

رهایی از کام گرفتاری

ص : ۱۰۲۰

خَلِّصْنِی مِنْ لَهَوَاتِ الْبَلْوَی

از کام های بلا رهایی ام بخش.۹۸/۴۷

گرفتاری غلامان و کنیزان

وَ عَافِنِی مِمَّا ابْتَلَیْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَبِیدِکَ وَ إِمَائِکَ

و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن گرفتار نموده ای، عافیت بخش.

۱۰۵/۴۷

پناه بردن به خدا، از گرفتاری

أَعِذْنِی... مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ

مرا از فرود آمدن بلا پناه ده.۱۱۹/۴۷

گرفتار نکردن بنده، به پستی و عیب

وَ لَا تَسُمْنِی خَسِیسَةً یَصْغُرُ لَهَا قَدْرِی وَ لَا نَقِیصَةً یُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَکَانِی

و پستی ای را که با آن، مرتبه ام خُرد گردد، دچارم مساز و عیبی را که به خاطر آن، منزلتم دانسته نشود، بر من ثابت نگردان.

۱۲۱/۴۷

بنده را هدف گرفتاری قرار ندادن

لَا تَجْعَلْنِی لِلْبَلَاءِ غَرَضًا

مرا هدف بلا نگردان.۱۶/۴۸

بلای پی درپی

لَا تَبْتَلِیَنِّی بِبَلَاءٍ عَلَی أَثَرِ بَلَاءٍ

مرا گرفتار بلاهای پی درپی نساز.۱۶/۴۸

کمین گرفتن دشمن، و گرفتار نمودن بنده

فَنَظَرْتَ يَا إِلَهِی إِلَی... وَحْدَتِی فِی کَثِیرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِی، وَ أَرْصَدَ لِی بِالْبَلَاءِ فِیما لَمْ أَعْمِلْ فِیهِ فِکْرِی

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیانِ) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده و برای گرفتار ساختنم در آنچه درباره آن نیندیشیده ام، در کمین نشسته، مشاهده کردی.

۵/۴۹

برگرداندن رنج گرفتاری، از بنده

صَرَفْتَ عَنِّی جَهْدَ الْبَلَاءِ

سختی گرفتاری را از من دور کردی.۲/۵۱

إِلَهِی فَکَمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَدْ صَرَفْتَ عَنِّی

خدای من، پس چه بسیار بلاهای سختی که از من برگرداندی!۳/۵۱

بنده، اسیر گرفتاری خویش

فَأَنَا الْأَسِیرُ بِبَلِیَّتِی

...از این رو من اسیر بلای خود هستم.

۱/۵۳

از میان بردن گرفتاری بنده

اذْهَبْ بِبَلِیَّتِی

گرفتاری مرا از میان ببر.۲/۵۴

گرفتن

ستاندن عمر بنده و میراندن او

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَی مَا نَدَبَهُ إِلَیْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

زمانی که حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.۶/۱

خوشنودی بنده، به آنچه از او گرفته شده

اللَّهُمَّ... رَضِّنِی بِمَا أَخَذْتَ لِی وَ مِنِّی

خداوندا مرا به آنچه برای من و از من گرفتی، خوشنود گردان.۱۳/۱۴

خیر بنده، در دیر گرفتن حقّ خود

اللَّهُمَّ وَ إِنْ کَانَتِ الْخِیَرَهُ لِی عِنْدَکَ فِی تَأْخِیرِ الْأَخْذِ لِی وَ تَرْکِ الِانْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِی إِلَی یَوْمِ الْفَصْلِ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَیِّدْنِی مِنْکَ بِنِیَّهٍ صَادِقَهٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقّم و به کیفر نرسیدن ستمگرم تا روز رستاخیر می باشد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.

۱۴/۱۴

گرفتنِ زلف جنبندگان

أَعِذْنِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا

مرا از شرّ هر جنبنده ای که موی جلوی سر او

را گیرنده ای، پناه ده.۶/۲۳

والدین و نگرفتن حقّشان از فرزند

هَیْهَاتَ مَا یَسْتَوْفِیَانِ مِنِّی حَقَّهُمَا

هیهات! آنها تمامی حقّشان را از من نمی گیرند.

۱۱/۲۴

همسایگان و اخذ اخلاق نیک الهی

وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی إِرْفَاقِ ضَعِیفِهِمْ...

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان، توفیق ده.

۲/۲۶

گرفتن مالی با ویژگی های خاص، از بنده

وَ ازْوِ عَنِّی مِنَ الْمَالِ مَا یُحْدِثُ لِی مَخِیلَهً أَوْ تَأَدِّیًا إِلَی بَغْیٍ أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْیَانًا

و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند یا در پی آن دچار سرکشی شوم را، از من دور ساز.۳/۳۰

اندوختن کالای دنیاییِ گرفته شده از بنده در خزائن الهی

مَا زَوَیْتَ عَنِّی مِنْ مَتَاعِ الدُّنْیَا الْفَانِیَهِ فَاذْخَرْهُ لِی فِی خَزَائِنِکَ الْبَاقِیَهِ

آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره

ص : ۱۰۲۲

فرما.۵/۳۰

خدا و نگرفتن حقّش

...لِأَنَّکَ الرَّبُّ الْعَظِیمُ الَّذِی... لَا یَسْتَقْصِی مِنْ أَحَدٍ حَقَّهُ

...زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که حقّ خود را از کسی طلب نمی کنی.۱۳/۳۹

فرشته مرگ و گرفتن جان ها

وَ تَجَلَّى مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُیُوبِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها)، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد.۱۳/۴۲

گرفتن دست بنده

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِکَ... بَلْ خُذْ بِیَدِی مِنْ سَقْطَهِ الْمُتَرَدِّینَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از سقوط پرت شدگان، دستم را بگیر (نجاتم ده).۱۰۴/۴۷

نگرفتن معبودی، با خدا

لَمْ أَتَّخِذْ مَعَکَ إِلَهًا، وَ قَدْ فَرَرْتُ إِلَیْکَ بِنَفْسِی

با تو، خدایی نگرفته ام و با جانم به سوی تو گریخته ام.۳/۴۹

بازستاندن آنچه دشمنان به ستم گرفته اند

أَنْتَ الَّذِی... أَخَذْتَ لِی مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظُلَامَتِی

تویی که داد مرا از دشمنانم گرفتی.۴/۵۱

گرفته خوی

مردمی گرفته خوی و ابرو درهم کشیده

إِنْ وَکَلْتَنِی إِلَى خَلْقِکَ تَجَهَّمُونِی

اگر مرا به آفریدگانت واگذاری، با من ترش رویی کنند.۳/۲۲

گرفته خوی نیافتن خدا

إِلَهِی مَا وَجَدْتُکَ... مُنْقَبِضًا حِینَ أَرَدْتُکَ

خدای من، هنگامی که قصد تو نمودم، تو را درهم کشیده ندیدم.۵/۵۱

گرما

آتش دوزخ و گرم ترین عذاب دردناک

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَی سُکَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَیْهَا مِنْ أَلِیمِ النَّکَالِ وَ شَدِیدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.۳۰و۲۹/۳۲

تشنگی بندگان، از شدّت گرما (در قیامت)

ص : ۱۰۲۳

وَ أَرْوِ بِهِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ظَمَأَ هَوَاجِرِنَا

و با آن (قرآن)، تشنگی شدید ما را در جاهای گرم در جایگاهی که در پیشگاه توست، سیراب فرما.۱۱/۴۲

توانایی نداشتن بر (تحمّل) گرمی آفتاب

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ، الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ حَرَّ شَمْسِکَ

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتابت را ندارد. ۵/۵۰

توانایی نداشتن بر (تحمّل) گرمی آتش دوزخ

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ، الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ حَرَّ شَمْسِکَ، فَکَیْفَ تَسْتَطِیعُ حَرَّ نَارِکَ؟

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتابت را ندارد، پس چگونه گرمای آتشت را

توانایی دارد؟ ۵/۵۰

گروگان

افتادگان در گِروِ گورها و دمیدن اسرافیل در صور

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ... فَیُنَبِّهُ بِالنَّفْخَهِ صَرْعَی رَهَائِنِ الْقُبُورِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست، تا با دمیدنْ مردگانِ گروِ گورها را بیدار کند.۲/۳

سبب در گرو بودن بنده، نزد خدا

لَمْ تَسُمْهُ الْقِصَاصَ فِیمَا أَکَلَ مِنْ رِزْقِکَ الَّذِی یَقْوَی بِهِ عَلَی طَاعَتِکَ... لَوْ فَعَلْتَ ذَلِکَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِیعِ مَا کَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَهِ مَا سَعَی فِیهِ... وَ لَبَقِیَ رَهِینًا بَیْنَ یَدَیْکَ بِسَائِرِ نِعَمِکَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی. اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، از دست رفته بود. و در حضور تو برای باقی نعمت هایت در گرو می ماند.

۱۳/۳۷

بنده در گروی بلا و گرفتاری خویش

أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَلِيَّتِهِ

ص : ۱۰۲۴

منم در گروی گرفتاری خویش.۸۳/۴۷

بنده در گِرُوی کردار خویش

فَأَنَا... الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِی

از این رو من گروگان عمل خویشم.۱/۵۳

گروه

در جماعت کشته شدگان به شمشیرهای دشمنان خدا درآمدن

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... نَصِیرُ بِهِ فِی نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُیُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم.

۳۰و۲۷/۱

جماعت دشمنان شیطان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ أَعْدَائِهِ

خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده.

۱۴/۱۷

پیوند دادن بین گروه مرزداران اسلام

أَلِّفْ جَمْعَهُمْ

جمعشان را الفت ده.۲/۲۷

جنگیدن برای تواناتر ساختن حزب خدا

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِکَ... لِیَکُونَ

دِینُکَ الْأَعْلَی وَ حِزْبُکَ الْأَقْوَی... فَلَقِّهِ الْیُسْرَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد، تا دین تو برتر و حزب تو قوی تر گردد، پس او را با آسانی روبرو

کن.۱۳/۲۷

قصد جهاد و در جماعت شهدا و صالحان قرار گرفتن

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِينَ... وَ اجْعَلْهُ فِی نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا مانعی در راه اراده اش ایجاد شد؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده.۱۷/۲۷

در زمره نومیدترین گروه نبودن

لَا أَكُنْ... أَقْنَطَ وُفُودِكَ الْآمِلِينَ

مبادا من از ناامیدترین گروه های آرزومندت باشم.۱۵/۳۲

در جماعت اصحاب یمین بودن

وَ انْظِمْنِی فِی أَصْحَابِ الْيَمِينِ

و مرا در جماعت یاران دست راست درآور.

۴/۴۱

در گروه رستگاران قرار گرفتن

وَ اجْعَلْنِی فِی فَوْجِ الْفَائِزِینَ

و مرا در گروه رستگاران قرار ده.۴/۴۱

گرد آوردن بندگان، در گروه پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ احْشُرْنَا فِی زُمْرَتِهِ

و ما را در گروه او محشور کن.۲۰/۴۲

صمیمی نشدن با گروهی که برای خدا با آنها دشمنی شده

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَی مَنْ عُودِیَ فِیکَ وَ لَکَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِی لَا نُوَالِیهِ، وَ الْحِزْبُ الَّذِی لَا نُصَافِیهِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی شده. که او دشمنی است که با او دوستی نمی کنیم و حزبی است که با او صمیمی نمی شویم.۱۰/۴۴

جماعتِ سزاوار بالاترین مرتبه

اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِیعَ الْأَعْلَی بِرَحْمَتِکَ

ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحقّ بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده.۱۲/۴۴

درآوردن بنده، در حزب و گروه خدا

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... أَدْخَلْتَهُ فِی حِزْبِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که در حزب خود واردش کردی.۶۷/۴۷

دشمن، در گروهی بسیار

وَ صَیَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِیدٍ وَحْدَهُ

و پس از آنکه در گروهی بسیار بود، او را تنها گذاشتی.۶/۴۹

گِرِه

خدا و باز کردن گره های ناگواری ها

یَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ

ای کسی که گره های سختی ها به واسطه او باز می شود.۱/۷

گره های شیطان

اللَّهُمَّ احْلُلْ مَا عَقَدَ

خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن.

۱۲/۱۷

گریز

نبودن گریزگاهی برای بنده، از خدا

حَتَّى إِذَا... أَيْقَنَ أَنَّهُ... لَا مَهْرَبَ لَهُ عَنْكَ

تا اینکه باور کرده که گریزگاهی از تو برایش نیست.۸/۱۲

فراری دادن شیطان، از بندگان

وَلِّنا ظَهْرَهُ

او را از ما فراری ده.۴/۱۷

پناه دادن خدا، به گریختن بنده به سویش

أَجِرْ هَرَبِی

گریزم را پناه ده.۴/۲۱

گریز بنده، به سوی خدا

إِلَیْکَ الْمَفَرُّ وَ الْمَهْرَبُ

مفر و گریز به سوی توست.۴/۲۱

اجْعَلْ فِرَارِیَ إِلَیْکَ

گریزم را به سوی خود قرار ده.۱۱/۲۱

فَإِلَیْکَ أَفِرُّ

پس فقط به سوی تو می گریزم.۱۱/۵۲

گریز از قدرت الهی

لَا أَسْتَطِیعُ مُجَاوَزَهَ قُدْرَتِکَ

نمی توانم از قدرت تو بگریزم.۶/۲۱

سبب نگریختن مرزداران اسلام از هماورد خود

أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِکْرَ دُنْیَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ، وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ... حَتَّى لَا یَهُمَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ، وَ لَا یُحَدِّثَ نَفْسَهُ عَنْ قِرْنِهِ بِفِرَارٍ

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن، تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت کردن (به دشمن) نکند و با نفس خود، حدیث فرار از همانند خود را بازگو ننماید.

۴/۲۷

پشت کردن و فرار شیطان از بنده

...وَ أَدْبَرَ مُوَلِّیًا عَنِّی

...و پشت کنان از من فرار کرد.۱۳/۳۲

با جان، به سوی خدا گریختن

قَدْ فَرَرْتُ إِلَیْکَ بِنَفْسِی

با جانم به سوی تو گریخته ام.۳/۴۹

گریزگاه بدکار

إِلَیْکَ مَفَرُّ الْمُسیءِ

گریزگاه بدکار به سوی توست.۳/۴۹

فرار دشمن بنده

وَ أَدْبَرَ مُوَلِّیًا قَدْ أَخْلَفَتْ سَرَایَاهُ

و پشت کرده، فرار نمود. در حالی که سپاهیانش از آنچه گفته بودند، تخلّف کردند.

۶/۴۹

سزاوارتر بودن بنده به گریختن از خدا، در صورت امکان گریز

لَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكَنْتُ أَنَا أَحَقَّ بِالْهَرَبِ مِنْکَ

اگر کسی می توانست از پروردگار خود بگریزد، من به گریختن از تو سزاوارتر بودم.۳/۵۰

خدا، یابنده بنده گریخته

اللَّهُمَّ إِنَّکَ طَالِبِی إِنْ أَنَا هَرَبْتُ، وَ مُدْرِکِی إِنْ أَنَا فَرَرْتُ

خداوندا، همانا تو جویای منی، اگر بگریزم. و دستگیرکننده منی، اگر فرار کنم.۴/۵۰

نبودن گریزگاهی، برای گریختن بنده

أَسْأَلُکَ أَنْ تَعْفُوَ عَنِّی، وَ تَغْفِرَ لِی فَلَسْتُ بَرِيئًا فَأَعْتَذِرَ... وَ لَا مَفَرَّ لِی فَأَفِرَّ

از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم و مرا گریزگاهی نیست تا بگریزم.۷/۵۱

گریختن از گناهان

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَيْکَ رَبِّ تَائِبًا فَتُبْ عَلَيَّ

پروردگار من، از آن (گناهان)، با حال توبه به سوی تو گریخته ام، پس توبه ام را بپذیر.۸/۵۱

عدم (توان) گریز بنده، از خدا

کَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْرُبَ مِنْکَ مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِکَ؟

چگونه می تواند از تو بگریزد، آنکه جز به

وسیله روزی اتْ زندگی برایش نیست؟۱/۵۲

گریستن

سبب سخت گریستن خطاکاران

يَا مَنْ لِخِيفَتِهِ يَنْتَحِبُ الْخَاطِئُونَ

ای کسی که خطاکاران از ترس او سخت می گریند.۳/۱۶

علّت شتاب نمودن در گریستن

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی... غَافِرٌ لِمَنْ بَکَاکَ فَأُسْرِعَ فِی الْبُکَاءِ؟

ای خدای من آیا تو گریه کننده ات را می آمرزی تا من در گریستن شتاب نمایم؟

۱۵/۱۶

گریستن بنده، تا افتادن پلک چشمانش

یَا إِلَهِی لَوْ بَکَیْتُ إِلَیْکَ حَتَّی تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَیْنَیَّ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

گَزیدن

دشمن و سرانگشت خود به دندان گزیدن

ص : ۱۰۲۸

قَدْ عَضَّ عَلَی شَوَاهُ وَ أَدْبَرَ مُوَلِّیا

سرانگشتان خود را گزید و پشت کرده، فرار نمود.۶/۴۹

گسترش

گستراندن رحمت الهی، برای بندگان

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر بر ما بگستران.۱/۱۹

توفیق گستردن عدل

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی بَسْطِ الْعَدْلِ

و زیور پرهیزکاران را در گستردن عدل، به من بپوشان.۱۰/۲۰

گستراندن عافیت الهی، برای بنده

أَفْرِشْنِی عَافِیَتَکَ

عافیت را برایم بگستران.۱/۲۳

گستراندن احسان الهی، بر بنده

وَ ابْسُطْ عَلَیَّ طَوْلَکَ

و بخشش خود را بر من بگستر.۲۴/۳۱

گستراندن کرامت الهی، برای بنده

وَ أَفْرِشْنِی مِهَادَ کَرَامَتِکَ

و بسترهای کرامتت را برای من بگستر.

۱/۴۱

گستردگی روزی خدا، بر معصیت کار

رِزْقُکَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاکَ

روزیِ تو برای کسی که تو را نافرمانی کرده، گسترده است.۱۶/۴۶

گستردگی رحمت خدا، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمُ عَرَفَهَ یَوْمٌ... نَشَرْتَ فِیهِ رَحْمَتَکَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که رحمتت را در آن گسترده ای.۶۶/۴۷

گسستگی

از هم گسیختن صفات، نزد خدا

وَ تَفَسَّخَتْ دُونَکَ النُّعُوتُ

و صفت ها نزد تو، از هم گسسته.۷/۳۲

از هم گسیختن اوصاف، پیش از وصف خدا

وَ تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِکَ الصِّفَاتُ

و توصیف ها پیش از رسیدن به وصف تو، از هم گسیخته اند.۱۲/۴۶

گشایش

گشایش درهای علم به ربوبیّت خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا... فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِیَّتِهِ

ص : ۱۰۲۹

و سپاس خدای را که درهایی از علم به پروردگاری اش را بر ما گشود.۱۰/۱

به هم پیوستن ابزار بسط و گشاد، در (بدن) بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی رَكَّبَ فِینَا آلَاتِ الْبَسْطِ

و سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را در ما به هم پیوست.۲۰/۱

فرشتگان، آورندگان گشایش خوشایند

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَهِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَكْرُوهِ مَا یَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ وَ مَحْبُوبِ الرَّخَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، که بلای ناخوشایند و آسایش خوشایند به سوی اهل زمین می فرستی.

۱۷و۱۱و۱۰/۳

گشودن راه گفتاری نیکو، درباره فرشتگان

اللَّهُمَّ... فَصَلِّ عَلَیْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِیهِمْ

خداوندا پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست.۲۶/۳

خدا و گشایش گِره ناگواری ها

یَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ

ای کسی که گره های سختی ها به واسطه او باز می شود.۱/۷

رفتن به سوی آسایش فرج و گشایش

وَ یَا مَنْ یُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ

و ای کسی که رهایی و رفتن به سوی آسایشی فراخ، از او درخواست می شود.۱/۷

نبود گشاینده ای، برای آنچه خدا بسته

وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ

و برای آنچه بستی، گشاینده ای نیست.

۷/۷

نبود بستنده ای، برای آنچه خدا گشوده

وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ

و برای آنچه گشودی، بستنده ای نیست.

۷/۷

باز کردن درِ گشایش، برای بنده

وَ افْتَحْ لِی یَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِکَ

و ای پروردگار من، به فضل خود درِ آسایش را به رویم بگشای.۸/۷

گشایشی بی رنج

وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَهً وَ فَرَجًا هَنِیئًا

و از جانب خویش رحمت و گشایشِ گوارا به

ص : ۱۰۳۰

من ببخش.۸/۷

گشایش درِ توبه

سُبْحَانَکَ، لَا أَیْأَسُ مِنْکَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لِی بَابَ التَّوْبَهِ إِلَیْکَ

پاک و منزّهی تو، از تو که درِ توبه را به رویم گشوده ای، ناامید نمی شوم.۷/۱۲

وَ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ تَوْبَتِکَ...

و درهای توبه ات را بر من بگشای.۱۳۲/۴۷

سلامتی از سختی، با گشایش الهی

وَ اجْعَلْ... سَلَامَتِی مِنْ هَذِهِ الشِّدَّهِ إِلَی فَرَجِکَ

و تندرستی ام از این سختی را به گشایشت قرار ده.۶/۱۵

گشودن آنچه شیطان ببندد

اللَّهُمَّ احْلُلْ مَا عَقَدَ، وَ افْتُقْ مَا رَتَقَ

خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن. و آنچه بست، بگشا.۱۲/۱۷

گشایش دست بنده

وَ بِسَعَتِکَ، فَابْسُطْ یَدِی

و به توانگری ات گشاده دستم گردان.۴/۲۲

آرزو کردن گشایشی بهتر

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّی لَا أَرَی نِعْمَهً مِنْ نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِی

أَفْضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنْکَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.۱۲/۲۲

گشایش دل بنده، برای مقاصد دینی

وَ اشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِینِکَ قَلْبِی

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

بازداشتن دشمنان، از دست گشایی اشان بر مرزداران اسلام

وَ اقْبِضْ أَیْدِیَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ

و دست هایشان را از گشودن بازدار.۵/۲۷

گشودن دیده هدایتِ جاهل به قدرت خدا و منکر فضلش

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِیطًا، وَ تَعَاطَی مَا نَهَیْتَ عَنْهُ تَغْرِیرًا. کَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِکَ عَلَیْهِ، أَوْ کَالْمُنْکِرِ فَضْلَ إِحْسَانِکَ إِلَیْهِ حَتَّی إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَی، وَ تَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَائِبُ الْعَمَی... فَرَأَی کَبِیرَ عِصْیَانِهِ کَبِیرًا وَ جَلِیلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِیلًا

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده. مانند نادان به قدرت تو بر خودش، یا انکارکننده بسیاری فضل تو به خودش. امّا همین

ص : ۱۰۳۱

که چشم هدایت برای او گشوده شد و ابرهای کوری از مقابلش کنار رفت، پس گناه بزرگش را بزرگ و ناسازگاری سترگش را سترگ دانست.

۷و ۶/۳۱

باز بودن دهان کژدم های دوزخ

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ عَقَارِبِهَا الْفَاغِرَهِ أَفْوَاهُهَا

و از عقرب های آن که دهانشان گشوده است، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

قرآن، گشاینده پندها

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِمَا طَوَتِ الْغَفْلَهُ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الِاعْتِبَارِ نَاشِرًا

و قرآن را گشاینده پندهایی که غفلت از دید ما می پوشاند، قرار ده.۱۰/۴۲

روان گرداندن گشایش زندگانی، به سوی بندگان

وَ سُقْ إِلَيْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَيْشِ وَ خِصْبَ سَعَهِ الْأَرْزَاقِ

و به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده.

۱۲/۴۲

گشایش دری به سوی عفو الهی

أَنْتَ الَّذِی فَتَحْتَ لِعِبَادِکَ بَابًا إِلَى عَفْوِکَ

تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده ای.۱۰/۴۵

گشایش درْ و به پا داشتن راهنما

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِکَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَهِ الدَّلِيلِ

پس – بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما – عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!۱۱/۴۵

نگشودن زبان طعنه زنندگان، بر بندگان

وَ لَا تَبْسُطْ عَلَيْنَا فِيهِ أَلْسُنَ الطَّاعِنِينَ

و زبان طعنه زنندگان را در آن (ماه) بر ما نگشا.

۴۷/۴۵

گشایش درِ رحمت الهی، برای خواستاران

بَابُکَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِینَ

درِ تو برای آنان که خواهانند، باز است.

۱۴/۴۶

گشایشی در پایانِ (امورِ) بنده مغرور به کرم الهی

مَا أَبْعَدَ غَايَتَهُ مِنَ الْفَرَجِ

چه دور است که در پایان (کار) او گشایش حاصل شود!۲۰/۴۶

گشایش دست خدا، به نیکی ها

سُبْحَانَکَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَکَ

پاک و منزّهی! دستت را به نیکی ها گشوده ای.

۲۵/۴۷

گشایشی آسان، برای ولیّ خدا

وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا یَسِیرًا

و برای او پیروزی به آسانی بگشای.۶۱/۴۷

دست گشایی ولیّ خدا، بر دشمنان

وَ ابْسُطْ یَدَهُ عَلَی أَعْدَائِکَ

و دستش را بر دشمنانت بگستر.۶۳/۴۷

گشایش درِ روزی

وَ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ... رِزْقِکَ الْوَاسِعِ

و درهای روزی فراخت را بر من بگشای.

۱۳۲/۴۷

گشایش درِ رحمت و مهربانی خدا

وَ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ... رَحْمَتِکَ وَ رَأْفَتِکَ...

و درهای رحمت و رأفتت را بر من بگشای.

۱۳۲/۴۷

گشایش، با آمرزش الهی

تَوَسَّعْ عَلَیَّ بِمَغْفِرَتِکَ

به آمرزشتْ به من گشایش ده.۸/۴۸

شتاب خدا، به گشایش

وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ... وَ التَّأْیِیدَ لَهُمْ

و در فرج و تأیید آنان، شتاب فرما.۱۱/۴۸

بخشیدن گشایش به بندگان، از جانب خدا

وَ هَبْ لَنَا یَا إِلَهِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجًا بِالْقُدْرَهِ الَّتِی بِهَا

تُحْیِی أَمْوَاتَ الْعِبَادِ

و ما را – ای خدای من – از جانب خود به توانایی ای که با آن بندگان مرده را زنده می کنی، گشایش ده.۱۳/۴۸

گفتار سخن

گلو

برگرداندن مکرِ قصدبدکننده درباره بنده، در گلوگاهش

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ رُدَّ کَیْدَهُ فِی نَحْرِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و فریبش را به گلوگاهش بازفرست.

۷/۲۳

حسود و گلوگیری خشمش

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... شَجِیَ مِنِّی بِغَیْظِهِ

و چه بسیار حسودی که سختی خشمش از من، گلویش را گرفت.۹/۴۹

گلوگاه

رسیدن جان ها، به گلوگاه

هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا... تَرَادُفَ

الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّرَاقِیَ

به وسیله قرآن هنگام مرگ، خرناسه های پی درپی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسد.۱۳/۴۲

گلوگیر

اندوهِ حسود، گلوگیر او

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بِی بِغُصَّتِهِ

و چه بسیار حسودی که به خاطر من اندوهش گلوگیر او شد.۹/۴۹

گِله شکایت

گماشتن

گماشتگی فرشتگان، بر کوه ها

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الْمُوَکَّلِینَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و گمارده شدگان به کوه ها تا فرونپاشد.۱۵و۱۱و۱۰/۳

جهل بنده به کاری که فرشته به آن گماشته شده

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ

قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِکْرَهُ، وَ لَمْ نَعْلَمْ مَکَانَهُ مِنْکَ، و بِأَیِّ أَمْرٍ وَکَّلْتَهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و جایگاهش را در پیشگاه تو و مأموریّتی که او را (به آن) برگماشته ای، نمی دانیم.۲۲و۱۱و۱۰/۳

گماشته شدن برای دوستی خدا

وَ احْفَظْنَا... حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِیَتِکَ... مُسْتَعْمِلًا لِمحَبَّتِکَ

و ما را نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از نافرمانی تو بازدارد و در جهت دوستی تو به کار برد.۱۷/۶

واداشتن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به رساندن پیام الهی

حَمَّلْتَهُ رِسَالَتَکَ فَأَدَّاهَا

رسالت خود را بر او دادی، پس آن را انجام داد.۲۲/۶

به کار بستن سنّت الهی

وَ لَا تَشْغَلْنِی بِالِاهْتِـمَامِ عَنْ... اسْتِعْمَالِ سُنَّتِکَ

و مرا به سبب غم و اندوه از انجام سنّت خود بازمدار.۹/۷

گماشته شدن به امری، جهت اصلاح نفْس

اللَّهُمَّ إِنَّکَ کَلَّفْتَنِی مِنْ نَفْسِی مَا أَنْتَ أَمْلَکُ بِهِ مِنِّی

ص : ۱۰۳۴

خداوندا مرا - درباره (اصلاح) نفسم - به کاری گماشتی که تو از من به آن تواناتری.

۱/۲۲

به کار بستن آموخته ها

وَ وَفِّقْنِی لِلنُّفُوذِ فِیما تُبَصِّرُنِی مِنْ عِلْمِهِ حَتَّی لَا یَفُوتَنِی اسْتِعْمَالُ شَیْ‏ءٍ عَلَّمْتَنِیهِ

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا به کار بستنِ آنچه به من آموختی، از دستم نرود.۳/۲۴

واداشتن جنگجو یا مرزدار، به جهاد

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِیًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ شَحَذَهُ عَلَی جِهَادٍ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را بر جهاد تشویق کرد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

وادار نمودن فرمانبر بر امری، و پاداش او

وَ لَوْ کَافَأْتَ الْمُطِیعَ عَلَی مَا أَنْتَ تَوَلَّیْتَهُ لَأَوْشَکَ أَنْ یَفْقِدَ ثَوَابَکَ

و اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می داد.۱۲/۳۷

گماشتن اسبابی، برای سیدن به آمرزش الهی

لَمْ تَحْمِلْهُ عَلَی الْمُنَاقَشَاتِ فِی الْآلَاتِ الَّتِی تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَی مَغْفِرَتِکَ

از او نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها، به آمرزش تو نائل شد، حسابکشی سخت نکردی.

۱۳/۳۷

گماشتن رحمت خدا، به برداشتن بارِ گران بنده

وَ وَکِّلْ رَحْمَتَکَ بِاحْتِمَالِ إِصْرِی

و رحمتت را به تحمّل بار سنگینم بگمار.

۹/۳۹

واداشتن اطاعت کنندگان، به اموری

وَ خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِینَ

و دلم را به سوی آنچه اطاعت کنندگان را به آن گماشته ای، متوجّه ساز.۹۲/۴۷

ستمگر و گماشتن مراقبت خود، بر بنده

کَمْ مِنْ بَاغٍ... وَکَّلَ بِی تَفَقُّدَ رِعَایَتِهِ

چه بسیار ستمگری که مراقبت و جستجویش را بر من گماشت.۷/۴۹

بندگانْ خواستار گماشته شدن به:

أ. آنچه سالم تر است

ص : ۱۰۳۵

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا هُوَ أَسْلَمُ

و مرا به آنچه سالم تر است، بگمار.

۱۳/۱۴

ب. آنچه خدا از آن بازپرسی می نماید

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا تَسْأَلُنِی غَدًا عَنْهُ

و مرا به کاری که فردا از آن بازپرسی می نمایی وادار.۳/۲۰

ج. کار پسندیده تر نزد خدا

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا هُوَ أَرْضَی

و مرا به پسندیده ترین رفتار وادار.

۱۶/۲۰

د. نیکی در کارها

وَ سُمْنِی حُسْنَ الْوِلَایَهِ

و مرا به نیکی در کارهایی که به آن قیام می نمایم، بگمار.۲۲/۲۰

هـ. اطاعت از خدا

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ فِی أَیَّامِ الْمُهْلَهِ

و مرا در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار.۲۹/۲۰

و. آنچه خدا الهام کند

ثُمَّ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا تُلْهِمُنِی مِنْهُ

...آنگاه مرا به آنچه به من الهام می کنی،

وادار.۳/۲۴

ز. آنچه سبب کفّاره گناهان شود

وَ اسْتَعْمِلْنَا بِمَا یَکُونُ حِطَّهً وَ کَفَّارَهً لِمَا أَنْکَرْتَ مِنَّا فِیهِ بِرَأْفَتِکَ الَّتِی لَا تَنْفَدُ

و به مهربـانی ات که نـابود نمی شود، ما را در این (ماه) به کاری که سـبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار.۴۷/۴۵

ح. آنچه خدا دوستانش را به آن بگمارد

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَکَ

و مرا به آنچه دوستانت را به آن می گماری، وادار کن.۱۳۰/۴۷

ط. رها نکردن چیزی از دین خدا

اسْتَعْمِلْنِی فِی مَرْضَاتِکَ عَمَلًا لَا أَتْرُکُ مَعَهُ شَیْئًا مِنْ دِینِکَ مَخَافَهَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.۶/۵۴

آنچه بندگان خواستار گماشتگی اندامشان به آنند:

أ. آنچه خدا از بنده می پذیرد

وَ اسْتَعْمِلْ بَدَنِی فِیما تَقْبَلُهُ مِنِّی

ص : ۱۰۳۶

و بدنم را در آنچه از من می پذیری به کار گیر.۹/۲۱

ب. انجام خوشنودسازنده خدا، در ماه رمضان

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ...

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما.۶/۴۴

گمان

تفضّل خدا و گمان نیک بردن به او

يَحْدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفَضُّلُكَ عَلَى مَنْ... وَفَدَ بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ

وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضّل تو به آنکه با گمان نیک به سوی تو آید.۳/۱۲

حاجت خواستن از جای بی گمان

فَمَنْ... رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِكَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَانِّهَا

پس هر که برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواهد، مسلّماً نیازمندی اش را از جایگاهی بی گمان طلب کرده.۱۳/۱۳

گمان بد نبردن به والدین

فَإِنِّي لَا أَتَّهِمُهُمَا عَلَى نَفْسِي

زیرا من درباره خود، به آنان گمانِ بد نمی برم.

۹/۲۴

خوش گمانی نسبت به همسایگان

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أَسْتَعْمِلُ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَّتِهِمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که درباره همه آنان، به خوش گمانی رفتار کنم.۳/۲۶

بدگمانی در روزی

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمانْ به بدگمانی، آزمودی.۱/۲۹

دردست گیرنده مهار بنده، در بدگمانی

قَدْ مَلَکَ الشَّیْطَانُ عِنَانِی فِی سُوءِ الظَّنِّ...

شیطانْ افسار مرا در بدگمانی به دست گرفت.

۲۷/۳۲

گمانِ پست بودن فقیر

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِذِی عَدَمٍ خَسَاسَةً

و مرا از اینکه به فقیری گمانِ پستی برم، حفظ فرما.۴/۳۵

گمانِ برتر بودن ثروتمند

ص : ۱۰۳۷

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ... أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرْوَهٍ فَضْلًا

و مرا از اینکه به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما.۴/۳۵

گمان نیک به خدا و طلب قرب او

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَیْکَ بِمَا لَا یَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْکَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِکَ بِالْإِنَابَهِ إِلَیْکَ... وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام. سپس بازگشت به سوی تو و خوش گمانی به تو را، در پی آن روانه ساخته ام.۷۳و۷۲/۴۷

به حقیقت پیوستن گمان های نیک

وَ کَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ

و چه بسیار گمان نیکو که به حقیقت پیوستی.

۱۲/۴۹

گمراهی

(ناسپاسان)، گمراه تر از چهارپایان

...وَ لَوْ کَانُوا کَذَلِکَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِیَّهِ إِلَی حَدِّ الْبَهِیمِیَّهِ، فَکَانُوا کَمَا وَصَفَ فِی مُحْکَمِ کِتَابِهِ: إِنْ هُمْ إِلَّا کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِیلًا

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رومی آوردند. پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده: «آنها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه ترند.»۹/۱

راهنمایی خدا و گمراهی گمراه کنندگان

اللَّهُمَّ... مَنْ هَدَیْتَ لَمْ یُغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّینَ

خداوندا هر که را تو راهنمایی نمودی، گمراهی گمراه کنندگان او را گمراه نکرد.۱۲/۵

توفیق راهنمایی گمراه

وَفِّقْنَا فِی یَوْمِنَا هَذَا وَ لَیْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِی جَمِیعِ أَیَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ إِرْشَادِ الضَّالِّ

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و راهنمایی گمراهان، توفیق ده.۱۸/۶

طمع شیطان، در گمراه نمودن بندگان

َّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یُطْمِعَ نَفْسَهُ فِی إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِکَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت طمع کند، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

رستگاری در برابر گمراهی

ص : ۱۰۳۸

وَ أَمْتِعْنَا مِنَ الْهُدَى بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ

و ما را به اندازه گمراهی او (شیطان)، از رستگاری ات بهره مند گردان.۵/۱۷

توشه تقوا و گمراهی شیطان

وَ زَوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَى ضِدَّ غَوَايَتِهِ

و بر ضدّ گمراهی او (شیطان)، ما را از پرهیزکاری توشه ده.۵/۱۷

سبب گمراه نشدن بنده

وَ لَا أَضِلَّنَّ وَ قَدْ أَمْكَنَتْكَ هِدَايَتِي

و (چنان کن که) گمراه نگردم، در حالی که می توانی هدایتم کنی.۱۴/۲۰

احسانِ راهنمایی به بنده، قبل از گمراهی

فَامْنُنْ عَلَيَّ... قَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ

پس پیش از گمراهی، با راهنماییْ بر من منّت گذار.۲۰/۲۰

گمراه نساختن بنده، به توانگری

وَ لَا تَفْتِنِّي بِالسَّعَهِ

و به توانگری گمراهم مکن.۲۲/۲۰

گمراهی، نتیجه مکر نمودن شیطان با بنده

وَ إِلَّا تَصْرِفْ عَنَّا كَيْدَهُ يُضِلَّنَا

و اگر فریب او را از ما بازنداری، گمراهمان کند.۷/۲۵

مرزداران اسلام و دارایی گمراه کننده

وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ

و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن.۴/۲۷

گمراه نمودن دشمنان مرزداران اسلام

وَ ضَلِّلْهُمْ عَنْ وَجْهِهِمْ

و از هدفشان گمراهشان نما.۵/۲۷

گمراهی خِرد، علّت درخواست نیازمند از نیازمند

وَ رَأَیْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُـحْتَاجِ إِلَی الْمُـحْتَاجِ... ضَلَّهٌ مِنْ عَقْلِهِ

و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از گمراهی خِرد است.۵/۲۸

گمراهی اوصاف، درباره خدا

ضَلَّتْ فِیکَ الصِّفَاتُ

اوصاف در تو گمراه گشته.۷/۳۲

مهلت خواهی شیطان برای گمراه نمودن بنده

وَ قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَیَّ عَدُوُّکَ الَّذِی اسْتَنْظَرَکَ لِغَوَایَتِی فَأَنْظَرْتَهُ

و دشمن تو که برای بیراهه بردن من از تو فرصت خواست، پس فرصتش دادی، بر من چیره

شده است.۱۲/۳۲

شیطان و گمراه کردن بنده

وَ اسْتَمْهَلَكَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ لِإِضْلَالِی فَأَمْهَلْتَهُ

و برای گمراه کردنم از تو - تا روز جزا - مهلت طلبید، پس مهلتش دادی.۱۲/۳۲

گم نکردن مهربانی خدا

لَا أَعْدَمُ بِرَّكَ

نیکی ات از دستم نمی رود.۲۶/۳۲

گمراه نگشتن از راه خدا

وَ لَوْ لاَ أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِی مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ

و اگر او باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی داد، هیچ گمراهیْ از راه تو گمراه نمی شد.۹/۳۷

مردن در حال گمراه نبودن

أَمِتْنَا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ

ما را ره یافتگانِ ناگمراه، بمیران.۵/۴۰

عامل راه یابی در تاریکی های گمراهی

وَ جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِی مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَهِ وَ الْجَهَالَهِ بِاتِّبَاعِهِ

و آن (قرآن) را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی

ره یابیم.۳/۴۲

قصد کردن روش قرآن و گمراه نشدن

وَ جَعَلْتَهُ... عَلَمَ نَجَاهٍ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ

و آن را نشانه نجاتی قرار دادی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود.۳/۴۲

درِ توبه و گمراه نشدن بنده از آن

وَ جَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ وَحْيِكَ لِئَلَّا يَضِلُّوا عَنْهُ

و بر آن درْ از وحی خود، راهنمایی قرار داده ای تا از آن گمراه نشوند.۱۰/۴۵

دشمنِ گمراه کننده

وَ حُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَدُوٍّ يُضِلُّنِي

و میان من و دشمنی که مرا گمراه می کند، جدایی انداز.۹۹/۴۷

دستگیری بنده، از وحشت گمراهان

وَ لَا تَرْمِ بِي رَمْيَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ... بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ... وَهْلَةِ الْمُتَعَسِّفِينَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از وحشت گمراهان، دستم را بگیر (نجاتم ده).۱۰۴/۴۷

بنده را سبب گمراهی قرار ندادن

وَ لَا تَجْعَلْنِي... فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ

و مرا موجب گمراهیِ بینندگان، قرار نده.

۱۲۴/۴۷

خواهش نفس و گمراهی بنده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ قَدْ غَلَبَ عَلَیْهِ الْأَمَلُ، وَ فَتَنَهُ الْهَوَی

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که آرزو بر او چیره گشته، و خواهش نفس او را گمراه نموده است.

۹و۸/۵۲

آزمایش های گمراه کننده

نَجِّنِی مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ

مرا از آزمایش های گمراه کننده نجات ده.

۸/۵۴

گم شدن فقدان

گناه خطا و نیز نافرمانی

بدی مفارقت از روز، با ارتکاب گناه

وَ اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِکَابِ جَرِیرَهٍ، أَوِ اقْتِرَافِ صَغِیرَهٍ أَوْ کَبِیرَهٍ

و از بدیِ جدایی از آن (روز)، بر اثر انجام گناهی یا مرتکب شدن گناه صغیره یا کبیره، حفظمان کن.۱۳/۶

توبه پذیرفته شده و سرزنش نشدن بعد از آن، به خاطر گناه

وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِی عَلَیْنَا کَتَبَهُ أَعْمَالِنَا. تَوْبَهً مَقْبُولَهً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَی ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ

و پایان آنچه نویسندگان کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده که ما را پس از آن بر گناهِ انجام شده توبیخ نکنی.۳/۱۱

گذشت از گناه بزرگ

أَتُوبُ إِلَيْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ... التَّجَاوُزَ عَنِ الْإِثْمِ الْجَلِیلِ لَا یَسْتَصْعِبُکَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند درگذشتن از معصیت بسیار، بر تو دشوار نیست.۱۳و۱۲/۱۲

چشم پوشی خدا، از جرم های بسیار زشت

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ... احْتِمالَ الْجِنَایَاتِ الْفَاحِشَهِ لَا یَتَکَأَّدُکَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند چشم پوشی از جرم های بسیار زشت بر تو سخت نمی باشد.

۱۳و۱۲/۱۲

جلوه دادن لغزش گنهکاران، توسّط نفس

اللَّهُمَّ وَ لِی إِلَیْکَ حَاجَهٌ قَدْ... سَوَّلَتْ لِی نَفْسِی رَفْعَهَا إِلَی مَنْ یَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَیْکَ... وَ هِیَ زَلَّهٌ مِنْ زَلَلِ

ص : ۱۰۴۱

الْخَاطِئِينَ، وَ عَثْرَةٌ مِنْ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده برایم می آراید. و این لغزشی از لغزش های خطاکاران و افتادنی از افتادن های گناهکاران است.۱۵/۱۳

فریادرسی جستن گنهکاران

اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَغِيثُ الْمُذْنِبُونَ

خداوندا ای کسی که گناهکاران به رحمت او فریادرسی می جویند.۱/۱۶

به سر رسیدن عمر، با گناه

وَ أَنَا الَّذِی أَفْنَتِ الذُّنُوبُ عُمُرَهُ

و منم آنکه گناهان عمرش را به فنا داده.

۱۴/۱۶

اصلاح کار گنهکاران

وَ إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی طَمَعًا فِی رَأْفَتِكَ الَّتِی بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست - .۲۸/۱۶

باریک گشتن گردن بنده، از گناهان

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِی قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را

باریک نموده.۲۹/۱۶

منّت قرار ندادن بر بنده، از جانب گنهکار

وَ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً

و برای بدکار و کافر، بر من منّت قرار نده.

۱۲/۲۱

شیطان و دلیر نمودن بنده، بر (انجام) گناه

إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَهٍ شَجَّعَنَا عَلَیْهَا

اگر گناه بزرگی را قصد کنیم، (شیطان) ما را بر آن دلیر گردانَد.۷/۲۵

نگه داشته شدگان از گناه

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمَعْصُومِینَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الزَّلَلِ وَ الْخَطَاءِ بِتَقْوَاکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با ترس از تو، از گناهان و نادرستی و خطا نگه داشته شده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

فاصله ای میان بنده و گناه

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُـحَالِ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به قدرت تو میان آنها و گناهان فاصله افتاده، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

بازیچه شدن در دست های گناهان

هَذَا مَقَامُ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَیْدِی الذُّنُوبِ

ص : ۱۰۴۲

این مقام کسی است که بازیچه دست های گناهان گردیده.۶/۳۱

بزرگ نبودن آمرزش گناه بزرگ، نزد خدا

...لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِی لَا يَتَعَاظَمُهُ غُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ

...زیرا تویی پروردگار کریمی، که آمرزش گناه بزرگ در نظر تو بزرگ نیست.۱۰/۳۱

افتادنْگاه های گناهان

وَ ارْفَعْنِی عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتُ لَكَ نَفْسِی

و مرا از افتادنْگاه های گناهان، بلند گردان، چنانکه خود را برای تو فروافکنده ام.۱۲/۳۱

توبه نمودن از گناهان کوچک و بزرگ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَيْكَ فِی مَقَامِی هَذَا مِنْ كَبائِرِ ذُنُوبِی وَ صَغَائِرِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان بزرگ و کوچکم به درگاهت توبه می کنم.۱۴/۳۱

توبه شکستن و بازگشت به گناه

اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ وَ هُوَ فِی عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ... عَائِدٌ فِی ذَنْبِهِ وَ خَطِيئَتِهِ، فَإِنِّی أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ

خداونـدا، هر بنده ای که به درگاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که

اینچنین باشم.۲۰/۳۱

استغفار و فروریختن گناهان

وَ إِنْ يَكُنِ الِاسْتِغْفَارُ حِطَّةً لِلذُّنُوبِ فَإِنِّی لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ

و اگر درخواست آمرزشْ سبب ریختن گناهان است، پس من به درگاه تو از آمرزش خواهانم.

۲۸/۳۱

پذیرش توبه گنهکاران

إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَی الْمُذْنِبِینَ

همانا تو توبه گنهکاران را می پذیری.

۲۹/۳۱

دوری نکردن از گناه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ کُلِّ إِثْمٍ عَرَضَ لِی فَلَمْ أَهْجُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از هر گناهی که برایم پیش آمد، پس از آن دوری نکردم.

۱/۳۸

حرص ورزیدن به گناه

وَ ازْوِ حِرْصِی عَنْ کُلِّ مَأْثَمٍ

و حرص مرا از هر گناهی دور کن.۱/۳۹

گناهان سنگین بارکننده

وَ أَسْتَحْمِلُکَ مِنْ ذُنُوبِی مَا قَدْ بَهَظَنِی حَمْلُهُ

و از تو می خواهم گناهانم را از من برداری که حملش بر من فشار می آورد.۸/۳۹

رهایی از منجلابِ گنهکاران

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَهَ مَنْ قَدْ... خَلَّصْتَهُ بِتَوْفِیقِکَ مِنْ وَرَطَاتِ الْمُـجْرِمِینَ

و مرا اسوه کسی گردان که به توفیق خود، او را از منجلاب های مجرمان، رهاندی.۱۰/۳۹

ناامید نگشتن گنهکاران، از خدا

فَأَمَّا أَنْتَ یَا إِلَهِی فَأَهْلٌ أَنْ... لَا یَیْأَسَ مِنْکَ الْمُـجْرِمُونَ

و امّا تو ای خدای من، پس شایسته ای که گنهکاران از تو مأیوس نگردند.۱۳/۳۹

عامل شستن وابستگی به گناه

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَائِقَ أَوْزَارِنَا

و به وسیله آن (قرآن)، چرکی دل هایمان و وابستگی های گناهانمان را بشوی.۱۱/۴۲

رسوا نشدن با گناهان تباه سازنده

وَ لَا تَفْضَحْنَا فِی حَاضِرِی الْقِیَامَهِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا

و ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضرانِ قیامت، رسوا نکن.۱۴/۴۲

چرکین نشدن رمضان، به وسیله گناهان

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ هِلَالَ... طَهَارَهٍ لَا تُدَنِّسُهَا الْآثَامُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه طهارتی قرار دهد، که گناهان آن را آلوده نکند.

۴/۴۳

حفظ بندگان از گناه، در هر ماه نو

وَ اعْصِمْنَا فِیهِ مِنَ الْحَوْبَهِ، وَ احْفَظْنَا فِیهِ مِنْ مُبَاشَرَهِ مَعْصِیَتِکَ

و ما را در آن (ماه) از گناه حفظ کن و ما را در آن از انجام دادن نافرمانی ات نگهدار.۶/۴۳

کردارهای پاکیزه و پاک شدن از گناه

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاکِیَهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی.

۱۰/۴۴و۱۱

رمضان، محوکننده گناهان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَمْحَاکَ لِلذُّنُوبِ

درود بر تو. چه محوکننده بودی، گناهان را!.

۳۱/۴۵

طولانی بودن ماه رمضان، بر گنهکاران

ص : ۱۰۴۴

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا کَانَ أَطْوَلَکَ عَلَی الْمُـجْرِمِینَ

درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران!.

۳۲/۴۵

ارتکاب گناه، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَا أَلْمَمْنَا بِهِ فِی شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ، أَوْ وَاقَعْنَا فِیهِ مِنْ ذَنْبٍ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اعْفُ عَنَّا بِعَفْوِکَ

خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم یا گناهی که در آن انجام دادیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به عفو خود از ما درگذر.۴۷/۴۵

عید فطر ، نابود کننده ترین روزها برای گناه

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَیْرِ یَوْمٍ مَرَّ عَلَیْنَا... أَمْحَاهُ لِذَنْبٍ

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که محوکننده ترین آن، برای گناه باشد.۴۸/۴۵

عید فطر و آمرزش گناه

وَ اغْفِرْ لَنَا مَا خَفِیَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَ مَا عَلَنَ

و گناهان پنهان و آشکار ما را بیامرز.

۴۸/۴۵

پرهیز از گناه، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... اتَّقَی ذُنُوبَهُ حَقَّ تُقَاتِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ

مِنْ وُجْدِکَ

خداوندا و هر کس از گناهان خویش به طوری که حقِّ پرهیز کردن بوده پرهیز نموده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.

۵۰/۴۵

توبه بندگان از هر گناهی، در روز عید فطر

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا... مِنْ کُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ... تَوْبَهَ مَنْ لَا یَنْطَوِی عَلَی رُجُوعٍ إِلَی ذَنْبٍ

خداونـدا مـا در روزِ فطرمان، از هر گناهی که آن را مرتکب شـده ایم، به درگاه تو توبه می کنیم. توبه کسـی که بازگشـتن به گناه را در دل ندارد.

۵۲/۴۵

زیر بار گناهان بزرگ رفتن

هَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ... مُعْتَرِفًا بِعَظِیمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ

اینک منم در پیشگاه تو، اعتراف کننده به بزرگی گناهانی که زیر بار آن رفته ام.۶۹/۴۷

عطای ستر و پوشش، به گناهکار

فَعُدْ عَلَیَّ بِمَا تَعُودُ بِهِ - عَلَی مَنِ اقْتَرَفَ - مِنْ تَغَمُّدِکَ

پسْ بر من از پوششت، همان چیزی را که به کسی که گناه کرده می دهی، عطا کن.۷۰/۴۷

بنده، گنهکار درباره خود

أَنَا الْجَانِی عَلَی نَفْسِهِ

منم گنهکار بر خود.۸۲/۴۷

رسوایی های گناهان

أَشْعِرْ قَلْبِیَ الِازْدِجَارَ عَنْ... فَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ

دلم را به خودداری از نافرمانی های رسواکننده بپوشان.۱۰۷/۴۷

گرفتار شدن به گناهان بزرگ

وَ هَبْ لِی عِصْمَةً... تَفُكَّنِی مِنْ أَسْرِ الْعَظَائِمِ

و به من عصمتی بخش که از بند گناهان بزرگ رهایم سازد.۱۱۱/۴۷

شکیباییِ کیفرکننده گناه

تَغَمَّدْنِی فِیما اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی بِمَا یَتَغَمَّدُ بِهِ... الْآخِذُ عَلَی الْجَرِیرَهِ لَوْ لَا أَنَاتُهُ

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می پوشاند کیفرکننده بر گناه، (که) اگر شکیبایی اش نبود (کیفر می داد).۱۱۹/۴۷

عامل باقی نماندن گناهان بنده

وَ تُبْ عَلَیَّ تَوْبَةً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِیرَةً وَ لَا كَبِیرَةً

و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاری.۱۲۶/۴۷

نسنجیدن بنده، با گناهان بزرگ

وَ لَا تُقَایِسْنِی بِعَظِیماتِ الْجَرَائِرِ

و مرا با گناهان بزرگ مَسَنج.۱۲۹/۴۷

رحمت خدا و گناهان بنده

إِنِّی... لَمَغْفِرَتُكَ وَ رَحْمَتُكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِی

همانا آمرزش و رحمت تو، از گناهانم وسیع تر است.۴/۴۸

ایستادگی خطاکار، بر گناه

ثُمَّ لَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلَی عَظِیمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ

سپس اصرار بسیارِ آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازنداشت.۷/۴۸

اقرار بنده به گناه

أَتَیْتُکَ مُقِرًّا بِالْجُرْمِ وَ الْإِسَاءَهِ إِلَی نَفْسِی

به درگاه تو آمده ام، در حالی که اقرار به گناه و بدی بر خود دارم.۷/۴۸

اللَّهُمَّ إِنِّی أُصْبِحُ وَ أُمْسِی... مُعْتَرِفًا بِذَنْبِی

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که به گناهم اعتراف دارم.

۷/۵۲

فَأَنَا الْمُقِرُّ بِذَنْبِی

زیرا من به گناه خود، اقرار داشته ام.۴/۵۳

گناهان گذشته

وَ أَسْتَغْفِرُکَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِی

و برای گناهان گذشته ام از تو آمرزش می خواهم. ۲۶/۴۸

خدا، آمرزنده همه گناهان

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

به درستی که خدا همه گناهان را می آمرزد.

۲/۵۰

عدم کاهش پادشاهی خداوند، با نافرمانی گنهکاران

لَكِنْ... مُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ... تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْمُذْنِبِينَ

ولی پادشاهی ات پایدارتر از آن است که نافرمانی گنهکاران (چیزی) از آن بکاهد.۶/۵۰

بی گناهی و عذرآوری

أَسْأَلُكَ أَنْ... تَغْفِرَ لِي فَلَسْتُ بَرِيئًا فَأَعْتَذِرَ

از تو می خواهم که بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم.۷/۵۱

گناهان تباه سازنده بنده

وَ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِيَ الَّتِي قَدْ أَوْبَقَتْنِي

و به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته، پوزش می طلبم.۸/۵۱

هلاک ننمودن بنده، با گناهانش

وَ لَمْ تُهْلِكْنِي بِجَرِيرَتِي

و به گناهمْ مرا هلاک ننمودی.۱۱/۵۱

علم خدا به گناهان بنده

وَ اغْفِرْ لِي مَا تَعْلَمُ مِنْ ذُنُوبِي

و گناهانی را که از من می دانی، بیامرز.

۱۳/۵۱

عذاب نمودن بنده و اقرار او بر گنهکاری

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا الظَّالِمُ... الْآثِمُ...

اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار و گنهکارم.۱۴/۵۱

بسیار دانستن گناه

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنِ اسْتَكْثَرَ ذُنُوبَهُ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که گناهانش را بسیار دانسته است.۹و۸/۵۲

خاموش گشتن بنده، با گناهانش

رَبِّ أَفْحَمَتْنِی ذُنُوبِی

ای پروردگار من، گناهانم خاموشم نموده.

۱/۵۳

جایگاه خواران گناهکار

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِی مَوْقِفَ الْأَذِلَّاءِ الْمُذْنِبِينَ

خود را در جایگاه خوارانِ گناهکار واداشته ام.

۲/۵۳

درخواست مرتکب گناهان، از خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ سُوءَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ... وَ کَثُرَتْ ذُنُوبُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و گناهانش بسیار است.۳/۵۴

گنجایش

گنجیدن همه آفریدگان، در قدرت خدا

وَ أَنْتَ الَّذِی اتَّسَعَ الْخَلَائِقُ کُلُّهُمْ فِی وُسْعِهِ

و تویی آنکه همه آفریدگان در گستره قدرتش گنجیده اند.۱۰/۱۶

انجام واجبات و عدم گنجایش دارایی

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ لَکَ... وَ إِنْ... لَمْ یَسَعْهُ مَالِی وَ لَا ذَاتُ یَدِی

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه ثروت و دارایی ام گنجایش آن را نداشته باشد.۶/۲۲

گنجینه

خزانه داران باران

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ

قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ... خُزَّانِ الْمَطَرِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که خزانه داران بارانند.۱۳و۱۱و۱۰/۳

زمامداران خزانه های بادها

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الْقُوَّامِ عَلَی خَزَائِنِ الرِّیَاحِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و زمامداران بر گنجینه بادها.۱۵و۱۱و۱۰/۳

نابود نشدن گنجینه های رحمت الهی

وَ یَا مَنْ لَا تَفْنَی خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ

و ای کسی که گنج های رحمت او نابود نمی شود.۳/۵

عدم نابودی گنجینه های الهی، با خواهش بندگان

وَ یَا مَنْ لَا تُفْنِی خَزَائِنَهُ الْمَسَائِلُ

و ای آنکه درخواست ها، گنجینه های او را فانی نمی سازد.۷/۱۳

همیشگی بودن گنجینه های الهی

مَا زَوَیْتَ عَنِّی مِنْ مَتَاعِ الدُّنْیَا الْفَانِیَهِ فَاذْخَرْهُ لِی فِی خَزَائِنِکَ الْبَاقِیَهِ

ص : ۱۰۴۸

آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما.۵/۳۰

کالای دنیا و گنجینه های خداوند

وَ مَا زَوَیْتَ عَنِّی مِنْ مَتَاعِ الدُّنْیَا الْفَانِیَهِ فَاذْخَرْهُ لِی فِی خَزَائِنِکَ...

و آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های خود ذخیره فرما.۵/۳۰

گنجینه داران قرآن

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ الْخَطِیبِ بِهِ، وَ عَلَی آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ

پس بر محمّد که با آن سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست.۶/۴۲

کم نشدن گنجینه های الهی

إِنَّ خَزَائِنَکَ لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِیضُ

همانا گنجینه های تو کم نمی شود، بلکه فزونی می یابد.۵۰/۴۵

خزانه داران علم خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَی أَطَائِبِ أَهْلِ بَیْتِهِ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَهَ عِلْمِکَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را گنجینه داران علمت قرار دادی.۵۶/۴۷

گنگی

لال گرداندن زبان قصد بد دارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُخْرِسَ عَنِّی لِسَانَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا زبانش را درباره من لال کنی.۸و۷/۲۳

عامل گنگ کننده زبان ها، از فرو رفتن در باطل

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِی الْبَاطِلِ مِنْ غَیْرِ مَا آفَهٍ مُخْرِسًا

و قرآن را بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، قرار ده.

۱۰/۴۲

گوارایی

رحمت و گشایشی گوارا و بی رنج

وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَهً وَ فَرَجًا هَنِیئًا

و از جانب خویش رحمت و گشایشِ گوارا به من ببخش.۸/۷

تندرستی و گوارایی روزی های پاکیزه

ص : ۱۰۴۹

فَمَـا أَدْرِی، یَـا إِلَهِی، أَیُّ الْحَـالَیْنِ أَحَـقُّ بِـالشُّکْرِ لَـکَ؟... أَ وَقْتُ الصِّحَّهِ الَّتِی هَنَّأْتَنِی فِیهَـا طَیِّبَـاتِ رِزْقِـکَ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا

ای خـدای من نمی دانم کـدام یـک از این دو حـال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ آیـا وقت تنـدرستی که در آن روزی های پاکیزه ات را بر من گوارا نمودی؟ یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی؟۴-۲/۱۵

ابری متراکم و گوارا

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَ تُوَسِّعُ بِهِ فِی الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتَرَاکِمًا هَنِیئًا

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده، گوارا.۳و۱/۱۹

گوارایی فرمانبری از والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا... أَثْلَجَ لِصَدْرِی مِنْ شَرْبَهِ الظَّمْآنِ...

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده.۵/۲۴

گوارایی بخشش الهی

إِنَّ عَطَاءَکَ لَلْعَطَاءُ الْمُهَنَّا

به درستی که عطای تو، عطایی گواراست.

۵۰/۴۵

گواهی

جایگاه گواهان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... یُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ

و سپاس خدای را، سپاسی که با آن، منزلت ما را در جایگاه های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد.

۱۲و۱۰/۱

گواهی دادن مقرّبان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَی أَعْلَی عِلِّیِّینَ فِی کِتَابٍ مَرْقُومٍ یَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

و سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقرّبان الهی گواه آنند».

۱۳و۱۰/۱

گواه قرار دادن (ائمه علیهم السلام)، بر منکران

وَ جَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَی مَنْ جَحَدَ

و ما را بر کسانی که انکار کرده اند، شاهد گرداند.۲/۲

قیامت، روز آمدن هر کس با گواهش

ص : ۱۰۵۰

...يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ

...روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.۲۴/۳

هر روز نو، گواه آماده ای بر بندگان

وَ هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ، وَ هُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ

و این روزی نو و تازه و گواهی حاضر بر ماست.۱۲/۶

گواه راستینی از فرشتگان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ... شَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، گواه صادقی از فرشتگانت قرار ده.

۱۶/۶

گواه گرفتن خداوند

اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا

خداوندا من تو را گواه می گیرم و گواهی تو کافی است.۲۱/۶

گواه گرفتن آسمان و زمین و ساکنان آنها

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا...

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی را شاهد می گیرم.۲۱/۶

گواهی بنده

أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ و خِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ

همانا من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست و محمّد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین آفریدگانت است.۲۲و۲۱/۶

شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَايِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ

گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود.۱/۳۵

گواهان قیامت

وَ لَا تَکْشِفْ عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَی رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ

و در برابر گواهان، پرده ای که با آن ما را پوشانده ای کنار نزن.۴/۱۱

بی نیازی خدا، به گواهی شاهدان

وَ یَا مَنْ لَا یَحْتَاجُ فِی قَصَصِهِمْ إِلَی شَهَادَاتِ الشَّاهِدِینَ

و ای کسی که در سرگذشت های ایشان از گواهی شهادت دهندگان بی نیاز است.۲/۱۴

شگفت بنده از گواهی خود

سُبْحَانَکَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَی نَفْسِی

پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم.۲۵/۱۶

گواهی دهنده به پروردگاری خداوند

ص : ۱۰۵۱

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ شَهِدَ لَکَ بِالرُّبُوبِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به پروردگاری ات گواهی داد، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

گواهی باطل و تبدیل آن به حمد الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... أَوْ شَهَادَهِ بَاطِلٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت یا گواهی نادرست، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

گواهی بنده، درباره خود

...أَشْهَدُ بِذَلِکَ عَلَی نَفْسِی

...بر خود، به این مطلب گواهی می دهم.

۷/۲۱

گواه نگرفتن روزی، به روزه گرفتن

وَ لَا أَسْتَشْهِدُ عَلَی صِیَامِی نَهَارًا

و روزی را بر روزه داری ام شاهد نمی گیرم.

۱۷/۳۲

گواه بودن آفریدگان، بر تفضّل الهی

فَکُلُّ الْبَرِیَّهِ... شَاهِدَهٌ بِأَنَّکَ مُتَفَضِّلٌ عَلَی مَنْ عَافَیْتَ

پس همه آفریدگان گواهند که تو هر که را عافیت بخشی، به فضل رفتار نموده ای.۸/۳۷

گواه بودن قرآن، بر هر کتاب نازل شده

وَ جَعَلْتَهُ مُهَیْمِنًا عَلَی کُلِّ کِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ

و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای، گواه قرار دادی.۱/۴۲

گواهان و نور قرآن

وَ جَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ

و آن را نور هدایتی قرار دادی که برهانش از (دید) شاهدان، خاموش نمی شود.۳/۴۲

گواه بودن قرآن، بر حلال و حرام

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النِّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ... لِمَا عِنْدَكَ بِتَحْلِيلِ حَلَالِهِ وَ تَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا شاهد ما به آنچه نزد توست به حلال دانستن حلالش و حرام شمردن حرامش، باشد.۱۲/۴۲

سبب گواهی ندادن روز و شب ماه رمضان علیه بنده

وَ أَعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ، وَ فِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ، وَ الْخُشُوعِ لَكَ، وَ الذِّلَّهِ بَيْنَ يَدَيْكَ حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَهٍ، وَ لَا لَيْلُهُ بِتَفْرِيطٍ

و ما را در روزش به روزه داری آن و در شبش بر نماز و زاری به درگاهت و خشوع برای تو و

خواری در پیشگاهت، یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت و شبش به کوتاهی نمودن گواهی ندهد.

۱۷/۴۴

گواهی بنده، به تضییع و تباه ساختن

هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ... وَ شَهِدَ عَلَی نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و به تباه ساختن (نعمت ها)، به ضرر خود گواهی داده است.۱۵/۴۹

گودال

نگه داشتن بندگان، از گودال کفر

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّةِ الْكُفْرِ...

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر نگهدار.۱۲/۴۲

سبب نگونسار کردن ستمگر، در گودال

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِی تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ دَغَلَ سَرِيرَتِهِ... أَرْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی زُبْيَتِهِ، وَ رَدَدْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ

پس همین که - ای خدای مبارک و والای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی. و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی.

۸/۴۹

گور قبر

گوش

رسیدن برهان رسالت ، به گوش یاران محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ... اسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَاتِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که هنگامی که دلیل رسالت های خود را به گوششان رساند اجابت کردند...۳/۴

کر ساختن گوش قصدبدکننده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُصِمَّ عَنْ ذِکْرِی سَمْعَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا گوشش را از (شنیدن) یاد من، کر سازی.

۷/۲۳و۸

مانعی در برابر گوش ناظران

کَانَتْ عَافِیَتُکَ لَنَا... رَدْمًا دُونَ أَسْمَاعِهِمْ

عافیت بخشیدن تو برای ما مانعی در برابر گوش هایشان قرار داد.۲/۳۴

گوش ندادن به سخن بیهوده

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ، وَ

اسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ حَتَّى لَا نُصْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَغْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما. تا با گوش هایمان هیچ لغوی گوش ندهیم.۶/۴۴

سخن خدا و فراگیری گوش ها

وَ أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَیْبِكَ... عَلَى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ... لَمْ تَعِهِ أَسْمَاعُهُمْ

و تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی، گوش هایشان آن را فرانمی گرفت.

۱۴/۴۵

گوشت

گرداندن (جنین از حالت) خون بسته شده، به پاره ای گوشت

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ... كَمَا نَعَتَّ فِی كِتَابِكَ: نُطْفَةً ثُمَّ عَلَقَةً ثُمَّ مُضْغَةً ثُمَّ عَظْمًا

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خونِ بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی.۲۳/۳۲

به گوشت پوشاندن استخوان جنین

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ حَتَّى انْتَهَیْتَ بِی إِلَى تَمَامِ الصُّورَهِ... كَمَا نَعَتَّ فِی كِتَابِكَ: نُطْفَةً ثُمَّ عَلَقَةً ثُمَّ مُضْغَةً ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ كَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْمًا

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. تا اینکه مرا به صورت کامل رساندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خونِ بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشاندی.۲۳/۳۲

گوناگون

انواع آشامیدنی ها، در جوی های بهشتی

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِیهَا مِنْ... الْأَنْهَارِ الْمُطَّرِدَهِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَهِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از جوی هایی که به نوشیدنی های گوناگون روان شده، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

میوه های گوناگونِ درختان بهشتی

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَهِ بِصُنُوفِ الثَّمَرِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از درختانی که شاخه هایشان به انواع میوه ها خم گشته، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

گوناگونی حالات هر کس، جز خدا

وَ مَنْ سِوَاکَ... مُخْتَلِفُ الْحَالَاتِ

و غیر تو، در حالاتش گوناگون می باشد.

۱۱/۲۸

گونه

غرق شدن گونه ها در اشک ها

وَ غَرَّقَتْ دُمُوعُهُ خَدَّیْهِ، یَدْعُوکَ بِیَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

و دو گونه اش غرق اشک شده، تو را صدا می زند: ای مهربان ترین مهربانان.۹/۱۲

گیاه

روان بودن ابرها، برای رویاندن گیاه

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ، الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِکَ، الْمُونِقِ فِی جَمِیعِ الْآفَاقِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گیاهِ چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.۱/۱۹

گیجی سرگردانی

جلد ۳

ل

لباس

علّت جامه گرداندن شب، برای بندگان

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ... وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ

پس شب را برای آنان آفرید و آن را پوشش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر كنند.

۵/۶

رعد و برق، و لباس بلا

وَ لَا تُلْبِسْنَا بِهِمَا لِبَاسَ الْبَلَاءِ

و به سبب آن دو، جامه بلا بر ما نپوشان.

۱/۳۶

روز قیامت و جامه های امان

وَ اكْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِی نُشُورِنَا

و با آن (قرآن)، ما را در سهمناك ترین روز، هنگامی كه از قبرها سربرمی آوریم، به جامه های امان بپوشان.۱۱/۴۲

پوشاندن لباس عافیت، به بنده

وَ سَرْبِلْنِی بِسِرْبَالِ عَافِيَتِكَ

و لباس عافیت خود را به من بپوشان.

۱۱۲/۴۷

لبّیك

لبّیك گفتن به فرمان خدا

وَ أَنَا یَا إِلَهِی عَبْدُکَ الَّذِی أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ، فَقَالَ: لَبَّیْکَ وَ سَعْدَیْکَ

و من – ای خدای من – بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. پس گفت: اطاعت می کنم و گوش به فرمانم.

۱۳/۱۶

لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ، تَسْمَعُ مَنْ شَکَا إِلَیْکَ

در فرمانبری ات پابرجایم. کسی را که به درگاه تو شکایت کند، می شنوی.۱۲/۵۱

لحد

عامل گشاد گشتن تنگی لحدهای بندگان

وَ افْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِکَ فِی ضِیقِ مَلَاحِدِنَا

و به رحمتت، تنگی لحدهایمان را برای ما گشاد گردان.۱۴/۴۲

ص: ۱۰۶۱

لذّت

شب و دست یابی به لذّت و خوشی

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّیْلَ... لِیَنَالُوا بِهِ لَذَّهً وَ شَهْوَهً

پس شب را برای آنان آفرید تا به سبب آن خوشی و کام دل یابند.۵/۶

لذّت سلامتی

وَ أَذِقْنِی بَرْدَ السَّلَامَهِ

و گوارایی سلامتی را به من بچشان.۶/۱۵

سبب دریافتن لذّت آنچه خدا برای آن خوانده می شود

وَ ارْزُقْنِی خَوْفَ غَمِّ الْوَعِیدِ، وَ شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّی أَجِدَ لَذَّهَ مَا أَدْعُوکَ لَهُ

و ترسِ اندوهِ وعده ها(ی عذاب) و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را روزی ام فرما. تا لذّت آنچه را که تو را برای آن می خوانم، دریابم.

۹/۲۲

سپری گشتن لذّات گناهان و به جا ماندن گرفتاری های آن

وَ اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ عَظِیمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِی عِلْمِکَ وَ قَبِیحِ مَا فَضَحَهُ فِی حُکْمِکَ: مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرَتْ لَذَّاتُهَا فَذَهَبَتْ، وَ أَقَامَتْ تَبِعَاتُهَا فَلَزِمَتْ

و در (گناهان) بزرگی که می دانی به آن گرفتار

شده و از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته. از گناهانی که لذّت هایش سپری شد و گذشت و پیامدهای آن به جای ماند و پایدار شد.۹/۳۱

سبب دریافتن لذّت درخواست از خدا

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّی نَجِدَ لَذَّهَ مَا نَدْعُوکَ بِهِ

خداوندا شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان. تا خوشی آنچه از تو می خواهیم، دریابیم.۵۳/۴۵

لذّت عفو الهی

وَ أَوْجِدْنِی بَرْدَ عَفْوِکَ

و مرا از لذّت بخشایشت، کامیاب گردان.

۱۲۵/۴۷

لرزش

لرزش پاهای بنده، از ترس خدا

قَدْ أَرْعَشَتْ خَشْيَتُهُ رِجْلَيْهِ

ترس پاهایش را به لرزه انداخته.۹/۱۲

لرزش اندام از شکوه الهی

قَدْ تَرَی یَا إِلَهِی... انْتِقَاضَ جَوَارِحِی مِنْ هَيْبَتِکَ

ای خدای من، لرزش اندامم را از هیبت خود

ص: ۱۰۶۲

می بینی.۱۹/۱۶

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ... اضْطِرَابَ أَرْكَانِی مِنْ هَيْبَتِكَ

خداوندا، پس به لرزش اندامم از شکوهت، رحم فرما.۲۳/۳۱

لرزش پل دوزخ، در روز قیامت

وَ ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَـجَازِ عَلَيْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا

و هنگـام لرزیـدن پـل دوزخ، در آن روز کـه بر آن عبـور می کنیـم، لغزش گـام هـای مـا را بـه وسـیله آن (قرآن)، پـابرجا گردان.۱۵/۴۲

لشکر

لشکر شیطان

اللَّهُمَّ وَ اهْزِمْ جُنْدَهُ

خداوندا و لشکرش را شکست ده.۱۳/۱۷

لشکری از فرشتگان

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ...

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را بفرست.

۱۱/۲۷

سلطنت خدا و بدون لشکر بودنش

اللَّهُمَّ يَا ذَا... السُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ بِغَيْرِ جُنُودٍ وَ لَا أَعْوَانٍ

خداوندا ای فرمانروای استوارِ بدون لشکریان

و یاران.۲و۱/۳۲

ولیّ خدا و سپاه الهی

وَ امْدُدْهُ بِجُنْدِکَ الْأَغْلَبِ

و با چیره ترین لشکرت، به او کمک رسان.

۶۱/۴۷

فرار دشمن و خلف وعده سپاهیانش با او

وَ أَدْبَرَ مُوَلِّیًا قَدْ أَخْلَفَتْ سَرَایَاهُ

و پشت کرده، فرار نمود. در حالی که سپاهیانش از آنچه گفته بودند، تخلّف کردند.

۶/۴۹

لطف تفضّل

لطف خدا و اسباب کارها

وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِکَ الْأَسْبَابُ

و به لطف تو وسیله ها فراهم گردید.۲/۷

لطف خدا، در ترغیب نمودن (به پاداش)

وَ تَلَطَّفْتَ فِی التَّرْغِیبِ

و با لطف خود، ترغیب نموده ای.۲۱/۴۶

لطیفی بسیار لطف کننده

سُبْحَانَکَ مِنْ لَطِیفٍ مَا أَلْطَفَکَ

پاک و منزّهی! ای لطیفی که چه بسیار لطیفی!

۲۳/۴۷

آنچه بنده از لطف پروردگار، برای خود می خواهد:

أ. کامل گرداندن نیّت

اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِکَ نِیَّتِی

خداوندا به لطف خود نیّت مرا کامل گردان.۲/۲۰

ب. دور گرداندن هر پیشامد بد

وَ ادْرَأْ عَنِّی بِلُطْفِکَ

و به لطفت، (هر شرّی را) از من دور کن.

۲۱/۲۰

ج. بازداشتن از بیجا خرج کردن

وَ اقْبِضْنِی بِلُطْفِکَ عَنِ التَّبْذِیرِ

و مرا - به لطف خود - از ولخرجی باز دار.۳/۳۰

لعنت

لعنت خدا، بر دشمنان برگزیدگان خدا

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ... وَ أَشْیَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ

خداوندا، دشمنان ایشان و دوستان و پیروانشان را لعنت کن.۱۰/۴۸

لعنت خدا، بر خوشنود گردیده به اعمال

دشمنانِ جانشینان خدا

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ... وَ مَنْ رَضِیَ بِفِعَالِهِمْ

خداوندا، دشمنان ایشان و هر که را به کردارشان خوشنود می شود، لعنت کن.۱۰/۴۸

لغزش

نفْس و جلوه گری لغزش های خطاکاران

اللَّهُمَّ وَ لِی إِلَیْکَ حَاجَهٌ قَدْ... سَوَّلَتْ لِی نَفْسِی رَفْعَهَا إِلَی مَنْ یَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَیْکَ... وَ هِیَ زَلَّهٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِینَ، وَ عَثْرَهٌ مِنْ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِینَ

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده برایم می آراید. و این لغزشی از لغزش های خطاکاران و افتادنی از افتادن های گناهکاران است.۱۵/۱۳

توفیق الهی و برخاستن از لغزش

وَ نَهَضْتُ بِتَوْفِیقِکَ مِنْ زَلَّتِی

و با توفیق تو از لغزیدنم برخاستم.۱۶/۱۳

راهنمایی خداوند و برگشتن از لغزش

وَ رَجَعْتُ وَ نَکَصْتُ بِتَسْدِیدِکَ عَنْ عَثْرَتِی

و با راهنمایی تو برگشته و از لغزشم دست برداشتم.۱۶/۱۳

ص: ۱۰۶۴

پاسداری از لغزش ها

وَ ارْزُقْنِی... الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ...

و خویشتن داری از لغزش ها را روزی ام کن.

۱۳/۲۲

تبهکاری شیطان و لغزاندن بنده

وَ إِلَّا تَقِنَا خَبَالَهُ یَسْتَزِلَّنَا

و اگر ما را از تبهکاری اش نگه نداری، به لغزشمان اندازد.۷/۲۵

ترس از خدا و نگه داشته شدن از لغزش

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمَعْصُومِینَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الزَّلَلِ وَ الْخَطَاءِ بِتَقْوَاکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با ترس از تو از گناهان و نادرستی و خطا نگه داشته شده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

لغزش های گذشته و تازه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا مِنْ... سَوَالِفِ زَلَّاتِی وَ حَوَادِثِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از لغزش های گذشته و تازه ام، به درگاهت توبه می کنم.

۱۴/۳۱

لغزش های بنده و نیکویی گذشت الهی

وَ أَقِلْنِی عَثَرَاتِی بِحُسْنِ إِقَالَتِکَ

و به نیکویی گذشتت، از لغزش هایم درگذر.

۳۲/۳۲

پشیمانی بنده، از لغزش های گرفتار شده به آنها

وَ اجْعَلْ نَدَامَتِی عَلَی مَا وَقَعْتُ فِیهِ مِنَ الزَّلَّاتِ... تَوْبَةً تُوجِبُ لِی مَحَبَّتَکَ

و پشیمانی ام را از لغزش هایی که به آن دچار شدم، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد.۳/۳۸

لغزش گام های بندگان، هنگام گذشتن از پل دوزخ

وَ ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ یَوْمَ الْمَ_جَازِ عَلَیْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا

و هنگـام لرزیـدن پـل دوزخ، در آن روز کـه بر آن عبـور می کنیـم، لغزش گـام هـای مـا را بـه وسـیله آن (قرآن)، پـابرجا گردان.۱۵/۴۲

عفو لغزش کاران، از روی احسان الهی

وَ یَا مَنْ یَمُنُّ بِإِقَالَهِ الْعَاثِرِینَ

و ای آنکه با احسان خود لغزشکاران را می بخشایی.۷۵/۴۷

اعتراف به لغزش کاری

أَنَا الْمُسِیءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ

ص: ۱۰۶۵

منم بدکارِ اعتراف کننده خطاکار لغزشکار.

۷۶/۴۷

درخواست درگذشتن خدا، از لغزش بنده

وَ أَقِلْنِی عَثْرَتِی

و از لغزشم درگذر.۱۶/۴۸

وَ أَسْتَقِیلُکَ عَثَرَاتِی

و از تو می خواهم که از لغزش هایم درگذری.

۸/۵۱

لغزش بنده و افتادن (در گناه)

أَنْتَ الَّذِی... أَقَلْتَ عِنْدَ الْعِثَارِ زَلَّتِی

تویی که هنگام (به گناه) افتادن، از لغزشم درگذشتی.۴/۵۱

درگذشتن خدا، از لغزش بنده

یَا مُقِیلِی عَثْرَتِی

ای درگذرنده از لغزشم.۷/۵۱

رحم نمودن خدا، بر لغزیدن پای بنده

مَوْلَایَ ارْحَمْ... زَلَّهَ قَدَمِی

مولای من! بر لغزش گام هایم رحم کن.۴/۵۳

لمس

عدم شناخت خدا، با لمس کردن

سُبْحَانَکَ لَا تُحَسُّ... وَ لَا تُمَسُّ

پاک و منزّهی! نه حس می شوی و نه لمس می گردی.۲۷/۴۷

لوازم خانه

همسایگان و لوازم خانه

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... حُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در همیاری نیکو در مایحتاج زندگی یشان، توفیق ده.۲/۲۶

لهو

چشم ها و نشتافتن به سوی لهو

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَی لَهْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا با چشم هایمان به سوی هیچ لهوی نشتابیم.۶/۴۴

راهنمایی خداوند و اشتغال بنده، به لهو

إِلَهِی هَدَیْتَنِی فَلَهَوْتُ

ص: ۱۰۶۶

خدای من، مرا راه نمودی، پس به کار بیهوده مشغول شدم.۱/۴۹

علّت اشتغال به لهو و بیهوده کاری

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِیَهٌ لِطُولِ أَمَلِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست

می کنم، درخواست کسی که نفس او به خاطر آرزوهای درازش، به بیهوده کاری مشغول شده.

۸/۵۲

لیاقت شایستگی

ص: ۱۰۶۷

م

مار

نیشِ مارهای آتش دوزخ

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... حَیَّاتِهَا الصَّالِقَهِ بِأَنْیَابِهَا

و از مارهای آن که با نیش هایشان می زنند، به تو پناه می برم.

۳۱/۳۲

مال ثروت و نیز دارایی

مالک

درود خدا بر فرشته ای به نام «مالک»

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ مَالِکٍ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و مالک.

۱۸و۱۱و۱۰/۳

ماندگاری بقا

ماندن

اقامت مجاهد مسلمان، در راه خدا و برای او

وَ اجْعَلْ... ظَعْنَهُ وَ إِقَامَتَهُ، فِیکَ وَ لَکَ

و مسافرت و اقامتش را، در راه خود و برای خود قرار ده.۱۴/۲۷

به جا ماندن تبعات گناهان

وَ اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ عَظِیمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِی عِلْمِکَ وَ قَبِیحِ مَا فَضَحَهُ فِی حُکْمِکَ: مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرَتْ لَذَّاتُهَا فَذَهَبَتْ، وَ أَقَامَتْ تَبِعَاتُهَا

فَلَزِمَتْ

و در (گناهان) بزرگی که می دانی به آن گرفتار شده و از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته. از گناهانی که لذّت هایش سپری شد و گذشت، و پیامدهای آن به جای ماند و پایدار شد.۹/۳۱

بسیار ماندن در بین طبقات خاک در قبر

وَ بَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبِلَى، وَ طُولِ الْمُقَامَهِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى

و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما مبارک گردان.۱۴/۴۲

ص: ۱۰۶۹

اقامت پسندیده ماه رمضان، بین مسلمانان

وَ قَدْ أَقَامَ فِینَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد.۲۲/۴۵

مانع سدّ

ماهِ نو

ویژگی های ماه

أَیُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِیعُ، الدَّائِبُ السَّرِیعُ، الْمُتَرَدِّدُ فِی مَنَازِلِ التَّقْدِیرِ، الْمُتَصَرِّفُ فِی فَلَکِ التَّدْبِیرِ

ای آفریده فرمانبردار، و کوشای شتابنده، که در منزل های قرارداده شده، آمد و شد می کنی و در فلک تدبیر تصرّف می کنی.۱/۴۳

روشن شدن تاریکی ها، با ماه

آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِکَ الظُّلَمَ

ایمان آوردم به کسی که به وسیله تو ظلمت ها را نورانی ساخت.۲/۴۳

آشکار ساختن امور مبهم، با ماه

آمَنْتُ بِمَنْ... أَوْضَحَ بِکَ الْبُهَمَ

ایمان آوردم به کسی که با تو مبهمات را واضح نمود.۲/۴۳

ماه، نشانه پادشاهی خدا

وَ جَعَلَکَ آیَةً مِنْ آیَاتِ مُلْکِهِ، وَ عَلَامَةً مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ

و تو را نشانه ای از نشانه های پادشاهی اش و علامتی از علامت های سلطنتش قرار داد.۲/۴۳

به خدمت گماشتن ماه، و فرمانبری و شتابش

وَ امْتَهَنَکَ بِالزِّیَادَةِ وَ النُّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ، وَ الْإِنَارَةِ وَ الْکُسُوفِ، فِی کُلِّ ذَلِکَ أَنْتَ لَهُ مُطِیعٌ، وَ إِلَی إِرَادَتِهِ سَرِیعٌ

و تو را با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، و نورفشانی و گرفتگی، به خدمت گرفت. و در همه آن حالات، تو مطیع او هستی و به سوی خواسته اش، شتابنده ای.**۲/۴۳**

تدبیر خدا، در امر (آفرینش) ماه

سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِی أَمْرِکَ!

پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود!**۳/۴۳**

دقیق بودن انجام داده خدا، درباره ماه

سُبْحَانَهُ مَا... أَلْطَفَ مَا صَنَعَ فِی شَأْنِکَ!

پاک و منزّه است او. چقدر لطیف است، آن صنعتی که درباره کار تو انجام داد!**۳/۴۳**

هلال ماه نو، کلید ماهی نو برای کاری نو

جَعَلَکَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِأَمْرٍ حَادِثٍ

تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داد.

۳/۴۳

درخواست از آفریننده و تقدیرکننده ماه

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّی وَ رَبَّکَ، وَ خَالِقِی وَ خَالِقَکَ، وَ مُقَدِّرِی وَ مُقَدِّرَکَ، وَ مُصَوِّرِی وَ مُصَوِّرَکَ أَنْ یُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ...

پس از خدایی که پروردگار من و پروردگار تو، و آفریننده من و آفریننده تو، و تقدیرکننده من و تقدیرکننده تو، و صورتگر من و صورتگر تو است، درخواست می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد.۴/۴۳

ماه نو، ماه برکت و پاکی (از گناهان)

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ هِلَالَ بَرَکَهٍ لَا تَمْحَقُهَا الْأَیَّامُ، وَ طَهَارَهٍ لَا تُدَنِّسُهَا الْآثَامُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد، که (گذشت) روزها از بینش نبرد و طهارتی که گناهان آن را آلوده نکند.۴/۴۳

ماه نو، ماه ایمنی از آفت ها و سلامتی از بدی ها

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْآفَاتِ، وَ سَلَامَهٍ مِنَ السَّیِّئَاتِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه ایمنی از آفت ها و سلامتی از بدی ها قرار دهد.

۴/۴۳و۵

ماه نو؛ ماه سعادتمندیِ بدون تیره بختی

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِیهِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سعادتمندی بی تیره بختی قرار دهد.۴/۴۳و۵

ماه نو؛ ماه برکتِ بدون سختی

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ... یُمْنٍ لَا نَکَدَ مَعَهُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه برکتی بی گرفتاری با آن، قرار دهد.۴/۴۳و۵

ماه نو؛ ماه آسانی بدون دشواری

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ... يُسْرٍ لَا يُمَازِجُهُ عُسْرٌ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه آسانی نیامیخته با دشواری قرار دهد.۵و۴/۴۳

ماه نو؛ ماه خير و نيكيِ بدون بدى

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ... خَيْرٍ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه خیر ناآلوده با شرّ، قرار دهد.۵و۴/۴۳

ماه نو؛ ماه ایمنی، ایمان، نعمت، احسان، سلامت و اسلام

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ أَمْنٍ وَ إِيمَانٍ، وَ نِعْمَةٍ وَ إِحْسَانٍ وَ سَلَامَةٍ وَ إِسْلَامٍ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه

ص: ۱۰۷۱

ایمنی و ایمان و نعمت و احسان و سلامت و اسلام قرار دهد.۵و۴/۴۳

درخواست اموری از خدا، با طلوع ماه نو

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَزْکَی مَنْ نَظَرَ إِلَیْهِ، وَ أَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ، وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِلتَّوْبَهِ، وَ اعْصِمْنَا فِیهِ مِنَ الْحَوْبَهِ، وَ احْفَظْنَا فِیهِ مِنْ مُبَاشَرَهِ مَعْصِیَتِکَ

و ما را از پاک ترین کسانی که به سوی آن (ماه) نگریسته(اند) و نیک بخت ترین کسانی که تو را در آن بندگی نموده(اند)، قرار ده و ما را در آن برای توبه توفیق ده و ما را در آن از گناه حفظ کن و ما را در آن از انجام دادن نافرمانی ات نگهدار.

۶/۴۳

وَ أَوْزِعْنَا فِیهِ شُکْرَ نِعْمَتِکَ، وَ أَلْبِسْنَا فِیهِ جُنَنَ الْعَافِیَهِ، وَ أَتْمِمْ عَلَیْنَا بِاسْتِکْمَالِ طَاعَتِکَ فِیهِ الْمِنَّهَ

و در آن (ماه) شکر نعمتت را به ما الهام کن و در آن پوشش های عافیت را به ما بپوشان و با کامل کردن طاعتت در آن، نعمت را بر ما تمام گردان.

۷/۴۳

مباح

مباح بودن بخشش خداوند، برای درخواست کنندگان

وَ جُودُکَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِینَ

و بخشش تو برای درخواست کنندگان، روا است.۱۴/۴۶

مباهات فخرفروشی

مبادرت شتاب

مبالغه اغراق

مبهم

ماه و آشکار شدن امور مبهم

آمَنْتُ بِمَنْ... أَوْضَحَ بِکَ الْبُهَمَ

ایمان آوردم به کسی که با تو مبهمات را واضح نمود.۲/۴۳

متابعت پیروی

متاع کالا

متراکم

درخواست ابری متراکم، از خدا

وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَ تُوَسِّعُ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتَرَاكِمًا...

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده.۳و۱/۱۹

ص: ۱۰۷۲

متشابه

اقرار به متشابهات قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَفْزَعُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه اش قرار می دهند.۴/۴۲

متشابهات، و پناهگاه محکم قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَأْوِي مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حِرْزِ مَعْقِلِهِ

و ما را از کسانی قرار ده از متشابهات به پناهگاه محکمش پناه می برند.۷/۴۲

مَثَل

فهم مَثَل های منع کننده قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلَمِ اللَّيَالِي مُونِسًا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا... زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا مَثل های بازدارنده اش را، به دل های ما برسانی.۱۰/۴۲

کوه های استوار و مَثَل های قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلَمِ اللَّيَالِي مُونِسًا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِي ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمَالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار

ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با محکمیشان از تحمّل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی.۱۰/۴۲

مَثَل انفاق کنندگان در راه خدا

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ، وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.

۱۳/۴۵

مَثَل های زده شده، (در قرآن)

وَ ضَرَبْتَ الْأَمْثَالَ

و مَثَل ها زده ای.۲۱/۴۶

مِثل همانند

مجازات کیفر

مجاهد

روبرو نمودن مجاهد، با آسانی

اللَّهُمَّ وَ أَيُّما غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِکَ، أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ... فَلَقِّهِ الْيُسْرَ

ص: ۱۰۷۳

خداونـدا و هر رزمنـده ای از اهـل دینت که با آنها بجنگـد و هر مجاهـدی که با ایشان جهاد نمایـد، پس او را با آسانی روبرو کن.۱۳/۲۷

وجوب پاداش مجاهدان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ، وَ أَوْجِبْ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ

خداونـدا و هر مسـلمانی که امر اسـلام او را نگران سـاخت، از این رو قصـد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و پاداش مجاهدان را برای او واجب گردان.۱۷/۲۷

مجلس

آراستن مجلس والدین

وَ زَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي

و مجلس مرا به وسیله ایشان آراسته نما.

۴/۲۵

آباد گرداندن مجالس شایستگان

وَ اعْمُرْ بِي مَجَالِسَ الصَّالِحِينَ

و مجالس شایستگان را به وسیله من آباد ساز.

۴/۴۱

مجیز چاپلوسی

محبّت دوستی

محرومیّت

محروم شدن از پاداش خداوند

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنَ... حِرْمَانِ الثَّوَابِ، وَ حُلُولِ الْعِقَابِ

و پناه می بریم به تو از بی بهره گی از پاداش و فرود آمدن کیفر.۹/۸

سبب محرومیّت بخشش خواه، از احسان الهی

وَ لَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِکَ، فَتَکُونَ قَدْ... حَرَمْتَ مَنِ اسْتَرْفَدَ فَضْلَکَ

و به منع خویش، ما را ناامید مکن. وگرنه آنکه از احسانت بخشش خواسته، محروم نموده ای.

۳/۱۰

علّت گراییدن به محرومیّت

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ... فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.۱۴/۱۳

بنده و سزاواری محرومیّت

ص: ۱۰۷۴

فَمَا أَنَا... بِأَوَّلِ سَائِلٍ سَأَلَکَ فَأَفْضَلْتَ عَلَیْهِ وَ هُوَ یَسْتَوْجِبُ الْحِرْمَانَ

پس من نخستین سؤال کننده نیستم که از تو درخواست کرده و به او تفضّل نمودی، با اینکه سزاوار بی بهرگی است.۲۰/۱۳

محروم نساختن بنده روآورنده به خدا

إِلَهِی... لَا تَحْرِمْنِی وَ قَدْ رَغِبْتُ إِلَیْکَ

خدای من، مرا که از تو درخواست کرده ام محروم نساز.۱۷/۱۶

آنکه بنده را محروم و بی بهره نموده

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أُثِیبَ مَنْ حَرَمَنِی بِالْبَذْلِ

و مرا توفیق ده تا به آنکه محرومم نموده، با بخشش پاداش بخشم.۹/۲۰

محروم شدن از جانب خویشان

وَ إِنْ أَلْجَأْتَنِی إِلَی قَرَابَتِی حَرَمُونِی

و اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند.۳/۲۲

ناامیدی از (رحمت) خدا، و محرومیّت

وَ لَا تَحْرِمْنِی بِالْخَیْبَهِ مِنْکَ

و مرا به ناامیدی از خود، محروم نکن.

۱/۴۱

محروم شدن از فضل ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی فَضْلِکَ الَّذِی حُرِمْنَاهُ

درود بر تو و بر فضیلت که از آن محروم شدیم.۴۲/۴۵

وَ حُرِمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ

و بر اثر شقاوتشان، از فضل آن ماهْ محروم گشتند.۴۳/۴۵

محروم نساختن بنده درخواست کننده

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَيْكَ رَبِّ... سَائِلًا فَلَا تَحْرِمْنِی

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که خواهانم به سوی تو گریخته ام، پس مرا ناامید برنگردان.۸/۵۱

محروم نساختن بنده، با وجود ناسپاسی او

إِلَهِی فَلَا تَحْرِمْنِی خَيْرَ الْآخِرَهِ وَ الْأُولَى لِقِلَّهِ شُكْرِی

خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی بهره نگردان.۱۳/۵۱

شهوات و محرومیّت بنده

وَ شَهَوَاتِی حَرَمَتْنِی

و خواهش های نفسانی ام مرا محروم گردانده.

۷/۵۲

محکمی استواری

محل جایگاه

ص: ۱۰۷۵

محمّد صلی الله علیه و آله

محمّد صلی الله علیه و آله ، سبب منّت خدا، بر مسلمانان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ

سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد بر ما منّت نهاد.۱/۲

محمّد صلی الله علیه و آله ، پیامبر و نبیّ خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد.

۱/۲

وَ تَوَفَّنِی عَلَی مِلَّتِکَ وَ مِلَّهِ نَبِیِّکَ: مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَفَّیْتَنِی

و هنگامی که مرا میراندی، بر دین خود و دین پیامبرت محمّد - که درود بر او باد - بمیران.

۱۳/۳۱

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد -، بدون تفصیل و شرح نازل کردی.۵/۴۲

درود خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ

عَلَیْهِ وَ آلِهِ

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد.

۱/۲

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ أَمِینِکَ عَلَی وَحْیِکَ

خداوندا بر محمّد - امین وحیت - درود فرست.۳/۲

وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ...

و برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - .۲/۴

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۲۴/۱۳، ۳/۱۸، ۱/۱۱، ۱/۵-۶ ۲۸/۴۸، ۳۴/۳۲، ۳۰/۳۱، ۴/۲۴

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.۲۰/۱۳، ۷/۹، ۲۳/۶، ۸/۵ ۱۲/۳۱، ۶/۱۵، ۶/۱۴

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۳/۱۱، ۶/۱۰، ۸/۷، ۱۳ و ۱۱ و ۸/۵ ۴/۲۱، ۱۵/۲۰، ۲۹و۱۸/۱۶، ۱۴و۱۱/۱۴ ۲۸/۳۲، ۲۹/۳۱، ۲/۳۰، ۲/۲۹، ۱۱/۲۴

۳/۳۸، ۱۶/۳۷، ۵/۳۵، ۱/۳۳ ۲۵/۴۶، ۴۷/۴۵، ۸/۴۲، ۱۰و۹و ۴/۳۹ ۲۷–۱۷/۴۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۱۰/۸ ، ۱۷–۱۹و۱۳/۶ ، ۱۵و۱۴و۱۰و۹/۵ ۱۳و۹و۸/۱۴، ۲۱/۱۳ ، ۱۵/۱۲ ، ۱/۹ و۱۱–۸و۴و۳و۱/۲۰ ، ۱۰و۹و۵و۴/۱۷، ۳۳/۱۶ ۱۰– ۸/۲۱ ، ۳۰و۲۹و۲۷و۲۶و۲۴–۲۱و۱۸و۱۴/۲۰ ۷و۲و۱/۲۳ ، ۱۳و۱۲و۹و۸و۶و۵/۲۲ ، ۱۳/۲۱ ۳و۱/۳۰ ، ۴–۱/۲۷ ، ۴و۱/۲۶، ۱۴و۴و۳/۲۴ ۲/۳۶، ۳و۲/۳۵، ۳۴و۳۲/۳۲، ۳۰و۲۴/۳۱ ۶/۴۳، ۱۴–۹و۱/۴۰،۱/۴۱،۷/۴۲، ۱/۳۹ ۵۱و۴۸/۴۵، ۱۹و۱۶–۱۳و۸و۶/۴۴

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ...

پس بر محمّد و خاندانش که پاک اند، درود فرست.۲۴/۶

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱۶/۱۲

فَأَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ، أَن لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا

پس از تو می خواهم به حقّ خودت و به حقّ محمّد و خاندانش – که درودهای تو بر ایشان باد – مرا ناامید برنگردانی.۲۵/۱۳

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۷/۱۴

إِلَهِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خدای من بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۱۷/۱۶

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱۹/۴۲، ۱۱/۲۲، ۷و ۵/۲۰، ۷/۱۹ ۴/۵۴، ۱۶و۱۱/۴۸

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِيَارَهِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُكَ وَ بَرَكَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ (وَ آلِ رَسُولِكَ) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت - که درودهایت بر او و رحمتت و برکاتت بر او و بر خاندانش باد - و خاندان پیامبرت - که درود بر ایشان باد - .

۴/۲۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندان او و نسل او درود فرست.۱۲/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست.۱۸/۲۷

ص: ۱۰۷۷

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ حَتَّی یَرْضَی، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ الرِّضَا صَلَاةً لَا حَدَّ لَهَا وَ لَا مُنْتَهَی

درود خـدا بر او تا اینکه خوشـنود شود و درود خـدا بر او و خانـدانش، پس از خوشـنود شدن. درودی که حدّ و نهایتی برایش نیست.۳۵/۳۲

وَ جَعَلْتَهُ... وَحْیًا أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ تَنْزِیلًا

و آن را وحیی قرار دادی که بر پیامبرت محمّد – که درودهای تو بر او و خاندانش باد – به تدریج نازل فرمودی.۲و۱/۴۲

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد – که درود خدا بر او و خاندانش باد – ، بدون تفصیل و شرح نازل کردی.۵/۴۲

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ الْخَطِیبِ بِهِ، وَ عَلَی آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ

پس بر محمّد که با آن سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست.۶/۴۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ کَمَا بَلَّغَ رِسَالَتَکَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد.

۱۷/۴۲

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِیَّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِیِّینَ مِنْکَ مَجْلِسًا

خداونـدا پیـامبر مـا را – که درودهـای تو بر او و بر خانـدانش بـاد – روز رسـتاخیز، نزدیـک ترین پیامبران در مجلس خود قرار ده.۱۸/۴۲

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۲۱/۴۲

وَ السَّلَامُ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

و درود بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.۲۲/۴۲

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از خدا درخواست می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد.۴/۴۳

صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

خدا بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.۷/۴۳

وَ أَنْزِلْنَا فِيهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] قرار داد - به جا آورده اند.۹/۴۴

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱۲/۴۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَ آلِهِ

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست.۵۶/۴۵

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد، برترین درودهایت را بفرست.۵۰/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست.۵۷و۵۴-۵۱/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست.

۵۵/۴۷

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ

و بر او و بر خاندانش درود فرست.۵۵/۴۷

وَ أَقِمْ بِهِ... سُنَنَ رَسُولِكَ، صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

و روش های پیامبرت را - خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد - به وسیله او به پا دار.

۶۲/۴۷

وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ... وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ

و ما را برای او شنوندگان و بدین وسیله جویای تقرّب به سوی خود و پیامبرت - که خداوندا درودهایت را بر او و خاندانش بفرست - قرار ده.۶۳/۴۷

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

و خداوند بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.۱۳۳/۴۷

فَأَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱/۴۸

أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ... وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ

از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده خود و بر خاندان محمّد درود فرستی.۳/۴۸

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۴/۴۸

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا، پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.۶/۴۸

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۸/۴۸

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱۳/۴۸

وَ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَلْفَ مَرَّهٍ

و بر محمّد و خاندانش هزار بار درود فرست.

۲۸/۴۸

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱/۵۴

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَی وَ عَلَی آلِهِ الطَّاهِرِینَ

و درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است و بر خاندان پاکش باد.۹/۵۴

محمّد صلی الله علیه و آله ، امین وحی خدا

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ أَمِینِکَ عَلَی وَحْیِکَ، وَ نَجِیبِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَ صَفِیِّکَ مِنْ عِبَادِکَ

خداوندا بر محمّد – امین وحیت و برگزیده از آفریدگانت و دوست تو از بندگانت – درود فرست.

۳/۲

محمّد صلی الله علیه و آله ، پیشاهنگ خیر و کلید برکت

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ... قَائِدِ الْخَیْرِ، وَ مِفْتَاحِ الْبَرَکَهِ

خداوندا بر محمّد – رهبر خیر و کلید برکت – درود فرست.۳/۲

آنچه محمّد صلی الله علیه و آله ، در راه خدا انجام داده

...کَمَا نَصَبَ لِأَمْرِکَ نَفْسَهُ

...همچنان که او برای فرمان تو خود را به تلاش انداخت.۴/۲

وَ عَرَّضَ فِيکَ لِلْمَکْرُوهِ بَدَنَهُ

و به خاطر تو، بدنش را در معرض سختی قرار داد.۵/۲

وَ کَاشَفَ فِی الدُّعَاءِ إِلَيْکَ حَامَّتَهُ

و در دعوت به سوی تو با خویشانش، آشکارا به ستیز پرداخت.۶/۲

وَ حَارَبَ فِی رِضَاکَ أُسْرَتَهُ

و در (راه) خوشنودی تو، با قبیله اش جنگید.

۷/۲

وَ قَطَعَ فِی إِحْيَاءِ دِينِکَ رَحِمَهُ

و در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

۸/۲

وَ أَقْصَی الْأَدْنَيْنَ عَلَی جُحُودِهِمْ

و نزدیکان را بر اثر انکارشان، دور نمود.

۹/۲

وَ قَرَّبَ الْأَقْصَيْنَ عَلَی اسْتِجَابَتِهِمْ لَکَ

و دورتران را بر اثر پذیرفتنشان - برای تو - نزدیک نمود.۱۰/۲

وَ وَالَی فِيکَ الْأَبْعَدِينَ

و به خاطر تو، با دورترین (مردم) دوستی کرد.

۱۱/۲

وَ عَادَی فِیکَ الْأَقْرَبِینَ

و به خاطر تو با نزدیک ترین (اشخاص)، دشمنی نمود.۱۲/۲

و أَدْأَبَ نَفْسَهُ فِی تَبْلِیغِ رِسَالَتِکَ

و در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.

۱۳/۲

وَ أَتْعَبَهَا بِالدُّعَاءِ إِلَی مِلَّتِکَ

و با دعوت به دین تو، خود را خسته کرد.

۱۴/۲

وَ شَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِکَ

و خود را به نصیحت کردن به پذیرندگانِ دعوتت مشغول ساخت.۱۵/۲

وَ هَاجَرَ إِلَی... مَحَلِّ النَّأْیِ عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَ مَوْضِعِ رِجْلِهِ، وَ مَسْقَطِ رَأْسِهِ، وَ مَأْنَسِ نَفْسِهِ، إِرَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِینِکَ، وَ اسْتِنْصَارًا عَلَی أَهْلِ الْکُفْرِ بِکَ

و از جایگاه اقامتش و قدمگاهش و زادگاهش و جای انس گرفتنش، به محل دور هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزّت دهد و بر (ضد) کافرانِ به تو یاری طلبد.۱۶/۲

نتیجه کارهای محمّد صلی الله علیه و آله

...حَتَّی اسْتَتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِی أَعْدَائِکَ

سرانجام آنچه (محمّد) درباره دشمنانت می خواست، برایش به دست آمد.۱۷/۲

وَ اسْتَتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِی أَوْلِیَائِکَ

و آنچه او درباره دوستانت می اندیشید، برایش کامل گردید.۱۸/۲

یاری خواستن محمّد صلی الله علیه و آله ، به مدد الهی

فَنَهَدَ إِلَیْهِمْ مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِکَ، وَ مُتَقَوِّیًا عَلَی ضَعْفِهِ بِنَصْرِکَ

پس با امید به پیروزی به یاری تو، و با قوّت بخشیدن ضعف خود به کمک تو، به سوی آنان تاخت.۱۹/۲

قیام نمودن محمّد صلی الله علیه و آله ، به جنگ با دشمن

فَنَهَدَ إِلَیْهِمْ...

پس (محمّد) به سوی آنان تاخت.۱۹/۲

جنگیدن محمّد صلی الله علیه و آله با دشمنان، در میان قرارگاه و دیارشان

فَغَزَاهُمْ فِی عُقْرِ دِیَارِهِمْ

پس در وسط دیارشان به جنگ آنها رفت.

۲۰/۲

وَ هَجَمَ عَلَیْهِمْ فِی بُحْبُوحَهِ قَرَارِهِمْ

و در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد.

۲۱/۲

سبب درآوردن محمّد صلی الله علیه و آله ، به بالاترین درجه بهشت

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا کَدَحَ فِیکَ إِلَی الدَّرَجَهِ الْعُلْیَا مِنْ

جَنَّتِکَ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر.۲۳/۲

نتیجه درآوردن محمّد صلی الله علیه و آله به بالاترین درجه بهشت

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ... إِلَی الدَّرَجِهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ حَتَّی... لَا یُوَازِیَهُ لَدَیْکَ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ...

خداوندا، او را به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر. تا آنکه نزد تو هیچ فرشته مقرّبی با او برابری نکند.۲۴و۲۳/۲

عطا نمودن شفاعت نیکو، به محمّد صلی الله علیه و آله

وَ عَرِّفْهُ... مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَهِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ

و او را از شفاعت نیکو، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.۲۵/۲

شفاعت محمّد صلی الله علیه و آله ، درباره خویشانش و مؤمنان

وَ عَرِّفْهُ فِی أَهْلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ أُمَّتِهِ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَهِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ

و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امّتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.۲۵/۲

گماشتن راهنما، از دوران آدم علیه السلام تا زمان محمّد صلی الله علیه و آله

وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ...

و برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - .۲/۴

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و همراهی نمودن وی

وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّهً الَّذِینَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَهَ...

و بخصوص یاران محمّد، آنان که همراهانی نیکو بودند...۳/۴

گواهی دادن به فرستاده و برگزیده بودن محمّد صلی الله علیه و آله

أَنِّی أَشْهَدُ... أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ و خِیَرَتُکَ مِنْ خَلْقِکَ

همانا من شهادت می دهم که محمّد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین آفریدگانت است.

۲۲و۲۱/۶

محمّد صلی الله علیه و آله و رساندن پیام خدا

حَمَّلْتَهُ رِسَالَتَکَ فَأَدَّاهَا

رسالت خود را بر او دادی، پس آن را انجام داد.۲۲/۶

ص: ۱۰۸۲

پند دادن محمّد صلی الله علیه و آله ، به امّتش

وَ أَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا

و او را به نصیحت کردن امّتش دستور دادی، پس آنها را نصیحت کرد.۲۲/۶

درخواست امّت مسلمان از خدا ، برای محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ آتِهِ عَنَّا أَفْضَلَ مَا آتَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، وَ اجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ وَ أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و از جانب ما برترین چیزی را که به یکی از بندگانت عطا نمودی، به او عطا کن و از طرف ما بهترین و گرامی ترین پاداشی را که به پیامبرانت از جانب امّتش دادی، به او پاداش ده.۲۳/۶

درخواست از خدا، به حقّ محمّد صلی الله علیه و آله و خاندانش

فَأَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ، أَن لَا تَرُدَّنِی خَائِبًا

پس از تو می خواهم به حقّ خودت و به حقّ محمّد و خاندانش - که درودهای تو بر ایشان باد - مرا ناامید برنگردانی.۲۵/۱۳

سلام خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله

وَ تَوَفَّنِی عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّهِ نَبِيِّكَ: مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

إِذَا تَوَفَّيْتَنِی

و هنگامی که مرا میراندی، بر دین خود و دین پیامبرت محمّد - که درود بر او باد - بمیران.

۱۳/۳۱

درود خدا بر برگزیده خلق، محمّد صلی الله علیه و آله

وَ صَلِّ عَلَى خِيَرَتِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ: مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ الصِّفْوَهِ مِنْ بَرِيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ

خداوندا و بر برگزیده ات از آفریدگان خود؛ محمّد و خانواده او که از آفریدگان پاک تو هستند، درود فرست.۵/۳۴

با قرآن خطبه خواندن محمّد صلی الله علیه و آله

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

پس بر محمّد که با آن سخن راند، درود فرست.۶/۴۲

محمّد صلی الله علیه و آله ، نشانه ای برای راهنمایی به خدا

اللَّهُمَّ وَ کَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَهِ عَلَیْکَ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِیلَهً لَنَا إِلَی أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْکَرَامَهِ

خداونـدا و چنان که به وسـیله قرآن، محمّـد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی، پس بر محمّـد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های

کرامت قرار ده.۸/۴۲

آشکار ساختن راه های خوشنودی خدا، به وسیله آل محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ کَمَا... أَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و چنان که به وسیله خاندانش، راه های خوشنودی به سوی خود را آشکار ساختی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۸/۴۲

محمّد صلی الله علیه و آله ، بنده، فرستاده، دوست، اختیار شده و برگزیده خدا

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ حَبِيبِکَ وَ صِفْوَتِکَ وَ خِيَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده و فرستاده و دوست و برگزیده و انتخاب شده خود از آفریدگانت، درود فرستی.۳/۴۸

امید به شفاعت محمّد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

فَإِنِّی لَمْ آتِکَ ثِقَةً مِنِّی بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ سَلَامُکَ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعتِ آفریده ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو

نیامده ام، جز شفاعت محمّد و خانواده او – که درود تو بر او و بر ایشان باد – .۶/۴۸

منزلت بلندپایه محمّدی

اللَّهُمَّ فَإِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَيْکَ بِالْمُـحَمَّدِيَّهِ الرَّفِيعَهِ

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی، به سوی تو نزدیکی می جویم.۱۶/۴۹

روآوردن به درگاه خدا، به سبب منزلت محمّد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام

اللَّهُمَّ فَإِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَيْکَ بِالْمُـحَمَّدِيَّهِ الرَّفِيعَهِ، وَ الْعَلَوِيَّهِ الْبَيْضَاءِ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْکَ بِهِمَا أَنْ تُعِيذَنِی مِنْ شَرِّ کَذَا وَ کَذَا

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم و به وسیله آنان به درگاهت

رومی آورم که مرا از شرّ این و آن پناه دهی.۱۶/۴۹

محمّد صلی الله علیه و آله ، سیّد و آقای مسلمانان

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَی...

و درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است باد.۹/۵۴

محو

بیماری و محو نمودن گناه

ص: ۱۰۸۴

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا... تَذْکِیرًا لِمحْوِ الْحَوْبَهِ بِقَدِیمِ النِّعْمَهِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا برای از بین بردن گناه به وسیله نعمت پیشین یادآوری باشد.۴/۱۵

محو نمودن اعمال بد پیشین بنده

وَ امْحُ عَنِّی شَرَّ مَا قَدَّمْتُ

و از من زشتی آنچه پیش فرستاده ام را بزدای.

۶/۱۵

عدم سزاواری بنده، به محو بدی هایش

یَا إِلَهِی لَوْ بَکَیْتُ إِلَیْکَ حَتَّی تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَیْنَیَّ، وَ انْتَحَبْتُ حَتَّی یَنْقَطِعَ صَوْتِی، وَ قُمْتُ لَکَ حَتَّی تَتَنَشَّرَ قَدَمَایَ، وَ رَکَعْتُ لَکَ حَتَّی یَنْخَلِعَ صُلْبِی، وَ سَجَدْتُ لَکَ حَتَّی تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَایَ، وَ أَکَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِی، وَ شَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِی، وَ ذَکَرْتُکَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ حَتَّی یَکِلَّ لِسَانِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، و چنان شیون کنم تا صدایم قطع شود، و آنقدر در برابر تو بایستم تا پاهایم ورم کند و برای تو رکوع کنم تا استخوان پشتم کَنده شود و برایت سجده نمایم تا سیاهی چشمانم از کاسه بیرون آید، و همه عمرم خاک زمین خورم، و در مدّت زندگی ام آب خاکسترآلود

بنوشم، و در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

محو نمودن اندیشه مال گمراه کننده

وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ

و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن.۴/۲۷

توبه و محو شدن آنچه (گناهان) گذشته

فَاجْعَلْ تَوْبَتِی هَذِهِ... تَوْبَهً مُوجِبَهً لِمحْوِ مَا سَلَفَ

پس این توبه ام را توبه ای سبب محو آنچه گذشته است، گردان.۲۰/۳۱

سبب تلاش برای توبه محوکننده (بدی)

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... وَاعِظًا لَنَا... وَ سَعْيًا إِلَى التَّوْبَهِ الْمَاحِيَهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده قرار ده.۳/۳۴

رمضان، محوکننده گناهان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَمْحَاكَ لِلذُّنُوبِ

درود بر تو. چه محوکننده بودی، گناهان را!.

۳۱/۴۵

عید فطر، محوکننده ترین روز برای گناه

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا... أَمْحَاهُ لِذَنْبٍ

ص: ۱۰۸۵

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که محوکننده ترین آن، برای گناه باشد.۴۸/۴۵

درگذشتن خداوند از بدی و محو آن

وَ یَا مَنْ... یَتَجَاوَزُ عَنِ السَّیِّئَهِ حَتَّی یُعَفِّیَهَا

و ای کسی که از بدی درمی گذرد، تا آن را محو کند.۱۱/۴۶

ستمگران، و محو نمودن کتاب خدا

وَ لَا تَجْعَلْنِی لِلظَّالِمِینَ ظَهِیرًا، وَ لَا لَهُمْ عَلَی مَحْوِ کِتَابِکَ یَدًا وَ نَصِیرًا

و مرا پشتیبان ستمگران و یاور آنان در محو کتاب خود، قرار نده.۱۳۲/۴۷

محو شدن یاد بنده، از میان خلق

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی إِذَا... امَّحَی مِنَ الْمَـخْلُوقِینَ ذِکْرِی

مولای من! هنگامی که یادم از میان آفریدگان محو گردد، به من رحم کن.۵/۵۳

مخالفت

پا بیرون گذاشتن از راه فرمان خدا

فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِیقِ أَمْرِهِ

پس از راه فرمانش، مخالفت کردیم.۲۱/۱

مخالفت نمودن با هدایت

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... مُخَالَفَهِ الْهُدَی

خداوندا به تو پناه می برم از مخالفت رستگاری.۲و۱/۸

کوری چشم دل، از امر خلاف دوستی خدا

وَ أَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَکَ

و چشم دل ما را از آنچه برخلاف دوستی توست کور گردان.۶/۹

گرفتار نشدن به کاری خلاف دوستی خدا

وَ لَا تَبْتَلِینِّی... بِالتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِکَ

و مرا به پرداختن به کاری خلاف دوستی ات، گرفتار نساز.۱۱/۲۰

فرزندان و مخالف نبودن با والدین

وَ اجْعَلْهُمْ لِی... غَیْرَ عَاصِینَ... وَ لَا مُخَالِفِینَ...

و آنان را نسبت به من سرکش و مخالف قرار نده.۴/۲۵

مخالفت با دشمنان ائمه علیهم السلام

وَ تَوَلَّنِی فِی جِیرَانِی وَ مَوَالِیَّ... الْمُنَابِذِینَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَایَتِکَ

و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما.

۱/۲۶

سبب اندیشیدن در آنچه موجب مخالفت

ص: ۱۰۸۶

با پروردگار است

...حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى... فَكَّرَ فِيما خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ

...امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، در آنچه با آن پروردگارش را مخالفت کرده، اندیشید.۷/۳۱

سبب عظیم دیدن مخالفت خود، با خدا

وَ فَكَّرَ فِيما خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ، فَرَأَى كَبِيرَ عِصْيَانِهِ كَبِيرًا وَ جَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا

و در آنچه با آن پروردگارش را مخالفت کرده، اندیشید. پس گناه بزرگش را بزرگ و ناسازگاری سترگش را سترگ دانست.۷/۳۱

توبه از آنچه مخالف خواست خداست

اللَّهُمَّ وَ إِنِّى أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ

خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته توست، به درگاهت توبه می کنم.

۲۲/۳۱

مخالفت بنده، با فرمان خدا

فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ

پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت.۶۸/۴۷

مختلف گوناگون

مخصوص اختصاص

مخفی پنهان

مخلوط شدن آمیختن

مخلوقات آفریدگان

مدارا

دوستی مداراکنندگان و دوستی واقعی

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ حُبِّ الْمُدَارِینَ تَصْحِیحَ الْمِقَهِ

و درباره من دوستی (ظاهری) مداراکنندگان را به دوستی واقعی مبدّل فرما.۷/۲۰

از روی مدارا نبودن مهلت الهی

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا... وَ لَا انْتِظَارُکَ مُدَارَاهً

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است و و به تأخیر انداختنت نه از روی نرمی کردن است.

۲۲/۴۶

مداوا

عامل مداوا نمودن بنده

وَ دَاوِنِی بِصُنْعِکَ

و به احسان خود، مرا درمان کن.۲۱/۲۰

مدّت زمان

مدح سپاس

مدد یاری

مذمّت سرزنش

مذهب دین

مراجعت بازگشت

مراقبت نگهداری

مرتبه

سبب درآوردن محمّد صلی الله علیه و آله ، به بالاترین درجه بهشت

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا کَدَحَ فِیکَ إِلَی الدَّرَجِهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر.

۲۳/۲

عدم برابری منزلت کسی، با محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ... إِلَی الدَّرَجِهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ حَتَّی لَا یُسَاوَی فِی مَنْزِلَهٍ

خداوندا، او را به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر. تا آنکه کسی در منزلت با او یکسان نباشد.

۲۳/۲و۲۴

مرتبه محمّد صلی الله علیه و آله و عدم همانندی کسی با وی

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ... إِلَی الدَّرَجِهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ حَتَّی...

لَا یُکَافَأَ فِی مَرْتَبَهٍ

خداوندا، او را به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر. تا آنکه کسی در مقام با او همتا نباشد.

۲۳/۲و۲۴

مقام بلند میکائیل

مِيكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ، وَ الْمَكَانِ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ

میکائیل نزد تو دارای مقام والا است، و از اطاعتت جایگاهی بلند دارد.۳/۳

منزلت بلند جبرئیل

جِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى وَحْيِكَ... الْمَكِينُ لَدَيْكَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ

جبرئیل امین وحی تو، ارجمند در پیشگاهت و مقرّب نزد توست.۴/۳

بنده و عدم علم به منزلت فرشتگان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَ لَمْ نَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و جایگاهش را در پیشگاه تو نمی دانیم.۲۲و۱۱و۱۰/۳

کوچک بودن منزلت ها، در برابر منزلت الهی

ص: ۱۰۸۸

وَ یَا مَنْ تَصْغُرُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْأَخْطَارُ

و ای کسی که در نزد قدر و منزلت او، قدر و منزلت ها کوچک می شود.۵/۵

قرار دادن بنده، در درجات نیکوکاران و مؤمنان

...وَ صَیِّرْنَا بِذَلِکَ فِی دَرَجَاتِ الصَّالِحِینَ وَ مَرَاتِبِ الْمُوءْمِنِینَ

...و به وسیله آن ما را در مرتبه های نیکوکاران و جایگاه های اهل ایمان قرار ده.۱۶/۱۷

شرط داشتن مقام، نزد مردم

وَ لَا تَرْفَعْنِی فِی النَّاسِ دَرَجَهً إِلَّا حَطَطْتَنِی عِنْدَ نَفْسِی مِثْلَهَا

و در میان مردم درجه مرا بالا نبر، مگر آنکه به همان مقدار در نظر خودم فرود آوری.۴/۲۰

تنگ دستی و خواری منزلت بنده

وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِی بِالْإِقْتَارِ

و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز.۲۶/۲۰

درخواست فرزند از خدا، درباره بلندی مقام والدین

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًی... فَاجْعَلْهُ... عُلُوًّا فِی دَرَجَاتِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده،

پس آن را سبب بلندی درجات ایشان قرار ده.

۸/۲۴

کوچک گرداندن مقام دشمنان ، در دل مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّکَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِی عَیْنِهِ، وَ صَغِّرْ شَأْنَهُمْ فِی قَلْبِهِ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما و مقامشان را در دلش کوچک گردان.۱۵/۲۷

خدا، دارای درجه والایی و رفعت

لَکَ یَا إِلَهِی... دَرَجَهُ الْعُلُوِّ وَ الرِّفْعَهِ

خداوندا درجه والایی و بلندی، از آنِ توست.

۱۰/۲۸

وصف وصف کنندگان و مرتبه رفعت الهی

وَ لَا یَبْلُغُ أَدْنَی مَا اسْتَأْثَرْتَ بِهِ مِنْ ذَلِکَ أَقْصَی نَعْتِ النَّاعِتِینَ

و آخرین وصفِ ستایندگان، به پایین ترین مرتبه ای (از رفعت) که به خود اختصاص داده ای، نمی رسد.۶/۳۲

سبک شمردن منزلت الهی

لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ

ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار

ص: ۱۰۸۹

نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم.

۳/۳۳

شرافت بخشیدن به درجه بنده

شَرِّفْ دَرَجَتِی بِرِضْوَانِکَ

درجه مرا به خوشنودیت، شرافت ده.

۴/۴۱

سبب رحم نمودن خدا، بر خواری مقام بندگان

وَ ارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ذُلَّ مَقَامِنَا

و به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت عرضه می شویم، بر خواری ما رحم کن.

۱۵/۴۲

نزدیک ترین پیامبران به خدا، از نظر مرتبه

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِیَّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِیِّینَ مِنْکَ مَجْلِسًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود قرار ده.۱۸/۴۲

بزرگ ترین پیامبران از نظر منزلت، در قیامت

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِیَّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ یَوْمَ

الْقِیَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِیِّینَ مِنْکَ مَجْلِسًا... وَ أَجَلَّهُمْ عِنْدَکَ قَدْرًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود و بزرگوارترین آنها نزد خود، قرار ده.۱۸/۴۲

مرتبه حضرت رسول صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و درجه اش را رفیع گردان.۱۹/۴۲

دریافتن مراتب شایسته نماز

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ الْمُصِیبِینَ لِمَنَازِلِهَا

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که مراتبش را درک کرده اند.۹/۴۴

بلندی منزلت خداوند، در (همه) مکان ها

سُبْحَانَکَ! مَا... أَسْنَی فِی الْأَمَاکِنِ مَکَانَکَ

پاک و منزّهی! چه بلند است در مکان ها، مکان (منزلت) تو!۲۲/۴۷

بسیار بلندمرتبه بودن خدا

سُبْحَانَکَ مِنْ... رَفِیعٍ مَا أَرْفَعَکَ

پاک و منزّهی! ای بلند مرتبه که بسیار بلند مرتبه ای!۲۴/۴۷

اعتراف به مقام و مرتبه ائمه علیهم السلام

ص: ۱۰۹۰

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که اعتراف کنندگان به مقام ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

سرپرستی خدا، از اهل مقام

وَ تَوَلَّنِی بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِکَ وَ الزُّلْفَى لَدَیْکَ وَ الْمَکَانَهِ مِنْکَ

و مرا سرپرستی کن همانگونه که فرمانبرانت و نزدیکانت و منزلت دارندگانت را سرپرستی می کنی.

۸۷/۴۷

عیوب، سبب مجهول ماندن منزلت بنده

وَ لَا تَسُمْنِی... نَقِیصَهً یُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَکَانِی

و عیبی را که به خاطر آنْ منزلتم دانسته نشود، بر من ثابت نگردان.۱۲۱/۴۷

خوار گشتن منزلت بنده

وَ لَا تَسُمْنِی خَسِیسَهً یَصْغُرُ لَهَا قَدْرِی

و پستی ای را که با آن، مرتبه ام خُرد گردد، دچارم مساز.۱۲۱/۴۷

ترساندن بنده، از مقام الهی

وَ أَخِفْنِی مَقَامَکَ

و مرا از مقامت بترسان.۱۲۶/۴۷

سبب بلند گرداندن درجه مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ خَیْرٍ... أَوْ تَرْفَعُ لَهُمْ عِنْدَکَ دَرَجَهً... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی را قسمت می نمایی یا درجه ای را که از ایشان نزد خود بالا می بری، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

درجه بلند درست کاران

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ مَوَاضِعَ أَمَنَائِكَ فِي الدَّرَجِهِ الرَّفِيعَهِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا

خداونـدا، به درستی که این مقـام، برای جانشـینان و برگزیـدگانت و جایگاه امانت دارانت است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی.۹/۴۸

اندک بودن منزلت بنده

فَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ فَإِنِّي امْرُؤٌ حَقِيرٌ، وَ خَطَرِي يَسِيرٌ

پس خداوندا، بر من رحم کن. زیرا من فردی حقیرم، و منزلتم اندک است.۶/۵۰

بزرگی مرتبه خدا

سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ شَأْنَكَ

پاک و منزّهی! چه بزرگست مرتبه تو!

۴/۵۲

ص: ۱۰۹۱

مرد

خشک گرداندن صلب های مردان دشمن

وَ يَبِّسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ

و صلب مردانشان را خشک نما.۶/۲۷

مردم

سبب عطا طلبیدن، از مردم پست

وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ أَسْتَعْطِيَ شِرَارَ خَلْقِكَ

و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. و از آفریدگان بدت، عطا طلبم.۲۶/۲۰

نور بنده و راه رفتن با آن، در بین مردم

وَ هَبْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ

و مرا نوری بخش که با آن در بین مردم راه روم.۸/۲۲

نتیجه عزّت طلبیدن مردم، از غیر خدا

فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أُنَاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواستند و خوار گشتند.۶/۲۸

نتیجه دارایی طلبیدن مردم، از غیر خدا

فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أُنَاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند.۶/۲۸

نتیجه بلندی خواستن مردم، از غیر خدا

فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أُنَاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا، وَ حَاوَلُوا الِارْتِفَاعَ فَاتَّضَعُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند و بلندی خواستند و پست گشتند.۶/۲۸

قرآن، راهنمای مردم

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِیَامِ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ، هُدًی لِلنَّاسِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد که برای مردم هدایتگر است.۳/۴۴

مردن مرگ

مرز

از حدود انسانیّت، به مرز بهیمیّت روی آوردن

...وَ لَوْ کَانُوا کَذَلِکَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِیَّهِ إِلَی

ص: ۱۰۹۲

حَدِّ الْبَهِيمِيَّهِ

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رومی آوردند.۹/۱

بی انتهایی حدِّ سپاس از خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا مُنْتَهَی لِحَدِّهِ

پس سپاس او را، سپاسی که حدّش بدون انتها می باشد.۲۸و۲۷/۱

استوار ساختن مرزهای مسلمانان

اللَّهُمَّ... حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِینَ بِعِزَّتِکَ

خداوندا به عزّت خود، مرزهای مسلمانان را استوار فرما.۱/۲۷

یاری نمودنِ نگهبانان مرزها

اللَّهُمَّ... أَیِّدْ حُمَاتَهَا بِقُوَّتِکَ

خداوندا به قدرت خویش، نگهبانان آن (مرزها) را یاری ده.۱/۲۷

حدّ و مرز نداشتن سلطنت خدا

عَزَّ سُلْطَانُکَ عِزًّا لَا حَدَّ لَهُ بِأَوَّلِیَّهٍ

فرمانروایی تو، چنان با عزّت است، که حدّی برای اوّلش نیست.۴/۳۲

حدّ و مرز نداشتن حقیقت خدا

مَجْدُکَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ یُحَدَّ بِکُنْهِهِ

بزرگی تو بالاتر از آنست که حقیقت آن به

حدّی درآید.۲۳/۴۶

درودی بی حدّ و مرز بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آلش

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ صَلَاهً لَا أَمَدَ فِی أَوَّلِهَا

پروردگار من، بر او و بر آنها درود فرست، درودی که مرزی در اوّلش نباشد.۵۸/۴۷

مرض بیماری

مرفّه نازپرورده

مرگ

میراندن بنده و فراخواندن او به پاداش یا کیفر

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَی مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

زمانی که حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.۶/۱

درود خدا، بر فرشته مرگ

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مَلَكِ الْمَوْتِ وَ أَعْوَانِهِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرشته مرگ و یارانش.۱۸و۱۱و۱۰/۳

ص: ۱۰۹۳

آمادگی برای پس از مرگ

وَ تُحَبِّبَ إِلَيْهِمُ... الِاسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ

و آمادگی برای بعد از مرگ را در نظرشان محبوب کنی.۱۶/۴

مردن بی ساز و سامان

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ... مِيتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ

و پناه می بریم به تو از مرگ ناگهانی.۸/۸

باران و زنده ساختن آنچه مرده

تُحْيِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ

به سبب آن، آنچه را که مرده است، زنده نمایی.۳/۱۹

میراندن بنده، پیش از روآوردن دشمنی خدا، به او

فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ إِلَيَّ

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد – پیش از آنکه دشمنی ات به سوی من شتابد – مرا به سوی خود بازگردان.۵/۲۰

میراندن بنده، پیش از استواری خشم خدا بر او

فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ... يَسْتَحْكِمَ غَضَبُكَ عَلَيَّ

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد – پیش از آنکه خشمت بر من استوار گردد – مرا به سوی خود بازگردان.۵/۲۰

بر دین خدا و آیین محمّد صلی الله علیه و آله مردن

وَ اجْعَلْنِي عَلَى مِلَّتِكَ أَمُوتُ وَ أَحْيَا

و چنانم گردان که بر آئین تو بمیرم و زنده شوم.۱۷/۲۰

وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّهِ نَبِيِّكَ: مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَفَّيْتَنِي

و هنگامی که مرا میراندی، بر دین خود و دین پیامبرت محمّد – که درود بر او باد – بمیران.

گرفتاری وام، پس از مرگ

وَ أَسْتَجِيرُ بِكَ، يَا رَبِّ... مِنْ تَبِعَتِهِ بَعْدَ الْوَفَاةِ

و پناه از تو می جویم - ای پروردگار من - از پیامد آن (وام) پس از مرگ.۲/۳۰

طلب آمرزش برای مرده مدیون

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ... انْتَهَكَ مِنِّی مَا حَجَزْتَ عَلَيْهِ، فَمَضَی بِظُلَامَتِی مَيِّتًا... فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّی

خداوندا و هر بنده ای که آبرویی از من برد که بر او ممنوع ساخته بودی و او با همان وزر و وبال از دنیا رفته، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز.۲/۳۹

برپا داشتن مرگ، پیشاروی بندگان

وَ انْصِبِ الْمَوْتَ بَیْنَ أَیْدِینَا نَصْبًا

و مرگ را پیش روی ما مجسم بدار.۲/۴۰

یاد مرگ

وَ لَا تَجْعَلْ ذِکْرَنَا لَهُ غِبًّا

و گهگاه یاد کردنش را برای ما قرار نده.

۲/۴۰

سبب محل انس و الفت بودن مرگ

اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَى وَشْکِ اللَّحَاقِ بِکَ حَتَّى یَکُونَ الْمَوْتُ مَأْنَسَنَا الَّذِی نَأْنَسُ بِهِ، وَ مَأْلَفَنَا الَّذِی نَشْتَاقُ إِلَیْهِ

از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی که مرگ برای ما محل انسی باشد که به آن انس گیریم و محل الفتی باشد که به سوی آن مشتاقیم.

۳/۴۰

مرگ، خویشاوندی نزدیک

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِیرَ إِلَیْکَ... حَتَّى یَکُونَ الْمَوْتُ... حَامَّتَنَا الَّتِی نُحِبُّ الدُّنُوَّ مِنْهَا

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم. تا جایی که مرگ برای ما (همانند) خویشاوند نزدیک ما

باشد که نزدیک شدن به او را دوست داریم.

۳/۴۰

درخواست از خدا، با حاضر شدن مرگ

فَإِذَا أَوْرَدْتَهُ عَلَیْنَا وَ أَنْزَلْتَهُ بِنَا فَأَسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا، وَ آنِسْنَا بِهِ قَادِمًا، وَ لَا تُشْقِنَا بِضِیَافَتِهِ، وَ لَا تُخْزِنَا بِزِیَارَتِهِ، وَ اجْعَلْهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ

مَغْفِرَتِکَ، وَ مِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِیحِ رَحْمَتِکَ

پس هنگـامی که آن را نزد ما وارد نمودی و آن را بر ما فرود آوردی، ما را به زیارت آن سـعادتمند گردان. و ما را به آن تازه وارد انس ده. و در پـذیرایی از او مـا را به شـقاوت میفکن. و از دیـدارش مـا را خوار نساز و آن را دری از درهای آمرزشت و کلیدی از کلیدهای رحمتت قرار ده.

۴/۴۰

درخواست نوع مرگ

أَمِتْنَا مُهْتَدِینَ غَیْرَ ضَالِّینَ، طَائِعِینَ غَیْرَ مُسْتَکْرِهِینَ، تَائِبِینَ غَیْرَ عَاصِینَ وَ لَا مُصِرِّینَ

ما را ره یافتگانِ ناگمراه، و فرمانبردارانِ بی اجبار، توبه کنندگانِ غیر گنهکار و اصرارنکننده، بمیران.۵/۴۰

درخواست جان دادن آسان، هنگام مرگ

وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا کَرْبَ السِّیَاقِ...

ص: ۱۰۹۵

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن را بر ما آسان گردان.۱۳/۴۲

فرشته مرگ و پرده پنهانی ها

وَ تَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُيُوبِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها)، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد.۱۳/۴۲

کمان مرگ و تیرهای ترس از فراق

وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَايَا بِأَسْهُمِ وَحْشَهِ الْفِرَاقِ

و آن (جان ها) را با تیرهای وحشت جدایی، از کمان مرگ ها نشانه گیرد.۱۳/۴۲

جامی از زهر مرگ

وَ دَافَ لَهَا مِنْ ذُعَافِ الْمَوْتِ كَأْسًا مَسْمُومَهَ الْمَذَاقِ

و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ – که چشیدن آن زهرآلود است – آمیخته سازد.

۱۳/۴۲

میراندن مسلمانان، بر دین محمّد صلی الله علیه و آله

وَ تَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ

و بر آئین او بمیرانمان.۲۰/۴۲

هم کیشان مرده مسلمان

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنْ... أَهْلِ دِينِنَا جَمِيعًا مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَ مَنْ غَبَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ

خداوندا از همه هم کیشان ما، هر که از ایشان

درگذشته و مرده و هر که زنده مانده، تا روز رستاخیز درگذر.۵۵/۴۵

میراندن نشانه های دین، توسّط ستمگران

وَ أَحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ

و با او آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان.۶۲/۴۷

سبب نیک بخت میراندن بنده

وَ بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ عُنِیتَ بِهِ... وَ رَضِیتَ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِیدًا، وَ تَوَفَّیْتَهُ سَعِیدًا

و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای و از او خوشنود گشته ای، پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته و نیک بخت میرانده ای.

۱۰۵/۴۷

مردن و رفتن نوری در پیشاروی بنده

وَ أَمِتْنِی مَیتَهَ مَنْ یَسْعَی نُورُهُ بَیْنَ یَدَیْهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ

و مرا بمیران، همچون مردن کسی که روشنایی اش در پیش رویش و از سمت راستش در حرکت است.۱۱۷/۴۷

زنده گشتن مردگان

وَ هَبْ لَنَا یَا إِلَهِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجًا بِالْقُدْرَهِ الَّتِی بِهَا تُحْیِی أَمْوَاتَ الْعِبَادِ

و ما را – ای خدای من – از جانب خود به توانایی ای که با آن بندگان مرده را زنده می کنی،

گشایش ده.۱۳/۴۸

زندگی بخشیدن به شهرهای مرده

وَ هَبْ لَنَا یَا إِلَهِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجًا بِالْقُدْرَهِ الَّتِی... بِهَا تَنْشُرُ مَیْتَ الْبِلَادِ

و ما را – ای خدای من – از جانب خود به توانایی ای که با آن سرزمین های مرده را زندگی می بخشی، گشایش ده.۱۳/۴۸

اندوهگین نمیراندن بنده

لَا تُهْلِکْنِی یَا إِلَهِی غَمًّا

ای خدای من، مرا اندوهگین نمیران.

۱۴/۴۸

تقدیر مرگ، برای همه آفریدگان

سُبْحَانَکَ قَضَیْتَ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِکَ الْمَوْتَ مَنْ وَحَّدَکَ وَ مَنْ کَفَرَ بِکَ

پاک و منزّهی! مرگ را برای همه آفریدگانت – آنکه تو را یگانه دانست و آنکه به تو کفر ورزید – رقم زده ای.۵/۵۲

چشندگان مرگ

وَ کُلٌّ ذَائِقُ الْمَوْتَ

و همه چشنده مرگ هستند.۵/۵۲

سایه افکندن مرگ، بر بنده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنْ قَدْ... أَظَلَّهُ الْأَجَلُ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که مرگ بر او سایه افکنده است.۹و۸/۵۲

نزدیک گشتن مرگ بنده

ارْحَمْ... اقْتِرَابَ أَجَلِی

بر نزدیک شدن مرگم رحم کن.۴/۵۳

میراندن بنده، بر راستی

اقْبِضْ عَلَی الصِّدْقِ نَفْسِی

مرا بر راستی بمیران.۴/۵۴

مزد پاداش

مزّه

چشاندن مزه فراغت، به بنده

وَ أَذِقْنِی طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ...

و طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری، به من بچشان.۱۲۵/۴۷

چشاندن مزه کوشش، به بنده

أَذِقْنِی طَعْمَ... الِاجْتِهَادِ فِیما یُزْلِفُ لَدَیْکَ وَ عِنْدَکَ

طعم کوشش را در آنچه (موجب) نزدیکی به پیشگاه تو و درگاه توست، به من بچشان.۱۲۵/۴۷

ص: ۱۰۹۷

چشاندن مزه عافیت و تندرستی، به بنده

وَ أَذِقْنِی طَعْمَ الْعَافِیَهِ إِلَی مُنْتَهَی أَجَلِی

و طعم عافیت را تا پایان مدّت زندگی ام به من بچشان.۱۴/۴۸

مژده

مژده دادن ایمنی از خشم خدا، به بنده

وَ اكْتُبْ لِی أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ، وَ بَشِّرْنِی بِذَلِكَ...

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و مرا به آن مژده ده.۳۳/۱۶

شناختن مژده الهی

وَ بَشِّرْنِی بِذَلِكَ فِی الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ بُشْرَی أَعْرِفُهَا

و هم اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن (ایمنی از خشمت) مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم.۳۳/۱۶

مژده به بندگان خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ، وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

مسرّت شادی

مسؤول

فرشتگان مسؤول دوزخ

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ الْخَزَنَهِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و خزانه دار دوزخ.۱۸و۱۱و۱۰/۳

فرشتگان مسؤول خزانه های باد

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ الْقُوَّامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيَاحِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و زمامداران بر گنجینه بادها.۱۵و۱۱و۱۰/۳

خدا درخواستگاه بنده، نه هر مسؤولی

فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ مَسْؤُولٍ مَوْضِعُ مَسْأَلَتِي

پس - ای سرور من - جایگاه درخواستم تویی، نه هر (مسؤولی) که از او درخواست شود.

۸/۲۸

مستحب

بازنداشتن بنده، از به کار بستن مستحبّات

وَ لَا تَشْغَلْنِي بِالِاهْتِـمَامِ عَنْ... اسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ

ص: ۱۰۹۸

و مرا به سبب غم و اندوه از انجام سنّت خود بازمدار.۹/۷

ثناگوی بنده نبودن امور مستحبّی

وَ لَا تُثْنِی عَلَیَّ بِإِحْیَائِهَا سُنَّهٌ...

و نه (عمل) مستحبّی به خاطر زنده ساختنش مرا می ستاید.۱۷/۳۲

شرافت و برتری مستحب

وَ لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِفَضْلِ نَافِلَهٍ مَعَ کَثِیرِ مَا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ فُرُوضِکَ

و من هیچ گاه با فضیلتِ (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم.۱۸/۳۲

مستقیم

بر راه و صراط مستقیم بودن خدا

إِنَّکَ عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ

به درستی که تو بر راه راستی.۶/۲۳

مسخره

مسخره آفریدگان خدا و خدا نشدن

وَ لَا تَتَّخِذْنِی هُزُوًا لِخَلْقِکَ، وَ لَا سُخْرِیًّا لَکَ

و مرا سبب خنده آفریدگانت و مسخره خود

قرار نده.۱۲۴/۴۷

مسلمانان

درخواست از خدا برای خود و فرزندان، و شمول آن درباره همه مسلمانان

وَ أَعْطِ جَمِیعَ الْمُسْلِمِینَ وَ الْمُسْلِمَاتِ... مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی...

و به همه مردان و زنان مسلمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، ببخش.۱۲/۲۵

استوار ساختن مرزهای مسلمانان

اللَّهُمَّ... حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِینَ بِعِزَّتِکَ

خداوندا به عزّت خود، مرزهای مسلمانان را استوار فرما.۱/۲۷

نیرومند ساختن تدبیر مسلمانان

اللَّهُمَّ وَ قَوِّ بِذَلِکَ مِحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوّت بخش.۷/۲۷

درخواست اموری، برای مسلمانان

وَ حَصِّنْ بِهِ دِیَارَهُمْ، وَ ثَمِّرْ بِهِ أَمْوَالَهُمْ، وَ فَرِّغْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِکَ

و به وسیله آن، شهرهایشان را استوار ساز و

ص: ۱۰۹۹

ثروت هایشان را بیفزا و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن، برای عبادت خویش آسوده ساز.۷/۲۷

جنگ مسلمانان با مشرکان

اللَّهُمَّ اغْزُ بِكُلِّ نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ بِإِزَائِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار.۸/۲۷

یاری نمودن مسلمانان، به وسیله فرشتگان (در جنگ)

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ...

و آنان را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما.۸/۲۷

یاری مسلمانان توسّط فرشتگان، و شکست مشرکان

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَ أَسْرًا

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند.۸/۲۷

عدم چیرگی مشرکان، به نواحی مسلمانان

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ

خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان و از چیرگی به نواحی مسلمانان، بازدار.

۱۰/۲۷

جلوگیری خداوند، از کاسته شدن (شمار) مسلمانان

وَ خُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنْ تَنَقُّصِهِمْ

و با کاستن عدد آنها (مشرکان)، از کاستن (مسلمانان) جلوگیر باش.۱۰/۲۷

بازداشتن مشرکان، از تجمع نمودن علیه مسلمانان

وَ ثَبِّطْهُمْ بِالْفُرْقَةِ عَنِ الِاحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ

و با تفرقه افکنی میان آنان (مشرکان)، از گرد آمدن بر ضدّ مسلمانان بازشان دار.۱۰/۲۷

تقدیر شهادت برای مجاهد، بعد از ایمنی در مرزهای مسلمانان

فَإِنْ... قَضَیْتَ لَهُ بِالشَّهَادَهِ فَبَعْدَ... أَنْ تَأْمَنَ أَطْرَافُ الْمُسْلِمِینَ

پس اگر شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که مرزهای مسلمانان ایمن شده است.

۱۵/۲۷

ص: ۱۱۰۰

پاداش مسلمانِ جانشین جنگجو، در امور خانه اش

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ...

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

پاداش مسلمان در نگهداری از خانواده جنگجو

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ، أَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِي غَيْبَتِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا در نبود او خانواده اش را نگهداری کرد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند.

۱۶/۲۷

پاداش مسلمان در کمک به جنگجو

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ

أَعَانَهُ بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ، أَوْ أَمَدَّهُ بِعِتَادٍ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را به پاره ای از دارایی خود یاری داد، یا او را با ساز و برگ جنگ کمک نمود، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

پاداش مسلمانِ مشوّقِ جنگجو، به جهاد

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ شَحَذَهُ عَلَى جِهَادٍ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را بر جهاد تشویق کرد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

پاداش مسلمان در همراهی کردن جنگجو با دعا

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ أَتْبَعَهُ فِی وَجْهِهِ دَعْوَهً... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداونـدا و هر مسـلمانی که جنگجویی یـا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشـین شـد، یا او را با دعا در جهتی که به آن رو آورد همراهی نمود، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او،

پاداش ده.۱۶/۲۷

پاداش مسلمانِ حافظِ آبروی جنگجو

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً، فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا آبرویش را در نبود او نگهداشت؛ پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

مسلمان و نگرانی به سبب امر اسلام

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

در زمره شهدا قرار گرفتنِ مسلمانی با ویژگی های خاص

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ، وَ أَحْزَنَهُ تَحَزُّبُ أَهْلِ الشِّرْكِ عَلَيْهِمْ، فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ، أَوْ أَبْطَأَتْ بِهِ فَاقَةٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ، وَ أَوْجِبْ لَهُ ثَوَابَ الْمُـجَاهِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را

نگران ساخت و اجتماع مشرکان بر ضدّ ایشان، اندوهگینش نمود، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا فقر او را به درنگ واداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و پاداش مجاهدان را برای او واجب گردان.۱۷/۲۷

آزار نرساندن، به هر مرد و زن مسلمان

وَ امْنَعْنِي عَنْ أَذَى كُلِّ... مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ

و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن مسلمان بازدار.۱/۳۹

اجتماع مسلمانان، در روز قربان و جمعه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيْمُونٌ، وَ الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ

خداوندا این روزیست مبارك و خجسته و در آن، مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند.

۱/۴۸

مسلمانان طالب، راغب و ترسان

وَ الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِى أَقْطَارِ أَرْضِكَ، يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَ الطَّالِبُ وَ الرَّاغِبُ وَ الرَّاهِبُ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند، درخواست کننده و جویا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می شوند.۱/۴۸

بینایی خدا، به خواسته های مسلمانان

ص: ۱۱۰۲

وَ الْمُسْلِمُونَ فِیهِ مُجْتَمِعُونَ فِی أَقْطَارِ أَرْضِکَ، یَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَ الطَّالِبُ... وَ أَنْتَ النَّاظِرُ فِی حَوَائِجِهِمْ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند، درخواست کننده و جویا، آنان همگی حاضر می شوند و تو بیننده بر نیازهایشان هستی.

۱/۴۸

مشت

صبح کردن بندگان، در پنجه (قدرت) خدا

أَصْبَحْنَا فِی قَبْضَتِکَ

ما در پنجه (تحت قدرت) تو صبح کردیم.

۱۰/۶

در مشت (قدرت) خدا بودن بنده

فَإِنِّی عَبْدُکَ وَ فِی قَبْضَتِکَ

چون من بنده تو و در مشت توام.۵/۲۱

مشرکان

آشکار شدن امر خدا وناخرسندی مشرکان

وَ هَجَمَ عَلَیْهِمْ فِی بُحْبُوحَهِ قَرَارِهِمْ حَتَّی ظَهَرَ أَمْرُکَ، وَ عَلَتْ کَلِمَتُکَ، وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ

و در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد. تا اینکه فرمان تو آشکار شد و سخن تو، بلند گردید. اگر چه مشرکان نمی پسندیدند.۲۲و۲۱/۲

جنگ با مشرکان

اللَّهُمَّ اغْزُ بِکُلِّ نَاحِیَهٍ مِنَ الْمُسْلِمِینَ عَلَی مَنْ بِإِزَائِهِمْ مِنَ الْمُشْرِکِینَ

خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار.۸/۲۷

مردمان مشرک، با نام و نشانی پنهان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ سَائِرِ أَمَمِ الشِّرْکِ، الَّذِینَ تَخْفَی أَسْمَاؤُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و دیگر امّت های مشرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است.۹/۲۷

به خود واداشتن مشرکان

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِکِینَ بِالْمُشْرِکِینَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِینَ

خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان و از چیرگی به نواحی مسلمانان، بازدار.۱۰/۲۷

درخواست بنده، درباره مشرکان

وَ خُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنْ تَنَقُّصِهِمْ، وَ ثَبِّطْهُمْ بِالْفُرْقَهِ عَنِ الِاحْتِشَادِ عَلَیْهِمْ

و با کاستن عددشان، از کاستن (مسلمانان) جلوگیر باش. و با تفرقه افکنی میان آنان، از گرد

آمدن بر ضدّ مسلمانان بازشان دار.۱۰/۲۷

اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمَنَهِ، وَ أَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّهِ، وَ أَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الِاحْتِيَالِ، وَ أَوْهِنْ أَرْكَانَهُمْ عَنْ مُنَازَلَهِ الرِّجَالِ، وَ جَبِّنْهُمْ عَنْ مُقَارَعَهِ الْأَبْطَالِ، وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ بِبَأْسٍ مِنْ بَأْسِكَ كَفِعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ، تَقْطَعُ بِهِ دَابِرَهُمْ وَ تَحْصُدُ بِهِ شَوْكَتَهُمْ، وَ تُفَرِّقُ بِهِ عَدَدَهُمْ

خداوندا، دل هایشان را از آرامش و تن هایشان را از قوّت تهی دار و قلب هایشان را از چاره جویی بی خبر ساز و اندامشان را از جنگیدن با مردان سست گردان و ایشان را از پیکار با دلاوران بترسان و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر. تا بدین سبب، ایشان را ریشه کن سازی و سختی و صلابتشان را براندازی و تعدادشان را از هم بپاشی.۱۱/۲۷

اللَّهُمَّ وَ امْزُجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ، وَ أَطْعِمَتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ، وَ ارْمِ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ، وَ أَلِحَّ عَلَيْهَا بِالْقُذُوفِ، وَ افْرَعْهَا بِالْمُحُولِ، وَ اجْعَلْ مِيَرَهُمْ فِی أَحَصِّ أَرْضِكَ وَ أَبْعَدِهَا عَنْهُمْ، وَ امْنَعْ حُصُونَهَا مِنْهُمْ، أَصِبْهُمْ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَ السُّقْمِ الْأَلِيمِ

خداوندا و آب هایشان را به وبا و خوردنی هایشان را به امراضْ درآمیز و شهرهایشان را در زمین فروبر و پیوسته آن را سنگباران فرما و آن را به قحطی و خشکسالی دچار ساز و آذوقه هایشان را در بی برکت ترین و

دورترین (نقاط) زمین خود قرار ده و پناهگاه های آن را از آنها بازدار، آنان را دچار گرسنگی دائم و بیماری دردناک گردان.۱۲/۲۷

پاداش اندوهگین شدن مسلمان، از تجمّع مشرکان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ... أَحْزَنَهُ تَحَزُّبُ أَهْلِ الشِّرْكِ عَلَيْهِمْ، فَنَوَى غَزْوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِينَ...

خداوندا و هر مسلمانی که اجتماع مشرکان بر ضدّ ایشان، اندوهگینش نمود، از این رو قصد جنگ کرد، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

خشم خدا، به سوی مشرکان

فَمِلْ بِالْغَضَبِ إِلَى الْمُشْرِكِينَ

پس خشم را به سوی مشرکان بگردان.۳/۳۶

مشغولیّت

مشغول گشتن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به نصیحت دعوت شدگان (به راه حقّ)

وَ شَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِکَ

و خود را به نصیحت کردن به پذیرندگانِ دعوتت مشغول ساخت.۱۵/۲

تسبیح الهی، و عدم مشغولیّت فرشتگان از

ص: ۱۱۰۴

آن

وَ الَّذِینَ... لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِیحِکَ الشَّهَوَاتُ...

و همانها که خواهش های نفسانی، آنها را از تسبیح تو مشغول نمی سازد (بازنمی دارد)...۷/۳

مشغول نساختن بنده، به اندوه

وَ لَا تَشْغَلْنِی بِالاِهْتِـمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِکَ

و مرا به سبب غم و اندوه از رعایت واجبات خود بازمدار.۹/۷

مشغول گرداندن قلوب بندگان، به یاد خدا

وَ اشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِکْرِکَ عَنْ کُلِّ ذِکْرٍ

و دل های ما را به یاد خود از هر یادی مشغول ساز.۱/۱۱

...وَ اشْغَلْهُ بِذِکْرِکَ

و آن را به یادت مشغول دار.۱۰/۲۱

مشغول ساختن شیطان، به دشمنان خدا

وَ اشْغَلْهُ عَنَّا بِبَعْضِ أَعْدَائِکَ

و او را به جای ما به برخی دشمنانت سرگرم نما.۴/۱۷

مشغولیّت و بازداشته شدن از عبادت خدا

وَ اکْفِنِی مَا یَشْغَلُنِی الاِهْتِـمَامُ بِهِ

و مرا از آنچه اهتمام به آن مشغولم می سازد

کفایت کن.۳/۲۰

مشغول نشدن به کسب روزی و بازماندن از خدا

وَ ارْزُقْنِی مِنْ غَیْرِ احْتِسَابٍ، فَلَا أَشْتَغِلَ عَنْ عِبَادَتِکَ بِالطَّلَبِ

و مرا بی حساب روزی ده، تا به جای عبادت تو سر گرمِ روزی جستن نشوم.۲۴/۲۰

مشغول ساختن نفس بنده، به اطاعت از خدا

وَ اشْغَلْ بِطَاعَتِکَ نَفْسِی عَنْ کُلِّ مَا یَرِدُ عَلَیَّ...

و مرا از هر چه به من برسد، به طاعت خویش مشغول دار.۹/۲۱

مشغول ساختن مشرکان، به خودشان

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِکِینَ بِالْمُشْرِکِینَ...

خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان.

۱۰/۲۷

سبب قطع اشتغال بنده، به (رزقِ) ضمانت شده الهی

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ، وَ أَتْبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِکَ فِی کِتَابِکَ... حَسْمًا لِلِاشْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْکِفَایَهَ لَهُ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان

نموده ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده ای، موجب قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت فرموده ای قرار ده.

۳/۲۹

مشغول نساختن بندگان، به غیر خدا

وَ لَا تَشْغَلْنَا عَنْكَ بِغَيْرِكَ

و ما را از خودت به دیگری مشغول نکن.

۴/۳۶

سرگرم شدن به آرزوها

وَ تَقْفُوَ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ... لَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ

و ما را در پی کسانی گردانی که آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد تا آنها را با نیرنگ های فریبنده اش بازدارد.۹/۴۲

مشغول نساختن بنده، (به طلب دنیا)

وَ لَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ

و مرا به چیزی که آن را درنمی یابم، مگر به (کمک) تو، مشغول منما، تا از چیزی که جز آن تو را از من خوشنود نمی کند، باز مانم.

۱۰۸/۴۷

مشقّت رنج و نیز سختی

مشورت

مشورت همسایگان، با بنده

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... مُنَاصَحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در پند دادن مشورت کننده شان، توفیق ده.۲/۲۶

مشهود آشکار

مشیّت اراده

مصاحب همراه

مصلحت

سبب انجام ندادن آنچه مصلحت بنده در آن است

وَ انْظُرْ لِی فِی جَمِیعِ أُمُورِی، فَإِنَّکَ إِنْ وَکَلْتَنِی إِلَی نَفْسِی عَجَزْتُ عَنْهَا وَ لَمْ أُقِمْ مَا فِیهِ مَصْلَحَتُهَا

و در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما. که اگر مرا به خود واگذاری، از انجام آن عاجزم و آنچه را مصلحت من در آن است، انجام ندهم.

۳/۲۲

ص: ۱۱۰۶

مصیبت

پناه بردن به خدا از مصیبت روزگار

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ... یَنْکُبَنَا الزَّمَانُ

و پناه می بریم به تو از اینکه زمانه ما را دچار سختی نماید.۶/۸

بزرگ ترین مصیبت

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنَ... الْمُصِیبَهِ الْکُبْرَی

و پناه می بریم به تو از بزرگ ترین مصیبت.

۹/۸

هموار گشتن مصیبت

وَ کُلُّ مَرْزِئَهٍ سَوَاءٌ مَعَ مَوْجِدَتِکَ

و هر گرفتاری ای با غضب تو هموارشدنی است.۹/۱۴

نگه داشتن بنده، از مصیبت

اللَّهُمَّ إِنَّکَ تَقِی الْکَرِیهَهَ

خداوندا همانا تو از ناخوشایندی ها نگهداری می کنی.۳۳/۳۲

مصیبت (روزه داران)، به رفتن (رمضان)

اجْبُرْ مُصِیبَتَنَا بِشَهْرِنَا

مصیبت ما را در (رفتن) ماه مان جبران کن.

۴۸/۴۵

منکوب نساختن بنده، به مصیبت

وَ لَا تَقْرَعْنِی قَارِعَهً یَذْهَبُ لَهَا بَهَائِی

و بر من مصیبت بزرگی که با آن، آبرویم از بین برود، وارد نکن.۱۲۱/۴۷

خدا، کورگرداننده چشم مصائب

وَ کَمْ مِنْ... أَعْیُنِ أَحْدَاثٍ طَمَسْتَهَا

و چه بسیار چشم های مصیبت آفرینی که کور گرداندی.۱۱/۴۹

مطابق

سپاس و مطابقت آشکار آن با نهانش

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفْقٌ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفْقٌ لِصِدْقِ النِّیَّهِ

سپاس برای توست. سپاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد و باطنش با نیّت صادقانه موافق باشد.۴۳و۳۶/۴۷

مطیع رام

مظالم تبعات

معاد قیامت

معاشرت

تغییر اهانت معاشران، به خوش رفتاری

أَبْدِلْنِی... مِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِینَ کَرَمَ الْعِشْرَهِ

ص: ۱۱۰۷

درباره من اهانت معاشران را به خوش رفتاری مبدّل فرما.۷/۲۰

نکوهیده نبودن معاشرت رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ كَرِيهِ الْمُصَاحَبِهِ، وَ لَا ذَمِيمِ الْمُلَابَسَهِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند و معاشرتش نکوهیده نیست.۳۵/۴۵

معالجه مداوا

معامله تجارت

معدن

نابود نشدن معادن احسان الهی

إِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِكَ لَا تَفْنَى

به درستی که معادن احسانت فنا نمی شود.

۵۰/۴۵

معرفت شناخت

معروف

توفیق امر به معروف

وَ وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ

و ما را برای انجام نیکی و امر به معروف، توفیق ده.۱۸/۶

معصیت نافرمانی

معنا

سپاسی با معنایی باقی

فَلَكَ الْحَمْدُ... مَا بَقِيَ لِلْحَمْدِ... مَعْنًى يَنْصَرِفُ إِلَيْهِ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که برای ستایشْ معنایی که به آن بازگردد، وجود داشته باشد.۱۷/۴۵

معیّن

روزی معلوم، برای جانداران

وَ جَعَلَ لِکُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ

و برای هر جانداری از ایشان، معلومِ قسمت شده ای از رزقش قرار داد.۵/۱

مدّت معلوم و پایان معیّنی در زندگی، برای جانداران

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِی الْحَیَاهِ أَجَلًا مَوْقُوتًا، وَ نَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، و برایش زمانی محدود قرار داد.۶/۱

مدّت معلوم و پایان معیّن، برای شب و روز

ص: ۱۱۰۸

وَ جَعَلَ لِكَلٍّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَ أَمَدًا مَمْدُودًا

و برای هر یک پایانی معین و زمانی معلوم مقرر فرمود.۳/۶

معیّن گرداندن حدود و اوقات نمازهای پنجگانه

وَ قِفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی، آگاه فرما.۸/۴۴

مفاخرت فخرفروشی

مَفْصل

پاره شدن مفصل های بنده

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی... حَالِی إِذَا... تَقَطَّعَتْ أَوْصَالِی

مولای من! بر حال من، هنگامی که مفاصلم پاره پاره شود، رحم کن.۶/۵۳

مفقود شدن فوت

مفهوم معنا

مقام مرتبه

مقایسه سنجش

مقرّبان نزدیکان

مکافات پاداش

مکر فریب

مکروه ناپسند

ملامت سرزنش

ملائکه فرشته

مناجات دعا

سبب کند گشتن زبان مناجات بنده

کُلُّ ذَلِکَ حَیَاءٌ مِنْکَ لِسُوءِ عَمَلِی، وَ لِذَاکَ... کَلَّ لِسَانِی عَنْ مُنَاجَاتِکَ

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم. و از همین جهت است که زبانم از مناجات با تو بند آمده.۲۰/۱۶

تنها مناجات کردن، با خدا

وَ زَیِّنْ لِیَ التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِکَ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ

و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیارا.۱۱۰/۴۷

مناقشه خرده گیری و سخت گیری

منّت

منّت گذاردن بر امّت مسلمان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ

ص: ۱۱۰۹

عَلَيْهِ وَ آلِهِ...

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد.

۱/۲

منّان بودن خدا

إِنَّکَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِیمِ

به درستی که تو بسیار بخشنده نعمتِ بزرگ هستی.۲۴/۶

إِنَّکَ الْمَنَّانُ الْحَمِیدُ...

به درستی که تو بسیار نعمت دهنده ستوده ای.

۱۸/۲۷

إِنَّکَ الْمَنَّانُ بِجَسِیمِ الْمِنَنِ

همانا تو بهره دهنده بهره های بزرگی.۷/۳۶

إِنَّکَ مَنَّانٌ کَرِیمٌ

همانا تو بسیار نعمت دهنده کریم هستی.

۱۶/۳۷

إِنَّکَ الْمَنَّانُ الْحَمِیدُ

به درستی که تو بسیار نعمت دهنده و ستوده ای.

۷/۴۳

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَلِیمُ... الْمَنَّانُ

معبودی جز تو نیست، بردبارِ بسیار نعمت دهنده.۲/۴۸

یَا رَبِّ یَا رَبِّ، یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای بسیار

مهربان، ای بسیار نعمت دهنده.۲۸/۴۸

تیره نساختن بخشش الهی، با منّت

وَ یَا مَنْ لَا یُکَدِّرُ عَطَایَاهُ بِالِامْتِنَانِ

و ای آنکه با منّت گذاشتن، بخشش هایش را تیره نمی سازد.۴/۱۳

باطل نساختن خیر، به منّت

وَ أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَی یَدِیَ الْخَیْرَ، وَ لَا تَمْحَقْهُ بِالْمَنِّ

و نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز ولی آن را با منّت گذاردن باطل نفرما.

۳/۲۰

قرار ندادن منّت گنهکار و کافر، بر بنده

وَ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا کَافِرٍ عَلَیَّ مِنَّهً

و برای بدکار و کافر، بر من منّت قرار نده.

۱۲/۲۱

منّت نهادن خویشان، بر بنده

وَ إِنْ أَلْجَأْتَنِی إِلَی قَرَابَتِی حَرَمُونِی، وَ إِنْ أَعْطَوْا أَعْطَوْا قَلِیلًا نَکِدًا، وَ مَنُّوا عَلَیَّ طَوِیلًا

و اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند و بر من منّت بسیار نهند.۳/۲۲

نیامیختن عطای الهی، با منّت

إِنْ أَعْطَیْتَ لَمْ تَشُبْ عَطَاءَکَ بِمَنٍّ

اگر عطا کنی، عطایت را با منّت نیامیخته ای.

۵/۴۵

اسباب منّت الهی

أ. اشتیاق به خدا

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِشَوْقٍ إِلَيْكَ

و شوق به خودت را به من ارزانی دار.

۱۳/۲۱

ب. سلامتی در دین و جسم

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّهِ وَ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَهِ فِي دِينِي وَ بَدَنِي

و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم بر من منّت گذار.۳/۲۳

ج. حجّ و عمره

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ...

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره.۴/۲۳

د. تقسیم خیر

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُوءْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَهٍ... أَوْ خَيْرٍ تَمُنُّ بِهِ عَلَيْهِمْ تَهْدِيهِمْ بِهِ إِلَيْكَ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی یا عافیت را قسمت می نمایی یا خیری را به ایشان عنایت می کنی و بدین وسیله آنان را به سوی خود هدایت می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

منتظر انتظار

منزلت جایگاه و نیز مرتبه

منع بازداشتن

منفعت سود

منکر

درود خدا بر «منکَر و نکیر»

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و منکر و نکیر.

۱۸و۱۱و۱۰/۳

توفیق نهی از منکر

وَ وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

و ما را برای انجام نیکی و نهی از منکر، توفیق ده.۱۸/۶

مَنی

گرداندن جنین از حالت منی، به خونِ

ص: ۱۱۱۱

بسته شده

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ... کَمَا نَعَتَّ فِی کِتَابِکَ: نُطْفَةً ثُمَّ عَلَقَةً ثُمَّ مُضْغَةً ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ کَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْمًا...

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خونِ بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشاندی.۲۳/۳۲

مو

موی جلویِ سر (و اختیار) بنده، در دست خدا

فَإِنِّی عَبْدُکَ وَ فِی قَبْضَتِکَ، نَاصِیَتِی بِیَدِکَ

چون من بنده تو و در مشت توام و موی پیشانی (و اختیار)م به دست توست.۵/۲۱

وَ هَذِهِ یَدِی وَ نَاصِیَتِی

و این دست من و موی جلوی سرم است.

۴/۵۳

گرفتن زلف جنبندگان (تسلّط بر آنها)، توسّط خداوند

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا

و من و فرزندانم را از شرّ هر جنبنده ای که

زلفش در اختیار توست، پناه ده.۶/۲۳

موافقت

موافقت تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، با صحابه

...یَتَّفِقُونَ عَلَیْهِمْ

با ایشان موافقت دارند.۱۲/۴

موجودات آفریدگان

مورد

چگونگی بندگان در موارد احکام الهی

وَ یَنْظُرُ کَیْفَ هُمْ فِی... مَوَاقِعِ أَحْکَامِهِ

و می نگرد آنها در موارد احکامش چگونه اند.

۷/۶

موضع جایگاه

موعظه پند

موَلّد

تندرستی ای مولّد تندرستی دنیا و آخرت

وَ عَافِنِی... عَافِیَهً تُوَلِّدُ فِی بَدَنِی الْعَافِیَهَ، عَافِیَهَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ

ص: ۱۱۱۲

و به من عافیت ده. عافیتی که در جسمم عافیت زایَد، عافیت دنیا و آخرت.

۲/۲۳

مؤمنان ایمان آورندگان

مهار

جایگاه بنده و مهار خطاها

هَذَا مَقَامُ مَنْ... قَادَتْهُ أَزِمَّهُ الْخَطَایَا

این مقام کسی است که مهارهای خطاها او را از پیِ خود کشیده.۶/۳۱

عنان حیله و فریب شیطان

...إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِیَتَکَ... فَتَلَ عَنِّی عِذَارَ غَدْرِهِ

...همین که به نافرمانی ات پرداختم، پس عنان حیله اش را از من برگرداند.۱۳/۳۲

شیطان و به دست گرفتن افسار بنده

قَدْ مَلَکَ الشَّیْطَانُ عِنَانِی فِی سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ الْیَقِینِ

شیطانْ افسار مرا در بدگمانی و سست باوری به دست گرفت.۲۷/۳۲

مهتر سیّد

مهربانی تفضّل و نیز رحمت

مهلت

مهلت ندادن فرشتگان پاسبان، به ساکنان دوزخ

الزَّبَانِیَهِ الَّذِینَ إِذَا قِیلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِیمَ صَلُّوهُ. ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَ لَمْ یُنْظِرُوهُ

پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند.۲۱/۳

درنگ نمودن خداوند، از زود به کیفر رساندن بنده

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِکَ أَنَاتُکَ عَنِّی، وَ إِبْطَاوءُکَ عَنْ مُعَاجَلَتِی

و شگفت تر از آن بردباری تو با من و درنگ تو از زود به کیفر رساندن من است.۲۶/۱۶

طاعت و بندگی خدا، در روزگار مهلت

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ فِی أَیَّامِ الْمُهْلَهِ

و مرا در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار.۲۹/۲۰

وادار شدن به درنگ نمودن از جهاد

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ، أَوْ أَبْطَأَتْ بِهِ فَاقَهٌ... فَاکْتُبِ

ص: ۱۱۱۳

اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداونـدا و هر مسـلمانی که امر اسـلام او را نگران سـاخت، از این رو قصـد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا فقر او را به درنگ واداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

درنگ نمودن خدا، در انتقام کشی از بنده

وَ اسْتُرْنِی بِسِتْرِکَ کَمَا تَأَنَّیْتَنِی عَنِ الِانْتِقَامِ مِنِّی

و مرا با پوشش خود بپوشان، آنگونه که در انتقام از من درنگ فرمودی.۱۲/۳۱

سبب مهلت خواستن شیطان، از خدا

وَ قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَیَّ عَدُوُّکَ الَّذِی اسْتَنْظَرَکَ لِغَوَایَتِی فَأَنْظَرْتَهُ

و دشمن تو که برای بیراهه بردن من از تو فرصت خواست، پس فرصتش دادی، بر من چیره شده است.۱۲/۳۲

مهلت خواهی شیطان و مهلت دهی خدا به او

وَ اسْتَمْهَلَکَ إِلَی یَوْمِ الدِّینِ لِإِضْلَالِی فَأَمْهَلْتَهُ

و برای گمراه کردنم از تو - تا روز جزا - مهلت طلبید، پس مهلتش دادی.۱۲/۳۲

مهلت دادن خدا، به گنهکار

وَ تُمْلِی لِلْعَاصِی فِیما تَمْلِکُ مُعَاجَلَتَهُ فِیهِ

و گنهکار را در آنچه توانایی شتاب در کیفرش را داری، مهلت می دهی.۱۰/۳۷

مهلت دادن خدا، به ستم کننده به خود

وَ أَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ

و کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای.۹/۴۵

مهلت دادن به بنده و مغرور گشتنش، از باز گشت

وَ سُنَّتُکَ الْإِبْقَاءُ عَلَی الْمُعْتَدِینَ حَتَّی لَقَدْ غَرَّتْهُمْ أَنَاتُکَ عَنِ الرُّجُوعِ، وَ صَدَّهُمْ إِمْهَالُکَ عَنِ النُّزُوعِ

و روش تو مهربانی با تجاوزکنندگان است. تا اینکه مهلت دادن تو آنان را از بازگشتن فریب داد و فرصت دادن تو، آنها را از دست برداشتن بازداشت.۱۶/۴۶

توانایی خدا بر شتاب، و درنگ نمودن او

أَخَّرْتَ وَ أَنْتَ مُسْتَطِیعٌ لِلمُعَاجَلَهِ، وَ تَأَنَّیْتَ وَ أَنْتَ مَلِیءٌ بِالْمُبَادَرَهِ

با آنکه بر شتاب نمودن توانایی، (عذاب را) به تأخیر انداخته ای و با آنکه به پیش دستی کردن قادری، درنگ نموده ای.۲۱/۴۶

از روی ناتوانی نبودن مهلت دادن خدا

لَمْ تَكَنْ أَنَاتُكَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُكَ وَهْنًا، وَ لَا إِمْسَاكُكَ غَفْلَةً، وَ لَا انْتِظَارُكَ مُدَارَاةً

درنـگ نمودن تو از روى نـاتوانى نبوده است و مهلت دادنت نه از روى سـستى، و خوددارى ات نه از روى غفلت، و به تـأخير انداختنت نه از روى نرمى كردن است.۲۲/۴۶

مهلت دادن خطاكاران

وَ يَا مَنْ... يَتَفَضَّلُ بِإِنْظَارِ الْخَاطِئِينَ

و اى آنكه با تفضّل خود خطاكاران را مهلت مى دهى.۷۵/۴۷

مهلت و عقاب تدريجى

لَا تَسْتَدْرِجْنِى بِإِمْلَائِكَ

مرا با مهلت دادنت، به تدريج عقاب نكن.

۹۰/۴۷

مؤاخذه مهلت دادن

وَ أَجِرْنِى مِنْ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ

و از مؤاخذه مهلت دادن پناهم ده.۹۸/۴۷

توانايى بر كيفر، و درنگ كردن

تَغَمَّدْنِى فِيما اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّى بِمَا يَتَغَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ، وَ الْآخِذُ عَلَى الْجَرِيرَهِ لَوْ لَا أَنَاتُهُ

مرا در آنچه بر آن از من آگاهى بپوشان، آنگونه كه مى پوشاند قادر بر سـختگيرى، (و) اگر بردبارى اش نبود (خطاها را ظاهر مى كرد) و

(مانند) كيفركننده بر گناه، (كه) اگر شكيبايى اش نبود (كيفر مى داد).۱۱۹/۴۷

مهلت دادن به بنده و سخت دل شدن او

وَ لَا تَمْدُدْ لِى مَدًّا يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِى

و مرا مهلت و عمر طولانى كه با آن سنگدل شوم، نده.۱۲۱/۴۷

بیم داشتن از مهلت دادن خدا

اجْعَلْ... حَذَرِی مِنْ إِعْذَارِکَ وَ إِنْذَارِکَ

بیم مرا از مهلت دادن ها و ترساندنهایت، قرار ده.۱۲۲/۴۷

مهلت دادن به بنده

وَ مَهِّلْنِی

و به من مهلت ده.۱۶/۴۸

مهلت دهنده بودن خدا

فَلَکَ الْحَمْدُ إِلَهِی مِنْ... ذِی أَنَاةٍ لَا یَعْجَلُ

پس خدای من، سپاس برای توست. مهلت دهنده ای که شتاب نمی کند.۱۴/۴۹

سبب مهلت دادن خدا:

أ. از روی کرم و بزرگواری با بندگان

فَلَمْ یَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ... بَلْ تَأَنَّانَا بِرَحْمَتِهِ تَکَرُّمًا

پس او در کیفرِ ما، شتاب نکرد. بلکه به

رحمتش از روی کرامت، به ما مهلت داد.

۲۱/۱

تَأَنَّیْتَنِی بِکَرَمِکَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِی

با بخششت با من مدارا نمودی و در کیفرم شتاب نکردی.۳۲/۱۶

ب. بازگشت به فرمانش

إِنَّمَا تَأَنَّیْتَ بِهِمْ لِیَفِیؤُوا إِلَی أَمْرِکَ

همانا از این رو با آنان درنگ کرده ای، تا به فرمان تو بازگردند.۱۷/۴۶

ج. اعتماد او به دوام ملک خود

وَ أَمْهَلْتَهُمْ ثِقَةً بِدَوَامِ مُلْکِکَ

و از آن جهت مهلتشان داده ای که به دوام پادشاهی خود اعتماد داری.۱۷/۴۶

د. رساتر شدن حجّتش

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُکَ وَهْنًا... وَ لَا انْتِظَارُکَ مُدَارَاةً، بَلْ لِتَکُونَ حُجَّتُکَ أَبْلَغَ

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سستی، و به تأخیر انداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر باشد.

۲۲/۴۶

ه‍. کامل تر شدن کرمش

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُکَ وَهْنًا، وَ لَا إِمْسَاکُکَ غَفْلَةً، وَ لَا انْتِظَارُکَ مُدَارَاةً، بَلْ لِتَکُونَ... کَرَمُکَ أَکْمَلَ

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سستی، و خودداری ات نه از روی غفلت، و به تأخیر انداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که کرم تو کامل تر باشد.۲۲/۴۶

و. فراوان تر شدن نیکی اش

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُکَ وَهْنًا... وَ لَا انْتِظَارُکَ مُدَارَاةً، بَلْ لِتَکُونَ... إِحْسَانُکَ أَوْفَی

درنـگ نمـودن تو از روی نـاتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سـستی، و به تـأخیر انـداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که احسان تو فراوان تر باشد.

۲۲/۴۶

ز. تمام تر شدن نعمتش

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُکَ وَهْنًا... وَ لَا انْتِظَارُکَ مُدَارَاةً، بَلْ لِتَکُونَ... نِعْمَتُکَ أَتَمَّ

درنـگ نمـودن تو از روی نـاتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سـستی، و به تـأخیر انـداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که نعمت تو تمام تر باشد.

۲۲/۴۶

ص: ۱۱۱۶

میان

جنگ پیامبر صلی الله علیه و آله با دشمنان خدا، در میان شهرهایشان

فَغَزَاهُمْ فِی عُقْرِ دِیَارِهِمْ

پس در وسط دیارشان به جنگ آنها رفت.

۲۰/۲

تاختن پیامبر صلی الله علیه و آله به دشمنان خدا ، در وسط قرارگاهشان

وَ هَجَمَ عَلَیْهِمْ فِی بُحْبُوحَهِ قَرَارِهِمْ

و در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد.

۲۱/۲

جای دادن بنده، در میان بهشت

وَ أَحْلِلْنِی بُحْبُوحَهَ جَنَّتِکَ

و مرا در میان بهشتت جای ده.۱/۴۱

میانجیگری شفاعت

میانه روی

بهره مندی بنده، به (صفت) میانه روی

وَ مَتِّعْنِی بِالِاقْتِصَادِ

و مرا به میانه روی، بهره مند گردان.۱۸/۲۰

پرهیزکاریِ از روی میانه روی

وَ ارْزُقْنِی... وَرَعًا فِی إِجْمَالٍ

و مرا پرهیزکاریِ از روی میانه روی، روزی فرما.۲۷/۲۰

مستقیم ساختن بنده، به میانه روی

وَ قَوِّمْنِی بِالْبَذْلِ وَ الِاقْتِصَادِ

و به بخشش و میانه روی، استوارم گردان.

۳/۳۰

میثاق پیمان

میراث

آل محمّد صلی الله علیه و آله ، میراث بران تفسیر قرآن

وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا

و علم آن را تفسیرشده، به ما ارث دادی.

۵/۴۲

میراث بران بهشت

وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ الَّذِینَ یَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ

و ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که بهشت را ارث می برند، و در آن جاودانند.

۱۸/۴۴

خدا، میراث برنده هر چیز

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ... وَارِثَ کُلِّ شَیْءٍ

خداوندا سپاس برای توست، وارث هر چیز.

۲/۴۷

میزان ترازو

میغ ابر

میکائیل

میکائیل، صاحب منزلت نزد خدا

مِیکَائِیلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَکَ...

میکائیل نزد تو دارای مقام والا است.۳/۳

میکائیل، صاحب مقام بلند، از طاعت خدا

مِیکَائِیلُ ذُو... الْمَکَانِ الرَّفِیعِ مِنْ طَاعَتِکَ

میکائیل از اطاعتت جایگاهی بلند دارد.

۳/۳

درود خدا، بر میکائیل

وَ مِیکَائِیلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

و میکائیل که نزد تو دارای مقام والا است، پس بر آنها درود فرست.۶و۳/۳

میل

ناتوانی بنده از متمایل ساختن دوستی خدا، به سوی خود

وَ لَا أَسْتَمِیلُ هَوَاکَ

و نمی توانم محبّت تو را جلب نمایم.۶/۲۱

متمایل ساختن دل بنده، به طاعت الهی

وَ فَرِّغْ قَلْبِی لِمَحَبَّتِکَ... وَ أَمِلْهُ إِلَی طَاعَتِکَ

و دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به طاعتت متوجّه ساز.۱۰/۲۱

دوست بنده، و میل و هوای نفسش

وَ ارْزُقْنِی... الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ... مُوءْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ، حَتَّی... یَأْیَسَ وَلِیِّی مِنْ مَیْلِی وَ انْحِطَاطِ هَوَایَ

و مرا در حال خوشنودی وخشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم. تا دوستم از میل نفسم و هواداری نادرستم، ناامید شود.۱۳/۲۲

تمایل به راهی دورتر از حسن عاقبت

وَ لَا تَسُمْنَا عَجزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ... وَ نَجْنَحَ إِلَی الَّتِی هِیَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَهِ، وَ أَقْرَبُ إِلَی ضِدِّ الْعَافِیَهِ

ص: ۱۱۱۸

و ما را دچار عجز از شـناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سـبک شماریم و به آنچه که از حسن عاقبت دورتر و به ضدّ عافیت نزدیک تر است، تکیه نماییم.۳/۳۳

میوه

احسان خدا به بنده، با رسیده شدن میوه

وَ امْنُنْ عَلَی عِبَادِکَ بِإِینَاعِ الَّثمَرَهِ

و با به بار آمدن میوه، بر بندگانت احسان نما.

۲/۱۹

خم شدن درختان بهشتی، به انواع میوه ها

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِیهَا مِنْ... الْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّیهِ بِصُنُوفِ الَّثمَرِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آمـاده سـاخته ای از درختـانی که شـاخه هایشـان به انواع میوه هـا خم گشـته، در مقابل دیـدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

ص: ۱۱۱۹

ن

نابودی فنا

نابودی عمل خیر، با منّت گذاردن بر مردم

وَ أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِىَ الْخَيْرَ، وَ لَا تَمْحَقْهُ بِالْمَنِّ

و نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز ولی آن را با منّت گذاردن نابود نفرما.

۳/۲۰

نابودی گناهان بنده ، با سپری شدن ماه رمضان

وَ امْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امِّحَاقِ هِلَالِهِ

و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن.

۱۵/۴۴

نابود گرداندن کج طلبان راه راست خدا

وَ امْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عِوَجًا

و به وسیله او آنان که می خواهند راه راست تو را کج کنند، نابود گردان.۶۲/۴۷

سبک شمردن تهدید الهی، و نابود شدن

وَ لَا تَمْحَقْنِي فِيمَن تَمْحَقُ مِنَ الْمُسْتَخِفِّينَ بِمَا أَوْعَدْتَ

و مرا در شمار نابودشوندگانی که تهدید تو را سبک می شمارند، نابود نکن.۹۵/۴۷

ناپسند

پیامبر صلی الله علیه و آله و آماج (هر امر) ناپسند

وَ عَرَّضَ فِيكَ لِلْمَكْرُوهِ بَدَنَهُ

و به خاطر تو، بدنش را در معرض سختی قرار داد.۵/۲

بلند گردیدن توحید، و کراهت مشرکان از آن

وَ هَجَمَ عَلَیْهِمْ فِی بُحْبُوحَهِ قَرَارِهِمْ حَتَّی ظَهَرَ أَمْرُکَ، وَ عَلَتْ کَلِمَتُکَ، وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ

و در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد. تا اینکه فرمان تو آشکار شد و سخن تو، بلند گردید. اگر چه مشرکان نمی پسندیدند.۲۲و۲۱/۲

فرشتگان آورنده ناپسندی و سختی

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ رُسُلِکَ مِنَ الْمَلَائِکَهِ إِلَی أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَکْرُوهِ مَا یَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، که بلای ناخوشایند به سوی اهل

ص: ۱۱۲۱

زمین می فرستی.۱۷و۱۱و۱۰/۳

باز شدن گره های ناخوشایندی ها

يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ

ای کسی که گره های سختی ها به واسطه او باز می شود.۱/۷

اصرار بر گناه، ناپسند و مکروه خداوند

أَزِلْنَا عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنَ الْإِصْرَارِ

ما را از اصرار بر آنچه ناپسند توست، دور بدار.۱/۹

اندک بودن هر ناپسندی، در برابر خشم خدا

فَكُلُّ مَكْرُوهٍ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ

پس هر ناپسندی در مقابل خشم تو اندک است.۹/۱۴

ناپسند بنده گشتنِ ستم کشی

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرَّهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلَمَ فَقِنِی مِنْ أَنْ أَظْلِمَ

خداوند همچنان که ستم کشیدن را در نظرم ناپسند نمودی، مرا از ستم نمودن حفظ کن.

۱۰/۱۴

نینداختن طوق ناپسندی (گناه)، به گردن بنده

وَ كَمْ مِنْ شَائِبَةٍ أَلْمَمْتُ بِهَا فَلَمْ... تُقَلِّدْنِی مَكْرُوهَ شَنَارِهَا

و چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی.

۲۱/۱۶

شیطان و ناپسند گرداندن اموری، در نظر بنده

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ يُثْقِّلَ عَلَيْنَا مَا كَرَّهَ إِلَيْنَا

خداوندا ما از اینکه چیزی را که در نظر ما زشت نموده، بر ما سنگین آید، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

خوشبخت شدن دیگری، به ناپسند بنده

فَلَا تَجْعَلْ حَظِّی مِنْ رَحْمَتِکَ مَا عَجَّلْتَ لِی مِنْ عَافِیَتِکَ، فَأَکُونَ قَدْ شَقِیتُ بِمَا أَحْبَبْتُ وَ سَعِدَ غَیْرِی بِمَا کَرِهْتُ

پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده که به سبب آنچه دوست دارم، بدبخت شوم و دیگری به سبب آنچه دوست ندارم، خوشبخت شود.

۱/۱۸

رسیدن امر ناپسندی از جانب فرزند، به والدین

ص: ۱۱۲۲

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًی، أَوْ خَلَصَ إِلَیْهِمَا عَنِّی مِنْ مَکْرُوهٍ... فَاجْعَلْهُ حِطَّهً لِذُنُوبِهِمَا...

خداونـدا و هر آزاری که از من به آنان رسـیده یا ناخوشایندی که از من به ایشان رخ داده، پس آن را سـبب ریزش گناهانشان قرار ده.۸/۲۴

کراهت نداشتن فرزند، از کرده والدین

فَإِنِّی... لَا أَکْرَهُ مَا تَوَلَّیَاهُ مِنْ أَمْرِی یَا رَبِّ

زیرا از آنچه درباره من به عهده گرفتند، ناراضی نیستم. ای پروردگار من.۹/۲۴

بازنگشتن به ناپسند خداوند

وَ لَکَ یَا رَبِّ شَرْطِی أَلَّا أَعُودَ فِی مَکْرُوهِکَ

و ای پروردگار من، با تو قرار می گذارم، در کاری که ناپسند توست، برنگردم.۱۶/۳۱

ناپسندیده دانستن جای رضای الهی

وَ لَا تَسُمْنَا عَجزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ، وَ نَکْرَهَ مَوْضِعَ رِضَاکَ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و مورد رضایت تو را ناپسند داریم.۳/۳۳

نپسندیدن تقدیر الهی

حَبِّبْ إِلَیْنَا مَا نَکْرَهُ مِنْ قَضَائِکَ

آنچه از مقدّراتت که نمی پسندیم، نزد ما محبوب فرما.۴/۳۳

ناپسند نشمردن آنچه خدا دوست دارد

وَ أَلْهِمْنَا الِانْقِیَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَیْنَا مِنْ مَشِیَّتِکَ حَتَّی... لَا نَکْرَهَ مَا أَحْبَبْتَ

و گردن نِهی بر خواسته ات را – که بر ما وارد ساختی – به ما الهام فرما، تا آنچه را دوست داشتی، ناپسند نشماریم.۵/۳۳

مردن بدون کراهت

أَمِتْنَا... طَائِعِینَ غَیْرَ مُسْتَکْرِهِینَ

ما را فرمانبردارانِ بی اجبار، بمیران.۵/۴۰

ناپسند نبودن همنشینی با ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ كَرِيهِ الْمُصَاحَبَةِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند نیست.

۳۵/۴۵

عدم انجامِ ناپسند الهی

فَأَحْيِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً... تَبْلُغُ مَا أُحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که به آنچه دوست دارم پایان یابد. در صورتی که آنچه را نمی پسندی، انجام ندهم.۱۱۷/۴۷

برنگشتن به ناپسند الهی، به خواست خدا

فَإِنِّي لَنْ أَعُودَ لِشَيْءٍ كَرِهْتَهُ مِنِّي إِنْ شِئْتَ ذَلِكَ

پس به درستی که اگر تو بخواهی، من هرگز به

چیزی که آن را از من نپسندیده ای، برنمی گردم.

۲۷/۴۸

دشمن و رساندن ناپسندی، بر بنده

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... أَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ

پس چه بسیار دشمنی که در دل قصدِ رساندن ناپسندی (آسیب) به من داشت.۴/۴۹

برطرف نمودن ابرهای ناپسند، از بنده

وَ كَمْ مِنْ سَحَائِبِ مَكْرُوهٍ جَلَّيْتَهَا عَنِّي

و چه بسیار ابرهای ناپسندی (مصیبت باری) که از من برطرف نمودی.۱۱/۴۹

نپسندیدن حکم الهی

لَيْسَ يَسْتَطِيعُ مَنْ كَرِهَ قَضَاءَكَ أَنْ يَرُدَّ أَمْرَكَ

کسی که حکم تو را نپسندید، نمی تواند فرمانت را بازگرداند.۳/۵۲

ناتوانی

عجز اندیشه ها، از وصف خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِي... عَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ

سپاس خدای را، همان که پندارهای وصف کنندگان از وصفش عاجز است.۲و۱/۱

ناتوانی دیده ها، از دیدن خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَتِهِ أَبْصَارُ النَّاظِرِينَ

سپاس خدای را، همان که چشم های بینندگان از دیدنش قاصر است.۲و۱/۱

ناتوانی جانداران از تأخیرِ آنچه خدا جلو انداخته

لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ

آنها تواناییِ عقب انداختن آنچه (خدا) آنان را به سوی آن جلو انداخته، ندارند.۴/۱

ناتوانی جانداران از پیش انداختن آنچه خدا عقب انداخته

وَ لَا یَسْتَطِیعُونَ تَقَدُّمًا إِلَی مَا أَخَّرَهُمْ عَنْهُ

و (آفریدگان) نمی توانند آنچه را که (خدا) آنها را از آن عقب انداخته، جلو اندازند.۴/۱

ناتوانی از سپاس الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَهِ إِلَّا إِلَیْهِ، فَکَیْفَ نُطِیقُ حَمْدَهُ؟

و سپاس خدایی را که درِ نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست. پس چگونه سپاس او را به جا آوریم؟۱۹/۱

عدم وجود ناتوانی در قدرت الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ

ص: ۱۱۲۴

عَلَيْهِ وَ آلِهِ... بِقُدْرَتِهِ الَّتِی لَا تَعْجِزُ عَنْ شَیْءٍ وَ إِنْ عَظُمَ

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد، به قدرتش که از چیزی - اگر چه بزرگ باشد - ناتوان نیست.۱/۲

ناتوانی پیامبر صلی الله علیه و آله و نیرو یافتنش به یاری خدا

فَنَهَدَ إِلَیْهِمْ... مُتَقَوِّیًا عَلَی ضَعْفِهِ بِنَصْرِکَ

پس با قوّت بخشیدن ضعف خود به کمک تو، به سوی آنان تاخت.۱۹/۲

کمک به ناتوان

وَ وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ مُعَاوَنَهِ الضَّعِیفِ

و ما را برای انجام نیکی و کمک کردن ناتوان، توفیق ده.۱۸/۶

ناتوانی بنده، از آنچه به او رسیده

فَقَدْ ضِقْتُ لِمَا نَزَلَ بِی یَا رَبِّ ذَرْعًا

ای پروردگار من، طاقت آنچه بر من رسیده را ندارم.۱۰/۷

آفرینش بنده، از ضعف و ناتوانی

اللَّهُمَّ وَ إِنَّکَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا

خداوندا و تو ما را از ناتوانی آفریده ای.

۵/۹

ناتوانی بندگان از دادگری خدا

وَ أَجِرْنَا مِنْ عَذَابِکَ بِتَجَاوُزِکَ، فَإِنَّهُ لَا طَاقَهَ لَنَا بِعَدْلِکَ

و به گذشت خود، ما را از عذابت ایمن ساز. زیرا ما طاقت عدالت تو را نداریم.۲/۱۰

یاری طلبیدن از خدا، در ناتوانی

وَ أَسْتَعِینُ بِکَ عَلَی مَا عَجَزْتُ عَنْهُ

و برای هر آنچه از انجامش ناتوانم، از تو یاری می طلبم.۱۴/۱۲

ناتوان ساختن ستم کننده و دشمن بنده

وَ اجْعَلْ لَهُ... عَجْزًا عَمَّا یُنَاوِیهِ

و او را در برابر آنکه با او دشمنی می کند ناتوان ساز.۶/۱۴

خدا، بی نیازکننده ناتوان

اللَّهُمَّ یَا کَافِیَ الْفَرْدِ الضَّعِیفِ

خداوندا ای کفایت کننده (شخص) تنهای ناتوان.۱/۲۱

ناتوان شدن بنده از خشم خدا و نداشتن یاور

ضَعُفْتُ عَنْ غَضَبِکَ فَلَا مُوءَیِّدَ لِی

در برابر خشم تو ناتوان شده ام و یاری دهنده ای ندارم.۱/۲۱

خدا و ناتوان ساختن بنده

وَ مَنْ یُقَوِّینِی وَ أَنْتَ أَضْعَفْتَنِی؟

و چه کسی مرا نیرومند سازد، در حالی که تو ناتوانم نموده ای؟۲/۲۱

ناتوانی بنده، از بیرون رفتن از سلطنت خدا

وَ لَا قُوَّهَ لِی عَلَی الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِکَ

و مرا نیرویی برای خروج از سلطنت تو نیست.

۶/۲۱

ناتوانی بنده، از گریز از قدرت الهی

وَ لَا أَسْتَطِیعُ مُجاوَزَهَ قُدْرَتِکَ

و نمی توانم از قدرت تو بگریزم.۶/۲۱

ناتوان بودن بنده

فَإِنِّی عَبْدُکَ... الضَّعِیفُ

پس به درستی که من بنده ضعیف توام.

۷/۲۱

اقرار بنده، به ناتوانی

وَ أَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِی وَ قِلَّهِ حِیلَتِی

و به ضعف قوّتم و کمی چاره اندیشی ام اعتراف دارم.۷/۲۱

ناتوانی بنده، نسبت به سود و زیان خود

لَا أَمْلِکُ لِنَفْسِی نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا بِکَ

جز به یاری تو بر سود و زیانی، توانا نیستم.

۷/۲۱

به خود واگذاردن بنده، و ناتوانی او از انجام امور

وَ انْظُرْ لِی فِی جَمِیعِ أُمُورِی، فَإِنَّکَ إِنْ وَکَلْتَنِی إِلَی نَفْسِی عَجَزْتُ عَنْهَا...

و در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما. که اگر مرا به خود واگذاری، از انجام آن عاجزم.

۳/۲۲

انجام واجبات و ناتوانی بدن

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ لَکَ... وَ إِنْ ضَعُفَ عَنْ ذَلِکَ بَدَنِی

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه بدنم از (انجام) آن ناتوان باشد.۶/۲۲

پناه بردن به خدا، از شرّ ناتوان و توانا

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ ضَعِیفٍ وَ شَدِیدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر ناتوان و توانا پناه ده.۶/۲۳

نیرومند ساختن فرزندان ناتوان، برای والدین

إِلَهِی... قَوِّ لِی ضَعِیفَهُمْ

خداوندا ناتوانشان را برایم نیرومند نما.

۲/۲۵

مهربانی کردن به همسایگان ناتوان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی إِرْفَاقِ ضَعِیفِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان، توفیق ده.

۲/۲۶

ناتوانی و قصد جنگ و جهاد داشتن

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

ضعف بنده، در عمل

وَ أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِیفُ عَمَلًا

و من بنده ای هستم که عملش ضعیف است.

۹/۳۲

ناتوانی معرفت از آنچه خدا اختیار کرده

وَ لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ...

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار

نموده ای نساز.۳/۳۳

ناتوانی بنده و استحقاق الهی

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِکَ وَ إِنِ اجْتَهَدَ إِلَّا کَانَ مُقَصِّرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِکَ بِفَضْلِکَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد، جز آنکه در برابر سزاواری تو بر اثر فضلت، ناتوان است.۲و۱/۳۷

ناتوانی سپاس گزارترین بندگان، از سپاس خدا

فَأَشْکَرُ عِبَادِکَ عَاجِزٌ عَنْ شُکْرِکَ

پس شکرگزارترین بندگانت از شکر تو، عاجز است.۳/۳۷

ناتوانی عابدترین بندگان، از طاعت الهی

وَ أَعْبَدُهُمْ مُقَصِّرٌ عَنْ طَاعَتِکَ

و عابدترین آنان از اطاعتت، ناتوان است.

۳/۳۷

اقرار همگان به ناتوانیشان، نسبت به ادای استحقاق خداوند

وَ کُلٌّ مُقِرٌّ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْتَ

و همگی به ناتوانی خود در ادای آنچه تو شایسته آنی، اقرار دارند.۸/۳۷

ناتوانی کوه های استوار، از تحمّل فهم

عجایب قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا... حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِی ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِی عَلَی صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با محکمیشان از تحمّل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی.

۱۰/۴۲

درنگ خداوند و عدم عجز او

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است.

۲۲/۴۶

درماندگی از سپاس خدا، به علّت ناتوانی

وَ قُصَارَایَ الْإِقْرَارُ بِالْحُسُورِ، لَا رَغْبَةً - یَا إِلَهِی - بَلْ عَجْزًا

و نهایت تلاش من اقرار به درماندگی است. نه از روی بی رغبتی - ای خدای من - بلکه از روی ناتوانی است.۲۴/۴۶

سکوت و ناتوانی از سپاس الهی

وَ قَدْ قَصَّرَ بِیَ السُّکُوتُ عَنْ تَحْمِیدِکَ

و سکوت، مرا از سپاس تو ناتوان ساخته.

۲۴/۴۶

ناتوان نبودن خدا، از درخواست شده از او

إِنَّکَ غَیْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِیدُ، وَ لَا عَاجِزٍ عَمَّا تُسْأَلُ

به درستی که تو آنچه بخواهی، برایت سخت و دشوار نیست و از آنچه از تو درخواست شود، ناتوان نیستی.۲۵/۴۶

اقامه برهان و عدم عجز خداوند

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ یُعْیِکَ بُرْهَانٌ وَ لَا بَیَانٌ

تویی آنکه دلیل روشن و سخن آشکاری، تو را عاجز نکرده است.۱۶/۴۷

ناتوانی فهم ها، از (ادراک) چگونگی خدا

أَنْتَ الَّذِی... عَجَزَتِ الْأَفْهَامُ عَنْ کَیْفِیَّتِکَ

تویی آنکه فهم ها از کیفیّت تو عاجزند.

۱۸/۴۷

ناتوانی فرشتگان، از شمارش سپاس

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند.۴۰و۳۶/۴۷

ناتوان، و ستم نمودنش

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَیْسَ فِی حُکْمِکَ ظُلْمٌ... وَ إِنَّمَا یَحْتَاجُ إِلَی الظُّلْمِ الضَّعِیفُ

دانسته ام که در فرمان تو ستم نیست. و همانا

ضعیف، نیازمند به ستم کردن است.۱۵/۴۸

خدا، بینا به ناتوانی بنده

فَقَدْ تَرَی ضَعْفِی... إِلَیْکَ

زیرا ناتوانی ام را به درگاه خود می بینی.

۱۶/۴۸

خدا، بینا به ناتوانی بنده

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی ضَعْفِی عَنِ احْتِمالِ الْفَوَادِحِ

ای خدای من، پس تو ناتوانی ام را از تحمّل مصیبت های سخت، مشاهده کردی.۵/۴۹

ناتوانی از (تحمّل) گرمی آفتاب

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ، الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ حَرَّ شَمْسِکَ

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتابت را ندارد.۵/۵۰

ناتوانی از (تحمّل) گرمی آتش الهی

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ، الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ حَرَّ شَمْسِکَ، فَکَیْفَ تَسْتَطِیعُ حَرَّ نَارِکَ؟

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتابت را ندارد، پس چگونه گرمای آتشت را توانایی دارد؟۵/۵۰

ناتوانی بنده، از (شنیدن) صدای رعد

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ... الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ صَوْتَ رَعْدِکَ

پس خداونـدا، به نـام های پنهان شـده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانـده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب

رحم نمایی، که توانایی صدای غرش ابرت را ندارد.۵/۵۰

ناتوانی بنده، از (شنیدن) بانگ خشم خدا

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ... الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ صَوْتَ رَعْدِکَ، فَکَیْفَ تَسْتَطِیعُ صَوْتَ غَضَبِکَ؟

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی صدای غرش ابرت را ندارد، پس چگونه بانگ خشمت را

ص: ۱۱۲۹

توانایی دارد؟ ۵/۵۰

احسان الهی و ناتوانی بنده، از سپاس

فَقَدِ اصْطَنَعْتَ عِنْدِی مَا یَعْجِزُ عَنْهُ شُکْرِی

پس تو آنچنان به من نیکی کردی که شکر من از ادای آن عاجز است.۱/۵۱

ناتوانی بنده، از غالب و پیروز گشتن

أَسْأَلُکَ أَنْ... تَغْفِرَ لِی فَلَسْتُ بَرِیئًا فَأَعْتَذِرَ، وَ لَا بِذِی قُوَّهٍ فَأَنْتَصِرَ

از تو می خواهم که بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم و دارای توانی نمی باشم تا پیروز شوم.۷/۵۱

ناتوانی بنده از شتاب به سوی وعده خدا، به دوستانش

أَشْکُو إِلَیْکَ یَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی عَنِ الْمُسَارَعَهِ فِیما وَعَدْتَهُ أَوْلِیاءَکَ

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده ای، به تو شکایت می کنم. ۱۰/۵۱

نزدیک شدن مرگ و ناتوانی بنده

ارْحَمْ... اقْتِرَابَ أَجَلِی وَ ضَعْفِی وَ مَسْکَنَتِی وَ قِلَّهَ حِیلَتِی

بر نزدیک شدن مرگم و ناتوانی ام و نیازمندی ام و بیچارگی ام رحم کن.۴/۵۳

نبودِ توانایی دهنده ای، برای ناتوانی بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... سُؤَالَ مَنْ لَا یَجِدُ لِفَاقَتِهِ مُغِیثًا، وَ لَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّیًا... غَیْرَکَ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که فریادرسی برای نیازش، و نیرودهنده ای برای ضعفش جز تو نمی یابد.

۳/۵۴

ناحق باطل

ناخن

جدا ساختن ناخن های دشمنان مرزداران اسلام

وَ اقْلِمْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ

و چنگالشان را از آنان جدا کن.۵/۲۷

ناخوشی

امید به اجابت الهی ، در حال خوشی و ناخوشی

وَ لَا تَجْعَلْنِی... آیِسًا مِنْ إِجَابَتِکَ لِی وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّی، فِی سَرَّاءَ کُنْتُ أَوْ ضَرَّاءَ

و مرا ناامید از اجابتت – گرچه دیر شود –

ص: ۱۱۳۰

قرار نده، در خوشی باشم یا سختی.۸/۲۱

نادانی

نادانی بنده، به حالت و زمان شکرگزاری

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی، أَیُّ الْحَالَیْنِ أَحَقُّ بِالشُّکْرِ لَکَ؟ وَ أَیُّ الْوَقْتَیْنِ أَوْلَی بِالْحَمْدِ لَکَ؟

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ و کدامین یک از دو وقت، برای ستایش تو شایسته تر می باشد؟۲/۱۵

نافرمانی خدا، از روی نادانی

وَ أَنَا الَّذِی بِجَهْلِهِ عَصَاکَ

و منم آن کسی که از روی نادانی تو را نافرمانی کرده.۱۴/۱۶

نادانی بنده، نسبت به رستگاری خود

فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّی، یَا إِلَهِی، بِرُشْدِهِ؟

پس ای خدای من چه کسی به رستگاری خود نادان تر از من است؟۲۳/۱۶

به مرزداران شناساندن آنچه جاهل به آنند

عَرِّفْهُمْ مَا یَجْهَلُونَ

آنچه را نمی شناسند، به آنان بشناسان.۳/۲۷

همانندی مرتکب نواهی، با فرد جاهل به قدرت الهی

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِیطًا، وَ تَعَاطَی مَا نَهَیْتَ عَنْهُ تَغْرِیرًا کَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِکَ عَلَیْهِ

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده. مانند نادان به قدرت تو بر خودش.

۷و ۶/۳۱

عذرخواهی بنده، از جهل خود

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ مِنْ جَهْلِی

خداوندا، به درستی که من از نادانی ام، در پیشگاه تو عذر می خواهم.۲۱/۳۱

نادان نبودن بنده، به بدی کردار خود

فَمَا کُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست.۲۶/۳۱

برتری آل محمّد صلی الله علیه و آله بر جاهلان به علم قرآن

وَ فَضَّلْتَنَا عَلَی مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ

و ما را بر کسی که به علم آن نادان بود، برتری بخشیدی.۵/۴۲

نادانی بدبختان، به زمان ماه رمضان

ص: ۱۱۳۱

وَ وَفَّقْتَنَا بِمَنِّكَ لَهُ حِينَ جَهِلَ الْأَشْقِيَاءُ وَقْتَهُ

و ما را برای آن به وسیله نعمتت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند.

۴۳/۴۵

جاهلان، و فراموشی نعمت های الهی

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِی أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِآلَائِكَ

و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجّهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان.

۱۱۴/۴۷

مجهول ماندن مقام و منزلت بنده

وَ لَا تَسُمْنِی... نَقِيصَةً يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِی

و عیبی را که به خاطر آن، منزلتم دانسته نشود، بر من ثابت نگردان.۱۲۱/۴۷

بردباری خداوند، و بخشش نادانی بنده

وَ عُدْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِی

و با بردباری ات بر نادانی ام، ببخش.۴/۵۳

نادرست باطل

نازایی

درخواست نازا گرداندن زنان دشمنان

مرزداران اسلام، از خدا

اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ

خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان.

۶/۲۷

نازپرورده

پناه بردن به خدا، از شر مرفّهِ نازپرورده

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ كُلِّ مُتْرَفٍ حَفِیدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر مُرفّه نازپرورده پناه ده.۶/۲۳

رانده نشدن نازپروردگان، (از درگاه الهی)

فَیَا مَنْ... لَا یَنْدَهُ الْمُتْرَفِینَ

پس ای آنکه نازپروردگان را نمی رانی.

۷۵/۴۷

نازک

دشمن، و نازک گرداندن طرف تیزِ تیغش

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... شَحَذَ لِی ظُبَةَ مُدْیَتِهِ، وَ أَرْهَفَ لِی شَبَا حَدِّهِ

پس چه بسیار دشمنی که لبه تیغش را برای من تیز نمود و طرف تیز آن را برایم نازک کرد.

۴/۴۹

ناسپاسی

ناسپاسی ننمودن از خدا

فَقُلْتَ: اذْكُرُونِی أَذْكُرْكُمْ، وَ اشْكُرُوا لِی وَ لَا تَكْفُرُونِ

پس فرمودی: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا شکر گزارید و مرا کفران نکنید.» ۱۴/۴۵

ناسپاسی بنده و عذاب الهی

وَ قُلْتَ: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ، وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِی لَشَدِيدٌ

و فرمودی: «اگر شکر گزارید، شما را فزونی دهم و اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است.» ۱۴/۴۵

ناسپاسی و عدم محرومیّت از خیر

إِلَهِی فَلَا تَحْرِمْنِی خَيْرَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى لِقِلَّةِ شُكْرِی

خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی بهره نگردان. ۱۳/۵۱

نافرمانی سرکشی

سپاسی مانع از نافرمانی خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... حَاجِزًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که مانعی از معصیتش باشد. ۲۹و ۲۷/۱

گفتار فرشتگان، هنگام دیدن چگونگی

دوزخ بر معصیت کار

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

و همانهایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم. ۹/۳

نافرمانی نکردن فرشتگان، از فرمان الهی

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنان که خدا را در آنچه به آنان امر کرده، سرپیچی نمی کنند.

۱۹و۱۱و۱۰/۳

تابعین و نگه داشته شدن از نافرمانی خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاهً تَعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را از معصیت نگه داری.

۱۴و۱۳/۴

نگه داشتن بنده، از نافرمانی خدا

وَ احْفَظْنَا... حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

و ما را نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از

نافرمانی تو بازدارد.۱۷/۶

کوچک شمردن معصیت

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... اسْتِصْغَارِ الْمَعْصِیَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از کوچک شمردن نافرمانی.۲و۱/۸

فرونبردن اندام بنده، در معصیت الهی

وَ لَا تَجْعَلْ لِشَیْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوذًا فِی مَعْصِیَتِکَ

و اعضای ما را در نافرمانی ات نفوذناپذیر کن.

۶/۹

شماتت شیطان و نافرمانی بنده از خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّیْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا إِذْ شَایَعْنَاهُ عَلَی مَعْصِیَتِکَ

خداوندا چون بر نافرمانی از تو، شیطان را همراهی نمودیم، او ما را شماتت کرد.۶/۱۰

توبه پذیرفته شده معصیت

وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِی عَلَیْنَا کَتَبَهُ أَعْمَالِنَا. تَوْبَهً مَقْبُولَهً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَی ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَ لَا مَعْصِیَهٍ اقْتَرَفْنَاهَا

و پایان آنچه نویسندگان کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده که ما را پس از آن بر گناه و نافرمانی انجام شده توبیخ نکنی.

۳/۱۱

خودداری از معصیت، هنگام احسان الهی

مُقِرٌّ لَکَ بِأَنِّی لَمْ أَسْتَسْلِمْ وَقْتَ إِحْسَانِکَ إِلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنْ عِصْیَانِکَ

اقرار می کنم به اینکه هنگام احسانت، جز با خودداری از معصیت تو، فرمان نبرده ام.۵/۱۲

آمرزیدن معصیت کار

مَا أَنَا بِأَعْصَى مَنْ عَصَاکَ فَغَفَرْتَ لَهُ

من گناهکارتر از آنکه نافرمانی تو کرده و تو او را آمرزیده ای، نبوده ام.۱۱/۱۲

افراط نکردن خدا، در کیفر معصیت کاران

وَ أَنْتَ الَّذِی لَا یُفْرِطُ فِی عِقَابِ مَنْ عَصَاهُ

و تویی آنکه در کیفر گناهکاران زیاده روی نمی کند.۱۲/۱۶

نادانی و نافرمانی

أَنَا الَّذِی بِجَهْلِهِ عَصَاکَ

منم آن کسی که از روی نادانی تو را نافرمانی کرده.۱۴/۱۶

صرف نمودن روزی خدا، در نافرمانی او

وَ مَنْ أَبْعَدُ مِنِّی مِنِ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِینَ أُنْفِقُ مَا أَجْرَیْتَ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ فِیما نَهَیْتَنِی عَنْهُ مِنْ مَعْصِیَتِکَ؟

و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد، آنگاه که روزی ات را که برایم رسانده ای،

در نافرمانیت در آنچه بازداشته ای صرف می کنم؟

۲۳/۱۶

خوش رفتاری خدا با بنده ، جهت دست برداشتنش از معصیت

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَاتُكَ عَنِّی... وَ لَیسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِی عَلَیكَ، بَلْ تَأَنِّیا مِنْكَ لِی، وَ تَفَضُّلًا مِنْكَ عَلَیَّ لِأَنْ أَرْتَدِعَ عَنْ مَعْصِیتِكَ الْمُسْخِطَهِ

و شگفت تر از آن بردباری تو با من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از بردباری تو بر من و از تفضّل تو بر من است. برای اینکه از نافرمانی – برانگیزنده خشم تو – دست بردارم.

۲۶/۱۶

جزای نخستین معصیت

وَ إِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِی حِینَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ... فَإِنَّ ذَلِكَ غَیرُ وَاجِبٍ لِی بِاسْتِحْقَاقٍ... إِذْ كَانَ جَزَائِی مِنْكَ فِی أَوَّلِ مَا عَصَیتُكَ النَّارَ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست. زیرا کیفر من در نخستین گناهی که کردم، آتش بود.۳۱/۱۶

نگهداشتن بنده، از معاصی

وَ قِنِی مِنَ الْمَعَاصِی

و مرا از گناهان حفظ کن.۳۳/۱۶

شیطان و خوار ساختن بندگان، با معصیت

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ یُطْمِعَ نَفْسَهُ فِی... امْتِهَانِنَا بِمَعْصِیتِكَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در خوار نمودن ما به نافرمانی ات طمع کند، به تو پناه می بریم.۲و۱/۱۷

دلیر نساختن بنده، بر نافرمانی خدا

وَ لَا تُجَرِّئْنِی عَلَى الْمَعَاصِی

و بر نافرمانی ها جرأتم مده.۵/۲۲

منّت بر بنده و دوری از نافرمانی خدا

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الِاجْتِنَابِ لِمَا نَهَيْتَنِی عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِکَ

و با تندرستی و دوری جستن از نافرمانی ات - که مرا از آن بازداشته ای - بر من منّت گذار.

۳/۲۳

رها کردن معصیت خداوند

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِيعِ ذَلِکَ مِنَ... التَّارِکِينَ لِکُلِّ مَعْصِيَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) همه نافرمانی هایت را ترک کرده اند، قرار ده.

۱۰/۲۵و۱۱

بزرگ دیدن نافرمانی خدا

...حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى... فَرَأَى کَبِيرَ عِصْيَانِهِ

کَبِيرًا

...امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، پس گناه بزرگش را بزرگ دانست.۷/۳۱

توبه نمودن و خیال معصیت نداشتن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَيْکَ... تَوْبَهَ مَنْ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَهٍ

خداوندا من به درگاهت توبه می کنم، توبه کسی که نافرمانی از ذهنش نمی گذرد.۱۴/۳۱

دوری نمودن از همه معاصی

وَ لَکَ يَا رَبِّ... عَهْدِی أَنْ أَهْجُرَ جَمِيعَ مَعَاصِيکَ

و ای پروردگار من، با تو عهد می بندم، از همه نافرمانی های تو، دوری گزینم.۱۶/۳۱

احتمال توبه بودنِ ترک معصیت

وَ إِنْ يَکُنِ التَّرْکُ لِمَعْصِيَتِکَ إِنَابَهً فَأَنَا أَوَّلُ الْمُنِيبِينَ

و اگر ترک معصیت تو، بازگشت است، پس من نخستین بازگشت کننده ام.۲۸/۳۱

بسیاری نافرمانی بنده، از خدا

و کَثُرَ عَلَيَّ مَا أَبُوءُ بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِکَ

و معصیتت که بر دوش کشم، بر من زیاد است.

۱۰/۳۲

پرداختن به معصیت، و سزاوار خشم خدا شدن

...إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِيَتَکَ، وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْيِی سَخْطَتَکَ، فَتَلَ عَنِّی عِذَارَ غَدْرِهِ

...همین که به نافرمانی ات پرداختم و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم، پس عنان حیله اش را از من برگرداند.۱۳/۳۲

سخت گرفتن خدا بر معصیت کار، با آتش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ تَغَلَّظْتَ بِهَا عَلَی مَنْ عَصَاکَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سخت گرفتی.

۲۹/۳۲

فریب خوردن از شیطان و نافرمانی خدا

فَلَوْ لَا أَنَّ الشَّیْطَانَ یَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِکَ مَا عَصَاکَ عَاصٍ

پس اگر شیطان آنها را از اطاعتت فریبشان نمی داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی کرد.

۹/۳۷

مهلت دادن خدا به معصیت کار

وَ تُمْلِی لِلْعَاصِی فِیما تَمْلِکُ مُعَاجَلَتَهُ فِیهِ

و گنهکار را در آنچه توانایی شتاب در کیفرش را داری، مهلت می دهی.۱۰/۳۷

آشکار بودن کرم خدا، با معصیت کار

فَسُبْحَانَکَ مَا أَبْیَنَ کَرَمَکَ فِی مُعَامَلَهِ مَنْ أَطَاعَکَ أَوْ

عَصَاکَ...

پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است.۱۰/۳۷

شتاب نکردن خدا، در کیفر عصیانگر

فَأَمَّا الْعَاصِی أَمْرَکَ وَ الْمُوَاقِعُ نَهْیَکَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنَقِمَتِکَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی.۱۴/۳۷

کیفر بنده، در نخستین قصد نافرمانی خدا

وَ لَقَدْ کَانَ یَسْتَحِقُّ فِی أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْیَانِکَ کُلَّ مَا أَعْدَدْتَ لِجَمِیعِ خَلْقِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ

و حال آنکه او در آغاز که همّت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.۱۴/۳۷

معصیت کار و ستم الهی

لَا یُخْشَی جَوْرُکَ عَلَی مَنْ عَصَاکَ

بیمی از آن نیست که بر کسی که تو را معصیت کرد، ستم کنی.۱۶/۳۷

توبه کنندگانِ بدون معصیت

أَمِتْنَا... تَائِبِینَ غَیْرَ عَاصِینَ...

ما را توبه کنندگانِ غیر گنهکار، بمیران.۵/۴۰

عامل بازدارنده از رفتن به سوی معاصی

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَی الْمَعَاصِی حَابِسًا

و قرآن را نگهدار گام های ما از حرکت به سوی گناهان قرار ده.۱۰/۴۲

ماه نو و نگه داشته شدن بنده، از معصیت

وَ احْفَظْنَا فِیهِ مِنْ مُبَاشَرَهِ مَعْصِیَتِکَ

و ما را در آن (ماه) از انجام دادن نافرمانی ات نگهدار.۶/۴۳

روزه و بازداشته شدن اندام، از معاصی

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما.۶/۴۴

بردباری خدا، با معصیت کار

وَ تَلَقَّيْتَ مَنْ عَصَاكَ بِالْحِلْمِ

و با کسی که نافرمانی ات را نموده، با بردباری رفتار می کنی.۹/۴۵

گستردگی روزی خدا، بر معصیت کار

رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ

روزیِ تو برای کسی که تو را نافرمانی کرده، گسترده است.۱۶/۴۶

برحذر بودن از نافرمانی امام علیه السلام

وَ حَذَّرْتَ مَعْصِيَتَهُ

و از نافرمانی اش برحذر داشتی.۶۰/۴۷

نهی خدا، از نافرمانی

وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ

و او را از نافرمانی نهی کردی.۶۸/۴۷

نافرمانی خدا، از روی عمد

أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا

منم آنکه از روی عمد، تو را نافرمانی کردم.

۷۸/۴۷

همانند نافرمانی از خدا

بِحَقِّ... مَنْ جَعَلْتَ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ... تَغَمَّدْنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ کسی که نافرمانی از او را مانند نافرمانی از خود قرار داده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

پاکی از چرکی عصیان و نافرمانی

وَ هَبْ لِيَ التَّطْهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ

و پاک گشتن از چرکی گناه را به من ببخش.

۱۱۲/۴۷

عدم تباهی کارهای نیک، در اثر آمیختگی با معصیت

لَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

کارهای نیک مرا با درآمیختن به نافرمانی ات، باطل نکن.۱۳۱/۴۷

عطای الهی، و نافرمانی بنده

وَ أَبْلَيْتَ الْجَمِيلَ فَعَصَيْتُ

و عطای نیکو نمودی، پس نافرمانی کردم.

۱/۴۹

سرگرم شدن به نافرمانی خدا

كُلُّ ذَلِكَ إِنْعَامًا وَ تَطَوُّلًا مِنْكَ، وَ فِي جَمِيعِهِ انْهِمَاكًا مِنِّي عَلَى مَعَاصِيكَ

همه آنها نعمت و احسان از جانب توست، و در همه آنها، من سرگرم نافرمانی تو بودم.۱۳/۴۹

عدم کاهش ملک خدا، با نافرمانی گنهکار

لَكِنْ... مُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ... تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْمُذْنِبِينَ

ولی پادشاهی ات پایدارتر از آن است که نافرمانی گنهکاران (چیزی) از آن بکاهد.۶/۵۰

نافله مستحب

ناگوار

کمی و ناگوارِ بخشش خویشان، به بنده

إِنْ أَلْجَأْتَنِي إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي، وَ إِنْ أَعْطَوْا أَعْطَوْا

ص: ۱۱۳۸

قَلِيلًا نَكِدًا

اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند.

۳/۲۲

نالیدن

عامل آسان شدن سختی نالیدن بندگان، هنگام مرگ

وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَی أَنْفُسِنَا... جَهْدَ الْأَنِینِ

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، سختی ناله کردن را بر ما آسان گردان.۱۳/۴۲

نام

منزّه بودن نام های خداوند

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ

نام هایش مقدّس است.۷/۱

وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُکَ عَنِ الْمَنْسُوبِینَ

و نام هایت از نسب داران مقدّس تر است.

۱۴/۳۹

بخشاینده نامیده شدن خدا، از جانب خودش

وَ أَنْتَ الَّذِی سَمَّیْتَ نَفْسَکَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّی

و تویی آنکه خود را بخشاینده نام نهادی، پس از من درگذر.۱۸/۱۶

مشرکانی با نام و نشانی پنهان از بنده

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْکِ، الَّذِینَ تَخْفَی أَسْمَاؤُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و دیگر امّت های مشرک، که نام ها و

نشانه هایشان پنهان است.۹/۲۷

نوشتن نام مسلمانی با ویژگی های خاص، در زمره عبادت کنندگان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ، أَوْ أَبْطَأَتْ بِهِ فَاقَةٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا فقر او را به درنگ واداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

«لیله القدر»، نام شبی از شب های رمضان

ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِی أَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمَّـاهَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ

ص: ۱۱۳۹

آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد، و آن را شب قدر نامید.

۵/۴۴

«توبه»، نام دری به سوی عفو الهی

أَنْتَ الَّذِی فَتَحْتَ لِعِبَادِکَ بَابًا إِلَی عَفْوِکَ، وَ سَمَّیْتَهُ التَّوْبَهَ

تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده ای و آن را توبه نامیده ای.

۱۰/۴۵

مبارک بودن نام خداوند

...تَبَارَکَ اسْمُکَ

...نامت مبارک است.۱۲/۴۵

نامگذاری دعا، به «عبادت»

فَسَمَّیْتَ دُعَاءَکَ عِبَادَهً

پس دعا کردن را عبادت نامیدی.

۱۵/۴۵

نامگذاری ترک دعا، به «استکبار»

فَسَمَّیْتَ... تَرْکَهُ اسْتِکْبَارًا

پس ترک آن را استکبار نامیدی.۱۵/۴۵

تغییر ندادن نام بنده

وَ لَا تُغَیِّرْ لِی اسْمًا

و نامم را تغییر نده.۱۲۴/۴۷

نام های پنهان شده خداوند

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ

پس خداونـدا، به نـام های پنهان شـده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانـده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب رحم نمایی.

۵/۵۰

نیکوترین نام ها

یَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَی

ای کسی که نیکوترین نام ها برای اوست.

۷/۵۱

نام بزرگ خداوند

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به نام بزرگت از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و تسبیح نمودن خدا، به نام بزرگش

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذِی أَمَرْتَ رَسُولَکَ أَنْ یُسَبِّحَکَ بِهِ... أَنْ تُغْنِیَنِی عَنْ کُلِّ شَیْءٍ بِعِبَادَتِکَ

خدای من، به آن نام بزرگت که پیامبرت را فرمان دادی که تو را با آن تسبیح گوید، از تو می خواهم که مرا به وسـیله بندگی ات از هر چیزی

بی نیاز گردانی.۱۰/۵۲

نامبارک شوم

نامه

پر ساختن نامه اعمال بندگان، از نیکی ها

وَ امْلَأْ لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفَنَا

و نامه های اعمال ما را از نیکی هایمان پر کن.

۱۵/۶

فرشتگان و نامه ای خالی از یاد گناهان بندگان

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَهٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَهٌ... حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَّابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَهٍ خَالِيَهٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. تا نویسندگان بدی ها با نامه ای خالی از کردار زشت از نزد ما بازگردند.۲/۱۱

نبرد جنگ

نبوّت پیامبری

نجات رهایی

نجاست پلیدی

نحس شوم

ندا صدا

نرخ بها

نردبان

نردبانی برای رسیدن به جایگاه سلامت (بهشت)

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سُلَّمًا نَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَهِ

و قرآن را نردبانی برای عروجمان به محل سلامت قرار ده.۸/۴۲

بالا رفتن از نردبان رحمت همیشگی خدا

فَهَبْ لِی یَا إِلَهِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ دَوَامِ تَوْفِیقِکَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَی رِضْوَانِکَ

پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم.

۱۷/۴۹

نرم خویی

توفیق نرم خویی

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... لِینِ الْعَرِیکَهِ

و زیور پرهیزکاران را در نرم خویی، به من بپوشان.۱۰/۲۰

ص: ۱۱۴۱

نرم خو نمودن فرزند، با والدین

وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِیکَتِی

و خویم را برایشان نرم نما.۶/۲۴

نرم بودن با همسایگان، از روی فروتنی

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أُلِینُ جَانِبِی لَهُمْ تَوَاضُعًا

و خداوندا مرا بر آن دار که فروتنانه، با آنها نرمی و مدارا کنم.۳/۲۶

نرم گرداندن خوی ولیّ خدا علیه السلام ، برای دوستان خداوند

وَ أَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِیَائِکَ

و خوی او را برای دوستانت نرم فرما.

۶۳/۴۷

نرینه

بخشیدن فرزندان نرینه، به والدین

وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُکُورًا

و از نزد خود افزون بر ایشان، پسران دیگری به من ببخش.۵/۲۵

نزدیکان

پیامبر صلی الله علیه و آله و دور گرداندن نزدیکان

وَ أَقْصَی الْأَدْنَیْنَ عَلَی جُحُودِهِمْ

و نزدیکان را بر اثر انکارشان، دور نمود.

۹/۲

دشمنی پیامبر صلی الله علیه و آله با نزدیک ترین (افراد)

وَ عَادَى فِيكَ الْأَقْرَبِينَ

و به خاطر تو با نزدیک ترین (اشخاص)، دشمنی نمود.۱۲/۲

نزدیکان بنده و پناهگاهی بازدارنده از شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ... قَرَابَاتِنَا... مِنْهُ فِی حِرْزٍ حَارِزٍ، وَ حِصْنٍ حَافِظٍ، وَ كَهْفٍ مَانِعٍ

و نزدیکان ما را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده.۱۰/۱۷

تغییر خواری بنده توسّط نزدیکان، به یاری

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِینَ النُّصْرَةَ

و درباره من خوار گرداندن نزدیکان را به یاری نمودن مبدّل فرما.۷/۲۰

رعایت اموری، برای نزدیکان

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَرْعَى لَهُمْ مَا أَرْعَى لِخَاصَّتِی

و خداوندا مرا بر آن دار که آنچه را برای

خاصّان خود رعایت می کنم، برای آنان (همسایگان) رعایت نمایم.۳/۲۶

بالاترین عطایای تقرّب جویان

وَ اجْعَلْ مَا سَمَحْتُ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ... أَعْلَی صِلَاتِ الْمُتَقَرِّبِینَ

و گذشت از ایشان را که من کردم، بالاترین بخشش های تقرّب جویان قرار ده.۲/۳۹

سرپرستی کردن خدا، از مقرّبان

وَ تَوَلَّنِی بِمَا تَتَوَلَّی بِهِ أَهْلَ طَاعَتِکَ وَ الزُّلْفَی لَدَیْکَ وَ الْمَکَانَهِ مِنْکَ

و مرا سرپرستی کن همانگونه که فرمانبرانت و نزدیکانت و منزلت دارندگانت را سرپرستی می کنی.

۸۷/۴۷

نزدیکی

نزدیک شدن به سوی سرآمدی خاص، با سال های روزگار

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِی الْحَیَاهِ أَجَلًا مَوْقُوتًا... یَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، که با سال های روزگارش، به آن نزدیک می شود.۶/۱

مقرّبان (درگاه خدا) و نگهداری از کتاب مرقوم

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَی أَعْلَی عِلِّیِّینَ فِی کِتَابٍ مَرْقُومٍ یَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقرّبان الهی گواه آنند».

۱۳و۱۰/۱

سپاسی تنگ کننده جا، بر فرشتگان مقرّب

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُزَاحِمُ بِهِ مَلَائِکَتَهُ الْمُقَرَّبِینَ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، جا را بر فرشتگان مقرّب تنگ نماییم.۱۶و۱۰/۱

نزدیک ترین فرشتگان و ستودن خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِکُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَی مَلَائِکَتِهِ إِلَیْهِ...

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش، او را ستوده اند.۲۵/۱

پیامبر صلی الله علیه و آله و نزدیک گرداندن افراد دور

وَ قَرَّبَ الْأَقْصَیْنَ عَلَی اسْتِجَابَتِهِمْ لَکَ

و دورتران را بر اثر پذیرفتنشان - برای تو - نزدیک نمود.۱۰/۲

برابری نکردن هیچ فرشته مقرّبی ، با پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: ۱۱۴۳

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ... إِلَى الدَّرَجِهِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِکَ حَتَّى... لَا یُوَازِیَهُ لَدَیْکَ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ

خداوندا، او را به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر. تا آنکه نزد تو هیچ فرشته مقرّبی با او برابری نکند.۲۴و۲۳/۲

جبرئیل، فرشته مقرّب درگاه خدا

جِبْرِیلُ الْأَمِینُ عَلَى وَحْیِکَ... الْمُقَرَّبُ عِنْدَکَ

جبرئیل امین وحی تو، مقرّب نزد توست.

۴/۳

درود خدا، بر مقرّبان درگاهش

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ أَهْلِ الزُّلْفَهِ عِنْدَکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که نزدت مقرّبند.۱۰/۳

نزدیک نمودن بندگان، به قرب الهی

وَ أَدْنِنَا إِلَى قُرْبِکَ

و ما را به قرب خود نزدیک فرما.۴/۵

سودبریِ آنکه خدا او را به خود نزدیک گرداند

وَ مَنْ تُقَرِّبْهُ إِلَیْکَ یَغْنَمْ

و هر کس را که به خود نزدیک سازی، سود می برد. ۹/۵

در زمره نزدیکان (به رحمت) خدا بودن

وَ اجْعَلْنَا... مِنْ خَاصَّتِکَ الْخَاصِّینَ لَدَیْکَ

و ما را از برگزیدگان مخصوص خود قرار ده.

۱۵/۵

نزدیک بودن خدا، به ندا و آواز بنده

وَ كُنْ... مِنْ نِدَائِی قَرِیبًا

و به آوازم نزدیک شو.۲۱/۱۳

نزدیک بودن یاری خدا، به مظلومین

وَ یَا مَنْ قَرُبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِینَ

و ای کسی که یاری او به ستم دیدگان نزدیک است.۳/۱۴

نزدیک شدن به ترس دیدار خدا

وَ أَشْرَفْتُ عَلَی خَوْفِ لِقَائِکَ. فَلَا مُسَکِّنَ لِرَوْعَتِی

و به ترس دیدارت نزدیک گشته ام و آرامش دهنده ای برای ترسم ندارم.۱/۲۱

پناه بردن به خدا، از شرّ هر نزدیک و دوری

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ قَرِیبٍ وَ بَعِیدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر نزدیک و دوری پناه ده.۶/۲۳

نزدیک بودن خدا

إِنَّکَ قَرِیبٌ مُجِیبٌ

همانا تو نزدیکِ اجابت کننده ای.۱۲/۲۵

وسیله رسیدن به قرب خدا

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا... وُصْلَهً إِلَی قُرْبِکَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، وسیله پیوستن به قربت قرار ده.۶/۳۰

نزدیک شدن به گرفتاری ها

اللَّهُمَّ وَ عَلَیَّ تَبِعَاتٌ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا... وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ أُقَارِفَ مِثْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است. پس صاحبانش را عوض ده و مرا از نزدیک شدن به مانند آن، نگهدار.۱۸/۳۱

نزدیکی گنهکار، به معصیت

...إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِیَتَکَ، وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْیِی سَخْطَتَکَ، فَتَلَ عَنِّی عِذَارَ غَدْرِهِ

...همین که به نافرمانی ات نزدیکی نمودم و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم، پس عنان حیله اش را از من بر گرداند.۱۳/۳۲

فرشتگان مقرّب، در جایگاه گواهان

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ، وَ الرُّسُلِ الْمُکَرَّمِینَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد

جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

نزدیک بودنِ دُورِ آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... بَعِیدُهَا قَرِیبٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که دورش نزدیک است.۲۹/۳۲

راهی نزدیک تر به خلاف عافیت

وَ لَا تَسُمْنَا عَجزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ... وَ نَجْنَحَ إِلَی الَّتِی هِیَ... أَقْرَبُ إِلَی ضِدِّ الْعَافِیَهِ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و به آنچه که به ضدّ عافیت نزدیک تر است، تکیه نماییم.

۳/۳۳

نزدیک گرداندن وقت تلاش جهت توبه

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... وَاعِظًا لَنَا... وَ سَعْیًا إِلَی التَّوْبَهِ الْمَاحِیَهِ... وَ قَرِّبِ الْوَقْتَ فِیهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده قرار ده و زمان آن را نزدیک گردان.۴و۳/۳۴

پاداشی جاوید، به کرداری با پایان نزدیک و زایل شدنی

...لَکِنَّکَ بِکَرَمِکَ جَازَیْتَهُ... عَلَی الْغَایَهِ الْقَرِیبَهِ الزَّائِلَهِ بِالْغَایَهِ الْمَدِیدَهِ الْبَاقِیَهِ

ص: ۱۱۴۵

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل نزدیک مدّتِ زوال پذیر، پاداش درازمدّت پایدار عطا نموده ای.۱۲/۳۷

مرگ، خویشاوندی نزدیک

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْکَ... حَتَّى يَکُونَ الْمَوْتُ... حَامَّتَنَا الَّتِى نُحِبُّ الدُّنُوَّ مِنْهَا

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم. تا جایی که مرگ برای ما (همانند) خویشاوند نزدیک ما باشد که نزدیک شدن به او را دوست داریم.

۳/۴۰

نزدیک شدن زمان کوچ کردن به آخرت

وَ دَنَا مِنَّا إِلَى الْآخِرَهِ رَحِيلٌ وَ انْطِلَاقٌ

و کوچ کردن و رفتن ما به جهان دیگر نزدیک شود.۱۳/۴۲

پیامبر صلی الله علیه و آله ، نزدیک ترین پیامبران به خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْکَ مَجْلِسًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود قرار ده.۱۸/۴۲

نزدیک ساختن دستاویز محمّد صلی الله علیه و آله ، به

خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ قَرِّبْ وَسِيلَتَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و دستاویزش را نزدیک نما.۱۹/۴۲

برترین پاداش یکی از فرشتگان مقرّب، برای محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِکَ... أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِينَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود دادی.۲۲/۴۲

نزدیکی به پاداش الهی

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا نَتَکَلَّفَ إِلَّا مَا یُدْنِی مِنْ ثَوَابِکَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا خود را جز در آنچه به پاداش تو نزدیک کند، به رنج نیندازیم.۷و۶/۴۴

تقرّب به خدا، در ماه رمضان

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاکِیَهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی.۱۱و۱۰/۴۴

انواع تقرّب بندگان

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاكِيهِ... حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَهِ لَكَ، وَ أَنْوَاعِ الْقُرْبَهِ إِلَيْكَ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم. تا هیچ یک از فرشتگانت به درگاهت نیاورد، مگر کمتر از طاعت های گوناگون برای تو و انواع تقرّبی که به سوی تو انجام می دهیم.۱۱و۱۰/۴۴

فرشتگان مقرّب، و عبادت در ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ مِنِ ابْتِدَائِهِ إِلَی وَقْتِ فَنَائِهِ: مِنْ مَلَکٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ نَبِیٍّ أَرْسَلْتَهُ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ...

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ کسانی که در آن (ماه)، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرّب ساختی، یا پیامبری که او را فرستادی، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱۲/۴۴

بینایی به تقرّب نزد خدا

بَصَّرْتَنَا الزُّلْفَهَ لَدَيْكَ

ما را به (راه) نزدیکی نزد خودت، بینا نمودی.

۱۹/۴۵

نزدیکی خدا، به تقرّب جوینده اش

وَ أَنْتَ... الْقَرِيبُ إِلَى مَنْ حَاوَلَ قُرْبَكَ

و تو نزدیک به هر آن کسی هستی که برای قرب به تو کوشد.۲۱/۴۵

نزدیک بودن آرزوها، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ قَرُبَتْ فِيهِ الْآمَالُ

درود بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک شد.

۲۵/۴۵

نزدیک شدن به گناه، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَا أَلْمَمْنَا بِهِ فِی شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِکَ

خداونـدا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شـدیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.

۴۷/۴۵

درود خدا، بر فرشتگان مقرّب

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّنَا وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. همچنانکه بر فرشتگان مقرّبت درود فرستادی.۵۶/۴۵

نزدیک شدن خدا، به نزدیک شونده به او

وَ یَا مَنْ یَدْنُو إِلَی مَنْ دَنَا مِنْهُ

ص: ۱۱۴۷

و ای کسی که به هر که به او نزدیک شود، نزدیک می شود.۸/۴۶

نزدیکی فریاد رسی خدا ، به فریاد رس خواهان

إِغَاثَتُکَ قَرِیبَةٌ مِنَ الْمُسْتَغِیثِینَ

فریادرسی ات به فریاد رس خواهان، نزدیک است.۱۴/۴۶

بلندمرتبه و نزدیک بودن خداوند

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِی فِی عُلُوِّهِ، وَ الْعَالِی فِی دُنُوِّهِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. با وجود بلندی خودْ نزدیک، و با وجود نزدیکی خودْ بلندی.۱۰/۴۷

سپاسی وسیله تقرّب به خداوند

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا یُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَیْکَ

سپاس برای توست. سپاسی که به وسیله آن جز به سوی تو، تقرّب نتوان جست.۳۷و۳۶/۴۷

سپاسی نزدیک به سخن خداوند

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَی قَوْلِکَ مِنْهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک تر از آن به سپاسی که (در) گفتار توست، نباشد.۴۷و۳۶/۴۷

محمّد صلی الله علیه و آله ، پیامبر مقرّب درگاه خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُنْتَجَبِ الْمُصْطَفَی الْمُکَرَّمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد که برگزیده، اختیار شده، گرامی و مقرّب داشته شده اند، برترین درودهایت را بفرست.۵۰/۴۷

درودی رساننده محمّد صلی الله علیه و آله و آل او، به قرب الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِمْ... صَلَاةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْکَ زُلْفَی

پروردگار من، بر ایشان درود فرست. درودی که ایشان را هر چه بیشتر به تو نزدیک گرداند.

۵۹/۴۷

در پی طلب قرب خدا بودن

إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَیْکَ بِمَا لَا یَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْکَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ

همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام.۷۲/۴۷

خدا، و مقرون نمودن دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله به دوستی خود

بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مُوَالَاتَهُ بِمُوَالَاتِکَ... تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

ص: ۱۱۴۸

به حقّ کسی که دوستی اش را با دوستی خود قرین کرده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

دوستی دنیا و غفلت از تقرّب به خدا

وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیا دَنِیَّهٍ... تُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْکَ

و دوستی دنیای پست را که از نزدیکی جستن به تو، غافل می نمایدْ از دلم بَر کن.۱۰۹/۴۷

نزدیک شدن به خشیت الهی

وَ هَبْ لِی عِصْمَهً تُدْنِینِی مِنْ خَشْیَتِکَ

و به من عصمتی بخش که مرا به ترس از تو نزدیک کند.۱۱۱/۴۷

نزدیک بودن خدا، به پوشاندن (گناه)

أَعْلَمُ... أَنَّکَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْکَ إِلَی أَنْ تَشْهَرَ

می دانم به درستی که تو به پرده پوشی نزدیک تری تا اینکه آشکار سازی.۱۱۶/۴۷

کوشش در امور نزدیک گرداننده به خدا

وَ أَذِقْنِی طَعْمَ... الِاجْتِهَادِ فِیما یُزْلِفُ لَدَیْکَ وَ عِنْدَکَ

و طعم کوشش را در آنچه (موجب) نزدیکی به پیشگاه تو و درگاه توست، به من بچشان.

۱۲۵/۴۷

رحم نمودن خدا، به نزدیک شدن مرگ بنده

ارْحَمْ... اقْتِرَابَ أَجَلِی

بر نزدیک شدن مرگم رحم کن.۴/۵۳

آنچه بندگان با آن، به خدا تقرّب جویند:

أ. عمل تقرّب آور، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... تَقَرَّبَ إِلَيْکَ بِقُرْبَهٍ أَوْجَبَتْ رِضَاکَ لَهُ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ...

خداونـدا و هر کس به وسـیله عمـل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسـته، که خوشـنودی تو را برای او لازم گردانـده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

ب. دعا کردن به ولیّ خدا

وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِینَ... وَ إِلَیْکَ وَ إِلَی رَسُولِکَ صَلَوَاتُکَ اللَّهُمَّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ بِذَلِکَ مُتَقَرِّبِینَ

و ما را برای او شـنوندگان، و بدین وسـیله جویای تقرّب به سوی خود و پیامبرت - که خداوندا درودهایت را بر او و خاندانش بفرست - قرار ده.۶۳/۴۷

ج. آنچه کسی جز با تقرّب به آن، به خدا نزدیک نشود

ص: ۱۱۴۹

إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أَقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَیْکَ بِمَا لَا یَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْکَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ

همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام.

۷۲/۴۷

د. منزلت محمّد صلی الله علیه و آله و مقام علی علیه السلام

اللَّهُمَّ فَإِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِالْمُـحَمَّدِیَّهِ الرَّفِیعَهِ، وَ الْعَلَوِیَّهِ الْبَیْضَاءِ

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم.۱۶/۴۹

نزول

فرشتگان و نزول فرمان الهی

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ عَلَی أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَـمَامِ وَعْدِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود.۱۲و۱۱و۱۰/۳

نزول چیزی (بلایی) که سنگینی اش بر بنده دشوار است

وَ قَدْ نَزَلَ بِی یَا رَبِّ مَا قَدْ تَکَأَّدَنِی ثِقْلُهُ

و ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است.۵/۷

گواه گرداندن قرآن، بر هر کتاب مُنْزل

وَ جَعَلْتَهُ مُهَیْمِنًا عَلَی کُلِّ کِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ

و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای، گواه قرار دادی.۱/۴۲

نزول قرآن، به صورت نور

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعَنْتَنِی عَلَی خَتْمِ کِتَابِکَ الَّذِی أَنْزَلْتَهُ نُورًا

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی.۱/۴۲

نزول وحی، بر پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ جَعَلْتَهُ... وَحْیًا أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ تَنْزِیلًا

و آن را وحیی قرار دادی که بر پیامبرت محمّد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - به تدریج نازل فرمودی.۲و۱/۴۲

نزول اجمالی قرآن، بر پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ

ص: ۱۱۵۰

آلِهِ مُجْمَلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ، بدون تفصیل و شرح نازل کردی.۵/۴۲

نزول قرآن، در ماه رمضان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِیَامِ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد.۳/۴۴

نزول آیاتی درباره افزایش حسنات

وَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِی الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِیفِ الْحَسَنَاتِ

و مانندهای آن (آیه هایی) که از افزایش های نیکی ها در قرآن فروفرستادی.۱۳/۴۵

نزول قرآن در رمضان، سبب برگزیدگی این ماه

وَ آثَرْتَهُ عَلَی کُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَهِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِیهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ النُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

نزول کتاب الهی

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ، وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَکَ أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

نَسَب حسب و نسب

نسبت دادن

خدا و نسبت دادن آفریدگان به فقر

وَ نَسَبْتَهُمْ إِلَی الْفَقْرِ وَ هُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَیْکَ

و آنها را به تنگدستی نسبت داده ای و ایشان سزاوارند که به تو نیازمند باشند.۱۲/۱۳

نسل

بی بهرگی نسل پیش از اسلام ، از وجود محمّد صلی الله علیه و آله

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِیَهِ وَ الْقُرُونِ السَّالِفَهِ

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد،

نه بر امّت های گذشته و مردمان پیشین.۱/۲

مقطوع نمودن نسل چهارپایان دشمنان مرزداران اسلام

وَ اقْطَعْ نَسْلَ دَوَابِّهِمْ وَ أَنْعَامِهِمْ

و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن.۶/۲۷

نسیان فراموشی

نشانه

پیروی تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از نشانه های صحابه

وَ لَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ

و تردیدی ایشان را از پیروی نشانه های آنها آشفته نساخت.۱۱/۴

نشانه های بنده (کارهایش) و زشتی آن

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي... أَقْبَحُ آثَارًا... مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِي

بلکه من – ای خدای من – نشانه هایم زشت تر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.۲۷/۱۶

نمایاندن نشانه ای در مژده الهی، به بنده

وَ اكْتُبْ لِي أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ، وَ بَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي

الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ بُشْرَى أَعْرِفُهَا، وَ عَرِّفْنِي فِيهِ عَلَامَةً أَتَبَيَّنُهَا

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و هم اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم و در آن مرا از نشانه ای آگاه کن که آن را آشکارا بیابم.۳۳/۱۶

بنده و نشانه پای شیطان

وَ اقْطَعْ عَنَّا إِثْرَهُ

و اثرش را از ما قطع کن.۴/۱۷

دو نشانه از نشانه های خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ آيَتَانِ مِنْ آيَاتِكَ

خداوندا همانا این دو (ابر و آذرخش)، دو نشانه از نشانه های تو هستند.۱/۳۶

قرآن، نشانه نجات و رهایی

وَ جَعَلْتَهُ... عَلَمَ نَجَاةٍ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ

و آن را نشانه نجاتی قرار دادی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود.۳/۴۲

محمّد صلی الله علیه و آله ، نشانه ای جهت دلالت بر خدا

اللَّهُمَّ وَ كَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَهِ عَلَيْكَ... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَهِ

خداوندا و چنان که به وسیله قرآن، محمّد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی،

پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت قرار ده.۸/۴۲

ماه، نشانه ای از نشانه های پادشاهی و قدرت خدا

وَ جَعَلَکَ آیَهً مِنْ آیَاتِ مُلْکِهِ، وَ عَلَامَهً مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ

و تو را نشانه ای از نشانه های پادشاهی اش و علامتی از علامت های سلطنتش قرار داد.۲/۴۳

نشانه های آشکار در قرآن

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِیَامِ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ، هُدًی لِلنَّاسِ، وَ بَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَی وَ الْفُرْقَانِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حقّ از باطل) است.۳/۴۴

غلبه داشتن نشانه های خدا

سُبْحَانَکَ بَاهِرَ الْآیَاتِ

پاک و منزّهی! ای که نشانه هایت آشکار است.

۳۱/۴۷

امام علیه السلام ، نشانه ای برای بندگان خدا

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَیَّدْتَ دِینَکَ فِی کُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی.۶۰/۴۷

عامل زنده گرداندن نشانه های دین خدا

أَحْیِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِینِکَ

با او (ولیّ خود)، آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان.۶۲/۴۷

بنده را نشانه انتقام الهی قرار ندادن

وَ لَا تَجْعَلْنِی لِلْبَلَاءِ غَرَضًا، وَ لَا لِنَقِمَتِکَ نَصَبًا

و مرا هدف بلا و نشانه انتقام خود نگردان.

۱۶/۴۸

برگرداندن نشانه گیری دشمن، بر خودش

وَ جَعَلْتَ مَا سَدَّدَهُ مَرْدُودًا عَلَيْهِ

و آنچه آن را نشانه گرفته بود، بر خودش برگرداندی.۶/۴۹

بریده شدن نشان و اثر بنده، از دنیا

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا أَثَرِي

مولای من! هنگامی که اثرم از دنیا قطع شود، به من رحم کن.۵/۵۳

نصر یاری

ص: ۱۱۵۳

نصوح

فرمان خدا، به توبه نصوح

فَقُلْتَ تَبَارَکَ اسْمُکَ: تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحًا...

پس تو که نامت مبارک است، فرمودی: «به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص.10/45

توبه نصوح، در عید فطر

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا... تَوْبَهً نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشَّکِّ وَ الِارْتِیَابِ

خداوندا ما در روزِ فطرمان به درگاه تو توبه می کنیم. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک باشد.52/45

نتیجه توبه نصوح

وَ تُبْ عَلَیَّ تَوْبَهً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِیرَهً وَ لَا کَبِیرَهً

و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاری.126/47

نصیحت پند

نظر نگاه

نظیر همانند

نعمت

پی درپی بودن نعمت های الهی

وَ تَظَاهَرَتْ آلَاؤهُ

و نعمت هایش آشکار و پی درپی است.7/1

نیکو بودن نعمت خدا، در حقّ بنده

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی دَلَّنَا عَلَی التَّوْبَهِ الَّتِی لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْ لَمْ نَعْتَدِدْ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسُنَ بَلَاؤهُ عِنْدَنَا

و سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را به دست نیاوردیم. پس اگر از فضل او، جز همان توبه

را به شمار نیاوریم، مسلّماً نعمتش بر ما نیکو است.۲۲/۱

وَ أَبْلَیْتَ الْجَمِیلَ فَعَصَیْتُ

و نعمت نیکو عطا نمودی، پس نافرمانی کردم.

۱/۴۹

کوتاهی نمودن در سپاس گزاری از نعمت

...یَحْجُبُنِی... نِعْمَهٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَیَّ. فَقَصَّرْتُ فِی شُکْرِهَا

بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، نعمتی که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی کردم.۲/۱۲

خدا، بخشنده نعمت بزرگ

إِنَّکَ... الْمُتَطَوِّلُ بِالِامْتِنَانِ

همانا تویی که بدون استحقاق نعمت بزرگ می بخشی.۷/۱۵

ص: ۱۱۵۴

انعام الهی و سبکی پشت بنده، از گناه

وَ هَذَا ظَهْرِی قَدْ أَثْقَلَتْهُ الْخَطَایَا، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ خَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّکَ

و این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به بخششت آن را سبک گردان.۲۹/۱۶

برکت دادن به انعام شده، به بنده

وَ بَارِكْ لِی... فِیما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ

و برایم در آنچه به من نعمت داده ای، برکت ده. ۵/۲۲

عطای نعمت بقای فرزندان، به والدین

اللَّهُمَّ وَ مُنَّ عَلَیَّ بِبَقَاءِ وُلْدِی

خداوندا و بر من به بقای فرزندانم منّت گذار.

۱/۲۵

انعام و اصلاح حال بنده

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِكُلِّ مَا یُصْلِحُنِی فِی دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی...

و هر چه در دنیایم و آخرتم به صلاحم است، بر من ارزانی دار.۹/۲۵

سبب از دست دادن نعمت الهی

وَ لَوْ كَافَأْتَ الْمُطِیعَ عَلَی مَا أَنْتَ تَوَلَّیْتَهُ لَأَوْشَکَ... أَنْ تَزُولَ عَنْهُ نِعْمَتُکَ

و اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن

گماشته ای، جزا دهی، چه بسا نعمت تو از دستش می رفت.۱۲/۳۷

نجات بندگان، به سبب نعمت الهی

وَ عَوِّضْنِی مِنْ عَفْوِی عَنْهُمْ عَفْوَكَ... حَتَّی... یَنْجُوَ كُلٌّ مِنَّا بِمَنِّکَ

و به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را به من عوض ده. تا هر کدام از ما به سبب نعمتت، نجات یابد.۳/۳۹

پراکندگی نعمت خدا، در بین آفریدگان

وَ فَشَتْ نِعْمَتُکَ فِی جَمِیعِ الْمَ_خْلُوقِینَ

و نعمتت در همه آفریدگان پراکنده است.

۱۴/۳۹

وسیله ورود به نعمت فراوان سرای اقامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... ذَرِیعَهً نَقْدَمُ بِهَا عَلَی نَعِیمِ دَارِ الْمُقَامَهِ

و قرآن را وسیله ای برای قدم نهادن ما بر نعمتِ سرای اقامت، قرار ده.۸/۴۲

ماه نو، ماه نعمت

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ... نِعْمَهٍ...

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه نعمت قرار دهد.۵و۴/۴۳

سپاس گزاری از نعمت خدا، در هر ماه

ص: ۱۱۵۵

وَ أَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِکَ

و در آن (ماه) شكر نعمتت را به ما الهام كن.

۷/۴۳

كامل ساختن نعمت، با كامل شدن طاعت

وَ أَتْمِمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ

و با كامل كردن طاعتت در آن (ماه)، نعمت را بر ما تمام گردان.۷/۴۳

نيكى خدا و نعمت هاى او

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى... سَبَّلَنَا فِى سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا بِمَنِّهِ إِلَى رِضْوَانِهِ

و سپاس خداى را كه ما را در راه هاى احسانش، راهى نمود، تا در آن (راه ها)، به وسيله نعمتش به سوى خوشنودى اش رويم.۲/۴۴

ابتدايى (بدون مقدّمه) بودن نعمت خدا

مِنَّتُكَ ابْتِدَاءٌ

نعمت تو ابتدا(يى و بدون مقدّمه) است.

۴/۴۵

نعمت هاى الهى و عدم بدبختى اشقيا

تَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَهِ لِكَيْلَا... يَشْقَى بِنِعْمَتِكَ شَقِيُّهُمْ إِلَّا عَنْ طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِ

تا هنگام توبه، شتاب در كيفر ايشان را ترک مى كنى، تا بدبختشان به وسيله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهاى فراوان بر او.۹/۴۵

نعمت الهى، عاملى براى ياد خدا

فَذَكَرُوكَ بِمَنِّكَ

پس با نعمتِ خودت، تو را ياد كردند.

۱۶/۴۵

شرط متصف شدن مخلوق، به انعام

وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِى دَلَلْتَ عَلَيْهِ عِبَادَکَ مِنْکَ کَانَ... مَنْعُوتًا بِالِامْتِنَانِ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان و نعمت دادنْ توصیف می شد.۱۷/۴۵

پوشاندن بندگان، به نعمت

يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَ الْفَضْلِ، وَ غَمَرَهُمْ بِالْمَنِّ وَ الطَّوْلِ

ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای و با بخشش و نعمت، ایشان را پوشانده ای.۱۸/۴۵

آشکار بودن نعمت خدا، در مورد بندگان

مَا أَفْشَى فِينَا نِعْمَتَکَ

چه آشکار است در (جمع) ما نعمت تو!

۱۸/۴۵

فراوانی نعمت های خدا

مَا... أَسْبَغَ عَلَيْنَا مِنَّتَکَ

چه فراخ است بر ما نعمت!۱۸/۴۵

إِلَهِی أَحْمَدُکَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - عَلَی... سُبُوغِ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر فراخی نعمت هایت بر من.۱/۵۱

وَ لَوْ لَا إِحْسَانُکَ إِلَیَّ وَ سُبُوغُ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّی

و اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم.

۲/۵۱

وَ وَجَدْتُ نُعْمَاکَ عَلَیَّ سَابِغَةً فِی کُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِی وَ کُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِی

و نعمت هایت را بر خود، در هر حالی از حالم و هر وقتی از اوقاتم، گسترده یافتم.۵/۵۱

تغییر ندادن نعمت، توسّط خداوند

وَ یَا مَنْ لَا یُغَیِّرُ النِّعْمَةَ

و ای کسی که نعمت را تغییر نمی دهد.

۱۰/۴۶

علّت درنگ خدا، تمام تر گشتن نعمتش

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا... بَلْ لِتَکُونَ... نِعْمَتُکَ أَتَمَّ

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است. بلکه برای آنست که نعمت تو تمام تر باشد.

۲۲/۴۶

بی شماری نعمت الهی

وَ نِعْمَتُکَ أَکْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَی بِأَسْرِهَا

و نعمت تو بیشتر از آنست که تمامش به شماره آید.۲۳/۴۶

سپاسی به جاویدی نعمت خدا

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه نعمت تو، جاوید مانَد.۳۳/۴۷

الهام شکر نعمت، به ولیّ خدا

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِیِّکَ شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیْهِ

خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما.۶۱/۴۷

انعام عفو الهی، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمُ عَرَفَهَ یَوْمٌ... مَنَنْتَ فِیهِ بِعَفْوِکَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که بخشایشت را در آن ارزانی داشته ای.۶۶/۴۷

نعمت دادن به بنده، قبل و بعد از آفرینش

اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُکَ الَّذِی أَنْعَمْتَ عَلَیْهِ قَبْلَ خَلْقِکَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِکَ إِیَّاهُ

خداوندا و من آن بنده تو هستم که پیش از آفرینشت و پس از آفرینشت، او را نعمت داده ای.

۶۷/۴۷

عطای نعمت به بنده و نافرمانی نمودن او

ص: ۱۱۵۷

نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ... وَ كَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَلَّا يَفْعَلَ

او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت. و حال آنکه با آن عنایت هایی که به او داشته ای، سزاوارترین بندگانت بود که نافرمانی ات را نکند.۶۸/۴۷

انعام آمرزش الهی، به بنده

وَ امْنُنْ عَلَيَّ - بِمَا لَا يَتَعَاظَمُکَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَى مَنْ أَمَّلَکَ - مِنْ غُفْرَانِکَ

و به من ارزانی دار آنچه بر تو گران نیست و به کسی که آمرزش تو را آرزو می کند ارزانی می داری.

۷۰/۴۷

انعام الهی، و عفو لغزشکاران

وَ يَا مَنْ يَمُنُّ بِإِقَالَهِ الْعَاثِرِينَ

و ای آنکه با انعام و احسان خود، لغزشکاران را می بخشایی.۷۵/۴۷

ثروتمند و رسیدن نعمتش به دیگری

وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِی بِإِمْلَائِکَ لِی اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِی خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَ لَمْ يَشْرَکْکَ فِی حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِی

و مرا با مهلت دادنت، غافلگیر نکن. همانند غافلگیر نمودن کسی که مرا از نیکی آنچه نزدش است، بی بهره گردانده، در حالی که در رسیدن نعمتش به من شریک تو نبوده است.۹۰/۴۷

رسیدن به منتها درجات منعمین

وَ بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ عُنِيتَ بِهِ، وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ

و مرا به منتها درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای و به او نعمت داده ای.۱۰۵/۴۷

نعمت های پهناور الهی

وَ جَلِّلْنِی سَوَابِغَ نَعْمَائِکَ

و مرا به نعمت های گسترده خود فراپوش.

۱۱۲/۴۷

فراموشی نادانان ، نسبت به نعمت های الهی

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُکْرَکَ، بَلْ أَلْزِمْنِیهِ فِی أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِینَ لِآلَائِکَ

و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجّهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان.

۱۱۴/۴۷

توأم ساختن اوایل نعمت های الهی، با اواخر آنها

وَ اشْفَعْ لِی أَوَائِلَ مِنَنِکَ بِأَوَاخِرِهَا

و برای من اولین نعمت هایت را، با آخِرین آن توأم ساز.۱۲۱/۴۷

کامیابی بنده، به بهشت پر نعمت الهی

ص: ۱۱۵۸

وَ أَوْجِدْنِی... جَنَّهِ نَعِیمِکَ

و مرا از بهشت پر نعمتت، کامیاب گردان.

۱۲۵/۴۷

تمام گشتن فراخی نعمت خدا، بر بنده

وَ تَمِّمْ سُبُوغَ نِعْمَتِکَ عَلَیَّ

و فراخی نعمتت را بر من تمام کن.۱۲۸/۴۷

کامل نمودن انعام خدا، بر بنده

وَ أَتْمِمْ لِی إِنْعَامَکَ

و نعمت دادنت را برایم کامل کن.۱۳۲/۴۷

نعمت فراوان آن سرای

وَ صِلْ ذَلِکَ بِخَیْرِ الْآخِرَهِ وَ نَعِیمِهَا

و آن را به خیر آخرت و نعمت فراوانش پیوسته گردان.۲۸/۴۸

باراندن ابرهای نعمت، بر بندگان

وَ کَمْ مِنْ... سَحَائِبِ نِعَمٍ أَمْطَرْتَهَا عَلَیَّ

و چه بسیار ابرهای نعمت افزایی که بر من باراندی.۱۱/۴۹

انعامی از جانب خداوند

کُلُّ ذَلِکَ إِنْعَامًا وَ تَطَوُّلًا مِنْکَ

همه آنها نعمت و احسان از جانب توست.

۱۳/۴۹

خدا و نعمت بخشیدن

أَبَيْتَ يَا مَوْلَايَ إِلَّا إِحْسَانًا وَ امْتِنَانًا وَ تَطَوُّلًا وَ إِنْعَامًا

تو ای مولای من، جز احسان و بخشش و لطف و انعام کاری نکرده ای.۱۴/۴۹

اقرار بنده، به فراوانی نعمت های الهی

هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده است.۱۵/۴۹

فراخ گرداندن نعمت، بر بنده

إِلَهِی أَحْمَدُکَ... عَلَی مَا... أَسْبَغْتَ عَلَیَّ مِنْ نِعْمَتِکَ

خدای من، تو را سپاس گزارم بر نعمتت که بر من روا داشتی.۱/۵۱

فراخی نعمت، و روشنی چشم بنده

وَ کَمْ مِنْ نِعْمَهٍ سَابِغَهٍ أَقْرَرْتَ بِهَا عَیْنِی

و چه بسیار نعمت فراخی که دیده ام را به آن روشن نمودی!۳/۵۱

فراوانی نعمت، علّت شیفتگی دل ها

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... قَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِکَثْرَهِ النِّعَمِ عَلَیْهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دلش به سبب زیادی

نعمت ها بر او، فریفته شده.۸/۵۲

نفاق

نگه داشتن بندگان، از نفاق

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِی النِّفَاقِ...

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار.۱۲/۴۲

نفرت کینه

نفرین لعنت

نفَس

سبب آرزو نکردن پیوستگی نفَسی به نفَس دیگر

وَ اكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ... حَتَّى لَا نُوءَمِّلَ... اتِّصَالَ نَفَسٍ بِنَفَسٍ

و ما را از آرزوی دراز بازدار، تا بدانجا که پیوستگی نفسی را به نفسی، آرزو نکنیم.۱/۴۰

نفْس

خدا و شناساندن نفس خویش، به بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَّفَنَا مِنْ نَفْسِهِ

و سپاس خدای را که خودش را به ما شناساند.

۱۰/۱

روز به سزا رسیدن نفس ها

يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند.۱۱/۲۴، ۱۲/۱

پیامبر صلی الله علیه و آله و به تلاش انداختن جان خویش، برای انجام فرمان الهی

...کَمَا نَصَبَ لِأَمْرِکَ نَفْسَهُ

...همچنان که او برای فرمان تو خود را به تلاش انداخت.۴/۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و خسته کردن جان خود، در رساندن پیام الهی

و أَدْأَبَ نَفْسَهُ فِی تَبْلِیغِ رِسَالَتِکَ

و در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.

۱۳/۲

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، از محلّ انس گرفتن جانش، به جایی دور

وَ هَاجَرَ إِلَی... مَحَلِّ النَّأْیِ عَنْ... مَأْنَسِ نَفْسِهِ

و از جای انس گرفتنش، به محل دور هجرت نمود.۱۶/۲

خدا ، و به نفس خویش اختصاص دادن اصناف گوناگون فرشتگان

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ

ص: ۱۱۶۰

قَبائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای.۱۱و۱۰/۳

بودن گواه و راننده ای، با نفس هر کس

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ یَوْمَ یَأْتِی کُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِیدٌ

...پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.

۲۴/۳

روز بیرون شدن جان ها، از تن ها

وَ تُهَوِّنَ عَلَیْهِمْ کُلَّ کَرْبٍ یَحُلُّ بِهِمْ یَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا

و در آن روز که جان ها از تن بیرون رود، هر اندوهی را بر ایشان آسان گردانی.۱۷/۴

نفس خود را در اختیار خدا افکندن

أَغْنِنَا إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَیْنَ یَدَیْکَ

چون خویش را در پیشگاه تو افکنده ایم، بی نیازمان گردان.۵/۱۰

به نفس خویش ستم نمودن

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِیلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ...

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده سخن می گویم.۷/۱۲

نفس الهی و فضل و بخشش او

وَ یَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَى نَفْسِهِ بِتَفَضُّلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ

و ای آنکه ایشان را به فضل خود، پاداش نیک وعده داده است.۱۰/۱۲

ایمن گرداندن بنده، از خوف نفس خود

وَ آمِنْ خَوْفَ نَفْسِی

و ترسم را ایمنی ده.۱۶/۱۲

نترسیدن بنده بر نفس خود، مگر از خدا

وَ لَا أَخَافُ عَلَی نَفْسِی إِلَّا إِیَّاکَ

و من بر خود جز از تو نمی ترسم.۱۶/۱۲

برطرف کردن احتیاج نفس

فَمَنْ... رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِکَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِی مَظَانِّهَا

پس هر که برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواهد، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده.۱۳/۱۳

نفس، و جلوه دادن حاجت خواهی از غیر خدا

اللَّهُمَّ وَ لِی إِلَیْکَ حَاجَهٌ قَدْ... سَوَّلَتْ لِی نَفْسِی رَفْعَهَا إِلَی مَنْ یَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَیْکَ... وَ هِیَ زَلَّهٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِینَ...

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو

طلب کرده برایم می آراید. و این لغزشی از لغزش های خطاکاران است.۱۵/۱۳

خدا و بخشاینده نامیدن نفس خویش

وَ أَنْتَ الَّذِی سَمَّیْتَ نَفْسَکَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّی

و تویی آنکه خود را بخشاینده نام نهادی، پس از من درگذر.۱۸/۱۶

خدا ، و وصف نمودن نفس خویش ، به رحمت

أَنْتَ الَّذِی وَصَفْتَ نَفْسَکَ بِالرَّحْمَهِ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ارْحَمْنِی

تویی آنکه خود را به رحمت وصف نموده ای، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن.۱۸/۱۶

دور بودن بنده، از اصلاح نفس خود

وَ مَنْ أَبْعَدُ مِنِّی مِنِ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِینَ أُنْفِقُ مَا أَجْرَیْتَ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ فِیما نَهَیْتَنِی عَنْهُ مِنْ مَعْصِیَتِکَ؟

و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد، آنگاه که روزی ات را که برایم رسانده ای، در نافرمانیت در آنچه بازداشته ای صرف می کنم؟

۲۳/۱۶

گواهی دادن بنده، درباره نفس خویش

سُبْحَانَکَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَی نَفْسِی

پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر

خود می دهم.۲۵/۱۶

علّت سرزنش نمودن نفس خود

وَ إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی طَمَعًا فِی رَأْفَتِکَ الَّتِی بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِینَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست - .۲۸/۱۶

طمع نفس شیطان، در گمراه کردن بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یُطْمِعَ نَفْسَهُ فِی إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِکَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت طمع کند، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

پست نمودن بنده، پیش نفسش

وَ لَا تَرْفَعْنِی فِی النَّاسِ دَرَجَهً إِلَّا حَطَطْتَنِی عِنْدَ نَفْسِی مِثْلَهَا

و در میان مردم درجه مرا بالا نبر، مگر آنکه به همان مقدار در نظر خودم فرود آوری.

۴/۲۰

خواری پنهانی برای بنده، نزد نفسش

وَ لَا تُحْدِثْ لِی عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحْدَثْتَ لِی ذِلَّهً بَاطِنَهً عِنْدَ نَفْسِی بِقَدَرِهَا

و عزّتی آشکار برایم پدید نیاور، مگر آنکه به

همان اندازه ذلّتی پنهانی در نزد خودم پدید آوری.

۴/۲۰

حکم کردن به زیان (نفس) خود

مَا لِی بَعْدَ أَنْ حَکَمْتُ عَلَی نَفْسِی إِلَّا فَضْلُکَ

پس از آنکه خود را محکوم کردم، چیزی جز فضل تو ندارم.۱۵/۲۰

گرفتن بهره ای از نفس بنده، برای رهاندن او

اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِکَ مِنْ نَفْسِی مَا یُخَلِّصُهَا

خداوندا برای خود از من، آنچه را که رهایی ام دهد، بگیر.۱۹/۲۰

به صلاح آوردن نفس بنده

اللَّهُمَّ... أَبْقِ لِنَفْسِی مِنْ نَفْسِی مَا یُصْلِحُهَا

خداوندا از من برایم، آنچه را که اصلاحم نماید، باقی گذار.۱۹/۲۰

تباه شوندگی نفس بنده

فَإِنَّ نَفْسِی هَالِکَهٌ أَوْ تَعْصِمَهَا

زیرا نفس من هلاک شونده است، مگر آنکه تو حفظش نمایی.۱۹/۲۰

عدم توانایی بنده، بر سود و زیان نفسش

لَا أَمْلِکُ لِنَفْسِی نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا بِکَ

جز به یاری تو بر سود و زیانی، توانا نیستم.

۷/۲۱

گواهی دادن، درباره (نفس) خود

...أَشْهَدُ بِذَلِکَ عَلَی نَفْسِی

...بر خود، به این مطلب گواهی می دهم.

۷/۲۱

واداشتن نفس بنده، به طاعت خدا

وَ اشْغَلْ بِطَاعَتِکَ نَفْسِی عَنْ کُلِّ مَا یَرِدُ عَلَیَّ...

و مرا از هر چه به من برسد، به طاعت خویش مشغول دار.۹/۲۱

خدا و نیکان خلق، الفت نفس بنده

...بَلِ اجْعَلْ سُکُونَ قَلْبِی وَ أُنْسَ نَفْسِی وَ اسْتِغْنَائِی وَ کِفَایَتِی بِکَ وَ بِخِیَارِ خَلْقِکَ

...بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.

۱۲/۲۱

امر نمودن بنده، درباره اصلاح نفسش

اللَّهُمَّ إِنَّکَ کَلَّفْتَنِی مِنْ نَفْسِی مَا أَنْتَ أَمْلَکُ بِهِ مِنِّی

خداوندا مرا - درباره (اصلاح) نفسم - به کاری گماشتی که تو از من به آن تواناتری.

۱/۲۲

عطا نمودن چیزی از نفس بنده، به او و خوشنود ساختن خدا

فَأَعْطِنِی مِنْ نَفْسِی مَا یُرْضِیکَ عَنِّی

پس آنچه تو را از من راضی می گرداند، به من

عطا فرما.۱/۲۲

رضای نفسِ خدا، از نفسِ بنده

وَ خُذْ لِنَفْسِکَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِی فِی عَافِیَهٍ

و رضای نفْسِ خود را از نفْسِ من در حال عافیت دریافت نما.۱/۲۲

نتیجه واگذاشتن بنده، به نفس خود

وَ انْظُرْ لِی فِی جَمِیعِ أُمُورِی، فَإِنَّکَ إِنْ وَکَلْتَنِی إِلَی نَفْسِی عَجَزْتُ عَنْهَا وَ لَمْ أُقِمْ مَا فِیهِ مَصْلَحَتُهَا

و در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما. که اگر مرا به خود واگذاری، از انجام آن عاجزم و آنچه را مصلحت من در آن است، انجام ندهم.۳/۲۲

سهل انگاری نفس

هُوَ، یَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَیْتَهُ عَلَیَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِی

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم.۷/۲۲

آرامش نفس

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ... حَتَّی أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِینَهَ النَّفْسِ مِنِّی بِمَا یَجِبُ لَکَ فِیما یَحْدُثُ فِی حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.

۱۱/۲۲

آرزو نمودن چیزی بهتر از نعمت دیگران، برای نفس خویش

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّی لَا أَرَی نِعْمَهً مِنْ نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِی أَفْضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنْکَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.۱۲/۲۲

فرزندان، و متّهم ندانستن والدین، درباره نفس خود

فَإِنِّی لَا أَتَّهِمُهُمَا عَلَی نَفْسِی

زیرا آنان را نسبت به خودم، متّهم نمی دانم.

۹/۲۴

علّت تنگ گرفتن والدین، بر نفس خود

أَیْنَ إِقْتَارُهُمَا عَلَی أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوْسِعَهِ عَلَیَّ؟!

تنگی هایی که آن دو (پدر و مادرم) برای

ص: ۱۱۶۴

گشایش من بر خود گرفته اند، چه می شود؟

۱۰/۲۴

طلب عافیت، برای جان فرزندان

وَ عَافِهِمْ فِی أَنْفُسِهِمْ وَ فِی جَوَارِحِهِمْ...

و آنان را در جان و اعضایشان تندرستی ده.

۲/۲۵

درخواست برای نفس خود و فرزندان، و شمول آن برای مؤمنان

وَ أَعْطِ جَمِیعَ الْمُسْلِمِینَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی...

و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، ببخش.۱۲/۲۵

مرزداران و بازگو نکردن فرار، با نفس خویش

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِیهَا مِنْ مَسَاکِنِ الْخُلْدِ... حَتَّی لَا یَهُمَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ، وَ لَا یُحَدِّثَ نَفْسَهُ عَنْ قِرْنِهِ بِفِرَارٍ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از خانه های همیشگی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز. تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت کردن (به دشمن) نکند و با نفس خود، حدیث فرار از همانند خود را بازگو ننماید.۴/۲۷

برشمردن ستم به نفس خود

...حَتَّی إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَی... أَحْصَی مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ

...امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، آنچه با آن به خود ستم کرده، شمرد.

۷/۳۱

فروافکندن نفسِ خود، برای خداوند

وَ ارْفَعْنِی عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ کَمَا وَضَعْتُ لَکَ نَفْسِی

و مرا از افتادنگاه های گناهان، بلند گردان، چنانکه نفس خود را برای تو فروافکنده ام.

۱۲/۳۱

با نفس خویش بازگو نکردن گناه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهَ مَنْ لَا یُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِیَهٍ

خداوندا من به درگاهت توبه می کنم، توبه کسی که با نفسِ خود، نافرمانی ای را بازگو نمی کند.۱۴/۳۱

درباره نفس خویش ، از خدا شرمنده بودن

وَ هَذَا مَقَامُ مَنِ اسْتَحْیَا لِنَفْسِهِ مِنْکَ، وَ سَخِطَ عَلَیْهَا

و این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت و بر خود خشمگین است.

۱۹/۳۲

ص: ۱۱۶۵

پیش خدا آمدن، با نفسی فروتن

هَذَا مَقَامُ مَنِ اسْتَحْیَا لِنَفْسِهِ مِنْکَ... فَتَلَقَّاکَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ

این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت. پس با وجودی فروتنْ پیش روی توست.۱۹/۳۲

پیروی نمودن نفس، از شیطان

فَأَنَا أَشْکُو... طَاعَةَ نَفْسِی لَهُ

پس از اطاعت نفسم از او، به تو شکایت می کنم.۲۷/۳۲

خوشنود شدن نفس بنده، به قضای الهی

وَ طَیِّبْ بِقَضَائِکَ نَفْسِی

و نفسِ مرا به قضای خود، خوشنود گردان.

۳/۳۵

تقصیر نفس و سزاواری خداوند

وَ کُلٌّ مُقِرٌّ عَلَی نَفْسِهِ بِالتَّقْصِیرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْتَ

و همگی به تقصیر خود در ادای آنچه تو شایسته آنی، اقرار دارند.۸/۳۷

درخواست بخشش نفس، از خدا

أَسْتَوْهِبُکَ - یَا إِلَهِی - نَفْسِیَ الَّتِی لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم

که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی. ۷/۳۹

هدف از خلقت نفس

أَسْتَوْهِبُکَ - یَا إِلَهِی - نَفْسِیَ الَّتِی لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ... وَ لَکِنْ أَنْشَأْتَهَا إِثْبَاتًا لِقُدْرَتِکَ عَلَی مِثْلِهَا...

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی. بلکه آن را آفریدی،

تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود.۷/۳۹

به نفس خود ستم نمودن

وَ هَبْ لِنَفْسِی عَلَی ظُلْمِهَا نَفْسِی

و مرا به خاطر ظلمی که به خود کرده ام، ببخش. ۹/۳۹

منزّه ندانستن نفس خود ، از سزاواری عقاب الهی

إِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی تَفْعَلْهُ بِمَنْ... لَا یُبَرِّئُ نَفْسَهُ مِنِ اسْتِیجَابِ نَقِمَتِکَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که نفس خود را از سزاواری انتقامت، مبرّا نمی داند.

۱۱/۳۹

آسان نمودن جان کندن، بر نفْس بنده

ص: ۱۱۶۶

وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرْبَ السِّيَاقِ، وَ جَهْدَ الْأَنِينِ، وَ تَرَادُفَ الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّرَاقِيَ

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن و سختی ناله و خرناسه های پی درپی زمان جان کندن را بر نفْسِ ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسد.۱۳/۴۲

مهلت الهی و ستم بنده، بر نفس خود

وَ أَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ

و کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای. ۹/۴۵

خداوند و افزونی بر نفس خویش

وَ أَنْتَ الَّذِی زِدْتَ فِی السَّوْمِ عَلَى نَفْسِکَ لِعِبَادِکَ

و تویی آنکه در داد و ستد با بندگانت، در بهای آن بر خود افزوده ای.۱۲/۴۵

توسّط نفسِ مخلوقی دیگر، راهنمایی شدن

وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِی دَلَلْتَ عَلَیْهِ عِبَادَکَ مِنْکَ کَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ...

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد.۱۷/۴۵

رمضان و ستم نمودن بنده به نفس خود

اللَّهُمَّ وَ مَا... اکْتَسَبْنَا فِیهِ مِنْ خَطِیئَةٍ عَلَى تَعَمُّدٍ مِنَّا، أَوْ عَلَى نِسْیَانٍ ظَلَمْنَا فِیهِ أَنْفُسَنَا... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِکَ

خداوندا و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم، یا فراموشی ای که در آن به خود ستم کردیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.۴۷/۴۵

خواندن خدا، به سوی نفس خویش

وَ یَا مَنْ یَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ

و ای کسی که به سوی خود می خواند کسی را که، از او روی گرداند.۹/۴۶

خدا، آفریننده جان ها

سُبْحَانَکَ... بَارِئَ النَّسَمَاتِ

پاک و منزّهی! پدیدآورنده جان ها.۳۱/۴۷

جانی بودن بنده، درباره نفس خود

أَنَا الْجَانِی عَلَی نَفْسِهِ

منم جنایتکار بر خود.۸۲/۴۷

سوگند به حقّ (نفس) آنکه خدا او را برای خود پسندیده

بِحَقِّ مَنِ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِکَ، وَ بِمَنِ اصْطَفَیْتَهُ لِنَفْسِکَ... تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ

إِلَيْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ آنکه او را از آفریدگانت برگزیده ای و آنکه برای خودت پسندیده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

به رنج انداختن نفس خود، برای (طاعت) خدا

وَ تَوَحَّدْنِی بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ... أَتْعَبَ نَفْسَهُ فِی ذَاتِکَ

و تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که برای تو خود را به سختی انداخته.۸۸/۴۷

بد کردن به نفس خود

أَتَیْتُکَ مُقِرًّا بِالْجُرْمِ وَ الْإِسَاءَهِ إِلَی نَفْسِی

به درگاه تو آمده ام، در حالی که اقرار به گناه و بدی بر خود دارم.۷/۴۸

گریختن بنده با جان خود، به سوی خدا

وَ قَدْ فَرَرْتُ إِلَیْکَ بِنَفْسِی

و با جانم به سوی تو گریخته ام.۳/۴۹

پناهگاه تباه کننده بهره نفس خویش

وَ إِلَیْکَ... مَفْزَعُ الْمُضَیِّعِ لِحَظِّ نَفْسِهِ الْمُلْتَجِئِ

و پناهگاه آنکه بهره نفْسش را تباه کرده و

پناهنده گشته، به سوی توست.۳/۴۹

تباه ساختن نفس خویش

هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ... وَ شَهِدَ عَلَی نَفْسِهِ بِالتَّضْیِیعِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و به تباه ساختن (نعمت ها)، به ضرر خود گواهی داده است.۱۵/۴۹

خطاب خدا درباره اسراف بنده، بر نفسش

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَـدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ، وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَکَ أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْـرَفُوا عَلَی أَنْفُسِـهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا

خداونـدا، همانـا من در کتـابت که فروفرسـتاده ای و بنـدگانت را به آن مژده داده ای، یـافتم که فرمـودی: «ای بنـدگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا نااميد نشويد که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

رحم نمودن خدا، به جان بی تاب بنده

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ

پس خداونـدا، به نـام های پنهان شـده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانـده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب رحم نمایی.

۵/۵۰

ص: ۱۱۶۸

سبب اصلاح نيافتن نفس

وَ لَوْ لَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَ سُبُوغُ نَعْمَائِكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّی، وَ لَا إِصْلَاحَ نَفْسِی

و اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هايت بر من نبود، هيچگاه به بهره خود نمی رسيدم و اصلاح خويش را نمی يافتم.۲/۵۱

سپاس گزاری نفس بنده، از خدا

تَحْمَدُكَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی

نفْسم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می كنند.۶/۵۱

وسوسه و ضعف نفس

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی عَنِ الْمُسَارَعَهِ فِيما وَعَدْتَهُ أَوْلِيَاءَكَ... وَ وَسْوَسَهَ نَفْسِی

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در شتافتن به آنچه به دوستانت نويد داده ای، و از وسوسه های دلم، به تو شكايت می كنم.۱۰/۵۱

سهل انگاری بنده ، نسبت به بهره نفس خود

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا... الْمُغْفِلُ حَظَّ نَفْسِی

اگر كيفر كنی، اين من هستم كه واگذارنده بهره خويشم.۱۴/۵۱

افراط و تجاوز از حدّ، بر نفس خود

أَنَا بِإِسْرَافِی عَلَی نَفْسِی ذَلِيلٌ

من به خاطر زياده روی بر خود، خوار گشته ام.

۷/۵۲

سبب به كار بيهوده مشغول داشتن نفس

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِيَهٌ لِطُولِ أَمَلِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می كنم، درخواست كسی كه نفس او به خاطر آرزوهای درازش، به بيهوده كاری مشغول شده.

۸/۵۲

عامل تسلّی نفسِ بنده، در دوری از دنیا

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُسَلِّیَ نَفْسِی عَنِ الدُّنْیَا بِمَخَافَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که نفْس مرا با ترس از خود، در دوری از دنیا، تسلّی بخشی.

۱۰/۵۲

واداشتن نفس، در جایگاه خواران گنهکار

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِی مَوْقِفَ الْأَذِلَّاءِ الْمُذْنِبِینَ

نفْسِ خود را در جایگاه خوارانِ گناهکار واداشته ام.۲/۵۳

تباه ساختن نفس خود

سُبْحَانَکَ... أَیَّ تَغْرِیرٍ غَرَّرْتُ بِنَفْسِی!

پاک و منزّهی! به کدام هلاک، خود را به هلاکت افکندم؟۳/۵۳

ص: ۱۱۶۹

خشوع بنده، جهت قصاص نفس خویش

أَسْتَكِينُ بِالْقَوَدِ مِنْ نَفْسِى

برای قصاص خویش، فروتن می شوم.

۴/۵۳

میراندن نفس بنده، بر صدق و راستی

اقْبِضْ عَلَى الصِّدْقِ نَفْسِى

نفسِ مرا بر راستی بمیران.۴/۵۴

نفع سود

نقص کاستی

نکوهش سرزنش

نکیر

درود خدا، بر «منکَر و نکیر»

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و منکر و نکیر.

۱۸و۱۱و۱۰/۳

نگاشتن [نقش و نگار کردن]

در دل بنده نگاشتن نمونه پاداش آماده شده، برای او

وَ صَوِّرْ فِى قَلْبِى مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِى مِنْ ثَوَابِكَ

و نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی، در دلم بگذار.۱۵/۱۴

در دل بنده نگاشتن نمونه کیفر آماده شده، برای دشمنش

وَ صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا... أَعْدَدْتَ لِخَصْمِی مِنْ جَزَائِکَ وَ عِقَابِکَ

و نمونه مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار.۱۵/۱۴

نگاشتن صورت ها و پیکرها، بدون نمونه و مانند

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِی... صَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَیْرِ مِثَالٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که صورت ها را بدون نمونه نگاشتی.

۱۲/۴۷

نگاه

ناتوانی دیدگان بینندگان، از دیدن خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِی قَصُرَتْ عَنْ رُوءْیَتِهِ أَبْصَارُ النَّاظِرِینَ

سپاس خدای را، همان که چشم های بینندگان از دیدنش قاصر است.۲و۱/۱

ص: ۱۱۷۰

فرشتگان و عدم قصد نگریستن، به سوی خدا

الْخُشَّعُ الْأَبْصَارِ فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

(آنان که) دیدگان را به زیر افکنده و قصد نگریستن سوی تو را ندارند، پس بر ایشان درود فرست.۱۰و۸/۳

فرشتگان و دیدن گنهکاران، در دوزخ

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

و همانهایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.۹/۳

بازماندن چشم ها، از دیدن خدا

وَ يَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْيَتِهِ الْأَبْصَارُ

و ای کسی که چشم ها از دیدن او ناتوان است.

۴/۵

خدا، ناظر بر چگونگی بندگان

وَ يَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَ مَنَازِلِ فُرُوضِهِ، وَ مَوَاقِعِ أَحْكَامِهِ

و می نگرد آنها در اوقات طاعت و جاهای واجبات و موارد احکامش چگونه اند.۷/۶

نگاه های پنهانی چشم ها و پاداش الهی

وَ اجْعَلْ... لَمحَاتِ أَعْيُنِنَا... فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ

و نگاه های زیرچشمی دیدگانمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده.۷/۹

گرفتار نکردن بنده، به نگاه کردن

وَ لَا تَفْتِنِّي بِالنَّظَرِ

و مرا به نگاه کردن (چشم به راه بودن) گرفتار نکن.۳/۲۰

به دید (رحمت) نگریستن خدا، به بنده

وَ انْظُرْ إِلَيَّ، وَ انْظُرْ لِی فِی جَمِيعِ أُمُورِی

و (به دید رحمت) به من بنگر و در تمام کارهايم به (سود) من نظر فرما.۳/۲۲

به دید (رحمت)، به بنده نگریستن

وَ انْظُرْ إِلَيَّ

و (به دید رحمت) به من بنگر.۳/۲۲

نظر داشتن به بنده، در همه کارهایش

وَ انْظُرْ لِی فِی جَمِيعِ أُمُورِی

و در تمام کارهايم به (سود) من نظر فرما.

۳/۲۲

ندیدن نعمت های خدا، بر خلق

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّی لَا أَرَی نِعْمَهً مِنْ نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِی

ص: ۱۱۷۱

أَفْضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنْکَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.۱۲/۲۲

بنده و دیدن عزّت طلبان از غیر خدا

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَیْرِکَ فَذَلُّوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواستند و خوار گشتند.۶/۲۸

نتیجه نگاه دوراندیش، به عزّت خواهان از غیر خدا

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَیْرِکَ فَذَلُّوا، وَ رَامُوا الثَّرْوَهَ مِنْ سِوَاکَ فَافْتَقَرُوا... فَصَحَّ بِمُعَایَنَهِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ وَفَّقَهُ اعْتِبَارُهُ...

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواستند و خوار گشتند و از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند. پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتنش سبب توفیق او شد.۷و۶/۲۸

نگاه های زیرچشمیِ مخالف خواست خدا

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ مِنْ کُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَکَ... مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِی، وَ لَحَظَاتِ عَیْنِی

خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته توست؛ از اندیشه های دلم و نگاه های چشمم، به درگاهت توبه می کنم.۲۲/۳۱

ناآگاهی ناظران، از خطایای بندگان

کَمْ... سَیِّئَهٍ اکْتَسَبْنَاهَا، وَ خَطِیئَهٍ ارْتَکَبْنَاهَا کُنْتَ الْمُطَّلِعَ عَلَیْهَا دُونَ النَّاظِرِینَ

چه بسیار بدی ای که آن را کسب کردیم و خطایی که مرتکب شدیم، (و) تو بر آن مطّلع بودی نه (دیگر) بینندگان.۲/۳۴

پاکیزه ترین ناظران هلال ماه

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَزْکَی مَنْ نَظَرَ إِلَیْهِ

و ما را از پاک ترین کسانی که به سوی آن (ماه) نگریسته(اند)، قرار ده.۶/۴۳

نبودن بیننده ای، برای خدا

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ یَکُنْ لَکَ مُشَاهِدٌ وَ لَا نَظِیرٌ

تویی آنکه برای تو بیننده و مانندی نبوده است.۱۴/۴۷

موجب گمراهی بینندگان قرار نگرفتن

وَ لَا تَجْعَلْنِی... فِتْنَهً لِمَنْ نَظَرَ

و مرا موجب گمراهیِ بینندگان، قرار نده.

۱۲۴/۴۷

خدا، ناظر بر حوائج مسلمین

ص: ۱۱۷۲

وَ الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِی أَقْطَارِ أَرْضِکَ، یَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَ الطَّالِبُ وَ الرَّاغِبُ وَ الرَّاهِبُ وَ أَنْتَ النَّاظِرُ فِی حَوَائِجِهِمْ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند، درخواست کننده و جویا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می شوند و تو بیننده بر نیازهایشان هستی.۱/۴۸

خدا، بیننده و ناظر بر ناتوانی بنده

فَقَدْ تَرَی ضَعْفِی وَ قِلَّهَ حِیلَتِی وَ تَضَرُّعِی إِلَیْکَ

زیرا ناتوانی و بیچارگی و زاری ام را به درگاه خود می بینی.۱۶/۴۸

خدا، ناظر بر ضعف و تنهایی بنده

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی ضَعْفِی عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَادِحِ، وَ عَجْزِی عَنِ الِانْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِی بِمُحَارَبَتِهِ، وَ وَحْدَتِی فِی کَثِیرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِی

ای خدای من، پس تو ناتوانی ام را از تحمّل مصیبت های سخت و عجزم را از انتقام گرفتن از کسی که قصد جنگ با من نموده و تنهایی ام را در برابر (سپاهیانِ) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده، مشاهده کردی.۵/۴۹

نگاه خشمگینانه ستمگر، به بنده

وَ یَنْظُرُنِی عَلَی شِدَّهِ الْحَنَقِ

و با خشم سخت به من می نگریست.۷/۴۹

ستمگر و اندیشه دیدن دیگری در دامش

وَ رَدَدْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ، فَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِیلًا فِی رِبَقِ حِبَالَتِهِ الَّتِی کَانَ یُقَدِّرُ أَنْ یَرَانِی فِیهَا

و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی، تا پس از آن همه گردن کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، درآمد.۸/۴۹

نگرانی

نگرانی دل بنده، از بیم عظمت خدا

قَدْ تَرَی یَا إِلَهِی... وَجِیبَ قَلْبِی مِنْ خَشْیَتِکَ

ای خدای من، نگرانی دلم را از بیم خود می بینی.۱۹/۱۶

نگرانی مسلمان، از کار اسلام

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

نگهداری

درود خدا، بر نگهداران عرش الهی

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ لَا یَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِیحِکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند، پس بر آنها درود فرست.

۶و۱/۳

درود خدا، بر نگهبانان بزرگوار نویسنده

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الْحَفَظَهِ الْکِرَامِ الْکَاتِبِینَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّ_ان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و حافظان گرامی نویسنده (اعمال).۱۸و۱۱و۱۰/۳

نگهداشتن تابعین، از نافرمانی خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ... صَلَاهً تَعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِیَتِکَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را از معصیت نگه داری.

۱۴و۱۳/۴

حفظ تابعین، از غیر پیشامدهای نیکو

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ... صَلَاهً... تَقِیهِمْ طَوَارِقَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا یَطْرُقُ بِخَیْرٍ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که آنها را از حوادث شب و روز - مگر خیری که پیش آید - حفظ نمایی.۱۴و۱۳/۴

حفظ فرمودن بنده، به (لطف) خدا

وَ احْفَظْنَا بِکَ

و به وسیله خود نگهدارمان باش.۹/۵

سالم ماندن بنده، با نگهداری خدا از او

إِنَّ مَنْ تَقِهِ یَسْلَمْ...

همانا هر کس را که حفظ کنی، سالم می ماند.

۹/۵

إِنَّ السَّالِمَ مَنْ وَقَيْتَ

همانا سالم کسی است که تو نگهداری نمودی.

۴/۳۶

حفظ نمودن بندگان، از همه جوانب

وَ احْفَظْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا، وَ مِنْ خَلْفِنَا وَ عَنْ أَيْمَانِنَا وَ عَنْ شَمَائِلِنَا وَ مِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا...

و ما را از پیش رویمان و از پشت سرمان و از طرف راستمان و از سمت چپمان و از همه اطرافمان نگهداری کن.۱۷/۶

بازنداشتن بنده، از رعایت واجبات

وَ لَا تَشْغَلْنِی بِالِاهْتِـمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِکَ

و مرا به سبب غم و اندوه از رعایت واجبات خود بازمدار.۹/۷

کمیِ مراقبت بنده، نسبت به تهدید الهی

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِی... أَقَلُّ لِوَعِيدِکَ انْتِبَاهًا وَ ارْتِقَابًا مِنْ أَنْ

أَحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من – ای خدای من – نسبت به تهدیدهایت کم هوشیارتر و نامراقب تر از آنم که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.۲۷/۱۶

کمک به بنده، با نگهداری اش (از گناه)

وَ أَیِّدْنِی بِالْعِصْمَهِ

و با نگهداری از گناه تأییدم کن.۳۳/۱۶

وَ تَوَلَّنِی بِعِصْمَهٍ مَانِعَهٍ

و به نگهداری بازدارنده، سرپرستی ام کن.

۱۹/۳۱

به نگهداری نیکو، بندگان را از شیطان نگهداشتن

وَ اعْصِمْنَا مِنْهُ بِحُسْنِ رِعَایَتِکَ

و ما را با نیکیِ نگهداری ات از او نگهدار.

۴/۱۷

مؤمنان و قلعه نگهدارنده از شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَوْلَادَنَا وَ أَهَالِیَنَا وَ ذَوِی أَرْحَامِنَا وَ قَرَابَاتِنَا وَ جِیرَانَنَا مِنَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِنْهُ فِی... حِصْنٍ حَافِظٍ

و پدران، مادران، فرزندان، خانواده، خویشان، نزدیکان و همسایگان ما از مردان و زنان باایمان را، از (شرّ) او در دژی نگهدارنده قرار ده.۱۰/۱۷

زره های حفظ کننده از شرّ شیطان

وَ أَلْبِسْهُمْ مِنْهُ جُنَنًا وَاقِیَهً

و بر اندام آنان زره های بازدارنده از آزار و اذیّت او بپوشان.۱۰/۱۷

حفظ آنچه (درخواست هایی که) بندگان فراموش کرده اند، برای آنها

وَ احْفَظْ لَنَا مَا نَسِينَاهُ

و آنچه فراموشش کردیم برای ما نگهدار.

۱۶/۱۷

تباهی نفس و نگهداری خدا

اللَّهُمَّ... أَبْقِ لِنَفْسِی مِنْ نَفْسِی مَا یُصْلِحُهَا

خداوندا از من برایم، آنچه را که اصلاحم نماید، باقی گذار.۱۹/۲۰

حفظ نمودن آبروی بنده

وَ صُنْ وَجْهِی بِالْیَسَارِ

و آبرویم را با توانگری حفظ کن.۲۶/۲۰

خدا، نگهدار (بندگان) از چیز ترسناک

اللَّهُمَّ یَا... وَاقِیَ الْأَمْرِ الْمَـخُوفِ

خداوندا ای نگهدارنده از هر چیز ترسناک.

۱/۲۱

نگاهداشته و محفوظ قرار دادن بنده، در هر حالی

وَ اجْعَلْنِی فِی کُلِّ حَالَاتِی مَحْفُوظًا

و مرا در همه حالت هایم، محفوظ قرار ده.

۵/۲۲

نگاهداشتن بنده، به تندرستی

حَصِّنِّی بِعَافِیَتِکَ

به عافیتت حفظم کن.۱/۲۳

محافظت از فرزندان، در کودکی

وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّی فِی صِغَرِی

و آنچه در کودکی ام از من نگهداری کردند، برای ایشان نگهدار.۷/۲۴

رنج والدین، در نگهداری از فرزند

وَ أَیْنَ شِدَّةُ تَعَبِهِمَا فِی حِرَاسَتِی؟!

و سختی هایی که آن دو (پدر و مادرم) در نگهداری من کشیده اند چه می شود؟۱۰/۲۴

نگهداشتن بنده، از تبهکاری شیطان

وَ إِلَّا تَقِنَا خَبَالَهُ یَسْتَزِلَّنَا

و اگر ما را از تبهکاری اش نگه نداری، به لغزشمان اندازد.۷/۲۵

درآمدن در زمره نگهداشته شدگان از گناه

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِکَ حَتَّی تَحْبِسَهُ عَنَّا بِکَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَکَ فَنُصْبِحَ مِنْ کَیْدِهِ فِی الْمَعْصُومِینَ بِکَ

خداوندا با سلطه خود، تسلّط او (شیطان) را

از ما دور کن، تا اینکه با دعای زیاد ما، او را از ما بازداری. پس به وسیله تو از نیرنگ او، در زمره بازداشته شدگان (از گناه) درآییم.۸/۲۵

نگهداشته شدگان از گناهان

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمَعْصُومِینَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الزَّلَلِ وَ الْخَطَاءِ بِتَقْوَاکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با ترس از تو از گناهان و نادرستی و خطا نگه داشته شده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

نگهداشته شدن از بلا، به رحمت الهی

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُعَافَیْنَ مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به رحمت تو از بلا رهیده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

رعایت اموری، برای همسایگان

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَرْعَی لَهُمْ مَا أَرْعَی لِخَاصَّتِی

و خداوندا مرا بر آن دار که آنچه را برای خاصان خود رعایت می کنم، برای آنان رعایت نمایم.۳/۲۶

یاری دادن به نگهبانان مرزها

اللَّهُمَّ... أَیِّدْ حُمَاتَهَا بِقُوَّتِکَ

خداوندا به قدرت خویش، نگهبانان آن (مرزها) را یاری ده.۱/۲۷

ص: ۱۱۷۶

دعا به نگهبانان مرزهای مسلمین

اللَّهُمَّ... أَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَتِكَ

خداوندا از دارایی خویش، بخشش های آنان را فراوان ساز.۱/۲۷

وَ كَثِّرْ عِدَّتَهُمْ، وَ اشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ، وَ احْرُسْ حَوْزَتَهُمْ، وَ امْنَعْ حَوْمَتَهُمْ، وَ أَلِّفْ جَمْعَهُمْ، وَ دَبِّرْ أَمْرَهُمْ، وَ وَاتِرْ بَيْنَ مِيَرِهِمْ، وَ تَوَحَّدْ بِكِفَايَةِ مُؤَنِهِمْ، وَ اعْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ، وَ أَعِنْهُمْ بِالصَّبْرِ، وَ الْطُفْ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ

و بر تعدادشان بیفزا و سلاح (جنگی)شان را تیز کن و قلمروِ آنان را نگهدار و حومه آنان را نفوذناپذیر کن و جمعشان را الفت ده و امرشان را تدبیر فرما و آذوقه یشان را پیاپی برسان و سنگینی هایشان را به تنهایی کفایت فرما و با پیروزی نیرومندشان کن و با شکیبایی یاریشان ده و چاره اندیشی را به آنها بیاموز.۲/۲۷

وَ عَرِّفْهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَ عَلِّمْهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَ بَصِّرْهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ

و آنچه را نمی شناسند، به آنان بشناسان و آنچه نمی دانند، به ایشان بیاموز و به آنچه بینایی ندارند، بینایشان ساز.۳/۲۷

وَ أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمُ الْخَدَّاعَةِ الْغَرُورِ، وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ، وَ اجْعَلِ الْجَنَّةَ نَصْبَ أَعْيُنِهِمْ، وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِنِ الْخُلْدِ...

و هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده

گول زننده را از خاطرشان ببر و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن و بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده و آنچه را در آن آماده ساخته ای از خانه های همیشگی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

نگهداری از قلمروِ مرزداران اسلام

وَ احْرُسْ حَوْزَتَهُمْ

و قلمروِ آنان را نگهدار.۲/۲۷

پاداش حفظ آبروی جنگجو یا مرزدار

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً، فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا آبرویش را در نبود او نگهداشت؛ پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

نگهداری از خانواده جنگجو یا مرزدار

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ، أَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِی غَيْبَتِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداونـدا و هر مسـلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشـین شد، یا در نبود او خانواده اش را نگهداری کرد، پس وی

ص: ۱۱۷۷

را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

نگهداری خدا و وفا به توبه

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِی بِالتَّوْبَهِ إِلَّا بِعِصْمَتِکَ

خداوندا مرا جز به نگهداری تو، وفای به توبه نیست.۱۹/۳۱

خدا، نگهدار بندگان از سختی و مصیبت

اللَّهُمَّ إِنَّکَ تَقِی الْکَرِیهَهَ

خداوندا همانا تو از ناخوشایندی ها نگهداری می کنی.۳۳/۳۲

نگهداشتن بندگان، از بلا و آسیب

فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا وَقَیْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ

پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی.۶/۳۶

نگهداری قرآن، به طور شایسته

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَرْعَاهُ حَقَّ رِعَایَتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

قلوب آل محمّد صلی الله علیه و آله ، نگهدارنده قرآن

اللَّهُمَّ فَکَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَهً... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ الْخَطِیبِ بِهِ... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ...

خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل

آن قرار دادی، پس بر محمّد که با آن سخن راند، درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست.۶/۴۲

عامل نگهدارنده بنده ، از تبهکاری های شیطان

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا... مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا

قرآن را نگهبان ما از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد قرار ده.۱۰/۴۲

نگهدارنده از کیفر الهی

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا نَتَعَاطَی إِلَّا الَّذِی یَقِی مِنْ عِقَابِکَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا جز آنچه از کیفر تو نگاه دارد، انجام ندهیم.۷و۶/۴۴

مرتبه نگاهدارندگان ارکان و جوانب نماز

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْحَافِظِینَ لِأَرْکَانِهَا

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که ارکانش را محافظت نموده اند.۹/۴۴

پیمانی محفوظ و نگهداشتنی، با رمضان

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ... لَزِمَنَا لَهُ الذِّمَامُ الْمَ_حْفُوظُ، وَ الْحُرْمَهُ الْمَرْعِیَّهُ

ص: ۱۱۷۸

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که بر ما لازم است برای او پیمان نگه داریم و حرمت رعایت کنیم.۲۳/۴۵

حفظ حرمت ماه رمضان

مَا أَسْعَدَ مَنْ رَعَى حُرْمَتَکَ بِکَ!

چه نیک بخت است کسی که به سبب تو، حرمتت را رعایت کند!.۳۰/۴۵

نگهداشتن احترام ماه مبارك رمضان، به طور شایسته

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... حَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

خداوندا و هر کس حرمتش را آن طوری که حقّ بوده نگه داشته؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

رعایت ماه رمضان به گونه ای سزاوار

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

نگهبان بودن خدا، بر هر چیز

وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ

و او بر هر چیز نگهبان است.۲/۴۷

سپاسی درمانده کننده (فرشتگانِ) نگهبان، از شمارش آن

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند.۴۰و۳۶/۴۷

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ، نگهداران دین الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ، وَ جَعَلْتَهُمْ... حَفَظَهَ دِينِکَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را نگهبانان دینت قرار

دادی.۵۶/۴۷

امام علیه السلام ، نگهدار پناهندگان

فَهُوَ عِصْمَهُ اللَّائِذِینَ

پس او نگهدارنده پناهندگان است.۶۰/۴۷

حفظ ولیّ خدا، به دیده (مراقبت) الهی

وَ رَاعِهِ بِعَیْنِکَ، وَ احْمِهِ بِحِفْظِکَ

و به دیده (مراقبت) خود، از او نگهداری کن و با حفظ خویش، او را پشتیبانی کن.۶۱/۴۷

نگاهداشتن بنده، به ریسمان الهی

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... عَصَمْتَهُ بِحَبْلِکَ

ص: ۱۱۷۹

پس او را از کسانی قرار دادی، که به ریسمان خویش، وی را نگه داشتی.۶۷/۴۷

از چشم نگهداری خدا افتادن

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِکَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده.۱۰۴/۴۷

نگهداری نمودن بنده، از جای بی گمان

وَ حُطْنِی مِنْ حَیْثُ لَا أَعْلَمُ حِیَاطَةً تَقِینِی بِهَا

و مرا از جایی که نمی دانم، احاطه کن. احاطه کردنی که با آن مرا نگهداری نمایی.۱۳۲/۴۷

نخفتن چشم حراست دشمنان، از بنده

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ... لَمْ تَنَمْ عَنِّی عَیْنُ حِرَاسَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که چشم نگهبانی اش از من نخفت.۴/۴۹

ستمگر و گماشتن مراقبت خود، بر بنده

کَمْ مِنْ بَاغٍ... وَکَّلَ بِی تَفَقُّدَ رِعَایَتِهِ

چه بسیار ستمگری که مراقبت و جستجویش را بر من گماشت.۷/۴۹

قسم به نام های محفوظ خداوند

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی.۵/۵۰

نگاهداشتن بنده

اعْصِمْنِی وَ طَهِّرْنِی

مرا حفظ کن و پاک گردان.۲/۵۴

درخواست بنده به حفظ شدن از:

أ. (عذاب) خداوند

وَ قِنَا مِنْکَ

و ما را از (عذاب) خود حفظ کن.۹/۵

ب. (شرّ) بندگان

وَ امْنَعْنَا بِعِزِّکَ مِنْ عِبَادِکَ

و به عزّت خود ما را از بندگانت حفظ کن.

۱۳/۵

ج. پیشامدها و بلاها در هر روز

اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ... وَ وَقَیْتَنَا فِیهِ مِنْ طَوَارِقِ الْآفَاتِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی، و در آن ما را از پیشامدها و بلاها نگهداشتی.۸/۶

د. بدی مفارقت از هر روز

وَ اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ

و از بدیِ جدایی از آن (روز)، بر اثر انجام گناهی حفظمان کن.۱۳/۶

هـ. نافرمانی خدا

وَ احْفَظْنَا... حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

و ما را نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از نافرمانی تو بازدارد.۱۷/۶

و. انجام کارهای همانند ستمگر

وَ اعْصِمْنِی مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ

و مرا از انجام مانند کارهای او بازدار.

۷/۱۴

ز. ستم کردن

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرَّهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلَمَ فَقِنِی مِنْ أَنْ أَظْلِمَ

خداوند همچنان که ستم کشیدن را در نظرم ناپسند نمودی، مرا از ستم نمودن حفظ کن.۱۰/۱۴

ح. گناهان

وَ قِنِی مِنَ الْمَعَاصِی

و مرا از گناهان حفظ کن.۳۳/۱۶

ط. شیطان

وَ اعْصِمْنَا مِنْهُ بِحُسْنِ رِعَايَتِكَ

و ما را با نیکیِ نگهداری ات از او نگهدار.

۴/۱۷

ی. باطل آرایی شیطان

اللَّهُمَّ وَ مَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ، وَ إِذَا عَرَّفْتَنَاهُ فَقِنَاهُ

خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان. و چون شناساندی، ما را از آن نگهدار.۷/۱۷

ک. عذاب آتش

وَ قِنِی (بِرَحْمَتِکَ) عَذَابَ النَّارِ

و مرا به رحمت خود از عذاب آتش، حفظ فرما.۳۰/۲۰

وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ

و از شکنجه آتش نگاهمان دار.۱۳/۲۵

ل. نزدیک شدن به مانند گرفتاری ها

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا... وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ أُقَارِفَ مِثْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است. پس صاحبانش را عوض ده و مرا از نزدیک شدن به مانند آن، نگهدار.

۱۸/۳۱

م. تسلّط و چیرگی شیطان

وَ أَسْتَعْصِمُکَ مِنْ مَلَکَتِهِ

و از تو می خواهم مرا از چیرگی او نگاه داری.

۲۷/۳۲

ن. گمان پستی بردن، به فقیر

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِذِی عَدَمٍ خَسَاسَهً

و مرا از اینکه به فقیری گمانِ پستی برم، حفظ فرما.۴/۳۵

س. گمان برتری بردن، به ثروتمند

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ... أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرْوَهٍ فَضْلًا

و مرا از اینکه به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما.۴/۳۵

ع. آنچه (کیفر) فرمان خدا را واجب گرداند

ثُمَّ قِنِی مَا یُوجِبُ لَهُ حُکْمُکَ

سپس مرا از آنچه حکم تو را واجب می گرداند، نگهدار.۵/۳۹

ف. درّه گود کفر و انگیزه های نفاق

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْکُفْرِ وَ دَوَاعِی النِّفَاقِ...

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار.

۱۲/۴۲

ص. گناه و معصیت خدا، در هر ماه نو

وَ اعْصِمْنَا فِیهِ مِنَ الْحَوْبَهِ

و ما را در آن از گناه حفظ کن.۶/۴۳

ق. عیوب تازه، در ماه رمضان

وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاکِیهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ تَعْصِمُنَا فِیهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُیُوبِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی و از آلوده شدن به عیب های تازه در این (ماه) ما را نگهداری کنی.۱۱و۱۰/۴۴

ر. درخواست از جهانیان

وَ صُنْ وَجْهِی عَنِ الطَّلَبِ إِلَی أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِینَ

و آبرویم را از درخواست به سوی احدی از جهانیان، حفظ کن.۱۳۱/۴۷

نماز

یاد والدین، در پیِ نمازها

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَهُمَا فِی أَدْبَارِ صَلَوَاتِی

خداوندا یاد آنان را بعدِ نمازهایم، از یادم نبر.

۱۳/۲۴

اوقات، احکام، واجبات و شروط نمازهای پنجگانه

وَ قِفْنَا فِیهِ عَلَی مَوَاقِیتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِی حَدَّدْتَ، وَ فُرُوضِهَا الَّتِی فَرَضْتَ، وَ وَظَائِفِهَا الَّتِی وَظَّفْتَ، وَ أَوْقَاتِهَا الَّتِی وَقَّتَّ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و واجباتش که واجب کردی و شرایط آن که معین نمودی و اوقاتش که تعیین گرداندی، آگاه فرما.۸/۴۴

درخواست بنده، در مورد نمازش

وَ أَنْزِلْنَا فِيهَا مَنْزِلَهَ الْمُصِيبِينَ لِمَنَازِلِهَا، الْحَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا، الْمُوءَدِّينَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِی رُكُوعِهَا وَ سُجُودِهَا وَ جَمِيعِ فَوَاضِلِهَا...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که مراتبش را درک کرده اند، ارکانش را محافظت نموده اند، و آن را در اوقات خود – به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] در رکوع و سجود آن و همه فضیلت هایش قرار داد – به جا آورده اند.۹/۴۴

نماز گزاردن، در شب های ماه رمضان

وَ أَعِنَّا... فِی لَيْلِهِ عَلَی الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْکَ

و ما را در شبش بر نماز و زاری به درگاهت، یاری نما.۱۷/۴۴

نمایان آشکار

ننگ

ننگ داشتن از انتشار اموری، (در قیامت)

أَخْفِ عَنْهُمْ مَا يَكونُ نَشْرُهُ عَلَيَّ عَارًا

آنچه انتشارش (مایه) ننگ من می باشد را، از آنان پنهان کن.۳/۴۱

نو تازه

نوآوری در دین بدعت

نور روشنی

نورانیّت درخشش

نوشتن

گواهی مقرّبان و کتاب مرقوم و نوشته شده

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَی أَعْلَی عِلِّیِّینَ فِی کِتَابٍ مَرْقُومٍ یَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقرّبان الهی گواه آنند».

۱۳و۱۰/۱

نوشتن نیکی های بنده

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِکُنَا فِیهِ تَبِعَةٌ... حَتَّی... یَتَوَلَّی کُتَّابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِینَ بِمَا کَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. تا نویسندگان خوبی ها – به سبب آنچه از

نیکی های ما نوشته اند - شادمان برگردند.۲/۱۱

نوشتن کردارهای پاکیزه برای بیمار، در حال بیماری

وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَکَّرَ فِیهِ...

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که دلی در آن نیندیشیده.۵/۱۵

نوشتن ایمنی از خشم خدا، برای بنده

وَ اکْتُبْ لِی أَمَانًا مِنْ سُخْطِکَ

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس.۳۳/۱۶

نوشتن نام مسلمانی با ویژگی های خاص، در زمره عابدان

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

نوشتن پاداشی همانند عبادت کننده تا روز قیامت، برای بنده

اکْتُبْ لَنَا مِثْلَ أُجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ إِلَی

یَوْمِ الْقِیَامَهِ

برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس.۵۱/۴۵

درخواست نیکی آنچه نوشته شده

أَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِ کِتَابٍ قَدْ خَلَا

از تو نیکی آنچه نوشته شده و گذشته را درخواست می نمایم.۵/۵۴

پناه بردن به خدا، از بدی آنچه نوشته شده

أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کِتَابٍ قَدْ خَلَا

از بدی آنچه نوشته شده و گذشته، به تو پناه می برم.۵/۵۴

نوشیدن آشامیدن

نوید مژده

نویسندگان

درود خدا، بر نگهبانان بزرگوار نویسنده

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ الْحَفَظَهِ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و حافظان

ص: ۱۱۸۴

گرامی نویسنده (اعمال).۱۸و۱۱و۱۰/۳

نویسندگان گرامی اعمال

اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَؤُونَتَنَا

خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز.۱۵/۶

سبب برگشتن نویسندگان بدی ها، با نامه خالی از ذکر گناه

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ... حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَّابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. تا نویسندگان بدی ها با نامه ای خالی از کردار زشت از نزد ما بازگردند.۲/۱۱

سبب شادمان برگشتن نویسندگان نیکی ها

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ... حَتَّى... يَتَوَلَّى كُتَّابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. تا نویسندگان خوبی ها – به سبب آنچه از نیکی های ما نوشته اند – شادمان برگردند.۲/۱۱

نویسندگان (در قیامت) و شمارش کارها

وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كَتَبَةُ أَعْمَالِنَا. تَوْبَةً مَقْبُولَةً...

و پایان آنچه نویسندگان کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده.۳/۱۱

دو نویسنده اعمال، و نوشتن اعمال پاکیزه برای بیمار، در حال بیماری

وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِيَ الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكِيِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ...

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که دلی در آن نیندیشیده.۵/۱۵

نویسندگان و ضبط اموری در کتاب خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند.۴۰و۳۶/۴۷

نهادن

یوغ ذلّت به گردن نهادن پادشاهان، برای خدا

یَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نِیرَ الْمَذَلَّهِ عَلَی أَعْنَاقِهَا، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن هایشان نهاده اند و از قهرها و غلبه های او

ص: ۱۱۸۵

ترسانند.۷/۵۱

نهان پنهان

نهایت پایان

نهی

نهی الهی، جهت آزمایش شکرگزاری بنده

وَ نَهَانَا لِيَبْتَلِيَ شُكْرَنَا

و نهیمان نمود تا شکرگزاریمان را آزمایش کند.۲۱/۱

نهیی که خدا از آن ترسانده

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَوْقَفَهُمْ عَمَّا حَذَّرْتَ مِنْ نَهْيِكَ

و ما را از خوددارترین ایشان از حرام هایی که از آن بیم داده ای قرار ده.۲۰/۶

بازداشته شدن اشیا، به اراده خدا و بدون نهی او

فَهِيَ... بِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ

پس آن اشیا به اراده تو بدون نهیت بازداشته شده اند.۳/۷

شتافتن به سوی نهی الهی

...يَحْجُبُنِي... نَهْيٌ نَهَيْتَنِي عَنْهُ. فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ...

بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، کاری که

مرا از آن بازداشتی و من به سوی آن شتافتم.

۲/۱۲

خدا، دانا به آنچه نهی نموده

قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای.۵/۱۴

بازداشته نشدن بنده از بدی ، علی رغم مهربانی خدا

يَا إِلَهِي... فَكَمْ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي... ثُمَّ لَمْ يَنْهَنِي ذَلِكَ عَنْ أَنْ جَرَيْتُ إِلَى سُوءِ مَا عَهِدْتَ مِنِّي!!

ای خدای من، چه بسیار عیب هایی که بر من پوشاندی و رسوایم نکردی. آن همه (عنایت) مرا از شتافتن به سوی بدی – که تو از من می دانی – بازنداشت!۲۲و۲۱/۱۶

صرف روزی، در نافرمانی نهی شده الهی

وَ مَنْ أَبْعَدُ مِنِّی مِنِ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِینَ أُنْفِقُ مَا أَجْرَیْتَ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ فِیما نَهَیْتَنِی عَنْهُ مِنْ مَعْصِیَتِکَ؟

و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد، آنگاه که روزی ات را که برایم رسانده ای، در نافرمانیت در آنچه بازداشته ای صرف می کنم؟

۲۳/۱۶

ص: ۱۱۸۶

پذیرفتن نهی، و دوری از پیروی شیطان

نَعِظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنِ اتَّبَعَ زَجْرَنَا

هر کس نهی ما را پذیرفت، از پیروی او بازداریم.۱۴/۱۷

نهی خدا از نافرمانی اش

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الِاجْتِنَابِ لِمَا نَهَيْتَنِی عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِکَ

و با تندرستی و دوری جستن از نافرمانی ات - که مرا از آن بازداشته ای - بر من منّت گذار.

۳/۲۳

وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِکَ

و او را از نافرمانی نهی کردی.۶۸/۴۷

خدا، آمر و ناهی بندگان

فَإِنَّکَ خَلَقْتَنَا وَ أَمَرْتَنَا وَ نَهَيْتَنَا

همانا تو ما را آفریدی و امر و نهی نموده ای.

۶/۲۵

بی باکی، و انجام نواهی الهی

هَذَا مَقَامُ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِی الذُّنُوبِ... فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِيطًا، وَ تَعَاطَی مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيرًا

این مقام کسی است که بازیچه دست های گناهان گردیده. پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده.۶/۳۱

به جا آوردن نهی الهی

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... نَهَيْتَنِی فَرَكِبْتُ

خداوندا همانا تو مرا نهی نمودی، پس مرتکب شدم.۱۶/۳۲

كَمْ نَهْيٍ لَكَ قَدْ أَتَيْنَاهُ

چه بسیار نهی نمودنی که آن را انجام دادیم.

۲/۳۴

انجام نهی الهی و عدم شتاب خدا در کیفر

فَأَمَّا الْعَاصِی أَمْرَکَ وَ الْمُوَاقِعُ نَهْیَکَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنَقِمَتِکَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی.۱۴/۳۷

نهی الهی و طلب آمرزش برای مرتکب آن

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّی مَا حَظَرْتَ عَلَیْهِ... فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّی

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که او را بر آن نهی کرده بودی، پس از آنچه بر من روا داشت، او را بیامرز.

۲/۳۹

بازایستادن از نهی امام علیه السلام

أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوَامِرِهِ، وَ الِانْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْیِهِ

فرمان دادی که به امرهای او امتثال کنند و از

نهی های او بازایستند.۶۰/۴۷

مخالفت با فرمان خدا و ارتکاب نهیش

ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتَمِرْ... وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ

سپس او را فرمان دادی، پس فرمان نبرد و او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت.۶۸/۴۷

علل ارتکاب نواهی

فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ، لَا مُعَانَدَةً لَكَ... بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَ إِلَى مَا حَذَّرْتَهُ، وَ أَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عَدُوُّكَ وَ عَدُوُّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ...

پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت. نه از روی عناد با تو. بلکه خواهش نفسش به آنچه او را از آن بازداشتی و به آنچه از آن برحذر نمودی، فراخواندش و دشمن تو و دشمن او (شیطان)، او را بر آن یاری کرد. پس با علم به تهدیدت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد.۶۸/۴۷

عدم ارتکاب نواهی، در پرتو حیات طیّبه

فَأَحْيِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً... تَبْلُغُ مَا أُحِبُّ مِنْ حَيْثُ... لَا أَرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که به آنچه دوست دارم پایان یابد. در صورتی که آنچه را نهی نموده ای، مرتکب نشوم.۱۱۷/۴۷

نیاز

پناه بردن به خدا، از نیازمندی به مانند خود

وَ نَعُوذُ بِكَ... مِنَ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ

و پناه می بریم به تو از نیازمندی به هم نوعان.

۸/۸

برطرف نمودن نیاز بندگان، با توانگری خدا

فَاجْبُرْ فَاقَتَنَا بِوُسْعِكَ

پس نیاز ما را به توانگری خود برطرف کن.

۳/۱۰

درخواست از خدا، مانند نیازمند عیالوار

فَهَا أَنَا ذَا یَا إِلَهِی... سَائِلُکَ عَلَی الْحَیَاءِ مِنِّی سُوءَالَ الْبَائِسِ الْمُعِیلِ

پس ای خدای من، با وجود شرمندگی ام همانند تهی دستی عیالمند از تو درخواست دارم.

۴/۱۲

قطع نگردیدن حاجت های نیازمندان، از خدا

وَ یَا مَنْ لَا تَنْقَطِعُ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمحْتَاجِینَ

و ای آنکه درخواست های نیازمندان از او قطع نمی گردد.۹/۱۳

ص: ۱۱۸۸

طلب نیازمندی خود، در جایگاه بایسته

فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ مِنْ عِنْدِکَ... فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِی مَظَانِّهَا

پس هر که دفع فقرش را از تو جوید، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده.

۱۳/۱۳

شگفت از رو آوردن نیازمند، به نیازمند

وَ قُلْتُ: سُبْحَانَ رَبِّی... أَنَّی یَرْغَبُ مُعْدِمٌ إِلَی مُعْدِمٍ؟

و گفتم: منزّه است پروردگارم کجا تهی دست به تهی دست روآورد؟۱۷/۱۳

درخواست نیازمند از نیازمند

وَ قُلْتُ: سُبْحَانَ رَبِّی کَیْفَ یَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجًا؟

و گفتم: منزّه است پروردگارم چگونه نیازمند از نیازمند درخواست کند؟۱۷/۱۳

وَ رَأَیْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُـحْتَاجِ إِلَی الْمُـحْتَاجِ سَفَهٌ مِنْ رَأْیِهِ وَ ضَلَّةٌ مِنْ عَقْلِهِ

و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از سبکی اندیشه و گمراهی خِرد است.۵/۲۸

بی نیازی خدا، به گواهی گواهان

وَ یَا مَنْ لَا یَحْتَاجُ فِی قَصَصِهِمْ إِلَی شَهَادَاتِ الشَّاهِدِینَ

و ای کسی که در سرگذشت های ایشان از گواهی شهادت دهندگان بی نیاز است.۲/۱۴

خدا، مددکار هر نیازمندِ رانده شده

وَ یَا عَضُدَ کُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِیدٍ

و ای یاور هر نیازمند رانده شده.۴/۱۶

درنگ از جهاد، به سبب نیازمندی

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ، أَوْ أَبْطَأَتْ بِهِ فَاقَةٌ... فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا فقر او را به درنگ واداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.

۱۷/۲۷

رو گرداندن بنده، از نیازمند به بخشش خدا

وَ صَرَفْتُ وَجْهِی عَمَّنْ یَحْتَاجُ إِلَی رِفْدِکَ

و از آنکه نیازمند عطای توست، رو گرداندم.

۳/۲۸

توبه ای بی نیازکننده از توبه ای دیگر

فَاجْعَلْ تَوْبَتِی هَذِهِ تَوْبَهً لَا أَحْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَی تَوْبَهٍ...

پس این توبه ام را توبه ای گردان که پس از آن، به توبه ای نیازمند نشوم.۲۰/۳۱

(رستاخیز)، روز نیازمندی به درگاه خدا

ص: ۱۱۸۹

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ يَوْمَ الْفَاقَهِ إِلَيْکَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند.۳۰/۳۱

نیاز جنین، به روزی خدا

...حَتَّى إِذَا احْتَجْتُ إِلَى رِزْقِکَ... جَعَلْتَ لِی قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرَيْتَهُ لِأَمَتِکَ الَّتِی أَسْکَنْتَنِی جَوْفَهَا

...تا هنگامی که به روزی تو محتاج شدم. از زیادی خوردنی و آشامیدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی.۲۴/۳۲

پست پنداشتن نیازمند

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِذِی عَدَمٍ خَسَاسَهً

و مرا از اینکه به فقیری گمانِ پستی برم، حفظ فرما.۴/۳۵

عطا ننمودن بنده، به نیازمند

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَيْکَ... مِنْ ذِی فَاقَهٍ سَأَلَنِی فَلَمْ أُوثِرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از نیازمندی که از من درخواست کرد، پس او را بر خود برتری ندادم.۱/۳۸

قرآن و اصلاح نیازمندی بندگان

وَ اجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلَّتَنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ

و به وسیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن.۱۲/۴۲

درخواست از خدا، همچون بنده نیازمند

وَ سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ... الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ

و از تو درخواست می نمایم، درخواستِ بدحال، نیازمند، ترسان.۷۴/۴۷

خوار نساختن بنده، هنگام نیازمندی به درگاه خدا

وَ لَا تَخْذُلْنِی عِنْدَ فَاقَتِی إِلَيْکَ

و هنگام نیازمندی ام به سویت خوارم نساز.

۱۱۶/۴۷

افزودن نیازمندی بنده، به درگاه خدا

وَ زِدْنِی إِلَیْکَ فَاقَةً وَ فَقْرًا

و بر فقر و نیازم به درگاهت بیفزا.۱۱۸/۴۷

فرود آوردن نیاز خود، به درگاه خدا

اللَّهُمَّ... بِکَ أَنْزَلْتُ الْیَوْمَ فَقْرِی وَ فَاقَتِی وَ مَسْکَنَتِی

خداوندا، در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم.۴/۴۸

ناتوان، و نیازمندی اش به ستم نمودن

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَیْسَ فِی حُکْمِکَ ظُلْمٌ... وَ إِنَّمَا یَحْتَاجُ إِلَی الظُّلْمِ الضَّعِیفُ

دانسته ام که در فرمان تو ستم نیست. و همانا ضعیف، نیازمند به ستم کردن است.۱۵/۴۸

جبرانِ نیازها و کمبودهای بنده

وَ کَمْ مِنْ... عَدَمٍ جَبَرْتَ

و چه بسیار نیازها (و کمبودها)یی که جبران نمودی.۱۲/۴۹

درخواست از خدا و نیازمندی سخت

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ سُوءَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ... سُوءَالَ مَنْ لَا یَجِدُ لِفَاقَتِهِ مُغِیثًا... غَیْرَکَ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند است. درخواست کسی که فریادرسی برای نیازش جز تو نمی یابد.۳/۵۴

نیایش دعا و نیز مناجات

نیّت

تأیید نمودن بنده، به نیّت صادق

وَ أَیِّدْنِی مِنْکَ بِنِیَّهٍ صَادِقَهٍ...

و مرا به نیّت صادقانه تأیید نما.۱۴/۱۴

نیکوترین نیّت ها

وَ انْتَهِ بِنِیَّتِی إِلَی أَحْسَنِ النِّیَّاتِ

و نیّت مرا به نیک ترین نیّت ها منتهی ساز.

۱/۲۰

کامل گرداندن نیّت بنده

اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِکَ نِیَّتِی

خداوندا به لطف خود نیّت مرا کامل گردان.

۲/۲۰

پابرجا گرداندن نیّت بنده، در طاعت خدا

اللَّهُمَّ وَ ثَبِّتْ فِی طَاعَتِکَ نِیَّتِی

خداوندا و نیّت مرا در فرمانبرداریت، ثابت بدار.۱۳/۳۱

یکسان بودن باطن سپاس الهی، با صدق نیّت

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفْقٌ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفْقٌ لِصِدْقِ النِّیَّهِ

سپاس برای توست. سپاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد و باطنش با نیّت صادقانه موافق باشد.۴۳و۳۶/۴۷

یاری کردن بنده، بر نیّت شایسته

وَ أَعِنِّی عَلَی صَالِحِ النِّیَّهِ

و بر (داشتن) نیّت صالح یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

نیرنگ فریب

نیرو توانایی

نیستی نابودی و نیز فنا

ص: ۱۱۹۱

نیش

نیش های مارهای آتش دوزخ

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... حَیَّاتِهَا الصَّالِقَهِ بِأَنْیَابِهَا

و از مارهای آن که با نیش هایشان می زنند، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

نیک بختی خوش بختی

نیکوکاری

سُفرای گرامی نیکوکار

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ السَّفَرَهِ الْکِرَامِ الْبَرَرَهِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و سفیران بزرگوارِ نیکوکار.۱۸و۱۱و۱۰/۳

نیکوکار بودن تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَی التَّابِعِینَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَیْرَ جَزَائِکَ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعینِ نیکوکارِ ایشان برسان.۹/۴

نیکوکار بودن محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ الْأَخْیَارِ الْأَنْجَبِینَ

پس بر محمّد و خاندانش که پاک، پاکیزه، نیکوکار و شریف ترین اند، درود فرست.۲۴/۶

أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ... وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِینَ الْأَخْیَارِ

از تو درخواست می کنم که بر محمّد و بر خاندان محمّد که نیکوکارانِ پاکانِ برگزیده اند، درود فرستی.۳/۴۸

تغییر بدگمانی نیکان (درباره بنده)، به اطمینان

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ ظِنَّهِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثِّقَهَ

و درباره من بدگمانی نیکان را به اعتماد مبدّل فرما.۷/۲۰

نیکان خلق و آرامش دل بنده

...بَلِ اجْعَلْ سُکُونَ قَلْبِی وَ أُنْسَ نَفْسِی وَ اسْتِغْنَائِی وَ کِفَایَتِی بِکَ وَ بِخِیَارِ خَلْقِکَ

...بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.

۱۲/۲۱

نیکوکار گرداندن فرزندان بنده

وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتْقِیَاءَ...

و آنان (فرزندانم) را نیکوکارانی پرهیزکار قرار ده.۳/۲۵

عدم تباهی پاداش نیکوکاران

ص: ۱۱۹۲

يَا مَنْ لَا يَضِيعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ

ای کسی که پاداش نیکوکاران، نزد او تباه نمی شود.۳/۳۱

غذا دادن خدا به بنده، مانند نیکوکاری مهربان

فَغَذَوْتَنِی بِفَضْلِکَ غِذَاءَ الْبَرِّ اللَّطِیفِ

پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربانْ خوراک دادی.۲۶/۳۲

یاد شدن نیکوکاران

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، إِذَا ذُکِرَ الْأَبْرَارُ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست هنگامی که نیکوکاران یاد شوند.۳۴/۳۲

نیکوکار بودن خدا

إِنَّکَ... الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ

همانا تو نیکوکارِ عطاکننده ای.۷/۳۶

خدا، ضامن پاداش نیکوکاران

یَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِینَ

ای ضامن پاداش نیکوکاران.۵/۴۰

عامل بخشیدن خوی های نیکوی نیکان، به بندگان

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ، وَ هَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز و زیبایی خوهای نیکوکاران را به ما ببخش.۹/۴۲

پاداش نیکوکاران و سپاس گزاری از خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَکُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاکِرِینَ، وَ لِیَجْزِیَنَا عَلَی ذَلِکَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِینَ

سپاس خدای را که ما را از اهل سپاس قرار داد. تا برای احسانش از شکرگزاران باشیم و ما را بر آن، پاداش نیکوکاران

دهد.۱/۴۴

نیکی تفضّل

برگزیدن نیکویی های آفرینش ، برای بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ

و سپاس خدایی را که نیکویی های آفرینش را برای ما برگزید.۱۷/۱

محمّد صلی الله علیه و آله ، پیشوای خیر و نیکی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ... قَائِدِ الْخَیْرِ

خداوندا بر محمّد - رهبر خیر - درود فرست.

۳/۲

تبدیل بدی ها، به خوبی هایی چندین برابر

یَا مُبَدِّلَ السَّیِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ

ص: ۱۱۹۳

ای تبدیل کننده بدی ها به چندین برابر آن از خوبی ها.۸/۲۴، ۲۶/۲

گفتار نیکوی بنده، در مورد فرشتگان و پیامبران

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست.۲۶/۳

اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و نیکو به پایان بردن همراهی او

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ... فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَ فِيكَ، وَ أَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که همراهانی نیکو بودند، پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها کردند برای آنان از نظر دور ندار و به خوشنودی خود ایشان را خوشنود ساز.

۷و۳/۴

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و خوب بیرون آمدن از آزمایش

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً... الَّذِينَ أَبْلَوُا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَ فِيكَ، وَ أَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که در یاری او از آزمایش خوب برآمدند، پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها کردند برای آنان از نظر دور ندار و به خوشنودی خود ایشان را خوشنود ساز.۷و۳/۴

تابعین و کمک خواستن از خدا، در کار نیک

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً... تُعِينُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بِرٍّ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن بر خواسته های نیک آنانْ کمک رسانی.

۱۴و۱۳/۴

تابعین و امید نیکو به خدا داشتن

صَلَاةً... تَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ...

درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به خود برانگیزی.۱۵و۱۴/۴

نیکویی نمودن با رفتاری شایسته

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاوءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى

تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد

ص: ۱۱۹۴

و نیکوکاران را پاداش نیکو عنایت کند.۷/۶

پُر کردن دو طرف (اوّل تا آخر) روز، به نیکی

وَ امْلَأْ لَنَا مَا بَیْنَ طَرَفَیْهِ... فَضْلًا وَ إِحْسَانًا

و دو طرف آن را برای ما از فزونی و نیکی پر ساز.۱۴/۶

حسن نظر داشتن خدا، به بنده

وَ أَنِلْنِی حُسْنَ النَّظَرِ فِیما شَکَوْتُ

و در آنچه شکوه دارم به من احسان داشته باش.۸/۷

کار نیک و سزاواری پاداش الهی

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ، حَتَّی لَا تَفُوتَنَا حَسَنَةٌ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَکَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار نیکی که به سبب آن سزاوار پاداش تو شویم از دستمان نرود.۷/۹

از روی تفضّل بودنِ احسان الهی

وَ یَحْدُونِی عَلَی مَسْأَلَتِکَ تَفَضُّلُکَ عَلَی مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَیْکَ... إِذْ جَمِیعُ إِحْسَانِکَ تَفَضُّلٌ

و وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضّل تو به آنکه رو به تو آورَد. چون همه نیکی های تو از روی تفضّل است.۳/۱۲

گذشت نیکوی الهی و به سپاس واداشتن بنده

وَ یَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَی خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ

و ای آنکه با گذشت نیک، آفریدگانش را به سپاس خود واداشته است.۱۰/۱۲

تفضّل الهی و وعده پاداش نیک

وَ یَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَی نَفْسِهِ بِتَفَضُّلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ

و ای آنکه ایشان را به فضل خود، پاداش نیک وعده داده است.۱۰/۱۲

احسان خدا به ستمکار توبه کننده

وَ مَا أَنَا بِأَظْلَمِ مَنْ تَابَ إِلَيْكَ فَعُدْتَ عَلَيْهِ

و من ستمکارتر از توبه کننده به درگاهت که تو به او نیکی نموده ای، نمی باشم.۱۱/۱۲

نیکو یاری کردن بنده، در تسلّط بر ستمگر

وَ أَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِی

و مرا در مخالفت با او به خوبی یاری فرما.

۷/۱۴

خیر بنده در تأخیر اخذ حقّ

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتِ الْخِيَرَةُ لِی عِنْدَكَ فِی تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِی... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَيِّدْنِی مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن

ص: ۱۱۹۵

حقّم می باشد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.۱۴/۱۴

به نیکی رفتار کردن خدا، بدون سبب

إِنَّکَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ

همانا تویی که بدون سبب به نیکی رفتار می کنی.۷/۱۵

نیکو دانستن آنچه شیطان نیکو می نمایاند

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یَحْسُنَ عِنْدَنَا مَا حَسَّنَ لَنَا

خداوندا ما از اینکه او آنچه برای ما می آراید را برایمان زیبا جلوه دهد، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

نیکو یاری نمودن بندگان، بر مخالفت با شیطان

اللَّهُمَّ... أَحْسِنْ بِتَوْفِیقِکَ عَوْنَنَا عَلَیْهِ

خداوندا به توفیق خود ما را بر ضدّ او، نیکو یاری نما.۷/۱۷

سپاس از نیکویی مقدّرات الهی

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی حُسْنِ قَضَائِکَ

خداوندا بر سرنوشت نیکی که برایم تقدیر کردی، تو را سپاس.۱/۱۸

نیکوترین نیّات و کردارها

وَ انْتَهِ بِنِیَّتِی إِلَی أَحْسَنِ النِّیَّاتِ، وَ بِعَمَلِی إِلَی أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ

و نیّت مرا به نیک ترین نیّت ها و عملم را به بهترین اعمال منتهی ساز.۱/۲۰

روان ساختن نیکی برای مردم، به دست بنده

وَ أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَی یَدِیَ الْخَیْرَ

و نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز.۳/۲۰

تغییر اهانت معاشران، به معاشرتی نیک

أَبْدِلْنِی... مِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِینَ کَرَمَ الْعِشْرَهِ

درباره من اهانت معاشران را به معاشرتِ نیک مبدّل فرما.

۷/۲۰

به نیکی یاد کردن بنده، از غیبت کننده اش

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أُخَالِفَ مَنِ اغْتَابَنِی إِلَی حُسْنِ الذِّکْرِ

و مرا توفیق ده تا با آنکه از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم.۹/۲۰

تبدیل گفتار زشت بنده، به اعتراف نمودن به احسان الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... اعْتِرَافًا بِإِحْسَانِکَ

ص: ۱۱۹۶

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، اعتراف به نیکی ات را قرار ده.۱۳/۲۰

سرپرستی ای نیکو

وَ سُمْنِی حُسْنَ الْوِلَایَهِ

و نیک سرپرستی نمودن را، بر عهده من قرار ده.۲۲/۲۰

عطای زندگی نیکو، به بنده

وَ امْنِحْنِی حُسْنَ الدَّعَهِ

و زندگیِ آسوده نیکو به من عطا فرما.

۲۲/۲۰

راه رستگاری و نیکویی انفاق شده

وَ أَصِبْ بِی سَبِیلَ الْهِدَایَهِ لِلْبِرِّ فِیما أُنْفِقُ مِنْهُ

و مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان.۲۳/۲۰

نیکو گرداندن کردار بنده، در هر حال

وَ حَسِّنْ فِی جَمِیعِ أَحْوَالِی عَمَلِی

و عملم را در همه احوالم، نیکو گردان.

۲۸/۲۰

سبب کامل گشتن خیر دنیا و آخرت، برای بنده

نَبِّهْنِی لِذِکْرِکَ فِی أَوْقَاتِ الْغَفْلَهِ، وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ

فِی أَیَّامِ الْمُهْلَهِ... أَکْمِلْ لِی بِهَا خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. و در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار. و بدین وسیله، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل نما.

۲۹/۲۰

عطای نیکی به بندگان، در دنیا و آخرت

وَ آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً

و در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی، عطایمان کن.۱۳/۲۵، ۳۰/۲۰

عامل کاستن نیکی های بنده، در قیامت

هُوَ، یَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَیْتَهُ عَلَیَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِی، فَأَدِّهِ عَنِّی مِنْ جَزِیلِ عَطِیَّتِکَ وَ کَثِیرِ مَا عِنْدَکَ... حَتَّی لَا یَبْقَی عَلَیَّ شَیْءٌ مِنْهُ تُرِیدُ أَنْ تُقَاصَّنِی بِهِ مِنْ حَسَنَاتِی

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا کن. تا چیزی از آن بر من نمانَد که بخواهی به سبب آن از نیکی هایم بکاهی.۷/۲۲

سبب به جا آوردن نیکی ها، با رغبت

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی... حَتَّی أَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را،

روزی ام گردان. تا آنکه با اشتیاق به کارهای نیک بپردازم.۸/۲۲

گویا کردن زبان بنده، به ستایش نیکو

وَ أَنْطِقْ بِحَمْدِكَ... وَ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِی

و زبانم را به حمد خود و ستایش نیکویت، گویا فرما.۵/۲۳

بسیار شمردن نیکی اندک والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَيْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّی... أَسْتَكْثِرَ بِرَّهُمَا بِی وَ إِنْ قَلَّ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا نیکی ایشان را درباره خود - اگرچه اندک باشد - بسیار شمارم.۵/۲۴

کم شمردن نیکی خود، به والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَيْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّی... أَسْتَقِلَّ بِرِّی بِهِمَا وَ إِنْ كَثُرَ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا نیکی خود را درباره ایشان - اگرچه بسیار باشد - اندک بدانم.۵/۲۴

نیکی فرزند، به والدین

وَ اجْعَلْ... بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَيْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ

و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ

خواب آلوده، خوش تر قرار ده.۵/۲۴

وسیله ای برای افزایش نیکی های والدین

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًی... فَاجْعَلْهُ... زِيَادَةً فِی حَسَنَاتِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده، پس آن را سبب افزایش نیکی هایشان قرار ده.

۸/۲۴

سهل انگار ندانستن والدین، در نیکی به فرزند

فَإِنِّی... لَا أَسْتَبْطِئُهُمَا فِی بِرِّی

زیرا آنان را در نیکی به خودم، سهل انگار نمی شمارم.۹/۲۴

وسیله نیکی به والدین

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّیَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ قَوْلٍ... فَقَدْ... جُدْتُ بِهِ عَلَیْهِمَا

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند، پس آن را وسیله نیکی به آنها گرداندم.

۹/۲۴

دیرینگی احسان والدین، بر فرزند

فَهُمَا... أَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَیَّ... مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ

پس احسانشان به من دیرینه تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم.۱۰/۲۴

آمرزش والدین، به سبب نیکی به فرزند

ص: ۱۱۹۸

وَ اغْفِرْ لَهُمَا بِبِرِّهِمَا بِی مَغْفِرَةً حَتْـمًا

و ایشان را به خاطر نیکی یشان بر من، آمرزشی حتمی عنایت کن.۱۴/۲۴

یاری والدین، بر نیکی به فرزندان

وَ أَعِنِّی عَلَی... بِرِّهِمْ

و مرا بر نیکی به ایشان یاری نما.۵/۲۵

توفیق نیکی، با اطاعت از خدا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوَفَّقِینَ لِلْخَیْرِ وَ الرُّشْدِ وَ الصَّوَابِ بِطَاعَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفّق گشته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

همسایگان و فراگرفتن اخلاق نیک الهی

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی إِرْفَاقِ ضَعِیفِهِمْ...

و آنان را برای به پا داشتن سنّتت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان، توفیق ده.

۲/۲۶

خوب کمک کردن به همسایگان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... حُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ

و آنان را برای به پا داشتن سنّتت و فراگیری آداب نیکویت در همیاری نیکو در مایحتاج

زندگی یشان، توفیق ده.۲/۲۶

با احسان پاداش دادن بنده، به همسایگان بدکردار

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ أَجْزِی بِالْإِحْسَانِ مُسِیئَهُمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که بدکارشان را به نیکی پاداش دهم.۳/۲۶

یاری نمودن همسایگان، با نیکی

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَتَوَلَّی بِالْبِرِّ عَامَّتَهُمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که با نیکی، همه آنان را یاری نمایم.۳/۲۶

آموختن روش نیکو در زندگی، به بنده

وَ عَلِّمْنِی حُسْنَ التَّقْدِیرِ

و روش نیکو را به من بیاموز.۳/۳۰

شکیبایی نیکو، در همنشینی با فقرا

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَیَّ صُحْبَهَ الْفُقَرَاءِ، وَ أَعِنِّی عَلَی صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ

خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان و مرا بر همنشینی ایشان، با شکیبایی نیکوْ یاری ده.۴/۳۰

منکرانِ بسیاری احسان خدا

هَذَا مَقَامُ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَیْدِی الذُّنُوبِ... فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِیطًا... کَالْمُنْکِرِ فَضْلَ إِحْسَانِکَ إِلَیْهِ...

ص: ۱۱۹۹

این مقـام کسـی است که بـازیچه دست های گناهان گردیـده. پس با سـهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده. مانند انکارکننده بسیاری فضل تو به خودش.۷و۶/۳۱

احسان و پناه رحمت الهی

فَاضْمُمْنِی إِلَی کَنَفِ رَحْمَتِکَ تَطَوُّلًا

پس به لطف خویش، مرا در پناه رحمت خود گیر.۲۱/۳۱

احسان سود رحمت الهی، به بنده

وَ عُدْ عَلَیَّ بِعَائِدَهِ رَحْمَتِکَ

و سود رحمت خود را به من ارزانی دار.

۲۰/۳۲

کُندی نکردن نیکی احسان خدا، بر بنده

وَ لَا یُبْطِئُ بِی حُسْنُ صَنِیعِکَ

و خوبی احسانت درباره ام عقب نمی افتد.

۲۶/۳۲

الهام شکرگزاری از احسان الهی، به بنده

فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی... إِلْهَامِکَ الشُّکْرَ عَلَی الْإِحْسَانِ وَ الْإِنْعَامِ

پس سپاس تو را که شکرگزاری بر احسان کردن و نعمت دادنت را به من الهام کردی.

۲۸/۳۲

لغزش بنده و نیکویی گذشت الهی

وَ أَقِلْنِی عَثَرَاتِی بِحُسْنِ إِقَالَتِکَ

و به نیکویی گذشتت، از لغزش هایم درگذر.

۳۲/۳۲

خدا، عطاکننده حسنه و نیکی

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... تُعْطِی الْحَسَنَهَ

خداوندا همانا تو نیکی عطا می کنی.۳۳/۳۲

علم خدا و درخواست نیکی از خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَخِیرُکَ بِعِلْمِکَ

خداوندا، همانا من به علمت از تو درخواستِ خیر دارم.۱/۳۳

مقدّر نمودن نیکی، برای بنده

اقْضِ لِی بِالْخِیَرَهِ

برایم به خیر حکم فرما.۱/۳۳

عامل برگشتن به راهی دورتر از حسن عاقبت

وَ لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ... وَ نَجْنَحَ إِلَی الَّتِی هِیَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَهِ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و به آنچه که از حسن عاقبت دورتر است، تکیه نماییم.

۳/۳۳

خدا، عطاکننده چیز نیکو

إِنَّکَ تُفِیدُ الْکَرِیمَهَ

به درستی که تو عطای گرانمایه می دهی.

۶/۳۳

روان نگشتن قضای الهی، جز به نیکی

وَ هَبْ لِیَ الثِّقَهَ لِأُقِرَّ مَعَهَا بِأَنَّ قَضَاءَکَ لَمْ یَجْرِ إِلَّا بِالْخِیَرَهِ

و به من اعتمادی بخش تا به اینکه قضای تو جز به نیکی جاری نگشته، اعتراف کنم.۳/۳۵

جدا نساختن منبع احسان خدا، از بندگان

وَ لَا تَقْطَعْ عَنْ کَافَّتِنَا مَادَّهَ بِرِّکَ

و اصل احسانت را از جمع ما قطع نساز.

۴/۳۶

نیکوکار بودن خدا

إِنَّکَ... الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ

همانا تو نیکوکارِ عطاکننده ای.۷/۳۶

احسان الهی و ملزم شدن به شکرگزاری

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا یَبْلُغُ مِنْ شُکْرِکَ غَایَهً إِلَّا حَصَلَ عَلَیْهِ مِنْ إِحْسَانِکَ مَا یُلْزِمُهُ شُکْرًا

خداوندا همانا کسی به نهایت شکرگزاری ات نمی رسد، مگر آنکه از احسان تو چیزی به دست آورد که او را شکر (دیگری) لازم آید.۱/۳۷

احسان، روش خدا

ذَلِکَ أَنَّ... عَادَتَکَ الْإِحْسَانُ

زیرا عادت تو احسان است.۷/۳۷

عَادَتُکَ الْإِحْسَانُ إِلَی الْمُسِیئِینَ

عادت تو احسان به بدکاران است.۱۶/۴۶

کوشش بنده و کوچک ترین احسان الهی

...لَوْ فَعَلْتَ ذَلِکَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِیعِ مَا کَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَهِ مَا سَعَی فِیهِ جَزَاءً لِلصُّغْرَی مِنْ أَیَادِیکَ وَ مِنَنِکَ

...اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، در برابر کوچک ترین احسان های تو و نعمت هایت از دست رفته بود.۱۳/۳۷

جز به احسان توصیف نشدنِ خدا

فَتَبَارَکْتَ أَنْ تُوصَفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ

پس والاتر از آنی که جز به احسان وصف شوی. ۱۶/۳۷

به جا نیاوردن سپاس احسان الهی

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ مَعْرُوفٍ أُسْدِیَ إِلَیَّ فَلَمْ أَشْکُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از نیکی ای که به من شد، پس شکر آن را به جا نیاوردم.

۱/۳۸

رها شدن از بند عدل خدا، با احسان او

وَ اجْعَلْنِی أَسْوَهَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِکَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِینَ... فَأَصْبَحَ... عَتِیقَ صُنْعِکَ مِنْ وَثَاقِ عَدْلِکَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است.

۱۰/۳۹

اندکیِ نیکی های بنده، در بین بدی هایش

تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْکَ أَکْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِیکَ... لَا أَنْ یَکُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقِلَّهِ حَسَنَاتِهِ بَیْنَ سَیِّئَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک است.

۱۲/۳۹

نیکویی عبارت قرآن

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِیَ أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَرْعَاهُ حَقَّ رِعَایَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

عامل بخشیدن خوی نیکوی نیکوکاران،

به بندگان

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ، وَ هَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز و زیبایی خوهای نیکوکاران را به ما ببخش.۹/۴۲

عامل پایداری نیکیِ ظاهر بندگان

وَ أَدِمْ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا

و با قرآن، ظاهرِ نیک ما را آشکار ساز.

۱۱/۴۲

محمّد صلی الله علیه و آله و بهترین نیکی و خیر الهی

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا یَأْمُلُ مِنْ خَیْرِکَ وَ فَضْلِکَ وَ کَرَامَتِکَ

خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرست. درودی کـه بـا آن او را بـه برتریـن خیر و فضـل و کرامـتی کـه آرزو دارد، برسانی.۲۱/۴۲

ماه نو، ماه احسان

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ... نِعْمَهٍ وَ إِحْسَانٍ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه نعمت و احسان قرار دهد.۵و۴/۴۳

ماه نو، ماه نیکیِ نیامیخته به بدی

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ... خَیْرٍ لَا یَشُوبُهُ شَرٌّ

ص: ۱۲۰۲

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه خیر ناآلوده با شرّ قرار دهد.۵و۴/۴۳

سپاس گزاری از احسان و نیکی خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَکُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاکِرِینَ

سپاس خدای را که ما را از اهل سپاس قرار داد. تا برای احسانش از شکرگزاران باشیم.

۱/۴۴

راه های احسان خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... سَبَّلَنَا فِی سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُکَهَا بِمَنِّهِ إِلَی رِضْوَانِهِ

و سپاس خدای را که ما را در راه های احسانش، راهی نمود، تا در آن (راه ها)، به وسیله نعمتش به سوی خوشنودی اش رویم.۲/۴۴

نیکی و بخشش، به خویشان

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَ الصِّلَهِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم.۱۰/۴۴

شتابان و پیشی گیرنده در نیکی ها

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ... مِنَ الَّذِینَ یُسَارِعُونَ فِی الْخَیْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. از آنان که در نیکی ها می شتابند و ایشان برای آن پیشی می گیرند.

۱۸/۴۴

نیکویی فرمان الهی

وَ قَضَاؤُکَ خِیَرَهٌ

و فرمانت خیر است.۴/۴۵

ده برابر بودن مزد انجام دهنده کار نیک

فَقُلْتَ تَبَارَکَ اسْمُکَ وَ تَعَالَیْتَ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا، وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَلَا یُجْزَی إِلَّا مِثْلَهَا

پس تو که نامت مبارك و بلندمرتبه است، فرمودی: «هر کس کار نیکی به جا آورَد، پس برای او ده برابر آن است و هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده نمی شود.»۱۲/۴۵

چندین برابر گرداندن وام نیکو، از جانب خدا

وَ قُلْتَ: مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیرَهً

و فرمودی: «کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟.»۱۳/۴۵

نزول آیاتی (بیانگر) افزایش حسنات، در قرآن

وَ قُلْتَ: مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ، وَ اللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ... وَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِی الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِیفِ الْحَسَنَاتِ

ص: ۱۲۰۳

و فرمودی: «داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.» و مانندهای آن (آیه هایی) که از افزایش های نیکی ها در قرآن فروفرستادی.

۱۳/۴۵

سبب وصف شدن آفریده ای، به احسان

وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِی دَلَلْتَ عَلَيْهِ عِبَادَکَ مِنْکَ کَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد.۱۷/۴۵

احسان الهی و ستایش خداوند

يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَ الْفَضْلِ

ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای.۱۸/۴۵

نیکی سرشار الهی

مَا... أَخَصَّنَا بِبِرِّکَ!

چه مخصوص گشته است نیکیِ فراخت، به ما!.۱۸/۴۵ رمضان، مصاحب و یار نیکو

وَ قَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ، وَ صَحِبَنَا صُحْبَةَ مَبْرُورٍ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و با ما همچون یارِ نیکو همراه شد.۲۲/۴۵

رمضان و آسان گرداندن راه های نیکی

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ... صَاحِبٍ سَهَّلَ سُبُلَ الْإِحْسَانِ

درود بر تو همراهی که راه های احسان را آسان نمود.۲۹/۴۵

خیر و نیکی ماه رمضان

کَمْ مِنْ خَيْرٍ أُفِيضَ بِکَ عَلَيْنَا

چه بسیار نیکی ای که به وسیله تو، بر ما فزونی یافت!.۳۹/۴۵

ماه رمضان و احسان الهی

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِی... وَفَّقْتَنَا بِمَنِّکَ لَهُ حِینَ جَهِلَ الْأَشْقِیَاءُ وَقْتَهُ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را برای آن به وسیله احسان و نیکی ات، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند.

۴۳/۴۵

نابود نشدن معادن احسان الهی

إِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِکَ لَا تَفْنَی

به درستی که معادن احسانت فنا نمی شود.

۵۰/۴۵

ص: ۱۲۰۴

خدا، به بارآورنده نیکی

وَ یَا مَنْ یُثْمِرُ الْحَسَنَهَ حَتَّی یُنْمِیَهَا

و ای کسی که نیکی را بارور می کند، تا آن را بیفزاید.۱۱/۴۶

خشکسالی و طلب احسان از غیر خدا

وَ أَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ إِلَّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَکَ

و جویندگان که غیر از فضل تو جویا شدند، دچار خشکسالی گردیدند.۱۳/۴۶

عامل فراوان تر شدن احسان الهی

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا... بَلْ لِتَکُونَ حُجَّتُکَ أَبْلَغَ... وَ إِحْسَانُکَ أَوْفَی

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر، و احسان تو فراوان تر باشد.۲۲/۴۶

احسان الهی و سپاس گزاری از آن

وَ إِحْسَانُکَ أَکْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْکَرَ عَلَی أَقَلِّهِ

و احسان تو افزون تر از آنست که بر کمترین آن شکر توان کرد.۲۳/۴۶

درخواست عطای نیکو، از خدا

فَهَا أَنَا ذَا... أَسْأَلُکَ حُسْنَ الرِّفَادَهِ

پس اینک منم که پذیرایی نیکو از تو می خواهم.۲۵/۴۶

نیکو گرداندن آفرینش

أَنْتَ الَّذِی... أَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ

تویی آنکه آفرینش آنچه را که آفرید، نیک گرداند.۲۱/۴۷

گشوده بودن دست خدا، به نیکی ها

سُبْحَانَکَ بَسَطْتَ بِالْخَیْرَاتِ یَدَکَ

پاک و منزّهی! دستت را به نیکی ها گشوده ای.

۲۵/۴۷

سپاسی برابر با احسان و نیکی خداوند

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یُوَازِی صُنْعَکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که با لطف تو، برابری کند.۳۴/۴۷

طلب قرب خداوند و گمان نیک به او

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَیْکَ بِمَا لَا یَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْکَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِکَ بِالْإِنَابَهِ إِلَیْکَ... وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام. سپس بازگشت به سوی تو و خوش گمانی به تو را، در پی آن روانه ساخته ام.۷۳و۷۲/۴۷

ص: ۱۲۰۵

بی بهره ماندن از خیر و نیکی

وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِی بِإِمْلَائِکَ لِی اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِی خَیْرَ مَا عِنْدَهُ

و مرا با مهلت دادنت، غافلگیر نکن. همانند غافلگیر نمودن کسی که مرا از نیکی آنچه نزدش است، بی بهره گردانده.۹۰/۴۷

آسان گرداندن راه خیرات، برای بنده

وَ سَهِّلْ لِی مَسْلَکَ الْخَیْرَاتِ إِلَیْکَ

و راه خیرات به سوی خود را برای من آسان گردان.۹۴/۴۷

آسان گرداندن پیشی گرفتن به خیرات ، برای بنده

وَ سَهِّلْ لِی مَسْلَکَ الْخَیْرَاتِ إِلَیْکَ، وَ الْمُسَابَقَهَ إِلَیْهَا مِنْ حَیْثُ أَمَرْتَ

و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن به آنها را از جهتی که فرمان داده ای، برای من آسان گردان.۹۴/۴۷

نبودن خیری در بنده

وَ لَا تُرْسِلْنِی مِنْ یَدِکَ إِرْسَالَ مَنْ لَا خَیْرَ فِیهِ

و مرا از نزد خود رها نکن همانند رها کردن کسی که در او خیری نیست.۱۰۳/۴۷

باطل کننده حسنات و افعال پسندیده

وَ طَوِّقْنِی طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا یُحْبِطُ الْحَسَنَاتِ

و طوقِ دست برداشتن از آنچه نیکی ها را باطل کرده، به گردنم انداز.۱۰۶/۴۷

یاری نمودن بنده، به کردار نیکو

وَ أَعِنِّی عَلَی... مُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ

و بر (داشتن) کردار نیکو یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

اعتراف بنده، به نیکی های خدا

وَ أَوْزِعْنِی أَنْ... أَعْتَرِفَ بِمَا أَسْدَیْتَهُ إِلَیَّ

و به من الهام کن که به آنچه به من عنایت نموده ای، اعتراف نمایم.۱۱۴/۴۷

سوددهنده بودن خدا، به نیکی

أَعْلَمُ... أَنَّکَ... أَعْوَدُ بِالْإِحْسَانِ

می دانم که تو به احسانْ سوددهنده تر هستی.

۱۱۶/۴۷

هلاک نشدن به وسیله اعمال نیکو

وَ لَا تُهْلِکْنِی بِمَا أَسْدَیْتُهُ إِلَیْکَ

و به وسیله آنچه که نیکویی نموده ام، مرا هلاک نکن.۱۱۶/۴۷

داشتن ذکر و آوازه نیک، در بین آیندگان

وَ اجْعَلْ لِی لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْغَابِرِینَ، وَ ذِکْرًا نَامِیًا فِی الْآخِرِینَ

ص: ۱۲۰۶

و برای من یاد نیکو در بازماندگان و آوازه نیک در آیندگان قرار ده.۱۲۷/۴۷

فراوان ساختن نصیب بنده، از احسان

وَ وَفِّرْ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ

و نصیب مرا از احسان، به فضل خود فراوان گردان.۱۲۹/۴۷

آمیختگی کارهای نیک بنده، با معصیت

لَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

کارهای نیک مرا با درآمیختن به نافرمانی ات، باطل نکن.۱۳۱/۴۷

تقسیم نیکی، در بین مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُوءْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، ای پروردگار ما، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

منّت گذاردن بر مؤمنان، با خیر

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُوءْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ... أَوْ خَيْرٍ تَمُنُّ بِهِ عَلَيْهِمْ تَهْدِيهِمْ بِهِ إِلَيْكَ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، ای پروردگار ما، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی یا

عافیت را قسمت می نمایی یا خیری را به ایشان عنایت می کنی و بدین وسیله آنان را به سوی خود هدایت می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

عطای خیری از دنیا و آخرت، به مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُوءْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَوْ تُعْطِيهِمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداونـدا، ای پروردگـار مـا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بنـدگان با ایمانت، نیکی قسـمت می نمایی یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

نرسیدن به نیکی، جز از جانب خدا

فَإِنِّی لَمْ أُصِبْ خَیْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْکَ

پس به درستی که هرگز به خیری جز از جانب تو نرسیده ام.۴/۴۸

طلب نیکی و احسان مخلوق

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ وَ تَعَبَّأَ... لِوَفَادَةٍ إِلَی مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ طَلَبَ نَیْلِهِ وَ جَائِزَتِهِ

خداوندا، هر کسـی خود را مهیّا و آماده می کند تا بر مخلوقی وارد شود، بدین امید که به صـله و عطا و درخواستِ بخشـش و احسان او نائل شود.

۵/۴۸

ص: ۱۲۰۷

مهیّا شدن برای درخواست احسان الهی

فَإِلَیْکَ یَا مَوْلَایَ کَانَتِ الْیَوْمَ تَهْیِئَتِی وَ تَعْبِئَتِی... رَجَاءَ عَفْوِکَ وَ رِفْدِکَ وَ طَلَبَ نَیْلِکَ وَ جَائِزَتِکَ

پس ای سرور من، امروز مهیّا و آماده گشته تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش و صله و درخواستِ بخشش و احسان تو نائل شوم.۵/۴۸

اصرار بر گناه، و احسان رحمت الهی

ثُمَّ لَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلَی عَظِیمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ

سپس اصرار بسیارِ آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش احسان نمایی، بازنداشت.۷/۴۸

احسان نمودن به بنده، با رحمت الهی

عُدْ عَلَیَّ بِرَحْمَتِکَ

به رحمتتْ بر من نیکی کن.۸/۴۸

فضل خدا، و خیر و نیکی آخرت

وَ زِدْنِی مِنْ فَضْلِکَ وَ سَعَهِ مَا عِنْدَکَ... وَ صِلْ ذَلِکَ بِخَیْرِ الْآخِرَهِ وَ نَعِیمِهَا

و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا. و آن را به خیر آخرت و نعمت فراوانش پیوسته گردان.۲۸/۴۸

خیر قرار دادن حکم الهی، برای بنده

وَ خِرْ لِی فِیما تَقْضِی مِنْهُ

و به من در آنچه از آن برایم حکم می کنی، خیر ده.۲۸/۴۸

عطای نیک، به بنده

وَ أَبْلَیْتَ الْجَمِیلَ فَعَصَیْتُ

و عطای نیکو نمودی، پس نافرمانی کردم.

۱/۴۹

خدا، پذیرنده گمان های نیکو

وَ کَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ

و چه بسیار گمان نیکو که به حقیقت پیوستی.

۱۲/۴۹

احسانی، از جانب خدا

وَ کَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ... کُلُّ ذَلِکَ إِنْعَامًا وَ تَطَوُّلًا مِنْکَ

و چه بسیار گمان نیکو که به حقیقت پیوستی. همه آنها نعمت و احسان از جانب توست.

۱۳و۱۲/۴۹

بدکرداری بنده و بازداشته نشدن خدا، از احسانش

لَمْ تَمْنَعْکَ إِسَاءَتِی عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِکَ

بدکرداری من، تو را از تمام نمودن احسانت بازنداشت.۱۳/۴۹

ص: ۱۲۰۸

کار خدا؛ احسان و بخشش

أَبَیْتَ یَا مَوْلَایَ إِلَّا إِحْسَانًا وَ امْتِنَانًا...

تو ای مولای من، جز احسان و بخشش کاری نکرده ای.۱۴/۴۹

احسان نیکوی الهی به بنده و سزاواری خدا به سپاس

إِلَهِی أَحْمَدُکَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - عَلَی حُسْنِ صَنِیعِکَ إِلَیَّ

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر نیکویی نیکی ات به من.۱/۵۱

احسان به بنده، و ناتوانی او از سپاس

فَقَدِ اصْطَنَعْتَ عِنْدِی مَا یَعْجِزُ عَنْهُ شُکْرِی

پس تو آنچنان به من نیکی کردی که شکر من از ادای آن عاجز است.۱/۵۱

نتیجه عدم وجود احسان الهی

وَ لَوْ لَا إِحْسَانُکَ إِلَیَّ وَ سُبُوغُ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّی

اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم.۲/۵۱

خدا و آغاز نیکی به بنده

وَ لَکِنَّکَ ابْتَدَأْتَنِی بِالْإِحْسَانِ

ولی تو احسانت را در حقّ من آغاز نمودی.

۲/۵۱

احسان های بزرگ خدا، بر بنده

وَ کَمْ مِنْ صَنِیعَهٍ کَرِیمَهٍ لَکَ عِنْدِی

و چه بسیار نیکیِ بزرگ، که برای تو نزد من است!۳/۵۱

نیکو بودن احسان الهی، نزد بنده

وَ صَنِیعُکَ لَدَیَّ مَبْرُورٌ

و نیکی ات پیش من پسندیده است.۵/۵۱

نیکوترین نام ها

یَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَی

ای کسی که نیکوترین نام ها برای اوست.

۷/۵۱

محروم نساختن بنده، از خیر دنیا و آخرت

إِلَهِی فَلَا تَحْرِمْنِی خَیْرَ الْآخِرَهِ وَ الْأُولَی لِقِلَّهِ شُکْرِی

خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی بهره نگردان.۱۳/۵۱

احسان الهی، و بدکرداری بنده

عُدْ... بِإِحْسَانِکَ عَلَی إِسَاءَتِی

با احسانت بر بدکرداری ام تلافی کن.۴/۵۳

نیکی آنچه (درباره بنده) نوشته شده

أَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِ کِتَابٍ قَدْ خَلَا

از تو نیکی آنچه نوشته شده و گذشته را درخواست می نمایم.۵/۵۴

ص: ۱۲۰۹

و

واجب قطعی

چگونگی بندگان، در جاهای واجبات

وَ يَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي... مَنَازِلِ فُرُوضِهِ

و می نگرد آنها در جاهای واجباتش چگونه اند.

۷/۶

اندوه بنده و رعایت واجبات الهی

وَ لَا تَشْغَلْنِي بِالِاهْتِـمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ

و مرا به سبب غم و اندوه از رعایت واجبات خود بازمدار.۹/۷

واجب گرداندن اجابت دعای بیچارگان

سُبْحَانَكَ نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ أَوْجَبْتَ إِجَابَتَهُمْ

پاک و منزّهی تو! ما درماندگانیم که اجابت آنها را واجب گردانده ای.۴/۱۰

واجب گرداندن خشم خدا، برای بنده

فَهَلْ يَنْفَعُنِي، يَا إِلَهِي، إِقْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتُ؟... أَمْ أَوْجَبْتَ لِي فِي مَقَامِي هَذَا سُخْطَكَ؟

ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟ یا در جایگاهم خشم خود را بر من قرار داده ای؟ ۶/۱۲

بخشیدن آنچه واجب شده

وَ هَبْ لِي مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَكَ

و آنچه از تو بر من واجب است، به من ببخش.

۱۵/۱۲

شایستگی بنده و وجوب آمرزش

وَ إِنْ کُنْتَ تَغْفِرُ لِی حِینَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَکَ... فَإِنَّ ذَلِکَ غَیْرُ وَاجِبٍ لِی بِاسْتِحْقَاقٍ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست.۳۱/۱۶

توفیق انجام واجبات

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ لَکَ...

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده.۶/۲۲

سبب دریافتن آرامش دل، به آنچه برای خدا واجب است

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ فِی الْیُسْرِ وَ الْعُسْرِ... حَتَّی أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِینَهَ النَّفْسِ مِنِّی بِمَا یَجِبُ لَکَ...

ص: ۱۲۱۱

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در آسانی و سختی به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه (شکر آن) برای تو واجب است، دریابم.۱۱/۲۲

الهام واجبات درباره والدین، به فرزند

وَ أَلْهِمْنِی عِلْمَ مَا یَجِبُ لَهُمَا عَلَیَّ إِلْهَامًا

و آموختن آنچه را که در حقّ آنان بر من واجب است، به من الهام کن.۳/۲۴

واجب گرداندن حقّی برای مؤمنان، بر خلق

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، کَمَا أَوْجَبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَی الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه به سبب او برای ما حقّی بر خلق واجب نمودی.

۴/۲۴

کوتاهی والدین، از آنچه درباره فرزند واجب بوده

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّیَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ قَوْلٍ... أَوْ قَصَّرَا بِی عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند یا نسبت به من از واجبی کوتاهی کرده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم.۹/۲۴

وجوب حقّ والدین، بر فرزند

فَهُمَا أَوْجَبُ حَقًّا عَلَیَّ... مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ

پس حقّ ایشان بر من واجب تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم.۱۰/۲۴

عدم درک آنچه درباره والدین بر فرزند واجب است

هَیْهَاتَ... لَا أُدْرِکُ مَا یَجِبُ عَلَیَّ لَهُمَا

هیهات! آنچه برای ایشان بر من واجب است را درنمی یابم.۱۱/۲۴

اعطای آنچه برای همسایگان لازم است، پیش از درخواستشان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... إِعْطَاءِ مَا یَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّوءَالِ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است پیش از درخواست آنان، توفیق ده.

۲/۲۶

برای همسایگان، لازم دانستن آنچه بنده، برای خویشان خود واجب می داند

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أُوجِبُ لَهُمْ مَا أُوجِبُ لِحَامَّتِی

و خداوندا مرا بر آن دار که آنچه را برای خویشانم لازم می دانم، برای آنها لازم بدانم.

۳/۲۶

ص: ۱۲۱۲

واجب گشتن محبّت خدا، برای تائب

فَاقْبَلْ تَوْبَتِی کَمَا وَعَدْتَ... وَ أَوْجِبْ لِی مَحَبَّتَکَ کَمَا شَرَطْتَ

پس همانگونه که وعده دادی، توبه ام را بپذیر و همان طور که شرط کرده ای، دوستی خود را برایم واجب گردان.۱۵/۳۱

وَ اجْعَلْنَا عِنْدَکَ مِنَ التَّوَّابِینَ الَّذِینَ أَوْجَبْتَ لَهُمْ مَحَبَّتَکَ

و ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که دوستی ات را برای آنها واجب نموده ای.۵۴/۴۵

هلاک شدن ضایع کننده واجبات الهی

وَ لَا تُثْنِی عَلَیَّ بِإِحْیَائِهَا سُنَّهٌ حَاشَا فُرُوضِکَ الَّتِی مَنْ ضَیَّعَهَا هَلَکَ

و نه (عمل) مستحبّی به خاطر زنده ساختنش مرا می ستاید، مگر واجبات تو، که هر که آن را انجام نداد، به هلاکت رسد.۱۷/۳۲

غفلت بنده، از شرایط واجبات الهی

وَ لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِفَضْلِ نَافِلَهٍ مَعَ کَثِیرِ مَا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ فُرُوضِکَ

و من هیچ گاه با فضیلتِ (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم.۱۸/۳۲

واجب شدن شکری دیگر، بر بنده

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا یَبْلُغُ مِنْ شُکْرِکَ غَایَهً إِلَّا حَصَلَ عَلَیْهِ مِنْ إِحْسَانِکَ مَا یُلْزِمُهُ شُکْرًا

خداوندا همانا کسی به نهایت شکرگزاری ات نمی رسد، مگر آنکه از احسان تو چیزی به دست آورد که او را شکر (دیگری) لازم آید.۱/۳۷

واجب گشتن پاداش شکرگزاری بندگان

وَ تُثِیبُ عَلَی قَلِیلِ مَا تُطَاعُ فِیهِ حَتَّی کَأَنَّ شُکْرَ عِبَادِکَ الَّذِی أَوْجَبْتَ عَلَیْهِ ثَوَابَهُمْ... أَمْرٌ مَلَکُوا اسْتِطَاعَهَ الِامْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَکَ فَکَافَیْتَهُمْ

و بر اندکْ طاعتی که از تو شود، پاداش می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت - که پاداش آنها را لازم گردانـدی - کاری است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای.۶/۳۷

ادا نکردن حقِّ لازمِ صاحب حقّ مؤمن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ حَقِّ ذِی حَقٍّ لَزِمَنِی لِمُوءْمِنٍ فَلَمْ أُوَفِّرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از حقِّ حقدار مؤمنی که بر من لازم گردانده بودی، پس آن را به تمامی ادا نکردم.۱/۳۸

توبه واجب کننده محبّت الهی

وَ اجْعَلْ نَدَامَتِی عَلَی مَا وَقَعْتُ فِیهِ مِنَ الزَّلَّاتِ... تَوْبَهً تُوجِبُ لِی مَحَبَّتَکَ

ص: ۱۲۱۳

و پشیمانی ام را از لغزش هایی که به آن دچار شدم، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گرداَند.۳/۳۸

واجب شدن حکم و فرمان الهی

ثُمَّ قِنِی مَا یُوجِبُ لَهُ حُکْمُکَ

سپس مرا از آنچه حکم تو را واجب می گرداند، نگهدار.۵/۳۹

آگاه فرمودن بندگان، بر واجبات نماز

وَ قِفْنَا فِیهِ عَلَی مَوَاقِیتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِی حَدَّدْتَ، وَ فُرُوضِهَا الَّتِی فَرَضْتَ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و واجباتش که واجب کردی، آگاه فرما.۸/۴۴

وجوبی همانند آنچه برای کوشندگان در طاعت الهی، واجب گشته

وَ أَوْجِبْ لَنَا فِیهِ مَا أَوْجَبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالَغَهِ فِی طَاعَتِکَ

و برای ما در این (ماه)، آنچه برای کوشش گران در طاعتت لازم کرده ای، لازم گردان.

۱۲/۴۴

ماه رمضان، از جمله واجبات خاص

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ... خَصَائِصِ تِلْکَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ...

خداوندا و تو از واجبات مخصوصه، ماه رمضان را قرار دادی.۲۰/۴۵

واجب نمودن روزه، در ماه رمضان

وَ فَرَضْتَ فِیهِ مِنَ الصِّیَامِ

و روزه را در آن واجب کردی.۲۰/۴۵

لزوم حفظ پیمان، با رمضان

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ... لَزِمَنَا لَهُ الذِّمَامُ الْمَ_حْفُوظُ

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که بر ما لازم است برای او پیمان نگه داریم.۲۳/۴۵

تقرّبِ واجب گرداننده خوشنودی خدا

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبَهٍ أَوْجَبَتْ رِضَاكَ لَهُ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس به وسیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسته، که خوشنودی تو را برای او لازم گردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

سپاسی واجب گرداننده فراوانی (نعمت)

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوجِبُ بِکَرَمِکَ الْمَزِیدَ بِوُفُورِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گرداند.

۳۶/۴۷و۴۸

وجوب اطاعت امام علیه السلام

ص: ۱۲۱۴

وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ

و فرمانبری او را واجب گرداندی.۶۰/۴۷

تغییر واجبات، از مقاصدِ تشریع شده

...حَتَّی عَادَ صِفْوَتُکَ وَ خُلَفَاوءُکَ مَغْلُوبِینَ... یَرَوْنَ... فَرَائِضَکَ مُحَرَّفَةً عَنْ جِهَاتِ أَشْرَاعِکَ

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب شده، می بینند واجباتت از جهاتی که قانون نهاده ای، تحریف شده است.۹/۴۸

وجوب اطاعت پیشوایان، از جانب خدا

وَ اجْعَلْنِی مِنْ أَهْلِ... التَّصْدِیقِ بِرَسُولِکَ، وَ الْأَئِمَّهِ الَّذِینَ حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ

و مرا از باورداران به پیامبرت و امامانی که اطاعتشان را واجب نمودی، قرار ده.۱۲/۴۸

واجب بودن حقّ خدا، بر همه آفریدگان

إِلَهِی أَسْأَلُکَ بِحَقِّکَ الْوَاجِبِ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن حقّ واجب خود که بر همه آفریدگانت داری، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

واداشتن گماشتن

وادی درّه

وارفتگی سستی

واقعه پیشامد

واگذاشتن

وانگذاشتن نفوس، به اختیار خود

وَ لَا تُخَلِّ فِی ذَلِکَ بَیْنَ نُفُوسِنَا وَ اخْتِیَارِهَا

و در آنگاه، نفوس ما را به اختیار خود وامگذار.۴/۹

وانگذاشتن خوی زشتی، در بنده

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّی إِلَّا أَصْلَحْتَهَا

خداوندا مرا در خصلتی عیبناک وانگذار، مگر آنکه اصلاحش نمایی.۶/۲۰

وانگذاشتن عیبِ موجب سرزنش، در بنده

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... عَائِبَةً أُوَنَّبُ بِهَا إِلَّا حَسَّنْتَهَا

خداوندا مرا در عیبی که بدان سرزنش شوم وامگذار، مگر آنکه نیکویش گردانی.۶/۲۰

وانگذاشتن خوی پسندیده ناتمام، در بنده

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... أُكْرُومَةً فِيَّ نَاقِصَةً إِلَّا أَتْمَمْتَهَا

خداوندا مرا در خوی پسندیده ای که در من ناقص باشد وامگذار، مگر آنکه کاملش فرمایی.

۶/۲۰

ص: ۱۲۱۵

واگذاشتن بدعت گذاران

وَ أَكْمِلْ ذَلِكَ لِی بِدَوَامِ الطَّاعَهِ... وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدَعِ

و این (اوصاف) را برای من با اطاعت همیشگی و فروگذاردن اهل بدعت، کامل گردان.

۱۰/۲۰

وانگذاشتن بنده، به خلق خدا

وَ لَا تَكِلْنِی إِلَی خَلْقِكَ

و مرا به خلقت وانگذار.۲/۲۲

به خود واگذاردن بنده و ناتوانی او

وَ انْظُرْ لِی فِی جَمِیعِ أُمُورِی، فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِی إِلَی نَفْسِی عَجَزْتُ عَنْهَا وَ لَمْ أُقِمْ مَا فِیهِ مَصْلَحَتُهَا

و در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما. که اگر مرا به خود واگذاری، از انجام آن عاجزم و آنچه را مصلحت من در آن است، انجام ندهم.

۳/۲۲

به خلق واگذاردن بنده

وَ إِنْ وَكَلْتَنِی إِلَی خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِی

و اگر مرا به آفریدگانت واگذاری، با من ترش رویی کنند.۳/۲۲

واگذاری بنده به توانش و برکناری قدرت از او

وَ لَوْ تَكِلْنِی یَا رَبِّ فِی تِلْكَ الْحَالَاتِ إِلَی حَوْلِی... لَكَانَ

الْحَوْلُ عَنِّی مُعْتَزِلًا

و ای پروردگار من، اگر مرا در آن احوال به توانایی خودم وامی گذاردی؛ همانا توان از من کناره می گرفت.۲۵/۳۲

به خود وانگذاشتن بنده

وَ لَا تُرْسِلْنِی مِنْ یَدِکَ إِرْسَالَ مَنْ لَا خَیْرَ فِیهِ

و مرا از نزد خود رها نکن همانند رها کردن کسی که در او خیری نیست.۱۰۳/۴۷

وانگذاشتن بنده، به توانایی خود

لَا تَکِلْنِی إِلَی حَوْلِی وَ قُوَّتِی دُونَ حَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ

مرا به توانایی و نیروی خودم بدون توانایی و نیروی خودت وامگذار.۱۱۳/۴۷

توبه نصوح و وانگذاشتن گناهان بنده

وَ تُبْ عَلَیَّ تَوْبَهً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِیرَهً وَ لَا کَبِیرَهً، وَ لَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِیَهً وَ لَا سَرِیرَهً

و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاشته و با آن (گناهان) آشکار و نهان را وانگذاری.۱۲۶/۴۷

والا بلند

والدین پدر و مادر

برتری بخشیدن به والدین و احسان خدا

ص: ۱۲۱۶

به آنها

وَ اخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالِدَیَّ بِالْکَرَامَهِ لَدَیْکَ

و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامتِ نزد خود اختصاص ده.۲/۲۴

درخواست پاداش های ویژه از خدا، برای والدین

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَلْهِمْنِی عِلْمَ مَا یَجِبُ لَهُمَا عَلَیَّ إِلْهَامًا، وَ اجْمَعْ لِی عِلْمَ ذَلِکَ کُلِّهِ تَمَامًا، ثُمَّ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا تُلْهِمُنِی مِنْهُ، وَ وَفِّقْنِی لِلنُّفُوذِ فِیما تُبَصِّرُنِی مِنْ عِلْمِهِ حَتَّی لَا یَفُوتَنِی اسْتِعْمَالُ شَیْءٍ عَلَّمْتَنِیهِ، وَ لَا تَثْقُلَ أَرْکَانِی عَنِ الْحَفُوفِ فِیما أَلْهَمْتَنِیهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آموختن آنچه را که در حقّ آنان بر من واجب است، به من الهام کن و دانستن همه آن را به طور کامل برای من فراهم نما. آنگاه مرا به آنچه به من الهام می کنی، وادار. و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا انجام دادن آنچه به من آموختی، از دستم نرود و اعضایم از انجامِ آنچه آن را به من الهام فرموده ای، سنگین نشود. ۳/۲۴

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی أَهَابُهُمَا هَیْبَهَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ، وَ أَبَرُّهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ، وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ، وَ أَثْلَجَ لِصَدْرِی مِنْ شَرْبَهِ الظَّمْآنِ حَتَّی أُوثِرَ عَلَی هَوَایَ هَوَاهُمَا، وَ أُقَدِّمَ عَلَی

رِضَایَ رِضَاهُمَا وَ أَسْتَکْثِرَ بِرَّهُمَا بِی وَ إِنْ قَلَّ، وَ أَسْتَقِلَّ بِرِّی بِهِمَا وَ إِنْ کَثُرَ

خداوندا مرا چنان گردان که از هر دو (پدر و مادرم) همچون ترس از پادشاه خودکامه، بیمناک باشم. و با آن دو همانند نیکیِ مادری مهربان، نیکی کنم. و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر و برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده. تا میل ایشان را بر میل خود برتری دهم و خوشنودی آنان را بر خوشنودی خود مقدّم اندازم و نیکی ایشان را درباره خود - اگرچه اندک باشد - بسیار شمارم و نیکی خود را درباره ایشان - اگرچه بسیار باشد - اندک بدانم.۵/۲۴

اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِی، وَ أَطِبْ لَهُمَا کَلَامِی، وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِیکَتِی، وَ اعْطِفْ عَلَیْهِمَا قَلْبِی، وَ صَیِّرْنِی بِهِمَا رَفِیقًا، وَ عَلَیْهِمَا شَفِیقًا

خداوندا، صدایم را برای ایشان آهسته ساز. و سخنم را با آنها خوشایند فرما و خویم را برایشان نرم نما و دلم را بر آن دو مهربان گردان و مرا با آنان دوست و برایشان دلسوز فرما.۶/۲۴

اللَّهُمَّ اشْکُرْ لَهُمَا تَرْبِیَتِی، وَ أَثِبْهُمَا عَلَی تَکْرِمَتِی، وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّی فِی صِغَرِی

خداوندا از آنان به پاس پرورش دادن من، قدردانی کن و آنها را بر گرامی داشتنم، پاداش ده و آنچه در کودکی ام از من نگهداری کردند، برای

ایشان نگهدار.۷/۲۴

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًى، أَوْ خَلَصَ إِلَیْهِمَا عَنِّی مِنْ مَكْرُوهٍ، أَوْ ضَاعَ قِبَلِی لَهُمَا مِنْ حَقٍّ فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِذُنُوبِهِمَا، وَ عُلُوًّا فِی دَرَجَاتِهِمَا، وَ زِیَادَةً فِی حَسَنَاتِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده یا ناخوشایندی که از من به ایشان رخ داده یا حقّی از آنها نزد من ضایع شده، پس آن را سبب ریزش گناهانشان و بلندی درجات ایشان و افزایش نیکی هایشان قرار ده.۸/۲۴

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّیَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ قَوْلٍ، أَوْ أَسْرَفَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ فِعْلٍ، أَوْ ضَیَّعَاهُ لِی مِنْ حَقٍّ، أَوْ قَصَّرَا بِی عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا، وَ جُدْتُ بِهِ عَلَیْهِمَا، وَ رَغِبْتُ إِلَیْكَ فِی وَضْعِ تَبِعَتِهِ عَنْهُمَا، فَإِنِّی لَا أَتَّهِمُهُمَا عَلَى نَفْسِی، وَ لَا أَسْتَبْطِئُهُمَا فِی بِرِّی، وَ لَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّیَاهُ مِنْ أَمْرِی یَا رَبِّ

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند یا بر من در کردار، زیاده روی کرده اند یا حقّی را از من ضایع ساخته اند یا نسبت به من از واجبی کوتاهی نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم و به آنان ارزانی داشتم و از تو می خواهم، گرفتاری را از آنها برداری. زیرا آنان را نسبت به خودم، متّهم نمی دانم. آنان را در نیکی به خودم، سهل انگار نمی شمارم و از آنچه درباره من به عهده گرفتند، ناراضی نیستم. ای پروردگار من.

۹/۲۴

فَهُمَا أَوْجَبُ حَقًّا عَلَیَّ، وَ أَقْدَمُ إِحْسَاناً إِلَیَّ، وَ أَعْظَمُ

مِنَّةً لَدَیَّ مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ، أَوْ أُجَازِیَهُمَا عَلَى مِثْلٍ، أَیْنَ إِذاً یَا إِلَهِی طُولُ شُغْلِهِمَا بِتَرْبِیَتِی؟! وَ أَیْنَ شِدَّةُ تَعَبِهِمَا فِی حِرَاسَتِی؟! وَ أَیْنَ إِقْتَارُهُمَا عَلَى أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوْسِعَةِ عَلَیَّ؟!

پس حقّ ایشان بر من واجب تر، و احسانشان به من دیرینه تر، و نعمتشان نزد من بزرگ تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم یا بر آنان مثل خودشان، کیفر دهم. ای خدای من، در این هنگام کجاست درازی کار آنها، در پرورش دادن من؟ و سختی هایی که در نگهداری من کشیده اند چه می شود؟ و تنگی هایی که برای گشایش من بر خود گرفته اند، چه می شود؟۱۰/۲۴

وَ أَعِنِّی یَا خَیْرَ مَنِ اسْتُعِینَ بِهِ، وَ وَفِّقْنِی یَا أَهْدَى مَنْ رُغِبَ إِلَیْهِ، وَ لَا تَجْعَلْنِی فِی أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ

و مرا یاری ده، ای بهترین کسی که به وسیله او یاری خواسته شده. و مرا توفیق ده، ای راهنماترین کسی که به او رغبت شده. و مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار نده.

۱۱/۲۴

وام

ویژگی های وام

وَ هَبْ لِيَ الْعَافِيَهَ مِنْ دَيْنٍ تُخْلِقُ بِهِ وَجْهِی، وَ يَحَارُ فِيهِ ذِهْنِی، وَ يَتَشَعَّبُ لَهُ فِكْرِی، وَ يَطُولُ بِمُمَارَسَتِهِ شُغْلِی

و مرا معاف دار، از وامی که با آن آبرویم را

ص: ۱۲۱۸

ببری و ذهنم در آن سرگردان شود و فکرم برای آن پریشان گردد و کارم در چاره آن طول کشد.

۱/۳۰

بیان تبعات وام

وَ أَعُوذُ بِکَ، یَا رَبِّ، مِنْ هَمِّ الدَّیْنِ وَ فِکْرِهِ، وَ شُغْلِ الدَّیْنِ وَ سَهَرِهِ... وَ أَسْتَجِیرُ بِکَ، یَا رَبِّ، مِنْ ذِلَّتِهِ فِی الْحَیَاهِ، وَ مِنْ تَبِعَتِهِ بَعْدَ الْوَفَاهِ

و به تو پناه می برم – ای پروردگارم – از اندوه و اندیشه وام و از کار قرض و بی خوابی اش. و پناه از تو می جویم – ای پروردگار من – از خواری آن در زندگی و از پیامد آن پس از مرگ.۲/۳۰

وام دادن به خدا و چندین برابر برگشتن آن، به بنده

مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیرَهً

کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟۱۳/۴۵

واماندگی

رو نیاوردن واماندگی به فرشتگان

وَ الَّذِینَ لَا تَدْخُلُهُمْ... إِعْیَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَ لَا فُتُورٌ...

و همانها که از خستگیِ زیاد، وامانده و سست

نمی گردند...۷/۳

وبا

آمیخته ساختن آب های مشرکان، به وبا

اللَّهُمَّ وَ امْزُجْ مِیَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ

خداوندا و آب هایشان را به وبا درآمیز.

۱۲/۲۷

وبال تبعات

وثوق اعتماد

وحی

محمّد صلی الله علیه و آله ، امانت دار وحی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ أَمِینِکَ عَلَی وَحْیِکَ

خداوندا بر محمّد - امین وحیت - درود فرست.۳/۲

جبرئیل، امانت دار وحی

جِبْرِیلُ الْأَمِینُ عَلَی وَحْیِکَ

جبرئیل امین وحی توست.۴/۳

امانت داران وحی الهی

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ الْمُوءْتَمَنِینَ عَلَی وَحْیِکَ

ص: ۱۲۱۹

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که بر وحی تو امانت دارند.

۱۰/۳

وعده و نوید الهی، در وحی

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ... قَاطِعًا لِاهْتِـمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ...

و وعـده هـای آشـکاری را که در وحی خود بیـان نموده ای، موجب قطع اهتمـام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده.۳/۲۹

قرآن، وحی خدا بر پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ جَعَلْتَهُ... وَحْیًا أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ تَنْزِیلًا

و آن را وحیی قرار دادی که بر پیامبرت محمّد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - به تدریج نازل فرمودی.۲و۱/۴۲

وحی الهی و راهنمایی بر توبه

وَ جَعَلْتَ عَلَی ذَلِکَ الْبَابِ دَلِیلًا مِنْ وَحْیِکَ لِئَلَّا یَضِلُّوا عَنْهُ

و بر آن درْ از وحی خود، راهنمایی قرار داده ای تا از آن گمراه نشوند.۱۰/۴۵

وداع

چگونگی وداعِ روز، با نیکان

وَ هَذَا یَوْمٌ حَادِثٌ جَدِیدٌ... إِنْ أَحْسَنَّا وَدَّعَنَا بِحَمْدٍ

و این روزی نو و تازه است. اگر نیکی کردیم، با سپاس ما را بدرود گوید.۱۲/۶

وداع با ماه رمضان، و فراقی دشوار

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ عَزَّ فِرَاقُهُ عَلَیْنَا

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که فراقش بر ما دشوار است.۲۳/۴۵

وداع با رمضان، نه از روی به ستوه آمدن

السَّلَامُ عَلَيْکَ غَيْرَ مُوَدَّعٍ بَرَمًا وَ لَا مَتْرُوکٍ صِيَامُهُ سَأَمًا

درود بر تو. نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. و نه آنکه ترک روزه اش از سر ملالت باشد.

۳۷/۴۵

ورع پرهیزکاری

ورم

ایستادن در برابر خدا، تا ورم نمودن پاها

يَا إِلَهِی لَوْ... قُمْتُ لَکَ حَتَّی تَتَنَشَّرَ قَدَمَایَ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنقدر در برابر تو بایستم تا پاهایم ورم کند، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

ص: ۱۲۲۰

ورود

درآمدن در زمره شهدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... نَصِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم.

۳۰و ۲۷/۱

آسان گرداندن آنچه خدا بر بنده وارد نموده

وَ يَسِّرْ لِي مَا أَحْلَلْتَ بِي

و آنچه بر من وارد نموده ای، برایم آسان کن.

۶/۱۵

راه ورودی برای شیطان

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَدْخَلًا

خداوندا برای او در دل های ما راه ورودی قرار نده.۶/۱۷

ورود بنده، در خوشنودی خدا

وَ اجْعَلْ... فِي مَرْضَاتِكَ مَدْخَلِي

و ورود مرا در خوشنودی ات قرار ده.

۱۱/۲۱

پاداش بندگان، پیش از ورود به فرمانبری خدا

وَ أَعْدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ

و پاداشان را آماده نموده ای، پیش از آنکه در طاعتت وارد شوند.۷/۳۷

ورود بنده، در رحمت الهی

وَ أَوْرِدْنِی مَشَارِعَ رَحْمَتِکَ

و مرا در آبشخورهای رحمتت درآور.

۱/۴۱

ورود به حوض پیامبر صلی الله علیه و آله (در بهشت)

وَ أَوْرِدْنَا حَوْضَهُ

و به حوض او واردمان کن.۲۰/۴۲

وارد ساختن تائبین، به بهشت ها

تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحًا عَسَی رَبُّکُمْ أَنْ یُکَفِّرَ عَنْکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ وَ یُدْخِلَکُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است.۱۰/۴۵

غفلت از ورود به جایگاه (بهشت)

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِکَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَهِ الدَّلِیلِ

پس – بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما – عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!۱۱/۴۵

با ذلّت به جهنّم وارد شدن مستکبران

إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ

همانا کسانی که از عبادت من کبر می ورزند، به زودی با خواری داخل جهنّم خواهند شد.

۱۵/۴۵

ورود ماه رمضان با برکاتش، بر مسلمانان

السَّلَامُ عَلَیْکَ کَمَا وَفَدْتَ عَلَیْنَا بِالْبَرَکَاتِ

درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی.۳۶/۴۵

درآوردن بنده، در حزب خدا

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... أَدْخَلْتَهُ فِی حِزْبِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که در حزب خود واردش کردی.۶۷/۴۷

درآمدن در جایگاه پیشینیان

وَ وَافِ بِی عَرْصَةَ الْأَوَّلِینَ

و مرا در میان جایگاه (رستاخیز) پیشینیان درآور.۱۲۷/۴۷

ورود در محرّمات

وَ أَبَیْتُ إِلَّا تَقَحُّمًا لِحُرُمَاتِکَ

و من جز وارد شدن در حرام های تو کاری نداشته ام.۱۴/۴۹

وزیر

یاری نشدن خدا، توسّط وزیری

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ یُوَازِرْکَ فِی أَمْرِکَ وَزِیرٌ

تویی آنکه در کارت، وزیری تو را کمک نکرده است.۱۴/۴۷

وسط میان

وسعت فراخی

وسیله سبب

وسوسه

نگهبان بندگان، از وسوسه های شیطان

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا

و قرآن را نگهبان ما از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد قرار ده.۱۰/۴۲

قرآن؛ بازدارنده درونْ از خطور وسوسه

وَ احْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّهِ ضَمَائِرِنَا

و با آن (قرآن)، خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار.۱۱/۴۲

شکایت به خداوند، از وسوسه نفس

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِی... وَسْوَسَهَ نَفْسِی

ای خدای من، از وسوسه های نفسم، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

وصول رسیدن

وطن

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به جای دور از وطنش

هَاجَرَ إِلَی... مَحَلِّ النَّأْیِ عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ

و از جایگاه اقامتش، به محل دور هجرت نمود.۱۶/۲

فراهم نساختن وطن، برای شیطان

اللَّهُمَّ... لَا تُوطِنَنَّ لَهُ فِیما لَدَیْنَا مَنْزِلًا

خداوندا او را در آنچه نزد ماست، منزل نده.

۶/۱۷

وعده

خدا، انجام دهنده وعده

یَا نَافِذَ الْعِدَهِ

ای به انجام رساننده وعده.۲۶/۲

تمام گشتن وعده الهی

.فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ عَلَی أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَـمَامِ وَعْدِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود.۱۲و۱۱و۱۰/۳

وعده خداوند، به ستمگران

وَ عَرِّفْهُ عَمَّا قَلِیلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِینَ

و آنچه ستمگران را به آن تهدید نمودی، بر او بنما.۱۲/۱۴

پناه بردن به خدا، از وعده های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ... مِنَ الثِّقَهِ بِأَمَانِیِّهِ وَ مَوَاعِیدِهِ

خداوندا ما از اطمینان به آرزوهای او و وعده هایش به تو پناه می بریم.۱/۱۷

وفا کردن خدا، به وعده اش

فَأَنْجِزْ لِی مَا وَعَدْتَنِی

پس آنچه به من وعده دادی، انجام ده.

۷/۲۱

دروغ بودن وعده شیطان

إِنْ وَعَدَنَا کَذَبَنَا

اگر ما را وعده دهد، به ما دروغ گوید.

۷/۲۵

تصریح خدا به وعده اش، در وحی الهی

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ... قَاطِعًا لِاهْتِـمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ...

ص: ۱۲۲۳

و وعـده هـای آشـکاری را که در وحی خود بیـان نموده ای، موجب قطع اهتمـام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده.۳/۲۹

در آسمان بودن آنچه به بندگان، وعده داده شده

وَ فِی السَّمَاءِ رِزْقُکُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ

و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است.۴/۲۹

اجابت وعده داده شده الهی

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُکَ... مُتَنَجِّزًا وَعْدَکَ فِیما وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَهِ

خداونـدا، اکنـون ایـن مـن هسـتم کـه بـه نزد تـو آمـده ام، در حـالی کـه وفـا بـه وعـده ای را کـه پیرامـون اجابت داده ای، خواستارم.۱۱/۳۱

ناتوانی بنده از شتاب به وعده داده شده خدا، به دوستانش

أَشْکُو إِلَیْکَ یَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی عَنِ الْمُسَارَعَهِ فِیما وَعَدْتَهُ أَوْلِیَاءَکَ

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده ای، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

نفس بنده و سبک شمردن وعده الهی

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِی... مَوْقِفَ... الْمُسْتَخِفِّینَ بِوَعْدِکَ

خود را در جایگاه سبک شمارندگان وعده تو، واداشته ام.۲/۵۳

وعده خدا به:

أ. شفاعت نیکوی محمّد صلی الله علیه و آله

وَ عَرِّفْهُ فِی أَهْلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ أُمَّتِهِ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَهِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ

و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امّتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.۲۵/۲

ب. رفع گرفتاری رنج دیدگان

سُبْحَانَکَ نَحْنُ... أَهْلُ السُّوءِ الَّذِینَ وَعَدْتَ الْکَشْفَ عَنْهُمْ

پاک و منزّهی تو! ما گرفتارانیم که رفع گرفتاری آنها را وعده داده ای.۴/۱۰

ج. پاداش

وَ یَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَی نَفْسِهِ بِتَفَضُّلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ

و ای آنکه ایشان را به فضل خود، پاداش نیک وعده داده است.۱۰/۱۲

وَ ارْزُقْنِی... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را

روزی ام فرما.۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

خداوندا شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان.۵۳/۴۵

د. پذیرفتن توبه بنده

فَاقْبَلْ تَوْبَتِی کَمَا وَعَدْتَ

پس همانگونه که وعده دادی، توبه ام را بپذیر.۱۵/۳۱

هـ. اجابت دعا

وَ حَثَثْتَ عَلَی الدُّعَاءِ، وَ وَعَدْتَ الْإِجَابَةَ

و بر دعا ترغیب نمودی و اجابت را نوید دادی.۲۹/۳۱

و. اجابت بیچارگان

وَ عَرِّفْنِی مَا وَعَدْتَ مِنْ إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّینَ

و اجابتی که بیچارگان را وعده داده ای، به من بشناسان.۱۲/۱۴

ز. عذاب دوری گزیننده از رضایش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... تَوَعَّدْتَ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاکَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن هر که را از خوشنودی تو دوری گزید، وعده عذاب داده ای.۲۹/۳۲

ح. ارجمندی دوستانش

وَ أَهِّلْنَا فِیهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِیَاءَکَ مِنْ کَرَامَتِکَ

و ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده ای، سزاوار نما.۱۲/۴۴

وعظ پند

وفا

خدا، وفاکننده به گفتار

یَا وَافِیَ الْقَوْلِ

ای وفاکننده گفتار.۲۶/۲

وفای خداوند به آنچه وعده داده

فَأَنْجِزْ لِی مَا وَعَدْتَنِی

پس آنچه به من وعده دادی، انجام ده.

۷/۲۱

قسم خدا، وفاشده ترین (قسم ها)

وَ أَقْسَمْتَ وَ قَسَمُکَ الْأَبَرُّ الْأَوْفَی

و سوگند یاد کردی و سوگند تو محقّق ترین و وفاشده ترین است.۴/۲۹

وفای خدا، به وعده اش درباره اجابت

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُکَ... مُتَنَجِّزًا وَعْدَکَ فِیما وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَهِ

ص: ۱۲۲۵

خداونـدا، اکنـون ایـن مـن هسـتم کـه بـه نزد تـو آمـده ام، در حـالی کـه وفـا بـه وعـده ای را کـه پیرامـون اجـابت داده ای، خواستارم.۱۱/۳۱

وفای به توبه

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِی بِالتَّوْبَهِ إِلَّا بِعِصْمَتِکَ

خداوندا مرا جز به نگهداری تو، وفای به توبه نیست.۱۹/۳۱

وفاکننده به عهد الهی

وَ تَوَحَّدْنِی بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ وَفَی بِعَهْدِکَ

و تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که به عهد تو وفا کرده.

۸۸/۴۷

وفور فراوانی

وقار

(توفیق داشتن) وقار و سنگینی

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... سُکُونِ الرِّیحِ

و زیور پرهیزکاران را در وقار، به من بپوشان.

۱۰/۲۰

وقت زمان

ولخرجی

بازداشتن بنده از ولخرجی

وَ اقْبِضْنِی بِلُطْفِکَ عَنِ التَّبْذِیرِ

و مرا – به لطف خود – از ولخرجی باز دار.

ولد فرزند

ولیّ [امام علیه السلام]

دعا برای ولیّ خدا

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِيِّکَ شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَ أَعِنْهُ بِرُکْنِکَ الْأَعَزِّ، وَ اشْدُدْ أَزْرَهُ، وَ قَوِّ عَضُدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَيْنِکَ، وَ احْمِهِ بِحِفْظِکَ وَ انْصُرْهُ بِمَلَائِکَتِکَ، وَ امْدُدْهُ بِجُنْدِکَ الْأَغْلَبِ

خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما و مانند آن (شکر) را در نعمت، به ما الهام نما و او را از جانب خود، سلطنتی پیروزمند عطا فرما و برای او پیروزی به آسانی بگشای و او را به تواناترین تکیه گاه (نیروی) خود، یاری فرما و پشتش را محکم ساز و بازویش را قوّت ده و تحت نظر خود، از او نگهداری کن و با حفظ خویش، او را پشتیبانی کن و با فرشتگانت

ص: ۱۲۲۶

یاری اش نما و با چیره ترین لشکرت، به او کمک رسان.۶۱/۴۷

وَ أَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ، صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَ أَبِنْ بِهِ الضَّرَّاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَ أَزِلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ امْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عِوَجًا

و کتاب خود و احکامت و قوانینت و روش های پیامبرت را - خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد - به وسیله او به پا دار و با او آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان و با او زنگار ستم را از راهت بزدای و به سبب او سختی را از راهت دور کن و به وسیله او منحرفان را از راهت بیرون کن و به وسیله او آنان که می خواهند راه راست تو را کج کنند، نابود گردان.۶۲/۴۷

وَ أَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ

و خوی او را برای دوستانت نرم فرما و دستش را بر دشمنانت بگستر.۶۳/۴۷

ولیّ خدا و درخواست بنده از خدا

وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ

و محبّت و رحمت و عطوفت و دلسوزی او را به ما روا دار.۶۳/۴۷

وهم اندیشه

وهن سستی

ویرانی

ویران ساختن پناهگاه شیطان

اللَّهُمَّ وَ اهْزِمْ جُنْدَهُ

خداوندا و لشکرش را شکست ده.۱۳/۱۷

ویژگی ها صفات

هجرت

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به شهرهای غربت

وَ هَاجَرَ إِلَی بِلَادِ الْغُربَهِ

و به شهرهای غربت هجرت نمود.۱۶/۲

هجرت اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از قبایل خود

الَّذِینَ هَجَرَتْهُمْ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ

آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله هایشان از آنها دوری نمودند.۶/۴

هجرت اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از شهرهای خویشان خود

وَ اشْکُرْهُمْ عَلَی هَجْرِهِمْ فِیکَ دِیَارَ قَوْمِهِمْ

و ایشان را به خاطر آنکه در راه تو از شهرهای خویشانشان هجرت کردند، پاداش عنایت کن.

۸/۴

توفیق دوری از شرّ و بدعت

وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ، وَ هِجْرَانِ الشَّرِّ... وَ مُجَانَبَهِ الْبِدَعِ

ما را برای انجام نیکی و ترک بدی و ترک بدعت ها، توفیق ده.۱۸/۶

پاداش بنده، به دوری گزیننده از او

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أَجْزِیَ مَنْ هَجَرَنِی بِالْبِرِّ

و مرا توفیق ده تا آنکه از من دوری کرده را به نیکی جزا دهم.۹/۲۰

دوری از همه گناهان، پیمان بنده با خدا

لَکَ یَا رَبِّ... عَهْدِی أَنْ أَهْجُرَ جَمِیعَ مَعَاصِیکَ

ای پروردگار من، با تو عهد می بندم، از همه نافرمانی های تو، دوری گزینم.۱۶/۳۱

عذرخواهی از دوری نکردن از گناه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ کُلِّ إِثْمٍ عَرَضَ لِی فَلَمْ أَهْجُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از هر گناهی که برایم پیش آمد، پس از آن دوری نکردم.

۱/۳۸

بازگشت بنده، به دوری گزیننده از او

وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرَنَا

ما را در آن ماه توفیق ده، که به کسی که از ما دوری نموده، بازگردیم.۱۰/۴۴

هجوم حمله

ص: ۱۲۲۹

هدایت راهنمایی

هدف

هدف بلا نگرداندن بنده

وَ لَا تَجْعَلْنِی لِلْبَلَاءِ غَرَضًا

و مرا هدف بلا نگردان.۱۶/۴۸

آبروی بنده، هدف تیرهای حسود

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... جَعَلَ عِرْضِی غَرَضًا لِمَرَامِیهِ

و چه بسیار حسودی که آبروی مرا هدف تیرهای خود قرار داد.۹/۴۹

هدیه ارمغان

هراس ترس

هزار

برتری شبی از رمضان، بر شب های هزار ماه

ثُمَّ فَضَّلَ لَیْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَیَالِیهِ عَلَی لَیَالِی أَلْفِ شَهْرٍ

آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد.۵/۴۴

شب قدر، بهتر از هزار ماه

وَ أَجْلَلْتَ فِیهِ مِنْ لَیْلَهِ الْقَدْرِ (الَّتِی هِیَ) خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی.۲۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی لَیْلَهِ الْقَدْرِ الَّتِی هِیَ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه.۴۰/۴۵

هزار درود، بر محمد صلی الله علیه و آله و آلش

ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَا لَکَ، وَ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَلْفَ مَرَّهٍ

سپس دعا کن آنچه را برایت آشکار شد و بر محمّد و خاندانش هزار بار درود فرست.

۲۸/۴۸

هفت

روییدن هفت خوشه، از یک دانه

مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد.

۱۳/۴۵

هلاکت تباهی

نافرمانی خدا، و هلاکت

ص: ۱۲۳۰

فَالْهَالِکَ مِنَّا مَنْ هَلَکَ عَلَیْهِ

پس هلاک شونده از ما کسی است که به خاطر نافرمانی او هلاک شود.۲۴/۱

وَ مَنْ أَشْقَی مِمَّنْ هَلَکَ عَلَیْکَ؟

و شقی تر از کسی که بر اثر نافرمانی ات به هلاکت افتاده، کیست؟۱۶/۳۷

هلاک شدن نفس بنده

فَإِنَّ نَفْسِی هَالِکَهٌ أَوْ تَعْصِمَهَا

زیرا نفس من هلاک شونده است، مگر آنکه تو حفظش نمایی.۱۹/۲۰

رهایی از مهلکه های گنهکاران

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَهَ مَنْ قَدْ... خَلَّصْتَهُ بِتَوْفِیقِکَ مِنْ وَرَطَاتِ الْمُـجْرِمِینَ

و مرا اسوه کسی گردان که به توفیق خود، او را از مهلکه های مجرمان، رهاندی.۱۰/۳۹

دست نیافتن مهالک، به دستاویزنده به عصمت قرآن

وَ لا تَنَالُ أَیْدِی الْهَلَکَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَهِ عِصْمَتِهِ

و هر که به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد.۳/۴۲

سبب هلاک نشدن هلاک شونده ای از معصیت کاران

وَ أَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ... وَ تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا یَهْلِکَ عَلَیْکَ هَالِکُهُمْ... إِلَّا عَنْ طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَیْهِ

و کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای. و تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا هلاک شونده ایشان، به خاطر تو هلاک نشود. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او.

۹/۴۵

هلاک نساختن بنده، با هلاک شدگان

وَ لَا تُهْلِکْنِی مَعَ مَنْ تُهْلِکُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِینَ لِمَقْتِکَ

و مرا همراه هلاک شوندگانی که دشمنی تو را می طلبند، هلاک نگردان.۹۶/۴۷

وَ لَا تُتَبِّرْنِی فِیمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِینَ عَنْ سُبُلِکَ

و مرا در شمار هلاک شدگانی که از راه های تو منحرف شده اند، هلاک مکن.۹۷/۴۷

گردابِ هلاک شوندگان

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِکَ... بَلْ خُذْ بِیَدِی مِنْ... وَرْطَهِ الْهَالِکِینَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از گرداب هلاک شدگان، دستم را بگیر (نجاتم ده).

۱۰۴/۴۷

هلاک نشدن به وسیله اعمال نیکو

ص: ۱۲۳۱

وَ لَا تُهْلِكْنِی بِمَا أَسْدَیْتُهُ إِلَیْکَ

و به وسیله آنچه که نیکویی نموده ام، مرا هلاک نکن.۱۱۶/۴۷

سؤال نشدن از خدا، درباره هلاکت بنده

إِنْ أَهْلَکْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَعْرِضُ لَکَ فِی عَبْدِکَ، أَوْ یَسْأَلُکَ عَنْ أَمْرِهِ

اگر مرا نابود کنی، پس کیست آنکه درباره بنده ات معترض تو شود یا درباره کار او، تو را بازخواست کند؟۱۵/۴۸

خود را در درّه های هلاکت افکندن

تَقَحَّمْتُ أَوْدِیَهَ الْهَلَاکِ... تَعَرَّضْتُ فِیهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِکَ

در وادی های هلاکت رفتم. در آنها، خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده، با عقوبت هایت روبرو شدم.۲/۴۹

هلاک نساختن خویش، به خاطر امید به عفو الهی

فَلَوْ لَا الْمَوَاقِفُ الَّتِی أُوءَمِّلُ مِنْ عَفْوِکَ الَّذِی شَمِلَ کُلَّ شَیْءٍ لَأَلْقَیْتُ بِیَدِی

پس اگر جایگاهی که از بخشایشت آرزومندم و هر چیزی را فرامی گیرد نبود، خود را هلاک می ساختم.۳/۵۰

هلاک نساختن بنده، با گناهانش

وَ لَمْ تُهْلِکْنِی بِجَرِیرَتِی

و به گناهمْ مرا هلاک ننمودی.۱۱/۵۱

بنده و هلاک ساختن خود

سُبْحَانَکَ... أَیَّ تَغْرِیرٍ غَرَّرْتُ بِنَفْسِی!

پاک و منزّهی! به کدام هلاک، خود را به هلاکت افکندم؟۳/۵۳

موجبات هلاکت بنده:

أ. تباه کردن واجبات

وَ لَا تُثْنِی عَلَیَّ بِإِحْیَائِهَا سُنَّهٌ حَاشَا فُرُوضِکَ الَّتِی مَنْ ضَیَّعَهَا هَلَکَ

و نه (عمل) مستحبّی به خاطر زنده ساختنش مرا می ستاید، مگر واجبات تو، که هر که آن را انجام نداد، به هلاکت رسد.

۱۷/۳۲

ب. به حق جزا داده شدن بنده

فَإِنَّکَ إِنْ تُکَافِنِی بِالْحَقِّ تُهْلِکْنِی

زیرا اگر تو مرا به حقّ مکافات دهی، هلاکم.۵/۳۹

ج. خواهش نفس

وَ حُلْ بَیْنِی وَ بَیْنَ... هَوًی یُوبِقُنِی

و میان من و خواهش نفس که مرا هلاک می گرداند، جدایی انداز.۹۹/۴۷

ص: ۱۲۳۲

د. گناه

وَ أَتَنَصَّلُ إِلَيْکَ مِنْ ذُنُوبِیَ الَّتِی قَدْ أَوْبَقَتْنِی

و به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته، پوزش می طلبم.۸/۵۱

هــ. کردار خود

عَمَلِی أَهْلَکَنِی

عملم مرا به هلاکت افکنده.۷/۵۲

همانند

نیازمندی بنده، به همتایانش

وَ نَعُوذُ بِکَ... مِنَ الْفَقْرِ إِلَی الْأَکْفَاءِ

و پناه می بریم به تو از نیازمندی به هم نوعان.

۸/۸

شبیه ترین چیزها به اراده خدا

وَ أَشْبَهُ الْأَشْیَاءِ بِمَشِیَّتِکَ... رَحْمَهُ مَنِ اسْتَرْحَمَکَ، وَ غَوْثُ مَنِ اسْتَغَاثَ بِکَ

و شبیه ترین چیزها به اراده ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته و کمک به کسی است که از تو کمکی طلبیده.۵/۱۰

در دل بنده نگاشتنِ نمونه پاداش ذخیره شده برای او

وَ صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِی مِنْ ثَوَابِکَ

و نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی، در دلم بگذار.۱۵/۱۴

انجام پاکیزه ترین اعمال، هنگام شباهت آنها

وَفِّقْنِی... إِذَا تَشَابَهَتِ الْأَعْمَالُ لِأَزْکَاهَا

هنگامی که اعمال شبیه (یکدیگر) گردید، به پاکیزه ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

نخواندن همانندی، با خدا

فَإِنِّی لَا أَجْعَلُ لَکَ ضِدًّا، وَ لَا أَدْعُو مَعَکَ نِدًّا

زیرا من برای تو ضدّی قرار نمی دهم و با تو همانندی را نمی خوانم.۲۲/۲۰

بزرگ و برتر بودن خداوند، از همانند داشتن

فَتَعَالَیْتَ عَنِ الْأَشْبَاهِ وَ الْأَضْدَادِ، وَ تَکَبَّرْتَ عَنِ الْأَمْثَالِ وَ الْأَنْدَادِ

پس تو از داشتن مانندها و همتاها برتر و از داشتن همسان و همگون بزرگ تر بودی.۱۲/۲۸

نبودِ همتا و همانندی، برای خدا

إِنَّکَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِی لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَکَ کُفُوًا أَحَدٌ

به درستی که تو تنها یکتای بی نیازی که فرزند نیاوردی و زاییده نشدی و هیچ کس مانند تو نبوده

است.۵/۳۵

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ یَکُنْ لَکَ مُشَاهِدٌ وَ لَا نَظِیرٌ

تویی آنکه برای تو بیننده و مانندی نبوده است.۱۴/۴۷

یَا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا أَحَدٌ

ای که نزائیده و زائیده نشده ای و برای او همتایی نبوده است.۲/۵۴

قدرت خدا، بر آفرینشی همانند

أَسْتَوْهِبُکَ -یَا إِلَهِی -نَفْسِیَ الَّتِی لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ... وَ لَکِنْ أَنْشَأْتَهَا إِثْبَاتًا لِقُدْرَتِکَ عَلَی مِثْلِهَا، وَ احْتِجَاجًا بِهَا عَلَی شَکْلِهَا

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی. بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود و بدین سبب بر (آفرینش) شبیه آن، دلیل آوردی.۷/۳۹

مزد کار نیک، ده برابر مانند آن

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا

هر کس کار نیکی به جا آورَد، پس برای او ده برابر آن است.۱۲/۴۵

همانندی کار بد با کیفرش

مَنْ جَاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَلَا یُجْزَی إِلَّا مِثْلَهَا

هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده

نمی شود.۱۲/۴۵

وجود آیاتی نظیر آیات افزایش حسنات ، در قرآن

وَ قُلْتَ: مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیرَهً. وَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِی الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِیفِ الْحَسَنَاتِ

و فرمودی: «کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟.» و مانندهای آن (آیه هایی) که از افزایش های نیکی ها در قرآن فروفرستادی.

۱۳/۴۵

داستانی مانند داستان دانه ای که هفت خوشه رویانده

وَ قُلْتَ: مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ، وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ

و فرمودی: «داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.»۱۳/۴۵

چیزی همانند خدا نیست

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

ص: ۱۲۳۴

چیزی مانند او نیست.۲/۴۷

نگاشتن صورت ها، بدون نمونه و مانند

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِی... صَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَیْرِ مِثَالٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که صورت ها را بدون نمونه نگاشتی.

۱۲/۴۷

شبیه و مانند نشدن خدا، به چیزی

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ تُمَثَّلْ فَتَکُونَ مَوْجُودًا

تویی آنکه به چیزی مانند نشده ای، تا آفریده شده باشی.۱۹/۴۷

نبودِ همانندی برای غلبه یا برابری، با خدا

أَنْتَ الَّذِی... لَا عِدْلَ لَکَ فَیُکَاثِرَکَ، وَ لَا نِدَّ لَکَ فَیُعَارِضَکَ

تویی آنکه همانندی برایت نیست، تا در فزونی با تو رقابت کند و مانندی نداری تا با تو معارضه کند.۲۰/۴۷

سپاسی که مانند آن، گذارده نشده

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَمْ یَحْمَدْکَ خَلْقٌ مِثْلَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ آفریده ای مانند آن، تو را ستایش نکرده باشد.۴۴و۳۶/۴۷

درودی پیوسته، به مانند درودهای ویژه

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِمْ... صَلَاةً... مُتَّصِلَةً بِنَظَائِرِهِنَّ أَبَدًا

پروردگار من، بر ایشان درود فرست. درودی که تا ابد به مانندهای آن (درودها) متّصل باشد.

۵۹/۴۷

الهام شکر به بنده، همانند الهام به امام علیه السلام

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِیِّکَ شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیْهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِیهِ

خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما و مانند آن (شکر) را در نعمت، به ما الهام نما.۶۱/۴۷

یگانگی خدا و نبودن همتایانی برای او

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِیدَکَ وَ نَفْیَ الْأَضْدَادِ وَ الْأَنْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنْکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو و نفی شریکان و همتایان و مانندهایی از تو را، پیش فرستاده ام.۷۲/۴۷

همتا همانند

همراه

فرشتگانِ همراه برف و تگرگ

ص: ۱۲۳۵

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مُشَيِّعِي الثَّلْجِ وَ الْبَرَدِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و همراهی کنندگان برف و تگرگ.۱۵و۱۱و۱۰/۳

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و نیکو به پایان بردن همراهیِ پیامبر

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّهً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَهَ... فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَ فِيكَ، وَ أَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که همراهانی نیکو بودند، پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها کردند برای آنان از نظر دور ندار و به خوشنودی خود ایشان را خوشنود ساز.

۷و۳/۴

نیکیِ همراه بودن (با هر روز) را، روزی بندگان نمودن

وَ ارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ

و نیکیِ همدم بودن با آن روز را نصیب ما گردان. ۱۳/۶

روز و برترین همراه بندگان بودن

وَ اجْعَلْهُ... أَفْضَلَ صَاحِبٍ صَحِبْنَاهُ

و آن (روز) را برترین همراهی که با آن همراه

شده ایم قرار ده.۱۹/۶

همراهی کردن شیطان، در معصیت الهی

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا إِذْ شَايَعْنَاهُ عَلَى مَعْصِيَتِكَ

خداوندا چون بر نافرمانی از تو، شیطان را همراهی نمودیم، او ما را شماتت کرد.۶/۱۰

پرسش از همراه بودن دشمنی خدا، با بنده

...أَمْ لَزِمَنِي فِي وَقْتِ دُعَايَ مَقْتُكَ؟

...آیا هنگامی که تو را می خوانم، دشمنی ات مرا لازم گشته است؟۶/۱۲

همراه ساختن شکایت بنده، با تغییر

وَ اقْرِنْ شِکَایَتِی بِالتَّغْیِیرِ

و دادخواهیم را با دگرگونی پیوند ده.۱۱/۱۴

عامل تنهایی و بی همرهی

أَفْرَدَتْنِی الْخَطَایَا فَلَا صَاحِبَ مَعِی

خطاها مرا تنها گردانده و همراهی ندارم.

۱/۲۱

همراهی رهایی از آفت ها، با مجاهد

وَ أَصْحِبْهُ السَّلَامَهَ

و رهایی از آفت ها را، همراهش فرما.۱۴/۲۷

ص: ۱۲۳۶

رمضان، همراهی نیک

وَ قَدْ أَقَامَ فِینَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ، وَ صَحِبَنَا صُحْبَهَ مَبْرُورٍ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و با ما همچون یارِ نیکو همراه شد.۲۲/۴۵

ماه رمضان ، بهترین وقت های همراه با مسلمانان

السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَکْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ

درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که همراه بودی.۲۴/۴۵

ماه رمضان ، همراهیْ آسان کننده راه های احسان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ... صَاحِبٍ سَهَّلَ سُبُلَ الْإِحْسَانِ

درود بر تو همراهی که راه های احسان را آسان نمود. ۲۹/۴۵

ناپسند نبودن مصاحبت رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ غَیْرَ کَرِیهِ الْمُصَاحَبَهِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند نیست.

۳۵/۴۵

ملازم و همراه بنده ساختنِ سپاس از خدا

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُکْرَکَ، بَلْ أَلْزِمْنِیهِ فِی أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِینَ لِآلَائِکَ

و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجّهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان.

۱۱۴/۴۷

همسایه

از آتش خدا، به جوار (رحمت) او رهسپار شدن

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شده، به جوار ارجمند خدا، واصل شویم.۱۵و۱۰/۱

همسایگان و جستجوی عیب های بنده

...وَ لَمْ تُبْدِ سَوْءَاتِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِبِي مِنْ جِيرَتِي

و بدی های مرا پیش همسایگانم - که در جستجوی عیب های من می باشند - آشکار نکردی.

۲۱/۱۶

همسایگان باایمان و شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ... جِيرَانَنَا مِنَ الْمُوءْمِنِينَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِنْهُ فِي حِرْزٍ حَارِزٍ...

و همسایگان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم قرار ده.۱۰/۱۷

ص: ۱۲۳۷

در زمره آرمیدگان در جوار خداوند

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... السَّاکِنِینَ فِی جِوَارِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) در همسایگی تو جای گرفته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

همسایگان آشنا به حقّ امام علیه السلام

وَ تَوَلَّنِی فِی جِیرَانِی وَ مَوَالِیَّ الْعَارِفِینَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِذِینَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَایَتِکَ

و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما.۱/۲۶

درخواست بنده برای همسایگان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی إِرْفَاقِ ضَعِیفِهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَ عِیَادَهِ مَرِیضِهِمْ، وَ هِدَایَهِ مُسْتَرْشِدِهِمْ، وَ مُنَاصَحَهِ مُسْتَشِیرِهِمْ، وَ تَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ، وَ کِتْمَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَ سَتْرِ عَوْرَاتِهِمْ، وَ نُصْرَهِ مَظْلُومِهِمْ، وَ حُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ، وَ الْعَوْدِ عَلَیْهِمْ بِالْجِدَهِ وَ الْإِفْضَالِ، وَ إِعْطَاءِ مَا یَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ

و آنـان را برای به پـا داشـتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان و پر کردن کم و کاست آنان و به عیادت بیمارشـان و راهنمـاییِ راه جویشـان و پنـد دادن مشورت کننـده شـان و دیـدار بـا از سـفر بازگشـته شـان و کتمان اسـرارشان و پوشاندن عیب هایشان و یاریِ ستم دیده شان و همیاری نیکو در مایحتاج زندگی یشان و رسیدگی

با ثروت و بخشش فراوان به آنان و عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است پیش از درخواست آنان، توفیق ده.۲/۲۶

درخواست بنده در ارتباط با همسایگان، برای خود

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ أَجْزِی بِالْإِحْسَانِ مُسِیئَهُمْ، وَ أُعْرِضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ، وَ أَسْتَعْمِلُ حُسْنَ الظَّنِّ فِی کَافَّتِهِمْ، وَ أَتَوَلَّی بِالْبِرِّ عَامَّتَهُمْ، وَ أَغُضُّ بَصَرِی عَنْهُمْ عِفَّهً، وَ أُلِینُ جَانِبِی لَهُمْ تَوَاضُعًا، وَ أَرِقُّ عَلَی أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَهً، وَ أُسِرُّ لَهُمْ بِالْغَیْبِ مَوَدَّهً، وَ أُحِبُّ بَقَاءَ النِّعْمَهِ عِنْدَهُمْ نُصْحًا، وَ أُوجِبُ لَهُمْ مَا أُوجِبُ لِحَامَّتِی، وَ أَرْعَی لَهُمْ مَا أَرْعَی لِخَاصَّتِی

و خداونـدا مرا بر آن دار که بـدکارشان را به نیکی پاداش دهم و از سـتمگرشان با چشم پوشـی صـرف نظر کنم و درباره همه آنـان، به خوش گمانی رفتار کنم و با نیکی، همه آنان را یاری نمایم و با پاکـدامنی، دیـده از ایشان فروبنـدم و فروتنانه، با آنها نرمی و مـدارا کنم و با مهربانی بر بلادیـدگان آنها، دلسوزی نمایم و در نبودشان دوستی را، آشـکار سازم و خیرخواهانه بقای نعمت را نزدشـان دوست بـدارم و آنچه را برای خویشـانم لازم می دانم، برای آنهـا لازم بـدانم و آنچه را برای خاصـان خـود رعایت می کنم، برای آنان رعایت نمایم.۳/۲۶

مانند آنچه برای همسایگان خواسته شد، برای خود خواستن

وَ ارْزُقْنِی مِثْلَ ذَلِکَ مِنْهُمْ

و مرا مانند همین امور از جانب آنان روزی فرما. ۴/۲۶

کامل ترین بهره های نزد همسایگان را برای بنده قرار دادن

وَ اجْعَلْ لِی أَوْفَی الْحُظُوظِ فِیما عِنْدَهُمْ

و از آنچه ایشان دارند، کامل ترین بهره ها را برای من قرار ده.۴/۲۶

افزودن بینایی همسایگان امام علیه السلام ، به حقّ ایشان

وَ زِدْهُمْ بَصِیرَةً فِی حَقِّی

و بر حق بینی آنان نسبت به من بیفزا.۴/۲۶

افزودن معرفت همسایگان امام علیه السلام ، به برتری ایشان

وَ زِدْهُمْ... مَعْرِفَةً بِفَضْلِی حَتَّی یَسْعَدُوا بِی وَ أَسْعَدَ بِهِمْ

و بر فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزا. تا آنان به وسیله من، نیک بخت شوند و من به وسیله آنها، نیک بخت گردم.۴/۲۶

وسیله رسیدن به جوار (رحمت) خدا

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِی مِنْ

مَتَاعِهَا بُلْغَةً إِلَی جِوَارِکَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود قرار ده. ۶/۳۰

همسایگان و رسوایی های بنده

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ، وَ... مِنْ جَارٍ کُنْتُ أُکَاتِمُهُ سَیِّئَاتِی

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان

ارجمند و از همسایه ای که بدی هایم را از او نهان می داشتم، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

اعتماد ننمودن، به رازپوشی همسایگان

لَمْ أَثِقْ بِهِمْ رَبِّ فِی السِّتْرِ عَلَیَّ

پروردگار من، در رازپوشی بر من، به آنها اعتماد ندارم.۲۲/۳۲

گِله از بدْهمسایگی شیطان

فَأَنَا أَشْکُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِی

پس از بدهمسایگی او با من، به تو شکایت می کنم.۲۷/۳۲

جویا شدن از همسایگان، با احسان و عطا

ص: ۱۲۳۹

وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَ الْعَطِيَّهِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم.۱۰/۴۴

همسایگی با پاکیزه ترین دوستان خدا

وَ جَاوِرْ بِیَ الْأَطْیَبِینَ مِنْ أَوْلِیَائِکَ فِی الْجِنَانِ الَّتِی زَیَّنْتَهَا لِأَصْفِیَائِکَ

و در باغ هایی که آنها را برای برگزیدگانت آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستانتْ همسایه گردان.۱۲۸/۴۷

منزل بنده و همسایگی (رحمت) خدا

وَ اجْعَلْ فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ... فِی جِوَارِکَ مَسْکَنِی

و در آن روز، خانه ام را در جوار خود قرار ده.

۷/۵۳

همسران

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و دوری از همسران خود

وَ فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِی إِظْهَارِ کَلِمَتِهِ

و در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند.۴/۴

همسرانِ تابعین و اطاعت از خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِینَ مِنْ یَوْمِنَا هَذَا إِلَى یَوْمِ

الدِّینِ، وَ عَلَى أَزْوَاجِهِمْ، وَ عَلَى ذُرِّیَّاتِهِمْ، وَ عَلَى مَنْ أَطَاعَکَ مِنْهُمْ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین و زنان و فرزندانشان و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود فرست.۱۳/۴

همنشینی

همنشینی با نیکان خلق

وَ اجْعَلْنِی لَهُمْ قَرِینًا

و مرا همنشین آنان قرار ده.۱۳/۲۱

محبوبیّت همنشینی با فقرا، نزد بنده

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَیَّ صُحْبَهَ الْفُقَرَاءِ

خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان.۴/۳۰

شکیبایی نیکو و همنشینی با فقرا

وَ أَعِنِّی عَلَی صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ

و مرا بر همنشینی ایشان (نیازمندان)، با شکیبایی نیکوْ یاری ده.۴/۳۰

رمضان، همنشینی گرامی

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ قَرِینٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا

درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود.۲۶/۴۵

ص: ۱۲۴۰

هم وزن

سپاسی هم وزن عرش بزرگ خداوند

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوازِنُ عَرْشَکَ الْمَـجِیدَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عرش بزرگ تو همسنگ باشد.۴۱و۳۶/۴۷

درودی هم وزن عرش الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِمْ زِنَهَ عَرْشِکَ وَ مَا دُونَهُ

پروردگار من، بر ایشان هم وزن عرش خود و آنچه زیر آن است، درود فرست.۵۹/۴۷

همیشگی

سپاس همیشگی از خدا، تا روز قیامت

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... مَکَانَ کُلِّ وَاحِدَهٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَهً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ

پس سپاس او را، به جای هر یک از آنها به شماره چندین برابر، همیشه و جاوید تا روز قیامت.۲۷/۱

رهایی تابعین، از همیشه ماندن در آتش

وَ تُعَافِیَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَهُ مِنْ... کَبَهِ النَّارِ وَ طُولِ الْخُلُودِ فِیهَا

و ایشان را از آنچه که به وجودآورنده آزمایش هایی از سختی آتش و همیشه ماندن در

آتش است، عافیت بخشی.۱۸/۴

همواره آمرزش خواستن از خدا

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ... أَحَبَّ عِبَادِکَ إِلَیْکَ مَنْ... جَانَبَ الْإِصْرَارَ، وَ لَزِمَ الِاسْتِغْفَارَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است که پافشاری (بر گناه) را ترک کند و پیوسته آمرزش خواهد.۱۳و۱۲/۱۲

درود همیشگی خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً نَامِیَةً...

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی پیوسته و فزاینده.۲۴/۱۳

تأیید نمودن بنده، به صبر همیشگی

وَ أَیِّدْنِی مِنْکَ بِنِیَّةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.۱۴/۱۴

همیشه در تندرستی به سر بردن

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِیهِ مِنْ سَلَامَةِ بَدَنِی

خداوندا ترا سپاس بر تندرستی تنم که

ص: ۱۲۴۱

همواره از آن برخوردار هستم.۱/۱۵

آبی سودمند با فراوانیِ همیشگی و دائم

وَ أَشْهِدْ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَهَ. بِسَقْيٍ مِنْكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غُزْرُهُ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود - که فراوانی اش همیشگی باشد - آماده ساز.۲/۱۹

مساکن همیشگی، در بهشت

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِنِ الْخُلْدِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از خانه های همیشگی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

دشمنان اسلام و گرسنگی همیشگی

أَصِبْهُمْ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ...

آنان را دچار گرسنگی دائم گردان.۱۲/۲۷

پادشاهی و سلطنت جاوید الهی

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَأَبِّدِ بِالْخُلُودِ

خداوندا ای صاحب پادشاهی پاینده جاوید.

۱/۳۲

جاودانگی خداوند

كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِي أَوَّلِيَّتِكَ، وَ عَلَى ذَلِكَ أَنْتَ

دَائِمٌ لَا تَزُولُ

چنین است که تو خدایی هستی که در اوّلیتِ خود اوّل و در این (صفت) دائم و جاویدی.

۸/۳۲

روانه ساختن بنده، به سوی ملک جاودان (بهشت)

وَ اسْرَحْنَا فِی مُلْكِ الْأَبَدِ

و ما را در سلطنت ابدی، رها کن.۵/۳۵

پاداش همیشگی خدا، بر عمل کوتاه مدّت بنده

...لَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّهِ الْقَصِيرَهِ الْفَانِيَهِ بِالْمُدَّهِ الطَّوِيلَهِ الْخَالِدَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش درازمدّتِ همیشگی دادی.۱۲/۳۷

دوام برکت سلام (فرشتگان)، در شب قدر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَهُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَكَهِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده دم دوام دارد.۵/۴۴

ص: ۱۲۴۲

همیشگی بودن بندگان صالح، در بهشت

وَ اجْعَلْنَا فِی سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْأَیَّامِ کَذَلِکَ مَا عَمَّرْتَنَا، وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ الَّذِینَ یَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ

و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده و ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که بهشت را ارث می برند، و در آن جاودانند.۱۸/۴۴

اعتماد خدا، به همیشگی بودن ملک خود

وَ أَمْهَلْتَهُمْ ثِقَةً بِدَوَامِ مُلْکِکَ

و از آن جهت مهلتشان داده ای که به دوام پادشاهی خود اعتماد داری.۱۷/۴۶

عذاب همیشگیِ بنده برگشته از خدا

فَالْوَیْلُ الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَحَ عَنْکَ

پس افسوس همیشگی، برای کسیست که از تو برگشته.۱۹/۴۶

خدا، در نهایت ابدیّت

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. ابدی پایدار.۸/۴۷

سپاسی که به جاودانگی خدا، همیشگی باشد

لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یَدُومُ بِدَوَامِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که با همیشگی بودن تو، همیشگی است.۳۲/۴۷

جاوید بودن نعمت خداوند

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه نعمت تو، جاوید مانَد.۳۳/۴۷

دوام اوّل و آخِر

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ يُسْتَدْعَی بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ

سپاس برای توست. سپاسی که دوام اوّلین و بقای آخِرین، به وسیله آن درخواست گردد.

۳۸و ۳۶/۴۷

پیوستگی ابدی درود، به سایر درودها

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ... صَلَاةً... مُتَّصِلَةً بِنَظَائِرِهِنَّ أَبَدًا

پروردگار من، بر ایشان درود فرست. درودی که تا ابد به مانندهای آن (درودها) متّصل باشد.

۵۹/۴۷

دوام توفیق الهی

فَهَبْ لِی يَا إِلَهِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ دَوَامِ تَوْفِيقِکَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَی رِضْوَانِکَ

پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق

همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم.

۱۷/۴۹

فرمانبری فرمانبران و جاودانگی ملک خدا

لَكِنْ... مُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ

ولی پادشاهی ات پایدارتر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید.۶/۵۰

هند

دشمنان خدا، در هند

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْكِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و دیگر امّت های مشرک.۹/۲۷

هنگام زمان

هوا

درود خدا، بر فرشتگانی که در هوا جای دارند

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ سُكَّانِ الْهَوَاءِ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و ساکنان هوا.

۲۳و۱۱و۱۰/۳

بالارفته در هوا

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاوءُهَا وَ أَرْضُهَا... وَ مَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش و آنچه در هوا بالا رفته و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

درودی فراگیرنده هوا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آلش

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... صَلَاةً تَشْحَنُ الْهَوَاءَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که هوا را آکنده سازد.۳۴/۳۲

هوا و هوس

پیروی از هوا و هوس

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... مُتَابَعَهِ الْهَوَی

خداوندا به تو پناه می برم از پیروی هوا و هوس.۲و۱/۸

ص: ۱۲۴۴

بر گرداندن خواهش بنده ، به سوی خدا

وَ اجْعَلْ هَوَایَ عِنْدَکَ

و خواهش مرا، نزد خود قرار ده.۵/۲۲

هوای نفس بنده و ناامیدی دوست او

وَ ارْزُقْنِی... الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الـدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ... مُوءْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ، حَتَّی... یَأْیَسَ وَلِیِّی مِنْ مَیْلِی وَ انْحِطَاطِ هَوَایَ

و مرا در حال خوشنودی وخشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم. تا دوستم از میل نفسم و هواداری نادرستم، ناامید شود.۱۳/۲۲

بر گزیدن هوا و خواهش والدین، بر هوای خود

اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّی أُوثِرَ عَلَی هَوَایَ هَوَاهُمَا

اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا میل ایشان را بر میل خود برتری دهم.۵/۲۴

هوا و هوس، و دعوت بنده به محذورات

...بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَی مَا زَیَّلْتَهُ وَ إِلَی مَا حَذَّرْتَهُ

...بلکه خواهش نفسش به آنچه او را از آن بازداشتی و به آنچه از آن برحذر نمودی، فراخواندش.۶۸/۴۷

تباه شدن بنده، به هوا و هوس

وَ حُلْ بَیْنِی وَ بَیْنَ... هَوًی یُوبِقُنِی

و میان من و خواهش نفس که مرا هلاک می گرداند، جدایی انداز.۹۹/۴۷

وَ هَوَایَ أَرْدَانِی

و هوای نفسم مرا تباه ساخته.۷/۵۲

هویدا آشکار

ص: ۱۲۴۵

ی

یاد

فرشتگان و یاد نعمت های الهی

الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ آلَائِكَ

به ذکر نعمت های تو حریص می باشند.۸/۳

درود خدا بر فرشته یاد نشده توسّط بنده

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّ_ان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم.۲۲و۱۱و۱۰/۳

یاد نمودن خدا، از پیشوایان هدایت

فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِيهِ رَسُولًا، وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، مِنْ أَئِمَّهِ الْهُدَى، وَ قَادَهِ أَهْلِ التُّقَى عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ، فَاذْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَهٍ وَ رِضْوَانٍ

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی و برای اهل آن راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا

محمّد – که درود خدا بر او و خاندانش باد –، از امامانِ رستگاری و پیشوایان اهل پرهیزکاری – که بر همه آنها درود باد – پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.۲/۴

یاد بزرگی خدا و سلامتی دل ها

وَ اجْعَلْ سَلَامَهَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ

و سلامتی دل های ما را در یاد بزرگی خود قرار ده.۱۴/۵

شرافتْ بودنِ یاد خدا، برای یادکنندگان

يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ

ای که یاد او برای یادکنندگان بزرگی است.

مشغول ساختن دل بنده، به یاد خدا

وَ اشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ

و دل های ما را به یاد خود از هر یادی مشغول ساز. ۱/۱۱

وَ فَرِّغْ قَلْبِی لِمَحَبَّتِكَ، وَ اشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ

و دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به یادت مشغول دار.۱۰/۲۱

سبب خالی بودن نامه اعمال، از یاد گناه

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ... حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَّابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا

ص: ۱۲۴۷

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. تا نویسندگان بدی ها با نامه ای خالی از کردار زشت از نزد ما بازگردند.۲/۱۱

ذکر نمودن حاجت خود

وَ مِنْ حَاجَتِی یَا رَبِّ کَذَا وَ کَذَا. وَ تَذْکُرُ حَاجَتَکَ...

ای پروردگار من و از جمله خواسته ام چنین و چنان است. و حاجت خود را نام می بری.

۲۵/۱۳

یادآوریِ از بین بردن گناه، با بیماری

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا... تَذْکِیرًا لِمحْوِ الْحَوْبَهِ بِقَدِیمِ النِّعْمَهِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا برای از بین بردن گناه به وسیله نعمت پیشین یادآوری باشد.۴/۱۵

یاد احسان الهی

وَ یَا مَنْ إِلَی ذِکْرِ إِحْسَانِهِ یَفْزَعُ الْمُضْطَرُّونَ

و ای کسی که بیچارگان به یاد نیکی اش پناه می برند. ۲/۱۶

سبب ناتوان گشتن بنده، از یادآوری گناه

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی، أَکْثَرُ ذُنُوبًا... مِنْ أَنْ... أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من – ای خدای من – گناهانم بیشتر از آن

است که بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

گویا شدن به ذکر خدا، تا کُند شدن زبان

یَا إِلَهِی لَوْ بَکَیْتُ إِلَیْکَ حَتَّی تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَیْنَیَّ... وَ ذَکَرْتُکَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ حَتَّی یَکِلَّ لِسَانِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد و در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از

کار بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

به نیکی یاد کردن بنده، از غیبت کننده اش

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أُخَالِفَ مَنِ اغْتَابَنِی إِلَی حُسْنِ الذِّکْرِ

و مرا توفیق ده تا با آنکه از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم.۹/۲۰

القائات شیطانی و یاد بزرگی خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ فِی رُوعِی مِنَ الَّتمَنِّی وَ التَّظَنِّی وَ الْحَسَدِ ذِکْرًا لِعَظَمَتِکَ

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو و خیال بافی و رشک، در دل من می افکند، یاد بزرگی ات را قرار ده.۱۳/۲۰

اوقات غفلت و یاد خداوند

وَ نَبِّهْنِی لِذِکْرِکَ فِی أَوْقَاتِ الْغَفْلَهِ

ص: ۱۲۴۸

و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن.

۲۹/۲۰

فراموشکار نساختن بنده، نسبت به یاد خدا

وَ لَا تَجْعَلْنِی نَاسِیًا لِذِکْرِکَ فِیما أَوْلَیْتَنِی

و مرا فراموشکارِ یادت در آنچه به من عطا نمودی، قرار نده.۸/۲۱

به یاد داشتن واجبات الهی

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ... ذَکَرْتُهُ أَوْ نَسِیتُهُ

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده. خواه آن را به یاد داشته یا فراموشش کرده باشم.۶/۲۲

در نظر داشتن اعمال بندگان، نزد خدا

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِیَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ... وَ اجْعَلْ ذَلِکَ... مَذْکُورًا لَدَیْکَ

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت. و آن را درنظرداشته نزد خود قرار ده.۴/۲۳

گویا کردن زبان بنده، به یاد خدا

وَ أَنْطِقْ بِحَمْدِکَ... وَ ذِکْرِکَ... لِسَانِی

و زبانم را به حمد خود و یادت، گویا فرما.

۵/۲۳

به یاد آوردن بنده، توسّط قصدبددارنده درباره او

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُقْفِلَ دُونَ إِخْطَارِی قَلْبَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا دلش را هنگام یاد من، قفل زنی.۸و۷/۲۳

(شنیدن) ذکر بنده، توسّط قصدبددارنده درباره وی

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُصِمَّ عَنْ ذِکْرِی سَمْعَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصـرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا گوشـش را از (شنیدن) یاد من، کر سازی.

۷/۲۳و۸

نبردن یاد والدین، از یاد فرزند

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَهُمَا فِی أَدْبَارِ صَلَوَاتِی، وَ فِی إِنًی مِنْ آنَاءِ لَیْلِی، وَ فِی کُلِّ سَاعَهٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِی

خداوندا یاد آنان را بعدِ نمازهایم و در هیچ وقتی از اوقات شبم و در هیچ ساعتی از ساعات روزم، از یادم نبر.۱۳/۲۴

به یاد آوردن آنچه باعث اصلاح حال بنده شود

ص: ۱۲۴۹

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِکَلِّ مَا یُصْلِحُنِی فِی دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی مَا ذَکَرْتُ مِنْهُ وَ مَا نَسِیتُ

و هر چه در دنیایم و آخرتم به صلاحم است، چه آن را به یاد آوردم یا آنچه فراموش کردم، بر من ارزانی دار.۹/۲۵

مرزداران اسلام و یاد دنیای فریبنده

وَ أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِکْرَ دُنْیَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ

و هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر.۴/۲۷

بردن یاد زن و فرزند، از خاطر مجاهد

وَ أَنْسِهِ ذِکْرَ الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ

و یاد خانواده و فرزند را فراموشش ساز.

۱۳/۲۷

به یاد داشتن گرفتاری ها

اللَّهُمَّ وَ عَلَیَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَ تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِیتُهُنَّ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که به یاد دارم و گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام. پس صاحبانش را عوض ده.

۱۸/۳۱

یاد شدن نیکوکاران

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، إِذَا ذُکِرَ الْأَبْرَارُ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست هنگامی که نیکوکاران یاد شوند.۳۴/۳۲

برتری یاد خدا، نسبت به یادشدگان

تَعَالَی ذِکْرُکَ عَنِ الْمَذْکُورِینَ

یاد تو از یادشدگان برتر است.۱۴/۳۹

همیشه به یاد مرگ بودن

وَ لَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِبًّا

و گهگاه یاد کردنش را برای ما قرار نده.

۲/۴۰

یاد نمودن خدا، از بنده

فَقُلْتَ: اذْكُرُونِی أَذْكُرْكُمْ

پس فرمودی: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم.»

۱۴/۴۵

نعمت الهی، عاملی برای یاد خدا

فَذَكَرُوكَ بِمَنِّكَ

پس با نعمتِ خودت، تو را یاد کردند.

۱۶/۴۵

نبردن یاد خدا، از یاد بنده

وَ لَا تُنْسِنِی ذِكْرَكَ

و یاد خود را از خاطرم نبر.۱۱۴/۴۷

ص: ۱۲۵۰

ذکر نیکوی بنده، در بین آیندگان

وَ اجْعَلْ لِی لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْغَابِرِینَ، وَ ذِکْرًا نَامِیًا فِی الْآخِرِینَ

و برای من یاد نیکو در بازماندگان و آوازه نیک در آیندگان قرار ده.۱۲۷/۴۷

محو شدن یاد بنده، در میان آفریدگان

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی إِذَا... امَّحَی مِنَ الْمَـخْلُوقِینَ ذِکْرِی

مولای من! هنگامی که یادم از میان آفریدگان محو گردد، به من رحم کن.۵/۵۳

یاری

سپاسی مددکننده، بر انجام حقّ خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکُونُ... عَوْنًا عَلَی تَأْدِیَهِ حَقِّهِ وَ وَظَائِفِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که یاوری بر ادای حقّ و وظائفش باشد.۲۹و۲۷/۱

یاری دهنده بودن خداوند

إِنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیدٌ

به درستی که او یاری دهنده ستوده است.

۳۰و۲۷/۱

پیامبر صلی الله علیه و آله و یاری طلبیدن از مدد الهی

فَنَهَدَ إِلَیْهِمْ مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِکَ

پس با امید به پیروزی به یاری تو، به سوی آنان تاخت.۱۹/۲

نیرو یافتن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به یاری خدا

فَنَهَدَ إِلَیْهِمْ... مُتَقَوِّیًا عَلَی ضَعْفِهِ بِنَصْرِکَ

پس با قوّت بخشیدن ضعف خود به کمک تو، به سوی آنان تاخت.۱۹/۲

درود خدا، بر ملک الموت و یارانش

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مَلَكِ الْمَوْتِ وَ أَعْوَانِهِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرشته مرگ و یارانش.۱۸و۱۱و۱۰/۳

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و یاری او در جنگ

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّهً الَّذِينَ... أَبْلَوُا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ، وَ كَانَفُوهُ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که در یاری او از آزمایش خوب برآمدند و به وی کمک رساندند...۳/۴

یاری دادن تابعین، به اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

...مُكَانِفِينَ وَ مُوَازِرِينَ لَهُمْ

...بر ایشان یاری کننده و کمک دهنده می باشند.

۱۲/۴

ص: ۱۲۵۱

سبب یاری تابعین، بر هر کار نیک

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً... تُعِينُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بِرٍّ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن بر خواسته های نیک آنانْ کمک رسانی.

۱۴و۱۳/۴

توفیق یاری حق

وَ وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ نُصْرَةِ الْحَقِّ وَ إِعْزَازِهِ

و ما را برای انجام نیکی و یاری دادن و تقویت حق، توفیق ده.۱۸/۶

توفیق کمک به ناتوان

وَ وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ مُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ

و ما را برای انجام نیکی و کمک کردن ناتوان، توفیق ده.۱۸/۶

نبودِ یاری دهنده ای ، برای خوار شده توسّط خدا

وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ

و برای آنکه خوار نمودی، یاری دهنده ای نیست.۷/۷

کمک کردن به ستمگر

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ نَعْضُدَ ظَالِمًا

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه ستمگری

را کمک کنیم.۴و۱/۸

درود بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او؛ کمکی برای بنده

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي...

و بر محمّد و خاندانش درود فرست و آن را کمکی برای من قرار ده.۲۴/۱۳

یاری شدن بنده، در مخالفت با ستمگر

وَ أَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِی

و مرا در مخالفت با او به خوبی یاری فرما.

۷/۱۴

از حاکمی جز خدا، یاری نطلبیدن

اللَّهُمَّ... لَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ

خداوندا از حکم کننده ای جز تو یاری نمی جویم. ۱۱/۱۴

خدا، مددکار هر نیازمند رانده شده

وَ يَا عَضُدَ كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ

و ای یاور هر نیازمند رانده شده.۴/۱۶

کمک نمودن به بنده، با عصمت

وَ أَيِّدْنِی بِالْعِصْمَهِ

و با نگهداری از گناه تأییدم کن.۳۳/۱۶

یاری نشدن بنده، در صورت تنها گذاردن

ص: ۱۲۵۲

او توسّط خدا

وَ مَنْ يُسَاعِدُنِی وَ أَنْتَ أَفْرَدْتَنِی؟

و چه کسی مرا یاری دهد، در حالی که تو مرا تنها گذاشته ای؟۲/۲۱

یاری نشدن مطلوب، جز توسّط طالب

وَ لَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَى مَطْلُوبٍ

و طلب شده را جز طلب کننده، یاری نمی رساند.۳/۲۱

کمک گرفتن از غیر خدا و عدم دسترسی به آنچه نزد خداست

...وَ لَمْ أَقْدِرْ عَلَى مَا عِنْدَكَ بِمَعُونَةِ سِوَاكَ

...و به آنچه نزد توست، با کمک غیر تو دسترسی ندارم.۵/۲۱

کمک نمودن به نیکان خلق

وَ اجْعَلْنِی لَهُمْ نَصِيرًا

و مرا یاور آنها قرار ده.۱۳/۲۱

بهترین کس، جهت طلب یاری

يَا خَيْرَ مَنِ اسْتُعِينَ بِهِ

ای بهترین کسی که به وسیله او یاری خواسته شده.۱۱/۲۴

یاری نمودن بنده، توسّط بهترین یاری گر

وَ أَعِنِّی يَا خَيْرَ مَنِ اسْتُعِينَ بِهِ

و مرا یاری ده، ای بهترین کسی که به وسیله او یاری خواسته شده.۱۱/۲۴

وَ أَسْتَنْصِرُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ انْصُرْنِی

و از تو یاری می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا یاری ده.۲۱/۴۸

وَ أَسْتَعِينُکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِنِّی

و از تو کمک می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا کمک کن.۲۵/۴۸

فرزندان و یاری والدین، بر حاجتشان

وَ أَعِنِّی بِهِمْ عَلَی حَاجَتِی

و در برآمدن حاجتم به وسیله آنان یاری ام ده.

۴/۲۵

یاری نمودن والدین، در تربیت فرزندان

وَ أَعِنِّی عَلَی تَرْبِیَتِهِمْ وَ تَأْدِیبِهِمْ، وَ بِرِّهِمْ

و مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما.۵/۲۵

فرزندان نرینه؛ یاور والدین

وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُکُورًا... وَ اجْعَلْهُمْ لِی عَوْنًا عَلَی مَا سَأَلْتُکَ

و از نزد خود افزون بر ایشان، پسران دیگری به من ببخش و ایشان را برای من، بر آنچه از تو خواستم، مددکار قرار ده.۵/۲۵

امام علیه السلام و یاری شدنش توسّط خداوند

وَ تَوَلَّنِی فِی جِیرَانِی وَ مَوَالِیَّ الْعَارِفِینَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِذِینَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَایَتِکَ

و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما.۱/۲۶

توفیق خوب کمک کردن، به همسایگان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی إِرْفَاقِ ضَعِیفِهِمْ... وَ حُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان و همیاری نیکو در مایحتاج زندگی یشان، توفیق ده.۲/۲۶

یاری کردن همسایگان ستم دیده

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی إِرْفَاقِ ضَعِیفِهِمْ... وَ نُصْرَهِ مَظْلُومِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان و یاریِ ستم دیده شان، توفیق ده.۲/۲۶

یاری مرزداران اسلام، با پیروزی

وَ اعْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ

و با پیروزی یاریشان ده.۲/۲۷

کمک کردن به مرزداران اسلام، با صبر

وَ أَعِنْهُمْ بِالصَّبْرِ

و با شکیبایی یاریشان ده.۲/۲۷

بریدن کمک، از دشمنان مرزداران اسلام

وَ اقْطَعْ عَنْهُمُ الْمَدَدَ

و کمک رسانی را از ایشان قطع کن.۵/۲۷

یاری دادن مرزداران اسلام، با فرشتگان

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِینَ...

و آنان را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما.۸/۲۷

یاری خدا به مجاهد مسلمان

وَ أَیِّدْهُ بِالنُّصْرَهِ

و با یاری خود توانایش گردان.۱۴/۲۷

پاداش کمک کردن به جنگجو یا مرزدار اسلام

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِیًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ أَعَانَهُ بِطَائِفَهٍ مِنْ مَالِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را به پاره ای از دارایی خود یاری داد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ أَمَدَّهُ بِعِتَادٍ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را با ساز و برگ جنگ کمک نمود، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

توانایی خدا و بدون یاور بودنش

اللَّهُمَّ يَا ذَا... السُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ بِغَيْرِ جُنُودٍ وَ لَا أَعْوَانٍ

خداوندا ای فرمانروای استوارِ بدون لشکریان و یاران.۲و۱/۳۲

بنده و یاری نکردن ستم دیده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَيْکَ مِنْ مَظْلُومٍ ظُلِمَ بِحَضْرَتِی فَلَمْ أَنْصُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از ستم دیده ای که در حضور من به او ستم شد، پس او را یاری نکردم.۱/۳۸

یاری بنده، بر ختم کتاب خدا

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعَنْتَنِی عَلَى خَتْمِ كِتَابِکَ الَّذِی أَنْزَلْتَهُ نُورًا

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی.۱/۴۲

کمک کردن به بندگان، برای تلاوت قرآن

اللَّهُمَّ فَإِذْ أَفَدْتَنَا الْمَعُونَةَ عَلَى تِلَاوَتِهِ... فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که ما را بر تلاوتش یاری نمودی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

یاری خواستن از خدا، بر روزه گرفتن

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيکَ...

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما.۶/۴۴

برخاستن در شب های رمضان، به یاری خدا

وَ قُمْنَا بِعَوْنِکَ لَيْلَهُ

و به یاری تو شبش را به پا خاستیم.۲۱/۴۵

رمضان و یاری بندگان در غلبه بر شیطان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ

درود بر تو یاوری که در برابر شیطان یاری کرد.۲۹/۴۵

یاری نشدن خدا، در آفرینش

أَنْتَ الَّذِی لَمْ يُعِنْكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ

تویی آنکه در آفریدنت، شریکی یاری ات نداد.

۱۴/۴۷

یاری نشدن خدا، توسّط وزیری

ص: ۱۲۵۵

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ یُوَازِرْکَ فِی أَمْرِکَ وَزِیرٌ

تویی آنکه در کارت، وزیری تو را کمک نکرده است.۱۴/۴۷

یاری گردیدن کوشنده در سپاس الهی

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُعَانُ مَنِ اجْتَهَدَ فِی تَعْدِیدِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد.۴۵و۳۶/۴۷

تأیید و کمک شدن سپاس گزار، در سپاس الهی

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... یُوءَیَّدُ مَنْ أَغْرَقَ نَزْعًا فِی تَوْفِیَتِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که زیاده روی نمود در کامل به جا آوردن آن، تأیید شود.۴۵و۳۶/۴۷

عامل کمک نمودن خدا، به دین خود

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَیَّدْتَ دِینَکَ فِی کُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی.۶۰/۴۷

وسایل یاری نمودن ولیّ خدا

وَ انْصُرْهُ بِمَلَائِکَتِکَ، وَ امْدُدْهُ بِجُنْدِکَ الْأَغْلَبِ

و با فرشتگانت یاری اش نما و با چیره ترین

لشکرت، به او کمک رسان.۶۱/۴۷

یاری دادن ولیّ خدا، به تواناترین تکیه گاه الهی

وَ أَعِنْهُ بِرُکْنِکَ الْأَعَزِّ

و او را به تواناترین تکیه گاه (نیروی) خود، یاری فرما.۶۱/۴۷

عطای سلطنتی یاری دهنده، به ولیّ خدا

وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطَانًا نَصِیرًا

و او را از جانب خود، سلطنتی یاری گر عطا فرما.۶۱/۴۷

از یاری کنندگان ولیّ خدا بودن

وَ اجْعَلْنَا... إِلَی نُصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَهِ عَنْهُ مُکْنِفِینَ

و ما را در مدد نمودنش و دفاع از او، یاری کنندگان قرار ده.۶۳/۴۷

(شیطان) و یاری دادن بنده، در نافرمانی خدا

وَ أَعَانَهُ عَلَی ذَلِکَ عَدُوُّکَ وَ عَدُوُّهُ

و دشمن تو و دشمن او (شیطان)، او را بر آن یاری کرد.۶۸/۴۷

یار ستمگران نبودن

وَ لَا تَجْعَلْنِی لِلظَّالِمِینَ ظَهِیرًا، وَ لَا لَهُمْ عَلَی مَحْوِ کِتَابِکَ یَدًا وَ نَصِیرًا

ص: ۱۲۵۶

و مرا پشتیبان ستمگران و یاور آنان در محو کتاب خود، قرار نده.۱۳۲/۴۷

شتاب در یاری به جانشینان خداوند

وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ... وَ النُّصْرَهَ... وَ التَّأْیِیدَ لَهُمْ

و در فرج و نصرت و تأیید آنان، شتاب فرما.

۱۱/۴۸

یاری خواستن از خدا

وَ أَسْتَنْصِرُکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ انْصُرْنِی

و از تو یاری می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا یاری ده.۲۱/۴۸

وَ أَسْتَعِینُکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِنِّی

و از تو کمک می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا کمک کن.۲۵/۴۸

خدا، و آغازِ یاری بنده

فَابْتَدَأْتَنِی بِنَصْرِکَ

پس به یاری کردنم آغاز نمودی.۶/۴۹

پناهنده شدن به پناهگاه یاری الهی

فَنَادَیْتُکَ یَا إِلَهِی... عَالِمًا أَنَّهُ... لَا یَفْزَعُ مَنْ لَجَأَ إِلَی مَعْقِلِ انْتِصَارِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به پناهگاه یاری تو پناهنده شود، هراسی ندارد.۱۰/۴۹

توانایی بخشیدن خدا، با یاری نمودنش

یَا مُوءَیِّدِی بِالنَّصْرِ

ای نیرودهنده با یاری نمودن.۷/۵۱

عدم یاری بنده و شکست خوردن او

فَلَوْ لَا نَصْرُکَ إِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِینَ

پس اگر یاری کردن تو نبود، هر آینه از شکست خوردگان بودم.۷/۵۱

فقط از خدا یاری خواستن

وَ إِیَّاکَ أَسْتَعِینُ

و فقط از تو یاری می جویم.۱۱/۵۲

آنچه بنده از خدا می خواهد او را به آن یاری دهد:

أ. توفیق الهی و راهنمایی به راه حق

فَأَیِّدْنَا بِتَوْفِیقِکَ، وَ سَدِّدْنَا بِتَسْدِیدِکَ

پس ما را به توفیق خود توانایی ده و به راه راست خود ثابت قدم گردان.۶/۹

وَ أَیِّدْنِی بِتَوْفِیقِکَ وَ تَسْدِیدِکَ

و مرا به توفیق و راهنمایی ات به راه راست، نیرو ده.۱۱۳/۴۷

ب. نیّت صادقانه و شکیبایی همیشگی

وَ أَیِّدْنِی مِنْکَ بِنِیَّةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.۱۴/۱۴

ص: ۱۲۵۷

ج. آموختن علم های خدایی

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِکَ عَلَیْهِ فِی مَعْرِفَهِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِیَّهِ

خداونـدا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که در راه شـناخت علم های خـدایی از تو یاری خواست تا بر ضـدّ او اقدام کند، اجابت فرما.۱۱/۱۷

د. صبر نیکو، در همنشینی با فقرا

وَ أَعِنِّی عَلَی صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ

و مرا بر همنشینی ایشان (نیازمندان)، با شکیبایی نیکوْ یاری ده.۴/۳۰

هـ. یقین اخلاص دارندگان

وَ أَیِّدْنَا بِیَقِینِ الْمُـخْلِصِینَ

و ما را به یقینِ اهل اخلاص، توانا فرما.

۲/۳۳

و. عزّتی پایدار

وَ أَیِّدْنَا بِعِزٍّ لَا یُفْقَدُ

و ما را با عزّتی که از دست نرود، تأیید فرما.۵/۳۵

ز. سنگینی آنچه بنده را گرانبار نموده

وَ أَسْتَعِینُ بِکَ عَلَی مَا قَدْ فَدَحَنِی ثِقْلُهُ

و از تو یاری می جویم بر آنچه سنگینی اش مرا گرانبار نموده.۸/۳۹

ح. روزه داشتن

وَ أَعِنَّا فِی نَهَارِهِ عَلَی صِیَامِهِ

و ما را در روزش به روزه داری آن، یاری نما.۱۷/۴۴

ط. نماز و زاری به درگاه خدا

وَ أَعِنَّا... فِی لَیْلِهِ عَلَی الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَیْکَ

و ما را در شبش بر نماز و زاری به درگاهت، یاری نما.۱۷/۴۴

ی. انجام عبادت و بندگی شایسته خدا

فَإِذَا بَلَّغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَی تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَهِ

پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما.

۴۶/۴۵

ک. نیّت، گفتار و کردار نیک

وَ أَعِنِّی عَلَی صَالِحِ النِّیَّهِ، وَ مَرْضِیِّ الْقَوْلِ، وَ مُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ

و بر (داشتن) نیّت صالح و گفتار پسندیده و کردار نیکو یاری ام فرما.۱۱۳/۴۷

ص: ۱۲۵۸

یافتن

فضل الهی، و دست یافتن به توبه

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی دَلَّنَا عَلَی التَّوْبَهِ الَّتِی لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ

و سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را نیافتیم.۲۲/۱

سبب نیافتن راهی جز خدا، به آرزوها

اللَّهُمَّ إِنَّکَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّی وَجْهَکَ الْکَرِیمَ... لَمْ أَجِدِ السَّبِیلَ إِلَی شَیْءٍ مِنْ أَمَلِی غَیْرَکَ...

خداوندا اگر روی کریمت را از من برگردانی، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

یافت شدن راهی، در سپاس الهی

فَلَکَ الْحَمْدُ مَا وُجِدَ فِی حَمْدِکَ مَذْهَبٌ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که راهی در ستایش تو یافت شود.۱۷/۴۵

برخی یافته های بنده، در کتاب خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ... أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا نااميد نشوید که

خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

بخیل نیافتن خدا، هنگام درخواست

إِلَهِی مَا وَجَدْتُکَ بَخِیلًا حِینَ سَأَلْتُکَ

خدای من، هنگامی که از تو درخواست نمودم، تو را بخیل نیافتم.۵/۵۱

جز خدا، فریادرسی برای نیاز خود نیافتن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... سُوءَالَ مَنْ لَا یَجِدُ لِفَاقَتِهِ مُغِیثًا... غَیْرَکَ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که فریادرسی برای نیازش جز تو نمی یابد.۳/۵۴

یاوه گویی

تبدیل یاوه گویی، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت یا دشنام، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

یقین

یقین به نبودِ گریزگاهی از خدا

ص: ۱۲۵۹

...حَتَّی إِذَا رَأَی مُدَّهَ الْعَمَلِ قَدِ انْقَضَتْ وَ غَایَهَ الْعُمُرِ قَدِ انْتَهَتْ، وَ أَیْقَنَ أَنَّهُ لَا مَحِیصَ لَهُ مِنْکَ، وَ لَا مَهْرَبَ لَهُ عَنْکَ...

...تا اینکه می بیند زمان عمل گذشته و مدّت عمر به پایان رسیده و باور کرده که پناهگاه و گریزگاهی از تو برایش نیست.۸/۱۲

باور داشتن سرانجام دعوت خدا و دعوت شیطان

وَ أَنَا حِینَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَی دَعْوَتِکَ إِلَی الْجَنَّهِ، وَ مُنْتَهَی دَعْوَتِهِ إِلَی النَّارِ

و من در همان هنگام باور دارم که فرجام دعوت تو به سوی بهشت و پایان دعوت او به سوی آتش است.۲۴/۱۶

بهترین یقین

وَ اجْعَلْ یَقِینِی أَفْضَلَ الْیَقِینِ

و یقینم را برترین یقین قرار ده.۱/۲۰

پابرجایی یقین بنده

اللَّهُمَّ... صَحِّحْ بِمَا عِنْدَکَ یَقِینِی

خداوندا یقینم را به آنچه نزد توست درست گردان.۲/۲۰

بخشیدن یقین صادق، به بندگان

وَ هَبْ لَنَا یَقِینًا صَادِقًا

و ما را یقینی راستین ببخش.۲/۲۹

یقین صادق و رهاندن بندگان از دشواری درخواست

وَ هَبْ لَنَا یَقِینًا صَادِقًا تَکْفِینَا بِهِ مِنْ مَؤُونَهِ الطَّلَبِ

و ما را یقینی راستین ببخش، که بدان سبب ما را از زحمت طلب، بی نیاز نمایی.۲/۲۹

خدا را از روی یقین قصد نمودن

فَأَمَّکَ بِطَمَعِهِ یَقِینًا

پس از روی یقینْ با حرص، تو را قصد کرد.

۸/۳۱

سستی یقین و به دست گرفتن مهار بنده، توسّط شیطان

قَدْ مَلَکَ الشَّیْطَانُ عِنَانِی فِی سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ الْیَقِینِ

شیطانْ افسار مرا در بدگمانی و سست باوری به دست گرفت.۲۷/۳۲

یقین و باور اخلاص دارندگان

وَ أَیِّدْنَا بِیَقِینِ الْمُـخْلِصِینَ

و ما را به یقینِ اهل اخلاص، توانا فرما.

۲/۳۳

باور بنده به امان داده نشدنش از خدا، توسّط امان دهنده ای

ص: ۱۲۶۰

وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْکَ... مُوقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِی مِنْکَ مُجِيرٌ

و اینک منم در پیشگاه تو، باوردارنده به اینکه هیچ امان دهنده ای مرا از تو امان نمی دهد.۶۹/۴۷

باور بنده به باز داشته نشدنش از خدا، توسّط بازدارنده ای

وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْکَ... مُوقِنًا أَنَّهُ... لَا يَمْنَعُنِی مِنْکَ مَانِعٌ

و اینک منم در پیشگاه تو، باوردارنده به اینکه هیچ بازدارنده ای مرا از (بلای) تو بازنمی دارد.

۶۹/۴۷

دست یافتن به حقیقت یقین

يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ أَسْأَلُکَ... يَقِينًا تَنْفَعُ بِهِ مَنِ اسْتَيْقَنَ بِهِ حَقَّ الْيَقِينِ فِی نَفَاذِ أَمْرِکَ

ای صاحب عظمت و کرامت! از تو یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو حقیقتاً یقین پیدا کند، سود می دهی.

۳/۵۴

یقین متوکّلان به خدا

أَسْأَلُکَ... يَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْکَ

یقین توکّل کنندگان بر تو را، از تو درخواست می نمایم.۵/۵۴

یکتایی توحید

یک رنگی اخلاص

یکسان برابر

یگانگی توحید

یمین سوگند

یورش حمله

یوغ

یوغِ ذلّت به گردن نهادنِ پادشاهان

يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّهِ عَلَى أَعْنَاقِهَا

ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن هایشان نهاده اند.

۷/۵۱

ص: ۱۲۶۱

صحیفه سجّادیّه با ترجمه فارسی

اشاره

ص: ۱۲۶۳

اسناد الصحيفه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسناد الصحيفه

(١) حَدَّثَنَا السَّيِّدُ الأَجَلُّ،نَجمُ الدِّينِ،بَهَاءُ الشَّرَفِ، أَبُو الحَسَنِ مُحَمَّدُ بنُ الحَسَنِ بنِ أَحمَدَ بن عَلِيّ بنِ مُحَمّدِ بنِ عُمَرَ بنِ يَحيَى العلَوِي ـ الحسُيَنِي ـ رَحِمَهُ اللّهُ.(٢) قَالَ أَخبَرَنَا الشّيخُ السّعِيدُ، أَبُو عَبدِ اللّهِ مُحَمّدُ بنُ أَحمَدَ بن شَهرَيَارَ،الخَازِنُ لِخزَانَه مَولَانَا أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيّ بنِ أَبِى طَالِبٍ عَلَيهِ السّلَامُ فِى شَهرِ رَبِيعِ الأَوّلِ مِن سَنَه سِتّ عَشرَةَ وَ خَمسِمِائَهٍ قِرَاءَةً عَلَيهِ وَ أَنَا أَسمَعُ.(٣) قَالَ سَمِعتُهَا عَنِ الشّيخِ الصّدُوقِ، أَبِى مَنصُورٍ مُحَمّدِ بنِ مُحَمّدِ بنِ أَحمَدَ بنِ عَبدِ العَزِيزِ العكُبرَىِ ـ المُعَدّلِ رَحِمَهُ اللّهُ عَن أَبِى المُفَضّلِ مُحَمّدِ بنِ عَبدِ اللّهِ بنِ المُطّلِبِ الشيّبَانِى ـ(۴) قَالَ حَدّثَنَا الشّرِيفُ، أَبُو عَبدِ اللّهِ جَعفَرُ بنُ مُحَمّدِ بنِ جَعفَرِ بنِ الحَسَنِ بنِ جَعفَرِ بنِ الحَسَنِ بنِ الحَسَنِ بنِ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيّ بنِ أَبِى طَالِبٍ عَلَيهِمُ السّلَامُ(۵) قَالَ حَدّثَنَا عَبدُ اللّهِ بنُ عُمَرَ بنِ خَطّابٍ الزّيّاتُ سَنَهَ خَمسٍ وَ سِتّينَ وَ مِائَتَينِ(۶) قَالَ حَدّثَنِي خَالِي عَلِيّ بنُ النّعمَانِ الأَعلَمُ(٧) قَالَ حَدّثَنِي عُمَيرُ بنُ مُتَوَكّلٍ الثقّفَى ـ البلَخيِ ـ عَن أَبِيهِ مُتَوَكّلِ بنِ هَارُونَ.(٨) قَالَ لَقِيتُ يَحيَى بنَ زَيدِ بنِ عَلِيّ عَلَيهِ السّلَامُ وَ هُوَ مُتَوَجّهٌ إِلَى خُرَاسَانَ بَعدَ قَتلِ أَبِيهِ فَسَلّمتُ عَلَيهِ(٩) فَقَالَ لِي مِن أَينَ أَقبَلتَ قُلتُ مِنَ الحَجّ(١٠)فسَأَلَنِي عَن أَهلِهِ وَ بنَيِ عَمّهِ بِالمَدِينَهِ وَ أَحفَى السّؤَالَ عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمّدٍ عَلَيهِ السّلَامُ فَأَخبَرتُهُ بِخَبَرِهِ وَ خَبَرِهِم وَ حُزنِهِم عَلَى أَبِيهِ زَيدِ بنِ عَلِيّ عَلَيهِ السّلَامُ

ص: ١٢٦۴

۱ سیّد اجل، نجم الدین، بهاءالشرف، ابوالحسن محمّد بن حسن بن احمد بن علی بن محمّد بن عمر بن یحیی العلوی الحسینی - که رحمت خداوند بر او باد - ما را حدیث نمود ۲ (و) فرمود: خبر داد ما را شیخ سعید، ابو عبداللّه محمّد بن احمد بن شهریار، خزانه دارِ (حرم) پیشوای ما امیرالمومنین علی بن ابیطالب - که سلام بر او باد - در ماه ربیع الاول از سال پانصد و شانزده (به صحیفه سجادیه) به صورتی که صحیفه را بر او می خواندند و من می شنیدم. ۳ گفت شنیدم صحیفه را پیش از این بر شیخ صدوق ابومنصور: محمّد بن محمّد بن احمد بن عبدالعزیز عکبری معدّل - که رحمت خداوند بر او باد - می خواندند، از ابوالمفضّل محمّد بن عبداللّه مطلب شیبانی. ۴ او گفت: حدیث کرد ما را شریف ابو عبداللّه جعفر بن محمّد بن جعفر بن حسن بن جعفر بن حسن بن حسن بن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب - که سلام بر آنان باد - . ۵ او گفت: حدیث کرد ما را عبداللّه بن عمر بن خطاب زیات، به سال دویست و شصت و پنج. ۶ او گفت: حدیث کرد مرا دایی ام: علی بن نعمان اعلم. ۷ او گفت: حدیث کرد مرا عمیر بن متوکّل ثقفی بلخی از پدرش متوکّل بن هارون. ۸ او گفت: یحیی بن زید بن علی - که سلام بر او باد - را هنگامی که پس از شهادت پدرش (زید)، به سوی خراسان می رفت ملاقات نمودم. بر او سلام کردم. ۹ گفت: از کجا می آیی؟ گفتم: از حجّ. ۱۰ پس، احوال کسان و عموزادگان خود را در مدینه جویا شد. به ویژه حال جعفر بن محمّد - که سلام بر او باد - را بسیار پرسش کرد. من هم او را از آن حضرت و پسر عموهایش و اندوهشان بر (شهادت) پدرش زید بن علی - که سلام بر او باد - مطّلع نمودم.

ص: ۱۲۶۵

(۱۱) فَقَالَ لِی قَد کَانَ عمَیّ مُحَمّدُ بنُ عَلِیّ عَلَیهِ السّلَامُ أَشَارَ عَلَی أَبِی بِتَرکِ الخُرُوجِ وَ عَرّفَهُ إِن هُوَ خَرَجَ وَ فَارَقَ المَدِینَهَ مَا یَکُونُ إِلَیهِ مَصیرُ أَمرِهِ فَهَل لَقِیتَ ابنَ عمَیّ جَعفَرَ بنَ مُحَمّدٍ عَلَیهِ السّلَامُ قُلتُ نَعَم.(۱۲) قَالَ فَهَل سَمِعتَهُ یَذکُرُ شَیئاً مِن أَمرِی قُلتُ نَعَم.(۱۳) قَالَ بِمَ ذَکَرَنِی خَبّرنِی، قُلتُ جُعِلتُ فِدَاکَ مَا أُحِبّ أَن أَستَقبِلَکَ بِمَا سَمِعتُهُ مِنهُ.(۱۴) فَقَالَ أَ بِالمَوتِ تُخَوّفُنِی هَاتِ مَا سَمِعتَهُ،فَقُلتُ سَمِعتُهُ یَقُولُ إِنّکَ تُقتَلُ وَ تُصلَبُ کَمَا قُتِلَ أَبُوکَ وَ صُلِبَ(۱۵)فَتَغَیّرَ وَجهُهُ وَ قَالَیَمحُوا اللّهُ ما یَشاءُ وَ یُثبِتُ وَ عِندَهُ أُمّ الکِتابِ، یَا مُتَوَکّلُ إِنّ اللّهَ عَزّ وَ جَلّ أَیّدَ هَذَا الأَمرَ بِنَا وَ جَعَلَ لَنَا العِلمَ وَ السّیفَ فَجُمِعَا لَنَا وَ خُصّ بَنُو عَمّنَا بِالعِلمِ وَحدَهُ.(۱۶)فَقُلتُ جُعِلتُ فِدَاءَکَ إِنّی رَأَیتُ النّاسَ إِلَی ابنِ عَمّکَ جَعفَرٍ عَلَیهِ السّلَامُ أَمیَلَ مِنهُم إِلَیکَ وَ إِلَی أَبِیکَ(۱۷) فَقَالَ إِنّ عمَیّ مُحَمّدَ بنَ عَلِیّ وَ ابنَهُ جَعفَراً عَلَیهِمَا السّلَامُ دَعَوَا النّاسَ إِلَی الحَیَاهِ وَ نَحنُ دَعَونَاهُم إِلَی المَوتِ(۱۸)فَقُلتُ یَا ابنَ رَسُولِ اللّهِ أَ هُم أَعلَمُ أَم أَنتُم فَأَطرَقَ إِلَی الأَرضِ مَلِیّاً ثُمّ رَفَعَ رَأسَهُ وَ قَالَ کُلّنَا لَهُ عِلمٌ غَیرَ أَنّهُم یَعلَمُونَ کُلّ مَا نَعلَمُ، وَ لانَعلَمُ کُلّ مَا یَعلَمُونَ(۱۹) ثُمّ قَالَ لِی أَ کَتَبتَ مِنِ ابنِ عمَیّ شَیئاً قُلتُ نَعَم(۲۰) قَالَ أَرِنِیهِ فَأَخرَجتُ إِلَیهِ وُجُوهاً مِنَ العِلمِ وَ أَخرَجتُ لَهُ دُعَاءً أَملَاهُ عَلَیّ أَبُو عَبدِ اللّهِ عَلَیهِ السّلَامُ وَ حدَثّنَی أَنّ أَبَاهُ مُحَمّدَ بنَ عَلِیّ عَلَیهِمَا السّلَامُ أَملَاهُ عَلَیهِ وَ أَخبَرَهُ أَنّهُ مِن دُعَاءِ أَبِیهِ عَلِیّ بنِ الحُسَینِ عَلَیهِمَا السّلَامُ مِن دُعَاءِ الصّحِیفَهِ الکَامِلَهِ

۱۱ پس گفت: عمویم محمّد بن علی (امام باقر) - که سلام بر او باد - پدرم را به قیام نکردن سفارش کرده بود و پند داد و آگاه نمود که اگر قیام کند و از مدینه بیرون رود پایان کارش به کجا می انجامد. آیا تو پسر عمویم جعفر بن محمّد - که سلام بر او باد - را دیدار نمودی؟ گفتم: آری. ۱۲ گفت: آیا از او مطلبی که از کار من بگوید شنیدی؟ گفتم: آری. ۱۳ گفت: درباره من چه فرمود؟ مرا آگاه کن. گفتم: فدایت گردم. دوست ندارم آنچه از او شنیده ام روبرویت بگویم. ۱۴ گفت: مرا از مرگ می ترسانی؟! آنچه شنیده ای بیان کن. گفتم: از آن حضرت شنیدم که فرمود: شما کشته و به دار آویخته می شوی، چنانکه پدرتان کشته و به دار آویخته گردید. ۱۵ پس رنگ رویش دگرگون شد و گفت: خدا هر چه خواهد محو و هر چه را خواهد ثابت می دارد و اصل کتاب نزد او است. ای متوکّل همانا خداوند بزرگ این کار (دین) را به وسیله ما تأیید نموده و دانش و شمشیر را برای ما قرار داده و این دو در اختیار ماست، و به عموزادگان ما تنها علم عطا کرده. ۱۶ گفتم: فدایت شوم می بینم مردم میلشان به پسر عمویت جعفر - که سلام بر او باد - از تو و پدرت بیشتر است. ۱۷ گفت: عمویم محمّد بن علی و پسرش جعفر - که سلام بر آنان باد - مردم را به زندگی دعوت می کنند و ما آنان را به مرگ فرامی خوانیم. ۱۸ گفتم: ای پسر رسول خدا، ایشان داناترند یا شما؟ پس مدّتی دراز، چشم به زمین افکند. سپس سر بلند کرده گفت: همه ما دارای دانش هستیم جز آنکه ایشان آنچه را که ما می دانیم، می دانند و ما آنچه را که آنان می دانند، نمی دانیم. ۱۹ سپس به من گفت: چیزی از پسر عمویم نوشته ای؟ گفتم: آری. ۲۰ گفت: به من نشان بده. پس انواعی از مسائل علمی را به او نشان دادم، و دعایی را که امام صادق - که سلام بر او باد - بر من املا فرموده و به من گفته بود که پدرش محمّد بن علی (امام باقر) - که سلام بر آنان باد - بر او املا کرده و او را خبر داده بود که آن دعا از دعای پدرش علی ابن الحسین - که سلام بر آنان باد - (و) از جمله دعاهای صحیفه کامله است را به او ارائه نمودم.

(۲۱)فَنَظَرَ فِیهِ یَحیَی حَتّی أَتَی عَلَی آخِرِهِ، وَ قَالَ لِی أَ تَأذَنُ فِی نَسخِهِ فَقُلتُ یَا ابنَ رَسُولِ اللّهِ أَ تَستَأذِنُ فِیمَا هُوَ عَنکُم(۲۲) فَقَالَ أَمَا لَأُخرِجَنّ إِلَیکَ صَحِیفَةً مِنَ الدّعَاءِ الکَامِلِ مِمّا حَفِظَهُ أَبِی عَن أَبِیهِ وَ إِنّ أَبِی أَوصَانِی بِصَونِهَا وَ مَنعِهَا غَیرَ أَهلِهَا.(۲۳) قَالَ عُمَیرٌ قَالَ أَبِی فَقُمتُ إِلَیهِ فَقَبّلتُ رَأسَهُ، وَ قُلتُ لَهُ وَ اللّهِ یَا ابنَ رَسُولِ اللّهِ إِنِیّ لَأَدِینُ اللّهَ بِحُبّکُم وَ طَاعَتِکُم، وَ إِنِیّ لَأَرجُو أَن یُسعِدَنِی فِی حَیَاتِی وَ مَمَاتِی بِوَلَایَتِکُم(۲۴)فَرَمَی صَحِیفَتِیَ الّتِی دَفَعتُهَا إِلَیهِ إِلَی غُلَامٍ کَانَ مَعَهُ وَ قَالَ اکتُب هَذَا الدّعَاءَ بِخَطّ بَیّنٍ حَسَنٍ وَ اعرِضهُ عَلَیّ لعَلَیّ أَحفَظُهُ فَإِنِیّ کُنتُ أَطلُبُهُ مِن جَعفَرٍ حَفِظَهُ اللّهُ فَیَمنَعُنِیهِ.(۲۵) قَالَ مُتَوَکّلٌ فَنَدِمتُ عَلَی مَا فَعَلتُ وَ لَم أَدرِ مَا أَصنَعُ، وَ لَم یَکُن أَبُو عَبدِ اللّهِ عَلَیهِ السّلَامُ تَقَدّمَ إِلَیّ أَلّا أَدفَعَهُ إِلَی أَحَدٍ.(۲۶) ثُمّ دَعَا بِعَیبَةٍ فَاستَخرَجَ مِنهَا صَحِیفَةً مُقفَلَةً مَختُومَةً فَنَظَرَ إِلَی الخَاتَمِ وَ قَبّلَهُ وَ بَکَی، ثُمّ فَضّهُ وَ فَتَحَ القُفلَ، ثُمّ نَشَرَ الصّحِیفَةَ وَ وَضَعَهَا عَلَی عَینِهِ وَ أَمَرّهَا عَلَی وَجهِهِ.(۲۷) وَ قَالَ وَ اللّهِ یَا مُتَوَکّلُ لَو لَا مَا ذَکَرتَ مِن قَولِ ابنِ عَمّی إِنّنِی أُقتَلُ وَ أُصلَبُ لَمَا دَفَعتُهَا إِلَیکَ وَ لَکُنتُ بِهَا ضَنِیناً.(۲۸) وَ لَکِنّی أَعلَمُ أَنّ قَولَهُ حَقّ أَخَذَهُ عَن آبَائِهِ وَ أَنّهُ سَیَصِحّ فَخِفتُ أَن یَقَعَ مِثلُ هَذَا العِلمِ إِلَی بَنِی أُمَیّةَ فَیَکتُمُوهُ وَ یَدّخِرُوهُ فِی خَزَائِنِهِم لِأَنفُسِهِم.(۲۹)فَاقبِضهَا وَ اکفِنِیهَا وَ تَرَبّص بِهَا فَإِذَا قَضَی اللّهُ مِن أَمرِی وَ أَمرِ هَؤُلَاءِ القَومِ مَا هُوَ قَاضٍ فَهِیَ أَمَانَةٌ لِی عِندَکَ حَتّی تُوصِلَهَا إِلَی ابنَی عَمّی مُحَمّدٍ وَ إِبرَاهِیمَ ابنَی عَبدِ اللّهِ بنِ الحَسَنِ بنِ الحَسَنِ بنِ عَلِیّ عَلَیهِمَا السّلَامُ فَإِنّهُمَا القَائِمَانِ فِی هَذَا الأَمرِ بَعدِی.

۲۱ پس یحیی تـا آخِر آن را نگـاه کرد و گفت: اجازه می دهی از آن نسـخه برداری کنم؟ گفتم: ای پسـر رسول خـدا، آیا در آنچه از خودتـان است (از من) اجازه می خواهی؟ ۲۲ پس گفت: اکنون به تو نشـان می دهم صـحیفه ای از دعای کامل را که پـدرم از پـدرش نقـل نموده و مرا به محـافظت آن و جلوگیری اش از کسـی که اهل آن نیست، سـفارش کرده است. ۲۳ عمیر گفت: پدرم گفت: پس برخاسـتم نزدش رفتم و سـرش را بوسـیدم و گفتم: به خدا سوگند ای پسر رسول خدا، من با دوستی و پیروی از شما، خدا را پرستش می کنم و امیدوارم که مرا در زندگی و مرگ به وسیله ولایت شما سعادتمند گرداَند. ۲۴ آنگاه صحیفه من را به نوجوانی که با او بود داد و گفت: این دعا را با خطِّ خوانا و زیبا بنویس و برای من بیاور. شاید که آن را از بَر نمایم. زیرا من آن را از پسر عمویم جعفر – که خداوند او را نگهدارد – طلب می کردم و او نمی داد. ۲۵ متوکّل گفت: من از کرده ام پشـیمان شدم و نمی دانستم چه کنم، و امام صادق – که سلام بر او باد – هم نفرموده بود که آن را به کسی ندهم. ۲۶ سپس یحیی صـندوقچه ای خواست و صـحیفه قفـل زده مُهر کرده ای از آن بیرون آورد و مهرش را نگاه کرده، بوسـید و گریه کرد. سـپس مهر را شکست و قفل را گشود. صحیفه را باز کرده، بر چشم خود نهاد و بر رویش مالید. ۲۷ و گفت: ای متوکّل، به خدا سوگند اگر آنچه از پسـر عمویم بیان کردی که کشته و به دار آویخته می شوم نبود، این صحیفه را به تو نمی دادم و از دادن آن بخـل می ورزیـدم. ۲۸ ولی چـون می دانـم کـه گفتـار او حقّ اسـت که از پـدرانش فراگرفته و به زودی درسـتی آن آشکار می گردد، از این رو ترسیدم که چنین علمی به دست بنی امیّه بیفتد و آن را پنهان دارند و در گنجینه ها برای خودشان نگهداری کنند. ۲۹ پس این را بگیر و به جـای من از آن نگهـداری کن و چشم به راه بـاش هرگـاه خـدا کـار من و این گروه (بنی امیّه) را گذرانـد – که او است گذراننـده –، این امانت نزد تو باشـد تا آن را به دو پسـر عمویم: محمّد و ابراهیم، فرزندان عبداللّه بن حسن بن حسن بن علی – که سلام بر آنان باد – برسانی. زیرا هر دو در این کار جانشینان من هستند.

(۳۰) قالَ المُتَوَكّلُ فَقَبَضتُ الصّحِيفَهَ فَلَمّا قُتِلَ يَحيَى بنُ زَيدٍ صِرتُ إلَى المَدِينَهِ فَلَقِيتُ أَبَا عَبدِ اللّهِ عَلَيهِ السّلَامُ فَحَدّثتُهُ الحَدِيثَ عَن يَحيَى،فَبَكَى وَ اشتَدّ وَجدُهُ بِهِ.(۳۱) وَ قَالَ رَحِمَ اللّهُ ابنَ عمَيّ وَ أَلحَقَهُ بِآبَائِهِ وَ أَجدَادِهِ.(۳۲) وَ اللّهِ يَا مُتَوَكّلُ مَا منَعَنَي مِن دَفعِ الدّعَاءِ إِلَيهِ إِلّا أَلّذِي خَافَهُ عَلَى صَحِيفَهِ أَبِيهِ، وَ أَينَ الصّحِيفَهُ فَقُلتُ هَا هيِ،فَفَتَحَهَا وَ قَالَ هَذَا وَ اللّهِ خَطّ عمَيّ زَيدٍ وَ دُعَاءُ جدَيّ عَلِيّ بنِ الحُسَينِ عَلَيهِمَا السّلَامُ(۳۳) ثُمّ قَالَ لِابنِهِ قُم يَا إِسمَاعِيلُ فأَتنِيِ بِالدّعَاءِ أَلّذِي أَمَرتُكَ بِحِفظِهِ وَ صَونِهِ،فَقَامَ إِسمَاعِيلُ فَأَخرَجَ صَحِيفَةً كَأَنّهَا الصّحِيفَهُ التّيِ دَفَعَهَا إِلَيّ يَحيَى بنُ زَيدٍ(۳۴)فَقَبّلَهَا أَبُو عَبدِ اللّهِ وَ وَضَعَهَا عَلَى عَينِهِ وَ قَالَ هَذَا خَطّ أَبِي وَ إِملَاءُ جدَيّ عَلَيهِمَا السّلَامُ بِمَشهَدٍ منِيّ.(۳۵)فَقُلتُ يَا ابنَ رَسُولِ اللّهِ إِن رَأَيتَ أَن أَعرِضَهَا مَعَ صَحِيفَهِ زَيدٍ وَ يَحيَى فَأَذِنَ لِي فِي ذَلِكَ وَ قَالَ قَد رَأَيتُكَ لِذَلِكَ أَهلًا(۳۶)فَنَظَرتُ وَ إِذَا هُمَا أَمرٌ وَاحِدٌ وَ لَم أَجِد حَرفاً مِنها يُخَالِفُ مَا فِي الصّحِيفَهِ الأُخرَى(۳۷) ثُمّ استَأذَنتُ أَبَا عَبدِ اللّهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِي دَفعِ الصّحِيفَهِ إِلَى ابنيَ عَبدِ اللّهِ بنِ الحَسَنِ، فَقَالَإِنّ اللّهَ يَأمُرُكُم أَن تُؤَدّوا الأَمَانَاتِ إِلى أَهلِها،نَعَم فَادفَعهَا إِلَيهِمَا.(۳۸) فَلَمّا نَهَضتُ لِلِقَائِهِمَا قَالَ لِي مَكَانَكَ.(۳۹) ثُمّ وَجّهَ إِلَى مُحَمّدٍ وَ اِبرَاهِيمَ فَجَاءَا فَقَالَ هَذَا مِيرَاثُ ابنِ عَمّكُمَا يَحيَى مِن أَبِيهِ قَد خَصّكُم بِهِ دُونَ إِخوَتِهِ وَ نَحنُ مُشتَرِطُونَ عَلَيكُمَا فِيهِ شَرطاً.(۴۰)فَقَالَا رَحِمَكَ اللّهُ قُل فَقَولُكَ المَقبُولُ(۴۱) فَقَالَ لاتَخرُجَا بِهَذِهِ الصّحِيفَهِ مِنَ المَدِينَهِ

۳۰ متوکّل گفت: صحیفه را گرفتم و چون یحیی بن زید کشته شد به مدینه رفتم و به ملاقات حضرت صادق – که سلام بر او باد – رفته، سرگذشت یحیی را برای آن بزرگوار گفتم، امام گریست و بر او سخت اندوهناک شد ۳۱ و فرمود: خداوند پسر عمویم را رحمت کند و به پدران و اجدادش ملحق فرماید. ۳۲ ای متوکّل، به خدا سوگند، مرا از دادن دعا به یحیی چیزی جز آنچه او بر صحیفه پدرش از آن می ترسید، بازنداشت. اکنون آن صحیفه کجاست ؟ گفتم: آن صحیفه اینست. پس آن را گشود و فرمود: به خدا قسم این خط عمویم زید و دعای جدّم علی ابن الحسین – که سلام بر آنان باد – است. ۳۳ سپس به فرزندش اسماعیل فرمود: ای اسماعیل برخیز و دعایی که تو را به حفظ و نگهداریش امر نمودم بیاور. اسماعیل برخاست و صحیفه ای را بیرون آورد که گویا همان صحیفه ای بود که یحیی بن زید به من داده بود. ۳۴ پس حضرت صادق آن را بوسید و بر روی چشم خود نهاد و فرمود: این نوشته پدرم و گفته جدّم – که سلام بر آنان باد – در حضور من است. ۳۵ گفتم: ای فرزند رسول خدا، آیا اجازه می دهی آن را با صحیفه زید و یحیی مقابله نمایم؟ حضرت به من اجازه داده و فرمود: تو را سزاوار این کار دیدم. ۳۶ پس دیدم هر دو برابر است و در آن، یک حرف که برخلاف آنچه در صحیفه دیگر است باشد، نیافتم. ۳۷ سپس از امام صادق – که سلام بر او باد – اجازه خواستم که صحیفه یحیی را به فرزندان عبداللّه بن حسن بدهم. امام فرمود: خداوند امر می کند که امانت ها را به صاحبانش بازدهید. آری آن را رد کن. ۳۸ پس چون برای دیدار آن دو برادر برخاستم، فرمود: بنشین. ۳۹ سپس کسی را به سراغ محمّد و ابراهیم فرستاد. چون آنان آمدند، فرمود: این میراث پسر عموی شما یحیی است از پدرش که اختصاص به شما داده نه برادرانش. و ما درباره آن با شما شرطی داریم. ۴۰ گفتند: خداوند تو را رحمت کند. بفرمایید که گفتارتان پذیرفته است. ۴۱ فرمود: این صحیفه را از مدینه بیرون نبرید.

(۴۲)قالَا وَ لِمَ ذاکَ(۴۳) قـالَ إنّ ابنَ عَمّکَما خافَ عَلَیهَا أمراً أخافُهُ أنَا عَلَیکَما.(۴۴)قالَا إنّما خافَ عَلَیهَا حِینَ عَلِمَ أنّهُ یُقتَلُ.(۴۵) فَقَالَ أَبُو عَبـدِ اللّهِ عَلَیهِ السّلَامُ وَ أَنتُمَا فَلَا تَأمَنّا فوَاللّهِ إنِیّ لَأَعلَمُ أَنّکُمَا سَتخرُجَانِ کَمَا خرَجَ، وَ سَتُقتَلَانِ کَمَا قُتِلَ.(۴۶)فَقَامَا وَ هُمَا یَقُولَانِ لَا حَولَ وَ لَا قُوّةَ إلّا بِاللّهِ العلَیِ العَظِیم.(۴۷) فَلَمّا خَرَجَا قَالَ لِی أَبُو عَبدِ اللّهِ عَلَیهِ السّلَامُ یَا مُتَوَکّلُ کَیفَ قَالَ لَکَ یَحیَی إنّ عمَیّ مُحَمّدَ بنَ عَلِیّ وَ ابنَهُ جعفراً دَعَوَا النّاسَ إلَی الحَیَاهِ وَ دَعونَاهُم إلَی المَوتِ(۴۸) قُلتُ نَعَم أَصلَحَکَ اللّهُ قَد قَالَ لِیَ ابنُ عَمّکَ یَحیَی ذَلِکَ(۴۹) فَقَالَ یَرحَمُ اللّهُ یَحیَی، إنّ أَبِی حدَثّنَی عَن أَبِیهِ عَن جَدّهِ عَن عَلِیّ عَلَیهِ السّلَامُ أَنّ رَسُولَ اللّهِ صَلّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ أَخَذَتهُ نَعسَهٌ وَ هُوَ عَلَی مِنبَرِه.(۵۰)فَرَأَی فِی مَنَامِهِ رِجَالًا یَنزُونَ عَلَی مِنبَرِهِ نَزوَ القِرَدَهِ یَرُدّونَ النّاسَ عَلَی أَعقَابِهِمُ القَهقَرَی(۵۱)فَاستَوَی رَسُولُ اللّهِ صَلّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ جَالِساً وَ الحُزنُ یُعرَفُ فِی وَجهِهِ.(۵۲)فَأَتَاهُ جِبرِیلُ عَلَیهِ السّلَامُ بِهَذِهِ الآیَهِ« وَ مَا جَعَلنَا الرّؤیَا التّیِ أَرَینَاکَ إلّا فِتنَهً لِلنّاسِ وَ الشّجَرَهَ المَلعُونَهَ فِی القُرآنِ وَ نُخَوّفُهُم فَمَا یَزِیدُهُم إلّا طُغیَاناً کَبِیراً»یَعنِی بنَیِ أُمَیّهَ. (۵۳) قَالَ یَا جِبرِیلُ أَ عَلَی عَهدیِ یَکُونُونَ وَ فِی زمَنَیِ(۵۴) قَالَ لَا، وَ لَکِن تَدُورُ رَحَی الإِسلَامِ مِن مُهَاجَرِکَ فَتَلبَثُ بِذَلِکَ عَشراً، ثُمّ تَدُورُ رَحَی الإِسلامِ عَلَی رَأسِ خَمسهٍ وَ ثَلَاثِینَ مِن مُهَاجَرِکَ فَتَلبَثُ بِذَلِکَ خَمساً، ثُمّ لَا بُدّ مِن رَحَی ضَلَالَهٍ هیِ قَائِمَهٌ عَلَی قُطبِهَا، ثُمّ مُلکُ الفَرَاعِنَهِ

۴۲ گفتند: چرا؟ ۴۳ فرمود: پسر عموی شما درباره این صحیفه از چیزی بیم داشت که من درباره شما هم آن بیم را دارم. ۴۴ گفتند: او هنگامی درباره آن ترسید که می دانست کشته می شود. ۴۵ حضرت صادق - که سلام بر او باد - فرمود: شما هم آسوده نباشید که به خدا قسم می دانم به زودی خروج خواهید نمود، چنانکه او خروج کرد و به زودی کشته خواهید شد، چنانکه او کشته گردید. ۴۶ پس برخاستند و گفتند: جنبش و نیرویی نیست، جز به یاری خدای برتر و بزرگ. ۴۷ چون بیرون رفتند، حضرت صادق - که سلام بر او باد - فرمود: ای متوکّل، آیا یحیی به تو گفت که عمویم محمّد بن علی و پسرش جعفر مردم را به زندگی خواندند و ما ایشان را به مرگ خواندیم؟ ۴۸ گفتم: آری، خدا کار تو را راست گردانَد، پسر عمویت یحیی همین را به من گفت. ۴۹ فرمود: خداوند یحیی را رحمت کند. پدرم از پدرش از جدّش از علی - که سلام بر او باد - مرا خبر داد: رسول خدا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - را بالای منبر، خواب سبُکی روی داد. ۵۰ و در خواب دید مردمی چند مانند بوزینگان به منبرش می جهند و مردم را به عقب) برمی گردانند. ۵۱ پس رسول خدا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - بیدار شد و نشست و اندوه در چهره اش نمایان بود. ۵۲ آنگاه جبرئیل این آیه را برای او آورد: «و ما رویایی که به تو ارائه دادیم، نبود جز برای آزمایش و امتحان مردم و درختی که به لعن در قرآن یاد شد و ما به ذکر این آیات عظیم آنها را از خدا می ترسانیم ولیکن بر آنها جز طغیان و کفر و انکارِ شدید چیزی نیفزاید.» و مراد (از درخت لعنت شده) بنی امیّه اند. ۵۳ پیغمبر فرمود: ای جبرئیل ایشان در عهد و روزگار من خواهند بود؟ ۵۴ عرضه داشت: خیر، ولی آسیای اسلام از آغاز هجرت می گردد و گردش آن ده سال است. سپس در پایان سال سی و پنج از هجرت تو به گردش می افتد و پنج سال به آن حال می ماند. آنگاه به ناچار آسیای گمراهی به گردش خواهد آمد که بر محور خود پا برجا است و پس از آن پادشاهی فرعونیان خواهد بود.

ص: ۱۲۷۳

(۵۵) قالَ وَ أنزَلَ اللّهُ تَعَالَى فِی ذَلِکَ«إنّا أَنزَلناهُ فِی لَيلَهِ القَدرِ، وَ ما أَدراکَ ما لَيلَهُ القَدرِ،لَيلَهُ القَدرِ خَيرٌ مِن أَلفِ شَهرٍ»تَملِكُهَا بَنُو أُمَيّهَ لَيسَ فِيهَا لَيلَهُ القَدرِ.(۵۶) قَالَ فَأَطلَعَ اللّهُ عَزّ وَ جَلّ نَبِيّهُ عَلَيهِ السّلَامُ أَنّ بَنِی أُمَيّهَ تَملِکُ سُلطَانَ هَذِهِ الأُمّهِ وَ مُلکَهَا طُولَ هَذِهِ المُدّهِ(۵۷)فَلَو طَاوَلَتهُمُ الجِبَالُ لَطَالُوا عَلَيهَا حَتّی يَأذَنَ اللّهُ تَعَالَی بِزَوَالِ مُلکِهِم، وَ هُم فِی ذَلِکَ يَستَشعِرُونَ عَدَاوَتَنَا أَهلَ البَيتِ وَ بُغضَنَا.(۵۸)أَخبَرَ اللّهُ نَبِيّهُ بِمَا يَلقَی أَهلُ بَيتِ مُحَمّدٍ وَ أَهلُ مَوَدّتِهِم وَ شِيعَتُهُم مِنهُم فِی أَيّامِهِم وَ مُلکِهِم.(۵۹) قَالَ وَ أَنزَلَ اللّهُ تَعَالَی فِيهِم« أَ لَم تَرَ إِلَی الّذِينَ بَدّلُوا نِعمَتَ اللّهِ كُفراً وَ أَحَلّوا قَومَهُم دارَ البَوارِ جَهَنّمَ يَصلَونَها وَ بِئسَ القَرارُ».(۶۰) وَ نِعمَهُ اللّهِ مُحَمّدٌ وَ أَهلُ بَيتِهِ،حُبّهُم إِيمَانٌ يُدخِلُ الجَنّهَ، وَ بُغضُهُم كُفرٌ وَ نِفَاقٌ يُدخِلُ النّارَ(۶۱)فَأَسَرّ رَسُولُ اللّهِ صَلّی اللّهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ ذَلِکَ إِلَی عَلِیّ وَ أَهلِ بَيتِهِ.(۶۲) قَالَ ثُمّ قَالَ أَبُو عَبدِ اللّهِ عَلَيهِ السّلَامُ مَا خَرَجَ وَ لَا يَخرُجُ مِنّا أَهلَ البَيتِ إِلَی قِيَامِ قَائِمِنَا أَحَدٌ لِيَدفَعَ ظُلماً أَو يَنعَشَ حَقّاً إِلّا اصطَلَمَتهُ البَلِيّهُ، وَ كَانَ قِيَامُهُ زِيَادَهً فِی مَكرُوهِنَا وَ شِيعَتِنَا.(۶۳) قَالَ المُتَوَكّلُ بنُ هَارُونَ ثُمّ أَملَی عَلَيّ أَبُو عَبدِ اللّهِ عَلَيهِ السّلَامُ الأَدعِيَهَ وَ هِیَ خَمسَهٌ وَ سَبعُونَ بَاباً،سَقَطَ عَنّی مِنهَا أَحَدَ عَشَرَ بَاباً، وَ حَفِظتُ مِنهَا نَيّفاً وَ سِتّينَ بَاباًوَ حَدّثَنَا أَبُو المُفَضّلِ قَالَ وَ حَدّثَنِی مُحَمّدُ بنُ الحَسَنِ بنِ رُوزبِهَ أَبُو بَكرٍ المَدَائِنِیّ الكَاتِبُ نَزِيلُ الرّحبَهِ فِی دَارِهِ(۶۵) قَالَ حَدّثَنِی مُحَمّدُ بنُ أَحمَدَ بنِ مُسلِمٍ المُطَهّرِیّ

۵۵ (امام صادق) فرمود: و خـدای تعالی در این باره، سوره قـدر را نازل کرد: «ما قرآن را در شب قدر فرسـتادیم و چه می دانی که شب قـدر چیست، شب قـدر بهتر از هزار مـاه است.» هزار مـاهی که بنی امیّه پادشـاهی کننـد و شب قـدر در آن نباشـد. ۵۶ فرمود: پس خداونـد بزرگ، پیغمبرش - که درود خداونـد بر او و خانـدانش بـاد - را آگـاه نمود که بنی امیّه پادشـاهی بر این امّت را در این مـدّت (هزار ماه) به دست می گیرنـد. ۵۷ پس اگر کوه ها با ایشان سرکشـی کننـد بر آن کوه ها غلبه جویند. تا اینکه خـدای تعـالی زوال پادشاهی آنها را بخواهـد، و آنان در این مـدّت کینه ما اهل بیت را شـعار خویش قرار می دهنـد. ۵۸ خداوند پیامبرش را به آنچه در ایّام پادشاهی آنان از جانبشان به اهل بیت محمّد و به دوسـتان و پیروان آنها می رسد، خبر داد. ۵۹ فرمود: این آیه را خـدای تعالی درباره بنی امیّه نازل کرد: «آیا ندیـدی کسانی که نعمت خـدا را به کفر و ناسپاسـی تبـدیل نموده و قوم و پیروانشـان را به دیـار هلاک و تباهی رهسـپار کردنـد، و به دوزخ که بـد جایگاهی است درآینـد.» ۶۰ و نعمت خداوند، محمّد و اهل بیت او هستند، دوست داشتن ایشان، ایمان است که به بهشت داخل می گرداند و دشمنی با آنها، کفر و نفاق است که به دوزخ درمی آورد. ۶۱ پس رسول خدا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - این راز را در پنهان به علی و اهل بیت او فرمود. ۶۲ متوکّل گوید: سپس حضرت صادق - که سلام بر او باد - فرمود: هیچ یک از ما اهل بیت، تا روز قیام قائممـان برای جلوگیری از سـتمی یا برای به پا داشـتن حقّی خروج نخواهـد کرد، مگر آنکه بلا و آفتی او را ریشه کن سازد و قیام او بر اندوه ما و شیعیانمان بیفزاید. ۶۳ متوکّل بن هارون گفت: سپس امام صادق - که سلام بر او باد - دعاهای صحیفه را به من املاـ نمود و آنهـا هفتاد و پنـج باب بود که یازده باب آن از دسـتم رفت، و شـصت و چنـد باب آن را حفظ کردم. ۶۴ و ابوالمفضّـ ل (شـیبانی با سـند دیگری) برای ما حـدیث نموده، گفت: حـدیث کرد مرا محمّـ د بن حسن بن روزبه ابوبکر مـدائنی کاتب، ساکن رحبه(ی کوفه) در خانه خودش. ۶۵ گفت: حدیث کرد مرا محمّد بن احمد بن مسلم مطهّری.

(۶۶) قَالَ حدَثَّنی أَبی عَن عُمَیرِ بن مُتَوَکِّلٍ البَلَخیِ عَن أَبیهِ المُتَوَکّلِ بنِ هَارُونَ(۶۷) قَالَلَقِیتُ یَحیَی بنَ زَیدِ بن عَلِیّ عَلَیهِمَا السّلَامُ فَذَکَرَ الحَدِیثَ بِتَمَامِهِ إِلَی رُؤیَا النَّبِیّ صَلّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ الّتیِ ذَکَرَهَا جَعفَرُ بنُ مُحَمّدٍ عَن آبَائِهِ صَلَوَاتُ اللّهِ عَلَیهِم(۶۸) وَ فِی رِوَایَه المطُهَرّیِ ذِکرُ الأَبوَابِ وَ هیِ

۱-التّحمِیدُ لِلّهِ عَزّ وَ جَلّ ۲-الصّلَاهُ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ

۳-الصّلَاهُ عَلَی حَمَلَهِ العَرشِ ۴-الصّلَاهُ عَلَی مصُدَقّیِ الرّسُلِ

۵-دُعَاؤُهُ لِنَفسِهِ وَ خَاصّتِهِ ۶-دُعَاؤُهُ

عِندَ الصّبَاحِ وَ المَسَاءِ

۷-دُعَاؤُهُ فِی المُهِمّاتِ ۸-دُعَاؤُهُ فِی الِاستِعَاذَهِ

۹-دُعَاؤُهُ فِی الِاشتِیَاقِ ۱۰-دُعَاؤُهُ فِی اللّجَإِ إِلَی اللّهِ تَعَالَی

۱۱-دُعَاؤُهُ بِخَوَاتِمِ الخَیرِ ۱۲-دُعَاؤُهُ فِی الِاعتِرَافِ

۱۳-دُعَاؤُهُ فِی طَلَبِ الحَوَائِجِ ۱۴-دُعَاؤُهُ فِی الظّلَامَاتِ

۱۵-دُعَاؤُهُ

عِندَ المَرَضِ ۱۶-دُعَاؤُهُ فِی الِاستِقَالَهِ

۱۷-دُعَاؤُهُ عَلَی الشّیطَانِ ۱۸-دُعَاؤُهُ فِی المَحذُورَاتِ

۱۹-دُعَاؤُهُ فِی الِاستِسقَاءِ ۲۰-دُعَاؤُهُ فِی مَکَارِمِ الأَخلَاقِ

۲۱-دُعَاؤُهُ إِذَا حَزَنَهُ أَمرٌ ۲۲-دُعَاؤُهُ

عِندَ الشّدّهِ

۲۳-دُعَاؤُهُ بِالعَافِیَهِ ۲۴-دُعَاؤُهُ لِأَبَوَیهِ

۲۵-دُعَاؤُهُ لِوُلدِهِ ۲۶-دُعَاؤُهُ لِجِیرَانِهِ وَ أَولِیَائِهِ

۲۷-دُعَاؤُهُ لِأَهلِ الثّغُورِ ۲۸-دُعَاؤُهُ فِی التّفَزّعِ

۲۹-دُعَاؤُهُ إِذَا قُتّرَ عَلَیهِ الرّزقُ ۳۰-دُعَاؤُهُ فِی المَعُونَهِ عَلَی قَضَاءِ الدّینِ

٣١-دُعَاؤُهُ بِالتّوبَهِ ٣٢-دُعَاؤُهُ فِی صَلَاهِ اللّیلِ

٣٣-دُعَاؤُهُ فِی الِاستِخَارَهِ ٣۴-دُعَاؤُهُ إِذَا ابتلِیَ أَو رَأَی مُبتَلًی بِفَضِیحَهٍ بِذَنبٍ

٣۵-دُعَاؤُهُ فِی الرّضَا بِالقَضَاءِ ٣۶-دُعَاؤُهُ

عِندَ سَمَاعِ الرّعدِ

ص: ١٢٧۶

۶۶ گفت: حـدیث کرد مرا پـدرم از عمیر بن متوکّل بلخی از پدرش متوکّل بن هارون. ۶۷ گفت: یحیی بن زیـد بن علی – که سلام بر آنان باد – را ملاقات کردم. سپس تمام حدیث را تا خواب دیدن پیامبر – که درود خداوند بر او و خاندانش باد – که جعفر بن محمّد از پـدرانش – که درودهای خداوند بر آنان باد – نقل فرموده، بیان کرد. ۶۸ و در روایت مطهّری، ابواب ذکر شده و آن اینست:

۱_ ستایش نمودن خدای عزوجل ۲_ درود بر محمد و خاندانش

۳_ درود بر حاملان عرش ۴_ درود بر تصدیق کنندگان رسولان

۵_ دعای آن حضرت برای خود و نزدیکانش ۶_ دعای آن حضرت هنگام بامداد و شامگاه

۷_ دعای آن حضرت در مهمات ۸_ دعای آن حضرت در پناه جستن به خدا

۹_ دعای آن حضرت در شوق داشتن به آمرزش ۱۰_ دعای آن حضرت در پناه بردن به خداوند بلندمرتبه

۱۱_ دعای آن حضرت در عاقبت به خیری ۱۲_ دعای آن حضرت در اعتراف به گناه

۱۳_ دعای آن حضرت در طلب حاجت ها ۱۴_ دعای آن حضرت در دادخواهی از ستمگران

۱۵_ دعای آن حضرت هنگام بیماری ۱۶_ دعای آن حضرت در طلب بخشش گناهان

۱۷_ دعای آن حضرت درباره شیطان ۱۸_ دعای آن حضرت در دفع بلاها و سختی ها

۱۹_ دعای آن حضرت در درخواست باران ۲۰_ دعای آن حضرت در اخلاق پسندیده

۲۱_ دعای آن حضرت آنگاه که چیزی او را اندوهگین می نمود ۲۲_ دعای آن حضرت هنگام سختی و گرفتاری

۲۳_ دعای آن حضرت برای عافیت ۲۴_ دعای آن حضرت برای پدر و مادرش

۲۵_ دعای آن حضرت برای فرزندانش ۲۶_ دعای آن حضرت درباره همسایگان و دوستانش

۲۷_ دعای آن حضرت برای مرزداران ۲۸_ دعای آن حضرت در پناه بردن به خدا

۲۹_ دعای آن حضرت آنگاه که روزی بر او تنگ می شد ۳۰_ دعای آن حضرت در یاری خواستن بر پرداخت وام

۳۱_ دعای آن حضرت در توبه ۳۲_ دعای آن حضرت در نماز شب

۳۳_ دعـای آن حضـرت در اسـتخاره ۳۴_ دعـای آن حضـرت آنگـاه که گرفتـار آزمایش می شـد یا گرفتار شـده به رسوایی

گناهی را می دید

۳۵_ دعای آن حضرت در مقام رضا به قضای خدا ۳۶_ دعای آن حضرت هنگام شنیدن صدای رعد

۳۷-دُعَاؤُهُ فِی الشّکرِ ۳۸-دُعَاؤُهُ فِی الِاعتِذَارِ

۳۹-دُعَاؤُهُ فِی طَلَبِ العَفوِ ۴۰-دُعَاؤُهُ

عِندَ ذِکرِ المَوتِ

۴۱-دُعَاؤُهُ فِی طَلَبِ السّترِ وَ الوِقَایَهِ ۴۲-دُعَاؤُهُ

عِندَ خَتمِهِ القُرآنَ

۴۳-دُعَاؤُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَی الهِلَالِ ۴۴-دُعَاؤُهُ لِدُخُولِ شَهرِ رَمَضَانَ

۴۵-دُعَاؤُهُ لِوَدَاعِ شَهرِ رَمَضَانَ ۴۶-دُعَاؤُهُ فِی عِیدِ الفِطرِ وَ الجُمُعَهِ

۴۷-دُعَاؤُهُ فِی یَومِ عَرَفَهَ ۴۸-دُعَاؤُهُ فِی یَومِ الأَضحَی وَ الجُمُعَهِ

۴۹-دُعَاؤُهُ فِی دَفعِ کَیدِ الأَعدَاءِ ۵۰-دُعَاؤُهُ فِی الرّهبَهِ

۵۱-دُعَاؤُهُ فِی التّضَرّعِ وَ الِاستِکَانَهِ ۵۲-دُعَاؤُهُ فِی الإِلحَاحِ

۵۳-دُعَاؤُهُ فِی التّذَلّلِ ۵۴-دُعَاؤُهُ فِی استِکشَافِ الهُمُومِ

(۶۹) وَ بَاقِی الأَبوَابِ بِلَفظِ أَبِی عَبدِ اللّهِ الحسَنَیِ رَحِمَهُ اللّهُ(۷۰) حَدّثَنَا أَبُو عَبدِ اللّهِ جَعفَرُ بنُ مُحَمّدٍ الحسَنَیِ(۷۱) قَالَ حَدّثَنَا عَبدُ اللّهِ بنُ عُمَرَ بنِ خَطّابٍ الزّیّاتُ(۷۲) قَالَ حَدّثَنِی خَالِی عَلِیّ بنُ النّعمَانِ الأَعلَمُ(۷۳) قَالَ حَدّثَنِی عُمَیرُ بنُ مُتَوَکّلٍ الثقّفَیِ البلَخیِ عَن أَبِیهِ مُتَوَکّلِ بنِ هَارُونَ(۷۴) قَالَ أَملَی عَلَیّ سیَدّیِ الصّادِقُ، أَبُو عَبدِ اللّهِ جَعفَرُ بنُ مُحَمّدٍ(۷۵) قَالَ أَملَی جدَیّ عَلِیّ بنُ الحُسَینِ عَلَی أَبِی مُحَمّدِ بنِ عَلِیّ عَلَیهِم أَجمَعِینَ السّلَامُ بِمَشهَدٍ منِیّ.

ص: ۱۲۷۸

۳۷_ دعای آن حضرت در شکر گذاری ۳۸_ دعای آن حضرت در عذر خواهی

۳۹_ دعای آن حضرت در طلب بخشایش ۴۰_ دعای آن حضرت هنگام یادآوری از مرگ

۴۱_ دعای آن حضرت در طلب پرده پوشی ۴۲_ دعای آن حضرت هنگام ختم قرآن

۴۳_ دعای آن حضرت آنگاه که به ماه نو نگاه می کرد ۴۴_ دعای آن حضرت هنگام فرارسیدن ماه رمضان

۴۵_ دعای آن حضرت در وداع ماه رمضان ۴۶_ دعای آن حضرت برای عید فطر و جمعه

۴۷_ دعای آن حضرت در روز عرفه ۴۸_ دعای آن حضرت در روز عید قربان و روز جمعه

۴۹_ دعای آن حضرت در دفع حیله دشمنان ۵۰_ دعای آن حضرت در ترس

۵۱_ دعای آن حضرت در زاری نمودن ۵۲_ دعای آن حضرت در اصرار به خداوند بلندمرتبه

۵۳_ دعای آن حضرت در فروتنی ۵۴_ دعای آن حضرت در برطرف نمودن اندوه ها

۶۹ و باقی ابواب به لفظ ابو عبداللّه حسنی - که رحمت خداوند بر او باد - است. ۷۰ (همان گونه که در ابتدای سند گفته شد، ابوالفضل شیبانی گوید) حدیث کرد ما را ابو عبداللّه جعفر بن محمّد الحسنی ۷۱ او گفت: حدیث کرد ما را عبداللّه بن عمر بن خطاب زیات. ۷۲ او گفت: حدیث کرد مرا دایی ام علی بن نعمان اعلم. ۷۳ او گفت: حدیث کرد مرا عمیر بن متوکّل ثقفی بلخی از پدرش متوکّل بن هارون. ۷۴ او گفت: آقایم حضرت صادق ابو عبداللّه جعفر بن محمّد - که سلام بر او باد - بر من املا نمود. ۷۵ آن حضرت فرمود: جدّم علی ابن الحسین در حضور من بر پدرم محمّد بن علی - که سلام بر تمامی آنها باد - املا نمود.

(١) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا ابتَدَأَ بَدَأَ بِالدّعَاءِ بالتّحمِيدِ لِلّهِ عَزّ وَ جَلّ وَ الثّنَاءِ عَلَيهِ، فَقَالَ:

(١)الحَمدُ لِلّهِ الأَوّلِ بِلَا أَوّلٍ كَانَ قَبلَهُ، وَ الآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعدَهُ(٢) أَلّذِي قَصُرَت عَن رُؤيَتِهِ أَبصَارُ النّاظِرِينَ، وَ عَجَزَت عَن نَعتِهِ أَوهَامُ الوَاصِفِينَ.(٣)ابتَدَعَ بِقُدرَتِهِ الخَلقَ ابتِدَاعاً، وَ اختَرَعَهُم عَلَى مَشِيّتِهِ اختِرَاعاً.(٤) ثُمّ سَلَكَ بِهِم طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَ بَعَثَهُم فِي سَبِيلِ مَحَبّتِهِ، لَا يَملِكُونَ تَأخِيراً عَمّا قَدّمَهُم إِلَيهِ، وَ لَا يَستَطِيعُونَ تَقَدّماً إِلَى مَا أَخّرَهُم عَنهُ.(٥) وَ جَعَلَ لِكُلّ رُوحٍ مِنهُم قُوتاً مَعلُوماً مَقسُوماً مِن رِزقِهِ، لَا يَنقُصُ مَن زَادَهُ نَاقِصٌ، وَ لَا يَزِيدُ مَن نَقَصَ مِنهُم زَائِدٌ.(٦) ثُمّ ضَرَبَ لَهُ فِي الحَيَاةِ أَجَلًا مَوقُوتاً، وَ نَصَبَ لَهُ أَمَداً مَحدُوداً،يَتَخَطّى إِلَيهِ بِأَيّامِ عُمُرِهِ، وَ يَرهَقُهُ بِأَعوَامِ دَهرِهِ، حَتّى إِذَا بَلَغَ أَقصَى أَثَرِهِ، وَ استَوعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ،قَبَضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيهِ مِن مَوفُورِ ثَوَابِهِ، أَو مَحذُورِ عِقَابِهِ،لِيَجزِيَ الّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَ يَجزِيَ الّذِينَ أَحسَنُوا بِالحُسنَى.(٧)عَدلًا مِنهُ،تَقَدّسَت أَسمَاؤُهُ، وَ تَظَاهَرَت آلَاؤُهُ، لَا يُسأَلُ عَمّا يَفعَلُ وَ هُم يُسأَلُونَ.

ص: ١٢٨٠

(۱)و از دعای امام علیه السلام بود، موقعی که شروع به نیایش کرد و با سپاس خداوندِ ارجمند و بزرگ، و ستایش بر او، (دعا را) آغاز نمود:

(۱) سپاس خدای را، اوّلی که پیش از او اوّلی نبوده و آخِری که پس از او آخری نباشد.

(۲) همان که چشم های بینندگان از دیدنش قاصر، و پندارهای وصف کنندگان از وصفش عاجز است.

(۳) به قدرت خویش آفریدگان را بی هیچ نمونه ای آفرید و ایشان را به خواست خود از هیچ به وجود آورد.

(۴) سپس آنها را در راهی که می خواست روان ساخت و در راه دوستی به خود، برانگیخت. آنها تواناییِ عقب انداختن آنچه (خدا) آنان را به سوی آن جلو انداخته، نداشته و نمی توانند آنچه را که آنها را از آن عقب انداخته، جلو اندازند.

(۵) و برای هر جانداری از ایشان، معلومِ قسمت شده ای از رزقش قرار داد. از کسی که (خدا) به او فراوانی داده، کاهنده ای نمی کاهد و از کسانی که کاسته، افزاینده ای نمی افزاید.

(۶) سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، و برایش زمانی محدود قرار داد که با روزهای زندگی اش، به سوی آن گام بردارد، و با سال های روزگارش، به آن نزدیک می شود. زمانی که به پایان عمرش رسد و حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد. تا کسانی را که بد کرده اند، به سبب آنچه که به جا آورده اند، سزا دهد و آنان را که به سبب نیکویی، نیکویی نمودند را، جزا دهد.

(۷) و این از عدل اوست. نام هایش مقدّس و نعمت هایش آشکار و پی درپی است. از آنچه او انجام می دهد، بازخواست نشود و ایشان (آفریدگان) بازخواست شوند.

ص: ۱۲۸۱

(۸) وَ الحَمـدُ لِلّهِ ألّـذِی لَـو حَبَسَ عَـن عِبَـادِهِ مَعرِفَهَ حَمـدِهِ عَلَی مَـا أبلَـاهُم مِـن مِنَنِـهِ المُتَتَـابِعَهِ، وَ أَسـبَغَ عَلَیهِـم مِـن نِعَمِهِ المُتَظَاهِرَهِ،لَتَصَـرّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَم یَحمَدُوهُ، وَ تَوَسّعُوا فِی رِزقِهِ فَلَم یَشکُرُوهُ.(۹) وَ لَو کَانُوا کَذَلِکَ لَخَرَجُوا مِن حُدُودِ الإِنسَانِیّهِ إِلَی حَدّ البَهِیمِیّهِ فَکَانُوا کَمَا وَصَفَ فِی مُحکَم کِتَابِهِ« إِن هُم إِلّا کَالأنعام بَل هُم أَضَلّ سَبِیلًا.»(۱۰) وَ الحَمدُ لِلّهِ عَلَی مَا عَرّفَنَا مِن نَفسِهِ، وَ أَلهَمَنَا مِن شُـکرِهِ، وَ فَتَـحَ لَنَا مِن أَبوَابِ العِلم بِرُبُوبِیّتِهِ، وَ دَلّنَا عَلَیهِ مِنَ الإِخلَاصِ لَهُ فِی تَوحِیـدِهِ، وَ جَنّبَنَا مِنَ الإِلحَادِ وَ الشّکّ فِی أَمرِهِ.(۱۱)حَمداً نُعَمّرُ بِهِ فِیمَن حَمِدَهُ مِن خَلقِهِ، وَ نَسـبِقُ بِهِ مَن سَـبَقَ إِلَی رِضَاهُ وَ عَفوِهِ.(۱۲)حَمداً یضُـی ءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ البَرزَخِ، وَ یُسَهّلُ عَلَینَا بِهِ سَبِیلَ المَبعَثِ، وَ یُشَرّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا

عِنـدَ مَوَاقِفِ الأَشـهَادِ، یَومَ تُجزَی کُـلّ نَفسٍ بِمَـا کَسَـبَت وَ هُم لَـا یُظلَمُونَ، یَومَ لَـا یغُنی مَولًی عَن مَولًی شَـیئاً وَ لَـا هُم یُنصَـرُونَ.(۱۳)حَمـداً یَرتَفِعُ مِنّـا إِلَی أعلَی عِلّیینَ فِی کِتَابٍ مَرقُوم یَشـهَدُهُ المُقَرّبُونَ.(۱۴)حَمـداً تَقَرّ بِهِ عُیُونُنَـا إِذَا بَرِقَتِ الأَبصَارُ، وَ تَبیَضّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسوَدّتِ الأَبشَارُ.(۱۵)حَمداً نُعتَقُ بِهِ مِن أَلِیم نَارِ اللّهِ إِلَی کَرِیم جِوَارِ اللّهِ.(۱۶)حَمداً نُزَاحِمُ بِهِ مَلَائِکَتَهُ المُقَرّبِینَ، وَ نُضَامّ بِهِ أَنبِیَاءَهُ المُرسَـلِینَ فِی دَارِ المُقَامَهِ التّیِ لَا تَزُولُ، وَ مَحَلّ کَرَامَتِهِ التّیِ لَا تَحُولُ.(۱۷) وَ الحَمدُ لِلّهِ ألّذِی اختَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الخَلقِ، وَ أَجرَی عَلَینَا طَیّبَاتِ الرّزقِ.

ص: ۱۲۸۲

(۸) و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر بخشش های پی درپی که به ایشان داده و نعمت های آشکار که برای آنها تمام کرده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند و از روزی ای که عطا فرموده، فراوان استفاده می برند و شکرش به جا نمی آوردند.

(۹) و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رو می آوردند. پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده: «آنها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه ترند.»

(۱۰) و سپاس خدای را که خودش را به ما شناساند و شکرش را به ما الهام نمود و درهایی از علم به پروردگاری اش را بر ما گشود و ما را به اخلاص در یگانگی اش راهنمایی نمود و از کج روی و شک در امر خود، دور ساخت.

(۱۱) سپاسی که با آن، بین آفریدگان سپاس گزارش، عمر طولانی نماییم و با آن، بر پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و بخشایش او، پیشی گیریم.

(۱۲) سپاسی که با آن، تاریکی های برزخ را برای ما روشن نماید و با آن راه رستاخیز را بر ما آسان سازد و با آن سپاس، منزلت ما را در جایگاه های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد، «روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند». «روزی که هیچ دوست، به کار دوست نیاید و یاری نمی شوند».

(۱۳) سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقرّبان الهی گواه آنند».

(۱۴) سپاسی که به وسیله آن چشمانمان روشن شود، هنگامی که دیده ها، خیره می شود. و چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.

(۱۵) سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شده، به جوار ارجمند خدا، واصل شویم.

(۱۶) سپاسی که به سبب آن، جا را بر فرشتگان مقرّب تنگ نماییم و با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است و محل کرامتی که همیشگی است.

(۱۷) و سپاس خدایی را که زیبایی های آفرینش را برای ما برگزید و روزی های پاکیزه را برایمان جاری ساخت.

ص: ۱۲۸۳

(۱۸) وَ جَعَلَ لَنَا الفَضِيلَهَ بِالمَلَكهِ عَلَی جَمِيعِ الخَلقِ،فَکَلّ خَلِيقَتِهِ مُنقَادَهٌ لَنَا بِقُدرَتِهِ، وَ صَائِرَهٌ إِلَی طَاعَتِنَا بِعِزّتِهِ.(۱۹) وَ الحَمدُ لِلّهِ أَلّذِی أَغلَقَ عَنّا بَابَ الحَاجَهِ إِلّا إِلَيهِ،فَکَيفَ نُطِيقُ حَمدَهُ أَم مَتَی نُؤَدّیَ شُکرَهُ لَا،مَتَی.(۲۰) وَ الحَمدُ لِلّهِ أَلّذِی رَکّبَ فِينَا آلَاتِ البَسطِ، وَ جَعَلَ لَنَا أَدَوَاتِ القَبضِ، وَ مَتّعَنَا بِأَروَاحِ الحَيَاهِ، وَ أَثبَتَ فِينَا جَوَارِحَ الأَعمَالِ، وَ غَذّانَا بِطَيّبَاتِ الرّزقِ، وَ أَغنَانَا بِفَضلِهِ، وَ أَقنَانَا بِمَنّهِ.(۲۱) ثُمّ أَمَرَنَا لِيَختَبِرَ طَاعَتَنَا، وَ نَهَانَا لِيَبتَلِیَ شُکرَنَا،فَخَالَفنَا عَن طَرِيقِ أَمرِهِ، وَ رَکِبنَا مُتُونَ زَجرِهِ،فَلَم يَبتَدِرنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَ لَم يُعَاجِلنَا بِنِقمَتِهِ،بَل تَأَنّانَا بِرَحمَتِهِ تَکَرّماً، وَ انتَظَرَ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأفَتِهِ حِلماً.(۲۲) وَ الحَمدُ لِلّهِ أَلّذِی دَلّنَا عَلَی التّوبَهِ التّی لَم نُفِدهَا إِلّا مِن فَضلِهِ،فَلَو لَم نَعتَدِد مِن فَضلِهِ إِلّا بِهَا لَقَد حَسُنَ بَلَاؤُهُ عِندَنَا، وَ جَلّ إِحسَانُهُ إِلَينَا وَ جَسُمَ فَضلُهُ عَلَينَا(۲۳)فَمَا هَکَذَا کَانَت سُنّتُهُ فِی التّوبَهِ لِمَن کَانَ قَبلَنَا،لَقَد وَضَعَ عَنّا مَا لَا طَاقَهَ لَنَا بِهِ، وَ لَم يُکَلّفنَا إِلّا وُسعاً، وَ لَم يُجَشّمنَا إِلّا يُسراً، وَ لَم يَدَع لِأَحَدٍ مِنّا حُجّهً وَ لَا عُذراً.(۲۴)فَالهَالِکُ مِنّا مَن هَلَکَ عَلَيهِ، وَ السّعِيدُ مِنّا مَن رَغِبَ إِلَيهِ(۲۵) وَ الحَمدُ لِلّهِ بِکُلّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدنَی مَلَائِکَتِهِ إِلَيهِ وَ أَکرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيهِ وَ أَرضَی حَامِدِيهِ لَدَيهِ(۲۶)حَمداً يَفضُلُ سَائِرَ الحَمدِ کَفَضلِ رَبّنَا عَلَی جَمِيعِ خَلقِهِ.

ص: ۱۲۸۴

(۱۸) و با دادن قـدرت به ما، (ما را) بر همه آفریدگان برتری داد. پس به قدرت او، همه آفریدگانش برای ما فرمانبردار بوده و به عزّت او، به اطاعت از ما درمی آیند.

(۱۹) و سپاس خـدایی را که درِ نیازمنـدی را جز به سوی خود، بر مـا بست. پس چگونه سپاس او را به جـا آوریم یا چه زمان توانیم شکرش گزاریم؟ نه! چه زمان (هیچ گاه)؟

(۲۰) و سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را در ما به هم پیوست و افزارهای قبض و در هم کشیدن را برای ما قرار داد و مـا را به نسیم هـای زنـدگی بهره منـد سـاخت و اعضـای (کـار و) کردارهـا را در مـا ثـابت سـاخت و بـا روزی های پاکیزه، پرورشمان داد و ما را به فضل خود، بی نیاز گردانْد و به نعمت خویش، سرمایه مان داد.

(۲۱) سپس ما را فرمان داد تا اطاعت پـذیریمان را بیازمایـد، و نهیب مان نمود تا شکر گزاریمان را آزمایش کنـد. پس از راه فرمانش، مخالفت کردیم و بر پشت (مرکب) های نهیش سوار شـدیم. پس او در کیفرِ ما، شـتاب نکرد و در سـرکوب ما عجله ننمود. بلکه به رحمتش از روی کرامت، به ما مهلت داد و به مهربانی اش از روی بردباری، بازگشت ما را انتظار کشید.

(۲۲) و سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را به دست نیاوردیم. پس اگر از فضل او، جز همان توبه را به شمار نیاوریم، مسلّماً نعمتش بر ما نیکو و احسانش بر ما بزرگ و فضلش بر ما تمام است.

(۲۳) البته روش او در (قبول) توبه، برای کسانی که پیش از ما بودنـد، این چنین نبوده و از (دوش) ما آنچه به آن طاقت نداریم برداشـته و جز به انـدازه توان، بر ما تکلیف ننموده و ما را جز به کار آسان نگماشـته و برای احـدی از ما، برهان و عذری به جا ننهاده.

(۲۴) پس هلاـک شونـده از مـا کسـی است که به خاطر نافرمانی او هلاک شود و نیک بخت از ما کسـی است که به سوی او رغبت ورزد.

(۲۵) و سـپاس خـدای را، بـه هر سپاسـی کـه نزدیـک تریـن فرشـتگانش و گرامی تریـن آفریـدگانش و پسـندیده ترین سـپاس گویانش، او را ستوده اند.

(۲۶) سپاسی که بر سایر سپاس ها، برتری یابد، همانند برتری پروردگارمان، بر همه آفریدگانش.

ص: ۱۲۸۵

(۲۷) ثُمّ لَهُ الحَمدُ مَكَانَ كُلّ نِعمَةٍ لَهُ عَلَينَا وَ عَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ المَاضِينَ وَ البَاقِينَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلمُهُ مِن جَمِيعِ الأَشيَاءِ، وَ مَكَانَ كُلّ وَاحِدَةٍ مِنهَا عَدَدُهَا أَضعَافاً مُضَاعَفَةً أَبَداً سَرمَداً إِلَى يَومِ القِيَامَهِ.(۲۸)حَمداً لَا مُنتَهَى لِحَدّهِ، وَ لَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ، وَ لَا مَبلَغَ لِغَايَتِهِ، وَ لَا انقِطَاعَ لِأَمَدِهِ(۲۹)حَمداً يَكُونُ وُصلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَ عَفوِهِ، وَ سَبَباً إِلَى رِضوَانِهِ، وَ ذَرِيعَةً إِلَى مَغفِرَتِهِ، وَ طَرِيقاً إِلَى جَنّتِهِ، وَ خَفِيراً مِن نَقِمَتِهِ، وَ أَمناً مِن غَضَبِهِ، وَ ظَهِيراً عَلَى طَاعَتِهِ، وَ حَاجِزاً عَن مَعصِيَتِهِ، وَ عَوناً عَلَى تَأدِيَهِ حَقّهِ وَ وَظَائِفِهِ.(۳۰)حَمداً نَسعَدُ بِهِ فِي السّعَدَاءِ مِن أَولِيَائِهِ، وَ نَصِيرُ بِهِ فِي نَظمِ الشّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعدَائِهِ،إِنّهُ وَلِيّ حَمِيدٌ

ص: ۱۲۸۶

(۲۷) پس سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما و بر همه بندگانش -گذشتگان و باقی ماندگان- دارد. به شماره آنچه علمش -از همه چیزها- به آن احاطه دارد و به جای هر یک از آنها به شماره چندین برابر، همیشه و جاوید تا روز قیامت.

(۲۸) سپاسی که حدّش بدون انتها و عددش بی حساب و آخِرش بدون نهایت و مدّتش نامقطوع می باشد.

(۲۹) سپاسی که به سوی طاعت و بخشایش او پیوند خوریم و سببی به سوی خوشنودی اش و وسیله ای به سوی آمرزشش و راهی به سوی بهشتش و پناه دهنده ای از عذابش و ایمنی از خشمش و پشتیبانی بر طاعتش و مانعی از معصیتش و یاوری بر ادای حقّ و وظائفش باشد.

(۳۰) سپاسی که با آن در بین سعادتمندان از دوستانش به سعادت برسیم و با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم. به درستی که او یاری دهنده ستوده است.

ص: ۱۲۸۷

(۲) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ بَعدَ هَذَا التّحمِيدِ فِى الصّلَاهِ عَلَى رَسُولِ اللّهِ صَلّى اللّهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ

(۱) وَ الحَمدُ لِلّهِ ألّذِى مَنّ عَلينَا بِمُحَمّدٍ نَبِيّهِ صَلّى اللّهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ دُونَ الأُمَم المَاضِيَهِ وَ القُرُونِ السّالِفَهِ،بِقُدرَتِهِ التّى لَا تَعجِزُ عَن شَيءٍ وَ إِن عَظُمَ، وَ لَا يَفُوتُهَا شَيءٌ وَ إِن لَطُفَ.(۲)فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعِ مَن ذَرَأَ، وَ جَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَن جَحَدَ، وَ كَثّرَنَا بِمَنّهِ عَلَى مَن قَلّ.(۳) أللّهُمّ فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ أَمِينِكَ عَلَى وَحيِكَ، وَ نَجِيبِكَ مِن خَلقِكَ، وَ صَفِيّكَ مِن عِبَادِكَ،إِمَام الرّحمَهِ، وَ قَائِدِ الخَيرِ، وَ مِفتَاحِ البَرَكَهِ.(۴) كَمَا نَصَبَ لِأَمرِكَ نَفسَهُ(۵) وَ عَرّضَ فِيكَ لِلمَكرُوهِ بَدَنَهُ(۶) وَ كَاشَفَ فِى الدّعَاءِ إِلَيكَ حَامّتَهُ(۷) وَ حَارَبَ فِى رِضَاكَ أُسرَتَهُ(۸) وَ قَطَعَ فِى إِحيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ.(۹) وَ أَقصَى الأَدنَينَ عَلَى جُحُودِهِم(۱۰) وَ قَرّبَ الأَقصَينَ عَلَى استِجَابَتِهِم لَكَ.(۱۱) وَ وَالَى فِيكَ الأَبعَدِينَ(۱۲) وَ عَادَى فِيكَ الأَقرَبِينَ(۱۳) وأَدأَبَ نَفسَهُ فِى تَبلِيغِ رِسَالَتِكَ(۱۴) وَ أَتعَبَهَا بِالدّعَاءِ إِلَى مِلّتِكَ.(۱۵) وَ شَغَلَهَا بِالنّصحِ لِأَهلِ دَعوَتِكَ(۱۶) وَ هَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الغُربَهِ، وَ مَحَلّ النّأى عَن مَوطِنِ رَحلِهِ، وَ مَوضِعِ رِجلِهِ، وَ مَسقَطِ رَأسِهِ، وَ مَأنَسِ نَفسِهِ،إِرَادَهً مِنهُ لِإِعزَازِ دِينِكَ، وَ استِنصَاراً عَلَى أَهلِ الكُفرِ بِكَ.

ص: ۱۲۸۸

(۲)و از دعای امام علیه السلام بود، پس از این سپاس، در درود بر رسول خدا «صلی اللّه علیه و آله»

(۱) و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد -که درود خدا بر او و خاندانش باد- بر ما منّت نهاد، نه بر امّت های گذشته و مردمان پیشین، به قدرتش که از چیزی -اگر چه بزرگ باشد- ناتوان نیست و چیزی -اگر چه خرد باشد- از او رهایی نمی یابد.

(۲) پس به وسیله ما به همه آفریدگانش پایان داد، و ما را بر کسانی که انکار کرده اند، شاهد گردانْد. و ما را با احسان خود، بر کسانی که اندک بودند، فزونی بخشید.

(۳) خداوندا بر محمّد -امین وحیت و برگزیده از آفریدگانت و دوست تو از بندگانت، آن پیشوای رحمت و رهبر خیر و کلید برکت- درود فرست.

(۴) همچنان که او برای فرمان تو خود را به تلاش انداخت.

(۵) و به خاطر تو، بدنش را در معرض سختی قرار داد.

(۶) و در دعوت به سوی تو با خویشانش، آشکارا به ستیز پرداخت.

(۷) و در (راه) خوشنودی تو، با قبیله اش جنگید.

(۸) و در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

(۹) و نزدیکان را بر اثر انکارشان، دور نمود.

(۱۰) و دورتران را بر اثر پذیرفتنشان -برای تو- نزدیک نمود.

(۱۱) و به خاطر تو، با دورترین (مردم) دوستی کرد.

(۱۲) و به خاطر تو با نزدیک ترین (اشخاص)، دشمنی نمود.

(۱۳) و در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.

(۱۴) و با دعوت به دین تو، خود را خسته کرد.

(۱۵) و خود را به نصیحت کردن به پذیرندگانِ دعوتت مشغول ساخت.

(۱۶) و از جایگاه اقامتش و قدمگاهش و زادگاهش و جای انس گرفتنش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزّت دهد و بر (ضد) کافرانِ به تو یاری طلبد.

(۱۷) حَتّی استَتَبّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِی أَعدَائِکَ(۱۸) وَ استَتَمّ لَهُ مَا دَبّرَ فِی أَولِیَائِکَ.(۱۹)فَنَهَدَ إِلَیهِم مُستَفتِحاً بِعَونِکَ، وَ مُتَقَوّیاً عَلَی ضَعفِهِ بِنَصرِکَ(۲۰)فَغَزَاهُم فِی عُقرِ دِیَارِهِم.(۲۱) وَ هَجَمَ عَلَیهِم فِی بُحبُوحَهِ قَرَارِهِم(۲۲) حَتّی ظَهَرَ أَمرُکَ، وَ عَلَت کَلِمَتُکَ، وَ لَو کَرِهَ المُشرِکُونَ.(۲۳) أَللّهُمّ فَارفَعهُ بِمَا کَدَحَ فِیکَ إِلَی الدّرَجَهِ العُلیَا مِن جَنّتِکَ(۲۴) حَتّی لَا یُسَاوَی فِی مَنزِلَهٍ، وَ لَا یُکَافَأَ فِی مَرتَبَهٍ، وَ لَا یُوَازِیَهُ لَدَیکَ مَلَکٌ مُقَرّبٌ، وَ لَا نَبِیّ مُرسَلٌ.(۲۵) وَ عَرّفهُ فِی أَهلِهِ الطّاهِرِینَ وَ أُمّتِهِ المُؤمِنِینَ مِن حُسنِ الشّفَاعَهِ أَجَلّ مَا وَعَدتَهُ(۲۶) یَا نَافِذَ العِدَهِ، یَا وَافِیَ القَولِ، یَا مُبَدّلَ السّیّئَاتِ بِأَضعَافِهَا مِنَ الحَسَنَاتِ إِنّکَ ذُو الفَضلِ العَظِیمِ.

ص: ۱۲۹۰

(۱۷) سرانجام آنچه درباره دشمنانت می خواست، برایش به دست آمد.

(۱۸) و آنچه او درباره دوستانت می اندیشید، برایش کامل گردید.

(۱۹) پس با امید به پیروزی به یاری تو، و با قوّت بخشیدن ضعف خود به کمکٔ تو، به سوی آنان تاخت.

(۲۰) پس در وسط دیارشان به جنگٔ آنها رفت.

(۲۱) و در میان قرارگاه شان، بر آنان هجوم برد.

(۲۲) تا اینکه فرمان تو آشکار شد و سخن تو، بلند گردید. اگر چه مشرکان نمی پسندیدند.

(۲۳) خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر.

(۲۴) تا آنکه کسی در منزلت با او یکسان و در مقام همتا نباشد و نزد تو هیچ فرشته مقرّبی و پیامبر فرستاده شده ای با او برابری نکند.

(۲۵) و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امّتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.

(۲۶) ای به انجام رساننده وعده، ای وفا کننده گفتار، ای تبدیل کننده بدی ها به چندین برابر آن از خوبی ها. به درستی که تو دارای فضل بزرگی.

ص: ۱۲۹۱

(٣) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی الصّلَاهِ عَلَی حَمَلَهِ العَرشِ وَ کُلّ مَلَکٍ مُقَرّبٍ

(١) أَللّهُمّ وَ حَمَلَهُ عَرشِکَ الّذِینَ لَا یَفتُرُونَ مِن تَسبِیحِکَ، وَ لَا یَسأَمُونَ مِن تَقدِیسِکَ، وَ لَا یَستَحسِرُونَ مِن عِبَادَتِکَ، وَ لَا یُؤثِرُونَ التّقصِیرَ عَلَی الجِدّ فِی أَمرِکَ، وَ لَا یَغفُلُونَ عَنِ الوَلَهِ إِلَیکَ(٢) وَ إِسرَافِیلُ صَاحِبُ الصّورِ،الشّاخِصُ أَلّذِی یَنتَظِرُ مِنکَ الإِذنَ، وَ حُلُولَ الأَمرِ،فَیُنَبّهُ بِالنّفخَهِ صَرعَی رَهَائِنِ القُبُورِ.(٣) وَ مِیکَائِیلُ ذُو الجَاهِ عِندَکَ، وَ المَکَانِ الرّفِیعِ مِن طَاعَتِکَ.(۴) وَ جِبرِیلُ الأَمِینُ عَلَی وَحیِکَ،المُطَاعُ فِی أَهلِ سَمَاوَاتِکَ،المَکِینُ لَدَیکَ،المُقَرّبُ عِندَکَ(۵) وَ الرّوحُ أَلّذِی هُوَ عَلَی مَلَائِکَهِ الحُجُبِ.(۶) وَ الرّوحُ أَلّذِی هُوَ مِن أَمرِکَ،فَصَلّ عَلَیهِم، وَ عَلَی المَلَائِکَهِ الّذِینَ مِن دُونِهِم مِن سُکّانِ سَمَاوَاتِکَ، وَ أَهلِ الأَمَانَهِ عَلَی رِسَالَاتِکَ(٧) وَ الّذِینَ لَا تَدخُلُهُم سَأمَهٌ مِن دُءُوبٍ، وَ لَا إِعیَاءٌ مِن لُغُوبٍ وَ لَا فُتُورٌ، وَ لَا تَشغَلُهُم عَن تَسبِیحِکَ الشّهَوَاتُ، وَ لَا یَقطَعُهُم عَن تَعظِیمِکَ سَهوُ الغَفَلَاتِ.(٨)الخُشّعُ الأَبصَارِ فَلَا یَرُومُونَ النّظَرَ إِلَیکَ،النّوَاکِسُ الأَذقَانِ،الّذِینَ قَد طَالَت رَغبَتُهُم فِیمَا لَدَیکَ،المُستَهتَرُونَ بِذِکرِ آلَائِکَ، وَ المُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِکَ وَ جَلَالِ کِبرِیَائِکَ

ص: ١٢٩٢

(۳)و از دعای امام علیه السلام بود، در درود بر نگهداران عرش الهی و هر فرشته مقرّب

(۱) خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند، و از تقدیس تو دلتنگ نمی شوند و از پرستشت درمانده نمی گردند، و در فرمان تو کوتاهی را بر کوشش اختیار نمی کنند و از شیفتگی به سوی تو غافل نمی شوند،

(۲) و اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه و رسیدن فرمان توست، تا با دمیدنْ مردگانِ گروِ گورها را بیدار کند،

(۳) و میکائیل که نزد تو دارای مقام والا است، و از اطاعتت جایگاهی بلند دارد،

(۴) و جبرئیل که امین وحی توست، فرمانروا در میان اهل آسمان هایت، ارجمند در پیشگاه تو و مقرّب نزد توست،

(۵) و روح، همان که او بر فرشتگان حجاب ها گماشته شده،

(۶) و روح، که از عالم امر تو می باشد، پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند، در آسمان هایت ساکنند و بر رساندن پیام هایت امانت دارند.

(۷) و همانها که از کوشش دائمی دلتنگ نمی شوند، و از خستگیِ زیاد، وامانده و سست نمی گردند، و خواهش های نفسانی، آنها را از تسبیح تو باز نمی دارد، و فراموشیِ غفلت ها، آنها را از تعظیم تو جدا نمی سازد،

(۸) (آنان که) دیدگان را به زیر افکنده و قصد نگریستن سوی تو را ندارند و چانه ها را به زیر انداخته اند. آنهایی که به آنچه در نزد توست مشتاق بودنشان بسیار است و به ذکر نعمت های تو حریص می باشند، و در پیشگاه با عظمت، بزرگ و بلند تو فروتنند،

(۹) وَ الّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنّمَ تَزفِرُ عَلَى أَهلِ مَعصِيَتِكَ سُبحَانَكَ مَا عَبَدنَاكَ حَقّ عِبَادَتِكَ.(۱۰)فَصَلّ عَلَيهِم وَ عَلَى الرّوحَانِيّينَ مِن مَلَائِكَتِكَ، وَ أَهلِ الزّلفَهِ عِندَكَ، وَ حُمّالِ الغَيبِ إِلَى رُسُلِكَ، وَ المُؤتَمَنِينَ عَلَى وَحيِكَ(۱۱) وَ قَبَائِلِ المَلَائِكَهِ الّذِينَ اختَصَصتَهُم لِنَفسِكَ، وَ أَغنَيتَهُم عَنِ الطّعَامِ وَ الشّرَابِ بِتَقدِيسِكَ، وَ أَسكَنتَهُم بُطُونَ أَطبَاقِ سَمَاوَاتِكَ.(۱۲) وَ الّذِينَ عَلَى أَرجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الأَمرُ بِتَمَامِ وَعدِكَ(۱۳) وَ خُزّانِ المَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السّحَابِ(۱۴) وَ الّذِی بِصَوتِ زَجرِهِ يُسمَعُ زَجَلُ الرّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَت بِهِ حَفِيفَهُ السّحَابِ التَمَعَت صَوَاعِقُ البُرُوقِ.(۱۵) وَ مُشَيّعِی الثّلجِ وَ البَرَدِ، وَ الهَابِطِينَ مَعَ قَطرِ المَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَ القُوّامِ عَلَى خَزَائِنِ الرّيَاحِ، وَ المُوَكّلِينَ بِالجِبَالِ فَلَا تَزُولُ(۱۶) وَ الّذِينَ عَرّفتَهُم مَثَاقِيلَ المِيَاهِ، وَ كَيلَ مَا تَحوِيهِ لَوَاعِجُ الأَمطَارِ وَ عَوَالِجُهَا(۱۷) وَ رُسُلِكَ مِنَ المَلَائِكَهِ إِلَى أَهلِ الأَرضِ بِمَكرُوهِ مَا يَنزِلُ مِنَ البَلَاءِ وَ مَحبُوبِ الرّخَاءِ(۱۸) وَ السّفَرَهِ الكِرَامِ البَرَرَهِ، وَ الحَفَظَهِ الكِرَامِ الكَاتِبِينَ، وَ مَلَكِ المَوتِ وَ أَعوَانِهِ، وَ مُنكَرٍ وَ نَكِيرٍ، وَ رُومَانَ فَتّانِ القُبُورِ، وَ الطّائِفِينَ بِالبَيتِ المَعمُورِ، وَ مَالِكٍ، وَ الخَزَنَهِ، وَ رِضوَانَ، وَ سَدَنَهِ الجِنَانِ.(۱۹) وَ الّذِينَ لَا يَعصُونَ اللّهَ مَا أَمَرَهُم، وَ يَفعَلُونَ مَا يُؤمَرُونَ(۲۰) وَ الّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيكُم بِمَا صَبَرتُم فَنِعمَ عُقبَى الدّارِ(۲۱) وَ الزّبَانِيَهِ الّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُم خُذُوهُ فَغُلّوهُ ثُمّ الجَحِيمَ صَلّوهُ ابتَدَرُوهُ سِرَاعاً، وَ لَم يُنظِرُوهُ.

ص: ۱۲۹۴

(۹) و همانهایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.

(۱۰) پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که نزدت مقرّبند، و آنها که رسانندگان اخبار نهانی بر رسولانت می باشند و بر وحی تو امانت دارند.

(۱۱) و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای و آنان را به ذکر تقدیس خود از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای، و در دل طبقه های آسمان هایت، سکونتشان داده ای.

(۱۲) و آنها که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود،

(۱۳) و خزانه داران باران و حرکت دهندگان ابر،

(۱۴) و آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد،

(۱۵) و بر همراهی کنندگان برف و تگرگ، و فرود آمدگان به همراه قطره های نازل شده باران، و زمامداران بر گنجینه بادها، و گمارده شدگان به کوه ها تا فرونپاشد،

(۱۶) و آنها که وزن آب ها و پیمانه باران های شدید و رگبارهای متراکم را به آنان شناسانده ای،

(۱۷) و بر فرستادگانت از فرشتگان، که بلای ناخوشایند و آسایش خوشایند به سوی اهل زمین می فرستی،

(۱۸) و سفیران بزرگوارِ نیکوکار و حافظان گرامی نویسنده (اعمال)، و فرشته مرگ و یارانش و بر منکر و نکیر و رومانْ آزمایش کننده (مردگان) قبرها و طواف کنندگان بیت المعمور و مالک و خزانه دار دوزخ و رضوان و کلیددار بهشت ها،

(۱۹) و آنان که خدا را در آنچه به آنان امر کرده، سرپیچی نمی کنند و آنچه به آنان فرمان داده شده، انجام می دهند،

(۲۰) و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای،

(۲۱) و آن پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند،

ص: ۱۲۹۵

(۲۲) وَ مَن أوهَمنَا ذِكرَهُ، وَ لَم نَعلَم مَكَانَهُ مِنكَ، وبِأيَ أَمرٍ وَكّلتَهُ.(۲۳) وَ سُكّانِ الهَوَاءِ وَ الأرضِ وَ المَاءِ وَ مَن مِنهُم عَلَى الخَلقِ(۲۴)فَصَلّ عَلَيهِم يَومَ يأَتِي كُلّ نَفسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ(۲۵) وَ صَلّ عَلَيهِم صَلَاةً تَزِيدُهُم كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِم وَ طَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِم(۲۶) أللّهُمّ وَ إِذَا صَلّيتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ وَ بَلّغتَهُم صَلَاتَنَا عَلَيهِم فَصَلّ عَلَينَا بِمَا فَتَحتَ لَنَا مِن حُسنِ القَولِ فِيهِم،إِنّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

ص: ۱۲۹۶

۲۲) و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و جایگاهش را در پیشگاه تو و مأموریّتی را که به او سپرده ای، نمی دانیم،

(۲۳) و ساکنان هوا و زمین و آب و هر کدام از آنان که بر خلق مشغولند،

(۲۴) پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.

(۲۵) و بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر کرامتشان و پاکی ای بر پاکیشان بیفزاید.

(۲۶) خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست. به درستی که تو بسیار بخشنده و بزرگواری.

ص: ۱۲۹۷

(۴) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِى الصّلَاهِ عَلَى أَتبَاعِ الرّسُلِ وَ مُصَدّقِيهِم

(١) أللّهُمّ وَ أَتبَاعُ الرّسُلِ وَ مُصَدّقُوهُم مِن أَهلِ الأَرضِ بِالغَيبِ

عِندَ مُعَارَضَهِ المُعَانِدِينَ لَهُم بِالتّكذِيبِ وَ الِاشتِيَاقِ إِلَى المُرسَلِينَ بِحَقَائِقِ الإِيمَانِ(٢) فِى كُلّ دَهرٍ وَ زَمَانٍ أَرسَلتَ فِيهِ رَسُولًا وَ أَقَمتَ لِأَهلِهِ دَلِيلًا مِن لَدُن آدَمَ إِلَى مُحَمّدٍ صَلّى اللّهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ مِن أَئِمّهِ الهُدَى، وَ قَادَهِ أَهلِ التّقَى، عَلَى جَمِيعِهِمُ السّلَامُ،فَاذكُرهُم مِنكَ بِمَغفِرَهٍ وَ رِضوَانٍ.(٣) أللّهُمّ وَ أَصحَابُ مُحَمّدٍ خَاصّهً الّذِينَ أَحسَنُوا الصّحَابَهَ وَ الّذِينَ أَبلَوُا البَلَاءَ الحَسَنَ فِى نَصرِهِ، وَ كَانَفُوهُ، وَ أَسرَعُوا إِلَى وِفَادَتِهِ، وَ سَابَقُوا إِلَى دَعوَتِهِ، وَ استَجَابُوا لَهُ حَيثُ أَسمَعَهُم حُجّهَ رِسَالَاتِهِ.(۴) وَ فَارَقُوا الأَزوَاجَ وَ الأَولَادَ فِى إِظهَارِ كَلِمَتِهِ، وَ قَاتَلُوا الآبَاءَ وَ الأَبنَاءَ فِى تَثبِيتِ نُبُوّتِهِ، وَ انتَصَرُوا بِهِ.(۵) وَ مَن كَانُوا مُنطَوِينَ عَلَى مَحَبّتِهِ يَرجُونَ تِجَارَهً لَن تَبُورَ فِى مَوَدّتِهِ.(۶) وَ الّذِينَ هَجَرَتهُم العَشَائِرُ إِذ تَعَلّقُوا بِعُروَتِهِ، وَ انتَفَت مِنهُمُ القَرَابَاتُ إِذ سَكَنُوا فِى ظِلّ قَرَابَتِهِ.(٧) فَلَا تَنسَ لَهُمُ أللّهُمّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَ فِيكَ، وَ أَرضِهِم مِن رِضوَانِكَ، وَ بِمَا حَاشُوا الخَلقَ عَلَيكَ، وَ كَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاهً لَكَ إِلَيكَ.

ص: ١٢٩٨

(۴) از دعاهای امام علیه السلام است در درود بر پیروان پیامبران و تصدیق کنندگان ایشان

(۱) خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پنهانیِ پیامبران از اهل زمین، در هنگامی که با تکذیب ستیزه جویان روبرو می شدند و هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند،

(۲) در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی و برای اهل آن راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمّد -که درود خدا بر او و خاندانش باد-، از امامانِ رستگاری و پیشوایان اهل پرهیزکار -که بر همه آنها درود باد- پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.

(۳) خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که همراهانی نیکو بودند و آنان که در یاری او از آزمایش خوب برآمدند و به وی کمک رساندند و به سوی پیامش شتافتند و به سوی دعوتش پیشی گرفتند و هنگامی که دلیل رسالت های خود را به گوششان رساند اجابت کردند،

(۴) و در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند و در پایدار ساختن نبوّت او با پدران و فرزندانشان جنگیدند، و به همراه او پیروز شدند،

(۵) و آنها که محبّت او را در دل پرورانده، در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند،

(۶) و آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله ها یشان از آنها دوری نمودند و آنگاه که در سایه خویشی او ساکن شدند خویشاوندان، آنها را بیگانه دانستند،

(۷) پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها کردند برای آنان از نظر دور ندار و به خوشنودی خود ایشان را خوشنود ساز که مردمان را بر تو گرد آوردند و برای تو با پیامبرت دعوت کننده به سوی تو بوده اند.

ص: ۱۲۹۹

(۸) وَ اشکَرهُم عَلَی هَجرِهِم فِیکَ دِیَارَ قَومِهِم، وَ خُرُوجِهِم مِن سَعَهِ المَعَاشِ إِلَی ضِیقِهِ، وَ مَن کَثّرتَ فِی إِعزَازِ دِینِکَ مِن مَظلُومِهِم.(۹) أَللّهُمّ وَ أَوصِل إِلَی التّابِعِینَ لَهُم بِإِحسَانٍ،الّذِینَ یَقُولُونَ رَبّنَا اغفِر لَنَا وَ لِإِخوَانِنَا الّذِینَ سَبَقُونَا بِالإِیمَانِ خَیرَ جَزَائِکَ.(۱۰)الّذِینَ قَصَدُوا سَمتَهُم، وَ تَحَرّوا وِجهَتَهُم، وَ مَضَوا عَلَی شَاکِلَتِهِم.(۱۱) لَم یَثنِهِم رَیبٌ فِی بَصِیرَتِهِم، وَ لَم یَختَلِجهُم شَکّ فِی قَفوِ آثَارِهِم، وَ الِائتِمَامِ بِهِدَایَهِ مَنَارِهِم.(۱۲)مُکَانِفِینَ وَ مُوَازِرِینَ لَهُم،یَدِینُونَ بِدِینِهِم، وَ یَهتَدُونَ بِهَدیِهِم،یَتّفِقُونَ عَلَیهِم، وَ لَا یَتّهِمُونَهُم فِیمَا أَدّوا إِلَیهِم.(۱۳) أَللّهُمّ وَ صَلّ عَلَی التّابِعِینَ مِن یَومِنَا هَذَا إِلَی یَومِ الدّینِ وَ عَلَی أَزوَاجِهِم وَ عَلَی ذُرّیّاتِهِم وَ عَلَی مَن أَطَاعَکَ مِنهُم.(۱۴)صَلَاهً تَعصِمُهُم بِهَا مِن مَعصِیَتِکَ، وَ تَفسَحُ لَهُم فِی رِیَاضِ جَنّتِکَ، وَ تَمنَعُهُم بِهَا مِن کَیدِ الشّیطَانِ، وَ تُعِینُهُم بِهَا عَلَی مَا استَعَانُوکَ عَلَیهِ مِن بِرّ، وَ تَقِیهِم طَوَارِقَ اللّیلِ وَ النّهَارِ إِلّا طَارِقاً یَطرُقُ بِخَیرٍ.(۱۵) وَ تَبعَثُهُم بِهَا عَلَی اعتِقَادِ حُسنِ الرّجَاءِ لَکَ، وَ الطّمَعِ فِیمَا عِندَکَ وَ تَرکِ التّهَمَهِ فِیمَا تَحوِیهِ أَیدِی العِبَادِ(۱۶)لِتَرُدّهُم إِلَی الرّغبَهِ إِلَیکَ وَ الرّهبَهِ مِنکَ، وَ تُزَهّدَهُم فِی سَعَهِ العَاجِلِ، وَ تُحَبّبَ إِلَیهِمُ العَمَلَ لِلآجِلِ، وَ الِاستِعدَادَ لِمَا بَعدَ المَوتِ(۱۷) وَ تُهَوّنَ عَلَیهِم کُلّ کَربٍ یَحِلّ بِهِم یَومَ خُرُوجِ الأَنفُسِ مِن أَبدَانِهَا(۱۸) وَ تُعَافِیَهُم مِمّا تَقَعُ بِهِ الفِتنَهُ مِن مَحذُورَاتِهَا، وَ کَبّهِ النّارِ وَ طُولِ الخُلُودِ فِیهَا(۱۹) وَ تُصَیّرَهُم إِلَی أَمنٍ مِن مَقِیلِ المُتّقِینَ.

ص: ۱۳۰۰

(۸) و ایشـان را به خاطر آنکه در راه تو از شـهرهای خویشان هجرت کردنـد و از زنـدگی راحت به سـختی افتادنـد و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند پاداش عنایت کن.

(۹) خداونـدا بهترین پـاداش خود را به تابعینِ نیکو کارِ ایشان برسان. همانها که می گوینـد: پروردگارا! ما و برادرانمان را، که در ایمان، بر ما پیشقدم شدند بیامرز.

(۱۰) آنان که راه ایشان را قصد نمودند و به سوی جهت آنها رو آوردند و به روش آنها رفتار نمودند.

(۱۱) آنـان که عقیـده یشـان را شـکّی بر نگردانـد و تردیـدی ایشان را از پیروی نشانه های آنها و اقتـدا به چراغ هـدایت ایشان آشفته نساخت.

(۱۲) در حالی که بر ایشان یاری کننده و کمک دهنده می باشند، دین آنان را پیروی می کنند، به راهنمایی آنها راه می یابند، با ایشان موافقت دارند و به آنچه آنها رساندند، تهمت نمی زنند.

(۱۳) خداوندا از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین و زنان و فرزندانشان و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود فرست.

(۱۴) درودی که به سـبب آن ایشـان را از معصیت نگه داری و در بـاغ هـای بهشـتت بر ایشان وسـعت دهی، و آنان را از حیله شیطان بازداری، و بر خواسـته های نیک آنان، کمک رسانی و آنها را از حوادث شب و روز -مگر خیری که پیش آید- حفظ نمایی.

(۱۵) درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به تو و طمع در آنچه نزد تو است و ترک تهمت در آنچه که در دست بندگان است، برانگیزی.

(۱۶) بـدین جهت که آنان را به درخواست سوی خود و ترس از خویش بازگردانی و در گشادگی دنیا آنان را بی میل نمایی، و عمل برای آخرت و آمادگی برای بعد از مرگ را در نظرشان محبوب کنی

(۱۷) و در آن روز که جان ها از تن بیرون رود، هر اندوهی را بر ایشان آسان گردانی.

(۱۸) و ایشان را از آنچه که به وجود آورنـده آزمایش هایی از امور ترسـناک و سـختی آتش و همیشه مانـدن در آتش است، عافیت بخشی.

(۱۹) و آنها را به جایگاهی آسوده که استراحتگاه پرهیزکاران است روانه کنی.

ص: ۱۳۰۱

(۵) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ لِنَفسِهِ ولِأَهلِ وَلَايَتِهِ

(۱) يَا مَن لَا تَنقَضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ،صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ احجُبنَا عَنِ الإِلحَادِ فِي عَظَمَتِكَ(۲) وَ يَا مَن لَا تَنتَهِي مُدّةُ مُلكِهِ،صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعتِق رِقَابَنَا مِن نَقِمَتِكَ.(۳) وَ يَا مَن لَا تَفنَى خَزَائِنُ رَحمَتِهِ،صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ وَ اجعَل لَنَا نَصِيباً فِي رَحمَتِكَ. (۴) وَ يَا مَن تَنقَطِعُ دُونَ رُؤيَتِهِ الأَبصَارُ صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَدنِنَا إِلَى قُربِكَ(۵) وَ يَا مَن تَصغُرُ

عِندَ خَطَرِهِ الأَخطَارُ،صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ كَرّمنَا عَلَيكَ.(۶) وَ يَا مَن تَظهَرُ عِندَهُ بَوَاطِنُ الأَخبَارِ،صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تَفضَحنَا لَدَيكَ.(۷) أَللّهُمّ أَغنِنَا عَن هِبَةِ الوَهّابِينَ بِهِبَتِكَ، وَ اكفِنَا وَحشَةَ القَاطِعِينَ بِصِلَتِكَ حَتّى لَا نَرغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَذلِكَ، وَ لَا نَستَوحِشَ مِن أَحَدٍ مَعَ فَضلِكَ.(۸) أَللّهُمّ فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ كِد لَنَا وَ لَا تَكِد عَلَينَا، وَ امكُر لَنَا وَ لَا تَمكُر بِنَا، وَ أَدِل لَنَا وَ لَا تُدِل مِنّا.(۹) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ قِنَا مِنكَ، وَ احفَظنَا بِكَ، وَ اهدِنَا إِلَيكَ، وَ لَا تُبَاعِدنَا عَنكَ إِنّ مَن تَقِهِ يَسلَم وَ مَن تَهدِهِ يَعلَم، وَ مَن تُقَرّبهُ إِلَيكَ يَغنَم.

ص: ۱۳۰۲

(۵)از دعاهای امام علیه السلام است برای خود و دوستانش

(۱) ای کسی که شگفتی های بزرگی او پایانی ندارد، بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از کج روی در عظمت خود بازدار.

(۲) و ای کسی که زمان پادشاهی او به پایان نمی رسد، بر محمّد و خاندانش درود فرست و گردن های ما را از عذابت آزاد کن.

(۳) و ای کسی که گنج های رحمت او نابود نمی شود بر محمّد و خاندانش درود فرست و از رحمت خود برای ما بهره ای قرار ده.

(۴) و ای کسی که چشم ها از دیدن او ناتوان است بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به قرب خود نزدیک فرما.

(۵) و ای کسی که در نزد قدر و منزلت او، قدر و منزلت ها کوچک می شود بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را نزد خود گرامی دار.

(۶) و ای کسی که اخبار پنهانی نزد او آشکار است بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را پیش خود رسوا نکن.

(۷) خداوندا ما را با عطای خود، از بخشش بخشندگان بی نیاز کن و با پیوستن به خود، ما را از وحشتِ دوری کنندگان، نگهدار. تا با بخشش تو از دیگران درخواست نکنیم و با احسانت از کسی نهراسیم.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به سود ما نه به زیان ما تدبیر کن و برای (نفع) ما مکر فرما و بر (ضرر) ما مکر نکن و چیرگی را برای (نفع) ما قرار ده و بر ضرر ما قرار نده.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از (عذاب) خود حفظ کن و به وسیله خود نگهدارمان باش و ما را به سوی خود هدایت فرما و ما را از خود دور نکن. زیرا هر کس را که حفظ کنی، سالم می ماند و هر کس را که هدایت کنی، دانا می شود و هر کس را که به خود نزدیک سازی، سود می برد.

(۱۰) أللّهُمّ صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكفِنَا حَدّ نَوَائِبِ الزّمَانِ، وَ شَرّ مَصَايِدِ الشّيطَانِ، وَ مَرَارَة صَولَهِ السّلطَانِ.(۱۱) أللّهُمّ إِنّمَا يكتفي المُكتَفُونَ بِفَضلِ قُوّتِكَ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكفِنَا، وَ إِنّمَا يعُطِي المُعطُونَ مِن فَضلِ جِدَتِكَ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعطِنَا، وَ إِنّمَا يهَتدَيِ المُهتَدُونَ بِنُورِ وَجهِكَ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهدِنَا.(۱۲) أللّهُمّ إِنّكَ مَن وَالَيتَ لَم يَضرُرهُ خِذلَانُ الخَاذِلِينَ، وَ مَن أَعطَيتَ لَم يَنقُصهُ مَنعُ المَانِعِينَ، وَ مَن هَدَيتَ لَم يُغوِهِ إِضلَالُ المُضِلّينَ(۱۳)فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ امنَعنَا بِعِزّكَ مِن عِبَادِكَ، وَ أَغنِنَا عَن غَيرِكَ بِإِرفَادِكَ، وَ اسلُك بِنَا سَبِيلَ الحَقّ بِإِرشَادِكَ.(۱۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكرِ عَظَمَتِكَ، وَ فَرَاغَ أَبدَانِنَا فِي شُكرِ نِعمَتِكَ، وَ انطِلَاقَ أَلسِنَتِنَا فِي وَصفِ مِنّتِكَ.(۱۵) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَلنَا مِن دُعَاتِكَ الدّاعِينَ إِلَيكَ، وَ هُدَاتِكَ الدّالّينَ عَلَيكَ، وَ مِن خَاصّتِكَ الخَاصّينَ لَدَيكَ، يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ.

(۱۰) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از سختی حوادث روزگار و شرّ دام های شیطان و تلخی قهر و غلبه پادشاه نگهدار.

(۱۱) خداوندا به درستی که بی نیازان به فزونی نیروی تو بی نیاز می شوند پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را بی نیاز گردان. و به درستی که بخشندگان از زیادی عطای تو می بخشند پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به ما عطا فرما. و به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را هدایت فرما.

(۱۲) خداوندا هر کس را که تو یاری نمودی خواری خوار کنندگان به او زیان نرساند و هر که را تو عطا فرمودی جلوگیری کردن منع کنندگان از او نکاست و هر که را تو راهنمایی نمودی گمراهی گمراه کنندگان او را گمراه نکرد.

(۱۳) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به عزّت خود ما را از بندگانت حفظ کن و به یاری خود ما را از غیر خود بی نیاز گردان و به راهنمایی خود ما را به راه حق رهسپار ساز.

(۱۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و سلامتی دل های ما را در یاد بزرگی خود و آسایش تن ها یمان را در سپاس گزاری نعمت خود و خوش سخنی ها یمان را در بیان نعمت بزرگ خود قرار ده.

(۱۵) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از داعیان دعوت کننده به سوی خود و از هادیان راهنمایی کننده به راه خود و از برگزیدگان مخصوص خود قرار ده. ای مهربان ترین مهربانان.

(۶) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ عِندَ الصّبَاحِ وَ المَسَاءِ

(۱)الحَمدُ لِلّهِ ألّذی خَلَقَ اللّیلَ وَ النّهارَ بِقُوّتِهِ(۲) وَ مَیّزَ بَینَهُمَا بِقُدرَتِهِ(۳) وَ جَعَلَ لِکُلّ وَاحِدٍ مِنهُمَا حَدّاً مَحدُوداً، وَ أَمَداً مَمدُوداً(۴)یُولِجُ کُلّ وَاحِدٍ مِنهُمَا فِی صَاحِبِهِ، وَ یُولِجُ صَاحِبَهُ فِیهِ بِتَقدِیرٍ مِنهُ لِلعِبَادِ فِیمَا یَغذُوهُم بِهِ، وَ یُنشِئُهُم عَلَیهِ(۵)فَخَلَقَ لَهُمُ اللّیلَ لِیَسکُنُوا فِیهِ مِن حَرَکَاتِ التّعَبِ وَ نَهَضَاتِ النّصَبِ، وَ جَعَلَهُ لِبَاساً لِیَلبَسُوا مِن رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ،فَیَکُونَ ذَلِکَ لَهُم جَمَاماً وَ قُوّةً، وَ لِیَنَالُوا بِهِ لَذّةً وَ شَهوَةً(۶) وَ خَلَقَ لَهُمُ النّهَارَ مُبصِراً لِیَبتَغُوا فِیهِ مِن فَضلِهِ، وَ لِیَتَسَبّبُوا إِلَی رِزقِهِ، وَ یَسرَحُوا فِی أَرضِهِ،طَلَباً لِمَا فِیهِ نَیلُ العَاجِلِ مِن دُنیَاهُم، وَ دَرَکُ الآجِلِ فِی أُخرَاهُم(۷)بِکُلّ ذَلِکَ یُصلِحُ شَأنَهُم، وَ یَبلُو أَخبَارَهُم، وَ یَنظُرُ کَیفَ هُم فِی أَوقَاتِ طَاعَتِهِ، وَ مَنَازِلِ فُرُوضِهِ، وَ مَوَاقِعِ أَحکَامِهِ،لِیَجزِیَ الّذِینَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَ یَجزِیَ الّذِینَ أَحسَنُوا بِالحُسنَی.(۸) أللّهُمّ فَلَکَ الحَمدُ عَلَی مَا فَلَقتَ لَنَا مِنَ الإِصبَاحِ، وَ مَتّعتَنَا بِهِ مِن ضَوءِ النّهَارِ، وَ بَصّرتَنَا مِن مَطَالِبِ الأَقوَاتِ، وَ وَقَیتَنَا فِیهِ مِن طَوَارِقِ الآفَاتِ.

ص: ۱۳۰۶

(۶)از دعاهای امام علیه السلام است هنگام بامداد و شامگاه

(۱) سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید.

(۲) و به قدرت خویش بین آن دو فرق گذاشت.

(۳) و برای هر یک پایانی معین و زمانی معلوم مقرر فرمود.

(۴) بنا به تقدیرش هر یک از شب و روز را جای یکدیگر قرار می دهد تا برای بندگان روزی داده، آنها را پرورش دهد.

(۵) و شب را برای آنان آفرید تا از حرکت های خسته کننده و جنبش های سخت بیاسایند و آن را پوشش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر کنند، که خواب برای آنان نشاط و نیروآور است، تا به سبب آن خوشی و کام دل یابند.

(۶) و روز را برای ایشان روشن گر آفرید تا در آن فضل او را طلب کنند و جهت دست یابی به روزی، وسیله جویی کنند و در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود کنونی از دنیا و یافتن سود آینده در آخرت.

(۷) بدین گونه حالِ ایشان را اصلاح می نماید، و اخبار آنها را می آزماید، و می نگرد آنها در اوقات طاعت و جاهای واجبات و موارد احکامش چگونه اند. تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکوکاران را پاداش نیکو عنایت کند.

(۸) خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی و با آن ما را از روشنی روز بهره مند گرداندی، و ما را از جایی که بتوان روزی به دست آورد بینا نمودی، و در آن ما را از پیشامدها و بلاها نگهداشتی.

ص: ۱۳۰۷

(۹)أَصبَحنَا وَ أَصبَحَتِ الأَشيَاءُ كُلّهَا بِجُملَتِهَا لَکَ سَمَاؤُهَا وَ أَرضُهَا، وَ مَا بَثَثتَ فِی کُلّ وَاحِدٍ مِنهُمَا،سَاکِنُهُ وَ مُتَحَرّکُهُ، وَ مُقِيمُهُ وَ شَاخِصُهُ وَ مَا عَلَا فِی الهَوَاءِ، وَ مَا کَنّ تَحتَ الثّرَی(۱۰)أَصبَحنَا فِی قَبضَتِکَ يَحوِينَا مُلکُکَ وَ سُلطَانُکَ، وَ تَضُمّنَا مَشِيّتُکَ، وَ نَتَصَرّفُ عَن أَمرِکَ، وَ نَتَقَلّبُ فِی تَدبِيرِکَ.(۱۱) لَيسَ لَنَا مِنَ الأَمرِ إِلّا مَا قَضَيتَ، وَ لَا مِنَ الخَيرِ إِلّا مَا أَعطَيتَ.(۱۲) وَ هَذَا يَومٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ، وَ هُوَ عَلَينَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ، إِن أَحسَنّا وَدّعَنَا بِحَمدٍ، وَ إِن أَسَأنَا فَارَقَنَا بِذَمّ.(۱۳) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزُقنَا حُسنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَ اعصِمنَا مِن سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارتِکَابِ جَرِيرَةٍ، أَوِ اقتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَو کَبِيرَةٍ(۱۴) وَ أَجزِل لَنَا فِيهِ مِنَ الحَسَنَاتِ، وَ أَخلِنَا فِيهِ مِنَ السّيّئَاتِ، وَ املَأ لَنَا مَا بَينَ طَرَفَيهِ حَمداً وَ شُکراً وَ أَجراً وَ ذُخراً وَ فَضلًا وَ إِحسَاناً.(۱۵) أَللّهُمّ يَسّر عَلَی الکِرَامِ الکَاتِبِينَ مَئُونَتَنَا، وَ املَأ لَنَا مِن حَسَنَاتِنَا صَحَائِفَنَا، وَ لَا تُخزِنَا عِندَهُم بِسُوءِ أَعمَالِنَا.(۱۶) أَللّهُمّ اجعَل لَنَا فِی کُلّ سَاعَةٍ مِن سَاعَاتِهِ حَظّاً مِن عِبَادِکَ، وَ نَصِيباً مِن شُکرِکَ وَ شَاهِدَ صِدقٍ مِن مَلَائِکَتِکَ.(۱۷) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ احفَظنَا مِن بَينِ أَيدِينَا وَ مِن خَلفِنَا وَ عَن أَيمَانِنَا وَ عَن شَمَائِلِنَا وَ مِن جَمِيعِ نَوَاحِينَا،حِفظاً عَاصِماً مِن مَعصِيَتِکَ،هَادِياً إِلَی طَاعَتِکَ،مُستَعمِلًا لِمَحَبّتِکَ.(۱۸) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ وَفّقنَا فِی يَومِنَا هَذَا وَ لَيلَتِنَا هَذِهِ وَ فِی جَمِيعِ أَيّامِنَا لِاستِعمَالِ الخَيرِ، وَ هِجرَانِ الشّرّ، وَ شُکرِ النّعَمِ، وَ اتّبَاعِ السّنَنِ، وَ مُجَانَبَهِ البِدَعِ، وَ الأَمرِ بِالمَعرُوفِ، وَ النّهیِ عَنِ المُنکَرِ، وَ حِيَاطَهِ الإِسلَامِ، وَ انتِقَاصِ البَاطِلِ وَ إِذلَالِهِ، وَ نُصرَهِ الحَقّ وَ إِعزَازِهِ، وَ إِرشَادِ الضّالّ، وَ مُعَاوَنَهِ الضّعِيفِ، وَ إِدرَاکِ اللّهِيفِ

(۹) صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش، و آنچه در این دو پراکنده ساختی، از آرام و جنبنده، ثابت و رونده و آنچه در هوا بالا رفته و آنچه در زیر زمین پنهان است و همه از آنِ تو هستیم.

(۱۰) ما در تحت قدرت تو صبح کردیم. سلطه و فرمانروایی توست که ما را فرامی گیرد و اراده توست که ما را جمع می کند، و از روی فرمان توست که دست به کاری می زنیم و به تدبیر توست که در کارها تصرّف می کنیم.

(۱۱) برای ما از اراده و خواسته، چیزی جز آنچه تو حکم کردی و از خیر، چیزی جز آنچه تو بخشیدی نیست.

(۱۲) و این روزی نو و تازه و گواهی حاضر بر ماست. اگر نیکی کردیم، با سپاس ما را بدرود گوید و اگر بدی کردیم، با نکوهش از ما جدا شود.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و نیکیِ همدم بودن با آن روز را نصیب ما گردان و از بدیِ جدایی از آن بر اثر انجام گناهی یا مرتکب شدن گناه صغیره یا کبیره، حفظمان کن.

(۱۴) و در آن روز خوبی ها را برای ما بسیار گردان و ما را در آن از بدی ها تهی ساز و دو طرف آن را برای ما از سپاس و ستایش و پاداش و ذخیره و فزونی و نیکی پر ساز.

(۱۵) خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز، و نامه های اعمال ما را از نیکی هایمان پر کن، و ما را نزد آنها به سبب زشتی رفتارمان رسوا نگردان.

(۱۶) خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، بهره ای از بندگانت و سهمی از سپاس گزاری ات و گواه صادقی از فرشتگانت قرار ده.

(۱۷) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از پیش رویمان و از پشت سرمان و از طرف راستمان و از سمت چپمان و از همه اطرافمان نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از نافرمانی تو بازدارد و به فرمانبرداریت راهنمایی کند و در جهت دوستی تو به کار برد.

(۱۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و ترک بدی و سپاس نعمت ها و پیروی از سنّت ها و ترک بدعت ها و امر به معروف و نهی از منکر و حفظ اسلام و نکوهش کردن و خوار نمودن نادرستی ها و یاری دادن و تقویت حق و راهنمایی گمراهان و کمک کردن ناتوان و یاری دادن ستم دیده، توفیق ده.

ص: ۱۳۰۹

(١٩) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَلهُ أَيمَنَ يوم عَهِدنَاهُ، وَ أَفضَلَ صَاحِبٍ صَحِبنَاهُ، وَ خَيرَ وَقتٍ ظَلِلنَا فِيهِ(٢٠) وَ اجعَلنَا مِن أَرضَى مَن مَرّ عَلَيهِ اللّيلُ وَ النّهَارُ مِن جُملَهِ خَلقِکَ،أَشكَرَهُم لِمَا أَولَيتَ مِن نِعَمِکَ، وَ أَقوَمَهُم بِمَا شَرَعتَ مِن شَرَائِعِکَ، وَ أَوقَفَهُم عَمّا حَذّرتَ مِن نَهيِکَ.(٢١) أَللّهُمّ إِنّي أُشهِدُکَ وَ كَفَى بِکَ شَهِيداً، وَ أُشهِدُ سَمَاءَکَ وَ أَرضَکَ وَ مَن أَسكَنتَهُمَا مِن مَلائِكَتِکَ وَ سَائِرِ خَلقِکَ فِي يومِي هَذَا وَ سَاعَتِي هَذِهِ وَ لَيلَتِي هَذِهِ وَ مُستَقَرّيَ هَذَا،أَنّي أَشهَدُ أَنّکَ أَنتَ اللّهُ الّذِي لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،قَائِمٌ بِالقِسطِ،عَدلٌ فِي الحُكمِ،رَءُوفٌ بِالعِبَادِ،مَالِکُ المُلکِ،رَحِيمٌ بِالخَلقِ.(٢٢) وَ أَنّ مُحَمّداً عَبدُکَ وَ رَسُولُکَ وخِيَرَتُکَ مِن خَلقِکَ،حَمّلتَهُ رِسَالَتَکَ فَأَدّاهَا، وَ أَمَرتَهُ بِالنّصحِ لِأُمّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا(٢٣) أَللّهُمّ فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،أَكثَرَ مَا صَلّيتَ عَلَى أَحَدٍ مِن خَلقِکَ، وَ آتِهِ عَنّا أَفضَلَ مَا آتَيتَ أَحَداً مِن عِبَادِکَ، وَ اجزِهِ عَنّا أَفضَلَ وَ أَكرَمَ مَا جَزَيتَ أَحَداً مِن أَنبِيَائِکَ عَن أُمّتِهِ(٢٤)إِنّکَ أَنتَ المَنّانُ بِالجَسِيمِ،الغَافِرُ لِلعَظِيمِ، وَ أَنتَ أَرحَمُ مِن كُلّ رَحِيمٍ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ الطّيّبِينَ الطّاهِرِينَ الأَخيَارِ الأَنجَبِينَ.

ص: ١٣١٠

(۱۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. و آن را مبارک ترین روزی که با آن برخورد کرده ایم و برترین همراهی که با آن همراه شده ایم و بهترین زمانی که در آن به سر برده ایم قرار ده.

(۲۰) و ما را از خوشنود ترین آفریدگانت که شب و روز بر آنها گذشته، و شکرگزارترین آنان بر نعمتی که ارزانی داشته ای و پایدار ترین آنها به آئینی که مقدر نموده ای و خوددار ترین ایشان از حرام هایی که از آن بیم داده ای قرار ده.

(۲۱) خداوندا من تو را گواه می گیرم و گواهی تو کافی است و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را در این روز و این ساعت و این شب و این جایگاه شاهد می گیرم که من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، برپا دارنده عدلی، دادگر در حکمی، با بندگان بسیار مهربانی، صاحب هر ملکی و رحم کننده بر آفریدگانی.

(۲۲) و گواهی می دهم همانا محمّد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین آفریدگانت است، رسالت خود را بر او دادی، پس آن را انجام داد. و او را به نصیحت کردن امّتش دستور دادی، پس آنها را نصیحت کرد.

(۲۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست بیش از آنچه بر کسی از آفریدگانت فرستادی، و از جانب ما برترین چیزی را که به یکی از بندگانت عطا نمودی، به او عطا کن و از طرف ما بهترین و گرامی ترین پاداشی را که به پیامبرانت از جانب امّتش دادی، به او پاداش ده.

(۲۴) به درستی که تو بسیار بخشنده نعمتِ بزرگ و آمرزنده برای (گناه) بزرگ هستی و تویی مهربان تر از هر مهربان. پس بر محمّد و خاندانش که پاک، پاکیزه، نیکوکار و شریف ترین اند، درود فرست.

ص: ۱۳۱۱

(۷) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا عَرَضَت لَهُ مُهِمّهٌ أَو نَزَلَت بِهِ،مُلِمّهٌ وَ عِندَ الكَربِ

(۱) يَا مَن تُحَلّ بِهِ عُقَدُ المَكَارِهِ، وَ يَا مَن يَفثأُ بِهِ حَدّ الشّدَائِدِ، وَ يَا مَن يُلتَمَسُ مِنهُ المَخرَجُ إِلَى رَوحِ الفَرَجِ.(۲)ذَلّت لِقُدرَتِكَ الصّعَابُ، وَ تَسَبّبَت بِلُطفِكَ الأَسبَابُ، وَ جَرَى بِقُدرَتِكَ القَضَاءُ، وَ مَضَت عَلَى إِرَادَتِكَ الأَشيَاءُ.(۳)فَهِيَ بِمَشِيّتِكَ دُونَ قَولِكَ مُؤتَمِرَةٌ، وَ بِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهيِكَ مُنزَجِرَةٌ.(۴) أَنتَ المَدعُوّ لِلمُهِمّاتِ، وَ أَنتَ المَفزَعُ فِي المُلِمّاتِ، لَا يَندَفِعُ مِنهَا إِلّا مَا دَفَعتَ، وَ لَا يَنكَشِفُ مِنهَا إِلّا مَا كَشَفتَ(۵) وَ قَد نَزَلَ بِي يَا رَبّ مَا قَد تَكَأّدَنِي ثِقلُهُ، وَ أَلَمّ بِي مَا قَد بَهَظَنِي حَملُهُ.(۶) وَ بِقُدرَتِكَ أَورَدتَهُ عَلَيّ وَ بِسُلطَانِكَ وَجّهتَهُ إِلَيّ.(۷) فَلَا مُصدِرَ لِمَا أَورَدتَ، وَ لَا صَارِفَ لِمَا وَجّهتَ، وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَغلَقتَ، وَ لَا مُغلِقَ لِمَا فَتَحتَ، وَ لَا مُيَسّرَ لِمَا عَسّرتَ، وَ لَا نَاصِرَ لِمَن خَذَلتَ.(۸)فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ افتَح لِي يَا رَبّ بَابَ الفَرَجِ بِطَولِكَ، وَ اكسِر عَنّي سُلطَانَ الهَمّ بِحَولِكَ، وَ أَنِلنِي حُسنَ النّظَرِ فِيمَا شَكَوتُ، وَ أَذِقنِي حَلَاوَةَ الصّنعِ فِيمَا سَأَلتُ، وَ هَب لِي مِن لَدُنكَ رَحمَةً وَ فَرَجاً هَنِيئاً، وَ اجعَل لِي مِن عِندِكَ مَخرَجاً وَحِيّاً.

ص: ۱۳۱۲

(۷)از دعاهای امام علیه السلام است آنگاه که کارِ دشواری به او روآوْرْد یا مصیبتی برایش رخ داد و هنگام اندوه

(۱) ای کسی که گره های سختی ها به واسطه او باز می شود، و ای کسی که شدّت دشواری ها با او آرام می گردد و ای کسی که رهایی و رفتن به سوی آسایشی فراخ، از او درخواست می شود.

(۲) سختی ها به توانایی تو آسان شد و به لطف تو وسیله ها فراهم گردید و تقدیر به قدرت تو اجرا شد و اشیاء بر وفق اراده تو تحقق یافته اند.

(۳) پس آن اشیا به خواست تو بدون سخنت فرمانبردارند و به اراده تو بدون نهیت بازداشته شده اند.

(۴) تویی خوانده شده برای دشواری ها و تویی فریادرس در سختی ها، از آنها جز آنچه تو دور کنی، دور نمی گردد و از آنها جز آنچه تو برطرف کنی، برطرف نمی شود.

(۵) ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است و به من امری وارد شده که تحمّل آن مرا به مشقّت انداخته.

(۶) و تو به قدرتت آن را بر من وارد نمودی و به سلطه خویش آن را بر من فرستادی.

(۷) پس برای آنچه به من رساندی، باز گرداننده ای و برای آنچه بر من فرستادی، دور کننده ای و برای آنچه بستی، گشاینده ای و برای آنچه گشودی، بستنده ای و برای آنچه دشوار کردی، آسان کننده ای و برای آنکه خوار نمودی، یاری دهنده ای نیست.

(۸) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ای پروردگار من به فضل خود درِ آسایش را به رویم بگشای و به توانایی ات سلطه غم و اندوه را بر من بشکن و در آنچه شکوه دارم به من احسان داشته باش و شیرینی احسانت را در آنچه درخواست نمودم به من بچشان و از جانب خویش رحمت و گشایشِ گوارا به من ببخش، و نزد خود زود رها شدن را برای من مقرر کن.

ص: ۱۳۱۳

(۹) وَ لَا تشغَلَنی بِالِاهتِمَام عَن تَعَاهُدِ فُرُوضِکَ، وَ استِعمَالِ سُنّتِکَ.(۱۰)فَقَد ضِقتُ لِمَا نَزَلَ بی یَا رَبّ ذَرعاً، وَ امتَلَأتُ بِحَملِ مَا حَدَثَ عَلَیّ هَمّاً، وَ أَنتَ القَادِرُ عَلَی کَشفِ مَا مُنِیتُ بِهِ، وَ دَفعِ مَا وَقَعتُ فِیهِ،فَافعَل بی ذَلِکَ وَ إِن لَم أَستَوجِبهُ مِنکَ، یَا ذَا العَرشِ العَظِیم.

(۹) و مرا به سبب غم و اندوه از رعایت واجبات و انجام سنّت خود باز مدار.

(۱۰) ای پروردگار من، طاقت آنچه بر من رسیده را ندارم و از آنچه برایم رخ داده از غم و اندوه پر گشته ام و تو بر دفع آنچه به آن گرفتار شده ام و برطرف کردن آنچه در آن افتاده ام توانایی. پس آن را برای من انجام ده. اگر چه از جانب تو شایسته آن نیستم، ای صاحب عرش و تخت بزرگ.

ص: ۱۳۱۵

(٨) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی الِاستِعَاذَهِ مِنَ المَكَارِهِ وَ سَيّئِ الأَخلَاقِ وَ مَذَامّ الأَفعَالِ

(١) أَللّهُمّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِن هَيَجَانِ الحِرصِ، وَ سَورَهِ الغَضَبِ، وَ غَلَبَهِ الحَسَدِ، وَ ضَعفِ الصّبرِ، وَ قِلّهِ القَنَاعَهِ، وَ شَكَاسَهِ الخُلُقِ، وَ إِلحَاحِ الشّهوَهِ، وَ مَلَكَهِ الحَمِيّهِ(٢) وَ مُتَابَعَهِ الهَوَی، وَ مُخَالَفَهِ الهُدَی، وَ سِنَهِ الغَفلَهِ، وَ تعَاطِي الكُلفَهِ، وَ إِيثَارِ البَاطِلِ عَلَی الحَقّ، وَ الإِصرَارِ عَلَی المَأثَمِ، وَ استِصغَارِ المَعصِيَهِ، وَ استِكبَارِ الطّاعَهِ.(٣) وَ مُبَاهَاهِ المُكثِرِينَ، وَ الإِزرَاءِ بِالمُقِلّينَ، وَ سُوءِ الوِلَايَهِ لِمَن تَحتَ أَيدِينَا، وَ تَركِ الشّكرِ لِمَنِ اصطَنَعَ العَارِفَهَ عِندَنَا(۴) أَو أَن نَعضُدَ ظَالِماً، أَو نَخذُلَ مَلهُوفاً، أَو نَرُومَ مَا لَيسَ لَنَا بِحَقّ، أَو نَقُولَ فِی العِلمِ بِغَيرِ عِلمٍ(۵) وَ نَعُوذُ بِکَ أَن نَنطَوِيَ عَلَی غِشّ أَحَدٍ، وَ أَن نُعجِبَ بِأَعمَالِنَا، وَ نَمُدّ فِی آمَالِنَا(۶) وَ نَعُوذُ بِکَ مِن سُوءِ السّرِيرَهِ، وَ احتِقَارِ الصّغِيرَهِ، وَ أَن يَستَحوِذَ عَلَينَا الشّيطَانُ، أَو يَنكُبَنَا الزّمَانُ، أَو يَتَهَضّمَنَا السّلطَانُ(٧) وَ نَعُوذُ بِکَ مِن تَنَاوُلِ الإِسرَافِ، وَ مِن فِقدَانِ الكَفَافِ(٨) وَ نَعُوذُ بِکَ مِن شَمَاتَهِ الأَعدَاءِ، وَ مِنَ الفَقرِ إِلَی الأَكفَاءِ، وَ مِن مَعِيشَهٍ فِی شِدّهٍ، وَ مِيتَهٍ عَلَی غَيرِ عُدّهٍ. (٩) وَ نَعُوذُ بِکَ مِنَ الحَسرَهِ العُظمَی، وَ المُصِيبَهِ الكُبرَی، وَ أَشقَی الشّقَاءِ، وَ سُوءِ المَآبِ، وَ حِرمَانِ الثّوَابِ، وَ حُلُولِ العِقَابِ(١٠) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِذنِي مِن كُلّ ذَلِکَ بِرَحمَتِکَ وَ جَمِيعَ المُؤمِنِينَ وَ المُؤمِنَاتِ، يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ.

ص: ۱۳۱۶

(۸)از دعاهای امام علیه السلام است در پناه بردن (به خدا) از سختی ها و اخلاق بد و کردارهای ناپسند

(۱) خداوندا به تو پناه می برم از برانگیخته شدن حرص و شدّت خشم و چیرگی حسد و سستی شکیبایی و کاستی قناعت و بد خلقی و زیاده روی شهوت و غلبه عصبیّت

(۲) و پیروی هوا و هوس و مخالفت رستگاری و خواب غفلت و انجام دادن کارِ با مشقّت و برتری دادن باطل بر حق و پافشاری بر گناه و کوچک شمردن نافرمانی و بزرگ شمردن طاعت و بندگی

(۳) و فخرفروشی ثروتمندان و تحقیر کردن تهی دستان و بدرفتاری با زیردستان و ناسپاسی از کسی که به ما نیکی کرده

(۴) یا اینکه ستمگری را کمک کنیم یا آنکه ستم دیده ای را خوار گردانیم یا آنچه حقّ ما نیست بخواهیم یا بدون داشتن آگاهی سخن بگوییم.

(۵) و پناه می بریم به تو از اینکه قصد خیانت به کسی داشته باشیم و در کارهایمان خودپسند باشیم و آرزوهایمان را دراز کنیم.

(۶) و پناه می بریم به تو از نیّت بد و ناچیز شمردن گناه کوچک و اینکه شیطان بر ما دست یابد یا زمانه ما را دچار سختی نماید یا پادشاه به ما ستم کند.

(۷) و پناه می بریم به تو از انجام اسراف و از نیافتن روزی کافی.

(۸) و پناه می بریم به تو از سرزنش دشمنان و از نیازمندی به هم نوعان و از زندگی در سختی و از مرگ ناگهانی.

(۹) و پناه می بریم به تو از حسرت بزرگ و بزرگ ترین مصیبت و بدترین تیره بختی و بدی سرنوشت و بی بهرگی از پاداش و فرود آمدن کیفر.

(۱۰) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا و همه مردان و زنان با ایمان را به رحمتت از آنچه گفته شد پناه ده. ای مهربان ترین مهربانان.

ص: ۱۳۱۷

(۹) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی الِاشتِيَاقِ إِلَی طَلَبِ المَغفِرَهِ مِنَ اللّهِ جَلّ جَلَالُهُ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ صَیّرنَا إِلَی مَحبُوبِکَ مِنَ التّوبَهِ، وأَزِلنَا عَن مَکرُوهِکَ مِنَ الإِصرَارِ(۲) أللّهُمّ وَ مَتَی وَقَفنَا بَینَ نَقصَینِ فِی دِینٍ أَو دُنیَا،فَأَوقِعِ النّقصَ بِأَسرَعِهِمَا فَنَاءً، وَ اجعَلِ التّوبَهَ فِی أَطوَلِهِمَا بَقَاءً(۳) وَ إِذَا هَمَمنَا بِهَمّینِ یُرضِیکَ أَحَدُهُمَا عَنّا، وَ یُسخِطُکَ الآخَرُ عَلَینَا،فَمِل بِنَا إِلَی مَا یُرضِیکَ عَنّا، وَ أَوهِن قُوّتَنَا عَمّا یُسخِطُکَ عَلَینَا(۴) وَ لَا تُخَلّ فِی ذَلِکَ بَینَ نُفُوسِنَا وَ اختِیَارِهَا،فَإِنّهَا مُختَارَهٌ لِلبَاطِلِ إِلّا مَا وَفّقتَ،أَمّارَهٌ بِالسّوءِ إِلّا مَا رَحِمتَ(۵) أللّهُمّ وَ إِنّکَ مِنَ الضّعفِ خَلَقتَنَا، وَ عَلَی الوَهنِ بَنَیتَنَا، وَ مِن مَاءٍ مَهِینٍ ابتَدَأتَنَا، فَلَا حَولَ لَنَا إِلّا بِقُوّتِکَ، وَ لَا قُوّهَ لَنَا إِلّا بِعَونِکَ(۶)فَأَیّدنَا بِتَوفِیقِکَ، وَ سَدّدنَا بِتَسدِیدِکَ، وَ أَعمِ أَبصَارَ قُلُوبِنَا عَمّا خَالَفَ مَحَبّتَکَ، وَ لَا تَجعَل لِشَیءٍ مِن جَوَارِحِنَا نُفُوذاً فِی مَعصِیَتِکَ (۷) أللّهُمّ فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَ حَرَکَاتِ أَعضَائِنَا وَ لَمَحَاتِ أَعیُنِنَا، وَ لَهَجَاتِ أَلسِنَتِنَا فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ حَتّی لَا تَفُوتَنَا حَسَنَهٌ نَستَحِقّ بِهَا جَزَاءَکَ، وَ لَا تَبقَی لَنَا سَیّئَهٌ نَستَوجِبُ بِهَا عِقَابَکَ.

ص: ۱۳۱۸

(۹)از دعاهای امام علیه السلام است در اشتیاق به طلب آمرزش از خدای بزرگِ با عزّت

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به سوی توبه پسندیده خود ببر و ما را از اصرار بر آنچه ناپسند توست، دور بدار.

(۲) خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا. پس زیان را در آن که زودگذر است و بازگشت را در آنکه دوامش طولانی است قرار ده.

(۳) و چون بر دو کار تصمیم گرفتیم، یکی تو را از ما خوشنود می سازد و دیگری تو را بر ما به خشم می آورد، پس ما را به آن کار که تو را از ما خوشنود می سازد برگردان و توانمان را از کاری که تو را بر ما خشمگین می سازد سست کن.

(۴) و در آنگاه، نفوس ما را به اختیار خود وا مگذار، چون آن باطل را برمی گزیند مگر تو توفیق دهی، و به بدی امر می کند مگر تو رحم کنی.

(۵) خداوندا و تو ما را از ناتوانی آفریده ای و بر سستی بنا نهاده ای و از آب ناچیز آغازمان نموده ای. پس جنبشی برای ما جز به قدرت تو و نیرویی برای ما جز به یاری تو نیست.

(۶) پس ما را به توفیق خود توانایی ده و به راه راست خود ثابت قدم گردان و چشم دل ما را از آنچه برخلاف دوستی توست کور گردان و اعضای ما را در نافرمانی ات نفوذناپذیر کن.

(۷) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و رازهای دل هایمان و جنبش های اعضای مان و نگاه های زیرچشمی دیدگان مان و سخنان زبان هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار نیکی که به سبب آن سزاوار پاداش تو شویم از دستمان نرود، و کار بدی که به وسیله آن مستوجب عذاب تو شویم برای ما نماند.

(۱۰) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِى اللّجَإِ إِلَى اللّهِ تَعَالَى

(۱) أَللّهُمّ إِن تَشَأ تَعفُ عَنّا فَبِفَضلِكَ، وَ إِن تَشَأ تُعَذّبنَا فَبِعَدلِكَ(۲)فَسَهّل لَنَا عَفوَكَ بِمَنّكَ، وَ أَجِرنَا مِن عَذَابِكَ بِتَجَاوُزِكَ،فَإِنّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَدلِكَ، وَ لَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِنّا دُونَ عَفوِكَ(۳) يَا غَنِيّ الأَغنِيَاءِ،هَا،نَحنُ عِبَادُكَ بَينَ يَدَيكَ، وَ أَنَا أَفقَرُ الفُقَرَاءِ إِلَيكَ،فَاجبُر فَاقَتَنَا بِوُسعِكَ، وَ لَا تَقطَع رَجَاءَنَا بِمَنعِكَ،فَتَكُونَ قَد أَشقَيتَ مَنِ استَسعَدَ بِكَ، وَ حَرَمتَ مَنِ استَرفَدَ فَضلَكَ(۴)فَإِلَى مَن حِينَئِذٍ مُنقَلَبُنَا عَنكَ، وَ إِلَى أَينَ مَذهَبُنَا عَن بَابِكَ،سُبحَانَكَ نَحنُ المُضطَرّونَ الّذِينَ أَوجَبتَ إِجَابَتَهُم، وَ أَهلُ السّوءِ الّذِينَ وَعَدتَ الكَشفَ عَنهُم(۵) وَ أَشبَهُ الأَشيَاءِ بِمَشِيّتِكَ، وَ أَولَى الأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحمَةُ مَنِ استَرحَمَكَ، وَ غَوثُ مَنِ استَغَاثَ بِكَ،فَارحَم تَضَرّعَنَا إِلَيكَ، وَ أَغنِنَا إِذ طَرَحنَا أَنفُسَنَا بَينَ يَدَيكَ (۶) أَللّهُمّ إِنّ الشّيطَانَ قَد شَمِتَ بِنَا إِذ شَايَعنَاهُ عَلَى مَعصِيَتِكَ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تُشمِتهُ بِنَا بَعدَ تَركِنَا إِيّاهُ لَكَ، وَ رَغبَتِنَا عَنهُ إِلَيكَ.

ص: ۱۳۲۰

(۱۰) از دعاهای امام علیه السلام است در پناه بردن به خداوند متعال

(۱) خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست و اگر بخواهی ما را عذاب کنی، از عدالت توست.

(۲) پس به منّت خود، بخشایشت را بر ما آسان گردان و به گذشت خود، ما را از عذابت ایمن ساز. زیرا ما طاقت عدالت تو را نداریم و بدون بخشایش تو، هیچ یک از ما نجات نمی یابیم.

(۳) ای بی نیازترین بی نیازان، اینک ما بندگانت در پیشگاه توایم و من نیازمندترین نیازمندان به توام، پس نیاز ما را به توانگری خود برطرف کن و به منع خویش، ما را ناامید مکن. وگرنه کسی که از تو نیکبختی خواسته، بدبخت کرده ای و آنکه از احسانت بخشش خواسته، محروم نموده ای.

(۴) پس در این هنگام از جانب تو به چه کسی رو آوریم؟ و از درِ خانه تو به کجا رویم؟ پاک و منزّهی تو! ما درماندگانیم که اجابت آنها را واجب گردانده ای و ما گرفتارانیم که رفع گرفتاری آنها را وعده داده ای.

(۵) و شبیه ترین چیزها به اراده ات و سزاوارترین کارها به بزرگواری ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته و کمک به کسی است که از تو کمکی طلبیده. پس به زاری ما به درگاهت رحم کن و چون خویش را در پیشگاه تو افکنده ایم، بی نیازمان گردان.

(۶) خداوندا چون بر نافرمانی از تو، شیطان را همراهی نمودیم، او ما را شماتت کرد. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پس از آنکه به خاطر تو از او دوری کردیم و به درگاه تو روی آوردیم، اندوهی به ما نرسان که او را شاد گرداند.

ص: ۱۳۲۱

(۱۱) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ بِخَوَاتِمِ الخَيرِ

(۱) يَا مَن ذِكرُهُ شَرَفٌ لِلذّاكِرِينَ، وَ يَا مَن شُكرُهُ فَوزٌ لِلشّاكِرِينَ، وَ يَا مَن طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلمُطِيعِينَ،صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اشغَل قُلُوبَنَا بِذِكرِكَ عَن كُلّ ذِكرٍ، وَ أَلسِنَتَنَا بِشُكرِكَ عَن كُلّ شُكرٍ، وَ جَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَن كُلّ طَاعَةٍ.(۲) فَإِن قَدّرتَ لَنَا فَرَاغاً مِن شُغلٍ فَاجعَلهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ لَا تُدرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ، وَ لَا تلحَقُنَا فِيهِ سَأمَةٌ، حَتّى يَنصَرِفَ عَنّا كُتّابُ السّيّئَاتِ بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ مِن ذِكرِ سَيّئَاتِنَا، وَ يَتَوَلّى كُتّابُ الحَسَنَاتِ عَنّا مَسرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِن حَسَنَاتِنَا(۳) وَ إِذَا انقَضَت أَيّامُ حَيَاتِنَا، وَ تَصَرّمَت مُدَدُ أَعمَارِنَا، وَ استَحضَرَتنَا دَعوَتُكَ التّي لَا بُدّ مِنهَا وَ مِن إِجَابَتِهَا،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل خِتَامَ مَا تُحصِي عَلَينَا كَتَبَةُ أَعمَالِنَا تَوبَةً مَقبُولَةً لَا تُوقِفُنَا بَعدَهَا عَلَى ذَنبٍ اجتَرَحنَاهُ، وَ لَا مَعصِيَةٍ اقتَرَفنَاهَا.(۴) وَ لَا تَكشِف عَنّا سِتراً سَتَرتَهُ عَلَى رُءُوسِ الأَشهَادِ، يَومَ تَبلُو أَخبَارَ عِبَادِكَ. (۵)إِنّكَ رَحِيمٌ بِمَن دَعَاكَ، وَ مُستَجِيبٌ لِمَن نَادَاكَ.

ص: ۱۳۲۲

(۱۱)از دعاهای امام علیه السلام است در عاقبت به خیری

(۱) ای که یاد او برای یاد کنندگان بزرگی است و ای که سپاس او برای سپاس گزاران پیروزی است و ای که اطاعت او برای فرمانبران رهایی است، بر محمّد و خاندانش درود فرست و دل های ما را به یاد خود از هر یادی و زبان های ما را به سپاس خود از هر سپاسی و اعضای ما را به اطاعت خود از هر اطاعتی مشغول ساز.

(۲) و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد و خستگی ای به ما نرسد. تا نویسندگان بدی ها با نامه ای خالی از کردار زشت از نزد ما بازگردند و نویسندگان خوبی ها -به سبب آنچه از نیکی های ما نوشته اند- شادمان برگردند.

(۳) و آن هنگام که روزهای زندگانی ما به سر رسید و اوقات عمرمان سپری شد و ما را دعوت تو -که چاره ای جز پذیرفتن آن نیست- فراخواند، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پایان آنچه نویسندگان کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده که ما را پس از آن بر گناه و نافرمانی انجام شده توبیخ نکنی.

(۴) و در برابر گواهان، پرده ای که با آن ما را پوشانده ای کنار نزن، روزی که اخبار بندگانت را آشکار می کنی.

(۵) به درستی که تو مهربانی به هر که تو را خوانَد و اجابت کننده ای برای هر که تو را صدا زند.

ص: ۱۳۲۳

(۱۲) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِى الِاعتِرَافِ وَ طَلَبِ التّوبَهِ إِلَى اللّهِ تَعَالَى

(۱) أللّهُمّ إِنّهُ يحجُبُنِى عَن مَسأَلَتِك خِلَالٌ ثَلَاثٌ، وَ تحَدُونِى عَلَيهَا خَلّهٌ وَاحِدَهٌ(۲)يحجُبُنِى أَمرٌ أَمَرتَ بِهِ فَأَبطَأتُ عَنهُ، وَ نهَىٌ نَهَيتَنِى عَنهُ فَأَسرَعتُ إِلَيهِ، وَ نِعمَهٌ أَنعَمتَ بِهَا عَلَيّ فَقَصّرتُ فِى شُكرِهَا.(۳) وَ يحَدُونِى عَلَى مَسأَلَتِك تَفَضّلُك عَلَى مَن أَقبَلَ بِوَجهِهِ إِلَيك، وَ وَفَدَ بِحُسنِ ظَنّهِ إِلَيك،إِذ جَمِيعُ إِحسَانِك تَفَضّلٌ، وَ إِذ كُلّ نِعَمِك ابتِدَاءٌ(۴)فَهَا أَنَا ذَا، يَا إِلَهِى،وَاقِفٌ بِبَابِ عِزّك وُقُوفَ المُستَسلِمِ الذّلِيلِ، وَ سَائِلُك عَلَى الحَيَاءِ مِنّى سُؤَالَ البَائِسِ المُعِيلِ(۵)مُقِرّ لَك بِأَنّى لَم أَستَسلِم وَقتَ إِحسَانِك إِلّا بِالإِقلَاعِ عَن عِصيَانِك، وَ لَم أَخلُ فِى الحَالَاتِ كُلّهَا مِنِ امتِنَانِك.(۶)فَهَل ينفَعُنِى، يَا إِلَهِى،إِقرَارِى عِندَك بِسُوءِ مَا اكتَسَبتُ وَ هَل ينجِينِى مِنك اعتِرَافِى لَك بِقَبِيحِ مَا ارتَكَبتُ أَم أَوجَبتَ لِى فِى مَقَامِى هَذَا سُخطَك أَم لَزِمَنِى فِى وَقتِ دُعَاى مَقتُك.
(۷)سُبحَانَك، لَا أَيأَسُ مِنك وَ قَد فَتَحتَ لِى بَابَ التّوبَهِ إِلَيك،بَل أَقُولُ مَقَالَ العَبدِ الذّلِيلِ الظّالِمِ لِنَفسِهِ المُستَخِفّ بِحُرمَهِ رَبّهِ.

ص: ۱۳۲۴

(۱۲) از دعاهای امام علیه السلام است در اقرار به گناه و درخواست بازگشت به سوی خدای تعالی

(۱) خداوندا سه خصلت مرا از درخواست از تو بازمی دارد و یک خصلت مرا بر آن می راند.

(۲) بازمی دارد مرا، امری که به آن فرمان دادی و من در انجام آن کندی کردم، و کاری که مرا از آن باز داشتی و من به سوی آن شتافتم و نعمتی که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی کردم.

(۳) و وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضّل تو به آنکه رو به تو آورَد و با گمان نیک به سوی تو آید. چون همه نیکی های تو از روی تفضّل است و همه نعمت های تو ابتدا است.

(۴) پس ای خدای من، به درگاه عزّت تو همچون فرمانبری خوار، ایستاده ام. و با وجود شرمندگی ام همانند تهی دستی عیالمند از تو درخواست دارم.

(۵) اقرار می کنم به اینکه هنگام احسانت، جز با خودداری از معصیت تو، فرمان نبرده ام و در همه حال از احسان تو بی بهره نبوده ام.

(۶) ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟ و آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟ یا در جایگاهم خشم خود را بر من قرار داده ای؟ یا هنگامی که تو را می خوانم، دشمنی ات مرا لازم گشته است؟

(۷) پاک و منزّهی تو، از تو که درِ توبه را به رویم گشوده ای، ناامید نمی شوم. بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده و حرمت پروردگارش را سبک شمرده سخن می گویم.

ص: ۱۳۲۵

(۸) أَلّذِی عَظُمَت ذُنُوبُهُ فَجَلّت، وَ أَدبَرَت أَیّامُهُ فَوَلّت حَتّی إِذَا رَأَی مُدّهَ العَمَلِ قَدِ انقَضَت وَ غَایَهَ العُمُرِ قَدِ انتَهَت، وَ أَیقَنَ أَنّهُ لَا
مَحِیصَ لَهُ مِنکَ، وَ لَا مَهرَبَ لَهُ عَنکَ،تَلَقّاکَ بِالإِنَابَهِ، وَ أَخلَصَ لَکَ التّوبَهَ،فَقَامَ إِلَیکَ بِقَلبٍ طَاهِرٍ نَقِیّ، ثُمّ دَعَاکَ بِصَوتٍ حَائِلٍ
خفَیٍ.(۹) قَد تَطَأطَأَ لَکَ فَانحَنَی، وَ نَکّسَ رَأسَهُ فَانثَنَی، قَد أَرعَشَت خَشیَتُهُ رِجلَیهِ، وَ غَرّقَت دُمُوعُهُ خَدّیهِ،یَدعُوکَ بِیَا أَرحَمَ
الرّاحِمِینَ، وَ یَا أَرحَمَ مَنِ انتَابَهُ المُستَرحِمُونَ، وَ یَا أَعطَفَ مَن أَطَافَ بِهِ المُستَغفِرُونَ، وَ یَا مَن عَفوُهُ أَکثَرُ مِن نَقِمَتِهِ، وَ یَا مَن رِضَاهُ
أَوفَرُ مِن سَخَطِهِ.(۱۰) وَ یَا مَن تَحَمّدَ إِلَی خَلقِهِ بِحُسنِ التّجَاوُزِ، وَ یَا مَن عَوّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الإِنَابَهِ، وَ یَا مَنِ استَصلَحَ فَاسِدَهُم بِالتّوبَهِ وَ
یَا مَن رَضِیَ مِن فِعلِهِم بِالیَسِیرِ، وَ مَن کَافَی قَلِیلَهُم بِالکَثِیرِ، وَ یَا مَن ضَمِنَ لَهُم إِجَابَهَ الدّعَاءِ، وَ یَا مَن وَعَدَهُم عَلَی نَفسِهِ بِتَفَضّلِهِ
حُسنَ الجَزَاءِ.(۱۱) مَا أَنَا بِأَعصَی مَن عَصَاکَ فَغَفَرتَ لَهُ، وَ مَا أَنَا بِأَلوَمِ مَنِ اعتَذَرَ إِلَیکَ فَقَبِلتَ مِنهُ، وَ مَا أَنَا بِأَظلَمِ مَن تَابَ إِلَیکَ
فَعُدتَ عَلَیهِ.(۱۲)أَتُوبُ إِلَیکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوبَهَ نَادِمٍ عَلَی مَا فَرَطَ مِنهُ،مُشفِقٍ مِمّا اجتَمَعَ عَلَیهِ،خَالِصِ الحَیَاءِ مِمّا وَقَعَ فِیهِ.
(۱۳)عَالِمٍ بِأَنّ العَفوَ عَنِ الذّنبِ العَظِیمِ لَا یَتَعَاظَمُکَ، وَ أَنّ التّجَاوُزَ عَنِ الإِثمِ الجَلِیلِ لَا یَستَصعِبُکَ، وَ أَنّ احتِمَالَ الجِنَایَاتِ الفَاحِشَهِ
لَا یَتَکَأّدُکَ، وَ أَنّ أَحَبّ عِبَادِکَ إِلَیکَ مَن تَرَکَ الِاستِکبَارَ عَلَیکَ، وَ جَانَبَ الإِصرَارَ، وَ لَزِمَ الِاستِغفَارَ.(۱۴) وَ أَنَا أَبرَأُ إِلَیکَ مِن
أَن أَستَکبِرَ، وَ أَعُوذُ بِکَ مِن أَن أُصِرّ، وَ أَستَغفِرُکَ لِمَا قَصّرتُ فِیهِ، وَ أَستَعِینُ بِکَ عَلَی مَا عَجَزتُ عَنهُ.

(۸) آن که گناهـانش بزرگ و رو به فزونی است و روزگـارش (به او) پشت کرده و سپری شـده، تـا اینکه می بینـد زمان عمل گذشـته و مـدّت عمر به پایـان رسـیده و بـاور کرده که پناهگـاه و گریزگـاهی از تـو برایش نیست. بـا توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند. پس با دلی پاک و پاکیزه به سوی تو برخاسته و با صدای آهسته پنهانی تو را می خواند.

(۹) با حال فروتنی برای تو خم شـده و سـرش را کـج و به زیر افکنـده، و ترس پاهایش را به لرزه انـداخته و دو گونه اش غرق اشک شـده، تو را صـدا می زند: ای مهربان ترین مهربانان و ای بخشـنده ای که رحمت خواهان پی درپی نزد او می آیند و ای مهربانی که آمرزش خواهان گرد او می گردنـد و ای آنکه بخشایش او از کیفرش بیشتر است و ای کسـی که خوشـنودی او از خشمش افزون تر می باشد.

(۱۰) و ای آنکه با گذشت نیک، آفریدگانش را به سپاس خود واداشته و ای آنکه بندگانش را به قبول پشیمانی عادت داده و ای آنکه فاسـد ایشـان را با توبهْ اصـلاح کرده و ای آنکه از کردار انـدک ایشان، خرسـند شـده و ای آنکه کمِ ایشان را پاداش فراوان داده و ای آنکه روا شدن خواسـته ها را برای ایشان ضـمانت کرده و ای آنکه ایشان را به فضل خود، پاداش نیک وعده داده است.

(۱۱) من گناهکارتر از آنکه نافرمانی تو کرده و تو او را آمرزیـده ای، نبوده ام. و نکوهیده تر از عذر آورنده به پیشـگاهت که تو عذرش را پذیرفته ای، نیستم. و ستمکارتر از توبه کننده به درگاهت که تو به او نیکی نموده ای، نمی باشم.

(۱۲) در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو باز می گردم، بازگشت کسی که از آنچه از او سر زده، پشیمان است. و از آنچه بر او گرد آمده، ترسان. و از آنچه در آن افتاده، سخت شرمنده است.

(۱۳) می داند که بخشایش گناه بزرگ، بر تو بزرگ نیست و درگذشتن از معصیت بسیار، بر تو دشوار نیست و چشم پوشی از جرم های بسیار زشت بر تو سخت نمی باشد، و محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است که بر تو گردنکشی نکند و پافشاری (بر گناه) را ترک کند و پیوسته آمرزش خواهد.

(۱۴) و من از گردنکشـی بر تو سـخت بیزارم و از اصرار (بر گناه) به تو پناه می برم. و برای آنچه کوتاهی کردم، از تو آمرزش می خواهم، و برای هر آنچه از انجامش ناتوانم، از تو یاری می طلبم.

(۱۵) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَب لِی مَا یَجِبُ عَلَیّ لَکَ، وَ عافِنِی مِمّا أَستَوجِبُهُ مِنکَ، وَ أجِرنِی مِمّا یَخافُهُ أَهلُ الإِسَاءَهِ،فَإِنّکَ ملِیءٌ بِالعَفوِ،مَرجُوّ لِلمَغفِرَهِ،مَعرُوفٌ بِالتّجَاوُزِ، لَیسَ لِحَاجَتِی مَطلَبٌ سِوَاکَ، وَ لَا لِذَنبِی غَافِرٌ غَیرُکَ،حَاشَاکَ(۱۶) وَ لَا أَخَافُ عَلَی نفَسیِ إِلّا إِیّاکَ،إِنّکَ أَهلُ التّقوَی وَ أَهلُ المَغفِرَهِ،صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ اقضِ حَاجَتِی، وَ أَنجِح طَلِبَتِی، وَ اغفِر ذَنبِی، وَ آمِن خَوفَ نفَسیِ،إِنّکَ عَلَی کُلّ شَیءٍ قَدِیرٌ، وَ ذَلِکَ عَلَیکَ یَسِیرٌ،آمِینَ رَبّ العَالَمِینَ.

ص: ۱۳۲۸

(۱۵) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنچه از تو بر من واجب است، به من ببخش. و مرا از آنچه از جانب تو سزاوارش هستم رها کن و از آنچه بدکاران وحشت دارند پناهم ده، که تو بر بخشایش نمودن توانایی، و برای آمرزش، امیدواری به توست و به گذشت مشهوری. برای حاجتم جز از تو درخواستی نیست و برای گناهم غیر از تو آمرزنده ای ندارم. تو از عیوب منزّه و دوری.

(۱۶) و من بر خود جز از تو نمی ترسم. زیرا تو سزاواری که از تو پروا کنند و سزاواری که بیامرزی، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و حاجتم را روا کن و در خواستم را برآور، و گناهم را بیامرز و ترسم را ایمنی ده. زیرا تو به هر چیز توانایی و آنچه خواستم بر تو آسان است. بپذیر، پروردگار جهانیان.

ص: ۱۳۲۹

(١٣) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السَّلَامُ فِی طَلَبِ الحَوَائِجِ إِلَی اللّٰهِ تَعَالَی

(١) أَللّٰهُمّ يَا مُنتَهَی مَطلَبِ الحَاجَاتِ(٢) وَ يَا مَن عِنـدَهُ نَيلُ الطَّلِبَاتِ(٣) وَ يَا مَن لَا يَبِيعُ نِعَمَهُ بِالأَثمَانِ(۴) وَ يَا مَن لَا يُكَدّرُ عَطَايَاهُ بِالِامتِنَانِ(۵) وَ يَا مَن يُستَغنَی بِهِ وَ لَا يُستَغنَی عَنهُ(۶) وَ يَا مَن يُرغَبُ إِلَيهِ وَ لَا يُرغَبُ عَنهُ(٧) وَ يَا مَن لَا تفُنِي خَزَائِنَهُ المَسَائِلُ(٨) وَ يَا مَن لَا تُبَدّلُ حِكمَتَهُ الوَسَائِلُ(٩) وَ يَا مَن لَا تَنقَطِعُ عَنهُ حَوَائِجُ المُحتَاجِينَ(١٠) وَ يَا مَن لَا يُعَنّيهِ دُعَاءُ الدّاعِينَ.(١١)تَمَدّحتَ بِالغَنَاءِ عَن خلقِكَ وَ أَنتَ أَهلُ الغِنَی عَنهُم (١٢) وَ نَسَبتَهُم إِلَی الفَقرِ وَ هُم أَهلُ الفَقرِ إِلَيكَ.(١٣)فَمَن حَاوَلَ سَدّ خَلّتِهِ مِن عِندِكَ، وَ رَامَ صَرفَ الفَقرِ عَن نَفسِهِ بِكَ فَقَد طَلَبَ حَاجَتَهُ فِی مَظَانّهَا، وَ أَتَی طَلِبَتَهُ مِن وَجهِهَا.(١۴) وَ مَن تَوَجّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِن خَلقِكَ أَو جَعَلَهُ سَبَبَ نُجحِهَا دُونَكَ فَقَد تَعَرّضَ لِلحِرمَانِ، وَ استَحَقّ مِن عِندِكَ فَوتَ الإِحسَانِ.(١۵) أَللّٰهُمّ وَ لِی إِلَيكَ حَاجَةٌ قَد قَصّرَ عَنهَا جُهدِي، وَ تَقَطّعَت دُونَهَا حِيَلِي، وَ سَوّلَت لِی نفسِی رَفعَهَا إِلَی مَن يَرفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيكَ، وَ لَا يستَغنِي فِی طَلِبَاتِهِ عَنكَ، وَ هِيَ زَلّةٌ مِن زَلَلِ الخَاطِئِينَ، وَ عَثرَةٌ مِن عَثَرَاتِ المُذنِبِينَ.

ص: ١٣٣٠

(۱۳)از دعاهای امام علیه السلام است در طلب حاجت ها از خداوند بلند مرتبه.

(۱) خداوندا ای نهایت درخواستِ نیازها.

(۲) و ای آنکه رسیدن به خواسته ها نزد اوست.

(۳) و ای که نعمت هایش را به بها نمی فروشد.

(۴) و ای آنکه با منّت گذاشتن، بخشش هایش را تیره نمی سازد.

(۵) و ای که به او بی نیاز می گردند و از او بی نیاز نمی شوند.

(۶) و ای که به او رو می آورند و از او روگردان نمی شوند.

(۷) و ای آنکه درخواست ها، گنجینه های او را فانی نمی سازد.

(۸) و ای آنکه ابزارها، حکمتش را دگرگون نمی کند.

(۹) و ای آنکه درخواست های نیازمندان از او قطع نمی گردد.

(۱۰) و ای آنکه دعای نیایشگران او را خسته نمی کند.

(۱۱) خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای و خود شایسته بی نیازی از آنهایی.

(۱۲) و آنها را به تنگدستی نسبت داده ای و ایشان سزاوارند که به تو نیازمند باشند.

(۱۳) پس هر که دفع فقرش را از تو جوید، و برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواهد، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده و از راهش به مراد خود رسیده.

(۱۴) و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده و نیافتن احسان تو را سزاوار گشته.

(۱۵) خداوندا به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم و چاره جویی های زیرکانه ام در برابر آن گسسته و نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده و در خواسته هایش از تو بی نیاز نیست، برایم می آراید. و این لغزشی از لغزش های خطاکاران و افتادنی از افتادن های گناهکاران است.

(۱۶) ثُمّ انتَبهتُ بِتَذكِيرِکَ لِی مِن غفلَتی، وَ نَهَضتُ بِتوفِیقِکَ مِن زلّتی، وَ رَجعتُ وَ نَکَصتُ بِتَسدِیدِکَ عَن عثرَتی.(۱۷) وَ قُلتُ سُبحَانَ ربّیَ کَیفَ یَسأَلُ مُحتَاجٌ مُحتَاجاً وَ أَنّی یَرغَبُ مُعدِمٌ إِلَی مُعدِم(۱۸)فَقَصَدتُکَ، یَا إِلهِی،بِالرّغبَهِ، وَ أَوفَدتُ عَلَیکَ رجَائی بِالثّقَهِ بِکَ.(۱۹) وَ عَلِمتُ أَنّ کَثِیرَ مَا أَسأَلُکَ یَسِیرٌ فِی وُجدِکَ، وَ أَنّ خَطِیرَ مَا أَستَوهِبُکَ حَقِیرٌ فِی وُسعِکَ، وَ أَنّ کَرَمَکَ لَا یَضِیقُ عَن سُؤَالِ أَحَدٍ، وَ أَنّ یَدَکَ بِالعَطَایَا أَعلَی مِن کُلّ یَدٍ.(۲۰) أَللّهُمّ فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ احمِلنِی بِکَرَمِکَ عَلَی التّفَضّلِ، وَ لَا تَحمِلنِی بِعَدلِکَ عَلَی الِاستِحقَاقِ،فَمَا أَنَا بِأَوّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَیکَ فَأَعطَیتَهُ وَ هُوَ یَستَحِقّ المَنعَ، وَ لَا بِأَوّلِ سَائِلٍ سَأَلَکَ فَأَفضَلتَ عَلَیهِ وَ هُوَ یَستَوجِبُ الحِرمَانَ.(۲۱) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ کُن لِدُعَائی مُجِیباً، وَ مِن نِدَائی قَرِیباً، وَ لِتَضَرّعِی رَاحِماً، وَ لِصَوتِی سَامِعاً.(۲۲) وَ لَا تَقطَع رجَائی عَنکَ، وَ لَا تَبُتّ سَبَبِی مِنکَ، وَ لَا تُوَجّهنِی فِی حَاجَتِی هَذِهِ وَ غَیرِهَا إِلَی سِوَاکَ (۲۳) وَ تَوَلّنِی بِنُجحِ طَلِبَتِی وَ قَضَاءِ حَاجَتِی وَ نَیلِ سُؤلِی قَبلَ زوَالِی عَن مَوقِفِی هَذَا بِتَیسِیرِکَ لِیَ العَسِیرَ وَ حُسنِ تَقدِیرِکَ لِی فِی جَمِیعِ الأُمُورِ(۲۴) وَ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَاهً دَائِمَهً نَامِیَهً لَا انقِطَاعَ لِأَبَدِهَا وَ لَا مُنتَهَی لِأَمَدِهَا، وَ اجعَل ذَلِکَ عَوناً لِی وَ سَبَباً لِنَجَاحِ طَلِبَتِی،إِنّکَ وَاسِعٌ کَرِیمٌ.(۲۵) وَ مِن حَاجَتِی یَا رَبّ کَذَا وَ کَذَا[وَ تَذکُرُ حَاجَتَکَ ثُمّ تَسجُدُ وَ تَقُولُ فِی سُجُودِکَ]فَضلُکَ آنسَنَی، وَ إِحسَانُکَ دلّنی،فَأَسأَلُکَ بِکَ وَ بِمُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَوَاتُکَ عَلَیهِم، أَن لَا تَرُدّنِی خَائِباً.

ص: ۱۳۳۲

(۱۶) با یادآوری تو، از غفلتم آگاه شدم و با توفیق تو از لغزیدنم برخاستم و با راهنمایی تو برگشته و از لغزشم دست برداشتم.

(۱۷) و گفتم: منزّه است پروردگارم چگونه نیازمند از نیازمند درخواست کند؟ و کجا تهی دست به تهی دست روآورد؟

(۱۸) پس ای خدای من از روی میل آهنگ تو کرده و با اعتماد به تو امیدم را به سوی تو فرستادم.

(۱۹) و دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است و هر چه از تو خواهش های بزرگ نمایم در برابر وسعتِ رحمت تو کوچک است و بخشش تو از درخواست کسی تنگ نمی گردد و دستِ عطای تو از هر دستی بالاتر است.

(۲۰) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به فضل خویش با من به احسان رفتار نما و با دادگری ات بر آنچه سزاوارم رفتار نکن. پس من اوّلین رو آورنده نیستم که به تو رو آورده و به او بخشش کردی، با اینکه سزاوار منع است. و نه نخستین سؤال کننده که از تو درخواست کرده و به او تفضّل نمودی، با اینکه سزاوار بی بهرگی است.

(۲۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در خواستم را اجابت کن و به آوازم نزدیک شو و به زاریم ترحم فرما و صدایم را شنوا باش.

(۲۲) و از خود ناامیدم نکن و رشته ارتباط مرا از خود قطع نگردان و در این حاجت و دیگر حاجتها، مرا به غیر خود وانگذار.

(۲۳) و به برآورده گشتن خواسته ام و روا شدن حاجتم، و یافتن خواسته ام، قبل از رفتنم از این مکان، با آسان کردن سختی و نیکی تقدیرت برای من، در تمامی امور یاری ام فرما.

(۲۴) و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی پیوسته و فزاینده که روزگار آن سپری نشود و مدّتش به پایان نرسد و آن را کمکی برای من و وسیله روا شدن حاجتم قرار ده. همانا تو دارای رحمت وسیع و بخشش بسیار هستی.

(۲۵) ای پروردگار من و از جمله خواسته ام چنین و چنان است (و حاجت خود را نام می بری. پس سجده می کنی و در سجده ات می گویی:) فضل تو مرا آرام نمود و احسان تو مرا راهنمایی کرد، پس از تو می خواهم به حقّ خودت و به حقّ محمّد و خاندانش -که درودهای تو بر ایشان باد- مرا ناامید بر نگردانی.

ص: ۱۳۳۳

(۱۴) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا اعتدُيَ عَلَيهِ أَو رَأَى مِنَ الظّالِمِينَ مَا لَا يُحِبّ

(۱) يَا مَن لَا يَخفَى عَلَيهِ أَنبَاءُ المُتَظَلّمِينَ(۲) وَ يَا مَن لَا يَحتَاجُ فِي قَصَصِهِم إِلَى شَهَادَاتِ الشّاهِدِينَ.(۳) وَ يَا مَن قَرُبَت نُصرَتُهُ مِنَ المَظلُومِينَ(۴) وَ يَا مَن بَعُدَ عَونُهُ عَنِ الظّالِمِينَ(۵) قَد عَلِمتَ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِن فُلَانِ بنِ فُلَانٍ مِمّا حَظَرتَ وَ انتَهَكَهُ مِنّيَ مِمّا حَجَزتَ عَلَيهِ،بَطَراً فِي نِعمَتِكَ عِندَهُ، وَ اغتِرَاراً بِنَكِيرِكَ عَلَيهِ.(۶) أَللّهُمّ فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ خُذ ظَالِمِي وَ عَدُوّي عَن ظُلمِي بِقُوّتِكَ، وَ افلُل حَدّهُ عَنّي بِقُدرَتِكَ، وَ اجعَل لَهُ شُغلًا فِيمَا يَلِيهِ، وَ عَجزاً عَمّا يُنَاوِيهِ (۷) أَللّهُمّ وَ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تُسَوّغ لَهُ ظُلمِي، وَ أَحسِن عَلَيهِ عَونِي، وَ اعصِمنِي مِن مِثلِ أَفعَالِهِ، وَ لَا تَجعَلنِي فِي مِثلِ حَالِهِ(۸) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ وَ أَعدِنِي عَلَيهِ عَدوَى حَاضِرَةً،تَكُونُ مِن غَيظِي بِهِ شِفَاءً، وَ مِن حَنَقِي عَلَيهِ وَفَاءً.(۹) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَوّضنِي مِن ظُلمِهِ لِي عَفوَكَ، وَ أَبدِلنِي بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِي رَحمَتَكَ،فَكُلّ مَكرُوهٍ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ، وَ كُلّ مَرزِئَةٍ سَوَاءٌ مَعَ مَوجِدَتِكَ.

(۱۴) و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که به او ستم می شد یا از ستمگران آنچه دوست نمی داشت می دید

(۱) ای کسی که خبرهای دادخواهان بر او پنهان نیست.

(۲) و ای کسی که در سرگذشت های ایشان از گواهی شهادت دهندگان بی نیاز است.

(۳) و ای کسی که یاری او به ستم دیدگان نزدیک است.

(۴) و ای کسی که مددش از ستمگران دور است.

(۵) ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای و از من حرمت هایی شکسته که تو ممنوع کرده ای و این از سرکشی او در نعمت توست و بی باکی او از کیفر تو می باشد.

(۶) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار. و با توانایی خود برّندگی اش را از من بردار. و او را به آنچه در خورش است مشغول دار. و او را در برابر آنکه با او دشمنی می کند ناتوان ساز.

(۷) خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست و ستم کردن او را بر من آسان نگردان و مرا در مخالفت با او به خوبی یاری فرما و مرا از انجام مانند کارهای او بازدار و در مانند حال او قرار نده.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد و کینه ام را بر او کامل نماید.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش و به جای بد رفتاری اش، رحمتت را به من عطا کن. (زیرا) هر ناپسندی در مقابل خشم تو اندک و هر گرفتاری ای با غضب تو هموار شدنی است.

ص: ۱۳۳۵

(۱۰) أللّهُـمّ فَكَمَـا كَرِّهـتَ إلِیَ َأن أَظلَـمَ فقَنِي مِن أن أَظلِمَ.(۱۱) أللّهُـمّ لَا أَشـكو إلَى أَحَـدٍ سِوَاكَ، وَ لَا أَستَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيرِكَ،حَاشَاكَ،فَصَلِّ عَلَى مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ صِل دعُـاَئِي بِالإِجَابَهِ، وَ اقرِن شـكِاَيتَي بِالتّغيِيرِ.(۱۲) أللّهُـمّ لَا تفَتنِيّ بِالقُنُوطِ مِن إنِصَافِكَ، وَ لَا تَفتِنهُ بِالأَمنِ مِن إنِكَارِكَ،فَيُصِرّ عَلَى ظُلمِي، وَ يُحَاضِرنَي بِحقَيّ، وَ عَرّفهُ عَمّا قَلِيلٍ مَا أَوعَدتَ الظّالِمِينَ، وَ عرَّفنِي مَا وَعَدتَ مِن إِجَابَهِ المُضطَرّينَ.(۱۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ وفَقّنيِ لِقَبُولِ مَا قَضَيتَ لِي وَ عَلَيّ وَ رضَنّيِ بِمَا أَخَذتَ لِي وَ منِيّ، وَ اهدنِيِ لِلتّيِ هيِ َأَقوَمُ، وَ استعَمِلنِي بِمَا هُوَ أَسلَمُ.(۱۴) أللّهُمّ وَ إِن كَانَتِ الخِيَرَهُ لِي عِندَكَ فِي تَأخِيرِ الأَخذِ لِي وَ ترَكِ الِانتِقَامِ مِمّن ظَلَمَنِي إِلَى يَومِ الفَصلِ وَ مَجمَعِ الخَصمِ فَصَلّ عَلَى مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ أَيِدّنيِ مِنكَ بِنيِّهٍ صَادِقَهٍ وَ صَبرٍ دَائِمٍ(۱۵) وَ أَعِذنِي مِن سُوءِ الرّغبَهِ وَ هَلَعِ أَهلِ الحِرصِ، وَ صَوّر فِي قَلبِي مِثَالَ مَا ادّخَرتَ لِي مِن ثَوَابِكَ، وَ أَعـدَدتَ لِخَصمِي مِن جَزَائِكَ وَ عِقَابِكَ، وَ اجعَل ذَلِكَ سَبَباً لِقنَاَعَتِي بِمَا قَضَيتَ، وَ ثِقَتِي بِمَا تَخَيّرتَ(۱۶)آمِينَ رَبّ العَالَمِينَ،إِنّكَ ذُو الفَضلِ العَظِيمِ، وَ أَنتَ عَلَى كُلّ شَيءٍ قَدِيرٌ.

ص: ۱۳۳۶

(۱۰) خداوند همچنان که ستم کشیدن را در نظرم ناپسند نمودی، مرا از ستم نمودن حفظ کن.

(۱۱) خداوندا به کسی جز تو شکوه نمی کنم و از حکم کننده ای جز تو یاری نمی جویم، پاک و منزّهی پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و درخواست مرا به روا شدن متّصل گردان و داد خواهیم را با دگرگونی پیوند ده.

(۱۲) خداوندا مرا به ناامیدی از عدلت و او را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کرده بر حقّم دست یابد. و آنچه ستمگران را به آن تهدید نمودی، بر او بنما. و اجابتی که بیچارگان را وعده داده ای، به من بشناسان.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا توفیق ده تا آنچه بر سود و زیانم مقدّر نمودی، پذیرا باشم و مرا به آنچه برای من و از من گرفتی، خوشنود گردان. و مرا به راست ترین راه، راهنمایی کن و به آنچه سالم تر است، بگمارم.

(۱۴) خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقّم و به کیفر نرسیدن ستمگرم تا روز رستاخیر و محل جمع شدن دشمنان می باشد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.

(۱۵) و از خواهش بد و آز حریصان پناهم ده، و نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی و مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار و آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدّر نمودی و اعتمادم به آنچه انتخاب کرده ای قرار ده.

(۱۶) بپذیر، پروردگار جهانیان. همانا تویی صاحب فضل بزرگ و تو بر هر چیز توانایی.

ص: ۱۳۳۷

(۱۵) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا مَرِضَ أَو نَزَلَ بِهِ كَربٌ أَو بَلِيّهٌ

(۱) أللّهُمّ لَکَ الحَمدُ عَلَی مَا لَم أَزَل أَتَصَرّفُ فِيهِ مِن سَلَامَهِ بدَنِي، وَ لَکَ الحَمدُ عَلَی مَا أَحدَثتَ بِي مِن عِلّهٍ فِی جسَدَی(۲)فَمَا أَدرِي، يَا إِلَهِی، أَيّ الحَالَينِ أَحَقّ بِالشّكرِ لَکَ، وَ أَيّ الوَقتَينِ أَولَی بِالحَمدِ لَکَ(۳) أَ وَقتُ الصّحّهِ التّي هنَأّتنَی فِيهَا طَيّبَاتِ رِزقِکَ، وَ نشَطّتنَی بِهَا لِابتِغَاءِ مَرضَاتِکَ وَ فَضلِکَ، وَ قوَيّتنَي مَعَهَا عَلَی مَا وفَقّتنَی لَهُ مِن طَاعَتِکَ(۴)أَم وَقتُ العِلّهِ التّي محَصّتنَی بِهَا، وَ النّعَم التّي أَتحفَتنَی بِهَا،تَخفِيفاً لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيّ ظَهرِي مِنَ الخَطِيئَاتِ، وَ تَطهِيراً لِمَا انغَمَستُ فِيهِ مِنَ السّيّئَاتِ، وَ تَنبِيهاً لِتَنَاوُلِ التّوبَهِ، وَ تَذكِيراً لِمَحوِ الحَوبَهِ بِقَدِيم النّعمَهِ(۵) وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا كَتَبَ لِیَ الكَاتِبَانِ مِن زكَيِ الأَعمَالِ، مَا لَا قَلبٌ فَكّرَ فِيهِ، وَ لَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ، وَ لَا جَارِحَهٌ تَكَلّفَتهُ،بَل إِفضَالًا مِنکَ عَلَيّ، وَ إِحسَاناً مِن صَنِيعِکَ إِلَيّ(۶) أللّهُمّ فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَبّب إِلَيّ مَا رَضِيتَ لِی، وَ يَسّر لِی مَا أَحلَلتَ بِي، وَ طَهّرنِي مِن دَنَسِ مَا أَسلَفتُ، وَ امحُ عنَیّ شَرّ مَا قَدّمتُ، وَ أَوجِدنِي حَلَاوَهَ العَافِيَهِ، وَ أَذِقنِي بَردَ السّلَامَهِ، وَ اجعَل مخَرجَي عَن عِلّتِي إِلَی عَفوِکَ، وَ متُحَوَلّيِ عَن صرَعتَيِ إِلَی تَجَاوُزِکَ، وَ خلَاَصيِ مِن كَربيِ إِلَی رَوحِکَ، وَ سلَاَمتَيِ مِن هَذِهِ الشّدّهِ إِلَی فَرَجِکَ (۷)إِنّکَ المُتَفَضّلُ بِالإِحسَانِ،المُتَطَوّلُ بِالِامتِنَانِ،الوَهّابُ الكَرِيمُ،ذُو الجَلَالِ وَ الإِكرَامِ.

ص: ۱۳۳۸

(۱۵)و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که بیمار شد یا دچار اندوه یا گرفتاری گردید

(۱) خداوندا ترا سپاس بر تندرستی تنم که همواره از آن برخوردار هستم. و تو را سپاس بر بیماری ای که در جسمم پدید آوردی.

(۲) ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ و کدامین یک از دو وقت، برای ستایش تو شایسته تر می باشد؟

(۳) آیا وقت تندرستی که در آن روزی های پاکیزه ات را بر من گوارا نمودی و مرا به وسیله آن برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی و با آن بر طاعت خود توفیقم داده، توانایم گرداندی؟

(۴) یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی و نعمت هایی را به من هدیه نمودی تا خطاهایی را که پشت مرا سنگین کرده سبک نماید، و از بدی هایی که در آن فرورفته ام پاکم سازد و برای فراگرفتن توبه آگاهی و برای از بین بردن گناه به وسیله نعمت پیشین یادآوری باشد؟

(۵) و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که نه دلی در آن اندیشیده و نه زبانی به آن گویا گشته و نه اندامی آن را با مشقّت انجام داده. بلکه فضل و احسان توست که بر من است.

(۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنچه برایم پسندیده ای را محبوب من گردان و آنچه بر من وارد نموده ای، برایم آسان کن و مرا از پلیدی آنچه پیش فرستاده ام، پاک نما. و از من زشتی آنچه پیش فرستاده ام را بزدای و مرا از شیرینی تندرستی کامیاب فرما و گوارایی سلامتی را به من بچشان و بیرون شدنم از بیماری را به عفو و گذشتت، و بازگشت از به زمین افتادنم را به گذشت خود، و رهایی از گرفتاریم را به بخشایشت، و تندرستی ام از این سختی را به گشایشت قرار ده.

(۷) همانا تویی که بدون سبب به نیکی رفتار می کنی و بدون استحقاق نعمت بزرگ می بخشی و تویی بسیار بخشنده که عطایت تمام نمی شود و تویی دارای بزرگواری و احترام.

ص: ۱۳۳۹

(۱۶) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا استَقَالَ مِن ذُنُوبِهِ، أَو تَضَرّعَ فِی طَلَبِ العَفوِ عَن عُيُوبِهِ

(۱) أَللّهُمّ يَا مَن بِرَحمَتِهِ يَستَغيثُ المُذنِبُونَ(۲) وَ يَا مَن إِلَی ذِكرِ إِحسَانِهِ يَفزَعُ المُضطَرّونَ(۳) وَ يَا مَن لِخِيفَتِهِ يَنتَحِبُ الخَاطِئُونَ(۴) يَا أُنسَ كُلّ مُستَوحِشٍ غَرِيبٍ، وَ يَا فَرَجَ كُلّ مَكرُوبٍ كَئِيبٍ، وَ يَا غَوثَ كُلّ مَخذُولٍ فَرِيدٍ، وَ يَا عَضُدَ كُلّ مُحتَاجٍ طَرِيدٍ(۵) أَنتَ أَلّذِی وَسِعتَ كُلّ شَیءٍ رَحمَةً وَ عِلماً(۶) وَ أَنتَ أَلّذِی جَعَلتَ لِكُلّ مَخلُوقٍ فِی نِعَمِكَ سَهماً(۷) وَ أَنتَ أَلّذِی عَفوُهُ أَعلَی مِن عِقَابِهِ(۸) وَ أَنتَ أَلّذِی تَسعَی رَحمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ.(۹) وَ أَنتَ أَلّذِی عَطَاؤُهُ أَكثَرُ مِن مَنعِهِ.(۱۰) وَ أَنتَ أَلّذِی اتّسَعَ الخَلَائِقُ كُلّهُم فِی وُسعِهِ.(۱۱) وَ أَنتَ أَلّذِی لَا يَرغَبُ فِی جَزَاءِ مَن أَعطَاهُ.(۱۲) وَ أَنتَ أَلّذِی لَا يُفرِطُ فِی عِقَابِ مَن عَصَاهُ.(۱۳) وَ أَنَا، يَا إِلَهِی،عَبدُكَ أَلّذِی أَمَرتَهُ بِالدّعَاءِ فَقَالَ لَبّيكَ وَ سَعدَيكَ،هَا أَنَا ذَا، يَا رَبّ،مَطرُوحٌ بَينَ يَدَيكَ.(۱۴) أَنَا أَلّذِی أَوقَرَتِ الخَطَايَا ظَهرَهُ، وَ أَنَا أَلّذِی أَفنَتِ الذّنُوبُ عُمُرَهُ، وَ أَنَا أَلّذِی بِجَهلِهِ عَصَاكَ، وَ لَم تَكُن أَهلًا مِنهُ لِذَاكَ.

(۱۶)و از دعای امام علیه السلام بود هنگامی که از گناهان عفو و گذشت طلبید یا در درخواست بخشایش از ناپسندی ها زاری نمود.

(۱) خداوندا ای کسی که گناهکاران به رحمت او فریادرسی می جویند.

(۲) و ای کسی که بیچارگان به یاد نیکی اش پناه می برند.

(۳) و ای کسی که خطاکاران از ترس او سخت می گریند.

(۴) ای آرامِ دل هر وحشت زده دور از وطن، و ای گشایش دهنده هر دلتنگ اندوهگین، و ای فریادرس هر خوار شده تنها، و ای یاور هر نیازمند رانده شده.

(۵) تویی آنکه با رحمت و دانش، همه چیز را دربر گرفته ای.

(۶) و تو آنی که برای هر آفریده ای در نعمت هایت بهره ای مقرر داشته ای.

(۷) و تویی آنکه بخشایش او از کیفرش برتر است.

(۸) و تو آنی که رحمتش بر غضبش پیشی می گیرد.

(۹) و تویی آنکه عطا و بخشش او بیش از محروم نمودنش است.

(۱۰) و تویی آنکه همه آفریدگان در گستره قدرتش گنجیده اند.

(۱۱) و تویی آنکه به هر که نعمت داد، پاداش نمی خواهد.

(۱۲) و تویی آنکه در کیفر گناهکاران زیاده روی نمی کند.

(۱۳) و من -ای خدای من- بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. پس گفت: اطاعت می کنم و گوش به فرمانم. ای پروردگار من اینک منم که در پیش روی تو افتاده ام.

(۱۴) من همانم که خطاها پشتش را سنگین کرده و منم آنکه گناهان عمرش را به فنا داده و منم آن کسی که از روی نادانی تو را نافرمانی کرده و تو شایسته نافرمانی او نبودی.

ص: ۱۳۴۱

(۱۵)هَل أنتَ، يَا إلِهَي،رَاحِمٌ مَن دَعَاكَ فَأَبلِغَ فِي الدّعَاءِ أَم أَنتَ غَافِرٌ لِمَن بَكَاكَ فَأَسرِعَ فِي البُكَاءِ أَم أَنتَ مُتَجَاوِزٌ عَمّن عَفّرَ لَكَ وَجهَهُ تَذَلّلًا أَم أَنتَ مُغنٍ مَن شَكَا إِلَيكَ،فَقرَهُ تَوَكّلًا(۱۶)إِلَهِي لَا تُخَيّب مَن لَا يَجِدُ مُعطِياً غَيرَكَ، وَ لَا تَخذُل مَن لَا يَستَغنِي عَنكَ بِأَحَدٍ دُونَكَ.(۱۷)إِلَهِي فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تُعرِض عنَيّ وَ قَد أَقبَلتُ عَلَيكَ، وَ لَا تَحرِمنِي وَ قَد رَغِبتُ إِلَيكَ، وَ لَا تَجبَهنِي بِالرّدّ وَ قَد انتَصَبتُ بَينَ يَدَيكَ.(۱۸) أَنتَ أَلّذِي وَصَفتَ نَفسَكَ بِالرّحمَهِ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارحَمنِي، وَ أَنتَ أَلّذِي سَمّيتَ نَفسَكَ بِالعَفوِ فَاعفُ عَنيّ(۱۹) قَد تَرَى يَا إِلَهِي،فَيضَ دَمعِي مِن خِيفَتِكَ، وَ وَجِيبَ قَلبِي مِن خَشيَتِكَ، وَ انتِقَاضَ جوَاَرِحِي مِن هَيبَتِكَ(۲۰) كُلّ ذَلِكَ حَيَاءٌ مِنكَ لِسُوءِ عَمَلِي، وَ لِذَاكَ خَمَدَ صَوتِي عَنِ الجَأرِ إِلَيكَ، وَ كَلّ لِسَانِي عَن مُنَاجَاتِكَ.(۲۱) يَا إِلَهِي فَلَكَ الحَمدُ فَكَم مِن عَائِبَهٍ سَتَرتَهَا عَلَيّ فَلَم تَفضَحنِي، وَ كَم مِن ذَنبٍ غَطّيتَهُ عَلَيّ فَلَم تَشهَرنِي، وَ كَم مِن شَائِبَهٍ أَلمَمتُ بِهَا فَلَم تَهتِك عَنيّ سِترَهَا، وَ لَم تُقَلّدنِي مَكرُوهَ شَنَارِهَا، وَ لَم تُبدِ سَوءَاتِهَا لِمَن يَلتَمِسُ مَعَايِبِي مِن جِيرَتِي، وَ حَسَدَهِ نِعمَتِكَ عِندِي(۲۲) ثُمّ لَم يَنهَنِي ذَلِكَ عَن أَن جَرَيتُ إِلَى سُوءِ مَا عَهِدتَ مِنيّ(۲۳)فَمَن أَجهَلُ مِنيّ، يَا إِلَهِي،بِرُشدِهِ وَ مَن أَغفَلُ مِنيّ عَن حَظّهِ وَ مَن أَبعَدُ مِنيّ مِنِ استِصلَاحِ نَفسِهِ حِينَ أُنفِقُ مَا أَجرَيتَ عَلَيّ مِن رِزقِكَ فِيمَا نَهَيتَنِي عَنهُ مِن مَعصِيَتِكَ وَ مَن أَبعَدُ غَوراً فِي البَاطِلِ، وَ أَشَدّ إِقدَاماً عَلَى السّوءِ مِنيّ حِينَ أَقِفُ بَينَ دَعوَتِكَ وَ دَعوَهِ الشّيطَانِ فَأَتّبِعُ دَعوَتَهُ عَلَى غَيرِ عَمًى مِنيّ فِي مَعرِفَهٍ بِهِ وَ لَا نِسيَانٍ مِن حِفظِي لَهُ؟

(۱۵) ای خدای من آیا تو بر کسی که تو را بخواند رحم کننده ای تا من هر چه بیشتر در دعا بکوشم؟ یا گریه کننده ات را می آمرزی تا من در گریستن شتاب نمایم؟ یا از آنکه به خواری برای تو روی خود را به خاک مالید، در می گذری؟ یا هر کس را که از تهی دستی اش با توکّل، به سوی تو شکایت کرد، بی نیاز می سازی؟

(۱۶) خدای من کسی را که جز تو بخشنده ای نمی یابد ناامید نکن، و کسی را که از غیر تو بی نیاز نمی گردد، خوار نگردان.

(۱۷) خدای من بر محمّد و خاندانش درود فرست و از من که به تو رو آورده ام روی نگردان. و مرا که از تو درخواست کرده ام محروم نساز. و در حالی که در پیشگاه تو ایستاده ام دست رد بر پیشانی ام نزن.

(۱۸) تویی آنکه خود را به رحمت وصف نموده ای، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن. و تویی آنکه خود را بخشاینده نام نهادی، پس از من درگذر.

(۱۹) ای خدای من، ریزش اشکم را از ترس خود و نگرانی دلم را از بیم خود و ناتوانی اندامم را از هیبت خود می بینی.

(۲۰) همه اینها از روی شرمی است که از بد کرداری خود دارم. و از همین جهت است که صدای زاریم به درگاه تو گرفته و زبانم از مناجات با تو بند آمده.

(۲۱) ای خدای من، تو را سپاس. چه بسیار عیب هایی که بر من پوشاندی و رسوایم نکردی. و چه بسیار گناهانی که برای من در پرده داشتی و (به آن) مشهورم ننمودی. و چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و پرده مرا ندریدی و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی. و بدی های مرا پیش همسایگانم -که در جستجوی عیب های من می باشند و حسودانِ نعمتِ تو بر منند- آشکار نکردی.

(۲۲) آن همه (عنایت) مرا از شتافتن به سوی بدی -که تو از من می دانی- بازنداشت!

(۲۳) پس ای خدای من چه کسی به رستگاری خود نادان تر از من؟ و چه کسی از بهره خود فراموشکارتر از من؟ و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد، آنگاه که روزی ات را که برایم رسانده ای، در نافرمانیت در آنچه بازداشته ای صرف می کنم؟ و چه کسی از من در نادرستی فرو رونده تر و بر اعمال زشت بی باک تر، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور و در شناخت بدی های او فراموشکار نیستم؟

ص: ۱۳۴۳

(۲۴) وَ أَنَا حِينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنّ مُنتَهَی دَعوَتِکَ إِلَی الجَنّهِ، وَ مُنتَهَی دَعوَتِهِ إِلَیَ النّارِ.(۲۵)سُبحَانَکَ مَا أَعجَبَ مَا أَشهَدُ بِهِ عَلَی نَفسِي، وَ أُعَدّدُهُ مِن مَکتُومِ أَمرِي.(۲۶) وَ أَعجَبُ مِن ذَلِکَ أَنَاتُکَ عَنّی، وَ إِبطَاؤُکَ عَن مُعَاجَلَتِي، وَ لَیسَ ذَلِکَ مِن کَرَمِي عَلَیکَ،بَل تَأَنّیاً مِنکَ لِی، وَ تَفَضّلًا مِنکَ عَلَیّ لِأَن أَرتَدِعَ عَن مَعصِیَتِکَ المُسخِطَهِ، وَ أُقلِعَ عَن سَیّئَاتِیَ المُخلِقَهِ، وَ لِأَنّ عَفوَکَ عَنّی أَحَبّ إِلَیکَ مِن عُقُوبَتِي(۲۷)بَل أَنَا، یَا إِلَهِی،أَکثَرُ ذُنُوباً، وَ أَقبَحُ آثَاراً، وَ أَشنَعُ أَفعَالًا، وَ أَشَدّ فِی البَاطِلِ تَهَوّراً، وَ أَضعَفُ

عِندَ طَاعَتِکَ تَیَقّظاً، وَ أَقَلّ لِوَعِیدِکَ انتِبَاهاً وَ ارتِقَاباً مِن أَن أُحصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَو أَقدِرَ عَلَی ذِکرِ ذُنُوبِی.(۲۸) وَ إِنّمَا أُوَبّخُ بِهَذَا نَفسِي طَمَعاً فِی رَأفَتِکَ الّتِی بِهَا صَلَاحُ أَمرِ المُذنِبِینَ، وَ رَجَاءً لِرَحمَتِکَ الّتِي بِهَا فَکَاکُ رِقَابِ الخَاطِئِینَ.(۲۹) أَللّهُمّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِي قَد أَرَقّتهَا الذّنُوبُ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعتِقهَا بِعَفوِکَ، وَ هَذَا ظَهرِي قَد أَثقَلَتهُ الخَطَایَا،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ خَفّف عَنهُ بِمَنّکَ(۳۰) یَا إِلَهِی لَو بَکَیتُ إِلَیکَ حَتّی تَسقُطَ أَشفَارُ عَینَیّ، وَ انتَحَبتُ حَتّی یَنقَطِعَ صَوتِي، وَ قُمتُ لَکَ حَتّی تَتَنَشّرَ قَدَمَایَ، وَ رَکَعتُ لَکَ حَتّی یَنخَلِعَ صُلبِی، وَ سَجَدتُ لَکَ حَتّی تَتَفَقّأَ حَدَقَتَایَ، وَ أَکَلتُ تُرَابَ الأَرضِ طُولَ عُمُرِي، وَ شَرِبتُ مَاءَ الرّمَادِ آخِرَ دَهرِي، وَ ذَکَرتُکَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ حَتّی یَکِلّ لِسَانِي، ثُمّ لَم أَرفَع طَرفِي إِلَی آفَاقِ السّمَاءِ استِحیَاءً مِنکَ مَا استَوجَبتُ بِذَلِکَ مَحوَ سَیّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِن سَیّئَاتِي.

(۲۴) و من در همان هنگام باور دارم که فرجام دعوت تو به سوی بهشت و پایان دعوت او به سوی آتش است.

(۲۵) پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم. و کار پنهانی خویش را می شمارم.

(۲۶) و شگفت تر از آن بردباری تو با من و درنگ تو از زود به کیفر رساندن من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از بردباری تو بر من و از تفضّل تو بر من است. برای اینکه از نافرمانی -برانگیزنده خشم تو- دست بردارم و از بدی های -خوار کننده ام- جدا شوم. و از آن روست که بخشایش من نزد تو محبوب تر از کیفر من است.

(۲۷) بلکه من -ای خدای من- گناهانم بیشتر و نشانه هایم زشت تر و کردار هایم بدتر و در انجام باطل گستاخ تر و بیداری ام هنگام طاعتت سست تر و نسبت به تهدیدهایت کم هشیار تر و نامراقب تر از آنم که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

(۲۸) و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم -که اصلاح کار گناهکاران به آنست- و امیدواری به رحمت تو -که رهایی گردن های خطاکاران است- می باشد.

(۲۹) خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به گذشت خود آن را آزاد کن و این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به بخشش آن را سبک گردان.

(۳۰) ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، و چنان شیون کنم تا صدایم قطع شود، و آنقدر در برابر تو بایستم تا پاهایم ورم کند و برای تو رکوع کنم تا استخوان پشتم کَنده شود و برایت سجده نمایم تا سیاهی چشمانم از کاسه بیرون آید، و همه عمرم خاک زمین خورم، و در مدّت زندگی ام آب خاکستر آلود بنوشم، و در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، سپس از شرمندگی تو، چشم از کرانه های آسمان بر ندارم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

ص: ۱۳۴۵

(۳۱) وَ إِن کُنتَ تَغفِرُ لِی حِینَ أَستَوجِبُ مَغفِرَتَکَ، وَ تَعفُو عَنّیَ حِینَ أَستَحِقّ عَفوَکَ فَإِنّ ذَلِکَ غَیرُ وَاجِبٍ لِی بِاستِحقَاقٍ، وَ لَا أَنَا أَهلٌ لَهُ بِاستِیجَابٍ،إِذ کَانَ جزَائِی مِنکَ فِی أَوّلِ مَا عَصَیتُکَ النّارَ، فَإِن تعُذّبنِی فَأَنتَ غَیرُ ظَالِمٍ لِی.(۳۲)إِلَهِی فَإِذ قَد تغَمَدّتنَی بِسِترِکَ فَلَم تفضَحنِی، وَ تأَنّیتنَی بِکَرَمِکَ فَلَم تعُاَجِلنِی، وَ حَلُمتَ عنَیّ بِتَفَضّلِکَ فَلَم تُغَیّر نِعمَتَکَ عَلَیّ، وَ لَم تُکَدّر مَعرُوفَکَ عِندِی،فَارحَم طُولَ تضَرّعِی وَ شِدّةَ مسَکَنتَیِ، وَ سُوءَ موَقفِیِ.(۳۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ قِنِی مِنَ المعَاَصیِ، وَ استعَمِلنیِ بِالطّاعَهِ، وَ ارزُقنِی حُسنَ الإِنَابَهِ، وَ طهَرّنیِ بِالتّوبَهِ، وَ أیَدّنیِ بِالعِصمَهِ، وَ استصَلحِنیِ بِالعَافِیَهِ، وَ أَذِقنِی حَلَاوَهَ المَغفِرَهِ، وَ اجعلَنیِ طَلِیقَ عَفوِکَ، وَ عَتِیقَ رَحمَتِکَ، وَ اکتُب لِی أَمَاناً مِن سُخطِکَ، وَ بشَرّنیِ بِذَلِکَ فِی العَاجِلِ دُونَ الآجِلِ،بُشرَی أَعرِفُهَا، وَ عرَفّنیِ فِیهِ عَلَامَهً أَتَبَیّنُهَا.(۳۴) إِنّ ذَلِکَ لَا یَضِیقُ عَلَیکَ فِی وُسعِکَ، وَ لَا یَتَکَأّدُکَ فِی قُدرَتِکَ، وَ لَا یَتَصَعّدُکَ فِی أَنَاتِکَ، وَ لَا یَئُودُکَ فِی جَزِیلِ هِبَاتِکَ الّتِی دَلّت عَلَیهَا آیَاتُکَ،إِنّکَ تفَعلَُ مَا تَشَاءُ، وَ تَحکُمُ مَا تُرِیدُ،إِنّکَ عَلَی کُلّ شَیءٍ قَدِیرٌ.

(۳۱) و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، و ببخشایی آنگاه که مستحقّ بخشایش تو گردم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست و از روی شایستگی من لازم نشده. زیرا کیفر من در نخستین گناهی که کردم، آتش بود. پس اگر مرا عذاب کنی ستمکار به من نیستی.

(۳۲) خدای من، اکنون که مرا به پرده (عفو) خود پوشاندی و رسوایم نکردی، و با بخشش با من مدارا نمودی و در کیفرم شتاب نکردی و به فضل خود از من درگذشتی و نعمتت را بر من تغییر ندادی و نیکی ات را به من تیره نساختی، پس بر بسیاری زاریم و شدّت نیازم و بدی جایگاهم رحم کن.

(۳۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از گناهان حفظ کن و به طاعت خود بگمار و نیکی بازگشت از گناه را روزی ام فرما و با توبه پاکم گردان و با نگهداری از گناه تأییدم کن و صلاحم را با تندرستی بخواه و شیرینی آمرزش را به من بچشان و مرا رهاشده گذشتت و آزاد گردیده رحمتت قرار ده و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و هم اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم و در آن مرا از نشانه ای آگاه کن که آن را آشکارا بیابم.

(۳۴) بدرستی که این در برابر گستره توانایی ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرتت سخت نمی باشد و در برابر بردباری ات دشوار نیست و در برابر بخشش های بسیارت که نشانه هایت بر آن دلالت دارد بر تو سنگین نمی باشد. که تو آنچه می خواهی انجام می دهی و آنچه اراده نمایی حکم می کنی. بدرستی که تو بر هر چیزی توانایی.

ص: ۱۳۴۷

(۱۷) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا ذُكِرَ الشّيطَانُ فَاستَعَاذَ مِنهُ وَ مِن عَدَاوَتِهِ وَ كَيدِهِ

(۱) أللّهُمّ إِنّا نَعُوذُ بِکَ مِن نَزَغَاتِ الشّيطَانِ الرّجِيمِ وَ كَيدِهِ وَ مَكَايِدِهِ، وَ مِنَ الثّقَهِ بِأَمَانِيّهِ وَ مَوَاعِيدِهِ وَ غُرُورِهِ وَ مَصَايِدِهِ.(۲) وَ أَن يُطمِعَ نَفسَهُ فِی إِضلَالِنَا عَن طَاعَتِکَ، وَ امتِهَانِنَا بِمَعصِيَتِکَ، أَو أَن يَحسُنَ عِندَنَا مَا حَسّنَ لَنَا، أَو أَن يَثقُلَ عَلَينَا مَا كَرّهَ إِلَينَا.(۳) أللّهُمّ اخسَأهُ عَنّا بِعِبَادَتِکَ، وَ اكبِتهُ بِدُءُوبِنَا فِی مَحَبّتِکَ، وَ اجعَل بَينَنَا وَ بَينَهُ سِتراً لَا يَهتِكُهُ، وَ رَدماً مُصمِتاً لَا يَفتُقُهُ.(۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اشغَلهُ عَنّا بِبَعضِ أَعدَائِکَ، وَ اعصِمنَا مِنهُ بِحُسنِ رِعَايَتِکَ، وَ اكفِنَا خَترَهُ، وَ وَلّنَا ظَهرَهُ، وَ اقطَع عَنّا إِثرَهُ.(۵) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَمتِعنَا مِنَ الهُدَى بِمِثلِ ضَلَالَتِهِ، وَ زَوّدنَا مِنَ التّقوَى ضِدّ غَوَايَتِهِ، وَ اسلُک بِنَا مِنَ التّقَى خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرّدَى.(۶) أللّهُمّ لَا تَجعَل لَهُ فِی قُلُوبِنَا مَدخَلًا وَ لَا تُوطِنَنّ لَهُ فِيمَا لَدَينَا مَنزِلًا.(۷) أللّهُمّ وَ مَا سَوّلَ لَنَا مِن بَاطِلٍ فَعَرّفنَاهُ، وَ إِذَا عَرّفتَنَاهُ فَقِنَاهُ، وَ بَصّرنَا مَا نُكَايِدُهُ بِهِ، وَ أَلهِمنَا مَا نُعِدّهُ لَهُ، وَ أَيقِظنَا عَن سِنَهِ الغَفلَهِ بِالرّكُونِ إِلَيهِ، وَ أَحسِن بِتَوفِيقِکَ عَونَنَا عَلَيهِ.

ص: ۱۳۴۸

(۱۷)و از دعای امام علیه السلام بود هنگامی که از شیطان یاد شد و از او و از دشمنی و مکرش به خدا پناه برد

(۱) خداوندا ما از وسوسه های شیطان -رانده شده- و حیله و مکرهای او و اطمینان به آرزوهای او و وعده ها و فریب ها و دام هایش به تو پناه می بریم.

(۲) و از اینکه در گمراه کردن ما از طاعتت و خوار نمودن ما به نافرمانی ات طمع کند. یا آنچه برای ما می آراید، برای ما زیبا جلوه دهد. یا چیزی را که در نظر ما زشت نموده، بر ما سنگین آید.

(۳) خداوندا او را از ما -به سبب عبادت و بندگی ات- دور کن. و با کوشش مستمر ما -در دوستی ات- او را خوار نما. و میان ما و او پرده ای افکن که نتواند آن را چاک زند. و سد استواری که نتواند آن را بشکافد.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و او را به جای ما به برخی دشمنانت سرگرم نما و ما را با نیکیِ نگهداری ات از او نگهدار. و حیله او را از ما دور کن و او را از ما فراری ده. و اثرش را از ما قطع کن.

(۵) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به اندازه گمراهی او، از رستگاری ات بهره مند گردان. و بر ضدّ گمراهی او، ما را از پرهیزکاری توشه ده. و برخلاف راه هلاکت بارش، ما را به راه پرهیزکاری ببَر.

(۶) خداوندا برای او در دل های ما راه ورودی قرار نده. و او را در آنچه نزد ماست، منزل نده.

(۷) خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان. و چون شناساندی، ما را از آن نگهدار. و ما را به راه فریب دادنش، آگاه کن. و آنچه برای (دور ساختن) او باید آماده سازیم، به ما الهام فرما. و ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان. و به توفیق خود ما را بر ضدّ او، نیکو یاری نما.

ص: ۱۳۴۹

(٨) أللّهُمّ وَ أَشرِب قُلوبَنَا إنكَارَ عَمَلِهِ، وَ الطُف لَنَا فِی نَقضِ حِیَلِهِ.(٩) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَوّل سُلطَانَهُ عَنّا، وَ اقطَع رَجَاءَهُ مِنّا، وَ ادرَأهُ عَنِ الوُلُوعِ بِنَا.(١٠) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل آبَاءَنَا وَ أُمّهَاتِنَا وَ أَولَادَنَا وَ أَهَالِیَنَا وَ ذوَیِ أَرحَامِنَا وَ قَرَابَاتِنَا وَ جِیرَانَنَا مِنَ المُؤمِنِینَ وَ المُؤمِنَاتِ مِنهُ فِی حِرزٍ حَارِزٍ، وَ حِصنٍ حَافِظٍ، وَ کَهفٍ مَانِعٍ، وَ أَلبِسهُم مِنهُ جُنَناً وَاقِیَةً، وَ أَعطِهِم عَلَیهِ أَسلِحَةً مَاضِیَةً.(١١) أللّهُمّ وَ اعمُم بِذَلِکَ مَن شَهِدَ لَکَ بِالرّبُوبِیّةِ، وَ أَخلَصَ لَکَ بِالوَحدَانِیّةِ، وَ عَادَاهُ لَکَ بِحَقِیقَةِ العُبُودِیّةِ، وَ استَظهَرَ بِکَ عَلَیهِ فِی مَعرِفَةِ العُلُومِ الرّبّانِیّةِ. (١٢) أللّهُمّ احلُل مَا عَقَدَ، وَ افتُق مَا رَتَقَ، وَ افسَخ مَا دَبّرَ، وَ ثَبّطهُ إِذَا عَزَمَ، وَ انقُض مَا أَبرَمَ.(١٣) أللّهُمّ وَ اهزِم جُندَهُ، وَ أَبطِل کَیدَهُ وَ اهدِم کَهفَهُ، وَ أَرغِم أَنفَهُ(١۴) أللّهُمّ اجعَلنَا فِی نَظمِ أَعدَائِهِ، وَ اعزِلنَا عَن عِدَادِ أَولِیَائِهِ، لَا نُطِیعُ لَهُ إِذَا استَهوَانَا، وَ لَا نَستَجِیبُ لَهُ إِذَا دَعَانَا،نَأمُرُ بِمُنَاوَأَتِهِ، مَن أَطَاعَ أَمرَنَا، وَ نَعِظُ عَن مُتَابَعَتِهِ مَنِ اتّبَعَ زَجرَنَا.(١۵) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ خَاتَمِ النّبِیّینَ وَ سَیّدِ المُرسَلِینَ وَ عَلَی أَهلِ بَیتِهِ الطّیّبِینَ الطّاهِرِینَ، وَ أَعِذنَا وَ أَهَالِیَنَا وَ إِخوَانَنَا وَ جَمِیعَ المُؤمِنِینَ وَ المُؤمِنَاتِ مِمّا استَعَذنَا مِنهُ، وَ أَجِرنَا مِمّا استَجَرنَا بِکَ مِن خَوفِهِ(١۶) وَ اسمَع لَنَا مَا دَعَونَا بِهِ، وَ أَعطِنَا مَا أَغفَلنَاهُ، وَ احفَظ لَنَا مَا نَسِینَاهُ، وَ صَیّرنَا بِذَلِکَ فِی دَرَجَاتِ الصّالِحِینَ وَ مَرَاتِبِ المُؤمِنِینَ،آمِینَ رَبّ العَالَمِینَ.

(۸) خداوندا و دل های ما را از انکار او سیراب ساز و راه باطل نمودن نیرنگ های او را به ما لطف فرما.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و تسلّط او را از ما بردار و امیدش را از ما قطع کن و او را از حریص بودن به ما باز دار.

(۱۰) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و پدران، مادران، فرزندان، خانواده، خویشان، نزدیکان و همسایگان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده و بر اندام آنان زره های بازدارنده از آزار و اذیّت او بپوشان و سلاح های برنده بر ضدّ او به آنان عطا فرما.

(۱۱) خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به پروردگاری ات گواهی داد، و به یگانگی ات اخلاص ورزید، و به سبب حقیقتِ بندگی تو، با او دشمنی کرد، و در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضدّ او اقدام کند را، اجابت فرما.

(۱۲) خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن. و آنچه بست، بگشا. و آنچه اندیشید، باطل کن. و هر تصمیمی گرفت، از اقدامش بازدار. و آنچه استوار نمود، درهم شکن.

(۱۳) خداوندا و لشکرش را شکست ده. و فریبش را باطل فرما. و پناهگاهش را ویران ساز. و بینی اش را به خاک بمال.

(۱۴) خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده و از شمار دوستانش برکنار فرما تا هرگاه ما را به خود مایل ساخت، فرمانش نبریم و هرگاه که ما را فراخواند، پاسخش ندهیم. هر که فرمان ما را پیروی کند، به دشمنی او فرمان دهیم و هر کس نهی ما را پذیرفت، از پیروی او باز داریم.

(۱۵) خداوندا بر محمّد -آخِر پیامبران و سرور فرستادگان- و بر خانواده پاک و پاکیزه او درود فرست و ما و خویشاوندان و برادرانمان و همه مردان و زنان با ایمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده. و از آنچه از ترس آن از تو ایمنی طلبیدیم، امانمان ده.

(۱۶) و آنچه خواسته ایم بشنو و آنچه از ذکرش غافل شدیم به ما عطا فرما و آنچه فراموشش کردیم برای ما نگهدار و به وسیله آن ما را در مرتبه های نیکوکاران و جایگاه های اهل ایمان قرار ده. پروردگار جهانیان اجابت فرما.

ص: ۱۳۵۱

(۱۸) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا دُفِعَ عَنهُ مَا يَحذَرُ، أَو عُجّلَ لَهُ مَطلَبُهُ

(۱) أَللّهُمّ لَکَ الحَمدُ عَلَی حُسنِ قَضَائِکَ، وَ بِمَا صَرَفتَ عَنّیَ مِن بَلَائِکَ، فَلَا تَجعَل حظَیّ مِن رَحمَتِکَ مَا عَجّلتَ لِی مِن عَافِیَتِکَ فَأَکُونَ قَد شَقِیتُ بِمَا أَحبَبتُ وَ سَعِدَ غَیرِی بِمَا کَرِهتُ.(۲) وَ إِن یَکُن مَا ظَلِلتُ فِیهِ أَو بِتّ فِیهِ مِن هَذِهِ العَافِیَهِ بَینَ یَدَی بَلَاءٍ لَا یَنقَطِعُ وَ وِزرٍ لَا یَرتَفِعُ فَقَدّم لِی مَا أَخّرتَ، وَ أَخّر عَنّیَ مَا قَدّمتَ.(۳)فَغَیرُ کَثِیرٍ مَا عَاقِبَتُهُ الفَنَاءُ، وَ غَیرُ قَلِیلٍ مَا عَاقِبَتُهُ البَقَاءُ، وَ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ.

ص: ۱۳۵۲

(۱۸)و از دعای امام علیه السلام بود هنگامی که آنچه از آن می هراسید، از او دور می شد یا خواسته اش زود روا می گشت

(۱) خداوندا بر سرنوشت نیکی که برایم تقدیر کردی و بلایی که از من برگرداندی، تو را سپاس. پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده که به سبب آنچه دوست دارم، بدبخت شوم و دیگری به سبب آنچه دوست ندارم، خوشبخت شود.

(۲) و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد و گناهی که برداشته نمی شود باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز و آنچه از من پیش انداخته ای، پس انداز.

(۳) زیرا آنچه سرانجامش نابودیست، زیاد نیست و آنچه فرجامش بقاست، کم نیست. و بر محمّد و خاندانش درود فرست.

ص: ۱۳۵۳

(۱۹) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ، عَلَيهِ السّلَامُعِندَ الِاستِسقَاءِ بَعدَ الجَدبِ

(۱) أللّهُمّ اسقِنَا الغَيثَ، وَ انشُر عَلَينَا رَحمَتَکَ بِغَيثِکَ المُغدِقِ مِنَ السّحَابِ المُنسَاقِ لِنَبَاتِ أَرضِکَ المُونِقِ فِی جَمِيعِ الآفَاقِ.(۲) وَ امنُن عَلَی عِبَادِکَ بِإِينَاعِ الثّمَرَهِ، وَ أَحیِ بِلَادَکَ بِبُلُوغِ الزّهَرَهِ، وَ أَشهِد مَلَائِکَتَکَ الکِرَامَ السّفَرَهَ بِسَقیٍ مِنکَ نَافِعٍ،دَائِمٍ غُزرُهُ،وَاسِعٍ دِرَرُهُ،وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ.(۳)تحُيیِ بِهِ مَا قَد مَاتَ، وَ تَرُدّ بِهِ مَا قَد فَاتَ وَ تُخرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ، وَ تُوَسّعُ بِهِ فِی الأَقوَاتِ،سَحَاباً مُتَرَاکِماً هَنِيئاً مَرِيئاً طَبَقاً مُجَلجَلًا، غَيرَ مُلِثّ وَدقُهُ، وَ لَا خُلّبٍ بَرقُهُ.(۴) أللّهُمّ اسقِنَا غَيثاً مُغِيثاً مَرِيعاً مُمرِعاً عَرِيضاً وَاسِعاً غَزِيراً،تَرُدّ بِهِ النّهِيضَ، وَ تَجبُرُ بِهِ المَهِيضَ(۵) أللّهُمّ اسقِنَا سَقياً تُسِيلُ مِنهُ الظّرَابَ، وَ تَملَأُ مِنهُ الجِبَابَ، وَ تُفَجّرُ بِهِ الأَنهَارَ، وَ تُنبِتُ بِهِ الأَشجَارَ، وَ تُرخِصُ بِهِ الأَسعَارَ فِی جَمِيعِ الأَمصَارِ، وَ تَنعَشُ بِهِ البَهَائِمَ وَ الخَلقَ، وَ تُکمِلُ لَنَا بِهِ طَيّبَاتِ الرّزقِ، وتُنبِتُ لَنَا بِهِ الزّرعَ وَ تُدِرّ بِهِ الضّرعَ وَ تَزِيدُنَا بِهِ قُوّهً إِلَی قُوّتِنَا.

ص: ۱۳۵۴

(۱۹)و از دعای امام علیه السلام بود هنگام درخواست باران پس از خشک سالی

(۱) خداوندا ما را از باران سیراب نما و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گیاهِ چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.

(۲) و با به بار آمدن میوه، بر بندگانت احسان نما و با شکفتن شکوفه، سرزمین هایت را زنده گردان و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود -که فراوانی اش همیشگی، جاری شدنش بسیار، سخت، تند و شتابان باشد- آماده ساز.

(۳) که به سبب آن، آنچه را که مرده است، زنده نمایی. و با آن آنچه را که از دست رفته، برگردانی. و به وسیله آن آنچه که آمدنی است، بیرون آوری. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده، گوارا، خوش، فراگیر، غرّنده. نه ابری پیوسته بارانی و نه ابری جهنده و بی باران.

(۴) خداوندا ما را از بارانی ثمربخش، خرّمی بخش، سرسبز کننده، پهناور، دامنه دار و پُر آب، سیراب گردان تا با آن گیاه رونده را بازگردانی. و به وسیله آن گیاه پژمرده را اصلاح کنی.

(۵) خداوندا ما را با بارانی که از آن تپه ها را جاری گردانی و چاه ها را از آن پر کنی و رودخانه ها را با آن روان سازی و درخت ها را به وسیله آن برویانی و با آن قیمت ها را -در همه شهرهای بزرگ- ارزان کنی و چهارپایان و سایر آفریدگان را به وسیله آن سرِ پا بداری و روزی های پاکیزه را با آن برایمان کامل گردانی و کشت ها را به وسیله اش برایمان برویانی و پستان حیوان را با آن پر (شیر) سازی و به وسیله آن نیرویی بر نیروی ما بیفزایی، سیراب نما.

ص: ۱۳۵۵

(۶) أللّهُمّ لَا تَجعَل ظِلّهُ عَلَينَا سَمُوماً، وَ لَا تَجعَل بَردَهُ عَلَينَا حُسُوماً، وَ لَا تَجعَل صَوبَهُ عَلَينَا رُجُوماً، وَ لَا تَجعَل مَاءَهُ عَلَينَا أَجَاجاً.(۷) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ ارزُقنَا مِن بَرَكَاتِ السّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ،إِنّكَ عَلَى كُلّ شَيءٍ قَدِيرٌ.

ص: ۱۳۵۶

(۶) خداوندا سایه آن (ابر) را بر ما گرم و سوزان قرار نده و سردی اش را بر ما شوم و باریدنش را بر ما تیر بلا قرار نده و آبش را بر ما شور و تلخ نگردان.

(۷) خداونـدا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را از برکات آسـمان ها و زمین روزی عطا فرما. بدرستی که تو بر هر چیز توانایی.

ص: ۱۳۵۷

(۲۰) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِي مَكَارِمِ الأَخلَاقِ وَ مرضِي الأَفعَالِ

(۱) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ بَلّغ بِإِيمَانِي أَكمَلَ الإِيمَانِ، وَ اجعَل يَقِينِي أَفضَلَ اليَقِينِ، وَ انتَهِ بِنِيّتِي إِلَى أَحسَنِ النّيّاتِ، وَ بِعَمَلِي إِلَى أَحسَنِ الأَعمَالِ.(۲) أَللّهُمّ وَفّر بِلُطفِكَ نِيّتِي، وَ صَحّح بِمَا عِندَكَ يَقِينِي، وَ استَصلِح بِقُدرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنّي.(۳) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكفِنِي مَا يَشغَلُنِي الِاهتِمَامُ بِهِ، وَ استَعمِلنِي بِمَا تَسأَلُنِي غَداً عَنهُ، وَ استَفرِغ أَيّامِي فِيمَا خَلَقتَنِي لَهُ، وَ أَغنِنِي وَ أَوسِع عَلَيّ فِي رِزقِكَ، وَ لَا تَفتِنّي بِالنّظَرِ، وَ أَعِزّنِي وَ لَا تَبتَلِيَنّي بِالكِبرِ، وَ عَبّدنِي لَكَ وَ لَا تُفسِد عِبَادَتِي بِالعُجبِ، وَ أَجرِ لِلنّاسِ عَلَى يَدَيّ الخَيرَ وَ لَا تَمحَقهُ بِالمَنّ، وَ هَب لِي مَعَالِيَ الأَخلَاقِ، وَ اعصِمنِي مِنَ الفَخرِ.(۴) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تَرفَعنِي فِي النّاسِ دَرَجَةً إِلّا حَطَطتَنِي

عِندَ نَفسِي مِثلَهَا، وَ لَا تُحدِث لِي عِزّاً ظَاهِراً إِلّا أَحدَثتَ لِي ذِلّةً بَاطِنَةً

عِندَ (۵) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ مَتّعنِي بِهُدًى صَالِحٍ لَا أَستَبدِلُ بِهِ، وَ طَرِيقَةِ حَقّ لَا أَزِيغُ عَنهَا، وَ نِيّةِ رُشدٍ لَا أَشُكّ فِيهَا، وَ عَمّرنِي مَا كَانَ عُمُرِي بِذلَةً فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عُمُرِي مَرتَعاً لِلشّيطَانِ فَاقبِضنِي إِلَيكَ قَبلَ أَن يَسبِقَ مَقتُكَ إِلَيّ أَو يَستَحكِمَ غَضَبُكَ عَلَيّ.

ص: ۱۳۵۸

(۲۰) و از دعای امام علیه السلام بود در اخلاق نیک و کردارهای پسندیده

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ایمان مرا به کامل ترین ایمان برسان و یقینم را برترین یقین قرار ده و نیّت مرا به نیک ترین نیّت ها و عملم را به بهترین اعمال منتهی ساز.

(۲) خداوندا به لطف خود نیّت مرا کامل گردان و یقینم را به آنچه نزد توست درست گردان و امور تباهم را به توانایی خود، اصلاح نما.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از آنچه اهتمام به آن مشغولم می سازد کفایت کن. و مرا به کاری که فردا از آن بازپرسی می نمایی وادار. و سراسر روزهایم را در آنچه مرا برای آن آفریدی صرف نما. و مرا بی نیاز گردان و روزی ات را بر من بگستر و مرا به چشم به راه بودن گرفتار نکن. و مرا گرامی دار و به خود بزرگ بینی گرفتارم نساز. و مرا به عبادت خود وادار ولی بندگی ام را با خودپسندی تباه نگردان. و نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز ولی آن را با منّت گذاردن باطل نفرما. و به من بزرگواری های اخلاقی عطا کن و مرا از فخرفروشی حفظ فرما.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در میان مردم درجه مرا بالا نبر، مگر آنکه به همان مقدار در نظر خودم فرود آوری و عزّتی آشکار برایم پدید نیاور، مگر آنکه به همان اندازه ذلّتی پنهانی در نزد خودم پدید آوری.

(۵) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به راه حقّی که از آن به بیراهه نروم و به نیّت درستی که در آن تردید نکنم، بهرمند ساز و تا زمانی که زندگی ام در طاعت تو صرف شود مرا طول عمر ده. پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد -پیش از آنکه دشمنی ات به سوی من شتابد یا خشمت بر من استوار گردد- مرا به سوی خود بازگردان.

ص: ۱۳۵۹

(۶) أللّهُمّ لَا تَدَع خَصلَةً تُعَابُ منِيّ إلّا أَصلَحتَهَا، وَ لَا عَائِبَةً أوَنَّبُ بِهَا إلّا حَسّنتَهَا، وَ لَا أَكرُومَةً فِيّ نَاقِصَةً إلّا أَتمَمتَهَا.(۷) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ أَبدِلنِي مِن بِغضَةِ أَهلِ الشّنَآنِ المَحَبّةَ، وَ مِن حَسَدِ أَهلِ البغَي ِ المَوَدّةَ، وَ مِن ظِنّةِ أَهلِ الصّلَاحِ الثّقَةَ، وَ مِن عَدَاوَةِ الأَدنَينَ الوَلَايَةَ، وَ مِن عُقُوقِ ذوَيِ الأَرحَامِ المَبَرّةَ، وَ مِن خِذلَانِ الأَقرَبِينَ النّصرَةَ، وَ مِن حُبّ المُدَارِينَ تَصحِيحَ المِقَةِ، وَ مِن رَدّ المُلَابِسِينَ كَرَمَ العِشرَةِ، وَ مِن مَرَارَةِ خَوفِ الظّالِمِينَ حَلَاوَةَ الأَمَنَةِ.(۸) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل لِي يَداً عَلَى مَن ظلَمَنَيِ، وَ لِسَاناً عَلَى مَن خَاصَمَنِي، وَ ظَفَراً بِمَن عَانَدَنِي، وَ هَب لِي مَكراً عَلَى مَن كاَيدَنَيِ، وَ قُدرَةً عَلَى مَنِ اضطَهَدَنِي، وَ تَكذِيباً لِمَن قَصَبَنَيِ، وَ سَلَامَةً مِمّن توَعَدّنَيِ، وَ وفَقّنيِ لِطَاعَةِ مَن سدَدّنَيِ، وَ مُتَابَعَةِ مَن أَرشَدَنَيِ.(۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ سدَدّنيِ لِأَن أُعَارِضَ مَن غشَنّيِ بِالنّصحِ، وَ أجَزيِ َ مَن هجَرَنَيِ بِالبِرّ، وَ أُثِيبَ مَن حرَمَنَيِ بِالبَذلِ، وَ أُكَافيِ َ مَن قطَعَنَيِ بِالصّلَةِ، وَ أُخَالِفَ مَنِ اغتَابَنَيِ إِلَى حُسنِ الذّكرِ، وَ أَن أَشكُرَ الحَسَنَةَ، وَ أُغضيِ َ عَنِ السّيّئَةِ.(۱۰) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ حلَنّيِ بِحِليَةِ الصّالِحِينَ، وَ أَلبسِنيِ زِينَةَ المُتّقِينَ، فِي بَسطِ العَدلِ، وَ كَظمِ الغَيظِ، وَ إِطفَاءِ النّائِرَةِ، وَ ضَمّ أَهلِ الفُرقَةِ، وَ إِصلَاحِ ذَاتِ البَينِ، وَ إِفشَاءِ العَارِفَةِ، وَ سَترِ العَائِبَةِ، وَ لِينِ العَرِيكَةِ، وَ خَفضِ الجَنَاحِ، وَ حُسنِ السّيرَةِ، وَ سُكُونِ الرّيحِ، وَ طِيبِ المُخَالَقَةِ، وَ السّبقِ إِلَى الفَضِيلَةِ، وَ إِيثَارِ التّفَضّلِ، وَ تَركِ التّعيِيرِ، وَ الإِفضَالِ عَلَى غَيرِ المُستَحِقّ، وَ القَولِ بِالحَقّ وَ إِن عَزّ، وَ استِقلَالِ الخَيرِ وَ إِن كَثُرَ مِن قوَليِ وَ فعِليِ، وَ استِكثَارِ الشّرّ وَ إِن قَلّ مِن قوَليِ وَ فعِليِ، وَ أَكمِل ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطّاعَةِ، وَ لُزُومِ الجَمَاعَةِ، وَ رَفضِ أَهلِ البِدَعِ، وَ مُستَعمِلِ الرأّي ِ المُختَرَعِ.

(۶) خداوندا مرا در خصلتی عیبناک وانگذار، مگر آنکه اصلاحش نمایی و نه عیبی که بدان سرزنش شوم، مگر آنکه نیکویش گردانی و نه خوی پسندیده ای که در من ناقص باشد، مگر آنکه کاملش فرمایی.

(۷) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و درباره من کینه توزی دشمنان را به محبّت، و حسد متجاوزان را به دوستی و بدگمانی نیکان را به اعتماد، و دشمنی نزدیکان را به دوستی، و بدرفتاری خویشان را به نیکوکاری، و دست از یاری برداشتن کسان را به یاری نمودن، و دوستی (ظاهری) مدارا کنندگان را به دوستی واقعی، و اهانت معاشران را به خوش رفتاری، و تلخی بیم از ستمگران را به شیرینی امنیّت مبدّل فرما.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و برایم بر آنکه به من ستم کرد، دستی و بر کسی که با من جدال کرد، زبانی و بر آنکه با من ناسازگاری نمود، پیروزی ای قرار ده. و مرا بر آنکه به من نیرنگ زند چاره جویی ای، و توانایی ای بر آنکه به من ستم نمود، و تکذیبی بر آنکه مرا دشنام داد، و سلامتی از آنکه مرا تهدید نمود، ببخش. و مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم گرداند و پیروی از کسی که ارشادم کرد، توفیق ده.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا توفیق ده تا با آنکه با من نادرستی نموده، از روی خیرخواهی برخورد کنم. و آنکه از من دوری کرده را به نیکی جزا دهم. و به آنکه محرومم نموده، با بخشش پاداش دهم. و کسی را که از من جدا شده به پیوستن مکافات دهم. و با آنکه از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم. و نیکی (دیگران) را سپاس گزارم و از بدی (آنها) چشم پوشی کنم.

(۱۰) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به زینت شایستگان بیارا و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان. در گستردن عدل و فروبردن خشم و فرونشاندن (آتش) کینه و پیوند دادن پراکندگان و اصلاح بین مردم و آشکار کردن نیکی و پوشاندن عیب و نرم خویی و فروتنی و خوش رفتاری و وقار و خوش خویی و پیشی گرفتن به فضیلت و برگزیدن احسان و ترک سرزنش و احسان نکردن به کسی که شایسته احسان نیست و سخنِ حقّ گفتن، اگر چه سخت باشد و کم شمردن نیکی گفتار و کردارم، اگر چه بسیار باشد و بسیار شمردن بدی گفتار و کردارم، اگر چه کم باشد و این (اوصاف) را برای من با اطاعت همیشگی و همراهی با جماعت و فرو گذاردن اهل بدعت و هر که به رأی ساختگی خود عمل می کند، کامل گردان.

ص: ۱۳۶۱

(۱۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل أَوسَعَ رِزقِکَ عَلَیّ إِذَا کَبِرتُ، وَ أَقوَی قُوّتِکَ فِیّ إِذَا نَصِبتُ، وَ لَا تَبتَلِیَنّی بِالکَسَلِ عَن عِبَادَتِکَ، وَ لَا العَمَی عَن سَبِیلِکَ، وَ لَا بِالتّعَرّضِ لِخِلَافِ مَحَبّتِکَ، وَ لَا مُجَامَعَهِ مَن تَفَرّقَ عَنکَ، وَ لَا مُفَارَقَهِ مَن اجتَمَعَ إِلَیکَ.(۱۲) أللّهُمّ اجعلَنی أَصُولُ بِکَ عِندَ الضّرُورَهِ، وَ أَسأَلُکَ عِندَ الحَاجَهِ، وَ أَتَضَرّعُ إِلَیکَ عِندَ المَسکَنَهِ، وَ لَا تَفتِنّی بِالِاستِعَانَهِ بِغَیرِکَ إِذَا اضطُرِرتُ، وَ لَا بِالخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَیرِکَ إِذَا افتَقَرتُ، وَ لَا بِالتّضَرّعِ إِلَی مَن دُونَکَ إِذَا رَهِبتُ،فَأَستَحِقّ بِذَلِکَ خِذلَانَکَ وَ مَنعَکَ وَ إِعرَاضَکَ، یَا أَرحَمَ الرّاحِمِینَ.(۱۳) أللّهُمّ اجعَل مَا یُلقِی الشّیطَانُ فِی رُوعِی مِنَ التّمَنّی وَ التّظَنّی وَ الحَسَدِ ذِکراً لِعَظَمَتِکَ، وَ تَفَکّراً فِی قُدرَتِکَ، وَ تَدبِیراً عَلَی عَدُوّکَ، وَ مَا أَجرَی عَلَی لِسَانِی مِن لَفظَهِ فُحشٍ أَو هُجرٍ أَو شَتمِ عِرضٍ أَو شَهَادَهِ بَاطِلٍ أَو اغتِیَابِ مُؤمِنٍ غَائِبٍ أَو سَبّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشبَهَ ذَلِکَ نُطقاً بِالحَمدِ لَکَ، وَ إِغرَاقاً فِی الثّنَاءِ عَلَیکَ، وَ ذَهَاباً فِی تَمجِیدِکَ، وَ شُکراً لِنِعمَتِکَ، وَ اعتِرَافاً بِإِحسَانِکَ، وَ إِحصَاءً لِمِنَنِکَ.(۱۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا أُظلَمَنّ وَ أَنتَ مُطِیقٌ لِلدّفعِ عَنّی، وَ لَا أَظلِمَنّ وَ أَنتَ القَادِرُ عَلَی القَبضِ مِنّی، وَ لَا أَضِلّنّ وَ قَد أَمکَنَتکَ هِدَایَتِی، وَ لَا أَفتَقِرَنّ وَ مِن عِندِکَ وُسعِی، وَ لَا أَطغَیَنّ وَ مِن عِندِکَ وُجدِی.(۱۵) أللّهُمّ إِلَی مَغفِرَتِکَ وَفَدتُ، وَ إِلَی عَفوِکَ قَصَدتُ، وَ إِلَی تَجَاوُزِکَ اشتَقتُ، وَ بِفَضلِکَ وَثِقتُ، وَ لَیسَ عِندِی مَا یُوجِبُ لِی مَغفِرَتَکَ، وَ لَا فِی عَمَلِی مَا أَستَحِقّ بِهِ عَفوَکَ، وَ مَا لِی بَعدَ أَن حَکَمتُ عَلَی نَفسِی إِلّا فَضلُکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَفَضّل عَلَیّ.

ص: ۱۳۶۲

(۱۱) خداونـدا بر محمّـد و خاندانش درود فرست و فراخ ترین روزی ات را بر من، زمانی که پیر شدم و قوی ترین توانایی ات را در مـن، هنگـامی که درمانـده شـدم قرار ده. و مرا به سـستی در عبـادتت و به کـوری از راهت و پرداختن به کـاری خلاف دوستی ات و گرد آمدن با کسی که از تو دوری نموده و جدایی از آنکه به تو پیوسته، گرفتار نساز.

(۱۲) خداونـدا مرا چنانم کن که به وقت ضـرورت، به (یاری) تو حمله آورم و هنگام نیازمنـدی از تو درخواست کنم و هنگام تهی دسـتی، به درگـاه تـو زاری کنم و مرا به یـاری خواسـتن از دیگران به وقت درمانـدگی ام و به فروتنی برای درخواست از دیگران به هنگام نیازم و به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن. تا به سـبب آن، سـزاوار خواری و بی بهرگی و روی گرداندن تو شوم. ای بخشاینده ترین بخشایندگان.

(۱۳) خداوندا به جای آنچه شـیطان از آرزو و خیال بافی و رشک، در دل من می افکند، یاد بزرگی ات و اندیشه در قدرتت و تدبیر علیه دشـمنت، و به جای آنچه او بر زبانم جاری ساخته از سـخن زشت یا دشـنام یا آبروریزی یا گواهی نادرست یا غیبت مؤمن غـائب یا ناسـزا به شـخص حاضـر و ماننـد اینها، سـپاس برای خودت و ثنای فراوانت و اقـدام به بزرگ دانسـتنت و شـکر نعمتت و اعتراف به نیکی ات و شمردن بخشش هایت را قرار ده.

(۱۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و (چنان کن که) بر من ستم نشود، در حالی که تو بر دفاع از من توانایی. و بر کسـی سـتم نکنم، در حـالی که تو قـادری بـازم داری. و گمراه نگردم، در حالی که می توانی هـدایتم کنی. و فقیر نگردم، در حالی که دارایی ام از نزد تو می باشد و سرکشی نکنم، در حالی که توانایی ام از نزد توست.

(۱۵) خداونـدا به سوی آمرزشت روی آورده ام و به سوی بخشایش تو آهنگ نموده ام و به گذشت تو اشتیاق ورزیده ام و به احسان تو اعتماد کرده ام. در حالی که آنچه موجب آمرزیدن تو گردد، در من نیست و در عملم چیزی که سزاوار عفو تو شوم وجود نـدارد و پس از آنکه خود را محکوم کردم، چیزی جز فضل تو نـدارم. پس بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و به من تفضّل نما.

ص: ۱۳۶۳

(۱۶) أللّهُمّ وَ أنَطقِنی بِالهُدَی، وَ ألَهمِنیِ التّقوَی، وَ وفَقّنیِ لِلتّیِ هیِ َ أزکَی، وَ استعَملِنیِ بِمَا هُوَ أرضَی.(۱۷) أللّهُمّ اسلُک بیِ َ الطّرِیقَهَ المُثلَی، وَ اجعلَنیِ عَلَی مِلّتِکَ أَمُوتُ وَ أَحیَا.(۱۸) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ متَعّنیِ بِالِاقتِصَادِ، وَ اجعلَنیِ مِن أَهلِ السّدَادِ، وَ مِن أَدِلّهِ الرّشَادِ، وَ مِن صَالِحِ العِبَادِ، وَ ارزقُنیِ فَوزَ المَعَادِ، وَ سلَاَمَهَ المِرصَادِ.(۱۹) أللّهُمّ خُذ لِنَفسِکَ مِن نفَسیِ مَا یُخَلّصُهَا، وَ أَبقِ لِنفَسیِ مِن نفَسیِ مَا یُصلِحُهَا، فَإِنّ نفَسیِ هَالِکَهٌ أَو تَعصِمَهَا.(۲۰) أللّهُمّ أَنتَ عدُتّیِ إِن حَزِنتُ، وَ أَنتَ منُتجَعَیِ إِن حُرِمتُ، وَ بِکَ استغِاَثتَیِ إِن کَرِثتُ، وَ عِندَکَ مِمّا فَاتَ خَلَفٌ، وَ لِمَا فَسَدَ صَلَاحٌ، وَ فِیمَا أَنکَرتَ تَغیِیرٌ،فَامنُن عَلَیّ قَبلَ البَلَاءِ بِالعَافِیَهِ، وَ قَبلَ الطّلَبِ بِالجِدَهِ، وَ قَبلَ الضّلَالِ بِالرّشَادِ، وَ اکفنِیِ مَئُونَهَ مَعَرّهِ العِبَادِ، وَ هَب لِی أَمنَ یَومِ المَعَادِ، وَ امنحَنیِ (۲۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ادرأَ عنَیّ بِلُطفِکَ، وَ اغذنُیِ بِنِعمَتِکَ، وَ أَصلِحنیِ بِکَرَمِکَ، وَ داَونِیِ بِصُنعِکَ، وَ أَظِلّنیِ فِی ذَرَاکَ، وَ جَلّلنیِ رِضَاکَ، وَ وفَقّنیِ إِذَا اشتَکَلَت عَلَیّ الأُمُورُ لِأَهدَاهَا، وَ إِذَا تَشَابَهَتِ الأَعمَالُ لِأَزکَاهَا، وَ إِذَا تَنَاقَضَتِ المِلَلُ لِأَرضَاهَا.(۲۲) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ توَجّنیِ بِالکِفَایَهِ، وَ سمُنیِ حُسنَ الوِلَایَهِ، وَ هَب لِی صِدقَ الهِدَایَهِ، وَ لَا تفَتنِیّ بِالسّعَهِ، وَ امنحَنیِ حُسنَ الدّعَهِ، وَ لَا تَجعَل عیَشیِ کَدّاً کَدّاً، وَ لَا تَرُدّ دعُاَئیِ عَلَیّ رَدّاً،فَإِنیّ لَا أَجعَلُ لَکَ ضِدّاً، وَ لَا أَدعُو مَعَکَ نِدّاً.

ص: ۱۳۶۴

(۱۶) خداوندا و مرا به هدایت گویا کن و پرهیزکاری در دلم افکن و به پاکیزه ترین روش توفیق ده و به پسندیده ترین رفتار وادار.

(۱۷) خداوندا مرا به بهترین راه ببر و چنانم گردان که بر آئین تو بمیرم و زنده شوم.

(۱۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به میانه روی، بهره مند گردان و مرا از درستکاران و راهنمایان به راه راست و از بندگان شایسته قرار ده و رستگاریِ قیامت و رهایی از کمین گاه (دوزخ) را روزی ام فرما.

(۱۹) خداوندا برای خود از من، آنچه را که رهایی ام دهد، بگیر. و از من برایم، آنچه را که اصلاحم نماید، باقی گذار. زیرا نفسم هلاک شونده است، مگر آنکه تو حفظش نمایی.

(۲۰) خداوندا اگر اندوهگین شوم، مایه دلخوشی ام تویی. و اگر ناامید گردم، امید من به توست. و اگر اندوه مرا فراگیرد، از تو فریادرسی خواهم. و عوض هر آنچه از دست رفته و اصلاح آنچه تباه شده، و تغییر آنچه زشت دانسته ای، نزد توست. پس پیش از گرفتاری، با تندرستی و پیش از درخواست، با توانگری و پیش از گمراهی، با ارشاد، بر من منّت گذار و سنگینی گناهِ عیب جوییِ بندگان را از من بردار. و مرا آسایشِ روز بازگشت ببخش. و خوب ارشاد کردن را به من عطا نما.

(۲۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به لطفت، (هر شرّی را) از من دور کن. و به نعمتت، مرا پرورش ده و به کرم خویش، مرا اصلاح فرما و به احسان خود، مرا درمان کن و در سایه خود، قرارم ده و خوشنودی ات را بر من بپوشان و آنگاه که کارها بر من درهم گشت، به راست ترین آنها و هنگامی که اعمال شبیه (یکدیگر) گردید، به پاکیزه ترین آنها و زمانِ تناقض آئین ها، به پسندیده ترین آنها توفیقم ده.

(۲۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و تاج بی نیازی بر سرم گذار. و نیک سرپرستی نمودن را، بر عهده من قرار ده. و مرا هدایت راستین ببخش. و به توانگری آزمایشم مکن. و آسودگی خاطر به من عطا فرما. و زندگی ام را پر دردسر قرار نده. و دعایم را به خودم باز نگردان. زیرا من برای تو ضدّی قرار نمی دهم و با تو همانندی را نمی خوانم.

ص: ۱۳۶۵

(۲۳) أللّهُمّ صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ امنعَنِي مِنَ السّرَفِ، وَ حَصّن رزقِي مِنَ التّلَفِ، وَ وَفّر ملَكَتِي بِالبَرَكَهِ فِيهِ، وَ أَصِب بِي سَبِيلَ الهِدَايَهِ لِلبِرّ فِيمَا أُنفِقُ مِنهُ.(۲۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكفِنِي مَئُونَهَ الِاكتِسَابِ، وَ ارزُقنِي مِن غَيرِ احتِسَابٍ، فَلَا أَشتَغِلَ عَن عِبَادَتِكَ بِالطّلَبِ، وَ لَا أَحتَمِلَ إِصرَ تَبِعَاتِ المَكسَبِ.(۲۵) أللّهُمّ فَأَطلِبنِي بِقُدرَتِكَ مَا أَطلُبُ، وَ أَجِرنِي بِعِزّتِكَ مِمّا أَرهَبُ.(۲۶) أللّهُمّ صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ صُن وجهِي بِاليَسَارِ، وَ لَا تَبتَذِل جَاهِي بِالإِقتَارِ فَأَسترزِقَ أَهلَ رِزقِكَ، وَ أَستَعطِيَ شِرَارَ خَلقِكَ،فَأَفتَتِنَ بِحَمدِ مَن أعَطَانِي، وأُبتَلَى بِذَمّ مَن منَعَنِي، وَ أَنتَ مِن دُونِهِم ولِيّ الإِعطَاءِ وَ المَنع.(۲۷) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزُقنِي صِحّهً فِي عِبَادَهٍ، وَ فَرَاغاً فِي زَهَادَهٍ، وَ عِلماً فِي استِعمَالٍ، وَ وَرَعاً فِي إِجمَالٍ.(۲۸) أللّهُمّ اختِم بِعَفوِكَ أجَلِي، وَ حَقّق فِي رَجَاءِ رَحمَتِكَ أمَلِي، وَ سَهّل إِلَى بُلُوغِ رِضَاكَ سبُلِي، وَ حَسّن فِي جَمِيعِ أحوَالِي عمَلِي.(۲۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ نبّهنِي لِذِكرِكَ فِي أَوقَاتِ الغَفلَهِ، وَ استَعمِلنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيّام المُهلَهِ، وَ انهَج لِي إِلَى مَحَبّتِكَ سَبِيلًا سَهلَهً،أَكمِل لِي بِهَا خَيرَ الدّنيَا وَ الآخِرَه.(۳۰) أللّهُمّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،كَأَفضَلِ مَا صَلّيتَ عَلَى أَحَدٍ مِن خَلقِكَ قَبلَهُ، وَ أَنتَ مُصَلّ عَلَى أَحَدٍ بَعدَهُ، وَ آتِنَا فِي الدّنيَا حَسَنَهً وَ فِي الآخِرَهِ حَسَنَهً، وَ قِنِي بِرَحمَتِكَ عَذَابَ النّارِ.

ص: ۱۳۶۶

(۲۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از اسراف کاری بازدار و روزی ام را از تلف شدن نگهدار. و دارایی ام را با برکت، افزون ساز. و مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان.

(۲۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از من بردار. و مرا بی حساب روزی ده، تا به جای عبادت تو سرگرمِ روزی جستن نشوم و زیر بار پیامدهای بدِ کسب نروم.

(۲۵) خداوندا پس به قدرت خویش، آنچه طلب می کنم، برایم برآور. و به عزّت خود، از آنچه می ترسم، ایمنی ام ده.

(۲۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آبرویم را با توانگری حفظ کن و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. و از آفریدگان بدت، عطا طلبم. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا کرده، گرفتار شوم و به نکوهش آنکه از من بازداشته، دچار گردم. در حالی که تو عهده دار بخشیدن و باز داشتنی، نه آنها.

(۲۷) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا تندرستی در عبادت و فراغت در زهد و علم با عمل و پرهیز کاریِ از روی میانه روی، روزی فرما.

(۲۸) خداوندا زندگیِ مرا با آمرزش خود پایان ده. و آرزویی را که در امید به رحمتت دارم تحقّق بخش. و راه هایم را برای رسیدن به خوشنودی ات، آسان فرما. و عملم را در همه احوالم، نیکو گردان.

(۲۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. و در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار. و راهی آسان به سوی محبّتت، برایم هموار گردان. و بدین وسیله، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل نما.

(۳۰) خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست، همانند برترین درودی که پیش از او بر کسی از آفریدگانت فرستادی و پس از او بر کسی خواهی فرستاد، و در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی، عطایمان کن. و مرا به رحمت خود از عذاب آتش، حفظ فرما.

(۲۱) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ إِذَا حَزَنَهُ أَمرٌ وَ أَهَمّتهُ الخَطَایَا

(۱) أَللّهُمّ یَا کَافِیَ الفَردِ الضّعِیفِ، وَ وَاقِیَ الأَمرِ المَخُوفِ،أَفرَدَتنِی الخَطَایَا فَلَا صَاحِبَ معَیِ، وَ ضَعُفتُ عَن غَضَبِکَ فَلَا مُؤَیّدَ لِی، وَ أَشرَفتُ عَلَی خَوفِ لِقَائِکَ فَلَا مُسَکّنَ لِرَوعَتِی(۲) وَ مَن یُؤمِننُی مِنکَ وَ أَنتَ أَخَفتَنِی، وَ مَن یُسَاعِدُنِی وَ أَنتَ أَفرَدتَنِی، وَ مَن یُقَوّینِی وَ أَنتَ أَضعَفتَنِی(۳) لَا یُجِیرُ، یَا إِلَهِی، إِلّا رَبّ عَلَی مَربُوبٍ، وَ لَا یُؤمِنُ إِلّا غَالِبٌ عَلَی مَغلُوبٍ، وَ لَا یُعِینُ إِلّا طَالِبٌ عَلَی مَطلُوبٍ.(۴) وَ بِیَدِکَ، یَا إِلَهِی،جَمِیعُ ذَلِکَ السّبَبِ، وَ إِلَیکَ المَفَرّ وَ المَهرَبُ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَجِر هرَبَیِ، وَ أَنجِح مَطلَبِی.(۵) أَللّهُمّ إِنّکَ إِن صَرَفتَ عنَیّ وَجهَکَ الکَرِیمَ أَو منَعَتنَیِ فَضلَکَ الجَسِیمَ أَو حَظَرتَ عَلَیّ رِزقَکَ أَو قَطَعتَ عنَیّ سَبَبَکَ لَم أَجِدِ السّبِیلَ إِلَی شَیءٍ مِن أَمَلِی غَیرَکَ، وَ لَم أَقدِر عَلَی مَا عِندَکَ بِمَعُونَهِ سِوَاکَ،فَإِنّی عَبدُکَ وَ فِی قَبضَتِکَ،نَاصِیَتِی بِیَدِکَ.(۶) لَا أَمرَ لِی مَعَ أَمرِکَ،مَاضٍ فِیّ حُکمُکَ،عَدلٌ فِیّ قَضَاؤُکَ، وَ لَا قُوّهَ لِی عَلَی الخُرُوجِ مِن سُلطَانِکَ، وَ لَا أَستَطِیعُ مُجَاوَزَهَ قُدرَتِکَ، وَ لَا أَستَمِیلُ هَوَاکَ، وَ لَا أَبلُغُ رِضَاکَ، وَ لَا أَنَالُ مَا عِندَکَ إِلّا بِطَاعَتِکَ وَ بِفَضلِ رَحمَتِکَ.

ص: ۱۳۶۸

(۲۱)و از دعای امام علیه السلام بود هنگامی که چیزی او را اندوهگین می نمود و گناهان او را پریشان می کرد

(۱) خداوندا ای کفایت کننده (شخص) تنهای ناتوان. و نگهدارنده از هر چیز ترسناک. خطاها مرا تنها گردانده و همراهی ندارم. و در برابر خشم تو ناتوان شده ام و یاری دهنده ای ندارم. و به ترس دیدارت نزدیک گشته ام و آرامش دهنده ای برای ترسم ندارم.

(۲) و چه کسی مرا از تو امان بخشد، در حالی که تو مرا ترسانده ای؟ و چه کسی مرا یاری دهد، در حالی که تو مرا تنها گذاشته ای؟ و چه کسی مرا نیرومند سازد، در حالی که تو ناتوانم نموده ای؟

(۳) ای خدای من، پرورده را جز پروردگار، پناه نمی دهد. و شکست خورده را جز پیروز، امان نمی بخشد. و طلب شده را جز طلب کننده، یاری نمی رساند.

(۴) و ای خدای من، همه این سبب ها به دست توست و مفر و گریز به سوی توست. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و گریزم را پناه ده و مطلبم را برآور.

(۵) خداوندا اگر روی کریمت را از من برگردانی یا فضل بزرگت را از من بازداری یا روزی ات را بر من دریغ نمایی یا رشته (رحمت) خود را از من ببری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم و به آنچه نزد توست، با کمک غیر تو دسترسی ندارم. چون من بنده تو و در مشت توام و موی پیشانی (و اختیار) م به دست توست.

(۶) با فرمان تو، مرا فرمانی نیست. حکم تو درباره من جاری است و آنچه برای من تقدیر نمودی، عادلانه است. و مرا نیرویی برای خروج از سلطنت تو نیست. و نمی توانم از قدرت تو بگریزم. و نمی توانم محبّت تو را جلب نمایم. و توانایی (جلب) رضایتت را ندارم. و نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو و به فزونیِ رحمتت.

(۷)إِلَهِی أَصبَحتُ وَ أَمسَیتُ عَبداً دَاخِراً لَکَ، لَا أَملِکُ لِنفَسِی نَفعاً وَ لَا ضَرّاً إِلّا بِکَ،أَشهَدُ بِذَلِکَ عَلَی نَفسِی، وَ أَعتَرِفُ بِضَعفِ قوُتّیِ وَ قِلّهِ حِیلتَیِ،فَأَنجِز لِی مَا وعَدَتنَیِ، وَ تَمّم لِی مَا آتیَتنَیِ،فإَنِیّ عَبدُکَ المِسکِینُ المُستکَیِنُ الضّعِیفُ الضّرِیرُ الحَقِیرُ المَهِینُ الفَقِیرُ الخاَئفُِ المُستجَیِرُ.(۸) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تجَعلَنیِ ناَسیِاً لِذِکرِکَ فِیمَا أَولَیتنَیِ، وَ لَا غاَفلِاً لِإِحساَنکَِ فِیمَا أَبلَیتنَیِ، وَ لَا آیِساً مِن إِجَابتَکَِ لِی وَ إِن أَبطَأَت عنَیّ، فِی سَرّاءَ کُنتُ أَو ضَرّاءَ، أَو شِدّهٍ أَو رَخَاءٍ، أَو عَافِیهٍ أَو بَلَاءٍ، أَو بُؤسٍ أَو نَعمَاءَ، أَو جِدَهٍ أَو لَأوَاءَ، أَو فَقرٍ أَو غِنًی.(۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل ثنَاَئیِ عَلَیکَ، وَ مَدحِی إِیّاکَ، وَ حمَدیِ لَکَ فِی کُلّ حَالَاتیِ حَتّی لَا أَفرَحَ بِمَا آتیَتنَیِ مِنَ الدّنیاَ، وَ لَا أَحزَنَ عَلَی مَا منَعَتنَیِ فِیهَا، وَ أَشعِر قلَبیِ تَقوَاکَ، وَ استعَمِل بدَنَیِ فِیمَا تَقبَلُهُ منِیّ، وَ اشغَل بِطَاعَتِکَ نفَسیِ عَن کُلّ مَا یَرِدُ عَلَیّ حَتّی لَا أُحِبّ شَیئاً مِن سُخطِکَ، وَ لَا أَسخَطَ شَیئاً مِن رِضَاکَ.(۱۰) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ فَرّغ قلَبیِ لِمَحَبّتِکَ، وَ اشغَلهُ بِذِکرِکَ، وَ انعَشهُ بِخَوفِکَ وَ بِالوَجَلِ مِنکَ، وَ قَوّهِ بِالرّغبَهِ إِلَیکَ، وَ أَمِلهُ إِلَی طَاعَتِکَ، وَ أَجرِ بِهِ فِی أَحَبّ السّبُلِ إِلَیکَ، وَ ذَلّلهُ بِالرّغبَهِ فِیمَا عِندَکَ أَیّامَ حیَاَتیِ کُلّهَا.(۱۱) وَ اجعَل تَقوَاکَ مِنَ الدّنیَا زاَدیِ، وَ إِلَی رَحمَتِکَ رِحلتَیِ، وَ فِی مَرضَاتِکَ مَدخَلِی، وَ اجعَل فِی جَنّتِکَ مَثوَایَ، وَ هَب لِی قُوّهً أَحتَمِلُ بِهَا جَمِیعَ مَرضَاتِکَ، وَ اجعَل فِرَارِی إِلَیکَ، وَ رغَبتَیِ فِیمَا عِندَکَ، وَ أَلبِس قلَبیِ الوَحشَهَ مِن شِرَارِ خَلقِکَ، وَ هَب لِیَ الأُنسَ بِکَ وَ بِأَولِیَائِکَ وَ أَهلِ طَاعَتِکَ.

ص: ۱۳۷۰

(۷) خدای من، صبح و شام را به سر کردم، در حالی که بنده خوار توام. جز به یاری تو سود و زیانی را مالک نیستم. بر خود، به این مطلب گواهی می دهم. و به ضعف قوّتم و کمی چاره اندیشی ام اعتراف دارم. پس آنچه به من وعده دادی، انجام ده و آنچه به من عطا کردی، تمام گردان. که من بنده بینوا، زار، ضعیف، بد حال و خوار، ناچیز، پست، فقیر، ترسان و پناه گیرنده توام.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا فراموشکارِ یادت در آنچه به من عطا نمودی، و غافل از احسانت در آنچه به من بخشیدی، و ناامید از اجابتت -گرچه دیر شود- قرار نده، در خوشی باشم یا سختی، یا تنگی یا فراخی، یا تندرستی یا گرفتاری، یا فقر یا نعمت، یا توانگری یا تنگدستی، یا تهی دستی یا ثروت.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ستایش مرا ویژه خودت و مدح مرا بر خودت و سپاسم را در همه حالات، برای خودت قرار ده. تا به آنچه از دنیا به من داده ای، خوشحال نشوم و به آنچه مرا از آن باز داشته ای، غمگین نگردم و قلبم را به جامه پرهیز از خود بپوشان. و بدنم را در آنچه از من می پذیری به کار گیر. و مرا از هر چه به من برسد، به طاعت خویش مشغول دار. تا چیزی که تو را به خشم می آورد، دوست نداشته باشم و از چیزی که خوشنودی توست، خشمگین نشوم.

(۱۰) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به یادت مشغول دار و به خوف و ترس از خود بلندمرتبه کن و به رغبت به سوی خود، توانایی ده و به طاعتت متوجّه ساز و در محبوب ترین راه ها به سویت روانه فرما و آن را با رغبت به آنچه نزد توست، در همه روزهای زندگی ام رام گردان.

(۱۱) و پرهیزکاری را توشه من از دنیا، و کوچ مرا به سوی رحمتت، و ورود مرا در خوشنودی ات قرار ده. و سرای مرا در بهشتت مقرّر گردان. و به من نیرویی عنایت کن تا بتوانم همه خوشنودی ات را حمل کنم. و گریزم را به سوی خود، و رغبتم را در آنچه نزد توست قرار ده. و دلم را به وحشت از بدکاران خلقت بپوشان. و انس با خودت و دوستانت و فرمانبرانت را به من ببخش.

ص: ۱۳۷۱

(۱۲) وَ لَا تَجعَل لِفَاجِرٍ وَ لَا كَافِرٍ عَلَيّ مِنّهً، وَ لَا لَهُ عِندِي يَداً، وَ لَا بِي إِلَيهِم حَاجَهً،بَل اجعَل سُكُونَ قَلبِي وَ أُنسَ نَفسِي وَ استِغنَائِي وَ كِفَايَتِي بِكَ وَ بِخِيَارِ خَلقِكَ.(۱۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَي مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَلنِي لَهُم قَرِيناً، وَ اجعَلنِي لَهُم نَصِيراً، وَ امنُن عَلَيّ بِشَوقٍ إِلَيكَ، وَ بِالعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبّ وَ تَرضَي،إِنّكَ عَلَي كُلّ شَيءٍ قَدِيرٌ، وَ ذَلِكَ عَلَيكَ يَسِيرٌ.

(۱۲) و برای بـدکار و کـافر، بر من منّت و برای او نزد من نعمت و مرا به سوی آنها حاجت، قرار نـده. بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا همنشین آنان قرار ده و مرا یاور آنها قرار ده و شوق به خودت و عمل - برای خـودت- بـه آنچـه دوست داری و خوشـنود می شـوی را به من ارزانی دار. که تـو بر هر چیزی توانـایی و (برآوردن) آن (حوائج) بر تو آسان است.

ص: ۱۳۷۳

(۲۲) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ عِندَ الشّدّهِ وَ الجَهدِ وَ تَعَسّرِ الأُمُورِ

(۱) أللّهُمّ إِنّکَ كلَفّتَنِی مِن نفَسِی مَا أَنتَ أَملَکُ بِهِ منِیّ، وَ قُدرَتُکَ عَلَيهِ وَ عَلَیّ أَغلَبُ مِن قدُرتَیِ،فَأَعطِنِی مِن نفَسیِ مَا يُرضِيکَ عنَیّ، وَ خُذ لِنَفسِکَ رِضَاهَا مِن نفَسیِ فِی عَافِيَهٍ.(۲) أللّهُمّ لَا طَاقَهَ لِی بِالجَهدِ، وَ لَا صَبرَ لِی عَلَی البَلَاءِ، وَ لَا قُوّهَ لِی عَلَی الفَقرِ، فَلَا تَحظُر عَلَیّ رزِقیِ، وَ لَا تكَلِنیِ إِلَی خَلقِکَ،بَل تَفَرّد بِحاَجتَیِ، وَ تَوَلّ كفِاَيتَیِ.(۳) وَ انظُر إِلَیّ وَ انظُر لِی فِی جَمِيعِ أُمُورِی،فَإِنّکَ إِن وَكَلتنَیِ إِلَی نفَسیِ عَجَزتُ عَنهَا وَ لَم أُقِم مَا فِيهِ مَصلَحَتُهَا، وَ إِن وَكَلتنَیِ إِلَی خَلقِکَ تَجَهّمُونیِ، وَ إِن أَلجَأتنَیِ إِلَی قَرَابتَیِ حرَمَوُنیِ، وَ إِن أَعطَوا أَعطَوا قَلِيلًا نَكِداً، وَ مَنّوا عَلَیّ طَوِيلًا، وَ ذَمّوا كَثِيراً.(۴)فَبِفَضلِکَ، أللّهُمّ،فَأَغننِیِ، وَ بِعَظَمَتِکَ فَانعشَنیِ، وَ بِسَعَتِکَ،فَابسُط يدَیِ، وَ بِمَا عِندَکَ فاَكفنِیِ.(۵) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ خَلّصنیِ مِنَ الحَسَدِ، وَ احصرُنیِ عَنِ الذّنُوبِ، وَ ورَعّنیِ عَنِ المَحَارِمِ، وَ لَا تجُرَئّنیِ عَلَی المَعَاصِی، وَ اجعَل هوَاَیَ عِندَکَ، وَ رضِاَیَ فِيمَا يَرِدُ عَلَیّ مِنکَ، وَ بَارِک لِی فِيمَا رزَقَتنَیِ وَ فِيمَا خوَلّتنَیِ وَ فِيمَا أَنعَمتَ بِهِ عَلَیّ، وَ اجعلَنیِ فِی كُلّ حاَلاَتیِ مَحفُوظاً مَكلُوءاً مَستُوراً مَمنُوعاً مُعَاذاً مُجَاراً.

ص: ۱۳۷۴

(۲۲)و از دعای امام علیه السلام بود هنگام سختی و مشقّت و دشوار شدن کارها

(۱) خداوندا مرا -درباره خودم- به کاری گماشتی که تو از من به آن تواناتری و قدرت تو بر آن و بر من، از توانایی من چیره تر است. پس آنچه تو را از من راضی می گرداند، به من عطا فرما. و رضای خود را از من در حال عافیت دریافت نما.

(۲) خداوندا طاقت رنج کشیدن، و شکیبایی بر بلا، و تحمّل فقر ندارم. پس روزی ام را از من بازمدار و مرا به خلقت وانگذار. بلکه در خواستم را به تنهایی روا کن و مرا کفایت کن.

(۳) و (به دید رحمت) به من بنگر و در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما. که اگر مرا به خود واگذاری، از انجام آن عاجزم و آنچه را مصلحت من در آن است، انجام ندهم و اگر مرا به آفریدگانت واگذاری، با من ترش رویی کنند و اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند و بر من منّت بسیار نهند و نکوهش فراوان کنند.

(۴) پس به فضل خود، خداوندا بی نیازم گردان و به عظمت خویش به پایم دار و به توانگری ات گشاده دستم گردان و به آنچه نزد توست، کفایتم فرما.

(۵) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از حسد، رهایی ده. و از گناهان بازم دار. و مرا از حرام ها پرهیز ده. و بر نافرمانی ها جرأتم مده و خواهش مرا، نزد خود و خوشنودی ام را، در آنچه از تو به من می رسد قرار ده. و برایم در آنچه روزی ام نمودی، و به من ارزانی داشته ای، و به من نعمت داده ای، برکت ده. و مرا در همه حالت هایم، محفوظ، نگاه داشته، (گناهانم را) پنهان شده، (در برابر دشمنانم) حمایت شده، پناه داده شده، (از عذاب الهی) امان داده شده قرار ده.

ص: ۱۳۷۵

(۶) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقضِ عنَىّ كُلّ مَا أَلزَمتَنِيهِ وَ فَرَضتَهُ عَلَىّ لَكَ فِى وَجهٍ مِن وُجُوهِ طَاعَتِكَ أَو لِخَلقٍ مِن خَلقِكَ وَ إِن ضَعُفَ عَن ذَلِكَ بدَنَي، وَ وَهَنَت عَنهُ قوُتّيِ، وَ لَم تَنَلهُ مقدرُتَيِ، وَ لَم يَسَعهُ مَالِي وَ لَا ذَاتُ يدَيِ،ذَكَرتُهُ أَو نَسِيتُهُ.(۷) هُوَ، يَا رَبّ،مِمّا قَد أَحصَيتَهُ عَلَيّ وَ أَغفَلتُهُ أَنَا مِن نفَسيِ،فَأَدّهِ عنَىّ مِن جَزِيلِ عَطِيّتِكَ وَ كَثِيرِ مَا عِندَكَ،فَإِنّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، حَتّى لَا يَبقَى عَلَيّ شَيءٌ مِنهُ تُرِيدُ أَن تقُاَصنّيِ بِهِ مِن حسَنَاَتيِ، أَو تُضَاعِفَ بِهِ مِن سيَئّاَتيِ يَومَ أَلقَاكَ يَا رَبّ.(۸) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزقُنيِ الرّغبَةَ فِي العَمَلِ لَكَ لآِخرِتَيِ حَتّى أَعرِفَ صِدقَ ذَلِكَ مِن قلَبيِ، وَ حَتّى يَكُونَ الغَالِبُ عَلَيّ الزّهدَ فِى دنُياَيَ، وَ حَتّى أَعمَلَ الحَسَنَاتِ شَوقاً، وَ آمَنَ مِنَ السّيّئَاتِ فَرَقاً وَ خَوفاً، وَ هَب لِي نُوراً أَمشِي بِهِ فِي النّاسِ، وَ أَهتَدِي بِهِ فِي الظّلُمَاتِ، وَ أَستَضِيءُ بِهِ مِنَ الشّكّ وَ الشّبُهَاتِ(۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزقُنيِ خَوفَ غَمّ الوَعِيدِ، وَ شَوقَ ثَوَابِ المَوعُودِ حَتّى أَجِدَ لَذّةَ مَا أَدعُوكَ لَهُ، وَ كَأبَةَ مَا أَستَجِيرُ بِكَ مِنهُ(۱۰) أللّهُمّ قَد تَعلَمُ مَا يُصلِحنُيِ مِن أَمرِ دنُياَيَ وَ آخرِتَيِ فَكُن بحِوَاَئجِيِ حَفِيّاً.(۱۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ ارزقُنيِ الحَقّ

عِندَ تقَصيِريِ فِي الشّكرِ لَكَ بِمَا أَنعَمتَ عَلَيّ فِي اليُسرِ وَ العُسرِ وَ الصّحّةِ وَ السّقَمِ، حَتّى أَتَعَرّفَ مِن نفَسيِ رَوحَ الرّضَا وَ طُمَأنِينَةَ النّفسِ منِيّ بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَحدُثُ فِي حَالِ الخَوفِ وَ الأَمنِ وَ الرّضَا وَ السّخطِ وَ الضّرّ وَ النّفعِ.

ص: ۱۳۷۶

(۶) خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرسـت و مرا به انجـام آنچه که در جهـتی از جهـات طـاعتت یـا برای آفریـده ای از آفریـدگانت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه بدنم از (انجام) آن ناتوان و نیرویم از آن سـست و توانایی ام به آن نرسد و ثروت و دارایی ام گنجایش آن را نداشته باشد. خواه آن را به یاد داشته یا فراموشش کرده باشم.

(۷) آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از عطـای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جـانب من ادا کن. زیرا تو توانگرِ بخشـنده ای. تا چیزی از آن بر من نمانَـد که بخواهی به سبب آن از نیکی هایم بکاهی، یا بر بدی هایم بیفزایی، در روزی که تو را دیدار می کنم. ای پروردگار من.

(۸) خداونـدا بر محمّـد و خاندانش درود فرست و برای آخرتمْ رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعمـاق) دلم بشـناسم. و تا آنکه بی رغبتی در دنیا بر من چیره شود. و تا آنکه با اشتیاق به کارهای نیک بپردازم و از نواهی از روی ترس و بیم ایمن بمـانم. و مرا نوری بخش که با آن در بین مردم راه روم و در تاریکی ها با آن راه یابم و به وسـیله آن از شک و شبهه ها روشنی یابم.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ترسِ اندوهِ وعده ها(ی عذاب) و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را روزی ام فرما. تا لذّت آنچه را که تو را برای آن می خوانم و اندوه آنچه را که از آن به تو پناه می آورم، دریابم.

(۱۰) خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی. پس به درخواست هایم عنایت فرما.

(۱۱) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در آسانی و سختی و تندرستی و بیماری به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی و خوشنودی و خشم و زیان و سود رخ می دهد، و (شکر آن) برای تو واجب است، دریابم.

ص: ۱۳۷۷

(۱۲) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزقُنی سَلَامَهَ الصّدرِ مِنَ الحَسَدِ حَتّی لَا أَحسُدَ أَحَداً مِن خَلقِکَ عَلَی شَیءٍ مِن فَضلِکَ، وَ حَتّی لَا أَرَی نِعمَهً مِن نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِن خَلقِکَ فِی دِینٍ أَو دُنیَا أَو عَافِیَهٍ أَو تَقوَی أَو سَعَهٍ أَو رَخَاءٍ إِلّا رَجَوتُ لِنَفسِی أَفضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنکَ وَحدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ.(۱۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزقُنیِ التّحَفّظَ مِنَ الخَطَایَا، وَ الِاحتِرَاسَ مِنَ الزّلَلِ فِی الدّنیَا وَ الآخِرَهِ فِی حَالِ الرّضَا وَ الغَضَبِ، حَتّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیّ مِنهُمَا بِمَنزِلَهٍ سَوَاءٍ،عَامِلًا بِطَاعَتِکَ،مُؤثِراً لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الأَولِیَاءِ وَ الأَعدَاءِ، حَتّی یَأمَنَ عَدُوّی مِن ظُلمِی وَ جَورِی، وَ یَیأَسَ وَلِیّی مِن مَیلِی وَ انحِطَاطِ هَوَایَ.(۱۴) وَ اجعلَنیِ مِمّن یَدعُوکَ مُخلِصاً فِی الرّخَاءِ دُعَاءَ المُخلِصِینَ المُضطَرّینَ لَکَ فِی الدّعَاءِ،إِنّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ.

ص: ۱۳۷۸

(۱۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا به هیچ یک از آفرید گانت، بر آنچه از فضلت به آنان داده ای، حسد نبرم و تا اینکه نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت در دین یا دنیا یا عافیت یا پرهیزکاری یا گشایش یا رفاه داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو -که یگانه و بی شریکی- آرزو کنم.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته، عامل به طاعتت باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم. تا دشمنم از ظلم و ستم من ایمن باشد و دوستم از میل نفسم و هواداری نادرستم، ناامید شود.

(۱۴) و مرا از کسانی قرار ده که هنگام رفاه تو را خالصانه می خوانند. خواندن خالصانِ بیچاره، در نیایش برای تو. به درستی که تو ستوده بزرگواری.

ص: ۱۳۷۹

(۲۳) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السَّلَامُ إِذَا سَأَلَ اللّهَ العَافِيَه وَ شُكرَهَا

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَلبِسنِي عَافِيَتَكَ، وَ جلّلنِي عَافِيَتَكَ، وَ حصّنّي بِعَافِيَتِكَ، وَ أَكرِمنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ أَغنِنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ تَصَدّق عَلَيّ بِعَافِيَتِكَ، وَ هَب لِي عَافِيَتَكَ وَ أَفرِشنِي عَافِيَتَكَ، وَ أَصلِح لِي عَافِيَتَكَ، وَ لَا تُفَرّق بَينِي وَ بَينَ عَافِيَتِكَ فِي الدّنيَا وَ الآخِرَهِ.(۲) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَافِنِي عَافِيَهً كَافِيَهً شَافِيَهً عَالِيَهً نَامِيَهً،عَافِيَهً تُوَلّدُ فِي بَدَنِي العَافِيَه،عَافِيَهَ الدّنيَا وَ الآخِرَهِ.(۳) وَ امنُن عَلَيّ بِالصّحّهِ وَ الأَمنِ وَ السّلَامَهِ فِي دِينِي وَ بَدَنِي، وَ البَصِيرَهِ فِي قَلبِي، وَ النّفَاذِ فِي أُمُورِي، وَ الخَشيَهِ لَكَ، وَ الخَوفِ مِنكَ، وَ القُوّهِ عَلَى مَا أَمَرتَنِي بِهِ مِن طَاعَتِكَ، وَ الِاجتِنَابِ لِمَا نَهَيتَنِي عَنهُ مِن مَعصِيَتِكَ.(۴) أللّهُمّ وَ امنُن عَلَيّ بِالحَجّ وَ العُمرَهِ، وَ زِيَارَهِ قَبرِ رَسُولِكَ،صَلَوَاتُكَ عَلَيهِ وَ رَحمَتُكَ وَ بَرَكَاتُكَ عَلَيهِ وَ عَلَى آلِهِ، وَ آلِ رَسُولِكَ عَلَيهِمُ السّلَامُ أَبَداً مَا أَبقَيتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَ فِي كُلّ عَامٍ، وَ اجعَل ذَلِكَ مَقبُولًا مَشكُوراً،مَذكُوراً لَدَيكَ،مَذخُوراً عِندَكَ.(۵) وَ أَنطِق بِحَمدِكَ وَ شُكرِكَ وَ ذِكرِكَ وَ حُسنِ الثّنَاءِ عَلَيكَ لِسَانِي، وَ اشرَح لِمَرَاشِدِ دِينِكَ قَلبِي.

ص: ۱۳۸۰

(۲۳) و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که تندرستی و سپاس گزاری بر آن را، از خداوند درخواست می فرمود

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و لباس عافیت را بر من بپوشان و مرا با عافیت فراگیر و به عافیت حفظم کن و به عافیت گرامی ام دار و مرا به عافیت بی نیاز فرما و عافیت را به من صدقه ده و عافیت را به من ببخش و عافیت را برایم بگستران و عافیت را بر من سامان ده و در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی نینداز.

(۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من عافیت ده. عافیتی کافی، بهبودی بخش، عالی و روزافزون. عافیتی که در جسمم عافیت زایَد، عافیت دنیا و آخرت.

(۳) و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم و بینایی در دلم و پیشرفت در کارهایم و بیم و هراس از خودت و توانایی بر انجام طاعتت -که مرا به آن فرمان داده ای- و دوری جستن از نافرمانی ات -که مرا از آن باز داشته ای- بر من منّت گذار.

(۴) خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت -که درودهایت بر او و رحمتت و برکاتت بر او و بر خاندانش باد- و خاندان پیامبرت -که درود بر ایشان باد- همیشه تا هنگامی که زنده ام، در این سال و در همه سال. و آن را پذیرفته شده، پاداش داده شده، در نظر داشته نزد خود و ذخیره شده نزد خویش، قرار ده.

(۵) و زبانم را به حمد خود و شکرت و یادت و ستایش نیکوی خود، گویا فرما. و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

ص: ۱۳۸۱

(۶) وَ أعَذنی وَ ذرُیّتی مِنَ الشّیطَانِ الرّجِیمِ، وَ مِن شَرّ السّامّهِ وَ الهَامّهِ والعَامّهِ وَ اللّامّهِ، وَ مِن شَرّ کُلّ شَیطَانٍ مَریدٍ، وَ مِن شَرّ کُلّ سُلطَانٍ عَنِیدٍ، وَ مِن شَرّ کُلّ مُترَفٍ حَفِیدٍ، وَ مِن شَرّ کُلّ ضَعِیفٍ وَ شَدِیدٍ، وَ مِن شَرّ کُلّ شَرِیفٍ وَ وَضِیعٍ، وَ مِن شَرّ کُلّ صَغِیرٍ وَ کَبِیرٍ، وَ مِن شَرّ کُلّ قَرِیبٍ وَ بَعِیدٍ، وَ مِن شَرّ کُلّ مَن نَصَبَ لِرَسُولِکَ وَ لِأَهلِ بَیتِهِ حَرباً مِنَ الجِنّ وَ الإِنسِ، وَ مِن شَرّ کُلّ دَابّهٍ أَنتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا،إِنّکَ عَلَی صِرَاطٍ مُستَقِیمٍ.(۷) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ مَن أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصرِفهُ عَنّی، وَ ادحَر عَنّی مَکرَهُ، وَ ادرَأ عَنّی شَرّهُ، وَ رُدّ کَیدَهُ فِی نَحرِهِ.(۸) وَ اجعَل بَینَ یَدَیهِ سُدّاً حَتّی تعُمیَ عَنّی بَصَرَهُ، وَ تُصِمّ عَن ذِکرِی سَمعَهُ، وَ تُقفِلَ دُونَ إِخطَارِی قَلبَهُ، وَ تُخرِسَ عَنّی لِسَانَهُ، وَ تَقمَعَ رَأسَهُ، وَ تُذِلّ عِزّهُ، وَ تَکسِرَ جَبَرُوتَهُ، وَ تُذِلّ رَقَبَتَهُ، وَ تَفسَخَ کِبرَهُ، وَ تُؤمِنَنِی مِن جَمِیعِ ضَرّهِ وَ شَرّهِ وَ غَمزِهِ وَ هَمزِهِ وَ لَمزِهِ وَ حَسَدِهِ وَ عَدَاوَتِهِ وَ حَبَائِلِهِ وَ مَصَایِدِهِ وَ رَجِلِهِ وَ خَیلِهِ،إِنّکَ عَزِیزٌ قَدِیرٌ.

ص: ۱۳۸۲

(۶) و من و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده و از شرّ جانور زهردار نکشنده و جانور زهردار کشنده و سایر جانوران و چشم زخم و از شرّ هر شیطانِ سرکش و از شرّ هر پادشاهِ ستمگر و از شرّ هر مُرفّه نازپرورده و از شرّ هر ناتوان و توانا و از شرّ هر بلندمرتبه و فرومایه و از شرّ هر کوچک و بزرگ و از شرّ هر نزدیک و دور و از شرّ هر جنّ و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند و از شرّ هر جنبنده ای که زلفش در اختیار توست، پناه ده. به درستی که تو بر راه راستی.

(۷) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و مکرش را از من بِران و شرش را از من بازدار و فریبش را گریبانگیر خودش ساز.

(۸) و در مقابل او سدّی قرار ده، تا چشمش را از (دیدن) من کور و گوشش را از (شنیدن) یاد من، کر سازی و دلش را هنگام یاد من، قفل زنی و زبانش را درباره من لال کنی و سرش را بکوبی و عزّتش را به ذلّت تبدیل نمایی و بزرگی اش را بشکنی و گردنش را به خواری فرو آوری و سر افرازی اش را بر هم زنی و مرا از همه زیان و بدی و طعنه و بدگویی و عیب جویی و حسد و دشمنی و بندها و دام های او و نیروهای پیاده و سواره اش ایمن سازی. به درستی که تو پیروز توانایی.

ص: ۱۳۸۳

(۲۴) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ لِأَبَوَيهِ عَلَيهِمَا السّلَامُ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ عَبدِکَ وَ رَسُولِکَ، وَ أَهلِ بَيتِهِ الطّاهِرِينَ، وَ اخصُصهُم بِأَفضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ رَحمَتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ وَ سَلَامِکَ.(۲) وَ اخصُص أللّهُمّ والِدَيّ بِالكَرَامَهِ لَدَيکَ، وَ الصّلَاهِ مِنکَ، يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ.(۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَلهِمنِي عِلمَ مَا يَجِبُ لَهُمَا عَلَيّ إِلهَاماً، وَ اجمَع لِي عِلمَ ذَلِکَ كُلّهِ تَمَاماً، ثُمّ استَعمِلنِي بِمَا تُلهِمُنِي مِنهُ، وَ وَفّقنِي لِلنّفُوذِ فِيمَا تُبَصّرُنِي مِن عِلمِهِ حَتّى لَا يَفُوتَنِي استِعمَالُ شَيءٍ عَلّمتَنِيهِ، وَ لَا تَثقُلَ أَركَانِي عَنِ الحَفُوفِ فِيمَا أَلهَمتَنِيهِ(۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ كَمَا شَرّفتَنَا بِهِ، وَ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا أَوجَبتَ لَنَا الحَقّ عَلَى الخَلقِ بِسَبَبِهِ.(۵) أللّهُمّ اجعَلنِي أَهَابُهُمَا هَيبَهَ السّلطَانِ العَسُوفِ، وَ أَبَرّهُمَا بِرّ الأُمّ الرّءُوفِ، وَ اجعَل طَاعَتِي لِوَالِدَيّ وَ بِرّي بِهِمَا أَقَرّ لِعَينِي مِن رَقدَهِ الوَسنَانِ، وَ أَثلَجَ لِصَدرِي مِن شَربَهِ الظّمآنِ حَتّى أُوثِرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَ أُقَدّمَ عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا، وَ أَستَكثِرَ بِرّهُمَا بِي وَ إِن قَلّ، وَ أَستَقِلّ بِرّي بِهِمَا وَ إِن كَثُرَ.

ص: ۱۳۸۴

(۲۴)و از دعای امام علیه السلام بود، برای پدر و مادرش که بر آنان درود باد

(۱) خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و بر خاندان پاکش درود فرست و ایشان را به برترین رحمت ها و برکات و سلام خویش، اختصاص ده.

(۲) و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامتِ نزد خود و درود از جانب خود، اختصاص ده. ای بخشاینده ترین بخشایندگان.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آموختن آنچه را که در حقّ آنان بر من واجب است، به من الهام کن و دانستن همه آن را به طور کامل برای من فراهم نما. آنگاه مرا به آنچه به من الهام می کنی، وادار. و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا انجام دادن آنچه به من آموختی، از دستم نرود و اعضایم از انجامِ آنچه آن را به من الهام فرموده ای، سنگین نشود.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه ما را به وسیله او شرافت دادی. و بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه به سبب او برای ما حقّی بر خلق واجب نمودی.

(۵) خداوندا مرا چنان گردان که از هر دو (پدر و مادرم) همچون ترس از پادشاه خودکامه، بیمناک باشم. و با آن دو همانند نیکیِ مادری مهربان، نیکی کنم. و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر و برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده. تا میل ایشان را بر میل خود برتری دهم و خوشنودی آنان را بر خوشنودی خود مقدّم اندازم و نیکی ایشان را درباره خود -اگرچه اندک باشد- بسیار شمارم و نیکی خود را درباره ایشان -اگرچه بسیار باشد- اندک بدانم.

ص: ۱۳۸۵

(۶) أللّهُمّ خَفّض لَهُمَـا صوتي، وَ أَطِب لَهُمَـا كلَـامي، وَ أَلِن لَهُمَـا عرِيكتَي، وَ اعطِف عَلَيهِمَا قلبي، وَ صيّرني بِهِمَا رَفِيقاً، وَ عَلَيهِمَا شَفِيقاً.(۷) أللّهُمّ اشكُر لَهُمَا ترَبيتِي، وَ أَثِبهُمَا عَلَى تكرِمتَي، وَ احفَظ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ منِيّ فِی صغِرَی.(۸) أللّهُمّ وَ مَا مَسّهُمَا منِيّ مِن أَذًی، أَو خَلَصَ إِلَيهِمَـا عنَيّ مِن مَكرُوهٍ، أَو ضَـاعَ قبِلَي لَهُمَـا مِن حَـقّ فَـاجعَلهُ حِطّةً لِـذُنُوبِهِمَا، وَ عُلُـوّاً فِی دَرَجَاتِهِمَـا، وَ زِيَـادَةً فِی حَسَـنَاتِهِمَا، يَا مُبَدّلَ السّيّئَاتِ بِأَضعَافِهَا مِنَ الحَسَنَاتِ.(۹) أللّهُمّ وَ مَا تَعَـدّيَا عَلَيّ فِيهِ مِن قَولٍ، أَو أَسـرَفَا عَلَيّ فِيهِ مِن فِعلٍ، أَو ضَـيّعَاهُ لِي مِن حَقّ، أَو قَصّـرَا بِي عَنهُ مِن وَاجِبٍ فَقَد وَهَبتُهُ لَهُمَا، وَ جُدتُ بِهِ عَلَيهِمَا وَ رَغِبتُ إِلَيكَ فِی وَضعِ تَبِعَتِهِ عَنهُمَا،فَإِنّيِ لَا أَتّهِمُهُمَا عَلَی نفَسي، وَ لَا أَستَبطِئُهُمَا فِی برِيّ، وَ لَا أَكرَهُ مَا تَوَلّيَاهُ مِن أَمرِي يَا رَبّ.(۱۰)فَهُمَا أَوجَبُ حَقّاً عَلَيّ، وَ أَقدَمُ إِحسَاناً إِلَيّ، وَ أَعظَمُ مِنّةً لَـدَيّ مِن أَن أُقَاصّـهُمَا بِعَـدلٍ، أَو أُجَازِيَهُمَا عَلَی مِثلٍ،أَينَ إِذاً يَا إِلَهِي طُولُ شُـغلِهِمَا بِترَبِيتَي وَ أَينَ شِـدّةُ تَعَبِهِمَا فِی حِرَاسَتَي وَ أَينَ إِقتَارُهُمَا عَلَی أَنفُسِـهِمَا لِلتّوسِـعَهِ عَلَيّ(۱۱)هَيهَـاتَ مَـا يَستَوفِيَانِ منِيّ حَقّهُمَـا، وَ لَـا أُدرِكُ مَـا يَجِبُ عَلَيّ لَهُمَا، وَ لَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيفَهَ خِـدمَتِهِمَا،فَصَـلّ عَلَی مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِنّيِ يَـا خَيرَ مَنِ استُعِينَ بِهِ، وَ وَفّقنيِ يَا أَهـدَی مَن رُغِبَ إِلَيهِ، وَ لَا تَجعَلنيِ فِی أَهلِ العُقُوقِ لِلآبَاءِ وَ الأُمّهَاتِ يَومَ تُجزَی كُلّ نَفسٍ بِمَا كَسَبَت وَ هُم لَا يُظلَمُونَ.

ص: ۱۳۸۶

(۶) خداوندا، صدایم را برای ایشان آهسته ساز. و سخنم را با آنها خوشایند فرما و خویم را برایشان نرم نما و دلم را بر آن دو مهربان گردان و مرا با آنان دوست و برایشان دلسوز فرما.

(۷) خداوندا از آنان به پاس پرورش دادن من، قدردانی کن و آنها را بر گرامی داشتنم، پاداش ده و آنچه در کودکی ام از من نگهداری کردند، برای ایشان نگهدار.

(۸) خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده یا ناخوشایندی که از من به ایشان رخ داده یا حقّی از آنها نزد من ضایع شده، پس آن را سبب ریزش گناهانشان و بلندی درجات ایشان و افزایش نیکی هایشان قرار ده. ای تبدیل کننده بدی ها به چندین برابر از نیکی ها.

(۹) خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند یا بر من در کردار، زیاده روی کرده اند یا حقّی را از من ضایع ساخته اند یا نسبت به من از واجبی کوتاهی نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم و به آنان ارزانی داشتم و از تو می خواهم، گرفتاری را از آنها برداری. زیرا آنان را نسبت به خودم، متّهم نمی دانم. آنان را در نیکی به خودم، سهل انگار نمی شمارم و از آنچه درباره من به عهده گرفتند، ناراضی نیستم. ای پروردگار من.

(۱۰) پس حقّ ایشان بر من واجب تر، و احسانشان به من دیرینه تر، و نعمتشان نزد من بزرگ تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم یا بر آنان مثل خودشان، کیفر دهم. ای خدای من، در این هنگام کجاست درازی کار آنها، در پرورش دادن من؟ و سختی هایی که در نگهداری من کشیده اند چه می شود؟ و تنگی هایی که برای گشایش من بر خود گرفته اند، چه می شود؟

(۱۱) هیهات! آنها تمامی حقّشان را از من نمی گیرند و آنچه برای ایشان بر من واجب است را در نمی یابم و من وظیفه خدمت گزاری ایشان را انجام نداده ام. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا یاری ده، ای بهترین کسی که به او یاری خواسته شده. و مرا توفیق ده، ای راهنماترین کسی که به او رغبت شده. و مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار نده، در آن روز که هر نفسی به آنچه کرده، جزا داده شود و هرگز ایشان ستم نشوند.

ص: ۱۳۸۷

(١٢) أللّهُمّ صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ وَ ذُرّيّتِهِ، وَ اخصُص أبَوَيّ بِأَفضَلِ مَا خَصَصتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ المُؤمِنِينَ وَ أُمّهَاتِهِم، يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ.(١٣) أللّهُمّ لَا تُنسِنِي ذِكرَهُمَا فِي أَدبَارِ صلَوَاتِي، وَ فِي إِنًى مِن آنَاءِ لَيلِي، وَ فِي كُلّ سَاعَةٍ مِن سَاعَاتِ نهَارِي.(١۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اغفِر لِي بِدُعَائِي لَهُمَا، وَ اغفِر لَهُمَا بِبِرّهِمَا بِي مَغفِرَةً حَتماً، وَ ارضَ عَنهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضًى عَزماً، وَ بَلّغهُمَا بِالكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السّلَامَةِ.(١۵) أللّهُمّ وَ إِن سَبَقَت مَغفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفّعهُمَا فِيّ، وَ إِن سَبَقَت مَغفِرَتُكَ لِي فَشَفّعنِي فِيهِمَا حَتّى نَجتَمِعَ بِرَأفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ مَحَلّ مَغفِرَتِكَ وَ رَحمَتِكَ،إِنّكَ ذُو الفَضلِ العَظِيمِ، وَ المَنّ القَدِيمِ، وَ أَنتَ أَرحَمُ الرّاحِمِينَ.

ص: ١٣٨٨

(۱۲) خداونـدا بر محمّـد و خانـدان او و نسل او درود فرست، و پـدر و مادر مرا به برترین چیزی که پـدران و مادران بندگان با ایمانت را به آن امتیاز داده ای، اختصاص ده. ای مهربان ترین مهربانان.

(۱۳) خداوندا یاد آنان را بعدِ نمازهایم و در هیچ وقتی از اوقات شبم و در هیچ ساعتی از ساعات روزم، از یادم نبر.

(۱۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به (برکت) دعایم برای آنان، بیامرز. و ایشان را به خاطر نیکیشان بر من، آمرزشی حتمی عنایت کن. و به میانجیگری من از آنها یکسره خوشنود شو. و ایشان را با کرامت به جایگاه های سلامتی رسان.

(۱۵) خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو و محل آمرزش و رحمتت گرد آییم. به درستی که تو صاحب فضل بزرگ و نعمت دیرینه ای و تو بخشاینده ترین بخشایندگانی.

ص: ۱۳۸۹

(۲۵) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ لِوُلدِهِ عَلَيهِمُ السّلَامُ

(۱) أللّهُمّ وَ مُنّ عَلَيّ بِبَقَاءِ ولُدیِ وَ بِإِصلَاحِهِم لِی وبِإِمتَاعِی بِهِم.(۲)إِلَهِی امدُد لِی فِی أَعمَارِهِم، وَ زِد لِی فِی آجَالِهِم، وَ رَبّ لِی صَغِيرَهُم، وَ قَوّ لِی ضَعِيفَهُم، وَ أَصِحّ لِی أَبدَانَهُم وَ أَديَانَهُم وَ أَخلَاقَهُم، وَ عَافِهِم فِی أَنفُسِهِم وَ فِی جَوَارِحِهِم وَ فِی كُلّ مَا عُنِيتُ بِهِ مِن أَمرِهِم، وَ أَدرِر لِی وَ عَلَی يدَیِ أَرزَاقَهُم.(۳) وَ اجعَلهُم أَبرَاراً أَتقِيَاءَ بُصَرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ، وَ لِأَولِيَائِكَ مُحِبّينَ مُنَاصِحِينَ، وَ لِجَمِيعِ أَعدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبغِضِينَ،آمِينَ.(۴) أللّهُمّ اشدُد بِهِم عضَدُیِ، وَ أَقِم بِهِم أَوَدیِ، وَ كَثّر بِهِم عدَدَیِ، وَ زَيّن بِهِم محَضرَیِ، وَ أَحیِ بِهِم ذِكرِي، وَ اكفِنِي بِهِم فِی غَيبَتِی، وَ أَعِنّی بِهِم عَلَی حاَجتَیِ، وَ اجعَلهُم لِی مُحِبّينَ، وَ عَلَيّ حَدِبِينَ مُقبِلِينَ مُستَقِيمِينَ لِی،مُطِيعِينَ، غَيرَ عَاصِينَ وَ لَا عَاقّينَ وَ لَا مُخَالِفِينَ وَ لَا خَاطِئِينَ.(۵) وَ أَعِنّی عَلَی تَربِيَتِهِم وَ تَأدِيبِهِم، وَ بِرّهِم، وَ هَب لِی مِن لَدُنكَ مَعَهُم أَولَاداً ذُكُوراً، وَ اجعَل ذَلِكَ خَيراً لِی، وَ اجعَلهُم لِی عَوناً عَلَی مَا سَأَلتُكَ.

ص: ۱۳۹۰

(۲۵)و از دعای امام علیه السلام بود، برای فرزندانش که بر آنان درود باد

(۱) خداوندا و بر من به بقای فرزندانم و به اصلاح نمودن ایشان برای من و به بهره مندی من از آنان، منّت گذار.

(۲) خداونـدا عمرشان را برای من دراز گردان و در مدّت عمرشان برایم بیفزا و خردسالشان را برای من پرورش ده و ناتوانشان را برایم نیرومنـد نما و بدن و دین و اخلاقشان را برای من سالم بدار و آنان را در جان و اعضا و کارهایشان –که برای من مهم است– تندرستی ده و برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما.

(۳) و آنان را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود، و دوستدار و پند دهنده دوستانت، و ستیزه جو و کینه توزِ همه دشمنانت قرار ده. (این دعا را) اجابت فرما.

(۴) خداونـدا بازوی مرا به وسـیله آنان محکم گردان و کجی مرا به وسـیله ایشان راست فرما و تعـداد مرا به وسـیله آنها بیفزا و مجلس مرا به وسـیله ایشـان آراسـته نما و یاد مرا به وسـیله آنها زنـده گردان و در غایب بودنم، ایشان را جانشـین من فرما و در برآمـدن حـاجتم به وسـیله آنـان یـاری ام ده و آنان را دوسـتدار من و بر من مهربان، و به من متوجّه ساز و به راه من مسـتقیم و فرمانبر من قرار ده و نسبت به من سرکش و عاق و مخالف و خطاکار قرار نده.

(۵) و مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما. و از نزد خود افزون بر ایشان، پسـران دیگری به من ببخش و آن را برای من خیر قرار ده و ایشان را برای من، بر آنچه از تو خواستم، مددکار قرار ده.

ص: ۱۳۹۱

(۶) وَ أعِذنِي وَ ذرُيّتِي مِنَ الشّيطَانِ الرّجِيمِ،فَإِنّکَ خَلَقتَنَا وَ أَمَرتَنَا وَ نَهَيتَنَا وَ رَغّبتَنَا فِی ثَوَابِ مَا أَمَرتَنَا وَ رَهّبتَنَا عِقَابَهُ، وَ جَعَلتَ لَنَا عَدُوّاً يَكِيدُنَا،سَلّطتَهُ مِنّا عَلَى مَا لَم تُسَلّطنَا عَلَيهِ مِنهُ،أَسكَنتَهُ صُدُورَنَا، وَ أَجرَيتَهُ مجَارِيَ دِمَائِنَا، لَا يَغفُلُ إِن غَفَلنَا، وَ لَا يَنسَى إِن نَسِينَا،يُؤمِنُنَا عِقَابَكَ، وَ يُخَوّفُنَا بِغَيرِكَ.(۷) إِن هَمَمنَا بِفَاحِشَةٍ شَجّعَنَا عَلَيهَا، وَ إِن هَمَمنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبّطَنَا عَنهُ،يَتَعَرّضُ لَنَا بِالشّهَوَاتِ، وَ يَنصِبُ لَنَا بِالشّبُهَاتِ، إِن وَعَدَنَا كَذَبَنَا، وَ إِن مَنّانَا أَخلَفَنَا، وَ إِلّا تَصرِف عَنّا كَيدَهُ يُضِلّنَا، وَ إِلّا تَقِنَا خَبَالَهُ يَستَزِلّنَا.(۸) أَللّهُمّ فَاقهَر سُلطَانَهُ عَنّا بِسُلطَانِكَ حَتّى تَحبِسَهُ عَنّا بِكَثرَةِ الدّعَاءِ لَكَ فَنُصبِحَ مِن كَيدِهِ فِی المَعصُومِينَ بِكَ.(۹) أَللّهُمّ أَعطِنِي كُلّ سُؤلِي، وَ اقضِ لِي حَوَائِجِي، وَ لَا تَمنَعنِي الإِجَابَةَ وَ قَد ضَمِنتَهَا لِي، وَ لَا تَحجُب دُعَائِي عَنكَ وَ قَد أَمَرتَنِي بِهِ، وَ امنُن عَلَيّ بِكُلّ مَا يُصلِحُنِي فِی دُنيَايَ وَ آخِرَتِي مَا ذَكَرتُ مِنهُ وَ مَا نَسِيتُ، أَو أَظهَرتُ أَو أَخفَيتُ أَو أَعلَنتُ أَو أَسرَرتُ.(۱۰) وَ اجعَلنِي فِی جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ المُصلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيّاكَ،المُنجِحِينَ بِالطّلَبِ إِلَيكَ غَيرِ المَمنُوعِينَ بِالتّوَكّلِ عَلَيكَ.(۱۱)المُعَوّدِينَ بِالتّعَوّذِ بِكَ،الرّابِحِينَ فِی التّجَارَةِ عَلَيكَ،المُجَارِينَ بِعِزّكَ،المُوَسّعِ عَلَيهِمُ الرّزقُ الحَلَالُ مِن فَضلِكَ،الوَاسِعِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ،المُعَزّينَ مِنَ الذّلّ بِكَ، وَ المُجَارِينَ مِنَ الظّلمِ بِعَدلِكَ، وَ المُعَافَينَ مِنَ البَلَاءِ بِرَحمَتِكَ، وَ المُغنَينَ مِنَ الفَقرِ بِغِنَاكَ، وَ المَعصُومِينَ مِنَ الذّنُوبِ وَ الزّلَلِ وَ الخَطَاءِ بِتَقوَاكَ، وَ المُوَفّقِينَ لِلخَيرِ وَ الرّشدِ وَ الصّوَابِ بِطَاعَتِكَ، وَ المُحَالِ بَينَهُم وَ بَينَ الذّنُوبِ بِقُدرَتِكَ،التّارِكِينَ لِكُلّ مَعصِيَتِكَ،السّاكِنِينَ فِی جِوَارِكَ.

ص: ۱۳۹۲

(۶) و مرا و فرزنـدانم را از شـیطانِ رانـده شده، پناه ده. همانا تو ما را آفریدی و امر و نهی نموده ای و در پاداش آنچه ما را امر کردی، رغبتمـان و از کیفر نافرمـانی خود، بیمـان داده ای. و برای مـا دشـمنی قرار دادی که به مـا نیرنگ می زنـد. او را بر ما تسلّط دادی، و مـا را بر او تسلّطی نیست. او را در سـینه های ما جا دادی و در رگ های خونمان روان نمودی. اگر از او غافل شویم، او غافل نمی شود. و اگر فراموشش کنیم، او فراموش نمی کند. ما را از کیفر تو ایمنی می دهد و از غیر تو می ترساند.

(۷) اگر قصـد کار زشتی کنیم، ما را بر آن دلیر گردانَـد. و چنانچه قصـد کار شایسـته ای کردیم، ما را از آن بازدارد. خواهش های نفسانی را برای ما عرضه می دارد. و شـبهه ها برای ما برپا کنـد. اگر ما را وعـده دهـد، به ما دروغ گوید. و اگر به ما نوید دهد، خلف وعده کند. و اگر فریب او را از ما باز نداری، گمراهمان کند و اگر ما را از تبهکاری اش نگه نداری، به لغزشـمان اندازد.

(۸) خداوندا با سـلطه خود، تسلّط او را از ما دور کن، تا اینکه با دعای زیاد ما، او را از ما بازداری. پس به وسـیله تو از نیرنگ او، در زمره بازداشته شدگان (از گناه) درآییم.

(۹) خداونـدا همه خواسته هـایم را به من عطـا کن و حاجت هایم را برآور و اجابت (دعا) را از من دریغ نکن، که خود آن را ضمـانت کرده ای و دعایم را از خود بازنـدار، که خود مرا به آن امر فرموده ای و هر چه در دنیایم و آخرتم به صـلاحم است، چه آن را به یـاد آوردم یـا آنچه فراموش کردم، و اظهار کردم یا پنهان نمودم، و آشـکار ساختم یا در پنهان خواسـته ام، بر من ارزانی دار.

(۱۰) و مرا در همه آن (امور) به خاطر در خواستم از تو، از شایسته کارانی قرار ده که با درخواست از تو، کامیاب شدند. که با توکّل بر تو، (از لطفت) بازداشته نشدند.

(۱۱) (آنان که) به پناه بردن به تو خو گرفته انـد، در تجارت با تو سود کرده اند، (همان ها که) به عزّت تو پناه آورده اند، و به جـود و کرم تو از فضـل گسـترده ات روزی حلاـل برای آنـان سـرشار شـده، به یـاری تو از ذلّت به عزّت رسـیده انـد، از سـتم (دیگران) به عدل تو پناه آورده اند و به رحمت تو از بلا رهیده اند و به توانگری تو از فقر به بی نیازی رسـیده اند و با ترس از تو از گناهان و نادرستی و خطا، نگه داشته شده اند و با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفّق گشته اند و به قدرت تو میان آنها و گناهان فاصله افتاده. (آنان که) همه نافرمانی هایت را ترک کرده در همسایگی تو جای گرفته اند.

ص: ۱۳۹۳

(۱۲) أللّهُمّ أعطِنَا جَمِیعَ ذَلِکَ بِتَوفِیقِکَ وَ رَحمَتِکَ، وَ أَعِذنَا مِن عَذَابِ السّـَعِیرِ، وَ أَعطِ جَمِیعَ المُسـلِمِینَ وَ المُسلِمَاتِ وَ المُؤمِنِینَ وَ المُؤمِنَاتِ مِثلَ ألّذِی سَأَلتُکَ لِنفَسـِی وَ لوِلُدِی فِی عَاجِلِ الدّنیَا وَ آجِلِ الآخِرَهِ،إِنّکَ قَرِیبٌ مُجِیبٌ سَـمِیعٌ عَلِیمٌ عَفُوّ غَفُورٌ رَءُوفٌ رَحِیمٌ.(۱۳) وَ آتِنَا فِی الدّنیَا حَسَنَهً، وَ فِی الآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنَا عَذَابَ النّارِ.

ص: ۱۳۹۴

(۱۲) خداونـدا به توفیق و رحمتت همه آن (درخواست هـا) را به مـا عطا فرما و ما را از شـکنجه آتش پناه ده و به همه مردان و زنـان مسـلمان و مردان و زنـان بـا ایمـان،ماننـدِ آنچه برای خود و فرزنـدانم از تو درخواست نمودم، در دنیای کنونی و آخرت آینده ببخش. همانا تو نزدیک، اجابت کننده، شنوا، دانا، بخشاینده، آمرزنده، دلسوز و مهربان هستی.

(۱۳) و ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عطا کن و از شکنجه آتش نگاهمان دار.

ص: ۱۳۹۵

(٢۶) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ لِجِيرَانِهِ وَ أَولِيَائِهِ إِذَا ذَكَرَهُم

(١) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَوَلّنِي فِي جِيرَانِي وَ مَوَالِيّ العَارِفِينَ بِحَقّنَا، وَ المُنَابِذِينَ لِأَعدَائِنَا بِأَفضَلِ وَلَايَتِكَ.(٢) وَ وَفّقهُم لِإِقَامَهِ سُنّتِكَ، وَ الأَخذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِرفَاقِ ضَعِيفِهِم، وَ سَدّ خَلّتِهِم، وَ عِيَادَهِ مَرِيضِهِم، وَ هِدَايَهِ مُستَرشِدِهِم، وَ مُنَاصَحَهِ مُستَشِيرِهِم، وَ تَعَهّدِ قَادِمِهِم، وَ كِتمَانِ أَسرَارِهِم، وَ سَترِ عَورَاتِهِم، وَ نُصرَهِ مَظلُومِهِم، وَ حُسنِ مُوَاسَاتِهِم بِالمَاعُونِ، وَ العَودِ عَلَيهِم بِالجِدَهِ وَ الإِفضَالِ، وَ إِعطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُم قَبلَ السّؤَالِ(٣) وَ اجعَلنِي أللّهُمّ أَجزِي بِالإِحسَانِ مُسِيئَهُم، وَ أُعرِضُ بِالتّجَاوُزِ عَن ظَالِمِهِم، وَ أَستَعمِلُ حُسنَ الظّنّ فِي كَافّتِهِم، وَ أَتَوَلّى بِالبِرّ عَامّتَهُم، وَ أَغُضّ بَصَرِي عَنهُم عِفّهً، وَ أُلِينُ جَانِبِي لَهُم تَوَاضُعاً، وَ أَرِقّ عَلَى أَهلِ البَلَاءِ مِنهُم رَحمَهً، وَ أُسِرّ لَهُم بِالغَيبِ مَوَدّهً، وَ أُحِبّ بَقَاءَ النّعمَهِ عِندَهُم نُصحاً، وَ أُوجِبُ لَهُم مَا أُوجِبُ لِحَامّتِي، وَ أَرعَى لَهُم مَا أَرعَى لِخَاصّتِي.(۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزُقنِي مِثلَ ذَلِكَ مِنهُم، وَ اجعَل لِي أَوفَى الحُظُوظِ فِيمَا عِندَهُم، وَ زِدهُم بَصِيرَهً فِي حَقّيّ، وَ مَعرِفَهً بِفَضلِي حَتّى يَسعَدُوا بِي وَ أَسعَدَ بِهِم،آمِينَ رَبّ العَالَمِينَ.

(۲۶)و از دعای امام علیه السلام بود، درباره همسایگانش و دوستان او، هنگامی که آنان را یاد می کرد

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما.

(۲) و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان و پر کردن کم و کاست آنان و به عیادت بیمارشان و راهناییِ راه جویشان و پند دادن مشورت کننده شان و دیدار با از سفر بازگشته شان و کتمان اسرارشان و پوشاندن عیب هایشان و یاریِ ستم دیده شان و همیاری نیکو در مایحتاج زندگی یشان و رسیدگی با ثروت و بخشش فراوان به آنان و عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است پیش از درخواست آنان، توفیق ده.

(۳) و خداوندا مرا بر آن دار که بدکارشان را به نیکی پاداش دهم و از ستمگرشان با چشم پوشی صرف نظر کنم و درباره همه آنان، به خوش گمانی رفتار کنم و با نیکی، همه آنان را یاری نمایم و با پاکدامنی، دیده از ایشان فرو بندم و فروتنانه، با آنها نرمی و مدارا کنم و با مهربانی بر بلا دیدگان آنها، دلسوزی نمایم و در نبودشان دوستی را، آشکار سازم و خیرخواهانه بقای نعمت را نزدشان دوست بدارم و آنچه را برای خویشانم لازم می دانم، برای آنها لازم بدانم و آنچه را برای خاصان خود رعایت می کنم، برای آنان رعایت نمایم.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا مانند همین امور از جانب آنان روزی فرما و از آنچه ایشان دارند، کامل ترین بهره ها را برای من قرار ده و بر حق بینی و فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزا. تا آنان به وسیله من، نیک بخت شوند و من به وسیله آنها، نیک بخت گردم. اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

ص: ۱۳۹۷

(۲۷) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ لِأَهلِ الثّغُورِ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَصّن ثُغُورَ المُسلِمِينَ بِعِزّتِكَ، وَ أَيّد حُمَاتَهَا بِقُوّتِكَ، وَ أَسبِغ عَطَايَاهُم مِن جِدَتِكَ.(۲) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ كَثّر عِدّتَهُم، وَ اشحَذ أَسلِحَتَهُم، وَ احرُس حَوزَتَهُم، وَ امنَع حَومَتَهُم، وَ أَلّف جَمعَهُم، وَ دَبّر أَمرَهُم، وَ وَاتِر بَينَ مِيَرِهِم، وَ تَوَحّد بِكِفَايَةِ مُؤَنِهِم، وَ اعضُدهُم بِالنّصرِ، وَ أَعِنهُم بِالصّبرِ، وَ الطُف لَهُم فِي المَكرِ.(۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَرّفهُم مَا يَجهَلُونَ، وَ عَلّمهُم مَا لَا يَعلَمُونَ، وَ بَصّرهُم مَا لَا يُبصِرُونَ.(۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنسِهِم

عِندَ لِقَائِهِمُ العَدُوّ ذِكرَ دُنيَاهُمُ الخَدّاعَهِ الغَرُورِ، وَ امحُ عَن قُلُوبِهِم خَطَرَاتِ المَالِ الفَتُونِ، وَ اجعَلِ الجَنّهَ نُصبَ أَعيُنِهِم، وَ لَوّح مِنهَا لِأَبصَارِهِم مَا أَعدَدتَ فِيهَا مِن مَسَاكِنِ الخُلدِ وَ مَنَازِلِ الكَرَامَهِ وَ الحُورِ الحِسَانِ وَ الأَنهَارِ المُطّرِدَهِ بِأَنوَاعِ الأَشرِبَهِ وَ الأَشجَارِ المُتَدَلّيَهِ بِصُنُوفِ الثّمَرِ حَتّى لَا يَهُمّ أَحَدٌ مِنهُم بِالإِدبَارِ، وَ لَا يُحَدّثَ نَفسَهُ عَن قِرنِهِ بِفِرَارٍ.

ص: ۱۳۹۸

(۲۷)و از دعای امام علیه السلام بود، برای مرزداران

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به عزّت خود، مرزهای مسلمانان را استوار فرما و به قدرت خویش، نگهبانان آن را یاری ده و از دارایی خویش، بخشش های آنان را فراوان ساز.

(۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و بر تعدادشان بیفزا و سلاح (جنگی) شان را تیز کن و قلمروِ آنان را نگهدار و حومه آنان را نفوذناپذیر کن و جمعشان را الفت ده و امرشان را تدبیر فرما و آذوقه یشان را پیاپی برسان و سنگینی هایشان را به تنهایی کفایت فرما و با پیروزی نیرومندشان کن و با شکیبایی یاریشان ده و چاره اندیشی را به آنها بیاموز.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنچه را نمی شناسند، به آنان بشناسان و آنچه نمی دانند، به ایشان بیاموز و به آنچه بینایی ندارند، بینا ساز.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن و بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده و آنچه را در آن آماده ساخته ای از خانه های همیشگی و سراهای کرامت و حوریان زیباروی و جوی هایی که به نوشیدنی های گوناگون روان شده و درختانی که شاخه هایشان به انواع میوه ها خم گشته، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز. تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت کردن (به دشمن) نکند و با نفس خود، حدیث فرار از همانند خود را بازگو ننماید.

ص: ۱۳۹۹

(۵) أللّهُمّ افلُل بـذَلِکَ عَـدُوّهُم، وَ اقلِم عَنهُم أظفَارَهُم، وَ فَرّق بَینَهُم وَ بَینَ أَسلِحَتِهِم، وَ اخلَع وَثَائِقَ أَفئِـدَتِهِم، وَ بَاعِد بَینَهُم وَ بَینَ أَزوِدَتِهِم، وَ حَیّرهُم فِی سُـبُلِهِم، وَ ضَـلّلهُم عَن وَجهِهِم، وَ اقطَع عَنهُمُ المَـدَدَ، وَ انقُص مِنهُمُ العَدَدَ، وَ املَأ أَفئِدَتَهُمُ الرّعبَ، وَ اقبِض أَیدِیَهُم عَنِ البَسطِ، وَ اخزِم أَلسِـنَتَهُم عَنِ النّطقِ، وَ شَرّد بِهِم مَن خَلفَهُم وَ نَکّل بِهِم مَن وَرَاءَهُم، وَ اقطَع بِخِزیِهِم أَطمَاعَ مَن بَعدَهُم.
(۶) أللّهُمّ عَقّم أَرحَامَ نِسَائِهِم، وَ یَبّس أَصلَابَ رِجَالِهِم، وَ اقطَع نَسلَ دَوَابّهِم وَ أَنعَامِهِم، لَا تَأذَن لِسَمَائِهِم فِی قَطرٍ، وَ لَا لِأَرضِهِم فِی نَبَاتٍ.(۷) أللّهُمّ وَ قَوّ بِـذَلِکَ مِحَـالَ أَهلِ الإِسلَامِ، وَ حَصّن بِهِ دِیَارَهُم، وَ ثَمّر بِهِ أَموَالَهُم، وَ فَرّغهُم عَن مُحَارَبَتِهِم لِعِبَادَتِکَ، وَ عَن مُنَابَذَتِهِم لِلخَلوَهِ بِـکَ حَتّی لَـا یُعبَـدَ فِی بِقَـاعِ الأَرضِ غَیرُکَ، وَ لَا تُعَفّرَ لِأَحَـدٍ مِنهُم جَبهَهٌ دُونَکَ.(۸) أللّهُمّ اغزُ بِکُلّ نَـاحِیَهٍ مِنَ المُسلِمِینَ عَلَی مَن بِإِزَائِهِم مِنَ المُشرِکِینَ، وَ أَمـدِدهُم بِمَلَـائِکَهٍ مِن عِنـدِکَ مُردِفِینَ حَتّی یَکشِـفُوهُم إِلَی مُنقَطَعِ التّرَابِ قَتلًـا فِی أَرضِـکَ وَ أَسراً، أَو یُقِرّوا بِأَنّکَ أَنتَ اللّهُ ألّـذِی لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ وَحـدَکَ لَا شَـرِیکَ لَکَ.(۹) أللّهُمّ وَ اعمُم بِـذَلِکَ أَعـدَاءَکَ فِی أَقطَارِ البِلَادِ مِنَ الهِنـدِ وَ الرّومِ وَ التّرکِ وَ الخَزَرِ وَ الحَبَشِ وَ النّوبَهِ وَ الزّنجِ وَ السّـقَالِبَهِ وَ الدّیَالِمَهِ وَ سَائِرِ أُمَمِ الشّـرکِ،الّذِینَ تَخفَی أَسمَاؤُهُم وَ صِفَاتُهُم، وَ قَد أَحصَیتَهُم بِمَعرِفَتِکَ، وَ أَشرَفتَ عَلَیهِم بِقُدرَتِکَ.

ص: ۱۴۰۰

(۵) خداوندا بدین وسیله، دشمنانشان را درهم شکن و چنگالشان را از آنان جدا کن و میان آنان و سلاح هایشان جدایی انداز و رگ های دلشان را بکن و میان آنها و زاد و توشه اشان جدایی انداز و در راه هایشان سرگردانشان ساز و از هدفشان گمراهشان نما و کمک رسانی را از ایشان قطع کن و از تعدادشان بکاه و دل هایشان را از ترس پر ساز و دست هایشان را از گشودن بازدار و زبان هایشان را از گفتن ببند و با (شکست) ایشان، پشت سری هایشان را پراکنده ساز و آنان را برای کسانی که در پس ایشانند، عبرت گردان و با خواری آنان طمع آیندگانشان را قطع نما.

(۶) خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان و صلب مردانشان را خشک نما و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن و آسمانشان را در باریدن و زمینشان را در روییدن، اذن نده.

(۷) خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوّت بخش و شهرهایشان را استوار ساز و ثروت هایشان را بیفزا و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن برای عبادت خویش و کارزار با آنان برای خلوت با خودت آسوده ساز تا در همه جای زمین، جز تو پرستش نشود و پیشانی هر یک از آنان جز در برابر تو به خاک گذاشته نشود.

(۸) خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار و آنان را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند، یا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی شریک هستی، اقرار نمایند.

(۹) خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و ترکستان و خزر و حبشه و نوبه و زنگبار و سقالبه و دیالمه و دیگر امّت های مشرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است و به دانایی، خود آنها را می شناسی و به توانایی ات بر آنان اشراف داری.

(۱۰) أللّهُمّ اشغَلِ المُشرِكِينَ بِالمُشرِكِينَ عَن تَنَاوُلِ أَطرَافِ المُسلِمِينَ، وَ خُذهُم بِالنّقصِ عَن تَنَقّصِهِم، وَ ثَبّطهُم بِالفُرقَهِ عَنِ الِاحتِشَادِ عَلَيهِم.(۱۱) أللّهُمّ أَخلِ قُلُوبَهُم مِنَ الأَمَنَهِ، وَ أَبدَانَهُم مِنَ القُوّهِ، وَ أَذهِل قُلُوبَهُم عَنِ الِاحتِيَالِ، وَ أَوهِن أَركَانَهُم عَن مُنَازَلَهِ الرّجَالِ، وَ جَبّنهُم عَن مُقَارَعَهِ الأَبطَالِ، وَ ابعَث عَلَيهِم جُنداً مِن مَلَائِكَتِكَ بِبَأسٍ مِن بَأسِكَ كَفِعلِكَ يَومَ بَدرٍ،تَقطَعُ بِهِ دَابِرَهُم وَ تَحصُدُ بِهِ شَوكَتَهُم، وَ تُفَرّقُ بِهِ عَدَدَهُم.(۱۲) أللّهُمّ وَ امزُج مِيَاهَهُم بِالوَبَاءِ، وَ أَطعِمَتَهُم بِالأَدوَاءِ، وَ ارمِ بِلَادَهُم بِالخُسُوفِ، وَ أَلِحّ عَلَيهَا بِالقُذُوفِ، وَ افرَعهَا بِالمُحُولِ، وَ اجعَل مِيَرَهُم فِي أَحَصّ أَرضِكَ وَ أَبعَدِهَا عَنهُم، وَ امنَع حُصُونَهَا مِنهُم،أَصِبهُم بِالجُوعِ المُقِيمِ وَ السّقمِ الأَلِيمِ.(۱۳) أللّهُمّ وَ أَيّمَا غَازٍ غَزَاهُم مِن أَهلِ مِلّتِكَ، أَو مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُم مِن أَتبَاعِ سُنّتِكَ لِيَكُونَ دِينُكَ الأَعلَى وَ حِزبُكَ الأَقوَى وَ حَظّكَ الأَوفَى فَلَقّهِ اليُسرَ، وَ هَيّئ لَهُ الأَمرَ، وَ تَوَلّهُ بِالنّجحِ، وَ تَخَيّر لَهُ الأَصحَابَ، وَ استَقوِ لَهُ الظّهرَ، وَ أَسبِغ عَلَيهِ فِي النّفَقَهِ، وَ مَتّعهُ بِالنّشَاطِ، وَ أَطفِ عَنهُ حَرَارَهَ الشّوقِ، وَ أَجِرهُ مِن غَمّ الوَحشَهِ، وَ أَنسِهِ ذِكرَ الأَهلِ وَ الوَلَدِ.(۱۴) وَ أْثُر لَهُ حُسنَ النّيّهِ، وَ تَوَلّهُ بِالعَافِيَهِ، وَ أَصحِبهُ السّلَامَهَ، وَ أَعفِهِ مِنَ الجُبنِ، وَ أَلهِمهُ الجُرأَهَ، وَ ارزُقهُ الشّدّهَ، وَ أَيّدهُ بِالنّصرَهِ، وَ عَلّمهُ السّيَرَ وَ السّنَنَ، وَ سَدّدهُ فِي الحُكمِ، وَ اعزِل عَنهُ الرّيَاءَ، وَ خَلّصهُ مِنَ السّمعَهِ، وَ اجعَل فِكرَهُ وَ ذِكرَهُ وَ ظَعنَهُ وَ إِقَامَتَهُ،فِيكَ وَ لَكَ.

(۱۰) خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان و از چیرگی به نواحی مسلمانان، بازدار و با کاستن عددشان، از کاستن (مسلمانان) جلوگیر باش. و با تفرقه افکنی میان آنان، از گرد آمدن بر ضدّ مسلمانان بازشان دار.

(۱۱) خداوندا، دل هایشان را از آرامش و تن هایشان را از قوّت تهی دار و قلب هایشان را از چاره جویی بی خبر ساز و اندامشان را از جنگیدن با مردان سست گردان و ایشان را از پیکار با دلاوران بترسان و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر. تا بدین سبب، ایشان را ریشه کن سازی و سختی و صلابتشان را براندازی و تعدادشان را از هم بپاشی.

(۱۲) خداوندا و آب هایشان را به وبا و خوردنی هایشان را به امراضْ درآمیز و شهرهایشان را در زمین فروبر و پیوسته آن را سنگباران فرما و آن را به قحطی و خشکسالی دچار ساز و آذوقه هایشان را در بی برکت ترین و دورترین (نقاط) زمین خود قرار ده و پناهگاه های آن را از آنها بازدار، آنان را دچار گرسنگی دائم و بیماری دردناک گردان.

(۱۳) خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد و هر مجاهدی از پیروان سنّت تو که با ایشان جهاد نماید تا دین تو برتر و حزب تو قوی تر و بهره تو کامل تر گردد، پس او را با آسانی روبرو کن و کارش را اصلاح نما و پیروزی را برای او به عهده گیر و برای او یارانی برگزین و پشت او را قوی ساز و درآمدش را وسعت ده و از نشاط بهره مند فرما و گرمی آرزو را از او فرونشان و او را از اندوه تنهایی حفظ کن و یاد خانواده و فرزند را فراموشش ساز.

(۱۴) و او را به نیّت خوش، راهنمایی فرما و تندرستی اش را به عهده گیر و رهایی از آفت ها را، همراهش فرما و از ترس، سالمش دار و دلیری در دلش انداز و نیرومندی را، روزی اش کن و با یاری خود توانایش گردان و راه ها و روش ها(ی جهاد) و سنّت ها(ی اسلامی) را، به او بیاموز و در داوری نمودن، پایدارش فرما و خودنمایی را از او دور کن و او را از شهرت طلبی نجات ده و فکر و ذکر و مسافرت و اقامتش را، در راه خود و برای خود قرار ده.

ص: ۱۴۰۳

(۱۵) فَإِذَا صَافّ عَدُوّکَ وَ عَدُوّهُ فَقَلّلهُم فِی عَینِهِ، وَ صَغّر شَأنَهُم فِی قَلبِهِ، وَ أَدِل لَهُ مِنهُم، وَ لَا تُدِلهُم مِنهُ، فَإِن خَتَمتَ لَهُ بِالسّعَادَهِ، وَ قَضَیتَ لَهُ بِالشّهَادَهِ فَبَعدَ أَن یَجتَاحَ عَدُوّکَ بِالقَتلِ، وَ بَعدَ أَن یَجهَدَ بِهِمُ الأَسرُ، وَ بَعدَ أَن تَأمَنَ أَطرَافُ المُسلِمِینَ، وَ بَعدَ أَن یُوَلّیَ عَدُوّکَ مُدبِرِینَ.(۱۶) أَللّهُمّ وَ أَیّمَا مُسلِمٍ خَلَفَ غَازِیاً أَو مُرَابِطاً فِی دَارِهِ، أَو تَعَهّدَ خَالِفِیهِ فِی غَیبَتِهِ، أَو أَعَانَهُ بِطَائِفَهٍ مِن مَالِهِ، أَو أَمَدّهُ بِعِتَادٍ، أَو شَحَذَهُ عَلَی جِهَادٍ، أَو أَتبَعَهُ فِی وَجهِهِ دَعوَهً، أَو رَعَی لَهُ مِن وَرَائِهِ حُرمَهً،فَآجِر لَهُ مِثلَ أَجرِهِ وَزناً بِوَزنٍ وَ مِثلًا بِمِثلٍ، وَ عَوّضهُ مِن فِعلِهِ عِوَضاً حَاضِراً یَتَعَجّلُ بِهِ نَفعَ مَا قَدّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَی بِهِ، إِلَی أَن یَنتَهِیَ بِهِ الوَقتُ إِلَی مَا أَجرَیتَ لَهُ مِن فَضلِکَ، وَ أَعدَدتَ لَهُ مِن کَرَامَتِکَ.(۱۷) أَللّهُمّ وَ أَیّمَا مُسلِمٍ أَهَمّهُ أَمرُ الإِسلَامِ، وَ أَحزَنَهُ تَحَزّبُ أَهلِ الشّرکِ عَلَیهِم فَنَوَی غَزواً، أَو هَمّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعفٌ، أَو أَبطَأَت بِهِ فَاقَهٌ، أَو أَخّرَهُ عَنهُ حَادِثٌ، أَو عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ فَاکتُب اسمَهُ فِی العَابِدِینَ، وَ أَوجِب لَهُ ثَوَابَ المُجَاهِدِینَ، وَ اجعَلهُ فِی نِظَامِ الشّهَدَاءِ وَ الصّالِحِینَ.(۱۸) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ عَبدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ آلِ مُحَمّدٍ،صَلَاهً عَالِیَهً عَلَی الصّلَوَاتِ،مُشرِفَهً فَوقَ التّحِیّاتِ،صَلَاهً لَا یَنتَهِی أَمَدُهَا، وَ لَا یَنقَطِعُ عَدَدُهَا کَأَتَمّ مَا مَضَی مِن صَلَوَاتِکَ عَلَی أَحَدٍ مِن أَولِیَائِکَ،إِنّکَ المَنّانُ الحَمِیدُ المُبدِئُ المُعِیدُ الفَعّالُ لِمَا تُرِیدُ.

ص: ۱۴۰۴

(۱۵) پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما و مقامشان را در دلش کوچک گردان و او را بر آنان پیروز فرما و آنها را بر او چیره نساز. پس اگر (زندگی اش را) برای او به خوش بختی پایان دادی و شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده و با اسیری، ایشان را به سختی افکنده و مرزهای مسلمانان ایمن شده و دشمنت روگردانده، فرار نموده است.

(۱۶) خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا در نبود او خانواده اش را نگهداری کرد، یا او را به پاره ای از دارایی خود یاری داد، یا او را با ساز و برگ جنگ کمک نمود، یا او را بر جهاد تشویق کرد، یا او را با دعا در جهتی که به آن رو آورد همراهی نمود، یا آبرویش را در نبود او نگهداشت؛ پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای و از بزرگی ات برایش آماده کرده ای، برسد.

(۱۷) خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت و اجتماع مشرکان بر ضدّ ایشان، اندوهگینش نمود، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا فقر او را به درنگ واداشت، یا حادثه ای او را (از جهاد) عقب انداخت، یا مانعی در راه اراده اش ایجاد شد؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و پاداش مجاهدان را برای او واجب گردان و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده.

(۱۸) خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست، درودی بالای همه درودها و مشرف بر همه تحیّت ها. درودی که مدّتش پایان نپذیرد و شماره اش قطع نگردد. مانند کامل ترین درودهایت که بر هر یک از اولیایت فرستاده شده. به درستی که تو بسیار نعمت دهنده، ستوده، آغازگر، باز گرداننده، انجام دهنده هر چه بخواهی می باشی.

ص: ۱۴۰۵

(۲۸) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ مُتَفَزِّعاً إِلَى اللّهِ عَزّ وَ جَلّ

(۱) أَللّهُمّ إِنِّي أَخلَصتُ بِانقِطَاعِي إِلَيكَ(۲) وَ أَقبَلتُ بِكُلِّي عَلَيكَ(۳) وَ صَرَفتُ وجَهيِ عَمّن يَحتَاجُ إِلَى رِفدِكَ(۴) وَ قَلَبتُ مَسأَلَتِي عَمّن لَم يَستَغنِ عَن فَضلِكَ(۵) وَ رَأَيتُ أَنّ طَلَبَ المُحتَاجِ إِلَى المُحتَاجِ سَفَهٌ مِن رَأيِهِ وَ ضَلّةٌ مِن عَقلِهِ.(۶)فَكَم قَد رَأَيتُ يَا إِلَهِي مِن أُنَاسٍ طَلَبُوا العِزّ بِغَيرِكَ فَذَلّوا، وَ رَامُوا الثّروَةَ مِن سِوَاكَ فَافتَقَرُوا، وَ حَاوَلُوا الِارتِفَاعَ فَاتّضَعُوا،(۷)فَصَحّ بِمُعَايَنَةِ أَمثَالِهِم حَازِمٌ وَفّقَهُ اعتِبَارُهُ، وَ أَرشَدَهُ إِلَى طَرِيقِ صَوَابِهِ اختِيَارُهُ.(۸)فَأَنتَ يَا موَلاَيَ دُونَ كُلّ مَسئُولٍ مَوضِعُ مَسأَلَتِي، وَ دُونَ كُلّ مَطلُوبٍ إِلَيهِ ولَيِ‏ّ حَاجَتِي(۹) أَنتَ المَخصُوصُ قَبلَ كُلّ مَدعُوّ بِدَعوَتِي، لَا يَشرَكُكَ أَحَدٌ فِي رجَاَئيِ، وَ لَا يَتّفِقُ أَحَدٌ مَعَكَ فِي دُعَائِي، وَ لَا يَنظِمُهُ وَ إِيّاكَ نِدَائِي(۱۰) لَكَ يَا إِلَهِي وَحدَانِيّةُ العَدَدِ، وَ مَلَكَةُ القُدرَةِ الصّمَدِ، وَ فَضِيلَةُ الحَولِ وَ القُوّةِ، وَ دَرَجَةُ العُلُوّ وَ الرّفعَةِ. (۱۱) وَ مَن سِوَاكَ مَرحُومٌ فِي عُمُرِهِ،مَغلُوبٌ عَلَى أَمرِهِ،مَقهُورٌ عَلَى شَأنِهِ،مُختَلِفُ الحَالَاتِ،مُتَنَقّلٌ فِي الصّفَاتِ(۱۲)فَتَعَالَيتَ عَنِ الأَشبَاهِ وَ الأَضدَادِ، وَ تَكَبّرتَ عَنِ الأَمثَالِ وَ الأَندَادِ،فَسُبحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ.

ص: ۱۴۰۶

(۲۸)و از دعای امام علیه السلام بود، هنگام پناه بردن به خداوند توانا و بزرگ

(۱) خداوندا همانا من خالصانه از دیگران دل بریده و به تو پیوسته ام.

(۲) و با همه وجودم به تو رو آوردم.

(۳) و از آنکه نیازمند عطای توست، روگرداندم.

(۴) و درخواستم را از آنکه از فضلت بی نیاز نبود، باز گرداندم.

(۵) و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از سبکی اندیشه و گمراهی خِرد است.

(۶) ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواستند و خوار گشتند و از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند و بلندی خواستند و پست گشتند.

(۷) پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتنش سبب توفیق او شد و برگزیدن راه صواب، او را راهنمایی کرد.

(۸) پس –ای سرور من– جایگاه درخواستم تویی، نه هر که از او درخواست شود. و صاحب حاجتم تویی، نه هر که از او طلب شود.

(۹) تویی مخصوص به خواندن من، پیش از آنکه کسی را بخوانم! هیچ کس در امید من، با تو شریک نیست و در دعایم، کسی با تو برابر نیست و ندایم کسی را با تو جمع نمی کند.

(۱۰) خداوندا یگانگیِ شمار و تسلّط قدرتِ همیشگی و فضیلت توان و نیرو و درجه والایی و بلندی، از آنِ توست.

(۱۱) و غیر تو، در زندگی اش نیازمند رحمت، در کار خود مغلوب، در امورش زیردست، در حالاتش گوناگون، در صفاتش دگرگون می باشد.

(۱۲) پس تو از داشتن مانندها و همتاها برتر و از داشتن همسان و همگون بزرگ تر بودی. پس تو منزّهی. معبودی جز تو نیست.

ص: ۱۴۰۷

(۲۹) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا قُتّرَ عَلَيهِ الرّزقُ

(۱) أللّهُمّ إِنّكَ ابتَلَيتَنَا فِى أَرزَاقِنَا بِسُوءِ الظّنّ، وَ فِى آجَالِنَا بِطُولِ الأَمَلِ حَتّى التَمَسنَا أَرزَاقَكَ مِن

عِندِ المَرزُوقِينَ، وَ طَمِعنَا بِآمَالِنَا فِى أَعمَارِ المُعَمّرِينَ.(۲)فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَب لَنَا يَقِيناً صَادِقاً تَكفِينَا بِهِ مِن مَئُونَهِ الطّلَبِ، وَ أَلهِمنَا ثِقَهً خَالِصَهً تُعفِينَا بِهَا مِن شِدّهِ النّصَبِ(۳) وَ اجعَل مَا صَرّحتَ بِهِ مِن عِدَتِكَ فِى وَحيِكَ، وَ أَتبَعتَهُ مِن قَسَمِكَ فِى كِتَابِكَ،قَاطِعاً لِاهتِمَامِنَا بِالرّزقِ ألّذِى تَكَفّلتَ بِهِ، وَ حَسماً لِلِاشتِغَالِ بِمَا ضَمِنتَ الكِفَايَهَ لَهُ(۴)فَقُلتَ وَ قَولُكَ الحَقّ الأَصدَقُ، وَ أَقسَمتَ وَ قَسَمُكَ الأَبَرّ الأَوفَى وَ فِى السّمَاءِ رِزقُكُم وَ مَا تُوعَدُونَ.(۵) ثُمّ قُلتَ فَوَ رَبّ السّمَاءِ وَ الأَرضِ إِنّهُ لَحَقّ مِثلَ مَا أَنّكُم تَنطِقُونَ.

ص: ۱۴۰۸

(۲۹)و از دعای امام علیه السلام بود، چنان که روزی بر او تنگ گرفته می شد

(۱) خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمانْ به بدگمانی، و در مدّت زندگی هایمانْ به آرزوی دراز، آزمودی. تا جایی که روزی های تو را از روزی خواران درخواست نمودیم و با آرزوهایمان، در عمرهای کهنسالان، طمع کردیم.

(۲) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را یقینی راستین ببخش، که بدان سبب ما را از زحمت طلب، بی نیاز نمایی و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری.

(۳) و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای و قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت فرموده ای قرار ده.

(۴) پس فرمودی و فرموده تو راست و درست ترین است. و سوگند یاد کردی و سوگند تو محقّق ترین و وفاشده ترین است: «و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است.»

(۵) سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن (سخن) حقّ و درست است، مانند آنچه شما سخن می گویید.»

ص: ۱۴۰۹

(۳۰) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی المَعُونَهِ عَلَی قَضاءِ الدّينِ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَب لِیَ العَافِیَهَ مِن دَینٍ تُخلِقُ بِهِ وجهِی، وَ یَحَارُ فِیهِ ذهنِی، وَ یَتَشَعّبُ لَهُ فکرِی، وَ یَطُولُ بِمُمَارَسَتِهِ شغلِی (۲) وَ أَعُوذُ بِکَ، یَا رَبّ، مِن هَمّ الدّینِ وَ فِکرِهِ، وَ شُغلِ الدّینِ وَ سَهَرِهِ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أعَذنِی مِنهُ، وَ أَستَجِیرُ بِکَ، یَا رَبّ، مِن ذِلّتِهِ فِی الحَیَاهِ، وَ مِن تَبِعَتِهِ بَعدَ الوَفَاهِ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَجِرنِی مِنهُ بِوُسعٍ فَاضِلٍ أَو كَفَافٍ وَاصِلٍ.(۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ احجُبنِی عَنِ السّرَفِ وَ الِازدِیَادِ، وَ قَوّمنِی بِالبَذلِ وَ الِاقتِصَادِ، وَ عَلّمنِی حُسنَ التّقدِیرِ، وَ اقبِضنِی بِلُطفِکَ عَنِ التّبذِیرِ، وَ أَجرِ مِن أَسبَابِ الحَلَالِ أَرزَاقِی، وَ وَجّه فِی أَبوَابِ البِرّ إِنفَاقِی، وَ ازوِ عَنّی مِنَ المَالِ مَا یُحدِثُ لِی مَخِیلَهً أَو تَأَدّیاً إِلَی بَغیٍ أَو مَا أَتَعَقّبُ مِنهُ طُغیَاناً.(۴) أللّهُمّ حَبّب إِلَیّ صُحبَهَ الفُقَرَاءِ، وَ أَعِنّی عَلَی صُحبَتِهِم بِحُسنِ الصّبرِ(۵) وَ مَا زَوَیتَ عَنّی مِن مَتَاعِ الدّنیَا الفَانِیَهِ فَاذخَرهُ لِی فِی خَزَائِنِکَ البَاقِیَهِ(۶) وَ اجعَل مَا خَوّلتَنِی مِن حُطَامِهَا، وَ عَجّلتَ لِی مِن مَتَاعِهَا بُلغَهً إِلَی جِوَارِکَ وَ وُصلَهً إِلَی قُربِکَ وَ ذَرِیعَهً إِلَی جَنّتِکَ،إِنّکَ ذُو الفَضلِ العَظِیمِ، وَ أَنتَ الجَوَادُ الکَرِیمُ.

ص: ۱۴۱۰

(۳۰) و از دعای امام علیه السلام بود، درباره درخواست کمک نمودن بر پرداخت وام

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا معاف دار، از وامی که با آن آبرویم را ببری و ذهنم در آن سرگردان شود و فکرم برای آن پریشان گردد و کارم در چاره آن طول کشد.

(۲) و به تو پناه می برم -ای پروردگارم- از اندوه و اندیشه وام و از کار قرض و بی خوابی اش، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از آن پناه ده. و پناه از تو می جویم -ای پروردگار من- از خواری آن در زندگی و از پیامد آن پس از مرگ، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا با ثروتِ فراوان و روزیِ کافی، از آن نجات ده.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار. و به بخشش و میانه روی، استوار گردان و روش نیکو را به من بیاموز و مرا -به لطف خود- از ولخرجی باز دار و روزی هایم را از اسباب حلال، پیوسته گردان و انفاق نمودنم را در مسیرهای خیر قرار ده و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند یا در پی آن دچار سرکشی شوم را، از من دور ساز.

(۴) خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان و مرا بر همنشینی ایشان، با شکیبایی نیکوْ یاری ده.

(۵) و آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما.

(۶) و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود و وسیله پیوستن به جایگاه بزرگت و وسیله دست یابی به بهشتت قرار ده. به درستی که تو صاحب بخشش بزرگ می باشی و تویی بسیار بخشنده بزرگوار.

ص: ۱۴۱۱

(۳۱) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السَّلَامُ فِی ذِكرِ التَّوبَهِ وَ طَلَبِهَا

(۱) أَللّهُمّ يَا مَن لَا يَصِفُهُ نَعتُ الوَاصِفِينَ(۲) وَ يَا مَن لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرّاجِينَ(۳) وَ يَا مَن لَا يَضِيعُ لَدَيهِ أَجرُ المُحسِنِينَ (۴) وَ يَا مَن هُوَ مُنتَهَی خَوفِ العَابِدِينَ.(۵) وَ يَا مَن هُوَ غَايَهُ خَشيَهِ المُتّقِينَ(۶) هَذَا مَقَامُ مَن تَدَاوَلَتهُ أَيدِی الذّنُوبِ، وَ قَادَتهُ أَزِمّهُ الخَطَايَا، وَ استَحوَذَ عَلَيهِ الشّيطَانُ،فَقَصّرَ عَمّا أَمَرتَ بِهِ تَفرِيطاً، وَ تَعَاطَی مَا نَهَيتَ عَنهُ تَغرِيراً.(۷)كَالجَاهِلِ بِقُدرَتِكَ عَلَيهِ، أَو كَالمُنكِرِ فَضلَ إِحسَانِكَ إِلَيهِ حَتّی إِذَا انفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الهُدَی، وَ تَقَشّعَت عَنهُ سَحَائِبُ العَمَی،أَحصَی مَا ظَلَمَ بِهِ نَفسَهُ، وَ فَكّرَ فِيمَا خَالَفَ بِهِ رَبّهُ،فَرَأَی كَبِيرَ عِصيَانِهِ كَبِيراً وَ جَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا.(۸)فَأَقبَلَ نَحوَكَ مُؤَمّلًا لَكَ مُستَحيِياً مِنكَ، وَ وَجّهَ رَغبَتَهُ إِلَيكَ ثِقَةً بِكَ،فَأَمّكَ بِطَمَعِهِ يَقِيناً، وَ قَصَدَكَ بِخَوفِهِ إِخلَاصاً، قَد خَلَا طَمَعُهُ مِن كُلّ مَطمُوعٍ فِيهِ غَيرِكَ، وَ أَفرَخَ رَوعُهُ مِن كُلّ مَحذُورٍ مِنهُ سِوَاكَ.

(۳۱)و از دعای امام علیه السلام بود، در یاد کردن توبه و درخواست نمودن آن

(۱) خداوندا ای کسی که توصیف وصف کنندگان، او را نمی ستاید.

(۲) و ای کسی که امید امیدواران، از او نمی گذرد.

(۳) و ای کسی که پاداش نیکوکاران، نزد او تباه نمی شود.

(۴) و ای کسی که انتهای ترس عبادت کنندگان است.

(۵) و ای کسی که نهایت هراس پرهیزکاران است.

(۶) این مقام کسی است که بازیچه دست های گناهان گردیده و مهارهای خطاها او را از پیِ خود کشیده و شیطان بر او چیره گشته. پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده.

(۷) مانند نادان به قدرت تو بر خودش، یا انکار کننده بسیاری فضل تو به خودش. امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد و ابرهای کوری از مقابلش کنار رفت، آنچه با آن به خود ستم کرده، شمرد و در آنچه با آن پروردگارش را مخالفت کرده، اندیشید. پس گناه بزرگش را بزرگ و ناسازگاری سترگش را سترگ دانست.

(۸) پس امیدوار به تو و شرمنده از تو، به سویت روی آورده و با اعتماد به تو، خواهشش را به سوی تو گردانده است. پس از روی یقین با حرص، تو را قصد کرد و از سَرِ اخلاصْ با ترس، آهنگ تو نمود. در حالی که طمعش از هر که –جز تو– در او طمع کنند، خالی است و ترسش از هر که –جز تو– از او بترسند، برطرف شد.

ص: ۱۴۱۳

(۹)فَمَثَلَ بَينَ يَدَيک مُتَضَرِّعاً، وَ غَمّضَ بَصَرَهُ إِلَى الأرضِ مُتَخَشّعاً، وَ طَأطَأَ رَأسَهُ لِعِزّتِک مُتَذَلّلًا، وَ أَبَثّک مِن سِرّهِ مَا أَنتَ أَعلَمُ بِهِ مِنهُ خُضُوعاً، وَ عَدّدَ مِن ذُنُوبِهِ مَا أَنتَ أَحصَى لَهَا خُشُوعاً، وَ استَغَاثَ بِک مِن عَظِيمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلمِک وَ قَبِيحِ مَا فَضَحَهُ فِي حُكمِک مِن ذُنُوبٍ أَدبَرَت لَذّاتُهَا فَذَهَبَت، وَ أَقَامَت تَبِعَاتُهَا فَلَزِمَت.(۱۰) لَا يُنكِرُ يَا إِلَهِي عَدلَک إِن عَاقَبتَهُ، وَ لَا يَستَعظِمُ عَفوَک إِن عَفَوتَ عَنهُ وَ رَحِمتَهُ،لِأَنّک الرّبّ الكَرِيمُ أَلّذِي لَا يَتَعَاظَمُهُ غُفرَانُ الذّنبِ العَظِيمِ(۱۱) أَللّهُمّ فَهَا أَنَا ذَا قَد جِئتُک مُطِيعاً لِأَمرِک فِيمَا أَمَرتَ بِهِ مِنَ الدّعَاءِ،مُتَنَجّزاً وَعدَک فِيمَا وَعَدتَ بِهِ مِنَ الإِجَابَةِ،إِذ تَقُولُ ادعُونِي أَستَجِب لَكُم.(۱۲) أَللّهُمّ فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ القَنِي بِمَغفِرَتِک كَمَا لَقِيتُک بِإِقرَارِي، وَ ارفَعنِي عَن مَصَارِعِ الذّنُوبِ كَمَا وَضَعتُ لَک نَفسِي، وَ استُرنِي بِستِرِک كَمَا تَأَنّيتَنِي عَنِ الِانتِقَامِ مِنّي.(۱۳) أَللّهُمّ وَ ثَبّت فِي طَاعَتِک نِيّتِي، وَ أَحكِم فِي عِبَادَتِک بَصِيرَتِي، وَ وَفّقنِي مِنَ الأَعمَالِ لِمَا تَغسِلُ بِهِ دَنَسَ الخَطَايَا عَنّي، وَ تَوَفّنِي عَلَى مِلّتِک وَ مِلّةِ نَبِيّک مُحَمّدٍ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا تَوَفّيتَنِي.(۱۴) أَللّهُمّ إِنّي أَتُوبُ إِلَيک فِي مَقَامِي هَذَا مِن كَبَائِرِ ذُنُوبِي وَ صَغَائِرِهَا، وَ بَوَاطِنِ سَيّئَاتِي وَ ظَوَاهِرِهَا، وَ سَوَالِفِ زَلّاتِي وَ حَوَادِثِهَا،تَوبَةَ مَن لَا يُحَدّثُ نَفسَهُ بِمَعصِيَةٍ، وَ لَا يُضمِرُ أَن يَعُودَ فِي خَطِيئَةٍ

(۹) پس زاری کنان در پیشگاهت ایستاده و دیده اش را با سرافکندگی به زمین دوخته و با خواریْ برای عزّتت سرش را به زیر افکنده و با خضوع، از رازهایش -آنچه را که خود به آن داناتری- برایت آشکار کرده و با خشوع، -از گناهانش- آنچه تو شماره آن را بهتر می دانی شمرده و در (گناهان) بزرگی که می دانی گرفتار شده و از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته. از گناهانی که لذّت هایش سپری شد و گذشت و پیامدهای آن به جای ماند و پایدار شد.

(۱۰) ای خدای من، اگر او را عقوبت دهی، عدل تو را انکار نمی کند و اگر از او گذشتی و به او رحم آوردی، گذشتت را بزرگ نشمارد. زیرا تویی پروردگار کریمی، که آمرزش گناه بزرگ در نظر تو بزرگ نیست.

(۱۱) خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده ام، در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده ای، اطاعت کرده ام و وفا به وعده ای را که پیرامون اجابت داده ای، خواستارم. زیرا که می فرمایی: «مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.»

(۱۲) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و با آمرزش خود به من روآور. همچنان که من با اقرارم به تو رو آوردم. و مرا از افتادنْگاه های گناهان، بلند گردان، چنانکه خود را برای تو فرو افکنده ام. و مرا با پوشش خود بپوشان، آنگونه که در انتقام از من درنگ فرمودی.

(۱۳) خداوندا و نیّت مرا در فرمان برداریت، ثابت بدار و بینش مرا در بندگی ات، استوار گردان و مرا به کارهایی که با آن چرکی خطاها را از من بشویی، توفیق ده و هنگامی که مرا میرانـدی، بر دین خود و دین پیامبرت محمّد - که درود بر او باد- بمیران.

(۱۴) خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان بزرگ و کوچکم و از بدی های پنهان و آشکارم و از لغزش های گذشته و تازه ام، به درگاهت توبه می کنم. توبه کسی که نافرمانی از ذهنش نمی گذرد و قصد بازگشت به خطا را ندارد.

ص: ۱۴۱۵

(١۵) وَ قَد قُلتَ يَا إِلَهِي فِي مُحكَم كِتَابِکَ إِنّکَ تَقبَلُ التّوبَهَ عَن عِبَادِکَ، وَ تَعفُو عَنِ السّيّئَاتِ، وَ تُحِبّ التّوّابِينَ،فَاقبَل تَوبَتِي کَمَا وَعَدتَ، وَ اعفُ عَن سَيّئَاتِي کَمَا ضَمِنتَ، وَ أَوجِب لِي مَحَبّتَکَ کَمَا شَرَطتَ(١۶) وَ لَکَ يَا رَبّ شَرطِي أَلّا أَعُودَ فِي مَکرُوهِکَ، وَ ضَمَانِي أَن لَا أَرجِعَ فِي مَذمُومِکَ، وَ عَهدِي أَن أَهجُرَ جَمِيعَ مَعَاصِيکَ.(١٧) أَللّهُمّ إِنّکَ أَعلَمُ بِمَا عَمِلتُ فَاغفِر لِي مَا عَلِمتَ، وَ اصرِفنِي بِقُدرَتِکَ إِلَى مَا أَحبَبتَ.(١٨) أَللّهُمّ وَ عَلَيّ تَبِعَاتٌ قَد حَفِظتُهُنّ، وَ تَبِعَاتٌ قَد نَسِيتُهُنّ، وَ کُلّهُنّ بِعَينِکَ الّتِي لَا تَنَامُ، وَ عِلمِکَ أَلّذِي لَا يَنسَى،فَعَوّض مِنهَا أَهلَهَا، وَ احطُط عَنّي وِزرَهَا، وَ خَفّف عَنّي ثِقلَهَا، وَ اعصِمنِي مِن أَن أُقَارِفَ مِثلَهَا.(١٩) أَللّهُمّ وَ إِنّهُ لَا وَفَاءَ لِي بِالتّوبَهِ إِلّا بِعِصمَتِکَ، وَ لَا استِمسَاکَ بِي عَنِ الخَطَايَا إِلّا عَن قُوّتِکَ،فَقَوّنِي بِقُوّهٍ کَافِيَهٍ، وَ تَوَلّنِي بِعِصمَهٍ مَانِعَهٍ.(٢٠) أَللّهُمّ أَيّمَا عَبدٍ تَابَ إِلَيکَ وَ هُوَ فِي عِلمِ الغَيبِ عِندَکَ فَاسِخٌ لِتَوبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِي ذَنبِهِ وَ خَطِيئَتِهِ،فَإِنّي أَعُوذُ بِکَ أَن أَکُونَ کَذَلِکَ،فَاجعَل تَوبَتِي هَذِهِ تَوبَهً لَا أَحتَاجُ بَعدَهَا إِلَى تَوبَهٍ،تَوبَهً مُوجِبَهً لِمَحوِ مَا سَلَفَ، وَ السّلَامَهِ فِيمَا بَقِيَ. (٢١) أَللّهُمّ إِنّي أَعتَذِرُ إِلَيکَ مِن جَهلِي، وَ أَستَوهِبُکَ سُوءَ فِعلِي،فَاضمُمنِي إِلَى کَنَفِ رَحمَتِکَ تَطَوّلًا، وَ استُرنِي بِستر عَافِيَتِکَ تَفَضّلًا.(٢٢) أَللّهُمّ وَ إِنّي أَتُوبُ إِلَيکَ مِن کُلّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَکَ، أَو زَالَ عَن مَحَبّتِکَ مِن خَطَرَاتِ قَلبِي، وَ لَحَظَاتِ عَينِي، وَ حِکَايَاتِ لِسَانِي،تَوبَهً تَسلَمُ بِهَا کُلّ جَارِحَهٍ عَلَى حِيَالِهَا مِن تَبِعَاتِکَ، وَ تَأمَنُ مِمَا يَخَافُ المُعتَدُونَ مِن أَلِيمِ سَطَوَاتِکَ.

ص: ١۴١۶

(۱۵) و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه بندگانت را می پذیری، و از بدی ها درمی گذری، و توبه کنندگان را دوست می داری. پس همانگونه که وعده دادی، توبه ام را بپذیر و آنچنان که ضمانت کرده ای، از بدی هایم درگذر و همان طور که شرط کرده ای، دوستی خود را برایم واجب گردان.

(۱۶) و ای پروردگار من، با تو قرار می گذارم، در کاری که ناپسند توست، برنگردم و ضمانت می دهم، در کاری که نکوهیده توست، باز نگردم و عهد می بندم، از همه نافرمانی های تو، دوری گزینم.

(۱۷) خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری. پس آنچه (گناه) از من می دانی، بیامرز و به قدرت خود، به آنچه دوست داری، بازگردان.

(۱۸) خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که به یاد دارم و گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام و همه آنها پیش چشم تو که نمی خوابد و در علم تو که فراموش نمی کند، قرار دارد. پس صاحبانش را عوض ده و سنگین باری اش را از من بیفکن و سنگینی اش را از من سبک فرما و مرا از نزدیک شدن به مانند آن، نگهدار.

(۱۹) خداوندا مرا جز به نگهداری تو، وفای به توبه نیست. و جز به قدرت تو، خودداری از خطاها برایم ممکن نیست. پس با قوّتِ کافی، مرا قوی ساز و به نگهداری بازدارنده، سرپرستی ام کن.

(۲۰) خداوندا، هر بنده ای که به درگاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین باشم. پس این توبه ام را توبه ای گردان که پس از آن، به توبه ای نیازمند نشوم. توبه ای سبب محو آنچه گذشته و سلامتی در آنچه مانده است.

(۲۱) خداوندا، به درستی که من از نادانی ام، در پیشگاه تو عذر می خواهم و از زشتی کردارم، از تو بخشش می طلبم. پس به لطف خویش، مرا در پناه رحمت خود گیر و با فضل خویش، مرا به پرده عافیت بپوشان.

(۲۲) خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته تو یا دور از دوستی توست؛ از اندیشه های دلم و نگاه های چشمم و بیانات زبانم، به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم مانَد و از قهرهای دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد.

ص: ۱۴۱۷

(۲۳) أللّهُمّ فَارحَم وحِدتَي بَينَ يَدَيکَ، وَ وَجيبَ قلَبِی مِن خَشيَتِکَ، وَ اضطِرَابَ أرکَانِي مِن هَيبَتِکَ،فَقَد أقَامَتنِي يَا رَبّ ذنُوبِي مَقَامَ الخزی ِبِفِنَائِکَ، فَإِن سَکَتّ لَم يَنطِق عنَیّ أَحَدٌ، وَ إِن شَفَعتُ فَلَستُ بِأَهلِ الشّفَاعَهِ.(۲۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ شَفّع فِی خطَايَایَ کَرَمَکَ، وَ عُد عَلَی سَيّئَاتِي بِعَفوِکَ، وَ لَا تجَزنِی جزَائِی مِن عُقُوبَتِکَ، وَ ابسُط عَلَیّ طَولَکَ، وَ جلَلّنِی بِستِرکَ، وَ افعَل بی فِعلَ عَزِيزٍ تَضَرّعَ إِلَيهِ عَبدٌ ذَلِيلٌ فَرَحِمَهُ، أَو غنَیِ ّ تَعَرّضَ لَهُ عَبدٌ فَقِيرٌ فَنَعَشَهُ.(۲۵) أللّهُمّ لَا خَفِيرَ لِی مِنکَ فَليَخفُرنِی عِزّکَ، وَ لَا شَفِيعَ لِی إِلَيکَ فَليَشفَع لِی فَضلُکَ، وَ قَد أَوجَلَتنِی خطَايَایَ فَليُؤمنِیّ عَفوُکَ.(۲۶)فَمَا کُلّ مَا نَطَقتُ بِهِ عَن جَهلٍ منِیّ بِسُوءِ أَثَرِي، وَ لَا نِسيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِن ذَمِيمِ فِعلِي،لَکِن لِتَسمَعَ سَمَاؤُکَ وَ مَن فِيهَا وَ أَرضُکَ وَ مَن عَلَيهَا مَا أَظهَرتُ لَکَ مِنَ النّدَمِ، وَ لَجَأتُ إِلَيکَ فِيهِ مِنَ التّوبَهِ.(۲۷)فَلَعَلّ بَعضَهُم بِرَحمَتِکَ يرَحمَنُیِ لِسُوءِ مَوقِفِي، أَو تُدرِکُهُ الرّقّةُ عَلَیّ لِسُوءِ حَالِي فَيَنَالَنِی مِنهُ بِدَعوَهٍ هیِ َ أَسمَعُ لَدَيکَ مِن دعُاَئِي، أَو شَفَاعَهٍ أَوکَدُ عِندَکَ مِن شفَاَعتَیِ تَکُونُ بِهَا نَجَاتِي مِن غَضَبِکَ وَ فَوزَتِي بِرِضَاکَ. (۲۸) أللّهُمّ إِن يَکُنِ النّدَمُ تَوبَهً إِلَيکَ فَأَنَا أَندَمُ النّادِمِينَ، وَ إِن يَکُنِ التّرکُ لِمَعصِيَتِکَ إِنَابَهً فَأَنَا أَوّلُ المُنِيبِينَ، وَ إِن يَکُنِ الِاستِغفَارُ حِطّهً لِلذّنُوبِ فَإِنِیّ لَکَ مِنَ المُستَغفِرِينَ.

(۲۳) خداونـدا، پس به تنهایی ام در برابر تو و تپیـدن دلم از ترست و لرزش انـدامم از شکوهت، رحم فرما. پس ای پروردگار من، گناهانم به درگاهت، مرا در جایگاه رسوایىْ مانـدگار نموده. پس اگر خاموش شوم، کسـی از جانب من سخن نگویـد. و اگر شفیع خواهم، سزاوار شفاعت نیستم.

(۲۴) خداونـدا بر محمّد و خاندانش درود فرست و کرمت را شـفیع خطاهایم گردان و به گذشت خود بدی هایم را ببخشای و مرا به جزایم که عقـوبت توست، مجـازات نکن و بخشـش خود را بر من بگسـتر و مرا به پرده خویش بپوشـان و بـا من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما. یا همانند توانگری که بنده بینوایی پیش او آمده، پس او را بی نیاز کرده.

(۲۵) خداوندا برای من پناه دهنده ای از (عقوبت) تو نیست، پس باید عزّتت مرا پناه دهد. و شفیعی برای من به سوی تو نیست، پس باید فضلت مرا شفاعت کند. و خطاهایم مرا ترسانده، پس باید بخشایشت مرا ایمن گرداند.

(۲۶) پس هر چـه گفتـم، از جهـل بـه بـدی کردارم و از فراموشـیِ کردار نکوهیـده گذشـته ام نیسـت. بلکـه برای آن است که آسمانت و هر که در آن است و زمینت و هر که بر روی آن است، پشیمانی ای که به پیشگاهت آشکار نمودم و توبه ای که به سبب آن به درگاهت پناه بردم را بشنود،

(۲۷) شایـد برخی از آنها به رحمتتْ بر بدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید؛ پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شـنیدنی تر است، یا شـفاعتی کند که از شـفاعت من نزد تو کارسازتر است، که رهایی من از خشمت و یافتن خوشنودی ات به وسیله آن حاصل شود.

(۲۸) خداونـدا اگر پشـیمانی، توبه به درگاه توست، پس من پشـیمان ترین پشـیمانانم و اگر ترک معصیت تو، بازگشت است، پس من نخسـتین بـازگشت کننـده ام. و اگر درخـواست آمرزشْ سـبب ریختن گناهـان است، پس من به درگـاه تو از آمرزش خواهانم.

ص: ۱۴۱۹

(۲۹) أللّهُمّ فَکَمَا أَمَرتَ بِالتّوبَهِ، وَ ضَمِنتَ القَبُولَ، وَ حَثَثتَ عَلَی الدّعَاءِ، وَ وَعَدتَ الإِجَابَهَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقبل تَوبَتِی، وَ لَا تَرجِعنِی مَرجِعَ الخَیبَهِ مِن رَحمَتِکَ،إِنّکَ أَنتَ التّوّابُ عَلَی المُذنِبِینَ، وَ الرّحِیمُ لِلخَاطِئِینَ المُنِیبِینَ.(۳۰) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، کَمَا هَدَیتَنَا بِهِ، وَ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، کَمَا استَنقَذتَنَا بِهِ، وَ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَاهً تَشفَعُ لَنَا یَومَ القِیَامَهِ وَ یَومَ الفَاقَهِ إِلَیکَ،إِنّکَ عَلَی کُلّ شَیءٍ قَدِیرٌ، وَ هُوَ عَلَیکَ یَسِیرٌ.

ص: ۱۴۲۰

(۲۹) خداونـدا، پس چنانکه به توبه فرمان دادی و پـذیرفتن را ضـمانت کردی و بر دعا ترغیب نمودی و اجابت را نویـد دادی، پس بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و توبه ام را قبول کن و مرا به ناامیدی از رحمتت باز نگردان. که تو توبه گنهکاران را می پذیری و بر خطاکارانِ توبه پیشه، مهربانی.

(۳۰) خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرست، همچنـانکه مـا را به سـبب او هـدایت کردی و بر محمّـد و خانـدانش درود فرسـت، آنچنـان کـه مـا را بـه وســیله او نجـات دادی و بر محمّـد و خانـدانش درود فرسـت، درودی کـه روز رسـتاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند. زیرا تو بر هر چیز توانایی و آن بر تو آسان است.

ص: ۱۴۲۱

(۳۲) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ بَعدَ الفَرَاغِ مِن صَلَاهِ اللّيلِ لِنَفسِهِ فِی الِاعتِرَافِ بِالذّنبِ

(۱) أللّهُمّ يَا ذَا المُلكِ المُتَأَبّدِ بِالخُلُودِ(۲) وَ السّلطَانِ المُمتَنِعِ بِغَيرِ جُنُودٍ وَ لَا أَعوَانٍ.(۳) وَ العِزّ البَاقِی عَلَی مَرّ الدّهُورِ وَ خوَالِی الأَعوَامِ وَ موَاضِی الأَزمَانِ وَ الأَيّامِ(۴) عَزّ سُلطَانُکَ عِزّاً لَا حَدّ لَهُ بِأَوّلِيّهٍ، وَ لَا مُنتَهَی لَهُ بِآخِرِيّهٍ(۵) وَ استَعلَی مُلكُكَ عُلُوّاً سَقَطَتِ الأَشيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ(۶) وَ لَا يَبلُغُ أَدنَی مَا استَأثَرتَ بِهِ مِن ذَلِكَ أَقصَی نَعتِ النّاعِتِينَ. (۷)ضَلّت فِيكَ الصّفَاتُ، وَ تَفَسّخَت دُونَكَ النّعُوتُ، وَ حَارَت فِی كِبرِيَائِكَ لَطَائِفُ الأَوهَامِ(۸)كَذَلِكَ أَنتَ اللّهُ الأَوّلُ فِی أَوّلِيّتِكَ، وَ عَلَی ذَلِكَ أَنتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ(۹) وَ أَنَا العَبدُ الضّعِيفُ عَمَلًا،الجَسِيمُ أَمَلًا،خَرَجَت مِن يدَيِ أَسبَابُ الوُصُلَاتِ إِلّا مَا وَصَلَهُ رَحمَتُكَ، وَ تَقَطّعَت عنَیّ عِصَمُ الآمَالِ إِلّا مَا أَنَا مُعتَصِمٌ بِهِ مِن عَفوِكَ(۱۰)قَلّ عِندِي مَا أَعتَدّ بِهِ مِن طَاعَتِكَ، وكَثُرَ عَلَیّ مَا أَبُوءُ بِهِ مِن مَعصِيَتِكَ وَ لَن يَضِيقَ عَلَيكَ عَفوٌ عَن عَبدِكَ وَ إِن أَسَاءَ،فَاعفُ عنَیّ.(۱۱) أللّهُمّ وَ قَد أَشرَفَ عَلَی خَفَايَا الأَعمَالِ عِلمُكَ، وَ انكَشَفَ كُلّ مَستُورٍ دُونَ خُبرِكَ، وَ لَا تَنطَوِی عَنكَ دَقَائِقُ الأُمُورِ، وَ لَا تَعزُبُ عَنكَ غَيّبَاتُ السّرَائِرِ

ص: ۱۴۲۲

(۳۲)و از دعای امام علیه السلام بود، برای خود در اقرار به گناه، پس از تمام کردن نماز شب

(۱) خداوندا ای صاحب پادشاهی پاینده جاوید.

(۲) و ای فرمانروای استوارِ بدون لشکریان و یاران.

(۳) و ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها و سال های گذشته و گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است.

(۴) فرمانروایی تو، چنان با عزّت است، که حدّی برای اوّلش و پایانی برای آخرش نیست.

(۵) و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود.

(۶) و آخرین وصفِ ستایندگان، به پایین ترین مرتبه ای که به خود اختصاص داده ای، نمی رسد.

(۷) اوصاف در تو گمراه شده و تعریف ها پیش از رسیدن به تو، از هم گسسته و تصوّرهای دقیق در بزرگواری ات سرگردان گشته.

(۸) چنین است که تو خدایی هستی که در اوّلیتِ خود اوّل و در این (صفت) دائم و جاویدی.

(۹) و من بنده ای هستم که عملش ضعیف و آرزویش بزرگ است. اسباب پیوندها از دستم بیرون رفته، جز آنچه به رحمتت وصل شده و رشته های آرزو از من بریده، جز بخشایشت که به آن چنگ زده ام.

(۱۰) طاعتی که به شمار آورم، نزد من کم است و معصیتت که بر دوش کشم، بر من زیاد است. و گذشت از بنده ات گر چه بد کرده، بر تو دشوار نیست. پس از من درگذر.

(۱۱) خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است. و هر پوشیده ای نزد آگاهی تو، آشکار است. و کارهای ریز و کوچک، از تو پنهان نمی ماند و رازهای نهان، از تو غایب نیست.

ص: ۱۴۲۳

(۱۲) وَ قَدِ استَحوَذَ عَلَیّ عَدُوّکَ أَلّذِی استَنظَرَکَ لِغوَایَتِی فَأَنظَرتَهُ، وَ استَمهَلَکَ إِلَی یَومِ الدّینِ لِإِضلَالِی فَأَمهَلتَهُ.(۱۳)فَأَوقَعَنِی وَ قَد هَرَبتُ إِلَیکَ مِن صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُوبِقَهٍ، وَ کَبَائِرِ أَعمَالٍ مُردِیَهٍ حَتّی إِذَا قَارَفتُ مَعصِیَتَکَ، وَ استَوجَبتُ بِسُوءِ سَعیِی سَخطَتَکَ،فَتَلَ عَنّی عِذَارَ غَدرِهِ، وَ تَلَقّانِی بِکَلِمَهِ کُفرِهِ، وَ تَوَلّی البَرَاءَهَ مِنّی، وَ أَدبَرَ مُوَلّیاً عَنّی،فَأَصحَرَنِی لِغَضَبِکَ فَرِیداً، وَ أَخرَجَنِی إِلَی فِنَاءِ نَقِمَتِکَ طَرِیداً.(۱۴) لَا شَفِیعٌ یَشفَعُ لِی إِلَیکَ، وَ لَا خَفِیرٌ یُؤمِنُنِی عَلَیکَ، وَ لَا حِصنٌ یَحجُبُنِی عَنکَ، وَ لَا مَلَاذٌ أَلجَأُ إِلَیهِ مِنکَ.(۱۵)فَهَذَا مَقَامُ العَائِذِ بِکَ، وَ مَحَلّ المُعتَرِفِ لَکَ، فَلَا یَضِیقَنّ عَنّی فَضلُکَ، وَ لَا یَقصُرَنّ دُونِی عَفوُکَ، وَ لَا أَکُن أَخیَبَ عِبَادِکَ التّائِبِینَ، وَ لَا أَقنَطَ وُفُودِکَ الآمِلِینَ، وَ اغفِر لِی،إِنّکَ خَیرُ الغَافِرِینَ.(۱۶) أَللّهُمّ إِنّکَ أَمَرتَنِی فَتَرَکتُ، وَ نَهَیتَنِی فَرَکِبتُ، وَ سَوّلَ لِیَ الخَطَاءَ خَاطِرُ السّوءِ فَفَرّطتُ. (۱۷) وَ لَا أَستَشهِدُ عَلَی صِیَامِی نَهَاراً، وَ لَا أَستَجِیرُ بِتَهَجّدِی لَیلًا، وَ لَا تُثنِی عَلَیّ بِإِحیَائِهَا سُنّهٌ حَاشَا فُرُوضِکَ الّتِی مَن ضَیّعَهَا هَلَکَ.(۱۸) وَ لَستُ أَتَوَسّلُ إِلَیکَ بِفَضلِ نَافِلَهٍ مَعَ کَثِیرِ مَا أَغفَلتُ مِن وَظَائِفِ فُرُوضِکَ، وَ تَعَدّیتُ عَن مَقَامَاتِ حُدُودِکَ إِلَی حُرُمَاتٍ انتَهَکتُهَا، وَ کَبَائِرِ ذُنُوبٍ اجتَرَحتُهَا،کَانَت عَافِیَتُکَ لِی مِن فَضَائِحِهَا سِتراً.(۱۹) وَ هَذَا مَقَامُ مَنِ استَحیَا لِنَفسِهِ مِنکَ، وَ سَخِطَ عَلَیهَا، وَ رَضِیَ عَنکَ،فَتَلَقّاکَ بِنَفسٍ خَاشِعَهٍ، وَ رَقَبَهٍ خَاضِعَهٍ، وَ ظَهرٍ مُثقَلٍ مِنَ الخَطَایَا وَاقِفاً بَینَ الرّغبَهِ إِلَیکَ وَ الرّهبَهِ مِنکَ.

(۱۲) و دشـمن تو که برای بیراهه بردن من از تو فرصت خواست، پس فرصتش دادی، و برای گمراه کردنم از تو -تا روز جزا- مهلت طلبید، پس مهلتش دادی، بر من چیره شده است.

(۱۳) پس در حـالی که از گناهـان کوچکِ هلاکت بار و از کردارهای بزرگِ نابود کننـده به سویت می گریختم، مرا بر زمین زد. و همین که به نافرمانی ات پرداختم و با زشتی کردارم، خشـمت را سـزاوار گشتم، پس عنان حیله اش را از من برگرداند و با گفتار کفرش با من روبرو شد و از من بیزاری جست و پشت کنان از من فرار کرد. پس مرا تنها در بیابان خشمت رها نمود و مرا رانده شده، به سوی درگاه انتقامت درآورد.

(۱۴) نه شـفاعت کننـده ای است که برایم نزد تو شـفاعت کند و نه پناه دهنده ای که برایم از تو امان گیرد و نه جای اسـتواری که مرا از تو بازدارد و نه پناهگاهی که از تو بدان پناه برم.

(۱۵) پس این جایگاهِ پناهنده شده به تو، و محل اعتراف کننده برای توست. پس مبادا فضل تو از من تنگی نماید و بخشایشت از من کوتاهی کنـد و مبادا من بی بهره ترین بنـدگانِ توبه کننده ات و از ناامیدترین گروه های آرزومندت باشم. و مرا بیامرز. به درستی که تو بهترین آمرزندگانی.

(۱۶) خداونـدا همانـا تـو مرا امر کردی، پس ترک گفتم و مرا نهی نمـودی، پس مرتکب شـدم و انـدیشه بـدْ خطـا را برای من آراست، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم.

(۱۷) نه می توانم روزه داریِ روزی را شاهـد گیرم و نه شب زنده داری شبی را پناهِ خود خواهم و نه (عمل) مستحبّی به خاطر زنده ساختنش مرا می ستاید، مگر واجبات تو، که هر که آن را انجام نداد، به هلاکت رسد.

(۱۸) و من هیچ گاه با فضـیلتِ (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم و از به پـا داشـتن حـدود تـو تجـاوز کرده، پرده حرام هـا را دریـده ام و گناهـان بزرگی انجـام داده ام که عـافیت داشـتن تو از رسوایی های آن، برای من پوششی گردید.

(۱۹) و این جایگـاه کسـی است که دربـاره خـویش، از تـو شـرمنده گشت و بر خـود خشـمگین و از تو خوشـنود است. پس با وجودی فروتن و گردنی فرو افتاده و پشتی گرانبار از (بار) خطاها، پیش روی توست، در حالی که میان (دو راهیِ) میل به تو و ترس از تو ایستاده است.

ص: ۱۴۲۵

(۲۰) وَ أَنتَ أَولَى مَن رَجَاهُ، وَ أَحَقّ مَن خَشِيَهُ وَ اتّقَاهُ،فأَعطِنِي يَا رَبّ مَا رَجَوتُ، وَ آمِنّيِ مَا حَذِرتُ، وَ عُد عَلَيّ بِعَائِدَهِ رَحمَتِکَ،إِنّکَ أَکرَمُ المَسئُولِينَ.(۲۱) أللّهُمّ وَ إِذ سَتَرتَنِي بِعَفوِکَ، وَ تغَمَدّتنَي بِفَضلِکَ فِی دَارِ الفَنَاءِ بِحَضرَهِ الأَکفَاءِ،فأَجِرنيِ مِن فَضِيحَاتِ دَارِ البَقَاءِ

عِندَ مَوَاقِفِ الأَشهَادِ مِنَ المَلَائِکَهِ المُقَرّبِينَ، وَ الرّسُلِ المُکَرّمِينَ، وَ الشّهَدَاءِ وَ الصّالِحِينَ، مِن جَارٍ کُنتُ أُکَاتِمُهُ سَيّئَاتِي، وَ مِن ذيِ رَحِمٍ کُنتُ أَحتَشِمُ مِنهُ فِي سَرِيرَاتِي.(۲۲) لَم أَثِق بِهِم رَبّ فِی السّترِ عَلَيّ، وَ وَثِقتُ بِکَ رَبّ فِی المَغفِرَهِ لِی، وَ أَنتَ أَولَی مَن وُثِقَ بِهِ، وَ أَعطَی مَن رُغِبَ إِلَيهِ، وَ أَرأَفُ مَنِ استُرحِمَ،فاَرحمَنيِ.(۲۳) أللّهُمّ وَ أَنتَ حَدَرتنَيِ مَاءً مَهِيناً مِن صُلبٍ مُتَضَايِقِ العِظَامِ،حَرِجِ المَسَالِکِ إِلَی رَحِمٍ ضَيّقَهٍ سَتَرتَهَا بِالحُجُبِ،تُصَرّفُنيِ حَالًا عَن حَالٍ حَتّی انتَهَيتَ بيِ إِلَی تَمَامِ الصّورَهِ، وَ أَثبَتّ فِيّ الجَوَارِحَ کَمَا نَعَتّ فِی کِتَابِکَ نُطفَهً ثُمّ عَلَقَهً ثُمّ مُضغَهً ثُمّ عَظماً ثُمّ کَسَوتَ العِظَامَ لَحماً، ثُمّ أَنشَأتنَيِ خَلقاً آخَرَ کَمَا شِئتَ. (۲۴) حَتّی إِذَا احتَجتُ إِلَی رِزقِکَ، وَ لَم أَستَغنِ عَن غِيَاثِ فَضلِکَ،جَعَلتَ لِی قُوتاً مِن فَضلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجرَيتَهُ لِأَمَتِکَ التّيِ أَسکَنتنَيِ جَوفَهَا، وَ أَودَعتنَيِ قَرَارَ رَحِمِهَا.(۲۵) وَ لَو تکَلِنُيِ يَا رَبّ فِی تِلکَ الحَالَاتِ إِلَی حَولِي، أَو تَضطَرّنيِ إِلَی قُوّتيِ لَکَانَ الحَولُ عنَيّ مُعتَزِلًا، وَ لَکَانَتِ القُوّهُ منِيّ بَعِيدَهً.

(۲۰) و تو سزاوارترین کسی هستی که به او امید است و شایسته ترین کسی می باشی که باید از او ترسید و از او پرهیز نمود. پس ای پروردگار من، آنچه را امید دارم، به من عطا کن، و از آنچه ترسیده ام، مرا ایمنی ده و سود رحمت خود را به من ارزانی دار. که تو بخشنده ترین کسی هستی که از آنها درخواست می شود.

(۲۱) خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی و (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی در حضور همانندانم نهان داشتی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار و شهیدان و صالحان، از همسایه ای که بدی هایم را از او نهان می داشتم و از خویشاوندی که در کارهای مخفی خود از او شرم می نمودم، مرا ایمن ساز.

(۲۲) پروردگار من، در رازپوشی بر من، به آنها اعتماد ندارم و پروردگار من، در آمرزش -برای خود- به تو اعتماد نمودم و تو سزاوارترین کسی هستی که به او اعتماد شد و بخشنده ترین کسی می باشی که از او درخواست شد و مهربان ترین کسی هستی که از او رحمت خواسته شد. پس به من رحم کن.

(۲۳) خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده و راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی. مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. تا اینکه مرا به صورت کامل رساندی و در من اندام ها را پابرجا کردی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خونِ بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشاندی، آنگاه مرا آنچنانکه خواستی، آفرینشی دیگر دادی.

(۲۴) تا هنگامی که به روزی تو محتاج شدم و از فریادرسی فضلت بی نیاز نبودم. از زیادی خوردنی و آشامیدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی و مرا در قرارگاه رحم او سپردی.

(۲۵) و ای پروردگار من، اگر مرا در آن احوال به توانایی خودم وا می گذاردی یا مرا ناگزیر می ساختی، به نیروی خود پناه برم؛ همانا توان از من کناره می گرفت و نیرو از من دور می شد.

ص: ۱۴۲۷

(۲۶)فغَـذَوتَنی بِفَضـلِکَ غِـذَاءَ البَرّ اللّطِیفِ،تَفعَـلُ ذَلِـکَ بی تَطَوّلًا عَلَیّ إِلَی غـایَتِی هَـذِهِ، لَا أَعـدَمُ بِرّکَ، وَ لَا یُبطِئُ بی حُسـنُ صَنِیعِـکَ، وَ لَا تَتَأَکّـدُ مَعَ ذَلِـکَ ثِقَتِی فَأَتَفَرّغَ لِمَا هُوَ أَحظَی لِی عِنـدَکَ.(۲۷) قَـد مَلَـکَ الشّـیطَانُ عِنَانِی فِی سُوءِ الظّنّ وَ ضَـعفِ الیَقِینِ،فَأَنَا أَشـکُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِی، وَ طَاعَةَ نَفسِـی لَهُ، وَ أَستَعصِـمُکَ مِن مَلَکَتِهِ، وَ أَتَضَـرّعُ إِلَیکَ فِی صَـرفِ کَیـدِهِ عَنّی.(۲۸) وَ أَسأَلُکَ فِی أَن تُسَـهّلَ إِلَی رِزقِی سَبِیلًا،فَلَکَ الحَمدُ عَلَی ابتِدَائِکَ بِالنّعَمِ الجِسَامِ، وَ إِلهَامِکَ الشّـکرَ عَلَی الإِحسَانِ وَ الإِنعَامِ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ سَـهّل عَلَیّ رِزقِی، وَ أَن تُقَنّعَنِی بِتَقدِیرِکَ لِی، وَ أَن تُرضِـیَنِی بِحِصّتِی فِیمَا قَسَـمتَ لِی، وَ أَن تَجعَلَ مَا ذَهَبَ مِن جِسـمِی وَ عُمُرِی فِی سَبِیـلِ طَاعَتِـکَ،إِنّکَ خَیرُ الرّازِقِینَ.(۲۹) أَللّهُمّ إِنِیّ أَعُوذُ بِـکَ مِن نَـارٍ تَغَلّظتَ بِهَـا عَلَی مَن عَصَـاکَ، وَ تَوَعّـدتَ بِهَا مَن صَدَفَ عَن رِضَاکَ، وَ مِن نَارٍ نُورُهَا ظُلمَةٌ، وَ هَیّنُهَا أَلِیمٌ، وَ بَعِیدُهَا قَرِیبٌ، وَ مِن نَارٍ یَأکُلُ بَعضَـهَا بَعضٌ، وَ یَصُولُ بَعضُهَا عَلَی بَعضٍ.(۳۰) وَ مِن نَارٍ تَـذَرُ العِظَامَ رَمِیماً، وَ تَسـقِی أَهلَهَا حَمِیماً، وَ مِن نَارٍ لَا تُبقِی عَلَی مَن تَضَـرّعَ إِلَیهَا، وَ لَا تَرحَمُ مَنِ استَعطَفَهَا، وَ لَا تَقدِرُ عَلَی التّخفِیفِ عَمّن خَشَعَ لَهَا وَ استَسلَمَ إِلَیهَا تَلقَی سُکّانَهَا بِأَحَرّ مَا لَدَیهَا مِن أَلِیمِ النّکَالِ وَ شَدِیدِ الوَبَالِ (۳۱) وَ أَعُوذُ بِکَ مِن عَقَارِبِهَا الفَاغِرَهِ أَفوَاهُهَا، وَ حَیّاتِهَا الصّالِقَهِ بِأَنیَابِهَا، وَ شَـرَابِهَا أَلّذِی یُقَطّعُ أَمعَاءَ وَ أَفئِدَهَ سُـکّانِهَا، وَ یَنزِعُ قُلُوبَهُم، وَ أَستَهدِیکَ لِمَا بَاعَدَ مِنهَا، وَ أَخّرَ عَنهَا.

(۲۶) پس به فضـل خودت مرا ماننـد نیکوکـاری مهربـانْ خوراک دادی و آن را از روی احسانت تا کنون درباره من به جا می آوری. نیکی ات از دستم نمی رود و خوبی احسـانت درباره ام عقب نمی افتـد و با این همه اعتمادم به تو محکم نمی شود، تا برای آنچه که برای من نزد تو خوشایندتر است آسوده خاطر شوم.

(۲۷) شـیطانْ افسار مرا در بـدگمانی و سـست باوری به دست گرفت، پس از بـد همسایگی او با من و اطاعت نفسم از او به تو شکایت می کنم و از تو می خواهم مرا از چیرگی او نگاه داری و به درگاه تو زاری می کنم، تا فریبش را از من بازگردانی.

(۲۸) و از تـو درخـواست می کنم که راهی آسـان برای روزی ام، (فراهم) نمـایی. پس سـپاس تـو را که نعمت هـای بزرگ را آغـاز نمـودی و شـکرگزاری بر نیکی کردن و نعمـت دادنت را به من الهـام کردی. پس بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و روزی ام را بر من آسـان فرمـا و مرا به آنچه برایم مقـدّر فرمـوده ای، قـانع سـازی و به بهره ام در آنچه برایم قسـمت کرده ای، راضی نمایی و آنچه از جسم و عمرم سپری شده، در راه طاعتت قرار دهی. که تو بهترین روزی دهندگانی.

(۲۹) خداونـدا، همانـا به تو پناه می آورم از آتشـی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سـخت گرفتی و با آن هر که را از خوشـنودی تو روی گردانْـد، تهدیـد نمودی و از آتشـی که نورش تاریکی، و آسایشـش دردناک و دورش نزدیک است و از آتشی که پاره هایش یکدیگر را می خورد و برخی بر برخی دیگر حمله می برد.

(۳۰) و از آتشـی که اسـتخوان ها را می پوساند و اهلش را آب جوشان می نوشاند، و از آتشی که بر زاری کنندگانش مهربان نیست و به مهرجویانش رحم نمی کند، و قادر بر سـبک کردن (شـعله ها) از کسـی که برایش فروتنی نماید و تسـلیم او گردد، نیست و با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.

(۳۱) و از عقرب های آن که دهانشان گشوده است و از مارهای آن که با نیش هایشان می زنند و از آشامیدنی اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می کنـد و دل هایشان را برمی کَنَد، به تو پناه می برم و از تو راهنمایی می خواهم، برای آنچه از آن (آتش) دور سازد و عقب گردانَد.

ص: ۱۴۲۹

(۳۲) أللّٰهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِه، وَ أجِرنِي مِنهَا بِفَضلِ رَحمَتِكَ، وَ أقِلنِي عَثَرَاتِي بِحُسنِ إقَالَتِكَ، وَ لَا تَخذُلنِي يَا خَيرَ المُجِيرِينَ (۳۳) أللّٰهُمّ إنّكَ تَقِي الكَرِيهَةَ، وَ تُعطِي الحَسَنَةَ، وَ تَفعَلُ مَا تُرِيدُ، وَ أَنتَ عَلَى كُلّ شَيءٍ قَدِيرٌ (۳۴) أللّٰهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، إذَا ذُكِرَ الأَبرَارُ، وَ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، مَا اختَلَفَ اللّيلُ وَ النّهَارُ، صَلَاةً لَا يَنقَطِعُ مَدَدُهَا، وَ لَا يُحصَى عَدَدُهَا، صَلَاةً تَشحَنُ الهَوَاءَ، وَ تَملَأُ الأَرضَ وَ السّمَاءَ. (۳۵) صَلّى اللّٰهُ عَلَيهِ حَتّى يَرضَى، وَ صَلّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ بَعدَ الرّضَا، صَلَاةً لَا حَدّ لَهَا وَ لَا مُنتَهَى، يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ.

ص: ۱۴۳۰

(۳۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به بسیاری رحمتت از آن ایمن ساز و به نیکویی گذشتت، از لغزش هایم درگذر و مرا خوار نساز. ای بهترین پناه دهندگان.

(۳۳) خداوندا همانا تو از نا خوشایندی ها نگهداری می کنی و نیکی عطا می کنی و آنچه بخواهی انجام دهی و تو بر هر چیز قادری.

(۳۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست هنگامی که نیکوکاران یاد شوند و بر محمّد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند. درودی که پشتوانه اش قطع نشود و تعدادش به شمار درنیاید. درودی که هوا را آکنده سازد و آسمان و زمین را پر کند.

(۳۵) درود خدا بر او تا اینکه خوشنود شود و درود خدا بر او و خاندانش، پس از خوشنود شدن. درودی که حدّ و نهایتی برایش نیست! ای مهربان ترین مهربانان.

ص: ۱۴۳۱

(۳۳) وَ کَانَ، مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السَّلَامُ فِی الِاستِخَارَهِ

(۱) أللّهُمّ إنِی ٘ أَستَخِیرُکَ بِعِلمِکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقضِ لِی بِالخِیَرَهِ(۲) وَ أَلهِمنَا مَعرِفَهَ الِاختِیَارِ، وَ اجعَل ذَلِکَ ذَرِیعَهً إِلَی الرّضَا بِمَا قَضَیتَ لَنَا وَ التّسلِیمِ لِمَا حَکَمتَ فَأَزِح عَنّا رَیبَ الِارتِیَابِ، وَ أَیّدنَا بِیَقِینِ المُخلِصِینَ.(۳) وَ لَا تَسُمنَا عَجزَ المَعرِفَهِ عَمّا تَخَیّرتَ فَنَغمِطَ قَدرَکَ، وَ نَکرَهَ مَوضِعَ رِضَاکَ، وَ نَجنَحَ إِلَی التّیِ هیِ َ أَبعَدُ مِن حُسنِ العَاقِبَهِ، وَ أَقرَبُ إِلَی ضِدّ العَافِیَهِ (۴)حَبّب إِلَینَا مَا نَکرَهُ مِن قَضَائِکَ، وَ سَهّل عَلَینَا مَا نَستَصعِبُ مِن حُکمِکَ(۵) وَ أَلهِمنَا الِانقِیَادَ لِمَا أَورَدتَ عَلَینَا مِن مَشِیّتِکَ حَتّی لَا نُحِبّ تَأخِیرَ مَا عَجّلتَ، وَ لَا تَعجِیلَ مَا أَخّرتَ، وَ لَا نَکرَهَ مَا أَحبَبتَ، وَ لَا نَتَخَیّرَ مَا کَرِهتَ.(۶) وَ اختِم لَنَا بِالّتیِ هیِ َ أَحمَدُ عَاقِبَهً، وَ أَکرَمُ مَصِیراً،إِنّکَ تُفِیدُ الکَرِیمَهَ، وَ تُعطِی الجَسِیمَهَ، وَ تَفعَلُ مَا تُرِیدُ، وَ أَنتَ عَلَی کُلّ شَیءٍ قَدِیرٌ.

ص: ۱۴۳۲

(۳۳)و از دعای امام علیه السلام بود، در استخاره (درخواست خیر و نیکی)

(۱) خداوندا، همانا من به علمت از تو درخواستِ خیر دارم. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و برایم به خیر حکم فرما.

(۲) و معرفت (کـار) خیر را به مـا الهـام فرما و آن را وسـیله خوشـنودی به آنچه برای ما مقـدّر فرمودی و تسـلیم به آنچه حکم نمودی، قرار ده. پس آشفتگیِ تردید را از ما دور گردان و ما را به یقینِ اهل اخلاص، توانا فرما.

(۳) و ما را دچار عجز از شـناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و مورد رضایت تو را ناپسند داریم و به آنچه که از حسن عاقبت دورتر و به ضدّ عافیت نزدیک تر است، تکیه نماییم.

(۴) آنچه از مقدّراتت که نمی پسندیم، نزد ما محبوب فرما و آنچه از حکمت که سخت می شماریم، بر ما آسان گردان.

(۵) و گردن نِهی بر خواسـته ات را -که بر مـا وارد سـاختی- به ما الهام فرما، تا تأخیر آنچه را پیش انـداختی و تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته ای، دوست نداشـته باشـیم. و آنچه را دوست داشتی، ناپسـند نشـماریم و آنچه را ناپسـند داشـته ای، اختیار نکنیم.

(۶) و کار ما را به آنچه عاقبتش سـتوده تر و سرانجامش گرامی تر است، ختم کن. به درستی که تو عطای گرانمایه می دهی و (نعمت) بزرگ می بخشی و آنچه بخواهی انجام می دهی و تو بر هر چیز توانایی.

ص: ۱۴۳۳

(۳۴) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا ابتلِيَ أَو رَأَى مُبتَلًى بِفَضِيحهٍ بِذَنبٍ

(۱) أللّهُمّ لَکَ الحَمدُ عَلَی سِترِکَ بَعدَ عِلمِکَ، وَ مُعَافَاتِکَ بَعدَ خُبرِکَ،فَکُلّنَا قَدِ اقتَرَفَ العَائِبَهَ فَلَم تَشهَرهُ، وَ ارتَکَبَ الفَاحِشَهَ فَلَم تَفضَحهُ، وَ تَسَتّرَ بِالمسَاوِئِ فَلَم تَدلُل عَلَيهِ.(۲)کَم نَهیٍ لَکَ قَد أَتَينَاهُ، وَ أَمرٍ قَد وَقَفتَنَا عَلَيهِ فَتَعَدّينَاهُ، وَ سَيّئَهٍ اکتَسَبنَاهَا، وَ خَطِيئَهٍ ارتَکَبنَاهَا،کُنتَ المُطّلِعَ عَلَيهَا دُونَ النّاظِرِينَ، وَ القَادِرَ عَلَی إِعلَانِهَا فَوقَ القَادِرِينَ،کَانَت عَافِيَتُکَ لَنَا حِجَاباً دُونَ أَبصَارِهِم، وَ رَدماً دُونَ أَسمَاعِهِم(۳)فَاجعَل مَا سَتَرتَ مِنَ العَورَهِ، وَ أَخفَيتَ مِنَ الدّخِيلَهِ،وَاعِظاً لَنَا، وَ زَاجِراً عَن سُوءِ الخُلُقِ، وَ اقتِرَافِ الخَطِيئَهِ، وَ سَعياً إِلَی التّوبَهِ المَاحِيَهِ، وَ الطّرِيقِ المَحمُودَهِ(۴) وَ قَرّبِ الوَقتَ فِيهِ، وَ لَا تَسُمنَا الغَفلَهَ عَنکَ،إِنّا إِلَيکَ رَاغِبُونَ، وَ مِنَ الذّنُوبِ تَائِبُونَ. (۵) وَ صَلّ عَلَی خِيَرَتِکَ أللّهُمّ مِن خَلقِکَ مُحَمّدٍ وَ عِترَتِهِ الصّفوَهِ مِن بَرِيّتِکَ الطّاهِرِينَ، وَ اجعَلنَا لَهُم سَامِعِينَ وَ مُطِيعِينَ کَمَا أَمَرتَ.

ص: ۱۴۳۴

(۳۴)و از دعای امام علیه السلام بود، موقعی که گرفتار آزمایش می شد یا گرفتارشده به رسوایی گناهی را می دید

(۱) خداوندا سپاس تو را، بر (خطا) پوشاندنت پس از علمت و بر عافیت بخشی ات پس از آگاهی ات. چرا که هر کدام از ما کار ناپسند انجام داد، او را مشهور (در بدکاری) نکردی و کردار زشت به جا آورد، پس او را رسوا ننمودی و عیب های پنهان داشت، پس آن را نمایان نکردی.

(۲) چه بسیار نهی نمودنی که آن را انجام دادیم و امری که ما را بر آن آگاه کردی، پس ما از آن تعدّی نمودیم و بدی ای که آن را کسب کردیم و خطایی که مرتکب شدیم، (و) تو بر آن مطّلع بودی نه (دیگر) بینندگان. و بیشتر از همه قدرتمندان بر آشکار کردنش قادر بودی. امّا عافیت بخشیدن تو برای ما پرده ای پیش چشمانشان و مانعی در برابر گوش هایشان قرار داد.

(۳) پس آن عیب ها که پوشاندی و بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پند دهنده و بازدارنده از بدخویی و خطاکاری و کوشش به توبه محو کننده و (حرکت در) راه ستوده، قرار ده.

(۴) و زمان آن را نزدیک گردان و ما را گرفتار غفلت از خودت نکن. زیرا ما به سوی تو راغب هستیم و از گناهان، توبه کننده ایم.

(۵) خداوندا و بر برگزیده ات از آفریدگان خود؛ محمّد و خانواده او که از آفریدگان پاک تو هستند، درود فرست و همان طور که فرمان داده ای ما را در برابر ایشان گوش به فرمان و مطیع قرار ده.

ص: ۱۴۳۵

(۳۵) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی الرّضَا إِذَا نَظَرَ إِلَی أَصحَابِ الدّنيَا

(۱)الحَمدُ لِلّهِ رِضًی بِحُكمِ اللّهِ،شَهِدتُ أَنّ اللّهَ قَسَمَ مَعَایِشَ عِبَادِهِ بِالعَدلِ، وَ أَخَذَ عَلَی جَمِیعِ خَلقِهِ بِالفَضلِ(۲) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تفتِنِیّ بِمَا أَعطَیتَهُم، وَ لَا تَفتِنهُم بِمَا منَعتَنِی فَأَحسُدَ خَلقَكَ، وَ أَغمَطَ حُكمَكَ.(۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ طَیّب بِقَضَائِكَ نفسِي، وَ وَسّع بِمَوَاقِعِ حُكمِكَ صدرِي، وَ هَب لِیَ الثّقَةَ لِأُقِرّ مَعَهَا بِأَنّ قَضَاءَكَ لَم یَجرِ إِلّا بِالخِیَرَهِ، وَ اجعَل شكُرِی لَكَ عَلَی مَا زَوَیتَ عنّیّ أَوفَرَ مِن شكُرِی إِیّاكَ عَلَی مَا خوَلّتَنِی(۴) وَ اعصِمنِی مِن أَن أَظُنّ بِذِی عَدَمٍ خَسَاسَةً، أَو أَظُنّ بِصَاحِبِ ثَروَهٍ فَضلًا، فَإِنّ الشّرِیفَ مَن شَرّفَتهُ طَاعَتُكَ، وَ العَزِیزَ مَن أَعَزّتهُ عِبَادَتُكَ(۵)فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ مَتّعنَا بِثَروَهٍ لَا تَنفَدُ، وَ أَیّدنَا بِعِزّ لَا یُفقَدُ، وَ اسرَحنَا فِی مُلكِ الأَبَدِ،إِنّكَ الوَاحِدُ الأَحَدُ الصّمَدُ، أَلّذِی لَم تَلِد وَ لَم تُولَد وَ لَم یَكُن لَكَ كُفُواً أَحَدٌ.

ص: ۱۴۳۶

(۳۵)و از دعای امام علیه السلام بود، در خوشنودی، هنگامی که به اهل دنیا نگاه می کرد

(۱) سپاس خدای را که راضی به حکم اویم. گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود و با همه آفریدگانش با فضل رفتار کرد.

(۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به آنچه به آنان (دنیاداران) عطا کردی، آزمایش نکن و آنان را به آنچه از من منع داشتی، دچار آزمون نساز که بر آفریدگانت حسد برم و حکم تو را سبک شمارم.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به قضای خود، خوشنود گردان و سینه ام را به احکام خود، فراخ ساز و به من اعتمادی بخش تا به اینکه قضای تو جز به نیکی جاری نگشته، اعتراف کنم. و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی بیش از شکرم به آنچه به من مرحمت کردی، قرار ده.

(۴) و مرا از اینکه به فقیری گمانِ پستی برم و به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما. زیرا شرافتمند کسی است که اطاعت تو شریفش گردانْد و عزیز کسی است که بندگی تو عزّتش بخشد.

(۵) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را ثروتی که نابود نشود، ببخش. و ما را با عزّتی که از دست نرود، تأیید فرما. و ما را در سلطنت ابدی، رها کن. به درستی که تو تنها یکتای بی نیازی که فرزند نیاوردی و زاییده نشدی و هیچ کس مانند تو نبوده است.

ص: ۱۴۳۷

(۳۶) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى السّحَابِ وَ البَرقِ وَ سَمِعَ صَوتَ الرّعدِ

(۱) أَللّهُمّ إِنّ هَـذَينِ آيَتَانِ مِن آيَاتِكَ، وَ هَـذَينِ عَونَانِ مِن أَعوَانِكَ،يَبتَدِرَانِ طَاعَتَكَ بِرَحمَةٍ نَافِعَةٍ أَو نَقِمَةٍ ضَارّةٍ، فَلَا تُمطِرنَا بِهِمَا مَطَرَ السّوءِ، وَ لَا تُلبِسنَا بِهِمَا لِبَاسَ البَلَاءِ.(۲) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنزِل عَلَينَا نَفعَ هَذِهِ السّحَائِبِ وَ بَرَكَتَهَا، وَ اصرِف عَنّا أَذَاهَا وَ مَضَرّتَهَا، وَ لَا تُصِبنَا فِيهَا بِآفَةٍ، وَ لَا تُرسِل عَلَى مَعَايِشِنَا عَاهَةً.(۳) أَللّهُمّ وَ إِن كُنتَ بَعَثتَهَا نَقِمَةً وَ أَرسَلتَهَا سَخطَةً فَإِنّا نَستَجِيرُكَ مِن غَضَبِكَ، وَ نَبتَهِلُ إِلَيكَ فِي سُؤَالِ عَفوِكَ،فَمِل بِالغَضَبِ إِلَى المُشرِكِينَ، وَ أَدِر رَحَى نَقِمَتِكَ عَلَى المُلحِدِينَ.(۴) أَللّهُمّ أَذهِب مَحلَ بِلَادِنَا بِسُقيَاكَ، وَ أَخرِج وَحَرَ صُدُورِنَا بِرِزقِكَ، وَ لَا تَشغَلنَا عَنكَ بِغَيرِكَ، وَ لَا تَقطَع عَن كَافّتِنَا مَادّةَ بِرّكَ، فَإِنّ الغَنِيّ مَن أَغنَيتَ، وَ إِنّ السّالِمَ مَن وَقَيتَ(۵) مَا

عِندَ أَحَدٍ دُونَكَ دِفَاعٌ، وَ لَا بِأَحَدٍ عَن سَطوَتِكَ امتِنَاعٌ،تَحكُمُ بِمَا شِئتَ عَلَى مَن شِئتَ، وَ تَقضِي بِمَا أَرَدتَ فِيمَن أَرَدتَ

(۳۶)و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که به ابر و آذرخش نگاه کرد و بانگ غرش ابر را شنید

(۱) خداوندا همانا این دو، دو نشانه از نشانه های تو و دو خدمت گزار از خدمت گزاران تو هستند، که به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعتت می شتابند. پس به سبب آن دو، باران زیانبار بر ما نباران. و به سبب آن دو جامه بلا بر ما نپوشان.

(۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و سود و برکت این ابرها را بر ما فرود آور و آزار و زیانشان را از ما برگردان و در آنها آفتی به ما نرسان و زیانی بر معیشت ما نفرست.

(۳) خداوندا و اگر آن را برای کیفر بر انگیخته ای و از روی خشم فرستاده ای، پس ما از خشمت، از تو امان می خواهیم. و برای درخواست بخششت، به سوی تو زاری می کنیم. پس خشم را به سوی مشرکان بگردان و آسیاب کیفرت را برای ملحدان به گردش درآور.

(۴) خداوندا خشک سالیِ شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز و عقده دل هایمان را، با روزی ات بگشا و ما را از خودت به دیگری مشغول نکن و اصل احسانت را از جمع ما قطع نساز. زیرا توانگر کسی است که تو توانگر ساختی و سالم کسی است که تو نگهداری نمودی.

(۵) هیچ کس در نزد تو (قدرت) دفاع ندارد و هیچ کس از غلبه ات امتناع نتواند کرد. به هر چه خواستی، بر هر کس خواستی، حکم می کنی و به آنچه خواستی، بر هر کس خواستی، فرمان می رانی.

ص: ۱۴۳۹

(۶)فَلَکَ الحَمـدُ عَلَی مَا وَقَیتَنَا مِنَ البَلَاءِ، وَ لَکَ الشّـکرُ عَلَی مَا خَوّلتَنَا مِنَ النّعمَاءِ،حَمـداً یُخَلّفُ حَمـدَ الحَامِدِینَ وَرَاءَهُ،حَمداً یَملَأُ أَرضَهُ وَ سَـمَاءَهُ (۷)إِنّکَ المَنّانُ بِجَسِـیمِ المِنَنِ،الوَهّابُ لِعَظِیمِ النّعَمِ،القَابِلُ یَسِـیرَ الحَمـدِ،الشّاکِرُ قَلِیلَ الشّـکرِ،المُحسِنُ المُجمِلُ ذُو الطّولِ، لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،إِلَیکَ المَصِیرُ.

ص: ۱۴۴۰

(۶) پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی و شکر تو راست، بر آنچه از نعمت هایت که به ما بخشیدی. سپاسی که سپاس سپاسگزاران را پشت سر گذارَد و سپاسی که زمین و آسمانش را پر سازد.

(۷) همانا تو بهره دهنده بهره های بزرگ، بخشنده نعمت های عظیم، قبول کننده سپاس اندک، پاداش دهنده شکر کم، نیکوکارِ عطا کننده هستی. دارای بخششی. خدایی جز تو نیست. بازگشت (همه) به سوی توست.

ص: ۱۴۴۱

(۳۷) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا اعتَرَفَ بِالتّقصِيرِ عَن تَأدِيَهِ الشّكرِ

(۱) أللّهُمّ إِنّ أَحَداً لَا يَبلُغُ مِن شُكرِكَ غَايَةً إِلّا حَصَلَ عَلَيهِ مِن إِحسَانِكَ مَا يُلزِمُهُ شُكراً.(۲) وَ لَا يَبلُغُ مَبلَغاً مِن طَاعَتِكَ وَ إِنِ اجتَهَدَ إِلّا كَانَ مُقَصّراً دُونَ استِحقَاقِكَ بِفَضلِكَ(۳)فَأَشكَرُ عِبَادِكَ عَاجِزٌ عَن شُكرِكَ، وَ أَعبَدُهُم مُقَصّرٌ عَن طَاعَتِكَ(۴) لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَن تَغفِرَ لَهُ بِاستِحقَاقِهِ، وَ لَا أَن تَرضَى عَنهُ بِاستِيجَابِهِ(۵)فَمَن غَفَرتَ لَهُ فَبِطَولِكَ، وَ مَن رَضِيتَ عَنهُ فَبِفَضلِكَ(۶)تَشكُرُ يَسِيرَ مَا شَكَرتَهُ، وَ تُثِيبُ عَلَى قَلِيلِ مَا تُطَاعُ فِيهِ حَتّى كَأَنّ شُكرَ عِبَادِكَ ألّذِى أَوجَبتَ عَلَيهِ ثَوَابَهُم وَ أَعظَمتَ عَنهُ جَزَاءَهُم أَمرٌ مَلَكُوا استِطَاعَةَ الِامتِنَاعِ مِنهُ دُونَكَ فَكَافَيتَهُم، أَو لَم يَكُن سَبَبُهُ بِيَدِكَ فَجَازَيتَهُم(۷)بَل مَلَكتَ يَا إِلَهِي أَمرَهُم قَبلَ أَن يَملِكُوا عِبَادَتَكَ، وَ أَعدَدتَ ثَوَابَهُم قَبلَ أَن يُفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ، وَ ذَلِكَ أَنّ سُنّتَكَ الإِفضَالُ، وَ عَادَتَكَ الإِحسَانُ، وَ سَبِيلَكَ العَفوُ (۸)فَكُلّ البَرِيّهِ مُعتَرِفَهٌ بِأَنّكَ غَيرُ ظَالِمٍ لِمَن عَاقَبتَ، وَ شَاهِدَهٌ بِأَنّكَ مُتَفَضّلٌ عَلَى مَن عَافَيتَ، وَ كُلّ مُقِرّ عَلَى نَفسِهِ بِالتّقصِيرِ عَمّا استَوجَبتَ

ص: ۱۴۴۲

(۳۷)و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که به کوتاهی نمودن از انجام شکرگزاری اقرار می نمود

(۱) خداوندا همانا کسی به نهایت شکر گزاری ات نمی رسد، مگر آنکه از احسان تو چیزی به دست آورد که او را شکر (دیگری) لازم آید.

(۲) و در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد، جز آنکه در برابر آنچه شایسته فضل توست، مقصر است.

(۳) پس شکرگزارترین بندگانت از شکر تو، عاجز و عابدترین آنان از اطاعتت، مقصر است.

(۴) هیچ کس در حدّی نیست که به سبب استحقاقش آمرزشت را ایجاب کند و شایستگی اش رضایت تو را لازم سازد.

(۵) پس هر کس را آمرزیدی، از احسان توست و از هر که راضی شوی، از فضل توست.

(۶) اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی و بر اندک طاعتی که از تو شود، پاداش می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت -که پاداش آنها را لازم گردانـدی و جزای آنان را بزرگ نمودی- کاری است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای یا سبب آن در تصرّف تو نبوده، پس ایشان را پاداش داده ای.

(۷) بلکه ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند و پاداششان را آماده نموده ای، پیش از آنکه در طاعتت وارد شوند. زیرا سنّت تو بخشش و عادت تو احسان و راه تو بخشایش است.

(۸) پس همه آفریدگان اعتراف می کنند که تو هر که را عقوبت نمودی، ستمگر نیستی. و گواهند که تو هر که را عافیت بخشی، به فضل رفتار نموده ای. و همگی به تقصیر خود در ادای آنچه تو شایسته آنی، اقرار دارند.

ص: ۱۴۴۳

(۹)فَلو لـا أنّ الشّیطَانَ یَختَـدِعُهُم عَن طَاعَتِـک مَا عَصَاکَ عَاصٍ، وَ لَو لَا أنّهُ صَوّرَ لَهُمُ البَاطِلَ فِی مِثَالِ الحَقّ مَا ضَلّ عَن طَرِیقِکَ ضَالّ(۱۰)فَسُـبحَانَکَ مَـا أَبیَنَ کَرَمَـکَ فِی مُعَـامَلَهِ مَن أَطَاعَـکَ أَو عَصَاکَ تَشکُرُ لِلمُطِیعِ مَا أَنتَ تَوَلّیتَهُ لَهُ، وَ تُملِی لِلعَاصِـی فِیمَا تَملِکُ مُعَاجَلَتَهُ فِیهِ.(۱۱)أَعطَیتَ کُلّا مِنهُمَا مَا لَم یَجِب لَهُ، وَ تَفَضّلتَ عَلَی کُلّ مِنهُمَا بِمَا یَقصُرُ عَمَلُهُ عَنهُ.(۱۲) وَ لَو کَافَأتَ المُطِیعَ عَلَی مَا أَنتَ تَوَلّیتَهُ لَأَوشَکَ أَن یَفقِدَ ثَوَابَکَ، وَ أَن تَزُولَ عَنهُ نِعمَتُکَ، وَ لَکِنّکَ بِکَرَمِکَ جَازَیتَهُ عَلَی المُدّهِ القَصِیرَهِ الفَانِیَهِ بِالمُدّهِ الطّوِیلَهِ الخَالِدَهِ، وَ عَلَی الغَایَهِ القَرِیبَهِ الزّائِلَهِ بِالغَایَهِ المَدِیدَهِ البَاقِیَهِ.(۱۳) ثُمّ لَم تَسُمهُ القِصَاصَ فِیمَا أَکَلَ مِن رِزقِکَ ألّذِی یَقوَی بِهِ عَلَی طَاعَتِکَ، وَ لَم تَحمِلهُ عَلَی المُنَاقَشَاتِ فِی الآلَاتِ الّتِی تَسَـبّبَ بِاستِعمَالِهَا إِلَی مَغفِرَتِکَ، وَ لَو فَعَلتَ ذَلِکَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِیعِ مَا کَدَحَ لَهُ وَ جُملَهِ مَا سَـعَی فِیهِ جَزَاءً لِلصّغرَی مِن أَیَادِیکَ وَ مِنَنِکَ، وَ لَبَقِیَ رَهِیناً بَینَ یَدَیکَ بِسَائِرِ نِعَمِکَ،فَمَتَی کَانَ یَستَحِقّ شَیئاً مِن ثَوَابِـکَ لَا مَتَی(۱۴) هَـذَا یَـا إِلَهِی حَـالُ مَن أَطَاعَکَ، وَ سَبِیلُ مَن تَعَبّـدَ لَکَ،فَأَمّا العَاصِـی أَمرَکَ وَ المُوَاقِعُ نَهیَکَ فَلَم تُعَاجِلهُ بِنَقِمَتِکَ لِکَیَ یَسـتَبدِلَ بِحَالِهِ فِی مَعصِیَتِکَ حَالَ الإِنَابَهِ إِلَی طَاعَتِکَ، وَ لَقَد کَانَ یَستَحِقّ فِی أَوّلِ مَا هَمّ بِعِصیَانِکَ کُلّ مَا أَعدَدتَ لِجَمِیعِ خَلقِـکَ مِن عُقُوبَتِکَ.(۱۵)فَجَمِیعُ مَـا أَخّرتَ عَنـهُ مِـنَ العَـذَابِ وَ أَبطَأتَ بِهِ عَلَیهِ مِن سَـطَوَاتِ النّقِمَهِ وَ العِقَـابِ تَرکٌ مِن حَقّکَ، وَ رِضًی بِدُونِ وَاجِبِکَ

(۹) پس اگر شیطان آنها را از اطاعتت فریبشان نمی داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی کرد. و اگر او باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی داد، هیچ گمراهیْ از راه تو گمراه نمی شد.

(۱۰) پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است، از فرمانبر در آنچه تو برایش فراهم نموده ای، تشکّر می کنی و گنهکار را در آنچه توانایی شتاب در کیفرش را داری، مهلت می دهی.

(۱۱) هر یک از آن دو را چیزی عطا کرده ای که برایش لازم نبود و به هر یک از آنان چیزی تفضّل نموده ای که عملش کمتر از آن است.

(۱۲) و اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می داد و نعمت تو از دستش می رفت. ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش دراز مدّتِ همیشگی دادی و در برابر عمل نزدیک مدّتِ زوال پذیر، پاداش درازمدّت پایدار عطا نموده ای.

(۱۳) سپس از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی. و نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها، به آمرزش تو نائل شد، حساب کشی سخت نکردی. و اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، در برابر کوچک ترین احسان های تو و نعمت هایت از دست رفته بود. و در حضور تو برای باقی نعمت هایت در گرو می ماند. پس کی (چنین بنده ای) مستحقّ ثوابی از سوی تو می شد؟ نه! هیچ گاه!

(۱۴) ای خدای من، این وضعیت کسی است که از تو اطاعت نموده و راه کسی است که در بندگی تو کوشیده. و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی تا حال خود را در نافرمانی ات به حال طاعتت عوض کند و حال آنکه او در آغاز که همّت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.

(۱۵) پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای و هر کیفر و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای، ترک کردن حقّ خود و راضی شدن به کمتر از شایستگی خودت بوده است.

ص: ۱۴۴۵

(۱۶)فَمَن أَکرَمُ یَا إِلهِی مِنکَ، وَ مَن أَشقَی مِمّن هَلَکَ عَلَیکَ لَا مَن فَتَبَارَکتَ أَن تُوصَفَ إِلّا بِالإِحسَانِ، وَ کَرُمتَ أَن یُخَافَ مِنکَ إِلّا العَدلُ، لَا یُخشَی جَورُکَ عَلَی مَن عَصَاکَ، وَ لَا یُخَافُ إِغفَالُکَ ثَوَابَ مَن أَرضَاکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَب لِی أَمَلِی، وَ زِدنِی مِن هُدَاکَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَی التّوفِیقِ فِی عمَلِی،إِنّکَ مَنّانٌ کَرِیمٌ.

ص: ۱۴۴۶

(۱۶) پس ای خدای من، کریم تر از تو کیست؟ و شقی تر از کسی که بر اثر نافرمانی ات به هلاکت افتاده، کیست؟ نه! هیچ کس؟ پس والاتر از آنی که جز به احسان وصف شوی و کریم تر از آنی که جز از عدالتت ترسند. بیمی از آن نیست که بر کسی که تو را معصیت کرد، ستم کنی و ترسی نیست که پاداش آنکه تو را خوشنود گرداند، فروگذاری. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و آرزویم را به من ببخش و هدایت خود را برایم بیفزا، که با آن به توفیق در عملم برسم. که تو بسیار نعمت دهنده کریم هستی.

ص: ۱۴۴۷

(۳۸) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ فِی الِاعتِذَارِ مِن تَبِعَاتِ العِبَادِ وَ مِنَ التّقصِیرِ فِی حُقُوقِهِم وَ فِی فَکَاکِ رَقَبَتِهِ مِنَ النّارِ

(۱) أللّهُمّ إِنِیّ أَعتَذِرُ إِلَیکَ مِن مَظلُومٍ ظُلِمَ بِحَضرَتِی فَلَم أَنصُرهُ، وَ مِن مَعرُوفٍ أُسدِیَ إِلَیّ فَلَم أَشکُرهُ، وَ مِن مسِیءٍ اعتَذَرَ إِلَیّ فَلَم أَعذِرهُ، وَ مِن ذِی فَاقَةٍ سأَلَنِی فَلَم أُوثِرهُ، وَ مِن حَقّ ذِی حَقّ لَزِمَنِی لِمُؤمِنٍ فَلَم أُوَفّرهُ، وَ مِن عَیبِ مُؤمِنٍ ظَهَرَ لِی فَلَم أَستُرهُ، وَ مِن کُلّ إِثمٍ عَرَضَ لِی فَلَم أَهجُرهُ.(۲)أَعتَذِرُ إِلَیکَ یَا إِلَهِی مِنهُنّ وَ مِن نَظَائِرِهِنّ اعتِذَارَ نَدَامَةٍ یَکُونُ وَاعِظاً لِمَا بَینَ یدَیّ مِن أَشبَاهِهِنّ.(۳)فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل نَدَامَتِی عَلَی مَا وَقَعتُ فِیهِ مِنَ الزّلّاتِ، وَ عَزمِی عَلَی تَرکِ مَا یَعرِضُ لِی مِنَ السّیّئَاتِ،تَوبَةً تُوجِبُ لِی مَحَبّتَکَ، یَا مُحِبّ التّوّابِینَ.

ص: ۱۴۴۸

(۳۸)و از دعـای امـام علیه السـلام بـود، در توبه کردن از داد خواهی هـای بنـدگان و از کوتـاهی کردن در حقوق ایشـان و در رهایی اش از آتش

(۱) خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از ستم دیده ای که در حضور من به او ستم شد، پس او را یاری نکردم. و از نیکی ای که به من شـد، پس شـکر آن را به جا نیاوردم. و از بـد کرداری که از من عـذرخواهی کرد، پس عـذر او را نپذیرفتم. و از نیازمندی که از من درخواست کرد، پس او را بر خود برتری ندادم. و از حقِّ حقدار مؤمنی که بر من لازم گردانده بودی، پس آن را به تمامی ادا نکردم و از عیب مؤمنی که برای من آشـکار شـد، پس آن را نپوشاندم. و از هر گناهی که برایم پیش آمد، پس از آن دوری نکردم.

(۲) ای خـدای من، از آنها و نظایر آنها از تو عذر می خواهم، عذر خواهیِ از روی پشـیمانی، که از مانند آنها مرا در آینده ام، پند دهنده باشد.

(۳) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پشـیمانی ام را از لغزش هایی که به آن دچار شدم، و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد. ای دوستدار توبه کنندگان.

ص: ۱۴۴۹

(۳۹) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی طَلَبِ العَفوِ وَ الرّحمَهِ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكسِر شَهوَتِي عَن كُلّ مَحرَمٍ، وَ ازوِ حِرصِي عَن كُلّ مَأثَمٍ، وَ امنَعنِي عَن أَذَى كُلّ مُؤمِنٍ وَ مُؤمِنَهٍ، وَ مُسلِمٍ وَ مُسلِمَهٍ.(۲) أللّهُمّ وَ أَيّمَا عَبدٍ نَالَ منِيّ مَا حَظَرتَ عَلَيهِ، وَ انتَهَكَ منِيّ مَا حَجَزتَ عَلَيهِ،فَمَضَى بِظُلَامَتِي مَيّتاً، أَو حَصَلَت لِي قِبَلَهُ حَيّاً فَاغفِر لَهُ مَا أَلَمّ بِهِ منِيّ، وَ اعفُ لَهُ عَمّا أَدبَرَ بِهِ عنَيّ، وَ لَا تَقِفهُ عَلَى مَا ارتَكَبَ فِيّ، وَ لَا تَكشِفهُ عَمّا اكتَسَبَ بِي، وَ اجعَل مَا سَمَحتُ بِهِ مِنَ العَفوِ عَنهُم، وَ تَبَرّعتُ بِهِ مِنَ الصّدَقَهِ عَلَيهِم أَزكَى صَدَقَاتِ المُتَصَدّقِينَ، وَ أَعلَى صِلَاتِ المُتَقَرّبِينَ(۳) وَ عَوّضنِي مِن عَفوِي عَنهُم عَفوَكَ، وَ مِن دُعَائِي لَهُم رَحمَتَكَ حَتّى يَسعَدَ كُلّ وَاحِدٍ مِنّا بِفَضلِكَ، وَ يَنجُوَ كُلّ مِنّا بِمَنّكَ.(۴) أللّهُمّ وَ أَيّمَا عَبدٍ مِن عَبِيدِكَ أَدرَكَهُ منِيّ دَرَكٌ، أَو مَسّهُ مِن نَاحِيَتِي أَذًى، أَو لَحِقَهُ بِي أَو بِسَبَبِي ظُلمٌ فَفُتّهُ بِحَقّهِ، أَو سَبَقتُهُ بِمَظلِمَتِهِ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَرضِهِ عنَيّ مِن وُجدِكَ، وَ أَوفِهِ حَقّهُ مِن عِندِكَ

(۳۹)و از دعای امام علیه السلام بود، در درخواست بخشایش و مهربانی

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و خواهش نفس مرا، از هر حرامی بشکن و حرص مرا از هر گناهی دور کن، و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن با ایمان و به هر مرد و زن مسلمان بازدار.

(۲) خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی و آبرویی از من برد که بر او ممنوع ساخته بودی و او با همان وزر و وبال از دنیا رفته یا وزر و وبال من او را در دنیا در حال حیات گرفته، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز. و آنچه را از من برد، بر او ببخشای. و او را به خاطر آنچه درباره من انجام داد، سرزنش نکن. و از آنچه بر من کرده، رسوایش نساز و گذشت از ایشان را که من کردم، و بخششی که بی هیچ عوضی به آنان دادم، پاکیزه ترین صدقه های صدقه دهندگان و بالاترین بخشش های تقرّب جویان قرار ده.

(۳) و به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده. تا هر یک از ما به فضل تو، سعادتمند شود و هر کدام از ما به سبب نعمتت، نجات یابد.

(۴) خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که ناروایی از من به او رسیده یا از ناحیه من به او آزاری رسیده، یا به دست من یا به وسیله من، ستمی به او شده، پس حقّش را تباه کرده ام یا داد خواهی اش را از بین برده ام، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان و حقّ او را به تمامی از نزد خودت بپرداز.

ص: ۱۴۵۱

(۵) ثُمّ قِنِي مَا يُوجِبُ لَهُ حُكمُكَ، وَ خلَصّنِي مِمّا يحكَمُ بِهِ عَدلُكَ، فَإنّ قوُتّي لَا تَستَقِلّ بنَقمَتِكَ، وَ إنّ طاَقتِي لَا تَنهَضُ بِسُخطِكَ،فَإنّكَ إن تكُاَفِنِي بِالحَقّ تهُلكِنيِ، وَ إلّا تغَمَدّنيِ برَحمَتِكَ توُبقِنيِ. (۶) أللّهُمّ إنِيّ أَستَوهِبُكَ يَا إلِهَي مَا لَا يُنقِصُكَ بَذلُهُ، وَ أَستَحمِلُكَ، مَا لَا يَبهَظُكَ حَملُهُ.(۷)أَستَوهِبُكَ يَا إلِهَيِ نفَسيِ الّتيِ لَم تَخلُقهَا لِتمَتنَعَِ بهَِا مِن سُوءٍ، أَو لِتَطرّقَ بهَِا إِلَى نَفعٍ، وَ لَكِن أَنشَأتَهَا إِثبَاتاً لِقُدرَتِكَ عَلىَ مِثلِهَا، وَ احتِجَاجاً بهِاَ عَلىَ شَكلِهَا.(۸) وَ أَستَحمِلُكَ مِن ذنُوُبيِ مَا قَد بهَظَنَيِ حَملُهُ، وَ أَستَعِينُ بكَ عَلىَ مَا قَد فدَحَنَيِ ثِقلُهُ.(۹)فَصَلّ عَلىَ مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَب لِنفَسيِ عَلىَ ظُلمِهَا نفَسيِ، وَ وَكّل رَحمَتَكَ باِحتِمَالِ إِصرِيِ،فَكَم قَد لَحِقَت رَحمَتُكَ باِلمُسِيئِينَ، وَ كَم قَد شَمِلَ عَفوُكَ الظّالِمِينَ.(۱۰)فَصَلّ عَلىَ مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعلَنيِ أُسوَةَ مَن قَد أَنهَضتَهُ بتِجَاَوُزِكَ عَن مَصَارِعِ الخاَطِئِينَ، وَ خَلّصتَهُ بتِوَفيِقِكَ مِن وَرَطَاتِ المُجرِمِينَ،فَأَصبَحَ طَلِيقَ عَفوِكَ مِن إِسَارِ سُخطِكَ، وَ عَتِيقَ صُنعِكَ مِن وَثاَقِ عَدلِكَ.(۱۱)إنِكَّ إِن تَفعَل ذَلِكَ يَا إِلهَيِ تفَعَلهُ بمِنَ لَا يَجحَدُ استِحقَاقَ عُقُوبتَِكَ، وَ لَا يبُرَ ئُ نفَسَهُ مِن استِيجَابِ نَقِمَتِكَ(۱۲)تفَعَل ذَلِكَ يَا إِلهَيِ بمِنَ خَوفُهُ مِنكَ أَكثَرُ مِن طَمَعِهِ فِيكَ، وَ بمِنَ يَأسُهُ مِنَ النّجَاةِ أَوكَدُ مِن رَجَائِهِ لِلخَلَاصِ، لَا أَن يَكُونَ يَأسُهُ قُنُوطاً، أَو أَن يَكُونَ طَمَعُهُ اغتِرَاراً،بَل لِقِلّهِ حَسَنَاتِهِ بيَنَ سَيّئاَتِهِ، وَ ضَعفِ حُجَجِهِ فِي جَمِيعِ تَبِعَاتِهِ

(۵) سپس مرا از آنچه حکم تو را واجب می گرداند، نگهدار و از آنچه عدل تو را حکم می کند، خلاص گردان. پس به درستی که نیروی من تاب انتقام تو را ندارد. و همانا طاقت من، با خشم تو برابری نمی کند. زیرا اگر تو مرا به حقّ مکافات دهی، هلاکم. و اگر مرا به رحمتت نپوشانی، تباهم.

(۶) خداوندا، ای خدای من، همانا من از تو بخششی می خواهم که بخشیدن آن از تو چیزی نمی کاهد و از تو حمل باری را خواهم که حملش برای تو سنگین نیست.

(۷) ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی یا به وسیله آن به سودی راه جویی. بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود و بدین سبب بر (آفرینش) شبیه آن، دلیل آوردی.

(۸) و از تو می خواهم گناهانم را از من برداری که حملش بر من فشار می آورد، و از تو یاری می جویم بر آنچه سنگینی اش پشت مرا شکسته.

(۹) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به خاطر ظلمی که به خود کرده ام، ببخش. و رحمتت را به تحمّل بار سنگینم بگمار. پس چه بسیار رحمتت که به بدکاران رسید و چه بسیار عفوت که ستمگران را فرا گرفت.

(۱۰) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی، و به توفیق خود، از منجلاب های مجرمان، رهاندی. پس به واسطه عفوت از قید و بند خشمت، رها گردیده و به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است.

(۱۱) ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که شایستگی عقوبت تو را انکار نمی کند، و نفس خود را از سزاواری انتقامت، مبرّا نمی داند.

(۱۲) ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست، و کسی که ناامیدی اش از نجات، محکم تر از امیدش به رهایی است. نه اینکه ناامیدی اش، قطع امید باشد. یا طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک و دلیل هایش درباره همه گناهانش ضعیف است.

ص: ۱۴۵۳

(۱۳)فَأَمّا أَنتَ يَا إِلَهِي فَأَهلٌ أَن لَا يَغتَرّ بِكَ الصّدّيقُونَ، وَ لَا يَيأَسَ مِنكَ المُجرِمُونَ،لِأَنّكَ الرّبّ العَظِيمُ ألّذِی لَا يَمنَعُ أَحَداً فَضلَهُ، وَ لَا يستقَصي مِن أَحَدٍ حَقّهُ.(۱۴) تَعَالَی ذِكرُكَ عَنِ المَذكُورِينَ، وَ تَقَدّسَت أَسمَاؤُكَ عَنِ المَنسُوبِينَ، وَ فَشَت نِعمَتُكَ فِی جَمِيعِ المَخلُوقِينَ،فَلَكَ الحَمدُ عَلَی ذَلِكَ يَا رَبّ العَالَمِينَ.

(۱۳) و امّا تو ای خدای من، پس شایسته ای که راستگویان به تو مغرور نشوند و مجرمان از تو مأیوس نگردند. زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که فضل خود را از کسی باز نمی دارد و حقّ خود را از کسی طلب نمی کنی.

(۱۴) یاد تو از یاد شدگان برتر است و نام هایت از نسب داران مقدّس تر است و نعمتت در همه آفریدگان پراکنده است. پس تو را بر همه اینها سپاس. ای پروردگار جهانیان.

ص: ۱۴۵۵

(۴۰) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السَّلَامُ إِذَا نعُيِ إِلَيهِ مَيّتٌ، أَو ذَكَرَ المَوتَ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكفِنَا طُولَ الأَمَلِ، وَ قَصّرهُ عَنّا بِصِدقِ العَمَلِ حَتّى لَا نُؤَمّلَ استِتمَامَ سَاعَةٍ بَعدَ سَاعَةٍ، وَ لَا استِيفَاءَ يَومٍ بَعدَ يَومٍ، وَ لَا اتّصَالَ نَفَسٍ بِنَفَسٍ، وَ لَا لُحُوقَ قَدَمٍ بِقَدَمٍ(۲) وَ سَلّمنَا مِن غُرُورِهِ، وَ آمِنّا مِن شُرُورِهِ، وَ انصِبِ المَوتَ بَينَ أَيدِينَا نَصباً، وَ لَا تَجعَل ذِكرَنَا لَهُ غِبّاً(۳) وَ اجعَل لَنَا مِن صَالِحِ الأَعمَالِ عَمَلًا نَستَبطِئُ مَعَهُ المَصِيرَ إِلَيكَ، وَ نَحرِصُ لَهُ عَلَى وَشكِ اللّحَاقِ بِكَ حَتّى يَكُونَ المَوتُ مَأنَسَنَا ألّذِى نَأنَسُ بِهِ، وَ مَألَفَنَا ألّذِى نَشتَاقُ إِلَيهِ، وَ حَامّتَنَا التّى نُحِبّ الدّنُوّ مِنهَا(۴) فَإِذَا أَورَدتَهُ عَلَينَا وَ أَنزَلتَهُ بِنَا فَأَسعِدنَا بِهِ زَائِراً، وَ آنِسنَا بِهِ قَادِماً، وَ لَا تُشقِنَا بِضِيَافَتِهِ، وَ لَا تُخزِنَا بِزِيَارَتِهِ، وَ اجعَلهُ بَاباً مِن أَبوَابِ مَغفِرَتِكَ، وَ مِفتَاحاً مِن مَفَاتِيحِ رَحمَتِكَ(۵)أَمِتنَا مُهتَدِينَ غَيرَ ضَالّينَ،طَائِعِينَ غَيرَ مُستَكرِهِينَ،تَائِبِينَ غَيرَ عَاصِينَ وَ لَا مُصِرّينَ، يَا ضَامِنَ جَزَاءِ المُحسِنِينَ، وَ مُستَصلِحَ عَمَلِ المُفسِدِينَ.

ص: ۱۴۵۶

(۴۰)و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که خبر مرگ کسی به او می رسید یا مرگ را یاد می کرد

(۱) خداوندا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن، تا بدانجا که تمام کردن ساعتی را پس از ساعتی و یافتن روزی را پس از روزی و پیوستگی نفسی را به نفسی و در پی هم آمدن گامی را به گامی، آرزو نکنیم.

(۲) و ما را از فریبش سلامتی ده و از شرورش ایمن ساز و مرگ را پیش روی ما مجسم بدار و گهگاه یاد کردنش را برای ما قرار نده.

(۳) و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم و به زود رسیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی که مرگ برای ما محل انسی باشد که به آن انس گیریم و محل الفتی باشد که به سوی آن مشتاقیم و (همانند) خویشاوند نزدیک ما باشد که نزدیک شدن به او را دوست داریم.

(۴) پس هنگامی که آن را نزد ما وارد نمودی و آن را بر ما فرود آوردی، ما را به زیارت آن سعادتمند گردان. و ما را به آن تازه وارد انس ده. و در پذیرایی از او ما را به شقاوت میفکن. و از دیدارش ما را خوار نساز و آن را دری از درهای آمرزشت و کلیدی از کلیدهای رحمتت قرار ده.

(۵) ما را ره یافتگانِ ناگمراه، و فرمان بردارانِ بی اجبار، توبه کنندگان غیر گنهکار و اصرار کننده، بمیران. ای ضامن پاداش نیکوکاران و خواهان اصلاح عمل تبهکاران.

ص: ۱۴۵۷

(۴۱) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی طَلَبِ السّترِ وَ الوِقَايَهِ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أفَرشنِی مِهَادَ كَرَامَتِک، وَ أوَردِنِی مَشَارِعَ رَحمَتِک، وَ أحلِلنِی بُحبُوحَهَ جَنّتِک، وَ لَا تَسِمُنِی بِالرّدّ عَنک، وَ لَا تحَرمِنِی بِالخَيبَهِ مِنک.(۲) وَ لَا تقُاَصّنِی بِمَا اجتَرَحتُ وَ لَا تنُاَقشِنیِ بِمَا اكتَسَبتُ، وَ لَا تُبرِز مَكتُومِی، وَ لَا تَكشِف مَستُورِی، وَ لَا تَحمِل عَلَی مِيزَانِ الإِنصَافِ عمَلَیِ، وَ لَا تُعلِن عَلَی عُيُونِ المَلَإِ خبَرَیِ(۳)أَخفِ عَنهُم مَا يَكُونُ نَشرُهُ عَلَيّ عَاراً، وَ اطوِ عَنهُم مَا يلُحقِنُیِ عِندَكَ شَنَاراً(۴)شَرّف درَجَتَیِ بِرِضوَانِک، وَ أَكمِل كرَاَمتَیِ بِغُفرَانِک، وَ انظِمنِی فِی أَصحَابِ اليَمِينِ، وَ وجَهّنیِ فِی مَسَالِكِ الآمِنِينَ، وَ اجعلَنیِ فِی فَوجِ الفَائِزِينَ، وَ اعمُر بیِ مَجَالِسَ الصّالِحِينَ،آمِينَ رَبّ العَالَمِينَ.

ص: ۱۴۵۸

(۴۱)و از دعای امام علیه السلام بود، در درخواست پرده پوشی و نگهداری (از گناه و کیفر)

۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و بسترهای کرامتت را برای من بگستر و مرا در آبشخورهای رحمتت درآور و مرا در میان بهشتت جای ده و با دست رد زدن بر سینه ام، مرا خوار نساز و به ناامیدی از خود، مرا محروم نکن.

(۲) و مرا به خاطر آنچه انجام دادم، تقاص نکن و به آنچه کسب کردم، بر من سخت مگیر و رازم را آشکار مکن و (عیب) پوشیده ام را نمایان نساز و عملم را در ترازوی انصاف نگذار و حال (و چگونگی) مرا در پیش چشم بزرگان علنی نکن.

(۳) آنچه انتشارش (مایه) ننگ من می باشد را، از آنان پنهان کن و آنچه نزد تو مرا به زشتی می رساند، از آنان بپوشان.

(۴) درجه مرا به خوشنودیت، شرافت ده و به آمرزشت، کرامت مرا کامل گردان و مرا در جماعت یاران دست راست درآور و مرا به سوی راه های ایمن شدگان بفرست و در گروه رستگاران قرار ده و مجالس شایستگان را به وسیله من آباد ساز. اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

ص: ۱۴۵۹

(۴۲) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ عِندَ خَتمِ القُرآنِ

(۱) أللّهُمّ إِنّکَ أعَنتَنی عَلَی خَتمِ کِتَابِکَ ألّذِی أَنزَلتَهُ نُوراً، وَ جَعَلتَهُ مُهَیمِناً عَلَی کُلّ کِتَابٍ أَنزَلتَهُ، وَ فَضّلتَهُ عَلَی کُلّ حَدِیثٍ قَصَصتَهُ. (۲) وَ فُرقَاناً فَرَقتَ بِهِ بَینَ حَلَالِکَ وَ حَرَامِکَ، وَ قُرآناً أَعرَبتَ بِهِ عَن شَرَائِعِ أَحکَامِکَ وَ کِتَاباً فَصّلتَهُ لِعِبَادِکَ تَفصِیلًا، وَ وَحیاً أَنزَلتَهُ عَلَی نَبِیّکَ مُحَمّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیهِ وَ آلِهِ تَنزِیلًا.(۳) وَ جَعَلتَهُ نُوراً نَهتَدِی مِن ظُلَمِ الضّلَالَهِ وَ الجَهَالَهِ بِاتّبَاعِهِ، وَ شِفَاءً لِمَن أَنصَتَ بِفَهَمِ التّصدِیقِ إِلَی استِمَاعِهِ، وَ مِیزَانَ قِسطٍ لَا یَحِیفُ عَنِ الحَقّ لِسَانُهُ، وَ نُورَ هُدًی لَا یَطفَأُ عَنِ الشّاهِدِینَ بُرهَانُهُ، وَ عَلَمَ نَجَاهٍ لَا یَضِلّ مَن أَمّ قَصدَ سُنّتِهِ، وَ لاتَنَالُ أَیدِی الهَلَکَاتِ مَن تَعَلّقَ بِعُروَهِ عِصمَتِهِ.(۴) أللّهُمّ فَإِذ أَفَدتَنَا المَعُونَهَ عَلَی تِلَاوَتِهِ، وَ سَهّلتَ جَوَاسِیَ أَلسِنَتِنَا بِحُسنِ عِبَارَتِهِ،فَاجعَلنَا مِمّن یَرعَاهُ حَقّ رِعَایَتِهِ، وَ یَدِینُ لَکَ بِاعتِقَادِ التّسلِیمِ لِمُحکَمِ آیَاتِهِ، وَ یَفزَعُ إِلَی الإِقرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوضَحَاتِ بَیّنَاتِهِ.

(۴۲)و از دعای امام علیه السلام بود، هنگام به پایان رساندنِ (خواندن همه) قرآن

(۱) خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای، گواه قرار دادی و آن را بر هر سخنی که حکایت کرده ای، برتری دادی.

(۲) و (آن را) جدا کننده ای (قرار دادی) که به وسیله آن بین حلال و حرامت جدا کردی. و قرآنی که با آن راه های احکامت را روشن ساختی و کتابی که برای بندگانت با تفصیل بیان نمودی و وحیی که بر پیامبرت محمّد -که درودهای تو بر او و خاندانش باد- به تدریج نازل فرمودی.

(۳) و آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم و شفا برای کسی که با فهم و تصدیق به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، و ترازوی عدلی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود، و نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدان، خاموش نمی شود و نشانه نجاتی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود و هر که به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد.

(۴) خداوندا، پس هنگامی که ما را بر تلاوتش یاری نمودی و زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند و با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند و خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه و دلایل روشنش قرار می دهند.

(۵) أللّهُمّ إنّکَ أنزَلتَهُ عَلَی نَبِیّکَ مُحَمّدٍ صَلّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ مُجمَلًا، وَ أَلهَمتَهُ عِلمَ عَجَائِبِهِ مُکَمّلًا، وَ وَرّثتَنَا عِلمَهُ مُفَسّراً، وَ فَضّلتَنَا عَلَی مَن جَهِلَ عِلمَهُ، وَ قَوّیتَنَا عَلَیهِ لِتَرفَعَنَا فَوقَ مَن لَم یُطِق حَملَهُ.(۶) أللّهُمّ فَکَمَا جَعَلتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً، وَ عَرّفتَنَا بِرَحمَتِکَ شَرَفَهُ وَ فَضلَهُ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ الخَطِیبِ بِهِ، وَ عَلَی آلِهِ الخُزّانِ لَهُ، وَ اجعَلنَا مِمّن یَعتَرِفُ بِأَنّهُ مِن عِندِکَ حَتّی لَا یُعَارِضَنَا الشّکّ فِی تَصدِیقِهِ، وَ لَا یَختَلِجَنَا الزّیغُ عَن قَصدِ طَرِیقِهِ.(۷) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَلنَا مِمّن یَعتَصِمُ بِحَبلِهِ، وَ یَأوِی مِنَ المُتَشَابِهَاتِ إِلَی حِرزِ مَعقِلِهِ، وَ یَسکُنُ فِی ظِلّ جَنَاحِهِ، وَ یَهتَدِی بِضَوءِ صَبَاحِهِ، وَ یَقتَدِی بِتَبَلّجِ أَسفَارِهِ، وَ یَستَصبِحُ بِمِصبَاحِهِ، وَ لَا یَلتَمِسُ الهُدَی فِی غَیرِهِ.(۸) أللّهُمّ وَ کَمَا نَصَبتَ بِهِ مُحَمّداً عَلَماً لِلدّلَالَهِ عَلَیکَ، وَ أَنهَجتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرّضَا إِلَیکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَلِ القُرآنَ وَسِیلَهً لَنَا إِلَی أَشرَفِ مَنَازِلِ الکَرَامَهِ، وَ سُلّماً نَعرُجُ فِیهِ إِلَی مَحَلّ السّلَامَهِ، وَ سَبَباً نُجزَی بِهِ النّجَاهَ فِی عَرصَهِ القِیَامَهِ، وَ ذَرِیعَهً نَقدَمُ بِهَا عَلَی نَعِیمِ دَارِ المُقَامَهِ.(۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ احطُط بِالقُرآنِ عَنّا ثِقلَ الأَوزَارِ، وَ هَب لَنَا حُسنَ شَمَائِلِ الأَبرَارِ، وَ اقفُ بِنَا آثَارَ الّذِینَ قَامُوا لَکَ بِهِ آنَاءَ اللّیلِ وَ أَطرَافَ النّهَارِ حَتّی تُطَهّرَنَا مِن کُلّ دَنَسٍ بِتَطهِیرِهِ، وَ تَقفُوَ بِنَا آثَارَ الّذِینَ استَضَاءُوا بِنُورِهِ، وَ لَم یُلهِهِمُ الأَمَلُ عَنِ العَمَلِ فَیَقطَعَهُم بِخُدَعِ غُرُورِهِ.

ص: ۱۴۶۲

(۵) خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد -که درود خدا بر او و خاندانش باد-، بدون تفصیل و شرح نازل کردی و علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی و علم آن را تفسیر شده، به ما ارث دادی و ما را بر کسی که به علم آن نادان بود، برتری بخشیدی و ما را بر (دریافت) آن قوّت دادی، تا بدین سبب بر کسی که طاقت تحمّل آن را نداشت، رفعت بخشی.

(۶) خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، و به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمّد که با آن سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکّی جلودار تصدیق ما نشود و انحرافی ما را از راه راستش جدا نسازد.

(۷) خداوندا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان آن چنگ می زنند و از متشابهات به پناهگاه محکمش پناه می برند و در سایه بال آن ساکن می شوند و با نور صبحگاهش راه می یابند و به درخشش روشنایی آن اقتدا می کنند و از نور چراغ آن، روشنی می افروزند و در غیر آن هدایت را نمی جویند.

(۸) خداوندا و چنان که به وسیله قرآن، محمّد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی و به وسیله خاندانش، راه های خوشنودی به سوی خود را آشکار ساختی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت و نردبانی برای عروجمان به محل سلامت، و دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت و وسیله ای برای قدم نهادن ما بر نعمتِ سرای اقامت، قرار ده.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز و زیبایی خوهای نیکوکاران را به ما ببخش و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند، تا به پاک کنندگی آن، ما را از هر آلودگی پاک کنی و ما را در پی کسانی گردانی که از نور آن، روشنی جستند و آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد تا آنها را با نیرنگ های فریبنده اش بازدارد.

ص: ۱۴۶۳

(۱۰) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَلِ القُرآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللیَالِی مُونِساً، وَ مِن نَزَغَاتِ الشّـیطَانِ وَ خَطَرَاتِ الوَسَاوِسِ حارِساً، وَ لِأَقـدَامِنَا عَن نَقلِهَا إِلَی المعَاصِـی حَابِساً، وَ لِأَلسِـنَتِنَا عَنِ الخَوضِ فِی البَاطِلِ مِن غَیرِ مَا آفَهٍ مُخرِساً، وَ لِجَوَارِحِنَا عَنِ اقتِرَافِ الآثَامِ زَاجِراً، وَ لِمَـا طَوَتِ الغَفلَهُ عَنّـا مِن تَصَـفّحِ الِاعتِبَارِ نَاشِـراً، حَتّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمثَالِهِ الّتِی ضَـعُفَتِ الجِبَالُ الروّاسِـی عَلَی صَـلَابَتِهَا عَنِ احتِمَالِهِ.(۱۱) أللّهُـمّ صَـلّ عَلَی مُحَمّـدٍ وَ آلِـهِ، وَ أَدِم بِـالقُرآنِ صَـلَاحَ ظَاهِرِنَـا، وَ احجُـب بِـهِ خَطَرَاتِ الوَسَاوِسِ عَن صِـحّهِ ضَمَائِرِنَا، وَ اغسِل بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَائِقَ أَوزَارِنَا، وَ اجمَع بِهِ مُنتَشَرَ أُمُورِنَا، وَ أَروِ بِهِ فِی مَوقِفِ العَرضِ عَلَیکَ ظَمَـأَ هَوَاجِرِنَـا، وَ اکسُـنَا بِهِ حُلَلَ الأَمَانِ یَومَ الفَزَعِ الأَکبَرِ فِی نُشُورِنَا.(۱۲) أللّهُمّ صَـلّ عَلَی مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ اجبُر بِالقُرآنِ خَلّتَنَا مِن عَدَمِ الإِملَاقِ، وَ سُق إِلَینَا بِهِ رَغَدَ العَیشِ وَ خِصبَ سَـعَهِ الأَرزَاقِ، وَ جَنّبنَا بِهِ الضّرَائِبَ المَذمُومَهَ وَ مدَانِیَ الأَخلَاقِ، وَ اعصِمنَا بِهِ مِن هُوّهِ الکُفرِ وَ دوَاعِی النّفَـاقِ حَـتّی یَکُونَ لَنَـا فِی القِیَـامَهِ إِلَی رِضوَانِـکَ وَ جِنَانِـکَ قَائِـداً، وَ لَنَـا فِی الـدّنیَا عَن سُـخطِکَ وَ تعَـدّیَ حُدُودِکَ ذَائِداً، وَ لِمَا عِندَکَ بِتَحلِیلِ حَلَالِهِ وَ تَحرِیمِ حَرَامِهِ شَاهِداً.(۱۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَوّن بِالقُرآنِ

عِندَ المَوتِ عَلَی أَنفُسِـنَا کَربَ السّیَاقِ، وَ جَهدَ الأَنِینِ، وَ تَرَادُفَ الحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النّفُوسُ التّرَاقِیَ، وَ قِیلَ مَن رَاقٍ وَ تَجَلّی مَلَکُ المَوتِ لِقَبضِـهَا مِن حُجُبِ الغُیُوبِ، وَ رَمَاهَـا عَن قَوسِ المَنَایَـا بِأَسـهُمِ وَحشَهِ الفِرَاقِ، وَ دَافَ لَهَا مِن ذُعَافِ المَوتِ کَأساً مَسـمُومَهَ المَـذَاقِ، وَ دَنَـا مِنّـا إِلَی الآخِرَهِ رَحِیلٌ وَ انطِلَاقٌ، وَ صَارَتِ الأَعمَالُ قَلَائِـدَ فِی الأَعنَاقِ، وَ کَانَتِ القُبُورُ هِیَ المَأوَی إِلَی مِیقَاتِ یَومِ التّلَاقِ

ص: ۱۴۶۴

(۱۰) خداونـدا بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب و نگهبان ما از وسوسه های شـیطان و از انـدیشه هـای بـد، و نگهـدار گـام های ما از حرکت به سوی گناهان، و بنـد آورنـده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشـد، و مانع برای انـدام های ما از انجام گناهان، و ناشـر پنـدهایی که غفلت از دیـد ما می پوشاند، قرار ده. تا درک شـگفتی هـای آن و مَثـل های باز دارنـده اش را که کوه های اسـتوار با محکمیشان از تحمّل آن ناتواننـد، به دل های ما برسانی.

(۱۱) خداونـدا بر محمّـد و خاندانش درود فرست و با قرآن ظاهرِ نیک ما را بادوام گردان و با آن خاطره های وسوسه انگیز را از درون سـالم ما بازدار و به وسـیله آن چرکی دل هایمان و وابسـتگی های گناهانمان را بشوی و با آن کارهای پراکنـده ما را گرد آور و بـا آن تشـنگی شدیـد مـا را در جاهـای گرم در جایگـاهی کـه در پیشـگاه تـوست، سـیراب فرمـا و بـا آن مـا را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سربرمی آوریم، به جامه های امان بپوشان.

(۱۲) خداوندا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و به وسـیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشـتن نیازمندی جبران کن و به وسـیله آن، آسایش زنـدگی و توسـعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بـده و با آن ما را از خوی های نکوهیـده و اخلاق پست، دور کن. و با آن ما را از (سـقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در قیامت جلودار ما به سوی خوشنودی تو و بهشت هایت، و در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از حدودت، و شاهد ما به آنچه نزد توست به حلال دانسـتن حلالش و حرام شمردن حرامش، باشد.

(۱۳) خداونـدا بر محمّـد و خاندانش درود فرست و به وسـیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن و سـختی ناله و خرناسـه های پی درپی زمان جان کنـدن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسـد و می گویند: کجاست طبیب؟ و فرشـته مرگ برای گرفتن آن از پرده هـای پنهانی ها آشـکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جـدایی از کمان آرزوها نشانه گیرد و برای آن (جـان ها)، جامی از شوکران مرگ -که چشـیدن آن زهرآلود است- آمیخته سازد و کوچ کردن و رفتن ما به جهان دیگر نزدیک شود و اعمال، گردن بندهای در گردن ها گردد. و گورها تا هنگام قیامت، جایگاه ماندن باشد.

ص: ۱۴۶۵

(۱۴) أللّهُمّ صَلّ عَلی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ بَارِک لَنَا فِی حُلُولِ دَارِ البِلَی، وَ طُولِ المُقَامَهِ بَینَ أَطبَاقِ الثّرَی، وَ اجعَلِ القُبُورَ بَعدَ فِرَاقِ الدّنیَا خَیرَ مَنَازِلِنَا، وَ افسَح لَنَا بِرَحمَتِکَ فِی ضِیقِ مَلَاحِدِنَا، وَ لَا تَفضَحنَا فِی حَاضِرِی القِیَامَهِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا.(۱۵) وَ ارحَم بِالقُرآنِ فِی مَوقِفِ العَرضِ عَلَیکَ ذُلّ مَقَامِنَا، وَ ثَبّت بِهِ

عِندَ اضطِرَابِ جِسرِ جَهَنّمَ یَومَ المَجَازِ عَلَیهَا زَلَلَ أَقدَامِنَا، وَ نَوّر بِهِ قَبلَ البَعثِ سُدَفَ قُبُورِنَا، وَ نَجّنَا بِهِ مِن کُلّ کَربٍ یَومَ القِیَامَهِ وَ شَدَائِدِ أَهوَالِ یَومِ الطّامّهِ(۱۶) وَ بَیّض وُجُوهَنَا یَومَ تَسوَدّ وُجُوهُ الظّلَمَهِ فِی یَومِ الحَسرَهِ وَ النّدَامَهِ، وَ اجعَل لَنَا فِی صُدُورِ المُؤمِنِینَ وُدّاً، وَ لَا تَجعَلِ الحَیَاهَ عَلَینَا نَکَداً.(۱۷) أللّهُمّ صَلّ عَلی مُحَمّدٍ عَبدِکَ وَ رَسُولِکَ کَمَا بَلّغَ رِسَالَتَکَ، وَ صَدَعَ بِأَمرِکَ، وَ نَصَحَ لِعِبَادِکَ. (۱۸) أللّهُمّ اجعَل نَبِیّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَیهِ وَ عَلَی آلِهِ یَومَ القِیَامَهِ أَقرَبَ النّبِیّینَ مِنکَ مَجلِساً، وَ أَمکَنَهُم مِنکَ شَفَاعَهً، وَ أَجَلّهُم عِندَکَ قَدراً، وَ أَوجَهَهُم عِندَکَ جَاهاً.(۱۹) أللّهُمّ صَلّ عَلی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ شَرّف بُنیَانَهُ، وَ عَظّم بُرهَانَهُ، وَ ثَقّل مِیزَانَهُ، وَ تَقَبّل شَفَاعَتَهُ، وَ قَرّب وَسِیلَتَهُ، وَ بَیّض وَجهَهُ، وَ أَتِمّ نُورَهُ، وَ ارفَع دَرَجَتَهُ(۲۰) وَ أَحیِنَا عَلَی سُنّتِهِ، وَ تَوَفّنَا عَلَی مِلّتِهِ، وَ خُذ بِنَا مِنهَاجَهُ، وَ اسلُک بِنَا سَبِیلَهُ، وَ اجعَلنَا مِن أَهلِ طَاعَتِهِ، وَ احشُرنَا فِی زُمرَتِهِ، وَ أَورِدنَا حَوضَهُ، وَ اسقِنَا بِکَأسِهِ

(۱۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما مبارک گردان و قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه های ما قرار ده. و به رحمتت، تنگی لحدهایمان را برای ما گشاد گردان و ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضرانِ قیامت، رسوا نکن.

(۱۵) و بـه (برکت) قرآن، در جـای ایسـتادن که به پیشـگاهت عرضه می شـویم، بر خـواری مـا رحم کن و هنگـام لرزیـدن پل دوزخ، در آن روز کـه بر آن عبـور می کنیـم، لغزش گـام هـای مـا را بـه وسـیله آن پابرجـا گردان و پیش از برانگیخته شـدن، تاریکی قبرهایمان را با آن روشن ساز و ما را در روز رسـتاخیز از هر انـدوهی و از ترس های سـخت روز قیامت، به وسـیله آن نجات ده.

(۱۶) و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان و دوستی ما را در سینه های مؤمنان، قرار ده و زندگی را بر ما دشوار نگردان.

(۱۷) خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد و فرمانت را با صدای رسا بیان کرد و بندگانت را نصیحت کرد.

(۱۸) خداونـدا پیـامبر مـا را -که درودهای تو بر او و بر خانـدانش باد- روز رسـتاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود و بلند مرتبه ترین شفاعت کنندگان ایشان و بزرگوار ترین آنها نزد خود، و آبرومند ترین آنان نزد خود قرار ده.

(۱۹) خداونـدا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بنیاد او را شـرافت ده و برهان او را عظمت بخش و میزانش را سـنگین گردان و شفاعت او را بپذیر و دستاویزش را نزدیک نما و روسفیدش فرما و نورش را کامل ساز و درجه اش را رفیع گردان.

(۲۰) و مـا را بر سنّت او زنـده بـدار و بر آئین او بمیرانمان و ما را در راه روشن او سِیر ده و ما را به راه او ببر و از فرمانبران او قرارمان ده و ما را در گروه او محشور کن و به حوض او واردمان کن و از جام او سیرابمان ساز.

ص: ۱۴۶۷

(۲۱) وَ صَلِّ أللّهُمّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَاةً تُبَلّغُهُ بِهَا أَفضَلَ مَا يَأمُلُ مِن خَيرِكَ وَ فَضلِكَ وَ كَرَامَتِكَ،إِنّكَ ذُو رَحمَةٍ وَاسِعَةٍ، وَ فَضلٍ كَرِيمٍ.(۲۲) أللّهُمّ اجزِهِ بِمَا بَلّغَ مِن رِسَالَاتِكَ، وَ أَدّى مِن آيَاتِكَ، وَ نَصَحَ لِعِبَادِكَ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ،أَفضَلَ مَا جَزَيتَ أَحَداً مِن مَلَائِكَتِكَ المُقَرّبِينَ، وَ أَنبِيَائِكَ المُرسَلِينَ المُصطَفَينَ، وَ السّلَامُ عَلَيهِ وَ عَلَى آلِهِ الطّيّبِينَ الطّاهِرِينَ وَ رَحمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

ص: ۱۴۶۸

(۲۱) خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرست. درودی کـه بـا آن او را بـه برتریـن خیر و فضـل و کرامـتی که آرزو دارد، برسانی. که تو دارای رحمت گسترده و بخشش کریمان هستی.

(۲۲) خداونـدا او را به سبب اینکه پیـام هـای تو را ابلاـغ نمود و آیه هایت را رسانـد و بنـدگانت را نصیحت کرد و در راه تو مجاهـدت کرد، پاداش ده. بهترین پاداشـی که به یکی از فرشـتگان نزدیک خود و پیامبران فرسـتاده شده برگزیده ات دادی. و درود و رحمت و برکات فزاینده خداوند، بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.

ص: ۱۴۶۹

(۴۳) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الهِلَالِ

(۱)أَيّهَا الخَلقُ المُطِيعُ،الدّائِبُ السّرِيعُ،المُتَرَدّدُ فِي مَنَازِلِ التّقدِيرِ،المُتَصَرّفُ فِي فَلَكِ التّدبِيرِ.(۲)آمَنتُ بِمَن نَوّرَ بِكَ الظّلَمَ، وَ أَوضَحَ بِكَ البُهَمَ، وَ جَعَلَكَ آيَةً مِن آيَاتِ مُلكِهِ، وَ عَلَامَةً مِن عَلَامَاتِ سُلطَانِهِ، وَ امتَهَنَكَ بِالزّيَادَةِ وَ النّقصَانِ، وَ الطّلُوعِ وَ الأُفُولِ، وَ الإِنَارَةِ وَ الكُسُوفِ، فِي كُلّ ذَلِكَ أَنتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَ إِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ(۳)سُبحَانَهُ مَا أَعجَبَ مَا دَبّرَ فِي أَمرِكَ وَ أَلطَفَ مَا صَنَعَ فِي شَأنِكَ جَعَلَكَ مِفتَاحَ شَهرٍ حَادِثٍ لِأَمرٍ حَادِثٍ(۴)فَأَسأَلُ اللّهَ رَبّي وَ رَبّكَ، وَ خَالِقِي وَ خَالِقَكَ، وَ مُقَدّرِي وَ مُقَدّرَكَ، وَ مُصَوّرِي وَ مُصَوّرَكَ أَن يُصَلّيَ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَن يَجعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَةٍ لَا تَمحَقُهَا الأَيّامُ، وَ طَهَارَةٍ لَا تُدَنّسُهَا الآثَامُ(۵)هِلَالَ أَمنٍ مِنَ الآفَاتِ، وَ سَلَامَةٍ مِنَ السّيّئَاتِ،هِلَالَ سَعدٍ لَا نَحسَ فِيهِ، وَ يُمنٍ لَا نَكَدَ مَعَهُ، وَ يُسرٍ لَا يُمَازِجُهُ عُسرٌ، وَ خَيرٍ لَا يَشُوبُهُ شَرّ،هِلَالَ أَمنٍ وَ إِيمَانٍ وَ نِعمَةٍ وَ إِحسَانٍ وَ سَلَامَةٍ وَ إِسلَامٍ.

(۴۳)و از دعای امام - که بر او درود باد- بود، هنگامی که به سوی ماه نو نگاه کرد

(۱) ای آفریده فرمانبردار، و کوشای شتابنده، که در منزل های قرار داده شده، آمد و شد می کنی و در فلک تدبیر تصرّف می کنی.

(۲) ایمان آوردم به کسی که به وسیله تو ظلمت ها را نورانی ساخت و با تو مبهمات را واضح نمود و تو را نشانه ای از نشانه های پادشاهی اش و علامتی از علامت های سلطنتش قرار داد و تو را با فزونی و کاستی، و طلوع و غروب، و نور فشانی و گرفتگی، به خدمت گرفت. و در همه آن حالات، تو مطیع او هستی و به سوی خواسته اش، شتابنده ای.

(۳) پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود! و چقدر لطیف است، آن صنعتی که درباره کار تو انجام داد! تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داد.

(۴) پس از خدایی که پروردگار من و پروردگار تو، و آفریننده من و آفریننده تو، و تقدیر کننده من و تقدیر کننده تو، و صورتگر من و صورتگر تو است، درخواست می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد و تو را ماه با برکتی قرار دهد، که (گذشت) روزها از بینش نبرد و طهارتی که گناهان آن را آلوده نکند.

(۵) ماه ایمنی از آفت ها و سلامتی از بدی ها، ماه سعادتمندی بی تیره بختی، و برکتی بی گرفتاری با آن، و آسانی نیامیخته با دشواری، و خیر ناآلوده با شرّ، ماه ایمنی و ایمان و نعمت و احسان و سلامت و اسلام.

ص: ۱۴۷۱

(۶) أللّهُمّ صَلّ عَلی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَلنَا مِن أَرضَی مَن طَلَعَ عَلَیهِ، وَ أَزکَی مَن نَظَرَ إِلَیهِ، وَ أَسعَدَ مَن تَعَبّدَ لَکَ فِیهِ، وَ وَفّقنَا فِیهِ لِلتّوبَهِ، وَ اعصِمنَا فِیهِ مِنَ الحَوبَهِ، وَ احفَظنَا فِیهِ مِن مُبَاشَرَهِ مَعصِیَتِکَ(۷) وَ أَوزِعنَا فِیهِ شُکرَ نِعمَتِکَ، وَ أَلبِسنَا فِیهِ جُنَنَ العَافِیَهِ، وَ أَتمِم عَلَینَا بِاستِکمَالِ طَاعَتِکَ فِیهِ المِنّهَ،إِنّکَ المَنّانُ الحَمِیدُ، وَ صَلّی اللّهُ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ الطّیّبِینَ الطّاهِرِینَ.

ص: ۱۴۷۲

(۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از خوشنودترین کسانی که ماه بر او طلوع کرده و پاک ترین کسانی که به سوی آن نگریسته(انـد) و نیکبخت ترین کسانی که تو را در آن (ماه) بنـدگی نموده(انـد)، قرار ده و ما را در آن برای توبه توفیق ده و ما را در آن از گناه حفظ کن و ما را در آن از انجام دادن نافرمانی ات نگهدار.

(۷) و در آن (ماه) شکر نعمتت را به ما الهام کن و در آن پوشش های عافیت را به ما بپوشان و با کامل کردن طاعتت در آن، نعمت را بر ما تمام گردان. به درستی که تو بسیار نعمت دهنده و ستوده ای. و خدا بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.

ص: ۱۴۷۳

(۴۴) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السَّلَامُ إِذَا دَخَلَ شَهرُ رَمَضَانَ

(۱)الحَمدُ لِلّهِ الّذِی هَدَانَا لِحَمدِهِ، وَ جَعَلَنَا مِن أَهلِهِ لِنَكُونَ لِإِحسَانِهِ مِنَ الشّاكِرِينَ، وَ لِيَجزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ المُحسِنِينَ(۲) وَ الحَمدُ لِلّهِ الّذِی حَبَانَا بِدِينِهِ، وَ اختَصّنَا بِمِلّتِهِ، وَ سَبّلَنَا فِی سُبُلِ إِحسَانِهِ لِنَسلُكَهَا بِمَنّهِ إِلَى رِضوَانِهِ،حَمداً يَتَقَبّلُهُ مِنّا، وَ يَرضَى بِهِ عَنّا(۳) وَ الحَمدُ لِلّهِ الّذِی جَعَلَ مِن تِلكَ السّبُلِ شَهرَهُ شَهرَ رَمَضَانَ،شَهرَ الصّيَامِ، وَ شَهرَ الإِسلَامِ، وَ شَهرَ الطّهُورِ، وَ شَهرَ التّمحِيصِ، وَ شَهرَ القِيَامِ الّذِی أُنزِلَ فِيهِ القُرآنُ،هُدًى لِلنّاسِ، وَ بَيّنَاتٍ مِنَ الهُدَى وَ الفُرقَانِ(۴)فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الحُرُمَاتِ المَوفُورَهِ، وَ الفَضَائِلِ المَشهُورَهِ،فَحَرّمَ فِيهِ مَا أَحَلّ فِی غَيرِهِ إِعظَاماً، وَ حَجَرَ فِيهِ المَطَاعِمَ وَ المَشَارِبَ إِكرَاماً، وَ جَعَلَ لَهُ وَقتاً بَيّناً لَا يُجِيزُ جَلّ وَ عَزّ أَن يُقَدّمَ قَبلَهُ، وَ لَا يَقبَلُ أَن يُؤَخّرَ عَنهُ.(۵) ثُمّ فَضّلَ لَيلَهً وَاحِدَهً مِن لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِی أَلفِ شَهرٍ، وَ سَمّاهَا لَيلَهَ القَدرِ،تَنَزّلُ المَلَائِكَهُ وَ الرّوحُ فِيهَا بِإِذنِ رَبّهِم مِن كُلّ أَمرٍ سَلَامٌ،دَائِمُ البَرَكَهِ إِلَى طُلُوعِ الفَجرِ عَلَى مَن يَشَاءُ مِن عِبَادِهِ بِمَا أَحكَمَ مِن قَضَائِهِ.

ص: ۱۴۷۴

(۴۴)و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که ماه رمضان رسید

(۱) سپاس خدای را که ما را برای سپاس گزاری اش راهنمایی فرمود، و از اهل سپاس قرار داد. تا برای احسانش از شکرگزاران باشیم و ما را بر آن، پاداش نیکوکاران دهد.

(۲) و سپاس خدای را که دین خود را به ما هدیه کرد، و ما را به آئین خویش اختصاص داد، و در راه های احسانش، ما را راهی نمود، تا در آن (راه ها)، به وسیله نعمتش به سوی خوشنودی اش رویم. سپاسی که آن را از ما بپذیرد و به سبب آن از ما خوشنود شود.

(۳) و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه روزه و ماه اسلام و ماه پاکی و ماه پاکسازی و ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فرو فرستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حقّ از باطل) است.

(۴) پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به حرمت های فراوان و فضایل مشهور آشکار ساخت. پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد و از جهت گرامی داشتش، خوردنی ها و آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود و نمی پذیرد که از آن وقت به تأخیر افتد.

(۵) آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد، و آن را شب قدر نامید. که در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، بر هر یک از بندگانش که بخواهد، با آنچه از تقدیرش که محکم نموده، برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده دم دوام دارد.

ص: ۱۴۷۵

(۶) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَلهِمنَا مَعرِفَهَ فَضلِهِ وَ إِجلَالَ حُرمَتِهِ، وَ التّحَفّظَ مِمّا حَظَرتَ فِيهِ، وَ أَعِنّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفّ الجَوَارِحِ عَن مَعَاصِيكَ، وَ استِعمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرضِيكَ حَتّى لَا نُصغِيَ بِأَسمَاعِنَا إِلَى لَغوٍ، وَ لَا نُسرِعَ بِأَبصَارِنَا إِلَى لَهوٍ(۷) وَ حَتّى لَا نَبسُطَ أَيدِيَنَا إِلَى مَحظُورٍ، وَ لَا نَخطُوَ بِأَقدَامِنَا إِلَى مَحجُورٍ، وَ حَتّى لَا تَعِيَ بُطُونُنَا إِلّا مَا أَحلَلتَ، وَ لَا تَنطِقَ أَلسِنَتُنَا إِلّا بِمَا مَثّلتَ، وَ لَا نَتَكَلّفَ إِلّا مَا يُدنِي مِن ثَوَابِكَ، وَ لَا نَتَعَاطَى إِلّا ألّذِي يَقِي مِن عِقَابِكَ، ثُمّ خَلّص ذَلِكَ كُلّهُ مِن رِئَاءِ المُرَائِينَ، وَ سُمعَهِ المُسمِعِينَ، لَا نُشرِكُ فِيهِ أَحَداً دُونَكَ، وَ لَا نَبتَغِي فِيهِ مُرَاداً سِوَاكَ.(۸) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ قِفنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصّلَوَاتِ الخَمسِ بِحُدُودِهَا التّي حَدّدتَ، وَ فُرُوضِهَا التّي فَرَضتَ، وَ وَظَائِفِهَا التّي وَظّفتَ، وَ أَوقَاتِهَا التّي وَقّتّ(۹) وَ أَنزِلنَا فِيهَا مَنزِلَهَ المُصِيبِينَ لِمَنَازِلِهَا،الحَافِظِينَ لِأَركَانِهَا،المُؤَدّينَ لَهَا فِي أَوقَاتِهَا عَلَى مَا سَنّهُ عَبدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيهِ وَ آلِهِ فِي رُكُوعِهَا وَ سُجُودِهَا وَ جَمِيعِ فَوَاضِلِهَا عَلَى أَتَمّ الطّهُورِ وَ أَسبَغِهِ، وَ أَبيَنِ الخُشُوعِ وَ أَبلَغِهِ.(۱۰) وَ وَفّقنَا فِيهِ لِأَن نَصِلَ أَرحَامَنَا بِالبِرّ وَ الصّلَهِ، وَ أَن نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالإِفضَالِ وَ العَطِيّهِ، وَ أَن نُخَلّصَ أَموَالَنَا مِنَ التّبِعَاتِ، وَ أَن نُطَهّرَهَا بِإِخرَاجِ الزّكَوَاتِ، وَ أَن نُرَاجِعَ مَن هَاجَرَنَا، وَ أَن نُنصِفَ مَن ظَلَمَنَا، وَ أَن نُسَالِمَ مَن عَادَانَا حَاشَى مَن عُودِيَ فِيكَ وَ لَكَ،فَإِنّهُ العَدُوّ ألّذِي لَا نُوَالِيهِ، وَ الحِزبُ ألّذِي لَا نُصَافِيهِ.

(۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و شناختِ فضیلتش، و بزرگداشتِ احترامش، و خویشتن داری از آنچه را که در آن حرام نموده ای، به ما الهام کن. و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما. تا با گوش هایمان هیچ لغوی گوش ندهیم، و با چشم ها یمان به سوی هیچ لهوی نشتابیم.

(۷) و تا دست هایمان را به سوی هیچ ممنوعی دراز نکنیم، و با پاهایمان به سوی هیچ حرامی نرویم، و تا شکم هایمان جز آنچه تو حلال نموده ای در خود جای ندهد، و زبان هایمان جز به آنچه تو بیان کرده ای، سخن نگوید. و خود را جز در آنچه به پاداش تو نزدیک کند، به رنج نیندازیم، و جز آنچه از کیفر تو نگاه دارد، انجام ندهیم. سپس همه آن را از خودنمایی ریاکاران و شهرت جویی شهرت طلبان، خالص گردان. که احدی را در آن با تو شریک نسازیم و جز تو در آن مرادی را نطلبیم.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و واجباتش که واجب کردی و وظایف آن که معین نمودی و اوقاتش که تعیین گرداندی، آگاه فرما.

(۹) و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که مراتبش را درک کرده اند، ارکانش را محافظت نموده اند، و آن را در اوقات خود -به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو]که درودهایت بر او و خاندانش باد[در رکوع و سجود آن و همه فضیلت هایش قرار داد- با پاکی تمام و فراگیر، و روشن ترین و نهایی ترین خشوع به جا آورده اند.

(۱۰) و ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم و با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم. و دارایی هایمان را از مظالم خالص گردانیم و آن را با بیرون کردن زکات ها پاک کنیم و به کسی که از ما دوری نموده، بازگردیم و با کسی که به ما ظلم نموده، منصفانه رفتار کنیم و با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی شده. که او دشمنی است که با او دوستی نمی کنیم و حزبی است که با او صمیمی نمی شویم.

ص: ۱۴۷۷

(۱۱) وَ أَن نَتَقَرّبَ إِلَيكَ فِيهِ مِنَ الأعمَالِ الزّاكِيهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذّنُوبِ، وَ تَعصِمُنَا فِيهِ مِمّا نَستَأنِفُ مِنَ العُيُوبِ، حَتّى لَا يُورِدَ عَلَيكَ أَحَدٌ مِن مَلَائِكَتِكَ إِلّا دُونَ مَا نُورِدُ مِن أَبوَابِ الطّاعَهِ لَکَ، وَ أَنوَاعِ القُربَهِ إِلَيکَ.(۱۲) أَللّهُمّ إِنِيّ أَسأَلُكَ بِحَقّ هَذَا الشّهرِ، وَ بِحَقّ مَن تَعَبّدَ لَکَ فِيهِ مِن ابتِدَائِهِ إِلَى وَقتِ فَنَائِهِ مِن مَلَكٍ قَرّبتَهُ، أَو نبیٍ أَرسَلتَهُ، أَو عَبدٍ صَالِحٍ اختَصَصتَهُ، أَن تصَلّيَ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَهّلنَا فِيهِ لِمَا وَعَدتَ أَولِيَاءَكَ مِن كَرَامَتِکَ، وَ أَوجب لَنَا فِيهِ مَا أَوجَبتَ لِأَهلِ المُبَالَغَهِ فِی طَاعَتِکَ، وَ اجعَلنَا فِی نَظم مَن استَحَقّ الرّفِيعَ الأَعلَى بِرَحمَتِکَ.(۱۳) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ جَنّبنَا الإِلحَادَ فِی تَوحِيدِکَ، وَ التّقصِيرَ فِی تَمجِيدِکَ، وَ الشّکّ فِی دِينِکَ، وَ العَمَى عَن سَبِيلِکَ، وَ الإِغفَالَ لِحُرمَتِکَ، وَ الِانخِدَاعَ لِعَدُوّکَ الشّيطَانِ الرّجِيمِ(۱۴) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ إِذَا كَانَ لَکَ فِی كُلّ لَيلَهٍ مِن لَيَالِي شَهرِنَا هَذَا رِقَابٌ يُعتِقُهَا عَفوُکَ، أَو يَهَبُهَا صَفحُکَ فَاجعَل رِقَابَنَا مِن تِلکَ الرّقَابِ، وَ اجعَلنَا لِشَهرِنَا مِن خَيرِ أَهلٍ وَ أَصحَابٍ.(۱۵) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ امحَق ذُنُوبَنَا مَعَ امّحَاقِ هِلَالِهِ، وَ اسلَخ عَنّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انسِلَاخِ أَيّامِهِ حَتّى ينَقضِيَ عَنّا وَ قَد صَفّيتَنَا فِيهِ مِنَ الخَطِيئَاتِ، وَ أَخلَصتَنَا فِيهِ مِنَ السّيّئَاتِ.(۱۶) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ إِن مِلنَا فِيهِ فَعَدّلنَا، وَ إِن زُغنَا فِيهِ فَقَوّمنَا، وَ إِنِ اشتَمَلَ عَلَينَا عَدُوّکَ الشّيطَانُ فَاستَنقِذنَا مِنهُ.

ص: ۱۴۷۸

(۱۱) و در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی و از آلوده شدن به عیب های تازه در این (ماه) ما را نگهداری کنی. تا هیچ یک از فرشتگانت به درگاهت نیاورد، مگر کمتر از طاعت های گوناگون برای تو و انواع تقرّبی که به سوی تو انجام می دهیم.

(۱۲) خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ این ماه و به حقّ کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرّب ساختی، یا پیامبری که او را فرستادی یا بنده صالحی که او را برگزیدی، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده ای، سزاوار نما و برای ما در این (ماه)، آنچه برای کوشش گران در طاعتت لازم کرده ای، لازم گردان و ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحقّ بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از کجروی در یگانگی ات و کوتاهی در بزرگ داشتنت و شکّ در دینت و کوری از راهت و سهل انگاری حرمتت و فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان.

(۱۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می کند، یا گذشتت ایشان را می بخشد، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده. و ما را برای ماه مان از بهترین خویشان و یاران قرار ده.

(۱۵) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن و با گذشتن روزهایش سختی ها یمان را از ما بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که ما را در آن از خطاها پاکیزه ساخته ای و در این (ماه) از بدی ها خالصمان نموده ای.

(۱۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و اگر در آن کجروی کرده ایم، پس ما را بازگردان و اگر در آن منحرف شده ایم، ما را استوار بدار. و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده.

ص: ۱۴۷۹

(۱۷) أللّهُمّ اشحَنهُ بِعِبَادَتِنَا إِيّاکَ، وَ زَيّن أَوقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَکَ، وَ أَعِنّا فِی نَهَارِهِ عَلَی صِيَامِهِ، وَ فِی لَيلِهِ عَلَی الصّلَاهِ وَ التّضَرّعِ إِلَيکَ، وَ الخُشُوعِ لَکَ، وَ الذّلّهِ بَينَ يَدَيکَ حَتّی لَا يَشهَدَ نَهَارُهُ عَلَينَا بِغَفلَهٍ، وَ لَا لَيلُهُ بِتَفرِيطٍ. (۱۸) أللّهُمّ وَ اجعَلنَا فِی سَائِرِ الشّهُورِ وَ الأَيّامِ كَذَلِکَ مَا عَمّرتَنَا، وَ اجعَلنَا مِن عِبَادِکَ الصّالِحِينَ الّذِينَ يَرِثُونَ الفِردَوسَ هُم فِيهَا خَالِدُونَ، وَ الّذِينَ يُؤتُونَ مَا آتَوا وَ قُلُوبُهُم وَجِلَهٌ،أَنّهُم إِلَی رَبّهِم رَاجِعُونَ، وَ مِنَ الّذِينَ يُسَارِعُونَ فِی الخَيرَاتِ وَ هُم لَهَا سَابِقُونَ.(۱۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، فِی كُلّ وَقتٍ وَ كُلّ أَوَانٍ وَ عَلَی كُلّ حَالٍ عَدَدَ مَا صَلّيتَ عَلَی مَن صَلّيتَ عَلَيهِ، وَ أَضعَافَ ذَلِکَ كُلّهِ بِالأَضعَافِ الّتِی لَا يُحصِيهَا غَيرُکَ،إِنّکَ فَعّالٌ لِمَا تُرِيدُ.

(۱۷) خداوندا این (ماه) را از عبادت های ما، پر گردان و اوقاتش را به طاعت ما برای خود، زینت ده و ما را در روزش به روزه داری آن و در شبش بر نماز و زاری به درگاهت و خشوع برای تو و خواری در پیشگاهت، یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت و شبش به کوتاهی نمودن گواهی ندهد.

(۱۸) خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده و ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که بهشت را ارث می برند، و در آن جاودانند و آنان که آنچه را بخشیدند، در حالی می بخشند که دل هایشان از بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است و از آنان که در نیکی ها می شتابند و ایشان برای آن پیشی می گیرند.

(۱۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، در هر وقت و هر آن و بر هر حال. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده ای، و چندین برابر همه آن به چندین برابر که جز تو شمار آنها را نداند. به درستی که تو هر آنچه را که بخواهی، به جا می آوری.

ص: ۱۴۸۱

(۴۵) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی وَدَاعِ شَهرِ رَمَضَانَ

(۱) أَللّهُمّ يَا مَن لَا يَرغَبُ فِی الجَزَاءِ(۲) وَ يَا مَن لَا يَندَمُ عَلَی العَطَاءِ(۳) وَ يَا مَن لَا يُكَافِئُ عَبدَهُ عَلَی السّوَاءِ.(۴)مِنّتُكَ ابتِدَاءٌ، وَ عَفوُكَ تَفَضّلٌ، وَ عُقُوبَتُكَ عَدلٌ، وَ قَضَاؤُكَ خِيَرَةٌ(۵) إِن أَعطَيتَ لَم تَشُب عَطَاءَكَ بِمَنّ، وَ إِن مَنَعتَ لَم يَكُن مَنعُكَ تَعَدّياً.(۶)تَشكُرُ مَن شَكَرَكَ وَ أَنتَ أَلهَمتَهُ شُكرَكَ.(۷) وَ تُكَافِئُ مَن حَمِدَكَ وَ أَنتَ عَلّمتَهُ حمدَكَ.(۸)تَستُرُ عَلَی مَن لَو شِئتَ فَضَحتَهُ، وَ تَجُودُ عَلَی مَن لَو شِئتَ مَنَعتَهُ، وَ كِلَاهُمَا أَهلٌ مِنكَ لِلفَضِيحَهِ وَ المَنعِ غَيرَ أَنّكَ بَنَيتَ أَفعَالَكَ عَلَی التّفَضّلِ، وَ أَجرَيتَ قُدرَتَكَ عَلَی التّجَاوُزِ. (۹) وَ تَلَقّيتَ مَن عَصَاكَ بِالحِلمِ، وَ أَمهَلتَ مَن قَصَدَ لِنَفسِهِ بِالظّلمِ،تَستَنظِرُهُم بِأَنَاتِكَ إِلَی الإِنَابَهِ، وَ تَترُكُ مُعَاجَلَتَهُم إِلَی التّوبَهِ لِكَيلَا يَهلِكَ عَلَيكَ هَالِكُهُم، وَ لَا يَشقَی بِنِعمَتِكَ شَقِيّهُم إِلّا عَن طُولِ الإِعذَارِ إِلَيهِ، وَ بَعدَ تَرَادُفِ الحُجّهِ عَلَيهِ،كَرَماً مِن عَفوِكَ يَا كَرِيمُ، وَ عَائِدَهً مِن عَطفِكَ يَا حَلِيمُ.

ص: ۱۴۸۲

(۴۵)و از دعای امام علیه السلام بود، در خداحافظی و بدرود ماه رمضان

(۱) خداوندا ای کسی که پاداش نمی خواهد.

(۲) و ای کسی که بر عطا (و بخشش) پشیمان نمی شود.

(۳) و ای کسی که بنده خود را همسان (عملش) جزا نمی دهد.

(۴) بخشش تو ابتدا(یی و بدون مقدّمه) و بخشایشت از روی تفضّل است، و کیفرت از روی عدل، و فرمانت خیر است.

(۵) اگر عطا کنی، عطایت را با منّت نیامیخته ای و اگر منع کنی، منع داشتنت از روی ستم نیست.

(۶) هر که تو را شکر کرد، قدردانی کنی و حال آنکه شکرگزاری را تو به او الهام کرده ای.

(۷) و هر که تو را سپاس گزارد، جزا دهی و حال آنکه سپاس گزاری را تو به او آموخته ای.

(۸) می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی، و می بخشی بر کسی که اگر می خواستی، محرومش می کردی. و حال آنکه هر دو از جانب تو سزاوار رسوایی و محرومیّتند. مگر آنکه تو کارهایت را بر تفضّل قرار داده ای و قدرتت را بر گذشت، جاری ساخته ای.

(۹) و با کسی که نافرمانی ات را نموده، با بردباری رفتار می کنی و کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای. با حوصله اتْ منتظر بازگشت ایشان می مانی و تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا هلاک شونده ایشان، به خاطر تو هلاک نشود و بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او و پس از حجّت های پیاپی آوردن بر او. که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم!. و سودی از مهربانی توست، ای بردبار!.

ص: ۱۴۸۳

(۱۰) أَنتَ أَلّذِی فَتَحتَ لِعِبَادِکَ بَاباً إِلَی عَفوِکَ، وَ سَمّیتَهُ التّوبَهَ، وَ جَعَلتَ عَلَی ذَلِکَ البَابِ دَلِیلًا مِن وَحیِکَ لِئَلّا یَضِلّوا عَنهُ،فَقُلتَ تَبَارَکَ اسمُکَ تُوبُوا إِلَی اللّهِ تَوبَهً نَصُوحاً عَسَی رَبّکُم أَن یُکَفّرَ عَنکُم سَیّئَاتِکُم وَ یُدخِلَکُم جَنّاتٍ تَجرِی مِن تَحتِهَا الأَنهَارُ.(۱۱) یَومَ لَا یُخزِی اللّهُ النّبِیّ وَ الّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ،نُورُهُم یَسعَی بَینَ أَیدِیهِم وَ بِأَیمَانِهِم،یَقُولُونَ رَبّنَا أَتمِم لَنَا نُورَنَا، وَ اغفِر لَنَا،إِنّکَ عَلَی کُلّ شَیءٍ قَدِیرٌ.فَمَا عُذرُ مَن أَغفَلَ دُخُولَ ذَلِکَ المَنزِلِ بَعدَ فَتحِ البَابِ وَ إِقَامَهِ الدّلِیلِ(۱۲) وَ أَنتَ أَلّذِی زِدتَ فِی السّومِ عَلَی نَفسِکَ لِعِبَادِکَ،تُرِیدُ رِبحَهُم فِی مُتَاجَرَتِهِم لَکَ، وَ فَوزَهُم بِالوِفَادَهِ عَلَیکَ، وَ الزّیَادَهِ مِنکَ،فَقُلتَ تَبَارَکَ اسمُکَ وَ تَعَالَیتَ مَن جَاءَ بِالحَسَنَهِ فَلَهُ عَشرُ أَمثَالِهَا، وَ مَن جَاءَ بِالسّیّئَهِ فَلَا یُجزَی إِلّا مِثلَهَا.(۱۳) وَ قُلتَ مَثَلُ الّذِینَ یُنفِقُونَ أَموَالَهُم فِی سَبِیلِ اللّهِ کَمَثَلِ حَبّهٍ أَنبَتَت سَبعَ سَنَابِلَ فِی کُلّ سُنبُلَهٍ مِائَهُ حَبّهٍ، وَ اللّهُ یُضَاعِفُ لِمَن یَشَاءُ، وَ قُلتَ مَن ذَا أَلّذِی یُقرِضُ اللّهَ قَرضاً حَسَناً فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضعَافاً کَثِیرَهً. وَ مَا أَنزَلتَ مِن نَظَائِرِهِنّ فِی القُرآنِ مِن تَضَاعِیفِ الحَسَنَاتِ.(۱۴) وَ أَنتَ أَلّذِی دَلَلتَهُم بِقَولِکَ مِن غَیبِکَ وَ تَرغِیبِکَ أَلّذِی فِیهِ حَظّهُم عَلَی مَا لَو سَتَرتَهُ عَنهُم لَم تُدرِکهُ أَبصَارُهُم، وَ لَم تَعِهِ أَسمَاعُهُم، وَ لَم تَلحَقهُ أَوهَامُهُم،فَقُلتَ اذکُرُونِی أَذکُرکُم، وَ اشکُرُوا لِی وَ لَا تَکفُرُونِ، وَ قُلتَ لَئِن شَکَرتُم لَأَزِیدَنّکُم، وَ لَئِن کَفَرتُم إِنّ عَذَابِی لَشَدِیدٌ.

(۱۰) تویی آنکه برای بنـدگانت، دری بـه سـوی بخشـایشت گشـوده ای و آن را تـوبه نامیـده ای، و بر آن درْ از وحی خـود، راهنمـایی قرار داده ای تا از آن گمراه نشونـد. پس تو که نامت مبارک است، فرمودی: «به سوی خـدا توبه کنیـد. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است.

(۱۱) روزی که خداونـد، پیـامبر و کسـانی که به او ایمان آورده انـد را خوار نمی کنـد. نورشان پیش رو و از سـمت راسـتشان حرکت می کنـد، گوینـد: «پروردگـارا، نورمـان را برای مـا کامـل گردان و ما را بیامرز. به درستی که تو بر هر چیزی توانایی.» پس -بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما- عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!

(۱۲) و تویی آنکه در داد و ستد با بندگانت، در بهای آن بر خود افزوده ای. می خواهی در تجارت کردنشان با تو، سود برند و در آمـدن به سوی تو و افزونی یـافتن از جـانب تو، رسـتگار شونـد. پس تو که نامت مبارک و بلنـدمرتبه است، فرمودی: «هر کس کار نیکی به جا آورَد، پس برای او ده برابر آن است و هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده نمی شود.»

(۱۳) و فرمـودی: «داسـتان کسـانی کـه دارایی هایشـان را در راه خـدا می بخشـند، ماننـد داسـتان دانـه ایسـت که هفت خوشـه رویانـده، که در هر خوشه صـد دانه باشـد و خـدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.» و فرمودی: «کیست آنکه به خدا وام دهـد، وامی نیکو. که خـدا آن را برایش به چنـدین و چنـد برابر افزون نمایـد؟.» و مانند های آن (آیه هایی) که از افزایش های نیکی ها در قرآن فرو فرستادی.

(۱۴) و تویی آنکه ایشـان را بـا سـخن غیبی خود و با ترغیب نمودنت که بهره آنان را دربر دارد، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشانـدی دیدگانشان آن را در نمی یافت، و گوش هایشان آن را فرا نمی گرفت و اندیشه هایشان به آن نمی رسـید. پس فرمودی: «مرا یاد کنیـد تا شـما را یاد کنم و مرا شـکر گزاریـد و مرا کفران نکنید.» و فرمودی: «اگر شـکر گزارید، شما را فزونی دهم و اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است.»

ص: ۱۴۸۵

(۱۵) وَ قُلتَ ادعوُنِی أَستَجِب لَکُم، إِنّ الّذِینَ یَستَکبِرُونَ عَن عِبَادَتِی سَیَدخُلُونَ جَهَنّمَ دَاخِرِینَ،فَسَمّیتَ دُعَاءَکَ عِبَادَةً، وَ تَرکَهُ استِکبَاراً، وَ تَوَعّدتَ عَلَی تَرکِهِ دُخُولَ جَهَنّمَ دَاخِرِینَ.(۱۶)فَذَکَرُوکَ بِمَنّکَ، وَ شَکَرُوکَ بِفَضلِکَ، وَ دَعَوکَ بِأَمرِکَ، وَ تَصَدّقُوا لَکَ طَلَباً لِمَزِیدِکَ، وَ فِیهَا کَانَت نَجَاتُهُم مِن غَضَبِکَ، وَ فَوزُهُم بِرِضَاکَ.(۱۷) وَ لَو دَلّ مَخلُوقٌ مَخلُوقاً مِن نَفسِهِ عَلَی مِثلِ الّذِی دَلَلتَ عَلَیهِ عِبَادَکَ مِنکَ کَانَ مَوصُوفاً بِالإِحسَانِ، وَ مَنعُوتاً بِالِامتِنَانِ، وَ مَحمُوداً بِکُلّ لِسَانٍ،فَلَکَ الحَمدُ مَا وُجِدَ فِی حَمدِکَ مَذهَبٌ، وَ مَا بقَیِ‌َ لِلحَمدِ لَفظٌ تُحمَدُ بِهِ، وَ مَعنًی یَنصَرِفُ إِلَیهِ.(۱۸) یَا مَن تَحَمّدَ إِلَی عِبَادِهِ بِالإِحسَانِ وَ الفَضلِ، وَ غَمَرَهُم بِالمَنّ وَ الطّولِ، مَا أَفشَی فِینَا نِعمَتَکَ، وَ أَسبَغَ عَلَینَا مِنّتَکَ، وَ أَخَصّنَا بِبِرّکَ(۱۹)هَدَیتَنَا لِدِینِکَ الّذِی اصطَفَیتَ، وَ مِلّتِکَ التّیِ ارتَضَیتَ، وَ سَبِیلِکَ الّذِی سَهّلتَ، وَ بَصّرتَنَا الزّلفَةَ لَدَیکَ، وَ الوُصُولَ إِلَی کَرَامَتِکَ(۲۰) اللّهُمّ وَ أَنتَ جَعَلتَ مِن صَفَایَا تِلکَ الوَظَائِفِ، وَ خَصَائِصِ تِلکَ الفُرُوضِ شَهرَ رَمَضَانَ الّذِی اختَصَصتَهُ مِن سَائِرِ الشّهُورِ، وَ تَخَیّرتَهُ مِن جَمِیعِ الأَزمِنَةِ وَ الدّهُورِ، وَ آثَرتَهُ عَلَی کُلّ أَوقَاتِ السّنَةِ بِمَا أَنزَلتَ فِیهِ مِنَ القُرآنِ وَ النّورِ، وَ ضَاعَفتَ فِیهِ مِنَ الإِیمَانِ، وَ فَرَضتَ فِیهِ مِنَ الصّیَامِ، وَ رَغّبتَ فِیهِ مِنَ القِیَامِ، وَ أَجلَلتَ فِیهِ مِن لَیلَةِ القَدرِ التّیِ هیِ‌َ خَیرٌ مِن أَلفِ شَهرٍ.

(۱۵) و فرمودی: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. همانا کسانی که از عبادت من کبر می ورزند، به زودی با خواری داخل جهنّم خواهند شد.» پس دعا کردن را عبادت و ترک آن را استکبار نامیدی و بر ترک آن، داخل شدن در جهنّم با خواری را هشدار دادی.

(۱۶) پس با نعمتِ خودت، تو را یاد کردند و با تفضّلت، تو را شکر گزاردند و به فرمانت، تو را خواندند و جهت طلبِ افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند و در (همه) اینها نجات ایشان از خشمت و دست یافتنشان به خوشنودی ات نهفته بود.

(۱۷) و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد و به بخشندگی تعریف می گشت و به هر زبانی (مورد) ستایش قرار می گرفت. پس ستایش برای توست، تا آنجا که راهی در ستایش تو یافت شود و برای ستایش کلمه ای که با آن ستایش شوی باقی ماند و مقصودی که به آن بازگردد، وجود داشته باشد.

(۱۸) ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای و با بخشش و نعمت، ایشان را پوشانده ای. چه آشکار است در (جمع) ما نعمت تو! و چه سرشار است بر ما بخشش تو! و چه مخصوص گشته است نیکی ات به ما!.

(۱۹) ما را به دینت که آن را برگزیدی و به آئینت که آن را پسندیدی و به راهت که آن را آسان نمودی، هدایت کردی و ما را به (راه) نزدیکی نزد خودت و رسیدن به کرامت، بینا نمودی.

(۲۰) خداوندا و تو از کارهای برگزیده و واجبات مخصوصه، ماه رمضان را قرار دادی. همان که آن را از بقیه ماه ها مخصوص داشتی و از همه زمان ها و روزگارها برتری اش دادی. و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی و ایمان را در آن چندین برابر نمودی و روزه را در آن واجب کردی و در آن به برپا خاستن (شب) ترغیب نمودی و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی.

ص: ۱۴۸۷

(۲۱) ثُمّ آثَرتَنَا بِهِ عَلَی سَائِرِ الأمَمِ، وَ اصطَفَيتَنَا بِفَضلِهِ دُونَ أَهلِ المِلَلِ،فَصُمنَا بِأَمرِکَ نَهَارَهُ، وَ قُمنَا بِعَونِکَ لَيلَهُ،مُتَعَرّضِينَ بِصِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ لِمَا عَرّضتَنَا لَهُ مِن رَحمَتِکَ، وَ تَسَبّبنَا إِلَيهِ مِن مَثُوبَتِکَ، وَ أَنتَ المَلِي ءُ بِمَا رُغِبَ فِيهِ إِلَيکَ،الجَوَادُ بِمَا سُئِلتَ مِن فَضلِکَ،القَرِيبُ إِلَی مَن حَاوَلَ قُربَکَ.(۲۲) وَ قَد أَقَامَ فِينَا هَذَا الشّهرُ مُقَامَ حَمدٍ، وَ صَحِبَنَا صُحبَةَ مَبرُورٍ، وَ أَربَحَنَا أَفضَلَ أَربَاحِ العَالَمِينَ، ثُمّ قَد فَارَقَنَا

عِندَ تَمَامِ وَقتِهِ، وَ انقِطَاعِ مُدّتِهِ، وَ وَفَاءِ عَدَدِهِ.(۲۳)فَنَحنُ مُوَدّعُوهُ وِدَاعَ مَن عَزّ فِرَاقُهُ عَلَينَا، وَ غَمّنَا وَ أَوحَشَنَا انصِرَافُهُ عَنّا، وَ لَزِمَنَا لَهُ الذّمَامُ المَحفُوظُ، وَ الحُرمَةُ المَرعِيّةُ، وَ الحَقّ المَقضِيّ،فَنَحنُ قَائِلُونَ السّلَامُ عَلَيکَ يَا شَهرَ اللّهِ الأَکبَرَ، وَ يَا عِيدَ أَولِيَائِهِ.(۲۴) السّلَامُ عَلَيکَ يَا أَکرَمَ مَصحُوبٍ مِنَ الأَوقَاتِ، وَ يَا خَيرَ شَهرٍ فِي الأَيّامِ وَ السّاعَاتِ.(۲۵) السّلَامُ عَلَيکَ مِن شَهرٍ قَرُبَت فِيهِ الآمَالُ، وَ نُشِرَت فِيهِ الأَعمَالُ.(۲۶) السّلَامُ عَلَيکَ مِن قَرِينٍ جَلّ قَدرُهُ مَوجُوداً، وَ أَفجَعَ فَقدُهُ مَفقُوداً، وَ مَرجُوّ آلَمَ فِرَاقُهُ.(۲۷) السّلَامُ عَلَيکَ مِن أَلِيفٍ آنَسَ مُقبِلًا فَسَرّ، وَ أَوحَشَ مُنقَضِياً فَمَضّ(۲۸) السّلَامُ عَلَيکَ مِن مُجَاوِرٍ رَقّت فِيهِ القُلُوبُ، وَ قَلّت فِيهِ الذّنُوبُ.(۲۹) السّلَامُ عَلَيکَ مِن نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَی الشّيطَانِ، وَ صَاحِبٍ سَهّلَ سُبُلَ الإِحسَانِ(۳۰) السّلَامُ عَلَيکَ مَا أَکثَرَ عُتَقَاءَ اللّهِ فِيکَ، وَ مَا أَسعَدَ مَن رَعَی حُرمَتَکَ بِکَ(۳۱) السّلَامُ عَلَيکَ مَا کَانَ أَمحَاکَ لِلذّنُوبِ، وَ أَستَرَکَ لِأَنوَاعِ العُيُوبِ

(۲۱) سپس ما را بر بقیه امّت ها به وسیله آن (ماه)، برتری دادی و به فضیلت آن ما را -نه اهل آئین های دیگر را- برگزیدی. پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. در حالی که در معرض روزه داشتن و به پا خاستن (شبانه) بودیم، از رحمتت -بدان خاطر- به ما عرضه داشتی. و آن را وسیله پاداش تو قرار دادیم و تو دارنده هر آن چیزی هستی که از درگاهت خواسته شود. بخشنده هر آن چیزی هستی که از فضلت درخواست گردد. و نزدیک به هر آن کسی هستی که برای قرب به تو کوشد.

(۲۲) و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و با ما همچون یارِ نیکو همراه شد و ما را به برترین سودهای جهانیان، سودمند نمود. سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدّتش و پایان یافتن عدد (روزهای) ش، از ما جدا شد.

(۲۳) پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که فراقش بر ما دشوار است و رفتنش از (میان) ما، اندوهگین و بیمناکمان می سازد و بر ما لازم است برای او پیمان نگه داریم و حرمت رعایت کنیم و حقّ ادا نماییم. پس می گوییم: درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه خدا، و ای عید دوستان او.

(۲۴) درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که همراه بودی و ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها.

(۲۵) درود بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک شد و اعمال در آن گسترده گشت.

(۲۶) درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود و چون از دست رفت، فقدانش غم انگیز بود و مایه امیدی که فراقش رنج آور بود.

(۲۷) درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت. و چون سپری شد، بیمناک ساخت و بی تاب گرداند.

(۲۸) درود بر تو همسایه ای که دل ها در آن فروتن گردید و گناهان در آن کم شد.

(۲۹) درود بر تو یاوری که در برابر شیطان یاری کرد و همراهی که راه های احسان را آسان نمود.

(۳۰) درود بر تو. چه بسیار است آزاد شدگان (از عذاب) خدا در تو! و چه نیک بخت است کسی که به سبب تو، حرمتت را رعایت کند!.

(۳۱) درود بر تو. چه محو کننده بودی، گناهان را! و چه پوشنده بودی، انواع عیب ها را!.

ص: ۱۴۸۹

(۳۲) السّـلَامُ عَلَيـکَ مَا کَانَ أَطوَلَکَ عَلَی المُجرِمِينَ، وَ أَهيَبَکَ فِی صُـدُورِ المُؤمِنِينَ(۳۳) السّـلَامُ عَلَيکَ مِن شَهرٍ لَا تُنَافِسُهُ الأَيَّامُ. (۳۴) السّـلَامُ عَلَيکَ مِن شَـهرٍ هُوَ مِن کُلِّ أَمرٍ سَلَامٌ(۳۵) السّـلَامُ عَلَيـکَ غَيرَ کَرِيهِ المُصَاحَبَهِ، وَ لَا ذَمِيمِ المُلَابَسَهِ(۳۶) السّلَامُ عَلَيکَ کَمَا وَفَدتَ عَلَينَا بِالبَرَکَاتِ، وَ غَسَـلتَ عَنّا دَنَسَ الخَطِيئَاتِ(۳۷) السّـلَامُ عَلَيکَ غَيرَ مُوَدّعٍ بَرَماً وَ لَا مَترُوکٍ صِيَامُهُ سَأَماً.(۳۸) السّلَامُ عَلَيکَ مِن مَطلُوبٍ قَبلَ وَقتِهِ، وَ مَحزُونٍ عَلَيهِ قَبلَ فَوتِهِ.(۳۹) السّلَامُ عَلَيکَ کَم مِن سُوءٍ صُرِفَ بِکَ عَنّا، وَ کَم مِن خَيرٍ أُفِيضَ بِکَ عَلَينَا(۴۰) السّـلَامُ عَلَيکَ وَ عَلَی لَيلَهِ القَدرِ الّتِی هِيَ خَيرٌ مِن أَلفِ شَهرٍ(۴۱) السّلَامُ عَلَيکَ مَا کَانَ أَحرَصَنَا بِالأَمسِ عَلَيکَ، وَ أَشَدّ شَوقَنَا غَـداً إِلَيکَ.(۴۲) السّـلَامُ عَلَيـکَ وَ عَلَی فَضـلِکَ أَلّـذِی حُرِمنَاهُ، وَ عَلَی مَاضٍ مِن بَرَکَاتِکَ سُـلِبنَاهُ.(۴۳) أَللّهُمّ إِنّا أَهلُ هَـذَا الشّهرِ أَلّذِی شَرّفتَنَا بِهِ، وَ وَفّقتَنَا بِمَنّکَ لَهُ حِينَ جَهِلَ الأَشقِيَاءُ وَقتَهُ، وَ حُرِمُوا لِشَقَائِهِم فَضلَهُ.(۴۴) أَنتَ وَلِيّ مَا آثَرتَنَا بِهِ مِن مَعرِفَتِهِ، وَ هَـدَيتَنَا لَهُ مِن سُـنّتِهِ، وَ قَـد تَوَلّينَا بِتَوفِيقِکَ صِـيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَی تَقصِـيرٍ، وَ أَدّينَا فِيهِ قَلِيلًا مِن کَثِيرٍ.(۴۵) أَللّهُمّ فَلَکَ الحَمـدُ إِقرَاراً بِالإِسَاءَهِ، وَ اعتِرَافاً بِالإِضَاعَهِ، وَ لَکَ مِن قُلُوبِنَا عَقـدُ النّدَمِ، وَ مِن أَلسِـنَتِنَا صِدقُ الِاعتِذَارِ،فَأْجُرنَا عَلَی مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التّفرِيطِ أَجراً نَستَدرِکُ بِهِ الفَضلَ المَرغُوبَ فِيهِ، وَ نَعتَاضُ بِهِ مِن أَنوَاعِ الذّخرِ المَحرُوصِ عَلَيهِ.

(۳۲) درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران! و چه با هیبت بودی، در سینه های مؤمنان!.

(۳۳) درود بر تو ماهی که روزها(ی دیگر) با آن برابری نمی کند.

(۳۴) درود بر تو ماهی که از هر چیز سلامت است.

(۳۵) درود بر تو که همراهی اش ناپسند و معاشرتش نکوهیده نیست.

(۳۶) درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی و چرکی خطاها را از ما شستی.

(۳۷) درود بر تو نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. و نه آنکه ترک روزه اش از سر ملالت باشد.

(۳۸) درود بر تو که پیش از زمان آمدنش، طلب شده و پیش از از دست رفتنش، بر آن اندوه خورند.

(۳۹) درود بر تو. چه بسیار بدی ها که به سبب تو، از ما برطرف شد! و چه بسیار نیکی ای که به وسیله تو، بر ما فزونی یافت!.

(۴۰) درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه.

(۴۱) درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!.

(۴۲) درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم و بر نیکی های گذشته ات که از دست دادیم.

(۴۳) خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی و ما را برای آن به وسیله نعمتت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند و بر اثر شقاوتشان، از فضل آن ماهْ محروم گشتند.

(۴۴) تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن، برتری دادی و ما را به روش آن، راهنمایی نمودی و ما را –با (همه) کوتاهیْ (کردن هایمان) – توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم. و در آن اندکی از بسیار را انجام دادیم.

(۴۵) خداوندا، پس سپاس برای توست، در حالی که به بد کرداری، اقرار کننده و به سهل انگاری، اعتراف کننده ایم و پشیمانی قطعی دل هایمان و عذر خواستن راستین زبان هایمان، برای توست. پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما رسیده، پاداش ده. پاداشی که با آن فضل پسندیده را دریابیم و با آن اندوخته های گوناگون که بر آن حریص و آزمند شده ایم را عوض بستانیم.

ص: ۱۴۹۱

(۴۶) وَ أَوجِب لَنَا عُذرَکَ عَلَی مَا قَصّرنَا فِیهِ مِن حَقّکَ، وَ ابلُغ بِأَعمَارِنَا مَا بَینَ أَیدِینَا مِن شَهرِ رَمَضَانَ المُقبِلِ، فَإِذَا بَلّغتَنَاهُ فَأَعِنّا عَلَی تَنَاوُلِ مَا أَنتَ أَهلُهُ مِنَ العِبَادَهِ، وَ أَدّنَا إِلَی القِیَامِ بِمَا یَستَحِقّهُ مِنَ الطّاعَهِ، وَ أَجرِ لَنَا مِن صَالِحِ العَمَلِ مَا یَکُونُ دَرَکاً لِحَقّکَ فِی الشّهرَینِ مِن شُهُورِ الدّهرِ. (۴۷) أَللّهُمّ وَ مَا أَلمَمنَا بِهِ فِی شَهرِنَا هَذَا مِن لَمَمٍ أَو إِثمٍ، أَو وَاقَعنَا فِیهِ مِن ذَنبٍ، وَ اکتَسَبنَا فِیهِ مِن خَطِیئَهٍ عَلَی تَعَمّدٍ مِنّا، أَو عَلَی نِسیَانٍ ظَلَمنَا فِیهِ أَنفُسَنَا، أَوِ انتَهَکنَا بِهِ حُرمَهً مِن غَیرِنَا،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ استُرنَا بِسِترِکَ، وَ اعفُ عَنّا بِعَفوِکَ، وَ لَا تَنصِبنَا فِیهِ لِأَعیُنِ الشّامِتِینَ، وَ لَا تَبسُط عَلَینَا فِیهِ أَلسُنَ الطّاعِنِینَ، وَ استَعمِلنَا بِمَا یَکُونُ حِطّهً وَ کَفّارَهً لِمَا أَنکَرتَ مِنّا فِیهِ بِرَأفَتِکَ الّتِی لَا تَنفَدُ، وَ فَضلِکَ أَلّذِی لَا یَنقُصُ.(۴۸) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجبُر مُصِیبَتَنَا بِشَهرِنَا، وَ بَارِک لَنَا فِی یَومِ عِیدِنَا وَ فِطرِنَا، وَ اجعَلهُ مِن خَیرِ یَومٍ مَرّ عَلَینَا أَجلَبِهِ لِعَفوٍ، وَ أَمحَاهُ لِذَنبٍ، وَ اغفِر لَنَا مَا خَفِیَ مِن ذُنُوبِنَا وَ مَا عَلَنَ.(۴۹) أَللّهُمّ اسلَخنَا بِانسِلَاخِ هَذَا الشّهرِ مِن خَطَایَانَا، وَ أَخرِجنَا بِخُرُوجِهِ مِن سَیّئَاتِنَا، وَ اجعَلنَا مِن أَسعَدِ أَهلِهِ بِهِ، وَ أَجزَلِهِم قِسماً فِیهِ، وَ أَوفَرِهِم حَظّاً مِنهُ.(۵۰) أَللّهُمّ وَ مَن رَعَی هَذَا الشّهرَ حَقّ رِعَایَتِهِ، وَ حَفِظَ حُرمَتَهُ حَقّ حِفظِهَا، وَ قَامَ بِحُدُودِهِ حَقّ قِیَامِهَا، وَ اتّقَی ذُنُوبَهُ حَقّ تُقَاتِهَا، أَو تَقَرّبَ إِلَیکَ بِقُربَهٍ أَوجَبَت رِضَاکَ لَهُ، وَ عَطَفَت رَحمَتَکَ عَلَیهِ،فَهَب لَنَا مِثلَهُ مِن وُجدِکَ، وَ أَعطِنَا أَضعَافَهُ مِن فَضلِکَ، فَإِنّ فَضلَکَ لَا یَغِیضُ، وَ إِنّ خَزَائِنَکَ لَا تَنقُصُ بَل تَفِیضُ، وَ إِنّ مَعَادِنَ إِحسَانِکَ لَا تَفنَی، وَ إِنّ عَطَاءَکَ لَلعَطَاءُ المُهَنّا.

(۴۶) و (قبول) عـذر مـا را که در آن (مـاه) بر حقّت کوتـاهی کرده ایم، بر ما لازم گردان و عمر ما -که در پیش روی ماست- را، به ماه رمضان آینـده برسان. پس چون ما را به آن رسانـدی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسـته آنی، یاری فرما. و ما را بر قیـام به طـاعتی که سـزاوار آن مـاه است، موفّق بـدار. و از اعمال شایسـته، آنچه را که سـبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.

(۴۷) خداونـدا و گنـاه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شـدیم یا گناهی که در آن انجام دادیم و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم، یا فراموشـی ای که در آن به خود سـتم کردیم یا با آن حرمت دیگری را پرده دری نمودیم؛ پس بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و مـا را به پرده خود بپوشـان و به عفو خود از ما درگـذر و ما را در آن، پیش چشـمان شـماتت کننـدگان قرار نـده و زبان طعنه زننـدگان را در آن (ماه) بر ما نگشا و به مهربانی ات که نابود نمی شود و به فضـلت که کم نمی گردد، مـا را در این (مـاه) به کاری که سـبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسـندی، بگمار.

(۴۸) خداونـدا بر محمّـد و خاندانش درود فرست. مصـیبت ما را در (رفتن) ماه مان جبران کن. و برای ما روز عید و فطرمان را مبـارک گردان. و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشـته است قرار ده که جلب کننـده ترین روز، برای عفو و محو کننـده ترین آن، برای گناه باشد. و گناهان پنهان و آشکار ما را بیامرز.

(۴۹) خداوندا با گذشـتن این ماه، ما را از خطاها درآور. و با بیرون رفتنش، ما را از بدی هایمان بیرون بر. و به وسیله آن، ما را از سعادتمندترین اهل آن و از پر نصیب ترین آنان در آن ماه و از بهره مند ترین ایشان از آن قرار ده.

(۵۰) خداونـدا و هر کس رعـایت کرده این مـاه را، به طوری که حقّ رعایتش است، و حرمتش را آن طوری که حقّ بوده نگه داشـته، و حـدودش را آن طـوری که حقّش بـوده به پـا داشـته و از گناهـان خـویش به طـوری که حقِّ پرهیز کردن بوده پرهیز نموده، یـا به وسـیله عمـل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسـته، که خوشـنودی تو را برای او لازم گردانـده و رحمتت را به او برگردانـده؛ پس از (توانگری) نزد خودت،ماننـد آن را به ما ببخش و از فضـلت، چنـدین برابر آن را به ما عطا فرما. به درستی که فضـل تو کاستی پـذیر نیست و همانا گنجینه های تو کم نمی شود، بلکه فزونی می یابـد و به درسـتی که معادن احسانت فنا نمی شود و به درستی که عطای تو، عطایی گواراست.

ص: ۱۴۹۳

(۵۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اکتُب لَنَا مِثلَ أجُورِ مَن صَامَهُ، أَو تَعَبّدَ لَکَ فِیهِ إِلَی یَوم القِیَامَهِ.(۵۲) أللّهُمّ إِنّا نَتُوبُ إِلَیکَ فِی یَوم فِطرِنَا ألّذِی جَعَلتَهُ لِلمُؤمِنِینَ عِیداً وَ سُرُوراً، وَ لِأَهلِ مِلّتِکَ مَجمَعاً وَ مُحتَشَداً مِن کُلّ ذَنبٍ أَذنَبنَاهُ، أَو سُوءٍ أَسلَفنَاهُ، أَو خَاطِرِ شَرّ أَضمَرنَاهُ،تَوبَهَ مَنلَا یَنطَوِی عَلَی رُجُوعٍ إِلَی ذَنبٍ، وَ لَا یَعُودُ بَعدَهَا فِی خَطِیئَهٍ،تَوبَهً نَصُوحاً خَلَصَت مِنَ الشّکّ وَ الِارتِیَابِ،فَتَقَبّلهَا مِنّا، وَ ارضَ عَنّا، وَ ثَبّتنَا عَلَیهَا.(۵۳) أللّهُمّ ارزُقنَا خَوفَ عِقَابِ الوَعِیدِ، وَ شَوقَ ثَوَابِ المَوعُودِ حَتّی نَجِدَ لَذّهَ مَا نَدعُوکَ بِهِ، وَ کَأبَهَ مَا نَستَجِیرُکَ مِنهُ.(۵۴) وَ اجعَلنَا عِندَکَ مِنَ التّوّابِینَ الّذِینَ أَوجَبتَ لَهُم مَحَبّتَکَ، وَ قَبِلتَ مِنهُم مُرَاجَعَهَ طَاعَتِکَ، یَا أَعدَلَ العَادِلِینَ.(۵۵) أللّهُمّ تَجَاوَز عَن آبَائِنَا وَ أُمّهَاتِنَا وَ أَهلِ دِینِنَا جَمِیعاً مَن سَلَفَ مِنهُم وَ مَن غَبَرَ إِلَی یَوم القِیَامَهِ.(۵۶) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ نَبِیّنَا وَ آلِهِ کَمَا صَلّیتَ عَلَی مَلَائِکَتِکَ المُقَرّبِینَ، وَ صَلّ عَلَیهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلّیتَ عَلَی أَنبِیَائِکَ المُرسَلِینَ، وَ صَلّ عَلَیهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلّیتَ عَلَی عِبَادِکَ الصّالِحِینَ، وَ أَفضَلَ مِن ذَلِکَ یَا رَبّ العَالَمِینَ،صَلَاهً تَبلُغُنَا بَرَکَتُهَا، وَ یَنَالُنَا نَفعُهَا، وَ یُستَجَابُ لَهَا دُعَاؤُنَا،إِنّکَ أَکرَمُ مَن رُغِبَ إِلَیهِ، وَ أَکفَی مَن تُوُکّلَ عَلَیهِ، وَ أَعطَی مَن سُئِلَ مِن فَضلِهِ، وَ أَنتَ عَلَی کُلّ شَیءٍ قَدِیرٌ.

ص: ۱۴۹۴

(۵۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس.

(۵۲) خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عید و شادی و برای اهل دینتْ محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، از هر گناهی که آن را مرتکب شده ایم یا بدی ای که در گذشته انجام داده ایم یا اندیشه بدی که در دل داشته ایم، به درگاه تو توبه می کنیم. توبه کسی که بازگشتن به گناه را در دل ندارد و پس از توبه به خطایی باز نمی گردد. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک باشد. پس آن را از ما بپذیر و از ما خوشنود باش و ما را بر آن ثابت گردان.

(۵۳) خداوندا ترسِ کیفرِ هشدار داده شده و شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان. تا خوشی آنچه از تو می خواهیم و اندوه آنچه از آن به تو پناه می بریم، دریابیم.

(۵۴) و ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که دوستی ات را برای آنها واجب نموده ای، و بازگشت به طاعتت را از آنان پذیرفته ای. ای عادل ترین دادگران.

(۵۵) خداوندا از پدران و مادران و همه هم کیشان ما، هر که از ایشان درگذشته و مرده و هر که زنده مانده، تا روز رستاخیز درگذر.

(۵۶) خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. همچنانکه بر فرشتگان مقرّبت درود فرستادی. و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی. و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی. و برتر از آن ای پروردگار جهانیان، درودی که برکت آن به ما رسد و سودش ما را دریابد و دعای ما به سبب آن مستجاب گردد. به درستی که تو کریم تر کسی هستی که از او درخواست شده و بی نیاز کننده تر کسی هستی که بر او اعتماد شده و بخشنده تر کسی هستی که از فضل او درخواست شده و تو بر هر چیزی توانایی.

ص: ۱۴۹۵

(۴۶) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی يَومِ الفِطرِ إِذَا انصَرَفَ مِن صَلَاتِهِ قَامَ قَائِماً ثُمّ استَقبَلَ القِبلَهَ، وَ فِی يَومِ الجُمُعَهِ، فَقَالَ

(۱) يَا مَن يَرحَمُ مَن لَا يَرحَمُهُ العِبَادُ(۲) وَ يَا مَن يَقبَلُ مَن لَا تَقبَلُهُ البِلَادُ(۳) وَ يَا مَن لَا يَحتَقِرُ أَهلَ الحَاجَهِ إِلَيهِ(۴) وَ يَا مَن لَا يُخَيّبُ المُلِحّينَ عَلَيهِ. (۵) وَ يَا مَن لَا يَجبَهُ بِالرّدّ أَهلَ الدّالّهِ عَلَيهِ(۶) وَ يَا مَن يَجتَبِی صَغِيرَ مَا يُتحَفُ بِهِ، وَ يَشكُرُ يَسِيرَ مَا يُعمَلُ لَهُ.(۷) وَ يَا مَن يَشكُرُ عَلَی القَلِيلِ وَ يُجَازِی بِالجَلِيلِ(۸) وَ يَا مَن يَدنُو إِلَی مَن دَنَا مِنهُ.(۹) وَ يَا مَن يَدعُو إِلَی نَفسِهِ مَن أَدبَرَ عَنهُ.(۱۰) وَ يَا مَن لَا يُغَيّرُ النّعمَهَ، وَ لَا يُبَادِرُ بِالنّقِمَهِ.(۱۱) وَ يَا مَن يُثمِرُ الحَسَنَهَ حَتّی يُنمِيَهَا، وَ يَتَجَاوَزُ عَنِ السّيّئَهِ حَتّی يُعَفّيَهَا.(۱۲)انصَرَفَتِ الآمَالُ دُونَ مَدَی كَرَمِكَ بِالحَاجَاتِ، وَ امتَلَأَت بِفَيضِ جُودِكَ أَوعِيَهُ الطّلِبَاتِ، وَ تَفَسّخَت دُونَ بُلُوغِ نَعتِكَ الصّفَاتُ،فَلَكَ العُلُوّ الأَعلَی فَوقَ كُلّ عَالٍ، وَ الجَلَالُ الأَمجَدُ فَوقَ كُلّ جَلَالٍ.(۱۳) كُلّ جَلِيلٍ عِندَكَ صَغِيرٌ، وَ كُلّ شَرِيفٍ فِی جَنبِ شَرَفِكَ حَقِيرٌ،خَابَ الوَافِدُونَ عَلَی غَيرِكَ، وَ خَسِرَ المُتَعَرّضُونَ إِلّا لَكَ، وَ ضَاعَ المُلِمّونَ إِلّا بِكَ، وَ أَجدَبَ المُنتَجِعُونَ إِلّا مَنِ انتَجَعَ فَضلَكَ

(۴۶)و از دعای امام علیه السلام بود، در روز فطر و در روز جمعه، هنگامی که سلام گفت و از نمازش فارغ شده، ایستاد. سپس رو به قبله کرد و گفت:

(۱) ای کسی که رحم می کند، به آنکه بندگان به او رحم نمی کنند.

(۲) و ای کسی که می پذیرد، آن را که (اهل) شهرها او را نمی پذیرند.

(۳) و ای کسی که حاجتمندانش را خوار و پست نمی شمارد.

(۴) و ای کسی که اصرار کنندگان خود را ناامید نمی کند.

(۵) و ای کسی که دست رد بر پیشانی آنان که به محبّت او اعتماد دارند، نمی زند.

(۶) و ای کسی که تحفه خردی را که به او داده می شود، برمی گزیند و اندک عملی را که برای او انجام می شود، سپاس می دارد.

(۷) و ای کسی که (عمل) کم را سپاس می گذارد و پاداش بزرگ می دهد.

(۸) و ای کسی که به هر که به او نزدیک شود، نزدیک می شود.

(۹) و ای کسی که به سوی خود می خواند کسی را که، از او روی گردانَد.

(۱۰) و ای کسی که نعمت را تغییر نمی دهد و به کیفر سخت، شتاب نمی کند.

(۱۱) و ای کسی که نیکی را بارور می کند، تا آن را بیفزاید و از بدی در می گذرد، تا آن را محو کند.

(۱۲) آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرمت، با حاجت ها برآورده شده است و ظرف خواسته ها با زیادی جودت، پر گشته است و توصیف ها پیش از رسیدن به وصف تو، از هم گسیخته اند. پس بلندترین بلندی بر فوق هر بلندی، و بزرگ ترین بزرگی بر فوق هر بزرگی برای توست.

(۱۳) هر بزرگی نزد تو کوچک، و هر بزرگواری در کنار بزرگواری ات حقیر است. آنان که بر جز تو وارد شدند، ناامید گشتند و آنان که به غیر تو پرداختند، زیان دیدند و آنان که بر درگاه جز تو رفتند، ضایع شدند و جویندگان که غیر از فضل تو جویا شدند، دچار خشکسالی گردیدند.

(۱۴)بَابُکَ مَفتُوحٌ لِلرّاغِبینَ، وَ جُودُکَ مُباحٌ لِلسّائِلِینَ، وَ إِغَاثَتُکَ قَرِیبَهٌ مِنَ المُستَغِیثِینَ.(۱۵) لَا یَخِیبُ مِنکَ الآمِلُونَ، وَ لَا یَیأَسُ مِن عَطَائِکَ المُتَعَرّضُونَ، وَ لایَشقَی بِنَقِمَتِکَ المُستَغفِرُونَ.(۱۶)رِزقُکَ مَبسُوطٌ لِمَن عَصَاکَ، وَ حِلمُکَ مُعتَرِضٌ لِمَن نَاوَاکَ،عَادَتُکَ الإِحسَانُ إِلَی المُسِیئِینَ، وَ سُنّتُکَ الإِبقَاءُ عَلَی المُعتَدِینَ حَتّی لَقَد غَرّتهُم أَنَاتُکَ عَنِ الرّجُوعِ، وَ صَدّهُم إِمهَالُکَ عَنِ النّزُوعِ.(۱۷) وَ إِنّمَا تَأَنّیتَ بِهِم لِیَفِیئُوا إِلَی أَمرِکَ، وَ أَمهَلتَهُم ثِقَهً بِدَوَامِ مُلکِکَ،فَمَن کَانَ مِن أَهلِ السّعَادَهِ خَتَمتَ لَهُ بِهَا، وَ مَن کَانَ مِن أَهلِ الشّقَاوَهِ خَذَلتَهُ لَهَا.(۱۸)کُلّهُم صَائِرُونَ، إِلَی حُکمِکَ، وَ أُمُورُهُم آئِلَهٌ إِلَی أَمرِکَ، لَم یَهِن عَلَی طُولِ مُدّتِهِم سُلطَانُکَ، وَ لَم یَدحَض لِترکِ مُعَاجَلَتِهِم بُرهَانُکَ. (۱۹)حُجّتُکَ قَائِمَهٌ لَا تُدحَضُ، وَ سُلطَانُکَ ثَابِتٌ لَا یَزُولُ،فَالوَیلُ الدّائِمُ لِمَن جَنَحَ عَنکَ، وَ الخَیبَهُ الخَاذِلَهُ لِمَن خَابَ مِنکَ، وَ الشّقَاءُ الأَشقَی لِمَنِ اغتَرّ بِکَ.(۲۰) مَا أَکثَرَ تَصَرّفَهُ فِی عَذَابِکَ، وَ مَا أَطوَلَ تَرَدّدَهُ فِی عِقَابِکَ، وَ مَا أَبعَدَ غَایَتَهُ مِنَ الفَرَجِ، وَ مَا أَقنَطَهُ مِن سُهُولَهِ المَخرَجِ عَدلًا مِن قَضَائِکَ لَا تَجُورُ فِیهِ، وَ إِنصَافاً مِن حُکمِکَ لَا تَحِیفُ عَلَیهِ.(۲۱)فَقَد ظَاهَرتَ الحُجَجَ، وَ أَبلَیتَ الأَعذَارَ، وَ قَد تَقَدّمتَ بِالوَعِیدِ، وَ تَلَطّفتَ فِی التّرغِیبِ، وَ ضَرَبتَ الأَمثَالَ، وَ أَطَلتَ الإِمهَالَ، وَ أَخّرتَ وَ أَنتَ مُستَطِیعٌ لِلمُعَاجَلَهِ، وَ تَأَنّیتَ وَ أَنتَ مَلِی ءٌ بِالمُبَادَرَهِ

(۱۴) درِ تو برای آنان که خواهانند، باز است و بخشش تو برای درخواست کنندگان، روا است و فریادرسی ات به فریاد رس خواهان، نزدیک است.

(۱۵) آرزومندان از (درگاه) تو بی بهره نمی شوند و آنان که به تو پرداختند، از عطایت مأیوس نمی گردند و آمرزش خواهان به کیفرت تیره بخت نمی شوند.

(۱۶) روزیِ تو برای کسی که تو را نافرمانی کرده، گسترده است و حلمت به کسی که با تو دشمنی نموده، پرداخته است. عادت تو احسان به بدکاران، و روش تو مهربانی با تجاوز کنندگان است. تا اینکه مهلت دادن تو آنان را از بازگشتن فریب داد و فرصت دادن تو، آنها را از دست برداشتن بازداشت.

(۱۷) همانا از این رو با آنان درنگ کرده ای، تا به فرمان تو بازگردند و از آن جهت مهلتشان داده ای که به دوام پادشاهی خود اعتماد داری. پس هر که از سعادتمندان باشد، برایش به سعادت پایان دهی و هر که از شقاوتمندان باشد، او را از آن جهت خوار می کنی.

(۱۸) همه ایشان به حکم تو می رسند و کردارشان به فرمان تو خواهد رسید. درازی زمانِ ایشان، سلطنت تو را سست نکرده و از جهت شتاب نکردن در عذاب آنان، برهان تو باطل نشده است.

(۱۹) حجّت تو پابرجاست که باطل نمی شود و سلطنت تو ثابت و بی زوال است. پس افسوس همیشگی، برای کسیست که از تو برگشته و یأس ذلّت بار برای کسیست که از تو ناامید شده و بدبخت ترین بدبختی برای کسیست که به تو مغرور گشته.

(۲۰) چه زیاد است از حالی به حالی گشتن او، در عذاب تو! و چه طولانی است پی درپی بازگشتنش، در کیفرت! و چه دور است که در پایان (کار) او گشایش حاصل شود! و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری هایش) از روی عدل در حکم توست، که در آن ستم نمی کنی. و از حکم منصفانه توست، که بر او جفا نمی نمایی.

(۲۱) پس به تحقیق حجّت ها را، پی درپی آشکار کرده ای و عذرها را، بیان نموده ای و هشدارها را، پیشتر داده ای و با لطف خود، ترغیب نموده ای و مَثَل ها زده ای و مهلتِ طولانی داده ای و با آنکه بر شتاب نمودن توانایی، (عذاب را) به تأخیر انداخته ای و با آنکه به پیش دستی کردن قادری، درنگ نموده ای.

(۲۲) لَم تَکن أَنَاتُـکَ عَجزاً، وَ لَـا إِمهَالُـکَ وَهنـاً، وَ لَـا إِمسَاکُکَ غَفلَةً، وَ لَا انتِظَارُکَ مُـدَارَاةً،بَل لِتَکونَ حُجّتُکَ أَبلَغ، وَ کَرَمُکَ أَکمَـلَ، وَ إِحسَانُـکَ أَوفَی، وَ نِعمَتُـکَ أَتَمّ، کُـلّ ذَلِـکَ کَـانَ وَ لَم تَزَل، وَ هُوَ کَائِنٌ وَ لَا تَزَالُ.(۲۳)حُجّتُکَ أَجَلّ مِن أَن تُوصَـفَ بِکُلّهَا، وَ مَجدُکَ أَرفَعُ مِن أَن یُحَدّ بِکُنهِهِ، وَ نِعمَتُکَ أَکثَرُ مِن أَن تُحصَی بِأَسرِهَا، وَ إِحسَانُکَ أَکثَرُ مِن أَن تُشکَرَ عَلَی أَقَلّهِ(۲۴) وَ قَد قَصّـرَ بِی ـ السّـکُوتُ عَن تَحمِیدِکَ، وَ فَهّهَنِی ـ الإِمسَاکُ عَن تَمجِیدِکَ، وَ قُصَارَای ـ الإِقرَارُ بِالحُسُورِ، لَا رَغبَةً یَا إِلَهِی بَل عَجزاً. (۲۵)فَهَـا أَنَـا ذَا أَؤُمّـکَ بِالوِفَادَهِ، وَ أَسأَلُکَ حُسنَ الرّفَادَهِ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ اسـمَع نَجوَای ، وَ استَجِب دُعَائِی، وَ لَا تَختِم یَومِی بِخَیبَتِی، وَ لَا تَجبَهَنِی بِالرّدّ فِی مَسأَلَتِی، وَ أَکرِم مِن عِنـدِکَ مُنصَـرَفِی، وَ إِلَیکَ مُنقَلَبِی،إِنّکَ غَیرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِیـدُ، وَ لَا عَاجِزٍ عَمّا تُسأَلُ، وَ أَنتَ عَلَی کُلّ شَیءٍ قَدِیرٌ، وَ لَا حَولَ وَ لَا قُوّهَ إِلّا بِاللّهِ العَلِیّ العَظِیمِ.

(۲۲) درنـگ نمـودن تـو از روی نـاتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سـستی، و خودداری ات نه از روی غفلت، و به تأخیر انـداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر، و کرم تو کامل تر، و احسان تو فراوان تر، و نعمت تو تمام تر باشد و همه آن ها از ازل بوده است، و آنها تا ابد پایدار خواهد بود.

(۲۳) حجّت تو بزرگ تر از آنست که به همه آن وصف شود، و بزرگی تو بالاتر از آنست که حقیقت آن به حدّی درآیـد، و نعمت تو بیشتر از آنست که تمامش به شماره آید، و احسان تو افزون تر از آنست که بر کمترین آن شکر توان کرد.

(۲۴) و سـکوت، مرا از سـپاس تو به کوتاهی انداخته، و خودداریْ (از سـخن)، مرا از بزرگ داشـتن تو درمانده کرده، و نهایت تلاش من اقرار به درماندگی است. نه از روی بی رغبتی -ای خدای من- بلکه از روی ناتوانی است.

(۲۵) پس اینک منم که آهنگ آمـدن به درگاه تو را نمودم و پـذیرایی نیکو از تو می خواهم. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و نجوایم را بشـنو و دعـایم را مسـتجاب کن و روزم را به ناامیـدی به پایـان نرسان و در خواهشم، دست رد بر پیشانی ام نزن و رفتنم را از نزدت و بازگشـتم را به سویت، گرامی دار. به درستی که تو آنچه بخواهی، برایت سخت و دشوار نیست و از آنچه از تـو درخـواست شـود، نـاتوان نیسـتی و تو بر هر چیزی توانـایی و هیـچ حرکت و نیرویی نیست، مگر به یـاری خـداوند بلندمرتبه بزرگ.

ص: ۱۵۰۱

(۴۷) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِي يَومِ عَرَفَة

(۱)الحَمدُ لِلّهِ رَبّ العَالَمِينَ(۲) أللّهُمّ لَکَ الحَمدُ بَدِيعَ السّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ،ذَا الجَلَالِ وَ الإِكرَامِ،رَبّ الأَربَابِ، وَ إِلَهَ كُلّ مَألُوهٍ، وَ خَالِقَ كُلّ مَخلُوقٍ، وَ وَارِثَ كُلّ شَيءٍ، لَيسَ كَمِثلِهِ شَيءٌ، وَ لَا يَعزُبُ عَنهُ عِلمُ شَيءٍ، وَ هُوَ بِكُلّ شَيءٍ مُحِيطٌ، وَ هُوَ عَلَى كُلّ شَيءٍ رَقِيبٌ.(۳) أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،الأَحَدُ المُتَوَحّدُ الفَردُ المُتَفَرّدُ(۴) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،الكَرِيمُ المُتَكَرّمُ،العَظِيمُ المُتَعَظّمُ،الكَبِيرُ المُتَكَبّرُ(۵) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،العَلِيّ المُتَعَالِ،الشّدِيدُ المِحَالِ(۶) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،الرّحمَنُ الرّحِيمُ،العَلِيمُ الحَكِيمُ.(۷) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،السّمِيعُ البَصِيرُ،القَدِيمُ الخَبِيرُ(۸) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،الكَرِيمُ الأَكرَمُ،الدّائِمُ الأَدوَمُ،(۹) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،الأَوّلُ قَبلَ كُلّ أَحَدٍ، وَ الآخِرُ بَعدَ كُلّ عَدَدٍ(۱۰) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،الدّانِي فِي عُلُوّهِ، وَ العَالِي فِي دُنُوّهِ(۱۱) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،ذُو البَهَاءِ وَ المَجدِ، وَ الكِبرِيَاءِ وَ الحَمدِ(۱۲) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ، أَلّذِي أَنشَأتَ الأَشيَاءَ مِن غَيرِ سِنخٍ، وَ صَوّرتَ مَا صَوّرتَ مِن غَيرِ مِثَالٍ، وَ ابتَدَعتَ المُبتَدَعَاتِ بِلَا احتِذَاءٍ.

(۴۷)و از دعای امام علیه السلام بود، در روز عرفه

(۱) سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است.

(۲) خداوندا سپاس برای توست. پدیدآورنده آسمان ها و زمین. دارای بزرگواری و کرم. دارنده دارندگان و خدای خدایان و آفریدگار آفریدگان و وارث هر چیز. چیزی مانند او نیست و چیزی از علم او پنهان نیست و او به هر چیزی احاطه دارد و او بر هر چیز نگهبان است.

(۳) تویی خدایی که معبودی جز تو نیست. یکتای یگانه تنهای بی نظیر.

(۴) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بسیار با کرم در نهایت کرامت، عظیم در نهایت عظمت، بزرگ در نهایت بزرگی.

(۵) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بلندمرتبه در نهایت بلندیِ مرتبه، سخت کیفر می کند.

(۶) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بخشنده مهربان، دانای حکیم.

(۷) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. شنوای بینا، قدیم آگاه.

(۸) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. کریم بزرگوار، ابدی پایدار.

(۹) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. نخستین پیش از هر کس و آخرین بعد از هر شمار.

(۱۰) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. با وجود بلندی خودْ نزدیک، و با وجود نزدیکی خودْ بلندی.

(۱۱) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایشی.

(۱۲) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که اشیا را بدون هیچ اصلی آفریدی و صورت ها را بدون نمونه نگاشتی و نو پیداها را بدون پیروی (از الگویی) پدید آوردی.

ص: ۱۵۰۳

(۱۳) أَنتَ ألّذِی قَدّرتَ کُلّ شَیءٍ تَقدِیراً، وَ یَسّرتَ کُلّ شَیءٍ تَیسِیراً، وَ دَبّرتَ مَا دُونَکَ تَدبِیراً(۱۴) أَنتَ ألّذِی لَم یُعِنکَ عَلَی خَلقِکَ شَرِیکٌ، وَ لَم یُوَازِرکَ فِی أَمرِکَ وَزِیرٌ، وَ لَم یَکُن لَکَ مُشَاهِدٌ وَ لَا نَظِیرٌ.(۱۵) أَنتَ ألّذِی أَرَدتَ فَکَانَ حَتماً مَا أَرَدتَ، وَ قَضَیتَ فَکَانَ عَدلًا مَا قَضَیتَ، وَ حَکَمتَ فَکَانَ نِصفاً مَا حَکَمتَ.(۱۶) أَنتَ ألّذِی لَا یَحوِیکَ مَکَانٌ، وَ لَم یَقُم لِسُلطَانِکَ سُلطَانٌ، وَ لَم یُعیِکَ بُرهَانٌ وَ لَا بَیَانٌ.(۱۷) أَنتَ ألّذِی أَحصَیتَ کُلّ شَیءٍ عَدَداً، وَ جَعَلتَ لِکُلّ شَیءٍ أَمَداً، وَ قَدّرتَ کُلّ شَیءٍ تَقدِیراً.(۱۸) أَنتَ ألّذِی قَصُرَتِ الأَوهَامُ عَن ذَاتِیّتِکَ، وَ عَجَزَتِ الأَفهَامُ عَن کَیفِیّتِکَ، وَ لَم تُدرِکِ الأَبصَارُ مَوضِعَ أَینِیّتِکَ.(۱۹) أَنتَ ألّذِی لَا تُحَدّ فَتَکُونَ مَحدُوداً، وَ لَم تُمَثّل فَتَکُونَ مَوجُوداً، وَ لَم تَلِد فَتَکُونَ مَولُوداً.(۲۰) أَنتَ ألّذِی لَا ضِدّ مَعَکَ فَیُعَانِدَکَ، وَ لَا عِدلَ لَکَ فَیُکَاثِرَکَ، وَ لَا نِدّ لَکَ فَیُعَارِضَکَ.(۲۱) أَنتَ ألّذِی ابتَدَأَ، وَ اختَرَعَ، وَ استَحدَثَ، وَ ابتَدَعَ، وَ أَحسَنَ صُنعَ مَا صَنَعَ.(۲۲)سُبحَانَکَ مَا أَجَلّ شَأنَکَ، وَ أَسنَی فِی الأَمَاکِنِ مَکَانَکَ، وَ أَصدَعَ بِالحَقّ فُرقَانَکَ(۲۳)سُبحَانَکَ مِن لَطِیفٍ مَا أَلطَفَکَ، وَ رَءُوفٍ مَا أَرأَفَکَ، وَ حَکِیمٍ مَا أَعرَفَکَ(۲۴)سُبحَانَکَ مِن مَلِیکٍ مَا أَمنَعَکَ، وَ جَوَادٍ مَا أَوسَعَکَ، وَ رَفِیعٍ مَا أَرفَعَکَ ذُو البَهَاءِ وَ المَجدِ وَ الکِبرِیَاءِ وَ الحَمدِ.(۲۵)سُبحَانَکَ بَسَطتَ بِالخَیرَاتِ یَدَکَ، وَ عُرِفَتِ الهِدَایَةُ مِن عِندِکَ،فَمَنِ التَمَسَکَ لِدِینٍ أَو دُنیَا وَجَدَکَ(۲۶)سُبحَانَکَ خَضَعَ لَکَ مَن جَرَی فِی عِلمِکَ، وَ خَشَعَ لِعَظَمَتِکَ مَا دُونَ عَرشِکَ، وَ انقَادَ لِلتّسلِیمِ لَکَ کُلّ خَلقِکَ

(۱۳) تویی آنکه هر چیزی را اندازه معلوم زدی و هر چیز را برای هدفش، آماده ساختی و ما سِوای خود را اداره نمودی.

(۱۴) تویی آنکه در آفریدنت، شریکی یاری ات نداد و در کارت، وزیری تو را کمک نکرده و برای تو بیننده و مانندی نبوده است.

(۱۵) تویی آنکه اراده کردی و اراده ات حتمی شد و قضاوت کردی و قضاوتت از روی عدل بود و حکم دادی و حکمت از روی انصاف بود.

(۱۶) تویی آنکه مکانی تو را فرا نمی گیرد و در برابر سلطنت تو، سلطنتی پابرجایی ندارد و دلیل روشن و سخن آشکاری، تو را عاجز نکرده است.

(۱۷) تویی آنکه هر چیز را یک یک شمرده ای و برای هر چیز پایانی قرار داده ای و هر چیز را به اندازه معلوم ایجاد نموده ای.

(۱۸) تویی آنکه اندیشه ها از حقیقت ذات تو قاصرند و فهم ها از کیفیّت تو عاجزند و دیده ها جا و مکان تو را در نیافتند.

(۱۹) تویی آنکه حدّی نداری، تا محدود باشی و به چیزی مانند نشده ای، تا آفریده شده باشی و فرزندی نیاورده ای، تا زائیده شده باشی.

(۲۰) تویی آنکه ضدّی نداری تا با تو دشمنی کند. و همانندی برایت نیست، تا در فزونی با تو رقابت کند و مانندی نداری تا با تو معارضه کند.

(۲۱) تویی آنکه بدون نمونه آفرید و اختراع نمود و پدید آورد و تازه آفرید و آفرینش آنچه را که آفرید، نیک گرداند.

(۲۲) پاک و منزّهی! چه بزرگ است شأن تو! و چه بلند است در مکان ها، مکان تو! و چه آشکار کننده حقّ است کتاب فرق گذار (قرآن) تو!

(۲۳) پاک و منزّهی! ای لطیفی که چه بسیار لطیفی! و رئوفی که چه بسیار رئوفی! و حکیمی که چه بسیار آگاهی!

(۲۴) پاک و منزّهی! ای پادشاه که شکست ناپذیری! و بخشنده که بسیار توانگری! و بلندمرتبه که بسیار بلند مرتبه ای! تویی دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایش.

(۲۵) پاک و منزّهی! دستت را به نیکی ها گشوده ای و هدایت از جانب تو شناخته شد. پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می یابد.

(۲۶) پاک و منزّهی! هر که در علم تو قرار گرفت، برای تو فروتن گشت و آنچه زیر عرش تو است، برای بزرگی تو خاشع شد. و همه آفریدگانت برای تسلیم در برابر تو، گردن نهاده اند.

(۲۷)سُبحَانَکَ لَا تُحَسّ وَ لَا تُجَسّ وَ لَا تُمَسّ وَ لَا تُکَادُ وَ لَا تُمَاطُ وَ لَا تُنَازَعُ وَ لَا تُجَارَی وَ لَا تُمَارَی وَ لَا تُخَادَعُ وَ لَا تُمَاکَرُ(۲۸)سُبحَانَکَ سَبِیلُکَ جَدَدٌ. وَ أَمرُکَ رَشَدٌ، وَ أَنتَ حیّ صَمَدٌ.(۲۹)سُبحَانَکَ قَولُکَ حُکمٌ، وَ قَضَاؤُکَ حَتمٌ، وَ إِرَادَتُکَ عَزمٌ.(۳۰)سُبحَانَکَ لَا رَادّ لِمَشِیّتِکَ، وَ لَا مُبَدّلَ لِکَلِمَاتِکَ.(۳۱)سُبحَانَکَ بَاهِرَ الآیَاتِ،فَاطِرَ السّمَاوَاتِ،بَارِئَ النّسَمَاتِ(۳۲) لَکَ الحَمدُ حَمداً یَدُومُ بِدَوَامِکَ(۳۳) وَ لَکَ الحَمدُ حَمداً خَالِداً بِنِعمَتِکَ.(۳۴) وَ لَکَ الحَمدُ حَمداً یُوَازِی صُنعَکَ(۳۵) وَ لَکَ الحَمدُ حَمداً یَزِیدُ عَلَی رِضَاکَ.(۳۶) وَ لَکَ الحَمدُ حَمداً مَعَ حَمدِ کُلّ حَامِدٍ، وَ شُکراً یَقصُرُ عَنهُ شُکرُ کُلّ شَاکِرٍ(۳۷)حَمداً لَا یَنبَغِی إِلّا لَکَ، وَ لَا یُتَقَرّبُ بِهِ إِلّا إِلَیکَ(۳۸)حَمداً یُستَدَامُ بِهِ الأَوّلُ، وَ یُستَدعَی بِهِ دَوَامُ الآخِرِ.(۳۹)حَمداً یَتَضَاعَفُ عَلَی کُرُورِ الأَزمِنَهِ، وَ یَتَزَایَدُ أَضعَافاً مُتَرَادِفَهً.(۴۰)حَمداً یَعجِزُ عَن إِحصَائِهِ الحَفَظَهُ، وَ یَزِیدُ عَلَی مَا أَحصَتهُ فِی کِتَابِکَ الکَتَبَهُ(۴۱)حَمداً یُوازِنُ عَرشَکَ المَجِیدَ وَ یُعَادِلُ کُرسِیّکَ الرّفِیعَ.(۴۲)حَمداً یَکمُلُ لَدَیکَ ثَوَابُهُ، وَ یَستَغرِقُ کُلّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ(۴۳)حَمداً ظَاهِرُهُ وَفقٌ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفقٌ لِصِدقِ النّیّهِ(۴۴)حَمداً لَم یَحمَدکَ خَلقٌ مِثلَهُ، وَ لَا یَعرِفُ أَحَدٌ سِوَاکَ فَضلَهُ(۴۵)حَمداً یُعَانُ مَنِ اجتَهَدَ فِی تَعدِیدِهِ، وَ یُؤَیّدُ مَن أَغرَقَ نَزعاً فِی تَوفِیَتِهِ.(۴۶)حَمداً یَجمَعُ مَا خَلَقتَ مِنَ الحَمدِ، وَ یَنتَظِمُ مَا أَنتَ خَالِقُهُ مِن بَعدُ.

(۲۷) پاک و منزّهی! نه حس می شوی و نه قابل جستجو هستی و نه لمس می گردی و نه نیرنگ می خوری و نه با مقاومت برکنار می روی و نه قابل نزاع هستی و نه با کسی کشمکش داری و نه بگو مگو می کنی و نه فریب می خوری و نه با تو حیله گری شود.

(۲۸) پاک و منزّهی! راه تو هموار، و فرمانت هدایتگر است و تویی زنده بی نیاز.

(۲۹) پاک و منزّهی! گفتارت حکمت، و فرمانت واجب، و اراده ات حتمی است.

(۳۰) پاک و منزّهی! برای مشیّت تو باز گرداننده ای، و برای کلماتت تغییر دهنده ای نیست.

(۳۱) پاک و منزّهی! ای که نشانه هایت آشکار است. آفریننده آسمان، پدیدآورنده جان ها.

(۳۲) سپاس برای توست. سپاسی که با همیشگی بودن تو، همیشگی است.

(۳۳) و سپاس برای توست. سپاسی که همراه نعمت تو، جاوید مانَد.

(۳۴) و سپاس برای توست. سپاسی که با لطف تو، برابری کند.

(۳۵) و سپاس برای توست. سپاسی که بر خوشنودی ات بیفزاید.

(۳۶) و سپاس برای توست. سپاسی که همراه با سپاس هر سپاس گزار باشد، و ستایشی که ستایش هر ستاینده ای از آن بازمانَد.

(۳۷) سپاسی که جز برای تو، سزاوار نباشد و به وسیله آن جز به سوی تو، تقرّب نتوان جست.

(۳۸) سپاسی که دوام اوّلین و بقای آخِرین، به وسیله آن درخواست گردد.

(۳۹) سپاسی که با گردش زمان ها، چندین برابر شود و پیوسته، چندین برابر افزایش یابد.

(۴۰) سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند، و بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده اند، افزونی یابد.

(۴۱) سپاسی که با عرش بزرگ تو هم سنگ باشد، و با کرسی بلند پایه ات برابری نماید.

(۴۲) سپاسی که پاداش آن نزد تو کامل باشد، و جزایش همه جزاها را فراگیرد.

(۴۳) سپاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد و باطنش با نیّت صادقانه موافق باشد.

(۴۴) سپاسی که هیچ آفریده ای مانند آن، تو را ستایش نکرده باشد و احدی جز تو، فضیلت آن را نداند.

(۴۵) سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد و هر که زیاده روی نمود در کامل به جا آوردن آن، تأیید شود.

(۴۶) سپاسی که آنچه از سپاس ها آفریدی را گرد آورد، و هر سپاسی که پس از آن بیافرینی را دربر گیرد.

ص: ۱۵۰۷

(۴۷)حمداً لَا حَمدَ أَقرَبُ إِلَی قَولِکَ مِنهُ، وَ لَا أَحمَدَ مِمّن یَحمَدُکَ بِهِ.(۴۸)حمداً یُوجِبُ بِکَرَمِکَ المَزِیدَ بِوُفُورِهِ، وَ تَصِلُهُ بِمَزِیدٍ بَعدَ مَزِیدٍ طَولًا مِنکَ (۴۹)حَمداً یَجِبُ لِکَرَمِ وَجهِکَ، وَ یُقَابِلُ عِزّ جَلَالِکَ.(۵۰)رَبّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ،المُنتَجَبِ المُصطَفَی المُکَرّمِ المُقَرّبِ،أَفضَلَ صَلَوَاتِکَ، وَ بَارِک عَلَیهِ أَتَمّ بَرَکَاتِکَ، وَ تَرَحّم عَلَیهِ أَمتَعَ رَحَمَاتِکَ.(۵۱)رَبّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَاةً زَاکِیَةً لَا تَکُونُ صَلَاةٌ أَزکَی مِنهَا، وَ صَلّ عَلَیهِ صَلَاةً نَامِیَةً لَا تَکُونُ صَلَاةٌ أَنمَی مِنهَا، وَ صَلّ عَلَیهِ صَلَاةً رَاضِیَةً لَا تَکُونُ صَلَاةٌ فَوقَهَا.(۵۲)رَبّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَاةً تُرضِیهِ وَ تَزِیدُ عَلَی رِضَاهُ، وَ صَلّ عَلَیهِ صَلَاةً تُرضِیکَ وتَزِیدُ عَلَی رِضَاکَ لَهُ وَ صَلّ عَلَیهِ صَلَاةً لَا تَرضَی لَهُ إِلّا بِهَا، وَ لَا تَرَی غَیرَهُ لَهَا أَهلًا.(۵۳)رَبّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضوَانَکَ، وَ یَتّصِلُ اتّصَالُهَا بِبَقَائِکَ، وَ لَا یَنفَدُ کَمَا لَا تَنفَدُ کَلِمَاتُکَ.(۵۴)رَبّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَاةً تَنتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِکَتِکَ وَ أَنبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ وَ أَهلِ طَاعَتِکَ، وَ تَشتَمِلُ عَلَی صَلَوَاتِ عِبَادِکَ مِن جِنّکَ وَ إِنسِکَ وَ أَهلِ إِجَابَتِکَ، وَ تَجتَمِعُ عَلَی صَلَاةِ کُلّ مَن ذَرَأتَ وَ بَرَأتَ مِن أَصنَافِ خَلقِکَ.(۵۵)رَبّ صَلّ عَلَیهِ وَ آلِهِ،صَلَاةً تُحِیطُ بِکُلّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُستَأنَفَةٍ، وَ صَلّ عَلَیهِ وَ عَلَی آلِهِ،صَلَاةً مَرضِیّةً لَکَ وَ لِمَن دُونَکَ، وَ تُنشِئُ مَعَ ذَلِکَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلکَ الصّلَوَاتِ عِندَهَا، وَ تَزِیدُهَا عَلَی کُرُورِ الأَیّامِ زِیَادَةً فِی تَضَاعِیفَ لَا یَعُدّهَا غَیرُکَ.

(۴۷) سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک تر از آن به سپاسی که (در) گفتار توست، نباشد و هیچ سپاس گزاری، سپاس گزارتر از آنکه تو را سپاس گزارَد، نباشد.

(۴۸) سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گردانَد و تو آن را از روی احسانت، با افزونی پی درپی پیوند دهی.

(۴۹) سپاسی که سزاوار ذاتِ کریم تو، و با عزّتِ جلال تو برابر باشد.

(۵۰) پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد که برگزیده، اختیار شده، گرامی و مقرّب داشته شده اند، برترین درودهایت را بفرست و کامل ترین برکت هایت را بر او روان ساز و با سودمندترین رحمت هایت، بر او رحمت فرست.

(۵۱) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درود پیراسته ای که درودی پیراسته تر از آن نباشد. و بر او درود فرست، درود فراوانی که درودی فراوان تر از آن نباشد. و بر او درود فرست، درود خوشنود کننده ای که درودی بالاتر از آن نباشد.

(۵۲) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که خوشنودش سازد و بر خوشنودی اش بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که تو را خوشنود کند و بر خوشنودی ات برای او بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که برای او جز به آن راضی نشوی و جز او را سزاوار آن نبینی.

(۵۳) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که از خوشنودی تو درگذرد و اتّصالش به بقای تو پیوند خورد و تمام نشود، همچنانکه کلمات تو تمام نمی شود.

(۵۴) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و فرمانبران تو را فراگیرد و درودهای بندگانت از جن و اِنست و اجابت کنندگان دعوتت را شامل شود و درود هر که آفریده ای و ایجاد نموده ای از انواع آفریدگانت را دربرگیرد.

(۵۵) پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه ای را فراگیرد. و بر او و بر خاندانش درود فرست، درودی که نزد تو و غیر تو پسندیده باشد و با آن درودهای دیگر پدید آوری، که درودهای گذشته را با آن چندین برابر کنی و آن را با گذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چندین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند.

ص: ۱۵۰۹

(۵۶)رَبّ صَلّ عَلَی أَطَایِبِ أَهلِ بَیتِهِ الّذِینَ اختَرتَهُم لِأَمرِکَ، وَ جَعَلتَهُم خَزَنَهَ عِلمِکَ، وَ حَفَظَهَ دِینِکَ، وَ خُلَفَاءَکَ فِی أَرضِکَ، وَ حُجَجَکَ عَلَی عِبَادِکَ، وَ طَهّرتَهُم مِنَ الرّجسِ وَ الدّنَسِ تَطهِیراً بِإِرَادَتِکَ، وَ جَعَلتَهُمُ الوَسِیلَهَ إِلَیکَ، وَ المَسلَکَ إِلَی جَنّتِکَ (۵۷)رَبّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَاهً تُجزِلُ لَهُم بِهَا مِن نِحَلِکَ وَ کَرَامَتِکَ، وَ تُکمِلُ لَهُمُ الأَشیَاءَ مِن عَطَایَاکَ وَ نَوَافِلِکَ، وَ تُوَفّرُ عَلَیهِمُ الحَظّ مِن عَوَائِدِکَ وَ فَوَائِدِکَ.(۵۸)رَبّ صَلّ عَلَیهِ وَ عَلَیهِم صَلَاهً لَا أَمَدَ فِی أَوّلِهَا، وَ لَا غَایَهَ لِأَمَدِهَا، وَ لَا نِهَایَهَ لِآخِرِهَا. (۵۹)رَبّ صَلّ عَلَیهِم زِنَهَ عَرشِکَ وَ مَا دُونَهُ، وَ ملِ ءَ سَمَاوَاتِکَ وَ مَا فَوقَهُنّ، وَ عَدَدَ أَرَضِیکَ وَ مَا تَحتَهُنّ وَ مَا بَینَهُنّ،صَلَاهً تُقَرّبُهُم مِنکَ زُلفَی، وَ تَکُونُ لَکَ وَ لَهُم رِضًی، وَ مُتّصِلَهً بِنَظَائِرِهِنّ أَبَداً.(۶۰) أللّهُمّ إِنّکَ أَیّدتَ دِینَکَ فِی کُلّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمتَهُ عَلَماً لِعِبَادِکَ، وَ مَنَاراً فِی بِلَادِکَ بَعدَ أَن وَصَلتَ حَبلَهُ بِحَبلِکَ، وَ جَعَلتَهُ الذّرِیعَهَ إِلَی رِضوَانِکَ، وَ افتَرَضتَ طَاعَتَهُ، وَ حَذّرتَ مَعصِیَتَهُ، وَ أَمَرتَ بِامتِثَالِ أَوَامِرِهِ، وَ الِانتِهَاءِ

عِندَ نَهیِهِ، وَ أَلّا یَتَقَدّمَهُ مُتَقَدّمٌ، وَ لَا یَتَأَخّرَ عَنهُ مُتَأَخّرٌ فَهُوَ عِصمَهُ اللّائِذِینَ، وَ کَهفُ المُؤمِنِینَ وَ عُروَهُ المُتَمَسّکِینَ، وَ بَهَاءُ العَالَمِینَ. (۶۱) أللّهُمّ فَأَوزِع لِوَلِیّکَ شُکرَ مَا أَنعَمتَ بِهِ عَلَیهِ، وَ أَوزِعنَا مِثلَهُ فِیهِ، وَ آتِهِ مِن لَدُنکَ سُلطَاناً نَصِیراً، وَ افتَح لَهُ فَتحاً یَسِیراً، وَ أَعِنهُ بِرُکنِکَ الأَعَزّ، وَ اشدُد أَزرَهُ، وَ قَوّ عَضُدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَینِکَ، وَ احمِهِ بِحِفظِکَ وَ انصُرهُ بِمَلَائِکَتِکَ، وَ امدُدهُ بِجُندِکَ الأَغلَبِ.

(۵۶) پروردگـار من، بر پـاكيزه تران خـانواده اش درود فرست، آنـان كه براى فرمـان خـود برگزيـدى و آنـان را گنجينه داران علمت و نگهبانان دينت و جانشينان خود در زمينت و حجّت هاى خويش بر بندگانت قرار دادى. و به خواست خويش، آنان را از پليدى و آلودگى پاك نمودى و آنها را وسيله اى به سوى خود و راهى به سوى بهشتت قرار دادى.

(۵۷) پروردگـار من، بر محمّـد و خانـدانش درود فرست، درودى كه بـا آن بخشـش و كرامتت را براى ايشـان بسـيار سـازى و چيزهايى از عطاها و بخشش هايت را براى آنها كامل گردانى و بهره ىِ آنان را از نعمت ها و سودهايت فراوان گردانى.

(۵۸) پروردگـار مـن، بر او و بر آنهـا درود فرسـت، درودى كـه مرزى در اوّلش و زمـانى براى پايـانش و نهـايتى براى آخرش نباشد.

(۵۹) پروردگار من، بر ايشان هم وزن عرش خود و آنچه زير آن است و به گنجايش آسـمان هايت و آنچه در بالاى آنهاسـت و به تعداد زمين هايت و آنچه زير آنها و ميان آنهاست، درود فرست. درودى كه ايشان را هر چه بيشتر به تو نزديك گرداند و براى تو و براى ايشان پسنديده باشد و تا ابد به مانندهاى آن (درودها) متّصل باشد.

(۶۰) خداونـدا، همانـا تـو دين خود را در هر زمـانى به امـامى تأييـد كرده اى، كه او را نشـانه اى براى بنـدگانت و علامتى در شهرهايت به پا داشتى، پس از آنكه ريسـمان او را به ريسـمان خود پيوستى و او را سبب رسيدن به خوشنودى ات قرار دادى و فرمـانبرى او را واجب گردانـدى و از نافرمـانى اش برحـذر داشتى و فرمان دادى كه به امرهاى او امتثال كننـد و از نهى هاى او بازايسـتند و هيچ پيشـى گيرنده اى از او پيشـى نگيرد و هيچ بازمانده اى از او بازنماند. پس او نگهدارنده پناهندگان و پناهگاه مؤمنان و دستاويز چنگ زنندگان و ارجمندىِ جهانيان است.

(۶۱) خداونـدا، پس به ولىّ خود، شـكرِ آنچه را كه به او نعمت داده اى، الهام فرما و مانند آن (شـكر) را در نعمت، به ما الهام نما و او را از جانب خود، سـلطنتى پيروزمند عطا فرما و براى او پيروزى به آسانى بگشاى و او را به تواناترين تكيه گاه (نيروى) خود، يـارى فرمـا و پشـتش را محكم سـاز و بازويش را قوّت ده و تحت نظر خود، از او نگهـدارى كن و با حفظ خويش، او را پشتيبانى كن و با فرشتگانت يارى اش نما و با چيره ترين لشكرت، به او كمك رسان.

(۶۲) وَ أَقِم بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ،صَلَوَاتُكَ أَللّهُمّ عَلَيهِ وَ آلِهِ، وَ أَحىِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظّالِمُونَ مِن مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ اجلُ بِهِ صَدَاءَ الجَورِ عَن طَرِيقَتِكَ، وَ أَبِن بِهِ الضّرّاءَ مِن سَبِيلِكَ، وَ أَزِل بِهِ النّاكِبِينَ عَن صِرَاطِكَ، وَ امحَق بِهِ بُغَاةَ قَصدِكَ عِوَجاً (۶۳) وَ أَلِن جَانِبَهُ لِأَولِيَائِكَ، وَ ابسُط يَدَهُ عَلَى أَعدَائِكَ، وَ هَب لَنَا رَأفَتَهُ، وَ رَحمَتَهُ وَ تَعَطّفَهُ وَ تَحَنّنَهُ، وَ اجعَلنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَ فِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَ إِلَى نُصرَتِهِ وَ المُدَافَعَهِ عَنهُ مُكنِفِينَ، وَ إِلَيكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ أَللّهُمّ عَلَيهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرّبِينَ.(۶۴) أَللّهُمّ وَ صَلّ عَلَى أَولِيَائِهِمُ المُعتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمُ،المُتّبِعِينَ مَنهَجَهُمُ،المُقتَفِينَ آثَارَهُمُ،المُستَمسِكِينَ بِعُروَتِهِمُ،المُتَمَسّكِينَ بِوِلَايَتِهِمُ،المُؤتَمّينَ بِإِمَامَتِهِمُ،المُسَلّمِينَ لِأَمرِهِمُ،المُجتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمُ،المُنتَظِرِينَ أَيّامَهُمُ،المَادّينَ إِلَيهِم أَعيُنَهُمُ،الصّلَوَاتِ المُبَارَكَاتِ الزّاكِيَاتِ النّامِيَاتِ الغَادِيَاتِ الرّائِحَاتِ.(۶۵) وَ سَلّم عَلَيهِم وَ عَلَى أَروَاحِهِم، وَ اجمَع عَلَى التّقوَى أَمرَهُم، وَ أَصلِح لَهُم شُئُونَهُم، وَ تُب عَلَيهِم،إِنّكَ أَنتَ التّوّابُ الرّحِيمُ، وَ خَيرُ الغَافِرِينَ، وَ اجعَلنَا مَعَهُم فِي دَارِ السّلَامِ بِرَحمَتِكَ، يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ.(۶۶) أَللّهُمّ هَذَا يَومُ عَرَفَهَ يَومٌ شَرّفتَهُ وَ كَرّمتَهُ وَ عَظّمتَهُ،نَشَرتَ فِيهِ رَحمَتَكَ، وَ مَنَنتَ فِيهِ بِعَفوِكَ، وَ أَجزَلتَ فِيهِ عَطِيّتَكَ، وَ تَفَضّلتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ.(۶۷) أَللّهُمّ وَ أَنَا عَبدُكَ أَلّذِي أَنعَمتَ عَلَيهِ قَبلَ خَلقِكَ لَهُ وَ بَعدَ خَلقِكَ إِيّاهُ،فَجَعَلتَهُ مِمّن هَدَيتَهُ لِدِينِكَ، وَ وَفّقتَهُ لِحَقّكَ، وَ عَصَمتَهُ بِحَبلِكَ، وَ أَدخَلتَهُ فِي حِزبِكَ، وَ أَرشَدتَهُ لِمُوَالَاهِ أَولِيَائِكَ، وَ مُعَادَاهِ أَعدَائِكَ.

(۶۲) و کتاب خود و احکامت و قوانینت و روش های پیامبرت را - خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد- به وسیله او به پا دار و با او آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان و با او زنگار ستم را از راهت بزدای و به سبب او سختی را از راهت دور کن و به وسیله او منحرفان را از راهت بیرون کن و به وسیله او آنان که می خواهند راه راست تو را کج کنند، نابود گردان.

(۶۳) و خوی او را برای دوستانت نرم فرما و دستش را بر دشمنانت بگستر و محبّت و رحمت و عطوفت و دلسوزی او را به ما روا دار و ما را برای او شنوندگان، فرمانبران، و کوشا در خوشنودی او، و در مدد نمودنش و دفاع از او یاری کنندگان و بدین وسیله جویای تقرّب به سوی خود و پیامبرت -که خداوندا درودهایت را بر او و خاندانش بفرست- قرار ده.

(۶۴) خداوندا و بر دوستان آنها که اعتراف کنندگان به مقامشان، پیروان راه روشنشان، رهروان نشانه هایشان، چنگ زنندگان به دستاویزشان، تمسّک جویان به ولایتشان و اقتدا کنندگان به امامتشان، تسلیم شدگان فرمانشان، کوشش کنندگان در طاعتشان، منتظران روزهای (دولت) آنان، و چشم دوختگان به ایشانند، درودهای مبارک، پاک، فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست.

(۶۵) و بر آنان و بر جان هایشان سلام فرست و کردارشان را بر پرهیزکاری سامان ده و احوالشان را برای آنها اصلاح نما و توبه آنان را بپذیر. همانا تو بسیار توبه پذیرِ مهربانی و بهترین آمرزندگانی. و ما را به همراه آنان در خانه سلامتی (بهشت) قرار ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.

(۶۶) خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای و رحمتت را در آن گسترده ای و بخشایشت را در آن ارزانی داشته ای و عطایت را در آن فراوان نموده ای و به وسیله آن بر بندگانت تفضّل کرده ای.

(۶۷) خداوندا و من آن بنده تو هستم که پیش از آفرینشت و پس از آفرینشت، او را نعمت داده ای. پس او را از کسانی قرار دادی، که به دین خود راه نمودی و برای ادای حقّ خود، به او توفیق دادی و او را به ریسمان خویش، نگه داشتی و او را در حزب خود وارد کردی و او را به دوستی با دوستانت و دشمنی با دشمنانت راهنمایی نمودی.

ص: ۱۵۱۳

(۶۸) ثُمّ أَمَرتَهُ فَلَم يَأتَمِر، وَ زَجَرتَهُ فَلَم يَنزَجِر، وَ نَهَيتَهُ عَن مَعصِيَتِكَ،فَخَالَفَ أمرَكَ إِلَى نَهيِكَ، لَا مُعَانَدَةً لَكَ، وَ لَا استِكبَاراً عَلَيكَ،بَل دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيّلَتهُ وَ إِلَى مَا حَذّرتَهُ، وَ أَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عَدُوّكَ وَ عَدُوّهُ،فَأَقدَمَ عَلَيهِ عَارِفاً بِوَعِيدِكَ،رَاجِياً لِعَفوِكَ،وَاثِقاً بِتَجَاوُزِكَ، وَ كَانَ أَحَقّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنتَ عَلَيهِ أَلّا يَفعَلَ. (۶۹) وَ هَا أَنَا ذَا بَينَ يَدَيكَ صَاغِراً ذَلِيلًا خَاضِعاً خَاشِعاً خَائِفاً،مُعتَرِفاً بِعَظِيمٍ مِنَ الذّنُوبِ تَحَمّلتُهُ، وَ جَلِيلٍ مِنَ الخَطَايَا اجتَرَمتُهُ،مُستَجِيراً بِصَفحِكَ،لَائِذاً بِرَحمَتِكَ،مُوقِناً أَنّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنكَ مُجِيرٌ، وَ لَا يَمنَعُنِي مِنكَ مَانِعٌ.(۷۰)فَعُد عَلَيّ بِمَا تَعُودُ بِهِ عَلَى مَنِ اقتَرَفَ مِن تَغَمّدِكَ، وَ جُد عَلَيّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَى مَن أَلقَى بِيَدِهِ إِلَيكَ مِن عَفوِكَ، وَ امنُن عَلَيّ بِمَا لَا يَتَعَاظَمُكَ أَن تَمُنّ بِهِ عَلَى مَن أَمّلَكَ مِن غُفرَانِكَ،(۷۱) وَ اجعَل لِي فِي هَذَا اليَومِ نَصِيباً أَنَالُ بِهِ حَظّاً مِن رِضوَانِكَ، وَ لَا تَرُدّنِي صِفراً مِمّا يَنقَلِبُ بِهِ المُتَعَبّدُونَ لَكَ مِن عِبَادِكَ(۷۲) وَ إِنّي وَ إِن لَم أُقَدّم مَا قَدّمُوهُ مِنَ الصّالِحَاتِ فَقَد قَدّمتُ تَوحِيدَكَ وَ نَفيَ الأَضدَادِ وَ الأَندَادِ وَ الأَشبَاهِ عَنكَ، وَ أَتَيتُكَ مِنَ الأَبوَابِ الّتِي أَمَرتَ أَن تُؤتَى مِنهَا، وَ تَقَرّبتُ إِلَيكَ بِمَا لَا يَقرُبُ أَحَدٌ مِنكَ إِلّا بِالتّقَرّبِ بِهِ.(۷۳) ثُمّ أَتبَعتُ ذَلِكَ بِالإِنَابَةِ إِلَيكَ، وَ التّذَلّلِ وَ الِاستِكَانَةِ لَكَ، وَ حُسنِ الظّنّ بِكَ، وَ الثّقَةِ بِمَا عِندَكَ، وَ شَفَعتُهُ بِرَجَائِكَ ألّذِي قَلّ مَا يَخِيبُ عَلَيهِ رَاجِيكَ.

(۶۸) سپس او را فرمان دادی، پس فرمان نبرد و او را باز داشتی، پس باز نایستاد و او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت. نه از روی عناد با تو و نه از روی گردنکشی کردن بر تو. بلکه خواهش نفسش به آنچه او را از آن باز داشتی و به آنچه از آن برحذر نمودی، فراخواندش و دشمن تو و دشمن او (شیطان)، او را بر آن یاری کرد. پس با علم به تهدیدت و امیدواری به بخشایشت و اعتماد به گذشتت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد. و حال آنکه با آن عنایت هایی که به او داشته ای، سزاوارترین بندگانت بود که نافرمانی ات را نکند.

(۶۹) و اینک منم در پیشگاه تو، پست، ذلیل، فروتن، متواضع، ترسان، اعتراف کننده به بزرگی گناهانی که زیر بار آن رفته ام و به سترگیِ خطاهایی که مرتکب آن شده ام، پناهنده به بخشایشت، پناه خواه به رحمتت و باور دارنده به اینکه هیچ امان دهنده ای مرا از تو امان نمی دهد و هیچ بازدارنده ای مرا از (بلای) تو باز نمی دارد.

(۷۰) پسْ بر من از پوششت، همان چیزی را که به کسی که گناه کرده می دهی، عطا کن. و به من ببخش همان چیزی را که به کسی که به خاطر عفوت تسلیم تو گردیده است می بخشی. و به من ارزانی دار آنچه بر تو گران نیست و به کسی که آمرزش تو را آرزو می کند ارزانی می داری.

(۷۱) و در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم و مرا تهی دست از آنچه بندگانِ پرستشگرت با (دستی پر از) آن بازمی گردند، بازنگردان.

(۷۲) و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو و نفی شریکان و همتایان و مانندهایی از تو را، پیش فرستاده ام. و از همان درهایی که فرمان داده ای از آنها وارد شوند، نزد تو آمده ام. و به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام.

(۷۳) سپس بازگشت به سوی تو و فروتنی و زاری برای تو و خوش گمانی به تو و اعتماد به آنچه نزد توست را، در پی آن روانه ساخته ام. و آن را جفت امید به تو کردم. همان (امیدی) که با وجود آن، امیدوار به تو کمتر ناامید می شود.

ص: ۱۵۱۵

(۷۴) وَ سَأَلْتُکَ مَسأَلَهَ الحَقِیرِ الذَّلِیلِ البَائِسِ الفَقِیرِ الخَائِفِ المُستَجِیرِ، وَ مَعَ ذَلِکَ خِیفَهً وَ تَضَرّعاً وَ تَعَوّذاً وَ تَلَوّذاً، لَا مُستَطِیلًا بِتَکَبرِ المُتَکَبرِینَ، وَ لَا مُتَعَالِیاً بِدَالّهِ المُطِیعِینَ، وَ لَا مُستَطِیلًا بِشَفَاعَهِ الشّافِعِینَ.(۷۵) وَ أَنَا بَعدُ أَقَلّ الأَقَلّینَ، وَ أَذَلّ الأَذَلّینَ، وَ مِثلُ الذّرّهِ أَو دُونَهَا،فَیَا مَن لَم یُعَاجِلِ المُسِیئِینَ، وَ لَا یَندَهُ المُترَفِینَ، وَ یَا مَن یَمُنّ بِإِقَالَهِ العَاثِرِینَ، وَ یَتَفَضّلُ بِإِنظَارِ الخَاطِئِینَ.(۷۶) أَنَا المُسِی ءُ المُعتَرِفُ الخَاطِئُ العَاثِرُ.(۷۷) أَنَا أَلّذِی أَقدَمَ عَلَیکَ مُجتَرِئاً.(۷۸) أَنَا أَلّذِی عَصَاکَ مُتَعَمّداً.(۷۹) أَنَا أَلّذِی استَخفَی مِن عِبَادِکَ وَ بَارَزَکَ. (۸۰) أَنَا أَلّذِی هَابَ عِبَادَکَ وَ أَمِنَکَ.(۸۱) أَنَا أَلّذِی لَم یَرهَب سَطوَتَکَ، وَ لَم یَخَف بَأسَکَ.(۸۲) أَنَا الجَانِی عَلَی نَفسِهِ(۸۳) أَنَا المُرتَهَنُ بِبَلِیّتِهِ.(۸۴) أَنَا القَلِیلُ الحَیَاءِ.(۸۵) أَنَا الطّوِیلُ العَنَاءِ.(۸۶)بِحَقّ مَن انتَجَبتَ مِن خَلقِکَ، وَ بِمَنِ اصطَفَیتَهُ لِنَفسِکَ،بِحَقّ مَنِ اختَرتَ مِن بَرِیّتِکَ، وَ مَنِ اجتَبَیتَ لِشَأنِکَ،بِحَقّ مَن وَصَلتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِکَ، وَ مَن جَعَلتَ مَعصِیَتَهُ کَمَعصِیَتِکَ،بِحَقّ مَن قَرَنتَ مُوَالَاتَهُ بِمُوَالَاتِکَ، وَ مَن نُطتَ مُعَادَاتَهُ بِمُعَادَاتِکَ،تَغَمّدنِی فِی یَومِی هَذَا بِمَا تَتَغَمّدُ بِهِ مَن جَارَ إِلَیکَ مُتَنَصّلًا، وَ عَاذَ بِاستِغفَارِکَ تَائِباً.(۸۷) وَ تَوَلّنِی بِمَا تَتَوَلّی بِهِ أَهلَ طَاعَتِکَ وَ الزّلفَی لَدَیکَ وَ المَکَانَهِ مِنکَ.(۸۸) وَ تَوَحّدنِی بِمَا تَتَوَحّدُ بِهِ مَن وَفَی بِعَهدِکَ، وَ أَتعَبَ نَفسَهُ فِی ذَاتِکَ، وَ أَجهَدَهَا فِی مَرضَاتِکَ.

(۷۴) و از تو درخواست می نمـایم، درخواستِ خُرد، خوار، بـدحال، نیازمنـد، ترسـان، پناهنـده. و بـا آن احوال، در خواسـتم به همراه ترس و زاری و پنـاه خواهی و پنـاه جویی است، نه از روی برتری جسـتنْ به تکبّر متکبّران و نه از روی بلنـدی خواهیْ به گستاخی و اعتمادِ فرمانبران و نه از روی گردنکشی نمودن به شفاعتِ شفاعت کنندگان.

(۷۵) و من بعـد از این، کمترین کمتران و خوارترین خواران و مانند ذرّه ای یا کمتر از آنم. پس ای آنکه بر (کیفر) گنهکاران شتاب نمی کنی و ناز پروردگان را نمی رانی و ای آنکه با احسان خود لغزش کاران را می بخشایی و با تفضّل خود خطاکاران را مهلت می دهی.

(۷۶) منم بدکارِ اعتراف کننده خطاکار لغزش کار.

(۷۷) منم آنکه گستاخانه بر تو جرأت نمودم.

(۷۸) منم آنکه از روی عمد، تو را نافرمانی کردم.

(۷۹) منم آنکه (گناهم را) از بندگانت پنهان کرده و نزد تو آشکار نمودم.

(۸۰) منم آنکه از بندگانت ترسیده و از تو آسوده خاطر بودم.

(۸۱) منم آنکه از قهر (و غلبه) تو نترسیده و از عذابت نهراسیده ام.

(۸۲) منم جنایتکار بر خود.

(۸۳) منم در گروی گرفتاری خویش.

(۸۴) منم کم شرم.

(۸۵) منم که گرفتاری ام دراز است.

(۸۶) به حقّ آنکه او را از آفریـدگانت برگزیـده ای و آنکه برای خودت پسـندیده ای، به حقّ کسـی که او را از مردمت اختیار کرده ای و کسـی که او را برای کـار خود انتخـاب نموده ای، به حقّ کسـی که اطاعت از او را به اطاعت خود پیونـد زده ای و کسـی که نافرمانی از او را مانند نافرمانی از خود قرار داده ای، به حقّ کسـی که دوستی اش را با دوستی خود قرین کرده ای و کسـی که دشمنی اش را به دشمنی خویش مرتبط نموده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده، و با حال توبه، پناه به آمرزش خواستن از تو آورده.

(۸۷) و مرا سرپرستی کن همانگونه که فرمانبرانت و نزدیکانت و منزلت دارندگانت را سرپرستی می کنی.

(۸۸) و تو خود به تنهـایی به من نیکی کن، همـانگونه که نیکی می کنی با کسـی که به عهـد تو وفا کرده و برای تو خود را به

سختی انداخته و در خوشنودی ات کوشیده.

ص: ۱۵۱۷

(۸۹) وَ لَا تؤَاخـذِنی بتِفَریطِی فِی جَنبِکَ، وَ تعَـدَیّ طوَرِی فِی حُدُودِکَ، وَ مُجَاوَزَهِ أَحکَامِکَ.(۹۰) وَ لَا تسَتدَرجِنیِ بإِملَائکَِ لیِ استِدرَاجَ مَن منَعَنَی خَیرَ مَـا عِنـدَهُ وَ لَم یَشـرَککَ فِی حُلُولِ نِعمَتِهِ بیِ.(۹۱) وَ نبَهّنیِ مِن رَقدَهِ الغَافِلِینَ، وَ سِنَهِ المُسرِفِینَ، وَ نَعسَهِ المَخذُولِینَ(۹۲) وَ خُذ بقِلَبیِ إِلَی مَا استَعمَلتَ بِهِ القَانتِیِنَ، وَ استَعبَدتَ بِهِ المُتعَبَدّیِنَ، وَ استَنقَذتَ بِهِ المُتهَاوِنیِنَ.(۹۳) وَ أَعِذنیِ مِمّا یبُاَعِدنُیِ عَنکَ، وَ یَحُولُ بیَنیِ وَ بَینَ حظَیّ مِنکَ، وَ یصَدُنّیِ عَمّا أُحَاوِلُ لدَیَکَ(۹۴) وَ سَهّل لِی مَسلَکَ الخَیرَاتِ إِلَیکَ، وَ المُسَابقَهَ إِلَیهَا مِن حَیثُ أَمَرتَ، وَ المُشَاحّهَ فِیهَا عَلَی مَا أَرَدتَ.(۹۵) وَ لَا تمَحقَنیِ فِیمَن تَمحَقُ مِنَ المُستَخِفّینَ بِمَا أَوعَدتَ(۹۶) وَ لَا تهُلِکنیِ مَعَ مَن تُهلِکُ مِنَ المُتعَرَضّیِنَ لِمَقتِکَ(۹۷) وَ لَا تتُبَرّنیِ فِیمَن تُتبَرُ مِنَ المُنحَرِفِینَ عَن سُبُلِکَ (۹۸) وَ نجَنّیِ مِن غَمَرَاتِ الفِتنَهِ، وَ خلَصّنیِ مِن لَهَوَاتِ البلَوَی، وَ أجَرِنیِ مِن أَخذِ الإِملَاءِ.(۹۹) وَ حُل بیَنیِ وَ بَینَ عَدُوّ یضُلِنّیِ، وَ هَوًی یوُبقِنُیِ، وَ مَنقَصَهٍ ترَهقَنُیِ(۱۰۰) وَ لَا تُعرِض عنَیّ إِعرَاضَ مَن لَا ترَضَی عَنهُ بَعدَ غَضَبِکَ(۱۰۱) وَ لَا تؤُیسِنیِ مِنَ الأَمَلِ فِیکَ فَیَغلِبَ عَلَیّ القُنُوطُ مِن رَحمَتِکَ(۱۰۲) وَ لَا تمَنحَنیِ بِمَا لَا طَاقَهَ لِی بِهِ فتَبَهظَنَیِ مِمّا تُحَمّلُنیِهِ مِن فَضلِ مَحَبّتِکَ.(۱۰۳) وَ لَا ترُسِلنیِ مِن یَدِکَ إِرسَالَ مَن لَا خَیرَ فِیهِ، وَ لَا حَاجَهَ بکَ إِلَیهِ، وَ لَا إِنَابَهَ لَهُ(۱۰۴) وَ لَا ترَم بیِ رمَیَ مَن سَقَطَ مِن عَینِ رِعَایتَکَ، وَ مَنِ اشتَمَلَ عَلَیهِ الخزِیُ مِن عِندِکَ،بَل خُذ بیِدَیِ مِن سَقطَهِ المُترَدَیّنَ، وَ وَهلَهِ المُتعَسَفّیِنَ، وَ زَلّهِ المَغرُورِینَ، وَ وَرطَهِ الهَالِکیِنَ.

(۸۹) و مرا به کوتاهی نمودنم در حقّت و تعدّی کردنم در حدودت و تجاوز از احکامت کیفر نکن.

(۹۰) و مرا با مهلت دادنت، غافلگیر نکن. همانند غافلگیر نمودن کسی که مرا از نیکی آنچه نزدش است، بی بهره گردانده، در حالی که در رسیدن نعمتش به من شریک تو نبوده است.

(۹۱) و مرا از خواب غافلان و از خواب آلودگی اسراف کاران و از چرت خوار شدگان، بیدار فرما.

(۹۲) و دلم را به سوی آنچه نیایشگران را به آن گماشته ای و پرستش کنندگان را با آن به بندگی گرفته ای و سهل انگاران را با آن نجات داده ای، متوجّه ساز.

(۹۳) و از چیزی که مرا از تو دور می کند و میان من و بهره ام از تو، مانع می شود، و از آنچه نزد تو می خواهم، بازم می دارد، مرا نگهدار.

(۹۴) و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن به آنها را از جهتی که فرمان داده ای و رقابت در آنها را آنگونه که تو خواسته ای، برای من آسان گردان.

(۹۵) و مرا در شمار نابود شوندگانی که تهدید تو را سبک می شمارند، نابود نکن.

(۹۶) و مرا همراه هلاک شوندگانی که دشمنی تو را می طلبند، هلاک نگردان.

(۹۷) و مرا در شمار شکستگانی که از راه های تو منحرف شده اند، در هم نشکن.

(۹۸) و از گرداب های فتنه نجاتم ده و از کام های بلا رهایی ام بخش و از مؤاخذه مهلت دادن پناهم ده.

(۹۹) و میان من و دشمنی که مرا گمراه می کند، و خواهش نفس که مرا هلاک می گرداند، و نقیصه ای که مرا فرامی گیرد، جدایی انداز.

(۱۰۰)

و از من رونگردان همانند روگرداندن از کسی که پس از خشمت از او خوشنود نمی شوی.

(۱۰۱) و از امید به خود ناامیدم نکن، که ناامیدی از رحمتت بر من چیره شود.

(۱۰۲) و آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از بار گران دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی.

(۱۰۳) و مرا از نزد خود رها نکن همانند رها کردن کسی که در او خیری نیست و تو را با او کاری نیست و بازگشتی برای او وجود ندارد.

(۱۰۴) و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده و کسی که از جانب تو خواری او را شامل شده. بلکه از سقوط پرت شدگان و وحشت گمراهان و لغزش فریفتگان و گرداب هلاک شدگان دستم را بگیر (نجاتم ده).

ص: ۱۵۱۹

(۱۰۵) وَ عافِنِی مِمّا ابتَلَیتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَبِیدِکَ وَ إمَائِکَ، وَ بلَغّنِی مَبَالِغَ مَن عُنِیتَ بِهِ، وَ أَنعَمتَ عَلَیهِ، وَ رَضِیتَ عَنهُ،فَأَعَشتَهُ حَمِیداً، وَ تَوَفّیتَهُ سَعِیداً(۱۰۶) وَ طوَقّنِی طَوقَ الإِقلَاعِ عَمّا یُحبِطُ الحَسَنَاتِ، وَ یَذهَبُ بِالبَرَکَاتِ(۱۰۷) وَ أَشعِر قَلبِی الِازدِجَارَ عَن قَبَائِحِ السّیّئَاتِ، وَ فَوَاضِحِ الحَوبَاتِ.(۱۰۸) وَ لَا تَشغَلنِی بِمَا لَا أُدرِکُهُ إِلّا بِکَ عَمّا لَا یُرضِیکَ عَنیّ غَیرُهُ(۱۰۹) وَ انزِع مِن قَلبِی حُبّ دُنیَا دَنِیّةٍ تَنهَی عَمّا عِندَکَ، وَ تَصُدّ عَنِ ابتِغَاءِ الوَسِیلَهِ إِلَیکَ، وَ تُذهِلُ عَنِ التّقَرّبِ مِنکَ.(۱۱۰) وَ زَیّن لِیَ التّفَرّدَ بِمُنَاجَاتِکَ بِاللّیلِ وَ النّهَارِ(۱۱۱) وَ هَب لِی عِصمَهً تدُنیِنیِ مِن خَشیَتِکَ، وَ تَقطَعُنِی عَن رُکُوبِ مَحَارِمِکَ، وَ تفَکُنّیِ مِن أَسرِ العَظَائِمِ.(۱۱۲) وَ هَب لِیَ التّطهِیرَ مِن دَنَسِ العِصیَانِ، وَ أَذهِب عنَیّ دَرَنَ الخَطَایَا، وَ سَربِلنِی بِسِربَالِ عَافِیَتِکَ، وَ ردَنّیِ رِدَاءَ مُعَافَاتِکَ، وَ جلَلّنیِ سَوَابِغَ نَعمَائِکَ، وَ ظَاهِر لدَیَ‌ّ فَضلَکَ وَ طَولَکَ (۱۱۳) وَ أیَدّنیِ بِتَوفِیقِکَ وَ تَسدِیدِکَ، وَ أَعِنیّ عَلَی صَالِحِ النّیّهِ، وَ مَرضِیّ القَولِ، وَ مُستَحسَنِ العَمَلِ، وَ لَا تکَلِنیِ إِلَی حَولِی وَ قوُتّیِ دُونَ حَولِکَ وَ قُوّتِکَ.(۱۱۴) وَ لَا تخُزنِیِ یَومَ تبَعثَنُیِ لِلِقَائِکَ، وَ لَا تفَضحَنیِ بَینَ یدَیَ أَولِیَائِکَ، وَ لَا تُنسِنِی ذِکرَکَ، وَ لَا تُذهِب عنَیّ شُکرَکَ،بَل أَلزِمنِیهِ فِی أَحوَالِ السّهوِ

عِندَ غَفَلَاتِ الجَاهِلِینَ لِآلَائِکَ، وَ أَوزِعنِی أَن أُثنیِ‌َ بِمَا أَولَیتَنِیهِ، وَ أَعتَرِفَ بِمَا أَسدَیتَهُ إِلیَ‌ّ.(۱۱۵) وَ اجعَل رغَبتَیِ إِلَیکَ فَوقَ رَغبَهِ الرّاغِبِینَ، وَ حمَدیِ إِیّاکَ فَوقَ حَمدِ الحَامِدِینَ

ص: ۱۵۲۰

(۱۰۵) و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن مبتلا نموده ای، عافیت بخش و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای و به او نعمت داده ای و از او خوشنود گشته ای پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته و نیک بخت میرانده ای.

(۱۰۶) و طوقِ دست برداشتن از آنچه نیکی ها را باطل کرده و برکت ها را از بین می برد، به گردنم انداز.

(۱۰۷) و دلم را به خودداری از بدی های زشت و نافرمانی های رسوا کننده بپوشان.

(۱۰۸) و مرا به چیزی که آن را در نمی یابم، مگر به (کمک) تو، مشغول منما، تا از چیزی که جز آن تو را از من خوشنود نمی کند، باز مانم.

(۱۰۹) و دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد و از طلبیدن دستاویز به سوی تو، منع می کند و از نزدیکی جستن به تو، غافل می نماید را از دلم بَر کن.

(۱۱۰) و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیارا.

(۱۱۱) و به من عصمتی بخش که مرا به ترس از تو نزدیک کند و از انجام دادن حرامت بازم دارد و از بند گناهان بزرگ رهایم سازد.

(۱۱۲) و پاک گشتن از چرکی گناه را به من ببخش و آلودگیِ خطاها را از من ببَر و لباس عافیت خود را به من بپوشان و ردای تندرستی ات را بر تنم کن و مرا به نعمت های گسترده خود فراپوش و فضل و بخشش خود را بر من پوسته گردان.

(۱۱۳) و مرا به توفیق و راهنمایی ات، نیرو ده و بر (داشتن) نیّت صالح و گفتار پسندیده و کردار نیکو یاری ام فرما و مرا به توانایی و نیروی خودم بدون توانایی و نیروی خودت وامگذار.

(۱۱۴) و روزی که مرا برای دیدارت برمی انگیزی، خوارم نساز و در برابر دوستانت رسوایم نگردان و یاد خود را از خاطرم نبر و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجّهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان و به من الهام کن که به خاطر آنچه به من داده ای، ثنا (ی تو را) گویم و به آنچه به من عنایت نموده ای، اعتراف نمایم.

(۱۱۵) و رغبت مرا به سوی خود، بالاتر از رغبتِ همه راغبان و سپاس گزاری ام را در حقّ خودت، بالاتر از سپاسِ همه سپاس گزاران قرار ده.

ص: ۱۵۲۱

(۱۱۶) وَ لَا تخذلُني عِندَ فاقَتي إلَيکَ، وَ لَا تهُلکِني بِما.أَسدَيتُهُ إلَيکَ، وَ لَا تجبَهني بِما جَبَهتَ بِهِ المُعانِدِينَ لکَ،فإنِیّ لکَ مُسَلِّمٌ،أَعلَمُ أنّ الحُجّهَ لَکَ، وَ أَنّکَ أَولَی بِالفَضلِ، وَ أَعوَدُ بِالإِحسَانِ، وَ أَهلُ التّقوَی، وَ أَهلُ المَغفِرَهِ، وَ أَنّکَ بِأَن تعفُوَ أَولَی مِنکَ بِأَن تُعَاقِبَ، وَ أَنّکَ بِأَن تَستُرَ أَقرَبُ مِنکَ إِلَی أَن تَشهَرَ.(۱۱۷)فَأَحیِنِي حَيَاهً طَيّبَهً تَنتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَ تَبلُغُ مَا أُحِبّ مِن حَيثُ لَا آتِي مَا تَكرَهُ، وَ لَا أَرتَكِبُ مَا نَهَيتَ عَنهُ، وَ أَمِتنِي مِيتَهَ مَن يَسعَى نُورُهُ بَينَ يَدَيهِ وَ عَن يَمِينِهِ.(۱۱۸) وَ ذلّلنِي بَينَ يَدَيکَ، وَ أعزّنِي

عِندَ خَلقِکَ، وَ ضَعنِي إِذَا خَلَوتُ بِکَ، وَ ارفَعنِي بَينَ عِبَادِکَ، وَ أَغنِنِي عَمّن هُوَ غَنِيّ عَنّي، وَ زِدنِي إِلَيکَ فَاقَهً وَ فَقراً.(۱۱۹) وَ أَعِذنِي مِن شَمَاتَهِ الأَعدَاءِ، وَ مِن حُلُولِ البَلَاءِ، وَ مِنَ الذّلّ وَ العَنَاءِ،تغَمّدني فِيمَا اطّلَعتَ عَلَيهِ مِنّي بِمَا يَتَغَمّدُ بِهِ القَادِرُ عَلَى البَطشِ لَو لَا حِلمُهُ، وَ الآخِذُ عَلَى الجَرِيرَهِ لَو لَا أَنَاتُهُ(۱۲۰) وَ إِذَا أَرَدتَ بِقَومٍ فِتنَهً أَو سُوءاً فَنَجّنِي مِنهَا لِوَاذاً بِکَ، وَ إِذ لَم تُقِمنِي مَقَامَ فَضِيحَهٍ فِي دُنيَاکَ فَلَا تُقِمنِي مِثلَهُ فِي آخِرَتِکَ (۱۲۱) وَ اشفَع لِي أَوَائِلَ مِنَنِکَ بِأَوَاخِرِهَا، وَ قَدِيمَ فَوَائِدِکَ بِحَوَادِثِهَا، وَ لَا تَمدُد لِي مَدّاً يَقسُو مَعَهُ قَلبِي، وَ لَا تَقرَعنِي قَارِعَهً يَذهَبُ لَهَا بَهَائِي، وَ لَا تَسِمنِي خَسِيسَهً يَصغُرُ لَهَا قَدرِي وَ لَا نَقِيصَهً يُجهَلُ مِن أَجلِهَا مَكَانِي.(۱۲۲) وَ لَا تَرُعنِي رَوعَهً أُبلِسُ بِهَا، وَ لَا خِيفَهً أُوجِسُ دُونَهَا،اجعَل هَيبَتِي فِي وَعِيدِکَ، وَ حَذَرِي مِن إِعذَارِکَ وَ إِنذَارِکَ، وَ رَهبَتِي

عِند تِلَاوَهِ آيَاتِکَ.

ص: ۱۵۲۲

(۱۱۶) و هنگام نیازمندی ام به سویت خوارم نساز و به وسیله آنچه به سوی تو آورده ام، مرا هلاک نکن. و همانگونه که دست رد بر پیشانی ستیزه جویان با خود زده ای، دست رد بر پیشانی ام نزن. همانا من فرمانبردار تو هستم. می دانم دلیل روشن از آنِ توست و به بخششْ سزاوارتر و به احسانْ بخشنده تر هستی و شایسته ای که از تو بترسند و سزاواری که بیامرزی و به درستی که تو به بخشایش شایسته تری تا اینکه کیفر کنی. و به پرده پوشی نزدیک تری تا اینکه آشکار سازی.

(۱۱۷) پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که آنچه می خواهم فراهم گردد و به آنچه دوست دارم پایان یابد. در صورتی که آنچه را نمی پسندی، انجام ندهم و آنچه را نهی نموده ای، مرتکب نشوم و مرا بمیران، همچون مردن کسی که روشنایی اش در پیش رویش و از سمت راستش در حرکت است.

(۱۱۸) و مرا در پیشگاهت ذلیل کن و در نزد آفریدگانت عزیز دار و چون با تو خلوت کردم، مرا فروتن گردان و مرا در میان بندگانت سربلند فرما و از کسی که از من بی نیاز است، بی نیازم گردان و بر فقر و نیازم به درگاهت بیفزا.

(۱۱۹) و مرا از سرزنش دشمنان و از فرود آمدن بلا و از خواری و سختی پناه ده. مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می پوشاند قادر بر سختگیری، (و) اگر بردباری اش نبود (خطاها را ظاهر می کرد) و (مانند) کیفر کننده بر گناه، (که) اگر شکیبایی اش نبود (کیفر می داد).

(۱۲۰) و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فرو فرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات ده و حال آنکه مرا در دنیایت در مقام رسوایی به پا نداشتی، پس مانند آن در آخرتت (در مقام رسوایی) مرا به پا ندار.

(۱۲۱) و برای من اولین نعمت هایت را، با آخِرین آن و سودهای دیرینت را، با تازه های آن توأم ساز و مرا عمر طولانی که با آن سنگدل شوم، نده. و بر من مصیبت بزرگی که با آن، آبرویم از بین برود، وارد نکن و پستی ای را که با آن، مرتبه ام خُرد گردد، دچارم مساز و عیبی را که به خاطر آن، منزلتم دانسته نشود، بر من ثابت نگردان.

(۱۲۲) و مرا چنان وحشت نده که ناامید گردم. و چنان بیم نده که همیشه هراسان باشم. (بلکه) هراس مرا در تهدیدهایت، و بیم مرا از مهلت دادن ها و ترساندنهایت، و هول مرا هنگام تلاوت آیات خود، قرار ده.

(١٢٣) وَ اعمُر لَيلِي بِإِيقَاظِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَ تفَرّدِي بِالتّهَجّدِ لَكَ، وَ تجَرّدِي بِسُكُونِي إِلَيكَ، وَ إِنزَالِ حوَائِجِي بِكَ، وَ مُنَازَلَتِي إِيّاكَ فِي فَكَاكِ رقَبَتِي مِن نَارِكَ، وَ إِجَارَتِي مِمّا فِيهِ أَهلُهَا مِن عَذَابِكَ.(١٢٤) وَ لَا تَذَرنِي فِي طُغيَانِي عَامِهاً، وَ لَا فِي غَمرَتِي سَاهِياً حَتّى حِينٍ، وَ لَا تَجعلَنِي عِظَةً لِمَنِ اتّعَظَ، وَ لَا نَكَالًا لِمَنِ اعتَبَرَ، وَ لَا فِتنَةً لِمَن نَظَرَ، وَ لَا تَمكُر بِي فِيمَن تَمكُرُ بِهِ، وَ لَا تَستَبدِل بِي غَيرِي، وَ لَا تُغَيّر لِي اسماً، وَ لَا تُبَدّل لِي جِسماً، وَ لَا تَتّخِذنِي هُزُواً لِخَلقِكَ، وَ لَا سُخرِيّاً لَكَ، وَ لَا تَبَعاً إِلّا لِمَرضَاتِكَ، وَ لَا مُمتَهَناً إِلّا بِالِانتِقَامِ لَكَ.(١٢٥) وَ أَوجِدنِي بَردَ عَفوِكَ، وَ حَلَاوَةَ رَحمَتِكَ وَ رَوحِكَ وَ رَيحَانِكَ، وَ جَنّةِ نَعِيمِكَ، وَ أَذِقنِي طَعمَ الفَرَاغِ لِمَا تُحِبّ بِسَعَةٍ مِن سَعَتِكَ، وَ الِاجتِهَادِ فِيمَا يُزلِفُ لَدَيكَ وَ عِندَكَ، وَ أَتحِفنِي بِتُحفَةٍ مِن تُحَفَاتِكَ.(١٢٦) وَ اجعَل تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَ كَرّتِي غَيرَ خَاسِرَةٍ، وَ أَخِفنِي مَقَامَكَ، وَ شَوّقنِي لِقَاءَكَ، وَ تُب عَلَيّ تَوبَةً نَصُوحاً لَا تُبقِ مَعَهَا ذُنُوباً صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً، وَ لَا تَذَر مَعَهَا عَلَانِيَةً وَ لَا سَرِيرَةً.(١٢٧) وَ انزِعِ الغِلّ مِن صَدرِي لِلمُؤمِنِينَ، وَ اعطِف بِقَلبِي عَلَى الخَاشِعِينَ، وَ كُن لِي كَمَا تَكُونُ لِلصّالِحِينَ، وَ حَلّنِي حِليَةَ المُتّقِينَ، وَ اجعَل لِي لِسَانَ صِدقٍ فِي الغَابِرِينَ، وَ ذِكراً نَامِياً فِي الآخِرِينَ، وَ وَافِ بِي عَرصَةَ الأَوّلِينَ.(١٢٨) وَ تَمّم سُبُوغَ نِعمَتِكَ، عَلَيّ، وَ ظَاهِر كَرَامَاتِهَا لَدَيّ، املَأ مِن فَوَائِدِكَ يدَيّ، وَ سُق كَرَائِمَ مَوَاهِبِكَ إِلَيّ، وَ جَاوِر بِيَ الأَطيَبِينَ مِن أَولِيَائِكَ فِي الجِنَانِ الّتِي زَيّنتَهَا لِأَصفِيَائِكَ، وَ جَلّلنِي شَرَائِفَ نِحَلِكَ فِي المَقَامَاتِ المُعَدّةِ لِأَحِبّائِكَ.

(۱۲۳) و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و تنها بودنم به شب زنده داری برای تو، و کوشش کردنم برای خو گرفتن با تو و درخواست نمودن حاجت هایم از تو و رجوع کردن پیاپی من بر آزاد ساختنم از آتشت و حفظ نمودنم از عذابت که سزاوارش]دوزخیان[، در آن به سر می برد، آباد گردان.

(۱۲۴) و مرا در سرکشی ام سرگردان و در گرداب غفلتم، تا مدّت زمانی بی خبر رها نکن. و مرا پندِ پندگیران و درس عبرت پذیران و موجب گمراهیِ بینندگان، قرار نده. و در میان کسانی که با آنها مکر می کنی، با من مکر نکن. و دیگری را جایگزین من نکن و نامم را تغییر نده و تنم را دگرگون نکن و مرا سبب خنده آفریدگانت و مسخره خود و جز پیرو خوشنودی ات قرار نده و جز برای انتقام گرفتن برای تو، خدمت گزارم نگردان.

(۱۲۵) و مرا از لذّت بخشایشت و شیرینی رحمتت و آسودگی و آسایش و بهشت پر نعمتت، کامیاب گردان و به وسیله گشایشی از گشایشگری ات، طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری و (طعم) کوشش را در آنچه (موجب) نزدیکی به پیشگاه تو و درگاه توست، به من بچشان. و تحفه ای از تحفه هایت را به من ارمغان ده.

(۱۲۶) و تجارت (اخروی) مرا سودمند و باز گشتنم (به قیامت) را بی زیان قرار ده. و مرا از مقامت بترسان و به دیدارت مشتاق گردان و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاشته و با آن (گناهان) آشکار و نهان را وانگذاری.

(۱۲۷) و کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه ام بر کن، و دلم را بر فروتنان مهربان گردان، و با من چنان باش که با شایستگان هستی، و مرا به زیور پرهیزکاران بیارای، و برای من یاد نیکو در بازماندگان و آوازه بلند در آیندگان قرار ده، و مرا به جایگاه (رستاخیز) پیشینیان برسان.

(۱۲۸) و فراخی نعمتت را بر من تمام کن، و کرامت های آن را نزد من پیوسته گردان، و دستم را از سودهای خود پر نما، و بخشش های گرامی ات را به سوی من روان فرما، و در باغ هایی که آنها را برای برگزیدگانت آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستانتْ همسایه گردان، و در مکان هایی که برای دوستانت آماده کرده ای، به عطاهای والایت مرا بپوشان.

(۱۲۹) وَ اجعَل لِی عِندَکَ مَقِیلًا آوِی إِلَیهِ مُطمَئِنّاً، وَ مَثَابَةً أَتَبَوّؤُهَا، وَ أَقَرّ عَیناً، وَ لَا تُقَایِسنِی بِعَظِیمَاتِ الجَرَائِرِ، وَ لَا تُهلِکنِی یَومَ تُبلَی السّرَائِرُ، وَ أَزِل عنَیّ کُلّ شَکّ وَ شُبهَةٍ، وَ اجعَل لِی فِی الحَقّ طَرِیقاً مِن کُلّ رَحمَةٍ، وَ أَجزِل لِی قِسَمَ المَوَاهِبِ مِن نَوَالِکَ، وَ وَفّر عَلَیّ حُظُوظَ الإِحسَانِ مِن إِفضَالِکَ.(۱۳۰) وَ اجعَل قلَبیِ وَاثِقاً بِمَا عِندَکَ، وَ همَیّ مُستَفرَغاً لِمَا هُوَ لَکَ، وَ استَعمِلنِی بِمَا تَستَعمِلُ بِهِ خَالِصَتَکَ، وَ أَشرِب قلَبیِ

عِندَ ذُهُولِ العُقُولِ طَاعَتَکَ، وَ اجمَع لِیَ الغِنَی وَ العَفَافَ وَ الدّعَةَ وَ المُعَافَاةَ وَ الصّحّةَ وَ السّعَةَ وَ الطّمَأنِینَةَ وَ العَافِیَةَ.(۱۳۱) وَ لَا تُحبِط حسَنَاَتیِ بِمَا یَشُوبُهَا مِن مَعصِیَتِکَ، وَ لَا خلَوَاَتیِ بِمَا یَعرِضُ لِی مِن نَزَغَاتِ فِتنَتِکَ، وَ صُن وجَهیِ عَنِ الطّلَبِ إِلَی أَحَدٍ مِنَ العَالَمِینَ، وَ ذُبّنِی عَنِ التِمَاسِ مَا

عِندَ الفَاسِقِینَ.(۱۳۲) وَ لَا تجَعلَنیِ لِلظّالِمِینَ ظَهِیراً، وَ لَا لَهُم عَلَی مَحوِ کِتَابِکَ یَداً وَ نَصِیراً، وَ حُطنِی مِن حَیثُ لَا أَعلَمُ حِیَاطَةً تَقِینِی بِهَا، وَ افتَح لِی أَبوَابَ تَوبَتِکَ وَ رَحمَتِکَ وَ رَأفَتِکَ وَ رِزقِکَ الوَاسِعِ،إنِیّ إِلَیکَ مِنَ الرّاغِبِینَ، وَ أَتمِم لِی إِنعَامَکَ،إِنّکَ خَیرُ المُنعِمِینَ(۱۳۳) وَ اجعَل باَقیِ عمُریِ فِی الحَجّ وَ العُمرَةِ ابتِغَاءَ وَجهِکَ، یَا رَبّ العَالَمِینَ، وَ صَلّی اللّهُ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ الطّیّبِینَ الطّاهِرِینَ، وَ السّلَامُ عَلَیهِ وَ عَلَیهِم أَبَدَ الآبِدِینَ.

ص: ۱۵۲۶

(۱۲۹) و برایم نزد خود استراحت گاهی که آسوده خاطر در آن آرام گیرم، و بازگشتگاهی که در آن اقامت گزینم و چشم را روشن سازمْ قرار ده، و مرا با گناهان بزرگ مَسَنج، و در روزی که پنهان ها آشکار می شود هلاکم نکن، و هر شکّ و شبهه ای را از من دور ساز، و برای من در راستای حقّ، از هر رحمتی راهی قرار ده، و سهم مرا از بخشش ها به لطف خود فراوان کن و نصیب مرا از احسان، به فضل خود فراوان گردان.

(۱۳۰) و دلم را به آنچه نزد توست، مطمئن، و قصدم را برای آنچه برای توست، یکسره قرار ده. و مرا به آنچه دوستانت را به آن می گماری، وادار کن و دلم را هنگام غفلتِ عقل ها، به طاعت خود سیراب کن و بی نیازی و پاکدامنی و آسایش و سلامتی و تندرستی و فراخی و آرامش و عافیت را، برایم فراهم ساز.

(۱۳۱) و کارهای نیک مرا با درآمیختن به نافرمانی ات، و تنهایی هایم را با آزمایش های فسادانگیزت که برایم آشکار می شود، باطل نکن و آبرویم را از درخواست به سوی احدی از جهانیان، حفظ کن و مرا از طلبیدنِ آنچه نزد فاسقان است، باز دار.

(۱۳۲) و مرا پشتیبان ستمگران و یاور آنان در محو کتاب خود، قرار نده و مرا از جایی که نمی دانم، احاطه کن. احاطه کردنی که با آن مرا نگهداری نمایی. و درهای توبه و رحمت و رأفت و روزی فراخت را بر من بگشای، همانا من از رو آورندگان به سوی توام. و نعمت دادنت را برایم کامل کن، به درستی که تو بهترین نعمت دهندگانی.

(۱۳۳) و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حجّ و عمره قرار ده. ای پروردگار جهانیان. و خداوند بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد و بر او و بر ایشان سلامی همیشگی باد.

ص: ۱۵۲۷

(۴۸) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ يَومَ الأضحَى وَ يَومَ الجُمُعَه

(۱) أللّهُمّ هَذَا يَومٌ مُبارَكٌ مَيمُونٌ، وَ المُسلِمُونَ فِيهِ مُجتَمِعُونَ فِي أَقطَارِ أَرضِكَ،يَشهَدُ السّائِلُ مِنهُم وَ الطّالِبُ وَ الرّاغِبُ وَ الرّاهِبُ وَ أَنتَ النّاظِرُ فِي حَوَائِجِهِم،فَأَسأَلُكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ هَوَانِ مَا سَأَلتُكَ عَلَيكَ أَن تُصَلّيَ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ.(۲) وَ أَسأَلُكَ أللّهُمّ رَبّنَا بِأَنّ لَكَ المُلكَ، وَ لَكَ الحَمدَ، لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،الحَلِيمُ الكَرِيمُ الحَنّانُ المَنّانُ ذُو الجَلَالِ وَ الإِكرَامِ،بَدِيعُ السّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ،مَهمَا قَسَمتَ بَينَ عِبَادِكَ المُؤمِنِينَ مِن خَيرٍ أَو عَافِيَةٍ أَو بَرَكَةٍ أَو هُدًى أَو عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ، أَو خَيرٍ تَمُنّ بِهِ عَلَيهِم تَهدِيهِم بِهِ إِلَيكَ، أَو تَرفَعُ لَهُم عِندَكَ دَرَجَةً، أَو تُعطِيهِم بِهِ خَيراً مِن خَيرِ الدّنيَا وَ الآخِرَهِ أَن تُوَفّرَ حَظّي وَ نَصِيبِي مِنهُ.(۳) وَ أَسأَلُكَ أللّهُمّ بِأَنّ لَكَ المُلكَ وَ الحَمدَ، لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ، أَن تُصَلّيَ عَلَى مُحَمّدٍ عَبدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صِفوَتِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ، وَ عَلَى آلِ مُحَمّدٍ الأَبرَارِ الطّاهِرِينَ الأَخيَارِ صَلَاةً لَا يَقوَى عَلَى إِحصَائِهَا إِلّا أَنتَ، وَ أَن تُشرِكَنَا فِي صَالِحِ مَن دَعَاكَ فِي هَذَا اليَومِ مِن عِبَادِكَ المُؤمِنِينَ، يَا رَبّ العَالَمِينَ، وَ أَن تَغفِرَ لَنَا وَ لَهُم،إِنّكَ عَلَى كُلّ شَيءٍ قَدِيرٌ.

ص: ۱۵۲۸

(۴۸)و از دعای امام علیه السلام بود، روز عید قربان و روز جمعه

(۱) خداوندا این روزیست مبارک و خجسته و در آن مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند، درخواست کننده و جویا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می شوند و تو بیننده بر نیاز هایشان هستی. پس از تو می خواهم به بخشش و کرمت و آسانی آنچه درخواست نمودم بر تو، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.

(۲) خداوندا، ای پروردگار ما، از آنجا که پادشاهی برای توست و سپاس ویژه توست، معبودی جز تو نیست، بردبارِ بزرگوار مهربانِ بسیار نعمت دهنده دارای بزرگواری و احترام، پدیدآورنده آسمان ها و زمین، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی یا عافیت یا برکت یا هدایت یا عمل به طاعتت یا خیری را به ایشان عنایت می کنی و بدین وسیله آنان را به سوی خود هدایت می کنی یا درجه ای را که از ایشان نزد خود بالا می بری، یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می کنی، قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

(۳) و خداوندا، از آنجایی که پادشاهی و سپاس مختص به توست، معبودی جز تو نیست، از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده و فرستاده و دوست و برگزیده و انتخاب شده خود از آفریدگانت و بر خاندان محمّد که نیکو کارانِ پاکانِ برگزیده اند، درود فرستی. درودی که جز تو کسی بر شمردن آن توانایی نداشته باشد و ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی، ای پروردگار جهانیان، و ما و ایشان را بیامرزی. به درستی که تو بر هر چیزی توانایی.

ص: ۱۵۲۹

(۴) أللّهُمّ إِلَيکَ تَعَمّدتُ بحاجَتِي، وَ بِکَ أَنزَلتُ اليَومَ فقرِي وَ فَاقَتِي وَ مسكَنَتِي، وَ إنِيّ بِمَغفِرَتِکَ وَ رَحمَتِکَ أَوثَقُ منِیّ بعِمَلِي، وَ لَمَغفِرَتُکَ وَ رَحمَتُکَ أَوسَعُ مِن ذنُوُبِی،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ تَوَلّ قَضَاءَ کُلّ حَاجَةٍ هِيَ لِی بِقُدرَتِکَ عَلَيهَا، وَ تَيسِيرِ ذَلِکَ عَلَيکَ، وَ بِفقرِي إِلَيکَ، وَ غِنَاکَ عنِیّ،فَإِنِیّ لَم أُصِب خَيراً قَطّ إِلّا مِنکَ، وَ لَم يَصرِف عنَیّ سُوءاً قَطّ أَحَدٌ غَيرُکَ، وَ لَا أَرجُو لِأَمرِ آخرِتَی وَ دنُيَایَ سِوَاکَ.(۵) أللّهُمّ مَن تَهَيّأَ وَ تَعَبّأَ وَ أَعَدّ وَ استَعَدّ لِوِفَادَةٍ إِلَی مَخلُوقٍ رَجَاءَ رِفدِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ طَلَبَ نَيلِهِ وَ جَائِزَتِهِ،فَإِلَيکَ يَا مَولَایَ کَانَتِ اليَومَ تَهيِئَتِی وَ تَعبِئَتِی وَ إِعدَادِي وَ استِعدَادِي رَجَاءَ عَفوِکَ وَ رِفدِکَ وَ طَلَبَ نَيلِکَ وَ جَائِزَتِکَ. (۶) أللّهُمّ فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ لَا تُخَيّبِ اليَومَ ذَلِکَ مِن رجَاَئیِ، يَا مَن لَا يُحفِيهِ سَائِلٌ وَ لَا يَنقُصُهُ نَائِلٌ،فَإِنِیّ لَم آتِکَ ثِقَةً منِیّ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدّمتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةِ مَخلُوقٍ رَجَوتُهُ إِلّا شَفَاعَةَ مُحَمّدٍ وَ أَهلِ بَيتِهِ عَلَيهِ وَ عَلَيهِم سَلَامُکَ.(۷)أَتَيتُکَ مُقِرّاً بِالجُرمِ وَ الإِسَاءَةِ إِلَی نفَسیِ،أَتَيتُکَ أَرجُو عَظِيمَ عَفوِکَ أَلّذِی عَفَوتَ بِهِ عَنِ الخَاطِئِينَ، ثُمّ لَم يَمنَعکَ طُولُ عُکُوفِهِم عَلَی عَظِيمِ الجُرمِ أَن عُدتَ عَلَيهِم بِالرّحمَهِ وَ المَغفِرَهِ.(۸)فَيَا مَن رَحمَتُهُ وَاسِعَةٌ، وَ عَفوُهُ عَظِيمٌ، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، يَا کَرِيمُ يَا کَرِيمُ،صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ وَ عُد عَلَیّ بِرَحمَتِکَ وَ تَعَطّف عَلَیّ بِفَضلِکَ وَ تَوَسّع عَلَیّ بِمَغفِرَتِکَ.

(۴) خداوندا، برای نیازم به سوی تو قصد نمودم و در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم، و حال آنکه اطمینانم به آمرزش و رحمت تو، از (اطمینانم به) عملم بیشتر است و آمرزش و رحمت تو، از گناهانم وسیع تر است. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و برآوردن هر درخواستی را برای من به عهده گیر، به قدرتی که بر آن داری و آسان بودن آن بر تو، و به نیازمندی من به تو و به بی نیازی تو از من. پس به درستی که هرگز به خیری جز از جانب تو نرسیده ام و هیچ کس جز تو بدی ای را از من بر نگردانده است. و برای کار آخرت و دنیایم به احدی جز تو امید ندارم.

(۵) خداوندا، هر کسی خود را مهیّا و آماده می کند و ساز و برگ تهیه می نماید تا بر مخلوقی وارد شود، بدین امید که به صله و عطا و درخواستِ بخشش و احسان او نائل شود. پس ای سرور من، امروز مهیّا و آماده گشته و ساز و برگ تهیه نموده تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش و صله و درخواستِ بخشش و احسان تو نائل شوم.

(۶) خداوندا، پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و امروز این امید مرا ناامید نکن. ای کسی که درخواست کننده ای او را به رنج نمی اندازد و هیچ بخششی، (گنج های) او را نمی کاهد. زیرا من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعتِ آفریده ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو نیامده ام، جز شفاعت محمّد و خانواده او -که درود تو بر او و بر ایشان باد-.

(۷) به درگاه تو آمده ام، در حالی که اقرار به گناه و بدی بر خود دارم. به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم، بخشایشی که با آن از (تقصیر) خطاکاران گذشتی، سپس اصرار بسیارِ آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، باز نداشت.

(۸) پس ای کسی که رحمتش وسیع و گذشتش بزرگ است. ای بزرگ، ای بزرگ. ای بزرگوار، ای بزرگوار. بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و به رحمتتْ بر من نیکی کن و به فضلتْ بر من مهربان باش و به آمرزشتْ به من گشایش ده.

ص: ۱۵۳۱

(۹) أللّهُمّ إنّ هذَا المَقَامَ لِخُلَفَائِکَ وَ أَصفِيَائِکَ وَ مَوَاضِعَ أَمَنَائِکَ فِی الدّرَجهِ الرّفِيعَهِ الّتِی اختَصَصتَهُم بِهَا قَدِ ابتَزّوهَا، وَ أَنتَ المُقَدّرُ لِذَلِکَ، لَا يُغَالَبُ أَمرُکَ، وَ لَا يُجَاوَزُ المَحتُومُ مِن تَدبِيرِکَ کَيفَ شِئتَ وَ أَنّی شِئتَ، وَ لِمَا أَنتَ أَعلَمُ بِهِ غَيرُ مُتّهَمٍ عَلَی خَلقِکَ وَ لَا لِإِرَادَتِکَ حَتّی عَادَ صِفوَتُکَ وَ خُلَفَاؤُکَ مَغلُوبِينَ مَقهُورِينَ مُبتَزّينَ،يَرَونَ حُکمَکَ مُبَدّلًا، وَ کِتَابَکَ مَنبُوذاً، وَ فَرَائِضَکَ مُحَرّفَهً عَن جِهَاتِ أَشرَاعِکَ، وَ سُنَنَ نَبِيّکَ مَترُوکَهً.(۱۰) أللّهُمّ العَن أَعدَاءَهُم مِنَ الأَوّلِينَ وَ الآخِرِينَ، وَ مَن رَضِيَ بِفِعَالِهِم وَ أَشيَاعَهُم وَ أَتبَاعَهُم.(۱۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ،إِنّکَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ،کَصَلَوَاتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ وَ تَحِيّاتِکَ عَلَی أَصفِيَائِکَ اِبرَاهِيمَ وَ آلِ اِبرَاهِيمَ، وَ عَجّلِ الفَرَجَ وَ الرّوحَ وَ النّصرَهَ وَ التّمکِينَ وَ التّأيِيدَ لَهُم.(۱۲) أللّهُمّ وَ اجعلَنِي مِن أَهلِ التّوحِيدِ وَ الإِيمَانِ بِکَ، وَ التّصدِيقِ بِرَسُولِکَ، وَ الأَئِمّهِ الّذِينَ حَتَمتَ طَاعَتَهُم مِمّن يجرِي ذَلِکَ بِهِ وَ عَلَی يَدَيهِ،آمِينَ رَبّ العَالَمِينَ.(۱۳) أللّهُمّ لَيسَ يَرُدّ غَضَبَکَ إِلّا حِلمُکَ، وَ لَا يَرُدّ سَخَطَکَ إِلّا عَفوُکَ، وَ لايُجِيرُ مِن عِقَابِکَ إِلّا رَحمَتُکَ، وَ لَا ينُجِينِي مِنکَ إِلّا التّضَرّعُ إِلَيکَ وَ بَينَ يَدَيکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ هَب لَنَا يَا إِلَهِی مِن لَدُنکَ فَرَجاً بِالقُدرَهِ الّتِی بِهَا تُحيِي أَموَاتَ العِبَادِ، وَ بِهَا تَنشُرُ مَيتَ البِلَادِ.(۱۴) وَ لَا تهُلکِنِي يَا إِلَهِی غَمّاً حَتّی تَستَجِيبَ لِی، وَ تعُرَفّنَيِ الإِجَابَهَ فِی دعُاَئیِ، وَ أَذِقنِي طَعمَ العَافِيَهِ إِلَی مُنتَهَی أَجَلِی، وَ لَا تُشمِت بِی عَدُوّی، وَ لَا تُمَکّنهُ مِن عُنُقِی، وَ لَا تُسَلّطهُ عَلَیّ

(۹) خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینان و برگزیدگانت و جایگاهِ امانت دارانت است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی، (و دشمنان آن را) ربودند و تویی که چنین تقدیر کرده ای. زیرا فرمان تو مغلوب نمی شود و از تدبیر قطعی تو، به هر گونه و هر زمان که بخواهی نمی توان درگذشت. برای اینکه تو به آن داناتری و در آفریدنت و اراده ات متّهم نیستی. تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب و شکست خورده شده حقوقشان به غارت رفت. می بینند که احکامت تغییر یافته و کتاب تو دور افتاده و واجباتت از جهاتی که قانون نهاده ای، تحریف شده و روش های پیامبرت ترک شده است.

(۱۰) خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان و هر که را به کردارشان خوشنود می شود و دوستان و پیروانشان را لعنت کن.

(۱۱) خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. به درستی که تو ستوده بزرگواری. مانند درودها و برکت ها و تحیّت هایی که بر برگزیدگانت: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی. و در فرج و آسایش و نصرت و تسلّط دادن و تأیید آنان، شتاب فرما.

(۱۲) خداوندا و مرا از یکتاپرستان و ایمان آورندگان به خود و از باور داران به پیامبرت و امامانی که اطاعتشان را واجب نمودی، قرار ده. از کسانی که آن (توحید و ایمان) به وسیله و به دست آنان اجرا می گردد. اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

(۱۳) خداوندا، غضب تو را جز بردباری ات دور نمی سازد، و خشم تو را جز بخشایشت فرو نمی نشاند و از کیفرت جز رحمتت پناه نمی دهد و جز زاری به درگاهت و در پیش رویت، مرا از (عذاب) تو نجات نمی دهد. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را -ای خدای من- از جانب خود به توانایی ای که با آن بندگان مرده را زنده می کنی و با آن سرزمین های مرده را زندگی می بخشی، گشایش ده.

(۱۴) و ای خدای من، مرا اندوهگین نمیران، تا اینکه اجابتم کنی و از روا شدن دعایم آگاهم نمایی و طعم عافیت را تا پایان مدّت زندگی ام به من بچشان و دشمنم را بر من شاد نگردان و او را بر من توانا نساز و او را بر من مسلّط نگردان.

ص: ۱۵۳۳

(۱۵)إلِهِی إِن رفَعَتنِی فَمَن ذَا ألّذِی یضَعُنِی، وَ إِن وضَعتَنِی فَمَن ذَا ألّذِی یرَفعُنِی، وَ إِن أکرَمتَنِی فَمَن ذَا ألّذِی یهُینُنِی، وَ إِن أهَنتَنِی فَمَن ذَا ألّذِی یکُرمِنُی، وَ إِن عذَبّتنَی فَمَن ذَا ألّذِی یرَحمَنُی، وَ إِن أهَلکَتنَی فَمَن ذَا ألّذِی یَعرِضُ لَکَ فِی عَبدِکَ، أَو یَسأَلُکَ عَن أَمرِهِ، وَ قَد عَلِمتُ أَنّهُ لَیسَ فِی حُکمِکَ ظُلمٌ، وَ لَا فِی نَقِمَتِکَ عَجَلَهٌ، وَ إِنّمَا یَعجَلُ مَن یَخَافُ الفَوتَ، وَ إِنّمَا یَحتَاجُ إِلَی الظّلمِ الضّعِیفُ، وَ قَد تَعَالَیتَ یَا إِلهَِی عَن ذَلِکَ عُلُوّاً کَبِیراً.(۱۶) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ لَا تجَعلَنیِ لِلبَلَاءِ غَرَضاً، وَ لَا لِنَقِمَتِکَ نَصَباً، وَ مهَلّنیِ، وَ نفَسّنیِ، وَ أَقِلنیِ عثَرتَیِ، وَ لَا تبَتلَیِنَیّ بِبَلَاءٍ عَلَی أَثَرِ بَلَاءٍ،فَقَد تَرَی ضَعفیِ وَ قِلّهَ حیِلتَیِ وَ تضَرَعّیِ إِلَیکَ.(۱۷)أَعُوذُ بِکَ أللّهُمّ الیَومَ مِن غَضَبِکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أعَذِنیِ.(۱۸) وَ أَستَجِیرُ بِکَ الیَومَ مِن سَخَطِکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أجَرِنیِ(۱۹) وَ أَسأَلُکَ أَمناً مِن عَذَابِکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ آمنِیّ.(۲۰) وَ أَستَهدِیکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهدنِیِ(۲۱) وَ أَستَنصِرُکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ انصرُنیِ.(۲۲) وَ أَستَرحِمُکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارحمَنیِ(۲۳) وَ أَستَکفِیکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اکفنِیِ(۲۴) وَ أَستَرزِقُکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزقُنیِ(۲۵) وَ أَستَعِینُکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أعَنِیّ.(۲۶) وَ أَستَغفِرُکَ لِمَا سَلَفَ مِن ذنُوُبیِ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اغفِر لِی.

(۱۵) خـدای من، اگر تو مرا بلنـدمرتبه گردانی، پس کیست آنکه مرا پست نماید؟ و اگر مرا پست کنی، پس کیست آنکه بلند مرتبـه ام گردانـد؟ و اگر مرا گرامی داری، پس کیسـت آنکه خـوارم کنـد؟ و اگر مرا خـوار کنی، پس کیست آنکه گرامی ام دارد؟ و اگر مرا عـذاب کنی، پس کیسـت آنکـه بـه مـن رحم کنـد؟ و اگر مرا نـابود کنی، پس کیست آنکه دربـاره بنـده ات معترض تو شود یا درباره کار او، تو را بازخواست کند؟ و دانسـته ام که در فرمان تو ستم، و در انتقام تو شتاب، نیست. و همانا کسـی شتاب می کند که از گذشتن فرصت می ترسد و همانا ضعیف، نیازمند به ستم کردن است. و تو -ای خدای من- از این (امور) برتر و والاتری.

(۱۶) خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا هدف بلا و نشانه انتقام خود نگردان و به من مهلت ده و اندوهم را برطرف کن و از لغزشم درگـذر و مرا گرفتـار بلاهـای پی درپی نساز. زیرا ناتوانی و بیچارگی و زاری ام را به درگاه خود می بینی.

(۱۷) خداوندا امروز از غضبت به تو پناه می آورم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پناهم ده.

(۱۸) و امروز از خشمت به تو پناه آورده ام، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست، و مرا پناه ده.

(۱۹) و ایمنی از عذابت را از تو می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا ایمن ساز.

(۲۰) و از تو راهنمایی می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا راهنمایی کن.

(۲۱) و از تو یاری می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا یاری ده.

(۲۲) و از تو رحمت می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن.

(۲۳) و از تو کفایت می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا کفایت کن.

(۲۴) و از تو روزی می طلبم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا روزی ده.

(۲۵) و از تو کمک می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا کمک کن.

(۲۶) و برای گناهان گذشته ام از تو آمرزش می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا بیامرز.

ص: ۱۵۳۵

(۲۷) وَ أَستَعصِمُکَ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اعصِمنِي،فَإِنِيّ لَن أَعُودَ لشِیَ ءٍ کَرِهتَهُ منِیّ إِن شِئتَ ذَلِکَ.(۲۸) يَا رَبّ يَا رَبّ، يَا حَنّانُ يَا مَنّانُ، يَا ذَا الجَلَالِ وَ الإِكرَامِ،صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ استَجِب لِی جَمِيعَ مَا سَأَلتُکَ وَ طَلَبتُ إِلَيکَ وَ رَغِبتُ فِيهِ إِلَيکَ، وَ أَرِدهُ وَ قَدّرهُ وَ اقضِهِ وَ أَمضِهِ، وَ خِر لِی فِيمَا تقَضیِ مِنهُ، وَ بَارِک لِی فِی ذَلِکَ، وَ تَفَضّل عَلَیّ بِهِ، وَ أَسعِدنِی بِمَا تعُطیِنیِ مِنهُ، وَ زدِنیِ مِن فَضلِکَ وَ سَعَةِ مَا عِندَکَ،فَإِنّکَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، وَ صِل ذَلِکَ بِخَيرِ الآخِرَةِ وَ نَعِيمِهَا، يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ. ثُمّ تَدعُو بِمَا بَدَا لَکَ، وَ تصُلَیّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ أَلفَ مَرّةٍ هَكَذَا كَانَ يَفعَلُ عَلَيهِ السّلَامُ.

ص: ۱۵۳۶

(۲۷) و از تـو می خـواهم کـه مرا (از گنـاه) بـازداری، پس بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و مرا (از گنـاه) بـاز دار. پس به درستی که اگر تو بخواهی، من هرگز به چیزی که آن را از من نپسندیده ای، بر نمی گردم.

(۲۸) ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای بسـیار مهربان، ای بسـیار نعمت دهنـده، ای دارای بزرگواری و کرم، بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و همه آنچه را که از تو خواسـته ام و طلب کرده ام و به آن میل نموده ام، برایم مسـتجاب فرما و آن را بخواه و مقـدّر کن و فرمان ده و اجرا کن. و به من در آنچه از آن برایم حکم می کنی، خیر ده و آن را برای من مبارک کن و بـا آن بر من تفضّـل نمـا و مرا به آنچه از آن عطا می کنی، نیک بخت گردان و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا. پس همانا تو توانگر بخشـنده ای. و آن را به خیر آخرت و نعمت فراوانش پیوسـته گردان. ای مهربان ترین مهربانان.]سپس دعا کن. آنچه را برایت آشـکار شـد و بر محمّـد و خانـدانش هزار بـار درود فرست که امام -که درود بر او باد- اینچنین انجام می داد.[

ص: ۱۵۳۷

(۴۹) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السَّلَامُ فِی دِفَاعِ كَیدِ الأعدَاءِ، وَ رَدِّ بَأسِهِم

(۱)إِلَهِی هدَیتَنِی فَلَهَوتُ، وَ وَعَظتَ فَقَسَوتُ، وَ أَبلَیتَ الجَمِیلَ فَعَصَیتُ، ثُمّ عَرَفتُ مَا أَصدَرتَ إِذ عَرّفتَنِیهِ،فَاستَغفَرتُ فَأَقَلتَ،فَعُدتُ فَستَرتَ،فَلَکَ إِلَهِی الحَمدُ.(۲)تَقَحّمتُ أَودِیَهَ الهَلَاکِ، وَ حَلَلتُ شِعَابَ تَلَفٍ،تَعَرّضتُ فِیهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِکَ.(۳) وَ وسَیِلَتِی إِلَیکَ التّوحِیدُ، وَ ذرَیِعتَیِ أنَیّ لَم أُشرِک بِکَ شَیئاً، وَ لَم أَتّخِذ مَعَکَ إِلَهاً، وَ قَد فَرَرتُ إِلَیکَ بِنَفسِی، وَ إِلَیکَ مَفَرّ المسُیِءِ، وَ مَفزَعُ المُضَیّعِ لِحَظّ نَفسِهِ المُلتَجِئِ.(۴)فَکَم مِن عَدُوّ انتَضَی عَلَیّ سَیفَ عَدَاوَتِهِ، وَ شَحَذَ لِی ظُبَهَ مُدیتِهِ، وَ أَرهَفَ لِی شَبَا حَدّهِ، وَ دَافَ لِی قَوَاتِلَ سُمُومِهِ، وَ سَدّدَ نَحوِی صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَ لَم تَنَم عنَیّ عَینُ حِرَاسَتِهِ، وَ أَضمَرَ أَن یَسُومَنِی المَکرُوهَ، وَ یجُرَعّنَیِ زُعَاقَ مَرَارَتِهِ.(۵)فَنَظَرتَ یَا إِلَهِی إِلَی ضَعفِی عَنِ احتِمَالِ الفَوَادِحِ، وَ عجَزیِ عَنِ الِانتِصَارِ مِمّن قَصَدَنِی بِمُحَارَبَتِهِ، وَ وحَدتَیِ فِی کَثِیرِ عَدَدِ مَن نَاوَانِی، وَ أَرصَدَ لِی بِالبَلَاءِ فِیمَا لَم أُعمِل فِیهِ فِکرِی.

ص: ۱۵۳۸

(۴۹)و از دعای امام علیه السلام بود، در دور نمودن مکر دشمنان و بازگرداندن سختی آنان

(۱) خدای من، مرا راه نمودی، پس به کار بیهوده مشغول شدم و پند دادی، پس سنگدل گشتم و عطای نیکو نمودی، پس نافرمانی کردم. سپس چون آگاهم کردی، آنچه را صادر نموده بودی شناختم. پس آمرزش خواستم و تو درگذشتی. پس (باز به نافرمانی) برگشتم و تو پوشاندی. پس خدای من، تو را سپاس.

(۲) در وادی های هلاکت رفتم و به درّه های نابودی وارد شدم، در آنها خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده، با عقوبت هایت روبرو شدم.

(۳) و وسیله من به سویت یگانه دانستن توست و دستاویزم آن است که چیزی را با تو شریک نکرده ام و با تو به خدایی اعتقاد نداشته ام و با جانم به سوی تو گریخته ام و گریزگاه بدکار و پناهگاه آنکه بهره اش را تباه کرده و پناهنده گشته، به سوی توست.

(۴) پس چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی اش را بر روی من کشید، و لبه تیغش را برای من تیز نمود و طرف تیز آن را برایم نازک کرد و آن را برای من با زهرهای کشنده اش درهم آمیخت و تیرهای هدف گیری خود را، به سوی من نشانه گرفت و چشم نگهبانی اش از من نخفت و در دل قصدِ آسیب رساندن به من داشت و آب بسیار تلخِ زهرآگین را جرعه جرعه به من نوشاند.

(۵) ای خدای من، پس تو ناتوانی ام را از تحمّل مصیبت های سخت و عجزم را از انتقام گرفتن از کسی که قصد جنگ با من نموده و تنهایی ام را در برابر (سپاهیانِ) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده و برای گرفتار ساختنم در آنچه درباره آن نیندیشیده ام، در کمین نشسته، مشاهده کردی.

ص: ۱۵۳۹

(۶)فَابتدَأتَنی بِنصرِکَ، وَ شَدَدتَ أزَرِی بِقُوّتِکَ، ثُمّ فَلَلتَ لِی حَدّهُ، وَ صَیّرتَهُ مِن بَعدِ جمعٍ عَدِیدٍ وَحدَهُ، وَ أَعلَیتَ کعَبی عَلَیهِ، وَ جَعَلتَ مَا سَدّدَهُ مَردُوداً عَلَیهِ،فَرَدَدتَهُ لَم یَشفِ غَیظَهُ، وَ لَم یَسکُن غَلِیلُهُ، قَد عَضّ عَلَی شَوَاهُ وَ أَدبَرَ مُوَلّیاً قَد أَخلَفَت سَرَایَاهُ.(۷) وَ کَم مِن بَاغٍ بغَانِی بِمَکَایِدِهِ، وَ نَصَبَ لِی شَرَکَ مَصَایِدِهِ، وَ وَکّلَ بِی تَفَقّدَ رِعَایَتِهِ، وَ أَضبَأَ إِلَیَ إِضبَاءَ السّبُعِ لِطَرِیدَتِهِ انتِظَاراً لِانتِهَازِ الفُرصَهِ لِفَرِیسَتِهِ، وَ هُوَ یُظهِرُ لِی بَشَاشَهَ المَلَقِ، وَ ینظُرُنی عَلَی شِدّهِ الحَنَقِ.(۸) فَلَمّا رَأَیتَ یَا إِلَهِی تَبارکتَ وَ تَعَالَیتَ دَغَلَ سَرِیرَتِهِ، وَ قُبحَ مَا انطَوَی عَلَیهِ،أَرکَستَهُ لِأُمّ رَأسِهِ فِی زُبیَتِهِ، وَ رَدَدتَهُ فِی مَهوَی حُفرَتِهِ،فَانقَمَعَ بَعدَ استِطَالَتِهِ ذَلِیلًا فِی رِبَقِ حِبَالَتِهِ الّتِی کَانَ یُقَدّرُ أَن یرَانِی فِیهَا، وَ قَد کَادَ أَن یَحُلّ بِی لَو لَا رَحمَتُکَ مَا حَلّ بِسَاحَتِهِ.(۹) وَ کَم مِن حَاسِدٍ قَد شَرِقَ بِی بِغُصّتِهِ، وَ شَجِیَ مِنّی بغَیظِهِ، وَ سلَقَنِی بِحَدّ لِسَانِهِ، وَ وحَرَنِی بِقَرفِ عُیُوبِهِ، وَ جَعَلَ عِرضِی غَرَضاً لِمَرَامِیهِ، وَ قَلّدَنِی خِلَالًا لَم تَزَل فِیهِ، وَ وحَرَنِی بِکَیدِهِ، وَ قَصَدَنِی بِمَکِیدَتِهِ.(۱۰)فَنَادَیتُکَ یَا إِلَهِی مُستَغِیثاً بِکَ،وَاثِقاً بِسُرعَهِ إِجَابَتِکَ،عَالِماً أَنّهُ لَا یُضطَهَدُ مَن أَوَی إِلَی ظِلّ کَنَفِکَ، وَ لَا یَفزَعُ مَن لَجَأَ إِلَی مَعقِلِ انتِصَارِکَ،فَحَصّنتَنِی مِن بَأسِهِ بِقُدرَتِکَ.(۱۱) وَ کَم مِن سَحَائِبِ مَکرُوهٍ جَلّیتَهَا عَنّی، وَ سَحَائِبِ نِعَمٍ أَمطَرتَهَا عَلَیّ، وَ جَدَاوِلِ رَحمَهٍ نَشَرتَهَا، وَ عَافِیَهٍ أَلبَستَهَا، وَ أَعیُنِ أَحدَاثٍ طَمَستَهَا، وَ غوَاشِی کُرُبَاتٍ کَشَفتَهَا.

(۶) پس به یاری کردنم آغاز نمودی و به توانایی ات پشتم را نیرومند ساختی. سپس تیزی (تیغ) او را برای من شکستی و پس از آنکه در گروهی بسیار بود، او را تنها گذاشتی و مرا بر او پیروز نمودی و آنچه آن را نشانه گرفته بود، بر خودش برگرداندی و در حالی که خشمش را بهبودی نداده و کینه اش قرار نگرفته بود، او را بازگرداندی. سرانگشتان خود را گزید و پشت کرده، فرار نمود. در حالی که سپاهیانش از آنچه گفته بودند، تخلّف کردند.

(۷) و چه بسیار ستمگری که با نیرنگ هایش به من ستم کرد و دام های خود را برایم گسترد و مراقبت و جستجویش را بر من گماشت و همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در کمین من نشست. در حالی که چاپلوسانه برایم خوش رویی می کرد، و با خشم سخت به من می نگریست.

(۸) پس همین که -ای خدای مبارک و والای من- تباهی باطن او و زشتی آنچه در دل داشت، ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی. و او را در پرتگاه گودالش باز گرداندی، تا پس از آن همه گردن کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، درآمد. و اگر رحمت تو نبود، نزدیک بود بر من فرود آید، آنچه بر خودش فرود آمد.

(۹) و چه بسیار حسودی که به خاطر من اندوهش گلوگیر او شد و سختی خشمش از من، گلویش را گرفت و با زبان تیزش مرا آزرد و با نسبت دادن عیب های خود به من، سینه اش را از خشم بر من پر ساخت. و آبروی مرا هدف تیرهای خود قرار داد و ویژگی هایی را که همیشه در خود او بود، به من نسبت داد. و با مَکر خویش بر من خشم نمود و با نیرنگش آهنگ من کرد.

(۱۰) ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که از تو یاری خواسته و به اجابت سریع تو اطمینان داشتم، و می دانستم هر که به سایه رحمت تو پناه بَرَد، شکست نمی خورد. و هر که به پناهگاه یاری تو پناهنده شود، هراسی ندارد. پس تو به قدرت خویش، مرا از سختی و نیروی او باز داشتی.

(۱۱) و چه بسیار ابرهای مصیبت باری که از من برطرف نمودی و ابرهای نعمت افزایی که بر من باراندی و جوی های رحمتی که روان نمودی و (جامه های) تندرستی ای که (بر من) پوشاندی و چشم های مصیبت آفرینی که کور گرداندی و پرده های اندوه که برداشتی.

(۱۲) وَ کَم مِن ظَنّ حَسَنٍ حَقّقتَ، وَ عَدَم جَبَرتَ، وَ صَرعَهٍ أَنعَشتَ، وَ مَسکَنَهٍ حَوّلتَ. (۱۳) کُلّ ذَلِکَ إِنعَاماً وَ تَطَوّلًا مِنکَ، وَ فِی جَمِیعِهِ انهِمَاکاً منِیّ عَلَی مَعَاصِیکَ، لَم تَمنَعکَ إِسَاءَتِی عَن إِتمَامِ إِحسَانِکَ، وَ لَا حَجَزَنِی ذَلِکَ عَن ارتِکَابِ مَسَاخِطِکَ، لَا تُسأَلُ عَمّا تَفعَلُ.(۱۴) وَ لَقَد سُئِلتَ فَأَعطَیتَ، وَ لَم تُسأَل فَابتَدَأتَ، وَ استُمِیحَ فَضلُکَ فَمَا أَکدَیتَ،أَبَیتَ یَا مَولَایَ إِلّا إِحسَاناً وَ امتِنَاناً وَ تَطَوّلًا وَ إِنعَاماً، وَ أَبَیتُ إِلّا تَقَحّماً لِحُرُمَاتِکَ، وَ تَعَدّیاً لِحُدُودِکَ، وَ غَفلَةً عَن وَعِیدِکَ،فَلَکَ الحَمدُ إِلَهِی مِن مُقتَدِرٍ لَا یُغلَبُ، وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعجَلُ.(۱۵) هَذَا مَقَامُ مَنِ اعتَرَفَ بِسُبُوغِ النّعَمِ، وَ قَابَلَهَا بِالتّقصِیرِ، وَ شَهِدَ عَلَی نَفسِهِ بِالتّضییع.(۱۶) أَللّهُمّ فَإِنِّی أَتَقَرّبُ إِلَیکَ بِالمُحَمّدِیّهِ الرّفِیعَهِ، وَ العَلَوِیّهِ البَیضَاءِ، وَ أَتَوَجّهُ إِلَیکَ بِهِمَا أَن تُعِیذَنَی مِن شَرّ کَذَا وَ کَذَا، فَإِنّ ذَلِکَ لَا یَضِیقُ عَلَیکَ فِی وُجدِکَ، وَ لَا یَتَکَأّدُکَ فِی قُدرَتِکَ وَ أَنتَ عَلَی کُلّ شَیءٍ قَدِیرٌ(۱۷)فَهَب لِی یَا إِلَهِی مِن رَحمَتِکَ وَ دَوَامِ تَوفِیقِکَ مَا أَتّخِذُهُ سُلّماً أَعرُجُ بِهِ إِلَی رِضوَانِکَ، وَ آمَنُ بِهِ مِن عِقَابِکَ، یَا أَرحَمَ الرّاحِمِینَ.

ص: ۱۵۴۲

(۱۲) و چه بسیار گمان نیکو که به حقیقت پیوستی، و کمبودهایی که جبران نمودی، و به زمین خوردن هایی که بلند کردی، و نیازمندی هایی را که تغییر دادی.

(۱۳) همه آنها نعمت و احسان از جانب توست، و در همه آنها، من سرگرم نافرمانی تو بودم و بد کرداری من تو را از تمام نمودن احسانت باز نداشت. و آن مرا از ارتکاب آنچه تو را به خشم می آورَد، جلوگیری ننمود. تو از آنچه انجام می دهی، بازخواست نخواهی شد.

(۱۴) و چون از تو درخواست شد، پس عطا کردی و درخواست نشد، پس به بخشش آغاز نمودی و فضل تو خواسته شد، پس کم نگذاشتی. و تو ای مولای من، جز احسان و بخشش و لطف و انعام کاری نکرده ای و من هم جز وارد شدن در حرام های تو و تعدّی از حدود تو و غفلت از تهدیدهای تو کاری نداشته ام. پس خدای من، سپاس برای توست. توانایی که شکست نمی خورد و مهلت دهنده ای که شتاب نمی کند.

(۱۵) این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و آنها را با کوتاهی مقابله نموده و به تباه ساختن (نعمت ها)، به ضرر خود گواهی داده است.

(۱۶) خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم و به وسیله آنان به درگاهت رومی آورم که مرا از شرّ این و آن پناه دهی. پس به درستی که این (کار) در برابر دارایی ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرتت بر تو سخت نمی باشد و تو بر هر چیز توانایی.

(۱۷) پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم و به وسیله آن از کیفرت ایمن گردم. ای مهربان ترین مهربانان.

ص: ۱۵۴۳

(۵۰) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی الرّهبَهِ

(۱) أللّهُمّ إِنّکَ خلَقتَنِي سَوِيّاً، وَ ربّيتَنِي صَغِيراً، وَ رزَقتَنِي مَكفِيّاً (۲) أللّهُمّ إِنِيّ وَجَدتُ فِيمَا أَنزَلتَ مِن كِتَابِکَ، وَ بَشّرتَ بِهِ عِبَادَکَ أَن قُلتَ يَا عِبَادِيَ الّذِينَ أَسرَفُوا عَلَى أَنفُسِهِم لَا تَقنَطُوا مِن رَحمَهِ اللّهِ، إِنّ اللّهَ يَغفِرُ الذّنُوبَ جَمِيعاً، وَ قَد تَقَدّمَ منِيّ مَا قَد عَلِمتَ وَ مَا أَنتَ أَعلَمُ بِهِ منِيّ،فَيَا سَوأَتَا مِمّا أَحصَاهُ عَلَيّ كِتَابُکَ(۳)فَلَو لَا المَوَاقِفُ التّي أُؤَمّلُ مِن عَفوِکَ الّذِی شَمِلَ كُلّ شَیءٍ لَأَلقَيتُ بِيَدَيِ، وَ لَو أَنّ أَحَداً استَطَاعَ الهَرَبَ مِن رَبّهِ لَكُنتُ أَنَا أَحَقّ بِالهَرَبِ مِنکَ، وَ أَنتَ لَا تَخفَى عَلَيکَ خَافِيَهٌ فِی الأَرضِ وَ لَا فِی السّمَاءِ إِلّا أَتَيتَ بِهَا، وَ كَفَى بِکَ جَازِياً، وَ كَفَى بِکَ حَسِيباً.(۴) أللّهُمّ إِنّکَ طَالِبِي إِن أَنَا هَرَبتُ، وَ مُدرِكِي إِن أَنَا فَرَرتُ،فَهَا أَنَا ذَا بَينَ يَدَيکَ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ رَاغِمٌ، إِن تُعَذّبنِي فإَنِيّ لِذَلِکَ أَهلٌ، وَ هُوَ يَا رَبّ مِنکَ عَدلٌ، وَ إِن تَعفُ عنَیّ فَقَدِيماً شَمَلَنِي عَفوُکَ، وَ أَلبَستَنِي عَافِيَتَکَ.(۵)فَأَسأَلُکَ أللّهُمّ بِالمَخزُونِ مِن أَسمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتهُ الحُجُبُ مِن بَهَائِکَ، إِلّا رَحِمتَ هَذِهِ النّفسَ الجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرّمّهَ الهَلُوعَهَ،التّي لَا تَستَطِيعُ حَرّ شَمسِکَ،فَكَيفَ تَستَطِيعُ حَرّ نَارِکَ، وَ التّي لَا تَستَطِيعُ صَوتَ رَعدِکَ،فَكَيفَ تَستَطِيعُ صَوتَ غَضَبِکَ

ص: ۱۵۴۴

(۵۰)و از دعای امام علیه السلام بود، در ترس (از خداوند)

(۱) خداوندا، تو مرا بی عیب و نقص آفریدی، و در کوچکی پرورش دادی، و به قدر کفایت، به من روزی دادی.

(۲) خداوندا، همانا من در کتابت که فرو فرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» و پیش از این از من (گناهانی) سر زده که تو می دانی و از من به آنها داناتری. پس وای بر رسوایی من، از آنچه نامه تو برایم برشمرده است.

(۳) پس اگر جایگاهی که از بخشایشت آرزومندم و هر چیزی را فرا می گیرد نبود، خود را هلاك می ساختم و اگر کسی می توانست از پروردگار خود بگریزد، من به گریختن از تو سزاوارتر بودم. و تویی که هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست، مگر آن را حاضر نموده ای و همین بس که تو جزا دهنده و همین بس که تو حسابگری.

(۴) خداوندا، همانا تو جویای منی، اگر بگریزم. و دستگیر کننده منی، اگر فرار کنم. پس اینک منم در پیشگاهت فروتن، خوار، زبون. اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم و آن -ای پروردگار من- از جانب تو عدل است. و اگر از من درگذری، پس از دیر زمانیست که بخشایشت مرا فراگرفته و عافیت خویش را بر من پوشانده ای.

(۵) پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتاب را ندارد، پس چگونه گرمای آتشت را توانایی دارد؟ و توانایی صدای غرش ابرت را ندارد، پس چگونه بانگ خشمت را توانایی دارد؟

(۶)فَارحمَني ـ أللّهُمّ فَإِنِيّ امرُؤٌ حَقِيرٌ، وَ خطَرَي يَسِـيرٌ، وَ لَيسَ عذَابِي مِمّا يَزِيدُ فِي مُلكِكَ مِثقَالَ ذَرّهٍ، وَ لَو أَنّ عذَابِي مِمّا يَزِيدُ فِي مُلكِكَ لَسَأَلتُكَ الصّبرَ عَلَيهِ، وَ أَحبَبتُ أَن يَكُونَ ذَلِكَ لَكَ، وَ لَكِن سُـلطَانُكَ أللّهُمّ أَعظَمُ، وَ مُلكُكَ أَدوَمُ مِن أَن تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةُ المُطِيعِينَ، أَو تَنقُصَ مِنهُ مَعصِيَهُ المُذنِبِينَ.(۷)فـَارحمَنِي يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ، وَ تَجَاوَز عَنّي يَا ذَا الجَلَالِ وَ الإِكرَامِ، وَ تُب عَلَيّ،إِنّكَ أَنتَ التّوّابُ الرّحِيمُ.

ص: ۱۵۴۶

(۶) پس خداونـدا، بر مـن رحـم کـن. زیرا مـن فردی حقیرم، و منزلتـم انـدک اسـت و عـذاب مـن، چیزی نیست که ذرّه ای بر پادشاهی تو بیفزاید. و اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شـکیبایی بر آن را از تو می خواسـتم و دوست داشـتم که آن (فزونی) بر (ملک) تو باشـد. ولی خداوندا، سـلطنت تو بزرگ تر و پادشاهی ات پایدارتر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید، یا نافرمانی گنهکاران (چیزی) از آن بکاهد.

(۷) پس بر من رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان. و از من درگذر، ای دارای بزرگی و کرم. و توبه ام را بپذیر، به درستی که تویی توبه پذیرِ بسیار مهربان.

ص: ۱۵۴۷

(۵۱) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِى التّضَرّعِ وَ الِاستِكَانَهِ

(۱)إِلهِى أَحمَدُکَ وَ أَنتَ لِلحَمدِ أَهلٌ عَلَى حُسنِ صَنِيعِکَ إِلَىّ، وَ سُبُوغِ نَعمَائِکَ عَلَىّ، وَ جَزِيلِ عَطَائِکَ عِندِی، وَ عَلَى مَا فَضّلتَنِی بِهِ مِن رَحمَتِکَ، وَ أَسبَغتَ عَلَىّ مِن نِعمَتِکَ،فَقَدِ اصطَنَعتَ عِندِی مَا يَعجِزُ عَنهُ شُکرِی.(۲) وَ لَو لَا إِحسَانُکَ إِلَىّ وَ سُبُوغُ نَعمَائِکَ عَلَىّ مَا بَلَغتُ إِحرَازَ حَظّى، وَ لَا إِصلَاحَ نَفسِى، وَ لَکِنّکَ ابتَدَأتَنِی بِالإِحسَانِ، وَ رزَقتَنِی فِی أُمُورِی کُلّهَا الکِفَايَهَ، وَ صَرَفتَ عَنّی جَهدَ البَلَاءِ، وَ مَنَعتَ مِنِّی مَحذُورَ القَضَاءِ.(۳)إِلهِی فَکَم مِن بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَد صَرَفتَ عَنّى، وَ کَم مِن نِعمَهٍ سَابِغَهٍ أَقرَرتَ بِهَا عَينِی، وَ کَم مِن صَنِيعَهٍ کَرِيمَهٍ لَکَ عِندِی(۴) أَنتَ أَلّذِی أَجَبتَ

عِندَ الِاضطِرَارِ دَعوَتِی، وَ أَقَلتَ

عِندَ العِثَارِ زَلّتِی، وَ أَخَذتَ لِی مِنَ الأَعدَاءِ بِظُلَامَتِی.(۵)إِلهِی مَا وَجَدتُکَ بَخِيلًا حِينَ سَأَلتُکَ، وَ لَا مُنقَبِضاً حِينَ أَرَدتُکَ،بَل وَجَدتُکَ لِدُعَائِی سَامِعاً، وَ لِمَطَالِبِی مُعطِياً، وَ وَجَدتُ نُعمَاکَ عَلَىّ سَابِغَهً فِی کُلّ شَأنٍ مِن شَأنِی وَ کُلّ زَمَانٍ مِن زَمَانِی،فَأَنتَ عِندِی مَحمُودٌ، وَ صَنِيعُکَ لَدَىّ مَبرُورٌ.

(۵۱)و از دعای امام علیه السلام بود، در زاری نمودن و فروتنی کردن

(۱) خـدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر نیکویی نیکی ات به من، و فراخی نعمت هایت بر من، و بسیاری عطاها و بخشش هـایت دربـاره من، و بر رحمتت که مرا به وسیله آن برتری دادی، و بر نعمتت که بر من روا داشتی. پس تو آنچنان به من نیکی کردی که شکر من از ادای آن عاجز است.

(۲) و اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم و اصلاح خویش را نمی یافتم. ولی تو احسانت را در حقّ من آغاز نمودی و بی نیازی را در همه کارهایم به من روزی دادی و سختی گرفتاری را از من دور کردی و مقدّراتی که موجب ترس است را از من باز داشتی.

(۳) خـدای مـن، پس چه بسیار بلاهـای سـختی که از من برگردانـدی! و چه بسیار نعمت فراخی که دیـده ام را به آن روشـن نمودی! و چه بسیار نیکیِ بزرگ، که برای تو نزد من است!

(۴) تویی که هنگـام بیچـارگی، دعـایم را اجـابت نمودی و هنگام (به گناه) افتادن، از لغزشم درگـذشتی و داد مرا از دشـمنانم گرفتی.

(۵) خدای من، هنگامی که از تو درخواست نمودم، تو را بخیل نیافتم و هنگامی که قصد تو نمودم، تو را درهم کشیده ندیدم. بلکه تو را برای نیایشم، شنونده و برای خواسته هایم، بخشنده یافتم. و نعمت هایت را بر خود، در هر حالی از حالم و هر وقتی از اوقاتم، گسترده یافتم. پس تو نزد من ستوده ای و نیکی ات پیش من پسندیده است.

ص: ۱۵۴۹

(۶)تَحمَدُکَ نفَسي وَ لِسَانِي وَ عقَلِي،حَمداً يَبلُغُ الوَفَاءَ وَ حَقِيقَةَ الشّكرِ،حَمداً يَكُونُ مَبلَغَ رِضَاکَ عنَىّ،فَنَجّنّي مِن سُخطِکَ. (۷) يَا كَهفِي حِينَ تعُيِينِي المَذَاهِبُ وَ يَا مقُيِلِي عثَرتَيِ،فَلَو لَا سَترُکَ عوَرتَيِ لَكُنتُ مِنَ المَفضُوحِينَ، وَ يَا مؤُيَدّيِ بِالنّصرِ،فَلَو لَا نَصرُکَ إِيّايَ لَكُنتُ مِنَ المَغلُوبِينَ، وَ يَا مَن وَضَعَت لَهُ المُلُوکُ نِيرَ المَذَلّةِ عَلَى أَعنَاقِهَا،فَهُم مِن سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، وَ يَا أَهلَ التّقوَى، وَ يَا مَن لَهُ الأَسمَاءُ الحُسنَى،أَسأَلُکَ أَن تَعفُوَ عنَىّ، وَ تَغفِرَ لِي فَلَستُ بَرِيئاً فَأَعتَذِرَ، وَ لَا بِذِي قُوّةٍ فَأَنتَصِرَ، وَ لَا مَفَرّ لِي فَأَفِرّ.(۸) وَ أَستَقِيلُکَ عثَرَاتيِ، وَ أَتَنَصّلُ إِلَيکَ مِن ذنُوُبيِ‌َ التّيِ قَد أَوبَقَتنيِ، وَ أَحَاطَت بيِ فَأَهلَكَتنيِ،مِنهَا فَرَرتُ إِلَيکَ رَبّ تَائِباً فَتُب عَلَيّ،مُتَعَوّذاً فَأَعِذنيِ،مُستَجِيراً فَلَا تَخذُلنيِ،سَائِلًا فَلَا تَحرِمنيِ مُعتَصِماً فَلَا تُسلِمنيِ،دَاعِياً فَلَا ترَدُنّيِ خَائِباً.(۹)دَعَوتُکَ يَا رَبّ مِسكِيناً،مُستَكِيناً،مُشفِقاً،خَائِفاً،وَجِلًا،فَقِيراً،مُضطَرّاً إِلَيکَ.(۱۰)أَشكُو إِلَيکَ يَا إلِهَيِ ضَعفَ نفَسيِ عَنِ المُسَارَعَةِ فِيمَا وَعَدتَهُ أَولِيَاءَکَ، وَ المُجَانَبَةِ عَمّا حَذّرتَهُ أَعدَاءَکَ، وَ كَثرَةَ هُمُومِي، وَ وَسوَسَةَ نفَسيِ.(۱۱)إلِهَيِ لَم تَفضَحنيِ بِسَرِيرَتيِ، وَ لَم تُهلِكنيِ بجِرَيِرتَيِ،أَدعُوکَ فَتُجِيبُنيِ وَ إِن كُنتُ بَطِيئاً حِينَ تَدعُونيِ، وَ أَسأَلُکَ كُلّمَا شِئتُ مِن حوَاَئجِيِ، وَ حَيثُ مَا كُنتُ وَضَعتُ عِندَکَ سرِيّ، فَلَا أَدعُو سِوَاکَ، وَ لَا أَرجُو غَيرَکَ

(۶) تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به کمال و حقیقت ستایش رسد. سپاسی که به اندازه خوشنودی تو از من باشد. پس مرا از خشم سختت نجات ده.

(۷) ای پناه من، وقتی که راه ها مرا ناتوان می کند و راه نمی نماید، و ای درگذرنده از لغزشم که اگر عیب پوشی تو (از موجبات) شرمندگی ام نبود، هر آینه از رسوا شدگان بودم، و ای نیرو دهنده با یاری نمودن، که اگر یاری کردن تو نبود، هر آینه از شکست خوردگان بودم، و ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن هایشان نهاده اند و از قهرها و غلبه های او ترسانند، و ای سزاوار پرهیزکاری، و ای کسی که نیکوترین نام ها برای اوست؛ از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم و دارای توانی نمی باشم تا پیروز شوم و مرا گریزگاهی نیست تا بگریزم.

(۸) و از تو می خواهم که از لغزش هایم درگذری و به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته و مرا فراگرفته تا هلاکم کند، پوزش می طلبم. پروردگار من، از آن (گناهان)، با حال توبه به سوی تو گریخته ام، پس توبه ام را بپذیر. پناهنده ام، پس پناهم ده. زنهار خواهنده ام، پس خوارم نکن. درخواست کننده ام، پس بی بهره ام نگردان. چنگ زننده ام، پس رهایم نکن. خواهانم، پس مرا ناامید برنگردان.

(۹) تو را خواندم - ای پروردگار من - در حالی که بینوا، فروتن، حذر کننده، ترسان، بیمناک، فقیر و بیچاره درگاه تو هستم.

(۱۰) ای خدای من، از ناتوانی جسمم در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده ای، و دوری نمودن از آنچه دشمنانت را به آن بیم داده ای، و از بسیاری اندوه هایم و از وسوسه های دلم، به تو شکایت می کنم.

(۱۱) خدای من، به (ناپاکی) درونم مرا رسوا نکردی و به گناهم مرا هلاک ننمودی. تو را می خوانم، پس مرا اجابت می کنی و اگر چه هنگامی که مرا می خوانی، کُند هستم. و هر حاجتی که می خواهم، از تو درخواست می کنم و هر کجا که باشم راز خود را نزد تو می گذارم. پس جز تو را نمی خوانم و به جز تو امیدوار نیستم.

ص: ۱۵۵۱

(۱۲)لَبّیکَ لَبّیکَ،تَسمَعُ مَن شَکَا إِلَیکَ، وَ تَلقَی مَن تَوَکّلَ عَلَیکَ، وَ تُخَلّصُ مَنِ اعتَصَمَ بِکَ، وَ تُفَرّجُ عَمّن لَاذَ بِکَ.(۱۳)إِلَهِی فَلَا تحَرمِنیِ خَیرَ الآخِرَهِ وَ الأُولَی لِقِلّهِ شـکُرِی، وَ اغفِر لِی مَا تَعلَمُ مِن ذُنُوُبِی.(۱۴) إِن تُعَذّب فَأَنَا الظّالِمُ المُفَرّطُ المُضَیّعُ الآثِمُ المُقَصّرُ المُضَجّعُ المُغفِلُ حَظّ نفَسیِ، وَ إِن تَغفِر فَأَنتَ أَرحَمُ الرّاحِمِینَ.

(۱۲) در فرمانبری ات پابرجایم. کسی را که به درگاه تو شکایت کند، می شنوی و به کسی که بر تو اعتماد کرده، رو می آوری و هر کس را که به (رشته) تو دست آویزد، می رهانی و غم و اندوه را از کسی که به تو پناه آورده، برطرف می کنی.

(۱۳) خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی بهره نگردان و گناهانی را که از من می دانی، بیامرز.

(۱۴) اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار، سهل انگار، تباه کننده، گنهکار، مقصّر، اهمال کننده، واگذارنده بهره خویشم و اگر بیامرزی، پس تو بخشاینده ترین بخشایندگانی.

ص: ۱۵۵۳

(۵۲) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ فِی الإِلحَاحِ عَلَی اللّهِ تَعَالَی

(۱) یَا اللّهُ أَلّذِی لَا یَخفَی عَلَیهِ شَیءٌ فِی الأَرضِ وَ لَا فِی السّمَاءِ، وَ کَیفَ یَخفَی عَلَیکَ یَا إِلَهِی مَا أَنتَ خَلَقتَهُ، وَ کَیفَ لَا تُحصِی مَا أَنتَ صَنَعتَهُ، أَو کَیفَ یَغِیبُ عَنکَ مَا أَنتَ تُدَبّرُهُ، أَو کَیفَ یَستَطِیعُ أَن یَهرُبَ مِنکَ مَن لَا حَیَاةَ لَهُ إِلّا بِرِزقِکَ، أَو کَیفَ یَنجُو مِنکَ مَن لَا مَذهَبَ لَهُ فِی غیرِ مُلکِکَ.(۲)سُبحَانَکَ أَخشَی خَلقِکَ لَکَ أَعلَمُهُم بِکَ، وَ أَخضَعُهُم لَکَ أَعمَلُهُم بِطَاعَتِکَ، وَ أَهوَنُهُم عَلَیکَ مَن أَنتَ تَرزُقُهُ وَ هُوَ یَعبُدُ غَیرَکَ(۳)سُبحَانَکَ لَا یَنقُصُ سُلطَانَکَ مَن أَشرَکَ بِکَ، وَ کَذّبَ رُسُلَکَ، وَ لَیسَ یَستَطِیعُ مَن کَرِهَ قَضَاءَکَ أَن یَرُدّ أَمرَکَ، وَ لَا یَمتَنِعُ مِنکَ مَن کَذّبَ بِقُدرَتِکَ، وَ لَا یَفُوتُکَ مَن عَبَدَ غَیرَکَ، وَ لَا یُعَمّرُ فِی الدّنیَا مَن کَرِهَ لِقَاءَکَ.(۴)سُبحَانَکَ مَا أَعظَمَ شَأنَکَ، وَ أَقهَرَ سُلطَانَکَ، وَ أَشَدّ قُوّتَکَ، وَ أَنفَذَ أَمرَکَ(۵)سُبحَانَکَ قَضَیتَ عَلَی جَمِیعِ خَلقِکَ المَوتَ مَن وَحّدَکَ وَ مَن کَفَرَ بِکَ، وَ کُلّ ذَائِقُ المَوتِ، وَ کُلّ صَائِرٌ إِلَیکَ،فَتَبَارَکتَ وَ تَعَالَیتَ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ وَحدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ.

ص: ۱۵۵۴

(۵۲)و از دعای امام علیه السلام بود، در اصرار به خداوند بلند مرتبه

(۱) ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست. و چگونه آنچه را که خود آن را آفریده ای - ای خدای من - بر تو پنهان باشد؟ و چگونه آنچه را که خود ساخته ای، شمار آن را ندانی؟ یا چگونه از تو پنهان شود، آنچه که خود آن را تدبیر می نمایی؟ یا چگونه می تواند از تو بگریزد، آنکه جز به وسیله روزی اتْ زندگی برایش نیست؟ یا چگونه از تو رهایی یابد، کسی که در غیر قلمرو تو، راهی برایش نمی باشد؟

(۲) پاک و منزّهی! ترسنده ترین آفریدگانت از تو، آگاه ترین آنها به (کبریایی) توست. و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست. و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد.

(۳) پاک و منزّهی! کسی که به تو شرک آورَد و پیامبرانت را دروغگو شمارد، از فرمانروایی ات نمی کاهد. و کسی که حکم تو را نپسندید، نمی تواند فرمانت را بازگرداند. و کسی که قدرت تو را تکذیب نمود، نمی تواند خود را از تو بازدارد. و کسی که جز تو را پرستید، از دست تو گریزی ندارد. و کسی که (مرگ و) دیدار تو را نپسندید، در دنیا عمر جاودان نیابد.

(۴) پاک و منزّهی! چه بزرگست مرتبه تو! و چه غالب است پادشاهی ات! و چه شدید است قدرت تو! و چه نافذ است فرمانت!

(۵) پاک و منزّهی! مرگ را برای همه آفریدگانت - آنکه تو را یگانه دانست و آنکه به تو کفر ورزید - رقم زده ای. و همه چشنده مرگ هستند. و همه به سوی تو برگشت کننده اند. پس تو مبارک و برتری. جز تو معبودی نیست. یگانه ای هستی که برای تو شریکی نمی باشد.

ص: ۱۵۵۵

(۶)آمَنتُ بِکَ، وَ صَدّقتُ رُسُلَکَ، وَ قَبلتُ کِتَابَکَ، وَ کَفَرتُ بِکَلّ مَعبُودٍ غَیرِکَ، وَ بَرِئتُ مِمّن عَبَدَ سِوَاکَ. (۷) أللّهُمّ إِنِیّ أَصبِحُ وَ أمُسیِ مُستَقِلّا لِعِمَلَیِ،مُعتَرِفاً بِذَنبِی،مُقِرّاً بِخَطَایَایَ، أَنَا بِإِسرَافِی عَلَی نَفسیِ ذَلِیلٌ،عَمَلِی أَهلَکَنِی، وَ هَوَایَ أَردَانِی، وَ شَهَوَاتیِ حَرَمَتنِی.(۸)فَأَسأَلُکَ یَا مَولاَیَ سُؤَالَ مَن نَفسُهُ لَاهِیَهٌ لِطُولِ أَمَلِهِ، وَ بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُکُونِ عُرُوقِهِ، وَ قَلبُهُ مَفتُونٌ بِکَثرَهِ النّعَمِ عَلَیهِ، وَ فِکرُهُ قَلِیلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَیهِ.(۹)سُؤَالَ مَن قَد غَلَبَ عَلَیهِ الأَمَلُ، وَ فَتَنَهُ الهَوَی، وَ استَمکَنَت مِنهُ الدّنیَا، وَ أَظَلّهُ الأَجَلُ،سُؤَالَ مَنِ استَکثَرَ ذُنُوبَهُ، وَ اعتَرَفَ بِخَطِیئَتِهِ،سُؤَالَ مَن لَا رَبّ لَهُ غَیرُکَ، وَ لَا وَلِیّ لَهُ دُونَکَ، وَ لَا مُنقِذَ لَهُ مِنکَ، وَ لَا مَلجَأَ لَهُ مِنکَ، إِلّا إِلَیکَ.(۱۰)إِلهَیِ أَسأَلُکَ بِحَقّکَ الوَاجِبِ عَلَی جَمِیعِ خَلقِکَ، وَ بِاسمِکَ العَظِیمِ ألّذِی أَمَرتَ رَسُولَکَ أَن یُسَبّحَکَ بِهِ، وَ بِجَلَالِ وَجهِکَ الکَرِیمِ، ألّذِی لَا یَبلَی وَ لَا یَتَغَیّرُ، وَ لَا یَحُولُ وَ لَا یَفنَی، أَن تُصَلّیَ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ أَن تُغنِیَنِی عَن کُلّ شَیءٍ بِعِبَادَتِکَ، وَ أَن تُسَلّیَ نَفسیِ عَنِ الدّنیَا بِمَخَافَتِکَ، وَ أَن تُثنِیَنِی بِالکَثِیرِ مِن کَرَامَتِکَ بِرَحمَتِکَ.(۱۱)فَإِلَیکَ أَفِرّ، وَمِنکَ أَخَافُ، وَ بِکَ أَستَغِیثُ، وَ إِیّاکَ أَرجُو، وَ لَکَ أَدعُو، وَ إِلَیکَ أَلجَأُ، وَ بِکَ أَثِقُ، وَ إِیّاکَ أَستَعِینُ، وَ بِکَ أُومِنُ، وَ عَلَیکَ أَتَوَکّلُ، وَ عَلَی جُودِکَ وَ کَرَمِکَ أَتّکِلُ.

(۶) به تو ایمان آوردم و پیامبرانت را تصـدیق نمودم و کتابت را پذیرفتم و به هر معبودی جز تو کفر ورزیدم و از هر که جز تو را پرستید، بیزاری جستم.

(۷) خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم و به گناهم اعتراف دارم و به خطاهـایم اقرار می کنم. من به خـاطر زیاده روی بر خود، خوار گشـته ام. عملم مرا به هلاکت افکنـده و هوای نفسم مرا تباه ساخته و خواهش های نفسانی ام مرا محروم گردانده.

(۸) پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسـی که نفس او به خاطر آرزوهای درازش سـرگرم شـده و تن او به خاطر آرامش رگ هایش، غافل مانـده و دلش به سـبب زیادی نعمت ها بر او، فریفته شده و اندیشه اش برای آنچه به سوی آن بازمی گردد، اندک است.

(۹) درخواست کسـی که آرزو بر او چیره گشـته، و خواهش نفس او را گمراه نموده و دنیا بر او تسلّط یافته و مرگ بر او سایه افکنـده اسـت. درخـواست کسـی کـه گناهـانش را بسیار دانسـته، و بـه خطـایش اعـتراف نمـوده است. درخـواست کسـی که پروردگاری برای او جز تو و سرپرستی برایش غیر تو نیست، و نجات دهنده ای برای او از تو نمی باشد، و پناهگاهی برای او از تو، جز به سوی تو نیست.

(۱۰) خـدای من، به آن حقّ واجب خود که بر همه آفریدگانت داری، و به آن نام بزرگت که پیامبرت را فرمان دادی که تو را با آن تسبیح گوید، و به آن بزرگی ذات بزرگوارت که کهنه و دگرگون نمی شود، و تغییر حال نمی دهد، و نابود نمی گردد، از تو می خواهم که بر محمّـد و خانـدان محمّـد درود فرستی و مرا به وسیله بنـدگی ات از هر چیزی بی نیـاز گردانی و مرا با ترس از خود، در دوری از دنیا، تسلّی بخشی. و با رحمت خویش مرا به بسیاریِ بخشش خود بازگردانی.

(۱۱) پس فقط به سوی تو می گریزم و تنها از تو می ترسم و تنها از تو فریادرسـی می خواهم و فقط به تو امیدوارم و تو را می خوانم و تنهـا به سوی تو پنـاه می برم و به تو اعتمـاد می کنم و فقـط از تو یـاری می جویم و تنهـا به تو ایمان دارم و فقط بر تو توکّل می کنم و تنها بر بخشش و بزرگواری تو دل می بندم.

ص: ۱۵۵۷

(۵۳) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی التّذَلّلِ لِلّهِ عَزّ وَ جَلّ

(۱)رَبّ أَفحَمَتنِي ذنُوُبِي، وَ انقَطَعَت مقَاَلتَيِ، فَلَا حُجّةَ لِي،فَأَنَا الأَسِيرُ بِبَلِيّتِي،المُرتَهَنُ بِعَمَلِي،المُتَرَدّدُ فِي خَطِيئتَيِ،المُتَحَيّرُ عَن قَصدِي،المُنقَطَعُ بِي.(۲) قَد أَوقَفتُ نَفسِي مَوقِفَ الأَذِلّاءِ المُذنِبِينَ،مَوقِفَ الأَشقِيَاءِ المُتَجَرّينَ عَلَيكَ،المُستَخِفّينَ بِوَعدِكَ(۳)سُبحَانَكَ أَيّ جُرأَةٍ اجتَرَأتُ عَلَيكَ، وَ أَيّ تَغرِيرٍ غَرّرتُ بِنَفسِي(۴)موَلاَيَ ارحَم كبَوتَيِ لِحُرّ وجَهيِ وَ زَلّةَ قدَمَيِ، وَ عُد بِحِلمِكَ عَلَى جَهلِي وَ بِإِحسَانِكَ عَلَى إِسَاءَتِي،فَأَنَا المُقِرّ بِذَنبِي،المُعتَرِفُ بِخَطِيئتَيِ، وَ هَذِهِ يدَيِ وَ نَاصِيتَيِ،أَستَكِينُ بِالقَوَدِ مِن نفَسيِ،ارحَم شَيبتَيِ، وَ نَفَادَ أَيّامِي، وَ اقتِرَابَ أَجَلِي وَ ضَعفِي وَ مَسكَنَتِي وَ قِلّةَ حِيلتَيِ.(۵)موَلاَيَ وَ ارحَمنيِ إِذَا انقَطَعَ مِنَ الدّنيَا أثَرَيِ، وَ امّحَى مِنَ المَخلُوقِينَ ذِكرِي، وَ كُنتُ مِنَ المَنسِيّينَ كَمَن قَد نسُيَِ(۶)موَلاَيَ وَ ارحَمنيِ

عِندَ تَغَيّرِ صوُرتَيِ وَ حاَليِ إِذَا بلَيَِ جسِميِ، وَ تَفَرّقَت أَعضاَئيِ، وَ تَقَطّعَت أَوصاَليِ، يَا غفَلتَيِ عَمّا يُرَادُ بِي.(۷)موَلاَيَ وَ ارحَمنيِ فِي حشَريِ وَ نشَريِ، وَ اجعَل فِي ذَلِكَ اليَومِ مَعَ أَولِيَائِكَ موَقفِيِ، وَ فِي أَحِبّائِكَ مصَدرَيِ، وَ فِي جِوَارِكَ مسَكنَيِ، يَا رَبّ العَالَمِينَ.

ص: ۱۵۵۸

(۵۳)و از دعای امام علیه السلام بود، در فروتنی برای خداوند ارجمند و بزرگوار

(۱) ای پروردگار من، گناهانم خاموشم نموده و گفتارم قطع گردیده. پس برای من هیچ حجّتی نیست. از این رو من اسیر بلای خود، گروگان عمل خویش، مردد در خطای خود، متحیّر از مقصد خویش و در راه مانده ام.

(۲) خود را در جایگاه خوارانِ گناهکار، جایگاه بدبختانی که بر تو جرأت یافته اند و سبک شمارندگان وعده تو، واداشته ام.

(۳) پاک و منزّهی! به کدامین جرأت بر تو تجرّی نمودم؟ و به کدام هلاک، خود را به هلاکت افکندم؟

(۴) مولای من! بر به رو افتادنم با تمام رخسارم، و بر لغزش گام هایم رحم کن. و با بردباری ات بر نادانی ام، و با احسانت بر بدکرداری ام تلافی کن. زیرا من به گناه خود، اقرار داشته و به خطای خویش، اعتراف می کنم. و این دست من و موی جلوی سرم است. برای قصاص خویش، فروتن می شوم، بر پیری ام و به آخر رسیدن روزهایم و نزدیک شدن مرگم و ناتوانی ام و نیازمندی ام و بیچارگی ام رحم کن.

(۵) مولای من! هنگامی که اثرم از دنیا قطع شود، و یادم از میان آفریدگان محو گردد، و مانند کسی که فراموش شده، از فراموش شدگان گردم، به من رحم کن.

(۶) مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، و حالم هنگامی که جسدم پوسیده گردد، و اعضایم گسسته شود، و مفاصلم پاره پاره شود، بر من رحم کن. ای وای از بی خبری من از آنچه درباره ام خواسته می شود!.

(۷) مولای من! و در برانگیخته شدن و زنده شدنم به من رحم کن، و جایگاهم را در آن روز با دوستانت، و بازگشتم را در میان یارانت، و خانه ام را در جوار خود قرار ده، ای پروردگار جهانیان.

(۵۴) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ فِی استِکشَافِ الهُمُومِ

(۱) یَا فَارِجَ الهَمّ، وَ کَاشِفَ الغَمّ، یَا رَحمَانَ الدّنیَا وَ الآخِرَهِ وَ رَحِیمَهُمَا،صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ افرُج هَمّی، وَ اکشِف غَمّی.(۲) یَا وَاحِدُ یَا أَحَدُ یَا صَمَدُ یَا مَن لَم یَلِد وَ لَم یُولَد وَ لَم یَکُن لَهُ کُفُواً أَحَدٌ،اعصِمنِی وَ طَهّرنِی، وَ اذهَب بِبَلِیّتِی. وَ اقرَأ آیَهَ الکرُسیِ وَ المُعَوّذَتَینِ وَ قُل هُوَ اللّهُ أَحَدٌ، وَ قُل(۳) أللّهُمّ إِنّی أَسأَلُکَ سُؤَالَ مَنِ اشتَدّت فَاقَتُهُ، وَ ضَعُفَت قُوّتُهُ، وَ کَثُرَت ذُنُوبُهُ،سُؤَالَ مَن لَا یَجِدُ لِفَاقَتِهِ مُغِیثاً، وَ لَا لِضَعفِهِ مُقَوّیاً، وَ لَا لِذَنبِهِ غَافِراً غَیرَکَ، یَا ذَا الجَلَالِ وَ الإِکرَامِ أَسأَلُکَ عَمَلًا تُحِبّ بِهِ مَن عَمِلَ بِهِ، وَ یَقِیناً تَنفَعُ بِهِ مَنِ استَیقَنَ بِهِ حَقّ الیَقِینَ فِی نَفَاذِ أَمرِکَ.(۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ اقبِض عَلَی الصّدقِ نَفسِی، وَ اقطَع مِنَ الدّنیَا حَاجَتِی، وَ اجعَل فِیمَا عِندَکَ رغَبتَیِ شَوقاً إِلَی لِقَائِکَ، وَ هَب لِی صِدقَ التّوَکّلِ عَلَیکَ.(۵)أَسأَلُکَ مِن خَیرِ کِتَابٍ قَد خَلَا، وَ أَعُوذُ بِکَ مِن شَرّ کِتَابٍ قَد خَلَا،أَسأَلُکَ خَوفَ العَابِدِینَ لَکَ، وَ عِبَادَهَ الخَاشِعِینَ لَکَ، وَ یَقِینَ المُتَوَکّلِینَ عَلَیکَ، وَ تَوَکّلَ المُؤمِنِینَ عَلَیکَ.

(۵۴)و از دعای امام علیه السلام بود، در درخواست برطرف نمودن اندوه ها

(۱) ای برطرف کننده اندوه و ازبین برنده غم. ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو. بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و اندوه مرا برطرف کن و غمم را بزدا.

(۲) ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز، ای که نزائیده و زائیده نشده ای و برای او همتایی نبوده است، مرا حفظ کن و پاک گردان و گرفتاری مرا از میان ببر. «و آیهالکرسی و سوره های ناس و فلق و قل هو اللّه احد را بخوان و بگو: »

(۳) خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و نیرویش ضعیف، و گناهانش بسیار است. درخواست کسی که فریادرسی برای نیازش، و نیرو دهنده ای برای ضعفش، و بخشاینده ای برای گناهانش جز تو نمی یابد. ای صاحب عظمت و کرامت! از تو عملی را درخواست می کنم که به سبب آن هر کسی را که آن را انجام دهد، دوست داری. و یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو یقین پیدا کند، سود می دهی.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بر راستی بمیران و نیازم را از دنیا قطع کن و در آنچه نزد توست، رغبتم را، آرزومندی دیدارت قرار ده. و توکّل راستین به خود را، به من ارزانی دار.

(۵) از تو نیکی آنچه نوشته شده و گذشته را درخواست می نمایم و از بدی آنچه نوشته شده و گذشته، به تو پناه می برم. ترس عبادت کنندگان و پرستش فروتنان برای تو و یقین توکّل کنندگان بر تو و توکّل مؤمنان بر تو را، از تو درخواست می نمایم.

ص: ۱۵۶۱

(۶) أللّهُمّ اجعَل رغبَتي فِی مسَألَتی مِثلَ رَغبَهِ أولِيَائِكَ فِی مَسَائِلِهم، وَ رهَبتِی مِثلَ رَهبَهِ أولِيَائِكَ، وَ استعَملنِی فِی مَرضَاتِكَ عَمَلًا لَا أترُكُ مَعَهُ شَيئاً مِن دِينِكَ مَخَافَهَ أَحَدٍ مِن خَلقِكَ.(٧) أللّهُمّ هَذِهِ حَاجَتِی فَأَعظِم فِيهَا رغبَتِی، وَ أَظهِر فِيهَا عذُرِی، وَ لقّنّی فِيهَا حجُتّی، وَ عَافِ فِيهَا جسَدَی.(٨) أللّهُمّ مَن أَصبَحَ لَهُ ثِقَهٌ أَو رَجَاءٌ غَيرُكَ،فَقَد أَصبَحتُ وَ أَنتَ ثِقَتَی وَ رجَائی فِی الأُمُورِ كُلّهَا،فَاقضِ لِی بخَيرِهَا عَاقِبَهً، وَ نجَنّی مِن مَضَلّاتِ الفِتَنِ بِرَحمَتِكَ يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ.(٩) وَ صَلّی اللّهُ عَلَی سَيّدِنَا مُحَمّدٍ رَسُولِ اللّهِ المُصطَفَی وَ عَلَی آلِهِ الطّاهِرِينَ.

ص: ۱۵۶۲

(۶) خداوندا، رغبت مرا در درخواستم، همانند رغبت اولیای خود در خواسته هایشان، و ترسم را مانند ترس اولیائت قرار ده. و مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.

(۷) خداوندا خواسته من این است. پس رغبت مرا در آن افزون گردان و عذرم را در آن آشکار فرما و حجّتم را در آن به من بفهمان و تنم را در آن عافیت بخش.

(۸) خداوندا، هر کس صبح کرد، در حالی که اعتماد یا امیدش به جز تو بود. پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی. پس آنچه سرانجامش بهترین است را برایم مقدّر فرما و مرا از فتنه های گمراه کننده نجات ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.

(۹) و درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است و بر خاندان پاکش باد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹